بسم الله الرحمن الرحیم و به ثقتی

بار خدایا از بیان حمد و ثنا و شکر سزای درگاه کبریای تو باشد در مانده و قاصریم و از ادای شکر نعما و آلای بی منتهی که عطا فرموده ناکرده و مقصر چنانکه نزدیکان و مقربان حضرت را بعجز و ناتوانی اقرار است و ضعف بشریت مایه عجز و مانع استکمال اطوار از ما بیاید نه ستایشی که باید نه پرستشی که شاید کمال عبادت و عبودیت ما اینست که رسول کریم و پیمبران بانکرم را از روی قلب و لسان بمهر و امتنان پیروی کنیم و بدین دست در دوستی و بندگی زنیم آل و اولاد ایشان را گرامی داریم و وسایل و وسایط رستگاری شماریم پس دست آویز ما در این عالم جهولی و نادانی و شدت خمولی و تولی ذیل کرامت و ظل حمایت و شفاعت پیغمبر برگزیده و رسول مرسل مختار است و ولای عترت طاهره بزرگوار علیهم صلوات الله و سلامه ما دامت الشمس شارقة فی رابعة النهار **اما بعد** برگزین مطلب و مراد نگارنده که بتوفیقات درمتعال عز اسمه سمت حصول می یابد و امیدوار است که بعز قبول ولی نعمت قدس همایون شاهنشاه جمجاه خسرو عادل کارآگاه السلطان بن السلطان بن السلطان و الخاقان بن الخاقان بن الخاقان **ناصر الدین شاه** قاجار ایده الله تعالی بنصره العزیز نیز مقرون شود نگارش تاریخ سلسله جلیله قاجار و این طبقه از سلاطین با تمکین تاجدار است چه جمله مولفانکه بتحریر آن پرداخته و در سنوات ماضیه مرتب و مدون ساخته نسبت باین تالیف منیف در حکم مقدمات و این مجلد که نام نیک و مآثر معظم له را فروغ با فروغ مشار الیهم خلد الله ملکهم را مخلد میسازد بمنزله نتیجه میباشد چونکه چنین است فایده ترتیب آن صغری و کبری این مقدمات کفت که بمنتهای آرزو و مأمول خود نایل آمده و مسئول و مقصود خویش را حاصل کرده لهذا از بخت شکر دارم و از روزگار هم و اگر این تاریخ قاجاریه که جلد سیم منتظم ناصری است بوضع مجلدات سابقه سال بسال ولی مفصل و مبسوط چنانکه شروع نموده بعون الله تعالی بپایان رسد عنایتی است که از الطاف خفیه خداوندی شامل حال و موروث ازدیاد خوشبختی و اقبال این بیمقدار گشته و بنحو اختصار و اجمال دینی که از سلاطین بزرگوار قاجار بواسطه بذل نعم وافره و عواطف متکاثره بر ذمت و رقبه این بنده و آبا و اجداد است ادا شده و از باب جبر دانند که پدران و نیاکان مولف نیز چون خود در این دودمان خلافت نشان همواره با عزت و شان بخدمت مشغول و باحسان و اکرام مشمول بوده اند و در مقابل آن نعمت بی قیاس این خدمت قلیل عرض تشکر و سپاس است

پوشیده نیست که جلد دویم منتظم ناصری بشرح وقایع سنهٔ هزار و صد و نود و سه که سال انتقال کریمخان زند است ختم شد و این مجلد میبایست بحوادث سنهٔ هزار و صد و نود و چهار ابتدا شود اما اگر قبل از شروع بآن و تتابع تمهید مقدمه ننماید چنانکه باید و شاید کتاب جامع نباشد و مرام کامل نگردد چه ذکر نسب جلیل فرخنده ایل قاجار و بیان سیر و آثار معظم اسلاف و آبای ملوک کامکار این سلسلهٔ علیه با تمکین و وقار در این محل و مقام از رؤس مسائل و معظمات مطالب و مهام است تا اهالی در این باب نشود و اغفالی در فتح ابواب و بسط اسباب بکار نرود بدوا ایراد مقدمه میپردازد تا کار را بر مطالعه کنندگان سهل و آسان سازد این تالیف بدرستی و راستی وافی گردد و فقط همین مجلد برای استدراک کلیهٔ منظور و مقصد کافی باشد

همچنین مخفی نماند که در این کتاب نیز همان سبک و طریقه را که در مجلدات سابقهٔ منتظم ناصری اختیار کرده ایم ملحوظ و مرعی خواهیم داشت یعنی پس از اتمام و تحریر وقایع داخلهٔ ممالک محروسه و نگارش سیر ملوک معظم هر سال حوادث مهمه و وقایع دیگر تمام روی زمین و اقطار کرهٔ ارض را مسطور خواهیم نمود و صاحب نظران که تتبع و تصفح صحایف و کتب اخبار یکی از شئون و افکار پسندیدهٔ ایشانست دانند که اتفاقات و سوانح عظیمهٔ مائهٔ نوزدهم مسیحی یا قرن سیزدهم هجری چندان اهمیت دارد و جاذب نظر دقت و اطلاع است که شاید آن نیز بر حجه حسن و محسنات این کتاب بیفزاید و فی المثل چون یاره و خلخال دست و ساعد شاهدان بدیع الجمال باشد و من الله التوفیق فی کل الاحوال

مقدمه

مورخین معتبر و مصنفین محترم مائهٔ سیزدهم هجری در اصل اصیل و نسب نجیب ایل جلیل قاجار و امرای این سلسله با شوکت و اقتدار هر یک بقدر مساعدت کتب و اسباب و جمع آوری دفاتر و اسناد و بذل الجهد و اجتهاد استقصائی نموده اند و شرحی نوشته بنابراین پسندیده و بهتر آنست که ما اولا بعضی مسطورات آنها بسا را عینا و برخی را بطور خلاصه و تنقیح عبارت ذکر و ایراد کنیم بعد از آن هر چه براه تحقیق و تدقیق بوئیم و آنچه را صواب و موشح بتصدیق اولی الالباب است و مطابق با واقع دانسته و سنجیده ایم بر بنان قلم آورده و گوئیم پس شروح مزبوره از قرار ذیل است در کتاب ملوک الکلام که مرحوم آقای میرزا تقی علی آبادی از رجال معظم از قول خاقان خلد آشیان مغفور فتحعلی شاه طاب ثراه نوشته چنین مسطور است

نخست گوهر پاکم پیش از آلایش آب و خاک از صلب پاک ترک بن یافث بن نوح تا زمانیکه مقتضی ظهور گشت شاگا بشان و حالا بجال تکمیل ترتیب پذیرفت تفصیل این اجمال آنکه ایل جلیل قاجار از اروغ میمون آق قوینلوی ترکمانیه و آن قبیله نبیله از اولاد ترک بن یافث بن نوح که یافث اغلان مذکور و بکثرت اولاد و احفاد مشهور قبایل و عشایر نتیجه یک نسل و فروع یک اصل از دو منشعب گشته پس از تسخیر ممالک شرق و شمال در ترکستان و چین و صقلاب و ختا و ختن جای گرفتند و دو طایفه از آن ملقب به آق قوینلو و قراقوینلو اکثری از بلاد روم و شامات و دیار بکر را بحیطهٔ تصرف در آورده بعزیمت ایران مصمم و در اندک زمان ایران را مسخر و آنرا بسه قسمت کردند که متون تواریخ و بطون اخبار از آثار و کردار سلاطین با اقتدار آن دو طایفه حاکی و حاوی است جمعی در گنجه و تبریز و ایروان ساکن و رایت سلطنت در ممالک آذربایجان و گرجستان و عراق و فارس افراختند آبای کرام و اجداد با عدل و داد ما در استراباد و گرگان بعد از استیلا بر ترکمانان دشت قبچاق تمکن و بهره در مرو شاهیجان توطن جسته بر اکثر بلاد خراسان حکمران و فرمان روا شدند شاه قلیخان پدر پنجم که سر خیل آن انجم بود پس از انقضای مدت حکمرانی ازین جهان فانی درگذشت و زمام اختیار را تخود و بفرزند نامدار شد خود فتحعلی خان بازگذاشت

اوامر

او امیری بود پادشاه نشان بمعاضدت شمشیر و مساعدت تدبیرش دولت علیهٔ صفویه را استقامت و استحکام تمام حاصل
بود پس از شهادت او مظهر جلال خداوند قهار نادرشاه افشار چندی بهتک و فتک و حرق و غرق ممالک ایران و ترکستان
و هندوستان را بر آشوفته ایران را ویران گذاشته درگذشت بر حسب قاعدهٔ روزگار که (بنوبتند ملوک اندرین سپنج
سرای) نوبت سلطنت موروث بمحمد حسنخان فرزند رشیدخان سعید رسید و او پادشاهی مؤدب بنفس مجرب بعقل
بود خصایل ملکی با کمال انسانی جمع داشت بطیب خلق و زیب خلق و عقل کافی و عدل وافی در اندک مدت ممالک عراق و
فارس و آذربایجان چون قلوب جمهور ناس مسخر و مغلوب ساخت پس از انصراف مهلت و انصرام مدت بعادت زمانهٔ نا
پایدار زمانش بسر آمد و زمانه پدر بضمان پسر آمد و از آن پادشاه هفت پسر خلف ماند هر یک در افخام و اصطلام
مقاتل لشکری و مقابل کشوری پدر تاجدارم حسینقلیخان ملقب بجهانسوز شاه و عم تاجدارم محمد شاه که در روضهٔ
رضوان قرار و دم بدم رحمت یزدان بر روح پاکشان نثار باد اختر یک برج و گوهر یک درج در عرصهٔ ممالک شایان تخت
و تاج و از سلاطین زمان ستانده و باج رخت ماند یوسف ابن یامین از یعقوبیان محسود برادران گشتند زنادظلم و عناد زند و اری و چهرهٔ عدل و انصاف در پردهٔ متواری ماند عم تاجدارم در شهر شیراز چون بیژن اسیر چاه و پدر شمشیر گذارم تا از چاه بچاهش نشاند مغفر سر بر تاج زر کمان و کمند بر حمایل کمر نطاق شمشیر بر کیانی کمر بند بن بر خسروانی بستر برگزید دستان وار داستانهای مردی و مردانگی در روزگار بیادگار گذاشت
برای اختلاف جنگها و سلطنت و استیلای بر ممالک مملو کا دولت و ملکت مختل ماند آخر ایرانیان تیره و دشمنان چیره

برو زو شب پی رزمش نه روز بود و نه شب
ز ماه و خور پی بزمش نه خواب بود و نه خور
بجابکی و دلیری چنو سوار نبد
اگرچه پور پشنگ و اگرچه رستم زد
همیشه تیرش پیش از خیال در دل خصم
بفرق تیغش پیش از نهادن مغفر

عاقبت جهان اختلاف بشهادت سعادت یافت پس از تبدیل چندی از لیل و نهار و تحویل این دو شنابندهٔ بیمدار
(اقبال را بوعده و فا کرد روزگار) کریمخان زند که باعث آن کار نا پسند بود آزادمان شراب و ایمان خراب چون نقش بر
آب و موج سراب از هستی ناچیز ماند از تخت بتخته رفت و از گاه بخاک سپاخت

از محاق قضا برون شد ماه
وز عری خطر برون شد شاه

عم نامدارم از شهربند شیراز چون شاهباز بآشیان پرواز آمد و استرآباد مازندران گرفت انتهی
مرحوم میرزا ابو القاسم قایم مقام از وزرا و ارکان دولت خاقان علیین مکان فتحعلی شاه طاب ثراه در کتاب شمایل
خاقان گوید ایل جلیل قاجار را نسب بترک بن یافث و اغوزخان میرسد و شرح مبسوطی در این باب میکارد که خلاصهٔ آن
از قرار ذیل است
واقدی گوید ترک بن یافث با کیومرث بن جهان ایران معاصر بوده و هر دو در یک عصر واضع رسم سلطنت شده اند
بعد از آن بعضی از اولاد سام و حام در ممالک یمن و هند و حبشه و شام دارای داعیهٔ اقتدار و احتشام گردیدند
بنا بر مسطورات تواریخ ترک بن یافث اول خاقان ملک مشرق است و از نسل او چهار فرزند بوجود آمد بزرگتر از همه فوک بود
که در کودکی در ساحل رود سلوک صید ماهی نمود لقمهٔ چند تناول فرمود اتفاقاً پاره گوشت بریان از دستش در قطعهٔ
زمینی شور افتاد چون آن را بر گرفته آلوده بنمک شده بود ذائقهٔ او را از طعم نمک خوش آمد وقت شام صورت حال را بعرض
پدر رسانید و خاص و عام را بعد از آن میلی تمام باستعمال نمک حاصل شد و معدن نمک از ترکان پدید آمد بالجمله رایت اقتدار
ترک در تمامی ملک پدر و املاک برادران چنان افراخته گشت که با آنکه ایشان مانند غز و خلج و چین و سقلاب را مالک

بودند.

بودند وحدود وسنور شان با یورت مخصوص ترک آشکار و معلوم با ز اکنون در تمام ربع مسکون جملگی را در حکم یک ملک دانند و بنام ترک خوانند و او مهتر فرزندان خویش را برای ولایت عهد برگزید لاجرم مقالید ملک را باو عطا کرده ایلیسنجه خان لقب داد تا کارهای خطیر کند و بر جمله امیر باشد و خود شهریاری قادر قاهر بود که بر عموم اسلاف و احشام و اقارب و بنی اعمام از فرط کیاست برتری و ریاست یافت و بنفس خویش در فصل موسم بهار سوق و قار قوم و جبال اورتاق و کورتاق ییلاق و قشلاق میکرد و آن دو کوهی است شامخ و عظیم که از مشهورات عالم است خواجه رشید بن فضل الله طبیب نام آن شهریار را در جامع رشیدی ابولجه خان ضبط کرده است و بعضی این لقب را مخصوص ترک بن یافث دانسته قومی دیگر بر آنند که این خود بی واسطه فرزند نوح نبی است و علی ای حال اختلافی در این نیست که حضرتش واسطه طلوع انوار حسن از ناصیه جمال دیب باقوی خان بوده و این اسم علم مرکب منقول است چه در اصطلاح اتراک دیب مقام و جا و تخت باشد و باقوی خداوند پیروز بخت و در انتقال جمال حسن از مظهر وجود او به پیکر شهود قراخان اختلاف روایاتست بنا بر مسطورات تاریخ رشیدی قراخان بی واسطه غیر از صلب دیب باقوی خان بوجود آمده لیکن در تواریخ مشهوره چنین مسطور است که بعد از دیب باقوی فرزندش منهین وکیوک مهتر ترکان بود و ولایت عهد ملک را بفرزند خود النجه خان تفویض نمود مغول و تاتار ازو بوجود آمدند و هر دو را وارث تخت و دیهیم کرده و ممالک خویش بدیشان تقسیم نمود از صلب مغول نیز چهار فرزند مذکور موجود گردید و هر چهار کافر و نابکار بودند از جمله قراخان بود که در عهدش احدی را مجال اقرار توحید و خیال تقدیس و تمجید ممکن نمیشد و از قراخان اغوزخان بوجود آمد و ترکان را در ولادت او اعتقادی چند است که اسناد آن جز بانبیا و اولیا شایان نیست از جمله گویند پس از تولد تا سه روز کام و دهان بشیر مادر نیالود و هر شب در عالم خواب بمادر خطاب میکرد که شیر تو وقتی خواهم خورد که مؤمن و حق شناس باشی و بعد از آنکه مادر را داخل دین حنیف کرد باغوز لب به پستان او گذاشت و شیر نوشید و آن دین داری پنهان بود تا عمر کودک بیکسال رسید قراخان برسم ترکان جشن تشخیص اسم پسر آراست جمیع خواص از آن بزم و بال در آن سور و مال بتعجب گردند و در تعیین اسم پسر مشورت میکردند که طفل رضیع خود بزبان فصیح گفت اسم من اغوز است خلاصه اغوز روز بروز در چشم پدر گرامی تر میشد تا بسن بلوغ رسید بحکم پدر دختر عم خویش کورخان را در حباله نکاح در آورد و عرض ایمان باو کرد و او را نهایت منکر دید برای اینکه عم و پدر و قوم و حشر از این راز باخبر نشوند ترک او و قطع گفتگو کرده دختر عم دیگر را که اوزخان نام داشت بخواست او را نیز همان عقیده دیده چشم از وصال او پوشید و بعقیده اتراک لفظ الله را بجای خواندن در سوی لغت عرب با اغوز ورد زبان کرده و شنوندگان معنی آن را نمیدانستند خلاصه چون اغوز مؤمن بود و قوم را مشرک میدید غالبا از خدمت پدر مفارق بود و با اقوام موافق نمیشد وقتی از شکار بشهر باز میگشت از حوالی سرای عم خود گذشته اتفاقا بجوقی از جواری برخورد که بر لب جوی جامه میشستند و دختر عم او بوزخان بر لب جوی ایستاده مشاهده جمال او اغوز را مفتون ساخت بی اختیار از اسب فرود آمد و با آن محبوب در گوشه ابواب گفتگو باز کرد و گفت از ماجرای من و دختران عم باخبری و میدانی که اکنون جمال تو را عاشقم ولی آنگاه تو را همدست خواهم داشت که دوست خدا شوی دختر نیز چون دل با اغوز داده بود زبان باقرار گشود اغوز او را بزنی بگرفت و زنان پیشین حسد برده وقتی که قراخان جشنی عظیم داشت او را از ابای اغوز از دین آبا خبر دادند آتش خشم قراخان مشتعل شده فورا عزم قتل پسر کشته چون موکب اغوز در صحرا بود با گروهی از ترکان بیباک از شهر بیرون شد خاتون اغوز نیز پیکی را بجانب او روان کرده ماجری را اعلام نمود اغوز چون راه گریز ندید دست ستیز گشوده آن روز تا شام با پدر نبرد کرد و در اثنا تیری بر مقتل قراخان رسید و در حال درگذشت بعد ها فوجی از خیل مغول بجیش اغوز پیوسته مدت هفتاد و پنج سال با اعمام و بنی

لعمام وسایر طوایف و اقوام جنگ میکردند تا بر ایشان غالب آمد و تاتار و مغول چون اکرمی او را قبول کردند از شهر اینانج و بحر خلوک تا حد خوارزم و رود جیحون در قبضهٔ تصرف او آمد و عقیدهٔ ترکان اینست که از آب جیحون نیز گذشته اکثر ربع مسکون را بضرب شمشیر عرصهٔ تسخیر ساخت و در مرز توران و ایران و خطهٔ هند و سند و روم و فرنگ هیچ جا مقام نکرده بطرف مسقط الراس نهضت نمود و حدود اورتاق و کرتاق را که یورت آبا و اجداد او بود مقر خلافت نمود و با حضار روس الوس و معارف طوایف فرمان داد تا خلقی کثیر از ترک و تاجیک جمع شده باتفاق آغا و اینی بر تخت خانی نشست و جشنی عظیم بکر فتند و هر کس از اقارب و خویشان که در روم فراخان بوکبا و پیوسته بود ایغوز لقب داد اقوام قنقلی و قارلوق و قپچاق و آقاجری از نسل ایشانند

بالجمله در تواریخ مغول مسطور است که اغوزخان را شش پسر بود و از هر پسر چهار فرزند بوجود آمد که از نسل هر یک در قلیل زمانی جمعی کثیر پدید گشته خیل ایشان از نام پدر نشان یافت که اکنون بهمان اسم معروف و مشهورند گویند روزی پسران اغوز عزم شکار کرده کمانی زرین با سه چوبهٔ تیر در شکارگاه یافتند و نزد پدر بردند اغوزخان کمان را سه پاره کرده به پسرهای بزرگ داد و سهام ثلاثه نیز حصهٔ پسران کوچک شد پس پسران بزرگ را بوزوق لقب داد و پسرهای کوچک را اوچوق خواند و لشکر دست راست را بمهتران سپرده و دست چپ را بکهتران و فرمود که چون تیر در حکم سفیر است و کمان بمنزلهٔ امیر تخت پادشاهی از بوزوق خواهد بود و بر وفق این وصیت بعد از وفات او گون‌خان که مهتر بوزوق بود بر تخت پادشاهی نشست و هفتاد سال سلطنت کرد و او ربابیکی نام را از قبیلهٔ جورجه منصب وزارت داد و خواجه عاقل و هوشیار بود در بدایت جلوس گون‌خان عرضه داشت که اغوز پادشاهی بزرگ بود و ممالک مسخر نمود خزاین و اموال گذاشت دریغ است که آن مال بقیاس پامال روزگار گردد و آن نام نیک بزشتی گرایش شود صواب آنست که این بیست و چهار پسر را خیل و حشر و مال و دواب و یورت و مقام مفروز باشد و هر یک را تمغائی علیحده و انقونی جدا گانه مخصوص کرد تا هیچوقت بخیال خلاف نیفتند گون‌خان این رای را پسندیده قسمت هر یک از احفاد اغوز را معلوم و مفروز کرد و مهر و نشان ایشان را که تمغا و انقون گویند معین فرمود و چون وقت انتقال رسید برادر خود آی‌خان را قایم مقام نمود و زان پس بر تخت نشسته فرزند خویش منگلی‌خان را ولیعهد ساخت چون او در گذشت تخت پادشاهی از نسل بوزوق بقوم اوچوق رسید و تنگیزخان که فرزند ششم اغوز بود وارث ملک پدر گشته یکصد و ده سال بر تخت خسروی بود بعد از آن عابد و منزوی شد و اکبر اولاد خود را قایم مقام کرده ایلخان لقب داد و چون نام و نشان اولاد اغوز و طوایف ایغوز بر وجه تفصیل در تواریخ مشهور نیست و هر جا که هست بتدریج ایام تصحیف شده لازم آمد که در اینجا مذکور و درج شود

ذکر فرزندان اغوزخان

فرزندان اغوزخان بیست و چهار نفر اند و اقوام بوزوق سر طایفه و طایفهٔ گون‌خان چهار شعبه پس شعبهٔ اول از طایفهٔ گون‌خان قای است که فرزند مهین گون‌خان بود و از سبر در فیصل امور سختی مینمود او را قای گفتند که در اصل لغت بمعنی سختی و شدت است و اکنون بالمجاز کمرهای کوه و سنگهای سخت را بدان نامند یورت او و اولاد او تا عهد ایلخان در دیار رهیطل و کنار سیحون بوده و پس از تسلط تور از یورت و وطن دور مانده اند و در عهد محمود با آل سلجوق متفق گشته و از آب جیحون گذشته در حدود شبرغان و مرغاب مقام کردند اکنون نیز ساکن حدود دشت و داخل طوایف ترکان و در خیل جان نثاران دولت ابد نشان میباشند شعبهٔ دویم بای آق که فرزند دویم گون‌خانست اتابیکی او با ورباییکی مفوض بوده و در دار و وزارت نشو و نما نموده بسعی وزیر مهتر

برادران وسران وبهادران گردید و بر ساحل قراموران یورت گرفت که با موطن اصلی و زیر قرب جوار داشت و چون
در وفور نعمت و علو همت بر همگنان تقدم یافت و نام نیکو بفضل وجود نیز آورد اورا بای آت گفتند که آت بمعنی
اسم است و اکنون آد گویند و بای بمعنی بزرگی و شکوه و مال و نعمت انبوه است و معلوم نیست که احفاد او در چه
عهد بایران آمده اند چه تا عهد تیمور بهیچ جا نام و نشانی از امرای طوایف و ایشان مرئی و مشهود نگردیده همین قدر
مسموع و مشهود است که طایفه از اینقوم برحسب حکم تیمور بغزو شامات مامور گشته چندی در آنجا بودند و چون باز معاودت
نمودند در حدود دشت و گرگان نشستند با ایل جلیل قاجار پیوستند که اکنون بشام بیاتی موسوم اند و در جمع طوایف
قاجار محسوب ولیکن از عهد دولت صفویه تا زمان این دولت علیه سران سپاه و یلان کارآگاه از اینقوم در رکاب
پادشاهان بوده و در سفر و حضر خدمتهای نیکو نموده اند در این زمان چند تن امیر بزرگ از بیات مطلق و بیات شام در معسکر
شاهنشاه اسلام موجود است یکی از آنجمله امیر کبیر محمد علیخان که در حد عراق عرب سالار سپاه است و برادرش اسمعیل خان
عاکف حریم درگاه دیگر امیر دلیر پیر قلیخان که اکنون در جرگه پیران است و با چنگ شیران و فرزند ارجمندش محمد باقر خان
که در حضرت نیابت و ولیعهد دولت سلطنت چاکر جان نثار است و فوج نظام را سالار بار و این چهار از قوم بیات شام اند و در
سلک خوانین و امرای قاجار واز قوم بیات مطلق نیز در ممالک عراق و فارس و آذربایجان و خراسان امرا و خوانین نامدار
و منجند بسیار موکب اقدس را در ظل رایات و حضرت اعلی را مشغول خدمات اند اقدم ایشان امیر عظیم الشان ابراهیم خان
که در عهد پیش عمر خویش در بندگی خاقان مغفور (آقا محمد شاه) و چاکری دارای منصور صرف کرده و اکنون باقی عمر را
بخدمت درگاه ولیعهدی وقف و برادرش اسمعیل خان که امیر هزاره الوار است و دلیر معارک پیکار و دیگر مقرب الحضره
علیخان که چندی ثغر اردبیل را مانند زنده پیل حراست میکرد و بر آجیار آن ثغور و ابلاد تاخت و در یاشیاقت و برادرش
رحمن خان که چاکر خاص شهریار است و صاحب عزت و اعتبار دیگر از این طایفه بزرگان بسیار در سلک خدام دربار سپهر
غلام است که ذکر ایشان موجب اطناب خواهد بود و تخصیص این چند نفر از آنست که ذکر ایشان در وقایع دولت روز
افزون که من بعد بتوفیق خدای بیچون در ذیل این کتاب مسطور خواهد گشت بسیار آورد خواهد شد و بهتر آن بود که نام
و نسب ایشان بیشتر معلوم و باجمال مرقوم گردد شعبه سیم اینغوالی نام این شعبه در هیچ تاریخ نیست مگر جامع التواریخ
و او را فرزند سیم گون خان نوشته اند و یورتشان در سرحدات ممالک شرق بوده و در سلطنت اروغ چنگیز و سایر
سلاطین اتراک امیری معتبر و بزرگی نامور از اینقوم در وجود نیامده اکنون نیز نشانی درستی از ایشان در ایلات
ممالک محروسه نیست و اگر هست خامل و مطموس است شعبه چهارم قرا اولی که پسر چهارم گون خان است یورت او
در حدود کوکانا بود که آنسوی شهر اینانج و چند مرحله از قراقرم بالاتر است هوایش بشدت سرد و جبالش بغایت
سخت خلق آن موضع در عهد قدیم ایلات دشت بوده اند و در خیمه سیاه می نشستند این پسر را قرا اولی نام کردند یعنی صاحب
خیمه سیاه و چون در موکب هلاکو لشکری تمام مامور شد که بر همه طوایف و اقوام حوالت رفت فوجی از اینقوم نیز
با هلاکو بولایت سپید در کوهستان جغتو که اکنون داخل محال ساوجبلاغ است مسکن گرفتند و چون ازدحامی چندان در
احشام آنها نبود رفته رفته بطوایف افشار پیوستند که بالفعل جزو طایفه افشار اند و فوجی از مردان کار در
سواران نظام و سربازان خون آشام دارند در عشایر ترکان نیز از این شعبه چندی هست که در خیل سایر شعب داخل
گشته و ذکرشان خامل مانده بالجمله از اینقوم شخص معروفی که نامش قابل ذکر و حالش درخور شرح باشد مسموع
نگردیده بلی هر چه هستند هر جا نشستند در جرگه رعیت و ایل و خدام این حضرت جلیل میباشند

فرزندان

فرزندان آی خان که دوتیم پسر اغوزخانست چهار نفر اند اول یازر که نامش مشتق از یارشماق و بمعنی برازندگیست بورتش او در حدود بلاس و قاری صیرم بود در تاریخ مغول نوشته اند که قاری صیرم شهر عظیم قدیم است که چهار دروازه داشته و از بدایت تا نهایت آن یکروزه راه بوده در عهد قبلا قاآن تعلق باولاد اوکتای قاآن و مسکن الوس قایدو و قونچی گشته اتراک مسلمان در آنجا می نشسته اند و از نسل یازر امیری جلیل و بزرگی برازنده که نام او در تواریخ مانده باشد نیست دوتیم دوکسا آرکه بمعنی گرد آورنده است یعنی جامع الشتات یورتش الوس او در بیابان ناوور بوده و تا عهد منکو قاآن نام و نشان ایشان در افواج هزاره و صده هست و فوجی بر حسب قسمت در جرگه سپاه هلاکو با یران آمده اند و در نواحی اردبیل مسکن گرفته است که در غایت ضخامت تمام نمودند و ناوور کولی نام کرده بمرور ایام خراب و ویران مانده بود تا در این عهد سعید بامر و فرمان حضرت ولیعهد دولت قاهره تجدید عمارت یافت و مزرع آن بمهتر جلیش نظام ابراهیمخان سرتیپ تفویض شد رفت و بخلیل آباد موسوم گشت سیم دودورغه که بمعنی ملک گیرنده است و یورت قدیم او معلوم نگشته از نسل او جیلی عظیم در دشت ترکمانان هست و اسبان ایشان را جینیسه هلاکانر است که اغلب چابک و توانا باشند نه چندان نازک و زیبا چهارم یاپرلی که در بادیه باشعر بوده و مقام داشته معنی نام او صحرانشین است و اولاد او تا عهد ایلخان در همان حدود ییلاق و قشلاق مینموده اند و اکنون از اعقاب ایشان جمعی فراوان داخل ایل ترکمان است و حکام استرآباد را بندهٔ فرمان

فرزندان یلدوز خان چهار نفر اند اول اوشر که در اصل اشتقاق ماخوذ از اوشماقست یعنی بر بدن و لیکن در اینجا کنایه از چستی و چالاکی و جلدی و بی باکی است آل و اولاد او در موضع اونن رخت گزین بودند که نزدیک بکلوران است و کلوران آنجاست که یورت چنگیزخان بود و چون کار دولت او در آغاز بالا گرفت قوم مغول را بفال نیکو آمد و بعد از آن هرکرا تخت سلطانی بود و بر تخت قاآنی مینشست بالضروره در همان مقام قوریلتای عام میشد چنانکه بعد از مرگ کیوک باتو که مهتر شاهزادگان بود و عارضهٔ درد پای داشت لاجرم برای محفل کنکاج باستدعای سایر شاهزادگان و استحضار سایر امرا و نوئینان ایلچی فرستاده فرزندان جغتای و اوکتای ابا نمودند که یورت میمون و تختگاه چنگیزخان اونن و کلوران است و تمهید قوریلتای در دشت قپچاق خلاف یوسون و یاساق پس منکو قاآن با برادران جانب دشت شتافته حضرت باتو را دریافت و چون خواست که بر تخت نشیند باز جانب کلوران رفت و چندی آنجا بماندند تا اجتماع شهزادگان دست داد و در همان یورت میمون بسعی باتو قاآن شد پس بوقتیکه برادر خود هلاکو خان را بایران میفرستاد اقوام اوشر قسمت خود را از هزاره و صده بیرون کردند و جمعی غفیر از آنقوم بدین ملک رسیده در محال آذربایجان که تختگاه هلاکو خان بود توطن گرفتند و رفته رفته بزرگان نامدار و امیران با وقار از ایشان پیدا شد و خیل ایشان را چندان ازدیاد و انتشار پدید آمد که در فارس و عراق و خراسان جای جسته هر جا تمکن کردند و پایهٔ تمکین یافتند و چون بحضرت ملوک بصدق نیت سلوک میکردند گروهی از ایشان در زمان صفویه و سایر ازمان بپایهٔ امارت رسیده بعضی از اوقات در تمامت آذربایجان صاحب امر و فرمان بوده اند و سالهاست که ولایت ارومی و سلدوس مسکن ایل و الوس ایشانست و همواره بیگلربیگیان جلیل الشان داشته و رایت جلال می افراشته اند تا در این عهد فرخنده مهد لوای اعتلای آنقوم باوج کمال رسیده بعزت قرب دولت و پیوند بارگاه بلند و آستان ارجمند خسروانی ممتاز گشته و سه شاهزادهٔ باوقار که باغ دولت را بهارند و کاخ شوکت را نگار از بطن بنات افشار بوجود آمدند اکنون از سراة این خیل سران با فر و جاه چاکر درگاه همایون اند که

چندین مثل اغوز و یلدوز و زواینده چاوچیاکر درگاه خویش دانند مهتر ایشان امیرالامراء حسینقلیخان که خال
ومیان شهزادگانست و داماد و رئیس آزادگان و فخر الکبراء فرج الله خان که یکچندی در حضرت خدیو جهان سالار نسقچیان
بود و چندی سردار سپاهیان شد و برادرش علیخان که در حضرت شهزاده ولیعهد دولت قاهره صاحب بال اعتنا
است و صاحب یساق باردیگر از کماة اینقوم قایدان سپاه و غازیان کینخواه در ظل لوای منصور است که حصن گردون
را کشایند و تاج کیوان را ربایند از آنجمله عالیجاه محمد ولیخان که در رتبت چاپشچی همایون داخل امرای هزاره است و قاید افواج
سواره و عبدالصمدخان که سرهنگ سواران نظام است و ضرغام معارک انتقام قومی دیگر نیز در سلک سربازان خونریز
منسلک میباشند و چون نام این ایل اکثر با استعمال مشهور با فشار است هرجا ذکری از ایشان شود باین نام مسطور
خواهد گشت و هم بیگدلی و این لفظ از اعلام مرکبه منقوله است اصل آن بوک دلی بوده بوبوک یعنی بزرگست و دل
یعنی زبان و لی از ادوات نسبت میباشد اکنون بحذف و تخفیف از وضع اصلی تحریف یافته به بیگدلی مشهور است چنانکه
تازیان عبد شمس را عبشمی خوانند و پارسیان شاهان شاه را شهنشاه گویند اغرجر را و اوایل حال یورت اینقوم در جبال
اولتای بوده که آنسوی قراقوروم است و در عهد چنگیز تا زمان غازان منسوب باقوام تایمان گشته بوقت قوز بیشتر آنها
سبز و چشمه های نغز دارد و در فصل شتا چندان باد سرد و برف سخت آید که از جنس شجر و نوع ثمر رسم و اثر نماند و چون این
مقام بموقف جلال ایلخان نزدیک لشکر بود را پایمال ستور آمد و آتش قتل و بیداد در قوم بیگدلی افتاد هرکه از تیغ بیداد
رست بقوم تاتار پیوست و چندی بدینواسطه بنام و نشان در جرگه ایشان بودند تا لشکر مغول جهانگیر شد و اکثر
اقوام ترک داخل سپاه و خادم درگاه ایشان گشته در عهد اوگتای قوچی از اینقوم نیز در جزو هزاره تایمان بتومان
تایجوپوست و مصحوب لشکر جورماغون بممالک ایران رسیده و شعبه از آن در طی اوقات بممالک شامات افتاد که مشهور
بشاملو شد و از روی تحقیق معلوم نیست که در چه هنگام از ایران بشام رفته اند و چه وقت باز معاودت نموده
مجملا در دولت صفوی و نادری اعیان امرا و اشراف و کبرای اینقوم مشهور و معروف بوده و هریک در زی خویش
کسب کمالی نموده اند از آنجمله مصطفیخان که از جانب نادرشاه بسفارت روم مامور شد و حاجی لطفعلی بیک که در
عهد خویش بیمثل و یگانه بوده و در فن شعر استاد زمانه کتاب جامع در ذکر شعرا نگاشته چون آذر تخلص داشت آتشکده
نام نهاده دیگر خلف الصدق او حسینعلی بیک مانند شهزاده آذر است و تخلص شرر و اکنون در سلک مادخان دربار
و چاکران سرکار شاهنشاهی برتبه انخراط دارد و پایه شعر بتارک شعری گذارد دیگر از ارباب مناصب اینقوم احمد
خان نایب است که در همین سال از موقف جلال همایون مامور تفلیس بود و خدمت نیکو نمود و افواج بسیار از
پیاده و سوار در خیل جنود مسعود دارند که بعضی داخل جیش عراق اند و اکثر حافظ ثغر آذربایجان و اکنون ایل
و الوس ایشان را گرد و جام بیع و مقام است یکی ناحیه مزدقان که نزدیک دارالخلافه طهران است و دیگری در نواحی
مراغه که از ممالک آذربایجانست و چون راحت عام در اینعهد مقدر بود اینقوم نیز نام گم گشته خود را باز جسته
از هر جهت در خصب راحت اند و امن و استراحت خصوصا از دهکده یورت و مقام که کوئی درازای آن تنگی عیش و سختی
حال که اجداد و آباء ایشان از اندر شعاب اولتای بود رودبار جقتو و کوهسار مزدقان قسمت و نصیب ایشان شد
که از باغ و گلشن و آب روشن و غله و کشت غیرت بهشت است و چندانکه در یورت قدیم بی غله و میوه دره و دهر
کیه میکشند اکنون ثمار الوان در وثاق و ایوان چیده بناز و عزت میل و رغبت نمایند سیم قرق بکسر اول
و ثانی و سکون ثالث یعنی قوچال یورت او در موضع قالدون بود که در عهد چنگیز داخل مغولستان شد

علفزار وسیع رودخانهٔ عظیمی است و اولاد قرق از سایر فرق بیشتر بوده و در عهد ایلخان کثرت بیقیاس داشته اند
و چندی با لشکر بوزونتاتار در این جنگ و پیکار افراشته بعد ها که لشکر تور بر بلاد ترک تسلط یافته از بیم جان تفرقه یافتند
و بهر جانب متشتت شدند بعضی داخل اوبغوز شده اند که هم حال داخل ترکانان اند و هر سال فوجی از سواران جرار
بموکب منصور میفرستند بعضی که از آب جیحون گذشتند ساکن سیبجاب گشته در اواخر بخراسان افتادند و بقوم اوشیر
پیوسته اکنون از شعب افشار محسوب اند و بقرخلو مشهور و تا عهد شاه طهماسب ثانی نام و نشانی از معارف این قوم
در سیر و تواریخ نیست و لیکن در آخر دولت صفوی که خزان باغ خسروی بود قهرمانی قادر مانند نادر از این شعبه
پیدا شد که از حد موصل تا رود جیحون مسخر کرد و بر هند و سند و روم و روس مظفر گشته احفاد او را ملک و
دولت برقرار بود تا طلیعهٔ دولت پایدار پدیدار شد و باغ خسروی را فصل بهار آمد پس امیر الامرا حسینخان سردار که آن
وقت حارس خراسان بود بیلک رکضت خیل و نهضت میل جمله را مقهور و مغلوب کرد و ملک مغصوب باز گرفت و جمعی
از معارف احفاد و نتایج اولاد او را به بندگی حضرت فرستاد که هر یک چاکر یکی از ابنای ملوک گشته تحز اینکونه چاکری
در نسل احفاد نادر که مانند چهارم قازقین یعنی دهندهٔ آش بیلان و خواجه خوان الوان بوده و در حد و اسپرسین
بود و بعد از تسلط تور معلوم و مذکور نیست که قوم او را چه پیش آمده و در کدام زمین منزل گزین گشته اند
فرزندان کوک خان که چهارم پسر اغوز است و اول قوم اوچوق چهار نفر بوده اند اول بایندر که در اصل بای اندر
بوده بای بمعنی بزرگ با شکوه است و اندر مکان مرتفع مانند پشته و کوه یعنی بزرگ بلند قدر جای او در حوالی یورت
قای بوده و احوال فرزندان او در فتنهٔ تور و فریدون مشخص نگشته و معلوم نیست که در چه عهد بایران رسیده
لیکن یورت ایشان در این ملک معلوم است و تا اکنون به بایندر یورتی مشهور در نواحی سهند مقامی دلپسند است
که مرغزار بدیع و کوهسار رفیعش از خضرت ظلال و رفعت قلال با گلشن خضرای چرخ و جنت علیای خلد برابر است و از
تارک گردون برو طارم برجیس و تیر فراتر شعابش لاله زار است و سحابش ژاله بار نسیمش عطر بیز و زمینش مشک
خیز هنگام تموز که از تاب سورت هوا و شدت گرما در سایر اماکن نتابد بود رودهای ژرف از کوهسار
برف روان دارد که آب زلالش چون شهد وصال روان آرد و بالجمله در عهد دولت مغول قضا این یورت مقام این
ایل بوده در آن جنت عدن نشو و نما مینموده اند تا بصروف ایام در حدود قراباغ و نخجوان منتشر گشته روزگاری
دراز است که در ملک برع یورت و مربع گرفته اند و بعضی جانب مرز گروس رفته بالفعل در آن سرزمین ساکن
قرا و رباع اند و مالک عقار و ضیاع و در ذکر مفاخر این قوم و شرح مدح این ایل همین بس باشد که فاضل عهد فاضل
خان و خواجه خلد مکان محمد علی بیک از ایشان برخاسته یکی در عهد خاقان مغفور (آقا محمد شاه) منصب کلانتری
داشت و این یک اینک در حضرت خدیو جهان پایه قربت و رتبهٔ اختصاصی دارد که محسود دور و زمان و مغبوط
اوج آسمان است دویم بیچنه که اسم و رسمی از وی در ممالک ایران نیست و در تاریخ مغول نیز نامی از خیل و سپاه او ایل
و الوس او بنظر نیامد همینقدر از جامع التواریخ مستفاد گردید که این لقب بر کسی نهند که ساعی در مهمات امور
باشد و انجام مهام نزدیک و دور دهد انتهی
اینست نقد دیگر از کتاب شمایل خاقان دیده شده و عقیدهٔ بعضی اینست که این کتاب را مرحوم قایم مقام باختتام
و انجام نرسانیده است
میرزا صادق وقایع نگار مروزی از اعاظم نویسندگان عهد خاقان خلد آشیان (فتحعلی شاه) طاب ثراه در تاریخ

جهان

جهان آرا گوید
جماعت اتراک غوزیان و سلسلهٔ سلاطین و خوانین ترکستان خصوصاً منسوب باغوزخان پسر ششم ترک بن یافث بن
نوح علیه السلام اند که در میان اتراک بجشید ترک اشتهار داشته است و بعضی دیگر از مورخین اتراک را منسوب
بقالیخان که پسر سیم عیص بن اسحق علیه السلام است دانسته اند و برخی نیز اعتقاد اینکه قالیخان همان عیص بن اسحق
است قائلین قول اول را دلیل اینکه بعد از وقوع طوفان نوح علی نبینا و علیه السلام سه پسر که حام و سام و یافث
باشند باقی ماند و هر یک از ایشان بتعمیر رکنی از ربع مسکون مامور آمدند سام بتعمیر اقلیم ثالث و رابع که مملکت ایران
عبارت از آن است همت گماشت حام روی بولایت سودان و هندوستان آورد یافث عزیمت بلاد شرقی و سمت شمالی
را کرد بنات و اولاد و احفاد یافث بمناسبت اسمی ترک بن یافث مسمی بترک آمدند و اول کسی که در آن سلسله صاعد مراتب
برتری و عارج معارج سروری آمد اغوزخان بود که سلاطین و خوانین ترک منسوب بوی میباشند و او ابوالملوک
سلاطین اتراک است چنانکه در سلاطین عجم کیومرث ابوالملوک بود جمعی دیگر از مورخین که اینطایفه را منسوب بقالی
خان دانسته اند چنین گفته اند که اسحق نبی علی نبینا و علیه السلام را از یک بطن دو پسر توام متولد گردید اول عیص بود
و ثانی یعقوب و وجه تسمیه یعقوب اینست که در حین ولادت پاشنهٔ عیص را گرفته قدم در عرصهٔ وجود نهاد بعد از چندی
که برادران بمرتبهٔ کمال و درجهٔ جلال رسیدند نظر بکثرت اولاد و احفاد و عشایر و قبایل عیص بن اسحق روی به بلاد
مشرق و نواحی شمال آورد و حضرت یعقوب نبی در بلاد عرب توقف نمود و در آن سلسله اول کسیکه رایت حکمرانی
برافراشت قالیخان بود که بزعم بعضی پسر سیم عیص بن اسحق است و بقول جمعی دیگر همان عیص بن اسحق است که در
میان اتراک بقالیخان اشتهار یافت علی ای تقدیر بعد از تتبع در اقوال خلاصهٔ مطالب اینست که علم ازلی تعلق
براین گرفت که نبوت و سلطنت در آل ابراهیم علیه السلام باشد بنا براین انبیا و رسل سوای حضرت خاتم انبیا صلی الله علیه
و آله که از نسل حضرت اسمعیل علیه السلام میباشند کلاً از آل یعقوب علیه السلام اند که نسلاً بعد نسل رایت رسالت
افراشتند و خوانین از سلسلهٔ عیص بن اسحق اند انبیا را ظهور رسالت در دیار عرب و ام القری بود و سلاطین را طلوع
نیر سلطنت از بلاد مشرق و ترکستان عرب را بر عجم تسلطی و ترک را بر عرب استیلائی نبود تا بمرور دهور و اقتضای
گردش ماه و هور سلاطین عجم را دولت قدیم سپری شده در عهد خلفاء عرب را بر ولایت عجم و برخی از بلاد ترکستان
سمت سروری و برتری روی داد عرب با عجم مختلط آمدند و از اختلاط ایشان و توطن عرب در خاک ایران شد بیع بعضی
از طوایف دیگر مثل افاغنه که منسوب به بنی خالد اند و اکراد که مجمع از پراکنده و متفرقهٔ عرب و عجم اند نام بر آوردند از آخر
سلطنت سلطان محمود غزنوی طایفهٔ سلاجقه که منسوب اند بسلجوق بیک که وی بقولی از احفاد افراسیاب ترک است
بجهت اختلاف سلاطین ترکستان از آب جیحون عبور نموده در ولایت خراسان با دعای سروری سر بر آوردند و نظر بتمامت
فطری بر مجموع ایران و روم مسلط آمدند چندیکه بر این منوال گذشت کاخ دولت آن طایفهٔ جلیله متزلزل گشت و
ارکان سلطنت بی قوام گردید هر کس در قطری از اقطار عالم علم حکمرانی برافراخت همچون سلاطین خوارزمشاهی و اتابکان
عراق و شام و فارس و یزد و کرمان و دیاربکر و آذربایجان و این اتابکان غلام ترک سلاجقه اند که بمنصب اتالیکی
سرافراز گردیده و هر یک در مملکتی بخدمتی مامور بوده اند و بعد از انقراض آن سلسله خود بنای سروری نهادند
در خلال این احوال فتنهٔ چنگیزی آشکار شد و زمانه را شیوهٔ دیگر پدیدار در اوانی که هلاکو خان بدیار عراق
وحدود روم روی آورد از آنجا که این نواحی باصطلاح مغول علفخوار سپاه او را معین بود موازی بیست هزار

خان نوح با بیشتر از ایلات اتراک و طوایف خود همراه آورده در آنجا توطن و سامان سکنی دادند چون زمان دولت چنگیز خان بسر آمد و اوضاع روزگار از اختلاف و پریشانی بوضعی دیگر و اهیب منت زمام سلطنت را بکف کفایت امیر تیمور گورکان داد و آن سلطان کامکار از قراری که در تواریخ مسطور است بر اقطار عالم مستولی آمد هنگامی که بر ولایت روم ترکتازی آورده بود و ایلدرم بایزید خان را گرفتار کرده ساکنین دیار شام و حلب و سایر بلاد عرب و آذربایجان را نظر بر رعایت اهلیت و بملاحظه آبادی بلاد ترکستان خواست بخطه مشرق کوچانیده از رود جیحون عبور دهد چون سالها بود که آن طایفه را در ولایات مزبوره توطن و استقرار دست داده و بنای تمدن در آن مداین نهاده این حرکت بر ایشان شاق می‌نمود و این حکم تکلیف ما لا یطاق لهذا بعضی الجا بجانب ترکستان روانه آمدند و پاره به بهانه چند متوقف در آن میانه و بعد از چندی که استیلای تیموری با نتها رسید و روزگار و آه فتنه جوئی پیش گرفت برادر به تیغ برادر کشته آمد و پنجه بخیر پسر بخون آغشته فلک قانون ستم ساز کرد و آسمان ترانه جفا بلند آوازه کشور را لشکری زیر و زبر نمود و هر یومی را قومی مسخر طایفه ترکمان آق قوینلو و قراقوینلو در حدود دیاربکر و خلاط و آذربایجان حکمران آمدند و اوزبکیه ما وراء النهر در ممالک خراسان و بعضی از اعراف جهانبان حاکم علی الاطلاق را بر عباد پریشان روزگار رافت آمد و بر بندگان عاجز رحمت برای رواج اسلام و آرام انام شاه اسمعیل بر سریر سلطنت بر آمد و زمان آشوب بیر آب حسام آتش فتنه فرو نشانید نواحی آذربایجان را از رومیه و حدود خراسان را از اوزبکیه پرداخته حوزه مملکت را منتظم ساخت بعد از چندی او نیز در گذشت و سلطنت عجم وراثة بار شد اولاد و اگذاشت و در نوبت سلطنت شاه عباس ماضی که صفحه ایران کلیه از وجود اشرار پاک آمد باقتضای تدبیر صایب جمعی از متشخصین طایفه قاجار را با برخی دیگر از ایلات نامور مامور بتوقف ثغور و سرحدات ایران که عبارت از ایروان و استراباد و مرو و شاهجهان باشد نمود که حوزه آن ولایات از رخنه مخالفین مصون ماند و اما نسب سلسله علیه قاجاریه آنچه از تتبع سیر و اخبار معلوم و مستفاد است و دانشوران ترکانیه ساکن دشت قپچاق را نیز خلفا عن سلف دریاد است که در نواحی ترکستان قصبه بود مسمی بترکستان این طایفه جلیله با اتباع خود در آنجا سکنی داشته اند و ایشان پنج برادر بوده و بمقتضای شهامت پیوسته زبان بمضمون این منظوم میگشاده اند

ما پنج برادری که از یک پشتیم　　در پنجه روزگار پنج انگشتیم
چون فرد شویم در نظرها علمیم　　چون جمع شویم در دهنها مشتیم

برادر مهتر ایشان را که در میان آن قوم رتبه سالاری و سروری بود قاجار خان نام داشته و این طایفه در افواه اتراک مشهور بطایفه قاجار خانی شده و این رسم در طایفه اتراک شایع و مطرد است که طایفه خود را باسم بزرگ سلسله منتسب سازند و برای بقای نام جمله را بآن اسم بر خوانند چنانکه طایفه سلاجقه باسم سلجوق بیک و اتراک اغوز خان و قتلغ خان باسم قازان خان و جغتائی باسم جغتا خان پسر چنگیز خان و بیکدلی باسم بیکدلی خان و افشار باسم افشار خان پسران یلدوز خان که او پسر چهارم اغوز خان است مسمی و مشهور گردیده اند در اوانی که اغوز خان برای تسخیر ولایت ایران از ترکستان بسبک عنان آمد این طایفه جلیله آن سلطان کامکار را در موکب ظفر کوکب چه سپاه آمدند و در دفع مخالفین نیز [illegible] کنار ییلاق و قشلاق ایشان در دیار بکر و خلاط و حدود بردع و اران بود بعد از چندی که اغوز خان عازم مراجعت ترکستان گردید نظر بعلایقی که در آنجا و دیهم ساینده بودند در همان نواحی متوقف گردیدند و از خیال معاودت بوطن مالوف منصرف نسلا بعد نسل در ولایات مزبوره بشهامت

ودلاوری قراری داشت و با مادرش واسیل استقراری در زمان سلطنت سلطانزاده حسن پادشاه ممالک روم
حسنخان ترکمان آق قوینلو که طایفه قاجاریه عبارت از ایشانند لب بادعای سروری برگشاده وقدم برسریر حکمرانی
نهاد از قراریکه در کتب مسطور و مذکور است حضرتش را با سلطانزاده حسن منازعات و مجادلات بسیار روی نموده
بالاخره حسنخان را بخت یاری کرده صاحب لوای بختیاری وسریر شهریاری آمد تا اواخر دولت تیموریه و اوایل
سلطنت شاه اسمعیل صفوی این سلسله جلیله در ولایات خلاط و دیار بکر و آذربایجان و عراق و فارس باستقلال
سلطنت مینمودند باقتضای انقلاب دوران دولت ایشان بسر رسیده گردید و سلطنت بشاه اسمعیل صفوی که
هم از جانب مادر بآن سلسله جلیله متصل بود رسید بعد از آنکه چندی رایت اجلال این پادشاه بلند بود و استقلال افزا
مینمود او نیز بحکم اجل درگذشت و سریر سلطنت بارشد اولاد بگذاشت در عهد دولت شاه عباس صفوی باقتضای
تدبیر و امضای احکام تقدیر هر فرقه از این طایفه جلیله در یکی از ثغور مملکت ایران حکمران آمد چنانکه قبل اشاره شد
جمعی باسترآباد و گروهی بایروان و فرقه بمرو شاهجهان و سلسله سلطنت نهاد خاقان گیتی ستان (فتحعلی شاه)
منتهی است بقاجاریه قوانلو که در خطه استرآباد از باده سروری خرم و دلشاد می بوده اند و در اواخر عهد سلطنت
شاه سلطان حسین صفوی که افاغنه قندهار بسرکردگی اشرف و محمود افغان بمحاصره اصفهان پرداخته و عرصه را بر شاه
وسپاه تنگ ساخته بودند نواب فتحعلی خان قاجار که اعلی جد این خدیو عدالت شعار است اعانت شاه را با فوجی از
دلیران قاجاریه روی بدار السلطنه اصفهان نهاده بعد از ورود بآنجا و در حملات مردانه با افاغنه برده سر و زنده بسیاری
از ایشان بدست آورد چون امنای آن دولت را که در حقیقت خائنان آنخاندان سلطنت بنیان بودند از این قضیه
آگاهی حاصل گردید از سوء تدبیر یا باقتضای تقدیر صورت ماجری را بکلک بی فکری بدینگونه بر صفحه اظهار مرتسم نمودند
که طایفه قاجار دلیران خونخوارند و شیران بیشه پیکار و نواب فتحعلی خان نیز دعوی شهریاری را در میدان ادعا پا نهاده
و بحسب استعداد پایه سروری و مرتبه خسروی را مهیا و آماده است هرگاه در ازای اینمردانگی نمایان مورد تحسین و احسان گردند
دیگر ضبط عنان ایشان در قبضه اقتدار و سرپنجه اختیار ما نخواهد بود خلاصه شاه سلطان حسین را که روز دولت مانند
شام نکبت سیاه بود و کوکب اقبال در عین وبال افتاده و رای باطله آن غوایت پیشه کالنقش فی الحجر در صفحه ضمیر جایگیر آمد
آن طایفه جلادت شعار را که وجود هر یک در رفع چنان حادثه عظمی بمنزله جنود غیبی و امداد آسمانی بود باحسانی راضی نساخته
و بتحسینی ننواخته همان باجرای مراسم نکبت شعاری که مقدرات الهی را اسبابی بود در خور و لایق پرداخت نواب فتحعلی خان چون
مآل اعانت را ثمر این دید و تدبیر اعیان دولت را فایده چنین با چین جبین از دار السلطنه اصفهان روی بولایت استرآباد
نهاده بانتظام مهام خود کوشید انتهی
عبدالرزاق بیک دنبلی که از مورخین عهد خاقان مغفور (فتحعلی شاه) اسکنه الله حلل النور بوده در کتاب مآثر سلطانیه
که باسم حضرت نایب السلطنه رضوان جایگاه (عباس میرزا) طاب ثراه نوشته گوید
ایل جلیل خسرو نبیل از اعزه و اجله اتراک جلایر و جلایر از نیرون و سابانویان از جلایر است و سرتاق پسر سابانو و قاجار پسر
سرتاق نویان است و در میان طوایف ترک قاجار سر طایفه بوده است یکی از سلدوس و یکی از تنکقوت و یکی از جلایر
آنکه از سلدوس است بایران نیامده است و آنکه از تنکقوت است طایفه جزئی بود بقدر سی چهل خانه و بسایر طوایف مغول
پیوسته در میان آنها بی نام و نشان شده و آنکه از جلایر است صاحب دولت و شوکت شده اند و از کنار رود جیحون تا حدود
روم در زیر حکم و فرمان سرتاق بوده و او بفرمان اباقاخان اتابکی ارغون خان معزز و ارغون خان تربیت شده اواست

وملکت سرتاق که مخصوص او بوده از قزل آغاج مغان تا حدود نیشابور است و در جرجان می نشست و نسلش در جرجان
و مازندران زیاد شد و در عهد غازان خان و سابق بر آن از هزاره خاص تومان تابجو بوده بعد از آنکه غازان خان
نسر تابجو را بنیابت رسانید تومان تابجو را بقاجار مفوض کرد و نهایت عزت و اعتبار را پیدا نمود و ولایت پدرش در دست
او بود و در قدیم فرزندان جلایر را کوبانک میگفتند و کوبانک بلغت ختائیان یعنی خان بزرگ و پادشاه باشد و طرف
دست چپ لشکر قیامت اثر چنگیز خان را ایشان داشته اند در قلعه کشائی و خصم افکنی معروف و مشهور بوده اند و در عهد
چنگیز خان بزرگ ایشان موقلی کوبانک و در زمان اوکتای قاآن پسر او بوغول کوبانک بر جای پدر بود و آثار شهامت
ظاهر مینمود و در مدت دولت قبلا قاآن هنتون نویان از ایشان امیر بزرگ بوده و ایلوکه پسر بزرگ قدان از قوم جلایر
بالتکر بیکران که در ظل رایت او بود بفرمان چنگیز خان بر سبیل اتابکی اوکتای قاآن تایل کشته و اتابیک یعنی لله باشد و
امیر ارغون را که از امرای بزرگ بود براه نوکری و خدمت بایلوکه داد که تابع امر و نهی وی باشد چون امیر ارغون مردی
فصیح و عاقل و دلاور بود کار او بالا گرفت و از مرتبه اقران بگذشت و در عهد منکو قاآن منکسار نویان از جلایر بزرگ
یارغوچیان که یعنی امیر دیوان باشد بود و حکم یاسا و سیاست مقصرین بفرمان او میگذشت و اروق و بوقا پسران
کلای با هلاکو خان بایران آمدند و ملازم خدمت اباقاخان بودند و بتربیت آن پادشاه هر یک امیری بزرگ کشتند و سرتاق
نویان پسر سابانویان که در کودکی ارغون خان در خراسان و مازندران امیر الامراء بود پسری داشت قاجار نام نسل
قاجار از او است و ابتدای توالد و تناسل این سلسله علیه در مازندران و استرآباد و خراسان از فرزندان قاجار
شد وقتیکه مرکب فرصت یافت و خانه چنگیز خان را غارت کرد خاتون چنگیز خان را که بجوجی آبستن بود پیش اونک
خان فرستاد چون اونک خان با بیسوکای بهادر پدر چنگیز خان از قدیم رابطه دوستی داشت و آنرا فرزند میخواند آن
خاتون را چون عروسان پسر خود بنظر مهربانی دیده احترام او را منظور داشته مشمول تفقد کرد امرا گفتند خاتون را
میبایست بزنی گرفت او جواب داد که عروس من است نشاید بچشم خیانت باو نظر کرد چنگیز خان چون این مردمی از او دید و
ملاحظه حقوق و بزرگ منشی از اونک خان مشاهده کرد سابانویان پدر سرتاق جد قاجار تیره را نزد اونک خان بطلب
خاتون فرستاد اونک خان سابانویان را بنظر جلالت و احترام دیده مقدمش را گرامی شمرد و خاتون چنگیز خان را
باو سپرد و او عازم شد که از اتفاقات خاتون را در راه درد زادن بگرفت و جوجی خان بوجود آمد چون راه مخوف
بود مجال توقف و ترتیب گاهواره و لباس نیافتند قدری آرد خمیر کردند و طفل نوزاده را در خمیر گرفتند و در بغل باحتیاط
تمام نزد پدر بردند تا اعضای وی بدرد نیاید و متالم نشود و نام او را بدان سبب جوجی نهادند یعنی ناگاه در وجود آمده
چون دولت چنگیز خان و شوکت مغول بسر آمد شیخ حسن نویان و پسرش سلطان اویس از قوم جلایر که نسبت خویشی
با سلطان غازان و سلطان محمد خدابنده داشتند مدتی در ایران سلطنت کردند و مآثر ایشان در تواریخ مسطور است
القصه طایفه قاجار بشهامت و صرامت مشهور شدند و در ایام سلطنت شاه اسمعیل صفوی و شاه طهماسب
بجلایل امور سپهسالاری و سرحدداری مشغول و در عرصه جهان ببلندی همت و شوکت اشتهار یافتند چون نوبت سلطنت
بشاه عباس ماضی صفوی رسید از کثرت و عدت آن جماعت اندیشه برد و غالب گشته جمعیت ایشان را متفرق ساخت
جمعی را بمرو کوچانیده در برابر اوزبکیه باز داشت و بعضی را بگنجه و ایروان مامور کرد و برخی را در استرآباد که
موطن اصلی آنها بود در مقابل ترکمانان متوطن نموده که آن ثغر محروس ماند فتحعلی خان جد اعلای خاقان سلیمان مکان
جماعتی از طایفه یموت را برداشته بر سر قلعه مبارک آباد رفت و از دروازه اصلمس بیک قاجار پدر ناصر کشیکچی باشی که

بافتحعلیخان آشنائی تمام داشته اهل قلعهٔ مبارک آباد شده بودند پسر محمدخان ترکمان و میرزا احمد وزیر او تاخته هر دو را بدیار عدم فرستادند بعد از آن کار آن بلند اقبال بالا گرفته شهر استراباد جایگاه امارت خود قرار دادند در آن اوان شکر بیک نام کرد جهان بیگلو که بقیهٔ دستگیرا میان استعلا داشت و تعدی و اجحاف بی منتها و مرتکب اتلاف جمعی از اشراف میشد سران قاجار از مشاهدهٔ این حالات بخدمت آنحضرت شتافته استدعا قبول ایالت و امارت از ایشان نمودند آنحضرت از این امر تحاشی کردند بالاخره فضلعلی بیک شام بیاتی و محمد حسینخان قراموسانلو و محمدتقی بیک سرکشیک با سایر عظما و روسا آنحضرت را بر مسند امارت نشانیدند و در رکاب نواب فتحعلیخان بدفع شکر کرد راه سپاه را حل نصرت و اقتدار کشیدند و بعد از مقاتله و محاربه اسباب او را کشیدند پس از آن فضلعلی بیک و محمدتقی بیک در حق نواب فتحعلیخان بداندیشیده سزای خود را دیدند و رخت بدیار عدم کشیدند نواب فتحعلیخان بعد از دفع دشمن و استیصال بدخواه متوجه ساختن مهمات استراباد و حوالی و حواشی آن خطهٔ ارم بنیاد گردید انتهی

میرزا حسن زنوزی خوئی از معارف اهل سلوک و عرفان و دانشمندان عهد خاقان مغفور فتحعلیشاه طاب ثراه در کتاب ریاض الجنة گوید

اصل ایل جلیل قاجار از طایفهٔ مغول و از ترکستانست در زمان استیلای تیموری بنابر پارهٔ تقریبات از آن ولایت کوچ کرده بمملکت روم رفتند و مدتها در آن دیار بسر میبردند بعد از چندی چون زیاده از حد غیور و با جلادت و رشادت و صاحب حمیت بوده و بآسانی زیر بار اطاعت کسی نمیرفتند از روم کوچیده بولایت گنجه که گنجینهٔ آذربایجان بود ساکن شدند و بسبب شناختن بروم بقاچار موسوم گردیدند و همیشه با جماعت لگزیه در آن دیار جنگ و جدل میکردند و از آنها بسیار میکشتند و اسیر میکردند چون نوبت سلطنت بسلاطین صفویه رسید و آن طایفهٔ جلیله را صاحب رشد و زور دیدند متوهم گشتند چه ایشان زیاده از چهل هزار خانوار و همه صاحب جرأت و جرار بودند بنابراین قصد کردند که آنها را چند دسته کرده هر دسته را بثغری و سرحدی مامور کنند که سرحدات از حملهٔ خارجه محفوظ باشند و آن جماعت و سلسلهٔ علیه هم یکجا و در یک محل ساکن نباشند پس بتدبیری آنها را بپای تخت احضار کرده کمال مهربانی و ملاطفت را نسبت بایشان مبذول داشته محافظت ثغور و سرحدات را با ایشان تکلیف کردند جمعی از ایشان بسرحد گرگان و بعضی برو شاهجان و برخی بایروان مامور گشتند و قلاع و حصون آنجاها را بتصرف ایشان داده مشغول محافظت شدند و پادشاه نیز خانه کوچ هر دسته را از گنجه نزد ایشان فرستاد که مادام العمر در آن سرحدات متوطن و ساکن باشند اعیان و اشراف آن قوم که از گنجه بدیار شاهی نرفته بودند در این ولایت بحکم پادشاه بفرمانفرمائی نشستند خلاصه از آنوقت تفرقه میان آن طوایف افتاد و نتوانستند یکجا جمع شوند ولی از غایت رشادت و جلادت هر دسته سرحد و ثغر سپردهٔ بخود را در کمال خوبی حراست کردند و بدین واسطه نزد سلاطین نهایت عزت و اعتبار را داشتند و حکومت و ایالات سرحدات نوشته با امرای قاجار بود و از هر یک از طوایف ایران نامدار و حکام با اقتدار پدیدار آمد ولی امرای استراباد زیادتر از سایر طوایف صاحب حشمت و شوکت و برتری بوده اند و اوله درسرحد گرگان سکنی داشته اند شاه عباس صفوی ماضی در آن اراضی قلعه برای ایشان ساخته مبارک آباد نام نهاد و بآن قلعه شهرت کرد مدتها در آن قلعه بودند و با ترکمانیه همیشه جنگ و جدل میکردند و چون فیما بین خودشان نزاعی اتفاق افتاد در سنهٔ هزار و صد و چهل

هجری همگی از آن قلعه کوچیده باستراباد آمده در این شهر ساکن شدند و آق قلعه رو بخرابی نهاد و از آن طرف زیاده از بیست سال است که این سلسلهٔ جلیله تمام سلطنت ایران را بدست اختیار و اقتدار خود آورده اند و با استقلال هرچه تمامتر در تمام ولایات و ایالات ایران فرمانفرمائی و حکمرانی میکنند و اول کسیکه از این سلسلهٔ جلیله پا بر سریر حکمرانی نهاده شهریار تاجدار محمد حسنخان بن فتحعلیخان قاجار است که بعد از قتل نادرشاه چندی با شاهرخ شاه نادری بسر برد چون در وی آثار رشد و سلطنت ندید از وی جدائی نموده باستراباد آمده بنای فرمانفرمائی گذاشت و نواب فتحعلی خان پدر شهریار مبرور بعد از استیلاء افغان باصفهان در نزد شاه طهماسب ثانی در کمال عزت و اعتبار بلکه صاحب اختیار و مدار امور سلطنت بود و با شاه طهماسب بخراسان رفت و در ارض اقدس بتحریک نادرشاه در ماه صفر هزار و صد و سی و هشت هجری شهید و در خواجه ربیع مدفون شد خلاصه نواب محمد حسنخان در سمت آذربایجان با آزاد خان افغان جنگ کرده او را شکست داد ولی آنحضرت نیز بدست یکی از غلامان خود بدرجه شهادت رسید و کریمخان زند بر ایران مستولی شد و اولاد نواب معظم طاب ثراه را بعراق و فارس کوچانید و حضرت آقا محمد خان اکبر اولاد نواب محمد حسنخان را در شیراز نزد خود نگاهداشت اما شهریار خلد مکان حسینقلیخان خلف دیگر نواب محمد حسنخان در استراباد بنای طغیان را گذاشته بفرمانفرمائی مشغول شد و از بلندی همت سر باطاعت زندیه فرود نیاورد و در آن سرزمین بود تا بدست ترکمانیه شهید شد پس از چندی در ماه صفر سنه هزار و صد و نود و سه کریمخان در شیراز درگذشت و حضرت آقا محمد خان از شیراز بطرف طهران رانده و خود را باستراباد رسانیدند و سرکشان آن ولایت را مطیع ساختند و علم کشور کشائی برافراشته اکثر بلاد دار المرز و گیلانات را بتصرف آورده از آنجا عازم عراق گردیده مدتی با امرای زندیه گیر و دار نمودند چون علیمراد خان زند که از سایر زندیه بمزید شوکت اختصاص داشت در سال هزار و صد و نود و نه درگذشت بر تسلط و اقتدار حضرت آقا محمد خان افزود و مختصر در سال هزار و دویست و شش جمیع ممالک عراق و فارس و کرمان و یزد و بنادر مخصوص حضرت پادشاهی گردید انتهی

سر جان ملکم که از جانب حکومت هندوستان بسمت سفارت بدربار خاقان مغفور فتحعلیشاه طاب ثراه آمده در تاریخ ایران که تالیف نموده گوید

سر جان ملکم در ظرف پانزده سال سه مرتبه از جانب حکومت هندوستان بسفارت بایران آمده سفر اول او در هزار و هشتصد مسیحی بوده که مطابق است با هزار و دویست و پانزده هجری

طایفه ترک قاجار که مدتی متمادی در شامات سکنی داشتند و امیر تیمور گورکان آنها را از شامات بایران آورد یکی از هفت طایفه میباشند که باهم متفق شده شاه اسمعیل اول پادشاه صفوی را بتخت سلطنت ایران جلوس دادند و از آنجا که با وجود کثرت عدد بوصف شجاعت و جلادت موصوف بودند شاه عباس بزرگ آنها را بسه شعبه منشعب نمود شعبه اول را در گنجه سکنی داد تا جلو تاخت و تاز لگزیها را بگیرند شعبه دویم را در مرو ساکن ساخت که مانع تجاوز و تخطی اوزبکها بسرحدات خراسان باشند شعبه سیم را در استراباد مقیم کرد تا ترکمنهائیکه در امتداد ساحل و دشت طرف مشرق دریای خزر مسکن دارند بواسطه جلوگیری اینجماعت اسباب خسارت و اضرار رعایای ایران نشوند چه ترکمنها بوده بواسطه جلادت ذاتی و بواسطه صحراهای کویر که در اوان مخاطرات بدانها پناه میجستند و کسی نمیتوانست آنها را تعاقب کند همواره بنواحی گرگان و استراباد و آن حدود را غارت مینمودند خلاصه شعبه اولی که در گنجه سکنی داشتند بنادرشاه پیوسته بودند بواسطه آنها را قجر افشار نامیدند و بعد از فوت نادرشاه این شعبه رو بتنزل و هبوط گذاشتند شعبه دویم که از هر طرف دشمن آنها را احاطه کرده بود همواره در کار بودند که ولایت مرو را از حمله محروس و در تصرف داشته باشند شعبه سیم مایل و مستعد بودند که تخت سلطنت ایران را صاحب شوند چیزیکه مانع نیل این مرام میشد

نفاق بود که روسای آنها با یکدیگر داشتند این شعبه از قاجار نیز بدو طایفه منقسم شد طایفه موسوم بیوخاری باش و طایفه دیگر معروف باشاقه باش گردیدند و روسای یوخاری باش رئیس کل بودند تا زمان نواب فتحعلی خان که از روسای طایفه اشاقه باش بود نواب فتحعلی خان چون سردار قشون شاه طهماسب شد اقتدار کلی بهم رسانیده ریاست یوخاری باش و اشاقه باش هر دو براو مقرر آمد نادرشاه نواب فتحعلی خان را بکشت و چون میخواست نفاق و تفرقه میان این دو طایفه اندازد یکی از بزرگان طایفه اشاقه باش را که زمان بیک بن محمد نام داشت حکومت استراباد داد نواب محمد حسنخان برای حفظ جان خود در میان ترکمانها که در حوالی استراباد گله های خود را میچرانیدند رفت و با امداد این طایفه و بعضی دیگر از هواخواهان خود در ایام حیات نادرشاه بعضی اوقات حمله ببلاد متصرفی نادرشاه مینمود ابتدا چند فقره فتح کرده ولی عاقبت مغلوب گردیده میان طوایف ترکمان رفت و در آنجا میزیست

خلاصه نواب محمد حسنخان تقریبا مدت بیست سال در میان ترکمه بسر بردند تا نادرشاه درگذشت چون از فوت نادرشاه خبردار شدند از میان ترکمه معاودت فرموده و چند ماهی نگذشت که قشون معتبری در اطراف خود جمع کردند و لشکر عظیم احمد شاه افغان را که بمازندران آمده بودند شکست دادند مقارن سال هزار و هفتاد که کریمخان شیراز را مالک شده بود نواب محمد حسنخان در آذربایجان مشغول جنگ با آزادخان افغان بودند بدینواسطه کریمخان وقت و موقع بدست آورده تمام فارس را مسخر کرد و اصفهان را نیز بگرفت و قسمت عمده از ایالت عراق را نیز متصرف شد ولی بعدها مجبور گشت که بیشتر از این متصرفات را واگذارد زیرا که نواب محمد حسنخان پس از آنکه آزادخان را شکست دادند و مازندران را ضمیمه بلاد متصرفی خود نمودند لشکری عظیم بطرف اصفهان کشیده و فی الحقیقه بعد از فوت نادرشاه چنین لشکرکشی در ایران نشده بود کریمخان نهایت کوشش را بعمل آورد که جلو استیلای نواب محمد حسنخان را بگیرد اما تمام کوشش او بیفایده شد و معاودت بشیراز نمود و نواب محمد حسنخان مصمم شدند که بر اثر او رانده شیراز را محاصره نمایند

نواب محمد حسنخان بعد از آنکه در اصفهان تهیه و تدارک خود را دیدند هشت هزار نفر از لشکریان خود را در اصفهان گذاشته با سی هزار نفر بطرف شیراز رانده اینشهر را محاصره کردند و این در سال هزار و صد و هفتاد و یک بود اسباب دفاع اینشهر انحصار داشت بیک باروی خاکی و چند برج مدور که جلو آن برجها خندق عمیق بی آبی بود اما در ایران در اینزمان علم حمله و یورش بهمان درجه ناقص میباشد که علم مدافعه بنابراین مختصرترین استحکامات بنظر محاصرین که عمده لشکر سواره بودند خیلی مستحکم میآمد و توپچیها که هیچ مهارتی در توپ اندازی نداشتند هر روز بزحمت خیلی از توپهای بسیار سنگین خود می انداختند مع ذلک هیئت مجموعه اسباب اطمینان محاصرین بود و حمله در فصلی شروع شد که صحاری اطراف شیراز با صفا و خرم و دشتها پر از حبوبات و اراضی پر حاصل بود و بمحاصرین چنین وانمود مینمود که از آذوقه دست تنگی نخواهند کشید و میتوانند بسهولت ذیل محاصره را امتداد دهند اما این امید و آرزو بزودی مبدل بیاس گردید محاصرین بمحض اینکه شروع بکار کردند دچار حمله محصورین شدند دسته های قشون متوالیا از قلعه بیرون آمده نایره قتال را اشتعال میدادند عساکر نواب محمد حسنخان با این دستجات قشون کریمخان مشغول زد و خورد بودند که یکدسته سواره عمده بسرداری شیخعلی خان سردار رشید زند باردوی آنها تاختند و بنهب اموال آنها پرداختند سکنه نواحی مجاور نیز مزارع و حاصل خود را آتش زده اهل و عیال و اموال خود را برداشته بکوههای آن حوالی رفته قلل جبال را ملاذ و مامن خود ساختند لهذا آذوقه در اردوی نواب محمد حسنخان کمیاب شد و لشکریان شکایت و خودسری را گذاشتند خستگی و طول محاصره غالبا عساکر منظم را شاکی مینماید و بطغیان و نافرمانی وامیدارد تا چه رسد بلشکری که تمام نظم و اسباب پیوستگی

آن بهم زور یکنفر از شاهزادگان آسیائی باشد بدتر از همه آنکه بسیاری از این قشون را تازه گرفته و از فنون نظامی و جنگ یکباره بیخبر بودند و عیب دیگر آنکه ما بقی که جنگ دیده بودند تا زمان فرار آزاد خان مدتها با همین شاهزاده بجدال اشتغال داشتند و پس از فرار مشار الیه در زیر رایت این شاهزاده در آمده و متقبل خدمت گردیده خلاصه کریمخان که عساکر او پیوسته محاصرین را عقب مینشانیدند شهر شیراز را بکمال خوبی نگاهداری کرده بعلاوه کمال الجهد را میکرد که بی نظمی و تفرقه در لشکر نواب محمد حسنخان اندازد چنانکه آخر الامر باین مقصود نایل آمد و هر روز یکدسته از عساکر نواب محمد حسنخان راه فرار را پیش گرفته و اینفقره بر نواب معظم معلوم مینمود که باید دست از محاصره کشیده معاودت کنند بنا بر این ترک محاصره گفته باصفهان بازگشتند و قشونیکه در اصفهان گذاشته بودند از عدم پیشرفت کار شاهزاده با خبر گشته و متفرق گردیده ناچار راه مازندران پیش گرفتند و در هنگام ورود بمازندران مجموع عساکر نواب محمد حسنخان دوازده هزار نفر بود کریمخان بعد از آنکه بر استعداد خود افزود و ایالت فارس را آرام کرد متوجه اصفهان شد و اهالی اصفهان با کمال شعف او را پذیرفتند بعضی از شهرهای عراق نیز اقتدا باهالی اصفهان کرده مقدم کریمخان را گرامی شمردند و کریمخان که این مساعدت مردم را دید بنای حسن سلوک را با ایشان گذاشت

پوشیده نباشد که حالت نظامی و عسکری کریمخان چندان تعریفی نداشت از وقتیکه سودای سلطنت بسر او افتاده چندان بفتوحات نایل نگردیده بلکه اغلب طوری شکست میخورد که حالت یاس باو دست میداد اما چون اهالی ایران همواره او را بر رقبائی که داشت ترجیح میدادند از یک فتح مختصر منفعت کثیره عاید او میشد و تلافی شکستهای او را مینمود و این از بابت خوش رفتاری او بود که از روی کمال بزرگ منشی با مردم مینمود و از آنجا که از اول حسن سلوک را موجب فوزهای عظیم و سبب ازدیاد شوکت و اقتدار خود دیده بود حتم کرد که همواره براه عدل و انصاف رود و از این مسلک عدول ننماید

همان وقتیکه کریمخان در ایالاتیکه تازه تصرف کرده بود به برقرار کردن نظم اشتغال داشت شیخعلیخان را با بهترین دستجات قشون خود بمازندران فرستاد که نواب محمد حسنخان را کاملا منقاد نماید و اگر طوایف قاجاریه با هم اتفاق داشتند ظن غالب اینکه این مقصود کریمخان بعمل نمی آمد پیش از این مذکور شد که قاجاریه منقسم بدو طایفه شدند یوخاری باش و اشاقه باش رئیس سلسله یوخاری باش که محمد حسینخان نام داشت با نواب محمد حسنخان که سالها بود ریاست هر دو طایفه را داشتند بنای مخالفت و معاندت را گذاشت و بعقیده بعضی این خلاف و عناد بتحریک کریمخان و بسبب وعده های او بود و شاید که بواسطه کینه قدیمی که نواب محمد حسنخان سبب شده که رئیس سلسله یوخاری باش از ریاست خود محروم مانده این مناقضت حاصل شده بهر حال در چنین حالتی مشار الیه و سایرین نواب محمد حسنخان را گذاشته بلشکر شیخعلیخان پیوستند نواب معظم بواسطه این خیانت جمعی از طایفه یوخاری باش را براه عدم فرستادند و اینفقره کینه دیرینه فیمابین یوخاری باش و اشاقه باش را تجدید نمود و شیرازه اتفاق قاجاریه از نو گسسته گشت و نواب محمد حسنخان بدین جهة از غلبه و ظفر مایوس گردیدند مع ذلک بمقابلت و مقاتلت دشمن پرداختند شیخعلیخان و عساکر او میدانستند که نواب محمد حسنخان دلیرانه جنگ خواهند کرد اما چه ثمر که بعضی دستجات قشون تازه کار در جنگ آمده و از رسوم و آداب حرب بیخبر بودند و بمحض شروع بقتال راه هزیمت پیش گرفتند باقی عساکر نیز آنها را پیروی کرده گریختند و نواب محمد حسنخان شربت شهادت نوشیدند

گویند اگر اسب نواب غفران مآب بزمین نخورده بود جان خود را بسلامت از میدان جنگ بدر میبردند چون اسب افتاد دشمن فرصت یافت و اول کسیکه بآن بزرگوار رسید رئیس سلسله قاجاریه یوخاری باش بود که بواسطه عداوت زیاد

و دشمنی سابق الذکر دیگر ایشانرا امان نداد و چون روح نواب معظم راه غرفات بهشت گرفت قاتل فتحعلیخان و غلبهٔ او را بر شهریاری که اسباب تزلزل و مانع آرامش او بود اعلام نمود

مسیو ژُن ملکم در جای دیگر از همین کتاب گوید وقتیکه یک شعبه از قاجاریه در ارمنستان سکنی داشتند مساکن آنها در کنار یکی از رودخانه های این ایالت بود بعضی در طرف بالا مرتع داشتند و برخی در طرف پائین آنها که در طرف بالا مرتع داشتند موسوم به یوخاری باش شدند و آنها که مرتعشان در سمت پائین بود اشاقه باش نامیده شدند و اینمعنی سبب انفصال آنها شد و علاوه بر این باز هر طایفه بچندین شعبه منشعب و منقسم گشتند بعضی از خانواده ها باسم یکنفر رئیس یا بنام یک دهکده که در حوالی آن مرتع داشتند موسوم شدند مثلا طایفهٔ دولو چون در ایروان مدتها در حوالی قریهٔ دولو که نزدیک بشهر ایروان است اقامت داشتند معروف بدولو گردیدند

مؤلف گوید قریهٔ دولو هنوز بحال خود برقرار است چنانکه بندگان اعلیحضرت شاهنشاهی جمجاه دام ملکه در سفرنامهٔ مبارکهٔ سفر دویم فرنگستان در سال هزار و دویست و نود و پنج میفرمایند (جمعه هفتم جمادی الاولی باید رفت بایروان همه جا رانده تا رسیدیم بده دولو دهکدهٔ معتبر نشیمن طایفهٔ قاجار قدیم دولو اینجاها می نشستند آب این رودخانه از کوه دست راست میاید دهات اینحدود باغات و اشجار زیاد دارد)

بعد از آنکه ایل جلیل قاجار بمملکت ایران آمده و پادشاه صفویه آنها را در اماکن مختلفه جای داد شعبهٔ عمدهٔ آنها که اشاقه باش و یوخاری باش بودند در استراباد سکنی گرفتند تا زمان نواب فتحعلیخان رئیس سلسلهٔ یوخاری باش ریاست هر دو طایفه را داشت نواب فتحعلیخان که از سلسلهٔ اشاقه باش بود منصب سرداری لشکر شاه طهماسب را یافته بدینواسطه بر اقتدار او افزوده و در میان قاجاریه اول شخص و رئیس کل گشت اما از آنجا که طایفهٔ یوخاری باش قلباً بریاست نواب معظم راضی نبودند بعد از آنکه آن بزرگوار بدست نادر شاه شهید شد در خرابی کار پسر واحد او نواب محمد حسنخان همدست شدند ناچار نواب معظم بمیان ترکمنه که در طرف مشرق دریای خزر سکنی داشتند رفتند و قسمتی از خانواده و اقارب ایشان همراهی کردند که از آنجمله یکی علی ویردیخان (اللهوردیخان) پدر نوروزخان ایشیک آقاسی باشی خاقان خلد آشیان فتحعلیشاه طاب ثراه بود خلاصه نواب محمد حسنخان فی الفور استعدادی بهم رسانیده که بتوانند با دشمن خود یعنی سلسلهٔ یوخاری باش مجادله پردازند و ممکن بود که بر آنها غلبه کنند اگر نادر شاه و سلاطین بعد از او حمایت از سلسلهٔ مزبوره نمیکردند

عادلشاه برادر زادهٔ نادر شاه و جانشین او وقتیکه حکومت مازندران را داشت طفل نواب محمد حسنخان را گرفته حبس کرد دو پسر بزرگتر را یعنی نواب آقا محمدخان را که آن وقت میانه پنجساله و شش ساله بودند مقطوع النسل نمود و مقصودی که از اینکار داشت حاصل نشده بلکه بر عکس نتیجه داد پادشاه آینده ایران که از بسیاری از تمتعات خود بی بهره ماند آنچنان تمتعاتیکه در مشرق زمین برای بزرگان بی هیچ مانعی حاصل میباشد یعنی میتوانند زوجات عدیده در حبالهٔ نکاح خود در آورند و مباشرت با آنها اسباب وهن و فتور حواس و قوای آنها گردد خلاصه این حرمان از تمتعات آن شاهزاده را بر آن داشت که حظ و لذایذ خود را از راه دیگر حاصل و تحصیل نماید این بود که نواب آقا محمدخان از طفولیت بخیال سروری و عظمت و شوکت افتادند و در تمام مدت عمر خود در این اندیشه و قصد بودند و با رسوخ تمام همین منظور را پیروی مینمودند و از همان وقت یعنی از ابتدا معلوم بود که چه قدر استبداد رای دارند

بعد از مردن عادلشاه نواب آقا محمدخان از حبس آزاد شده بپدر بزرگوار خود پیوستند و در تمام انقلابات روزگار با ایشان همراهی داشتند بعد از آنکه نواب محمد حسنخان مغلوب عساکر کریمخان و شهید شدند نواب آقا محمدخان

بجنگ کریمخان افتادند ولی کریمخان با ایشان بنحو خوبی رفتار کرده سر موئی از حرمت و احترام فرو گذار نمیکرد و در تمام مدتیکه در شیراز با کریمخان بودند بتحصیل معارف میپرداختند از عقلا کسب دانش میکردند و از مطالعه کتب بر بینش خود می افزودند تا بتوانند شغل خطیری را که بایستی یکروزی متقلد گردند بدرستی از عهده برآیند بنا بر این حسن تدبیر و اصابت رای ایشان بدرجه رسید که کریمخان در مهام معظم دولتی غالبا با ایشان مشورت مینمود و ایشانرا بر ایران و بسیاری امیدوار که پیران و بیشتر وزرا افراسیاب اول وزیر دانشمند قابل ترک بوده است خلاصه نواب آقا محمد خان با کمال عداوتیکه با تمام زندیه داشتند در مشورتیکه کریمخان با ایشان مینمود خیانت نمیکردند و رای صایب خود را با و اظهار میداشتند زحمات و قتل عمو نواب آقا محمد خان با ایشان تحمل داد چنانکه در همان زمان که گرفتار کریمخان بودند توانستند شمه‌ئی خود را با او و باز تدبیر در دل نگاهدارند و طرف اعتماد آن پادشاه گردند و از این راه بود که کریمخان پول زیاد بنواب معظم میداد که بمصارف خود برسانند و ایشانرا مرخص کرده بود که در هر جای شهر شیراز میخواهند بگردند و شهر روند بلکه اذن داده که بر بهترین اسبهای او سوار شده روانه شکار شوند و در صحراهای حوالی شیراز مشغول صید باشند گویند طوری نواب آقا محمد خان طرف اعتماد کریمخان شده بودند که وقتیکه حسینقلیخان برادر ایشان در مازندران رایت شورش برافراشته بود کریمخان میخواست نواب معظم را مامور دفع این فتنه کند و بمازندران فرستد میرزا جعفر وزیر کریمخان او را از اینکار مانع آمد و وقتیکه نواب آقا محمد خان پادشاه ایران شدند از روی کرامت نفس با کسان میرزا جعفر نیکی نمودند و فرمودند تکلیف میرزا جعفر این بود که با آقای خود خدمت کند علاوه مرا هم ضمنا از مهلکه نجات داده چه اگر من بمازندران میرفتم وضع طوری بود که می بایست علم سرکشی برافرازم و شوکت کریمخان زیاده از آن بود که من بتوانم او را مغلوب سازم

پیش از این ذکر شد که پس از فوت کریمخان چگونه حضرت آقا محمد خان خود را از شیراز باصفهان رسانیدند و با چه عجله بمازندران آمدند در اینوقت سن مبارک ایشان سی و یک سال بود و اگرچه ضعیف اندام بودند اما بواسطه کم خوردن و پرکار کردن قوه ایشان زیاد بود و در کمال خوبی تحمل امور شاقه را میتوانستند نمود چه از بس در شیراز مداومت در سواری و شکار کرده معتاد شده و جوارح و اعضا حالت سختی بهم رسانیده هیچ چیز ایشان را خسته نمیکرد و از بس در شیراز در مواقع فرصت مداومت در صید و رکوب فرموده میتوان گفت زندگانی ایشان بر پشت اسب بوده در مدت هیجده سال جنگ که برای تحصیل استیلای کامل نمودند قدری از سختی مایل بنرمی کردیدند و اینفقره لازم بود زیرا که در این هنگام میبایست بدوستان خود مهربانی و ملاطفت نمایند نیز صدماتی را که سابق متحمل شده فراموش کنند و دشمنان خیلی قدیمی خود را مشمول عفو و احسان نمایند هیچ چیز درجه بلند عقل حضرت آقا محمد خان را مثل این ثابت نمینماید که در وقت قدرت و اقتدار از رؤسای سلسله قاجار که با ایشان دشمن بودند انتقام نکشیدند و از جرایم آنها در گذشتند مخصوصا کسانیکه در خون پدر و اقارب ایشان شرکت داشتند بلکه آنهائیکه ایشانرا در طفولیت بعادلشاه تسلیم کرده و مبتلا ببعضی بلیات نموده بودند مورد عفو و احسان شدند و این پلیتیک که ما بین آنحضرت اختلاف و کینه دیرینه را از میان طوایف قاجار که با یکدیگر خونی بودند ختم نموده نفع ساخت تاج و تخت سلطنت ایران را با ایشان تسلیم و مخصوص نمود و چون بدرستی بر فواید اتفاق و اتحاد واقف شدند همان اشخاصی را که پیش از این بجهة صدماتشان آنها مبغوض داشتند بنوازش و الطاف خود امیدوار ساخته طرف اعتماد نمودند خلاصه وقتیکه حضرت آقا محمد خان از شیراز حرکت کردند هفده نفر با ایشان بودند و با وجود میل همراهان در اصفهان

درنگ ننمودند فقط یک شب در طهران ماندند و از جانب حکام طهران از ایشان پذیرائی خوبی شد پس از آن راه مازندران را پیش گرفته و در راه یک مبلغی از مالیات مازندران را که بشیراز میبردند تصاحب نموده در مازندران بسیاری از طوایف ایلات دور آنحضرت جمع شده ریاست ایشانرا اسباب نیکبختی خود دانستند اما فی الفور حضرت آقا محمد خان از جانب طوایف قاجار بلکه از طرف خانواده خود اشکالات در جلو راه خویش دیدند یکی از برادران ایشان بر ضد آنحضرت برخاست مرتضی قلیخان از اخوان ایشان قشونی برای خود جمع کرده و خود را پادشاه نامیده و جنگ مختصری فیما بین حضرت آقا محمد خان و برادر در مدت چهار سال در کار بود که گاهی بخت این را یاری و زمانی طالع آن را مدد کار انتهی

میستر مارخام انگلیسی در کتاب تاریخ ایران که تالیف نموده گوید

سلسله علیه قاجار یکی از طوایف ترک توران زمین میباشد که برخی از آنها بهمراهی عساکر چنگیز خان بایران آمده و در این مملکت سکنی گرفتند امیر تیمور گورکان چون بر مملکت ایران استیلا یافت آنچه از این طایفه جلیله را که در این مملکت ساکن بودند جلای وطن داده بسوریه فرستاد (سوریه عبارت از مملکت شام است سور که اسم کلی است یا سوری که کل سرخ است چون در شام زیاد میروید این مملکت را سوریه نامیده اند) پس از مدتی باستدعای مقتدای اردبیلی که از اکابر امامیه بوده امیر تیمور این طایفه جلیله را رخصت معاودت بایران داد و این طایفه یکی از طوایف سبعه قزلباش بودند که اتفاق کرده اولین پادشاه سلسله صفویه یعنی شاه اسمعیل را بتخت سلطنت ایران نایل نمودند

مقصود از مقتدای اردبیلی میر سلطانعلی صفوی است که از معارف بوده

از روسای ایل جلیل قاجار اول کسیکه اسم او در تواریخ ثبت و مسطور است یربداق خان قاجار است که در زمان سلطنت شاه طهماسب اول بحکومت قندهار یافت چون سلطنت ایران بشاه عباس بزرگ رسید چنان صلاح دید که بعضی از قاجاریه را در مرو و برخی را در ایروان و قسمتی را در قزوین و بقیه را در استراباد مکان دهد ایالت و شهر استراباد در سمت جنوب شرقی بحر خزر واقع است ایل جلیل قاجار به پنج طایفه منقسم بوده اند اول یوخاری باش دویم اشاقه باش سیم دولو چهارم شامبیاتی پنجم قاجار قزوینی در ایام قدیم رئیس طایفه یوخاری باش رئیس تمام ایل جلیل معظم بوده تا وقتیکه نواب فتحعلی خان رئیس طایفه اشاقه باش که سردار قشون شاه طهماسب ثانی بود رئیس سلسله علیه گردید و از آن بعد ریاست تمام طوایف قاجار در خانواده نواب فتحعلی خان گردید نادرشاه نواب فتحعلیخان را شربت شهادت چشانید و نواب محمد حسنخان بعد از آنکه مدتی متواری بودند و در میان تراکمه بسر میبردند در زمان سلطنت نادرشاه با چند هزار سوار ترکمان بشهر استراباد حمله کردند و آنجا را مسخر نمودند لکن در ثانی قشون نادرشاه این شهر را مفتوح ساخت و نواب محمد حسنخان بترکستان رفتند بعد از قتل نادرشاه نواب معظم بایران معاودت فرموده و در جنگ با قشون کریمخان زند شربت شهادت چشیدند

نواب آقا محمد خان ولد ارشد نواب غفران مآب معظم در زمانیکه پدر بزرگوار ایشان شهر استراباد را محاصره کرده بودند بدست لشکر نادرشاه گرفتار گشتند پس از آنکه نادرشاه را یکی از خدمتگذاران او در حوالی مشهد مقدس بقتل رسانید علیقلیخان برادرزاده نادرشاه که در هرات بود بر تخت سلطنت جلوس کرده و ملقب بعادلشاه گشته بحکم وحشیانه او نواب آقا محمد خان مقطوع النسل گردیدند بعد از قلیل مدتی نواب معظم از حبس عادلشاه بدر رفته بخدمت پدر بزرگوار خود شتافتند وقتیکه نواب محمد حسنخان در جنگ با قشون کریمخان زند شهید شدند نواب آقا محمد خان تمکین عساکر کریمخان نموده و آنحضرت معظم را بشیراز بردند کریمخان آنحضرت را زایدا لوصف محترم میداشت و از آنجائیکه ایشان شخص بسیار زیرک قابل با کفایت و درایتی بودند کریمخان ایشانرا پیران ویسه مینامید (پیران ویسه

وزیر

وزیر صاحب تدبیر افراسیاب باسث) بعد از فوت کریمخان حضرت آقا محمد خان مُعجلاً بمازندران تشریف فرما
شدند و در آنجا قشونی جمع و تجهیز کرده پس از مدت ده سال جنگ و جدال آخر الامر شهر کرمان را مسخر کردند
و لطفعلیخان زند را که دعوی رقابت با آنحضرت داشت براه عدم فرستادند و در سنهٔ هزار و دویست و ده هجری
مُستقلاً شاهنشاه ایران گردیدند و چُون حاجی ابراهیم کلانتر شهر شیراز خدمت نمایان با آنحضرت کرده
و اسباب استقلال و استیلای ایشان شده یعنی دروازهٔ شیراز را در زمان غیبت لطفعلیخان بروی عساکر
حضرت آقا محمد خان باز نموده او را بپاداش این خدمت منصب وزارت دادند

نیز همین مؤلف گوید نواب آقا محمد خان قبل از آنکه اقتدار کامل در ایران هم رسانند بر روسها غلبه نمودند و شرح این
گفته در محل خود بیاید

نیز گوید او اینکه حضرت معظم برای حصول استیلای کامل شمشیر میزدند چند سال در ساری اقامت داشتند
و در آنجا قصری برای خود بنا فرمودند که عبارت از حیاطهای حوض دار و چندین اطاق عالی قشنگ و معابر تاریک
بود و دیوانخانه آن قصر را از پردهای نقاشی که تصویر فتوحات شاه اسمعیل و نادر شاه در آنها نقش شده
بود مزین ساخته بودند مردم اهالی ولایات مملکت گیلان و مازندران و استراباد مخصوصا مایل بتبعیت حضرت آقا محمد خان
و تفوق ایشان بُودند و بعد از آنکه لطفعلیخان زند مقتول شد و حضرت معظم اقتدار کامل حاصل نمودند طهران را
پای تخت خود قرار دادند و جهت اینکه اینشهر را بدار الملکی اختیار کردند نزدیک بودن آن بمازندران و استراباد بود و بعد
از آنکه دشمنان خود را که از طایفهٔ زندیه بُودند مقهور و نابود ساختند بعضی اقارب خود را که براه سرکشی و طغیان
میرفتند و چندان میلی بانقیاد و اطاعت حضرت پادشاهی نداشتند بسزای خود رسانیدند و کلیه قصد و منظور این پادشاه
این بود که تخت و تاج سلطنت ایران مُسلم برای برادرزادهٔ آنحضرت (خاقان مغفور فتحعلیشاه طاب ثراه) باشد

حاجی ابراهیم وزیر حضرت آقا محمد شاه در ضمن محاوره و مفاوضه با سرجان ملکم گفته بود روزی حضرت پادشاهی مرا مخاطب
ساخته فرمودند آیا شخصی بکفایت و درایت تو میتواند صحیح بر این بگذارد که من عساکر و لشکریان خود را با توپها و
سپاهیان منظم دولت روس برابر و مقابل نمایم و آنها را در معرض خطر در آورده اسباب خرابی عساکر خود را فراهم آورم
البته اینکار برون از حد درایت و دانش نیست من آنها را در میان بیابان محاصره خواهم کرد انتهی

ومن راه صواب و طریقهٔ حزم را بهتر میدانم و بر مصالح اینکار بدرستی واقف میباشم گلولهٔ قشون روس هرگز بمن نخواهد رسید با وجود یکه آنها غفلت از کار خود نخواهند داشت یکبار بهر جائیکه میل دارند بروند صح

نواب مستطاب الاحاجی معتمد الدوله ابن مرحوم ولیعهد رضوان جایگاه نایب السلطنه عباس میرزا طاب ثراه در کتاب
جام جم میفرمایند

طایفهٔ قاجار از نسل قراجار نویان است این سلسله از گنجه باستراباد آمده اند و اول کسیکه از گنجه آمد شاهقلیخان بود که
در اواخر دولت شاه سُلیمان صفوی باستراباد آمد و در استراباد دختر یکی از اعیان را گرفت و بدان واسطه در آنجا
رحل اقامت افکند و از او دو پسر شد یکی مسمی بفتحعلیخان که جد سلاطین قاجار است و دیگری فضلعلی آقا که جد
خوانین کبار است و پس از وفات شاهقلیخان پسر بزرگ او فتحعلیخان رئیس قوم و بزرگ طایفه گشت
و در فتنهٔ افغان هزار نفر سوار از اعیان قاجاریه باعانت شاه سُلطان حسین برد و در اصفهان بخدمت شاه
سُلطان حسین مشرف شد و زحمات و بواسطه اینکه او را در خدمت شاه متهم کردند که خود داعیهٔ سلطنت دارد
مقبول نیفتاد و ملاباشی و حکیمباشی که در قلب شاه رسوخی داشتند پیوسته از او سعایت داشته میگفتند
افغان دشمن خارجی و غریب است میتوان چارهٔ او نمود ولی فتحعلیخان که از خود هزار سوار دارد و بی اذن شاه
باصفهان آمده اطمینان حاصل نمیتوان کرد تا شاه ساده لوح را آن کلمات واهی مقبول افتاده شمشیر جهانگشا را

با او عنایت کرده اذن انصراف داد و آن شمشیر در سلسلهٔ قاجاریه بشکون و میمنت معروف است القصه
رفتن چنان لشکر را افغان از نتایج اقبال خود دانستند و الحق چنان بود و آخر الامر فتحعلی خان باز از راه خلاف
که با دودمان صفویه داشت و تبنکر شاه طهماسب ثانی بطهران آمد بخدمت او شتافت و خدمتها کرد و در رکاب او بخراسان
رفت و در خراسان وجود او را نادرشاه مخل خود میدانست و در نزد شاه طهماسب وسوسه کرد و از آن ملولی حکم قتل او را
صادر نمود و در چهاردهم صفر سال هزار و صد و سی و نه هجری در ورود مشهد مقدس بدست مهدی بیک قاجار دولو بتحریک
نادرشاه و اجازهٔ شاه طهماسب کشته شد و در مقبره خواجه ربیع مدفون است و چهل و دو سال از عمر او گذشته بود و از
فتحعلی خان یک پسر باقی ماند مسمی بمحمد حسنخان و در استیلای نادرشاه در دشت ترکمان فراری و متواری بود و هر قدر
نادرشاه خواست که او را بدست آرد ممکن نشد و پس از کشته شدن نادرشاه از دشت ترکمان باستراباد آمده بخیال سلطنت
افتاد و اکثر ولایات عراق و آذربایجان و اصفهان را مسخر کرد و آزاد خان افغان را که او نیز داعیهٔ سروری داشت از ارومیه
بیرون نمود و بمحاصرهٔ شیراز شتافت و کریمخان را محصور نمود و در آن محاصره قاجاریه یوخاری باش و غیره از حقد قدیم و
کینهٔ دیرینه خیانت کرده اردو را شکسته فرار کردند محمد حسنخان را مجال توقف نماند باستراباد آمد و اگر خیانت قاجاریه
یوخاری باش و غیره نبود هر آینه قلعهٔ شیراز بزودی مفتوح میشد چرا که قلعه گیان بجهة آذوقه و علوفه کمال تنگی را داشتند
و کریمخان متعاقب او لشکر کشیده روان شد و خود در طهران ماند و شیخعلی خان زند را بمازندران فرستاد و در مابین استراباد
و اشرف جنگی فیما بین آن دو سردار واقع گشت محمد حسنخان شکست خورد و در جرکلباد در شهر جمادی الاخره هزار و صد و
هفتاد و دو هجری بدست سبزعلی بیک نوکر خودش بتحریک قاجاریه یوخاری باش بدرجهٔ شهادت رسید و سر او را در طهران
بخدمت کریمخان آوردند و در تاریخ زندیه نوشته است که سر او را با مشک و گلاب شستند سه روز در نزد کریمخان بود
بعد او را با حرمت باستراباد فرستاد که بجسد او ملحق ساختند و قاجاریه گویند سر آن امیر نامدار در بقعهٔ شریفهٔ حضرت
عبدالعظیم مدفون است و از محمد حسنخان نه پسر باقی بود اکبر و ارشد اولاد آقا محمد خان است و دیگران حسینقلیخان و جعفر
قلیخان و مصطفی قلیخان و مرتضی قلیخان و علیقلیخان و رضا قلیخان و مهدیقلیخان و عباسقلیخان است که در خردسالی
درگذشت و کریمخان زند پس از شهادت محمد حسنخان که مملکت ایران بی مانع او را مسلم شد آقا محمد خان و حسینقلیخان
والده خاقان را که از یک مادر بودند بشیراز برسم نوا برد و برادران دیگر را بقزوین فرستاد (والده شاه شهید آقا
محمد خان و حسینقلیخان دختر اسکندر خان قاجار قوانلو بوده است که خواهر محمد خان و عمه سلیمانخان است) کریمخان
آقا محمد خان را حرمت زیاد میکرد و او را پیران ویسه میگفت و در کلیات امور از او مشورت مینمود و در سال هزار و صد
و هشتاد و چهار هجری حسینقلی خان برادر رامی آقا محمد خان را حکومت دامغان داده فرستاد و حسینقلیخان
بدامغان رفت و در سال هزار و صد و هشتاد و پنج هجری خاقان مغفور از آن امیر نامدار بعرصهٔ ظهور آمد چون
سمی جد امجد بود لهذا در عهد آقا محمد خان ایشان را باباخان میگفتند (والده خاقان خلد مکان و نواب حسینقلی خان
دختر محمد خان عزالدینلو است) و حسینقلیخان از دامغان بمازندران شتافت و محمد خان داد و حاکم مازندران را
بازه کمان خود خفه کرد و در آن ولایت بنای آشوب گذاشت و کریمخان بدفع او لشکر فرستاد تا سال هزار و صد و هشتاد
و هشت هجری در حوالی فندرسک سه نفر از طایفهٔ ایلکدی موش از طوایف ترکمان بتحریک کریمخان او را کشتند
و در تاریخ میرزا فضل الله شیرازی متخلص بخاوری شهادت حسینقلی خان را در بیستم صفر سال هزار و صد و نود
و یک هجری ضبط کرده است و در تاریخ محمدی که ملا محمد ساروی نوشته است در دهم صفر هزار و صد و نود و دو
هجری نوشته است و ما تاریخ شهادت را از تاریخ زندیه نقل کرده ایم و اعتبار این قول در نزد من زیادتر است و با آن

همه انقلاب و اختلال که از حسینقلی خان در امور ولایت ظاهر شد کریمخان از سماحت خلق هیچ از آقا محمد خان مؤاخذه نکرده بود در وقت شهادت او حسینقلیخان پسرش در بطن مادر بود که پس از ولادت باسم او خواندند و کریمخان سالهای سال بناخوشی سل مبتلا بود و در ماه صفر هزار و صد و نود و سه هجری شدت کرد و عمه آقا محمد خان که زن کریمخان بود برادر زاده را از ناخوشی او اعلام کرد و بعضی نوشته اند که خاله آقا محمد خان زن کریمخان بود و آقا محمد خان بعزم شکار مهارلو بیرون رفته روز سیزدهم صفر هزار و صد و نود و سه هجری که بشهر برگشت دروازه را بسته دید دانست که کریمخان درگذشته است و زندیه از تفریق کلمه که در میان خود داشتند بخیال او نیفتادند که صبحی از قید ایشان رها شده است و آقا محمد خان از همانجا بازسر داد و باز دولت را بپرواز آورد و دو اسبه با دو نفر تا طهران تاخت و در کاشان خزانه کریمخان را که از رشت میبردند و پانزده هزار تومان نقد و جنس میشد غارت نمود و روز هفدهم صفر بورامین وارد شد و در آنجا سران قاجاریه و خوانین ایلات بحلقه اطاعتش در آمدند با زندیان رفته در مازندران مدتی با برادران خود کاوش و سازش داشته و علیمرادخان زند که پس از کریمخان بسلطنت نشسته بخیال دفع او افتاده بطهران آمد و لشکر بمازندران با پسر خود و بیرمرادخان و سرداری محمد ظاهر خان فرستاد و ایشان شکست خوردند انتهی

نیز نواب مستطاب والا حاجی معتمد الدوله در کتاب روزنامه سفر مدینة السلام و بیت الله الحرام موسوم بهدایة السبیل و کفایة الدلیل نسب همایون اعلیحضرت شاهنشاهی را چنین مسطور فرموده اند

السلطان ناصر الدین شاه ابن السلطان محمد شاه ابن ولیعهد الاعظم عباس میرزا ابن السلطان فتحعلیشاه ابن حسینقلیخان الشهیر بجهانسوز شاه ابن السلطان محمد حسنخان ابن الامیر فتحعلیخان ابن الامیر شاهقلیخان ابن محمد ولیخان بن مهدیخان بن محمد قلی آقای قاجار از طایفه اشاقه باش از تیره قوانلو و در دولت صفویه از همه امرای ترک از طوایف استاجلو و شاملو و تکلو و ذو القدر و غیره خیانت ظاهر شده و مورد سخط سلاطین شده اند از طایفه قاجاریه که مصدر خدمات نیک بوده اند و چند بار بسفارت روم و هندوستان رفته اند هیچ خلافی سر نزده است انتهی

مرحوم رضاقلیخان امیر الشعراء متخلص بهدایت روح الله روحه که از معارف و اکابر مصنفین و نویسندگان این زمان مرتبت قران است در کتاب روضة الصفای ناصری مینویسد

اصل اصیل ایل جلیل قاجار بترک بن یافث بن نوح علیه السلام میپیوندد و قاجار طایفه از طوایف ترک اند و گفته اند چون این ایل جلیل از اولاد قاجار نویان بن سرتاق نویان بن سابا نویان بن جلایر بن تیرون بوده اند باسم جد اعلی شهرت نموده و قاجار منقسم بسه طایفه شده سلدوس و تنکقوت و جلایر طایفه سلدوس اصلا با ایران نیامده اند و طایفه تنکقوت بسی چهل خانوار بوده بطوایف مغول پیوسته اند و جلایر در اکثر بلاد توران و ایران مکنت و حشمت یافته اند و مانند قاجار و سایر طوایف معروف شده اند اما سرتاق نویان پدر قاجار نویان بفرمان اباخاقان مغول باتابیکی ارغون خان معزز و منصوص و مکرم و مخصوص میبوده و بوکالت و نیابت آن پادشاه دیجاه از کنار نهر جیحون تا حدود دری حکمرانی و فرمان گذاری مینموده و از قزل آقاج مغان تا حدود نیشابور مملکت خاصه او بوده و کسی در آن تصرف و شرکت نداشته و غالبا سرتاق نویان در ولایت گرگان میزیسته و اولادش در استراباد و مازندران زیاد شده بعد از فوت سرتاق نویان در زمان غازان خان ولایت سرتاق به پسرش قاجار نویان مفوض شد و قاجار نویان امیری با حشمت و شجاعت و لشکرکشی با شهامت و مناعت بوده و این قبیله بنبیله بنا

قاجار نویان معروف شده و اولاد نامدار و احفاد کامکارش در گرگان و ایران ملجأ بزرگان و امیران شده‌اند
و روز برو زبر تعدد و تزاید و علت و قرابت بوده اند تا بساط دولت آل چنگیز پیچیده و برچیده گشت و بعضی از اولاد او
در ماوراء النهر بر مسند خانی بخارا متکی بودند و بعد از ضعف دولت گورکانیه و قوت سلاطین ترکمانیه قراقوینلو و ابو
النصر حسن بیک آق قوینلو که در نسب با سلسلهٔ جلیلهٔ قاجاریه مشارکت داشتند لوای کشورستانی برافراشتند و با صفویه
بارادت و قرابت اختصاص جستند و شاه اسمعیل صفوی که از طرف پدر موسوی و از جانب مادر آق قوینلو بود با قاجاریه
طریق یگانگی و امنیت سلوک مینمود لهذا بزرگان قاجار در موافقت دولت صفویه کاملاً مساعد بودند و ولایات بزرگ و
مناصب عالیه مییافتند و در سنه نهصد و شصت و نه شاهقلی بیک قاجار جد اعلای نواب فتحعلی خان قاجار ابن شاهقلی
خان از جانب شاه طهماسب صفوی بسفارت دوم دفعه با سلطان سلیمانخان قرار عهد مودت و صلح داده مراجعت کرد
بالجمله در تمام دولت صفویه غالباً امیر الامرائی قراباغ و گنجه و حکومت خراسان و مرو و استراباد با طایفهٔ قاجاریه
زیادلو و قوینلو بوده همینکه نوبت سلطنت بشاه عباس ماضی رسید چون مادر او از آن طایفه بوده از کثرت شوکت و
حشمت قاجاریه توهم نموده آنها را سه فرقه کرده قسمتی را بمرو و خراسان بحکومت فرستاد و جمعی را در قراباغ
گذاشته فرقه را بگرگان و استراباد روانه نمود و بارها این طایفهٔ شجاعت آثار در ثغور و سرحدات ثلاثهٔ ایران جنگها کرده‌اند
تا زمان غلبهٔ افاغنه بر شاه سلطان حسین نواب فتحعلی خان بن شاهقلیخان بن مهدیخان بن محمد ولیخان بن شاهقلیخان
قاجار قوینلو حاکم گرگان و استراباد و مازندران بحمایت شاه طهماسب با افاغنه رزمها کرد و بنیابت سلطنت و وکالت
دولت مخصوص گشته شاه را بتسخیر ارض اقدس و محاصرهٔ مشهد مقدس برد و بغدر نادر و قضای صادر بشهادت یافت
و نادر بملاحظهٔ مال مهدی نام قاجار را که دخیل در خون نواب غفران مآب بود و پدرش بدست خان والاشان کشته شد بکشت
همچنین شاه طهماسب را بدست محمد حسینخان قاجار مقتول ساخت تا خود بری الذمه باشد و سلسلهٔ قاجاریه و صفویه
با یکدیگر چنانکه خواهی کنند بعضی از ارباب سیر برآنند که اصل این قبیلهٔ جلیله از ترکستان بروم افتاده اند و در آن ولایت
میزیسته در سال ششصد و پنجاه و سه که هلاکوخان از جانب برادر خود منکوقاآن بروم رفت بامر برادر از هر ده
خانوار مغول دو خانوار با او برفتند و براین قرار صد و بیست هزار کس از ایلات ترکستان در رکاب او مامور آمدند
که از سرحد ترکستان الی اقصای مصر و شام بمحافظت ثغور بپردازند از آنجمله ایل جلیل قاجار بسرحدات شام متوقف و مامور
شدند و در ایامیکه امیر تیمور گورکان بشام رفت و آن بلاد را مسخر کرد ایلات ترکستان را که قریب بصد هزار نفر بودند
مصلحت ندید که در روم باشند ایشان را کوچانیده ماموریت ترکستان کرد بعضی از آنها بترکستان شدند و جمعی در
آذربایجان بماندند ایل جلیل قاجار نیز در گنجه و ایروان ساکن گشتند برخی گفته‌اند چون بتوسط و تشفع جناب میر
سلطانعلی صفوی امیر باطلاق اسرای روم فرمان داد این طایفه جلیله و جمعی از ایلات روم مانند بیکدلی ملقب بشاملو در
آذربایجان و دیار بکر متوقف شدند و ارادت طوایف شاملو و روملو و تکلو و قاجار و غیرهم بسلسلهٔ صفویه و
اجتماع ایشان از دیار بکر بدور شاه اسمعیل صفوی بجهت این منت بود در هر حال ایل قاجار از ایلات ترکستان و در
ایران متوقف بوده اند و شاه عباس صفوی جمعی را در قراباغ و گروهی را در گرگان و خراسان و مرو حکومت و
الکای داد و در سال یکهزار و هشت هجری اگر شاه عباس باستراباد رفت و قلعهٔ مبارک آباد بر ساحل گرگان را که
از بناهای شاه طهماسب ماضی بود و ترکمه خراب کرده بودند تعمیر کرد حسینخان قاجار زیاد اغلی را از گنجه کوچانید
با قاجاریه در آن قلعه سکنی داد که ترکمانان صاین خانی بتاخت و تاز استراباد بیایند و تطاول نتوانند و طایفهٔ

مذکور

مذکوره قاجار علی التناوب در آن ولایت بحکومت و سالاری میپرداختند تا در عهد دولت شاه سلطان حسین
صفوی نوبت سروری قاجار و ریاست در استراباد بنواب فتحعلی خان قوینلو رسید انتهی

میرزا محمد تقی متخلص بسپهر ملقب بلسان الملک از مورخین معتبر این عهد ابد مهد در کتاب ناسخ التواریخ یعنی در جلد
متعلق بسلسله جلیله قاجار گوید

در سال ششصد و پنجاه و سه هجری سلطنت ایران بفرمان منکوقاآن بن تولی خان بن چنگیزخان مخصوص هلاکوخان شد و هنگامیکه
عازم عراق و برانداختن دودمان خلفای بنی عباس بود از جانب منکوقاآن حکم شد از هر ده خانوار مغول دو خانوار برای حراست
و حفظ حدود و ثغور از مکان خود بیرون شده از سرحد ترکستان تا اقصای مصر و شام در اماکن مختلفه اقامت کنند بنابراین
حکم صد هزار خانوار حرکت کردند و در امکنه منظوره جای گرفتند سرتاق نویان بن سابانویان بن جلایر بن ایرون یکی از
نوئینان و سرداران هلاکوخان و ملازم رکاب او بود چون در سال ششصد و شصت و سه هلاکوخان درگذشت و پسرش
اباقاخان بجای او نشست سرتاق نویان را مورد مرحمت نموده باتابکی پسرش ارغون خان برقرار کرد و از کنار جیحون تا قزل آغاج
مغان را بحکومت او واگذار و مفوض داشت اباقاخان نیز بعد از هفده سال پادشاهی بمرد و بعد از او تکودار خان برادرش
دو سال سلطنت نمود و ارغون خان فرزندش هفت سال و کیخاتوخان برادر دیگرش سه سال و بایدوخان هشت ماه
و در سال ششصد و نود و چهار هجری غازان خان بن ارغون خان بر تخت پادشاهی جلوس کرد و سرتاق نویان نیز درگذشته
بود و پسرش قاجار نویان که سلسله جلیله قاجار بدو می پیوندد کمال رشد را داشت غازان خان بنابر حقوق اتابکی پدر
قاجار نویان را درجه اختصاص داده آنچه در تحت حکمرانی سرتاق نویان بود باو واگذاشت و قاجار نویان اولاد زیاد بهم رسانید
و عشیره او روبفزونی نهاد و آنجماعت را بنام جد و پدر قاجار خواندند و در قدیم الایام رسم و قانون ترکان این بود که
هر طایفه بجلالت و جلادت مشهور میشدند سایر طوایف مردمان خود را بدانطایفه ملحق ساخته بنام آنطایفه معروف
میگشتند بالجمله قبیله قاجار شوکت و عدتی حاصل کرده بشهامت و شجاعت معروف گشتند و چون سلطنت چنگیزیه در ایران
منقرض شد و حکومت سلطان ابوسعید بن الجایتو در سال هفتصد و سی و شش هجری بسر رسید سلسله قاجاریه نیز باقتضای
خویشاوندی و ایلیت اندک اندک بقبایلی که در حدود شام سکنی داشتند پیوستند و آن اراضی را موطن خود دانستند تا
امیر تیمور گورکان در سنه هشتصد و سه هجری که سال دوازدهم پادشاهی او بود بسفر مصر و شام رفت حکم کرد طایفه
مغول از حدود شام که اراضی بیگانه است کوچ کنند و بایران آیند و از اینجا بترکستان که وطن اصلی ایشانست عزیمت
نمایند بنابراین آن قبایل بایران آمده اکثری راه ترکستان پیش گرفتند و بعضی خاصه طایفه قاجار در آذربایجان و
حدود گنجه و ایروان رحل اقامت افکندند چون دولت گورکانیه ضعیف شد حسن بیک بن علی بن عثمان اول سلطان از طایفه
آق قوینلو که نسب بقاجار میرسانند در سنه هشتصد و هفتاد و یک بتخت سلطنت نشست و چهل و سه سال در خانواده او پادشاهی بماند
در سال نهصد و نود و پنج که شاه عباس اول بسلطنت رسید حکم کرد قبیله قاجار از گنجه و ایروان باراضی استراباد
روند و در قلعه مبارک آباد در کنار گرگان که تازه بحکم پادشاه ایران ساخته شده بود ساکن شوند ایشان بدانمحل رفته
آنها که بر بالای قلعه جای گرفتند معروف بقاجار یخاری باش شدند طایفه که در پایین قلعه بودند اشاقه باش نام یافتند
جماعت دیگر از قاجار نیز بحکم شاه عباس بمرو شاهجهان رفته در آنجا منزل نمودند و مقصود شاه عباس از این فرمان محفوظ ماندن
نواحی استراباد و مازندران از تاخت و تاز ترکمه و محروس بودن اراضی خراسان از مزاحمت قبایل اوزبک بود نیز میخواست
سلسله جلیله قاجاریه که بجلادت و جلالت موصوف و معروف اند در یکجا جمع باشند خلاصه این طایفه با اینکه از حیثیت شماره

وعدد قلیل بودند بواسطهٔ شجاعت و مبارزت بر تمامی ایران غلبه کردند و حکایات در رشادت و دلیری ایشان شنیده
و دیده شده و بعد از ورود باسترآباد پیوسته با ترکمانان جنگ میکردند و پدران فتحعلیخان قوانلو همیشه بزرگ این سلسله
بودند و با کمال اقتدار هرگز با سلاطین صفویه براه مخالفت نرفتند و حال بر این منوال میگذشت تا نوبت فرمانگذاری قاجار
بفتحعلیخان رسید انتهی

مؤلف گوید از جملهٔ این منقولات و مسطورات مصنفین مذکورین تغمدهم الله بغفرانه و رضوانه چنین مستفاد و
محقق میگردد که نسب سلسلهٔ علیهٔ قاجاریه منتهی بقاجار نویان بن سرتاق نویان از امرای بزرگ غازان خان مغول
میگردد و نسب قاجار نویان باغوزخان پادشاه خداپرست بزرگوار ترک می پیوندد و آخر الامر بترک بن یافث بن نوح علیه السلام
پیوستگی می یابد و کلیهٔ قبایل منشعبه از این اصل در اقطار عالم خاصه در صفحات ترکستان رتبهٔ خانی و خاقانی داشته
و قدم برگاه و مسند حکمرانی گذاشته اقل شوکت ایشان آنکه ایلخان چندین ایل و امیر و حکمران چندین قبیله بوده اند و
از این سوانح آنچه تعلق بزمانهای بسیار قدیم دارد چون در طی اقوال مؤلفین مزبورین ذکر شده تکرار آن را غیر لازم دانستیم
اما آنچه متعلق باز منهٔ آخره است بعضی را بطور اشاره ایراد مینمائیم تا ادعا و مدعا ثابت و مدلل باشد

از سوانح سال نهصد و چهل و سه هجری یکی اینست که شاه طهماسب بعد از انقضای فصل زمستان بقصد تسخیر قندهار
و زمین داور از هرات حرکت کرده بکنار آب هیرمند و از آنجا بقندهار آمده این ولایت را تصرف نمود و حکمرانی آن را بعهدهٔ
بداق خان قاجار موکول داشت

از حوادث سال نهصد و پنجاه و سه آنکه شاه طهماسب که بعزم گرجستان انهاض نموده بود کوچ بر سر کوچ بگنجه آمد و از گنجه
حرکت کرده بموضع بولاقاردوزد و از اینجا کوکجه سلطان قاجار و ابراهیم خان ذو القدر و حسینخان سلطان روملو
و شاهوردی سلطان زیاد اوغلی را با پنجهزار سوار جرار بطور ایلغار بطرف شماخی که القاس میرزا در آنجا بود روانه
کرد و یکسال بعد از آن که شیروان در تحت تبعیت شاه طهماسب در آمد حکمرانی آن را بپسر خود اسمعیل میرزا داد و کوکجه سلطان
قاجار را به پیشکاری او برقرار داشت

در سال نهصد و پنجاه و نه چند نفر از سرکردهای شاه طهماسب مأمور جنگ با عساکر عثمانی شده و همه فایق آمدند و از آن
جمله بهرام بیک قاجار و طوبقون بیک قاجار بودند

در سال نهصد و شصت و دو که ابای ترکمان بخیال طغیان افتاده چند نفر از سرداران شاه طهماسب باطفای
نایرهٔ این فتنه مأمور شدند از جمله کوکجه سلطان قاجار بود که پیش از حسم مادهٔ فساد در همین سال درگذشت

در سال نهصد و شصت و هفت یسار و قورغان با جمعی اوزبک بفرمان علی سلطان والی خوارزم بر نیشابور آمدند که
این ولایت را غارت کنند بداق سلطان قاجار و ملکن اوغلی ذو القدر با جمعی بدفع اوزبکان از شهر بیرون آمدند
و با ایشان جنگ کردند و یسار و قورغان و بسیاری از همراهان او را کشته بقیة السیف فرار کردند

در سال نهصد و نود و شش الله قلی بیک قاجار منصب قورچی باشیگری شاه عباس اول یافت

در سال هزار و یازده هجری شاه عباس قلعهٔ ایروان را محاصره و فتح کرد و حکومت آن را بامیر گونه خان قاجار داد

در سال هزار و پانزده هجری شاه عباس قلعهٔ گنجه را که در تصرف دولت عثمانی بود بقهر و غلبه فتح کرد و حکومت گنجه را
بمحمد خان زیاد اوغلی قاجار داد

در سال هزار و صد بیست و شش هجری که امیرگونه خان قاجار بیگلربیگی و حکمران ایروان بود محمد پاشا وزیر اعظم

سلطان

سلطان احمدخان اول سلطان عثمانی با لشکر زیادی از دیاربکر بارزن الروم آمده عازم فتح ایروان گشت و امیرگونه‌خان
طوری بمدافعه و محارست قلعهٔ ایروان پرداخت که محمد پاشا بعد از کوشش بسیار و کشته شدن چهل هزار نفر از عساکر
عثمانی از فتح ایروان مایوس شده باز گشت

در سال هزار و سی و یک هجری شاه عباس علیه الرحمه بیلبی بیک قورچی قاجار را بسفارت بدربار دولت عثمانی فرستاده و در ضمن نامهٔ مهر
سلطان عثمانی را از فتح قندهار و جزیرهٔ هرموز خبر داد

در سال هزار و سی و دو امیرگونه‌خان قاجار بیگلربیگی چخور سعد بتسخیر اخسقه و تدمیر گرجیه رفت

در سال هزار و سی و پنج امیرگونه‌خان قاجار بیگلربیگی چخور سعد بگرجستان رفته جنگ سختی کرده چند زخم برداشت بعد
از آن بایروان مراجعت کرده مشغول معالجه شد ولی چون زخمها کاری بود درگذشت

در سال هزار و چهل و دو هجری شاه صفی حکمرانی مرو را بمرتضی قلیخان قاجار ابن محراب‌خان قاجار داد و محمد قلیخان
زیادا وغلی قاجار بامیرالامرائی قراباغ و حکمرانی آن نواحی برقرار گشت

در سال هزار و چهل و سه اکراد محمودی و کردستان و قارص و دیاربکر باهم اتفاق کرده بتاخت چخور سعد آمدند
طهماسبقلی‌خان قاجار امیرالامراء و حکمران چخور سعد و ایروان بسیاری از اکراد مزبور را بکشت و باقی را متفرق ساخت
و در همین سال شاه صفی کلبعلی‌خان قاجار دوانه‌دار را با خان احمد اردلانی و سپاه قلمرو علیشکر بجانب موصل و جزیره و
عمادیه فرستاد و آنحدود را بتاختند نیز در اینسال مرتضی قلی پاشا بیگلربیگی دیاربکر داعیهٔ وزارت داشته در قلیل
زمانی سپاهی از دیاربکر و کهنه و مرعش و آبلستان و اناطولی و قرامان جمع کرده بکمک حاکم وان رفت خلیل پاشا بیگلربیگی
ارزن الروم نیز با و پیوست و با پنجاه هزار نفر حرکت کردند شاه صفی مطلع شده طهماسبقلیخان قاجار بیگلربیگی را با چند نفر
سردار دیگر و جمعی بامداد سپهسالار خود که مامور بفتح وان بود روانه نمود

در سال هزار و پنجاه و هفت هجری شاه عباس ثانی مرتضی قلیخان قاجار ولد محرابخان حاکم مرو و ارض اقدس را منصب
سپهسالاری داد

در سال هزار و پنجاه و هشت شاه عباس ثانی قصد زیارت مشهد مقدس و تسخیر قندهار نمود و مرتضی قلیخان قاجار
سپهسالار از پیش بصوب قندهار روانه گشت

در سال هزار و شصت مرتضی قلیخان قاجار سپهسالار قورچی باشی شد

در سال هزار و هفتاد و پنج کداعلیخان بن محرابخان قاجار که حکومت ولایت دورق داشت درگذشت

در سال هزار و صد و چهارده گرگین‌خان والی گرجستان از اطاعت شاه سلطانحسین سر پیچیده شاه سلطان
حسین کلبعلی‌خان قاجار حاکم گنجه را با لشکر گران بتادیب او فرستاد کلبعلیخان بر گرگین‌خان غالب آمده وارد تفلیس شد
و بزرگان و رعایای آنجا را بانعام و حسن سلوک مستمال و رام نمود

در سال هزار و صد و بیست و چهار که امرای قزلباش صلاح در این دیدند که شاهزاده طهماسب میرزا برای چاره کار
افغان از اصفهان بیرون رود طهماسب میرزا با هشت نفر سوار گزیده از طایفهٔ قاجار از اصفهان بطرف قزوین
حرکت کرد بالجمله براینموال امرای معظم قاجار در دهر دوره و عهد ساعد دولت و مساعد سلطنت بوده و سلاطین
با تمکین آنها را متقلد اشغال عمده و مهام بزرگ و مناصب عالیه مینموده اند چنانکه در دولت صفویه چند بار بسمت سفارت
کبری بدربار دولت عثمانی و سلاطین هندوستان رفته و خدمات بزرگ و نمایان کرده و از آنجا که هر کس منشا خلف و خلاف

بوده اند و جز طریق صداقت و درستکاری راهی نپیموده همیشه کمال اعتماد و اطمینان پادشاهان را جالب و تقلد
و تکفل معظمات مهام و جلایل امور را شایان و لایق گشته تا مجد سلطنتی که در اصل ایشان را بود روی توجه باین
دودمان نمود و فی الحقیقه ابتدای این شروق و طلوع و ضیا و فروغ از سال هزار و صد و چهار هجری است که در این سال
نواب فتحعلی خان قاجار قوینلو جد سلاطین بزرگوار قاجار در استراباد متولد شد و بعد از بلوغ و رشد در آن نواحی
استقلال بکمال یافت و کوکب اقبال و رایت اجلال نواب معظم میل باوج و اعتلا کرد بر جلال آثار و فروغ و فروغ دودمان و
سلسلهٔ جلیلهٔ قاجار افزود و ابواب حکمرانی و کشورستانی را بمقالید بخت سعید و تایید آسمانی او کشود

کم من اب قد علا بابن له شرف کما علا برسول الله عدنان

در سال هزار و صد و بیست و چهار که افاغنه شاه سلطان حسین را در اصفهان محصور کردند نواب فتحعلی خان با
هزار سوار جرار از طایفهٔ قاجار از استراباد بامداد شاه سلطان حسین شتافت و جنگهای سخت با لشکر افغان
کرده و هر روز سر و غنیمت بسیار از آنها گرفته بنظر شاه میرسانید اما شاه سلطان حسین ساده لوح و امرا و نزدیکان او
خاین و بی عقل بودند و امرای مزبور که میبایست این امر را از تاییدات آسمانی دانسته از فرط نادانی بر خلاف دانسته و غرض کرده
و نزد شاه بنای سعایت را گذاشتند و بجای تمجید و تحسین و ترحیب و آفرین افساد و تفتین نمودند و گفتند طایفهٔ قاجار
بجلادت و شجاعت موصوف و بدلیری و رشادت معروف اند و نواب فتحعلی خان خود داعیهٔ سروری و مملکت داری دارد
اگرچه او افاغنه را دفع میکند ولی بعد از آن دفع خود او خارج از حیز امکان است آخر الامر ملا باشی و حکیم باشی که زیاده
از دیگران در قلب شاه رسوخ داشتند چندان وسوسه کردند که شاه سلطان حسین را بوسواس انداختند ناچار او
شمشیر معروف بجهان گشا را بنواب فتحعلی خان عنایت کرده رخصت مراجعت داد بنا بر مسطورات عبدالرزاق بیک در
کتاب مآثر سلطانیه نواب معظم نیز بواسطهٔ اینکه اقوال امرای شاه سلطان حسین را در حق خود شنیده بود آزرده خاطر
شده سواران خود را برداشت و راه استراباد پیش گرفت افاغنه بر اصفهان استیلا یافتند و کار بآنجا کشید که جمعی کثیر
باشارهٔ اشرف افغان بطهران و تسخیر این سامان شتافته این بلد را ویران کردند نواب فتحعلی خان باز با سواران قاجار
در ابراهیم آباد ورامین بگروه از ظهر تا شام با سپاه افغان جنگ کرده شام دو لشکر بآرامگاه خود رفتند در همان شب
بنواب خلد مکان خبر دادند که شاه طهماسب را که پیش از تسخیر اصفهان برای چاره کار از این شهر بطرف قزوین فرستاده اند
بمازندران آمده و در بلدهٔ اشرف است نواب فتحعلی خان که ارادتی بخانواده صفویه داشت از ابراهیم آباد راه مازندران
پیش گرفت و این در هزار و صد و سی و هفت بود از آنجا که کوکب اقبال صفویه رو بهبوط بود در این راه مسموع نواب
فتحعلی خان شد که امرای شاه طهماسب او را نسبت بنواب معظم بد دل کرده اند لهذا عنان مرکب را از جانب اشرف
منعطف و بطرف استراباد راند و امرای مشار الیهم بر اغوا و تحریک افزوده تا فیما بین جنگ درگرفت و شاه
طهماسب گرفتار شد نواب فتحعلی خان باز براه ارادت رفته شاه طهماسب را از اشرف باستراباد برد و تجهیز لشکری
عظیم نمود و در رکاب شاه طهماسب عازم خراسان گردید و در سال هزار و صد و سی و هشت در دامغان شاه
طهماسب نیابت سلطنت و امیر الامرائی ایران را بنواب فتحعلی خان داد و عازم مشهد مقدس شدند در سال هزار
و صد و سی و نه نادر قلی بیک افشار حاکم نسا و ابیورد بخدمت شاه طهماسب آمده ملقب بطهماسب قلیخان گردید و
منصب قورچی باشی یافت و مامور جنگ ملک محمود سیستانی و تسخیر ارض اقدس گشت و در همین اوان نادر قلی بیک
وجود نواب غفران مآب را اسباب عدم پیشرفت کار خود دانسته در پیش شاه طهماسب باغوا و تحریک مبالغت

نمود و او را بقتل نواب فتحعلیخان راضی کرد شب سیزدهم ماه صفر در منزل خواجه ربیع نذر قلی بیگ محمد نسقچی شاه
طهماسب و موافقت مهدیخان نام قاجار دولو بطور خدعه و تزویر نواب فتحعلیخان را شربت شهادت چشانیدند
و در بقعه خواجه ربیع بخاک سپردند

از صلب نواب غفران مآب فتحعلیخان دو پسر بعرصه وجود آمدند یکی نواب محمد حسنخان که در سال هزار و صد و بیست و هفت هجری متولد شد و دیگری محمد حسینخان که در طفولیت بدرود زندگانی گفت نواب محمد حسنخان که خلف مهین و فرزند ارشد با تمکین بود بعضی اوقات در استراباد و گاهی در میان طوایف ترکمان میزیستند بموجب مسطورات مورخین در ایام جوانی و اوقات کامرانی روزی با محمد زمان بیگ ولد محمد حسینخان قراموسانلو بر سر اسب دوانی منازعه کرده آزرده خاطر و مکدر گشته روی باحشام ترکمن نهادند و جمعی از اتراک و ترکمانان را دور خود جمع کرده بر سر استراباد رفتند و شهر را بگرفتند محمد زمان بیگ که از جانب پدر در آن شهر حکمرانی میکرد بگریخت و خود را به بهبود خان که در آن اوان از جانب نادر شاه سردار و سرحددار استراباد و مازندران بود رسانید بهبود خان با شش هفت هزار نفر که با خود داشت بعزم رزم و جدال از کنار رود اترک حرکت کرد ولی صرفه از جنگ و قتال نبرده منهزم و فراری شد این خبر در موصل بنادر شاه رسید محمد حسینخان قاجار را مامور استراباد نمود و او با قشون ابوالجمعی بهبود خان و مردم استراباد بشهر رفته این بلده را خراب و جمع کثیری را بقتل رسانیدند و عده از قاجاریه نیز در این هنگام مقتول شدند نواب محمد حسنخان مجال و امکان تلاقی و تلافی نیافته باز عنان بطرف دشت معطوف ساختند نادر شاه نهایت ساعی بود که نواب معظم را دستگیر کند چنانکه بحسینعلی خان معیر الممالک میگفته است یاقوت چهارده مثقالی دیده او در جواب گفته ندیده ام نادر شاه گفته یاقوت چهارده مثقالی محمد حسنخان است که از چنگ ما بیرون رفته و بر او دست نیافته ایم خلاصه چون نادر شاه سر را در سودای فتح و خشونت بر باد داد نواب محمد حسنخان از دشت ترکمان باستراباد تشریف فرموده ول ارزانی داشتند و این بلده را مقر دولت و حکمرانی خود قرار دادند و مازندران و گیلان را نیز مسخر ساختند و تقریبا بیست هزار لشکر منتظم ترتیب دادند و کار ایشان در کمال قوام و قرین ترتیب و انتظام بود تا کریمخان زند با چهل هزار پیاده و سواره از جماعت بختیاری و الوار عزیمت استراباد نمود نواب محمد حسنخان در مقابل قدرت و شوکت خداداد را ظاهر ساخته چنانکه هر روزی جمعی از لشکریان را بر سر قشون کریمخان فرستاده فوجی از آنها را اسیر کرده می آوردند و در عرض چهل روز تقریبا بیست و پنج هزار نفر از سپاهیان وکیل مقتول و دستگیر عساکر فیروزی مآثر حکمرانان قاجار بل تاجدار فرخنده آثار گردید شجاع الدین خان زند طعمه شمشیر غازیان شد و کریمخان قرین یاس و حرمان ناچار بنه و آغروق و توپخانه و زنبورکخانه و سایر اسباب سلطنت را رها کرده از ساحت استراباد بجانب اصفهان عطف عنان کرد و غنایم کثیره بدست ملازمان و لشکریان نواب محمد حسنخان افتاد و نواب معظم مصمم سفر عراق گشته از استراباد باشرف مازندران توجه فرمودند وقتیکه کریمخان لشکر باستراباد کشیده بود جماعت لاریجانی باظهار خدمتگذاری بسپاهیان الوار پیوسته بعد از مراجعت کریمخان نیز سر از اطاعت پیچیده طبل یاغیگری میکوفتند نواب محمد حسنخان محمد ولیخان و مقیم خان ساروی را مامور تنبیه لاریجانیها کردند و فوجی از عساکر منصوره بر سر آمل رفت ولی پیش از آنکه بلاریجانیها نزاعی اتفاق افتد محمد ولیخان بواسطه شرارت فطری بنای بد سلوکی را نهاده دست بطرف ناموس و عیال اهالی آمل دراز کرد اهالی مازندران از حرکات محمد ولیخان منزجر گشته او را گرفته حبس کردند و جمعیتی فراهم آورده نزد مقیم خان رفتند و او را بر خود امیر کرده راه طغیان پیش گرفتند و در ساری رحل اقامت انداختند و بخود نمائی پرداختند نواب محمد حسنخان

بدون بنه و احمال از اشرف حرکت کرده بر سر مقیم خان و اهالی مازندران تاختند مقیم خان بزخم زنبورک از پا در آمد
دستگیر و نابود شد و اهل مازندران متفرق گشتند و چند نفر از معارف اهل این ولایت مورد مؤاخذه و مصادره
کردیدند بعد از آن احمد شاه ابدالی که در قندهار رایت افتدار بر افراشته بود بارض اقدس آمده این ولایت را مسخر
کرد و پانزده هزار نفر از افاغنه را بسرداری شاه پسندخان افغان مامور فتح استراباد کرد و آنجماعت بسبزوار
آمدند ابراهیمخان بغایری و عیسیخان کرد و علیخان قلیچی و جمعی دیگر از خوانین خراسان با اهل و عشیرت خود کوچ کرده
بدامغان رسیدند نواب محمد حسنخان محمد حسینخان دولوی قاجار را که از اعاظم امرا بود با خوانین خراسان و چهار
هزار نفر لشکری بدفع شاه پسندخان مامور فرمودند و بعد از تلاقی فریقین افاغنه شکست خورده راه هزیمت پیش
گرفتند بعد از این فتح نمایان نواب محمد حسنخان با فشون نصرت نمون بقصد جنگ با کریمخان از مازندران حرکت کرده
محمد خان بیگلر زند را که بعد از کریمخان در این سلسله کسی از او شجاع تر نبود با هفتاد نفر از امرای زند گرفته بشهر ساری
فرستادند و محمد خان را از آن بیگلر میگفتند که مقدار کف دستی از کله او را شمشیر بریده بود آخر الامر نواب محمد
حسنخان اصفهان را متصرف شده در کلون آباد با کریمخان مصافه داده او را نیز منهزم ساختند پس از آن بعزم
تسخیر آذربایجان رایت استنهاض برافراختند آزادخان افغان که این مملکت را مسخر کرده و در ارومیه سکنی داشت
با بیست هزار نفر از افاغنه روی بمیدان کارزار و عرصه پیکار نهاد و از آنجا که اهل و عیال این بیست هزار نفر در ارومیه
بودند برای حفظ ناموس خود آنها سخت میجنگیدند و از روی غیرت مردانه میکوشیدند مع ذلک عساکر نصرت مآثر
نواب محمد حسنخان ایشان را مقهور و مغلوب نمودند آزادخان با اهل و عیال و معدودی بصوب تفلیس رفت نواب
معظم بجمع آوری افاغنه پرداخته هزار خانوار از افاغنه و ازبک کوچانیده آنها را از راه گیلان بمازندران فرستادند
و با لشکری وافر و شوکتی زیاد از عراق بفارس آمده کریمخان زند را در شیراز محاصره کردند در این هنگام قاجاریه
یوخاری باش وغیره بواسطه کینه دیرینه راه طغیان و خیانت پیش گرفتند و اردوی با عظمت معتبری را شکسته
فرار کردند و از آنجا که آذوقه محصورین رو بتمامی نهاده بود اگر این طغیان و خیانت از طایفه مزبوره بظهور
نمیرسید بزودی شیراز مسخر عساکر نواب محمد حسنخان میکردید بالجمله چون نواب معظم حال را براینمنوال دیدند روانه
استراباد شدند و کریمخان از عقب ایشان لشکر کشیده روان شد و خود در طهران مانده شیخعلیخان زند را بمازندران
فرستاد و فیما بین استراباد و اشرف جنگی بین فئتین واقع شده در اینجا نیز کاری از لشکریان نواب محمد حسنخان ساخته
نشد بالاخره در ماه جمادی الاخره هزار و صد و هفتاد و دو هجری در جر کلباد بتحریک قاجاریه یوخاری باش
آنحضرت معظم بدست یکی از ملازمان خود که موسوم بسبزعلی بیک بود بدرجه رفیعه شهادت رسید بعد از آن
کریمخان استقلالی هم رسانیده بمازندران و طبرستان راند و بر استراباد استیلا یافت و از پسرهای حضرت غفران
مآب معظم که نه نفر بودند و پیش ذکر ایشان شده حضرت آقا محمد خان (شاه شهید طاب ثراه) که اکبر و ارشد اولاد
بودند با حسینقلیخان (جهانسوز شاه) والد خاقان مغفور (فتحعلیشاه طیب الله مضجعه) بشیراز برد و این
دو برادر معظم برادر صلبی و بطنی بودند سایر برادران را بقزوین فرستاد و احترامات و کبل نسبت بحضرت
آقا محمد خان معروف است فی الحقیقه قدر آن گوهر پاک را میدانست و در مشکلات امور و معضلات مهام از رای
رزین ایشان استمداد و استعانت مینمود و کمال اطمینان را بوفور عقل و راستی و امانت آنحضرت در مشورت داشت
در سال هزار و صد و هشتاد و چهار هجری نواب حسینقلیخان معروف بجهانسوز شاه بحکمرانی دامغان رفتند

وازآنجا بمازندران شتافته تبعیت و متابعت کریمخان را برکنار گذاشته محمدخان داد و حاکم مازندران را با زه کمان خود خفه کردند و این از آن بود که ملک خود را در تحت ممالک دیگر نمیتوانستند دید خلاصه کریمخان لشکر بدفع نواب جهانسوزشاه فرستاد ولی چنانکه احترام او نسبت بحضرت آقا محمدخان مطلقاً تغییری نکرد و هیچ این فقره را بروی ایشان نیاورد نواب حسینقلیخان جهانسوزشاه دست وکیل را ازکار کوتاه میکرد تا آنکه در حوالی فندرسک از دست سه نفر غدار از طایفهٔ ایکدر یموت از طوایف ترکمان شربت شهادت نوشیدند و رخت از سرای فانی بجهان جاودانی بیرون بردند درسال شهادت نواب جهانسوزشاه اختلاف کرده گویا سال هزار و صد و هشتاد و هشت هجری را باید اختیار کرد وصحیح دانست بهرحال چندان از شهادت حضرت جهانسوزشاه نگذشته که حق بمرکز خود قرار گرفت و نوبت اعتلای آیت دولت جاوید شوکت قاجار در رسید و اگرچه گاهی ظهور این دولت که مصون از زوال باد بقول مشهور تأخیر شد مهلتی بایست تا خون شیر شد خلاصه کلام حضرت آقا محمدخان با کمال عزت و شان در شیراز انیس و جلیس وکیل بودند تا در ماه صفر هزار و صد و نود و سه کریمخان بناخوشی سل درگذشت و حضرت معظم دو اسبه بطرف طهران شتافته روز هفدهم ماه صفر بورامین وارد شدند و در اینجا سران قاجار و خوانین ایلات برکاب فیروزی انتسابش پیوسته عزیمت مازندران کردند

سنه ۱۱۹۴ هجری — سنه ۱۷۷۹ مسیحی

آسیا (ایران) در وقایع سال قبل در آخر جلد دویم منتظم ناصری ارتحال کریم خان وکیل و تشریف فرمائی حضرت آقا محمدشاه را از شیراز بمازندران اجمالاً ذکر نموده ایم ولی بسبب کمال پیوستگی حوادث سال قبل با این سال کلام را ضرورتاً اعادت داده گوئیم حضرت معظم که مدت شانزده سال در شیراز بمصاحبت وکیل اشتغال داشتند در اوان ناخوشی وکیل خاصه اوقاتی که علایم انتقال ظاهر شده بود براه حزم رفته غالباً در بیرون شهر شیراز بهانهٔ شکار گردش مینمودند و مستعد بودند که بمحض فوت وکیل راه مازندران و استرآباد را که دارالملک نیاکان بزرگوار ایشان بود پیش گیرند و سلیمانخان قاجار ابن محمدخان خالوی خود را که در آن زمان ده ساله بود دائما بحرم وکیل فرستاده پنهانی از عمهٔ خود که در حبالهٔ نکاح کریمخان بود از حال پادشاه زند و ضعف و شدت بیماری او استعلام میفرمودند بعقیدهٔ بعضی خالهٔ حضرت آقا محمدشاه با وکیل سمت ازدواج داشته و از او جویای حالات بوده اند سر جان ملکم در تاریخ خود گوید همشیرهٔ حضرت آقا محمدشاه در سرای سلطنتی بوده وساعت بساعت برادر بزرگوار خود را از حالات وکیل مستحضر میساخت تا وقتیکه خبر انتقال پادشاه زند را بآنحضرت داد در حال شب سیزدهم ماه صفر سال هزار و صد و نود و سه حضرت آقا محمدشاه در بیرون شهر شیراز بسر بردند با بنی عمی که هنگام غروب نزدیک دروازه آمده که بشهر ورود کنند آقا محمدحسینخان احمدبیگی وعبدالله خان دماوندی که در سلک هواخواهان آنحضرت بودند باشاره بایشان معلوم کردند که وکیل محتضر است لهذا آن شهریار معظم بازی را که در دست داشتند عمداً از دست رها کرده و ببهانهٔ اینکه آن را بچنگ آرند از دروازه دور شده و در محلهٔ شاه میرعلی ابن حمزه که از محلات بیرون شهر شیراز است بخانهٔ رضاخان قاجار شب را صبح کردند و انتظار داشتند که نواب علیقلیخان برادر آنحضرت و محمدامین آقا و للهٔ فضلعلی بیک برادر نواب غفران مآب شهید فتحعلیخان و سایر اقارب بدیشان بپیوندند و از آن طرف زندیه ملتفت شدند که امرای قاجار در چه خیال حرکتاند بنابراین موسی خان و عیسی خان برادرزاده های حضرت آقا محمد

شاه‌زاده را میان دروازه گرفته باز گردانیدند سلیمانخان را بواسطهٔ صغر سن نکشتند و موسی خان و عیسی خان حکیم ابوالفتح خان بن وکیل حاکم شیراز بدست محمد طاهرخان زند مقتول شدند خلاصه چون صبح چهاردهم صفر شد و امرای مزبور بخدمت حضرت آقا محمد شاه نپیوستند حضرت معظم صلاح در توقف ندیده با چهارده نفر از خویشان خود روی براه نهادند و مرکب آنحضرت در اینسفر اسبی بود که نواب جهانسوز شاه پیش ازین برای برادر والاگهر هدیه ارسال داشته و ظاهراً اخاص اینسفر بوده چنانکه در دو شبانه روز با این اسب خود را باصفهان رسانیدند و در منازل خوانین قلیچی منزل گزین گشتند و خوانین مزبور با برکشاطی و بغایری تعهد کردند که از دنبال آن شهریار روانه استراباد و مازندران شوند جهانگیرخان و رشید بیک پسران فتحعلیخان افشار اظهار موافقت نمودند ولی از التزام رکاب حضرت انتساب تخلف جستند و رضا قلیخان برادر آنحضرت که در اصفهان بود ایشانرا همراهی نمود روز سه شنبه بیستم شهر صفر که شب عید نوروز بود بزاویه مقدسه حضرت عبدالعظیم رسیده بزیارت این امامزاده لازم التعظیم فایز آمدند و در عرض راه آنچه مالیات بشیراز میبردند بتصرف ملازمان حضرت درآمد و حاجی صمد علی آبادی نیز آنچه فراهم آورده بود بمیل تحویل کرده و مژده قدوم شهریاری را بمازندران رسانید و عموم اهالی از این بشارت قرین مسرت فوق العاده گردیدند روز چهارشنبه بیست و یکم صفر را که عید نوروز بود در صحبت برادران و هواخواهان بسر بردند و خان ابدال خان و نقدعلیخان و سایر خوانین مدانلو و جهان بیگلو جبههٔ اطاعت و عبودیت در آنحضرت بر زمین نهادند در این اثنا تقیخان زند سردار طهران و مازندران از فوت کریمخان با خبر شده جمعیت او متفرق و خود روانهٔ شیراز شد حضرت آقا محمد شاه مهدیقلیخان را با یکصد سوار از سواران اکراد و قاجار از عقب او روانه فرموده آنها تقیخان و همراهان او را دستگیر کرده بحضور مبارک آوردند و تقیخان پس از تنبیه و مواخذه مرخص شد و موکب شهریاری بدعوت مجنون خان بورامین و خوار آمد و خوانین دولو و قاجار بتقدیم هدایا پرداخته مشمول عنایت گردیده بعواطف حضرت پادشاهی مستظهر گشتند و بتوسط جعفرقلیخان برادر آنحضرت داخل در دایرهٔ هواخواهان شدند موکب منصور در روز ورود در دولاب طهران توقف کرده و خویشان و بستگان شهریاری که در قزوین اقامت داشتند راه استراباد پیش گرفتند و از حوادث غیر مترقبه آنکه مرتضی قلیخان برادر حضرت شهریاری پس از استماع فوت وکیل با سپاهی از استراباد ببارفروش آمد و اگرچه از اخلاص برادر بزرگوار اظهار شعف مینمود ولی میگفت مازندران را من بشمشیر خود مصفی نموده‌ام و این مملکت خاص منست و اگر دیگری طمع در آن نماید کار به پیکار خواهد کشید و جمعی را با مصطفی قلیخان برادر خود بسوادکوه فرستاد که مانع عبور حضرت آقا محمد شاه شوند مقارن این حال رضا قلیخان برادر دیگر آنحضرت از دولاب طهران بمازندران رفته بمرتضی قلیخان پیوست حضرت آقا محمد شاه پس از بذل نصایح که سودمند نیامد جعفرقلیخان را مامور دفع آنها کرده پس از مبادرت بجنگ ابتدا رضا قلیخان مغلوب و مقهور گردیده ببارفروش راند و مرتضی قلیخان عزیمت استراباد نمود و مصطفی قلیخان بموکب معلی ملحق شد حضرت آقا محمد شاه بعلی آباد ساری و بارفروش تشریف فرما گردیده خاقان صاحبقران فتحعلی شاه که در آنوقت با عم خود مرتضی قلیخان در مازندران بودند بحضور مبارک آمده مصطفی قلیخان با شماتت مرتضی قلیخان مامور استراباد شد و والدهٔ خاقان معظم را که در آن وقت سی ماه از ولادت فرزند گرامیش

حسینقلی‌خان ثانی ابن جهانسوز که گذشته بود نیز همراه بود و خان ابدال‌خان کرد جهانبیکلو بحکومت شهریار
منصوب گشت و رضاخان قاجار قوانلو بحراست آمل و لاریجان محکوم شد
نیز از وقایع اینسال آنکه زکیخان زند برادر امی کریمخان که بدست آویز ابو الفتحخان بن وکیل با سایر خوانین زند
مخالفت نموده و بر آنها غلبه کرده همه را مقتول ساخته بود علیمرادخان خواهرزاده خود را بحراست اصفهان
فرستاد و از آنجا مامور نظم امور ری و قزوین و دار المرز کرد در این اثنا ذو الفقارخان خمسه بدعوی سروری
از خمسه بقزوین آمده و پس از مقاتله با علیمرادخان شکست فاحش یافته منهزما معاودت نمود و علیمرادخان
مظفر و منصور بطهران بازگشت و محمد قلیخان سبنا و محمد قلیخان سیفند از خوانین لاریجان نزد وی آمدند و علیمرادخان
آنها را با محمودخان افغان بتسخیر مازندران روانه کرد مشار الیهم به تنگه عباس آباد آمده مهیای قتال
و مستعد جدال شدند حضرت آقا محمد شاه برادر خود جعفر قلیخان را با لطفعلی بیک سرکرده لشکر سوادکوهی
بدفع ایشان فرمان داده پس از جنگ سخت در آن کوهستان پرده رخت زندیه منهزم و بسیاری از آنها مقتول
شدند علیمرادخان زند غفورخان نامی را در طهران گذاشته خود روانه اصفهان شد و حضرت آقا محمد شاه
عزیمت طهران فرمودند و مجددا رضاقلیخان و مرتضی قلیخان بنای مخالفت را گذاشته خواستند با خوانین دولو
ورامین همدست شوند حضرت شهریاری جعفر قلیخان را از پیش روانه نموده بنه و آغروق را بمهدیقلیخان سپرده
بعد از آن نهضت فرما گردیده بسعدآباد ورامین بخانه محمدخان ولد رفیعخان که با آنحضرت نسبتی داشته نزول
اجلال فرمودند و میرزا محمدخان و مصطفی‌خان و رحیمخان و محمدخان و سایر بزرگان دولو مجددا بر خدمت و
سلطنت حضرت پادشاهی اتفاق کرده و عقد رضاقلیخان را خواسته او را روانه نمودند ناچار سایر خوانین و
بزرگان دولو از در معذرت و انقیاد درآمدند و موکب شاهانه بفیروزآباد طهران توجه فرمود هم در این اوان
ذو الفقارخان افشار خمسه بتسخیر طهران شتافت و جعفرقلیخان قاجار در قریه قشلاق او را جلوگیر شده
بجنگ پرداختند آخر الامر ذو الفقارخان مغلوب شده بقزوین فرار کرد و جمعی از لشکریانش اسیر و مقتول
شدند و ذو الفقارخان بعدها با هدایت‌الله خان گیلانی در انداخته و بجدال پرداخته امید فعیر نیز مقهور
شد و عاقبت بحکم علیمرادخان مقتول و روانه دیار عدم گشت و موکب پادشاهی در ری توقف داشت و محمد
قلیخان سبنا و سفیند لاریجانی اظهار عبودیت میکردند ولی رضاقلیخان باغوای آنها کوشیده بر مخالفت
ترغیب نمود و در هزار جریب بتهیه سروری پرداخت لهذا موکب منصور بعزم مازندران از ری انتهاض
فرمود و در بین راه دسته قشون جعفرقلیخان با سپاهیان مرتضی قلیخان قتال نمودند و جعفرقلیخان بعباس
آباد رفت و مرتضی قلیخان در یکی از قرای فیروزکوه بماند و اسرای طرفین را مرخص کردند بعد از آن
جعفرقلیخان در علی آباد بموکب معلی پیوست و مهدیقلیخان ناچار با مرتضی قلیخان روانه استراباد شدند
ولی در ضمن فرصتی بدست آورده فرار نموده و بملازمان حضرت سلطنت پیوست و عید نوروز سال
هزار و صد و نود و چهار را شهریار تاجدار در ساری گرفتند و مهدیقلیخان و محمد قلیخان قوانلو از
بند شیراز متخلص شده بحضور مبارک مشرف شدند و رضاقلیخان با جمعی بمنازعه علاءالزمان حضرت آمد جعفرقلیخان
بمدافعه او مامور شد و طایفه مدانلو با وی پیوستند رضاقلیخان بصفحات نور و کجور رفته بر سپاهیان خود
بیفزود و در محل موسوم به خواجک با جعفرقلیخان مصاف داده شکست خورده دستگیر شد و جعفرقلیخان

اورا باقاسمخان واسمعیل خان قوانلو بحضور پادشاهی فرستاد وبنا بر شفاعت علیقلی خان اورا عفو فرمودند وبنور وکجور نیز در تحت تبعیت ملازمان حضرت در آمد ومحمد قلیخان بن سیاه وسفید لاریجانی بار دیگر در چمن دریاوک وآن نواحی جنگ سختی کرده از جعفر قلیخان منهزم شدند وجمعی مقتول وگرفتار گشتند چون جعفر قلیخان با فتح ونصرت بحضور حضرت آقا محمد شاه آمد آنحضرت معظم این شاهنامه را در توصیف او بخواندند (خجسته بر وبوم گرگان که شیر همی پرورانند بجای دلیر) همدرینسال در بیست وهشتم رمضان موکب حضرت آقا محمد شاه از ساری عزیمت استراباد نمود وابتدا بالکای چهارده هزار جریب نزول اجلال فرمود اما از آنجا که ابنا وقات هزار جریب از اعمال استراباد وتعلق بمرتضی قلیخان داشت واز جانب مشار الیه پذیرائی نشد آنحضرت از او رنجیده ورضا قلیخان وخان ابدالخان را که مامور توقف مازندران فرموده بودند احضار کرده که به پیکار مرتضی قلیخان پردازند ولی باز کار باصلاح گذشت ورضا قلیخان باستراباد رفته از رنجش خاطر مبارک پادشاهی شرحی برای مرتضی قلیخان تقریر نمود مرتضی قلیخان برادر اعیانی خود مصطفی قلیخان را بمعذرت فرستاد وموکب منصور از رفتن باستراباد عطف عنان کرده از اشرف حرکت نموده روز هیجدهم ذیقعدة الحرام ببارفروش تشریف فرما شدند ودر عمارات شاه عباسی مشهور ببحر ارم نزول اجلال فرمودند اروپا (روس) اتحاد دولتین روس واطریش بر ضد پروس (اطریش) مصالحه فیمابین دولتین اطریش وپروس بعد از وقوع منازعه (ایطالیا) طغیان وآتش فشانی کوه وزوو وجریان مواد محترقه از آن آمریکا (اتازونی) امداد دولتین اسپانیول وهلاند باتازونی ینکی دنیا

سنه ۱۱۹۵ هجری سنه ۱۷۸۰ مسیحی

آسیا (ایران) از وقایع اینسال آنکه حاجی جمال فومنی با آنکه خدمات نمایان بحضرت آقا محمد شاه کرده بود پسرش هدایت الله خان متوسل بزندیه شده وبدینواسطه از خدمت حضرت شهریاری روگردان بود ورقبه انقیاد را بر ربقه عبودیت نمی نهاد لهذا جعفر قلیخان ومصطفی قلیخان مامور تسخیر گیلان شدند ومهدیخان تنکابنی مامور امداد ایشان ورضا قلیخان باستمالت محمد قلیخان سیاه ومحمد قلیخان سفید وسایر لاریجانیها وامر گردید اما بعد از ورود به نیشل با مخالفان موافق شده وبا هزار نفر بطرف بارفروش راندند وحضرت پادشاهی را محصور نمود خان ابدالخان نیز با جماعت پیوسته بواسطه عدت وکثرت آنحضرت معظم را بگرفتند وقصد جان آن یگانه دوران نمودند حاجی جان خان بندپی معروف بجلال الخور تدبیری اندیشیده آن قصد را مانع آمد یعنی درخواست کرده گفت اورا بمن بسپارید تا محارست ونگاهداری نمایم آنها قبول کردند وشهریار معظم را مقیداً با مهد علیا ونواب جهانبانی (فتحعلی شاه) وبرادر کهتر ایشان حسینقلی خان به بندپی روانه نمودند ورضا قلیخان استقلال یافت نواب جعفر قلیخان که در لاهیجان بود از این مقدمه با خبر گردیده بر جناح استعجال مراجعت نموده مصطفی قلیخان را باستراباد فرستاد وبمرتضی قلیخان واقعه را خبر داد وخود بکجور رفت مرتضی قلیخان بمازندران آمده با خان ابدالخان کرد سردار رشید رضا قلیخان مصاف کرد وبر وی غالب آمد ومحمد قلیخانین را بگرفت رضا قلیخان چشم از شهریاری ساری وبارفروش پوشیده از بیم تیغ مرتضی قلیخان به بندپی در ظل عاطفت حضرت شهریاری گریخت وقبل از ورود او بانجا میرزا فریدون مشهور بحاجی جانخان وآقاسی خان برادرش که حضرت معظم را حارس ونگاهبان بودند اقدام بتکلیف حقیقی خود نموده آنحضرت را از بند نجات داده بر اریکه جلالت نشانده کمر خدمت وملازمت این آستانه را بر میان بستند حضرت شهریاری رضا قلیخان را بحضور نخوانده واو چون دور مانده قصد

خلعت علیمرادخان کرده روانهٔ اصفهان شد و در آنجا نیز مقامی ندیده بمشهد مقدس مسافرت کرد و در آنجا زودی در گذشت
خلاصه زکی خان بندگی حضرت سلطنت را با جمعی روانهٔ بارفروش نمودند و رضاخان قاجار بنواب جعفر قلیخان که
در بجنورد بودند زنده فرستاد و خود با برادران و تمامی خوانین ملانلو بآستان معظم پیوست و مرتضی قلیخان محض
استرضای خاطر مبارک خان ابدالخان طاغی را بکشت و مصطفی قلیخان را بمعذرت و تشکر خلاصی و سلامت مزاج همایون
بدربار شهریاری روانه نمود و آنحضرت برای استیناس مرتضی قلیخان تشریف فرمای ساری کردیدند و با او ملاقات
فرمودند ولی رفع خیال مرتضی قلیخان نشد علیقلیخان و مهدیقلیخان ملتزم رکاب ظفر بضاب شهریار با اقتدار
کردیده و مرتضی قلیخان تخلف جسته و بعدها براه مخالفت رفته لکن کاری از پیش نبرد
روز شنبه پانزدهم ماه ربیع الاول اینسال عید نوروز سلطانی در رسید هم در این اوان کلبعلیخان دامغانی از
قادرخان عرب بسطامی شکایتی بدربار شهریار بعرض و انفاذ داشت حضرت معظم نواب جهانبانی را بدفع قادرخان
مامور فرمودند نواب شوکت مآب با اسمعیل خان قاجار قوانلو و جمعی از سواران جرار بایلغار بر سر قادرخان عرب
تاختند و وقتی رسیدند که قادرخان بر کلبعلیخان غالب شده و دامغان را کرفته تاخت و تاراج مینمود عساکر نواب
جهانبانی لشکر قادرخان را شکست فاحش داده و او را مقهور ساخته صورت حال را بآستان مبارک معروض داشتند
و دامغان بسپور غال نواب جهانبانی مقرر آمد نیز از وقایع اینسال آنکه پس از جنگ و جدال با مرتضی قلیخان و طول
محاصرهٔ شهر ساری این بلد را عساکر منصورهٔ شهریاری فتح کردند و مرتضی قلیخان بمصالحه و حکومت استراباد و
هزارجریب و کرکان راضی شده بدان سامت شتافت وفات حاجی لطفعلی بیک آذر بیکدلی صاحب تذکره موسوم باتشکده
اروپا (المان) فوت ماری ترز امپراطریس المان و اطریش بعد از چهل سال سلطنت استقلال امپراطریش ژزف دویم
در امپراطوری المان و اطریش (انکلیس) معابد و کلیساهای کاتولیک که در لندن و سایر شهرهای معتبر انکلیس بود
باغوای لرد کردن رئیس متعصبین پرتستان غارت شد اختراع اولچرخ بخار در بیرمنگام از شهرهای انکلیس ایجاد
روزنامهٔ مرنگ هرالد اعلان جنک مابین اسید ولت و هلاند (فرانسه) فوت ژیلبر از شعرای معروف (روس)
درظرف اینسال لتقریبا یکصد و سی هزار نفر بناخوشی وبا هلاک شدند در ممالک روسی

سنه ١١٩٦ هجری — سنه ١٧٨١ مسیحی

آسیا (ایران) در اینسال امیرکونه خان افشار طارمی که علیمرادخان زند هنکام عزیمت فارس او را مامور نظم
مازندران کرده بود باغوا و امداد محمد قلیخان سیاه و محمد قلیخان سفید لاریجانی عازم مازندران و مصمم قتال با
عساکر منصورهٔ حضرت آقا محمد شاه کردید و با شش هزار نفر بحوالات آمل آمد علیقلیخان قاجار که در آن حدود بود
چون دید از عهدهٔ جمعیت امیرکونه خان بر نمیاید صورت را بعرض آستان شهریاری رسانید حضرت آقا محمد شاه بنفس
مبارک مصمم مقاتله با امیرکونه خان شده روز دوشنبه دوازدهم جمادی الثانیه در رجب باغ شاه آمل جنگ درکرفت
سپاه دارالمرز و لشکریان قاجار بر همراهان امیر افشار حمله کردند ابتدا محمد قلیخان سفید مقتول و بعد محمد قلیخان سیاه
اسیر شد و پسر امیرکونه خان بزخمی کاری از اسب افتاد امیرکونه خان افشار فرار بر قرار اختیار کرد و در این جنگ سخت
بسی سرها بر سردار فنا رفت محمد قلیخان سیاه را نیز از بالای عمارت باغ شاه برودخانهٔ آمل انداختند و همان دم جان
بداد و پسر امیرکونه خان که زخمی شده بود بمرد و لاریجان را ملازمان حضرت شهریاری متصرف شدند و هزار نفر
لاریجانی بشرف التزام رکاب مبارک سرافراز آمدند و امیرکونه خان در حوالی کیلان در کذشت هم در این اوان امیر محمد

حسینخان ارجمندی و عبدالله خان دماوندی که در شیراز بودند برکاب همایون پیوستند و در دهم ماه رجب موکب
معلی عزیمت سمنان فرموده حاجی فاضل سمنانی و سایر معارف این بلد بحضور مبارک تشرف جستند پس از آن بطرف بسطام
توجه فرموده نواب مستطاب جهانبانی (خاقان مغفور) و کلبعلیخان دامغانی بفیض حضور شهریار کامکار مستسعد
گشتند بعد بجانب چمن بکر استنهاض نموده جانمحمد خان قاجار دولو متعهد خدمات گردید قادرخان عرب بمعاونت
ترالکمه و بعضی از اهالی سرحدات خراسان بخیال سرکشی افتاد ولی علیقلیخان قاجار جمعیت او را متفرق ساخت و او را
محصور نمود آخر الامر مصحف کریم را شفیع نموده با ضراعت بعتبه علیه آمد و مقرر شد که با اهل و عیال بمازندران
رود هم در این ایام خوانین قلیچی و برکشاطی و افشار با پانصد سوار از عراق آمده باردوی مبارک پیوستند و حضرت
شهریاری حکومت سمنان را بعلیقلی خان و حکمرانی بسطام را بجعفرقلیخان مفوض داشته در بیست و ششم شعبان بمازندران
عطف عنان فرمودند مرتضی قلیخان نیز بخدمت آمده بحکومت استراباد منصوب شد و بگیلان مامور گردید و
هدایت الله خان چون خود را مقهور دید بدادن مالیات تمکین کرده لهذا ایالت گیلان را باو واگذار فرمودند هم در این
اوان علیقلیخان بخوار و ورامین رفته این ناحیه را تصرف نمود و غفورخان حاکم طهران را نیز محاصره کرد ولی کاری
از پیش نرفت و حضرت شهریاری امر بمعاودت فرمودند و در استراباد بحضور آنحضرت مشرف شد و برادران
نامدار شهریار کامکار از اطراف و باستراباد نموده در این بلد جمع آمدند و در مضجع خلد آشیان محمد حسنخان
و رضوان جایگاه جهانسوز شاه انار الله برهانهما بمراسم تعزیت قیام نمودند و عمارتی در آنجا بنا کردند نیز در این
اوقات بزرگان و اعیان گیلان و بمونت و فندرسک و کبود جامه و کتول در سلک خدام آستان حضرت
سلطنت منسلک گردیدند پس از انتظام امور آن سامان موکب شاهانه بساری معاودت فرمود و هدایت الله خان از
دریا و خشکی استعدادی فراهم نموده بخیال سرکشی افتاد حضرت شهریاری نواب جهانبانی را بریاست مازندران
گذاشته با تمامی برادران متوجه گیلان شدند و هدایت الله خان را مقهور ساختند و گیلان مفتوح شد پس از فتح
گیلان جعفرقلیخان را بمقاتله رمضان خان زند که بامداد غفورخان حاکم طهران آمده بود مامور فرمودند و او رمضان
خان را منهزم و جمعی از همراهان او را مقتول نموده بقزوین آمد و مولاوردی بخار اگرفته مقید کرد ولی بحکم همایون او را مرخص
کرده پسرش را حکومت قزوین داد و بگوران دشت موکب ظفر کوکب پیوست هم در این اوان مصطفی خان دولوی
قاجار مامور بتنبیه علی خان خمسه افشار گشت علیخان باذربایجان گریخت و مصطفی خان مظفر و منصور بقزوین
آمد نیز در این ایام سلیمانخان قاجار خالوزاده شهریار کامکار از شیراز باستان مبارک آمده مشمول عواطف
ملوکانه گردید

هم در اینسال صادقخان زند برادر وکیل که بعد از مراجعت از بصره بواسطه استیلای زکیخان در شیراز راهی
باین بلد نداشت روانه کرمان شد و از آنجا که علیمرادخان زند در اصفهان رایت استقلال برافراشته بود زکیخان
ابوالفتحخان پسر وکیل را با لشکری جرار بطرف اصفهان حرکت داده در منزل ایزدخواست خانعلیخان مافی زکیخان را
در جامه خواب بکشت سپهر ثانی ملکم در تاریخ خود گوید زکیخان چون بمنزل ایزدخواست رسید تحویلدار سید معادل هفت هزار و
دویست فرانک از سکنه اینمحل مطالبه نمود باین عنوان که شما این مبلغ را از وجوه خزانه دزدیده اید سکنه انکار کردند
و بعلاوه اظهار داشتند که ادای این مبلغ فوق وسع و استطاعت ماست زکیخان حکم کرد هجده نفر از اعیان محل را از بالای
قلعه ایزدخواست بزیر انداختند بعلاوه یکی از سادات محترم مقدس را گرفته که تو از این تحویلدار باخبری و قسمتی از آن

بود رسیده سید بیچاره آنچه در برائت ذمّه خود ابرام والحاح کرد ثمری نبخشید عاقبت چند زخم کارد بسینه‌اش زده
اورا با هیجده نفر سابق الذکر از بالای قلعه بزیر انداختند بدین هم قناعت نکرده زن و دختر سید مقتول را گرفته بدست
بعضی از قراولهای خود که مافی بود داد تا دست اندازی بعصمت آنها نمایند قراولان با وجود حالت وحشیگری که
داشتند از این حرکت زکیخان بر آشفته و منقلب گردیدند و با یکدیگر مواضعه نموده زکیخان را بکشتند و سر او را از بدن
جدا نمودند انتهی

پس از کشته شدن زکیخان ابو الفتح خان مستقلاً بشیراز مراجعت کرده و صادقخان نیز از کرمان باو پیوست ولی ابو الفتح خان
بواسطه افراط و ادمان در شرب خمر از رسیدگی بامور ملکی غافل ماند و هرچه عمش صادقخان او را نصیحت کرد سودمند
نیفتاد ناچار او را خلع کرده خود بر مسند حکمرانی متمکن گردید و فیما بین او و علیمرادخان که در اصفهان بود جنگ
در گرفت و صیدمرادخان زند که سردار علیمرادخان بود در خارج شیراز با علینقی‌خان پسر صادقخان بمقاتله پرداخته
شکستی فاحش خورد و صاحبمنصبان او در راه اصفهان گرفتار شدند علیمرادخان بقلمرو علیشکر کرمانشهان رفته
قریب سی هزار جمعیت جمع کرده باصفهان آمده از آنجا راه شیراز را پیش گرفته صادقخان را در این بلد محصور نمود جعفر
خان پسر صادقخان که برادر مادری علیمرادخان بود و اکبرخان پسر زکیخان زند بعلیمرادخان پیوستند و علینقی‌خان هر روز
از شهر بیرون می‌آمد و با آنها مصاف میداد آخر الامر پس از نه ماه محاصره چون قلعگیان گرفتار قحط و غلا شده بودند
دروازه شهر را باز کردند و علیمرادخان در دوّیم محرم وارد شهر شیراز شد صادقخان و پسران او را مجروح و مقتول
ساخته ابو الفتح خان و پسران وکیل را مکحول نموده در حکمرانی استقلالی بهم رسانید و صیدمرادخان بنی عم خود را
که نیابت اصفهان داده بود بشیراز خواسته ایالت آن ولایت را بدو تفویض کرد و خود راه اصفهان پیش گرفت و
جعفرخان زند را بحکومت کردستان فرستاد **اروپا** (المان) هرشل منجم معروف هانوری ستاره اورانوس را که
یکی از سیارات است که دور این آفتاب حرکت مینماید انکشاف نمود (اطریش) بواسطه مداخلات امپراطور ژزف دوّیم
در امور دینیه پی ششم پاپ با او در منازعه میباشد مسافرت این امپراطور بپاریس (فرانسه) نکر وزیر مالیه دخل
و خرج دولت را بطبع رسانیده منتشر ساخت و بدین واسطه معزول گردید و فلری نام بجای او منصوب شد استقلال
ملکه فرانسه خواهر امپراطور اطریش در این مملکت و عدم رضایت مردم از این استقلال **امریکا** (اتازونی) منازعه
سختی اهالی اتازونی با عساکر انکلیس و فتوحات آنها

سنه ۱۱۹۷ هجری — سنه ۱۷۸۲ مسیحی

آسیا (ایران) در اول فصل تابستان این سال وُوانوویچ نام روسی با چند فروند کشتی از حاجی طرخان باسترآباد
آمد حضرت آقا محمد شاه آنوقت در نواحی استراباد تشریف داشتند وُوانوویچ از ملازمان آنحضرت درخواست
نموده رخصت طلبید که روسها در سواحل استرآباد در محل مناسبی دار المعامله بنا نمایند که تجار روس در آنجا
بسهولت مشغول امور تجارتی باشند حضرت شهریاری قبول فرموده اذن ساختن دار المعامله دادند روسها
در عوض دار المعامله در دوازده فرسنگی شهر استرآباد قلعه بسیار محکمی بنا کردند و هیجده عراده توپ و توپخانه
در آنجا گذاردند بعد از اتمام قلعه حضرت شهریاری بتماشای قلعه روسها تشریف بردند و از وضع با خبر گشتند
چون از قلعه مراجعت فرمودند وُوانوویچ و صاحبمنصبان روس را بشام دعوت کردند وقت شب که صاحبمنصبان
و وُوانوویچ بمحل دعوت رسیدند حضرت شهریار کامکار حکم بگرفتن آنها کردند و فرمودند که اگر قلعه که ساخته‌اند

فوراً خراب نکنند و توپها خود را با آنچه در ساحل استراباد دارید نبرید جان و مال شما در خطر خواهد بود
دوانوبچ چون میدانست فرمایشی که حضرت شهریاری میفرمایند هرگز تخلف را در آن راهی نیست انی همانجا بکار
گذاران خود دستور العمل نوشت که توپخانه و لوازم میکه دارند بکشتی حمل کنند و قلعه را خراب و منهدم سازند خلاصه
حضرت آقا محمد شاه چون تهدید زیادی باینجماعت فرمودند آنها از استراباد خارج شده بمملکت خود باز گشتند
برخی این واقعه را بسال قبل نسبت داده اند هم در این سال حضرت شهریاری صبیه فتحعلیخان قاجار دولو را که
سابقا خواستگاری شده بود در عقد ازدواج نواب جهانبانی (فتحعلی شاه) در آوردند و اورا در هودج
نشانیده بسرای رسانیدند و مراسم جشن و شادی کاملا بعمل آمد پس از آن موکب منصور بعزم تسخیر طهران تشریف فرما
شمیران شد و غفور خان طهرانی بقلعه داری پرداخت و محصور شد در این اوان علیخان افشار خمسه از آذربایجان
مراجعت کرده بموکب معلی پیوست و بحکمرانی خمسه منصوب گشت و مرادخان زند از جانب علیمرادخان سرداری یافته در
صفحات همدان استقلالی هم رسانید حضرت شهریاری نواب جعفرقلیخان و میرزا محمد خان قاجار دولو و علیخان افشار
خمسه را بجنگ مرادخان فرستادند و در حینی که علیخان مقدمة الجیش بود جنگ در گرفت مرادخان گرزی بر سر علیخان
زد و نزدیک شد که علیخان از اسب بیفتند که نواب جعفرقلیخان رسیدند و بضرب شمشیر مرادخان را دو پاره کردند لشکر
الوار که این بدیدند فرار برقرار اختیار کردند و غنایم و اسیر بسیار بدست عساکر منصوره افتاد بعد از این فتح بطهران
مراجعت نموده در محاصره کوشیدند بواسطه طول محاصره و ظهور غلا و قحط در طهران غفورخان گرسنه جان بداد
و برادرزاده اش محمدخان بجای او علم دعوی برافراشت و از آنجا که هوای ری مستعد عفونت شده بود وبائی شدید
بروز نموده و جمعی از محاصرین و محصورین را تلف کرد و این بلای وخیم مستعقب بطاعون عظیم شد ناچار موکب همایون بطرف
چشمه علی دامغان نهضت فرما گردید هم در این سال در ساری خانه آتش گرفت و در اطفای آن تعلل کرده بامداد باد
آتش باماکن مجاور رسیده کار بجائی کشید که یک ثلث شهر بسوخت و هفتاد و دو نفر در این حریق در دریای هلاکت غریق
شدند حضرت شهریاری حکم بتجدید آن ابنیه فرمودند و بر عمارات این بلد افزودند وفات میرزا خود شاعر نوری مازندرانی
(هندوستان) فوت پادشاه میسور حیدر علیخان بهادر و جلوس پسرش تیپو صاحب بجای او و این پادشاه بعد از
جلوس اعلان جنگ بانگلیس نمود اروپا (انگلیس) عزل لرد نرث و نصب مارکی دو کنگام بصدارت که بعد از چندی
بمیرد و پیت بجای او صدر اعظم میشود انتزاع نمودن اسپانیولیها جزیره مینرک را از انگلیس (فرانسه) انعقاد
مجلس کنفرانس در پاریس برای استقرار مصالحه در تمام دنیا بترغیب امپراطور اطریش و امپراطریس روس (اطریش)
مسافرت پاپ به وینه و مراجعت کردن او بی نیل مقصود (روس) پل از شاهزاده های روس که بعد بامپراطوری
خواهد رسید بفرانسه سفر میکند شورش تاتارهای قرم بخان خود که دوست روسها بود

سنه ۱۱۹۸ هجری — سنه ۱۷۸۳ مسیحی

آسیا (ایران) در اینسال علیمرادخان زند که شیراز را مسخر کرده باصفهان آمده بود با چهل هزار نفر عزیمت
طهران نمود که بر مازندران و استراباد استیلا نماید و شیخ ویسخان ولد ارشد خود را با معدودی از پیش روانه
ساخت بنا بر این بعرض حضرت شهریاری آقا محمد شاه رسید که محمد علیخان خواری و بعضی از دماوندیها و فیروزکوهیها
و نوریها و لاریجانیها شیخ ویسخان را بتسخیر مازندران ترغیب و تحریص کرده اند و او تا صحرای لار آمده و جراغعلیخان
زند را با دو هزار سوار بلاریجان فرستاده است حضرت شهریاری رضاخان قاجار را بمقابلت و مقاتلت ایشان

زند مامور فرمودند و او جمعی را مقتول و جماعتی را اسیر کرد در این اثنا علیمرادخان زند نزدیک شد و پانزده هزار سوار با پسر خود از راه فیروزکوه و ویس مرادخان زند را با محمد رضاخان نوری از راه نور و اسمعیل خان بن شجاع الدین خان را با محمد علیخان خواری از راه خوار و دامغان روانه مازندران نمود حضرت شهریاری نیز جعفرقلیخان و مهدیقلیخان را با لشکری موفور روانه نور و کجور فرموده و علیقلیخان را با محمودخان و علینقیخان و لطفعلی بیک هاودی سوادکوهی به دو آب سوادکوه فرستاده سرداران مذکور باغوای مهدیخان سوادکوهی بزندیه میل کرده حضرت شهریاری چون از این واقعه خبردار گردید بدان احتشام حرم جلالت را روانه استراباد کردند و روزی چند در ساری اقامت فرموده بعد از ورود برادران خود نیز بدانسان و دارالملک آبای اجلالت وشان نهضت فرما گردیدند شیخ ویسخان و سرداران زندیه بساری آمده دست تطاول بطرف اهالی دراز کردند و شیخ ویسخان محمد ظاهرخان بختیاری را با ده هزار لشکر مازندرانی مامور استراباد نمود و او بصحرای وسیع کراودین رسید حضرت شهریاری جعفرقلیخان را با حمزه سلطان انزانی بدفع زندیه فرستاده و در این حیص و بیص مرتضی قلیخان و رضا قلیخان برادران حضرت معظم از راه صواب منحرف شده بزندیه پیوستند و نزد شیخ ویسخان پسر علیمرادخان رفتند و علیمرادخان حکم کرد شیخ ویسخان در ساری توقف نماید و محمد ظاهرخان با عساکر فراوان بتسخیر استراباد رود محمد ظاهرخان با لشکری جرار راه استراباد پیش گرفت و از جر کلباد گذشته بظاهر استراباد نزول کرد جر کلباد عبارت از خندقی عمیق است یعنی جر بمعنی حفره است و چون این خندق در حوالی قریه کلباد است معروف بجر کلباد شده این خندق را برای قطع راه ترکمن بامر شاه عباس ماضی در مازندران حفر کرده اند و از حوالی کوه متصل باشرف است تا ساحل دریای خزر که طولا چهار فرسنگ میباشد و دو طرف خندق را درختهای قوی گرفته و عبور از آن متعذر و راه مازندران باستراباد منحصر بمعبر آن است و چون آن معبر را بگیرند بکره راه مازندران باستراباد مقطوع است خلاصه محمد ظاهرخان استراباد را محاصره کرد اما از این طرف حمزه سلطان انزانی و مازندرانیان کرد لکن خواه حضرت شهریاری بودند با سپاهی جرار راه جر کلباد را مسدود کردند و آذوقه باردوی محمد ظاهرخان نرسید کار بقحطی انجامید و ترکمن و قاجار و اهالی دارالمرز از اطراف دشت بنهب اردوی الوار و اسرا آنها مشغول شدند و حضرت شهریاری نیز باقشون نصرت نمون از شهر بیرون آمده حملهای سخت بر آن سپاه بدبخت مینمودند در هر حمله جمعی مقتول و جماعتی دستگیر میشدند و قتل و غارت ترکمن نیز بر بدبختی اهالی اردوی الوار می افزود تا محمد ظاهرخان اسیر شد و چون در شیراز باعث قتل موسیخان و علیخان قاجار قوانلو ابن اسکندرخان خالو زادگان شهریار عظیم الاقتدار شده بود بحکم حضرت شهریاری براه عدم روانه شد و شیخ ویسخان بعد از اطلاع از این واقعه دیگر نتوانست در ساری زیست نماید لهذا با کمال رعب بطرف طهران گریخت و مطرود و مردود پدر گردید علیمرادخان زند رستمخان زند را مامور مازندران کرد اما لشکر او نیز بعضی از عرض راه فرار کردند و برخی بمازندران رسیده شکست خورده اند و منهزما نزد علیمرادخان آمدند او خود نیز جماعتی از آنها را بکشت و حاصل آنکه کار او به پریشانی و اختلال کشید باقرخان خراسکانی اصفهانی که از جانب علیمرادخان حاکم اصفهان بود نیز بر این پریشانی افزود یعنی فراریان لشکر علیمرادخان را باصفهان راه نداده و خود طبل یاغیگری زد علیمرادخان با شیرازه گسسته راه اصفهان پیش گرفت و بواسطه اکثار و مداومت در شرب خمر بمرض استسقا مبتلا شد همچنین جعفرخان زند پسر صادقخان برادر امی علیمرادخان که از جانب او حاکم خمسه و زنجان بود رایت خودسری برافراشت و با استعداد کامل از طرف همدان متوجه اصفهان شد چون علیمرادخان بمورچه خورت اصفهان رسید بدرود زندگانی گفت و جعفرخان

بهنازعی وارد شهر اصفهان شده بداعیهٔ شهریاری برخاسته شیخ ویسخان را دستگیر و کور کرده مرتضی قلیخان و رضا
قلیخان برادران حضرت شهریاری که از برادر تاجدار خود دوری کرده و بزندیه متوسل شده بودند کار را زار دیده پای
بر آنها غالب آمده مرتضی قلیخان بقزوین و گیلان و طالش و قبه و بادکوبه و خاک روس رفته در آنجا وجات را وداع
نمود و رضا قلیخان بصفحات خراسان رفته در آن سامان درگذشت تولد حاجی میرزا عباس مشهور بحاجی میرزا آقاسی
ولد مرحوم حاجی میرزا مسلم ایروانی وفات آقا سید احمد هاتف اصفهانی صاحب ترجیع مشهور اروپا (انکلیس)
جنکهای عساکر انکلیس با تیپوصاحب در هند (فرانسه) ایجاد و رواج کشتی مخصوص از سواحل فرانسه تا تونی
بیکه دینا اختراع بالن بدست مُنکلفیه ابداع کشتی بخار در فرانسه (روس) کاترین دویم امپراطریس روس قرم و کوبان
را متصرف میشود (هلاند) اغتشاش داخله در این مملکت (ایطالیا) زلزلهٔ سخت در مسین و خرابی آنجا (اطریش)
ژوزف دویم امپراطور اطریش به رُم رفته با پی ششم پاپ ملاقات میکند (عثمانی) ابتدای تنزل شوکت دولت عثمانی
در ممالک خود امریکا (اتاتونی) سیزده ایالت از اتاتونی از انکلیس جدا و مفروز شده و موسوم به ایالات متحده کردید
بموجب عهدنامه که در ورسایل منعقد شد جمیع دول این سیزده ایالت را از انکلیس موضوع و مستقل شناختند

سنه ۱۱۹۹ هجری — سنه ۱۷۸۴ مسیحی

آسیا (ایران) در اینسال جعفرخان زند که بعد از علیمرادخان زند داعیهٔ سروری داشت نجفخان زند را سرداری
داده بالشکری مامور طهران نمود که با عساکر منصوره حضرت شهریاری که طهران را محاصره کرده بودند مصاف
دهد حضرت شهریار کامکار مجنون خان پازکی را در طهران گذاشته بطرف زرند ساوه راندند و از آنجا بجانب قم
انهاض فرموده بالشکریان نجفخان تلاقی روی داد پس از کشش و کوشش نجفخان در قلعهٔ قم محصور شد لشکر
نصرت اثر قلعه را مسخر نمودند و نجفخان باصفهان گریخت و موکب منصور عازم کاشان گردید جعفرخان احمدخان
ولد آزادخان افغان را با نقیخان زند و ده هزار سوار باستقبال عساکر شهریار کامکار فرستاد و دو لشکر در حوالی
نصرآباد کاشان باشتعال نایرهٔ قتال پرداختند بعد از جنک سختی احمدخان شکست خورده فرار کرد و نقیخان گرفتار
و مقتول شد چون بقیة السیف لشکر جعفرخان منهزماً باصفهان رسیدند و او از واقعه با خبر شد ناچار از اصفهان
بشیراز گریخت و عساکر نصرت مآثر شهریاری بسیاری از اموال آنجماعت را متصرف شدند و موکب ظفر کوکب حضرت
آقا محمد شاه با جنود شوکت و جلال باصفهان نزول اجلال فرمود و علما و اعیان و اعاظم و اشراف بلد باستقبال
شتافتند و کمر عبودیت بمیان انقیاد و اطاعت ببستند و اموال جعفرخان بتصرف ملازمان حضرت در آمد و فتحنامه‌ها
باطراف نوشتند و چهل روز موکب معلی در اصفهان اقامت نمود و در این اوان معروض داشتند که ابدالخان و
حبیب الله خان بختیاری و بزرگان فراهانی و کلپایکانی با دوازده هزار جزایرچی از توابع زندیه در چمن فهر جمع و مهیای
کارزار شده اند حضرت شهریاری باقرخان خراسکانی را بایالت اصفهان منصوب فرموده از اصفهان انهاض کرده
بمنزل آتشگاه تشریف فرما شدند و از آنجا با عساکر منصوره بقریهٔ عسکران آمده اینمحل معسکر سپاه ظفر همراه شده با
معاندین مشغول جنک و جدال شدند تابعین زندیه بسنکر کریختند ولی سنکر را بزودی از دست دادند و ابدالخان
گرفتار و مقتول گردید و حبیب الله خان و سایر سرکردگان بختیاری بشفاعت چراغ خان بختیاری نجات یافتند
و مقبل خدمت گشتند پس از آن اردوی همایون بچمن سنکباران آمد و در اینجا معروض شد که مجنون خان پازکی
طهران را فتح کرده است و مهدیخان سوادکوهی و محمدخان حاکم طهران و علینقیخان سوادکوهی گرفتار شدند

وبپاسا رسید که حضرت شهریاری امر بمرمت ابنیهٔ طهران وبنیاد عمارات عالیه در اینشهر فرمودند موکب معلی بطرف
قلمرو علیشکر وبقصد تسخیر لرستان وکردستان انهاض نمود اسمعیل خان وخسروخان ولاة اینولایات از در اطاعت
در آمده مخلع شدند وحضرت شهریاری در بیست وهفتم شوال اینسال بمقر سلطنت یعنی طهران مراجعت کرده مجنون خان
فاتح طهران را مورد مراحم خاصه نمودند ومهدیخان سوادکوهی ومحمودخان وعلینقیخان سوادکوهی چشم خود را در
راه هواخواهی الوار بباد دادند ومحمدخان طهرانی کشته شد وبرخی از اعیان طهران که براه خلاف رفته بودند تنبیه
شدند وبرحسب امر اعلی نواب جهانبانی (فتحعلیشاه) ومهدیعلی ورضاخان وحاجی رضاخان قاجار وتمامی عمال مازندران
با شعف فراوان بحضور حضرت شهریار کامکار تشرف جستند ومصطفی قلیخان که بخیال مخالفت با بیگلربیگی سردار بود ودیگران
سازش کرده ودر حدود استراباد بفتنه وفساد میپرداخت اظهار پشیمانی کرده بشفاعت برادر کاردان خود نواب
جعفرقلیخان معفو شده بموجب امر اعلی با اهل وعیال در بارفروش ساکن گردید همدر اینسال جعفرخان زند بیست
هزار سوار جمع کرده از فارس باصفهان نهاد وباقرخان اصفهانی در قلعهٔ طبرک متحصن وآخر الامر مقتول شد وجعفرخان
بر اصفهان استیلا یافت وحاجی علیقلیخان کازرونی را با سه هزار نفر بقم وکاشان فرستاد وخود روانهٔ قلمرو وگلپایگان
گردید شهریار ایران برای رزم جعفرخان احکام قضا نظام بخسروخان والی کردستان ومحمدحسینخان قراگوزلو وخوانین
گروس وعلیخان افشار خمسه صادر فرموده سرکردگان خلج وبیات بدفع حاجی علیقلیخان کازرونی مامور شدند وخسروخان والی
وسرکردگان در همدان اجتماع کرده از اینجا بمقاتلهٔ جعفرخان شتافتند وجنگ سختی درگرفت ودر روز دوم قتال ابتدا
وهنی بسپاه ابواجمعی محمدحسینخان قراگوزلو وعلیخان خمسه رسیده ولی صفوف خسروخان والی وخوانین گروس غالب
آمدند ولشکر جعفرخان را شکست دادند آنها پناه بسنگر برده سه روز محصور بودند روز چهارم سنگر را خالی کرده
بطرف اصفهان گریختند وصورت این فتح را باستان مبارک ارسال داشته خسروخان والی کردستان مخلع ومفتخر گردید
استقلالی بهم رسانید خلاصه جعفرخان بفارس رفته در ایلات قشقائی والوار ممسنی وشولستان تا شیر بیشان گردش میکرد
وحاجی علیقلیخان کازرونی که از قضیهٔ فرار جعفرخان باخبر شده او نیز هزیمت را عزیمت نمود وعبدالرزاق خان از جانب حضرت
شهریار عظیم الشان در حکومت کاشان مستقل گردید اروپا (انگلیس) هفتاد ویک بسته از پنبهٔ امریکا در این
سال وارد بندر انگلیس شد واین اول پنبه ایست که از ینگی دنیا بانگلیس حمل شده است معاهدهٔ دولت انگلیس با تیپوصاحب
که بعد از این معاهده تیپوصاحب پادشاه مستقل میسور میگردد همدر اینسال چرخ بخار را وات نام در انگلیس تکمیل
میکند (اطریش) منازعهٔ این دولت با هلاند که معنوی فرانسه بهلاند (فرانسه) در اینسال زمستان در فرانسه
خیلی سخت شد وجمعیت فرانسه در اینسال چهل وهشت کرور بود (سوئد) مسافرت گوستاو سیم پادشاه سوئد بفرانسه

سنة ۱۲۰۰ هجری — سنة ۱۷۸۵ مسیحی

آسیا (ایران) در اینسال در روز عید نوروز فیروز که روز یکشنبه یازدهم جمادی الاولی بود حضرت آقامحمدشاه
در دار الخلافه طهران رسماً جلوس بر تخت شهریاری ایران فرموده شاهزادگان وامرا وبزرگان واعیان همه در پای
سریر سلطنت آنحضرت را تبریک وتهنیت گفتند وبکمرهای زرین وشمشیرهای مرصع وعطیات لایقه مفتخر ونایل گردیدند
سکه وخطبه رونقی تازه یافت رضاخان قاجار قوانلو بایالت استراباد وگرگان وحفظ ثغور خراسان مامور ومنصوب
گردید محمدحسینخان قوانلو بحکومت مازندران سرافراز شد وقاسمخان دولوی قاجار با هزار نفر مازندرانی بکوتوالی
طهران برقرار گشت ومیرزا محمدخان قاجار را حکومت قزوین دادند همدر اینسال جعفرخان زند که هنوز طمع از

مملکت داری مبرهن بود با جمعی پریشان بطرف قصبهٔ قمشه و سمیرم آمد حضرت شهریاری نواب جهانبانی (فتحعلی شاه)
را که نایب سلطنت داشتند در طهران بجای شخص همایون خود گذاشته خود بنفس مبارک با لشکری جرار در روز هفدهم
ماه رجب از راه فراهان روانهٔ اصفهان شدند قلعهٔ میغان را خراب کرده بر دهق شتافتند در اینجا معلوم شد که
جعفرخان زند بمحض اطلاع از توجه موکب منصور از حوالی عراق بفارس گریخته است حضرت سلطنت وارد اصفهان شدند
بازماندگان بابرخان خراسکانی را بعواطف و تفقدات سلطانی مستظهر داشتند در این اثنا خبر رسید که بکلک سردار ترکمه
یموت بکبوس هزارجریب تاخته بعضی نهب و قتل در آنجا نموده جانمحمدخان قاجار و کاظمخان هزارجریبی در صدد منع و دفع بر
آمده ولی از عهدهٔ آن خیره‌سر بر نیامده اند و طوایف گکلان مطلع شده با پنجهزار سوار راه بر سردار یموت بستند بکلک
و جمعی را مقتول ساخته و بعضی از چنگ آن طوایف رستند حکم محکم پادشاهی صادر شد که حکام استرآباد و مازندران
و هزارجریب بتادیب طایفهٔ یموت بپردازند و بعد از انقضای ماه روزه نواب جعفرقلیخان در اصفهان مانده موکب بالشکر فراوان
ظفر کوکب شهریاری بقصد چمن سنگبار ان انتهاض فرمود و اسمعیل خان زند که از جانب جعفرخان زند در بروجرد و
آن صفحات بعضی دست اندازیها نمود بمحض اینکه دانست عساکر منصوره متوجه عازم تدمیر او میباشند راه فرار پیش گرفت
ولی در حوالی اصفهان او را دستگیر کرده بحضور همایون آوردند و چشم خود را بر سر خودسری گذاشت پس از آن اردو روانه
طهران کردند و از آنجا راه دیار علم پیش گرفت همدر این اوان نواب سلیمانخان قاجار به تنبیه طوایف بختیاری رفته بسیاری
از سرکشان و طاغیان آن طوایف را بکشت و جمعی را اسیر کرده باستان مبارک آورد همدر این اوقات علیخان افشار
خمسه را خیال و داعیهٔ سری و دعوی سروری در دماغ جای گرفته موکب منصور برای دفع هوای او راه خمسه و زنجان پیش گرفت
او از استماع این خبر خایف و هراسان شده وسایل و وسایط برانگیخت و خدمات کرد تا از جرایم خود معفو شد نیز در
اینسال در چمن گوران دشت بحسب هدایت الله خان گیلانی حکمی صادر شده او بموجب تسویلات نفسانی اطاعت نکرده
نواب مصطفیخان عم را بدفع او تعیین فرمودند هدایت الله خان ایوانیخان نام گرجی را در منزل رستم آباد باستقبال
لشکر با استعداد مصطفیخان فرستاده آنها در جلو آن سیل هایل زیست نتوانستند کرد لهذا بگریختند و مصطفی
خان شهر دارالمرز را بگرفت هدایت الله خان بپیربازار که عمدهٔ استعداد جنگی او در آنجا بود برفت و ده شبانروز
در پیربازار میان هواخواهان او و عساکر شهریار قاجار جنگ و پیکار در کار بود آخر الامر هدایت الله خان مغلوب
شده بقلعهٔ عالی که در ساحل انزلی داشت رفته با چند فروند کشتی و جمعی سپاه در آنجا پناه جست مصطفیخان باسفاین
خود را بدانجا رسانیده باز نایرهٔ قتال بنای اشتعال را گذاشت هدایت الله خان در ثانی مقهور گردید و بوسایل زوارق
فرار نمود اتفاقا دریا متموج بود و باران میبارید سفینه که خزینهٔ نفایس و جواهر او بود غرق شد و هدایت الله خان
نیز بزخم گلوله از پا در آمده در آب افتاد ملاحان جسد او را از آب بیرون آوردند و در ساحل انزلی بخاک سپردند
و تفصیل این فتوحات را بعرض آستان شهریار عظیم الشان رسانیدند همدر این اوان نواب علیقلیخان قاجار و علیخان خمسه
افشار بتدمیر سرکشان لرستان و اهواز و خوزستان و نظم و تصفیه آن حدود و سامان روانه شدند و موکب همایون
بعد از آنکه نواب مصطفیخان ولی راه گیلان پیش گرفت و نواب علیقلیخان و علیخان خمسه افشار روانهٔ محل مأموریت
خود شدند بمقر سلطنت معاودت فرمود و سلیمانخان قوانلو بعد از تصفیه گیلان بحکومت این ایالت منصوب گشت
و نواب علیقلیخان نیز مظفر و منصور از لرستان و خوزستان بازگشت وفات آقا قاجانی متخلص بسایل وفات فیضعلیشاه
اصفهانی پدر نورعلیشاه از عرفای معروف امرتیا (انگلیس) فرمانفرمای هندوستان بجهة بعد باتکیه در این

مملکت نموده مغضوب دولت میشود جمعیت مملکت انگلیس در این سال بیست و چهار کرور و سی و شش هزار و نهصد و سی و دو نفر است (هلاند) شورش مردم بر ضد والی میان جمهوری و دولت فرانسه ما بین دولت هلاند و اطریش (ایطالیا) سفاین جنگی و نیز بسواحل تونس حمله میبرند.

سنهٔ ۱۲۰۱ هجری — سنهٔ ۱۷۸۶ مسیحی

آسیا (ایران) در این سال بعد از عید سعید نوروز موکب فیروزی کوکب حضرت شهریاری از مقر سلطنت بجانب اصفهان انهاض فرمود و در روز عرض لشکر علیخان خمسه بنابر جرایم و خلافی که از او بظهور رسیده بود از حلیهٔ بصر عاطل کردید و قشون ابوالجمعی او را بعبدالله خان اوصانلو محول و مفوض فرمودند و پس از یکماه توقف در حدود عراق نواب جهانبانی (خاقان مغفور) را مامور خراسان فرموده نواب معظم با سه هزار نفر قشون بفیروزکوه آمدند و اردوی همایون بقیهٔ ایام بهار را در چمن کندمان رحل اقامت افکنده حضرت شهریار کامکار غالباً بتفرج و شکار اشتغال داشتند همدر این اوان زکریا بیک نام کرجی که از اشراف و نام آوران اینطایفه بود و در دربار ارکلی خان والی کرجستان بوکالت اشتغال داشت باردوی همایون آمده عرض تبریک و تهنیت نموده مشمول مراحم ملوکانه کردید جواب او صادر شد و رخصت انصراف یافت هم در این ایام نواب جعفرقلیخان مامور انتظام امور بختیاری شدند و اردوی همایون شهریاری از راه بروجرد بطرف همدان حرکت کرد و خسروخان والی کردستان مالیات دو ساله اینولایت را باستان مبارک انفاذ داشت و یکی از پسرهای جوان خود را بحضور همایون فرستاده که ملتزم رکاب اعلی باشد و لطفعلی خان عم او که مالیات مزبوره و بعضی هدایا و این پسر را آورده بود مورد عواطف کردیده اجازت معاودت یافت روز بیست و پنجم ماه ذیقعدهٔ اینسال دار الخلافه طهران بنزول اجلال شهریار بسی فرح تازه و رونق بی اندازه کرفت همدر این اوقات بعرض آستان مبارک رسانیدند که باقرسلطان نوری که از اردوی کیوان شکوه تخلف جسته و بمازندران رفته در بلدهٔ آمل بفتنه و فساد و خودسری و عناد میپردازد حکم همایون صادر شد که نواب جهانبانی که در حدود فیروزکوه بودند در صدد دفع او بر آیند نواب معظم پانصد سوار برای معاونت محمد حسینخان قاجار بیکلربیکی مازندران روانه کردند و محمد حسینخان بعد از زد و خورد با باقرسلطان نوری برا و غالب آمده مشارالیه بدست عساکر منصوره اسیر و دستگیر شده مغلولا او را بطهران آورده از اینجا براه عدم فرستادند همدر اینسال جعفرخان زند بکازرون و بهبهان رفته و از آنجا مراجعت نموده بر سر تقیخان یزدی تاخت تقیخان محصور شده از میرمحمدخان عرب نکوئی استمداد جست میرمحمدخان با هزار نفر بامداد تقیخان آمده با جعفرخان زند مصاف داده او را منهزم کرد و توپ و توپخانه و تجملات جعفرخان بتصرف میرمحمدخان طبسی درآمد و خان زند بفارس کریخت میرمحمدخان بعد از این فتح بهوای سرحدی و خیال فرمان روائی افتاد و هوس تسخیر اصفهان کرد محمد حسینخان و اسمعیلخان عرب عامری که از جانب حضرت شهریار عظیم الشان حاکم نطنز و اردستان بودند خیال میرمحمدخان طبسی را تشویق و تایید کردند و اطاعت او نمودند و او بسلوک رود شت آمد و در اینوقت عدد سپاه میرمحمدخان بهفت هزار رسید نواب جعفرقلیخان اگرچه در این ایام در شکار از اسب افتاده و درد پا داشتند با چهار با برادر خود مصطفی قلیخان بدفع و حرب میرمحمدخان شتافتند چهارده روز علی التوالی نایرهٔ قتال فیما بین کرم اشتعال بود آخر الامر میرمحمدخان منهزم شده بطبس کریخت و پس از قلیل زمانی هوای تسخیر خراسان در سر او جای کرفته سبزوار راند و الله یارخان سبزواری را محاصره نمود ولی در این جنگ و یورش روزی از اسب افتاد

وجان بدادهم در این سال مرتضی قلیخان که بصفحات قبه و طالش رفته بود با مصطفی قلیخان طالش و فتحعلیخان حاکم قبه و شیخعلیخان بیکلربیکی باکو پیرسازش نموده غفلة بگیلان تاخت وچپاول دراند اخت نواب سلیمانخان قاجار کس فرستاده واقعه را بعرض نواب جهانبانی که در فیروزکوه بودند رسانیدند نواب حشمت نصاب معظم مهدیخان تنکابنی و بعضی از اهالی خلخال و خمسه و طارم را بمعاونت و امداد سلیمانخان مامور فرمودند ولی قبل از وصول آنها بگیلان مرتضی قلیخان مراجعت نمود هم در این سال جعفرخان زند پسر خود لطفعلیخان را بالشکری به سر عبدالله خان و محمدخان ولدان نصیرخان لاری که از قدیم با زندیه سری نداشتند بلکه از هواخواهان نواب غفران مآب شهید محمدحسنخان طاب ثراه بودند فرستاده آن دو برادر لار را بمهرعلیخان نامی سپرده بیرون رفتند و جمعیتی فراهم آورده بجنگ لطفعلیخان مبادرت نمودند اما کاری از پیش ایشان نرفته و قلعه لار را زندیه مسخر ساختند و لطفعلیخان نزد پدر خود جعفرخان آمد اروپا (فرانسه) لوی شانزدهم پادشاه فرانسه به بندر شربورگ میرود معاهدهٔ تجارتی بایند ولت با انکلیس که صرفه باد ولت انکلیس است لیژن نام اختراع چراغ گاز مینماید (پروس) فوت فردریک کبیر پادشاه پروس جلوس فردریک گیلیوم برادرزادهٔ او در سن چهل و دو سالگی

سنه ۱۲۰۲ هجری

سنه ۱۷۸۷ مسیحی

آسیا (ایران) در این سال بعد از عید نوروز فیروز در روز بیست و پنجم ماه رجب موکب ظفر کوکب حضرت شهریاری از دارالخلافه طهران نهضت فرمای اصفهان گردید و نواب جهانبانی را با پنجهزار سوار جرار مامور تنبیه تقیخان یزدی و نظم و انتظام آن صفحات فرمودند بعد از آن اردوی معلی متوجه فارس شد ولی جعفرخان زند تحصن شیراز را حصین دانسته از مقابلی با سپاه منصور تقاعد نمود عساکر ظفر مآثر پادشاه ایران مدت یکهفته در مشهد معروف بام النبی اقامت نموده چون از جعفرخان جرات و جسارتی بظهور نرسید نواب جعفرقلیخان و علیقلیخان بعضی از بلوکات شیراز را غارت کردند و با غنیمت وافر باردوی معلی پیوستند و موکب همایون حسب المصلحه بعراق معاودت فرمود و نواب جهانبانی بجانب یزد راندند تقیخان چون خود را مرد میدان ندید با زد در ضراعت و استکانت درآمده متقبل دادن خراج گردید و بر وفق تقبل خود رفتار نمود لهذا نواب شوکت مآب معظم مراجعت کرده با عمال یزدی بحضور مبارک مشرف شدند و منشور حکمرانی یزد باسم تقیخان یزدی شرف صدور یافت نواب علیقلیخان با دوهزار نفر از سپاه منصور بتوقف اصفهان مامور شده موکب شهریار تاجدار بدارالخلافه طهران بازگشت هم در این سال در اوایل ذیحجه باز مرتضی قلیخان با هفت هزار نفر بگیلان رانده در کسکران فرود آمده نواب سلیمانخان قاجار حاکم گیلان تاب مقاومت نیاورده بقزوین آمد و مرتضی قلیخان بر گیلان استیلا یافت حضرت شهریار کامکار چون از واقعه خبردار گردیدند سلیمانخان را احضار فرموده تفصیل ماجری را استفسار فرمودند پس از تحقیق باحضار قشون حکم همایون شرف صدور یافت و کوچ و بنه مرتضی قلیخان را از بارفروش بطهران بردند و محمدحسینخان قاجار قوانلوی ناظر با دوهزار سوار مامور گیلان و مقرر شد که بعضی سنجات دیگر قشون با وی پیوندد محمدحسینخان ملاحظه آخر کار را نکرده منتظر سایر دستجات قشون نشده سبقت بجنگ نمود و شکست یافت پس از آن نواب سلیمانخان قاجار و امیر محمدحسینخان فیروزکوهی و میرزا محمدخان لاریجانی با ده هزار نفر در رسیدند و دو گرجه فرسخی گیلان قدم در میدان محاربت گذاشتند مصطفی خان طالش ابتدا پای جلادت پیش گذاشت ولی منهزماً پس نشست و نواب سلیمانخان با افواج باطراف شهر رفته و مرتضی قلیخان نیز با نه هزار نفر مقابل او شتافته

که آنرا مزار غایب نیز میگویند

ابتدا

اسد ابرادر مصطفی خان طالش با صنوف میر محمد حسینخان فیروزکوهی مصافات داده امیر بزخم گلوله از پا درآمد و فیروز کوهها کم بحی سردار ماندند کاری از پیش نتوانستند برد و این فقره اسباب سستی سایرین نیز کردید میرزا محمد خان لاریجانی و نجفقلیخان نوری بعد از مجادله و مقاتله بطور جنگ و گریز باز گشتند و مصطفی خان و لشکر شیروان بسیاری از این سپاه را بکشتند و نواب سلیمانخان عاجلا مراجعت کرد و نواب علیقلیخان قاجار نیز از جلو جعفر خان زند عقب نشسته با صفهان و از آنجا بکاشان آمد حضرت شهریار با اقتدار چون مطلع گشتند نواب جعفرقلیخان را با قشون استراباد و بسطام بگیلان فرستادند و دیده برادر خود مصطفی خان را میل کشیدند و نواب جهانبانی را بحراست قزوین و معابر دار المرز بمازندران مامور فرمودند و خود بنفس نفیس با سیصد سوار نامدار بطرف اصفهان حرکت کردند که سی هزار نفر سپاه الوار را دفع نمایند در عرض راه بعضی سپاهیان بلشکر نصرت اثر پیوسته این فئة قلیل کثیر شد جعفر خان که هزیمت معتاد بود و با سرعت باد از ورود موکب منصور سکینه اصفهان خبردار شد بجانب شیراز گریخت و مصطفی خان دولوی قاجار با دو هزار سوار او را تعاقب کرده چون پس از طی دو منزل بجعفر خان نرسید باز گشت اما نواب جعفرقلیخان چون بمنزل رستم آباد گیلان رسیدند مرتضی قلیخان بربند را نیز فرار کرده در آنجا قرار گرفت و از جانبین پیغامها داده شد و در ساحل دریای خزر دو برادر ملاقات و گفتگوها کردند آخر الامر مرتضی قلیخان در سفاین نشسته راه سار و پیشتره سالیان پیش گرفت و جعفرقلیخان وارد شهر رشت شدند و مراتب را بحریرا بعرض حضرت شهریار رسانیدند حضرت قوی شوکت معظم له جواب ایشان را بمراجعت امر فرمودند و نواب سلیمانخان در گیلان مستقل کردید همدر این اوان موکب همایون بدار الخلافه طهران معاودت فرمود و پس از ده روز توقف عزیمت سفر طبرستان نمودند و نواب جهانبانی بمراسم پذیرائی مقدم مبارک قیام و اقدام کردند و نواب جعفرقلیخان بحضور مهر ظهور تشرف جسته مورد مرحمت و مخلع گشتند چندی در بلده ساری بشکار و سواری گذشت و چند گاهی در اشرف بعیش و تدابیر مملکت داری و در این اوان رضاخان قاجار بیگلربیگی استراباد با بزرگان یموت و گکلان خراج و هدایای لایقه گذرانید و موکب اعلی بساری بازگشته پل مشهور به تجن را که خان خلد آشیان محمد حسنخان طیب الله مضجعه بساختن آن اقدام کرده و بسبب شهادت ایشان ناتمام مانده بود حکم بساختن فرمودند و حاجی اسمعیل قوللر آقاسی بسرکاری این کار چیز بر قرار شده با دوازده هزار تومان مخارج آنرا صورت انجام و اتمام داد همدر این سال بعضی از امرای زندیه از قبیل صید مراد خان و ویس مرادخان و شاهمرادخان و دیگران که در حبس جعفر خان زند بودند یکی از خدمه حرم او را فریفته بواسطه او سمی بجعفر خان چشانیدند و او بدین واسطه مریض شده روز فوت او بضعف مبتلا گردید شبی محبوسین مزبور بدستیاری بعضی از حبس مستخلص شده بر سر جعفر خان تاختند جعفر خان بمدافعه برخاسته یکی و نفر را بضرب شمشیر زخمی کرده آنها هجوم آورده کار او را با چماق و تیغ و تیر و چوب و سنگ و خشت و جاروب و پاروب ساختند و با همان شمشیری که او در دست داشت سر او را از بدن جدا کردند و بمیدان ارک انداختند و صید مراد خان بجای او بحکمرانی نشست لطفعلیخان فرزند رشید جعفر خان که بطرف بنادر و عمان رفته بعد از استماع این خبر دوانیده بشیراز راند همینکه باین بلد نزدیک شد شیرازیها صید مرادخان را دست بستند و دروازه را بروی لطفعلیخان بگشادند و او فوراً بقتل قاتلین پدر کمر بست و بر تخت سروری نشست و علم استقلال برافراشت امنای حضرت شهریاری چون از واقعه آگاه شدند موکب فیروزی اقتران از مازندران انتهاض فرموده در پنجم جمادی الثانیه بدار الخلافه طهران نزول اجلال فرمود ارو پا (انکلیس) در پارلمنت انکلیس گفتگو از بیع و شرای برده شد

مبالغه و تاکید زیاد در موقوف نمودن این رسم مینماید فرستادن مقصرین ایندولت را بسمت استرالی و این اول
آبادی است که انکلیسها در استرالی مینمایند (فرانسه) ایجاد مالیات جدید بعضی اراضی خاصه با املاک کشیشها
نفاق وکلای ملت با پادشاه و اخراج نمودن آنها را از ورسایل (اطریش) ژوزف دویم امپراطور اطریش با کاترین
دویم امپراطریس روس در قرم ملاقات میکند (روس) مسافرت کاترین دویم امپراطریس روس بحوالی رود ولکا
و خرسن اعلان جنگ فیمابین عثمانی و روس دویست هزار قشون از عساکر اطریش بکمک روس وارد سرحدات عثمانی
میشوند معاهده دولتی فیمابین دولتین روس و چین (هلاند) جنگ داخلی و شورش اهالی آمستردام معاونت پروسها
بوالی امریکا (اتازونی) واشنکتن بریاست جمهوری اتازونی منصوب میشود

سنه ۱۲۰۳ هجری — سنه ۱۷۸۹ مسیحی

آسیا (ایران) در اوایل اینسال حضرت شهریار کامکار نواب جهانبانی را با پنجهزار نفر از لشکر نصرت اثر بتوقف فیروزکوه و انتظام امور مازندران و خراسان مامور فرموده خود بنفس همایون با جمعی از عساکر ظفر نمون از ری بعراق و از عراق بفارس ایلغار نمودند و منزل بمنزل بیضا مضرب خیام سپهر احتشام معلی کردیده ابرج را محل بنه و آغروق ملتزمین رکاب اعلی قرار دادند و علیقلیخان را امر بتوقف در اینمحل فرمودند و با تمامی لشکریان بظاهر شیراز نزول اجلال کردند لطفعلیخان با بیستهزار سوار لاری و فارسی قدم جلادت در میدان مجادله نهاد مصطفی خان قاجار که نکاهدار میمنه سپاه فیروزی شعار بود با فوجی از دلیران شیرشکار دیوار باغی را کمینگاه قرار داده جمعی از لشکریان لطفعلیخان را بخاک هلاک انداخت لطفعلیخان از فرط تهور متعرض آنها نکردیده با دو هزار سوار زبده خود بر قلب دو چندتن را از پای درآورده متوجه میسره که در حراست نواب جعفرقلیخان بود شد نواب جعفرقلیخان قصد او کرده از قضا رودی عمیق در میانه بود نواب معظم رکاب بر اسب کشیده از آن رود کذشتند و بعضی از دلیران نیز با ایشان پیوستند و جنگ در گرفت بعد از کشش و کوشش وهنی در سپاه لطفعلیخان پدیدار آمد در این اثنا جماعتی بکمک سپاهیان لطفعلیخان آمدند و دیکرباره نایره قتال اشتعال یافت و کار جنگ سخت شد شهریار کامکار محمدولیخان قاجار را با فوجی بمعاونت و امداد نواب جعفرقلیخان فرستاده ولی قبل از وصول محمدولیخان نواب جعفرقلیخان جمعیت دشمن را متفرق و آنجماعت را منهزم کردند لطفعلیخان نیز از قفای خود بقلعه شهر شتافت دو هزار نفر از لشکریان او مقتول و هشتهزار نفر اسیر و دستکیر شدند علی الصباح رایت ظفر آیت وارد کیوان شکوه بیکفرسخی شهر شیراز آمد و دو ماه این بلده را در بند محاصره داشتند و بلوکات حوالی عرصه نهب و غارت بود و عرصه بر مردم تنک حضرت شهریار نصفت آثار صواب در مراجعت دیدند لهذا روز پنجشنبه سیم شهر ذیحجه عنان یکران دولت را بطرف اصفهان منعطف فرمودند و مصطفی خان قاجار دولو را با سه هزار نفر در آنجا کذاشتند و زمام حکمرانی اصفهان را در دست محمدحسینخان پسر باقرخان خراسکانی اصفهانی کذاشته موکب معلی از اصفهان بدار الخلافه طهران تشریف فرما شدند هم در اینسال نهال آمال شهریار ایران بارور و باثمر کردیده یعنی حضرت قادر متعال نواب جهانبانی (خاقان خلد آشیان فتحعلیشاه) را پنج پسر والاکهر کرامت فرمود اول نواب محمدعلی میرزا که از بطن کرجیه تفلیسیه متولد شدند در شب هفتم ماه ربیع الثانی دویم نواب محمدقلی میرزا در بیست و سیم شهر رمضان متولد شدند از بطن صبیه محمدخان قاجار پسر سلیمانخان قاجار قوانلو سیم نواب محمدولی میرزا که در روز غره شوال از بطن مستوره اصفهانیه متولد شدند چهارم حضرت نایب السلطنه عباس میرزا که در روز چهارشنبه چهارم

ذیحجه از بطن صبیهٔ محترمهٔ امیر کبیر فتحعلیخان دولوی قاجار متولد گردیده جهان را از یمن قدوم خود فروغی تازه
بخشیدند پنجم نواب حسینعلی میرزا که در روز عید اضحی از بطن صبیهٔ محمد جعفرخان عرب حاکم بسطام متولد گردیده و مولد این پنج
شاهزادهٔ آزاده قصبهٔ نوا از توابع دماوند بود که در آنجا به ییلاق رفته بودند حضرت شهریار کامکار آقا محمد شاه قاجار
از طلوع این ستارگان سعادت آثار زایدالوصف مبتهج و مسرور گردیده یکهفته در دار الخلافهٔ طهران امر به بسط بساط
سور و سرور فرمودند پس از آن سه نفر از این پنج نفر مولود مسعود را بفرزندی خود قبول فرمودند و آنها نواب عباس
میرزا و نواب محمدقلی میرزا و نواب حسینعلی میرزا بودند که در ساعتی سعد آنها را بحرم سرای خاص بردند و بدایگان با
اختصاص سپردند و بتربیت ایشان پرداختند و هر یک را مشمول مرحمت ساختند هم در اینسال خسروخان والی کردستان
عزیمت شرفیاندوزی حضور حضرت شهریار تاجدار را نموده ولی در حوالی قزوین شنید که دو هزار نفر از طایفهٔ بلباس که
غالباً بنهب و غارت و سرقت میپرداختند فرزند ارشد او مهدیقلیخان با آنها جنگ درانداخته و بدست آنجماعت مقتول
گردیده است استماع این خبر وحشت اثر اسباب اختلال دماغ او گردیده و این ناخوشی معالجه پذیر نشد تا آنکه خسروخان مرحوم
شد پس از او لطفعلیخان در کردستان بنیابت داشت تا امان الله خان بولایت کردستان منصوب و برقرار گردید
اروپا (انکلیس) ایجاد روزنامهٔ طیمس (فرانسه) اغتشاش در پاریس و بمیل عموم مردم تسلیم پادشاه
تقسیم مجلس پارلمنت بسه فرقه نجبا و رؤسای دین و کسبه فوت بوفن از علمای معروف مفقود شدن لاپروز سیاح
معروف که بدریاهای جنوب رفته جمعیت فرانسه در اینسال بیجاه کرور است (روس) در حینی که دولت روس مشغول
جنگ با عثمانی است قشون سوئد غفلةً بمملکت روس حمله نمودند و اگر اختلاف و شورشی در میان صاحبمنصبان قشون
سوئد بهم نرسیده و برپا نمیشد و او را مجبور بمراجعت نکردند یقیناً پادشاه سوئد بسیاری از بلاد روس را متصرف
میشد پادشاه دانمارک برای امداد روس بعساکر سوئد حمله نمود و میانجیگری انکلیس و پروس مانع این منازعه شد
شکست سفاین جنگی روس در سواستاپول (اطریش) عساکر اطریش که از رودخانهٔ ساو عبور کرده بودند و داخل
خاک عثمانی شده مغلوب گردیده عقب نشستند ژوزف دویم امپراطور اطریش وحشت از برپا شدن شورش در
مجارستان دارد شکست سخت عساکر اطریش از عثمانی در تمسوار (اسپانیا) فوت شارل سیم پادشاه اسپانیا و
جلوس شارل چهارم پسرش بجای او (هلاند) معاهدهٔ اتحاد دولت با انکلیس و پروس

سنه ۱۲۰۴ هجری — سنه ۱۷۸۹ مسیحی

آسیا (ایران) در اوایل بهار اینسال حضرت شهریار تاجدار آقا محمد شاه قاجار نواب جهانبانی (خاقان مغفور)
را بانتظام بلاد قزوین و سرحدات خمسه و زنجان مامور فرمودند و مقرر شد که حاجی رضاخان دولوی قاجار
با پنجهزار سوار جرار ملتزم رکاب ظفر نصاب نواب معظم باشد و پس از روانگی ایشان از طهران در بیستم ماه رمضان
موکب نصرت اقتران شهریاری بقصد تسخیر فارس و تدمیر لطفعلیخان زند از دار الخلافه انتهاض فرمود در منزل
کنارگرد معلوم شد که در حوض سلطان که آبش از باران است آب وجود ندارد لهذا مقرر فرمودند که در حوض سلطان
اردوی معلی توقف ننمایند و دو منزل را یکمنزل کرده تا بآب برسند شباهنگام حرکت کردند و بواسطهٔ تاریکی شب و
جمعیت و ازدحام عساکر منصوره راه قم را گم کردند و تا طلوع صبح در شوره زار و کویر راه پیمودند و تحمل زحمت عطش نمودند
علی الصباح تشنه در آن سراب ماندند بحکم شهریار مرحمت شعار سقایان تشنگان را آب دادند و بعضی روزه داران
برای حفظ جان روزه گشادند و افطار کردند اما نفس نفیس شهریاری برای پاس اوامر مقدسهٔ حضرت باری جل ذکره

ناشام افطار نفرمود در روزه را بر رسانید بخلاصه چو دو روز در ظاهر بلده قم توقف اتفاق افتاد بعد از آنجا روانه اصفهان و
تشریف فرمای چمن کندمان شدند در اینجا خبر رسید که لطفعلیخان زند بمحض اطلاع از حرکت اردوی کیوان شکوه بهانه استمداد
از مشایخ بندر و انتظام بلاد گرمسیر بجانب دشتی و دشتستان رفته و فی الحقیقه باین بهانه گریزی هنگام کرده مقارن این
حال امراء و روسای شیراز پنهانی تحف و هدایای لایق بآستان همایون انفاذ داشته بزبان عجز و تملق عرضه داشتند که بنده
مطیع فرمان و در ربقه اطاعت حضرت شهریار عظیم الشانیم ولی محض مصلحت تسخیر بلد را بوقت دیگر باید گذاشت فرستاده اهالی شیراز
بمراحم شامل و خلعت شاهانه مشمول و با جواب شافیه نایل و اذن مراجعت یافت و نواب علیقلیخان با محمد قلیخان قاجار و الوس
و هفت هزار نفر از قشون ظفر نمون مامور و روانه تسخیر کوهکیلویه شدند اهل آنجا و دار در اطاعت و تمکین درآمده خود را در
سلک رعایا منسلک داشتند و علیقلیخان با منال دیوانی باردوی سلطانی معاودت نمود همدر این سال در اینکه نواب
جهانبانی در چمن کوران دشت متوقف بودند محمد حسینخان حاکم خلخال و سران کروس و احمدخان مراغه و حسینخان دنبلی بیگلربیگی
خوی ربقه اطاعت و عبودیت بگردن گرفته پیشکشهای شایان فرستادند موکب حضرت شهریاری از چمن کندمان بطرف قزوین حرکت
کرد و نواب مستطاب جهانبانی و سلیمانخان قاجار حکمران گیلان با عمال ایالت بحضور مکرم منظور پادشاهی تشرف جستند
و نواب سلیمانخان بلقب اعتضاد الدوله ملقب و مفتخر گشت و باردوی معلی بمقر خلافت عظمی آمد همدر اینسال نواب حسینعلی میرزا
برادر کهتر نواب حسینعلی میرزا از بطن صبیه جعفرخان عرب عامری بسطامی متولد گردید بنا بر مسطورات تاریخ جهان آرا در این
سال حضرت آقا محمد شاه نواب مستطاب جهانبانی (فتحعلی شاه) را بولایت عهد برقرار فرمودند همدر اینسال ضریح زر
اندود برای مرقد مطهر حضرت امیر المؤمنین و یعسوب الدین علیه السلام بامر همایون ساختند و بدان ساحت خلد نزهت حمل داشتند
اروپا (انگلیس) منازعه عساکر انگلیس با تیپو صاحب (اطریش) شورش اهالی بلژیک بر ضد اهالی اطریش که در مملکت
بلژیک سلطنت داشتند (روس و سوئد) منازعه قشون سوئد با روس شکست یافتن سفاین جنگی سوئد از عساکر روس سوارف
سردار روس در والاشی جنگ سختی با عثمانیها میکند و از آنطرف عساکر اطریش بمعاونت روس بلگراد را در خاک عثمانی فتح مینماید
پتامکین سردار دیگر روس بندر را از عثمانی منتزع میسازد (سوئد) گوستاو سیم پادشاه قدرت و اقتدار کامل خود را از [illegible]
طلب مینماید (فرانسه) شورش سخت در پاریس اهالی شهر کاخ معتبر را غارت میکنند مارسیل نیز در شورش است ایجاد کلوبهای
ملتی و هیئت پادکرین آنها بر ضد سلطنت که از سلطنت قانون آزادی میطلبند تشکیل مجلس پارلمنتی در ورسایل بتوسط پادشاه
مستقل که اجزای آن دویست و نود و یکنفر از علمای دینی و دویست و هفتاد نفر از اعیان مملکت و پانصد و هشتاد و چهار نفر
از سایر طبقات رعیت بودند معاهده شورشیان در تالار یکی موسوم بتالار گوبازی میباشد خطبه های شورش انگیز میرابو
عزل نکر وزیر معروف باستیل را که از قلعه جات وسط شهر پاریس و محبس دولت بود اهالی پاریس بغلبه گرفته محبوسین را
آزاد کرده قلعه را منهدم و ویران مینمایند نجبا و اعیان علی الخصوص برادر پادشاه ببلاد خارجه فرار میکنند اهالی
پاریس با فرسنگ که سفید و آبی و سرخ باشد بکلاه خود میدوزند انقلاب و شورش مجدد سخت در پاریس [illegible]
که نجبا و خانواده سلطنت داشتند از آنها سلب میشود آزادی مطبعه ها بروز قحطی و غلا در شهر پاریس و شورش نسوان
ازدحام مردم در ورسایل و شکایت بی نانی شاکیان بقصر سلطنتی ورسایل داخل شده جمعی از قراولان این عمارت را
بقتل میرسانند پادشاه مجبوراً از ورسایل بشهر پاریس معاودت میکند که شورشیان را ساکت نماید مجبور شدن
پادشاه ببرقرار کردن نکر را بوزارت جمهوری طلبان املاک موقوفه معابد را از دست علمای دین منتزع ساخته خود
منصرف میشوند ایجاد روزنامه مونیتور که روزنامه رسمی است (عثمانی) فوت سلطان عبدالحمیدخان اول و جلوس

سلطان سلیمخان سیم بجای او درسن بیست و هشت سالگی امریکا (اتائونی) جمعیت اتائونی در اینسال هفت کرور و
چهار صد و سی هزار نفر است

سنه ۱۲۰۵ هجری — سنه ۱۷۹۰ مسیحی

آسیا (ایران) در اینسال نواب جعفر قلیخان که برادر و سپهسالار حضرت شهریار کامکار بود درخواست ایالت اصفهان
از اعلیحضرت معظم نمود و بنا بر مصلحت استدعای او بدرجه قبول نرسید لهذا بنای مخالفت و خلاف برخاست و چندی در بسطام
مانده بحضور مبارک نیامد آخر الامر با محمدخان و محمد زمانخان عز الدینلوی قاجار پسران عمال خود بدربار شهریاری رجوع
نمود و آنها در خلوت از او سعایتی کرده چنین بعرض رسانیدند که داعیه خود سری دارد و با خوانین خراسان معاهده
و مواضعه نموده است خلاصه حضرت شهریاری را با برادر رشید خود بددل نموده شبی در هنگام مراجعت از حضور همایون
چند نفر از خدام خاص آن سردار با اخلاص را از او به معبر سرای دیگر اشتغال دادند ولی بعد از قضای صادر ملازمان
حضرت پادشاهی قرین ندامت و افسوس کامل گردیدند و سودی نداشت هم در اینسال مرتضی قلیخان از عمای برادر خود مصطفی
قلیخان باخبر گشت چه مدت یکسال که مصطفی قلیخان محبوس بود اینواقعه نیز مستور بود اینواقعه که از محبس خلاص
شد این خبر مشتهر گردید مرتضی قلیخان که در باکو و طالش و شیروان با استعداد تمام میزیست نیز لشکریان بار دیگر
همجان آمده بطرف گیلان راند و میرزا بابای رشتی نایب گیلان هراسان شده ماجری را بعرض عاکفان حضور شهریار منصور
رسانید حاجی رضا خان دولوی قاجار خال مرتضی قلیخان و عباسخان و محمدخان دولو که هم از منسوبان او بودند با
عبدالله خان اوصانلوی خمسه و میرزا محمدخان لاریجانی و چهار هزار نفر از سپاه ظفر همراه مامور گیلان شدند و هر چه
مرتضی قلیخان را نصیحت کردند سودمند نیفتاد ناچار بنای جنگ و خونریزی شد شبی شاه پلنگ نام طالشی بر لشکریان
حاجی رضا خان شبیخون زده در اینمقدمه سردار با سایر خوانین گرفتار شدند و تفرقه در میان سپاه افتاد و مرتضی قلیخان
غلبه کرد ولی بعد از چندی همه گرفتاران را رها و روانه دربار معلی نمود و سوای خال خود دراکثر با سوء احوال نگاهداشت
با کلاب و ذئاب ندیم و حریف مینمود میرزا بابای نایب گیلان مراتب را معروض آستان مبارک داشت حضرت شهریاری مصطفی
خان دولوی قاجار را مقدمة الجیش قرار داده از پیش روانه کردند و موکب همایون مستعد ایلغار گردید مرتضی قلیخان
و مصطفی خان طالش از عزیمت شهریار کامکار خبردار گردیده دانستند که در جلو سیل هایل مقاومت نتوان نمود ناچار
بباکو پناه بردند و در آنجا نیز چون کاری نتوانستند کرد مرتضی قلیخان خایبا و خاسرا بروس پناه بجانب روس برد و حاجی رضا
خان و عباسخان را با مادر خود بطهران فرستاد هم در اینسال لطفعلیخان زند استعدادی فراهم کرده قصد تسخیر
اصفهان نمود حضرت شهریار تاجدار از عزیمت او مستحضر گردیده نواب مستطاب جهانبانی را بدفع او مامور فرمودند
نواب معظم با بعضی از دستجات قشون نصرت نمون بجنگ دشمن تشریف فرما شدند و موکب همایون بکوران دشت نزول
اجلال نموده مصطفی خان قاجار شرفیاب حضور مبارک و مورد التفات شده مقرر فرمودند با پنجهزار نفر بجلد نواب
جهانبانی روانه شود و اردوی کیوان شکوه بعزم تسخیر آذربایجان حرکت کرده و نواب اعتضاد الدوله سلیمانخان قاجار
با ده هزار سوار در منزل طارم مامور تسخیر ماسوله و تنبیه طایفه طالش کردند و او بخوبی این خدمت را انجام داد و محمد حسینخان
حاکم خلخال و محمد حسینخان حاکم گروس از در اطاعت و انقیاد در آمدند و صادقخان شقاقی در حوالی قلعه سراب
اقدام بجنگ کرده شکست خورده و پناه بابراهیم خلیل خان ابن پناه خان جوانشیر برد عساکر منصوره قلعه سراب را
خراب کرده باردبیل شتافتند و اینشهر را نیز مسخر نمودند و یکهفته در آنجا اقامت کردند احمد خان حاکم مراغه

باحسینعلی خان افشار برادر محمد قلیخان بیکلربیکی ارومی و جمعی باستان مبارک آمدند ولی محمد قلیخان را دغدغه و خیال
گرفته در قلعه اشنو متحصن شد و محمد خان عزالدینلو و حسینقلیخان افشار با دسته قشون ارومی را بگرفتند و اموال محمد
قلیخان را متصرف شدند همدرین ایام مصطفی خان قراجه داغی بتقبیل عتبه علیه آمد و جانمحمد خان قاجار مامور بتنبیه مصطفی
خان طالش گردید و نواب اعتضاد الدوله با پیشخانه اردوی معلی بساخت قراجه داغ توجه نمود و قلعه اهر (اهار) را
مسخر ساخته بچمن گلنبر رفت و از آنجا به النگ سبزه آمده رحل اقامت افکندند در اینجا حسینخان دنبلی بیکلربیکی خوی بشرف
مبارک آمده مخلع بخلعت و حکومت اردبیل و تبریز را باو نیز مفوض داشته و او روانه تبریز شد و حضرت شهریار کامکار چند
روز در اینمحل بصید و شکار گذرانیدند همدرین اوان محمد خان عزالدینلو که بعد از جعفر قلیخان داخل در امرا بود و برادر
محمد زمانخان حکومت بسطام میمون با محمد ولی آقا و جمعی بکر اتفاق کرده اندیشه مخالفت با حضرت شهریاری نموده ند و محمد تقیخان
شامبیاتی پسرزاده محمد علیخان چوچوق نیز با آنها همدست شده ملازمان آستان همایون ازین مواضعه مستحضر گردیده محمد خان
و محمد زمانخان و محمد ولی آقا چشم در راه بی بصری گذاشتند و محمد تقیخان و محمد علیخان چوچوق نیز بامر اعلی در گذشتند و محمد قلیخان
بیکلربیکی ارومی بشفاعت امرا معفو شده که عبودیت میان بسته بحکومت ارومی منصوب گردید همدرین ایام موکب همایون عزیمت
تبریز فرموده حسینخان بیکلربیکی و اعاظم و اشراف بلد باستقبال و پذیرائی مقدم مبارک شتافتند اما لطفعلیخان زند با بیست
هزار سوار بسیر معلیا آمده و نواب مستطاب جهانبانی بطرف قمشه رانده و جنگ در گرفت لطفعلیخان پناه بسنگر برد و عبد الرحیم
خان شیرازی برادر مهتر حاجی ابراهیمخان که وزارت و امارت جمع داشت بجهت ارادت بنواب مستطاب جهانبانی شبی در اردوی
لطفعلیخان آشوب در انداخت و اردو را متفرق ساخت ناچار لطفعلیخان فرار کرد و مصطفی خان قاجار دولو او را تعاقب
نمود اما بوی نرسید و نواب مستطاب جهانبانی با دستهها آمدند از آنطرف حاجی ابراهیمخان شیرازی دروازه شهر شیراز را
بروی لطفعلیخان بسته و گرفتار سرگردانی شد و مراتب را مسموع نواب مستطاب جهانبانی و معروض آستان پادشاهی
داشتند حضرت همایون شمشیری مرصع و خنجری مکلل برای نواب مستطاب معظم اعطا و ارسال داشتند و میرزا رضا قلی
نوائی منشی الممالک متخلص بسلطانی مامور بتصرف اموال لطفعلیخان و نظم آنسامان شد و حاجی ابراهیمخان شیرازی
در ازای خدمتی که کرده بود مخلع گردیده حفظ و حراست شیراز بعهده او موکول گشت و مصطفی خان قاجار برای امداد
او روانه شیراز شد همدرین اوان ابراهیم خلیل خان جوانشیر از صادقخان شقاقی شفاعت کرده جرایم او را معفو
داشتند و موکب اعلی در پنجم ذیحجه بمقر سلطنت معاودت فرمود و میرزا رضا قلی منشی الممالک مصطفی خان قاجار را
با سه هزار سوار در آباده گذاشته خود بشیراز شتافت و حاجی ابراهیمخان بخوبی او را پذیرائی و استقبال نمود
در این اثنا لطفعلیخان باز الخان خشتی معاهده نموده با هزار نفر متوجه شیراز شد و در محل موسوم بکوه جای
گرفت حاجی ابراهیمخان مصطفی خان قاجار را از آباده بشهر شیراز بخواند و باغ جهان نما را مسکن گاه عساکر نصرت مآثر
قرار داد لطفعلیخان بحوالی شیراز آمده در بیشه که متصل بشارع بود کمین کرد و جمعی را بکازرون فرستاده آنها آن
محل را غارت کرده باز گشتند مصطفی خان قاجار با فوجی از مردان کار پنجفرسنگ راه طی کرده بالشکر الوار که از کازرون
میامدند تلاقی نموده بپیکار پرداخت با بعضی که جمعی را بدفع آنها فرستاده خود در پناه کوهی بایستاد ایلخان عبد
الملکی از سرکردگان لطفعلیخان مقتول گردید در اینحال لطفعلیخان با پانصد سوار از کمین بیرون آمده بر سپاه ظفر
همراه حمله کرد مصطفی خان قاجار نیز فورا از کوه بزیر آمده متوجه قتال و اشتعال نایره جدال گردید لطفعلیخان تاب
مقاومت نیاورده راه گریز پیش گرفت ولی دست از کار نکشیده گاه گاه از طرفی و راهی روی بشیراز میاورد و فتنه و

فساد

فسادی برپا میکرد برای اینکه مواد شرارت او بکلی منحسم کرد حاجی محمد خان قاجار نیز با پنجهزار سوار بمعاونت و امداد مصطفی خان مامور شد و در هنگامیکه لطفعلیخان اسمعیل آباد ببم بستند در مسجد بردی قریب شهر شیراز بود حاجی محمد خان مصطفی خان پیوست و یکهفته تمام مشغول جنگ و جدل بودند و در این حیص بیص یکروز بنابر حیله و خدعه رضا قلیخان دولو از لشکر دور افتاده گرفتار گردید آخرالامر لطفعلیخان مغلوب بشده بطرف نرقان رفت همدرین سال حضرت همایون را سکته عارض شده بسعی میرزا مسیح طهرانی و میرزا احمد طبیب اصفهانی بعد از سه روز صحت یافتند و بعضی این واقعه را بسال بعد نسبت داده اند نیز درین سال قصد تجدید قبه منوره حضرت خامس آل عبا علیه التحیة والثنا فرمودند و عبدالرزاق خان حاکم کاشان را بجمع تعمیر و توسیع قبه مبارکه آنحضرت و تذهیب آن مامور کردند و حاجی سلیمان صباحی ماده تاریخ آنرا چنین گوید

(کلک صباحی از پی تاریخ آن نوشت   در گنبد حسین علی زیب یافت زر)

همدرین اوان میرزا رضا قلی نوائی منشی الممالک با اموال لطفعلیخان بحضور شهریار عظیم الشان تشرف جست و از آنجمله مبلغی جواهر و هزار راس مادیان بود همدرین سال مصطفی آقای عثمانی از جانب سلیمان پاشا والی بغداد بدربار همایون آمد و از بلاد آذربایجان و عراق و فارس انواع هدایا و تحف حتی جرعنها و شنقارها پیشکش دربار سپهر آثار کردند وفات آقا محمد باقر بهبهانی از اجله علمای امامیه اعلی الله مقامه در همین سال بود و در سال کیه اروپا (اطریش) بلژیک آزادی خود را از تحت سلطنت اطریش اعلان میکند دولت اطریش از پاپ و دول انگلیس و فرانسه و پروس استعانت برای امن کردن بلژیک میطلبد فوت ژوزف دوئیم امپراطور اطریش که این کلمات را از انشای خود او بر سنگ قبرش نوشته میشود (اینجاست مقبره ژوزف دوئیم که در تمام ارادات و مقاصدیکه داشته بدبخت بوده است) برقرار شدن برادرش لئوپلد دوئیم بجای او در سن چهل و سه سالگی (پروس و روس و سوئد و عثمانی) سوء ظن پروس بر ضد اطریش و روس او را مجبور باتحاد با عثمانی مینماید فتوحات عساکر اطریش در سواحل دانوب قشون عثمانی که در آنجا بودند چون زلزله در آنجا شد و آن زلزله را از قضاهای آسمانی دانستند قلعه را تخلیه کرده فرار نمودند فتوحات و غلبه سفاین جنگی سوئد بر کشتیهای روس در دریای سوئد چون انگلیس و روس بدولت اطریش وعده میدهند که اگر ترک منازعه با عثمانی نماید در امن کردن بلژیک او را کمک نمایند نه ماهه فیما بین اطریش و عثمانی متارکه میشود و سوئد با روس صلح مینماید منازعه روس و عثمانی فتح کردن سوواروف سردار روس شهر اسمعیل عثمانی را و قتل نمودن اینشهر را (فرانسه) شورش و انقلاب در اکثر بلاد میزان و مفاد بر در تمام فرانسه بلک وزن میشود مواجب پادشاه بر پنج کرور تومان ایران مقرر میشود و زیاده بر این حق تصرف در وجوه دولتی ندارد اجرای قانونیکه شاه و وکلا در تحت آن قانون مساوی اند سلطنت مستقله در فرانسه متروک و سلطنت مشروطه برقرار میگردد بخطابات شاهزادگی و خانی و بیکی از اعیان و نجبا سلب و برداشته میشود علمای دین را از تمامی مداخله ها دولتی ممنوع میکردند نکر از وزارت استعفا مینماید امریکا (اتازونی) فوت فرانکلن و عزای عمومی ملت و ماه

سنه ۱۲۰۶ هجری   سنه ۱۷۵۱ مسیحی

آسیا (ایران) در اینسال حضرت شهریار بیهمال نواب مستطاب جهانبانی را مامور بتوقف طهران فرموده و برادر مهتر والاگهر ایشان حسینقلیخان را با پنجهزار نفر از عساکر نصرت مآثر بحراست اصفهان معین و امر کردند و موکب همایون بقصد تدمیر لطفعلیخان نهضت کنند از حرکت و انهاض نموده ابراهیمخان سرکرده دامغانی را مقدمة الجیش قرار دادند و چون اردوی معلی بچمن آبرج (ابرج) رسید معروض شد که لطفعلیخان از زرقان بعزم

شبیخون حرکت کرده و بحوالی اردو آمده است حضرت شهریاری قدغن فرمودند که اگر علامت شبیخون بظهور رسد قشون ظفرنمون بی امر همایون حرکتی نکنند هنگام شب لطفعلیخان در تنگ برج با ابراهیمخان دامغانی تلاقی نموده جنگ در گرفت و ابراهیمخان بعد از اظهار جلادت مقتول شد لطفعلیخان عبدالله خان و محمدخان اعمام خود را باطراف اردو فرستاده و خود با هزار سوار در مقابل اردو آمد و اقدام بیورش و حمله نمود عبدالله خان زند نیز قصد سراپرده و خیام گردون احتشام سلطانی کرده آقاخان کتول قوللر آقاسی و میرزا محمدخان قاجار دولو جلو او را گرفتند میرزا فتح الله نامی اردلانی مژده فتح بلطفعلیخان داد لطفعلیخان در خارج اردو قرار گرفت وقت صبح یا بسبب استماع صدای اذان یا بواسطهٔ طبل جنگ دانست که فتح دوشینه محض وهم و خیال بوده و اردوی شهریاری با کمال نظم برای قتال حاضر است پشت به شتافت گریزید و یقین حاصل نمود که مقاومت با عساکر پادشاهی امری محال است ناچار راه گریز پیش گرفت و دویست نفر از همراهان او اسیر شدند و موکب ظفر کوکب شهریاری متوجه شیراز گردید حاجی ابراهیمخان شیرازی و سرداران و اعیان فارس باستقبال و پذیرائی مقدم مبارک شتافتند و حضرت همایون در عمارات وکیل نزول اجلال فرمودند و نواب حسینقلیخان را از اصفهان بشیراز طلبیده و نیابت فارس را بحاجی ابراهیمخان دادند و اهل و عیال لطفعلیخان را با دوازده هزار خانوار از کلهر و مافی و خواجه وند و عبدالملکی کوچانیده باسترآباد فرستادند و موکب معلی بطهران معاودت فرمود و میرزا فتح الله سابق الذکر گرفتار شده زبانش مقطوع گردید همدر اینسال دختری از دوده حسینخان دولوی قاجار در حبالهٔ نکاح نواب حسینقلیخان درآمد و ابراهیمخان بن مهدیقلیخان نیز بشرف ازدواج بزرگترین دختران نواب مستطاب جهانبانی نائل گشت و والده ابراهیمخان را نیز سابقا بعقد نواب شطاب معظم درآورده بودند اما لطفعلیخان بعد از فرار بطرف کرمان رانده میرزا ابوالحسنخان حاکم کرمان او را از ورود بشهر مانع آمد ناچار برگشته میرزا محمدخان راوری نیز بنزاع او پرداخت و چندی از همراهان او را دستگیر ساخت لطفعلیخان از روی اضطرار از راه چهل پایه لوط بطبس آمده امیر حسنخان حاکم طبس سیصد نفر سوار بکمک او مأمور کرده و او با این لشکر قلیل باز بسودای سلطنت از راه یزد عزیمت فارس نمود و با تقیخان یزدی مصاف داده از آنجا با برقوه شتافت حاجی ابراهیمخان مراتب را بعرض حضرت شهریاری رسانده محمدحسینخان قوانلوی کشیکچی باشی خالوزادهٔ حضرت شهریاری با هشت هزار سوار مأمور دفع لطفعلیخان شد و محمد آقای قاجار نیز با سه هزار کس از عقب او روان گردید لطفعلیخان چون از مأموریت و حرکت محمدحسینخان خبردار شد بطرف بوانات رفته همینکه محمدحسینخان بشیراز رسید لطفعلیخان راه دارابجرد پیش گرفت و این ناحیه را مسخر کرد محمدحسینخان بطرف فسا راند او براه نیریز رفت محمدحسینخان بنیریز آمد لطفعلیخان از نیریز حرکت کرده و محمدحسینخان او را تعاقب نموده در پای خرمن کوه بدو رسیده یازده روز یا پانزده روز در اینجا نایرهٔ قتال اشتعال داشت با وجود کمال جلادت عاقبت لطفعلیخان منهزم شده بطبس رفت و محمدحسینخان مظفر و منصور بشیراز بازگشت همدر اینسال نواب محمدتقی میرزا ابن نواب مستطاب جهانبانی از بطن مستوره بجنبا رتبه متولد گردید و مشتاقعلی شاه از عرفاء در کرمان مقتول شد اروپا (المان) فوت موزارت موسیقی دان معروف (انگلیس) ایجاد مجلس پارلمنت در کانادای ینگی دنیا (اطریش و عثمانی) انعقاد عهدنامهٔ صلح مابین دولتین عثمانی و اطریش در زیشتوا (فرانسه) شاهزاده خانمها نواده سلطنت فرانسه که بخاک المان فرار کرده بودند در شهر کبلنز قشون ضد شورشیان تشکیل میدهند هجوم و حملهٔ اهالی پاریس بقلعه و نیز خراب نمودن آن موقوف نمودن نکرلی دروازه های پاریس فوت میرابو معروف حبس نظری پادشاه موقوف

شدن منصب مهرداری و وزارت دربار بگیلوان طبیب چرخی اختراع میکند که بواسطه آن سر انسان بسهولت از بدن
جدا میشود فرار پادشاه و ملکه و اولاد آنها از شهر پاریس و گرفتار شدن آنها در بین راه و مراجعت دادن آنها بپاریس
وحبس کردن در قصر سلطنتی پادشاه پروس با امپراطور اطریش وعده میدهد که کمک بپادشاه فرانسه و شاهزاده های
که فرار نموده اند بنماید لقب اعلیحضرت از القاب پادشاه در مملکت فرانسه محو و منع میشود گوستاو سیم پادشاه
سوئد بر ضد شورشیان فرانسه تصمیم عزم میدهد

سنه ۱۲۰۷ هجری — سنه ۱۷۹۲ مسیحی

آسیا (ایران) درایسال موکب حضرت شهریار کامکار مصمم سفر کرمان و فارس گردیده روز هشتم ماه رمضان اردوی
معلی حرکت و انهاض فرموده در چمن آسپاس حاجی ابراهیمخان و عمال فارس بحضور مبارک مشرف شدند و چون هدم قلعه
شیراز مکنون خاطر همایون بود جانمحمدخان قاجار را بانجام این قصد روانه فرمودند و نواب مستطاب جهانبانی را
بتسخیر قلعه کرمان امر نمودند و مصطفی خان دولو با ده هزار نفر از عساکر ظفر مآثر و عبدالرحیمخان و جمعی از سپاهیان
فارس ملتزم رکاب فیروزی انتساب نواب مستطاب معظم گردیدند و در این اوان میرزا ابوالحسن خان حاکم کرمان درگذشت
و اردوی نواب جهانبانی بشهر بابک رسیده و قلعه کوان واقع در سیرجان را فتح کردند و مصطفی خان و عبدالرحیم خان
بتسخیر قلعه بم و نرماشیر مامور گشتند و این دو ناحیه را مسخر نمودند نواب مستطاب جهانبانی ملا عبدالله فقیه را با
مرتضی قلیخان ولد شاهرخ خان افشار یزدی بدربار همایون فرستادند و مرتضی قلیخان بحکومت کرمان برقرار گردید پس از آن
حضرت جهانبانی نیز در چمن کوشک زرد باردوی کیوان شکوه پادشاهی پیوستند و از آنطرف جانمحمدخان قاجار نیز قلعه شیراز را
خراب کرده و خندق آنرا انباشته معاودت نمود و موکب منصور شهریاری باصفهان بازگشت و محمد رضاخان کرائی
که فرار کرده بود گرفتار شده بیاسا رسید همدر این سال نواب امیر کبیر سلیمانخان قاجار مامور نظم آذربایجان گردید
و اردوی همایون از اصفهان بدار الخلافه طهران آمد همدر این اوان رضاخان قاجار که بحکومت استراباد و داروغگی یموت
و گوکلان برقرار بود درگذشت و طوایف ترکمان باهم اتفاق کرده بنای مخالفت و خودسری را گذاشتند محمدعلیخان
داشلوی قاجار بآن نواحی مامور شده ترکمه تمکین و اطاعت ننمودند مهدیقلیخان دولو و محمدولیخان و محمدحسینخان قوانلو
با ده هزار نفر از سپاه ظفر همراه شده بتنبیه آنجماعت روانه شده ترکمانان را مقهور و مطیع نموده باستان معلی باز
گشتند و اما مهدیقلیخان پسر رضاخان قاجار بحکمرانی استراباد و داروغگی یموت و گوکلان برقرار شد همدر این اوان
چون نواب سلیمانخان قاجار بتبریز رسید صادقخان شقاقی و احمدخان مراغه و حسینخان دنبلی و کلبعلیخان نخجوانی
و نصیرخان شاهسون و محمدقلیخان ارومیه و عسکرخان افشار از در اطاعت درآمدند و جوادخان و محمدخان قاجار
بیگلربیگی گنجه و ایروان و اسحق پاشای حاکم بایزید ربقه انقیاد بگردن گرفتند و نواب امیرکبیر سلیمانخان فرستاده ای
بشوشی فرستاده با ابراهیم خلیل خان نوشته نوشتند و او را باطاعت و خدمت دعوت کردند مشارالیه پس از
مشاورت با خویشان خود عبدالصمد بیک بنی عم خود را با هدایا و تحف بتبریز فرستاد و نواب سلیمانخان عبدالصمد
بیک را با خود بطهران آوردند همدر این سال والده نواب مستطاب جهانبانی عازم زیارت نجف اشرف گردیدند و عظام سلطان
سعید شهید و نواب جهانسوز شاه انارالله برهانهما را از قدمگاه خضر که در استراباد است جدا جدا در صندوقها گذاشته
بنجف اشرف بردند و در جوار حضرت امام همام امیرالمؤمنین علی علیه السلام مدفون نمودند و در اینموقع سلیمان پاشای وزیر
بغداد بعضی خدمات کرده بتوجهات پادشاهی مباهی گشت همدر اینسال نواب علینقی میرزا ابن نواب مستطاب جهانبانی

متولد

متولد گردید وفات حاجی سلیمان صباحی کاشانی اروپا (المان) اتحاد پروس و اطریش بر ضد جمهوری فرانسه فوت لئوپلد دویم امپراطور اطریش و جلوس فرانسوای دویم در سن بیست و چهار سالگی (انکلیس) منازعه‌ها سخت عساکر انکلیس در هند با تیپو صاحب و غلبه نمودن بر او فوت رینلدس نقاش معروف (فرانسه) قوت شورشیان و عزل وزرا مجبور شدن پادشاه بتعیین وزرا از شورشیان مذغن نمودن شورشیان علمای دینی را از ملبس بودن بلباس مذهبی اعلان جنگ شورشیان بپادشاه اطریش زدن پیرودان نن و مارات رئیس شورشیان ملیشوند هجوم و حمله مردم بقصر سلطنتی و هتک بتقبل پادشاه نمودن تخطی کردن عساکر پروس بکمک پادشاه فرانسه حرکت کرده بودند از سرحد فرانسه حاضر کردن شورشیان چهار صد و پنجاه هزار نفر قشون برای مدافعه انشاد تصنیف مارسیلیز که از این پس شورشیان و بعد جمهوری طلبان آنرا ورد زبان خود ساختند در وقت جنگ و اوان ضدیت و خصومت با وضع سلطنت میخوانند امپراطور اطریش و پادشاه پروس بشهر ما یانس آمده دوک دبرونسویک را سردار کل قشون دو دولت نموده بدفع شورشیان فرانسه مامور میکنند دوک مشار الیه با عساکر خود تا ساحل رود موزل میراند و بدانجا ورود مینماید اهالی پاریس بقصد کشتن پادشاه بقصر سلطنتی حمله میبرند فوج سویس که قراول خاصه پادشاه بود تدارک اما مقتول میشوند پادشاه اضطرارا خود را بمجلس شورشیان می اندازد لوی شانزدهم و زوجه او را در تامپل حبس مینمایند پادشاه پروس با عساکر خود بطرف پاریس حرکت میکند قتل جمعی از هواخواهان سلطنت در پاریس قنادیل طلا و نقره و صلیبهای مرصع و تجملات و نفایس معابد را شورشیان بدار الضرب فرستاده آنچه فلز بود مسکوک نموده بقشون تقسیم مینمایند عساکر پادشاه پروس بایالت شامپانی ورود کرده در والمی دوموریز سردار شورشیان با بیست و چهار هزار قشون هشتاد هزار تن از عساکر پروس را شکست میدهد مجلس وضع سلطنت را محذوف و متروک میسازد و اعلان جمهوری دولت فرانسه را نموده مسکوکات و مهر دولتی بلفظ جمهوری منقوش میگردد اعلان جنگ جمهوری فرانسه بپادشاه ساردنی که بر ضد جمهوری بود و منتزع ساختن نیس و ساووا را از پادشاه ساردن مراجعت نمودن عساکر پروس مغلوبا از خاک فرانسه و متصرف شدن سردار فرانسه کوستین نام میانس و فرانکفورد را که از شهرهای المان میباشد فتوحات عساکر دولت جمهوری فرانسه در بلژیک و مسخر نمودن بروکسل پای تخت این مملکت را خطاب آقا و خانم برجال و نسوان فرانسه داده نمیشود برای آنکه مساوات کامل معمول شود و در مخاطبات و عنوانات همشهری بیکدیگر میگویند و مینویسند مجلس شورای جمهوری لوی پادشاه فرانسه را بجهة استنطاق بمجلس احضار میکند (پرتوغال) ماری ملکه مملکت پرتوغال دیوانه شده پسرش بنیابت او سلطنت میکند (روس) فرانسه و انکلیس و پروس واسطه مصالحه فیمابین دولتین روس و عثمانی شده معاهده موسوم بعهد یاسی بین الطرفین منعقد میگردد و در این معاهده اودسا و قرم و کوبان متعلق بروس میشود (سود) قتل گوستاو سیم پادشاه سود در یکی از مجالس جشن بدست یکی از اعیان جلوس پسرش گوستاو چهارم بجای او در سن طفولیت

سنه ۱۲۰۸ هجری — سنه ۱۷۹۳ مسیحی

آسیا (ایران) در اینسال حضرت شهریار کامکار آقا محمد شاه قاجار عزیمت خراسان فرمودند ولی بعضی اتفاقات مانع تصمیم این عزم شد بتبیین آنکه اهالی کرمان بر حاکم خود مرتضی قلیخان و محمد ابراهیم آقای قاجار بشوریدند و حاکم را از شهر بیرون کردند و با لطفعلی خان زند که در فارس بود عهد متابعت بستند لطفعلیخان که قلوب اهالی این ایالت را بخود مایل دید با جمعی از افاغنه نرماشیر آمده و از آنجا بشهر کرمان راند مرتضی قلیخان در ارک تحصن جست ولی در آنجا نیز نتوانست بسر کند بنا بر این لطفعلیخان شهر کرمان را متصرف شد و جهانگیرخان سیستانی نیز با هزار

سوار با و پیوست حضرت شهریاری چون از این واقعه آگاه گردیدند فسخ عزیمت سفر خراسان فرمودند و نواب مستطاب
جهانبانی را با پنجهزار سوار از پیش روانه کرمان نموده موکب همایون نیز روز چهارم شوال برای دفع لطفعلیخان
زند انتهاض کرد نواب مستطاب جهانبانی چون به یزد و دارالجرد رسیدند شنیدند که اهالی جیرفت طغیان کرده اند
لهذا دسته لشکری به آن ناحیه مامور نموده آنها پس از زد و خورد جیرفت را مسخر کردند بعد از آن نواب مستطاب
جهانبانی بتسخیر قلعه هرود توجه فرمودند و محمد تقی بیک قوللر آقاسی با جمعی حمله بقلعه نمود از آنطرف هم هزار سوار
هرودی از قلعه خارج شده بمدافعه کوشیدند و در این زد و خورد محمد تقی بیک بضرب گلوله مقتول شد و همراهانش
شکست خوردند نواب مستطاب جهانبانی خود با عساکر ملتزم رکاب ظفر نصاب اقدام بیورش نموده قلعه هرود را
گرفته منهدم نمودند و جمعی را براه عدم فرستادند در این اوان موکب منصور شهریاری از راه بوانات بطرف کرمان راندند
و در یک فرسخی شهر بابک اتراق نمود و نواب علیقلیخان برادر آنحضرت با چند عراده توپ بتسخیر شهر بابک مامور شد
شهر بابک مفتوح شد پس از آن علیقلیخان و همراهان او بتسخیر قلاع سیرجان پرداختند و حضرت همایون بسر قلعه
مشیز تاختند و آن قلعه را بغلبه گرفته اتباع لطفعلیخان را بسرای دیگر روان کردند و راه کرمان را پیش گرفتند چون
نزدیک بشهر شدند لطفعلیخان بمقابله عساکر نصرت نشان آمد و جنگ سختی درگرفت ولی بعد از کشش و کوشش
زیاد مغلوب و منهزم شده پناه بقلعه برد و قشون ظفر نمون شهر کرمان را محاصره کردند در این وقت بعرض حضور حضرت
پادشاهی رسانیدند که مقصود لطفعلیخان رسیدن فصل زمستان و تاب نیاوردن لشکر قضا توان در سرما می باشد
امر همایون شرف صدور یافت که در خارج کرمان شهری بنا کنند دارای دروازه و برج و بیوتات و از اطراف
آذوقه و لوازم معاش در آن جمع آورند مامورین مباشر و مشغول کار شدند و در این وقت نواب علیقلیخان از تسخیر
سیرجان فراغت یافته بار دیگر معلی پیوست و دیگر بار بنظم کوهکیلویه او را روانه فرمودند و نواب مستطاب جهانبانی
نیز بامر اعلی بیم و نرماشیر و راه برو نواحی لار و بنادر تشریف فرما شدند و بعضی قلاع مسخر کرده و آن صفحات را منظم
ساختند و بلاد را اندند عبدالله خان لاری نیز کمر خدمتگذاری بر میان بست اما کار محاصره کرمان بطول انجامید و بعضی
تدابیر قلعه گیری از حفر نقب و غیره بیفایده شد و کار بر محصورین تنگ شده دوچار قحط و غلا گردیدند ناچار ده
هزار نفر از فقرا و کسبه و عجزه را از شهر بیرون کردند و پنجاه دیگر پای ثبات افشردند پس از آن بحکم قضا و فرمان قدر
اقتضای نوبت غلبه و فتح در رسید خان احمد خان سوادکوهی با عساکر ابوالجمعی خود نردبانها بر دیوار حصار گذاشتند
و بالا صعود نمودند سایر امرا نیز با و اقتفا کرده تمامی بروج را بگرفتند لطفعلیخان چون علایم خذلان را مشاهده
نمود بر اسب غران سوار شده از روی تهور راه را باز کرده از شهر بیرون آمد و اسب خود را از خندق جهانده راه بم را
پیش گرفت و در یکشبانه روز سی فرسنگ راه طی کرده بدین شتاب خود را به بم رسانید و از آنجا که اهالی کرمان
خود براه خلاف رفته و میل بمتابعت لطفعلیخان کرده بودند بعد از ورود جنود نامعدود بشهر بقتل عام اشارت
رفت خلاصه چون لطفعلیخان به بم رسید محمد علیخان برادر جهانگیرخان سیستانی او را مشوش دید و برادر خود را
با او بدگمان کرد که جهانگیرخان دستگیر و در بند ملازمان حضرت شهریار عظیم الشان است قصد کرد لطفعلیخان را
گرفته بآستان همایون فرستد تا بدینوسیله برادر او مستخلص شود لطفعلیخان این معنی را تفرس کرده خواست از دروازه
بم بیرون رود و فرار بر قرار اختیار کند سیستانیها دور او را گرفتند و اسب او را پی نمودند و دو زخم بر دست او
زدند ناچار ابا انقیاد و تسلیم و مقید کرده این مراتب را بعرض حضور مبارک رسانیدند حضرت پادشاهی محمد ولیخان قاجار را

باحضار

باخصائل او روا نمر فرموده مشارالیه لطفعلیخان را بدربار سپهر اقتدار آورده و جیقه که بتخت و تاج ایران و شمشیر زر
ازاو دوری نموده و قطعه الماس مشهور و معروف بتاج ماه و دریای نور از جواهرات نواب غفران مآب محمد حسنخان
طاب ثراه که نزد لطفعلیخان بود بوارث حقیقی آن یعنی حضرت آقا محمد شاه رسید و پوشیده نماند که اکثر مورخین
فتح کرمان و ورود سپاه نصرت توامان را با نیشهر و گرفتاری لطفعلیخان را از وقایع اوایل سال هزار و دویست و نه
دانسته اند و نگارنده نیز این عقیده را مرجح میشمارد و اینکه در خاتمهٔ اینسال نوشته شد بواسطهٔ پیوستگی حوادث است
خلاصه لطفعلیخان روانهٔ طهران و از اینجا براه آخرت روان شد و جسد او را در امامزاده زید بن دفن کردند
موکب منصور شهریاری از کرمان بشیراز عطف عنان نمود و نواب مستطاب جهانبانی و علیقلیخان را زار معاودت
کردند و نیابت حضرت سلطنت عموماً و حکمرانی فارس و یزد و کرمان خصوصاً بکف کفایت نواب مستطاب امجد
جهانبانی (اعلیحضرت فتحعلیشاه) مفوض شد و حاجی ابراهیمخان شیرازی بر شغل وزارت حضرت همایون سرافراز
و از شیراز ملتزم رکاب ظفر انتساب گردیده ملقب باعتماد الدوله شد و عبدالصمد بیک برادر زادهٔ ابراهیم خلیل
خان چون از سفر کرمان فرار کرده بود در حدود طهران دستگیر شده بیاسا رسید و اسمعیل مجدداً اسباب
خوف و خشیت ابراهیم خلیل خان گردیده از شرفیابی آستان مبارک تقاعد ورزید با امرای آذربایجان در
تقبیل عتبه علیه موافقت و همراهی نمود هم در این سفر خیریت اثر امر اعلی شرف صدور یافت که دو قطعه ستون
عمارت وکیل که از نفایس اعلیه است از شیراز بطهران نقل و در دیوانخانهٔ دار الخلافه نصب کنند مخفی نماند که سلسله
زندیه چهل و سه سال در فارس و عراقین و آذربایجان و کرمان حکمرانی کرده اند اولا محمد کریمخان وکیل که سی سال و
هشت ماه سلطنت کرده و سایرین یعنی ابوالفتح خان و صادقخان و علیمرادخان و جعفرخان ولد صادقخان و لطفعلیخان
ابن جعفرخان در ظرف سیزده سال در بعضی از ایالات و ممالک بر سبیل حکومتی متزلزل داشته اند و این حکومت
با سال هزار و دویست و هشت چنانکه ذکر شد سپری شد اروپا (المان) ایجاد صنعت چاپ بتوسط سنفلدر
در مونیخ (انگلیس) انکشاف اراضی جدیده در شمال آمریک بتوسط وانکوور سیاح انگلیس (فرانسه)
در مجلس استنطاق پادشاه چهار فقره سؤال مینمایند اولا میپرسند آیا لوی نام معروف بلوی شانزدهم نسبت
بقاطبهٔ اهالی فرانسه مخل راحت بوده و بر ضد آسایش و رفاهیت رعیت باسباب فتنه و فساد بوده است یا نه تمام
وکلا بدون استثنا جواب میدهند بلی بوده است ثانیاً میگویند کسیکه نسبت بدولت و رعیت منشأ چنین خطا و
خیانتی شود حد تنبیه و جزای او چیست جمیعاً جواب میدهند جزای چنین شخصی قتل است ثالثاً اظهار میدارند که
در باب قتل این شخص آیا باید با عموم رعیت مشورت کرد یا نه بالاجماع جواب میدهند که نه رابعاً سؤال میکنند که آیا
باید باو مهلت داد یا نه همگی میگویند نه باید بعد از بیست و چهار ساعت کشته شود بنابراین در بیست و یکم ماه
ژانویه لوی شانزدهم مقتول شد اگرچه مجلس استنطاق مزبور لوی شانزدهم را سبب شورش و اختلال کار فرانسه
قرار داد ولی حق اینست که او سبب شورش نبود چیزی که هست این است که بعد از بروز شورش لوی شانزدهم بواسطهٔ
ضعف نفس نتوانست اسباب دفع شورش را فراهم آورد و پس از آنکه وضع سلطنت مستقله مختل و بنای جمهوری
شد نیز شخصاً قابلیت نداشت که بریاست جمهوری برقرار گردد خلاصه در اینوقت پسر پادشاه با مادرش در حبس
بود و عمش که با سایر سلطنت طلبان از خاک فرانسه فراری و بمملکت المان مهاجرت نموده بودند این پسر را لوئی
هفدهم نامیده و شاهزادهٔ محبوس در فرانسه را در خارج پادشاه فرانسه خواندند و در بلاد ممالک اروپ باسباب مخاطرات

کلّی برای دولت جمهوری فرانسه فراهم آمد و ایلچی دولت جمهوری فرانسه را از لندن بیرون کردند اعلان جنگ دولت
جمهوری فرانسه با انگلیس و هلاند و اسپانیول سیصد هزار نفر قشون را و طلب برای جمهوری فرانسه حاضر میشود
اعلان جنگ اطریش با فرانسه روس و پروس اگرچه در باطن با دول متحده بر ضد فرانسه مشارکت دارند لکن در ظاهر
بواسطه تقسیم نمودن لهستان را در میان خود اعلان جنگ علنی با جمهوری فرانسه ندارند انگلیسها جزیره تاباک را
در ینگی دنیا و بندر پندیشری را در هند از تصرف فرانسه منتزع مینمایند در ایالت وانده که از ایالات داخله فرانسه است
سلطنت طلبان بر ضد جمهوری جنگ کنند ژنرال دموریز سردار فرانسه از دولت جمهوری متنفر شده با دو هزار سوار پناه
میبرد در شهر پاریس مابین خود جمهوری طلبان نزاع سخت میشود مارات که یکی از رؤسای جمهوریست مقتول میگردد
قشون اسپانیول خاک فرانسه ورود مینماید پادشاه ناپل با سلاطین متحده بر ضد جمهوری فرانسه اتفاق مینماید
عده قشون جمهوری بدو کرور میرسد فتوحات و غلبه عساکر فرانسه بر پروس و انگلیس اجساد سلاطین قدیم فرانسه را
که در سن دنی بود ندا از قبر بیرون آورده دور می اندازند ماری آنتوانت ملکه فرانسه را بقتل میرسانند دین و
ایمان و خداپرستی متروک و در معابد رب النوع عقل را ستایش میکنند تقویم معمول منسوخ شده سال را بسیصد و
شصت روز و ماه را بسی روز قرار میدهند و روز بیست و سیم ماه سپتامبر را که روز نیکی دولت شروع
جمهوری مینماید روز اول سال مینامند ناپلیون بناپارت که یکی از صاحب منصبان جزو توپخانه است در بندر
تولن با انگلیسها جنگ کند قابلیتی بظهور میرساند (لهستان) تقسیم شدن مملکت لهستان مابین روس و پروس
ینگی دنیا (اتازونی) واشنگتن مجدداً بریاست جمهوری منتخب میشود

سنه ۱۲۰۹ هجری — سنه ۱۷۹۴ مسیحی

آسیا (ایران) در این سال حضرت شهریار کامکار میرزا محمد خان دولوی قاجار حاکم قزوین را بدربار گردون آثار
احضار فرموده منصب امیرالامرائی و بیگلربیگی گری طهران را باو مفوض و مخصوص داشتند و مهدیقلیخان قوانلوی
قاجار بحکومت قزوین منصوب شد نیز در ماه شوال اینسال موکب همایون پادشاهی تشریف فرمای چمن سلطانیه گردید
و چندی در اینسامان خلد نزهت بتفرج و شکار پرداخته بعد بطرف اردبیل توجه فرمودند و محمد حسینخان قوانلوی
قاجار را امر فرمودند که پل خدا آفرین واقع در شش منزلی شوشی را که بر روی رود ارس است حراست و نگاهبانی کند و
وقتی مشار الیه باین محل رسید که آن پل را بگفته ابراهیم خلیل خان جوانشیر حاکم شوشی خراب کرده بودند لهذا نواب
اعتضاد الدوله سلیمانخان قاجار قوانلو با مر اعلی بمرمت و ساختن پل مزبور پرداخته و سنگر محکم نیز برای مستحفظین پل در آنحوالی ساخته
و نواب علیقلیخان بنظم و حراست حدود و نواحی ایروان مامور گردید و مصطفی خان قاجار بتدمیر و تنبیه مصطفی
خان طالش محکوم گشت پس از آن موکب نصرت اقتران از رود قراسوی اردبیل عبور کرده در آدینه بازار اقامت جستند
و نواب امیر کبیر سلیمانخان و محمد حسینخان قوانلو با لشکری جرار بمعاونت مصطفی خان قاجار رفتند جماعت طوالش
احمال و اثقال خود را بسفاین گذاشته بسالیان فرستادند اهل سالیان آنها را راه ندادند لهذا آن احمال بتصرف
عساکر فیروزی مآل در آمد و پس از غلبه بر طوالش و مغلوب شدن مصطفی خان و شاه پلنگ خان اهل و کوچ جماعة
از آنطایفه را بمازندران کوچانیدند و مصطفی خان پس از آنکه حصون محکمه آن سامان را با خاک یکسان نمود مظفر و
منصور باردوی همایون معاودت کرده شاه نواز پسر شاه پلنگ خان طالش را که جزو سایر اسرا بدربار معلی آورده بود
بتقبیل عتبه پادشاهی فایز ساخته و او مورد عنایت گردیده شاه نوازخان لقب یافت هم در اینسال در غره ذیحجه

موکب

موکب شهریار منصور از پل خدا آفرین که مجدداً ساخته و مرمت شده بود عبور نمود و ارامنه قراباغ بحوالی شوشی رسیده
محمد ولیخان قوانلو و مصطفی خان قاجار بر سر آنها تاخته جمعی را مقتول و برخی را اسیر کرده بحضور همایون آوردند
بعد از آن موکب اعلی از پل ملا نصر الدین واقع در سه فرسنگی شوش عبور کرده قلعهٔ شوشی را در کمال سختی محاصره نمودند
مهدیقلیخان برادر حسینقلیخان باکوئیه و جمعی از بزرگان آن سامان از در عبودیت درآمده باستان مبارک شتافتند
اما ابراهیم خلیل خان با ده هزار سوار از قلعه بیرون آمده بمجادله و مقاتله پرداخت و بعد از جد و جهد زیاد منهزم
شده باز بقلعه پناه برد پس از انهزام ملازمان سپهر احتشام نامه با براهیم خلیل خان نوشته او را باطاعت دعوت
کردند و ضمناً باو نگاشتند (زمنجنیق فلک سنگ فتنه میبارد   تو ابلهانه گریزی در آبگینه حصار) ابراهیم خلیل خان
که هنوز غروری در سر داشت در جواب نوشت (گر نگهدار من آنست که من میدانم   شیشه را در بغل سنگ نگه میدارد)
بالجمله محمد بیک و اسد بیک برادرزاده‌های ابراهیم خلیل خان که در بیرون قلعه مأمنی داشتند بدست پیرقلیخان و
عبدالله خان از ملازمان حضرت شهریار عظیم الشأن اسیر شدند و اینفقره غرور ابراهیم خلیل خان را بکاست و عریضهٔ
ضراعتی بدرگاه رعیت پناه عرض نموده متقبل عبودیت و خراج شد و تحف و پیشکشی تقدیم نمود و ضعف و پیری را علت تقاعد
از شرفیابی قرار داده مستدعی شد که اینک از این مطلب معاف باشد و وقت دیگر باینکار قیام نماید و این مسئول او مقبول
گردید نیز در این ایام موکب منصور عزیمت تفلیس نمود و فرمانی بوالی گرجستان ارکلی خان مرقوم فرموده او را باطاعت و انقیاد
دعوت فرموده ولی او براه خودسری مایل شده باسپاهی بمقابلهٔ لشکر نصرت اثر شتافته پس از اشتعال نایرهٔ جدال و تحمل
مقاسات قتال تاب مقاومت نیاورده راه گریز پیش گرفت و بتفلیس آمده خواهر و زوجهٔ خود را برداشته بکاردیل رفت
و عساکر منصوره تفلیس را متصرف شدند و پانزده هزار نفر را در اینجا اسیر کردند و از تفلیس رایت استنهاض بطرف گنجه
افراشتند و از گنجه بمغان آمدند همدرین اوقات مصطفی خان دولو که مأمور دفع مصطفی خان شیروانی بود شیروان را
مسخر نمود و باو امر فرمودند که بمحمد حسنخان حاکم شکی که با برادرش سلیمخان کدورت و نزاعی کرده و پناه بحضرت همایون
آورده اعانت و امداد نماید و او را در حکومت خود مستقل سازد و مقارن ورود مصطفی خان باتفاق حاجی سعید
و جمعی از اعیان آن نواحی بدربار همایون از دست مصطفی خان قاجار شاکی شدند که بکدخدایان شیروان تعدی نموده
و بدون جرم اموال آنها را گرفته لهذا مصطفی خان را معزول و احضار فرمودند و علیقلیخان را بجای او مأمور نمودند
و مصطفی خان را در مراجعت در عرض راه سواران خان چوپان بکشتند حضرت شهریاری در رفع فساد شیروانیان
بعلیقلیخان تاکید فرمودند و مصطفی خان شیروانی چون چاره جز اطاعت ندید ربقهٔ بندگی را بگردن گرفته متقبل
خراج و مالیات گردید و علیقلیخان پس از انتظام امور شیروان باردوی همایون معاودت نمود و موکب ظفر کوکب
حضرت شهریاری نیز عزیمت بازگشت بطهران فرمود (افغانستان) در اینسال تیمور شاه ابن احمد شاه افغان بعد از
سی سال سلطنت وفات یافت و شاه زمان پسرش بجای او بامارت نشسته استقلال بهم رسانید (اروپا) (المان)
هانمان طبیب ساکسی معالجهٔ امراض را بمثل قرار داد و رواج داد و فرنگیها این قسم معالجه را هوم اپاتی مینامند این
قسم معالجه شبیه است بدفع فاسد بافسد (سایر ممالک اروپ) انگلیسها جزایر مارتینیک را از تصرف فرانسه‌ها
خارج میسازند جزیرهٔ کرس متعلق بفرانسه را نیز پاولی نام بر ضد فرانسه‌ها شورانده میخواهد از تصرف آنها
منتزع کرد سفاین انگلیس بعضی بنادر این جزیره را متصرف شدند عساکر اسپانیول که بخاک فرانسه ورود و تخطی
نموده بودند آنها را امید واندند و از خاک خود بیرون میکنند ژنرال هُش سردار فرانسه معسکر خود را در کنار

فرانسه‌ها

همدرین اوان عریضهٔ سلیمان
پاشا والی بغداد را با هدایا
بحضور موهبت ظهور
پادشاهی آوردند

رودرین سمت آلمان فرار میدهد پیشگرو سردار دیگر فرانسه بلژیک را متصرف میشود عساکر فرانسه بسرداری ماسنا
جبال ایطالیا ورود میکند قشون فرانسه هلاند را میگیرند در جزایر متعلقه بفرانسه جنس سیاه پوستان که در بند
رقیت بودند آزاد میشوند در ایالت واندهٔ فرانسه فیمابین جمهوری طلبان و هواخواهان سلطنت جنگ سخت درکار است
دانتن که یکی از رؤسای جمهوریست متهم و مقتول میشود در مدت سه ماه بر سبیل استمرار در فرانسه از نجبا بلا استثنا
هر کس را بچنگ می‌آوردند میکشتند صغیر و کبیر و اناث و ذکور و شیخ و شاب نجبا ابقا نمیکنند از آن جمله خواهر لوی
شانزدهم در پاریس مقتول میشود روبسپییر نیز از رؤسای جمهوری بقتل میرسد و بعد از کشته شدن او قتل نجبا و
اعیان و هواخواهان سلطنت بشدت اول نیست وضع جمهوری تغییر کرده از شدت وحدتیکه در خونریزی داشتند
افتاده قدری بملایمت میل مینماید بخط و علامت مخترعه در فرانسه ایجاد مدرسهٔ پلیتکنیک را افرا سنت هیلر حکیم
طبیعی درس علم طبیعی حیوانات تعلیم میدهد اختراع تلگراف در مملکت فرانسه بواسطهٔ علایم نیز بواسطهٔ سیم
معمول حالیه (ایطالیا) ولتا نام اختراع چرخ الماس میکند طغیان کوه آتش فشان وزوو شهر تره را معدوم میسازد
(لهستان) شورش اهالی لهستان و منازعهٔ آنها در چند نقطه با عساکر روس کشته شدن جمعی از عساکر روس در
ورشو فتوحات عساکر پروس در لهستان و تصرف نمودن کراکوی را که از شهرهای لهستان است سوواروف سردار روس
قتل و نهب زیادی در لهستان مینماید شهر ورشو را مجدداً متصرف میشود استانیسلاس از خانوادهٔ سلطنت لهستان
که داعیهٔ سلطنت لهستان را داشت بحکم کاترین امپراطوریس روس از حقوق سلطنت استعفا مینماید یکسال در باب تقسیم لهستان
درمیان دول روس و پروس و اطریش گفتگو درکار خواهد بود

سنه ۱۲۱۰ هجری — سنه ۱۷۹۵ مسیحی

آسیا (ایران) در این سال فرخنده فال حضرت همایون شهریار بیهمال باستدعای سران و بزرگان قاجار و علما و
اعیان و حکمرانان ارادت شعار بقبول تاج گذاری فرمودند و در دار الخلافهٔ طهران تاج کیانی از فرق مبارک سلطانی
فرقی نو و فروغی تازه یافت بازو بندهای مکرم مرصع و مکلل بالماسهای دریای نور و تاج ماه شده بود از بازوی با
نیروی پادشاهی قدر و قیمت خود فزود شرایط و لوازم این جشن سعید را ملازمان حضرت و هواخواهان
وجود مسعود مبارک بلکه عموم رعایای ایران کاملاً مرعی و منظور نمودند و در جمیع بلاد و ممالک محروسه بر منابر
بنام همایون خطبه را مطرز و سکه را مزین داشتند عالی و دانی بعرض تهنیت و تبریک پرداختند و عیش و شادمانی
را مجامع و محافل ساختند و بعضی از مورخین تاج گذاری اعلیحضرت شهریاری آقا محمد شاه را در آخر سال هزار و دویست
و نه نوشته اند بهر حال بعد از تاج گذاری چندی عساکر منصوره را آسوده و راحت گذاشتند تا از مشقت و خستگی
اسفار بیرون آیند چون چندی کاهی بر این منوال گذشت امنای حضرت علیه را مسموع شد که نادر سلطان افشار و بعضی
از اهالی مشهد مقدس اموال و نفایس از خزینهٔ حضرت رضوی سلام الله علیه بیرون آورده تصاحب میکنند نیز
معروض داشتند که اوزبکهای بخارا بر خراسان استیلا یافته و مرو را قتل و غارت نموده اند لهذا موکب همایون در شهر
ذیقعدهٔ اینسال از طهران اشخاص فرموده ابتدا ترکمه استراباد را تنبیهی بسزا نموده پس از آن بطرف جاجرم
راندند و از آنجا مصمم مشهد مقدس گردید بدینجهت بزرگان خراسان از قبیل الله‌یارخان قلیچی حاکم سبزوار و ابراهیم‌خان
کرد شادلو حاکم اسفراین و امیرگونه‌خان زعفرانلو حاکم خبوشان و ممش‌خان زعفرانلو حاکم چناران و لطفعلیخان
حاکم ترک و جعفرخان بیات حاکم نیشابور و صفرعلیخان نغابری هریک با فوجی برکاب عالی پیوستند جعفرخان نیشابوری

با اهل

با اهل و عیال مامور طهران شد میرزا مهدی مشهدی از اجلهٔ علما بهمراهی شاهرخ میرزای افشار و قهار قلیمیرزا پسر
شاهرخ میرزا بحضور مبارک تشرف جسته مشمول عنایت و احترام موفور گردیدند و شاهرخ میرزا اذن جلوس یافت
نادر میرزا ولد شاهرخ میرزا عریضه عرض کرده استدعا نمود که او را مرخص فرمایند با متعلقان بهرات رود مسئول او
مقبول افتاده رخصت یافت ابراهیمخان شادلو مورد مؤاخذه گشته با کوچ روانهٔ طهران شد آنگاه اعلیحضرت شهریاری
با خضوع و انکسار تمام از دروازهٔ خیابان پیاده بروضهٔ مقدسهٔ رضویه علی ساکنها الف سلام و تحیه آمده
بزیارت و ضراعت و مراسم عبادت قیام نمودند پس از آن بامور و مهام ملکی پرداختند و تمامی خزینه و جواهر ثمینه
و لآلی آبدار و درر شاهوار نادرشاه افشار که در تصرف شاهرخ میرزا پسر نادر بود چون تعلق بسلطنت
داشت بملازمان آستان همایون رسید بعد از بیست و روز توقف در مشهد مقدس شاهرخ میرزا را با اولاد و
احفاد امر برفتن مازندران فرمودند و شاهرخ میرزا در راه درگذشت شاهزاده بلیجان اوزبک که در مرو بود
صیت شوکت و توجه ملازمان حضرت شهریاری را بساحت خراسان استماع نموده از مرو راه بخارا پیش گرفت خوانین
خراسان نیز بعد از اظهار عبودیت هریک بحکومت ایالات و اوطان خود منصوب و مرخص شدند و بعضی از کسان آنها
مامور طهران گردیدند و محمد حسینخان قراگوزلو را نزد شاه زمان پسر تیمور شاه افغان امیر کابل فرستادند که بلخ را
که ملکی از بلاد خراسانست و در تصرف کاشتکان او میباشد واگذار و تفویض بملازمان حضرت شهریار معظم الاقدس نماید
حاکم هرات واسمعیل آقای مکری برسالت نزد شاهزاده محمود برادر شاه زمان رفت همچنین رسولی نزد خان بخارا فرستادند
که شهر مرو را خراب کردی و اسیر بردی و بیرام علیخان را که با قاجاریه نسبتی داشت هلاک کردی با اسرا بفرستید یا مهیای
جنگ باشد و مهیای فرستادن اسرا و هدایا بود که حرکت لشکر روس بطرف آذربایجان و انتهاض اعلیحضرت همایون
از خراسان او را از خیال انداخت همدراین اوان خبر دادند که قشون روس بدربند و مغان آمده و قصد تسخیر
آذربایجان دارند و اهالی باکو و طالش و سالیان اطاعت آنها نموده بنابراین محمدولیخان قاجار سرداری
خراسان مامور شده با ده هزار سوار در این مملکت اقامت کرد و فتحعلیخان کنول را بحراست قلعهٔ مشهد مقدس و تعمیر روضهٔ
مقدسه و دریافت مالیات فرمان دادند و موکب ظفر اقتران از خراسان عزیمت طهران فرمود عساکر روس نیز
از میان ولایت داغستان گذشته قلعهٔ دربند را محاصره نمودند و چون در این ایام حکمران دربند پیرمردی صد و بیست
ساله بود خود داری و نگهداری قلعه نتوانست نمود لهذا قلعهٔ دربند را قشون روس متصرف شد اما در این اوان کاترین
امپراطریس روس که سلطنت داشت درگذشت و چون سپاه روس خبر فوت او را شنیدند ممالک شیروان و دربند و
آن نواحی را تخلیه کرده بمملکت خود باز گشتند نگارنده گوید مورخین ایران این واقعه را از حوادث سال هزار و دویست
و ده دانسته‌اند اما چون مورخین فرنگ فوت کاترین امپراطریس روس را در سال هزار و دویست و یازده نوشته‌اند
باید این واقعه را یکسال بعد نسبت داد همدراین اوان یعنی در اواخر سال هزار و دویست و ده محمدحسینخان قراگوزلو
که نزد شاه زمان برسالت رفته بود از افغانستان مراجعت کرده سفیری که گدو خان نام از جانب شاه زمان با او همراه و
عریضه داشت مبنی بر تشیید مبانی ارادت و تفویض بلخ از روی کمال میل همدراین سال حضرت مستطاب جهانبانی را که
بحکومت فارس مشغول بودند پسری از بطن صبیهٔ شیخعلیخان بوجود آمد و موسوم بشیخعلی میرزا گردید (چین)
استعفای خیان لونگ خاقان چین از سلطنت بعد از پنجاه و نه سال پادشاهی برقرار شد پسرش کیاکن بجای او
که بیست و پنجسال سلطنت خواهد کرد ضبط مملکت خیان لونگ تا سرحدات ایران و ساحل جیحون بوده و تمام ترکستان
و تاتار ...

و تاتارستان را مسخر نموده این پادشاه از دانشمندان بزرگ و مروجین علوم و صنایع شمرده میشود و تالیفات عدیده
از او باقیمانده است (اروپا) پیشگرو سردار فرانسه مملکت هلاند را کلیةً متصرف میشود و والی هلاند بخاک انگلیس
پناه میجوید (اسپانیول) با فرانسه در صدد مصالحه میباشد ما بین پروس و فرانسه در شهر بال عهد مصالحه منعقد میشود
اما منازعه اطریش با فرانسه کما کان بحال خود برقرار است کاترین دویم امپراطریس روس سفاین جنگی خود را با انگلیس
ضد فرانسه متحد مینماید انگلیس در صدد مخاصمه با مملکت هولاند که دوست فرانسه و در زیر حمایت او است میباشد
و در دماغه امید افریقیه و سیلان هند و سایر جاها حمله بمتصرفات هلاند میبرد عساکر اطریش با لشکر جمهوری فرانسه در
المان مشغول جنگ میباشند در اواخر اینسال ما بین اطریش و فرانسه متارکه میشود لهستان را روس و پروس
و اطریش بالسویه قسمت میکنند و سلطنت لهستان را از نوشتجات رسمی و نقشه جغرافیا بوضع استقلال حذف مینمایند
و بعدها این مملکت مجزی شده دولت منفرده سلطنت مستقله نخواهد بود استانیسلاس پنیاتوسکی که آخر پادشاه
لهستان بود گوشه گیری و انزوا اختیار کرده موظف بوظایف دول ثلاثه روس و پروس و اطریش خواهد بود (فرانسه)
فوت لوی هفدهم پسر لوی شانزدهم در سن ده سالگی در محبس تامپل گویند بزجر او را مقتول نمودند بهر حال پس از
فوت او عم او که در خاک المان بود خود را لوی هیجدهم نامیده بسلطنت فرانسه و حقیت خود در این دعوی معترف مینماید
ژنرال هُش سردار جمهوری در برتانی با بعضی از سلطنت طلبان فرانسه که انگلیس آنها را مسلح نموده و تحریک شده
و از خاک انگلیس بخاک فرانسه ورود داده جنگ کرده سلطنت طلبان مذکور را شکست میدهد وضع دولت فرانسه
بدست پنجنفر رئیس خواهد بود که اینوضع را دیرکتوار مینامند شورش سختی در پاریس ناپلیون بناپارت که
توپخانه پاریس در تحت ریاست او بود این شورش را رفع مینماید ایجاد مدرسه مخصوص علم طب که علوم دیگر در آنجا
تدریس و تحصیل میشود همچنین مدرسه بیطاری تعیین مقادیر بوضع مخصوص که در صحت آن تردیدی نمیباشد
با ینمعنی که از قطب تا خط استوا مسافتیکه بخط مستقیم ما بین نقطتین است به بیست کرور قسمت متساوی تقسیم
میشود و هر یک قسمت را متر قرار میدهند همینطور اوزان را نیز قسمی معین مینمایند که بصحت کامل مقرر است
ایجاد و نشر احتسابی در پاریس دختر لوی شانزدهم که در حبس بود با اسرای جمهوری که در المان بودند مبادله میشود

سنه ۱۲۱۱ هجری		سنه ۱۷۹۶ مسیحی

آسیا (ایران) در اینسال اعلیحضرت شهریار تاجدار آقا محمد شاه قاجار عزم تسخیر خراسان نمودند ابراهیم خلیل
خان حاکم قراباغ که تقاعد از خدمت داشت فرمودند و قبل از انهاض موکب اعلی نواب مستطاب جهانبانی را از شیراز بدار
الخلافه طهران احضار فرموده بیش از پیش بتفقدات کامله درجه اختصاص داده آنحضرت را در مجلس خاص خواندند و در
حضور مبارک نشاندند و بکمال عقل و وفور حزم و لیاقت مملکتداری و رعیت پروری و سایر خصایص شهریاری ستودند
و فرمودند در تصفیه ممالک و بلاد و کشورستانی و لشکرکشی رنج بسیار دیده و زحمت بیشمار کشیده ام و تو را برای تخت
و تاج سلطنت ایران برگزیده ام اینک سفری سخت در پیش دارم چنین میپندارم که این آخرین ملاقات من با تو باشد بهمین واسطه
تو را احضار کردم که هم دیده بدیدار تو روشن کنم و هم بعضی وصایای خود را بتو اظهار نمایم حضرت مستطاب جهانبانی از
استماع اینکلمات منقلب گردیده گریستند و وجود مسعود همایون را دعا و ثنا گفته شنیدنیها شنیدند و بمراجعت بحکمرانی
و مملکت فارس مامور گردیدند نگارنده گوید بنا بر این مقالات است که بعضی از محققین گویند حضرت مستطاب
جهانبانی در همین سال بولایت عهد برقرار گردیده اند اگرچه بزعم بعضی در هزار و دویست و نه و بعقیده برخی در هزار و دویست

وچهار

و چهار پایه قلعه منیع ایل شده اند خلاصه موکب همایون در اول بهار بطرف چمن سلطانیه نهضت فرما شد و از شاهزادگان
نواب عباس میرزا و محمد تقی میرزا و حسینعلی میرزا و حسینقلی خان برادر حضرت مستطاب جهانبانی ملتزم رکاب اعلی
بودند میرزا شفیع صدر اعظم با میرزا محمد خان قاجار دولو بحراست دار الخلافه طهران مامور گشتند و حاجی ابراهیمخان
اعتماد الدوله نیز با اردوی همایون همراه شده راه کنار رود ارس پیش گرفتند و در سلطانیه بشکار جرگه پرداختند اما
از آنطرف ابراهیم خلیل خان بعزم اینکه راه عبور موکب منصور بربندد پل ارس را شکسته بود و آب بر صحاری بسته
اعلیحضرت همایون اردوی کیوان شکوه را در آدینه بازار گذاشته و نواب امیر کبیر سلیمانخان و حسینقلی خان و حاجی
ابراهیمخان را بمحافظت اردو گماشته خود بنفس مبارک با صادقخان شقاقی و جمعی از سپاه ظفر پناه از آب عبور فرمودند
اگرچه بعضی از سفاین شکسته و برخی از لشکریان غرق شدند از وضع عبور لشکر منصور هراسان شده قلعه محکم پناه آباد را

ابراهیم خلیل خان

گذاشته بداغستان گریخت و قلعه را عساکر حضرت ما آثر پادشاهی متصرف شدند و اموال و اثقال و خزاین و دفاین
زیاد از این قلعه بدست آمد ولی بعد از این فتح و غلبه کوکب جهان شهریار عظیم الاقتدار ایران میل بافول و غروب نمود
تبیین اینمقال آنکه سه نفر از ملازمان حضرت و چاکران خلوت مصدر جرم و جنایتی شده اعلیحضرت همایون آنها را
بوعید قتل تهدید فرمودند و چون بتجربه برآنها معلوم شده بود که آنچه را شهریار تاجدار بیان و اظهار فرماید لابد
بعمل خواهد آمد و شفاعت و ضراعت ثمری نخواهد بخشید بنابراین زندگانی خود را منحصر بشهادت پادشاه جمجاه
ایران دانستند لهذا در شب شنبه بیست و یکم ذیحجه هنگام سحر بر سر بالین آن شهریار تاجور آمدند و روان آن بزرگی که در
جهان نمیگنجید روانه غرفات جنان نمودند و تاج و کمر و بازوبندهای مشهور مرصع و قبه جواهر را برداشته نزد
صادقخان شقاقی بردند مدت سلطنت شاه شهید آقا محمد شاه طاب ثراه از فوت کریمخان وکیل هیجده سال و دو ماه
بود که تقریبا در ظرف یازده سال کمال استقلال را داشتند نگارنده گوید که جمیع مورخین ایران و فرنگ شهادت
شاه شهید سعید را در سال هزار و دویست و یازده نوشته اند مگر لسان الملک که در شب شنبه بیست و یکم ذیحجه
هزار و دویست و دوازده نگاشته است بهر حال از مآثر مشهوره ملوکانه این پادشاه تعمیر بلده طهران و تذهیب
قبه حضرت سید الشهدا علیه آلاف التحیة و الثنا و ضریح نقره مطلای نجف اشرف و مرمت روضه مقدسه رضویه علیه السلم
و مسجد جامع قزوین است مدت عمر شریفش پنجاه و هفت سال و الحق از سلاطین با عزم و حزم و ابهت و مهابت
بود و در مدت سلطنت و کشورستانی اقدامات بزرگ فرموده است

پس از آنکه شهریار معظم آثار بسعادت شهادت فایز گشت و آن شب بسر آمد علی الصباح انقلابی در اردو پدیدار شد
محمد حسینخان قاجار کشیکچی باشی و میرزا رضاقلی نوائی منشی الممالک سراسیمه بخوابگاه پادشاه ذیجاه شتافتند و
پیکر مبارکش را غرقه بخون یافتند آنچه از اسباب سلطنت باقی بود برداشتند و از راه نخجوان روانه طهران شدند
و اهل آنولایت بقیه اردو را غارت کردند و چون اینخبر وحشت اثر باردوی بزرگ رسید لشکر متفرق شدند حسینقلیخان
و نواب سلیمانخان در رکاب شاهزادگان عظام روانه رشت گردیدند و از رشت راه دار الخلافه پیش گرفتند حاجی
ابراهیمخان اعتماد الدوله با جمعی از تفنگچیان مازندرانی از راه اردبیل و زنجان بطرف طهران روان گشت و
نجفقلیخان شاهسون در راه با ایشان همراهی نمود نواب علیقلیخان از راه خوی و مراغه و تبریز بدار الخلافه آمده
در چهار فرسخی طهران اقامت کرد امرا در قزوین بیکدیگر رسیدند و باتفاق بقریه دولاب طهران شتافته در اینمحل
بماندند نواب حسینقلی خان ثانی برادر دیگر حضرت مستطاب جهانبانی خواست بشهر طهران ورود نماید میرزا محمد خان

دولتی با حاجی بیگلربیگی طهران بنا و صیت شهریار مغفور نور الله مضجعه احدی را بشهرزاده نداد و منظور و مقبول وارث بالاستحقاق تخت و تاج سلطنت ایران کردید و میرزا محمد شفیع صدر اعظم که چندی وزارت اعظم حضرت آقا محمد شاه طاب ثراه را داشت و بعد از آنکه حاجی ابراهیم خان باین مقام رسید و از این رتبه عاطل و این وفات در دار الخلافه بود در این باب با امیر معظم همراهی کرده و برج و باره قلعه طهران را بنفنگچیهای مازندرانی سپرده در برجها و تمامی ابوابها بستند و بر مرصد انتظار نشستند هم در این سال نواب عبد الله میرزا و نواب محمد رضا میرزا و نواب امام وردی میرزا فرزندان حضرت مستطاب جهانبانی متولد شدند نیز در این سال قبل از شهادت شاه سعید شهید انار الله برهانه فرستاده که نزد شاهزاده محمود حاکم هرات فرستاده بودند بازگشت و شاهزاده مشار الیه اظهار خلوص و ارادت نموده و معروض داشته بود که اگر قبول افتد من نیز یکی از حکام پادشاه فلک خرکاه ایرانم اگر احکام و فرامین شهریاری شرف صدور یابد میان بخدمت خواهم بست و بملازمان حضرت خواهم پیوست و بعضی اینوا قعه را بسال قبل نسبت داده اند

نواب مستطاب والاحاجی معتمد الدوله در جام جم میفرمایند که در شوال المکرم هزار و دویست و ده هجری حضرت آقا محمد شاه بسمت استرآباد و گرگان روان شدند طوایف ترکمان را تاخت و تاز کرده از دهنه قراتیغ بخراسان روان گردیدند کلهران خراسان بر بلند علم همایون شتافتند و شاهرخ شاه اعمی را جناب میرزا مهدی مشهدی بحضور آورد و در خراسان تشریف داشتند که خبر قره باغ و فتنه گرجستان بسمع شریف ایشان رسید دفع و رفع آن طایفه را اهم دانسته مراجعت کردند و فصل زمستان در طهران بر تهیه لشکر پرداختند در اواسط ذیقعدة الحرام هزار و دویست و یازده هجری بجانب گرجستان رایات همایون بحرکت آمد پس از فتح آنجا بود در قلعه شوشی در شب شنبه بیست و یکم شهر ذیحجة الحرام هزار و دویست و یازده هجری بدست صادق نام فراش خلوت شهید شدند و لفظ تاریخ تاریخ او است و حاکم قراباغ ابراهیم خلیل خان جوانشیر که از اکابر آن ولایت است از شدت باس آن پادشاه روگردان شد و پس از شهادت ایشان خاقان مغفور عنایت کرده وحشت او را براحت و اطمینان مبدل ساختند و صبیه او را بعقد ازدواج خود در آوردند الفصه ولادت آن پادشاه فهار در روز یکشنبه بیست و هفتم محرم الحرام هزار و صد و پنجاه و پنج در قصبه استرآباد اتفاق افتاد و از عمر شان پنجاه و شش سال گذشته بود انتهی

(ترکستان) هم در اینسال ایلتذر بن عوض اتاق بن محمد امین او زبک فنقرات در خوارزم خروج کرده با ترکمن یموت و غیره جنگ و جدلها را انداخته و بر آنها غالب آمد پوشیده نباشد که در این اوان میر معصوم مکنی بشاه مراد ملقب بامیر جان در بخارا حکمران بود و نیاز علی در ولایت شهر سبز سمرقند داشت و امیر عالم بیک در خوقند و دار الملک فرغانه حکمرانی میکرد و بلیو خان در اند خود حکومت مینمود (هندوستان) تیپو صاحب بر ضد انگلیسها با فرانسه متحد میکرد (اروپا) ارلندیه وضع جمهوری فرانسه را دیده و پسندیده میخواهد از انگلیس مجزی شود و بوضع فرانسه جمهوری باشد عساکر جمهوری فرانسه بسرداری ناپلیون بناپارت که در این وقت بیست و هفت ساله میباشد در ایطالیا بر ضد عساکر اطریش فتوحات مینماید ژنرال ماسنا نیز از طرف دیگر ایطالیا را متصرف میشود مره سردار دیگر فرانسه در سواحل رن قشون اطریش را که بسرداری آرشیدوک شارل بودند شکست میدهد ژنرال بناپارت در ایطالیا بیست هزار اسیر و پنجاه عراده توپ از اطریش میگیرد و شکستهای سخت بر وورمسر سردار اطریش میدهد و باسان را مسخر کرده فتوحات دیگر نیز مینماید غالب ایالات ایطالیا که جزو اطریش بودند و والی و سلطنت مستقل داشتند همچنین بعضی از ممالک مملکت تبعیت فرانسه را قبول میکنند یا با دولت جمهوری عهد دوستی میبندند (اسپانیول) اتحاد با دولت جمهوری

فرانسه که بواسطهٔ این اتحاد اعلان جنگ با نکلیس مینماید (فرانسه) ناپلیون بناپارت که سر داری عساکر فرانسه مامور جنگ ایطالیا بر قرار شده بود ژوزفین نام را که بیوه بود در هشتم ماه مارس در حبالهٔ نکاح خود در می آورد شوهر اول ژوزفین بهازنیر بوده و دو فرزند از او داشته یکی پسر موسوم باوژن و یکی دختر مسماة بهرتانس لاپلاس منجم کتاب نجومی تصنیف کرده که هیئت عالم را بوضعی غیر از وضع بطلمیوس دانسته و سبک جدید هیئت را انتشار میدهد (هلاند) دولت هلاند من بعد موسوم و معروف بجمهوری باتاو خواهد بود و دولت انکلیس متصرفات هلاند را در هندوستان و افریقا بتغلب میکیرد (ایطالیا) ویکتور آمدهٔ سیم بعد از بیست و سه سال سلطنت وفات نموده پسرش امانوئل چهارم بجای او بتخت سلطنت جلوس کرد (روس) هراکلیوس پادشاه کرجستان در تحت حمایت روس در می آید کاترین دویم امپراطریس روس در سن شصت و هفت سالکی بمرض سکته وفات میکند مدت سلطنت کاترین سی و پنجسال بوده است پسر او پول اول بجای مادر در سن چهل و دو سالکی بامپراطوری روس برقرار میکردد

سنه ۱۲۱۲ هجری سنه ۱۷۹۷ مسیحی

آسیا (ایران) روز دوم محرم اینسال خبر شهادت شاه شهید سعید آقا محمد شاه طاب ثراه در شیراز بحضرت مستطاب جهانبانی رسید و حامل خبر بابا یوسف شاطر بود که در پیاده روی بابا دعوی همقدمی داشت جلوس حضرت امجد اعظم بر تخت خاقانی و اریکه سلطنت در روز عید رمضان اینسال خیریت مآل است چنانکه ذکر خواهد شد ولی بزعم بعضی از مورخین در هجدهم محرم در شیراز سلطنت خود را اعلام و جلوس خود را باتمام تشریفات تاج کذاری فرمودند و احکام و فرامین بحکام ولایات و ایالات مرقوم و صادر کردید که در وقت معین بدار الخلافه طهران حاضر شوند بعد از آن نواب شاهزاده محمد علیمیرزا را بنیابت شیراز داده در اواخر ماه محرم موکب مسعود خاقانی از شیراز باصفهان نهضت فرمود روز بیستم ماه صفر بدار الخلافه طهران نزول اجلال فرمودند بعضی حرکت موکب خاقانی را از شیراز روز بیستم محرم و ورود بدار الخلافه را در چهارم صفر نوشته اند ولی روایت اول طرف اعتماد است چنانکه نواب والاحاجی معتمد الدوله در کتاب جام جم همینطور مرقوم و ضبط فرموده اند خلاصه در کناره کرج نواب حسینقلیخان و حاجی ابراهیمخان و سایر امرا بحضور همایون یافتند و نواب حسینقلیخان باوردن علیقلیخان عمو که سودای سلطنت در سر داشت مامور شد و علیقلیخان دو روز بعد از ورود بدار الخلافه از حلیه بصر عاری کردیده او را در باد فروش موقوف داشتند از اشخاصی که بعد از شهادت شاه سعید شهید بخیال خودسری و سربلندی افتاد صادقخان شقاقی بود بتفصیل آنکه قاتلین شاه جنت جایگاه پس از ارتکاب این شناعت اول کسی را که از این غائله هایله خبر کردند صادقخان شقاقی بود و او چون اینواقعه را باور نمینمود قاتلان بالین شهریار رضوان مکان شتافته جواهر کرانبها و لآلی و در راری ثمینهٔ مخصوص شخص سلطنت را برداشته نزد صادقخان آورده باو تسلیم کردند و او بیقین برهاجری نموده و تشعشع جواهر شاهوار و لآلی آبدار در دماغ او سودای سلطنت تولید کرد لهذا بی تامل از قلعهٔ پناه آباد بیرون آمد و مصمم عراق شد یعنی ابتدا بسراب آمده برادر خود جعفرقلیخان را بحکومت قراجه داغ مامور و برادر دیگر را که محمد علی سلطان نام داشت بدار و غکی تبریز فرستاد و خود بقزوین رانده این بلد را محاصره نمود چون اینجمله معروض آستان حضرت خاقان شد نواب حسینخان قاجار قزوینی تونلر آقاسی را مامور قزوین کردند و در این اوان محمد ولیخان قاجار که مامور حراست مشهد مقدس بود بدار الخلافه آمد و موکب

منصور شهریار عظیم الشان حضرت خاقان با عساکر فراوان متوجه قزوین شد صادقخان شقاقی نیز با بیست و
پنجهزار قشون آذربایجان در محل موسوم بخاک علی از حوم قزوین مهیای جدال شد پس از تلاقی دو لشکر و جنگ
سخت صادقخان شکستی فاحش یافت و ده هزار نفر از همراهان او مقتول و مجروح و دستگیر شدند و خود بطرف
سراب گریخت و این در اواسط ماه ربیع الاول بود پس از غلبهٔ عساکر منصوره حضرت خاقان شهر قزوین را بورود
مسعود مزین فرمودند و در اینجا چند تن از غلامان و دو نفر را که در قتل شاه شهید دخالتی داشتند براه عدم روانه نمودند
و چون نواب حسینقلیخان در جنگ با صادقخان جلادتی بکار برده بودند بحکمرانی ایالت فارس نایل گردیدند و رایات ظفر آیات
همایون متعاقب صادقخان روانه آذربایجان گردید بعد از ورود بزنجان معلوم شد که در آنحدود و سامان طاعون
بروز کرده این واقعه اسباب معاودت اردوی معلی بدار الخلافه گردید و در ماه جمادی الاخره اینسال موکب همایون
بطهران معاودت فرمود همدر این اوان محمدخان قوانلوی قاجار ایروانی را که چندی مغضوب بود بایروان مامور
فرمودند و اسمعیلخان قاجار شامبیاتی را بکوتوالی قلعهٔ مزبور فرستادند و جعفرقلیخان دنبلی حکومت خوی و تبریز یافت
و صادقخان شقاقی ربقه انقیاد را بگردن گرفته جواهرات سلطنت را بحضور موفور السرور خاقانی انفاذ داشت و بحکومت
سراب کما فی السابق مفتخر و نایل گردید و ابراهیم خلیلخان نیز کمر اطاعت بمیان بست و حسینقلیخان عز الدینلوی قاجار بحمل نعش شاه شهید
سعید نور الله مضجعه که در شوشی امانت گذاشته شده بود مامور گردید جسد مطهر آن شهریار عظیم الاقتدار را
بدار الخلافه آوردند هنگام ورود حضرت خاقان و جمیع شاهزادگان و امرا و اعیان و علما و معارف بالباس
سیاه تا یکمنزلی دار الخلافه نعش را استقبال کردند و در حضرت عبد العظیم امانت گذاشتند و شرایط فاتحه
خوانی و خیرات و مبرات کاملا بعمل آمد بعد از آن همراهی محمد علیخان قوانلوی قاجار و ابراهیمخان عز الدینلو و ملا مصطفی
قمشه و میرزا موسی منجمباشی گیلانی و جمعی قرا و سایر لوازم و تهیه تمام آن نعش شریف را بطرف عتبات عرش درجات
حرکت دادند و ولات و حکام عجم و عرب باستقبال شتافته احترامات و تعظیمات لایقه نمودند خلاصه روز بیستم
شهر رجب جسد مطهر شاه شهید در نجف اشرف در محلی خاص مدفون شد همدر اینسال یا تصدهزار تومان از
بقایای ولایات ممالک محروسه را تخفیف دادند و در روز عید رمضان اینسال که تحویل آفتاب از برج حوت بحمل نیز
در این روز اتفاق میافتاد حضرت خاقان بساعتی سعد و ستاره بختی کیانی و سریر جهانبانی جلوس فرمودند و تشریفات تاج
گذاری بوجه اکمل بعمل آمد و آنروز فی الحقیقه برای عموم اهالی ایران سه عید سعید بود عید رمضان و روز نوروز و جلوس
خاقان گیتی ستان و فتحعلیخان ملک الشعرا متخلص بصبا از اعاظم اهالی کاشان و فحول شعرای زمان قصیده فریده
در تهنیت جلوس همایون بعرض آستان مبارک رسانید که ماده تاریخ جلوس خاقانی را در آخر آن قصیده بدین نحو انشاد
کرده (ز بخت آقا محمدخان شد و بنشست باباخان) و نواب والاحاجی معتمد الدوله نیز لفظ با بار اسطوریکه خود نواب
معظم اختراع فرموده اند تاریخ قرار داده اند باین نحو که کلمه با با عبارت است از دو بای موحده و دو الف و چون هر یک نیز بقلب
باینشکل (ب ا ب ا) با ارقام هندسی مطابق شود عدد هزار و دویست و دوازده میشود که سال جلوس حضرت
خاقان کشورستانست همدر اینسال تقیخان یزدی در خدمت تعلل نموده محمد حسینخان برادر که حاجی ابراهیمخان شیرازی
نیز داری ابوه الاینه سرافراز شده بدانجا شتافته وجوه مالیات و سالیانه را بالوالهادیخان والد تقیخان گرفته بدار
الخلافه آوردند پس از چندی حکومت کرمان نیز بتقیخان مفوض گردید همدر این سال محمدخان زند که پس از استیصال و
انقراض زندیه در اطراف دربدر بود مفارقت صادقخان شقاقی موقعی بدست آورده با جمعی از انوار یا صفهان آمد

و از آنجا که حاجی محمد حسینخان بیگلربیگی اصفهان در دربار همایون بود رضاقلیخان از عهدهٔ دفع کردن محمدخان بر نیامد
و او بر اصفهان استیلا یافت و میرزا عبدالوهاب مستوفی اصفهانی را که دخیل در امور ولایتی بود اعلیحضرت خاقان مصطفیقلیخان
قاجار و حسینقلیخان دولو و مهرعلیخان داشلو و الهویردیخان عزالدینلو و حسینخان قاجار قزوینی را با لشکری بر سر محمد
خان زند فرستادند و عساکر منصوره محمدخان را مقهور و منهزم ساختند میرزا عبدالوهاب مستوفی را نیز از نور بصر
محروم و معزول ساختند و مقرر بود محمدعلیخان قاجار اصفهان را بجرم اطاعت محمدخان قتل کنند ولی بشفاعت علما و سادات
اهالی معفو گردیدند و یوسفخان بختیاری محمدخان زند را گرفته بآستان مبارک فرستاد و او بسزای خود رسید
روانهٔ دیار عدم گردید هم درین سال جعفرقلیخان دنبلی و صادقخان شقاقی با یکدیگر مخالفت کرده صادقخان بمغان
و شیروان گریخت و آخر الامر با هم دست موافقت داده محمدقلیخان افشار حاکم ارومی را نیز فریفته بنای خودسری را
گذاشتند حسینعلیخان افشار برادرزادهٔ محمدقلیخان از پیش عم خود گریخته بدربار گردون آثار آمد و واقعه را
بعرض رسانید و خود او با محمدعلیخان عرب بسطامی که یوزباشی غلامان بود باطفای نایرهٔ این فتنه مامور گردید
و محمدولیخان قاجار بدفع محمدخان زند بسیلاخور و بروجرد رفت و نواب امیرکبیر سلیمانخان قاجار مامور آذربایجان
شد هم درین سال محمود میرزا و فیروز میرزا پسران تیمورشاه بن احمدشاه افغان ابدالی حکمران کابل و قندهار از آفات
در افغانستان هراسان شده بآستان اعلیحضرت خاقان آمدند و سبب وحشت آنها این بود که شاه زمان برادر
کهتر شاهزاده همایون که ولیعهد تیمورشاه بود خروج نموده او را بگرفت و کور کرد و در بالاحصار کابل بند نهاد
این معنی سبب خوف و هراس محمود میرزا و فیروز میرزا شده بدربار اعلی روی نهادند اسمعیل آقای مکری نایب ایشیک
آقاسی باشی بمهمانداری آنها مامور و روانهٔ یزد شد و آنها را بطهران آورد چراغعلیخان نوائی که امیری نجیب
و دبیری فهمیده بود بمصاحبت ایشان و امیرزاده کامران میرزا ولد محمود میرزا مقرر و محکوم شد و بعدها
بتوقف آنها در کاشان اشارت رفت و اسدالله خان ولد ابراهیمخان اعتمادالدوله بمهمانداری آنها پرداخت
بشمول عمیم الطاف خاقانی گردیدند هم درین سال موکب اعلیحضرت خاقان گیتی‌ستان متوجه سلطانیه شد و روز هیجدهم
ذیحجه بدین ناحیه نزول اجلال فرمود و صادقخان شقاقی نواب امیرکبیر سلیمانخان قاجار را شفیع جرایم خود
قرار داده و جعفرقلیخان باکراد بایزیدی پناه برد و محمدقلیخان افشار ارومی پس از قلعه‌داری دستگیر گشت
هم درین سال محمدهادیخان والد رضاقلیخان امیرالشعراء متخلص بهدایت صاحب مؤلفات جلیله که بواسطهٔ
حدیث شاه شهید سعید انارالله برهانه بعتبات عالیات رفته بود بحکم اعلیحضرت خاقان کشورستان با اهل و
عیال بدارالخلافه معاودت کرد و در پیش سفینهٔ علم خلوت پادشاهی بر عهدهٔ او موکول شد و وفات آقا سید محمد
مهدی طباطبائی بروجردی مشهور ببحرالعلوم از اجلهٔ فضلا و مجتهدین در سن پنجاه و هفت سالگی کشته شدن
سید معصومعلیشاه دکنی از مشاهیر عرفا رحلت نورعلیشاه اصفهانی از عرفای معروف در موصل و وفات آقا
حسین رفیق شاعر اصفهانی اروپا اسپانیولیها که با فرانسه متحد میباشند با انگلیسها مشغول جنگ
هستند عساکر اطریش با قشون جمهوری فرانسه در ساحل رودخانهٔ رن زد و خورد میکنند فتوحات
ناپلیون بناپارت با جمعیت قلیل در ایطالیا که از آنجمله فتح ریولی و مانتو بود عساکر اطریش کلیةً از ایطالیا
خارج میشوند در مدت ده ماه سرداری ناپلیون بناپارت پنجاه هزار نفر قشون فرانسه علاوه بر غلبه بر
عساکر ایطالیا سه اردوی بزرگ معتبر اطریش را شکست دادند و ناپلیون با کمال رشادت بطرف وینه پایتخت

اطریش حرکت کرده و تا پانزده فرسخی این شهر تاخت و مقدمات صلح را مابین جمهوری فرانسه و دولت اطریش ترتیب
داد بنابراین بلژیک را دولت اطریش بفرانسه واگذار میکند و ایالت لمباردی را در ایطالیا تخلیه مینماید جزایر
یونیَن که از جمهوری وِنیز بود جزء فرانسه میشود مراجعت ناپلیون بناپارت مظفر و منصور بفرانسه
(انگلیس) بانک انگلیس بقدری بی اعتبار میشود که مدت بیست و دو سال وجه مسکوک برات دار نداده
فقط اسکناس میدهد (فرانسه) اغتشاش در وضع دولت تفتیش سلطنت طلبان با بُف نام که ایجاد طریقه
کمونیست کرده بحکم دولت مقتول میگردد فوت هُش از سردارهای معروف در سن بیست و نه سالگی (پروس)
فوت فردریک گیلیوم دویم پادشاه در سن پنجاه و سه سالگی و جلوس فردریک گیلیوم سیم پسرش بجای او
(عثمانی) عساکر عثمانی بوضع و طرز قشون فرانسه ملبس شده مشق میکنند ایجاد مطبعه در اسلامبول حاکم سربستان
بدولت یاغی شده شکست سختی بعساکر عثمانی میدهد و با شرایط مفیده برای سربستان مجدداً اطاعت مینماید
امریکا (اتازونی) واشنگتن از ریاست جمهوری خلع و ژن آدامس بجای او منصوب و برقرار میگردد

سنه ۱۷۹۸ مسیحی
سنه ۱۲۱۳ هجری

آسیا (ایران) در ششم محرم این سال موکب همایون خاقان کشورستان بظاهر شهر ارومی نزول اجلال
فرموده بنظم آن صفحات پرداختند و در هفدهم محرم رایت عزیمت بجانب خوی و سلماس افراشتند و حسینخان
برادر جعفر قلیخان دنبلی خدمات نموده مورد مرحمت گردید بدهمدرا این سال حسینقلیخان برادر اعلیحضرت خاقان با وجود
رعایت مخصوص که از او فرموده بودند یعنی حکومت فارس را که بشاهزاده محمد علی میرزا تفویض شده بود باو عنایت
کرده بودند باز براه نفاق میرفت و سودای سلطنت در سر داشت و بدین جهت میرزا نصرالله علی آبادی مازندرانی را که در
عهد شاه شهید سعید بوزارت حضرت خاقانی برقرار بود و در اینوقت از جانب اعلیحضرت همایون وزارت و
پیشکاری فارس داشت با آقا محمد زمان که کلانتر فارس و برادر حاجی ابراهیمخان اعتماد الدوله بود و میرزا اسمعیل
کوتوال قلعه شیراز را گرفته کور کرد و جمعی را بگرفتن جان محمد خان قاجار سردار لار فرستاد و او بطرف کاشان
گریخت و حسینعلیخان برادر او شتافته اما باو نرسید لهذا در آباده توقف کرده رستمخان بیات را بمحافظت شیراز
روانه نمود و بنده را بمیرزا علی کرابلی سپرد که باین دخواسته برد و خود باصفهان راند حاجی محمد حسینخان بیگلربیگی
اصفهان قبل از ورود او عیال و پسر بزرگش عبدالله خان را بیزد روانه کرد و خود با محمد علیخان قاجار در خارج
اصفهان نشست و این خبر وقتی بملازمان حضرت همایون رسید که از ظاهر خوی حرکت کرده عازم شیروان و داغستان
بودند بنابراین نواب امیر کبیر سلیمانخان اعتضاد الدوله را مامور آذربایجان نموده و موکب معلی بطرف عراق
عطف عنان فرمود و در منزل ارونق تبریز محمد خان زند را مقیداً بحضور مبارک آوردند و بموجب امر اعلی از حلیه
بصر عاطل نمودند و او بجالشکوردی و کدائی ببصره رفت و در آنجا در گذشت و در منزل میانج ابو الفتح خان ولد
ابراهیم خلیل خان شرفیاب آستان همایون شد و از نواب امیر کبیر سلیمانخان اعتضاد الدوله سعایتی نمود در چمن جوانشیرم
سلطانیه بملا علی اصغر هزار جریبی ملا باشی حکم فرمودند شاهزادگان عظام نواب عباس میرزا و محمد تقی میرزا و حسینعلی
میرزا در هر منزل از منازل عراق که باشد باستقبال حضور مبارک نایل سازد بنابراین در منزل درجزین شاهزادگان
معظم شرفیاب حضور حضرت خاقان اعظم گردیدند و پس از توجهات شاهانه راه دار الخلافه پیش گرفتند اما
حسینقلیخان بکراز و فراهان آمده ولیخان قاجار که در توقف بعراق معتذر بلنگی شده بود بوی پیوست و موکب

معلی روزی چند در منزل ساروق فراهان اقامت فرمود و در این وقت مهد علیا والده خاقان کشورستان باصلاح
ذات البین در رسیدند اما صلحی نبخشید و در بیست و هشتم شهر صفر در صحرای کره مستعد مقاتله شدند ملازمان
حضرت خاقان محض ملاحظه رعایت برادری میرزا موسی منجمباشی را نزد حسینقلیخان فرستادند که او را نصیحت نماید
حسینقلیخان از نصایح میرزا موسی که فرمایشهای خاقان کشورستان بود شرمنده شده برکاب اعلی آمد و میدان
رزم بایوان بزم مبدل گردید و ولیخان قاجار که محرک او بود سیاست شد لشکر حسینقلیخان بمعسکر همایون آمدند
و محمد علیخان قوانلو سرداری فارس یافت نوروزخان عزالدینلو ایشیک آقاسی باشی بسالاری کوهکیلویه سرافراز و
حسینقلیخان دولو بسپهداری کرمان مفتخر گشت و موکب مسعود خاقانی در ماه ربیع الاول بدار الخلافه باهره نزول
اجلال فرمود و نواب امیر کبیر سلیمانخان اعتضاد الدوله که بعضی از نزدیکان او محرک وی شده که اگر در عراق فتنه برپا
شود او نیز بتسخیر دار الخلافه آید چون دانست که موکب خاقانی با تاییدات یزدانی وارد دار الخلافه شده ترک هوا و
سودا نمود و علی همت خان کلیائی و پسرش حسین وخان بابای زنگنه که او را تحریک میکردند خود نواب معظم آنها را گرفته
مقیدا باستان مبارک فرستاد و خود از راه باصطبل پادشاهی پناه برده معفو گردید علی همت خان کلیائی و پسرش براه
عدم رفتند و خانبابای زنگنه و عبد الله خان اوصانلو دیده در راه بی بصری گذاشتند هم در این سال محمود میرزای افغان
که پناه باستان مبارک آورده و در کاشان میزیست عازم هرات و کابل شد و حکم همایون شرف صدور یافت که امیر حسینخان
عرب حاکم طبس و میر علیخان حاکم قاینات بمعاونت و امداد او روند هم در اینسال اسحق میرزا ابن حیدر میرزا ابن شاه اسمعیل
که از احفاد خلیفه سلطان مازندرانی داماد شاه عباس ثانی که دو سال در دماوند محبوس بود و بتوسط اشرفخان
دماوندی مستخلص شده باصفهان رفت و اسحق میرزا آن کسی است که کریمخان زند باسم وی مملکت ستانی مینمود و در غائله
هایله شاه شهید سعید الوار بختیاری نیز او را دست آویز کرده باین بهانه راه زنی و تاخت و تاراج میکردند و بدین
منوال ملعبه رجال بود لهذا او را حبس کرده بودند هم در اینسال جعفر قلیخان دنبلی که در میان اکراد بزیلبی بود جمعی را
با خود متفق ساخته بخوی و سلماس آمده برادر خود حسینخان را محصور نمود حضرت همایون ابراهیمخان قاجار
دولو را بدفع او مامور فرموده پس از زد و خورد جعفر قلیخان مغلوب و لشکریان او برخی دستگیر و بعضی مقتول گردیدند
و ابراهیمخان بتوقف تبریز مامور شد و چندی نگذشت که حسینخان در گذشت و جعفر قلیخان بخوی آمده با اولیای دولت
علیه متوسل شده حکومت خوی و آن نواحی یافت هم در این سال زیاده از صد هزار تومان نذورات حضرت خاقانی بعتبات
عالیات یعنی نجف اشرف و کربلای معلی و کاظمین علیهم السلام و حضرت معصومه و میر احمد بن موسی مشهور بشاه چراغ
اهدا و ارسال داشتند هم در اینسال بامر اعلی شروع بساختن قصر قاجار در حوالی طهران نمودند و حسینقلیخان
بایالت ولایت سمنان برقرار گشت و چون بان ولایت قناعت نداشت بحکومت کاشان منصوب گردید و شاهزاده
محمد تقی میرزا بمصاحبت وی روانه آن ولایت شد و حکومت سمنان بنواب شاهزاده محمد ولی میرزا مفوض آمد و حکمرانی
قزوین را بنواب شاهزاده محمد علی میرزا مرحمت فرمودند و از آنجا که حضرت شاهزاده معظم عباس میرزا بموجب وصیت
و امر شاه شهید سعید نور الله مضجعه بپایه ولایتعهد دولت جاوید عدت برقرار کردند بخفتان و خنجر و شمشیر
مرصع و خلعت آفتاب طلعت همایون مخلع و بادشیه ولیعهدی و نیابت سلطنت بحکمرانی آذربایجان منصوب گردیدند
و باتابکی نواب امیر کبیر اعتضاد الدوله سلیمانخان قاجار و با پانزده هزار سوار جرار روی بمهم حکمرانی نهادند
و میرزا عیسی فراهانی مشهور بمیرزا بزرگ از سادات کرام که آبا و اجدادش پیشه وزارت داشتند بوزارت خاصه

حضرت

حضرت ولیعهد نایب السلطنه اختصاص یافت و ملازم خدمت ایشان گردید و ابراهیم خان قاجار سردار که در تبریز بود بمتابعت و اطاعت حضرت شاهزاده مامور آمد و بعضی ولایت عهد حضرت شاهزاده معظم و تشریف فرمائی بآذربایجان را از حوادث اوایل سال هزار و دویست و چهارده دانسته‌اند خلاصه مقارن این احوال نواب ابراهیم خان بن مهدیقلیخان بنی عم و داماد اعلیحضرت خاقان کشورستان با جمعی از عساکر ظفر مآثر مامور بتوقف چمن کندمان و حراست عراق و فارس گردید همدرا این اوان محمد آقای دیوان افندی از جانب سلیمان پاشا والی بغداد با هدایا و عرایض باستان اعلی آمد همدرا اینسال موکب همایون بقصد قلع و قمع نادر میرزا ابن شاهرخ میرزا و تصفیه خراسان متوجه آنسامان گردید و مقرر شد حسینقلیخان که در کاشان متوقف بود برکاب مبارک بپیوندد پس از آن در چمن فیروزکوه اعلیحضرت خاقان سپاه منصور را سان دیدند و حسینقلیخان بسبب عارضه نقاهتی در دارالمرز بماند و جانمحمد خان دولو برسم منقلای بطرف خراسان روان شد و اردوی همایون نیز از راه جاجرم و اسفراین بطرف مقصد انتهاض فرمود و صادقخان شقاقی و حسینخان قوللر آقاسی بتسخیر چناران و تنبیه ممش خان مامور و روانه گشتند و موکب معلی بناحیه نیشابور ورود کرد و علیقلیخان پسر جعفرخان بیات حاکم نیشابور که پدرش ملتزم رکاب مبارک بود بحضور همایون مشرف نشد و بتهیه انجام خدمات بشهر رفته و چون حکم شد جز ایرچیان ببرج و باره شهر جای گیرند این فقره اسباب توهم علیقلیخان شده بنای مخالفت را گذاشت حسینقلی بیک از بنی اعمام جعفرخان باردوی پادشاهی آمده مشمول مرحمت گردید جعفرخان باستمالت پسر خود بشهر رفته ولی او نیز عصیان ورزید بنابراین پسر دیگر جعفرخان که در اردو بود بنیابت دچار آمد و حکم بیورش و محاصره قلعه دادند آخر الامر بتوسط شفعا اهالی معفو گردیدند و جعفرخان نیز مجددا متقلد خدمت گردید و حسینقلیخان عمزاده او بنیابت ولایت نیشابور یافت همدرا این اوان صادقخان شقاقی و حسینخان قاجار قزوینی که مامور تنبیه یا استمالت ممش خان گردیده بودند صادقخان بر حسینخان سبقت گرفته با ممش خان ملاقات نمود و او را باطاعت نادر میرزا تحریض کرد چنانکه از مضمون عریضه او این فقره مفهوم میشد اعلیحضرت خاقان این نکته را تفرس فرموده ولی در قلب مبارک پنهان داشتند و حکم شد صادقخان بجانمحمد خان ملحق شود و بمحاصره مشهد مقدس بپردازند نگارنده گوید بعضی از مورخین توجه موکب خاقانی را بخراسان نیز از وقایع سال هزار و دویست و چهارده شمرده ولی بعد از تصفح مسطورات مختلفه معلوم میشود که در اواخر اینسال رایت ظفر آیت پادشاهی بعزم تصفیه خراسان باهتزاز در آمده اما سوانح عمده اینسفر و محاصره مشهد مقدس از حوادث سال هزار و دویست و چهارده میباشد انتهی

وفات میرزا ابوالقاسم جابلقی مشهور بقمی اعلی الله مقامه از اجله علما و وفات آقا سید علی طباطبائی مجتهد و عالم معروف

(ترکستان) در اینسال ایلتزرخان خوارزمی ابن محمد امین ایناق ابن فاضل اینال ابن ابو الغازی بیک ابن اسفندیار ابن عرب محمد سلطان ابن حاجم خان بخارا یورش برد و جمعی را اسیر و دستگیر کرد اما در هنگام عبور از رود آمویه یعنی جیحون غرق و هلاک شد مدت ملکش در خوارزم تقریبا دو سال بوده بعد از ان پسرش محمد رحیمخان توره بجای او برقرار گشت (اروپا) در شهر رم پای تخت ایطالیا مردم بر ضد پاپ شوریده اعلان جمهوری مینمایند پی ششم پاپ که هشتاد سال داشت از شهر رم اخراج میشود شورش در سویس و اعلان جمهوری سویس مصمم شدن دولت فرانسه برای فرستادن قشون بمصر بقصد خلل رسانیدن بتجارت انگلیس تالیراند وزیر خارجه جمهوری بسفارت باسلامبول روانه میشود عساکر فرانسه بسرداری ژنرال ناپلیون بناپارت عزیمت مصر مینمایند و ناپلیون جمعی از علما و حکما و نقاشان

فرنك را

فرنک را با خود بمصر میبرد و بعد از حرکت از بندر تولن بطرف مصر جزیرهٔ مالت متصرف میشود و ورود ناپلیون به بندر
اسکندریه و حرکت کردن او بسمت قاهره جنک معروف بجنک کبند هرمان غلبهٔ ناپلیون بر قشون مصری که در تحت سرداری
مراد بیک بودند و فتح قاهره نلسن امیر البحر انکلیس سفاین فرانسه را در بندر ابوقیر میشکند دولت عثمانی بتحریک
انکلیس بفرانسه اعلان جنک مینماید ژنرال بناپارت تمام مصر را متصرف میشود اتحاد و اتفاق دولتین روس و انکلیس بر ضد
فرانسه باغوای انکلیس و بود عساکر فرانسه در ثانی نجاک ایطالیا اتحاد روس و عثمانی بر ضد فرانسه و آمدن ایلدو و از عساکر
روس بامداد معاندین فرانسه بایطالیا (انکلیس) شورش در ارلند و اعلان جمهوری در آنجا (فرانسه) ایجاد مدرسه
حرف و صنایع مستظرفه از قبیل نقاشی و موسیقی و غیره ایجاد اکسپوزیسیون صنایع در پاریس (روس) جلوس
آخر پادشاه کرجستان هراکلیوس در زیر حمایت روس (امریکا) (هایتی) در جزیرهٔ هایتی در دریای محیط پاسیفیک
توسنت نام بر هبیا پوستان ریاست کرده تمام مهاجرین فرانسه را که در آنجا بودند بیرون میکند

سنه ۱۲۱۴ هجری
سنه ۱۷۹۹ مسیحی

آسیا (ایران) در اوایل اینسال اردوی کیوان شکوه خاقانی بدور مشهد مقدس بود و عساکر منصوره شهر را در بند
محاصره داشتند و بملاحظهٔ احترام مشهد و مرقد مطهر امام ثامن حضرت ثامن علیه السلام چندان بخرابی نمیکوشیدند
ومع ذلک کار بر محصورین سخت شده و چار غلاکرده بودند نادر میرزا اظهار ضراعت و اطاعت نمود و فرزند دلکی از بنات
خود را در حبالهٔ نکاح یکی از شاهزادکان اولاد امجاد خاقان در آورد و مناقرت بیک بموافقت کرده بنابراین ضراعت
و رعایت حرمتی که ذکر نمودیم در پانزدهم ماه ربیع الاول اینسال موکب منصور اعلیحضرت خاقان کشورستان فتحعلیشاه
از محاصره شهر مشهد دست کشیده بمنزل چناران آمد و امیر کونه خان کرد زعفرانلو حاکم خبوشان رخصت معاودت
بمحل حکمرانی خود یافت و میرزا محمد شفیع مازندرانی وزیر با او همراه شد که صبیهٔ او را که نامزد شاهزاده حسنعلی میرزا بود
بدار معلی آورد و جعفرخان بیات حاکم نیشابور دیزه مخلع و روانه نیشابور شد و در چمن بسطام نواب حسینقلیخان
که تسبیب تقاعد از التزام رکاب معاف شده بود صحیح و سالم بحضور همایون تشرف جست بعد از آن عزیمت دامغان فرمودند
و بسر واغ و قوا هالی حرم جلالت را با مهدیقلیخان قاجار و میرزا محمد شفیع مازندرانی وزیر روانه دار الخلافه نمود
موکب معلی در چمن علی بولاغی بشکار مایل کردید و اله ارجمند و نوایش کرفت و در فیروزکوه نیز شکاری شایسته
اتفاق افتاد و در اواسط ربیع الثانی دار الخلافه بقدوم مبارک خاقانی مزین آمد هم در این سال در ماه محرم
حضرت ولیعهد نایب السلطنه عباس میرزا وارد تبریز شدند و بعد از ورود جعفرقلیخان دنبلی حاکم خوی را احضار کردند
مشار الیه باطاعت مبادرت ننمود لهذا حضرت والا بقصد تنبیه او بسلماس توجه فرمودند و بطرف قارص و بایزید کریخت
و پناه باکراد برد و پانزده هزار نفر فراهم آورد و عزم رزم حضرت شاهزادهٔ معظم کرد ولی ملازمان حضرت قبل از وصول
او بقلعه هود که جایکاه نقابین اخاپر نجانر جعفرقلیخان بود یورش برده قلعه را مسخر و اموال او را کلیته متصرف
کردیدند مردان قلعه مقتول و نسوان و صبیان دستکیر عساکر نصرت اقتران کردیدند جعفرقلیخان این خبر را شنیده
دیوانه وار بمقابله لشکر شاهزادهٔ کامکار با اقتدار شتافت و در قریهٔ سوغانجوق در هفتم ربیع الثانی فریقین
تلاقی نمودند پس از کوشش بسیار جعفرقلیخان چاره جز فرار ندید و آخر الامر با تاسف و پریشانی بخاک عثمانی رفت و در قلعه
ماکو لاکن از قلاع چخور سعد است پناه باکراد بایزیدی برد و حضرت اسعد والا ولیعهد بخوی ورود فرمودند و برحسب امر اعلی
وحکم والا محمودخان دنبلی نوادهٔ شهبازخان دنبلی بحکمرانی خوی و سلماس برقرار شد و سرداری این صفحات را

به پیر قلیخان شاملو بیانی داده‌اند و بتبریز مراجعت فرمودند و صبیهٔ ابراهیم خلیل خان حاکم قراباغ را که حسب المقرر می‌بایست داخل در خدام حرم سلطنت کرده از شوشی روانهٔ دار الخلافه کردند همدر این سال محمود میرزای افغان که با میر حسن خان طبسی و میر علم خان قاینی متوجه هرات کردیده بود و قصد مقاتله شاه زمان و قصد تسخیر کابل و قندهار داشت قیصر میرزا او را شکست داده منهزماً بهرات بازگشت و در دور هرات نیز افاغنه اردوی او را غارت کردند ناچار بایران آمد و عرض حال داعر بضهٔ بدربار خاقان بیهمال انفاذ داشته مقرر شد باصفهان آید و معزز اذرا بیشهر اقامت نماید تا موقع تقویت وی رسد همدر این سال صبیهٔ امیر گونه خان در حبالهٔ نکاح نواب شاهزاده حسنعلی میرزا در آمد و در پانزدهم ماه جمادی الاخره باین سور پرداختند و زیاده از صد هزار تومان مخارج این عیش شد همدر این سال مهدی علیخان ملقب ببهادر جنگ از جانب حکومت هندوستان انگلیس با تحف و هدایا بدربار معلی آمده سلطنت اعلیحضرت خاقان کشور ستان را تهنیت و تبریک بگفت نیز فرستادهٔ تیپو صاحب پادشاه دکن با سه زنجیر فیل و چند قفس مرغهای غریبه مطبوع و اکلیلی مرصع بجواهر بدار الخلافه باهره آمده هدایای خود را تقدیم حضور مبارک نموده مورد تفقدات ملوکانه کردیده با جوایز لایق و انعامی شایان مراجعت کرد همدر این سال حکمرانی مازندران بنواب شاهزاده محمد قلیمیرزا مفوض شد و فرمانفرمائی فارس را بنواب شاهزاده حسینعلی میرزا دادند و میرزا نصر الله علی آبادی که نواب حسینقلی خان او را از نور بصر محروم ساخته بود بوزارت مازندران و پیشکاری نواب شاهزاده محمد قلیمیرزا برقرار کردید و چراغعلی خان نوائی مازندرانی نیز به پیشکاری فارس مفتخر گشت همدر این سال حضرت امجد نایب السلطنه ولیعهد از آذربایجان بدار الخلافه آمده شرفیاب حضور اعلیحضرت خاقان کشورستان کردیدند و پس از چندی بآذربایجان معاودت فرمودند و نواب امیر کبیر سلیمانخان اعتضاد الدوله و رضا قلیخان و ابراهیمخان قاجار همراهی آنحضرت مامور کردیدند همدر این سال اللهقلیخان قلیچی که براه خودسری میرفت عریضهٔ مشتمل بر اظهار اطاعت و انقیاد بدربار معلی انفاذ داشت و مصمم کردید که صبیهٔ خود را بخدمت خدام حرم جلالت فرستد و میرزا اسد الله مستوفی نوری بانجام این خدمت منتخب گشت همدر این سال عساکر منصوره از اطراف برکاب همایون احضار شدند همراه اطاعت نمودند مگر دستجات شقاقی که بتسویلات صادقخان شقاقی تقاعد و تخلف کردند و چون پیش از این خلاف و نفاق صادقخان معلوم شده بود مغضوب و مورد سخط اعلیحضرت خاقانی کردیده او را در خانهٔ تنگ موقوف و محبوس داشتند تا از گرسنگی راه دیار عدم پیش گرفت و محمد علیخان برادرش بسرکردگی شقاقی برقرار آمد و برادر دیگرش ساروخان بوزیش بصفیکی طایفه مزبوره سرافراز گشت و پسرش در سلک پیساولان حضور منسلک کردید همدر این سال نواب حیدر قلیمیرزا از بطن صبیهٔ نواب مرتضی قلیخان قاجار عم اعلیحضرت خاقان کشورستان متولد کردیدند همدر این سال نواب محمود میرزا قدم بعرصهٔ عالم نهاد وفات حاجی عبد الوهاب نائینی از مشایخ و کملین عرفا در سن نود و شش سالگی وفات آقا محمد علی اصفهانی متخلص بشید اوفات مهکبیلی شاعر شقاقی (هندوستان) تیپو صاحب بواسطهٔ نرسیدن امداد فرانسه با و مغلوب انگلیس میشود و بعد از هفده سال سلطنت مقتول میگردد و مملکت میسور هند را انگلیس تصرف مینماید اردوی با عساکر متحده روس و عثمانی جزیرهٔ کرفو از جزایر یونین را از فرانسه منتزع میسازد اعلان جنگ فرانسه با طریش بعد از یکسال و نیم صلح دول انگلیس و اطریش و المان ناپل و پرتوغال و روس و عثمانی بر ضد جمهوری فرانسه متحد میباشند شکست عساکر فرانسه در دو سه نقطه از قشون اطریش سوارف سردار روس در ایطالیا فرمانده عساکر متحده روس و اطریش است که بر ضد فرانسه میباشند قشون فرانسه چند بن مرتبه از قشون روس شکست میخورند

حاشیه

ماسنا سردار دیگر فرانسه در سویس فتوحات میکند و با سوارف سردار روس ملاقی نموده او را نیز شکست میدهد
بعد از این شکست امپراطور روس عساکر خود را احضار میکند در هولاند کشتیهای جنگی روس و انکلیس از سفاین جنگی
فرانسه شکست خورده نه هزار نفر از قشون روس بدست سردار فرانسه اسیر میشوند ناپلیون از مصر بشام حرکت
میکند و بندر یافا (یافه) را متصرف میشود و عکه را محاصره نموده بدون نیل مقصود بمصر مراجعت مینماید و از آنجا که اخبار
که از فرانسه باو میرسد مساعد با خیالات و ترقیات نیست که در خاطر دارد ریاست عساکر فرانسه را در مصر به کلیبر
واگذاشته خود بسمت فرانسه روانه میشود (فرانسه) انقلاب و اغتشاش شدید در پاریس و سایر بلاد فرانسه
ورود ناپلیون بناپارت انجاک فرانسه و پذیرفتن او را با نهایت شعف بمحض ورود بناپارت بپاریس ریاست قشون
پاریس باو تفویض میشود و اندک اندک در خیال و صدد ریاست کل است مجلس وکلا برضد ناپلیون بناپارت میباشند
ولی بناپارت با قشون مسلح وارد مجلس میکنند و باوجود آنکه او را نهایت تهدید مینمایند غلبه بر وکلا میکند و وضع
دولت را تغییر میدهد و از این بعد دولت فرانسه بوضع کنسولا میباشد و ناپلیون بناپارت رئیس دولت است
تبیین آنکه ریاست دولت بسه نفر کنسول مقرر است ناپلیون کنسول اول است که مباشر شهر و امورات دو کنسول
دیگر او را معاون خواهند بود و در قصر سلطنت تویلری منزل خواهند کرد ایجاد روزنامه (ایطالیا) فوت پی
ششم پاپ (روس) فوت ژرژ یازدهم پادشاه گرجستان که بعد از فوت او گرجستان استقلال در تحت تصرف روس
درآمد امریکا (اتازونی) فوت واشنگتن معروف

سنه ۱۲۱۵ هجری — سنه ۱۸۰۰ مسیحی

آسیا (ایران) در این سال موکب اعلیحضرت خاقان کشورستان فتحعلیشاه مصمم تسخیر سبزوار و نیشابور گردید
تبیین آنکه اللهیارخان سبزواری قلیچی که پیش از این عریضه ضراعت بدربار گردون مدار عرض کرده و بعرض رسانیده
بود که صبیه خود را بخدمت خدام حرم جلال خواهد فرستاد و میرزا اسدالله مستوفی نوری بانجام این خدمت مامور گردید
بعد از وصول میرزا اسدالله بسبزوار اللهیارخان پشیمان شده بنای عصیان گذاشت ابراهیم خان قاجار عمزاده
خاقان کامکار با مهدیقلیخان دولو و حسینخان قاجار قزوینی و ده هزار سوار و پیاده بمحاصره آن قلعه
روانه شدند و با میرگونه خان زعفرانلو حاکم خبوشان و ابراهیمخان شادلو حکمران اسفراین نیز حکم شد که با ابراهیمخان
بپیوندند و موکب منصور خاقانی نیز اشخاص فرموده در چمن نمکه بنجروز بسان سپاه ظفر همراه پرداختند و در پنجم محرم اینسال
خارج قلعه مزینان مضرب خیام سپهر احتشام گردید و نواب حسینقلیخان برادر کهتر خاقان بمحاصره سبزوار مامور آمد
اهالی مزینان که از متحدات اللهیارخان قلیچی بود خودداری نموده لشکر نصرت اثر یورش بردند حصاریان مقهور و اموال ایشان
منهوب شده از در استیمان درآمدند آقاخان ولد مصطفی خان عمزاده خاقان کشورستان جداگانه نکارنده بحراست
قلعه محکوم گردید و موکب همایون خاقانی تشریف فرمای حوالی سبزوار شد و از آنجا که جعفرخان بیات باز براه
خلاف رفته بود حکم همایون شرف صدور یافت که نواب حسینقلیخان بمحاصره نیشابور و تنبیه جعفرخان روانه شود
اما اللهیارخان قلیچی که موکب ظفر کوکب را نزدیک دید هر طرف چاره را بسته دید میرزا اسدالله مستوفی را واسطه
قرار داده و صبیه خود را با او باردوی معلی فرستاد و جعفرخان نیز اظهار ندامت نمود ولی عساکر ظفر نمون بنهب و
تخریب نواحی سبزوار و نیشابور مشغول شدند مقارن اینحال علی پسر باز خان فرستاده شاه زمان افغان با نامه و
هدایای بیکران بآستان مبارک آمده شاه زمان بشفاعت جعفرخان و اللهیارخان پرداخته معاودت

موکب ظفر کوکب خاقانی را درخواست کرده و اظهار داشته که بعد از بازگشت قشون نصرت نمون جعفرخان و اللهیارخان
بحضور همایون مشرف خواهند شد ملازمان آستان پادشاهی حسب المصلحه تمنیات و مسئولات شاه زمان را قبول فرمودند
و محمود میرزا ولد تیمور شاه که در این سفر ملتزم رکاب اعلی بود با برادر و پسر خود فیروز و کامران عازم قندهار و کابل شد
احکام بامرا و حکام خراسان شرف صدور یافت که رعایت جانب او را منظور دارند و موکب خاقانی بطرف دار الخلافه عطف
عنان فرمود نواب حسینقلی خان در اسفراین و ابراهیم خان عمو اوغلی در نزدیکی آق قلعه باردوی معلی پیوستند آقاخان قاجار
از ینکی قلعه مزینان احضار شد و ابراهیم خان عرب با دسته عرب و عجم مامور محافظت آن نواحی و حدود گردیدند و موکب
اعلی بچمن کالپوش نزول اجلال فرموده مدت پانزده روز در آنجا اقامت کردند پس از آن آنجا ببسطام و دامغان و علی بولاغ
توجه فرموده قشون فارس و عراق مرخص شدند و موکب همایون از راه چشمه علی دامغان بسمنان تشریف فرما گردیدند

علی بولاغ مقصود چشمه علی دامغانست

مدت پنج شبانه روز در اینجا بعیش و سرور و عروسی نواب محمد ولی میرزا والی سمنان مشغول بودند آنگاه بطرف دار الخلافه
نهضت فرموده در چهاردهم ماه ربیع الثانی شهر طهران از مقدم مبارک اعلیحضرت خاقان کشورستان رشک روضه رضوان
گردید بعد از انتظام امور ممالک محروسه عزیمت تمشیت گیلان فرمودند و در قزوین صبیه احمدخان مراغه را در سلک ازدواج
نواب شاهزاده محمد علی میرزا حاکم قزوین در آوردند و نواب ابراهیم خان عمزاده خاقان کشورستان بنظم ولایت گیلان رفته
لهذا موکب همایون بدار الخلافه معاودت فرمود هم در این اوان نواب شاهزاده عباس میرزا نایب السلطنه ولیعهد دولت
علیه بحضور مبارک آمده مورد توجهات کامله گردید هم در این سال سرجان ملکم از جانب حکومت هندوستان انگلیس با
نامه مودت ختامه و هدایای لایقه وارد بندر بوشهر گردید و فتحعلی خان نوری بمهمانداری او رفت بعد از ورود بدار
الخلافه در سرای حاجی ابراهیم خان منزل یافت و لوازم احترامات او بعمل آمد و قرار اتحاد دولتین ایران و انگلیس بشروطی
معین با او داده شد و حاجی خلیل خان قزوینی با جواب نامه مهر علامه که سرجان ملکم حامل بود باتفاق او مامور بسفارت
شد اما اللهیارخان قلیچی و جعفرخان بیات چون بعد از شفاعت شاه زمان باز خلاف قرارداد کردند و بتقبیل عتبه
علیه مبادرت ننمودند نواب ظهیر الدوله ابراهیم خان عمزاده خاقان کشورستان با بیست هزار نفر بمحاصره
سبزوار مامور و مقرر شد محمدخان و ابراهیم خان دولو و پیرقلیخان شامبیاتی و حسینخان قاجار قزوینی با آن سردار
باتفاق همراهی کنند و نواب امیر کبیر اعتضاد الدوله سلیمانخان قاجار با پانزده هزار سوار مامور نیشابور گردید
و بخوانین خراسان احکام قضا نظام شرف صدور یافت که بمعاونت و معاضدت نواب ظهیر الدوله و نواب اعتضاد الدوله
کمر خدمت بر میان بندند و مهدیقلیخان دولوی قاجار سردار آذربایجان و توقف در قلعه خوی محکوم گشت و
محمد صادق خان دنبلی ابا النحوی یافت و محمود خان دنبلی بآستان اعلی آمده بامارت سپاه و الکای خوی برقرار آمد
هم در این سال چون برادران و پسران حاجی ابراهیم خان اعتماد الدوله هر یک در ناحیه حکمرانی داشتند و ملازمان
حضرت گردون بسطت همایون نفرت خاطر از آنها فرموده مقرر شد همه را در یک روز معین گرفته تنبیه نمایند و چنین
کردند و خود حاجی ابراهیم خان نیز معزول و چندی در قزوین و طالقان محبوس تا درگذشت و میرزا محمد شفیع بندپی
مازندرانی اصفهانی الاصل بوزارت اعظم نایل آمد ولادت رضاقلیخان معروف بلله باشی که متخلص بهدایت
و امیر الشعراء و صاحب مصنفات جلیله مشهوره و از امرای بزرگ میگردد و وفات میرزا محمد تقی کرمانی ملقب بمظفر
علیشاه از عرفای مشهور و علمای معروف و صاحب دیوان مشتاقیه و بحر الاسرار و خلاصة العلوم و کبریت احمر و
رساله جامع البحار در کرمانشهان و مدفون شدن او در بیرون دروازه مشرقی این شهر که موسوم بدروازه اصفهانست

اروپا بعد از مراجعت ناپلیون از مصر بفرانسه وضع قشون فرانسه در مصر مختل میگردد جنگهای کلیبر سردار فرانسه
در مصر با عساکر عثمانی و تعاقب نمودن آنها را تا سرحد شام اهالی شهر قاهره که در غیاب کلیبر بر فرانسه شوریده
بودند پس از مراجعت این سردار باینشهر را متصرف میشود یکی از مسلمانان متعصب کلیبر را در قاهره مقتول میسازد در رو
سردار قشون فرانسه از رودخانه رن عبور کرده با قشون اطریش برابر میشود و آنها را شکست میدهد ملاس سردار
اطریش که با صد و سی هزار نفر از ایطالیا گذشته و بر پیش آمده که با قشون فرانسه مقابلی کند ناپلیون با چهل هزار لشکر
در ظرف چهل روز با او برابری نموده از کوه آلپ گذشته ملاس را شکست داده تمام ایطالیا را مسخر میسازد و در مارانگ
نیز شکست سختی بعساکر اطریش میدهد مراجعت ناپلیون بفرانسه مظفر و منصور انگلیس بر ضد فرانسه با اطریش تجدید عهد
کرده آلات و ادوات جنگ و پول باو میدهد مورو از طرف ناپلیون مامور بسمت وینه میباشد و جنگ سختی با قشون اطریش کرده
تلحوالی وینه میرود اطریش استیمنا لااز جمهوری فرانسه طلب صلح مینماید انگلیسها جزیره مالت را از فرانسه ها میطلبند
ناپلیون این جزیره را به پل اول امپراطور روس میبخشد انگلیس این بخشش را معقول ندانسته و خود میخواهد مالت را متصرف
شود امپراطور روس چشم از دوستی انگلیس پوشیده دول سود و دانمارک و پروس را با خود متفق ساخته بر ضد انگلیس
با فرانسه متحد میشود و ایلچی کبیری بپاریس میفرستد (انگلیس) ارلند پارلمنت مخصوصی ندارد و وکلای خود را بپارلمنت لندن میفرستند
بلاد غربی میسور در هند بتصرف انگلیس در می آید (فرانسه) دولت جمهوری بریاست ناپلیون بر ضد فتنه انگیز است یکی از
خواهرهای ناپلیون در حباله نکاح مورا که از سردارهای معتبر ناپلیون است در می آید ایجاد بانک در فرانسه عهد دوستی
و تجارتی فرانسه با اتازونی در ظرف این سال در فرانسه دو سه ربته قصد قتل ناپلیون مینمایند (ایطالیا) پی هفتم بعد از پی
ششم پاپ میشود (عثمانی) جزایر سبعه یونین که فرانسه ها از ونیز گرفته اند سفاین روس و عثمانی معا آنها را از فرانسه
منتزع میسازند و بوساطت روس این جزایر وضع جمهوری پیدا کرده از تحت سلطنت عثمانی خارج میشود ولکن در سال
یک مبلغی خراج باسلامبول میفرستد علی پاشا که هیجده سال بود از طرف دولت عثمانی حکومت البانی را داشت و مرکز
حکمرانی خود شهر یانینا را قرار داده بالتمام اطراف البانی را حکمرانی و سلطنت بوضع استقلال قرار میدهد امریکا
(جزیره هایتی) توسن رئیس یاغیهای هایتی میشود

سنه ۱۲۱۶ هجری — سنه ۱۸۰۱ مسیحی

آسیا (ایران) در ششم ماه صفر اینسال موکب همایون اعلیحضرت خاقان کشورستان فتحعلی شاه تشریف فرمای
قصر قاجار گردیده یکشب در اینجا اقامت کردند بعد روانه شکارگاه جاجرود گردیدند و از آنجا بچمن مشای دماوند و
سایر اماکن متنزهه آنسامت خلد مانند رانده چندی تفرج میفرمودند و در اواخر ماه مزبور شرحی از خیالات حسینقلیخان
بعرض حضور موهبت ظهور خاقان رسانیدند و معلوم شد که مشارالیه از کاشان باصفهان و از اصفهان بعراق رفته
تهیه جمعیت و لشکر مینماید و سودای سلطنت در سر دارد بنابراین بموجب امر اعلی حاجی محمد خان دولوی قاجار روانه
قم و کاشان گردید و حسینقلیخان بن فتحعلیخان برادرزاده او بحوالی اصفهان راند و آقاخان قوانلو بسیلاخور
رفت و فرمان همایون عز نفاذ یافت که هرجا حسینقلیخان را بدست آرند ماخوذ دارند و بآستان مبارک روانه
سازند هم در این اوان ابراهیمخان عمزاده خاقان بدربار جلالت آثار سپهر نشان آمد و نواب امیر کبیر سلیمانخان اعتضاد
الدوله از سبزوار و نیشابور با عباس میرزا برادرزاده میرزا ابن شاهرخ بن رضاقلی میرزا بحضور همایون تشرف
جستند و عباس میرزا نادر میرزا برسم گروگان فرستاده بود نیز در این اوان اعلیحضرت خاقان کشورستان حضرت

نایب السلطنه ولیعهد عباس میرزا را با میرزا محمد شفیع صدر اعظم در دار الخلافه طهران متقلد مهام ملکی فرمود موکب
اعلی در دویم ربیع الثانی از طهران عزیمت اصفهان فرمود و حاجی محمد حسینخان بیگلربیگی اصفهان از نائین بجاپاری به نطنز
آمده در اینجا بتقبیل رکاب معلی فایز گردید حسینقلیخان چون از حرکت اردوی همایون خبردار شد بجانب کرمانشاهان
شتافت و اختلالی در امور و اوضاع او بهم رسید محمد قاسم نام که محرک حسینقلیخان بود ببغداد فرار نمود و حسینقلی خان
که راه عراق عرب را بر او بسته بودند نادم و پشیمان در قم ببقعه مبارکه حضرت معصومه سلام الله علیها پناه برد اعلیحضرت
خاقان کشورستان بجانب قم عطف عنان فرمودند حسینقلیخان شمشیر بگردن کرباس در صحن مقدس بحضور مهر
ظهور خاقان آمده و پس از اظهار ندامت و طلب عفو و استکانت استدعای اقامت و توقف در قم نمود اعلیحضرت همایون
او را مرخص و ماذون فرمودند و موکب منصور بقصد معاودت بدار الخلافه نهضت فرما گشت همدراین اوان اعوان
و انصار حسینقلیخان را از هر ناحیه و مکان گرفته مغلولا باستان جلالت بنیان فرستادند و هر یک بقدر جرم و جنایت
دوچار عقوبت و سیاست شدند پس از چندی بشفاعت میرزا ابو القاسم مجتهد گیلانی از علمای معروف حسینقلیخان
بدار آشوب شمیران آمده در اینجا متوقف گشت و آخر الامر بواسطه خودسری جهان بین خود را ابد روشن نمود و در دار آشوب
بعبادت مشغول بود تا دست اجل نقد حیاتش را در ربود همدراین ایام اللهیارخان قلیچی حاکم سبزوار علاء زمان حضرت
نایب السلطنه ولیعهد دولت علیه عباس میرزا متوسل شده و با اهل و عیال بدار الخلافه آمده اطمینان یافت و میرزا
محمد خان قیاقلوی قاجار بحکومت سبزوار رفت اما نادر میرزا با وجود فرستادن عباس میرزا برادر خود را بگروگان
در شرفیابی آستان مبارک تعلل و تقاعد نمود لهذا ابراهیمخان عمزاده خاقان کشورستان با ده هزار نفر مامور
خراسان گردید و اعلیحضرت همایون نیز بنفس نفیس مصمم آن صفحات گردیدند و چون در اوایل سال بعد انتقام فرمودند
در محل خود شرح آن بیاید ولادت نواب شاهزاده همایون میرزا وفات میرزا عبد الله متخلص بشهاب شاعر ترشیزی وفات
میرزا مهدی شهرستانی از فضلای معروف آرقوپا معاهده بین اطریش و فرانسه که فوایداین معاهده کلیتاً برای فرانسه بود
اسپانیولیها بتحریک فرانسه پرتوغالیها که با انگلیس متحد بود تد اعلان جنگ نمودند پادشاه ناپل مجبوراً با فرانسه متحد گردید
انگلیس متحدین فرانسه اعلان جنگ میکند و سفاین جنگی او تا پای تخت دانمارک میرود پل اول امپراطور روس که با فرانسه
متحد شده بود باغوای انگلیس مقتول میگردد و جانشین او الکساندر اول برخلاف سلف خود با انگلیس متحد میشود
هیجده هزار نفر از عساکر انگلیس بمصر ورود کرده قشون فرانسه را بعد از آنکه سه سال این مملکت را متصرف بودند از
مصر میرانند عهد صلح مابین فرانسه و عثمانی و روس و گفتگوی مصالحه فرانسه و انگلیس (انگلیس) اغتشاش
داخله و قلت نقود بواسطه جنگ هشت ساله با فرانسه قرض دولت انگلیس در اینسال از دوازده میلیارد فرانک
زیادتر است که هر میلیارد معادل دویست کرور تومان پول ایران است قحطی سخت و شورش مردم که بلاد و قرارا
غارت مینمایند شورش مردم برضد پیت صدر اعظم و این صدر اعظم با اهالی ارلند وعده رفاهیت میدهد اما از آنجا
که اهالی ارلند کاتولیکی مذهب هستند و پادشاه پروتستانی مذهب و نهایت عصبیت را در اینطریق دارد از دادن رفاهیت
بارلندیها مضایقه مینماید پیت بعد از هفده سال وزارت از شغل خود استعفا مینماید و آدنگتون نامی صدر
اعظم میشود بروز سخت پادشاه مبایعه نمودن کمپانی انگلیس ناحیه آرکات که در مغرب مدرس واقع است در مجلس جنرن
پارلمنت گفتگوی ساختن راه آهنی در میان میباشد تعداد نفوس جزیره انگلیس تنهائی در اینسال هفده کرور و
سیصد و هفتاد و دو هزار نفر و کسری میباشد و جمعیت اکس بیست و دو کرور داشت (فرانسه) مردم قصد قتل

ناپلیون را کرده و صد و سی نفر از جمهوری طلبان بچنگ آمده خراج البلد میشوند و حکم قتل بعضی صادر میگردد
چنانچه ایالات از ایالات مفتوحه در سواحل رن جزو سایر ایالات فرانسه شده و حکام برای آنها تعیین میشود آداب و
رسوم دینی که جمهوریان حذف نموده بودند مجدداً ناپلیون آن آداب و رسوم را برقرار مینماید دولت فرانسه با والی
الجزایر معاهدهٔ تازه منعقد مینماید ایجاد اکسپوزیسیون صنایع در پاریس اول اختراع چرخ بخار در فرانسه
تعداد نفوس تمام فرانسه در اینسال پنجاه و چهار کرور و سیصد و چهل و نه هزار نفر است (روس) بجا
از قانونیکه امپراطور پول برای نظام ترتیب داده بود رنجیده و متنفراند امپراطور پول بنهایت دوستی را با ناپلیون
دارد با بتوسط ایلچی انگلیس مقیم دربار دولت روس کنت دو پالن سردار عساکر متوقفه در پطرزبورغ را محرک
است و بنابراین بتحریک شب بیست و سیم ماه مارس رؤسای قشون امپراطور پول را هلاک نموده پسر ارشد او الکساندر
اول را بجای او جلوس میدهند کتب فرانسه که ورود آن بخاک روس ممنوع بود امپراطور جدید آوردن آنرا باین مملکت
اجازه میدهد و مطبعهٔ ما روس را بالنسبه آزاد مینماید که حبشستان کلیةً ضمیمهٔ مملکت روس میشود در داغستان جنک در
کاراست (سوئیس) دولت سوئیس که بتحریک ناپلیون جمهوری شده سایر دول اینوضع جمهوری را میشناسند امریکا
(اتاتونی) ژفرسن بریاست جمهوری معین و برقرار میگردد

سنهٔ ١٨٠٢ مسیحی سنهٔ ١٢١٧ هجری

آسیا (ایران) در اول اینسال یعنی روز دوشنبه هفدهم ماه محرم موکب منصور اعلیحضرت خاقان کشورستان
فتحعلیشاه بقصد خراسان اشخاص فرمود و تشریف فرمای چمن رادکان گردید اسحق خان قرائی که تاکنون با فاغنه
روی داشت این اوان دانست که جز اطاعت و خدمت خاقان کشورستان هرچه کند زیانست روی دل بجانب این آستان
نموده برای اظهار عبودیت و استرضای اولیای حضرت به نیشابور آمده باستمالت جعفرخان بیات پرداخت و او را
باخود بحضور موهبت ظهور خاقانی مشرف ساخت و سایر خوانین آنحدود نیز در تقیهٔ اطاعت و انقیاد حضرت گردون
بسطت سلطنت را بگردن گرفتند و نواب امیرکبیر اعتضاد الدوله سلیمانخان قاجار و حسینخان قاجار قزوینی
قوللر آقاسی جنیاداران بتسخیر مامور شدند و نواب شاهزاده محمدعلی میرزا و اسحق خان کرد قرائی مقدمة الجیش موکب منصور
شده بمحاصرهٔ مشهد مقدس روانه شدند روز نهم ربیع الاول رایات ظفر آیات خاقانی از چمن رادکان متوجه مشهد
مقدس گردید و دور اینشهر را سپاه نصرت همراه احاطه کرده و مدت محاصره بطول انجامید و قرا و آبادیهای حوالی بغارت
رفت و در شهر مشهد آتش قحط و غلا بالا گرفت میرزا محمد مهدی مشهدی از اجلهٔ علما باردوی معلی آمده بشفاعت پرداخت
و معاودت موکب اعلی را استدعا نمود و امرای خراسان متعهد شدند که پس از عود اردوی همایون شهر را مستخلص کنند
و نادرمیرزا را گرفته بعتبهٔ علیه آورند لهذا حسینخان قاجار قزوینی حاکم نیشابور و سردار خراسان بتوقف و تسخیر
ارض اقدس مامور شد و موکب ظفر کوکب خاقان کشورستان معاودت را انتهاض فرمود پس از رسیدن بمنزل علی بولاغ
دامغان بصید و شکار مشغول شده بدینمنوال بسمنان که مقر حکمرانی شاهزاده والاتبار محمدولی میرزا بود نزول
اجلال فرمودند هم در این اوان قیصر میرزا پسر شاه زمان افغان با یک زنجیر فیل باستدراک حضور مبارک شتافت
و در هفتم ماه جمادی الاولی موکب منصور بدار الخلافه باز گشت هم در اینسال صبیهٔ مرضیهٔ امیر نامدار میرزا محمدخان
بیکلربیگی قاجار در سلک ازدواج حضرت مستطاب نایب السلطنه ولیعهد دولت علیه عباس میرزا منسلک گردید و
شاهزادگان و امرا و اشراف از اطراف و اکناف مملکت در موقع این جشن بزرگ و سور لازم السرور بدار الخلافه

حضور بهم رسانیدند و تا یکهفته بمهجت و حبور گذرانیدند اما محمود میرزای افغان که با مداد ملازمان آستان خاقان کشور
ستان بقندهار و کابل تاخت آورده و ولایت را مسخر ساخته شاه زمان را از حلیه بصر عاری نمود و فیروز میرزا برادر
خود را بهرات فرستاد پس از آمدن قیصر میرزا پسر شاه زمان بدربار مکرمت آثار خاقان حقوق این آستان را از یاد برد
براه عقوق رفت افاغنه نیز از وی شاکی و بقیصر میرزا راضی شدند اعلیحضرت همایون قیصر میرزا را مخلع بخنجر مرصع و قبه بند
شمشیر مکلل مباهی فرموده بتسخیر ملک موروثی خود روانه داشتند هم در اینسال پس از جشن نوروز فیروزی عید سعید
خاقان کشورستان بمهمانی حضرت مستطاب نایب السلطنه ولیعهد دولت علیه عباس میرزا تشریف فرما شدند حضرت
معظم یکهزار قطعه جواهر الوان و چند راس اسب و استر و مبلغی وجه نقد و مقداری امتعه و اقمشه برسم پیشکشی
و شکرانه قدوم بهجت لزوم پادشاهی تقدیم حضور مبارک نمودند هم در این سال بتوسط خواجه داود نام از ارامنه
و تجار بغداد نامه از ناپلیون بناپارت کنسول اول فرانسه بحضرت خاقانی موصول گردید خواجه داود لقب خانی یافته
حامل جواب آن نامه گردیده بفرانسه روان شد هم در اینسال عبدالعزیز نامی از مشایخ نجد که پیرو طریقه وهابی بود
و داعی آن طایفه محسوب در درعیه قلعه محکم بساخت و چند بار بحرمین شریفین زادهما الله شرفا و تعظیما بنجف اشرف آمده
بغارت پرداخت و از آنجا که بسیر شیر نیز در عید غدیر در آخر سال گذشته بکربلای معلی تاخته و چندین هزار از نفوس
زکیه و جمعی کثیر از علما و سادات و فضلا و عرفا و محققین را در ظرف هفت ساعت شربت شهادت چشانیده که از آن
جمله عارف کامل و عالم فاضل ملا عبدالصمد همدانی صاحب بحر المعارف بود که چهل و چهار سال در آن ارض خلد نشان
مجاور و بریاضت اشتغال داشت خلاصه بعد از سفک دما آن قوم شقاوت انتما باوطان خود باز گشتند و این خبر مسموع
ملازمان حضرت خاقان کشورستان گردیده اسمعیل بیک بیات را نزد سلیمان پاشا والی بغداد فرستادند و امر
فرمودند که بطرد و دفع اینجماعت پردازد سلیمان پاشا قبول کرده ولی چیزی نگذشت که درگذشت و این امر بعهده تاخیر
ماند ولی شخصی از عجم عبدالعزیز را براه عدم روانه نمود ولادت نواب اسمعیل میرزا و وفات ابراهیم خان متخلص بنو فرزند
کریمخان زند اروپا انعقاد عهد مصالحه مابین فرانسه و انگلیس در آمین در این مصالحه انگلیس آنچه را فرانسه در
خاک فرنگ گرفته و متصرف شده حق او میداند و جزایر فرانسه را که در دریاها متصرف شده بود باو مسترد میسازد
و از آنطرف فرانسه جزیره سیلان را که مال هلاندیها بود حق انگلیس میداند معاهده مابین فرانسه و عثمانی
(فرانسه) بواسطه صلح عمومی تجارت و صناعت رواج دارد و طرق و شوارع و سایر لوازم و اسباب سهولت
مراوده ساخته و آماده میشود ناپلیون هر تانس دختر زن خود را در سلک عقد زوجیت برادر خود لوئی بناپارت
منسلک میسازد کد ناپلیون یعنی قانون فقهی فرانسه که ناپلیون ترتیب داده بود رواج میگیرد نشان لژیون
دونور ایجاد میشود تمام مهاجرین فرانسه که در ایام فترت و جمهوری از خاک فرانسه رفته بودند اذن و حکم
معاودت میدهند اهالی فرانسه کنسول اول بودن ناپلیون را در تمام مدت حیاتش امضا میکنند بلکه کنسول
اول حق تعیین جانشین خود را نیز دارد و قصر توئیلری و سن کلو را بجهت منزل ناپلیون تعیین مینمایند مملکت
پیمن ایطالیا جزو لاینفک ناپذیر فرانسه میشود (ایطالیا) شارل امانوئل چهارم پادشاه ساردن از سلطنت
استعفا کرده ویکتور امانوئل اول برادرش بجای او منصوب و برقرار میگردد (روس) بتعیین دوایر دولت که هر
دایره بدست وزیر مخصوصی است ایجاد وزارت داخله و وزارت علوم طغانروق در ساحل دریای آزف از بنادر
معتبر تجارتی میشود امریکا (اتازونی) ایجاد مدرسه نظامی فولتن نام از تبعه اتازونی در پاریس ایجاد کشتی

تجار مینماید (هایتی) سردار فرانسه لکلیرک که با بیست هزار نفر وارد این جزیره شده بود توسن رئیس یاغیها را مغلولاً بفرانسه فرستاده و توسن در اینمملکت بمیرد بنزد و هوای نامساعد در هایتی اسباب خسارت و زحمت قشون فرانسه شده و لکلیرک وفات مینماید و مجدداً شورش در این جزیره در میگیرد

سنه ۱۲۱۸ هجری سنه ۱۸۰۳ مسیحی

آسیا (ایران) در اینسال بیکلربیکی استرآباد از شرارت و فساد ترکمن صائن خانی بدربار حضرت خاقانی شرحی و شکایتی معروض داشت لهذا در هفتم شهر صفر المظفر موکب منصور اعلیحضرت خاقان مملکت ستان فتحعلیشاه از دار الخلافه طهران بطرف ساری و فرابته حرکت کرد و در موقف فراشیخ متوقف گردید و عساکر منصوره بنهب اموال و اسر طوایف مزبوره دست دراز کردند ترکمانان چون کار را سخت دیدند از در استیمان و استکانت در آمدند بنابراین موکب همایون از فراشیخ بجز کالپوش راند و مشغول تفرج و شکار شدند و حضرت مستطاب نایب السلطنه ولیعهد دولت علیه عباس میرزا در علی بولاغ بشرف حضور همایون مشرف گردیدند و بعد از بیست و روز موکب اعلی بدار الخلافه طهران معاودت فرمود و هم در اینسال در عشر آخر شعبان والدهٔ معظمهٔ حضرت خاقان کشورستان راه عرفات جنان گرفته و در نجف اشرف مدفون گردید هم در اینسال حسینخان قاجار سردار خراسان بمعاونت نواب محمد ولیمیرزا صاحب اختیار سمنان و موافقت خوانین خراسان یعنی اسحق خان قرائی و محمدخان هزاره و امیر قلیچ خان تیموری و امیر گونه خان زعفرانلو و لطفعلیخان درجزی و هفت هزار سوار رکابی قلعهٔ مشهد مقدس را محاصره کردند نادر میرزا بجهه فقدان مسکوک و مال بخزاین و اموال حضرت رضوی سلام الله علیه پرداخت و خود را هدف سهام ملامت ساخت هر حال کار بر محصورین سخت شد و در شب غرهٔ رمضان شهر مشهد بتصرف عساکر قضا توان در آمد نادر میرزا گمان کرد که قلعه داران باشارهٔ میرزا محمد مهدی مجتهد مشهدی تقصیر و کوتاهی در قلعه داری کرده و این معنی اسباب غلبه سپاه ظفر همراه گردیده لهذا بر در روضهٔ مقدسه شتافته برخلاف حرمت در را با تبرزین شکسته چند زخم کاری بر آن سید عزیز زده و بیرون آمده از شهر خارج شد و فرار کرد پس از خروج او نواب شاهزاده محمد ولی میرزا شهر را تصرف نمودند و نادر میرزا را در چهار فرسخی شهر طایفهٔ ازابلات کرد بگرفتند و خدمت شاهزاده معظم آوردند و در همین ایام میرزا محمد مهدی مشهدی از اثر زخمهای نادر میرزا بجوار رحمت الهی پیوست و نواب شاهزاده محمد ولیمیرزا والی خراسان شدند و نادر میرزا را مغلولاً بدار الخلافه طهران فرستادند و بقصاص سید بزرگوار میرزا محمد مهدی مشهدی مقتول گردید

نواب مستطاب والا حاجی معتمد الدوله در کتاب جام جم میفرمایند در رمضان هزار و دویست و هیجده شهر مشهد مقدس نیز مفتوح گشت و نادر میرزا پسر شاهرخ شاه گرفتار گردید و او را با جمعی از احفاد نادر در راواخر ذی قعدة الحرام اینسال بطهران آورده بسیاست رسیدند و خاقان بلفظ گهربار فرمودند حمد خداوند را که قصاص باسم کرد نادر شاه فتحعلیخان را کشت و فتحعلیشاه نادر میرزا را سیاست نمود انتهی

خلاصه پسران و کسان نادر میرزا بعضی از حلیه بصر عاطل و برخی بصدمات عاجل و آجل گرفتار گشتند چند تن بتوقف مازندران مامور و چند نفر باقامت فارس محکوم گردیدند. هم در این سال قشون روس بطرف بر بسعه و قراباغ آمدند و جوادخان زیاد لوی قاجار حاکم گنجه مراتب را بدربار سپهر آثار همایون معروض داشت و سعیدخان دامغانی مامور تحقیق و تبیین مطلب گردیده روانه گنجه شد هم در اینسال چون حسن خان

پسر نعیمخان یزدی به حکومت کرمان استقلالی نداشت نواب ابراهیمخان داماد و عمزاده اعلیحضرت خاقان بحکومت آنسامان برقرار گردید و نواب شاهزاده حسینعلی میرزا ایالت و حکمرانی دار الخلافه یافت و حضرت مستطاب نایب السلطنه ولیعهد دولت علیه بحکمرانی و انتظام مهام آذربایجان تشریف فرما شدند و میرزا عیسی فراهانی مشهور بمیرزا بزرگ در وزارت قایم مقام صدارت عظمی گردید همدر اینسال قشون روس که سردار آن سیسیانوف متوجه بر قفقاز شده بودند بعد از استیلا بر تفلیس بگنجه تاختند و اینشهر را مسخر ساختند و پس از تسخیر سه روز بقتل عام پرداختند و جوادخان گنجه نیز با یک پسر خود مقتول شد و اهل قراباغ و ایروان نیز خائف شده با سردار روس بطریق مدارا حرکت میکردند (سیسیانوف سردار روس همان است که عوام اتراک اورا ایشپخدر میگفته اند) اما محمدخان قوانلوی قاجار والی ایروان باغوای جعفر قلیخان دنبلی و کلبعلی خان نخجوانی با سردار روس بساخت چون اینوقایع بعرض آستان خاقان عظیم الشان رسید حضرت مستطاب نایب السلطنه ولیعهد دولت علیه را با تخود مامور فرمودند و کسانیکه بالتزام رکاب مبارک مقرر و معین گردیدند از اینقرار اند میرزا شفیع صدر اعظم مازندرانی نواب امیر کبیر اعتضاد الدوله سلیمانخان قوانلوی قاجار و مهدیقلیخان قوانلو و رضا قلیخان و مهدیقلیخان دولو و ابراهیمخان دولو و پیر قلیخان شامبیاتی قاجار و از سرکردگان پیاده ولایتی اشخاص مسطوره ذیل ملتزم اردوی حضرت شاهزاده معظم گردیدند

میرزا محمدخان لاریجانی اشرفخان دماوندی عبد الله خان ارجمند صادقخان شقاقی احمدخان سواد کوهی علی اصغرخان بندپئی آقا اسمعیل و آقا مهدی بالارستاقی حسن سلطان کلبادی باقر سلطان انزانی با بعضی سرکردگان دیگر و سی هزار نفر پیاده و سوار جرار

چون این اردو در خارج شهر دار الخلافه تشکیل یافت اعلیحضرت خاقان کشورستان بوداع فرزند دلبند و سپاه و سرداران کار آگاه از شهر خارج شده بعد از بازدید معسکر حضرت شاهزاده معظم و القای فرمایش و اوامر مخصوصه بدار الخلافه معاودت فرموده روز دوشنبه بیست و هفتم ذیحجه اردوی حضرت شاهزاده آزاده بطرف آذربایجان روان گردید ولادت نواب احمدعلی میرزا و نواب علیرضا میرزا

پوشیده نباشد که بعد از نادرشاه افشار که تقریبا مدت شانزده سال در بلاد و ممالک ایران سلطنت داشت پنجنفر از امیرزادگان نادری در خراسان تا اینسال حکمرانی[٧] این سلسله کلیه منقرض گردید فسبحان الذی لا یدوم و الامر ملکه اروپا (انکلیس) بموجب عهد صلح با فرانسه انکلیس باید جزیره مالت را تخلیه کند ولی بتعلل و تسامح میگذرانید بنا بر این فرانسه نقض عهد کرده عساکر خودرا بهلاند و هانور و رود مین هد و مصمم منازعه با انکلیس میشود و در بندر بولنی تدارکات دیده میشود اسپانیولیها و پرتوغالیها با فرانسه در ضدیت انکلیس مشارکت دارند شورش در ارلند (پروس) دولت پروس در منازعه انکلیس و فرانسه بیطرف هست (روس) عساکر بری و بحری روس و نیز ابدا است ایجاده نادرس در ممالک روس برای تعلیم و تعلم (عثمانی) طایفه وهابی بعد از انکه مکه معظمه را فتح کردند بمصر و قاهره میروند و در مصر کاری از پیش نبرده مراجعت میکنند و بغلبه مدینه طیبه را میگیرند امریکا (اتاتونی) ایالت لوئیزیان که متعلق بفرانسه بود بوجهی معادله دوازده کرور تومان پول ایران ابتیاع شده جزو اتاتونی میگردد (هایتی) بقیه قشون فرانسه از شورشیان ایجزیره شکست خورده فرار میکنند

[٧] ...زلزله داشتند و اسامی آنها از اینقرار است علیشاه که ...راع... شاه مینامید و ...برزاده نادر بود ابراهیم ...اه شاهرخ شاه سلیمان ثانی نادرمیرزا و ...را اینسال حکمرانی نمو

سنه ۱۲۱۹ هجری

سنه ۱۲۱۹ هجری — سنه ۱۸۰۴ مسیحی

آسیا (ایران) در وقایع سال هزار و دویست و پانزده نگاشته شد که حاجی خلیل خان قزوینی بسفارت هندوستان
مامور و روانه شد ایلچی مشارالیه تا سال گذشته در بندر بمبئی با کمال اعزاز اقامت داشت سال گذشته در میان
فراولان هندی و ملازمان ایرانی حاجی خلیل خان نزاعی در گرفت سفیر ایران باصلاح آمد و گلوله سهواً باو رسیده
کار او را بساخت لهذا فرمانفرمای هند چهار نفر کاپیتن و دویست نفر سرباز را که منشأ این فتنه بودند گرفته حبس
کرد و نامه مبنی بر معذرت و افسوس بدربار اعلیحضرت خاقان کشورستان فتحعلی شاه نگاشته با لیوز بصره و بعضی از
اعیان انگلیس را حامل نامه و مامور بعذرخواهی کامل از این قتل غیر عمد نمود و چون در اول این سال موکب خاقانی
تشریف فرمای چمن سلطانیه گردیده بود مامورین حکومت هندوستان در اینمحل بحضور موهبت ظهور پادشاهی
مشرف شدند و مراتب را معروض داشتند و از آنجا که معین و ثابت بود که این قتل عمداً نبوده عذر مامورین
پذیرفته شد و برهائی محبوسین اشارت فرمودند و محمدنبی خان خواهرزاده سفیر مقتول را بجای او مامور
کردند و مبالغی خونبها بمیرزا اسمعیل خان پسر حاجی خلیل خان داده شد و محمدنبی خان بعد از معاودت از سفارت
هندوستان بوزارت نواب حسنعلی میرزا فرمانفرمای فارس مباهی گردید همدر این سال محمدخان قوانلوی قاجار
بیگلربیگی ایروان که باغوای جعفرقلیخان دنبلی و کلبعلیخان نخجوانی با سیسیانف سردار روس سازش داشت
از حرکت و توجه اردوی حضرت مستطاب نایب السلطنه ولیعهد دولت علیه بطرف ایروان خبردار شده سردار
روس را بایروان خواند و ایلات حوالی ایروان را کوچانیده بعضی را بقلعه آورد و برخی را در دامنه قارص و وان و
بایزید کرد حضرت معظم ایلغار کرده در کنار رود زنگی واقع در نیم فرسنگی ایروان نزول فرمودند و مهدیقلیخان
دولو را با شش هزار سوار بجانب عثمانی فرستاده که ایلات کوچیده را باز آرد و مشارالیه ایل کنگرلو و قاجار را باز
آورد و سردار روس که بر وفق دعوت محمدخان با بیست هزار سوار و سی عراده توپ بایروان میرفت در عرض راه
بمهدیقلیخان و ایلات مزبوره برخورد و در این تلاقی زد و خورد کرده مهدیقلیخان باردوی حضرت نایب
السلطنه پیوست و سردار روس نیز در چهارشنبه هجدهم ربیع الاول بحوالی اوچ کلیسا سه فرسنگی ایروان
رسیده جمعی از لشکریان روس عزم ورود بشهر نمودند جزایرچیان قلعه آنها را دفع کردند روز بعد حضرت مستطاب
نایب السلطنه محافظت اردو و سنگر را بعهده میرزا محمد شفیع صدر اعظم و احمدخان مقدم موکول داشته و دسته جات
لشکر با توپخانه روانه اوچ کلیسا شد و سه روز در اینجا نایره قتال بین فئتین اشتعال داشت سردار روس مصمم
تسخیر ایروان گردید و در اینحال محمدخان بیگلربیگی از معاهده و سازش با سردار روس پشیمان شده بتوسط میرزا صادق
مروزی (وقایع نگار) از میرزا محمد شفیع صدر اعظم اطمینان حاصل نمود و حسینعلی خان پسر خود را با پیشکشی فراوان
باردوی خاقانی فرستاد و در این اوان سردار روس حیلتی بکار برده غفلةً با افواج و توپخانه خود بجانب اردوی
حضرت مستطاب نایب السلطنه راند و با نوع خود را بمسجد جامع شهر رسانیده بمحاصره قلعه پرداخت همدر این ایام
موکب اعلیحضرت خاقان مملکتستان از چمن سلطانیه انهاض فرموده و در دار السلطنه تبریز مسموع ملازمان حضرت
سلطنت گردید که سردار روس قلعه ایروان را محاصره نموده لهذا اسمعیل خان دامغانی بطور مقدمة الجیش روانه
شده و اردوی همایون نیز بکنار رود ارس آمد و از آب عبور نمود و روز نوزدهم ربیع الثانی بیک فرسنگی ایروان
مضرب خیام گردون احتشام معلی گردید سردار روس سنگرهای متعدد در محاصره ایروان بسته بود و خود در جامع

شهر

شهر نشسته صبحگاهی از معسکر همایون توپها بشلیک پرداختند و سنگرهای قشون روس را برده بسنگرها ریختند و بسیاری را
اوبختند جمعی مقتول و سنگرها خالی شد سردار روس توپخانه را بر سر تلی بلند برده بجانب عساکر منصوره بنای شلیک را
گذاشتند آنها سنگرها را رها کرده باردوی معلی بازگشتند سردار روس افواج خود را مجدداً بسنگر جای داد وقت شب
جعفرقلیخان دنبلی با ده هزار پیاده و سوار مصمم شبیخون باردوی همایون شد حسنخان قاجار قزوینی که آنشب مشغول قراولی
اردو بود از قصد جعفرقلیخان آگاه شده مراتب را بعرض ملازمان حضور حضرت پادشاهی رسانید لهذا مقرر فرمودند
لشکریان از اردو بیرون رفته در دامنه کوهی مترقب مترصد باشند که اگر لشکر روس شبیخون آرند از خارج اردو و
دامنه کوه بر ایشان حمله نمایند قشون روس راه را گم کرده وقت صبح باردو رسیدند و جای را خالی یافتند بجانب عساکر
منصوره و دامنه کوه شتافتند چون قدری صعود کردند حرارت آفتاب و تشنگی بر آنها غالب شد ناچار راه معاودت
پیش گرفتند سپاهیان آنها را تعاقب نموده جمعی را از پای در آوردند همچنین کسانیکه از جانب سردار روس بطلب آذوقه
باطراف میرفتند اغلب بدست سرداران ایرانی گرفتار و روانه دربار عدل میگشتند ناچار سیسیانف سردار روس از دور ایروان
کوچ کرده عازم تفلیس شد و محمد حسینخان قاجار سر کشیکچی باشی او را دنبال نمود و بعضی از همراهان او را مقتول ساخت
پس از بازگشت سردار روس محمدخان ایروانی که در قلعه بود دیگر باره بحکمرانی ایروان منصوب گردید هم در این اوان
ابوالفتحخان جوانشیر بنظم قراباغ مامور و روانه شد و الکساندر میرزا والی گرجستان رخصت توقف در نخجوان یافت
و در اول زمستان موکب خاقان کشورستان بدارالخلافه بازگشت همدرین سال امیر ناصرالدین توره حاکم مرو بملازمان حضرت
خاقانی توسل جست پوشیده نباشد که میر معصوم معروف بشاهمراد ملقب به بکجان ولد دانیال اتالیق ابن رحیمخان
اتالیق بن حکیم اتالیق که در بخارا ابوالفیض خان چنگیزی را مقتول کرده و خود سلطنت مینمود در عهد شاه شهید سعید
آقا محمد شاه طاب ثراه بر بیرامعلیخان قاجار عزالدینلو که از زمان صفویه تا آن عهد حکومت مرو با آبا و اجداد او بود
غالب شده او را بکشت و مرو را خراب کرد شاه شهید سعید او را تهدید کردند و بخیال تلافی و دفع او بودند که غائله
هایله شوشی آن مرام را عایق آمد خلاصه بعد از فوت بکجان دو پسر او ماندند امیر حیدر توره که حکمرانی بخارا داشت و
امیر ناصرالدین توره که در مرو حکومت میکرد در این سال امیر حیدر توره قصد استیصال برادر نموده لهذا امیر ناصرالدین
توره بواسطه گماشتگان نواب شاهزاده محمدولی میرزا والی خراسان بعتبه علیه متوسل گردید اعلیحضرت همایون او را
فرزند خود خوانده افسری مکلل برای او فرستاده و نواب شاهزاده محمدولی میرزا حکم شد او را تقویت و اعانت
نمایند و فرستاده امیر ناصرالدین توره با کمال عز و رستگی بمرو معاودت نمود همدرین سال محمدخان غلجائی افغان ولد
اعظمخان که سالها پدرانش در بم و نرماشیر کرمان بودند و بعد از حکومت نواب ظهیرالدوله ابراهیمخان عمزاده
خاقان بکرمان از روی اضطرار بدربار معدلت آثار آمد و دیگر باره بحکومت بم و نرماشیر و آنحدود برقرار گشت پس از
استقلال بنای خودسری را گذاشت نوروزخان قاجار عزالدینلو که حاجب بزرگ و امیر بار بود بقلع و قمع وی مامور
و روانه آن دیار گردید وفات میرزا جعفر صافی اصفهانی اروپا (انگلیس) پیت مجدداً بصدارت برقرار میگردد و نیز
نام الملی روشنائی چراغ گاز را رواج میدهد (فرانسه) کادودال از معاندین ناپلیون بناپارت با پیشگرو
و مرو که هردو از سرداران فرانسه میباشند بر ضد ناپلیون متحد شده و هردو محبوس میگردند دوک دانگن از
شاهزادهای خانواده سلطنت قدیم بجنگ ناپلیون افتاده مقتول میگردد پیشگرو در حبس خفه میشود ناپلیون ملقب
بخطاب ناپلیون اول شده و در قصر سن کلو بامپراطوری فرانسه برقرار میگردد در علائم سلطنتی عقاب قرار میدهد

قدیم

قدیم را نقض میکنند هیجده نفر مارشال سپهسالار یعنی تعیین میشوند که اسامی آنها از اینقرار است
(بِرتیه) (مُورات) (مُنسِیئِ) (ژُورْدان) (ماسِنا) (اُژِرُو) (بِرنادُت) (سُولْت) (بِرُون) (لانْ)
(مرتیه) (نِی) (داوُوسْت) (بِسیر) (کِلِرمان) (لِفبور) (پِرینْیُن) (سِرُورِیه) مُراد از خاک فرانسه
اخراج شده با تا نونی میرود پیء هفتم پاپ از رُم به پاریس آمده تاج سلطنت بسر ناپلیون میگذارد خرج فرانسه در
این سال هفتصد ملیون فرانک و دخل پانصد و شصت ملیون بوده است (سایر ممالک فرنک) امپراطور روس
جدا شدن بلاد المان را که در تصرف فرانسه بود نیز مفروز بودن بعضی از ممالک ایطالیا را که در تصرف این دولت
بود از فرانسه مطالبه مینماید بعد از آنکه خطاب امپراطوری بناپلیون دادند امپراطور المان که سلاطین اطریش خود را
باین لقب ملقب میداشتند لقب امپراطوری اطریش را نیز برای خود اختیار میکند ناپلیون در بُولنی مستعد حرکت
بطرف مملکت انکلیس است قطع مراوده دوستی ما بین فرانسه و روس اتحاد روس با انکلیس دولت انکلیس سه فروند
کشتی اسپانیولی که مملو از شمش نقره میباشد و از امریک برای اسپانیولها میآوردند ضبط میکند اعلان جنک
اسپانیول با انکلیس اخصا نمودن دولت عثمانی سفیر خود را از پاریس (عثمانی) شورشهای صربستان بر عثمانی امریکا
در هایتی ژاک نام خود را امپراطور لقب میدهد

سنه ۱۲۲۰ هجری — سنه ۱۸۰۵ مسیحی

آسیا (ایران) در این سال نوروزخان قاجار عزالدینلو که بشهر محمدخان افغان ولد اعظم خان بیم و نرماشیر رفته بعد از
رسیدن بآنجا و دفع محمدخان مبادرت نمود محمدخان بم را رها کرده بنرماشیر رفت عساکر منصوره در آنجا او را
محاصره کردند محمدخان ناچار بجادله پرداخته در اثنای جنک زخم باو زدند چون بیش از این مقاومت نتوانست کرد
بسیستان و بلوچستان گریخت و آنچه در تحت حکمرانی او بود ضمیمه کرمان شد هم در اینسال حضرت مستطاب نایب السلطنه
ولیعهد دولت علیه عباس میرزا با میرزا بزرگ قایم مقام متوجه آذربایجان که دیدند و موکب همایون خاقان کشورستان
فتحعلیشاه تشریف فرمای چمن سلطانیه گردید و اسمعیل خان دامغانی با جمعی سوار برکاب شاهزاده جلالت آثار پیوست
و نواب شاهزاده علیخان ظل السلطان که برادر کهتر صلبی و بطنی حضرت مستطاب نایب السلطنه بود در زنجان توقف
نمود و حضرت معظم در منزل مبارک مهد پیرقلیخان و اسمعیل خان قاجار را با یروان مامور کردند و اسمعیل خان
شامبیاتی قاجار حاکم خوی را نیز همراهی او فرمان دادند در پنجشنبه شانزدهم ربیع الاول از چمن سلطانیه حرکت کرده — موکب خاقانی ۷
بچمن اوجان نزول اجلال فرمود ابراهیم خلیل خان جوانشیر از توجه عساکر منصوره باین حدود وحشت نموده جعفر
قلیخان نبیره خود را نزد سیسیانف سردار روس که در گنجه بود فرستاد و استمداد نمود سیسیانف محمد حسنخان
ابن ابراهیم خلیل خان را که پدر جعفرقلیخان مذکور بود با جمعی از سواران قراباغ و سیصد نفر سرباز روس بمحافظت
پل خدا آفرین فرستاد که راه عبور لشکر منصوره را مسدود نمایند از اینطرف اسمعیل خان دامغانی بدفع اینجماعت
مامور گشته بعد از کشش و کوشش سواران قراباغی و پیاده های روسی مغلوب شده محمد حسنخان بجنگل فرار
کرد و قبل از آنکه براو دست یابند خود را بقلعه شوشی رسانید پس از آن موکب خاقانی از چمن اوجان انتهاض
فرموده از رود ارس عبور کردند و در منزل معروف بتخت طاوس که در رهشت فرسنگی شوشی است اقامت نمودند و
حضرت مستطاب نایب السلطنه نجفقلیخان کروسی را با جمعی بمحراست آقا غلان گذاشته خود از راه چنانچی بطرف
شوشی راندند ابراهیم خلیل خان دوچار رعب و هراس شده بسردار روس پیغام داد که من در پناه آباد محصور و عساکر

منصوره را مقهور کرد سیسیانف یکی از پولکونیکهای روسی را با توپ و سردار و غیره بمدد حاکم شوشی فرستاد
(پولکونیک بزبان روسی بمعنی سرهنگ است) پولکونیک مذکور با همراهانش بمنزل عسکران آمدند حضرت مستطاب
نایب السلطنه بمدافعه ایشان شتافتند و فیمابین دو عسکر در عسکران جنگ درگرفت و جمعی از طرفین مجروح و مقتول
شدند و لشکر روس بمقبره که در آن حوالی بود رفته قلعه بساختند و بشلیک توپ پرداختند در این اثنا حسینقلی
خان دولو با ذوالفقار خان دامغانی و چهار عراده توپ از اردوی بزرگ خاقانی بامداد لشکریان حضرت شاهزاده
معظم آمدند پس از شش روز جنگ عساکر ایران غلبه کردند و سرکرده روسی دو زخم برداشته خود را بقلعه ترناوت
سه منزلی گنجه رسانید حضرت مستطاب نایب السلطنه او را محاصره کردند مشار الیه عریضه نوشته شش روز مهلت
خواست و نیم شبی بکوه چمرق که سغناق ارامنه قراباغ است گریخته مهدیقلیخان قاجار بقلعه ایروان رفته آن قلعه را
گرفته تصرف نمود پس از این مقدمه سیسیانف بکیفر سرکرده روسی را با چند فروند کشتی جنگی روانه گیلان نمود و
خاقان کشورستان میرزا یوسف طالش لنکرانی را که اصلا گرجی بود بمعاونت گیلانیان مامور فرمودند سرکرده روسی
انزلی را بگرفت میرزا موسی منجمباشی گیلانی جمعی را به پیره بازار برده در کمین نشستند سردار روسی بجانب پیره بازار
روانه شد ناگاه تفنگچیهای گیلانی از جنگلها شلیک کردند و جمعی را مجروح و مقتول نمودند بقیة السیف بکشتیها
نشسته بجانب بادکوبه گریختند همدر این اوان موکب خاقانی از منزل تخت طاوس انهاض فرموده باصلاندوز
آمد و اسمعیل خان دامغانی حسب الامر از رود ارس عبور کرد و حضرت مستطاب نایب السلطنه بمقابله سیسیانف
از منزل عسکران بگنجه شتافتند و این بلده را متصرف شده جمعی را کوچانیده بشمکور فرستادند پس از آن متوجه منزل
ذکم شدند و در بین راه با فوجی از قشون روس تلاقی کرده آنها را مقهور ساختند و از منزل ذکم بعضی از اهالی گنجه را
با پیرقلیخان قاجار روانه تبریز فرمودند و حضرت معظم باخسقه و از اینجا بایروان شتافتند از اخسقه تا ایروان که
هیجده فرسخ است همه جا سواران قزاق بقصد دستبرد یا رد و خبر که میکردند تا در حوالی بیشه در وقتیکه حضرت
مستطاب نایب السلطنه مشغول نماز بودند از درون جنگل تفنگی بطرف ایشان خالی کردند گلوله آن تفنگ موزه
حضرت شاهزاده را خراشید و بنا بر حفظ خداوندی گزندی بوجود مبارک ایشان نرسید خلاصه بعد از ورود
بایروان شرح زحمات حضرت مستطاب نایب السلطنه بتوسط حاجی محمد خان قراگوزلوی همدانی که مردی زیرک و دانا بود
معروض ملازمان آستان همایون گردید اعلیحضرت خاقان کشورستان از حد قپلان کوه تا دربند را در تحت فرمانفرمائی
حضرت شاهزاده معظم نایب السلطنه قرار دادند و موکب خاقانی از اصلاندوز بچمن اوجان تشریف فرما گردید
راه دار الخلافه را پیش گرفتند بعد از مراجعت موکب معلی سیسیانف بقلعه شوشی رفت و ابراهیم خلیل خان
جوانشیر حاکم شوشی در قلعه را بر روی او بگشاد سردار روس تاماژوری در شوشی گذاشته روانه گنجه شد پس از وقایع
ایروان آنکه شیخعلی خان بیگلربیگی قبه و دربند و حسینقلیخان حاکم بادکوبه و سرخای خان لگزی باحتیاط آنکه مبادا
سرکرده روسی که در گیلان شکست خورده قصد محاصره بادکوبه کند از ملازمان آستان خاقانی استمداد نمودند
و عسکرخان افشار ارومی بامداد آنها رفت سرکرده مزبور برای محاربه در برابر بادکوبه لنگر انداخت حسینقلی
خان و عسکرخان با او جنگهای سخت کردند و چون چند فروند کشتی روس در ساحل دریا از توپ اهالی بادکوبه
شکست سرکرده روس از دریا بخشکی آمده در برابر قلعه بادکوبه بنای شلیک را گذاشت در اینحال شیخعلیخان
قبه و توپچی باشی سرخای خان لگزی با لشکریان خود بمعاونت حسینقلیخان آمدند و سرکرده روس را منهزم

ساختند

ساختند و او به پشت ساری طالش رفت و سیسیانف بجهة استمالت مصطفی خان شیروانی از گنجه با سه ولایت آمد از
اینطرف پیر قلیخان شامبیاتی بامداد مصطفی خان شیروانی مامور شد و در کنار رود کر معلوم نمود که مصطفی
خان سیسیانف را فریفته و مطمئن نموده و او بامداد سرکرده روس بطرف پشت ساری رفته صبر کرده مزبور نیز فوت
قلبی بهم رسانیده و آماده کارزار گردیده است بالجمله مصطفی خان ایلات و احشام شیروان را کوچانیده بجبال
شاخه فرستاده خود در قلعه موسوم به کلم سن کره سن نشست حضرت مستطاب نایب السلطنه حسینقلیخان
قاجار دولو را بحمایت مصطفی خان و حفظ بادکوبه روان فرمودند و احمد خان مقدم بیکلربیکی تبریز را نیز با توپخانه
و بعضی دسته جات پیاده از عقب او فرستادند و خود از تبریز باردبیل تشریف بردند اعلیحضرت خاقان گشورستان
نیز جمعی را از دار الخلافه بامداد روانه آذربایجان فرمودند سیسیانف چون خود را از هر جهة محاط و
محصور سپاه ایران دید با حسینقلیخان بادکوبه بنای مراوده و مماشات را گذاشت حسینقلی خان بظاهر
اظهار سازش با او نموده و برای شورش سیسیانف را در حوالی قلعه طلبید و مشغول مکالمه شدند
در اینحال ابراهیمخان بنی عم حسینقلیخان از پشت سر سیسیانف را هدف گلوله ساخته بعالم دیگر روانه
ساخت و عساکر منصوره بار دیگر روس را تاختند و غنیمت لشکر بی سردار در سفاین نشسته براه پشت ساری رفتند
از قرار معروف حاجی میرزا محمد اخباری نیشابوری از علمای بزرگ اخباری بیش از وقت از کشته شدن سیسیانف
خبر داده بود. خلاصه بعد از کشته شدن سیسیانف سرکرده دیگر روسی با قشون روس به پشت ساری رفته
بامید موافقت مصطفی خان طالش چندی در آن ناحیه بماند بعد مایوس شده برو ستیه بازگشت هم درا ینسال چون
تراکمه سرخس و طرزن و آخال بر حسب عادت بشرارت و فساد و راه زنی میپرداختند نواب شاهزاده محمد ولی میرزا
بتنبیه و تنبیه آنجماعت مامور و بعضی از سرکردگان سپاه منصور نیز همراهی شاهزاده معظم محکوم گردیدند و در
حوالی و در طرزن در ماه ربیع الثانی اینسال با تراکمه تلاقی دست داد بسیاری از آنها را بکشتند و اموال زیاد بدست
قشون ظفر نمون افتاد هم در اینسال احمد چلبی با عریضه علی پاشا والی بغداد بحضور همایون آمد تبیین انکه قلعه
سلیمانیه در خاک ولایت شهرزور در کنار نقره تا یکصد سال قبل سلیمان پاشا وزیر بغداد بنا کرده و اکراد در آن سکنی دارند
و چون بر وفق تعیین حدود که در قدیم شده آن ولایت داخل کردستان و ضمیمه ایران بوده و گاهی دولت عثمانی آن را
تصرف مینموده و این معنی اسباب حدوث خلاف فیما بین دولتین میگردید و بالجمله این اوقات عبد الرحمن پاشا ساکن
سلیمانیه که بعد از مخالفت و منازعه با علی پاشا والی بغداد بسنندج آمده و پناه یافته علی پاشا احمد چلبی را با
عریضه به بار معلی فرستاده و استرداد عبد الرحمن پاشا را استدعا نمود. بنابراین میرزا محمد صادق وقایع نگار
مروزی با جواب علی پاشا مامور بغداد گردید و مقرر فرمودند که عبد الرحمن پاشا را بحکومت شهرزور برقرار دارند
هم در این سال حضرت مستطاب نایب السلطنه مهدیقلیخان دولو بیکلربیکی ایروان را بدفع جعفرقلی خان دنبلی مامور
فرمودند و کلبعلی خان نخجوانی را بدفع میر ابراهیم پاشا حاکم بایزید روانه کردند و حسینقلی خان افشار و اسمعیل خان
قاجار بتاخت و تاراج میانه گنجه و تفلیس رفتند و همگی با نیل مرام مراجعت کردند هم در اینسال میرزا رضا قلی نوائی
منشی الممالک و ناظم امور دربسرای سلطنتی گردیده و اختیار مهر مهر آثار و مطالبه انتظام مهام خزانه عامره
را بکف کفایت او واگذار فرمودند وفات نواب امیر کبیر سلیمان خان اعتضاد الدوله قاجار اروپا (انگلیس)
استعمال زغال سنگ در این مملکت رواج دارد (روس) دولت روس از دولت عثمانی آزادی کشتی رانی

در رود خانه فارو اکر در حوالی پنج مصب دارد میطلبد (سایر ممالک فرانک) ناپلیون علاوه بر امپراطوری
فرانسه لقب پادشاهی ایطالیا را ضمیمه القاب خود مینماید و در میلان تاج آهن سلاطین ایطالیا را بسر میگذارد
و ربیب خود اوژن را نایب السلطنه ایطالیا میخواند مراجعت ناپلیون به بولنی و در اینجا با صد و شصت و دو هزار پیاده
و پانزده هزار سوار و دو هزار کشتی مصمم ورود بخاک انکلیس است و متصل میگوید اکر دوازده ساعت آب دریا
با من موافقت کند جزیره انکلیس را معدوم مینمایم اطریش با انکلیس در ضدیت فرانسه مشارکت دارد و باین واسطه
ناپلیون از بندر بولنی مراجعت میکند که بمنازعه با اطریش بپردازد دولت روس قشون خود را با عساکر اطریش
همراه و متفق مینماید ناپلیون لشکری را که در بولنی برای جنک با انکلیس حاضر کرده بود بجهة مقابلی با عساکر متحده
اطریش و روس بسواحل رن میآورد فتوحات قشون فرانسه در خاک المان شکست سفاین فرانسه در ترافالگار بدست
نلسن امیر البحر انکلیس که مقتول میشود ولی فتح میکند ناپلیون بعد از فتح مشهور اولم بسمت وینه پای تخت اطریش حرکت
میکند و با عساکر متحده روس و اطریش در استرلیتز جنک کرده آنها را شکست میدهد اطریش با فرانسه عهد صلح
موسوم بعهد پرسبورگ را می بندد و لات باویر و ورتمبرک بملاحظه خصوصیت با ناپلیون ملقب بپادشاه باویر و
پادشاه ورتمبرگ میشوند پادشاه ناپل فردیناند چهارم بحکم ناپلیون از سلطنت خلع میشود تقویم جمهوری
طلبان فرانسه محو و دفعه تقویم قدیم برقرار و روز اول ژانویه روز اول سال میکردد

سنه ١٢٢١ هجری — سنه ١٨٠٦ مسیحی

آسیا (ایران) در این سال اعلیحضرت خاقان کشورستان فتحعلیشاه زمام مهام و امور معظمه دولتی مملکت
ایران را بکف کفایت چهار نفر وزیر دادند یکی میرزا محمد شفیع که بمنصب صدارت عظمی نایل بود دیگری حاجی محمد
حسینخان بیکلربیکی اصفهان که از استیفای زمان بود ملقب بامین الدوله شده و منصب استیفای ممالک محروسه بعهده
او مفوض کردید و میرزا رضا قلی نوائی متخلص بسلطانی منشی الممالک بوزارت رسایل برقرار کشته و میرزا هدایت الله
نفرشی وزارت لشکر یافت هم در این سال عبد الله خان ولد حاجی محمد حسینخان امین الدوله بحکومت اصفهان منصوب
کردید و حسینخان قاجار قزوینی که سرداری خراسان و حکومت نیشابور داشت بدربار معلی احضار شد بر بنه
سرداری و سپهسالاری فایز آمد و محمد خان قاجار دولو حاکم سابق کزاز و ملایر بسرداری خراسان و نیابت آستان
جهاهی کشته بخدمت شاهزاده محمد ولی میرزا والی خراسان رفت و موکب همایون خاقانی از دار الخلافه طهران انتهاض
فرموده روز جمعه بیست و پنجم ماه ربیع الاول بچمن سلطانیه نزول اجلال فرمودند هم در این سال سفیری از جانب ناپلیون
امپراطور فرانسه مامور دربار دولت علیه کردیده پاشای حاکم بایزید و حاکم وان بجهة اتحاد دولتین عثمانی و روس موسو مرسیو ژوبر
بر ضد فرانسه سفیر مزبور را کرفته حبس کردند و اموالش را ضبط و دو نفر از ملازمانش را مقتول نمودند حضرت
مستطاب نایب السلطنه ولیعهد دولت علیه عباس میرزا از واقعه خبردار کردیده مامورین بطلب سفیر فرستادند
سفیر مستخلص شده با پذیرائی و احترام شایان در چمن سلطانیه بحضور همایون تشرف جست و غرض ناپلیون از
فرستادن این سفیر دو چیز بود یکی اتحاد و عهد مودت با دولت ایران و دیکر بقصد توقع نمودن با امپراطوری او
خلاصه جواب نامه امپراطوری را میرزا رضا قزوینی منشی دیوان اعلی حامل و بسفارت مامور فرانسه شد هم در این
سال ابراهیم خلیل خان که بعد از کشته شدن سیسیانف از خود سری و سازش با سرهای روس پشیمان شده بود
عریضه بخدمت حضرت مستطاب نایب السلطنه عرض کرده معذرت خواست و برای دفع مازدروف که در شوشی

٢٠

اقامت

اقامت داشت استمداد نمود لهذا حسینخان سردار و اسمعیل خان دامغانی و امان الله خان افشار ها که خمسه با لشکری بمعاونت
او مامور شدند و قبل از مشار الیهم فرج الله خان شاهیسون و ابو الفتح خان جوانشیر پسر ابراهیم خلیل خان عزیمت آن
صفحات نموده بودند جعفر قلیخان بن محمد حسینخان که با عم خود عداوتی داشت و وجود او را اسباب اختلال کار خود ابو الفتح خان
می پنداشت شبی ماژر روسی را با سیصد نفر سرباز روس از قلعه شوشی بر سر عم خود ابراهیم خلیل خان که در خارج قلعه
بود برد و آنها بیخبر بر سر ابراهیم خلیل خان ریختند و او را با سی و یکنفر از اهل و عیال و نسوان او بکشتند و باز نایره
فتنه در قراباغ میل باشتعال نمود خلاصه بعد از قتل ابراهیم خلیل خان ماژر روسی ضبط و امن کردن قراباغ را
بمهدیقلیخان ولد ابراهیم خلیل خان محول کرده خود مشغول حراست قلعه شوشی شد حضرت مستطاب نایب
السلطنه چون از اختلال کار قراباغ خبردار شدند از تبریز حرکت فرمودند در منزل آق اغلان معروض ملازمان
حضرت معظم داشتند که یکی از سردارهای روس از تفلیس حرکت کرده و با سپاه کینه بطرف قراباغ رانده و در منزل
عسکران مانده و مهیای جنگ است نیز در عرض راه عریضه سلیم خان شکی رسید که از سازش با سپاه روس معذرت
خواسته و استدعا استمداد و قبول خدمت دولت علیه را نموده حضرت مستطاب نایب السلطنه فرج الله خان
شاهیسون را مامور بامداد سلیمخان شکی نمودند و چون اکثری از ایلات قراباغ این اوقات استدعا نموده بودند
که از این ناحیه کوچیده در قراجه داغ متوقف شوند عطاء الله خان شاهیسون بانجام این خدمت رفت و حضرت معظم
نایب السلطنه از آق اغلان بمنزل خانشین تشریف فرما شدند در اینجا دو لشکر با هم تلاقی کرده چند روز جنگ
و کارزار سخت در کار بود آخر الامر از گرمی هوا و فقدان آب عساکر روس درمانده دست از جنگ کشیدند و بمنازل
خود شتافتند و از آنجا که در اردوی حضرت نایب السلطنه نیز آذوقه وجود نداشت از پل عبور کرده بچشمه حسن و حسین نزول
نمودند و در اینوقت حسن خان و حسینخان قاجار قزوینی و اسمعیل خان دامغانی و امان الله خان افشار که از دربار
همایون بخدمت حضرت نایب السلطنه مامور بودند برکاب حضرت معظم پیوستند و چون مصطفی خان شیروانی با روسیه
ساخته بود اسمعیل خان سردار و امان الله خان افشار بتنبیه او روانه شده آن حدود را لگدکوب کرده و تمام ایلات آنجا را
کوچانیده بقراجه داغ و موغان آوردند و حضرت مستطاب نایب السلطنه بتبریز معاودت فرمودند هم در اینسال چون
علی پاشا والی بغداد نصب عبد الرحمن پاشا را در شهرزور ولایت از میرزا صادق وقایع نگار فرستاده اعلیحضرت خاقان
کشورستان سپهر رفعت تمنای حضرت گردون بسطت علیه عبد الرحمن پاشا را بدار الخلافه احضار کرده خلعت و منشور
ایالت شهرزور را باو مرحمت فرمودند و با مان الله خان والی کردستان حکم شد عبد الرحمن پاشا را تقویت نماید لهذا
خالد پاشا که در شهرزور بود ببغداد گریخت و عبد الرحمن پاشا در شهرزور استقلال یافت علی پاشا بدون
استیذان از دولت عثمانی بخیال جنگ با عساکر ایران افتاد و از اینطرف نواب شاهزاده محمد علی میرزا مامور حدود
و ایالات آنجا و خاک عثمانی شده از حدود بصره الی خرم آباد و از کرمانشاهان تا خاک بغداد بحکمرانی نواب شاهزاده
معظم مقرر گشت و از امرای دربار ابراهیمخان دولوی قاجار و محمد علیخان شامبیاتی و جمعی دیگر ملتزم رکاب
نواب شاهزاده شدند و در دهم جمادی الاولی از چمن سلطانیه حرکت کردند علی پاشا با سی هزار سوار و پیاده بمنزل
زهاب آمد و سلیمان پاشای کهیا همشیره زاده خود را بدفع عبد الرحمن پاشا فرستاد عبد الرحمن پاشا تاب مقاومت
نیاورده بکردستان رفت و این معنی بر جسارت علی پاشا افزود و از زهاب باعلیحضرت همایون نوروز خان قاجار بز نخطی نموده
امیر بار و ابتاخت بغداد فرمان دادند عساکر منصوره روانه شده بمنزل کرند رسیدند علی پاشا بکنار رود سیروان

رفت

رفت نوروزخان و محمد علیخان با دو هزار سوار از زهاب تا منلیج را تاختند مقارن پاشا بمقاتله لشکر ایران آمده شکست
خورد و بعلی پاشا پیوست فرج الله خان افشار نسقچی باشی و محمد ولیخان افشار قاسملو و صفی یارخان کرد بجهة از دار
الخلافه مامور بنصب عبدالرحمن پاشا در شهرزور شدند سلیمان پاشا و خالد پاشا از جانب علی پاشا بکنار دریاچه مریوان
آمده بمقابله و مقاتله پرداختند و بعد از جنگی سخت و کشته شدن سه هزار نفر از عساکر عثمانی منهزم گردیدند و علی
پاشا ببغداد گریخت و شیخ جعفر نجفی را که از اجله علما بود واسطه و شفیع قرار داد و اسرای لشکر علی پاشا بتوسط شیخ
اجل همه مستخلص شدند مگر سلیمان پاشای کهیا که او را مغلولا بدربار خاقانی آوردند پس از آن او نیز بتوسط جناب
شیخ جعفر معفو و مرخص شد و موکب همایون اعلیحضرت خاقان کشورستان از سلطانیه بدار الخلافه طهران معاودت
فرمود همدر این سال روسیه اهل بادکوبه را بر حسینقلیخان بادکوبه بشورانیدند و او با اهل و عیال بتبریز آمد
و شیخعلیخان قبه در عالم مستی با یکی از سرکرده های روس بنای درشتی را نهاده و او را بقلعه دربند راه داد آخر الامر
سوء سلوک آنجماعت او را متاذی ساخته بمحال داغستان رفت و سردار روس بشکی راند و سلیمخان بنابر مخالفت اهالی
شکی بتبریز آمد و مصطفی خان شیروانی دانسته شیروان را بروسیه تسلیم نمود که علیخان سالیانی را که با او عداوت
داشت از میانه بردارند و بدینواسطه سالیان هم بتصرف عساکر روس درآمد و مصطفی خان ثمری از این خیانتها
ندید بر فته داعی رفت همدراین اوان حسینخان قاجار قزوینی بسرداری ایروان مامور گردید ولادت نواب کیقباد
میرزا و بهرام میرزا اروپا (انکلیس) فوت پیت در سن چهل و هفت سالگی صدارت گرانویل (فرانسه) امسال
بهترین سنوات سلطنت ناپلیون است مزاوجت دختر پادشاه باویر با پرنس اژن دبیهارنا پلیون بعد از مراجعت ناپلیون
با فتح و نصرت بپاریس لقب اعظم بر القابش افزوده میشود از بلاد مفتوحه کسر عمل خزانه فرانسه جا بجا میشود ایجاد
بانک فرانسه در میدان واندوم در پاریس مناری از توپهایکه از دشمن گرفته شده و ذوب نموده اند بنا میکنند
جمعیت فرانسه امسال پنجاه و هشت کرور و صد و هفت هزار نفر و کسری میباشد (سایر ممالک فرنگ) تصرف مملکت
ناپل بدست ژوزف برادر بزرگ ناپلیون سلاطین و ولات و دوکهای المان و ایطالیا در عداد ملتزمین رکاب ناپلیون
اسامی خود را ثبت میکنند ژوزف بناپارت برادر ناپلیون بپادشاهی ناپل برقرار میگردد لوئی بناپارت برادر
دیگر ناپلیون پادشاه هلاند میشود امپراطوری المان بعد از هزار و ششصد سال استدامت و بقا بدست ناپلیون
نابود میگردد منازعه فرانسه با پروس شکست خوردن پروس فتح معروف ینا بدست ناپلیون ورود ناپلیون ببرلن
و تصرف نمودن او این شهر را و ورود عساکر فرانسه بلهستان مورات سردار فرانسه ورشو را میگیرد والی ساکس
که با فرانسه متحد بود بحکم ناپلیون بپادشاهی ساکس برقرار میشود ناپلیون بورشو میرود مغایرت مابین روس
و عثمانی در باب ایالت افلاق بغدان ژاسی و بوخارست را قشون روس از عثمانی منتزع میکنند شورشیان سربستان
بلگراد را از تصرف عثمانی خارج مینمایند افریقا محمد علی پاشا در مصر اقتداری حاصل مینماید پوشیده نباشد
که اصل محمد علی پاشا از رومیلی خاک عثمانی بوده اما نه از نژاد اعاظم بلکه از اهالی سوق و کسبه در طفولیت کسب علم
ننموده در سن رشد داخل دزدان دریائی شده بعد رئیس یکطایفه راه زنی گردیده آخر الامر بسبب عزم و
جرأت و جلادتی که داشت بولایت مصر رسید

سنه ۱۸۰۷ مسیحی — سنه ۱۲۲۲ هجری

آسیا (ایران) در اینسال بنابر اینکه جنگ با روس بانتها نرسیده بر حسب امر اعلی عساکر منصوره از اطراف و جوانب

حرکت

حرکت کرده راه دار الخلافه را پیش گرفتند و موکب اعلیحضرت خاقان کشورستان فتحعلی شاه عزیمت سلطانیه
فرمود و در اوایل اینسال نواب علینقی میرزا بحکمرانی قزوین منصوب شد هم در این سال چون دولت روس خیال
جنگ با عثمانی داشت غراف کداویچ سردار روس که مامور قفقاز بود استیانفت نامی را با نامه که امپراطور روس بمیرزا
محمد شفیع صدر اعظم نوشته بود بدربار دولت علیه فرستاده طلب مصالحه نمود امنای دولت ایران مصالحه را
منوط باسترداد بلاد جز و ایروان و آذربایجان که عساکر روس متصرف شده بودند بودند و فرستاده را خرسند معاودت
دادند و حسینخان قوللر آقاسی برادر حسینخان قاجار قزوینی را که سردار حاکم آذربایجان و ایروان بود مامور همان صفحات کردند که
بمعاضدت برادر خود پرداخته و اشرفخان دماوندی و جمعی را بمحارست حصار ایروان محکوم ساختند هم در این سال
چون یوسف پاشا صدر اعظم دولت عثمانی فیضی محمود افندی نامی را بخدمت حضرت مستطاب نایب السلطنه ولیعهد
عباس میرزا فرستاده مودت و اتحاد دولت عثمانی را با دولت علیه اظهار داشته و ضمنا استخلاص سلیمان پاشا
کهیا را خواهش نموده حضرت مستطاب معظم نیز فتحعلیخان رشتی ولد هدایت الله خان را نزد یوسف پاشا فرستاده
موافقت دولت علیه را با دولت عثمانی ابلاغ کردند هم در این سال فیمابین نواب شاهزاده محمد ولی میرزا و فیروز الدین والی خراسان م
میرزای افغان والی هرات جنگ در گرفت تبیین آنکه در زمانیکه حسینخان قاجار قزوینی در خراسان بود ولایت غوریان را
که در هشت فرسنگی هرات است متصرف گردید و ولایت مزبوره باسحق خان قرائی سپرده شد اسحق خان حکومت غوریان
را بیوسف علیخان برادرزاده خود واگذار کرده و خود در ملازمت رکاب نواب شاهزاده محمد ولی میرزا بسر میبرد یوسف علی
خان بنابر مواعید فیروز الدین میرزا متابعت او را اختیار کرده و فیروز الدین میرزا حقوق اعلیحضرت خاقان کشورستان
را فراموش کرده صوفی اسلام نامی از صوفیه بخارا را که در کرخ من توابع هرات جمعی مرید دور خود جمع کرده بود با
پنجاه هزار سوار برداشته بطرف شکیبان که شش فرسخی هرات است حرکت کرد از اینطرف نیز بامر همایون نواب
شاهزاده محمد ولی میرزا و محمدخان نایب خراسان و خوانین و عساکر این ایالت بشاه ده یک فرسخی شکیبان آمدند و در
بیست و دویم ربیع الاول در صحرای شکیبان فریقین تلاقی نمودند صوفی اسلام که در هودج زرین و با حشمتی تمام
حرکت میکرد در هودج مقتول شد و قشون فیروز الدین میرزا شکست خورده بسیاری از خوانین و آحاد و افراد
لشکریان براه عدم رفته چند تن از سرکردگان و سه هزار از سپاهیان اسیر شده بقیة السیف بهرات گریختند
و اموال آنها بتصرف عساکر منصوره درآمد و فیروز الدین میرزا خراج دو ساله را داده و مالیات سنواتی را متقبل
گردید و یوسف علیخان قرائی را دست بسته بدرگاه والی خراسان فرستاد و خراج مزبور با بعضی هدایا و پیشکشها
در چمن سلطانیه بدرگاه خاقانی موصول گردید و موکب نواب شاهزاده محمد ولی میرزا بارض اقدس معاودت نمود و هم
در اینسال میرزا محمد رضای قزوینی که بایلچی گری بفرانسه رفته بود در بمنسه بحضور ناپلیون اول امپراطور فرانسه رسیده
مورد التفات زیاد گردیده و ناپلیون ژنرال غاردان را که سردار دوازده هزار قشون فرانسه بود با هفتاد نفر معلم
و مهندس نظامی و ارباب صنایع بدربار دولت علیه مامور نموده فتحعلیخان نوری قوردیساول باشی حضرت مستطاب نایب
السلطنه بمهمانداری آنها رفت و ژنرال مشار الیه و همراهان او با میرزا محمد رضای قزوینی بدار الخلافه آمدند و در خانه
میرزا محمد شفیع صدر اعظم منزل برای آنها معین شد و ژنرال غاردان بحضور اعلیحضرت خاقان مشرف شده نامه
مودت علامه ناپلیون را با هدایا تقدیم نمود و بعواطف خاقانی اختصاص یافته بلقب خانی مباهی گردید و عهد مودت
مابین دولت ایران و دولت فرانسه منعقد گردید و عسکرخان افشار ارومی بسفارت بفرانسه رفت و حکم همایون

شرف صدور یافت که حضرت مستطاب نایب السلطنه بتشکیل سپاه نظام پردازند و افواج پیاده استراباد و مازندران
و عراق وضع نظامی بهم رسانیده مشغول مشق شدند حتی شاهزادگان بتعلیم معلمین فرانسه بمشق کردن پرداختند و چیزی
نگذشت که پنجاه هزار نفر از عساکر آذربایجان و مازندران و عراق و سمنان و دامغان داخل در نظام گردیدند همدر
اینسال نواب امام ویردی میرزا ملقب بایلخانی شده و بمنصب سرکشیکچی باشی و ریش سفیدی سپاه ظفر همراه نایل آمد ویوسفخان گرجی منصب سپهداری یافت و بحکومت عراق منصوب شد
همدر اینسال چون علما و ینکچریان از سلطان سلیمخان سیم سلطان عثمانی راضی نبودند او را خلع کرده ابن عم او
سلطان مصطفی خان بن سلطان عبدالحمید خان را بتخت سلطنت عثمانی جلوس دادند اعلیحضرت خاقان آقا ابراهیم
شیخ الاسلام خوئی را که مرد دانا و خبیر بود بتهنیت جلوس سلطان مصطفی خان مامور دربار دولت عثمانی
فرمودند همدر اینسال میرزا محمد علی و میرزا اسمعیل از جانب میر عالم و میر غلامعلی و میر کرمعلی از ولایت
حیدرآباد هند با هدایا و تحف بدربار خاقان عظیم الاقتدار آمدند و فتحعلی خان خواجه وند با خلعت خسروانه بدان
ولایات مامور شد همدر اینسال غراف کداویچ سردار روس که در تفلیس بود فرستادهٔ با عریضه بدار الخلافه فرستاد
و نامه ژنرال غاردان خان سفیر فرانسه که در دربار معلی بود نوشته او را واسطهٔ صلح بین دولتین ایران و روس قرار داد
ولی اینکار صورت پذیر نشد و بعضی اینواقعه را از وقایع سال بعد دانسته اند تولد شاپور میرزا و ملک قاسم میرزا و منوچهر
میرزا و ایرج میرزا و کیکاوس میرزا فرزندان اعلیحضرت خاقان کشورستان و از سعادتهای بزرگ آخر این سال آنکه در
روز ششم ماه ذیقعده حضرت مستطاب نایب السلطنه ولیعهد را از بطن صبیهٔ محترمهٔ امیر کبیر میرزا محمد خان
بیگلربیگی قاجار دولو فرزندی ارجمند متولد شد و باذن اعلیحضرت خاقان گیتی ستان آن مولود مسعود موسوم بمحمد
میرزا گردید و این شاهزاده است که بعد از خاقان معظم بسریر سلطنت ایران جلوس مینماید اروپا قشلامیشی
ناپلیون در سیلزی فتح برسلو و دانزیک جنگ ناپلیون با قشون روس در ایلو و شکست فاحش روسها و در این
جنگ عساکر ناپلیون پنجاه و چهار هزار نفر و لشکر روس هفتاد و دو هزار نفر بودند و این جنگ یکی از جنگهای
خونریز دنیا بوده است جنگ دیگر ناپلیون با سپاه روس در فریدلاند ساحل رود نیمن معسکر ناپلیون میشود
و در تیلسیت با پادشاه پروس و امپراطور روس متارکه میکنند ملاقات امپراطور روس با امپراطور فرانسه در میان یک
قایقی در وسط رودخانه نیمن و انعقاد معاهده که موسوم به تیلسیت میشود در این معاهده شهر دانزیک شهر آزاد
و بیطرف میگردد ایالات متعدده از پروس منتزع گردیده و سلطنت وستفالی از این ایالات تشکیل یافته به
ژروم برادر ناپلیون تفویض میشود لهستان از تصرف روس خارج شده بایالت وارشوی موسوم و
بپادشاه ساکس مفوض میگردد آنچه را که ناپلیون در بلاد فرنگ تصرف کرده است الکساندر اول امپراطور
روس در این معاهده تصدیق میکند از طرف روس واسطهٔ صلح ما بین فرانسه و انگلیس میگردد و فرانسه
واسطهٔ مصالحه روس و عثمانی میشود ممالک هانور جزو سلطنت جدید وستفالی میگردد معاهدهٔ مخفی
ما بین عثمانی و انگلیس بر ضد ناپلیون نقار و کدورت باطنی اهالی فرانسه با ناپلیون دانمارک با ناپلیون بر ضد
انگلیس مشارکت دارد سفاین جنگی فرانسه نسبتاً با توشته از عهده بحریه انگلیس با دانمارک و ورود سفاین
جنگی بدریای سوند عساکر انگلیس سه روز و سه شب شهر کپنهاک را گلوله باران میکنند بالنتیجه از دولت
فرنگ از اعمال انگلیس ناراضی میباشند و با ناپلیون در ضدیت با انگلیس مشارکت دارند دولت روس
بتحریک ناپلیون فنلاند را از سوئد منتزع میسازد و قطعه ایالات دانوبی عثمانی را ناپلیون بروس میدهد

ژنرال ژونو با بیست و سه هزار قشون مملکت پرتوغال را برای ناپلیون فتح میکند خانوادهٔ براگانس که
سالها در پرتوغال سلطنت داشتند فرارا بر زیل که در ینکی دنیای جنوبی و متعلق بآنها بود میرود اعلان
جنگ انگلیس و روس بحکم ناپلیون تجارت انگلیس در ممالک وسیعه که مستقیما تصرفا و میا شدیا متحدین و
دوستان ناپلیون متصرفاند ممنوع میکردد (انگلیس) کاننگ بصدارت منصوب میشود (اسپانیول) پادشاه
این مملکت ابله و ملکه زانیه و صدر اعظم نا قابل و خاین در فتنه بلوا سیدولت با ینوضع با ناپلیون عهد مخفی میبندد
که مملکت پرتوغال را با فرانسه تقسیم کنند پادشاه ابله ولیعهد خود را محبوس میسازد و شئونات سلطنتی از این
خانواده سلب میکردد (فرانسه) ایجاد قانون تجارت برقرار شدن القابی که در هنکام جمهوری حذف شده بود
ناپلیون مشوق علما وارباب صنایع است تشریفات دربار قدیم سلطنت فرانسه مجددا معمول میکردد سفر ناپلیون
با یطالیا و دادن برادرزن ربیب خود لقب شاهزادکی و نیز را (عثمانی وانکلیس و روس) روس و انکلیس بر ضد
عثمانی متحد میکردند سر اردوی روس از دنی استر عبور کرده بخاک عثمانی ورود مینماید امیرال انکلیس دوک ورث
با سفاین جنکی به داردانل میاید دربار عثمانی متزلزل است ایلچی فرانسه سلطان سلیمان سیم را تحارست مینماید
قشون انکلیس در مصر اسکندریه را میکیرد یاغیان صرب بار وس متحد میشوند سلطان سلیمان سیم را عساکر ینکچریان
که ازاو راضی نبودند خلع و حبس میکنند و ابن عم او سلطان مصطفی خان را بجای او نصب میکنند مصریها
قشون انکلیس را از اسکندریه میدوانند امریکا رواج سفاین تجاری لزوم و درک فواید آن .

سنه ۱۲۲۳ هجری
سنه ۱۸۰۸ مسیحی

آسیا (ایران) در اوایل اینسال نیز موکب اعلیحضرت خاقان مملکت ستان فتحعلی شاه تشریف فرمای چمن
سلطانیه کردیده و عساکر منصوره نیز از هر طرف متوجه ایران باز حرکت کردیدند همدراینسال امیر ناصر الدین
توره ابن میر معصوم بیکجان با یکهزار خانوار مروی بارض اقدس آمد تبیین آنکه امیر حیدر توره برادر امیر ناصر الدین
توره حکمران بخارا این اوان بجهة اظهار توسلی که امیر ناصر الدین توره حکمران مرو بملازمان حضرت خاقان کشورستان
کرده بود ازاو متوهم شده لشکر بمرو کشید و بند مرو را خراب نمود و زیستن در مرو صعب شد امیر ناصر الدین
مراتب را بنواب شاهزاده محمد ولی میرزا حکمران خراسان عرضه داشت نواب معظم باستان همایون و حکم شد محمد خان نایب
خراسان بمرو رود و امیر ناصر الدین توره را با محمد شریفخان مروزی قاجار برادرزادهٔ حاجی محمد حسینخان عزالدینلو
با هزار سوار بارض اقدس آورد و امیر ناصر الدین توره بعد از آنکه در خراسان سکنی کرفت با نواب شاهزاده محمد ولی میرزا
وصلت کرد و بعد از مدتی بمباحث عثمانی و روس رفت و در ممالک روس درکذشت همدر اینسال فیمابین سلیمان پاشا
والی بغداد و عبد الرحمن پاشا حاکم شهرزور خلاف درکرفت و عبد الرحمن پاشا مغلوبا بکرمانشهان آمده با ولیای دولت
علیه متوسل کردید لهذا فرج الله خان افشار بنصب عبد الرحمن پاشا و تهدید سلیمان پاشا مامور شده اینخدمت را
بانجام رسانیده بازکشت همدر اینسال نوشتجات فیمابین غراف کداویچ و ژنرال غاردان خان سفیر فرانسه ارسال و
مرسول شده کداویچ متعهد شد که امسال عساکر روس را با سپاه ایران بنا رهمنا دکر باشد تا بالکلیه صلح بانجام رسد و
ژنرال غاردان اظهار داشت که چون ناپلیون با امپراطور روس در کار انعقاد عهد مصالحه میباشد من در عریضهٔ خود
بناپلیون نوشته ام که قرار تخلیهٔ ولایت کرجستان و قراباغ و آران را نیز بدهد و لشکر روس بدهند همدر اینسال سرزن
ملکم که سابقا از جانب حکومت هندوستان انکلیس بدربار همایون بسفارت آمده بود مجددا با ایلچیکری از جانب

حکومت

حکومت مشارالیها به بندر بوشهر آمد و چون ژنرال غاردان خان با آمدن سفیر انکلیس به دربار همایون مایل نبود و نیز
تعهدات کرده اسمعیل خان پیشخدمت خاصه بشیراز رفت و بوضع خوش به سرژن ملکم پیغام فرستاد که تا زمان
ظهور تعهدات فرانسه سفیر بنا را بتوقف در آنجائی که هست گذارد مقارن اینحال حکمی از فرمانفرمای هندوستان
به سرژن ملکم رسید که سر هرفرد ژونس از جانب پادشاه انکلستان مامور سفارت ایران و وارد بمبئی شده
بنابراین مراجعت تو اولی است لهذا سرژن ملکم بکلکته مراجعت کرد هم در این سال حضرت مستطاب نایب
السلطنه بکنار رود ارس آمده بعضی از سرداران سپاه را مامور دفع عساکر روس فرمودند و در شب نهم
شوال امسال لشکر روس بقلعه ایروان یورش بردند مستحفظین قلعه یعنی حسنخان برادر حسینخان سردار و
کلبعلیخان سپانلو و قاجار و اشرفخان دماوندی و میرزا علینقیخان قندسکی بمدافعه پرداختند و جنگی
سخت در گرفت و بسیاری از صاحبمنصبان و عساکر روس مجروح و مقتول شدند ناچار گداویچ با بقیة السیف
صرف نظر از یورش و حمله نموده بطرف سنگرهای خود راندند و در بیست و دوم شوال راه گرجستان پیش
گرفتند هم در این اوان علیخان قوانلو و امان الله خان افشار با دو دسته از سپاه روس مقاتله نموده بر آنها
غلبه کردند و شیخعلیخان قبه‌ئی نیز در حوالی دربند با دسته جات قشون روس که در آنجا بودند زد و خوردی کرده بر آنها
غالب آمد و علیخان قاجار بعلت زخمی که در پا داشت درگذشت و این اخبار در زرند و ساوه بسمع مبارک اعلیحضرت
خاقان رسید و موکب همایون بعد از شکار در زرند و ساوه بدار الخلافه طهران مراجعت کرد هم در این اوان
سر هرفرد ژونس سفیر انکلیس وارد بندر بوشهر شده محمد خان حاجلر استرابادی یوزباشی بمهمانداری او بشیراز
رفت و با سفیر مشار الیه باصفهان آمد و چون اثری از تعهدات ژنرال غاردان خان ایلچی فرانسه بظهور نرسید
بی اذن امنای دولت و حکم ناپلیون از راه تبریز و تفلیس بپاریس شتافت و سفیر دولت انکلیس از اصفهان
عزیمت دار الخلافه نموده روز بیست و هشتم ماه ذیحجه این سال وارد طهران شد و در خانه حاجی محمد حسینخان
امین الدوله منزل برای او معین کردند تولد نواب شاهقلی میرزا و محمد مهدی میرزا و وفات میرزا محمد رضی تبریزی
صاحب نبذة التواریخ **امروپا** شارل چهارم پادشاه اسپانیول بنابر تحریکات باطنی ناپلیون مصمم فرار به
آمریک است مورات سردار فرانسه با عساکر زیاد وارد اسپانیول میشود در فرار پادشاه اسپانیول مردم
با او میشوند لهذا پادشاه از سلطنت استعفا کرده پسرش فردیناند هفتم بجای او بتخت سلطنت جلوس مینماید
مورات سردار پادشاه تازه را نمیشناسد و وارد پای تخت اسپانیول میشود ناپلیون پدر و پسر را در شهر باین
احضار مینماید که بین الطرفین ثالث و حکم گردد و فیمابین را اصلاح نماید ولی بجای اصلاح تفتین نموده
و ژوزف برادر خود را بسلطنت اسپانیول معین و مامور میکند اهالی اسپانیا از این رفتار ناپلیون متغیر
شده با فرانسه‌ها بنای ضدیت را میگذارند و پنهان و آشکارا از عساکر فرانسه میکشند انکلیس با اسپانیولها
در ضدیت با فرانسه شریک میشود چون پی هفتم پاپ ناپلیون را لعن کرده بود عساکر فرانسه شهر رم را متصرف مینمایند
بمورات سردار فرانسه تاج سلطنت ناپل داده میشود و لسلی سردار انکلیس سردار فرانسه را در لیزبن پای تخت
پرتوغال شکست میدهد ملاقات مجدد ناپلیون با امپراطور روس که معاهده مخفی با یکدیگر بستند که فرنک را بالسویه
تقسیم کنند حرکت ناپلیون بطرف اسپانیول قشون فرستادن امپراطور روس بسمت سوئد فتوحات ناپلیون در خاک
اسپانیا ورود ناپلیون بشهر مادرید پای تخت اسپانیول و رفاهیت و آزادی دادن در اسپانیا برعیت با وجود

رفاهیت

رفاهیت بسیار اکرنا پلیون با سپانیولیها داد باز آنها بر ضد فرانسه میباشند (ایطالیا) مؤرّات بوضع سلطنت وارد ناپل میشود (اطریش) دولت اطریش جمعیت زیادی از عساکر خود را مسلح مینماید (دانمارک) فوت کرستیان هفتم پادشاه در سن شصت سالکی بعد از چهل و دو سال سلطنت جلوس پسرش فردریک ششم بجای او (فرانسه) دادن القاب بامیر دارها و وزرا عده عساکر فرانسه را بنوفت بد و کرور میرسد (پروس) تنظیمات جدیده و قشون دولت (روس) فنلاند کلیةً از سوئد منتزع شده بتصرّف امپراطور روس در میاید (عثمانی) سورش مردم بر ضد سلطان مصطفی خان چهارم سلطان عثمانی و طلب نمودن سلطان سلیمخان سیم را که در محبس بود اما اشخاصی که از سلطان سلیمخان ناراضی و شاکی بودند او را در محبس بقتل رسانیدند و سلطان محمود خان دویم بتخت سلطنت عثمانی جلوس نمود طایفه ینکیچری قتل و غارت زیادی در اسلامبول مینمایند و بسیاری از مواضع اسلامبول را آتش میزنند و سلطان مصطفی خان را نیز بقتل میرسانند

سنه ۱۲۲۴ هجری

سنه ۱۸۰۹ مسیحی

آسیا (ایران) در وقایع سال قبل مذکور شد که سیر هرفرد جونس ایلچی انکلیس در بیست و هشتم ذیحجه وارد دار الخلافه طهران شد ایلچی مشار الیه روز سیم محرم امیسال بحضور اعلیحضرت خاقان کشورستان فتحعلیشاه مشرف شده نامه مهر علامه پادشاه انکلستان را با یکقطعه الماس کرانبها که برسم هدیه پادشاه انکلستان برای شهریار ایران انفاذ داشته بودند بحضور مکرمت ظهور خاقانی تقدیم نمود و آن قطعه الماس را کوهریان بمبلغهای خطیر بها نموده قیمت کذاشتند خلاصه سفیر انکلیس مشمول تفقدات شاهانه کردیده پس از چندی باذربایجان رفته در حضرت مستطاب نایب السلطنه ولیعهد دولت علیه مقامی منیع بهم رسانیده و واسطه او عهدنامه بین دولتین ایران و انکلیس منعقد کردید و ژنرال غاردان خان که بی اذن ناپلیون بفرانسه باز کشته مورد مؤاخذه شده و عسکرخان افشار سفیر ایران که مدتی در فرانسه بود ناپلیون او را بحضور خود طلبیده از طول مدت توقف او و مماطله در جواب عذر خواست و با نامه دوستی و مسیو اوتره نام او را بایران معاودت داد هم در این اوان سیر ژن ملکم نیز از جانب حکومت هندوستان انکلیس بایران آمده چندی توقف کرده و باز کشت هم در این اوقات علمای اسلام فتوی دادند که جنگ با روس دفاع و جهاد است و اعلیحضرت خاقان کشورستان مجاهد فی سبیل الله میباشد هم در این اوان فتحعلیخان خواجه وند از سفارت سند مراجعت کرده میرزا ثابت علی نام فرستاده ولاه سند نیز با هدایا بهمراهی او بدربار همایون آمد و میرزا مهدی نام اصفهانی باتفاق میرزا ثابت علی مامور و روانه سند کردید در زمستان این سال زلزله عظیم در مازندران شد و ابتدای ظهور آن در عصر روز جمعه اواخر شوال بود و تا یکماه زلازل شدیده مردم را متوحش داشت و چند ماه بعد نیز زلزلهها خفیفه در کار بود خلاصه این زلازل عمارات عالیه را منهدم ساخت و زمین را منشق کرده کل بسیار از آن بیرون آمد و بعضی این زلازل را ابتدا قبل نسبت داده اند در این سال نواب شاهزاده عبد الله میرزا متخلص بدارا که در بیست و چهارم ماه جمادی الاولی سنه هزار و دویست و یازده متولد شده بود بحکمرانی خمسه منصوب کردید و میرزا محمد نبی علی آبادی والد میرزا محمد زکی مستوفی الممالک شاه شهید سعید طاب ثراه ملقب بصاحبدیوان بلند مرتبه وزارت رسید و نواب حسام السلطنه محمد تقی میرزا بحکومت بروجرد و سیلاخور و چاپلق برقرار کشت و میرزا علی کرائیلی بوزارت این شاهزاده نایل آمده نواب شیخعلی میرزا بحکمرانی ملایر و احشام زند بیه منصوب کردید و حاجی میرزا اسمعیل اشرفی ناظر سابق بوزارت شیخعلی میرزا مباهی شد هم در این سال عراقرا کرایوچ

بسبب شکست ایروان مغضوب و بدربار امپراطور روس احضار شد و ترو موصوف بجای او بسرداری گرجستان
آمد همدر این سال نواب شاهزاده محمد علی میرزا بچمن سلطانیه مامور شد و حاجی میرزا ابو الحسنخان شیرازی
همشیره زاده مرحوم حاجی ابراهیمخان وزیر شاه شهید سعید انار الله برهانه بواسطه انتساب با حاجی محمد حسینخان
امین الدوله و لیاقت شخصی بسفارت انگلیس منتخب و روانه گردید و چون از راه اسلامبول میرفت نامه نیز با هدایا
بدربار سلطان عثمانی مصحوب او ارسال شد و از آنجا که مصطفی قلیخان عرب حاکم ترشیز هفت سال بود بواسطه توهم
و وحشتی که عارض او شده از تقبیل عتبه علیه تحاشی داشت نواب شاهزاده محمد ولیمیرزا والی خراسان بمحاصره
ترشیز آمدند و مصطفی قلیخان را مقهور کرده با امیر قلیخان تیموری بدربار معلی روانه کردند و موکب همایون عزیمت
چمن سلطانیه فرمود و نواب شاهزاده محمد علیمیرزا با سپاهی آراسته بتقبیل رکاب اعلی آمد و میرزا بزرگ وزیر آذربایجان
نیز از تبریز در رسید و چون دانست که موکب خاقانی عازم آذربایجان و توقف در آنجا نیست بجهت تهیه و انجام
بعضی خدمات رخصت انصراف یافت نواب شاهزاده محمد علیمیرزا دو روز پیشتر حرکت کرد و موکب خاقانی نیز از
سلطانیه تشریف فرمای چمن اوجان گردید و هنگام ورود بحضرت مستطاب نایب السلطنه ولیعهد بیست هزار نفر
پیاده نظام جدید آذربایجان را با بیست عراده توپ بازسان نظر مبارک گذرانیده زیاده از حد مورد تحسین و
تمجید گردیدند همدر این اوان چون ترو موصوف سردار روس دیگر بیکی تفلیس اقامت کرده و صاحب منصبان و قشون
ابواجمعی خود را باطراف مامور و روانه میکرد اعلیحضرت خاقان کشورستان محمد علیمیرزا را با بیست هزار سوار
المرزی و قاجار بطرف تفلیس مامور فرمودند و موکب حضرت نایب السلطنه روانه گنجه گردید و فرج الله خان نسقچی باشی
با امرای علی روانه اردبیل شد و موکب خاقانی بجانب سراب توجه فرمود و نواب شاهزاده محمد علیمیرزا در محال حمانلو در
سر منزل ایروان با قشون روس تلاقی نموده بر ایشان غالب آمد و بعضی اسرا از آنها گرفته بدرگاه معلی فرستاد و
خود بجانب تفلیس راند ایلات آنصفحات را همراه کردند حضرت مستطاب نایب السلطنه نیز از راه کوکچه ییلاق بگنجه
شتافته ایلات آنجا را کوچانیده روانه ایروان کردند و پولکونیک روسی که بحراست آن محل و ایلات آمده بود
فرار نمود و امیرخان دولوی قاجار تا حوالی گنجه او را تعاقب کرده و بعضی از همراهان او را مقتول و برخی را دستگیر
ساخت ترو موصوف سردار روس چون از این وقایع خبردار گردید عریضه بخدمت حضرت مستطاب نایب السلطنه
نوشته اظهار داشت که بعد از حرکت رایات نصرت آیات از این نواحی گنجه را خالی خواهد نمود و بتفلیس
خواهد رفت از آن راه که آذوقه کمیاب بود حضرت مستطاب معظم بایروان توجه فرمودند و در چمن کوکچه
با برادر والاگهر خود شاهزاده محمد علیمیرزا ملاقات نمودند و نواب محمد علی میرزا بموکب اعلی پیوست و فرج الله
خان افشار که روانه اردبیل و آن حدود شده بود با مصطفی خان طالش مقاتله نموده بر او غلبه کرد و قلعه لنکران
را متصرف شد مصطفی خان در قلعه جامیشوان محصور گردید و ناچار از در عجز در آمد میرزا بزرگ وزیر
آذربایجان باستمالت او رفته وی را اطمینان داد و فرج الله خان از محاصره باز گشت همدر این سال بنا بر شرارت
ترکمه تکه نواب محمد ولیمیرزا والی خراسان در ماه جمادی الثانیه با سرکردگان خراسان بدشت خاوران
یعنی بطرف نسا و ابیورد و درون و مهنه و آنصفحات رانده ترکمانان شرور را تنبیه و مقهور نمودند و بعضی
غنایم نصیب عساکر نواب شاهزاده گردید همدر این سال میرزا رضا قلی نوائی متخلص بسلطانی صاحب دیوان
انشا بوزارت خراسان رفت و منشی الممالکی مخصوص میرزا عبد الوهاب اصفهانی متخلص بنشاط صاحب گنجینه

کرشاپان این منصب بود شد و محمد حسینخان امین الدوله مامور محاسبه فارس کردید و ولایات خمسه و پاشاجق القاصر بیک نامی کرجی را بدربار همایون فرستاده اظهار عبودیت کردند و تقویت و حمایت آنها بر عهده حضرت مستطاب نایب السلطنه موکول آمد هم در این اوان فیمابین عبدالله خان بیکلربیکی لارستان و احمد خان بستکی نزاع درگرفت و عبدالله خان از نواب حسینعلی میرزا فرمانفرمای فارس استدعای استمداد نمود نواب معظم صادقخان دولو پسر رضا قلیخان قاجار را با سپاهی بکمک او مامور کردند اهالی بستک و جهانگیریه بجماعت وهابی کنگ[ان] متوسل شدند صادقخان با قشون ابو المجمعی خود در حوالی بحرین و قطیف با آنها اقدام بمقابلت و مقاتلت کرد و در اول کار پیش نشست آنها کمان کردند که شکست خورده و فرار کرده است بنابراین اعراب بمحل بنه وارد و آمده مشغول بغارت شدند و در سر تقسیم اموال نزاع فیمابین آنها در گرفت صادقخان غفلة از کمین بر آمده بر سر آنها تاخت و

همدرا نیسال ایلچی سند با هدایا بدربار معلی آمد و میرزا عبدالوهاب نشاط ملقب بمعتمد الدوله کردید

همه را روانه دیار عدم ساخت و قلعه بستک و جهانگیریه را مستخلص نموده بحاکم لار تفویض کرده بشیراز آمد **اروپا** جنگ بسیار سخت عساکر فرانسه در اسپانیا اتحاد اسپانیولها و پرتوغالیها بر ضد فرانسه بر زکلد و دولت فیمابین اطریش و فرانسه اتحاد دول و ملل بتحریک انکلیس بر ضد فرانسه حرکت قشون اطریش بر ضد فرانسه و تصرف نمودن مونیک پای تخت باویر را که با فرانسه متحد بود منازعه فرانسه با عساکر اطریش و فتوحات قشون فرانسه در جنگ راتیسبن پای ناپلیون مجروح میشود ناپلیون بسمت وینه پای تخت اطریش رانده بعد از تصرف این شهر بطرف مراوی میرود و در آسپرن واسلنگ با عساکر اطریش جنگیده و در این جنگ مارشال لان مقتول میگردد جنگ سخت ناپلیون در واگرام که بعد از این فتح اطریش طالب صلح میشود شورش اسپانیولها بر ضد فرانسه در کمال سختی است ولسلی سردار انکلیس که در پرتوغال فتوحات کرده بود ملقب به ویکنت ولنگتن میکردد مابین سردارهای فرانسه در پرتوغال و اسپانیول نفاق حاصل میشود ناپلیون از اطریش عزیمت اسپانیول مینماید عهد دوستی با اطریش در قصر شونبرون حوالی وینه منعقد میکردد (اسپانیول) احکام ژوزف بناپارت برادر ناپلیون پادشاه اسپانیول بر خلاف میل اهالی است (فرانسه) ناپلیون زوجه خود ژوزفین را که از او اولاد نمیشود طلاق میدهد (روس) اعلان جنگ روس بعثمانی عبور عساکر روس از دانوب قلعه پوطی را که متصرف عثمانی بود روسها مسخر مینمایند (سوئد) شورش در این مملکت بانیمعنی که گوستاو چهارم پادشاه چون خیال سازش با انکلیس داشت مردم با وشوریده او را گرفته حبس کردند و او را مجبور باستعفا از سلطنت نمودند و شارل عموی گوستاو بجای او بسلطنت برقرار میکردد (عثمانی) شورش سربستان گرفتن طایفه وهابی دمشق را **امریکا** برای اثبات بیطرفی مابین فرانسه و انکلیس اتاژونی بنیکی دنیا سفاین فرانسه و انکلیس را در بنادر خود راه نمیدهد مادیسن بریاست جمهوری اتاژونی برقرار میکردد

سنه ۱۲۲۵ هجری سنه ۱۸۱۰ مسیحی

آسیا (ایران) در اوایل این سال موکب خاقان مملکت ستان تشریف فرمای چمن سلطانیه کردید و نواب شاهزاده علیخان برادر صلبی و بطنی حضرت مستطاب نایب السلطنه از چمن سلطانیه بدفع دسته بیلک و آباران مامور شدند و اسمعیل خان دامغانی و برادرانش ذوالفقار خان و مطلب خان با لشکریان سمنانی و سواران مافی و خواجه وند و عبدالملکی ملتزم رکاب نواب شاهزاده کردیدند و در محال پنبک و آباران با قشون روس تلاقی و کارزار کرده بر آنها غالب آمدند و تا نزدیکی قراباغ و محال گنجه تاختند بسیاری از ایلات آن نواحی را کوچ داده با پروان

باز

بلز آمدند و هنگامیکه چمن اوجان مضرب خیام گردون احتشام معلی بود بشرف حضور همایون مشرف گردیدند هم در
اینسال سیر ژن ملکم از جانب حکومت هندوستان انگلیس به بندر بوشهر آمد و محمد نبی خان بکلربیگی فارس بمهمانداری
او رفته سفیر مشار الیه را در چمن سلطانیه بحضور مبارک خاقانی مشرف ساخته بعضی هدایا و تحف لایقه را که حامل
بود تقدیم ملازمان حضرت نمود پس از آن عریضه میرزا ابوالحسنخان شیرازی سفیر ایران مقیم لندن بدربار دولت علیه
رسید که امنای دولت انگلیس مقرر داشته‌اند سیر هرفرد ژونس بسفارت مقیم دربار دولت ایران باشد و سیر ژن ملکم
بهندوستان معاودت نماید لهذا سیر ژن ملکم از راه مراغه ببغداد و از بغداد بهندوستان بازگشت هم در اینسال
ابراهیمخان قاجار بغارت و تاراج ایلات قراباغ که از فرمان همایون سر پیچیده بودند رفته و با غنایم بازگشت هم در
اینسال اعراب و اکراد بغداد و حوالی باشاره امنای دولت عثمانی سلیمان پاشای والی بغداد را گرفته و باستان
همایون داشته مقتول نمودند و عبدالله پاشا نامی کهجی پاپالت بغداد بر قرار گردیده احمد چلبی را با عریضه و پیشکش
بحضور مبارک فرستاد و ایالت او ممضی شد هم در اینسال در اول ماه شوال موکب همایون از چمن اوجان انتهاض فرموده
در اواخر ماه مزبور نشر بهقری های دار الخلافه گردید هم در اینسال تزومسوف سردار روس بمیانه تفلیس و پاشاچق
رفته قصد گرفتن سلیمانخان حاکم پاشاچق نمود سلیمانخان از امنای دولت علیه کمک خواسته حسینخان سردار ایروان
بامداد او رفت و ابتدا پیشرفت کاملی بهمرسانیدند تا شبی غفلتا گروه روسها در اردوی او ریختند و بقتل و غارت
پرداخته سردار از اردو خارج شد و میرزا علینقیخان قندرسکی جنگ سختی با روسها کرده آنها را مقهور و مغلوب نمود
و سردار ایروان بتبریز آمده حضرت مستطاب نایب السلطنه جمعی را بامداد و همراهی او مامور فرمودند و او بطرف کلیسا
پنبک شتافت و از همراهان او محمد بیگ قاجار افشار و قاسمخان سرکرده غلام تفنگچیان در اینسفر دلیریها نمودند
و در یکشبانه روز بیست و هشت فرسنگ راه پیاده در میان برف و یخ و سرما طی کردند و در هشت فرسنگی پنبک
بر روسها حمله نمودند و جنگ عظیمی در گرفت عساکر منصوره از اطراف بسنگرهای قشون روس یورش برده داخل سنگر
شدند و در این یورش و حمله بسیاری از لشکر روس مقتول گشتند نیز بر سر روسهائیکه در قلعه شیخ آویز بودند تاخته
جمعی از آنها را بکشتند هم در اینسال میرزا محمد صادق مروزی که در سال هزار و دویست و پانزده بشغل تاریخ نگاری
یافته تاریخ جهان آرا را بنظر همایون رسانیده و دارو غه دفتر معلی گردید هم در اینسال موکب خاقان کشورستان
بطرف کاشان و اصفهان انتهاض فرموده و مبلغ یکصد هزار تومان نقد از اصل مالیات رعایا تخفیف داده شد
اروپا دولت سوئد بر ضد انگلیس با ناپلیون مشارکت دارد فتوحات فرانسه در اسپانیول پاپ از سلطنت جسمانی
و ظاهری خلع شده باید همان سلطنت روحانی یعنی دیانتی قناعت نماید شهر رم پای تخت ثانوی فرانسه
میگردد مزاوجت ناپلیون با ماری لوئیز دختر امپراطور اطریش و اینقضیه ثانی است که ناپلیون متاهل میگردد
لوئی برادر ناپلیون که سلطنت هلاند داشت چون پادشاهی خود را غیر مستقل می بیند از سلطنت استعفا میکند
و شهر آمستردام پای تخت سیم مملکت فرانسه میشود بلاد ینکی دنیائی که متعلق باسپانیا میباشد از قبیل مکزیک و
شیلی و بوئنزئیرس و پاراگائی بجزیرهٔ خود را از اسپانیا اعلام مینمایند (فرانسه) مسافرت ناپلیون با امپراطریس
تازه ببلژیک مملکت فرانسه در اینسال مشتمل بر صد و سی ایالت میباشد و جمعیت آن هشتاد و چهار کرور که
این هشتاد و چهار کرور بچهار زبان تکلم میکنند زبان فرانسه زبان هلاند زبان المان زبان ایطالیا (پروس)
فوت ملکه لوئیز املی در سن سی و چهار سالگی (روس) ایجاد دار الشورای دولتی امپراطور روس با ناپلیون

اظهار مخالفت نموده از دایرهٔ دوستی او خارج گردیده بنادر خود را برای سفاین انگلیس مفتوح و برای کشتیهای فرانسه مسدود میسازد و عساکر فاتح روس قلعهٔ سیلیستری را در بلغارستان مفتوح میسازند (سوئد) پادشاه تازه که شارل هشتم باشد چون اولاد نداشت یکی از بنی اعمام خود را ولیعهد مینماید و بعد از چند روز غفلةً میمیرد این مرگ ناگهانی مردم را بخیال انداخته تصور میکنند که او را مسموم کرده اند جمعی از اهالی سوئد سردار فرانسه برنادت را بولیعهدی میطلبند برنادت برضایت ناپلیون قبول ولیعهدی مینماید و از مذهب کاتولیکی خارج شده قبول طریقهٔ پروتستان میکند اعلان جنگ سوئد بانگلیس

سنهٔ ۱۲۲۶ هجری سنهٔ ۱۸۱۱ مسیحی

آسیا (ایران) درماه صفر اینسال موکب اعلیحضرت خاقان کشورستان فتحعلیشاه که تشریف فرمای اصفهان شده بدار الخلافه طهران معاودت فرمود و عسکرخان افشار ارومی که بسفارت بدربار ناپلیون اول امپراطور فرانسه رفته بود مراجعت کرده هدایائی که ناپلیون برای پادشاه ایران مصحوب او ارسال داشته تقدیم نمود هم درینسال محمدصادق خان قاجار که بحکم نواب شاهزاده حسینعلی میرزا باعانت و امداد امام مسقط رفته بود طایفهٔ وهابی را در بحرین گوشمالی نیز داده جمعی کثیر از آنجماعت را بدیار عدم فرستاد هم درینسال سلطان محمود خان سلطان عثمانی عبدالوهاب افندی و شاکر افندی و حبرت افندی را بسفارت بدربار دولت علیه فرستاده اظهار اتحاد کامل از جانب سلطان معظم با خاقان مملکت ستان نمودند و در ضمن از عبدالرحمن پاشا حاکم شهرزور شکایت کردند در جواب عرایض ایشان مقرر شد که حکمرانی شهرزور و بصوابدید امنای دولت علیهٔ ایران معین گردد نیز والی بغداد شخصی بی غرض باشد که ملاحظهٔ مسافرین و زوار ایرانی را در بغداد و اماکن مشرفه بنماید و پس از این تقریرات فرستادگان مشارالیهم بتبریز و خدمت حضرت مستطاب نایب السلطنه مامور شدند و موکب همایون بجانب سلطانیه نهضت فرما گردید هم درینوان صبیهٔ محترمهٔ میرزا محمدخان دولوی قاجار را بنواب شاهزاده شیخعلی میرزا و دختر نواب امیرکبیر سلیمانخان اعتضاد الدوله مرحوم را بنواب شاهزاده عبدالله میرزای متخلص بدارا عقد بستند و در چمن سلطانیه شرایط جشن این دو سور لازم السرور بعمل آمد هم درین ایام چون فیروز الدین میرزا والی هرات در ادای خراج مقرره براه تهاون و مساهله میرفت نواب شاهزاده محمدولی میرزا والی خراسان برحسب امر اعلی از مشهد مقدس لشکر بهرات کشیدند و در محل پل نقره سه فرسخی هرات نزول کردند و دسته جات قشون ظفرنمون را بتاخت اطراف فرمان دادند فیروز الدین میرزا چون استعداد مقابله و مقاتله نداشت خوانین خراسان را که ملتزم رکاب نواب شاهزاده بودند شفیع قرار داده بادای پیشکش و خراج پرداخت و ملک حسین میرزا پسر خود را برسم گروی بخدمت نواب معظم فرستاد و والا شاهزاده از حوالی هرات معاودت نمود هم درین سال چون عبدالرحمن پاشای بابان که بحمایت ملازمان حضرت خاقانی حکمرانی شهرزور یافته بود و پس از استقلال در قتل سلیمان پاشا ساعی گردیده این اوقات با امنای ایندولت و امان الله خان والی کردستان نیز طریق مخالفت می پیمود نواب شاهزاده محمدعلی میرزا والی کرمانشهان و لرستان و خوزستان و عربستان ملقب به دولتشاه بامر خاقان کشورستان با جمعی از امرای ایندیار او حرکت کردند و در غرهٔ ماه شعبان اینسال وارد زهاب گردیدند خالد پاشا بنی عم عبدالرحمن پاشا از در اطاعت درآمد وارد و شاهزاده معظم بکنار رود سیروان جای گرفتند نوروزخان قاجار در سرشب بر احمد پاشا برادر عبدالرحمن پاشا حمله کرد احمد پاشا بگریخت و عبدالرحمن پاشا نیز فرار ابو لابات کوی و حریف نواب شاهزاده محمدعلی میرزای دولتشاه سلیمانیه و شهرزور را تصرف کرده برسر عبدالرحمن پاشا رفتند و را

در قلعه کوی محصور فرمودند عبدالرحمن پاشا چارهٔ جز اطاعت ندید از قلعه بزیر آمده بخدمت حضرت شاهزاده مشرف شد
و بضراعت و استکانت پرداخت و فرزندان خود را برسم نوا بعنی گروی ملتزم رکاب شاهزاده نمود و پیشکشی لایق بداد و بحکم
دولتشاه محمدپاشا بحکومت شهرزور و کوی و حریر منصوب و برقرار گردید و نواب شاهزاده بکرمانشهان معاودت فرمودند
هم در این سال میرزا ابوالحسن خان سفیر ایران مامور دولت انکلیس بود بار دولت علیه مراجعت کرد و سرکوراوزلی
نام از اعاظم انکلیس همراهی او و مامور سفارت ایران و روانه ایران شده و از اتفاقات غریبه آنکه سفینه که دو سفیر
مشارالیهما در آن بودند در دریا دوچار طوفان شده و بی اختیار آنها را بطرف ینکی دنیا برده بساحل برزیل رسیدند
پادشاه پرتوغال که این مملکت را متصرف بود و از خوف ناپلیون خود بزیر بدینجا آمده از حال دو سفیر آگاه شده ایشان را
مهمانی و اکرام زیاد نمود و در آن ایام در آنجا ماری صید کردند که سیزده ذرع طول آن بود و قریب یکذرع پشت
گردن آن عرض داشت از فرط غرابت مار را بنظر پادشاه رسانیدند و پوست آن را که بعضی امتحان کنند و بود با دو سفیر
بایران فرستادند خلاصه سفیر انکلیس باتفاق سفیر ایران بدربار همایون آمد و لوازم پذیرائی را در باره او معمول داشتند
و در خانه حاجی محمد حسینخان امین الدوله برای او منزل تعیین نمودند و در عمارت گلستان بحضور خاقان کشورستان
مشرف شده نامهٔ پادشاه انکلستان را با تحف لایقه یعنی یکقطعه الماس برلیان که بیست و پنج قراط وزن داشت
تقدیم نمود و بعنایات پادشاهی مستظهر گردیده مبلغی وجه نقد و سی هزار قبضه تفنگ انکلیسی و بیست عراده وان الماس الآن در موزهٔ همایونی موجود است
توپ و مقداری قورخانه و سی نفر معلم مهندس که همراه داشت تسلیم کرد در زمستان این سال با آنکه مزاج
حضرت مستطاب نایب السلطنه خالی از علتی نبود و در نخجوان و ایروان و قراباغ خود را مشغول میفرمودند
ایلات قراباغ را کوچانیده بقراجه داغ آوردند و جعفرقلیخان نبیرهٔ ابراهیم خلیلخان که اسیر روسها بود و
او را بتفلیس میبردند که روانه سیبری کنند هنگام عبور از رود ترتر زمام اسب را که در دست سربازی روسی بود
بریده بپال اسب متمسک شد و خود را بمیان یکی از ایلات مزبوره که در کار کوچ بودند رسانیدند و الحق جلادتی بکار برد حضرت
مستطاب نایب السلطنه حکومت قراجه داغ را با چهار هزار تومان مواجب با و مرحمت فرمودند هم در اینسال سرداری
تازه از روس بجای تر مسوف مامور شده با سه هزار سرباز و توپخانه و آذوقه بمحل سلطان بود آمده لهذا حضرت مستطاب
نایب السلطنه از سه فرسخی بر سر او تاختن آورده یورش و حمله فرمودند مستر لنسین توپچی باشی انکلیسی که در خدمت دولت
علیه بود توپها را باطراف سنکر سلطان بود بست و اکثر عراده ها توپهای روسها را بشکست افواج آذربایجانی نیز
بر سر سنکر تاختند و جمعی سرباز و یکنفر صاحب منصب روسی را مقتول ساختند باقی بیرق سپید که علامت امان است
برافراشتند و امان یافتند و هشتصد و بیست نفر سرباز و توپ و اسلحه و قورخانه آنها بچنگ سپاه ظفر همراه افتاد
بحضور حضرت مستطاب نایب السلطنه آوردند و حضرت معظم آنجمله را بدربار همایون ارسال داشتند اعلیحضرت خاقان
کشورستان مبلغ دویست هزار تومان بانعام حضرت مستطاب نایب السلطنه مقرر فرموده و با اسرا نزد حضرت معظم
ارسال داشتند و آنفوج قبول اسلام نموده بفوج ینکی مسلمان کشتند از غرایب اتفاقات اینسال آنکه در ایالت نواب شاهزاده موسوم
عبدالله میرزا در خمسه چوپانی در دامنهٔ کوه سجاس رود موشی دید که مهره های سفید بیرون میآورد آنمحل را شکافتند از سوراخی حقه
و لکوی مرصع و دسته خنجری و جام طلائی با چند دانه مروارید بدست آوردند و بعضی چنین حدس زدند که اینمحل مزار ارغون خان
معقول است و لادت نواب سلیمان میرزا و فتح الله میرزا و ملک منصور میرزا فرزندان خاقان مملکت ستان وفات نظر زنکنهٔ وهمین میرزا
شاعر اروپا (انکلیس) چون پادشاه و بواسطه اجزای پارلمنت و لیعهد را بنیابت سلطنت اختیار میکنند او لکشی

بحار انگلیس در دو کلید بقوت سه اسب بکشتی رانی مشغول میشود مملکت اسپانیول تنها میدان جنگ فرانسه و انگلیس است
(فرانسه) تولد پسری از ملکه فرانسه زوجه ناپلیون و ملقب شدن او بپادشاه رم مسافرت ناپلیون بسمت شمال فرانسه
و هلاند در هشتاد شهر از بلاد فرانسه مقرر شد و فنا مرهر روزه منطبع گردد (هلاند) جزایر بتاویه از مملکت
هلاند را انگلیس متصرف میشود (روس) عساکر روس شهر بلگراد در ا دز سربیان متصرف میشوند کوتوزف سردار
روس از سردار عثمانی شکست خورده و قبلکه عقب نشستند تمام قلعه جات عثمانی را که در سمت جنوب دانوب بود
خراب مینماید اتفاد در سلوبوبا صدراعظم عثمانی که سردار قشون بود اسیر روسها میگردد طلوع ذوذنب در اینسال
که از ماه سپتامبر تا اکتبر طالع و مشهود بود افریقا (مصر) محمد علی پاشا اعیان قدیم مصری را که از طایفه مملوک
بودند در قاهره احضار کرده همه را بقتل میرسانند و املاک آنها را متصرف میشود امریکا (ینکی دنیای جنوبی) پاره
از ایالات متصرفی اسپانیول در امریکا اعلان جمهوری میکنند

سنه ۱۲۲۷ هجری — سنه ۱۸۱۲ مسیحی

آسیا (ایران) در این سال برحسب امر همایون قلعه سلطانیه را در حوالی رود کرج باسم سلیمان میرزا بنا نمودند و
حاجی محمد حسینخان امین الدوله که مامور این خدمت شده بود میرزا ابوالقاسم اصفهانی نایب کاشان را متصدی
این عمل کرد و سرکور اوزلی سفیر انگلیس باتفاق میرزا ابوالحسنخان شیرازی بتبریز رفت که با حضرت مستطاب نایب
السلطنه عباس میرزا ملاقات نماید و بعضی قرار و مدارها داده شود پس از آن موکب اعلیحضرت خاقان کشورستان
فتحعلیشاه تشریف فرمای چمن سلطانیه گردید و در دوازدهم جمادی الثانیه این ساحت خلد نزهت مضرب خیام گردون
احتشام سلطنت گردید و در این اوان معروض داشتند که مصطفی خان طالش بار دیگر بسردار روس توسل جسته
لهذا اسمعیل خان قاجار شامبیاتی و عبدالله خان ادجمندی سرکرده هزاره و فیروزکوهی در اواخر رجب مامور آن
گیلان شدند و حضرت مستطاب نایب السلطنه در پهلوی قلعه لنکران طالش سنگر محکمی بستند و صادقخان قاجار
عزالدینلو و محمدخان سرهنگ ایروانی و جعفر قلیخان ولد میرزا محمدخان لاریجانی باسه عراده توپ و دسته لشکری
بحراست آن سنگر محکوم گردیدند و پیر قلیخان شامبیاتی و عسکرخان افشار ارومی و علیخان شاطرباشی نوری و میرزا
احمد سرهنگ کاشانی برادرزاده فتحعلیخان ملک الشعراء با دسته از قشون آذربایجان بحفظ قلعه ارکوان مقرر گشتند
هم در این اوان چون در سرمنزل شهرزور فیمابین عبدالله پاشا والی بغداد و عبدالرحمن پاشا حاکم شهرزور نایره
قتال اشتعال یافته بود و عبدالرحمن پاشا مقهور و بکرمانشاهان گریخته و والی بغداد ایالت شهرزور را بخالد
پاشا داده ظهیرالدوله محمد قاسمخان قوانلو و فرج الله خان افشار و یوسفخان سپهدار بتدمیر والی بغداد مامور
گشتند و نواب شاهزاده محمد علی میرزای دولتشاه نیز همین عزم را تصمیم دادند و قشون نصرت نمون بزهاب آمد
و پس از اتمام حجت بقتل و غارت بعضی اماکن متعلقه بغداد پرداختند والی بغداد مشوش شده جناب شیخ جعفر
نجفی را شفیع قرار داد و عبدالرحمن پاشا در حکومت شهرزور استقرار یافت و عساکر ظفر مآثر معاودت کردند و
در ماه رمضان موکب همایون اعلیحضرت خاقان بدار الخلافه طهران مراجعت فرمود و نواب شاهزاده محمد ولی میرزا
والی خراسان و ناصرالدین توره و اسحق خان قرائی بتقبیل عتبه علیه آمدند نیز از وقایع اینسال آنکه چون الکساندر
میرزا والی گرجستان که در ایروان بود بملاقات سلیم پاشای والی اخسقه رفته و از آنجا بتفلیس شتافته بنای آشوب را
گذاشته و دیشچوف سردار روس را اینواقعه از تدابیر حضرت مستطاب نایب السلطنه دانسته کنگره و سکی را که مرد

مشهور بود در آق اغلان گذاشته خود بتفلیس رفت و حضرت معظم نایب السلطنه در کنار رود ارس در محل موسوم
به اصلاندوز بودند که کتلروسکی در پنجم دیجبر به دلالت مرادخان ولاغارده با سرباز و توپخانه مصمم شبیخون باردوی حضرت
نایب السلطنه گردید و از معبری عبور کرده بقراولان اردوی حضرت شاهزاده رسیده قراولان را بگرفت و کسی این خبر را
باردو نرسانید تا قشون روس نزدیک شدند آنوقت عساکر ایران خبردار گردیده حضرت مستطاب نایب السلطنه
فوراً سوار شدند و بشلیک تفنگ و توپ حکم دادند اما چون توپخانه سردار روس بر بلندی مشرف باردو بود اردو
را متفرق ساخت و آنچه نواب معظم در آن شب تار کوشش کردند که آن تفرقه را بجمعیت مبدل کنند ثمری نبخشید
مخصوصاً چون در هنگام تاخت و تاز اسب حضرت شاهزاده در حفره بزمین خورده اگرچه بزودی رکابداری اسب
دیگر بحضرت معظم رسانید و سوار شدند ولی لشکر بیشتر هراسان گشتند ناچار اردو متفرق شده و حضرت مستطاب
شاهزاده بمنزل حاجی حمزه لو آمدند و افواج روس بقراباغ رفتند حضرت نایب السلطنه روزی بجهة دفن مقتولین
در آن ناحیه اقامت فرموده بعد راه مشکین پیش گرفتند و بتبریز راندند و کتلروسکی که قوت قلبی بهم رسانیده بود
بجانب ارکوان روان شد و مستحفظین که واقعه اصلاندوز را شنیده بودند بدون جنگ قلعه را از دست دادند
و کسی در صدد مقاومت و مدافعه برنیامد مگر میرزا احمد سرهنگ کاشانی که سرکرده فوج بیگی مسلمان بود این سرهنگ جنتمکان زین العابدین طبیب حضور همایون م
باغیرت در رشادت چندان پایداری نمود که مقتول و فی الحقیقه شهید شد بعد از این واقعه قشون روس از
ارکوان روانه لنکران شدند همدر این سال نواب سلطان محمد میرزا و سلطان سلیم میرزا و سلطان مصطفی میرزا و
سلطان ابراهیم میرزا و سیف الله میرزا پسران خاقان کشورستان متولد شدند اروپا جنگ عساکر فرانسه و
انگلیس در اسپانیا غالب بلاد اسپانیول پادشاه خود را می طلبند پادشاه سیسیل فردیناند بتحریک انگلیس از
سلطنت استعفا میکند فتوحات ولنگتن سردار انگلیس در اسپانیا و ورود او بشهر مادرید و بعجله خالی کردن
مادرید را و رفتن بسمت پرتوغال دویست و هفتاد هزار قشون فرانسه بجهة در اسپانیول معطل اند (فرانسه)
ناپلیون مصمم جنگ با روس میباشد پروس علاوه بیست هزار قشون کمک باو میدهد امپراطور اطریش هم قشونی
بکمک ناپلیون خواهد فرستاد خیال ناپلیون اینست که سلطنت لهستان را مستقل سازد اتحاد روس و انگلیس بر
ضد فرانسه و اطریش و پروس حرکت ناپلیون بخاک المان و ورود او بدرزد در اینشهر چندین نفر از سلاطین بسمت
چاکری و سرداری بخدمت ناپلیون کمر می بندند فیمابین روس و عثمانی عهد صلح در بوخارست بسته میشود قشون
ناپلیون که مصمم ورود بخاک روس است عبارتست از پانصد و هفتاد هزار نفر میباشد علاوه هفتاد هزار اسب
و صد و هشتاد عراده توپ و این جمعیت به اردو قسمت شده است عبور عساکر ناپلیون از رودخانه نیمن
(نیمن رودخانه ایست در سرحد روس و المان) شهر ویلنا را ناپلیون متصرف شده هفده روز در اینجا توقف
مینماید جنگهای متوالی عساکر فرانسه با سرداران روس در سواحل دنیپر فتح دونابورگ و اسمولنسک بدست
قشون فرانسه روسها که از جلو لشکر فرانسه فرار میکنند بلاد و قرا را آتش میزنند عساکر فرانسه بمسکو ورود
مینمایند و در اینجا کوتوزف سردار روس جنگ سختی با فرانسه ها میکند و پنجاه هزار نفر از لشکریان کوتوسف
مقتول میگردد مورات سردار فرانسه روز چهاردهم سپتامبر وارد مسکو میشود و روز بعد از آن که روز
پانزدهم باشد خود ناپلیون بمسکو ورود مینماید رستپشین حاکم مسکو شهر را آتش میزند ناپلیون بی جهة یکماه
در مسکو توقف میکند زمستان شروع میشود و عساکر فرانسه مجبوراً عقب مینشینند سرمای سخت صدمه زیادی

بلشکریان

بلشکریان ناپلیون وارد میاورد تمام قشون فرانسه در اسمولنسک جمع میشوند بکمر آمد و قدر بلکه فقدان آن مزید زحمت سرما کردیده جمعیت زیادی از عساکر ناپلیون را هلاک میکند برودت و شدت سرما شانزده درجه زیر صفر است و فوج فوج مردم از سردی مفرط هوا تلف میشوند عقب مانده و فراری لشکر فرانسه بدست قزاقها کشته میشوند ناپلیون از روی اضطرار متنکراً بسمت فرانسه حرکت کرده و سرداری قشون را بعهده مورات موکول مینماید بعد از رفتن ناپلیون لشکریان او دوچار کمال سختی میشوند درجه سرما به بیست و هشت درجه تحت صفر میرسد چهل هزار نفر از عساکر فرانسه وارد ویلنا میکردند عساکر پروس و اطریش چندان وفاداری با فرانسه ندارند پاپ چون تبعیت و متابعت ناپلیون را نمینماید بامر ناپلیون بر فن تن بلو احضار میشود هنگام غیبت ناپلیون ژنرال مالِه جمعی را دریاریس برا و میشوراند ناپلیون بعد از ورود دوازده نفر از همدستهای ژنرال مالِه را بقتل میرساند خلاصه شکست ناپلیون از روس مقدمه و ابتدای خرابی و بدبختی او میباشد و از آنجا که جوانهای مردم مقتول و بسیاری عزادار و بجهة وجه اعانتی که برای مصارف و مخارج جنک از ملت فوق العاده کرفته میشود خاصه در موقع ناروایی تجارت و صناعت عموم ناس شاکی و مستعد شورش میباشند (روس و عثمانی) متارکه موقتی بین روس و عثمانی مبدل بمنازعه شده روسها مجدداً از رود دانوب عبور مینمایند پس از آن عهد صلحی فیمابین دولتین منعقد میشود سرابی از خاک عثمانی جزو روس میکردد حاکم مستقیماً از اسلامبول بصربستان مامور میشود یعنی از اهالی صربستان حاکمی معین مینمایند که مطیع عثمانی باشد امریکا (اتاتونی) اعلان جنک اتاتونی بانکلیس

سنه ۱۲۲۸ هجری سنه ۱۸۱۳ مسیحی

آسیا (ایران) بشرح سال کذشته مسطور شد که قشون روس از نادکوان روانه لنکران شدند در شب نهم محرم این سال آنجا عساکر بقلعه لنکران یورش بردند و سرکرده تفنکچیان لاهیجانی مقتول و قلعه لنکران بتصرف عساکر روس درآمد و جمعی از لشکریان ایران مقتول شدند و کتلروسکی سه زخم منکر برداشت و بقیه سپاه روس بسمت جامیش وان و معاونت مصطفی خان طالش رفتند همدراین سال چهار نفر از ارامنه جلفای اصفهان که در عمارت سلطنتی شیشه بری میکردند از راه بام داخل خزانه شده تقریباً سی هزار اشرفی بسرقت بردند ولی سارقین بدست آمدند همدراینسال بعد از عید نوروز موکب اعلیحضرت خاقان کشورستان فتحعلیشاه مصمم سفر آذربایجان کردیده بباغ نکارستان نقل مکان فرمودند همدراین اوان یوسف خواجه کاشغری از اولاد خواجکان ترکستان که سالها در اقطار و بلدان سیاحت کرده بود باغوای قربان قلیچ خان ترکان میان طوایف کوکلان و یموت رفته بفریب عوام پرداخته و مشیخت ابلهرا مرید و دور خود جمع کرده و بخیال مملکت ستانی افتاد و قلعه پیرلک قندرسک را محاصره نمود و میرزا علینقی خان قندرسکی با روغن ککلان را مزوّرانه بکنار دشت عوث کرده بدست پسران باغی خان ککلان مقتول کردید و یوسف خواجه کاشغری بیمانعی قلعه پیرلک را متصرف شد چون این خبر بعرض ملازمان حضور همایون رسید بنواب شاهزاده محمد ولیمیرزا والی خراسان و نواب شاهزاده محمد قلیمیرزا حکمران مازندران اشاره فرمودند که بر سر طایفه یموت رفته بتنبیه و تادیب آنها پردازند شاهزاده محمد ولیمیرزا حرکت کردند و یوسف خواجه بهزیمت رفت و موکب شاهزاده تا اترک رانده غنایم و اسیر بسیار بدست آوردند و در قراشیخ کو شمالی بترکمه دادند همدراین اوقات ابراهیمخان قاجار و اسمعیلخان شامبیاتی و ذوالفقار خان سمنانی بجنک کالپوش مامور شدند

و موکب همایون از نگارستان روانه چمن سلطانیه گردید و نواب شاهزاده محمد تقی میرزای حسام السلطنه از بروجرد بحضور مبارک احضار شد همدر این اوان اسعد پاشا پسر سلیمان پاشای بزرگ وزیر والی سابق بغداد با اعراب منتفج ساخته ببغداد تاخته با عبدالله پاشا مصاف داد عبدالله پاشا مقتول شد و اسعد پاشا بر بغداد استیلا یافت و از جانب دولت عثمانی بخلعت ایالت آن ولایت نایل آمد و چون پدرش با دولت ایران سابقه ارادتی داشت عریضه و فرستاده باستان خاقان مملکت ستان فرستاد و نصرالله خان نودی اندرباره همایون تشریف برای اسعد پاشا ببغداد برد همدر این ایام جلال الدین افندی نام از جانب دولت عثمانی مامور دربار دولت علیه گردید و نواب شاهزاده محمد تقی میرزا و یوسف خان سپهدار از راه سرچم و سنگ بن روانه آذربایجان شدند پس از آن نواب شاهزاده محمود میرزا و فرج الله خان افشار روانه آنسامان گشتند بعد شاهزاده علیخان با مهر علیخان قوانلو و رضاقلیخان روی براه نهادند و موکب همایون در یازدهم رجب با بسیاری از قشون نصرت نمون روانه چمن اوجان شد و حضرت مستطاب نایب السلطنه با افواج آذربایجانی موکب اعلی را استقبال کردند و روز بیستم رجب چمن اوجان مضرب خیام خاقان کشورستان گردید و رتیشچوف سردار روس بعد از آنکه از احتشاد جنود خاقانی و توجه باوجان خبردار شد و داستان جنگ ناپلیون را با سپاه روس بشنید معتمدی نزد سرکور اوزلی ایلچی انگلیس فرستاد و طالب صلح با دولت ایران شد و بتوسط و صوابدید میرزا شفیع صدر اعظم قرار را بر مصالحه دادند و میرزا ابوالحسنخان شیرازی مامور قراباغ گردید در چمن گلستان اجتماع و ملاقات سفرا شد و عهد موسوم به گلستان را منعقد نمودند و صورت آن عهدنامه از قرار ذیل است

صورت عهدنامه که در میان دولتین ایران و روس بصلاح و صوابدید میرزا ابوالحسنخان و سردار روسیه مرقوم شده

اعلیحضرت امپراطور ممالک روسیه بالقابه و اعلیحضرت شاهنشاه ممالک ایران باوصافه بملاحظه کمال مهربانی و اشفاق دولتین علیتین که در ماده رعایای (اهالی) جانبین دارند بدفع و رفع امور عداوت و دشمنی که برعکس رای شوکت آرای ایشانست طالب استقرار مصالحه میمونه و دوستی جوار سابقه مؤکده را راغب میباشند بنابراین نیکولای رتیشچوف بالقابه اختیار کلی عطا شده و اعلیحضرت شاهنشاه ایران هم امیرالامراء العظام میرزا ابوالحسنخان باوصافه را در این کار مختار بالکل نموده اند حال در معسکر روسیه در محال گلستان قلعه بولایات قراباغ یعنی رودخانه زیوه ملاقات واقع و جمعیت نموده بعد از ابراز و مبادله تمسک ماموریت و اختیار کلی خود بیکدیگر و ملاحظه و تحقیق امور متعلق بمصالحه مبارکه بنام نامی پادشاهان عظام قرار و بموجب (اختیار) نامه جات طرفین قیود و فصول و شروط مرقومه ذیل را الی الابد مقبول و منصوب و استمرار میداریم

فصل اول بعد از این امور جنگ و عداوت و دشمنی که تا بحال در بین دولتین علیتین روسیه و ایران بود موقوف و بموجب این عهدنامه الی الابد متروک و مراتب مصالحه اکیده و دوستی و وفاق شدید فیمابین امپراطور و اعلیحضرت شاهنشاهی و وراث و ولیعهدان عظام میانه دولتین علیتین ایشان پایدار و مسلوک خواهد بود

فصل دویم چون پیشتر بموجب اظهار و گفتگوی طرفین قبول رضا در میان دولتین شده است که مراتب مصالحه در بنای اوسطاطوسکوو (عـ) پرزیدیم باشد یعنی در هر موضع و جائیکه الی قرارداد مصالحه الحال بوده است از آن قرار باقی و تمامی اولکاء و ولایت خوانین نشین که تا حال در تحت تصرف و ضبط هر یک از دولتین بوده کما

عـ اصل این لغت اسناتوکو و ماخوذ از لاتین و بمعنی حالت حالیه است

کان در تحت ضبط و اختیار ایشان بماند لهذا در بین دولتین علیتین روسیه و ایران برحسب خط مرقومه ذیل
سنور و سرحدات مستقر و تعیین گردیده از ابتدای اراضی آدینه بازار بخط درست از راه صحرای مغان تا معبر
یدی بلوك رود ارس از بالای کنار رود ارس تا اتصال و الحاق رودخانه کپنك چای به پشت کوه مقری و از آنجا
خط حدود سامان ولایات قراباغ و نخجوان و ایروان و نیز دسته از سنور گنجه جمع و متصل گردیده و بعد از آن حدود
مزبور که ولایت ایروان و گنجه و هم حدود قزاق و شمس الدینلو و تا مکان ایشك میدان مشخص و منفصل میسازد
و از ایشك میدان تا بالای سر کوههای طرف راست طرق و رودخانه های حمزه چمن و از سر کوههای پنبك الی گوشه
محال شوره گل و از گوشه شوره گل از بالای کوه برف آلاگوز گذشته از سرحد محال شوره گل و میانه حدود
قریه سدره برودخانه ارپه چای ملحق و متصل شده معلوم و مشخص میگردد و چون ولایات خانشین طالش
در هنگام عداوت و دشمنی دست بدست افتاده لهذا بجهة زیاده صدق و راستی حدود ولایات طالش مزبور
را از جانب انزلی و اردبیل بعد از تصدیق این صلحنامه از پادشاهان عظام معتمدان و مهندسان مأموره که بموجب
قبول و وفاق یکدیگر و معرفت سرداران جانبین جبال و رودخانه ها و دریاچه و امکنه و مزارع طرفین تفصیلا
تحریر و تمیز و تشخیص میسازند آن نیز معلوم و معین ساخته آنچه در حال تحریر این صلحنامه در دست و در تحت
تصرف جانبین باشد معلوم نموده آنوقت خط حدود ولایات طالش نیز در بنای اوسطاطوسکوه او پوزیدیم
مستقر و معین ساخته هر یك از طرفین آنچه در تصرف دارد بر سر آن باقی خواهد ماند و همچنین از سرحدات مزبوره
فوق اگر چیزی از خط طرفین بیرون رفته باشد معتمدان و مهندسان مأموره طرفین هر یك طرف موافق اوسطاطوسکوه
او پوزیدیم رضا خواهد داد

فصل سیم اعلیحضرت شاهنشاه ممالك ایران بجهة ثبوت دوستی و وفاقی که با اعلیحضرت امپراطور ممالك روسیه
دارند باین صلحنامه و ولیعهدان عظام تخت شاهانه ایران ولایات قراباغ و گنجه که الآن مسمی بالیساوتبول و
اولکاء خوانین نشین شکی و شیروان و قبه و دربند و باکویه و هر جا از ولایات طالش را که الآن در تحت تصرف
دولت روسیه است و تمامی داغستان و گرجستان و محال شوره گل و اچوق باش و گورنه و منکریل و ابخاز و تمام
الکاء و اراضی که در میانه قفقاز لینه سرحدات معینة الحالیه بود و نیز آنچه از اراضی و اهالی قفقاز لینه الی کنار
دریای خزر متصل است مخصوص و متعلق دولت امپریه روسیه میدانند

فصل چهارم اعلیحضرت امپراطور روسیه برای اظهار دوستی و اتحاد خود با اعلیحضرت شاهنشاه ایران و بجهة
اثبات اینمعنی بنا بر هم جواریت طالب و راغب است که در ممالك شاهانه ایران مراتب استقلال و اختیار پادشاهی
را در بنای اکیده مشاهده و ملاحظه نمایند لهذا از خود و از عوض و ولیعهدان عظام اقرار مینمایند که هر یك
از فرزندان عظام ایشان که بولیعهدی دولت ایران تعیین میگردد هرگاه محتاج باعانت و امدادی از دولت
علیه روسیه باشد مضایقه ننمایند تا از خارج نتوانند کسی دخل و تصرف در مملکت ایران نماید و بامداد و
اعانت دولت روس دولت ایران محکم و مستقر گردد و اگر در سر امور داخله مملکت فیما بین شاهزادگان
مناقشه رخ نماید دولت علیه روس را در آن میانه کاری نیست تا پادشاه وقت خواهش نماید

فصل پنجم کشتیهای دولت روسیه که بر روی دریای خزر برای معاملات تردد مینمایند بدستور سابق
مأذون خواهند بود که بسواحل و بنادر جانب ایران عازم و نزدیك شوند و زمان طوفان و شکست کشتی

از طرف ایران یاری و اعانت دوستانه نسبت بآنها شود و کشتیهای جانب ایران هم بدستور سابق ماذون خواهند
بود که برای معامله روانه سواحل دولت روسیه شده بهمین نحو در هنگام طوفان و شکست کشتی از جانب دولت روسیه اعانت و یاری
دوستانه در بارهٔ ایشان معمول گردد و در خصوص کشتیهای جنگی روسیه بطریقی که در زمان دوستی و یا در هر وقت
کشتیهای جنگی دولت روسیه با علم در دریای خزر بوده اند حال نیز محض دوستی اذن داده میشود که بدستور سابق معمول
گردد و احدی از دولتهای دیگر سوای دولت روس کشتی جنگی نداشته باشد

فصل ششم تمام اسرائیکه در جنگگاه گرفتار شده اند از اهالی طرفین اسیر شده از گرجستان و هر مذهب دیگر باشند میباید الی
وعدهٔ سه ماه هلالی بعد از تصدیق و خط گذاردن در این عهدنامه از طرفین مرخص گردند و گردیده هر یک از جانبین
خرج و احتیاج باسرای مزبوره داده بقراکلیسیا رسانند و وکلاء سرحدات طرفین بموجب پیشتر اعلامی که در خصوص
فرستادن آنها بجای معین بیکدیگر مینمایند اسرای جانبین را باز یافت خواهند کرد و آنانکه بسبب تقصیر یا بخواهش خود
از مملکتین فرار نموده اند اذن بآن کسانیکه برضا و رغبت خود اراده آمدن داشته باشند داده شود که بوطن اصلی خود
مراجعت کنند و هر یک از هر قومی چه از اسرا چه فراری که نخواسته باشند بیایند کسی را با او کاری نیست و عفو تقصیر آن
از طرفین نسبت بفراریان داده خواهد شد

فصل هفتم علاوه از اظهار و اقرار مزبوره بالا رای اعلیحضرت امپراطور ممالک روسیه و اعلیحضرت شاهنشاه ایران
قرار یافته که ایلچیان معتمد طرفین که هنگام لزوم مامور روانه دار السلطنه جانبین میشوند بر وفق لیاقت رتبه
و امور کلیه مرجوعه ایشان را برداشته و حاصل و مخبر بدستور سابق وکلائیکه از دولتین بخصوص حمایت ارباب معاملات
در بلاد مناسبه طرفین تعیین و تمکین گردیده زیاده از ده نفر عمله نخواهند داشت ایشان با اعزاز شایسته مورد
مراعات گردیده باحوال ایشان هیچگونه زحمت نرسیده بل زحمتی که بر رعایای طرفین عاید گردد بموجب عرض و اظهار وکلای
رعایای مزبور رضائی بستمدیدگان جانبین داده شود

فصل هشتم در باب آمد و شد قوافل و ارباب معاملات در میان ممالک دولتین علیتین اذن داده میشود که هر کس از
اهالی تجار بخصوص بثبوت اینکه در دست رعایا و ارباب معاملات متعلق دولت علیه روسیه و یا تجار متعلقه دولت
بهیه ایران میباشند از دولت خود یا از سرحدداران جانبین تذکره و کاغذ راه در دست داشته باشند از طریق
بحر و بر بجانب ممالک ایران این دو دولت بدون تشویش آیند و هر کس هر قدر خواهد متوقف گشته باموری تجارت
و معامله اشتغال نمایند و در زمان مراجعت آنها باوطان خود از دولتین مانع ایشان نشوند آنچه مال و تنخواه از
امکنه ممالک روسیه بولایات ایران و نیز از طرف ایران بممالک روسیه برند تنخواه بعوض بیع رسانیده و یا معاوضه بمال
و اشیاء دیگر نمایند اگر در میانه ارباب معاملات طرفین بخصوص طلب و غیره شکوه و ادعائی باشد بموجب عادت مالوفه نزد
وکلاء طرفین یا اگر وکیل نباشد نزد حاکم آنجا رفته امور خود را عرض و اظهار سازند تا ایشان از روی صداقت
مراتب ادعای آنها را تحقیق و معلوم کرده خود یا بمعرفت دیگران قطع و فصل کار را ساخته نگذارند که تعرض و
زحمتی بارباب معاملات عاید و واصل شود و ارباب تجار طرف ممالک روسیه که وارد ممالک ایران میشوند ماذون
خواهند بود که اگر خواهند با اموال و تنخواه خودشان بجانب ممالک پادشاهانه دیگر که دوست دولت ایران
باشند بروند طرف دولت ایران بلا امضا بقرن تذکرات راه بایشان بدهند و همچنین از طرف دولت علیه روسیه نیز
در مادهٔ اهالی تجار دولت ایران که از خاک ممالک روسیه بجانب سایر ممالک پادشاهان که دوست روسیه باشند

میروند

میبرند معمول خواهد شد و هرگاه یکی از رعایای دولت روسیه در زمان توقف و تجارت در ممالک ایران فوت شد و اموال و املاک او در ایران بماند چون مال رعیت دولت دوست است لهذا میباید اموال متوفی بموجب قبض الوصول شرعی رد و تسلیم بازماندگان اقوام متوفی گردد و نیز اذن خواهند داد که اموال متوفی را اقوام او بفروشند چنانکه این معنی در میان ممالک روسیه نیز در ممالک پادشاهانه دیگر دستور و عادت بوده متعلق هر دولتی که باشد مضایقه نمینمایند

فصل نهم باج و گمرک اموال تجار طرف دولت روسیه که به بنادر و بلاد ایران بیاورند از یک تومان مبلغ پانصد دینار در یک بلده گرفته از آنجا با اموال مذکوره هر ولایت ایران که بروند چیزی مطالبه نکردد و همچنین از اموالیکه از ممالک ایران بیرون بیاورند نقد زیاده بعنوان خرج و توجیه و تحمیل و اختراعات چیزی از تجار روسیه باشتلم و شلتاق مطالبه نشود و همین نحو در یک بلده باج و گمرک تجار ایران که به بنادر و بلاد ممالک روسیه میبرند یا بیرون بیاورند بدستور گرفته اختلافی بهیچ وجه نداشته باشد

فصل دهم بعد از نقل اموال تجار به بنادر کنار دریا و یا آوردن از راه خشکی به بلاد سرحدات طرفین اذن و اختیار بارباب تجار و معاملات طرفین داده شد که اموال و تنخواه خودشان را داده اموال دیگر خریده یا معاوضه کرده دیگر از امنای گمرک از مستاجرین طرفین اذن و دستوری نخواسته باشند زیرا که بر ذمه امنای گمرک و مستاجرین لازم است که ملاحظه نمایند که معطلی و تاخیر در کار تجار ارباب معاملات وقوع نیابد باج خزانه را از بایع یا از مبتیع هر نحو در میانه خودشان سازش مینمایند حاصل و بازیافت نمایند

فصل یازدهم از تصدیق و خط گذاشتن در این شرطنامچه بوکلای مختار دولتین بلا تاخیر باطراف و جوانبین اعلام و اخبار و امر اکید بخصوص بالمره ترک و قطع امور عداوت و دشمنی بهر جا ارسال خواهند کرد این شروطنامه الحالیه که بخصوص استدامت مصالحه دائمی طرفین منعقد بود و قطعه مشروحه با ترجمان خط فارسی مرقوم و محرر و از وکلای مختار مامورین دولتین مزبورتین بالا تصدیق و بمهر مختوم گردیده و مبادله بیکدیگر شده است میباید از طرف اعلیحضرت امپراطور روسیه و از جانب اعلیحضرت شاهنشاه ممالک ایران بامضای خط شریف ایشان تصدیق گردد چون این صلحنامچه مشروحه مصدقه میباید از هر دو دولت پایدار بوکلای مختار برسد لهذا بدولتین علیتین در مدت سه ماه هلالی وصول گردد تحریراً فی معسکر روسیه در رودخانه زیوه من محال گلستان متعلقه بولایات قراباغ بتاریخ بیست و نهم ماه شوال سنه یکهزار و دویست و بیست و هشت هجری و تاریخ دوازدهم ماه اکتمبر سنه یکهزار و هشتصد و سیزده عیسوی

پس از عهدنامه مسطوره مامورین معاودت کردند همدر این سال محمد یوسف خواجه کاشغری با بیست هزار سوار ترکمان بطرف استراباد آمد و بر لب رود گرگان با نواب شاهزاده محمد قلی میرزا بقتال پرداخت و در اول حمله لشکریان شاهزاده را عقب نشاندند ناگاه مردی از گرایلی یوسف خواجه را که در جلو تراکمه بود بشناخت و سینه او را هدف گلوله ساخت لهذا ترکمانان متفرق شده راه فرار پیش گرفتند همدر این سال خوانین خراسان در مخالفت با نواب شاهزاده محمد ولی میرزا متفق و معاهد شدند و ایلخیان شاهزاده را که در چناران بود بغارت بردند و قصد تسخیر حوالی طوس کردند شاهزاده معظم اسحق خان قرائی را صدیق خود پنداشته بمشهد مقدس احضار فرمودند اما اسحق خان برخلاف خواهش او بشهر درود داد و خود اظهار ایالت و سروری

کرد

کرده ولی تمکین او ننموده ناچار باعتذار کوشیده و ایالت شاهزاده را باکوس شادیانه اعلام نمود همدر اینسال
خوانین خراسان رحیمخان ارکنجی را بمحاصره ارض اقدس طلبیدند و او بطرف خراسان رانده دره جز را غارت کرده و
بازکشت همدر اینسال الحاجی محمد حسینخان امین الدوله بنظم فارس رفت و پسرش عبدالله خان بیکلربیکی اصفهان
بدار الخلافه آمده بمنصب وزارت استیفای ممالک و لقب امین الدوله مفتخر کشت و حاجی محمد حسینخان نظام الدوله
لقب یافت همدر اینسال سی هزار تومان قرض میرزا عبد الوهاب معتمد الدوله را بامر همایون از خزانه عامره دادند
و عمارت فین کاشان را شروع بساختن کردند و موکب معلی پس از تفرج در کاشان و زیارت حضرت معصومه
سلام الله علیها در قم بدار الخلافه باز کشتند

سنه ١٢٢٩ هجری — سنه ١٨١٣ مسیحی

آسیا (ایران) در این سال حضرت مستطاب نایب السلطنه عباس میرزا از تبریز بدربار همایون آمدند
و اسمعیل خان سردار دامغانی و مطلب خان و ذوالفقار خان برادران او به تنبیه خوانین خراسان که با نواب
محمد ولیمیرزا والی آنولایت مخالفت کرده بودند مامور شدند و در دوازدهم ربیع الاول روانه خراسان کردیدند
و در هفدهم ربیع الآخر در حوالی طوس اردو زدند خوانین خراسان هریک از ولایت خود با طوایف اکراد و
اتراک بطرف طوس رانده بعد از جنکی سخت مغلوب و مقهور کردیدند همدر اینسال میرزا ابو الحسنخان شیرازی
مامور دربار دولت روس شد که عهدنامه کلستان را بامضای امپراطور روس رساند و بعضی هدایا از
قبیل ده زنجیر فیل و ده راس اسب و یکصد طاقه شال کشمیری و چند رشته تسبیح مروارید و بعضی جواهر
کرانبها و شمشیرهای خراسانی و زرهها مفتول بافت اصفهانی و قوطیهای مرصع یادزهر و قالیهای
ابریشمی هراتی وغیره مصحوب میرزا ابو الحسن خان برای امپراطور روس ارسال فرمودند و سرکور اوزلی
سفیر انکلیس نیز با جواب نامه پادشاه انکلستان از راه پطرزبورغ مراجعت کرد و موکب همایون بقصر
قاجار تشریف فرما شده از آنجا عزیمت چمن کالپوش نمود و در اینوقت خبر طغیان محمد زمانخان قاجار عز
الدینلو حاکم استراباد مسموع امنای حضرت پادشاهی کردیده معلوم شد که با سی هزار سوار ترکمان مصمم
حرکت و عازم طهران است لهذا فرمان همایون خطاب بسادات و اعاظم استراباد شرف صدور یافت و آنها
محمد زمانخان و امیرخان برادر او را بکرفتند و مغلولا در چمن بحضور مبارک آورده سیاست شدند
و حکمرانی استراباد بعهده نواب شاهزاده محمد قلیمیرزای ملقب بملک آرا موکول کردید همدر این اوان ابراهیمخان
هزاره با حاجی فیروز الدین میرزا والی هرات بنای مرادده را کذاشته او را بتسخیر غوریان تحریض نمود حاجی فیروز
الدین میرزا پسر فیروز پسر خود را با سپاهی بسر غوریان فرستاد و محمد خان ولد اسحق خان در قلعه غوریان محصور شده
صلاح در آن دید که یکی را بقندهار فرستد و کامران میرزا ولد شاه محمود افغان را با رضا قدس خواند کامران
میرزا بطمع شهر مشهد مقدس بمحاصره هرات مصمم شد و حاجی فیروز الدین میرزا چون این بشنید از کرده خود پشیمان
کردید ملک قاسم میرزا پسر خود را از دور غوریان برداشته و معتمدی نزد اسمعیل خان سردار فرستاد و متوسل
بدولت علیه کردیده متقبل پنجاه هزار تومان نقد و خراج همه ساله و سکه و خطبه بنام اعلیحضرت خاقان کردید
و استمداد نمود اسمعیل خان بامداد او مامور شده بطرف هرات رفت و در پل نقره شنید که کامران میرزا در
منزل روضه باغ سه منزل آنطرف هرات اقامت دارد سردار بنه و آغروق خود را در پل نقره کذاشته بجانب کامران میرزا

راند

راندکام این خود را مرد میدان مقاومت ندیده بقندهار رفت و نصیرخان شاهزاده را بمعذرت نزد سردار فرستاد و خلاص حاجی فیروز الدین میرزا چون بمعاونت سردار ایران آسوده شد پیشکشی را که تعیین نموده بتوسط ذوالفقارخان ارسال داشت و اسمعیل خان سردار بارض اقدس معاودت کرد همدر این اوان شاهزاده محمدولی میرزا را از خراسان احضار کردند و بنا بود نواب حسنعلی میرزا بحکمرانی خراسان منصوب شود ولی اینفقره در نظر همایون منافی با مصالح ملکی آمد لهذا نواب شاهزاده محمدولی میرزا را با میرزا عبدالوهاب معتمدالدوله و فرج الله خان افشار بارض اقدس مامور فرمودند و ایالت یزد و بسطام و نیابت دارالخلافه بنواب حسنعلی میرزا مفوض شد همدر این سال تنبیه طوایف ترکمن را که سابقاً با یوسف خواجه کاشغری موافقت نموده بودند از مهمات دانسته اللهیارخان دولوی سالار بار و حاجی رضاقلیخان قاجار و عیسی خان امیرآخور را با جمعی از پیاده و سوار مامور بدشت گرکان فرمودند و محمدقاسمخان قاجار و فرج الله خان افشار و یوسفخان سپهدار گرجی را که در کالپوش بودند بآنها ملحق شده در اینحال ترکمان از توجه عساکر منصوره خبردار گردیده احمال و اثقال خود را بسفناقات صعب المسالک برده خود فرار بر قرار اختیار کردند و در این سال جشن عروسی و سور شاهزادگان معظم اماموردی میرزای ایلخانی ایل جلیل قاجار و نواب محمدرضا میرزا متخلص بافسر و نواب حیدرقلی میرزا متخلص بخاور و محمود میرزا گرفته شد همدر این سال هاری الس سفیر انگلیس با عهدنامه که سرگوراوزلی سفیر سابق انگلیس بلندن برده بود بدربار دولت علیه آمده بعد از تغییر یکدو فصل از فصول عهدنامه مزبوره امضا شد و صورت آن عهدنامه از قرار ذیل است

صورت عهدنامه دولت علیه ایران با دولت سنیه انگلیس فی شهر ذیحجه سنه ۱۲۲۹

فصل اول اولیای دولت علیه ایران برخود لازم داشتند که از تاریخ این عهدنامه فیروز هر شرط و عهدی که با هر یک از دولتهای فرنگ که با دولت بهیه انگلتره در حالت نزاع و دشمنی باشد بسته باطل و ساقط دانند و لشکر سایر طوایف فرنگیان را از حدود متعلقه بخاک ایران راه عبور بطرف هندوستان و سمت بنادر هند ندهند و احدی از این طوایف را که قصد هندوستان و دشمنی با دولت سنیه انگلتره داشته باشند نگذارند که داخل مملکت ایران شود و اگر طوایف مزبوره خواهند که از راه خوارزم یا تاتارستان و بخارا و سمرقند و غیره عبور بملک هند نمایند شاهنشاه ایران حتی المقدور پادشاهان و والیان و اعیان آن ممالک را مانع شوند و از راه دادن طوایف مزبوره باز دارند خواه از راه تهدید و تخویف و خواه از روی رفق و مدارا

فصل دویم چون این عهد خجسته بصدق و راستی بسته آمده امید چنانست که انشاءالله از تغییر و تبدیل مصون و روز بروز مقتضیات یگانگی در میانه افزون گردد و پیوند موافقت میان این دو پادشاه جمجاه فلک دستگاه و ولیعهد و فرزندان و احفاد و امجاد ایشان و وزرا و امرا و حکام ولایات و سرحدات مملکتین ابدالآباد برقرار و استوار باشد پادشاه والاجاه انگلیس قرارداد مینماید که اگر بر سر امور داخله مملکت ایران فیمابین شاهزادگان با امرا و سرداران مناقشه روی دهد دولت بهیه انگلیس را در آن میان کاری نیست تا پادشاه وقت خواهش نماید و احیاناً اگر احدی از مشارالیهم ولایتی و جائی از خاک متعلقه بایران را بآن دولت بهیه بدهد که بازاء آن کمک و اعانتی نمایند هرگز امنای دولت بهیه انگلیس باین امر اقدام نکرده پیرامون آن نخواهند گشت و دخل و تصرف در ممالک متعلقه بایران ابداً نخواهند کرد

فصل سیم مقصود کلی از این عهدنامه آنست که دو دولت قوی شوکت از جانبین امداد و کمک بیکدیگر نمایند بشرطی که

دشمنان

دشمنان در نزاع و جدال سبقت نمایند و منظور اینست که از امداد جانبین بیکدیگر هر دو دولت قوی و مستحکم کردند این عهدنامه محض از برای دفع تقدم و سبقت نمودن دشمنان در نزاع و جدال استقرار پذیرفته است و مراد از سبقت تجاوز نمودن از خاک متعلقه بخود و قصد خارج از ملک خود کردن است و خاک متعلقه بهر یک از دولتین ایران و روس نیز قرار بست که باطلاع وکلای دولتین ایران و انگلتره و دولت روس بعد از این مشخص و معین گردد

فصل چهارم چون در یک فصل از فصول عهدنامه مجمل که فیمابین دولتین علیتین بسته شده قرار داد چنین است که اگر طایفه از طوایف فرنگیان بممالک ایران بعزم دشمنی بیایند و دولت علیه ایران از دولت بهیه انگلیس خواهش امداد نمایند فرمانفرمای هند از جانب دولت بهیه انگلیس خواهش مذکوره را بعمل بیاورند و لشکر بقدر خواهش با سردار و اسباب جنگ از سمت هندوستان بایران بفرستند و اگر فرستادن لشکر امکان نداشته باشد بعوض آن از جانب دولت بهیه انگلیس مبلغی نقد که قدر آن در عهدنامه مفصله که من بعد فیمابین دولتین قویمتین بسته میشود و معین خواهد شد الحال مقرر است که مبلغ و مقدار آن دویست هزار تومان سالیانه خواهد بود و اگر دولت علیه ایران قصد ملکی خارج از خاک خود نموده در نزاع و جنگ سبقت با طایفه از طوایف فرنگستان نمایند امداد مذکور از جانب دولت بهیه انگلیس داده نخواهد شد و چون وجه نقد مزبور برای نگاهداشتن قشون است ایلچی دولت بهیه انگلیس را لازم است که از رسیدن آن بقشون مشخص و خاطر جمع شود و بداند که در خدمات مرجوعه صرف میشود

فصل پنجم هرگاه امنای دولت علیه ایران خواهند که برای تعلیم و تعلم نظام فرنگ بایران بیاورند مختارند که از ممالکی از ممالک فرنگ که با دولت بهیه انگلتره نزاع و جدال نداشته باشند معلم بگیرند

فصل ششم اگر کسی از طوایف فرنگ که در حالت مصالحه با دولت بهیه انگلیس میباشند نزاع و جدال با دولت علیه ایران نمایند پادشاه والاجاه انگلستان کمال سعی و دقت مینمایند که فیمابین دولت علیه ایران و آن طایفه صلح واقع گردد و اگر این سعی بجا نیفتد پادشاه ذیجاه انگلستان بطریقیکه مرقوم شده از مملکت هند عسکر و سپاه بکمک ایران مامور کنند یا آنکه دویست هزار تومان مقرره را بجهت خرج عساکر و سپاه وغیره کارسازی دولت علیه ایران نمایند و این اعانت و امداد را مادام که جنگ فیمابین دولت علیه ایران و آن طایفه باشد و اولیای دولت علیه ایران صلح ننمایند مضایقه ننمایند

فصل هفتم چون قرار داد مملکت ایران اینست که مواجب قشون شش ماه بشش ماه داده میشود قرار داد تنخواهی که بعوض عساکر دولت بهیه انگلیس داده میشود چنین شد که تنخواه مزبور را ایلچی آن دولت بهیه هر چه ممکن شود زودتر و بیشتر کارسازی کنند

فصل هشتم هرگاه طایفه افاغنه را با دولت بهیه انگلیس نزاع و جدالی باشد اولیای دولت ایران از اینطرف لشکر تعیین کرده بقسمی که مصلحت دولتین باشد بدولت بهیه انگلیس امداد و اعانت نمایند و وجه اخراجات آنرا از دولت بهیه انگلیس بگیرند از قراریکه اولیای دولتین قطع و فصل نمایند

فصل نهم اگر جنگ و نزاعی فیمابین دولت علیه ایران و افغان اتفاق افتد اولیای دولت بهیه انگلیس را در آن میان کاری نیست و بهیچ طرف کمک و امدادی نخواهند کرد مگر اینکه بخواهش طرفین واسطه صلح شوند

فصل دهم اگر از رؤسای ایران کسی بخواهد دشمنی کند و یاغی شود و فرار بولایات انگلیس نماید باید بمحض اشارت اولیای دولت ایران آنکس را از ولایات مزبوره بیرون نمایند و اگر بیرون نرود او را گرفته روانه ایران کنند و اگر جز

دهند

دهند قبل از ورود او را بولایت خود راه ندهند والا گرفته بفرستند وشرایط این فصل از طرفین استقرار پذیرفته فصل یازدهم اگر در بحر العجم دولت علیه ایران را امدادی ضرور شود از دولت بهیه انگلیس بشرط امکان و فراغبال در آن وقت کشتیهای جنگی و قشون بدهند و اخراجات آنرا موافق برآورد آن وقت قطع و فصل کنند و بازیافت نمایند و کشتیهای مذکور بر آن خورها و لنگرگاهها عبور کنند که امنای دولت علیه ایران نشان دهند و از جای دیگر بی رخصت ضرورت عبور ننمایند و این عهدنامه بتوسط میرزا شفیع صدر اعظم و نایب الوزاره قایم مقام و معتمد الدوله میرزا عبد الوهاب منشی الممالک وکلای دولت علیه ایران با مستر موریه نایب سر گور اوزلی بارونت سفیر بزرگ دولت بهیه انگلیس که در این وقت ایلچی جلیله بود نوشته و مقرر و از طرفین نسخه برداشتند و در عهدنامه نوشتند ما که وکلای حضرتین علیتین میباشیم این عهدنامه مفصله را که سابقا فیمابین وکلای دولتین بفصول دوازده گانه نگارش یافته حال بتغییرات چند که منافی دوستی و یکجهتی دولتین علیتین نبود و بصلاح حضرتین انسب مینمود در فصول یازده گانه تعیین و تقریر و تحریر کرده دستخط و مهر گذاشتیم بتاریخ بیست و پنجم ماه نوامبر سنه یکهزار و هشتصد و چهارده عیسوی مطابق دوازدهم ذیحجة الحرام سنه یکهزار و دویست و بیست و نه هجریه مصطفویه علی هاجرها الف السلام والتحیه تحریرا فی دار الخلافه طهران صانها الله عن الطوارق والحدثان

پس از اتمام عهدنامه هانری الس سفیر انگلیس بمراحم شاهانه مستظهر گردیده معاودت نمود همدراینسال ایجیوف نامی که از جانب نیکولای رتیچوف سردار روس همراه میرزا ابو الحسنخان سفیر ایران برای تهنیت صلح ایران و روس بدربار دولت علیه آمد و نصر الله خان نوری با فرستاده مزبور بتفلیس رفت و حامل خلعت و نشان مرصع شیر و خورشید که خاصه دولت علیه است برای سردار روس گردید و فاتنا آقا محمد کاظم و الرا اصفهانی از رهبانان موران که در مملکت روس بود از سرداری قشون فرانسه استعفا کرده اژن بجای او منصوب میشود ناپلیون مجددا سیصد و پنجاه هزار قشون در فرانسه حاضر میکند و وصیت مینماید که اگر در جنگها کشته شود پسرش پادشاه باشد و زوجه اش بنیابت او سلطنت کند پادشاه پروس حکم باحضار قشون زیاد میدهد اهالی المان بر ضد ناپلیون حرکت میکنند اطریش در خفا با روس و انگلیس متحد است سوئد نیز با آنها مشارکت دارد ناپلیون مجبور است بیست هزار قشون در اسپانیا گذاشته خود با یک لشکر تازه بخاک المان ورود مینماید عساکر ناپلیون تماما جوانهای بی تجربه جنگ ندیده اند و اسب سوار و توپخانه کم داشتند در لوتزن شصت هزار نفر از عساکر روس و چهل و پنجهزار نفر از قشون پروس بتدبیر ناپلیون شکست خورده منهزم میشوند اما ناپلیون سوار ندارد که آنها را تعاقب کند متارکه چهل روزه فیمابین دول رسیده اخبار موحش از اسپانیول ناپلیون ژوزف برادر ناپلیون که او را پادشاهی اسپانیول برقرار کرده بود از شهر مادرید فرار میکند مملکت ورشو که ناپلیون میخواست در آن سلطنت مستقلی تشکیل دهد مجددا مابین روس و پروس و اطریش تقسیم میشود متارکه چهل روزه باختتام رسیده فیمابین اطریش و فرانسه مستقیما اعلان جنگ میشود دول روس و پروس و اطریش در مقابل ناپلیون پانصد هزار نفر حاضر کرده و عساکر متحده خود را بسه اردو تقسیم مینمایند اردوی اول در بوهم بسرداری شوارتزنبرگ سردار اطریش اردوی دویم در سیلزی بسرداری بلوخر سردار پروس اردوی سیم بسرداری برنادت از ناپلیون که ولیعهد سوئد شده و با معاندین او متفق است ناپلیون در مقابل این جمعیت سیصد هزار قشون دارد جنگ سخت ناپلیون با شوارتزنبرگ در درزد واز آنجا که ناپلیون لشکر سواره نداشت نتوانست شوارتزنبرگ را تعاقب کند شکست ماکدونالد سردار فرانسه از صاحبمنصبهای

بلوخر در تیلتیز عهد اتحاد دول ثلاثه اطریش و پروس و روس بامضای سلاطین دول مشار الیهم میرسد ناپلیون بسمت لیزیک
میرود و بلوخر و شوارتزنبرگ در یکروز سه مرتبه باو حمله مینمایند در این جنگ توپخانهٔ طرفین کشتار زیاد
میکند از عساکر المان آنهائیکه با فرانسه متحد بودند در بین جنگ از اتحاد فرانسه تبرا کرده بقشون روس و پروس
ملحق میشوند ناپلیون شکست خورده مجبور بفرار شده بسمت رن میآید بلوخر با سوارهٔ زیاد ناپلیون را تعاقب
میکند ناپلیون فراراً به مایانس میرسد بولو سردار پروس وارد آمستردام پای تخت هلاند شده مملکت هلاند را
از طرف سلاطین متفقه از تصرف فرانسه خارج و مستقل در تحت سلطنت خانوادهٔ اُرانژ که سابق در این مملکت سلطنت
داشتند اعلام مینمایند شوارتزنبرگ سردار اطریش وارد خاک فرانسه میشود ممالک متصرفی فرانسه در ایطالیا
یاغی میشوند عساکر فرانسه که در اسپانیا بودند عقب مینشینند ناپلیون مجبوراً اسپانیول را بفردیناند
هفتم واگذار میکند در داخله فرانسه جمعی بوضع سلطنت خانوادهٔ سلاطین قدیم فرانسه مایل میشوند ناپلیون
برای مدافعه عساکر خارجه که مستعد حمله بمملکت فرانسه میباشند قشونی حاضر میکند (هلاند) گیلیوم
فردریک از خانوادهٔ اُرانژ در سن چهل و یکسالگی بسلطنت هلاند منصوب میشود (عثمانی) سربها مجدداً در
تدارک شورش اند و بعد از شکست خوردن از قشون عثمانی کره ژرژ رئیس آنها بخاک روس فرار میکند

سنه ۱۲۲۹ هجری — سنه ۱۸۱۴ مسیحی

آسیا (ایران) در اینسال حاجی آقاخان وزیر حاجی فیروز الدین میرزا حکمران هرات و ابراهیمخان هزاره
بحضور همایون اعلیحضرت خاقان کشورستان فتحعلیشاه مشرف شده از تعدی شاهزاده محمودخان افغان شاکی
شد و استدعای استمداد کردند با این خلعت بجهت فیروز الدین میرزا والی هرات معین فرموده میرزا محمد صادق
وقایع نگار مروزی فیدار و غیره فرخنامهٔ مبارکه را مامور هرات کردند و ابراهیمخان هزاره بواسطهٔ افسادی که در امر
غوریان کرده بود محکوم بتوقف دار الخلافه گردید و امارت طایفهٔ هزاره را بآزادخان پسر محمدخان هزاره مرحمت شد هم در این
سال ملا محمد زنجانی که از علمای متشرعهٔ دار الخلافه بود بجهت قبول عامه بتخریب معابد و اماکن عیسویان و شکستن
خمهای شراب ایشان پرداخت نواب حسینعلی میرزا حکمران طهران او را از اینشهر اخراج کردند و محمد مهدیخان
مازندرانی متخلص بشحنه از امرا و شعرای این دولت در این باب گفته است

زاهد بشکست از سر خامی خم می　　اسباب نشاط میگساران شد طی
گر بهر خدا شکست ای وای بما　　ور بهر ریا شکست پس وای بوی

هم در این سال اهالی ذلف آباد فراهان از اعمال قم بر ایمانیخان حاکم فراهان شوریده یاغی شدند و براهزنی پرداختند
عبدالله خان گرجی یوزباشی غلامان بر تنبیه آنها مامور و آنها را مقهور نمود هم در این سال در ماه رجب موکب اعلیحضرت
خاقان مملکتستان متوجه چمن خوش ییلاق و ساحت کبود جامه گردیده در شهر شوال بدار الخلافه معاودت فرمود
هم در اینسال اسمعیلخان سردار دامغانی بار دیگر بقلع و قمع اتراک و اکراد خراسان روان شد و خوانین آنجا
در خبوشان محصور کردید آخر الامر خبوشان مفتوح و خوانین مطیع کردیدند هم در این اوان میرزا صادق وقایع
نگار با رشیدخان افغان از هرات باز آمد و مهدیقلیخان دولو بیگلربیگی استرآباد حسین و قربان نام که پسران
یکی از قاتلین نواب جهانسوز شاه طاب ثراه بودند گرفته و آنها بقصاص رسیدند اروپا ورود عساکر متحده
بخاک فرانسه آمدن شوارتزنبرگ بطرف الزاس و عبور او از رودخانهٔ رن و ورود عساکر پروس بسرداری بلوخر

باپالس

با ایالت لُرَن حرکت نمایند برنادُت بسمت هلاند ملاقات سلاطین ثلاثه رُوس و پروس و اطریش در وِزُول جلو آمدن ولنکتن سردار انکلیس از سمت اسپانیا در اینوقت تمام قشون ناپلیون زیاده از شصت هزار نیست مرخص کردن ناپلیون پی هفتم پاپ را که به رُم معاودت نماید ناپلیون و بتریئه که مابین اردوی بلوخر و شوارتزنبرگ است معسکر خود قرار میدهد و بهرینِ وارد و حمله میبرد و شکستی بقشون بلوخر میدهد بلوخر اردوی خود را جمع آوری کرده بسمت پاریس حرکت میکند ناپلیون در شانِ اُبِر شکست سختی با و میدهد بلوخر مجبوراً بشالُن بر میکردد شوارتزنبرگ بطرف پاریس میراند ناپلیون با او جنگ کرده او را عقب مینشاند مارشال سُولت از اسپانیا عقب نشسته به تولوز می آید اردوی برنادُت به بلوخر ملحق شده عزیمت پاریس مینماید دول متحده ثلاثه بناپلیون تکلیف میکنند که اگر حدود دولت فرانسه در هزار و هفتصد و هشتاد و نه داشته قبول میکند با او مصالحه کنند چون این تکلیف را قبول نکرد با او مشغول جنگ میشوند جنگهای سخت ناپلیون با بلوخر سردار پروس شهر رنس که بتصرف روسها در آمده بود ناپلیون آنرا منتزع میسازد شوارتزنبرگ که بسمت پاریس حرکت میکند ناپلیون پیشه سر او را گرفته اما تمام قشون دول متحده در شالُن جمع شده بسمت پاریس عزیمت مینمایند خانواده بوربُن سلاطین سابق فرانسه به الکساندر اول امپراطور روس ملتجی میشوند شهر بُرد و خود را در تحت سلاطین خانواده بوربُن قرار میدهد قشون دول متحده که نزدیک پاریس میشوند امپراطریس فرانسه و ولیعهد به بلوا میروند و شهر پاریس تسلیم میشود ناپلیون با قلیل قشونی به فونتن بلو میرود در سلخ ماه مارس عساکر دول متحده وارد پاریس میشوند مجلس پارلمنت فرانسه خلع ناپلیون را اعلام میکند ناپلیون که از فونتن بلو مصمم حرکت بپاریس است سردارها بتبعیت او را نمینمایند بنابر این ناپلیون باسم پسرش استعفا میکند چون سلاطین متحده قبول نمیکنند کلیةً خود و پسر و خانواده اش از سلطنت فرانسه استعفا میکند ملت فرانسه لوئی هیجدهم برادر لوئی شانزدهم را بسلطنت قبول مینمایند بناپلیون جزیرهٔ الب عطا میشود و بزوجه اش ایالت پارم و پلزانس در ایطالیا در اینحال ناپلیون مصمم مسموم کردن خود میشود روز دوازدهم ماه آوریل ناپلیون با سردارهای خود وداع کرده بجزیرهٔ الب میرود و همان روز لوئی هیجدهم از حوالی لندن بسمت سلطنت بطرف پاریس حرکت میکند تالیراند وزیر اعظم فرانسه با دول متحده مصالحه میکند و حدود فرانسه را همان حدود سال هزار و هفتصد و هشتاد و نه قرار میدهد پنجاه و سه قلعه و هزار و دویست عراده توپ و سی و یک فروند کشتی جنگ و دوازده کشتی بزرک بتصرف قشون دول متحده در میاید ژوزفین زوجه اول بناپارت امپراطریس سابق فرانسه در پاریس وفات مینماید لوئی هیجدهم پادشاه تازه فرانسه در کمپی این با سلاطین ثلاثه ملاقات میکند و در سیم ماه مه بسمت سلطنت بپاریس وارد میشود همه شاهزادها و اعیان دارای القاب قدیم خود شان میکردند از سردارهای ناپلیون بِرتیه و مارمُن هم جزو قشون پادشاه تازه میشوند عهدنامه موسوم بپاریس مابین پادشاه جدید و سلاطین فرنک منعقد میگردد نشان لژیون دُنور برقرار است ولیکن بجای صورت ناپلیون صورت هانری چهارم در آن نقش میشود کنگره وینه برای بقای صلح عمومی فرنک برپا است مترنیخ وزیر اعظم اطریش منعقد میگردد پادشاه پروس مملکت ساکس را میطلبید نروژ ضمیمه سوئد میشود هلکلاند تعلق بانکلیس میباید انکلیس خرید و فروش سیاه پوستان را متروک میسازد مملکت هانوور بوساطت انکلیس سلطنت مستقل کردیده و از تحت تصرف پروس خارج میگردد (انکلیس) اختراع لکموتیو یعنی اسب آتشین که محرک کالسکه های راه آهن است بتوسط ژرژ استفان سُن (ایطالیا) ایالت لمباردی ضمیمه اطریش میشود پاپ وارد رُم میکردد و تمام

بلاد

بلاد او که قشون فرانسه آنها را مسخر کرده بودند باو رد میشود (اسپانیول) فردینانده هفتم که ناپلیون باو آزادی داده و تاج سلطنت اسپانیول را عطا کرده در سلطنت مستقل میگردد و نسبت باشخاصی که سبب شورش شده بودند ظلم و تعدی میکند مکزیک تمکین نمیکند که جزو اسپانیا باشد و آزادی طلب میکند شیلی نیز با وجود قتلی که سردار اسپانیول در این مملکت میکند ربقه تبعیت ابکردن نمیگیرد و لکن ونزوئلا و نوول گرناد بعد تبعیت اسپانیول مینماید (فرانسه) لوئی هیجدهم پادشاه مستقل است اما نه باستقلال اجدادی بلکه سلطنت مشروطه و پارلمنت دارد مارشال سولت وزیر جنگ میشود آبل درموزا تاریخ چین را بفرانسه ترجمه میکند امریکا (اتاژونی) شهر واشنگتن پای تخت اتاژونی را انگلیسها متصرف میشوند و آنجا را خراب میکنند و آتش میزنند اما بعد اتاژونی انگلیس را شکست داده و مصالحه میکنند

سنه ۱۲۳۰ هجری — سنه ۱۸۱۵ مسیحی

آسیا (ایران) در اوایل اینسال موکب اعلیحضرت خاقان کشورستان فتحعلیشاه بشکار مسیله قم تشریف فرما گردید هم در اینسال میرزا فضل الله شیرازی مؤلف تاریخ صاحبقرانی در سلک منشیان حضرت پادشاهی منسلک گردید هم در اینسال چون خوانین خراسان با نواب شاهزاده محمدولیمیرزا والی اینولایت مخالفت داشتند نواب معظم فرج الله خان افشار نسقچی باشی را از دربار همایون باستمالت خود طلبید و مشار الیه با ده هزار پیاده و سوار روانه شد مقارن اینحال محمد رحیمخان خوارزمی باغوای قربان قلیچ بموت با سی هزار سوار بطرف دشت گرگان و استراباد آمد و این خبر معروض آستان معلی گردید حکم همایون شد که فرج الله خان افشار که مامور خراسان و در بسطام بود با ذوالفقار خان و مطلبخان دامغانی بدفع محمد رحیمخان روانه شوند مشار الیهم بدانصوب شتافته در حدود پسرک من اعمال فندرسک با محمد رحیمخان مصاف دادند محمد رحیمخان بعد از مقاتله شکست خورده بطرف خیوه فرار کرد و اردوی او را عساکر منصوره غارت نمودند نواب شاهزاده محمدولیمیرزا بعد از مقهور شدن محمد رحیمخان بخیال تنبیه اکراد افتاده محمد خان قاجار نایب را با امیر قلیچ خان تیموری و عبد الکریم خان عرب بسطامی و جمعی بمحاصره رادکان فرستادند و خود نیز بدره جز راندند و بیگلرخان چاپشلو حاکم دره جز را منهزم ساخته بطرف رادکان شتافتند خوانین خراسان عریضه بحضور اعلیحضرت خاقان ارسال داشته از قوچه خان کرد که در رادکان محصور بود شفاعت کردند و حسب المصلحه این شفاعت پذیرفته شد و حکم همایون بترک محاصره شرف صدور یافت لهذا نواب شاهزاده محمدولیمیرزا بارض اقدس و خوانین باماکن خود معاودت کردند هم در اینسال اسحق خان قرائی که ظاهراً با شاهزاده والی خراسان موافق و در معنی نفاق داشت حسنعلیخان پسر خود را بدربار همایون فرستاده در باطن عزل شاهزاده را مستدعی شد و در ظاهر حکومت تربت شیر را و اگر چه ابتدا پذیرفته نشد ولی در ثانی حکومت تربت شیر را با و مرحمت فرمودند و او بمحل حکمرانی رفته بنواب شاهزاده محمدولیمیرزا اعتنائی ننمود شاهزاده او و پدرش اسحق خان را احضار کرده بسزای خود رسانیدند و محمد خان پسر دیگر اسحق خان که در تربت بود ضبط اینولایت را بحسینعلیخان واگذار کرده بقلعه دولت آباد رفت و در آنجا متحصن شد و بفتنه و فساد پرداخت و واقعه اسحق خان و حسنعلی خان مجدداً خیال خوانین خراسان را مشوش ساخت حاجی فیروز الدین میرزا حاکم هرات بخیال تصرف غوریان افتاد و ملک قاسم میرزا پسر حاجی فیروز الدین میرزا این ناحیه را مسخر نمود و بنیاد خان هزاره بتحریک محمود خان بغارت بعضی ولایات مشغول شد

خراسان

برادر خود هم

محمدخان قاجار نایب و فرج الله خان افشار بنهب غوریان و کوسویه و باخرز و هزاره رفته پس از تاخت و تاز بتربت
مراجعت کردند و در اینجا قشونی که با محمدخان نایب بودند متفرق شدند و افاغنه و هزاره و قرائی دانستند که محمدخان
لشکر عمده ندارد بمنازعه او آمدند و او چون از عهده جنگ با آنها برنیامد بمشهد مقدس شتافت و مصطفی خان سدنی
رستاقی استرآبادی بدست محمدخان قرائی گرفتار شد بالجمله خوانین خراسان اختلالی در کار مملکت انداختند و حاجی
فیروزالدین میرزا را بتسخیر ارض اقدس بتحریک نمودند و این مقدمات سبب شد که اعلیحضرت همایون نواب شاهزاده حسنعلی
میرزا را شجاع السلطنه لقب داده بایالت خراسان منصوب فرمودند هم در این سال عبدالرشیدخان فرستاده حاجی فیروز
الدین میرزا اذن معاودت بهرات یافت و میرزا محمدصادق وقایع نگار رود داروغه دفترخانه مبارکه با او مامور هرات شد
اروپا کنکره وینه هنوز بانتها نرسیده است انعقاد عهد مخفی ما بین فرانسه و اطریش و انکلیس بر ضد روس حرکت کردن
ناپلیون از جزیره الب با هفتصد نفر سرباز پیر که با او بودند بقصد سلطنت فرانسه ناپلیون در حوالی کان از کشتی
بیرون می آید لوئی هیجدهم متزلزل شده قشونی جلو ناپلیون میفرستند ناپلیون بسمت لیون حرکت مینماید و قشونی که جلو
او آمده او را امپراطور خطاب میکنند مارشال نی که کمال صداقت را با پادشاه تازه دارد وقتیکه بناپلیون بر میخورد
خودداری نکرده خود را بپای او میاندازد لوئی هیجدهم متوحش شده از پاریس فرار میکند و ناپلیون در بیستم ماه
مارس وارد تویلری میشود و مجدداً بسلطنت برقرار میگردد و مدت سلطنت دوباره ناپلیون یکصد روز است
که از دهم ماه مارس تا بیست و دوم ژوئن باشد لوئی هیجدهم در هلاند در شهر گاند پناه میجوید آنچه را از قواعد
آزادی لوئی هیجدهم از فرانسه سلب کرده بود ناپلیون باز عطا مینماید اقوام سلطنت از پاریس و فرانسه فرار میکنند
اجزای کنکره وینه ناپلیون را دشمن عالم میخوانند و انکلیس و پروس و اطریش و روس مصمم میشوند که هر یک صد و
پنجاه هزار قشون جمع کرده بجنگ ناپلیون روند سه اردو تشکیل مییابد اردوی اول بسرداری شوارتزنبرگ اطریشی
دوم بسرداری بلوخر سردار پروس و ولنگتن سردار انکلیس باشد و سیم را الکساندر امپراطور روس خود قبول میکند
با آنکه ناپلیون طلب صلح میکند هیچکس نزدیک او نمیآید عساکر انکلیس بسرداری ولنگتن در بلژیک جمع میشوند ناپلیون
سیصد هزار قشون جمع میکند کنکره وینه معاهده خود را بامضای دول اطریش و انکلیس و روس و پروس و ملل فرانسه و
اسپانیول و پرتوغال و سوئد میرسانند این معاهده مشتمل بر صد و بیست فصل است ناپلیون با صد و بیست هزار قشون
بطرف بلژیک حرکت میکند پروس و انکلیس در بلژیک متحد اند در لینی جنگ خونریز سختی بین الطرفین در میگیرد
در واترلو ناپلیون خود جلو انکلیسها را گرفته به گروشی سردار خود حکم میدهد که جلو بلوخر سردار پروس را بگیرد که
دو دسته قشون متحد نتوانند بیکدیگر برسند شب جنگ واترلو از حیثیت بی آذوقگی و سرما و باران و فقدان آتش برای
عساکر فرانسه بدترین شبها بود در هیجدهم ژوئن ناپلیون با ولنگتن سردار انکلیس مقابل میشود گروشی سردار ناپلیون
خبط یا خیانت کرده جلو سردار پروس را نمیگیرد و لشکریان پروس و انکلیس بهم ملحق میگردند ناپلیون نزدیک بود
قشون انکلیس را شکست دهد که عساکر پروس بکمک انکلیسها رسیدند چون اینها و لشکر بهم پیوستند شکست سختی
بناپلیون دادند قشون فرانسه و ناپلیون فرار کردند و هرج و مرج غریبی در اردوی آنها افتاد ناپلیون بپاریس و
بقصر الیزه ورود نمود و از امپراطوری استعفا کرده پسر خود را ناپلیون دوم و امپراطور خواند وکلای ملت
اعتنا بحرف و حکم ناپلیون نکردند عزیمت لوئی هیجدهم بپاریس قشون انکلیس و پروس از واترلو بطرف پاریس
راندند و ناپلیون به بندر رشفرت رفت تصرف نمودن عساکر متحده پاریس را و ورود لوئی هیجدهم با بیرق سفید

که شعار سلطنت آنخانواده بود در هشتم ماه ژوییه بپاریس فوشه و تالیران دو نفر وزیر و پرورده نعمت ناپلیون
در انموده باو خیانت میکنند و سبب خلع آخری او این دو نفر میشوند سلاطین روس و اطریش و پروس در دهم ژوییه
وارد پاریس میشوند دو کرور قشون خارجه هاث و بلاد فرانسه غارت مینمایند ناپلیون در کشتی موسوم بسال آل
فشته بسمت انکلیس میرفت که بیک فروند کشتی انکلیسی که کاپیتن آن میلاند نام داشت برخورد ناپلیون از کاپیتن
مشار الیه خواهش کرد او را بانکلیس و نزد نایب السلطنه برد کاپیتن این تکلیف را قبول کرده او را در کشتی موسوم
به بلرفن نشانید و ناپلیون کاغذی بخط خود بنایب السلطنه انکلیس نوشته مضمون آن اینکه من بتو پناه آورده ام
و در خاک تو امنیت میخواهم اما دول فرنک ناپلیون را محبوس خود دانسته و حراستش را بانکلیس رجوع میکنند بنابراین
دولت انکلیس جزیره سنت هلن را که در دریای محیط آتلانتیک واقع و یکپارچه سنک خشک و دارای هوای غیر سالمی است
محل حبس ناپلیون قرار میدهد اشخاصی که در این مسافرت و اغتراب با او همراهی میکنند برتراند و منتلن و گورگد و لاسکاس
از رجال و سردارهای او بودند دولت فرانسه هفتصد ملیون فرانک بطور وجه خسارت بقشون متحده میدهد و صد و
پنجاه هزار نفر از قشون متحده مدت پنجسال در بعضی از قطعات فرانسه مقیم خواهند بود در این صلح با دول فرنک و خلع
ناپلیون معادل چهارصد کرور تومان خسارت فرانسه شد اما در بیست و سه سال مجادله که با دول فرنک کرده بود
جمعه خسارت فرانسه به شش صد کرور تومان میرسید (فرانسه) لوی هیجدهم پادشاه فرانسه بعد از آنکه در ثانی بمملکت
فرانسه ورود نمود بنای تعدی را نسبت بهواخواهان ناپلیون گذاشت از جمله مارشال برون بتحریک او کشته شد و
مارشال نی محبوس و ژنرال لابدوایر مقتول گردید مارشال نی در مجلس استنطاق حاضر شده بعد از گفتگوی زیاد حکم
قتل او صادر شد شورش مردم در اغلب ایالات بر ضد پادشاه جدید (روس) الکساندر اول لقب پادشاهی
ازجزیرهٔ الب لهستان را بالقاب سلطنتی خود الحاق میکند (ایطالیا) مورات پادشاه ناپل که بعد از مراجعت ناپلیون اظهار خدمت
باو کرده بود دول متحده او را از سلطنت خلع میکنند و قشون اطریش با او جنگ کرده مورات بدست آمده مقتول
میشود (المان) مملکت المان از این بعد موسوم به کنفدراسیون ژرمانیک میشود و بعدها مامورین دول در فرانکفورت
جمع خواهند شد و در پاست مامورین مزبوره با شخصی است که از طرف دولت اطریش معین میگردد (امریکا) (اتازونی)
ژنرال ژاکسن بر عساکر انکلیس غلبه مینماید

سنه ۱۸۱۶ مسیحی

سنه ۱۲۳۲ هجری

آسیا (ایران) در هفدهم محرم این سال نواب شاهزاده حسنعلی میرزای شجاع السلطنه والی خراسان وارد مشهد
مقدس گردید و خوانین خراسان که بفتنه و فساد میپرداختند بجای خود آرام گرفتند حاجی فیروز الدین میرزا حاکم
هرات عبد الرشید خان افغان را با نامه و هدایا بتهنیت ورود نواب شجاع السلطنه بخراسان فرستاد و از
گذشته معذرت خواست و میرزا محمد صادق وقایع نگار را که نه ماه در هرات محبوس داشته بود رها نموده مشار الیه
بخدمت نواب شجاع السلطنه آمد و ملک قاسم میرزا پسر فیروز الدین میرزا غوریان را تخلیه نمود هم در این سال چون
طایفه اکراد بلباس بخاک ارومی تمشه و بعضی بی اعتدالیها نموده بودند و پیش از این حضرت مستطاب نایب السلطنه
امیرخان خال خود را با بوسفخان گرجی سرهنگ فوج بهادران بیگی مسلمان بتادیب آنها مامور فرموده بودند این وقت
محمد امیرخان قاجار با جمعیت بود اقخان مکری و سرباز ان همچی ابراهیم بیگ سرتیپ و جعفرقلیخان مراغه وغیره نیز به
آنجا عت رفته در محل گرمیان در نزدیکی شهرزور بر آنها حمله نموده قریب یکهزار نفر از بلباسها را مقتول نمودند

وسردار پیران تاخت وتاز ومفقود نمودن آنجماعت معاودت نمود همدر اینسال چون نظم طایفهٔ بختیاری برعهدهٔ نواب شاهزاده محمد علیمیرزای دولتشاه موکول شده بود واسدخان بختیاری هفت لنگ بخصاصت زمیران معرود کردیده از خدمت نواب شاهزاده محمد تقی میرزا حکمران بروجرد تقاعدی داشت موکب دولتشاه بطرف زمیران روانه شد وچون نزدیک بدزمیران رسیدند میرزا محمد لواسانی وزیر وپیشکار خود را باستمالت اسدخان فرستادند وعساکر نواب شاهزاده اطراف دز را احاطه نمود اسدخان چون دید مفری وچارهٔ جز آمدن بحضور شاهزاده نیست بصلاح میرزا محمد لواسانی راپذیرفته از قلعه بزیر آمد وباضراعت واستکانت عذر تقاعد از خدمت را بخواست ومعذرت او قبول ومعفو کردید واطمینان کامل حاصل نموده براه انقیاد واطاعت رفت وترک خود سری وراهزنی نمود همدر اینسال نواب شاهزاده علیخان ملقب بظل السلطان شده ایالت دار الخلافه طهران را بشاهزاده معزی الیه تفویض فرمودند ونواب اسمعیل میرزا بحکومت ترشیز منصوب شد ومیرزا موسی رشتی که از جانب نواب حسنعلی میرزای شجاع السلطنه بنایب ترشیز داشت احضار کردیده بوزارت خراسان برقرار وروانه شد وحکومت یزد را بمحمد زمانخان پسر نظام الدوله اصفهانی مرحمت فرمودند همدر اینسال حاجی میرزا ابو الحسنخان شیرازی که بسفارت بدربار دولت روس رفته بود وبواسطهٔ جنگ روس وفرانسه امپراطور روس الکساندر بفرانسه ونمسه رفته بودند وسفیر مشار الیه درخارج شهر پطربورغ توقف کرده منتظر قدوم امپراطور معظم بود بحضور ایشان مشرف ومورد الطاف کامله کردیده عهدنامه منعقده بین دولتین ایران وروس بامضای امپراطور روس رسید والکساندر یرملوف سردار کرجستان بسمت وزیر مختاری از جانب دولت مامور ایران شد ومقرر کردید که وزیر مختار مشار الیه در موعد معین در چمن سلطانیه شرفیاب حضور اعلیحضرت خاقان کشورستان فتحعلیشاه کردد وعسکرخان افشار ارومی بمهمانداری سفیر رفت وحکم شد میرزا عبد الوهاب معتمد الدوله بولایت خمسه ورود نمود وپس از ورود سفیر مزبور او را در چمن سلطانیه بکفر... سلطانیه نزول دهد ومیرزا فضل الله علی آبادی با معتمد الدوله همراهی کرده مواظب لوازم ومخارج سفیر باشد همدر اینسال نواب حسنعلی میرزای شجاع السلطنه از ارض اقدس عزیمت هرات فرموده در اوایل ماه جمادی الاولی بخبوشان رسیدند ورضا قلیخان ولد امیر کونه خان طوغاکرها بخدمت شاهزاده آمد وروز دیکر خوانین خراسان یعنی نجفقلی خان شادلو حاکم بجنورد وبیکلرخان چاپشلو حکمران دره جز وسعادتقلیخان بغایرلو حاکم جهان ارغیان وقوچ خان کیوانلو حاکم رادکان نیز بحضور شاهزادهٔ معظم مشرف شدند وملتزم خدمت کردیدند ودو هزار سوار برای التزام رکاب والا معین کردند پس از چندی اردوی شجاع السلطنه بمنزل سنک بست جام نزول نمود ومحمدخان قرائی تربتی در انمحل بحضور شاهزاده شرفیاب کردید وهنکام عبور از حوالی محمود آباد کرد در تصرف بنیاد خان هزاره بود قلعه کبیان نفعلکی بطرف فرار وخالی کردند شجاع السلطنه بتسخیر قلعه حکم دادند عبد الله خان ارجمند فیروزکوهی ورستمخان قراکوزلو ومطلب خان دامغانی واسمعیل خان سردار بقلعه یورش بردند وقلعه را مسخر کردند وجمعی کثیر از هزاره مقتول ودستکیر واموال زیادی از آنها بغارت رفت ودر ورود بتربت شیخ جام عطا محمدخان افغان از جانب والی هرات بتسلیم قلعهٔ غوریان واطاعت بدولت ایران آمد نواب شجاع السلطنه چون اطمینان باقوال مشار الیه نداشتند از جام بکوسویه راندند ومیرحسینخان عرب نکوئی حاکم تون وطبس در آنمنزل بخدمت ملازمان نواب شاهزاده شتافت وروز دیکر بغوریان رفتند واز آنجا روانه شکیبان شدند بعد از ورود بپل نقره معلوم شد شیخ الحیات حاجی فیروز الدین میرزا در مصلی هرات وتل بنکیان مستعد مقاومت

میباشند و والی هرات خود در شهر آسوده است لشکر بصرت اثر بر شمخالچیان مزبور حمله کرده بسیاری از آنها را
براه عدم فرستادند و نواب شاهزاده در کنار رود انجیل بسنکری سران سپاه را با حشام اطراف هرات حکم دادند
حاجی فیروز الدین میرزا کلید عودبان را با پنجاه هزار تومان تسلیم کرد و متقبل شد که خطبه و سکه کما کان باسم
اعلیحضرت خاقان باشد لهذا موکب فیروزی الاعلام بادغیسات و بشیه هزاره کرد بید و اسمعیل خان سردار دره بام
با بنیاد خان هزاره مصاف داد و شکستی فاحش خورد و لشکر او متفرق شدند پس از این واقعه نواب شجاع السلطنه
مراجعت کردند هم در اینسال در دار الخلافه جشن عروسی و سور نواب شاهزاده علیخان ظل السلطان و نواب اللهوردی
میرزا پرداخته شد و الکساندر یرملوف وزیر مختار دولت روس که خود را از نبایر جوجی خان بن چنگیز خان میدانست از
تفلیس بطرف ایران حرکت کرد و عسکرخان افشار مهماندار او در اوچ کلیسا بوزیر مختار رسید و در وانه ایروان
شدند و حسنخان برادر حسینخان سردار با پنجهزار سوار او را استقبال کرد و سردار خود در خارج ایروان در خرگاهی
وسیع با تشریفات لایقه ایلچی روس را پذیرفت و هنگام ورود به تبریز   از جانب حضرت مستطاب نایب السلطنه
پذیرائی کامل از مشار الیه بعمل آمد و آخر الامر در چمن سلطانیه اردو زد و نزول کرد تا روز ورود موکب اعلیحضرت همایون
بسلطانیه وزیر مختار روس با شرایط اعزاز درک حضور مکرمت ظهور خاقانی نموده تحف و هدایای خود را تقدیم کرد و از
جمله هدایا فیل و هودجی از زر سرخ بود که با کلید آنرا کوک میکردند و بحرکت درمی‌آمد و سه قطعه آیینه بود که هر یک
دو ذرع و نیم طول داشت و زیاده از یکذرع عرض و کمتر از یک چهار یک ذراع ثخن و آن آیینه مخصوص عمارات سلطنتی دار الخلافه
شد هم در این اوان محمد علیخان خلج بسفارت بدربار عثمانی مامور و نامه مبنی بر مودت بسلطان محمود خان سلطان
عثمانی مرقوم شد هم در اینسال میرزا خلیل الله (شاه خلیل الله) ابن میرزا ابو الحسن مرشد طایفه اسمعیلیه در یزد
مقتول شد میرزا خلیل الله مزبور چندی حاکم کرمان و بعد ساکن محلات قم و یزد بود در این سال میان ملازمان او
و اهالی یزد نزاعی درگرفت و او در آن نزاع کشته شد و از آنجا که از سادات حسینی بود و بواسطه ریاست بر اسمعیلیه
در ایران و هندوستان اعتباری داشت بحکم اعلیحضرت همایون اهالی یزد را سیاستی بسزا نمودند و آقاخان ولد اکبر میرزا
خلیل الله بشرف مصاهرت پادشاهی و حکومت قم و محلات نایل آمد هم در اینسال نواب شاهزاده حسینعلی میرزا فرمانفرمای
فارس محمد زکیخان نوری سردار فارس را مامور بتادیب اعراب جواسمی ساکن بنادر معموره فرمودند و سردار مزبور بمحل
ماموریت خود رفته بقتل و نهب پرداخت هم در اینسال موکب همایون عزیمت مازندران فرموده چندی در عمارت بحر الارم
بارفروش بشادمانی گذرانیده پس از آن بدار الخلافه باهره معاودت فرمودند هم در اینسال محمود شاه حکمران کابل
و قندهار فتح خان افغان را که وزارت او را داشت و مردی بیباک بود معاونت و بعنوان فیروز الدین میرزا بهرات مامور
نمود و او بظاهر هرات نزول کرده پس از ملاقات هنگام وداع حاجی فیروز الدین میرزا را بگرفت و بقندهار فرستاد و امرای
او را معزول و اهل و اموال او را ضبط و تصرف نمود و حاجی آقاخان وزیر و عبد الرشید خان افغان را بقتل رسانید
و خود بحکومت هرات پرداخت و برادر خود کهندلخان را بتسخیر غوریان فرستاد و امرا و خوانین خراسان را با خود
متفق ساخت و رحیم خان خوارزمی را نیز محرک شده رحیم خان بسر سرخس آمد مقتول شدن حاجی میرزا محمد اخباری
معروف در کاظمین بدعوغای عوام و کرامات زیاد نسبت باین عالم داده اند ارو پا (المان) بعد از کنگره وینه
مجلس شورائی بریاست دولت اطریش برای تمام دول المان در شهر فرانکفورت منعقد نمودند و این شورای موسوم به
شورای دیت ژرمانیک کردید فوت فردریک پادشاه وورتمبرگ و جلوس پسرش کیلیوم اول بجای او (انکلیس)

هنا زعهٔ عساکر انکلیس با والی الجزایر و محکم کردن والی مشار الیه قلعهٔ الجزایر را (فرانسه) ایجاد کمپانی بجهة سفاین تجاری
(پرتوغال) فوت ماری ملکهٔ پرتوغال پسر این ملکه که پادشاه برزیل بود و موسوم بژان ششم پادشاهی پرتوغال را
ضمیمهٔ لقب سلطنتی برزیل مینماید ولی از این مملکت بپرتوغال نیامده و فی الواقع پرتوغال در تحت حکمرانی انکلیسها میباشد
(روس) شهر مسکو را که آتش زده بودند تعمیر میکنند (عثمانی) در سربستان عثمانیها قرا و آباد را آتش میزنند و برجان
و ناموس احدی ابقا نمینمایند چوپان زاده ابرنوویج نام ریاست شورشیان را که برضد عثمانی هستند مینماید امریکا
(ینکی دنیای جنوبی) بلیوار نام در مملکت نوزیلا بنای یاغیکری را با دولت اسپانیا گذاشته با عساکر اینددولت جنگ
میکند مملکت پلاتا نیز آزادی خود را از اسپانیول طلب مینماید

سنهٔ ۱۲۳۳ هجری سنهٔ ۱۸۱۷ مسیحی

آسیا (ایران) در این سال اعلیحضرت خاقان کشورستان فتحعلی شاه معتمد الدوله میرزا عبد الوهاب اصفهانی
را باستمالت خوانین و امرای خراسان مامور فرمودند و ذو الفقار خان و مطلب خان را بمدافعهٔ لشکر خوارزم و افغان
مثال دادند و حاجی میرزا ابو الحسنخان شیرازی بسفارت انکلیس رفته و هدایا بصحابت او و برای امپراطور نمسه و اوی
هیجدهم پادشاه فرانسه و جهة پادشاه انکلستان ارسال نمودند و میرزا عبد الحسینخان بسفارت نمسه معین و
با مشار الیه بجمل ماموریت خود رفته و موکب همایون تشریف فرمای چمن نمکه و ساور کردید همدران اینسال فتح خان افغان
با لشکر فراوان عزیمت ارض اقدس نمود و محمد خان قرائی و ابراهیمخان هزاره بد و کرویدند نواب حسنعلی میرزای
شجاع السلطنه با لشکر جرار از ارض اقدس برای دفع فتح خان حرکت کرد و در کال یا قوتی معتمد الدوله و خوانین سمنان
و دامغان بنواب معظم پیوستند و فتح خان افغان با سی هزار نفر سوار افغان و هزاره در کوسویه مستعد جنگ شد
نواب شجاع السلطنه بنه و آغروق را در کافر قلعه گذاشته در میان رباط کافر و کوسویه با فتح خان بمقاتلت پرداختند
پس از جنگی سخت لشکر افغان منهزم شد و گلوله بردهان فتح خان آمده راه فرار پیش گرفت و در این حیص و بیص معتمد
الدوله جمعیت بنیادخان را که ان اردوی شاهزاده کرده بمیان آنها رفت و دستگیر شد نواب شجاع السلطنه رقم حکومت
باخرز و کوسویه و غوریان را برای بنیادخان فرستادند و او نیز معتمد الدوله را با تدارکی شایسته بحضور شاهزاده فرستاد
همدران اوان موکب همایون با لشکری جرار ببام ورود نمود و بمحاصرهٔ قلعهٔ بام اشارت فرمودند و بعد از دو روز
قلعه بتصرف عساکر منصوره درآمد مرتضی قلیخان برادر رضا قلیخان بغایری که در قلعهٔ بام بود با قران و شمشیر
بحضور مبارک آمد و او و برادرش هر دو معفو شدند و از اتفاقات آنکه خاقان کشورستان روزی در قلعهٔ بام کردش
میکردند گلوله از قلعه بطرف اعلیحضرت پادشاهی انداختند آن گلوله بیکنفر از غلامان که در نزدیکی بود خورد و از
اسب در غلطید و با اینکه مرتکب بدبشناسائی شد او را عفو فرمودند همدر این اوان رحیمخان خوارزمی که از حرکت و انتهاض موکب
خاقانی خبردار کردید راه فرار پیش گرفته بچنوره شتافت و خوانین خراسان طوعا و کرها مطیع شدند و حکم همایون
بمحاصرهٔ خبوشان شرف صدور یافت و رضا قلیخان بقلعهٔ شیروان گریخت و بمیرزا محمد شفیع صدر اعظم متوسل شد
صدر اعظم با میرزا رضای قزوینی منشی و میرزا فضل الله علی آبادی مازندرانی مستوفی و میرزا فضل الله خاوری شیرازی برای
اطمینان او بشیروان رفتند ولی رضا قلیخان مطمئن نکردید به صدر اعظم مراجعت نمود و نواب شجاع السلطنه با خوانین
و اکابر و امرای خراسان باردوی همایون پیوستند و میرزا بخ خوانین و امرا که یکهزار و پانصد نفر بودند حاجی
محمد حسینخان نظام الدوله اصفهانی بر عهده گرفت و طوری اینکار را بانجام رسانید که محل تعجب ارکان گردید

همشیره زادهٔ میرزا ابو الحسنخان

کویند در این اوان در شبی تاریک در کود الی عمیق که فاضل آب مطبخ نظام الدوله بوده و نفر ترکمان افتاده غرق شدند بالجمله چون کار خبوشان و رضا قلیخان یکسره نشده بود فرمان همایون بمحاصره این بلده و تاراج ایلات و احشامات و توابع و لواحق قلعه جات رضا قلیخان زعفرانلو صادر کردید و پس از تاخت و تاز و غلبه رضا قلیخان و سایل و شفعا برانکیخته و کدخدایان و زنان و پیران ایل خود را با توپ و خمپاره و زنبورک و جزایر و شمخال و تفنک و کرو کان نارد و معلی فرستاد و مورد بخشش و عاطفت خاقانی کردید و بشاه محمود والی قندهار و کابل حکم شد فتحخان را کرفته مقیدا بحضور مبارک فرستد یا از حلیه بصر عاری سازد شاه محمود شق آخری را اختیار و اطاعت نمود و از پیشکاه همایون خلعت فاخر و خنجر مرصع بجهة حاکم هرات مرحمت شد و امیر حسنخان عرب نکوئی و کیل خراسان لقب یافت و امرای این ایالت مرخص شده باوطان خود باز کشتند و اعلیحضرت خاقان کشورستان بزیارت حضرت علی بن موسی الرضا علیه آلاف التحیة و الثنا فایز کردیدند و پس از شش روز توقف در ظاهر شهر مشهد مقدس بدار الخلافه معاودت فرمودند ولادت نواب سلطانزاده میرزا (حسام السلطنه) ابن حضرت مستطاب نایب السلطنه در ماه ربیع الثانی این سال ولادت نواب الافرهاد میرزا (حاجی معتمد الدوله) ابن حضرت مستطاب نایب السلطنه ولیعهد دوم جمادی الاولی این سال هم در اینسال چاپ حروف که بفرانسه تیپوکرافی کویند بتوجهات حضرت نایب السلطنه در ایران رواج یافت و بعضی شروع و رواج این صنعت را در ایران از وقایع سال قبل دانسته ولادت نواب شاهزاده یحیی میرزا

ارو پا (انکلیس) فتوحات انکلیس در هند استیلای انکلیس این اوقات تا سواحل رود پنجاب امتداد دارد (فرانسه) در این سال که تحطی بروز کرده است دولت فرانسه مبلغ کزافی از دولت روس کندم ابتیاع میکند شهر پاریس بواسطه چراغ کاز روشن میشود مادام استائل نویسنده معروف وفات میکند (روس) مزاوجت کراندوک نیکلا برادر امپراطور روس با دختر پادشاه پروس

سنه ۱۲۳۴ هجری
سنه ۱۸۱۸ مسیحی

آسیا (ایران) در این سال خالو داودخان درانی با یک زنجیر فیل و سی طاقه شال کشمیری و مبلغی زر نقد از جانب شاهزاده کامران بدربار خاقان کشورستان فتحعلیشاه آمده معروض داشت که بعد از قتل فتحخان و مقید نمودن برادرش شیردلخان شاه محمود از فراه بقندهار رفته بفکر کار افتاد و پردلخان برادر دیکر فتحخان جمعی را در قلعه نادعلی دور خود جمع کرد و بمخالفت با شاهزاده کامران برخاسته برادران محبوس خود فتحخان و شیردلخان را خواست شاهزاده کامران ناچار آنها را به پردلخان تسلیم نمود و در اینحال برادران دیکر فتحخان که هریک در صوبه صوبه دار و حاکم با اقتدار بودند از واقعه آکاه کشته بنای طغیان را کذاشتند محمد عظیم خان که صوبه دار کشمیر بود دوستمحمد خان و یار محمد خان برادران خود را به پیشاور فرستاد و شاهزاده ایوب را بتخت نشانیدند و با شاه محمود جنک سختی کرده او را منهزم ساختند و شاهزاده ایوب الکای پیشاور را تا حدود جلال آباد بتصرف در آورد و دیکرباره محمد عظیم خان برادر دیکر خود عبد الجبار خان را با استعدادی شایان بهمراهی دوستمحمد خان بتسخیر کابل روانه کرد و محمد زمانخان برادرش را بهندوستان فرستاده شجاع الملک ولد تیمور شاه را که بدولت انکلیس پناه برده بود طلبیده بیاوردند و بتسخیر کابل و سیستان عزیمت کردند و کار افغانستان پریشان شده و جز هرات و قندهار حصاری در دست محمود و کامران نماند و اعلیحضرت خاقان فرستاده کامران میرزا را مطمئن فرموده معاودت دادند هم در اینسال نواب حسینعلی میرزا فرمانفرمای فارس بدار الخلافه

احضار شده و با برادر کهتر خود حسنعلی میرزای ملقب بشجاع السلطنه ملاقات کردند و امیرکبیر حاجی محمد حسینخان
مروزی قاجار عزالدینلو که ملقب بفخر الدوله بود در طهران وفات یافت و از ماثر خیریه حاجی محمد حسینخان مروزی مدرسه
مشهور بمدرسه مروی است در دار الخلافه که الی الآن باحسن وضع و نظام دایر است هم در اینسال یولکونیک میرزا وجکردر
تفلیس و بوکالت نایب الدوله منصوب بود با ظهار الکساندر برملوف سردار کرجستان باستان ملایک پاسبان همایون آمد
و پس از چندی میرزا محمد علی مستوفی آشتیانی بانفاق مامور خدمت حضرت مستطاب نایب السلطنه کردیده در تبریز متوقف شد
و نواب شجاع السلطنه حکمران خراسان بارض اقدس بازگشته و اسمعیل خان دامغانی بملازمت خدمت شاهزاده مامور
شد هم در اینسال موکب همایون تشریف فرمای چمن سلطانیه گردید و داود پاشا والی بغداد که باعانت نواب شاهزاده
محمد علیمیرزای دولتشاه والی کرمانشهان در حکومت بغداد مستقل شده بود در این ایام براه خلاف رفت نواب
شاهزاده دولتشاه از کرمانشهان لشکر کشیده رفتند و سپاهی ساخته تا زحوالی و اطراف بغداد فرستادند و عیسی
خان امیرآخور نیز باده هزار نفر از قشون نصرت نمون برکاب دولتشاه پیوسته داود پاشا کار را سخت دیده آقا احمد
کرمانشهانی را که از اجله علما بود شفیع قرار داد و احمد چلبی را با پیشکشی لایق بحضور حضرت شاهزاده معظم فرستاد
و از خطرها آسوده کردید هم در این سال رعایای کیلان از حسرو خان کرجی حاکم خود شاکی شدند نواب شاهزاده محمد رضا
میرزا را بحکمرانی خود مستدعی شدند و مسئول ایشان مقبول شد هم در این سال حضرت مستطاب شاهزاده معظم نایب
السلطنه بتقبیل عتبه علیه خاقانی آمده پس از ادراک حضور موهبت ظهور پادشاهی و دریافت مکارم موفوره با
میرزا بزرک قایم مقام بتبریز مراجعت فرمودند و اردوی کیوان شکوه خاقانی از سلطانیه بدار الخلافه بازگشت هم در
اینسال میرزا محمد شفیع صدر اعظم در قزوین وفات یافت و حاجی محمد حسینخان نظام الدوله اصفهانی که ثانی حاتم و از اسخیای
عالم بود بمنصب صدارت عظمی نایل آمد و وزیر اعظم تاریخ این امر است هم در این سال خوانین خراسان ربقه اطاعت
نواب شجاع السلطنه را بر رقبه انقیاد خود نهادند و اسمعیل خان سردار از خدمت شاهزاده معظم بدربار معلی مراجعت
کرد و ولادت نواب کرتا میرزا و محمد امین میرزا و سلطان حمزه میرزا و سلطان احمد میرزا فرزندان قاخان کشورستان
اروپا (المان) پسر ناپلیون با مادرش که دختر پادشاه اطریش است پیش از این بخاک اطریش پناه برده در این
سال امپراطور اطریش به پسر ناپلیون که نوه دختری اوست لقب دوک ریشستاد میدهد (انکلیس) سنکاپور را
در هند انکلیسها در این سال ابتیاع نمودند (دانمارک) ایجاد بانک در این مملکت (فرانسه) قشون دول متحده
که هنوز در خاک فرانسه بودند مملکت فرانسه را تخلیه کرده خارج میشوند ملاقات امپراطور روس و امپراطور
پروس با لوی هیجدهم پادشاه فرانسه نقشه مملکت فرانسه امسال رسم میشود (ایطالیا) زلزله سخت در سیسیل
و در بلاد مجاور کوه اتنا (روس) در این سال اول تاریخ این مملکت را کارامسن تالیف مینماید (سوئد)
فوتشارل سیزدهم پادشاه سوئد و جلوس برنادت سردار فرانسه که ولیعهد این دولت را داشته و موسوم بجای اوم
نمودن خود را بشارل چهاردهم **افریقا** (مصر) محمد علی پاشا و پسرش ابراهیم پاشا که مدت شش سال
با جماعت وهابی میجنکیدند بالاخره انجماعت را مقهور و مضمحل نموده رئیس آنها عبدالله بن نام را محمد علی پاشا
مغلولا باسلامبول فرستاد و عبدالله بن در اسلامبول مقتول شد محمد علی پاشا قشون خود را بوضع عساکر اروپائی اهتمام کار عبدالله بن سعود را از مورخین از وقایع سال هزار
تربیت میکند **امریکا** (ینکی دنیای جنوبی) مملکت شیلی خود را از تحت سلطنت اسپانیول خارج کرده دم از و دویست و سی و شش دانسته
استقلال میزند چنانکه در سوانح ان سال ذکر خواهد شد
۱۲۳۳

سنه ۱۲۳۵ هجری　　　سنه ۱۸۱۹ مسیحی

آسیا (ایران) در این سال بامر خاقان کشورستان اعلیحضرت فتحعلی شاه عقد مزاوجت و ازدواج فیمابین نواب شاهزاده اعظم محمد میرزا (اعلیحضرت محمد شاه) ابن حضرت مستطاب نایب السلطنه عباس میرزا و صبیهٔ محترمهٔ نواب امیر کبیر محمد قاسمخان بن امیر کبیر سلیمانخان اعتضاد الدوله قاجار بمیمنت و مبارکی منعقد گردید و جشنی شایان در دار الخلافه باهره گرفتند و در این ضمن صبیهٔ مرحوم میرزا شفیع صدر اعظم در حبالهٔ نکاح همایون میرزا در آمد نیز صبیهٔ نواب محمد قلیمیرزای ملک آرا حکمران مازندران در سلک مزاوجت امیر سلیمانخان فرزند نواب امیر کبیر محمد قاسمخان منسلک گردید و پس از انجام این امور خیریت منظور موکب منصور خاقانی بزیارت حضرت معصومه سلام الله علیها و تفرج فین کاشان انتهاض فرمود و پس از مراجعت سلیمان افندی سفیر سلطان محمود خان سلطان عثمانی بحضور مبارک مشرف شده و بعد از چندی اقامت در دربار همایون بخلاع فاخره مخلع گردید و اذن معاودت حاصل نمود همدر این سال عبد الصمدخان بارکزائی افغان از جانب شاه محمود و کامران میرزای افغان با هدایا و تحف بدربار خاقان مملکت ستان آمده از تطاول برادران فتح خان شکایت و تظلم نمود و حکم همایون بنواب شجاع السلطنه حسنعلی میرزا والی خراسان در امداد شاه محمود و کامران میرزا شرف صدور یافت و عبد الصمدخان با مسرت خاطر معاودت کرد همدر اینسال سفیری از جانب امپراطور روس الکساندر اول بدربار همایون آمده از جمله هدایا که امپراطور معظم برای اعلیحضرت پادشاهی ارسال داشته حوض بلور معروف و مشهور است که در عمارت بلور نصب شد همدر اینسال چون بعد از معاودت عبد الصمدخان افغان شاه محمود باغوای بنیادخان هزاره و اویماقات جمشیدی پرداخت نواب حسنعلی میرزای شجاع السلطنه عزیمت هرات فرمود و بتربت حیدریه متوجه شده ولایت باخرز و آن حدود را که بنیادخان متصرف بود مسخر نمود و بامیر قلیج خان تیموری سپرد و امیر حسنخان طبسی و محمدخان قرائی در اینسفر در رکاب شاهزاده معظم بودند و امیر حسنخان شاهزاده را از گرفتن محمدخان قرائی مانع بود از قضایای اتفاقیه امیر حسنخان طبسی این ایام در گذشت و ملازمان نواب شاهزاده محمدخان را گرفته بند نهادند و بتربت حیدریه رفته برادران محمدخان و مادرش از در اطاعت و ضراعت در آمده قلعه تربت را بتصرف ملازمان نواب شجاع السلطنه دادند و این وقایع را بعرض آستان همایون رسانیده فرمان همایون صادر شد که اگر نواب شاهزاده صلاح میداند تربت را مجدداً بمحمد خان واگذار کند نواب شاهزاده چنین کردند یعنی محمدخان را مخلع و رها نموده بقلعه او تشریف بردند و او نیز خدمتهای شایان نمود و خواهر خود را در حبالهٔ نکاح شاهزاده در آورد شاه محمود که از این وقایع مستحضر گردید متوحش و پشیمان شد و از اغوا و تحریک دست کشیده هدایا و پیشکشی برای نواب شجاع السلطنه فرستاده بنابراین شاهزادهٔ معظم بارض اقدس آمدند و کالت طبس حسب الاراده بامیر علینقیخان بن امیر حسنخان تفویض شد همدر اینسال چون نواب شاهزاده محمد رضا میرزا والی گیلان حسن ظنی بصوفیه سلسلهٔ نعمة اللهی بهم رسانیده و جمعی نسبت بانطایفه حسبه دور شاهزاده را گرفته بودند اینفقره بوجهی شنیع بعرض آستان همایون رسید برای آنکه این ازدحام موجب غائله نگردد موکب خاقانی بشکار و لاینطادم انتهاض فرمود و حضرت مستطاب نایب السلطنه بحضور مبارک تشرف جستند و پس از تفرج و شکار و مراجعت به تبریز نمودند و در قزل اوشان نواب محمد رضا میرزا و اهالی گیلان حسب الامر شرفیاب آستان پادشاهی گردیدند و بعضی سیاست و تنبیه شده و جمع صوفیه متفرقه متبدل گشت علاوه فاضل خان گروسی چاپچی باشی را مامور فرمودند که بهمدان رفته از حاجی محمد جعفر قراگوزلو از مشاهیر عرفا و آقا سید حسن همدانی که او نیز از اعاظم سلسلهٔ مزبوره بود دو هزار تومان برسم مصادره دریافت نماید و همانا این عمل بسعایت ارباب اغراض

بوده والآجلاک قدر حاجی محمد جعفر و آقا سید حسن معلوم ومعین است هم در اینسال سرخای خان لکزی و مصطفی خان شیروانی ومهدیقلیخان جوانشیر از تطاول کماشتکان دولت روس بستوه آمده بتوسل بدربار خاقان عظیم الاقتدار هادنند و بالطاف شاهانه نایل کردیدند هم در این اوان عبدالله خان امین الدوله بجهة تفریغ محاسبات کیلان مامور رشت شد و وفات میرزا معصوم محیط والده میرزا بزرک قایم مقام فراهانی و وفات میرزا صادق ناطق شاعر اصفهانی

اروپا (انکلیس) شورش سخت در شهر منچستر نیز شورش در ارلند مسافرت فرانکلن بقطب شمال

سنه ۱۲۳۶ هجری سنه ۱۸۲۰ مسیحی

آسیا (ایران) در اینسال فیمابین ایلات بختیاری و ایلات ترک قشقائی ساکن فارس نزاعی در کرفت اعلیحضرت خاقان کشورستان فتحعلیشاه نواب میر محمد قاسمخان قاجار را باصلاح امر آنها مامور فرمودند وحاجی میرزا ابوالحسنخان شیرازی که مدت سه سال بود بسفارت فرنک وممالک عثمانی و نمسه و فرانسه و انکلیس رفته با امضای انکلیس در ولایتعهد حضرت مستطاب نایب السلطنه بدربار دولت علیه بازکشت و پادشاه انکلستان یک حلقه انکشتری الماس کرانبها بمبارکی و تهنیت ولیعهدی حضرت مستطاب معظم برای ایشان ارسال داشت هم در این سال بجهة تخطی ایلات و بدسلوکی کماشتکان دولت عثمانی با حجاج ایرانی کدورتی فیمابین دولتین ایران و عثمانی در کرفت و چون طایفه وهابی ساکن نجد نیز بدرفتاری با حاج میکردند حاجی حیدرعلیخان برادرزادهٔ حاجی ابراهیمخان شیرازی بر حسب امر اعلی با محمد علی پاشا والی مصر ملاقات کرده از سوء سلوک طایفهٔ وهابی در نجد شرحی اظهار داشت محمد علی پاشا فرزند خود ابراهیم پاشا را بنجد فرستاد شهر درعیه را خراب کرد و عبدالله بن مسعود را کرفته روانهٔ اسلامبول نمود و عبدالله بن مسعود در اسلامبول مقتول شد هم در این سال خوانین خراسان مجدداً در خیانت و نفاق اتفاق کردند و معتمد الدوله میرزا عبدالوهاب اصفهانی بخراسان مامور شد و نواب شجاع السلطنه بموجب احضار بحضور مکرمت ظهور مبارک آمد و با نور محمد خان قاجار دولو بخراسان معاودت نمود و موکب همایون بعزم خراسان روانه چمن خوش ییلاق کردید خوانین خراسان چون از نهضت موکب اعلی خبردار شدند هراسان کشته باردوی معلی آمدند و روانه طهران کردیدند ولی بنیادخان هزاره با ده هزار پیاده وسواره در قلعهٔ کاریز من اعمال باخرز با عساکر نواب شجاع السلطنه مصاف داده مغلوب و منهزم شد و احمال و اثقال او بتصرف سپاه نصرت همراه درآمد و نواب شاهزاده تا حوالی هرات راندهٔ میرزا موسی وزیر شاهزاده هرات ورود نمود و با پیشکشی حاکم هرات بازکشت و از آنجا کرمز کانان تکه ساکن بام و بورمه در سال قبل در حوالی جوین تاخت و تاز و شرارت کرده بودند در این سال بر حسب امر قضا مثال خاقانی نواب محمد قلیمیرزای ملک آرا حکمران مازندران لشکری بدفع آن جماعت فرستاده در او به آنها ریختند و بقتل و غارت پرداختند هم در این سال خاقان بیهمال دری مرصع که بقیمت ده هزار تومان تمام شده بود مصحوب امین الدوله بروضهٔ مقدسهٔ رضویه علی ساکنها الف سلام وتحیه ارسال داشتند و امین الدوله آنرا در آن نصب کرده مراجعت نمود هم در این سال در ماه ... شهر شیراز زلزلهٔ شدید شد و بسیاری از عمارات و ابنیه را منهدم کرد و جمعی هلاک شدند هم در اینسال ایلات حیدرانلو و سیبکی بخاک عثمانی رفتند و حسنخان سردار بکوچانیدن و معاودت دادن آنها مامور شد سلیمان پاشا والی بایزید و انجد و ممانعت و مضایقه پرداخت بعد از آن چون خسرو محمد پاشا بسر عسکری منصوب شد بر سوء سلوک افزود و ایلات را رد نکرده دعوی چهریق من توابع سلماس را نمود و حاجی علی بیک کدخدای تبریز را که برای استرداد ایلات رفته کرفته حبس کرد لهذا موکب حضرت مستطاب نایب السلطنه بامر همایون متوجه جلدو و ارزنة الروم کردید و حسنخان سردار قاجار فرزند بنی

از پیش روانه فرمودند حسنخان در حوالی تپراق قلعه با خسرو محمد پاشای سرعسکر مصاف داده سرعسکر بحصار تپراق قلعه کریخت سردار بتلغیر یورش برده چهار هزار نفر از عساکر عثمانی را براه عدم فرستاد سرعسکر فرار کرده و تپراق قلعه را سردار ایران متصرف شد حضرت مستطاب نایب السلطنه نیز از چالدران بجانب بایزید حرکت فرموده قلعه زنک رود و قلعه اوچ سرای را مسخر فرمودند و بهلول پاشا مطیع شد حسنخان سرباز در جامع بایزید رفته و خطبه بنام خاقان کشورستان خواندند و شانزده عراده توپ از این قلعه جات بچنک عساکر منصوره افتاد و موکب حضرت مستطاب نایب السلطنه عزیمت ارزنة الروم فرمود حاجی حسن پاشای چپن اغلی سرعسکر بایزید بقلعه سنک رفت و از آنجا بارزنة الروم کریخت محمد زمانخان دولوی قاجار و حسنخان قاجار فرو بنی فراریان را تعاقب کردند در این حیص و بیص بعرض حضرت مستطاب نایب السلطنه رسانیدند که سلیم پاشا والی ارمنیه دو محمد خان دولوی قاجار را کرفته لهذا موکب والا بطرف محمدخان راندند عساکر عثمانی از جلو قشون و سپاه حضرت مستطاب معظم فرار کردند و محمد زمانخان با وردن ایل حیدرانلو رفت و از آنجا که آنها فرار کرده بودند قرا و قصبات عرض راه را غارت کرد و پنجهزار نفر اسیر و هفده عراده توپ و دویست هزار راس دواب و اغنام از آن نواحی کرفته مراجعت نمود و اسمعیل خان بیات قلعه ملاذکرد را مسخر ساخت و حسینخان بفتح قلعه شیر که معروف بموش است پرداخت و با آنکه جنک سختی کرد فتح قلعه میسر نشد حضرت مستطاب نایب السلطنه از جبال شامخه و جنکل انبوه بر سر قلعه شیر آمده بمحاصره مشغول شدند اهل قلعه مصاحف کریمه را شفیع کرده امان خواستند محمد حسینخان زنکنه نایب ایشیک آقاسی باشی سلیم پاشا را مطمئن کرده بحضور حضرت معظم آورد و در ازای این خدمت ایشیک آقاسی باشی شد و میرزا ابوالقاسم فراهانی (قایم مقام) بشهر تبلیس رفته خطبه بنام نامی پادشاهی خواند و قلعه جات خنوس و ارجیش نیز بسعی محمد زمانخان و حسنخان مفتوح کردید و سلیم پاشا را خلعت حکومت ارمنیه دادند و ده هزار نفر از ایلات آنحدود ملازم رکاب نصرت انتساب حضرت مستطاب نایب السلطنه کردیدند و در این رکضت قلاع بایزید و ابشکرد و بادین و ملاذکرد و تبلیس و موش و خلاط و عادلجواز و ارجیش و خنوس سوای تپراق قلعه که حسنخان مفتوح کرده ضمیمه ممالک محروسه کردید و چهل و هشت عراده توپ از توپهای عثمانی ماخوذ شد و موکب حضرت مستطاب معظم مظفر و منصور مراجعت نمود. وفات عالی شاعر شیرازی **اروپا** (انکلیس) ژرژ سیم پادشاه انکلیس وفات نموده ژرژ چهارم پسرش بجای او منصوب میشود و جلوس مینماید و ملکه زوجه خود را که از شاهزاده خانمهای المان است متهم بزنا کرده محاکمه را بمجلس پارلمنت رجوع مینماید بعد از شش ماه ملکه را بی کناه میدانند (اسپانیول) شورش در داخله اینمملکت و در مملکت ینکی دنیائی متعلقه باسپانیول (فرانسه) دوک دبری برادرزاده پادشاه را لوول نام مقتول میسازد تولد ولیعهد دولت فرانسه که پسر دوک دبری مقتول باشد و این پسر را موسوم بهانری کرده دوک دوبردو لقب میدهند ایجاد تلکراف برقی در فرانسه (هلاند) منازعه ایندولت در جزیره سوماترا با یاغیان (عثمانی) علی پاشا حاکم یانینا یاغی میشود و بنای شورش میکذارد یونانیها با علی پاشا متحد میشوند

سنه ۱۲۳۷ هجری   سنه ۱۸۲۱ مسیحی

آسیا (ایران) در ماه صفر این سال حضرت مستطاب نایب السلطنه وارد تبریز شدند و بنا بر فتوحاتیکه حضرت معظم نموده و شرح آن در سال کذشته مذکور شد یکقبضه شمشیر مرصع که مکلل بجواهر ثمینه بود اعلیحضرت همایون برای ایشان اعطا و ارسال فرمودند هم در اینسال چون محمود پاشای ولد عبدالرحمن پاشای بابان حاکم شهرزور فیمابین دولتین ایران و عثمانی تفتین میکرد و از آنطرف اطاعت هم بداود پاشای والی بغداد نداشت

جمعی از عساکر عثمانی با ده عراده توپ بامداد داود پاشا آمدند که شهر زور را متصرف شوند و محمود آقای کهیا نیز
با ده هزار نفر بآنها پیوسته بطرف شهر زور راندند در اینموقع   محمود پاشا نیز بجانب عثمانی مایل و مصمم خلاف با دولت
علیه گردید و عساکر عثمانی در کنار آب سیروان مقام نمودند لهذا نواب شاهزاده محمد علیمیرزای دولتشاه با پانزده هزار
پیاده و سوار و ده عراده توپ از کرمانشهان حرکت کردند و حسنخان فیلی نیز با جمعی از الوار لرستان ملحق باردوی شاهزاده
معظم شد و جنگ سختی فیما بین عساکر عثمانی و لشکر ایران در گرفته آخر الامر قشون عثمانی شکست خورده راه فرار
پیش گرفتند و محمود پاشا نیز از عقب کهیا بجانب عثمانی گریخت و توپخانه و قورخانه و غیره پاشا و کهیا متصرف سپاه ظفر
همراه آمد و نواب شاهزاده دولتشاه بسلیمانیه نزول فرمودند و کهیا شمشیر خود را بگردن انداخته باصطبل شاهزاده
پناه جُست و معفو شد پس از آن نواب شاهزاده نیز بار بسر قزلرباط رفتند و عزیمت تسخیر بغداد نمودند ولی در منزل
دلو عباس بمرض اسهال مبتلا شده مع هذا عساکر منصوره بتاخت حوالی بغداد میپرداختند تا ضراعت داود پاشا
والی و شفاعت شیخ موسی نجفی اسباب مراجعت نواب شاهزاده گردید و در طاق گرّی بجهت غلبه ضعف توقف فرمودند
طبیب انگلیس از بغداد بمعالجه آمد و مفید نیفتاد در این حال اسدخان بختیاری و حسنخان فیلی را مرخص کردند و
در شب پنجشنبه بیست و ششم شهر صفر وقت سحر راه غرفات بهشت گرفتند و نعش مرحوم شاهزاده را در تخت روان
گذاشته بکرمانشهان آوردند و در ششم ربیع الاول این خبر محنت اثر بدار الخلافه رسید و میرزا تقی علی آبادی صاحب
دیوان قصیدهٔ در مرثیهٔ مرحوم شاهزاده انشاد کرده که فرد منتخب آن اینست

پس از دوران دولتشه یکی بگذر بکرمانشه   چنان بینی مداین را که بی نوشیروانستی

عمر مرحوم شاهزاده سی و چهار سال و ده نفر اولاد داشتند نواب محمد حسین میرزای حشمة الدوله نواب طهماسب
میرزای مؤید الدوله نواب نصر الله میرزا نواب اسد الله میرزا نواب فتح الله میرزا نواب امامقلی میرزای عماد الدوله نواب
جهانگیر میرزا و نور الدهر میرزا و محمد رحیم میرزا و ابو الحسن میرزا خلاصه ولایت شاهزادهٔ مرحوم بنواب محمد حسین
میرزا مفوض شد و عیسی خان دامغانی امیر آخور بسرپرستی اهل و عیال شاهزاده بکرمانشهان رفت هم در این
سال وبائی شدید از سمت هندوستان بسواحل عمان و گرمسیرات فارس سرایت کرد و قریب بیست هزار نفر
تلف شدند و این ناخوشی وبا که بفرنگستان و سایر اقالیم نیز سرایت کرد و بفرانسه آنرا کُلِرا میگویند غیر از
ناخوشی وبائیست که پیش از این در ممالک و بلاد ظهور و بروز مینموده و در کتب مینوشته اند پس این اول دفعه است
که این وبا که در معنی هیضه ردیتر باشد در این ممالک دیده شده و پیش از این بروز آن منحصر بهندوستان بوده است
هم در این سال موکب اعلیحضرت خاقان کشورستان فتحعلیشاه تشریف فرمای چمن سلطانیه گردید هم در این
سال محمد امین رؤف پاشا و جلال الدین محمد پاشای چپان اوغلی که از سردارهای معتبر عثمانی بودند با هفتاد هزار
لشکر و توپخانه و چند نفر پاشایان دیگر از قبیل حافظ علی پاشا و ابراهیم پاشا بسر عسکری ارزنة الروم و جنگ
با ایران مامور شدند و بمحض ورود بارزنة الروم باسترداد قلاعی که پارسال از آنها منتزع شده بود پرداختند
محمد امین رؤف پاشا در ارزنة الروم توقف کرد و جلال الدین محمد پاشا با سایرین بولایات وان و بایزید راند
حضرت مستطاب نایب السلطنه در اواخر شعبان با افواج و توپخانه از تبریز بخوی آمدند و سعید آقا نام سیواسی را
بنصیحت نزد رؤف پاشا فرستادند ولی ثمری نکرد از اینطرف اعلیحضرت همایون اللهیارخان دولوی قاجار را با
ده هزار پیاده و سوار بامداد حضرت مستطاب نایب السلطنه از سلطانیه روانه فرمودند و حضرت معظم له

ماه رمضان از خوی بچالدران رفتند و معلوم شد جلال الدین محمد پاشا و سایر پاشایان بطرف تپراق قلعه رانده حافظ
علی پاشا بفتح قلعه مشغول و جلال الدین محمد پاشا سنکری محکم بسته و در آن سنکر نشسته و ابراهیم پاشا از خارج سنکر او را
محارست مینماید خلاصه دسته جات عساکر منصوره بحرکت آمده و در بعضی مواضع باهم تلاقی و زد و خورد مینمودند
تا اردوی حضرت شاهزاده بحوالی تپراق قلعه رسیده جنک سختی فیمابین درگرفت و پس از کشش و کوشش سپاه
ظفر همراه غلبه کرده ابراهیم پاشای مستحفظ سنکر بگریخت و جلال الدین محمد پاشای چپان اوغلی نیز از تسخیر
تپراق قلعه صرف نظر کرده بارزنة الروم فرار کرد سایر پاشایان نیز هریك بطرفی شتافتند و توپخانه و قورخانه
و سایر احمال و اثقال سالار رد و بتصرف عساکر منصوره درآمد و حضرت مستطاب نایب السلطنه مظفر و منصور در
منزل خالبار نزول کردند و میرزا محمد تقی آشتیانی را بارزنة الروم نزد محمد امین پاشا فرستادند پاشای مشار الیه
اظهار خلوص کرده و قرار مصالحه و مراجعت لشکر را باول بهار داد و موکب الاقبال نیز بازگشت و حسنخان قاجار قزوینی
کرد درین جنک شادت و جلادتی ظاهر ساخته ملقب بسار اصلان (سار و اصلان) گردید بهمین این سال میرزا عبد
الوهاب معتمد الدوله مامور خراسان شد و اعلیحضرت خاقان قصد زیارت عتبات عالیات و تسخیر بغداد فرموده اولا نواب
محمد حسین میرزا والی کرمانشهان را با امیر محمد قاسمخان قوانلوی قاجار و لشکریان دار المرزی و استرابادی بطرف عراق عرب
مامور و نواب عبدالله میرزا والی خمسه را با سواران خمسه و پیادگان سمنانی و دامغانی و خوانین سمنان بتسخیر
شهرزور فرستادند و فضل علیخان قاجار و امان الله خان والی کردستان را با سواره خود نیز بحرکت امر فرمودند
و میرزا فضل الله علی آبادی بنگارش لشکر و دادن علوفه و مواجب قشون محکوم گشت و موکب همایون در بیستم ذیحجه
از چمن سلطانیه انتهاض فرموده و نواب محمد حسین میرزا مندلیج و جسان و بدرائی و زرباطیه را مسخر کرده بیعقوبیه
آمد داود پاشا والی بغداد سید عبدالله شبر را واسطه و شفیع قرار داد و نواب عبدالله میرزا نیز در شهرزور و اوایل
بابان جمعی را براه عدم فرستاد در اینحال وبا در اردوی شاهزادگان افتاد و جماعتی را هلاک کرد لشکر متفرق گشتند
و مطلبخان دامغانی درگذشت و ناخوشی مزبور باردوی بزرگ پادشاهی سرایت کرد و میرزا محمد حسین حکیمباشی
واقعه را بعرض حضور همایون رسانیده قشون را مرخص کردند و خود با خواص خدم در ییلاق همدان و دامنه الوند توقف
فرمودند و در اینجا دوستعلیخان بسطامی معیر الممالک والد حسینعلیخان معیر الممالک و جعفرقلیخان نوائی و میرزا مقیم مازندرانی
بمرض وبا وفات کردند بالجمله در این سال صد هزار نفر در ایران از ناخوشی وبا بدرود زندگانی نمودند و موکب همایون
در آخر سال عزیمت دار الخلافه نمود **اروپا** (انکلیس) پادشاه هنکام تاج گذاری زن و جفه خود را بسمت ملکه
بودن معرفی نمیکند بنابراین مشار الیها از شدت غصه هلاك میشود جمعیت انکلیس غیر از لندن در اینسال
بیست و هشت کرور و چهار صد هزار نفر است و جمعیت لندن سیزده کرور و سیزده هزار نفر (ایطالیا) اغتشاش
در این مملکت خاصه در ناپل (پرتوغال) پادشاه پرتوغال که ببرزیل رفته بود برخلاف میل اهالی برزیل با مکنت
و ثروت زیادی که داشت بکشتی نشسته بسمت پرتوغال حرکت میکند و دن پدر پسر خود را در برزیل بجای خود
منصوب میسازد (اسپانیول) مکزیك ینکی دنیا که جزو سلطنت اسپانیا بود رایت آزادی افراشته و آزادی خود را
اعلام میکند و پادشاه اسپانیول تکلیف سلطنت مشروطه بالقبیل امپراطوری مکزیك میشود (فرانسه) دوك دو برده
پسر پادشاه موسوم بر کنت دو شامبرد میشود ناپلیون در سن پنجاه و دو سالگی در جزیره سنت هلن میمیرد و عمده سبب
مردن او سختگیری لوو حاکم انکلیس در سنت هلن میباشد جمعیت فرانسه در این سال شش کرور و چهار صد هزار نفر است

(عثمانی) ابتدای شورش یونان الکساندر ایپسی لانتی که از روس آمده است مهیج فتنه میباشد وارناودهای وحشی را در زیر رایت شورش خود جمع میکند یونانیها اکر در ناحیه مره هستند عثمانیها را یا بیرون کرده یا بقتل میرسانند ودیمتریوس یوس نامی را رئیس بر خود قرار میدهند انتقام عثمانی بر ضد شورشیان کشیش بزرک یونانیها که در اسلامبول بود با چهار نفر کشیشهای دیکر بحکم سلطان مقتول میشوند وجمعی دیکر از عیسویان نیز در سایر نقاط بتهمت موافقت با یونانیها بقتل میرسند علی پاشا که در ایینا بعثمانی باغی شده خورشید پاشای سردار او را محاصره میکند تولد سلطان عبدالمجید خان ابن سلطان محمود خان امریکا (ینکی دنیای جنوبی) مملکت پرو که جزو سلطنت اسپانیول بود آزاد میشود واعلان جمهوری مینماید (اتاتونی) مابین ایالات اتاتونی در قسمت شمالی وجنوبی همین مملکت درباب نکاهداشتن برده وآزاد کردن آنها در مجلس پارلمنت کفتکو میشود واین کفتکوئی است که در آتیه نتیجه آن خونریزیهای سخت خواهد بود

سنه ۱۲۳۸ هجری — سنه ۱۸۲۲ مسیحی

آسیا (ایران) در این سال جمعی از اشرار روان با اکراد همدست شده بسلماس آمدند وغفلة بر سر اهالی ریخته بقتل ونهب پرداختند حضرت مستطاب نایب السلطنه عباس میرزا یوسفخان کرجی را با دسته جانداران وفوج بیکی مسلمان بدفع آنها مامور فرموده روانه شدند از آنطرف عثمان بیک ونصیر بیک ولد مصطفی قلیخان حکاری با سه هزار نفر بمقاتله مامورین مزبورین آمده پس از اشتعال نایره قتال شکست خوردند ویوسفخان قلعه باشقلان را فتح کرده اهالی قلعه را عرضه شمشیر نمود وابراهیمخان حاکم باشقلان را بهمراهی عسکرخان افشار حاکم ارومی بحضور حضرت مستطاب نایب السلطنه فرستادند ومصطفی قلیخان حکاری که از اولاد بنی عباس بود بتبریز آمده ایالت حکاری را باو مفوض فرمودند وپسرش نصیر بیک که با پدر مخالفت داشته درکذشت وحکمرانی خوی وسرداری آنجا بود واختیار قلعه باشقلان وحکاری وکردستان را بامیرکبیر امیرخان دولوی قاجار خالوی حضرت مستطاب نایب السلطنه همدر این سال میرزا عیسی فراهانی معروف بمیرزا بزرک ملقب بقایم مقام در تبریز بناخوشی وبا درکذشت وپسرش میرزا ابوالقاسم بمنصب مقام او نایل کشت وسواد فرمان قایم مقامی میرزا ابوالقاسم از قرار ذیل است

کر از آنجا که دستافزار این دولت ابد آثار در کفایت مهام جهانداری قایم مقام مقررات قدر وقوام قدر وقوام این شوکت پایدار در مناظم اسباب ولیتاری نایب مناب دستکاه قیمنا یای مقدر آمده بحسن کفالت کارکذاران دیوان تایید اسباب تابید این همایون سلطنت جاوید از هر جهت ممهد واز وفور فواید بفضل پروردکار مجید توقیع رفیع خلافت ابد مقرون مشحون طغرای غرای ادامت ابداست در هذای این مواهب عظمی واز ادای شکر نعمای بی منتها ملزوم همت کردون اساس وپیشنهاد مبارک خاطر حق شناس افتاده که از چاکران درکاه وفدوی زادکان دولت جاوید دستکاه آنانکه جوابیا استعدادشان مشحون معدات کفالت وکفایت در ایشان معتمد مناظم چاکری وخدمت نماید بارتقای مدارج اعتبارشان انظار عنایت کماریم وباظهار قبول مساعی مکنونات التفات کوناکون درباره ایشان ظاهر داریم وخلاصه این اجمال تفصیل احوال عالیجاه رفیع جایکاه سیادت وسعادت همراه نجابت ومناعت اکتناه نباهت وبسالت دستکاه اخلاص وارادت آکاه مقرب الخاقان فدوی زاده دولت جاوید بنیان سید الوزراء میرزا ابوالقاسم فراهانی است که از خواص خانه زادان دولت بمزید کمال آکاهی ودرایت از جمله همکنان ممتاز وطومار استعداد کاملش بتصحیح تربیت شاهنشاهی از نسخ مفاخر امثال واقران قرین صحت اختصاص وامتیاز آمده از بدو فطرت خط حلود خدمت را بخاتم خلوص ارادت مختوم داشته بامتثال اوامر قضا امتثال پیوسته قلم وار سر بر

خط فرمان برداری گذاشته و بمقتضای موجبات اسناد استعدادش در اجرای مخارج ارادت بصیغه صحت مقرون و افراد تفاضیل
خدمتش بر مطابقه قابلیت فطرت بجایزه قبول مشحون آمده و لهذا در هذه السنه بوت ئیل خجسته دلیل و ما بعدها میزان
مفاخرش را باضافه منصب قایم مقامی دیوان اعلی افزودیم و منشور مناظم اعتبارش را بتوقیع تفویض این منصب جلیل ممهور داشت
استقرار و استقلال مقرون فرمودیم تا در یافت این عار فخر را سر دفتر دفتر مفاخر کامل داشته در تحصیل رسوخ خدمتگذاری
جدی جدید بیفزاید و در ملزومات خدمت مرجوعه اقدامی سزاوار کمال کاردانی نماید مقرر آنکه صدور انجمن وزارت و امنای
دستگاه دولت معتمدان دیوان درایت و مستوفیان ایوان امانت شرح فرمان مبارک را در دفاتر خلود مرقوم و ملزومات
منصب مزبور را بعالیجاه مشار الیه مخصوص و موکول دارند و انحراف از حکم قضا مثال اقدس جایز ندانسته در عهده
شناسند تحریراً فی شهر ربیع الاول ۱۲۳۸

هم در این سال میرزا موسی خان برادر میرزا ابو القاسم قایم مقام بوزارت حضرت مستطاب نایب السلطنه برقرار گردیدهم
در این اوان دو هزار نفر از ترکمان تکه سالار مرو بسالاری مراد سردار بحوالی ارض اقدس آمده بنهب و چپاول پرداختند و چند
نفر از اهالی آن نواحی را اسیر ساختند نواب حسنعلی میرزای شجاع السلطنه با هفتصد نفر سوار در چهار فرسخی مشهد مقدس
بآنجماعت رسیده آنها را مقهور نمودند ترکمانان اسرا و اموال را گذاشته و گریختند هم در این ایام میرزا عبد الوهاب معتمد
الدوله صید محمد خان جلایر حاکم کلات را بحضور اعلیحضرت خاقان کشورستان فتحعلی شاه آورد و شیخ موسی نجفی از علمای
اعلام بدربار همایون آمده واسطه و شفیع والی بغداد شد که ولایات متصرفی باو واگذار شود هم در این سال نواب حسنعلی
میرزا از فارس و نواب حسنعلی میرزا از خراسان بدار الخلافه آمدند و حسنعلی میرزا از ولایت خراسان معزول شد و نواب
شاهزاده محمد ولی میرزا حکومت یزد یافت هم در اینسال سلطان محمود خان سلطان عثمانی محمد امین رئوف پاشا سرعسکر
ارزنة الروم را وکیل کرده که قرار صلح با دولت علیه گذارد لهذا میرزا محمد علی آشتیانی مستوفی از جانب حضرت مستطاب
نایب السلطنه بارزنة الروم رفت و کار مصالحه بتوسط میرزا ابو القاسم قایم مقام و نجیب افندی ایلچی عثمانی بانجام رسید
و شهرزور و متعلق بکارگذاران حضرت مستطاب نایب السلطنه گردیده ابراهیم خان بادکوبه بنظم آن ولایت مامور گشت
و قلعه کوی را نیز متصرف نمود هم در اینسال داود پاشا قبل از آنکه از دربار همایون جواب شیخ موسی شفیع او داده شود
سلیمانیه را متصرف شد و ایمانخان فراهانی که مستحفظ قلعه بود فرار کرده محمد علیخان کلهر گرفتار شد چون این خبر بعرض آستان
همایون رسید نواب محمد حسین میرزا را باسترداد سلیمانیه فرمان دادند نواب معزی الیه با جلادتی تمام سلیمانیه را بگرفتند و خسرو
خان کرجی بتوقف در اینمحل مامور شد و محمد حسین میرزا در ازای اینخدمت حشمت الدوله لقب یافت داود پاشا عریضه
معذرتی بدربار همایون فرستاد و شیخ موسی نیز مجدداً بشفاعت پرداخت لهذا شرایط چند برای استقرار صلح نگاشته شد
و میرزا محمد صادق وقایع نگار فرمانی را که حاوی این شرایط بود حامل شده ببغداد رفت و آن شرایط پذیرفته شد و داود
پاشا وقایع نگار را با یکی از معتمدان خود بدربار همایون معاودت داد هم در این سال نواب علی نقی میرزا بحکمرانی خراسان
منصوب و باهمراهی میرزا عبد الوهاب معتمد الدوله روانه خراسان شده و ولایت بسطام به الله‌ویردی میرزا تفویض نمودند
و نواب امام ویردی میرزا برادر بطنی علی نقی میرزا حکومت قزوین یافته و میرزا اسد الله نوری در پیش لشکر کشیکچی باشی
شد و میرزا هدایت پسرش بنیابت او برقرار گشت و نواب حسنعلی میرزا را اذن معاودت بفارس دادند هم در اینسال
موکب خاقانی تشریف فرمای قلعه البرز شد و از آنجا که در تابستان هوای آنجا سرد بود که لوازم زمستانی بایستی تحمل
نمود پس از یکسیانه روز معاودت فرمودند هم در اینسال فتحعلیخان کاشانی ملک الشعرا متخلص بصبا از اجله فضلا

وشعرا

ص
له البرز که خاقان مغفور تشریف فرما
تی اند و قابل ذکر در تواریخ است
واسطه عمارت سلطنتی ییلاقی که در
شهرستانک بنا شده در این اوان با
بجو تحقق مسالک چنان تعمیر در آن
راه شده که اکنون بچند روزی
در زمستان بواسطه برف و سرمای
باد باقی ماند و فصول چنان سهل
سالک است که معبر مازندران شد

وشعرای آنعهد وفات نمود واز غرر افکار این شاعر نادر خداوندنامه و شاهنشاه نامه و دیوان قصاید بی قیمتی که با جواهر زواهر همسنگ و برابر میباشد اروپا (انکلیس) بواسطه بروز قحطی و مداخله دولت در امور مذهبی اهالی ارلند شورش مینمایند (اسپانیول) شورش فزاو لخاصه در شهرمادرید تغییر و تبدیل وزرا ازادی طلبین اهالی اسپانیول (فرانسه) مجالس مخفی برضد سلطنت منعقد است در بعضی از ولایات دیگر فرانسه نیز مردم علی الخصوص قشون برضد سلطنت اندسیل و سنیر دوساسی ایجاد مدرسه السنه شرقیه مینماید شاتوبریاند نویسنده معروف بوزارت امورخارجه منصوب میشود فرانسه در امورات داخله اسپانیول خیال مداخله دارد (روس) کرانددوک قسطنطین برادر امپراطور روس بواسطه مزاوجت با زوجه که کفو خانواده سلطنت نیست از حق ولیعهدی استعفا کرده ولایت عهد حق برادر دیگرش نیکلا میشود (عثمانی) غلبه عساکر عثمانی بر علی پاشا حاکم یانینا خورشید پاشا علی پاشا را برای گفتگو در امر مصالحه بخارج شهر میطلبید و او را بقتل میرساند شورش و انقلاب سخت در تمام یونان و فرستادن محمد علی پاشای مصری سفاین زیاد بامداد عثمانی که طوفان دریا این سفاین را در بندر یونان میشکند امپراطور روس غیر مستقیم بیونانیها اعانت میکند انکلیس و اطریش هم بدولت عثمانی آزادی یونان را تکلیف مینمایند امریکا (برزیل) دن پدر که از طرف پدر خود مامور بتوقف برزیل بود بپرتوغال احضار میشود لکن اهالی برزیل و انکاهداشته مملکت برزیل را مجزی از پرتوغال مینمایند و پارلمنت برزیل دن پدر را امپراطور برزیل میخوانند و تاج سلطنت بر سر او میکذارند دن میگل پسر دویم پادشاه بتحریک مادرش که خواهر پادشاه اسپانیول است قصد خلع پدر را از سلطنت نموده میخواهد خود پادشاه شود (مکزیک) اهالی مجزی بودن خود را از اسپانیول بکلی طلب مینمایند و ایتوربید نامی را بامپراطوری خود منتخب میکنند و از این بعد مکزیک از تحت سلطنت اسپانیول خارج میباشد

سنه ۱۲۳۹ هجری سنه ۱۸۲۳ مسیحی

آسیا (ایران) در این سال حاجی محمد حسینخان صدر اعظم اصفهانی از اصفهان بدار الخلافه آمده در اینجا مریض شده بجوار رحمت الهی پیوست و مآثر کریمه این وزیر نیک محضر از بنای مدارس و ابنیه خیریه بسیار است که از آنجمله قلعه دور نجف اشرف میباشد خلاصه بعد از فوت حاجی محمد حسینخان منصب او را بپسرش عبد الله خان امین الدوله تفویض فرمودند هم در این سال نجیب افندی سفیر سلطان محمود خان سلطان عثمانی بدربار اعلیحضرت خاقان کشورستان فتحعلیشاه آمد و صورت عهد صلحی آورد که بعضی فقرات آن مرضی خاطر همایون نبود لهذا قاسمخان هزارجریبی سرهنک با نجیب افندی عهدنامه بر وفق رضای اعلیحضرت خاقان بامضای سلطان محمود رسانیده معاودت نمود و صورت آن عهدنامه از قرار ذیل است بدربار دولت عثمانی رفتم

صورت عهدنامه دولتین ایران و عثمانی

غرض از تحریر این کتاب مستطاب آنکه در این چند سال بسبب وقوع بعضی از حوادث میان دولتین علیتین اسلام روابط صلح و صفوت و ضوابط دوستی و الفت قدیمه مبدل بنفار و خصومت و مودی بحرب و کدورت شده بود بمقتضای جهت جامعه اسلامیه اسلام و عدم رضای طرفین بسفک دماء و وقوع اینگونه حوادث اوضاع و اعادت سلم و مودت و تجدید دوستی و محبت از جانبین دولتین علیتین اظهار رغبت و موافقت شده و بموجب فرمان همایون اعلیحضرت شاهنشاه ممالک ایران بالقاب فتحعلیشاه قاجار خلد الله ملکه و اقباله و حکم مأموریت نامه مخفی اسنبهد

دوران عباس میرزا با وصاف این عبد مملوك وچاكر جان نثار بوكالت نامه مباهی ومخصوص گشته از جانب دولت علیه عثمانی
نیز بامر وفرمان اعلیحضرت سلطان غازی سلطان محمود خان تجدید وكالت نامه بجناب والی ولایات ارزن الروم محمد امین رؤف
پاشای سرعسكر جانب شرق عنایت شده بود این عبد مملوك در مدینه ارزن الروم با جناب سرعسكر مشار الیه ملاقات و
بعد از مبادله وكالت نامه های مباركه عقد مجلس مكالمه كرده مصالحه مباركه باین آئین ترتیب وتعیین یافت

اساس آن قرار یكه در تاریخ یكهزار و یكصد و پنجاه و نه بموجب مصالحه وعهد نامه واقعه گشته حدود وسنور قدیمه و
شرایط سابقه از امر حجاج وتجار ورد فراری وتخلیه سبیل اسرا واقامت شخص معتبر در دولتین علیتین تماما وكمالا بین
الدولتین باقی ومرعی ومعتبر بوده باركان آن وجها من الوجوه خللی عارض نشده در مابین دولتین علیتین شرایط
دوستی ومقتضای الفت ومحبت ابدا دركار باشد بعد از این شمشیر خلاف در غلاف بوده در میانه دو دولت معامله
كه مؤدی كدورت وبرودت ومنافی سلم وصفوت باشد وقوع نیابد وآنچه داخل حدود قدیمه دولت علیه عثمانیه میباشد
ودر اثنای حرب وقتال بدست دولت فخیمه ایران آمده از جمله قری واراضی وقلاع وقضا وقصبه حال تحریر از تاریخ این تمسك
معتبر الی مدت شصت روز بطرف دولت عثمانی تماما تسلیم شود وبمراعات حرمت این مصالحه خیریه گرفتاران طرفین را
بلا كتم واخفا تخلیه سبیل كرده آنچه در اثنای راه محتاج الیه آنها باشد از ماكولات وغیرها عطا شود وبسرحدات طرفین
ایصال نمایند

مادهٔ اولی دولتین علیتین را در امور داخله یكدیگر مداخله نیست فیما بعد از جانب بغداد وكردستان مداخله جایز ندانسته
از جمله محالی كه از توجیهات وسنجاقات كردستان داخل در حدود بوده باشد سببا من الاسباب ووجها من الوجوه از طرف دولت
علیه ایران مداخله وتجاوز وتعرض در متصرفین سابق ولاحق تصاحب نشود ودر حوالی مذكوره اگر از اهالی طرفین بر ییلاق
وقیشلاق عبور نمایند در باب رسومات عادیه ییلاقیه وقیشلاقیه وسایر دعاوی كه وقوع یابد مابین وكلای نواب ولیعهد
ایران ووالی بغداد مخابره شده رفع نمایند كه باعث كدورت در میان دو دولت نگردد

مادهٔ ثانیه از اهالی ایران كسانیكه بكعبهٔ معظمه ومدینه مكرمه وسایر بلاد اسلامیه آمد وشد مینمایند مثل حجاج وزوار و
تجار ومترددین اهالی بلاد اسلام رومیه با آنها عینا مثل اهالی خودشان معامله نمایند واز ایشان دورمه وسایر
وجوه خلاف قانون شرعیه اصلا چیزی مطالبه نشود وكذلك از زوار عتبات عالیات مادامیكه مال التجاره داشته باشند
بر وفق حساب گمرك مطالبه نشود وزیاده طلب ننمایند واز طرف دولت علیه ایران نیز با تجار طرف بهیه عثمانی واهالی ایشان
براین وجه معامله نمایند وبمقتضای شرایط سابقه فیما بعد در حق حجاج وتجار دولت علیه ایران تنفیذ واجرای شرایط
قدیمه از جانب وزرای عظام وامیر حاج ومیرمیران كرام وسایر ضابطان وحكام دولت علیه عثمانی كمال دقت ورعایت شود
واز شام شریف الی حرمین محترمین واز آنجا الی شام شریف از جانب امیر صرهٔ همایون بمعرفت معتمد معتبر كه در میان آنها نشست
نظارت نماید واز مخدرات حرم شاهنشاهی وحرمهای شاهزادگان عظام وسایر اكابر دولت بهیه ایران كه بمكه معظمه و
عتبات عالیات میروند فراخور مرتبه ایشان حرمت واعزاز شود وكذلك در خصوص رسومات گمرك تجار واهالی دولت
بهیه ایران مانند دولت علیه عثمانی معامله شود واز مال التجارات ایشان یكدفعه بقرار یكصد قروش چهار قروش
گمرك گرفته وبدست ایشان تذكره داده مادامیكه از دست ایشان بدست دیگری منتقل نشده مكرر از ایشان گمرك نگیرند
تجار ایران لاجل التجاره چوپوق شیراز كه بدار السعاده می آورند در بیع وشرای آن انحصار نباشد بهر كس كه خواهند
بیع نمایند وبا تجار وتبعه واهالی دولتین علیتین كه بممالك جانبین آمد وشد مینمایند بمقتضای جهت جامعهٔ اسلامیه

معامله دوستانه شده از هر ایذا و اضرار محفوظ باشند

مادهٔ ثالثه آنچه از عشیرهٔ حیدرانلو و سبیکی متنازع فیهما بوده و امروز در خاک دولت علیهٔ عثمانی ساکن میباشند مادامیکه در مملکت آنها است اگر بحدود ممالک ایران تجاوز کرده خسارت رسانند سرحدداران در منع و ترهیب ایشان دقت نمایند و اگر از تجاوز و خسارت دست بر ندارند و از جانب سرحددار منع ایشان نشود از تصاحب ایشان دولت علیهٔ عثمانی تکفل نماید و اگر ایشان برضا و اختیار خود بجانب ایران بگذرند دولت عثمانی ایشان را منع و تصاحب نکند و بعد از آنکه بطرف دولت بهیهٔ ایران گذرند بعد اگر بخاک عثمانی بیایند قطعاً تصاحب و قبول ایشان نشود و در صورتیکه ایشان بطرف ایران نگذرند و آن وقت از حدود دولت عثمانیه تجاوز کرده خسارت برسانند سرحدنشینان دولت علیهٔ ایران در منع و تجاوز ایشان دقت نمایند

مادهٔ رابعه بموجب شرط قدیم فراری دولتین از طرفین تصاحب نشود و کذلک از جملهٔ عشایر و ایلات هر کسیکه بعد از این تاریخ از دولت علیهٔ عثمانی بدولت فخیمهٔ ایران و از دولت بهیهٔ ایران بدولت علیهٔ عثمانی بگذرد باید آن گذشتگان تصاحب نشوند

مادهٔ خامسه آنچه از دارالسلطنه و سایر ممالک دولت علیهٔ عثمانی اموال تجار ایران موافق شرع و دفتر محفوظ نگاه داشته شده است از تاریخ این تمسک در ظرف شصت روز در هر محلی که باشد بموجب فاتورهٔ مرقومه بمعرفت شرع و معتمد دولت ایران بصاحبان آنها تسلیم شود و سوای اموال المحفوظه آنچه در اثنای وقوع عداوت از حجاج و تجار و سایر اهالی ایران که در ممالک عثمانی بعضی ضابطان جبراً از بعضی گرفته باشند بعد از افاده و اظهار دولت علیهٔ ایران از دولت عثمانی فرمان بر طبق همان افاده بعهدهٔ وکیل آنها در هر محل صادر شود و بعد از اثبات شرعی گرفته تسلیم نمایند

مادهٔ سادسه در ممالک دولت علیهٔ عثمانی از اهالی ممالک طرفین کسانیکه فوت میشود اگر وارث و وصی شرعی نداشته باشند امنای بیت المال ترکهٔ همان متوفی را بمعرفت شرع دفتری کرده بثبت و سجل شرعی رسانند و آن مال را بعینه در محل مأمن تا مدت یکسال حفظ نمایند تا وارث و وکیل شرعی آن آمده بموجب ثبت و سجل شرعیه اشیاء مزبوره تسلیم شود و رسوم عادیه و کرایهٔ حمل آن اشیا را گرفته باشد و آن اشیا اگر در مدت مذکوره حریق و تلف شود ادعای آن نشود و اگر در مدت مزبوره وارث و وصی نرسد ترکهٔ محفوظ را امنای بیت المال با اطلاع معتمد دولت علیهٔ ایران فروخته ثمن آن را حفظ نمایند

مادهٔ سابعه بموجب شرط سابقه برای تأبید و تأکید دوستی و مودت در هر سه سال یکنفر از دولتین در طرفین علیتین معتکف و مقیم باشند و از تبعهٔ دولتین علیتین که در اثنای حرب بطرفین گذشته اند در حق ایشان بنا بحرمت مصالحهٔ خیریه سیاست و اسائت نشود

خاتمه آنچه از اساس و شرایط و مواد که در فوق مذکور شد بر منوال المحرره که بالمذاکره قرار داده شد و از طرفین قبول گشته ادعای اموال منهوبه الضیعات و تضمین مصارف جزئیه از جانبین مضی مامضی گفته صرف نظر شود و از جانبین دولتین علیتین بر وفق عادت عهدنامه ها مبادله شده بواسطهٔ سفرا از تاریخ این تمسک الی مدت شصت روز در رأس حدود دولتین بیکدیگر ملاقات کرده بآستانهٔ دولتین ایصال و تسلیم شود و باین وجه عقد و تجدید این مصالحهٔ خیریه بعینها حقیقیه از تاریخ تمسک معتبره مرعی و معتبر گشته و از هر جهت نایرهٔ کدورت و خصومت منطفی بوده و منافی دوستی و خلاف این عهود و شروط معقوده مربوطه از جانبین وضع و حرکتی و معامله جایز ندارند و از جانب جناب وکیل مشارالیه

نظر بر خدمت کاملی از جانب دولت عثمانی در این تاریخ یکهزار و دویست و سی و هشت یوم یکشنبه نوزدهم شهر ذیقعدة الحرام این مسئله مصالحه و رضی شد الخاتمه بالخیر و السعاده والحمدلله اولاً و آخراً و باطناً و ظاهراً بحرّر فی اواخر شهر ربیع الثانی سنه یکهزار و دویست سی و نه

همدر اینسال نواب یحیی میرزا بایالت گیلان رفت و منوچهرخان گرجی برای استقرار نواب معزی الیه با ایشان همراه شد و نواب علینقی میرزا از ایالت خراسان استعفا کرده نواب حسنعلی میرزای شجاع السلطنه مجدداً حکمرانی خراسان یافت هم در اینسال نواب علینقی میرزا ملقب برکن الدوله شده بحکمرانی قزوین منصوب گردید و حضرت مستطاب نایب السلطنه را سوء مزاجی عارض شده میرزا محمد احمد آبادی اصفهانی طبیب ایشانرا معالجه نمود همدر این سال حضرت مستطاب نایب السلطنه با نواب میرزاده اعظم ولد اکبر خود شاهزاده محمد میرزا (محمد شاه) در چمن سلطانیه بحضور همایون مشرف شده ایالت محالات طوایف قراگوزلو بشاهزاده معظم محمد میرزا مفوض شد زلزله سخت در شیراز کرنا هیجده ماه امتداد داشت یعنی تا شش ماه زلزلهای سخت میشد بعد از آن زلازل خفیفه تا هیجده ماه در کار بود وفات میرزا ابوالقاسم معروف بسکوت از اجله عرفاء که از خلفای حاجی عبدالوهاب نائینی بود و در شیراز وفات کرده در بقعه میر احمد مشهور بشاه چراغ مدفون گردید وفات حاجی محمد جعفر قراگوزلوی همدانی از مشاهیر و اجله عرفا **اروپا** (انگلیس) در کانادا که از ینکی دنیا برای انگلیس مانده نهصد هزار نفر فرنگی از ملل مختلفه سکنی دارند (اسپانیول) اطریش و روس و پروس ایلچیهای خود را از مادرید احضار میکنند فرانسه اعلان جنگ با سپانیول مینماید صد هزار نفر قشون بسرداری دوک دانگولم مامور بجنگ با اسپانیول میشود فردیناند هفتم پادشاه اسپانیول مطیع و منقاد شورشیان میباشد سردار فرانسه بمادرید ورود مینماید مجلس پارلمنت پادشاه اسپانیول را بطور حبس با خود میبرداند و آخرالامر اجباراً او را رها کرده و او نزد سردار فرانسه میآید بعد از آنکه سردار فرانسه پادشاه اسپانیول را در سلطنت مستقل کرد بفرانسه مراجعت مینماید (ایطالیا) فوت پاپ هفتم و جلوس لئون دوازدهم بپاپی بجای او (روس) منع نمودن امپراطور عام کبنی را که راجع بر پلیتیک است و از خارجه بداخله روس میآورند (عثمانی) یا نفتن سخت چندین هزار خانه را در اسلامبول سوزانیده و خراب میکند **امریکا** در ینکی دنیای جنوبی ایالاتی که بر ضد اسپانیول شوریده بودند قوت میگیرند و پرو کلیته آزاد شده مستقل میگردد (برزیل) دن پدر امپراطور تازه پرتقالیها را از مملکت برزیل اخراج میکند و خود مستقلاً در برزیل سلطنت مینماید

سنه ۱۲۴۰ هجری   سنه ۱۸۲۴ مسیحی

آسیا (ایران) در اینسال موکب اعلیحضرت خاقان کشورستان فتحعلیشاه تشریف فرمای اصفهان گردیده روز ورود حاجی هاشمخان ولد حاجی رجبعلی بختیاری ساکن محله لنبان اصفهان را که بشرارت معروف بود سیاست و تنبیه فرمودند و امین الدوله از حکومت اصفهان معزول و نواب شاهزاده سلطان محمد میرزا را حکمرانی اصفهان داده و ملقب بسیف الدوله نمودند و یوسفخان سپهدار عراق بوزارت شاهزاده معزی الیه برقرار گردید و دویست هزار تومان بقایای اصفهان را برعایا تخفیف دادند پس از مراجعت از اصفهان اللهیارخان قاجار دولو که سالار بار و داماد اعلیحضرت شهریار کامکار بود بمنصب وزارت عظمی نایل و آصف الدوله لقب یافت و محمد حسنخان پسر آصف الدوله سالار بار شد همدر اینسال کارگذاران دولت روس اصرار نمودند که محل مشهور بیالغوز کوبی و گوکچه دنگیز من توابع ایروان داخل در حد تقسیم متعلق بدولت روس است حسینخان سردار ایروان مراتب را معروض داشت ژنرال یرملوف

سردار گرجستان نیز پولکونیک میرزا ویچ وکیل روس را با شاه میرخان ارمنی ترجمان بدربار خاقان کشورستان فرستاد
و حضرت مستطاب نایب السلطنه بجهة تحقیق این امر بحضور همایون احضار شدند و حسینخان سردار اصلان از ایروان باستان
مبارک آمده برخلاف ادعای کارگذاران روس تصدیق نمودند اما وکیل روس این تصدیق را قبول ننمود و میرزا صادق وقایع
نگار با پولکونیک مامور تفلیس شد هم درینسال میرزا ابوالحسنخان شیرازی بوزارت امور خارجه دولت علیه برقرار گردید
و شصت هزار تومان برعایای گیلان تخفیف داده شد و میرزا ویچ وکیل روس بعد از ورود بتبریز قبل از میرزا صادق بتفلیس
شتافت و ژنرال یرملوف را بر نقض عهد با دولت علیه محرک شد مشار الیه کیناز منشحفظ اوچ کلیسا را بتصرف قلعه
بالغلو حکم داد و خود ببهانه نظم داغستان سفر کرد کیناز قلعه مزبوره را متصرف شد و صد نفر ماژور و دویست نفر سرباز
در آنجا گذاشته باوچ کلیسا بازگشت و میرزا صادق وقایع نگار بتفلیس رفته در آنجا معطل ماند هم درینسال
ابراهیمخان ظهیر الدوله حاکم کرمان و داماد و عمزاده خاقان کشورستان وفات نمود و خلعت ایالت کرمان را بعباس
قلیخان ولد اکبر ابراهیمخان که بطناً نبیره خاقان کشورستان بود دادند و میرزا جعفر حمزه کلائی مازندرانی وزیر
ملک آرا حامل این خلعت و مامور نظم امور کرمان شد هم درینسال امان الله خان والی کردستان درگذشت و خسرو خان
ولد او که بمصاهرت پادشاهی اختصاص داشت ولایت کردستان یافت و محمد حسینخان قراگوزلو حاکم همدان وفات
کرده سرکردگی طایفه بر محمد حسنخان پسرش مقرر شد و بخدمت نواب میرزاده اعظم که حکمران همدان و محال قراگوزلو بودند
رفته مورد التفات شاهزاده معظم شد هم درینسال یوسفخان گرجی سپهدار عراق و وزیر اصفهان درگذشت و
فرزندش غلام محسنخان در هفده سالگی بشرف مصاهرت اعلیحضرت خاقان و منصب پدر سرافراز گشته و وزارت نواب
سیف الدوله حاکم اصفهان بر عهده منوچهرخان گرجی غلام پیشخدمت خاصه مقرر گردید هم درینسال اللهقلیخان
توره ابن محمد رحیمخان حکمران خوارزم که تازه بجای پدر حکومت خوارزم یافته با سپاهی فراوان عزم تسخیر خراسان نمود
در حومه شهر مشهد مقدس برف و باد شدیدی او را متفرق ساخته اللهقلیخان توره بسرخس که بخت و اردوی
او بتاراج رفت در سرخس جمعی از ترکمانان سالور و ساروق را بتاخت جد و جام و سرجام فرستاد دسته از ترکمان در منزل
شریف آباد دوچار سواران ارغون میرزا پسر نواب حسنعلی میرزا گردیده منهزم و مقتول شدند و دسته دیگر در
حدود ولایت جام نیز بدست میر نصیرخان تیموری مقهور و نابود گشتند اللهقلیخان توره سه هزار نفر دیگر از ازبکیه
و ترکمان و طایفه قراقلپاق و سواران ساروق و سالور را بتاراج ارض اقدس روانه نمود و آنها خارج شهر مشهد
مقدس را تاختند نواب حسنعلی میرزا بالشکر خراسانی از شهر مشهد خارج شده در دامنه اثر در کوه بر اوزبکها و
ترکمنها حمله کرده جمعی را مقتول نموده بقیة السیف منهزم شدند هم درین سال نواب علیقلی خان عم خاقان مملکت ستان
در بارفروش مازندران وفات نمود اروپا (انگلیس) درینسال انگلیسها قصد کردند که اراضی متعلقه
بطایفه آشانتی را که معادن زیاد دارد متصرف شوند ولی طایفه آشانتی عنفاً آنها را از سواحل خود دور
کردند جنگهای سخت انگلیس در هندوستان و در بیرمان در مشرق بنگاله یکی از مهندسین فرانسه که برونل نام دارد
از زیر رودخانه تامیز دالانی میسازد که دو ساحل تامیز را از زیر رودخانه بهم وصل میکند (فرانسه) فوت لوی هیجدهم پادشاه
و جلوس برادرش شارل دهم بجای او در سن شصت و هفت سالگی (پرتوغال) دن میگل پسر پادشاه شورش تازه
برضد پدر خود برپا مینماید دول فرنگ شاهزاده یاغی را مجبوراً بوینه میفرستند (روس) ایجاد راه شوسه کالسکه رو
مابین پطرزبورغ و مسکو و رودخانه نوا طغیان سختی کرده خرابی زیاد بشهر پطرزبورغ وارد میاورد (عثمانی) مسئله

محمد میرزا

در افریقا

شورش

شورش یونان اهمیت بهم رسانیده انگلیس و روس آشکارا از یاغیان یونان حمایت میکنند عساکر عثمانی قتل و غارت زیاد در بلاد یونان مینمایند **امریکا** (برزیل) انکشاف چهار معدن طلای خیلی معتبر در این مملکت

سنه ۱۲۴۱ هجری — سنه ۱۸۲۵ مسیحی

آسیا (ایران) در اینسال چون سنین سلطنت اعلیحضرت خاقان کشورستان فتحعلیشاه بسی میرسید سکه صاحبقرانی زدند و بر روی قران که سی و شش نخود نقره بود این مصرع را نقش کردند (سکه فتحعلی شه خسرو صاحبقران) و بر روی اشرفی که هیجده نخود طلای خالص داشت اینمصرع را رسم کردند (سکه فتحعلی شه خسرو کشورستان) و مقارن این ایام مسکوکات دبلوک ورامین و حدود سمنان و دامغان در زیر خاک پیدا شد که از قرار تشخیص دانایان بعضی سکه شاپور ذوالاکتاف بود و برخی سکه خلفا و ملوک و سلاطین چنگیزی و تیموری و صفوی و از آنجمله بحسینعلیخان معیرالممالک سپرده شد هم در اینسال علمای اعلام از سوء سلوک کارگذاران روس نسبت بمسلمانان گنجه و قراباغ خبردار شده بوجوب جهاد فتوی نوشتند و آقا سید محمد مجتهد اصفهانی از عتبات عالیات بحضور خاقان صاحبقران آمده در این باب ابرام نمود هم در این اوان ایلچی کمپانی هندوستان ژنرال مکدانلد کنیر به بندر بوشهر رسید و فتحعلیخان هزار جریبی سرهنگ فوج تبریزی که بجهت آوردن ایلچی به بمبئی رفته بود ورود او را اعلام نمود و میرزا ابوالقاسم مستوفی اصفهانی به مهمانداری ایلچی مشارالیه مامور گشت هم در این ایام نواب محمود میرزا بایالت لرستان فیلی و نواب همایون میرزا بایالت نهاوند منصوب گردیدند و امین الدوله بمهمانداری آقا سید محمد مجتهد محکوم و معین گشت و موکب همایون از دارالخلافه بسلیمانیه کرج و از آنجا بسلطانیه تشریف فرما شدند و حضرت مستطاب نایب السلطنه بحضور خاقان صاحبقران مشرف گردیدند هم در این سال ایلچی روس کنیاز منشکوف بدربار همایون آمد و چون الکساندر امپراطور روس در اینسال وفات کرده و قبل از وفات تختی از بلور برای هدیه خاقان صاحبقران بفرمان او ساخته بودند امپراطور نیکلا که بجای او جلوس کرده بود آن تخت را مصحوب با ایلچی مشارالیه بحضور حضرت صاحبقرانی اهدا و ارسال داشت و بعد از وصول ایلچی علمای اعلام و مجتهدین با احترام باردوی معلی ورود کردند و آنچه از صلح و مصالحه ایلچی سخن راند علما را مقبول نیفتاد و اعلیحضرت همایون را بر جهاد تحریض کرده از وجوب آن سخن راندند و اصرار کردند ایلچی مایوس باز گشت و عساکر ایران باطراف مامور شدند و با قشون روس بزد و خورد مشغول گشتند و موکب همایون باردبیل آمد و حاجی محمدخان بچالاوجار و تاخت و حسینخان بر سنگر باش آباران و سبحانقلیخان بر سنگر بالغلو و حسنخان بر سر اکلیسا رفت و نقیخان بطرف ناسیتا توپخانه کنیاز کرد در همچی بود بدرانند مصطفی خان شیروانی و الکساندر میرزا بگرجستان و شیروان و شکی رفتند و امیرخان سردار از راه برکشاط روانه شد نواب اسمعیل میرزا در راه بساالت محال کرمس و خزبرک و چنانچی برخورده جنگ در پیوست و موکب حضرت مستطاب نایب السلطنه نیز در سبک آرد و از ظهر تا غروب بامره قتال اشتغال داشت و آخر الامر سالدات روس مقهور و مقتول گردیدند و لنکران مفتوح و سالیان مسخر شد هم در این اوان اغورلوخان پسر جوادخان گنجه با روسها جنگیده غالب آمده و در گنجه استقلال یافت **اروپا** (باویر) لوی اول بجای پدر خود ماکسیمیلین ژوزف بسلطنت جلوس مینماید (فرانسه) سفاین جنگی این دولت در این سال عبارتست از سیصد و پنجاه و هشت فروند و پانزده هزار نفر قشون بحری است (ایطالیا) فردیناند اول پادشاه سیسیل بعد از شصت و پنجسال سلطنت فوت و جلوس پسرش فرانسوای اول بجای او در چهل و شش سالگی (روس) فوت الکساندر امپراطور روس در طغانرق قسطنطین که از ولایت عهد خلع شده بود سلطنت را ببرادر کهتر خود نیکلا واگذار میکند شورش و انقلاب سخت

دو سطر زیر بدیع

در پطرزبورغ علی الخصوص در میان قشون (عثمانی) بقای شورش یونانیان وآمدن ابراهیم پاشا پسر محمد علی پاشای مصری با عساکر بری و بحری بکمک سلطان عثمانی امریکا[1] رئیس جمهوری اتازونی ینگی دنیا آدامس نامی است که پدرش نیز یکوقتی رئیس جمهوری بوده است

سنه ۱۲۴۲ هجری — سنه ۱۸۲۶ مسیحی

آسیا[1] (ایران) در این سال بنا بر میل وتکلیف علما فیما بین دولتین ایران و روس جنگ بنیحی در گرفت و بنای لشکر کشی شد وعبدالله خان دماوندی و نوروز علیخان سرکرده دسته قشون سمنانی بحراست و توقف گنجه مامور شدند وامیر کبیر امیرخان سردار نیز بهمین ماموریت روانه گنجه گردید و مصطفی خان شیروانی تا حوالی شیروان تاخت وابراهیمخان بن جان محمدخان دولو وحاجی محمدخان قاجار بامداد او رفتند ومحمد حسینخان شکی تا منزل جواد راند روسها چون کار را سخت دیدند شیروان وشکی را تخلیه کرده بسغناق محال برسك پناه بردند کنیاز قراکلیسا نیز در قلعه لوری محصور حسینخان ساری اصلان گردید وتقریبا چهار هزار سالدات روس مقتول ودستگیر شدند وتمامی آنحدود مسخر گشت نواب شیخعلی میرزا بقبه و بادکوبه مامور شدند وموکب خاقان صاحبقران فتحعلیشاه بعزم فتح شوشی از اردبیل بکنار رود خانه طویله شامی آمد واللهیارخان آصف الدوله با بیست هزار نفر قشون وده عراده توپ بالتزام رکاب حضرت مستطاب نایب السلطنه مامور شد که بعد از فتح شوشی بگرجستان وتفلیس راند آصف الدوله در دهم ماه صفر در خارج قلعه شوشی بمعسکر حضرت معظم پیوست هدرای (?) اوان ژون مکدانلد کنیر (?) سفیر کمپانی هندوستان باردوی معلی آمد وحضرت مستطاب نایب السلطنه قلعه شوشی را محاصره کردند ولی مستحفظین قلعه که منتظر کمك قشون روس بودند از در حیله وعدهٔ تسلیم نمودن قلعه را داده بنا بر این محاصره را سخت گرفتن در گذشتند وحضرت مستطاب نایب السلطنه نواب شاهزادهٔ اعظم محمد میرزا (محمد شاه) ولد اکبر افخم خود را با محمد قلیخان قاجار و دسته جات خواجه وند وعبدالملکی ونظر علیخان مرندی مامور حراست شهر وقلعه گنجه فرمودند از آنطرف مدتوف ژنرال معتبر روس با جمعی پیاده وسواره قزاق وبیست عراده توپ بتسخیر گنجه آمد امیر کبیر امیرخان سردار حراست گنجه را بنظر علیخان مرندی گذاشته در رکاب میرزادهٔ اعظم محمد میرزا بطرف شمکور راند ودر خرابه‌های شمکور با مدتوف تلاقی دست داده باشتعال نایرهٔ قتال پرداختند امیر کبیر امیرخان سردار عزّ شهادت دریافت وپس از شهادت او لشکر دست از جنگ کشیدند مدتوف بجانب گنجه راند واین شهر را متصرف شد حضرت مستطاب نایب السلطنه مشغول محاصره شوشی بودند که این خبر را شنیدند فی الفور مهدیقلیخان جوانشیر را بکوچانیدن ایلات قراباغ وآوردن بقراجه داغ مامور فرمودند وخود از محاصره دست کشیده بدفع مدتوف وحفظ گنجه روانه شدند وقتی بحوالی گنجه رسیدند که مدتوف اینشهر را مسخر کرده بود حضرت معظم مستعد جنگ مدتوف شدند ودر اینحال ژنرال پسکویچ با چهار هزار سالدات از تفلیس بامداد مدتوف آمد وجنگ در گرفت ابتدا قشون ظفر نمون بر عساکر روس غالب آمدند واز آنجا که امیرزادگان در محل تیررس بودند حضرت مستطاب نایب السلطنه حکم کردند آنها را بجای دورتری برند چون آنها را بی قاعده حرکت دادند نظم قشون بهم خورد ومغلوب گشتند حضرت معظم ناچار با ملالت بکنار رود ارس آمدند اعلیحضرت همایون ایشانرا طلبیده برای رفع ملالت فرمایشهای تلطف آمیز فرمودند وچون در غرهٔ ربیع الاول برف شدید در طویله شامی بارید موکب همایون عزیمت تبریز نمود نواب شیخعلی میرزا وحاجی محمدخان دولو وابراهیمخان قاجار نیز از قبه مراجعت کردند ومهدیقلیخان ششهزار خانوار از ایلات قراباغ کوچانیده

حضرت

حضرت مستطاب نایب السلطنه آنها را بجز دو مغان و قراجه داغ روانه فرمودند و بعضی از دسته جات قشون را با تاخت و تاراج
قراباغ حکم دادند حسینخان ساری اصلان و مصطفی خان شیروانی و محمد حسینخان شکی بغارت تا اطراف پرداختند و تا دو
فرسخی تفلیس را تاخته دو هزار نفر پیاده هزار جریبی و انزانی با هزار نفر سواد کوهی بمحافظت ایروان مامور شدند و موکب
همایون در شب بیست و ششم ربیع الاول از راه مراغه روانه دار الخلافه شد مدد و ف بجهة بر کرداندن ایلات قراباغ
از آب ارس عبور کرده بجد و دکرهلو آمد حضرت مستطاب نایب السلطنه قاسمخان و حسین پاشای یوز باشی و رحمة الله
خان سرتیپ را با دو فوج قراجه داغی و محمد رضا خان سرهنگ فوج دویم تبریز بمقابله او روانه کردند نواب عبد الله
میرزا نیز با سپاه خمسه روانه اردبیل شد و مدد و ف را در آن میانه محصور و مستاصل داشتند و چون او تاب مقاومت
نیاورد مراجعت کرد و اسباب توپخانه و عراده ها و آذوقه او بتصرف قشون ظفر نمون در آمد و آقا سید محمد مجاهد
مجتهد که مصمم جهاد بود در تبریز مریض شده در راه رحلت نمود هم در این سال شاه محمود افغان از پسر خود کامران
خایف شده از هرات بیرون آمد و با افاغنه فراه و سبزوار در دفع پسر اتفاق کرد کامران بنواب شجاع السلطنه حسنعلی میرزا
متوسل شد شاهزاده معظم محمد امین خان پازکی را با پانصد سوار بهرات فرستاده کامران مطمئن شد و محمود با اطراف
رفته چهار هزار لشکر ترتیب داده بجانب پسر راند کامران میرزا جهانگیر میرزا پسر خود را بدفع پدر مامور ساخت محمود از سر چشمه
بادغیس بخارج هرات تاخته ابتدا بمحمد امین خان که در باغ شاه خارج هرات بود حمله کرده کاری از پیش نبرد بعد بسر
جهانگیر رفته بر او فایق گشت کامران در قلعه محصور شد و از بیم شورش اهل هرات مراتب را بنواب حسنعلی میرزا عریضه
عرض کرد نواب معظم حرکت کرده بغوریان آمدند و کامران پدر را شکست و فرار داده نواب شجاع السلطنه در سنک بست
هرات نزول کرده کامران میرزا بخدمت شاهزاده آمده ایشان را بهرات برد و کلید خزاین بایشان سپرد نواب شاهزاده از
فرط مناعت جز یکحلقه انکشتری هیچ قبول نفرمودند و نواب ارغون میرزا فرزند خود را با پنجهزار سوار و سه عراده توپ در
هرات گذاشته خود بارض اقدس معاودت نمودند هم در این سال اللهقلیخان توره برادر رحمقلیخان توره پسر محمد رحیمخان
اورکنجی بولایت جام رانده بنای غارت را گذاشت ولی یکشب در اواخر شب چند راس اسب در اردوی او رها شده بیکدیگر افتادند
و غوغا و هیاهوئی در گرفت خوارزمیها گمان شبیخون کرده متفرق شدند اللهقلیخان نیز جنس رفت و اردوی او بدست
جامیان افتاد هم در این سال روسها از طرف دریای خزر بسر حدات مازندران و استراباد بنای آشوب را گذاشتند
دو فروند کشتی جنگی بفرضه های این دو ولایت آوردند و تراکمه را بنقود تطمیع کردند قیات نامی از تراکمه جعفر بای فریب
خورده ایل را بفساد واداشت نواب محمد قلیمیرزای ملک آرا در دربار همایون بود و پسرش بدیع الزمان میرزا در استراباد
بحکمرانی اشتغال داشت پس از استماع این خبر مهدیخان و محمد تقی خان هزارجریبی و میرزا اسمعیل خان فندرسکی
و نقدعلیخان کوتوال را با خود همراه نموده با سواران و پیادگان استراباد و مازندران و کلاته شب بر سر اوبه جعفر
بای رفتند بیشتر آن جماعت را پراکنده ساختند چون تراکمه مقهور شدند سفاین روس هم که بساحل استراباد آمده بودند
باز گشتند هم در این اوان منوچهر خان گرجی بحراست بندر انزلی و فرضه گیلان روانه شد و امین الدوله عبد الله خان
اصفهانی بوزارت نواب شاهزاده سیف الدوله سلطان محمد میرزا باصفهان رفت هم در این ایام الکساندر یرملوف سردار
گرجستان در دولت روس بخیانت منسوب شده معزول گردید و ژنرال بسکوویچ بجای او بسرداری با فتکیناز ملکی و
حاکم قراباغ و شیروان نیز عزل و ایجسوف نام بجای او نصب شد و بسکوویچ ژنرال دوبج نام را با ده هزار سالدات و بیست
عراده توپ بتسخیر ایروان فرستاد و ایجسوف نیز با شش هزار سرباز و ده عراده توپ بطرف قراجه داغ راند ژنرال

دو پیچ وارد اوچ کلیسا شده و بخسوف در کنار پل خدا آفرین اقامت کرد حسینخان سردار در قلعه ایروان و برادرش حسنخان
ساری اصلان با پنجهزار سوار و یکفوج سرباز در خارج قلعه ماند از طرف قراجه داغ نواب شاهزاده اعظم محمد میرزا
(محمد شاه) با ششهزار سوار و چهار فوج سرباز و پنج عراده توپ در کنار رود ارس اردو زدند و ژنرال دو پیچ با
سه باطالیان سرباز و یکهزار نفر سواره قزاق و چهار عراده توپ پیاده از اوچ کلیسا بعزم استخلاص قلعه سردارآباد از ایروان حرکت
کرد حسینخان سردار در کنار قراسو که میانه سردارآباد و اوچ کلیسا است با ژنرال دو پیچ مصاف داده چون کاری از قشون
روس ساخته نشد روی بقلعه طالین که در شش فرسخی ایروان است نهادند از آنطرف روسها که در کنار پل خدا
آفرین بودند خواستند از آب ارس عبور کرده بقراجه داغ رانند نواب شاهزاده اعظم محمد میرزا بر آنها حمله کرده آنها را
شکست فاحش دادند در این اوان موکب همایون از دار الخلافه متوجه آذربایجان شد و روسهای اوچ کلیسا بعزم شبیخون
باردوی حسنخان ساری اصلان رفتند مشار الیه که باخبر بود بسیاری را مقتول و بعضی را اسیر کرد نیز با پنصد عراده
آذوقه که بقلعه ایروان میبردند بتصرف حسنخان درآمد موکب همایون در چمن قلعه تبریز نزول اجلال فرمود و
قشون روس از محاصره ایروان گذشته عزم نخجوان کردند و حضرت مستطاب نایب السلطنه از خوی حرکت فرموده
بچودس آمدند و احسانخان ولد کلبعلیخان نخجوانی را بحراست قلعه عباس آباد که از مستحدثات حضرت معظم است
امر فرمودند و محمد امین خان قاجار و عباسخان سرکرده بختیاری بمعاضدت احسانخان محکوم شدند احسانخان
با اسکویچ سازش کرده او را بمحاصره عباس آباد آورد نواب علینقی میرزای رکن الدوله با پنجهزار پیاده و سوار
بچودس آمد اللهیارخان آصف الدوله نیز با پنجهزار سوار و پیاده برکاب حضرت مستطاب نایب السلطنه آمده
حسنخان ساری اصلان نیز با فوجی از سواران در رسید و با روسها که از رود ارس عبور کرده بودند شروع
بجنگ نمودند چهار نفر از دلاوران روس قصد حضرت مستطاب نایب السلطنه کرده هر چهار براه عدم رفتند
فضلعلیخان قرانلو ولد حاجی مهدیقلیخان در آن روز جلادتها نموده چون اسبش زخمی شد پیاده بجنگ پرداخت
و چند زخم برداشت او را از معرکه بیرون بردند و پس از آنکه زخمهای او التیام یافت جان نثار دولت باو
لقب دادند عساکر ایران کلا بچودس برگشتند و اسکویچ علمی را که نشانه دولت ایران داشت برافراشت و
با این حیله از رود ارس گذشته بتسخیر عباس آباد شتافت احسانخان مستحفظین قلعه را حبس کرده در بروی
اسکویچ گشود اسکویچ محمد امین خان قاجار و عباسخان سرکرده بختیاری و بعضی خوانین اینطایفه را گرفته
بتفلیس فرستاد و احسانخان در ازای اینخدمت بحکومت نخجوان رسید حاجی محمدخان دولو و اسفندیارخان کرجی باماد
سپهدار و طوایف خلج بحراست خوی مامور شدند و عبدالله خان ارجمندی فیروزکوهی با دسته خود بحراست
تبریز رفت و موکب همایون بتبریز آمد و نواب شاهزاده اعظم محمد میرزا بتاخت قراباغ روانه شدند و نواب رکن الدوله
بتوقف محال چودس و حضرت مستطاب نایب السلطنه بجانب ایروان مامور گشتند اسکویچ چند روزی در عباس آباد
مانده بعد باردوی خود بازگشت و وبا در قشون روس افتاده جمعی را هلاک نمود و اسکویچ از تلافی عباس آباد
توهم داشت میرزا کرمانیدوف همشیره زاده خود را بحضور حضرت مستطاب نایب السلطنه بطلب مصالحه فرستاد
و مقبول نیفتاد شیخعلیخان کنگرلو برادر احسانخان نیز قلعه نظاره اردوباد را بتصرف قشون روس داد
و ابراهیمخان قاجار دولو با دسته لشکر قراگوزلو بجانب اردوباد شتافته قلعه نظاره را بغلبه گرفت و نواب
شاهزاده اعظم محمد میرزا نیز ولایت قراباغ را زیر و زبر کرده بازگشتند و نواب جهانگیر میرزا مستخلصین اسرای

اسیر و توپخانه آنها را بدریای خزر انداختند (ترکستان) در اینسال امیر حیدر توره ابن امیر معصوم شاه مراد ملقب به بکجان که بیست و دو سال در بخارا امارت داشت در ماه ربیع الاول درگذشت و بعد از او امیر حسین پسرش سه ماه امارت بخارا نموده در جمادی الاولی وفات یافت و بعد از او عمر خان بن امیر حیدر بر مسند امارت نشست و او نیز بعد از شش ماه راه آخرت پیش گرفت و امیر نصر الدین بن امیر حیدر بن بکجان امارت بخارا یافت و استقلالی بهم رسانید (اروپا) (انکلیس و روس و عثمانی) در مسئله یونان مابین انکلیس و روس بواسطه ولنگتن از جانب انکلیس و نسلرد از جانب روس اتحادی حاصل شده بنای سخت گیری را بعثمانی میگذارند شورش یونانیها سخت تر و تعدیات عثمانی خاصه محاربات ابراهیم پاشای مصری که سردار کل قشون عثمانی در یونان نسبت بیونانیها بیشتر از پیشتر است جنگهای سخت یونانیها با ابراهیم پاشا اتحاد فرانسه با انکلیس و روس در باب یونان روس که با ایران بسرداری پسکویچ در مجادله است مجال قشون فرستادن بیونان ندارد و بواسطه جنگ با ایران با عثمانی مصالحه مینماید بنابر این معاهده جزو قلاع سربستان عساکر عثمانی در سایر بلاد صرب نخواهند بود و سفاین روس نیز در دریای سیاه آزاد خواهند بود در تمام فرنك برای یاغیهای یونان توجهات میشود دولت اتازونی ینکی دنیا یکفروند کشتی جنگی بیونانیها میبخشد (انکلیس) اینك گرفتار بی پولی و قحطی و عدم رواج تجارت است تجربه با انکلیس مملکت آسام از بیرماه منتزع میشود (فرانسه) تعلیم و تعلم زبان پهلوی در این مملکت (ایطالیا) شورش و انقلاب بر ضد پاپ در بلاد متصرفی او (پرتوغال) فوت ژان ششم پادشاه اهالی پرتوغال دن پدر پسر ژان را که امپراطور برزیل است بسلطنت منتخب میکنند پادشاه برزیل از سلطنت پرتوغال استعفا کرده سلطنت را بماری دختر هفت ساله خود تفویض میکند شورش انکریزی دن میگل برادر پادشاه (روس) تاج گذاری امپراطور نیکلای اول در مسکو (عثمانی) قتل طایفه ینکیچری و معدوم ساختن اینطایفه را کلیتاً (امریکا) (اتازونی) فوت ژفرسن معروف

سنه ۱۲۴۳ هجری

سنه ۱۸۲۷ مسیحی

آسیا (ایران) در این سال در ماه صفر شرح فتوحاتی که در اواخر سال قبل نگاشتیم بعرض اعلیحضرت خاقان صاحبقران فتحعلی شاه رسانیدند و حضرت مستطاب نایب السلطنه عباس میرزا رکن الدوله علینقی میرزا را در چورس گذاشته خود بایروان تشریف بردند و قاسمخان سرهنگ و جعفر قلیخان مقدم و میرزا محمود خان مقصودلوی استرابادی را بر سایر مستحفظین آن قلعه افزودند و حسینخان سردار ملتزم رکاب والا گردیده متوجه محاصره اوچ کلیسا شدند مستحفظین اوچ کلیسا از روسهای ساکن آباران استمداد نمودند و آنها نیز با استعدادی قصد امداد کردند حضرت مستطاب نایب السلطنه از اینمعنی خبردار گشته یوسفخان گرجی سرهنگ توپخانه و سهرابخان غلام پیشخدمت باشی را با چهار هزار نفر بمحاصره اوچ کلیسا گذاشته خود براه اباران رفته در اشترك ایروان با قشون روس مصاف دادند روسها مغلوب شده اسلحه خود را بخشه قصد فرار کردند عساکر منصوره بسیاری از آنها را دستگیر نموده و موکب والا بطرف ایروان عطف عنان فرمود پسکویچ سردار روس چون از واقعه آگاه شد ژنرال ارستوف کرجی را بحراست عباس آباد گذاشت و خود راه ایروان پیش گرفت رکن الدوله و حسینخان ساری اصلان نیز بجانب ایروان راندند حضرت مستطاب نایب السلطنه بعد از ملاقات رکن الدوله حرکت فرموده در دامنه آغری داغ اقامت نمودند پسکویچ باوچ کلیسا رفته پس از چند روز توقف بمحاصره سردار آباد آمد حضرت معظم حسینخان سردار را روانه سردار آباد نموده خود بتاخت حوالی عباس آباد پرداختند ژنرال ارستوف با استعدادی تمام از عباس آباد بیرون آمده در حوالی

قلعهٔ خوی و نخجوان مغلوب عساکر حضرت والا گردید و بعباس آباد بازگشت موکب والا بمنزل چشمهٔ شاهی خوی نزول
فرمود و در چمن مهربان این فتوحات بعرض حضور همایون رسید عبد الله خان دمبلی و طهماسبقلیخان لاریجانی
و ولیخان تنکابنی و حاجی حسنخان دامغانی و علینقیخان قراگوزلو سرهنگ فوج همدانی و عبد الله خان دماوندی
را با دستبرهات آنها و مبلغی وجه نقد همراهی اللهیارخان آصف الدوله نزد حضرت مستطاب نایب السلطنه فرستادند
و موکب همایون در ماه ربیع الاول تشریف فرمای دار الخلافه گردید و حضرت معظم والا از آباس عبور کرده بمحال
چورس آمدند و آصف الدوله دستجات مازندرانی را روانهٔ تبریز نمود و باتفاق میرزا ابو القاسم قایم مقام از رود ارس
گذشته بنظم النجق پرداخت حضرت مستطاب نایب السلطنه بخوی تشریف آورده آصف الدوله و قایم مقام را بحضور
طلبیدند پسکویچ با اطمینان تمام سردارآباد را محاصره کرد حسنخان ساری اصلان نیم شبی از شکاف دیوار قلعه بیرون آمده
بایروان رفت و ارامنه در قلعهٔ سردارآباد را باز کرده پسکویچ وارد قلعه شد و پس از دو روز با فتاد و قرب بایروان شتافت
و پس از دوازده شبانه روز جنگ ایروان را بگرفت و حسنخان گرفتار گردید و او را و میرزا محمد خان مقصودلو را و حمزه
خان انزلی را بتفلیس فرستاد و حضرت معظم نایب السلطنه در خوی از ماجری خبردار شدند رکن الدوله و آصف الدوله
بتبریز آمدند رحمة الله خان قراهانی که بحفظ راه نزدیک گر معبر روسها مأمور بود بر به تبریز شتافت و موکب حضرت
معظم والا بمحال مرند آمده در اینجا معلوم شد که مستحفظین نزدیک گر غفلت ورزیده وارسنوف کرجی با سالدات و توپخانه
از آن معبر گذشته و عزیمت تبریز نموده حضرت مستطاب نایب السلطنه فتحعلیخان رشتی را نزد پسکویچ فرستاده شرحی
پیغام دادند و خود ببلدهٔ خوی آمده انتظام این نواحی را بر عهدهٔ نواب امیرزاده بهرام میرزا و حاجی محمدخان قاجار و اسفندیار
خان نایب سپهسالار محول فرموده خود روانهٔ تبریز شدند و در منزل طسوج بعرض رسید که ژنرال ارسنوف بجهة اطمینان
از حرکت پسکویچ و جذب قلوب اهالی تبریز در قریهٔ صوفیان متوقف است ولی در همین دو روز بتسخیر شهر میپردازد
لهذا موکب والا عاجلاً بده فرسنگی تبریز آمده معلوم شد که از خارج و داخل روسها را بگرفتن تبریز تحریک میکنند
و از جملهٔ محرکین میرفتاح ابن حاجی میرزا یوسف تبریزی بود که مردم را باطاعت روسها اغوا مینمود ناچار قایم مقام
را روانهٔ تبریز نموده خود عزیمت سلماس فرمودند خلاصه نواب رکن الدوله از تبریز بیرون رفت و آصف الدوله
خدام حرم حضرت مستطاب نایب السلطنه را از شهر روانه کرده در قریهٔ باسمنج برکن الدوله رسانیدند و الواط
شهر مانع شدند قشون روس بشهر تبریز وارد شد و آصف الدوله را در ارگ حبس کردند و ژنرال پسکویچ را خبر
دادند و طلب نمودند و او بتعجیل بتبریز آمده ایالت را کماکان بعهدهٔ فتحعلیخان پسر هدایت الله خان گیلانی واگذار
نموده و با آنکه با آصف الدوله از صلح سخن میگفت جمعی را بتسخیر ولایت خوی فرستاد حضرت مستطاب نایب السلطنه
در اینموقع مصلحت بجنگ ندیده مستحفظین خوی را با توپخانه و آلات حرب بسلماس احضار فرمودند و آن ولایت را با
اصلانخان که در خفا با روسها مواضعه داشت سپردند و لشکر روس بی مانعی خوی را متصرف گردیدند بیژنخان گرجی
بعضی تهدیدات از جانب حضرت معظم نایب السلطنه برای پسکویچ پیغام برد و جواب ملایمت و مبنی بر صلح آورد و مقرر
شد که در دهخوارقان ملاقات و گفتگو نمایند حضرت مستطاب ولایتعهد و آغروق را با نواب امیرزاده بهرام میرزا و امرای
قاجار از راه ارومی و سلدوز بمیان دوآب مراغه که برحمت آباد معروفست فرستادند و خود باردوی روسها
رفتند نواب رکن الدوله خدام حرم حضرت معظم را محافظت کرده بزنجان رسانیدند و از آنجا باتفاق حاجی علی اصغر
مازندرانی خواجه باشی و عبد الله خان دماوندی بسوی همدان شدند اعلیحضرت خاقان صاحبقران نیز از واقعه

آگاه شده با حضرت شاهزادگان احکام صادر فرمودند و از آنجا کرنیل رازن از صاحب منصبان روس بقریه بلاث کرمرود و خمسه شتافته آمده بود میرزا محمد تقی علی آبادی صاحب دیوان که مدتها بوزارت خمسه مامور و اهالی آن بلاد را بحسن سلوک خود ممنون داشت محکوم بمحارست آن حدود گردید و نواب شیخعلی میرزا حسب الامر در زنجان اقامت گزید و غلام حسینخان سپهدار عراق با ده هزار پیاده و دو عراده توپ در رسید و نواب محمد قلی میرزا با ده هزار قشون مازندرانی حرکت کرد و نواب محمد تقی میرزا با شش هزار سوار و پنج عراده توپ حاضر شد و نواب شجاع السلطنه حسنعلی میرزا با سپاه خراسان ورود نمود اما در روز ورود حضرت مستطاب نایب السلطنه بدهخوارقان بسکویچ و همه صاحب منصبان روس با احترام تمام حضرت معظم را استقبال کرده آصف الدوله را نیز از تبریز آوردند پس از گفتگو بسکویچ گفت دولت روس در این کشمکش معادل بیست کرور تومان ضرر متحمل شده هرگاه داده شود خلاف مرتفع گردد فتحعلیخان گیلانی بطهران آمده مراتب را بعرض حضور اعلیحضرت خاقان صاحبقران رسانیدند و این مطلب مقبول نیفتاد بعد از آمد و شد و سؤال و جواب بسیار به ده کرور قرار گرفت که هشت کرور داده شود و بعدها نیز دو کرور دیگر بعد از او مهلت داده گردد سر جان مکدانلد کرنیل وزیر مختار انگلیس با بسکویچ قرار مصالحه را داده و حکیم مکنیل صاحب انگلیس را بدار الخلافه فرستاده خاقان صاحبقران را راضی نمود و منوچهرخان حامل وجه خسارت جنگ گشت و حضرت مستطاب نایب السلطنه از جد و کد روس و میرزا ابو الحسنخان وزیر امور خارجه از قصبه زنجان و آصف الدوله و بسکویچ از تبریز و قائم مقام از طهران حرکت کرده همه در قریه ترکمان چای من اعمال تبریز جمع شدند و عهد مصالحه مابین دولتین روس و ایران را که موسوم بعهدنامه ترکمان چای میباشد منعقد نمودند و شب پنجشنبه پنجم ماه شعبان این سال عهدنامه مزبوره بانجام رسیده یک نسخه بمهر مبارک حضرت مستطاب نایب السلطنه و میرزا ابو الحسنخان شیرازی وزیر امور خارجه مختوم شد و باثر نرال رازن سردار و سواره نظام روس و حاجی میرزا ابو الحسنخان آن عهدنامه بحضور همایون خاقان صاحبقران فرستاده شد و صورت عهدنامه ترکمان چای از قرار ذیل است.

صورت عهدنامه ترکمانچای

اعلیحضرت امپراطور اعظم کل ممالک روسیه بالقابه و اعلیحضرت شاهنشاه ممالک ایران با وصاف علی السویه اراده دارند که بنوایب جنگ نهایتی بگذارند و بسبب همجواریت صلحی بی نفاق بعمل آرند لهذا امپراطور اعظم جناب ایوان بسکاویچ جنرال انوتار را و پادشاه والاجاه مملکت ایران نواب نایب السلطنه عباس میرزا را وکلای مختار خود تعیین کردند و ایشان در محل ترکمانچای اختیارنامه های خود را بهم سپردند و فصول آتیه را تعیین و قرارداد کردند

فصل اول بعد الیوم مابین اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه و اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران و ولیعهدان و اخلاف و ممالک و رعایای ایشان مصالحه مودت و وفاق کامل ابد الآباد واقع خواهد بود

فصل دویم از تاریخ حال هر دو پادشاه با اجلال عهدنامه واقعه در محال گلستان قراباغ را متروک و این عهدنامه جدیده میمونه را با عهود و شروط مسلوک داشته اند

فصل سیم پادشاه ممالک ایران از جانب خود و ولیعهدان کل الکای نخجوان و ایروان را خواه اینطرف رود ارس خواه آنطرف بدولت روسیه واگذار میکند و تعهد مینماید که بعد از امضای این عهدنامه در مدت شش ماه همه دفتر و دستور العمل که متعلق باداره این دو ولایت باشد بسرکار امرای روسیه بدهد

فصل چهارم در باب سرحد دولتین ایران و روس بدین موجب خط وضع شده از نقطه سرحد ممالک عثمانی که در خط مستقیم بقله کوه آغری کوچک اقرب است ابتدا کرده و از آنجا تا بسر چشمه رودخانه قراسوی پائین که از سراشیب جنوبی آغری کوچک جاریست فرود آمده بمتابعت مجرای این رودخانه تا بالتقای آن برود ارس در مقابل شرور ممتد میشود چون این خط باینجا رسید بمتابعت مجرای ارس تا بقلعه عباس آباد می آید و در دور تعمیرات و ابنیه خارجه آن که در کنار راست ارس واقع است بنصف قطری بقدر نیم فرسخ رسم میشود و با این نصف قطر در همه اطراف امتداد می یابد همه اراضی و عرصه که در این نصف قطر محاط و محدود میشود بالانفراد تعلق بروسیه خواهد داشت و در مدت دو ماه مشخص خواهد شد و بعد از آن از جائیکه طرف شرقی این نصف قطر متصل بارس میشود خط سرحد شروع و متابعت مجرای ارس میکند تا بمعبر یدی بلوک و از آنجا خاک ایران بطول مجرای ارس امتداد می یابد تا بفاصله و مسافت سه فرسخ بعد از وصول باین نقطه سرحد باستقامت از صحرای مغان میگذرد و تا بمجرای رودخانه بالهارود بمحلی که در سه فرسخی واقعست پائین تر از ملتقای دو رودخانه کوچک موسوم بادینه بازار و ساری قمش و از اینجا این خط بکنار چپ بالهارود تا بملتقای رودخانه مذکوره صعود کرده بطول کنار راست رودخانه آدینه بازار شرقی تا بمنبع رودخانه و از آنجا تا باوج بلندیهای جکیر امتداد می یابد بنوعیکه جمله آبهائیکه جاری بحر خزر میشود متعلق بروسیه خواهد بود و همه آبهائیکه سراشیب و مجرای آنها بجانب ایران است تعلق بایران خواهد داشت چون سرحد و مملکت اینجا بواسطه قلل جبال تعیین مییابد لهذا قرارداد شد که پشتهائیکه از این کوهها بسمت بحر خزر است بروسیه و طرف دیگر آن بایران متعلق باشد از قلّه بلندیهای جکیر خط سرحد تا بقله کمر قوئی بمتابعت کوههائی میرود که طالش را از محال ارس منفصل میکند که در فوق در باب مسافت واقعه ما بین آدینه بازار و قلل جکیر گفته شد بعد از آن خط سرحد از قله کمر قوئی بلندیهای کوههائیکه محال زوند را از محال ارس فرق میدهد متابعت میکند تا بسرحد محال ولکیج هموار و بر طبق همان ضابطه که در باب مجرای میاه معین شد محال زوند بغیر از آن حصه که در سمت مخالف قلل جبال مذکوره واقع است ازاینرو حصه روسیه خواهد بود و از ابتدای سرحد محال ولکیج خط سرحد ما بین دو دولت بقلل جبال کلوتوپی و سلسله کوههای عظیم که از ولکیج میگذرد متابعت میکند تا بمنبع شمالی رودخانه موسوم باستارا پیوسته بملاحظه همان ضابطه در باب مجرای میاه و از آنجا خط سرحد متابعت مجرای این رودخانه خواهد کرد تا بملتقای دهنه آن بحر خزر و خط سرحد را که بعد از این متصرفات روسیه و ایران را از هم فرق خواهد کرد تکمیل خواهد نمود

چون قلل جبال از جانبین مجرای میاه را فرق میدهند لهذا در اینجا نیز خط سرحد را همان قسم تعیین میکند؟

فصل پنجم اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران از جانب خود و ولیعهدان تمامی الکاء و اراضی و جزایر و جمیع قبایل خیمه نشین و خانه دار را که در میانه خط حدود معینه و قلل برف دار کوه قفقاز و دریای خزر است الی الابد متعلق بدولت روسیه میداند

فصل ششم اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران بتلافی خسارت دولت و رعیت روسیه مبلغ ده کرور نقد که عبارت از بیست میلیان مناط سفید روسی است قرارداد و موعد و رهاین وصول اینوجه در قرارداد علیحده که بلفظ بلفظ گویا در این عهدنامه مندرج است معین خواهد شد

فصل هفتم چون پادشاه ممالک ایران نواب عباس میرزا را ولیعهد دولت قرارداده امپراطور روسیه نیز تصدیق براین مطلب نموده تعهد کرد که نواب معزی الیه را از نتایج جلوس بر تخت شاهی پادشاه بالاستحقاق آن ملک داند

فصل

فصل هشتم کشتیهای تجارتی دولتین روس و ایران از هر دو طرف اجازه دارند که در بحر خزر و طول سواحل آن بطریق سابق سیر کرده بکنارهای آن فرود آیند و در حالت شکست کشتی از دو طرف امداد و اعانت خواهند شد در باب سفاین حربیه که علمهای عسکریه روسیه را دارند مثل سابق اذن تردد در بحر خزر دارند و بغیر از دولت روس دولتهای دیگر آن اذن را ندارند

فصل نهم وکلا و سفرای طرفین اعم از متوقفین و عابرین باید از دو طرف مورد کمال اعزاز و احترام کردند و در این باب دستور العمل مخصوص از طرفین مرعی و ملحوظ گردد

فصل دهم در باب امر تجارت هر دو پادشاه والاجاه موافق معاهده جداگانه که باین عهدنامه ملحق میگردد تصدیق نمودند و اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران در باب کونسلها و حامیان تجارتی که از دولت روس کما فی السابق در هر جا که مصلحت دولت اقتضا کند معین شود تعهد میکند که این کونسلها و حامیان اگر زیاده از ده نفر اتباع نخواهند داشت حمایت و احترام نمایند امپراطور روسیه نیز در باب کونسلها و حامیان تجارت ایران وعده میکند که همین خصوصیات منظور دارد و هرگاه از دولت ایران محققا شکایتی از کونسلها و حامیان تجارت روس واقع شود وکیل یا کارگذار دولت روس که در دربار دولت ایران متوقف است و اختیار کونسلها و حامیان تجارت با او است اذن دارد که امر مزبور را بعنوان جاریه بدیگری رجوع نماید

فصل یازدهم همه امور و ادعاهای طرفین که بسبب جنگ بتاخیر افتاده بعد از انعقاد مصالحه موافق عدالت باتمام خواهد رسید و مطالباتیکه رعایای جانبین از یکدیگر یا از خزانه داشته باشند بتعجیل و تکمیل وصول پذیر خواهد شد

فصل دوازدهم دولتین علیتین معاهدتین بالاشتراک در منفعت تبعه جانبین قرار داد میکنند که برای آنهائیکه مابین خود بسیاق واحد در دو جانب رود ارس املاک دارند مدت سه سال مقرر نمایند تا بآزادی در بیع و معاوضه آنها قدرت داشته باشند لکن امپراطور ممالک روسیه از منفعت این قرارداد در همان مقداریکه باو متعلق و واگذار میشود سردار سابق ایروان حسین خان و برادرش حسن خان و حاکم سابق نخجوان کریمخان را مستثنی میسازد

فصل سیزدهم اسرائیکه در جنگ آخر و قبل از آن و تبعه که از هر مدت باسیری افتاده اند از هر دو طرف قرار داد شد که در مدت چهار ماه با اخراجات راه بعباس آباد فرستاده شوند که وکلای طرفین در آنجا مامور باینکار میباشند آنها را گرفته باوطان خود برسانند و هرگاه در مدت مذکوره بتعویقی واقع شود هر وقت از هر طرف مطالبه کنند یا اسرا خود استدعا نمایند بلا مضایقه رد کرده آید

فصل چهاردهم از دو طرف قرین الشرف تعهد میشود که رعایای جانبین اعم از فراری یا غیر فراری که در حالت جنگ و قبل از آن بمملکت طرفین رفته اند یا بعد از این بروند در صورتیکه وجود ایشان منشا ضرر و فسادی نباشد مطالبه نشود ولکن اشخاص صاحب رتبه و شان اعم از حکام و خوانین یا رؤسا و ملاهای بزرگ و غیر آنرا که وجود ایشان در ممالک دو طرف بسبب مکاتبات و مخابرات خفیه منشا ضرر و مراتب است در ممالک طرفین نگاه ندارند و از حدود معینه در فصل چهارم اخراج سازند

فصل پانزدهم اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران باید از تقصیر اهالی آذربایجان از خاصه و عامه که در مدت جنگ و تصرف عساکر روسیه در ولایات استردادیکه مباشر جنایتی شده اند درگذرند و هر یک خواسته باشند با عیال از آن ولایت بیرون روند تا مدت یکسال بایشان مهلت داده شود که اموال و اثقال خود را یا بیع یا نقل بمملکت روسیه نمایند و احدی از حکام بهیچ جه متعرض خسارت آنها نشود و در باب بیع املاک پنجساله مهلت داده شود هرگاه در

مدت یکساله مذکوره از احدی خیانتی تازه بظهور رسد داخل در عفو و گذشت نیستند

فصل شانزدهم بعد از امضای این عهدنامه میمونه فی الفور وکلای مختار جانبین دستورالعملهای لازمه بجد و دقت بخود روانه سازند که بترک خصومت و تعدی بپردازند این مصالحه نامچه در دو نسخه بیک مضمون ترتیب یافته و بدستخط وکلای طرفین رسیده و مابین ایشان مبادله گردیده است باید بامضای آن بتصدیق دو پادشاه در مدت چهار ماه و اگر ممکن شود زودتر مابین وکلای مختار ایشان مبادله شود تحریراً در قریه ترکمان چای بتاریخ دهم شهر فورال سنه یکهزار و هشتصد و بیست و هشت مسیحیه که عبارت از پنجم شهر شعبان المعظم سنه یکهزار و دویست و چهل و سه هجری بملاحظه و تصدیق نواب نایب السلطنه رسید بامضای وزیر امور دولت خارجه میرزا ابوالحسن خان نیز رسید

نیز عهد تجارتی مشتمل بر نه فصل فیمابین دولتین منعقد گردید که صورت آن از قرار ذیل است

فصل اول چون دولتین علیتین معاهدتین تمنا دارند که اتباع خود را از جمله منافع و فواید که از آزادی و رخصت تجارت حاصل میشود بهره مند دارند لهذا باین تفصیل قرارداد کردند که رعایا و اتباع روس که تذکره متعارفه در دست داشته باشند در همه ممالک ایران میتوانند تجارت کرد و کذلک بممالک مجاوره دولت مذکوره میتوانند رفت و همین نسبت اهالی ایران امتعه خود را از دریای خزر یا از راه خشکی سرحد دولتین روس و ایران بمملکت روس میتوانند برد و معاوضه و بیع نمود و خرید کرده متاع دیگر بیرون برده از هرگونه حقوق و امتیازاتی که در ممالک اعلیحضرت امپراطوری باتباع کامله الوداد دولتهای دوست داده میشود بهره مند خواهند شد در حالتیکه یکی از اتباع دولت روس در مملکت ایران وفات یابد اموال منقوله و غیر منقوله او چون متعلق بدولت دوست است بدون نقص باقوام یا شرکای او تسلیم خواهد شد که باختیار تمام بنحویکه شایسته دانسته معامله نمایند و در صورتیکه اقوام و شرکای او موجود نباشند اختیار ضبط و کفالت همین اموال بوکیل یا کارگذار یا کونسلهای روسیه واگذار میشود بدون اینکه هیچگونه ممانعتی از جانب حکام ولایات ظاهر شود

فصل دویم حجج و براوات و ضمانت نامه‌ها و دیگر عهدها که برای امور تجارت خود مابین اهالی جانبین مکتوب میگردد نزد کونسل روسیه و حاکم ولایت ثبت میشود تا اینکه هنگام منازعه بین الطرفین برای قطع دعوی بر طبق عدالت تحقیقات لازمه نتوانند کرد و اگر یکی از طرفین خواهد بدون اینکه بنحو مذکور فوق تمسکات محرره منصفه که لایق قبول هر محکمه عدالت است در دست داشته باشد از دیگری ادعا نماید و جز اقامه شهود دلیلی دیگر نیارد این قبیل ادعاها و اینکه مدعی علیه خود تصدیق بحقیقت آن نماید مقبول نخواهد شد همه معاملات منعقده که بصورت مذکوره مابین اهالی جانبین واقع شده باشد با دقت تمام مرعی و ملحوظ شده هرگونه مجانبت که در انجام آن بظهور رسد و باعث ضرر یکی از طرفین گردد موجب تلافی خسارت تناسب از طرف دیگر خواهد شد در صورتیکه یکی از تجار روس در ایران مفلس و ورشکست شود حق ارباب طلب از امتعه و اموال او داده میشود اما اگر از وکیل یا کارگذار یا کونسل استعلام نمایند که مفلس مذکور مالی ممکن الصرف که بکار استرضای همان ارباب طلب بیاید در ولایت روسیه گذاشته است یا نه برای تحقیق کردن این مطلب مساعی جمیله خود را مضایقه نخواهند داشت این قراردادها که در این فصل معین گشته همچنین درباره اهالی ایران که در ولایت روس موافق قوانین ملکیه تجارت میکنند مرعی خواهد شد

فصل سیم برای اینکه تجارت تبعه جانبین منافعی را که علت غائی شروط سابقه الذکر گشته اند محقق و مستحکم نمایند قرارداد شد که از هرگونه متاعی که بتوسط تبعه روس بایران آورده یا از این مملکت بیرون برده شود و کذلک از

امتعهٔ محصوله ایران که بتوسط تبعهٔ آن دولت که بدریای خزر یا از راه خشکی سرحد دولتین روس و ایران بولایات روس برده میشود و همچنین از امتعهٔ روس که برعایای ایران با همان راهها بیرون میبرند کما فی السابق در وقت بیرون رفتن و داخل شدن هر دو یکدفعه پنج از صد گمرک گرفته میشود و بعد از آن هیچگونه گمرک دیگر از ایشان مطالبه نخواهد شد و اگر دولت روس لازم داند که قانون تازه در گمرک و تعریفهای مجدد قرار داد کند متعهد میشود که در این حالت نیز گمرک مزبور را که پنج از صد است اضافه ننماید

فصل چهارم اگر دولت روس یا ایران با دولت دیگر در جنگ باشد تبعهٔ جانبین ممنوع نخواهند شد از اینکه با امتعهٔ خود از خاک دولتین علیتین معاهدتین عبور کرده بممالک دولت مزبوره بروند

فصل پنجم چون موافق عادتیکه در ایران موجود است برای اهالی بیگانه مشکل است که خانه و انبار و مکان مخصوص برای وضع امتعهٔ تجارت هم اجاره نمایند و هم بملکیت تحصیل کنند و متعلقان دولت ایران بآن خانهها و مکانها و انبارها عنفا داخل نمیتوانند شد لکن در وقت ضرورت از وکیل و کارگذار و یا کونسل دولت روسیه اذن خاص میتوانند نمود که ایشان صاحب منصب یا ترجمان تعیین کنند که در وقت ملاحظهٔ خانه یا امتعه حضور داشته باشد

خود باجاره پیدا کنند لهذا بتبعهٔ روس اذن داده میشود که خانه برای سکنا و انبار و مکان برای وضع امتعهٔ

فصل ششم چون وکیل و کارگذار دولت امپراطوری و صاحب منصبان ماموره ایشان و کونسلها و ترجمانها در ایران امتعه که بکار ملبوس ایشان بیاید و اکثر اشیاء ضروریه معیشت برای ابتیاع پیدا نمیکنند لهذا میتوانند بدون باج و خراج هر گونه امتعه و اشیاء که خاصه بمصارف ایشان تعیین شده باشد بیاورد و کذلک این امتیازات بتمامه درباره وکیل و کارگذار دولت ایران که مقیم در دربار دولت روسیه باشند مرعی و ملحوظ خواهد شد و کسانیکه از اهل ایران برای خدمت ایلچی یا وکیل و کونسلها و حامیان تجارت روس لازم است مادامیکه نزد ایشان باشند مانند تبعهٔ روس از حمایت ایشان بهرهمند خواهد بود و لکن اگر شخصی از آنها مرتکب جرمی شود که موافق بقوانین ملکیه مستحق تنبیه باشد در آنصورت وزیر دولت ایران یا حاکم ودر جائیکه آنها باشند بزرگ ولایت مجرم را بتوسط از ایلچی یا وکیل یا کونسل در نزد هر کدام باشد مطالبه میکند تا اجرای عدالت شود و اگر این مطالبه مبنی باشد بر دلایلی که جرم و تقصیر متهم را اثبات کنند ایلچی یا کونسل یا وکیل در دادن او مضایقه نخواهد کرد

فصل هفتم همه ادعاها و امور متنازع فیها که مابین تبعهٔ روسیه باشد بالاختصاص بملاحظه و قطع و فصل وکیل یا کونسلهای اعلیحضرت امپراطوری بر طبق قوانین و عادات دولت روسیه مرجوع میشود و همچنین است منازعات و ادعاهائیکه مابین تبعهٔ روس و تبعهٔ دولت دیگر اتفاق بیفتد در حالتیکه طرفین بآن راضی شوند و منازعات و ادعائیکه مابین تبعهٔ روس و ایران واقع شود بدیوان حاکم شرع و یا حاکم عرف معروض و محول میگردد و ملحوظ و طی نمیشود مگر در حضور ترجمان وکیل یا کونسلها چون اینگونه ادعاها که یکدفعه موافق قانون طی شده باشد دوباره استعلام نمیتواند شد هرگاه اوضاع نوعی باشد که اقتضای تحقیق و ملاحظهٔ ثانی کند بدون اینکه وکیل یا کارگذار یا کونسل دولت روسیه را سابقا از آن اخبار شود ملاحظه نمیتواند شد و در اینحالت آن امر استعلام و محکوم علیه نمیتواند کرد بجز مگر در دفترخانهٔ اعظم پادشاهی که در تبریز یا طهران باشد کذلک در حضور یکنفر ترجمان وکیل یا کونسل دولت روسیه

فصل هشتم کار قتل و امثال آن گناههای بزرگ که در میان خود رعایای دولت روسیه واقع شود تحقیق و قطع و فصل آن مطلق در اختیار ایلچی یا وکیل یا کونسل دولت روسیه خواهد بود بر وفق قوانین شرعیه که بایشان در باب اهل ملت خود داده شده است اگر یکی از تبعهٔ روسیه بدعوی جرمی مستلزم السیاسه با دیگران متهم باشد هیچ جبر و اذیت

بنماید کرد مگر در صورتیکه شراکت او بجرم ثابت و مدلل شود در اینحال نیز مانند حالتیکه یکی از تبعه و رعیت بعینه بجرمی متهم میشد حکام ولایت نمیتوانند که بتشخیص حکم بپا زنند مگر در حضور گماشته از طرف وکیل یا کونسل روسیه اگر در اماکن صدور جرم از کونسلها یا وکیل کسی نباشد حکام ولایت مجرم را بجائیکه کونسل یا صاحب منصبی از دایره وکالت روسیه در آنجا باشد روانه میکنند و استشهادنامه که در باب برائت و شغل ذمه متهم بواسطه حاکم و مفتی آن مکان از روی صداقت مرتب و بمهر ایشان رسیده باشد با این کیفیت عملی که حکم جرم خواهد شد فرستاده شود اینگونه استشهادنامه ها بسند معتبر و مقبول ادعا خواهد شد مگر اینکه متهم عدم صحت آنرا علانیه ثابت نماید و در صورتیکه متهم چنانکه باید ملزم گشته فتوی صریح حاصل شود مجرم را بوکیل یا کونسل روسیه تسلیم مینمایند که برای اجرای سیاستی که در قوانین مقرر است بمملکت روسیه بفرستند

فصل نهم دولتین علیتین معاهدتین باهتمام تمام در باب غایت و اجرای شروط این معاهده خواهند داشت حکام و ولات و دیوان بیگیان و سایر رؤسای طرفین بیم از مؤاخذه شدیده داشته باشند در هیچ حالت تخلف و تجاوز نخواهند کرد بلکه در حالتیکه تکرار از تخلف چنانکه باید محقق شود موجب معزولی ایشان خواهد بود خلاصه ما وکلای مختار اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه و اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران که در ذیل دستخط نوشته ایم شروطی را که در این معاهده مندرج است و از نتایج فصل دهم عهدنامه است که همان روز در ترکمانچای اختتام یافته است همان اعتبار و قوت خواهد داشت که گویا لفظاً بلفظ در خود عهدنامه مرقوم و مصدق گشته است منتظم و مقرر داشتیم لهذا این معاهده جداگانه که مشتمل بر دو نسخه است بتوسط ما دستخط گذاشته بمهر ما رسید و مبادله شد تحریر در قریه ترکمانچای بتاریخ دهم شهر فیورال سنه یکهزار و هشتصد و بیست و هشت مسیحیه که عبارت از پنجم شهر شعبان المعظم سنه یکهزار و دویست و چهل و سه هجریه باشد

پس از انعقاد عهد مودت مابین دولتین ایران و روس پسکویچ تبریز را خالی کرده و حضرت مستطاب نایب السلطنه باینشهر معاودت فرمودند و لشکرها از سرحدات برخاستند همدر این سال باغوای محمد قاسمخان دامغانی پیشکار عبدالله خان کرمانی که خیال سروری داشت اشرار کرمان بنای شرارت و خودسری را گذاشتند و خانلرخان غلام پیشخدمت را که ولد علیمراد خان زند و بطناً نبیره نواب غفران مآب شهید محمد حسنخان طاب ثراه و مامور انتظام کرمان بود هنگام مراجعت در منزل باغین مقتول نمودند نیز احمدخان برادر محمد مهدیخان متخلص بشحنه را که همشیره او در سلک خدام حرم سلطنت بود ببهانه در کرمان بکشتند و محمد قاسمخان با عبدالله خان بعنوان اینکه میر عبدالرضاخان یزدی که در اوان جنگ روس و ایران براه خلاف رفته مصمم شده ایم و قریب به دوازده هزار جمعیت از حدود کرمان و بم وغیره فراهم آورده عزم تسخیر یزد کردند شاهزاده محمد ولیمیرزا والی یزد از واقعه خبردار شده بدار الخلافه طهران آمد که مراتب را بعرض حضور خاقان صاحبقران رساند عبدالرضاخان خلف تقیخان بیگلربیگی اقلیم یزد که کارگذار شاهزاده بود اموال متعلقین شاهزاده را متصرف شده آنها را روانه طهران کرد و اهالی کرمان و مازندران در منزل شمس و صباغ عبدالله خان حاکم کرمان را بهم زدند و او بفارس رفته بجال خود نواب حسینعلی میرزا فرمانفرمای فارس متوسل شد و بعد از چندی بمازندران بخدمت نواب ملک آرا رفت و محمد قاسمخان دامغانی بسیستان گریخت و نواب شجاع السلطنه بحکومت کرمان و استرداد اموال محمد ولیمیرزا از عبدالرضاخان مامور شد عبدالرضاخان از بیم بقلعه داری پرداخت نواب شجاع السلطنه بکرمان رفته اهالی کرمان از خوف

براه صفهان رفتند و در حصار ابرقوی شاهزاده نکشودند بعد از ده دوازده شبانه روز خلعت نواب شجاع السلطنه شهر کرمان را بگرفتند و بانتظام امور آن سامان پرداختند تا بعد از چندی رفع آشوب شد و امنیت حاصل آمد و محمد قاسمخان دامغانی را بلطایف الحیل بکرمان خواندند و مغلولا بطهران فرستادند و در آنجا بسزای خود رسید و عبدالرضاخان را بحال خود واگذاشتند و نظم امور یزد بنواب ظل السلطان محول شد هم در اینسال عبدالله خان امین الدوله را از اصفهان طلبیده صدارت دادند و اللهیار خان آصف الدوله برسم سابق سالار بار شد هم در اینسال بسکویچ در دو لنکران و ایروان کار را منوط بحکم امپراطور روس نمود و مقرر شد حضرت مستطاب نایب السلطنه بحضور امپراطور رفته اینکار را منفصل کند هم در اینسال چون ایالت خراسان بر عهدهٔ نواب هلاکو میرزا ولد نواب شجاع السلطنه موکول بود و ایالت سبزوار بر عهدهٔ نواب ارغون میرزا برادر نواب هلاکو میرزا خوانین خراسان تفتین کرده برادران را بر ضد یکدیگر بحرب یک کردند و فتنه برخاست لهذا اعلیحضرت همایون حسنخان و حسینخان سردار ایروانی را بخراسان مامور فرمودند و وفات عبدالرزاق بیک دنبلی متخلص بمفتون صاحب تاریخ مآثر سلطانیه و عبدالرزاق بیک ولد نجفقلیخان بیگلربیگی تبریز بود (اروپا) (المان) فوت پادشاه ساکس و جلوس برادرش آنتوان بجای او (انکلیس و فرانسه و روس و عثمانی) صاحبمنصبان بر ضد عثمانی در باب یاغیان یونانی را مینمایند بعد از گفتگوی بی‌فایده زیادکه روس و انکلیس و فرانسه با عثمانی در باب اصلاح با یونان کردند دول ثلاثه مزبوره متفق میشوند که یونان آزاد باشد ولی یک مبلغی خراج بدولت عثمانی بدهد عثمانی قبول این تکلیف را نمینماید بنابراین سفاین جنگی دول ثلاثه با کشتیهای جنگی عثمانی در ناوارن جنگ سختی کرده در ظرف سه ساعت تمام سفاین عثمانی و مصری را شکسته و غرق مینمایند سلطان عثمانی در مملکت خود اعلان جهاد مینماید (انکلیس) فوت دوک دو یورک برادر کوچک پادشاه که ولیعهد او بود و رسیدن ولایت‌عهد بدوک دو کلارنس برادر دیگر پادشاه ولنگتن علاوه بر سپهسالاری قشون بصدارت نایل میشود (اسپانیا) شورش مردم بر ضد فردیناند پادشاه دن کارلس برادر پادشاه را جمعی بسلطنت میطلبند (فرانسه) شورش سخت در پاریس و سیبه‌بندی کردن در غالب کوچه‌ها ابتدای منازعهٔ فرانسه با حسین پاشا والی الجزایر ایجاد راه آهن در سنت اتین شهر فرانسه (پرتوغال) عساکر انکلیس برای نظم پرتوغال به لیزبن وارد میشوند دن میگل بالاخره بسلطنت پرتوغال منصوب میشود

سنه ١٢٤٤ هجری — سنه ١٨٢٨ مسیحی

آسیا (ایران) در این سال قزلباشیه کابل از تعدی افاغنه و غلبه رنجیت سینگ هندو در کشمیر بستوه آمده حسنعلی خان جوانشیر را از راه بیابان بلوچستان بکرمان فرستادند و مشارالیه از کرمان بطهران آمده از جفای افاغنه شکایت کرده و شرحی از اظهار ارادت اهالی کابل و قندهار و پیشاور بعرض آستان اعلیحضرت خاقان صاحبقران فتحعلیشاه رسانیده و مستدعی شد که یکی از شاهزادگان عظام را بدانسامان روانه نمایند اعلیحضرت همایون بنابر موافقت دولت انکلیس و فراهم نیامدن موجبات آشوب سرحدات هندوستان قبول ننمودند و حسنعلیخان جوانشیر از راه فارس و عمان ببنبئ رفت هم در اینسال در اواسط جمادی الاولی موکب همایون بزیارت حضرت معصومه سلام الله علیها توجه فرموده پس از زیارت از قم بسلطان‌آباد کزاز رفتند و سپهدار در آنجا نموده خدمات نموده براهم پادشاهی نایل آمد و در بیست و هفتم جمادی الثانیه بدار الخلافه ورود فرمودند هم در اینسال ژنرال کریبایدوف خواهرزادهٔ مارشال بسکویچ که در هنگام انعقاد صلح مابین دولتین ایران و روس حاضر و در التیام و اصلاح

امور مصر بود بدربار امپراطور روس رفته و بوکالت و سفارت مامور ایران شد که با تمام شرایط عهدنامه پردازد
مشارالیه با رعایت لوازم و رسوم احترامات بدربار معلی آمده ولی بنای بدسلوکی را گذاشت و ابتداء باسترداد
اسرای قدیم و جدید گرجستان و غیره و سختگیری در اینمطالبه پرداخته دو نفر گرجیه مسلمه را که سالها بوده
در خانه اللهیارخان آصف الدوله بودند با ابرام بازپس خواست و در خانه خود برده نگاه داشت و آغا یعقوب ارمنی از
خواجه سرایان که مبلغی خطیر از مال دیوان برذمه او بود چون در اصل از اهل ارمنیه ایروان و اسرای سپاه ظفر همراه
شمرده میشد متمسک بفصل سیزدهم عهدنامه ترکمان چای که مبنی بر استرداد اسرا میباشد شده بنزد گریبایدوف
پناه برده و خود را آزاد ساخته و بفتنه انگیزی پرداخته بعضی از نسوان گرجیه را که مسلمان شده و در حباله نکاح
اشخاص و صاحب اولاد بودند اسیر نام برده گریبایدوف را بخواستن آنها محرک آمد و حرکات مشارالیه اسباب
رنجش مردم و کدورت علما گردید و چندانکه او را نصیحت کردند نپذیرفت و بر خشونت و لجاج افزود و یعقوب
ارمنی و بعضی مفسدین دیگر نیز در تحریک و اغوای گریبایدوف ساعی بودند علما چون دیدند که پای عرض و ناموس
مسلمین در میان است و گریبایدوف هم در بدگوئی و بدسلوکی مصر است و قبول نصیحت نمیکند در جامع طهران اجتماع
کرده حاجی میرزا مسیح مجتهد را با خود متحد ساخته بر ضد ایلچی هم داستان شدند بسیاری از اهالی شهر نیز چون مرید
علما بودند دکاکین را بسته و در آنجا جمع آمدند مقصود علما تخویف ایلچی روس و رد کردن زنان مردم بود ولی بعد از
آنکه تقریباً صد هزار نفر جمعیت اجتماع کرده کار از دست امنای دولت و علما بیرون رفت و آن ازدحام راه منزل
گریبایدوف را گرفتند و بخانه او که در خارج ارک سلطانی و نزدیک قورخانه بود هجوم آوردند و ممانعت اولیای
دولت و شاهزادگان را قبول نکردند همراهان ایلچی که تقریباً دویست نفر بودند چون حال را بر این منوال دیدند در
سرای را بستند و با تفنگ و حربه بالای بام آمدند و جوانی چهارده ساله را با گلوله تفنگ مقتول نمودند عوام که
این جسارت دیدند بیورش پرداختند ایلچی یعقوب ارمنی را که نسبت بفرستاده مجتهدین سخنهای کفرآمیز گفته
بود از خانه بیرون کرد و عوام فوراً او را براه عدم فرستادند و دو نفر گرجیه مسلمه را از خانه بیرون نموده کسان
علما آنها را بمحلی که باید رسانیدند الحاصل قریب هشتاد نفر از سکنه دارالخلافه در این هنگامه مقتول شده و جمعیت
برنگشته بخانه ایلچی ریختند و او را با سی نفر از همراهان بقتل رسانیدند و اموالی که در آنخانه بود بیغما بردند و خانه را
خراب کرده متفرق گشتند و هیچ معلوم نشد که قاتل و مجرم کیست و ملسوف نام که نایب اول ایلچی بود چون در گوشه
مختفی شده نجات یافت و او را بارک آورده محافظت کردند و او تقصیرات ایلچی را تصدیق نموده با امنای دربار امپراطور
روس معروض داشت و خود نیز بتفلیس رفته مراتب را به پسکویچ معلوم کرده و از آنجا به پطرزبورغ روانه شده
برفع اشتباه پرداخت و برای استرضای خاطر امنای دولت امپراطوری نواب امیرزاده خسرو میرزا فرزند حضرت
مستطاب نایب السلطنه با محمد خان زنگنه امیرنظام و چند نفر دیگر بصوابدید حضرت معظم مامور پطرزبورغ شدند
همدر اینسال میرزا عبدالوهاب معتمدالدوله متخلص بنشاط از افاضل و اکابر رجال این دولت در طهران مرحوم شد
اروپا (انگلیس و روس و عثمانی) یونانیها بحمایت روس وضع دولتی برای خودشان تشکیل میدهند
دولت روس که از جنگ با ایران فراغت حاصل نموده اعلان جنگ بعثمانی مینماید عساکر روس از رود دانوب
عبور کرده وارنا را محاصره نموده و میگیرد از سمت دیگر پسکویچ بطرف قارص و پوطی رانده بایزید را فتح میکند
آنهائیکه از ینکچریان باقی مانده بودند بار دیگر متحد میشوند بوساطت دولتین انگلیس و فرانسه عساکر

عسکر بحکم سلطان از ایالت مره یونان خارج میشوند پانزده هزار قشون فرانسه بطرف یونان حرکت میکنند
(انکلیس) اکثر از اهالی ارلند مردم این ایالت را برضد دولت انکلیس میشوراند

سنه ۱۲۴۵ هجری سنه ۱۸۲۹ مسیحی

آسیا (ایران) در سال قبل شرح مقتول شدن کریبایدوف ایلچی روس مسطور شد در این سال ثرزال دالغورکی
از جانب دولت روس بسفارت ایران و تحقیق عمل و علت قتل کریبایدوف مامور شده بتبریز آمد نواب علینقی میرزا رکن الدوله
از مطالب دالغورکی آگاهی حاصل نموده از تبریز بدار الخلافه آمده بحضور اعلیحضرت خاقان صاحبقران فتحعلی شاه مشرف شد
و مطالب دالغورکی را معروض داشت و معلوم شد که باید ببعضی اعمال که اسباب استرضای دولت روس شود بپردازند
لهذا حاجی میرزا مسیح استرابادی را که در امر اجماع دخالت داشت روانه عتبات عالیات فرمودند و رضاقلی بیک نام پسر شاه
بیک طالش را که در روز قتل ایلچی با تیغ خون آلود دیده بودند و مصدر قتلی دیگر نیز گردیده در میدان دار الخلافه بقتل رسانیدند
و دولت روس بواسطه این عمل رضایت حاصل نمود هم در اینسال نواب احمد علیمیرزا بحکمرانی خراسان مامور گردید بتبیین
آنکه حسینخان سردار ایروان که بسرداری خراسان رفته بود خوانین خراسان خاصه رضاقلیخان ایلخانی زعفرانلو حاکم خبوشان
که در نشابور و چناران و رادکان تسلطی بهم رسانیده بود از او تمکین ننمود و سردار با محمدخان قرائی سازش کرده او را با
حسنخان ساری اصلان برادر خود و ششصد نفر بر سر نیشابور فرستاد ولی کاری از آنها ساخته نشده بمشهد مقدس باز
گشتند و مستحفظین ارک را که از اکراد بودند تغییر داده از طایفه قرائی مستحفظ گذاشتند صید محمدخان کلاتی نیز با محمدخان
قرائی ساخته بمخالفت سردار مصمم شدند و فی الحقیقه سردار در ارک مشهد محصور شد اهالی مشهد مقدس مراتب را بحضور
همایون معروض داشتند و رضاقلیخان نیز عریضه عرض کرده خود را خدمتگذار و محمدخان را خیانتکار قلم داد و استدعا
نمود که یکی از شاهزادگان بحکمرانی خراسان منصوب گردد لهذا نواب احمد علیمیرزا بایالت ولایت مزبوره برقرار و میرزا
موسی نایب شیخی بوزارت شاهزاده مامور گشت و مصطفی قلیخان عرب میش مستی حاکم سابق ترشیز را که بیست سال در
طهران اقامت داشت شاهزاده با خود همراه نموده حکومت ترشیز یافت و بچناران رفتند رضاقلیخان زعفرانلو و نجفقلی
خان شادلو بحضور آمدند و نیشابور را تخلیه کردند و با بیست هزار نفر و هشت عراده توپ عزم استخلاص مشهد مقدس
نمودند خوانین اعراب و تیموری در مزار خواجه ربیع بخدمت شتافتند و صید محمدخان کلاتی نیز دست از همدستی محمدخان
قرائی برداشته از شهر خارج شده بخدمت شاهزاده آمد بهرام خان ولد بنیادخان هزاره بیکلربیکی جام و باخرز
بناخت ترشیز رفت محمدخان کار را سخت دیده شهر را خالی کرده عازم تربت شد و شاهزاده احمد علیمیرزا در
هفتم رجب بمشهد مقدس ورود نمود اما مصطفی قلیخان عرب میش مست که بحکومت ترشیز رفته بود چون سابقه
عداوتی با بعضی از اهالی داشت بنای بدسلوکی را گذاشت لهذا مردم شوریده او را گرفته حبس کردند و برادرش محمد تقی
خان را بر خود حاکم نمودند و حسینخان سردار و حسنخان بدار الخلافه احضار شدند حسنخان از عرض راه از بیم مواخذه
بعتبات عالیات رفت و حسینخان در ستن نود سالگی بحکومت فریدن و چار محال و سرداری ایل بختیاری مامور شده پس از
چندی در گذشت هم در این سال موکب همایون به ییلاق شمیران رفته قریه سوهانک مضرب خیام معلی گردید و ناخوشی
وبا در طهران شیوع بهم رسانید و ده هزار نفر در عرض چهل روز باین ناخوشی در گذشتند که از جمله میرزا فریدون
ابن حاجی خانجان نحلالخور بندپئی مازندرانی بود مشهور بمیرزا خانلر و منشی الممالک دولت علیه چون او وفات
کرد میرزا محمد تقی علی آبادی مازندرانی صاحبدیوان ولد میرزا محمد تنکابنی منشی سابق بمنشی الممالکی برقرار گردید در ماه

ربیع

ربیع الثانی اینسال موکب خاقان بیهمال از ییلاق شمیران بطهران معاودت فرمودند از وقایع اینسال رسیدن نواب
خسرو میرزا ابن حضرت مستطاب نایب السلطنه است بحضور امپراطور روس بجهت معذرت از قتل سفیر روس و در اینسفر
کارگذاران دولت روس شرایط احترامات این شاهزاده را بوجه اکمل منظور داشتند و امپراطور نیز خود کمال ملاطفت را
نسبت بشاهزاده مبذول داشته همیشه معزی الیه را در طرف راست خود نشانیده و باخود همغذا مینمودند و محض مزید
ملاطفت از دو کرور خسارت جنگی که باقیمانده بود یک کرور را بخشیدند و کرور دیگر را پنجسال مهلت دادند و امیرزاده
محترم مراجعت کرده در بیستم رمضان بتبریز رسیدند و مدت سفر و سفارت ده ماه و پانزده روز بود هم در اینسال
موکب همایون خاقانی عزیمت فارس و خوزستان و انتظام آن نواحی و سامان که خالی از اختلالی نبود نمود و میرزا عبد العظیم
خان قزوینی باحضار عبد الرضاخان یزدی مأمور شد و میرزا یوسف لاهیجی باحضار نواب حسنعلی میرزای شجاع السلطنه به
کرمان رفت و نواب الله ویردی میرزا با دسته تفنگچی نوائی بسرکردگی عبد المجید خان بقمشه و سمیرم روانه شد و غلامحسین خان سپهدار
با توپخانه بتوقف اصفهان محکوم گشت و موکب همایون بعد از زیارت حضرت معصومه سلام الله علیها از قم بکاشان تشریف
فرما شدند و در دوازدهم جمادی الثانیه عمارت و سرچشمه فین که در یکفرسنگی کاشان است مضرب خیام سلطنتی گردید و
میرزا محمد تقی صاحبدیوان و منشی الممالک از کاشان روانه اصفهان شد پس از آن اردوی همایون بجانب اصفهان انتهاض
فرموده در قریه کرسه نزدیکی شهر نواب سیف الدوله سلطان محمد میرزا و ملا علی نوری از اجله حکما با اعیان اصفهان
بحضور همایون مشرف شدند و باغ سعادت آباد بورود مسعود مزین آمد و پس از شش روز توقف بجانب فارس حرکت
کردند و نواب حسنعلی میرزا فرمانفرمای فارس تا منزل شولکستان باستقبال اردوی معلی آمد و از اقلید رخصت معاودت
یافت و نواب رکن الدوله علینقی میرزا و سهراب خان گرجی روانه شیراز شدند که تهیه ورود موکب مسعود پادشاهی
پردازند روز بیستم رجب موکب همایون بظاهر شیراز رسیده در باغ فرمانفرما نزول اجلال فرموده و دسته جات پیاده
و سواره بسلوکات بقشلاق میشی رفتند و کل شاهزادگان و امرا و اعیان که التزام رکاب اعلی داشتند ده روز مهمان نواب
حسنعلی میرزا بودند نواب حسنعلی میرزای شجاع السلطنه نیز از کرمان در رسید و محمد زکیخان نوری بوزارت او
بکرمان رفت و اهالی فارس عموماً مورد الطاف خاقانی گردیدند از جمله میرزا محمد علی شیرازی وزیر فرمانفرما مشیر الملک
لقب یافت و میرزا علی اکبر کلانتر ولد حاجی ابراهیمخان اعتماد الدوله ملقب بقوام الملک شد و رضا قلیخان متخلص بهدایت
صاحب مصنفات جلیله که در فارس در خدمت فرمانفرما بود بلقب خانی و خلعت امیر الشعرائی مخلع گردید بالجمله بعد از
نظم فارس و چهل روز توقف در شیراز در روز یازدهم شعبان موکب خاقان صاحبقران بعزم خوزستان انتهاض فرموده
از راه فهلیان و بهبهان بکعب و شوشتر روانه گردیدند و در نهم رمضان باین شهر ورود نموده بملاحظه بند شاپور پرداختند
و روز جمعه شانزدهم عازم حوالی دزفول و رودخانه بلارود گشتند نواب محمد حسین میرزای حشمة الدوله در منزل
حسینیه بحضور مبارک مشرف شد و از آنجا بخرم آباد تشریف فرما گردیدند و جشن نوروز سلطانی در اینجا گرفته شد
بعد از آن حرکت کرده در عشر اول شوال بشهر همدان نزول اجلال فرمودند و ژنرال دالغوروکی سفیر دولت روس در این بلده
بحضور همایون تشرف جسته مورد مراحم کامله گردید و نواب امیرزاده خسرو میرزا نیز در این شهر بتقبیل عتبه علیه فایز آمد
حضرت مستطاب نایب السلطنه بجهت نظم ولایت شهرزور در همدان توقف فرموده موکب همایون در هشتم ماه ذیقعده
وارد دار الخلافه گردید هم در این سال الله قلیخان توره اوزبک از خوارزم باغوای خوانین خراسان تا حوالی طهران آمده
نواب احمد علی میرزا بصحرای کلان دشت رفته خان خوارزم خایف گشته مراجعت نمود و سید محمد خان کرائی در حوالی قلعه

خیلانی

و هم درین سال میرزا اسدالله خان نوری لشکرنویسباشی بمنصب لشکرنویسباشی و حکومت نور برقرار گردید

محمدآباد بزخم گلوله درگذشت و هم درین سال محمد حسنخان قاجار نسقچی باشی بناخوشی وبا وفات نمود و محمد امین خان ولد او نسقچی باشی شد اروپا (انکلیس) ندایبر ولنگتن مانع ترقیات روس در مشرق زمین میباشد اکثر اهل ارلند بی رای پارلمنت ارلند طلب مینمایند ولی قبول نمیشود (انکلیس و روس و عثمانی) اشتداد طغیان یاغیان یونانی بر ضد عثمانی و فتوحات یاغیان مابین دول انکلیس و فرانسه و روس در باب تعیین حدود یونان معاهدات بسته میشود شهر آتن را یاغیان یونانی محاصره مینمایند عثمانیها که مشغول جنگ با روس هستند چندان التفاتی بشورش یونان ندارند رشید پاشا صدر اعظم عثمانی سردار قشون بری عثمانی است که با دیبیچ سردار روس در منازعه میباشد پسکویچ در آسیا با عساکر عثمانی میجنگد با وجودیکه ایلچی روس در ایران مقتول شده پسکویچ از وحشت اینکه مبادا ایران مجددا با روس شروع بجنگ کند کمال تزلزل را دارد شکست رشید پاشای صدر اعظم از دیبیچ در سیلیستری ملاقات امپراطور روس و پادشاه پروس در برلن دیبیچ از کوه بالخان عبور کرده بسمت اسلامبول میراند و با در نه ورود مینماید پسکویچ ارزن الروم را فتح میکند و نظر بوسوسه های مینشنا بد مداخله دول فرنگ در کار عثمانی و روس و ممانعت کردن روس را از پیش آمدن بطرف اسلامبول روسها از فتوحات خود چندان فایده نبرده مگر مصب دانوب را متصرف میشوند و ملداوی و والاشی (افلاق بغدان) بعد ازین از خود حاکم خواهند داشت در سرحد نیستان والی از خود تعیین میکنند و در زیر حمایت روس میباشند آزادی یونان را عثمانی میشناسد (فرانسه) مقدمات منازعه فرانسه با الجزایر (ایطالیا) فونتلیون دوازدهم پاپ جلوس پی هشتم پاپ بجای او (هلاند) بلژیک که در تحت سلطنت هلاند است بنای شورش و مخالفت را با هلاند میگذارد (پرتوغال) دن میگل پادشاه تازه بنای تعدی را میگذارد و هزار و صد نفر را پنهان و آشکار ابقتل میرساند و پنجاه هزار نفر را جلای وطن میدهد و بیست و نه هزار نفر را حبس میکند

سنه ۱۸۳۰ مسیحی

سنه ۱۲۴۶ هجری

آسیا (ایران) درین سال فیما بین نواب محمد حسین میرزای حشمة الدوله و نواب محمد تقی میرزای حسام السلطنه جنگ در گرفت بتبیین آنکه حشمة الدوله بعد از آنکه چندی از حکومت کرمانشاهان معزول بود اهالی آنولایت بار دیگر ایشانرا از دربار همایون استدعا نمودند و حشمة الدوله بحکومت کرمانشهان رفت و از آنجا که ملازمان حسام السلطنه بر رعایا تعدی مینمودند اهالی خوزستان و لرستان بحشمة الدوله شکایت کردند و حشمة الدوله بخرم آباد آمد و تمامی اهالی لرستان از پشتکوه و پیشکوه و حسنوند و یوسفوند او را متابعت نمودند حسام السلطنه با جمعی قصد تسخیر کرمانشهان کرد و نواب شیخعلی میرزا حاکم ملایر و تویسرکان بجهة خصوصیتی که با حشمة الدوله داشت بفتح بروجرد آمد ولی شکست خورده فرار نمود و حسام السلطنه در خارج شهر خرم آباد با حشمة الدوله مصاف داده منهزم شد و ببروجرد رفت و حشمة الدوله در آن صفحات کمال استقلال را بهمرسانید چون این اخبار معروض حضرت خاقان صاحبقران فتحعلیشاه شد غلامحسین خان سپهدار را روانه بروجرد فرمودند و او باصلاح ذات البین کوشید هم درین سال جماعتی از ترکمن تکه باغوای اللهقلیخان خوارزمی در عرض راه ارض اقدس جمعی را مقتول و جماعتی را اسیر کردند از جمله اسیران مهدیقلیخان جلال الدوله ولد سعادتقلیخان برادر آصف الدوله وزیر لکنهو بود که بزیارت میرفت چون این واقعه بعرض اولیای دولت علیه رسید حاجی اسمعیل خان شامبیاتی بنبه ترکمن مامور و از نواب احمد علیمیرزا مواخذه کردند و حکمی برضاقلیخان زعفرانلو صادر شد که مهدیقلیخان را از ترکمن خریده روانه دارد رضاقلیخان مهدیقلیخان را بده هزار تومان خریداری کرده ولی بسیاری از جواهر او بغارت رفت و از انطرف اعلیحضرت همایون لشکرها بر سر ترکمانان فرستاده فوجها از آنها را

عدم روانه نمودند همدر این سال ابراهیم خان ولد نیاد خان هزاره که حاکم جام و باخرز بود لب بر خسرو رفته در دست هزاره مقتول و محمدخان قرائی جام و باخرز را متصرف شد نیز از وقایع این سال آنکه حسنعلیخان جوانشیر که سه سال قبل از جانب قزلباشیه کابل عریضه بحضور همایون آورده بود و از راه سند مراجعت نمود بعد از معاودت او میر مراد علیخان حاکم سند سه زنجیر فیل و سی طاقه شال کشمیری و عریضه مصحوب میرزا محمد علی نامی بدربار همایون فرستاد و نظر علیخان نایب ایشیک آقاسی مأمور سند و حامل خلعت برای مراد علیخان شد همدر این سال عبدالرضاخان یزدی با شفیعخان راوری وصلت نمود و شفیعخان با نواب شجاع السلطنه حاکم کرمان بنای مخالفت را گذاشت نواب شجاع السلطنه لشکر بیزد کشید و نواب حسام الدوله تیمور میرزا فرزند نواب حسینعلی میرزا که مأمور سرحدات فارس و در آباده بود بامداد عم خود آمده اعلیحضرت خاقان صاحبقران نواب سیف الدوله میرزا ولد نواب ظل السلطان را بحکومت یزد روانه فرمودند با وجود این شجاع السلطنه دست از محاصره نکشید و بنا زعم پرداخت و محمد کاظمخان سوادکوهی از سران سپاه شجاع السلطنه مقتول شد و محمدزکیخان نوری وزیر شاهزاده در گذشت و مدت محاصره به نه ماه رسید در این حیص و بیص حضرت مستطاب نایب السلطنه از آذربایجان بطهران آمده بحضور همایون مشرف و بنظم یزد و کرمان مأمور شدند و حضرت معظم سابقاً نواب شاهزاده اعظم محمد میرزا (محمد شاه) را از زنجان از راه ساوه روانه قم فرموده بودند در این هنگام با وجود شدت سرمای زمستان امر اعلی را امتثال نموده بطرف یزد شتافتند عبدالرضاخان یزدی با جمیع برادران و برادرزادگان و اعیان در منزل عقدا با مصحف و شمشیر بحضور نایب السلطنه آمده اطمینان یافتند و مورد التفات گشتند روز عید نوروز حضرت مستطاب معظم وارد یزد گردیدند و نواب شجاع السلطنه قبل از ورود موکب والا دست از محاصره کشیده روانه کرمان شده بود حضرت مستطاب نایب السلطنه نواب سیف الدوله میرزا را کماکان بحکومت یزد گذاشته بکرمان راندند نواب شجاع السلطنه فرزند اکبر خود هلاکو میرزا را تا دو منزل باستقبال فرستاد و چون موکب والا نزدیک شد خود نیز بحضور آمد حضرت مستطاب معظم در خارج شهر کرمان توقف فرموده بانتظام امور پرداختند و شجاع السلطنه را در معنی معزول ساختند اعلیحضرت همایون نواب شجاع السلطنه را احضار فرموده و حضرت مستطاب نایب السلطنه بجهة اینکه احتمال میرفت شجاع السلطنه بواسطه محاصره یزد خائف باشد و باختیار بدار الخلافه نرود یکفوج قراول با محمد زمانخان دولو قاجار و دویست سوار همراه شجاع السلطنه روانه کرده شاهزاده را باحترام وارد دار الخلافه نمودند همدر این سال امیر حسنخان طالش که سابقاً متوسل بروس بود و بر حسب شرایط عهدنامه او را رد کردند در هنگام فرصت را دکوان و لنکران تسلط بهم رسانید لهذا بدفع او پرداختند حسنخان فراراً بطهران آمده و در اینجا بمرض استسقا در گذشت همدر این سال پلنگ توش خان برادر وصیل محمد خان کلائی بعد از برادر با اللهقلیخان توره خوارزمی ساخته و بعضی نقاط خراسان را تاختند عساکر نواب احمد علی میرزا او را گرفتار کردند و او از راستکانت و صداقت درآمد و بخدمت پرداخت همدر این سال موکب خاقان صاحبقران در قم بزیارت حضرت معصومه سلام الله علیها پرداختند پس از آن بچمن کره تشریف فرما شدند و شاهزادگان از اطراف بحضور مبارک آمدند بعد از انتظام امور عراق همگی مرخص شده بولایات خود باز گشتند وفات ملا آقاعلی نوری از اجله حکما در اصفهان (اروپا) (انکلیس) فقر و ناتوانی مردم و قرض زیاد دولت و کسر عمل در جمع و خرج مملکت فوت ژرژ چهارم پادشاه و جلوس برادرش گیلیوم چهارم بجای او درستن شصت و پنجسال که داخل شدن پالمرستن در خدمت دیوان کشیدن راه آهن مابین لیورپول و منچستر (اسپانیا) تولد دختری از پادشاه که مسماة بایزابل میگردد و در حین تولد بولیعهدی منصوب میشود و کارلیستها باین جهة شورش مینمایند (فرانسه) زمستان بسیار سخت طولانی گرانی ماکولات

حمایت وکلا با وزرای دولت شورش مردم برضد پادشاه ابتدای فتوحات در الجزایر فتح سیکفروش از بنادر الجزایر
فتح شهر الجزایر مارشال شدن بورمنت سردار فرانسه بجهة این فتح فرار کردن حسین پاشا والی الجزایر بسمت ایطالیا
شورش سخت در بیست و هفتم و بیست و هشتم و بیست و نهم ماه ژوییه در پاریس منازعه شهریها برضد پادشاه
میل مردم بجمهوریت ژنرال لافایت رئیس قشون شورشیان است استعفای شارل دهم پادشاه و فرار کردن او بطرف
بندر شربورک معین و منصوب شدن دوک دارلئان موسوم بلوی فلیپ ان قوام پادشاه بسلطنت فرانسه در سن پنجاه
و هفت سالگی فرار کردن شارل دهم از شربورک بانکلیس (یونان) دولت انکلیس آزادی یونان را میشناسد لئوپلد
از شاهزادهای ساکس بسلطنت یونان معین میشود شهر ساموس از عثمانی خود را منتزع ساخته جزو یونان میشود
(ایطالیا) فوت فرانسوای اول پادشاه و جلوس فردیناند دوم بجای او فوت پی هشتم پاپ که مدتی طول میکشد
تا پاپ تازه منتخب گردد (هلاند) شورش در بروکسل از شهرهای بلژیک بیرون کردن قشون پادشاه هلاند را از این
شهر گیلیوم پسر پادشاه هلاند با عساکر زیاد بجهة دفع شورشیان بلژیک ببروکسل میآید اجتماع اهالی بلژیک
برضد هلاند پنجاه هزار نفر قشون فرانسه که در سرحد بلژیک است از شورشیان حمایت میکند و سلطنت مشروطه
در بلژیک برقرار میگردد بدون تعیین پادشاه (روس) بروز وبای سخت در این مملکت که از ایران باینجا سرایت کرده است
یعنی از تفلیس و از راه قفقاز و حاجی ترخان و ساراتو بمسکو آمده و جمعیت زیادی را هلاک میسازد شورش در
لهستان و خارج شدن گراندوک قسطنطین مجبوراً از این مملکت کلپیکی نام که از صاحب منصبان ناپلیون بوده رئیس
شورشیان میشود و صد و پنجاه هزار نفر قشون لهستان برضد روس حاضر میکردند (عثمانی) میلش نام در سر بستان
از طرف اهالی بوالیگری منصوب میشود

سنه ۱۲۴۷ هجری — سنه ۱۸۳۱ مسیحی

آسیا (ایران) موکب اعلیحضرت خاقان صاحبقران فتحعلی شاه در غره محرم اینسال بچمن قهپرود و دو فرهود و عبدالله خان
امین الدوله بتفریغ محاسبه فارس روانه شد ولی در قمشه بنواب حسینعلی میرزا فرمانفرمای فارس رسیده لهذا بازگشت
و حضرت مستطاب نایب السلطنه عباس میرزا را بازای خدماتیکه کرده بودند باعطای یکقطعه شمشیر جواهر نشان مباهی و
از کرمان احضار فرمودند و موکب همایون بچمن سنگباران تشریف فرما شد و این چمن را گلباران نام دادند و ارغون میرزا ولد
نواب حسنعلی میرزای شجاع السلطنه که در سبزوار بخودسری حکومت میکرد و از نواب احمد علیمیرزا تمکین نمینمود چون اهالی
سبزوار برو شوریدند از راه بیابان جندق باردوی همایون آمده بتوسط عم خود شاهزاده حسینعلی میرزا فرمانفرما معفو
گردید هم در این سال در شب ششم شهر صفر المظفر حضرت بخشنده بمنت نواب مستطاب شاهزاده اعظم محمد میرزا
(محمد شاه) را فرزندی ارجمند عنایت فرموده نام نامی آنحضرت را ناصر الدین میرزا نهادند (اعلیحضرت همایون ناصر الدین شاه
خلد الله ملکه و سلطانه) هم در این اوان موکب خاقانی بسر چشمه آب زاینده رود و آب کرنگ تشریف بردند و از آنجا بقریه ده کرد
چارمحال نزول اجلال فرمودند و از آنجا که مقصود از احضار حضرت مستطاب نایب السلطنه ولیعهد از کرمان نظم خراسان
بود حضرت معظم خسرو میرزا فرزند خود را با یوسفخان گرجی امیر توپخانه بتوقف کرمان مامور و سلیمانخان سرهنگ را با فوج
شقاقی بیزد فرستادند که نزد امیرزاده سیف الدوله میرزا اقامت نماید و خود با شش عراده توپ و سه فوج نظام راه اردوی
همایون را پیش گرفتند و در منزل قمشه محمد حسنخان دولو سالار بار بحضور حضرت مستطاب معظم مشرف شده شمشیر جواهر
نشان مسطور در فوق را تقدیم نمود و بعد در غره ربیع الثانی در قریه ده کرد بحضور همایون تشرف جستند و بیرون از بذل

عواطف و مکارم شاهانه که از جمله جامی از زر ناب بود فرمان اختیار ممالک شرقیه متعلقه بدولت ایران را طولاً تا رود جیحون
و عرضاً تا آب اترک باسم حضرت مستطاب نایب السلطنه ولیعهد نوشته شد و مقرر گردید که از راه سمنان و دامغان روانه
خراسان شوند و ربقه انقیاد کامل بر رقبه خوانین آنسامان نهند و کلیه آن نواحی را نظمی شایان دهند و پنجاه هزار
تومان مخارج سفر بحضرت مستطاب معظم مبذول شد و چون نواب امیرزاده فریدون میرزا ابن حضرت مستطاب نایب السلطنه
از جانب پدر والاگهر نیابت آذربایجان داشت محمدخان زنگنه امیر نظام بخدمت نواب امیرزاده معزی الیه و امارت آذربایجان
مأمور شد و میرزا اسحق نبیرهٔ میرزا بزرگ قایم مقام بوزارت آذربایجان برقرار گردید و ولایت کرمان بسیف الملوک میرزا
فرزند نواب ظل السلطان مفوض گشت و قرار دادند امیرزاده خسرو میرزا با یوسفخان امیر توپخانه از راه بیابان تون و
طبس و قاینات رفته از آنجا باردوی حضرت مستطاب نایب السلطنه ملحق شوند و علیخان پسر عبدالرضاخان یزدی که برسم
گروکان در درگاه حضرت مستطاب معظم بود بآذربایجان فرستاده شد و حضرت مستطاب نایب السلطنه با حصول اجازه
از آستان مبارک باصفهان تشریف آورده بعد از سه روز توقف از راه کاشان بورامین طهران آمده راه خراسان پیش
گرفتند و شرح آن بیاید همدر این اوان موکب همایون تشریف فرمای اصفهان شد و عبدالرضاخان یزدی و شفیع خان
راوری هنگام حرکت امیرزاده خسرو میرزا بیافق رفته بودند یوسفخان گرجی و سلیمانخان گیلانی بحکم حضرت مستطاب نایب
السلطنه بافق را گرفتند و شفیع خان دستگیر شده او را باردبیل بردند ولی عبدالرضاخان از بافق بجانب طبس فرار کرد
همدر اینسال دویست هزار تومان برعایای فارس تخفیف دادند و موکب همایون از راه نطنز و جوشقان و نراق عزیمت طهران
فرمود همدر اینسال طاعون شدید در مازندران و گیلان بروز کرده خلقی را بکشت اما موکب حضرت مستطاب نایب السلطنه
که بطرف خراسان انتهاض نموده بود در راه عساکر سمنانی و دامغانی و اوصانلو و مازندرانی برکاب والا پیوستند و بعد از
ورود بسبزوار نواب قهرمان میرزا فرزند خود را حکمرانی آنولایت دادند و محمدرضاخان فراهانی بوزارت او برقرار گردید و
چون موکب والا بحوالی سلطان میدان رسید ناچار رضاقلیخان زعفرانلو حاکم خبوشان سلطان میدان را متصرف و دو قلعه
میان ولایت را هم خالی کرده حضرت مستطاب الاحکومت میان ولایت را برعهده میرزا موسی نایب گیلانی موکول داشتند و بجانب
ارض اقدس حرکت کردند و محمد زمانخان قاجار دولو را بنیابت در نیشابور گذاشتند یلنک توشخان کلاتی جلایر برکاب والا
آمده بسفارت خوارزم مأمور شد و نواب احمد علیمیرزا روانه دار الخلافه گردید و امیرزاده خسرو میرزا از راه بیابان طبس
آمده با میر علینقیخان وکیل طبس مأمور ترشیز و تصرف قلعه سلطان اباد گردید و آن قلعه را بضرب توپ مسخر کرد و جعفر
قلیخان ترشیزی امان یافت و علی اصغرخان بسطامی که رایت قلعه رفت و حاجی فیروز الدین افغان که بعد از اغتشاش کار
خود بترشیز آمده بود در این ایام مقتول شد و امیرزاده خسرو میرزا مصطفی قلیخان ترشیزی و برادران او را بارض اقدس
آورده بالتفات حضرت مستطاب نایب السلطنه نایل گشتند همدر این اوان بدیع الزمان میرزا ولد نواب محمدقلی میرزای
ملک آرا بخدمت حضرت مستطاب نایب السلطنه مأمور شد و جان مکدانلد کنیل سفیر انگلیس در تبریز درگذشت و
مستر کمبل صاحب بجای او مأمور تبریز شد همدر این اوان شاه مراد بیک مشهور بمیر راوندز از اکراد کردستان که
حکومت کوی و حریر داشت بلوک ساوجبلاغ مکری دست اندازی کرده لهذا لشکر بتدمیر او مأمور شد و او را مقهور
و منهزم نمودند همدر اینسال باز در میان محمد حسین میرزای حشمة الدوله و محمد تقی میرزای حسام السلطنه خلاف
و جنگ در گرفت و حسام السلطنه بنا بر زعم مبادرت نموده باشتعال نایرهٔ قتال پرداختند و لشکر کرمانشاهان
حسام السلطنه را شکست داده ببروجرد رفتند و حشمة الدوله بروجرد را محاصره نمود و غلامحسینخان سپهدار از

دربار همایون برفع اینغایله مامور گردیده حشمة الدوله بکرمانشهان بازگشت و بروجرد را سپهدار ضبط کرده حسام السلطنه با فرزندان خود بحضور همایون آمده چهار ماه التفاتی ندید بعد از آن معفو و روانه بروجرد گردید همدر این سال حضرت مستطاب نایب السلطنه نواب امیرزاده طهماسب میرزا ابن دولتشاه را با چهار هزار پیاده و سوار آذربایجان بخراسان احضار فرمودند همدر اینسال امیر اسدالله خان عرب خزیمه حاکم قاینات در حضرت مستطاب نایب السلطنه از عبدالرضا خان یزدی که از یاغی‌گری بخشیده بود شفاعت کرده و حضرت معظم او را معفو فرمودند و محمدخان قرائی نیز بخدمت حضرت والا آمده مورد التفات شد و موکب والا عزیمت خبوشان فرمود و رضا قلیخان زعفرانلو حاکم خبوشان میرزا ابوالقاسم قایم مقام را در حضرت والا شفیع قرار داد ولی این شفاعت آن عزیمت را مانع نیامد وفات حاجی محمدحسن نائینی از مشایخ عرفا در نود و شش سالگی وفات محمد مهدیخان مازندرانی متخلص بشحنه که در چهارباغ جدید اصفهان در مقبره ملا محمد سراب که از اجداد امی او بود مدفون گردید (اروپا) بروز وبا در انگلیس و المان (بلژیک) در این مملکت سه نفر را برای سلطنت انتخاب مینمایند یکی دوک دونمور پسر پادشاه فرانسه دیگری دوک دلشتن برگ پسر اژن دیبهارنه پسر زن ناپلیون سیمی لئوپلد والی ساکس از این سه نفر سیمی قبول میشود و موسوم به لئوپلد اول میگردد هلاندیها حمله ببلژیک مینمایند ولی پنجاه هزار نفر قشون فرانسه بکمک اهالی بلژیک هلاندیها را عقب مینشانند (ایطالیا) انتخاب گرگوار شانزدهم بپاپی شورش و انقلاب در بعضی از شهرهای ایطالیا جلوس شارل البرت در پیمن (پرتوغال) منازعه پرتوغال با فرانسه و انگلیس امیرال فرانسه سفاین پرتوغال را در دهنه رودخانه تاژ که از پای تخت یعنی لیزبن میگذرد حبس میکند دن پدر پادشاه برزیل برادر پادشاه پرتوغال سلطنت برزیل را باسم پسرش دن پدر دوم نموده خود بداعیه سلطنت پرتوغال بخاک فرنک می آید فرانسه و انگلیس با دن پدر مساعد میباشند (فرانسه) شورش سخت در لیون انقلاب و آشوب در پاریس جمعیت فرانسه در اینسال شصت و پنج کرور میباشد (یونان) بواسطه عدم تعیین پادشاه رؤسای جمهوری بایکدیگر مخالفت دارند (روس) منازعه سخت لهستانی با روس مامور شدن دیبیچ سردار روس بلهستان بروز وبا در لهستان دیبیچ که نزدیک بود بفتح و نصرت نایل گردد از ناخوشی وبا میمیرد گراندوک قسطنطین هم از همین ناخوشی در لیتوانی وفات مینماید پسکویچ بحکومت و سرداری لهستان مامور و برقرار میگردد و این مملکت را فتح مینماید فراریان لهستان بخاک روس پناه میبرند (عثمانی) قوانین جدیده که سلطان محمودخان ایجاد میکند پسند اهالی نیست و بدین واسطه خانه‌های اسلامبول را در خفا آتش میزنند در بغداد طاعون و وبا یکمرتبه بروز میکند محمدعلی پاشای مصری مصمم تصرف شام است

سنه ۱۲۴۸ هجری — سنه ۱۸۳۲ مسیحی

آسیا (ایران) در این سال حضرت مستطاب نایب السلطنه عباس میرزا نواب خسرو میرزا را بنیابت ارض اقدس داده بعزم هرات براولنک با قوت آمده و از آنجا بچناران تشریف بردند و امیرآباد را که حصنی حصین بود و سیصد نفر تفنگچی زعفرانلو آنرا حراست مینمود بحکم حضرت معظم عساکر منصوره بقهر و غلبه گرفتند و یوسفخان امیر توپخانه که مردی دلیر بود در اینواقعه مقتول شد و کریمخان زعفرانلو برادرزاده ممش خان کرد چناران حکومت امیرآباد یافت و چون این فتح بعرض اعلیحضرت خاقان صاحبقران فتحعلی شاه رسید پانزده هزار تومان و پنجاه دست خلعت مصحوب حسنخان سالار بار برای حضرت مستطاب نایب السلطنه فرستادند و شاهزاده ملک قاسم میرزا که از آذربایجان بطهران آمده بود نیز بخدمت حضرت مستطاب معظم روانه شد و پنجهزار نفر قشون نیز روانه خراسان شدند که ممد تسخیر خبوشان باشند رضا قلیخان ایلخانی زعفرانلو مشوش شده اهالی قلاع را در شهر خبوشان جمع کرد و حسینعلی خان پسر خود را با هزار سوار و تفنگچی

در قلعهٔ شیروان ده فرسنگی خبوشان جای داد نجفقلیخان شادلو در ظاهر بموافقت ایلخانی و در باطن بقصد خدمت
دولت جعفرقلیخان پسر خود را که داماد ایلخانی بود با هزار نفر شمخالچی از شادلو بخبوشان آورد و برج و باره و دروازه‌های
شهر را بایشان سپرد حضرت مستطاب نایب السلطنه از امیرآباد حرکت کرده با امیرزادگان وارد طاس تپه دو فرسنگی خبوشان
گردیدند و نجفقلیخان حسب الوعده برکاب والا آمد همدراین اوان عریضهٔ کامران میرزا و یار محمد خان افغان بحضور حضرت
مستطاب نایب السلطنه رسیده مضمون اینکه اگر منظور اتلاف رضاقلیخان ایلخانی است ما از او امداد خواهیم کرد و اگر
مقصود اصلاح است بدان اقدام نمائیم حضرت مستطاب معظم جوابی بمقتضای اصلاح حال نفرستاده داده و او باز گشته هم
دراین اوان یلنگتوش خان جلایر کلاتی و ریش سفیدان سالور از سرخس برکاب والا آمده آنها را بمشهد مقدس روانه نمودند از کلات
و حکمی در نگاهداری آنها با میرزاده حسن و میرزا صادق رشد بالجمله رضاقلیخان بقلعه‌داری پرداخت و حضرت مستطاب نایب
السلطنه بعد از ترتیب سپاه و تمهید مقدمات قلعه‌گیری بعساکر منصوره حکم بیورش فرمودند توپچیان مشغول
شلیک گشتند هنگامه سختی درگرفت و کار بر رضاقلیخان تنگ شد ناچار وسایط برانگیخت و آخرالامر اطمینان یافته شمشیر
بگردن باردوی والا آمد و قراول برای محافظت او معین شد و خبوشان بتصرف عساکر نصرت نشان درآمد و ذخایر حربیه
رضاقلیخان را تصاحب نمودند و سام خان پسر رضاقلیخان ایلخانی شد و نور محمد خان برادر اللهیار خان آصف الدوله بحکومت
انخذود برقرار گردید و صادقخان نام برادر بگلرخان که در اردو بود و کاغذی بر رضاقلیخان نوشته او را بشبیخون
باردو تحریک کرده بیران بروز نوشته مقتول شد و جسد او را بدر خیمهٔ رضاقلیخان انداختند و چون حضرت مستطاب
نایب السلطنه باطنا قصد تصرف سرخس را داشتند قشون رکابی و افواج آذربایجانی را ظاهرا مرخص فرمودند حکم شد از
راه نیشابور بولایت جام رفته در آق دربند جمع باشند و موکب والا در دوم جمادی الاولی بارض اقدس ورود نمودند و
رضاقلیخان در ارک مشهد مقدس محبوس شد و موکب والا در دوازدهم ماه مزبور حرکت کرده در شانزدهم بآق دربند
رسیدند و دستجات لشکر از اطراف باردوی والا پیوستند و در بیست و دوم جمادی الاولی در سرخس نزول فرمودند و قلعهٔ
سرخس را نیز بقهر بگرفتند و بسیاری مقتول شدند هزار خانوار از تراکمه را بارض اقدس بردند و غلات قلعهٔ سرخس را بارض اقدس
حمل نمودند و چندین هزار نفر اسرای شیعه مستخلص گردیدند پس از آن موکب والا در اواخر ماه رجب بمحمود آباد جام که در تصرف
محمدخان قرائی بود آمده و فورا این ناحیه را مسخر کردند و حکومت جام و باخرز را بابراهیم خان حاکم سابق هزاره دادند پس از آن
سایر قلاع محمدخان را منصرف شده محمدخان مقید و برادران او دستگیر آمدند و حکومت ولایات تربت و برشق و کدکن و
محولات و سرجام بر عهدهٔ سهراب خان گرجی موکول شد و زمام اختیار کار ابراهیم خان هزاره را نیز احتیاطا بدست او دادند
مصطفی خان سمنانی و حسنخان سالار بابدوانه دارالخلافه شدند و موکب والا عزیمت ارض اقدس نمود و محمدخان قرائی
با رضاقلیخان زعفرانلو در ارک محبس محبوس شدند همدراین اوان حضرت مستطاب نایب السلطنه با یار محمدخان امین الدوله
وزیر کامران میرزای افغان حاکم هرات در باب تبعیت کامران میرزا بدولت علیه و الحاق ایالت هرات بممالک محروسه گفتگوها
فرمودند و فرستادهٔ محمد علیخان خوقندی که بر کاشغر و ختا استیلا یافته بحضور حضرت معظم آمده مورد تفقدات گردید
همدراین اوان برحسب استدعای حضرت مستطاب نایب السلطنه اعلیحضرت همایون خلعت ایالت خراسان را برای نواب
شاهزادهٔ اعظم محمد میرزا (محمد شاه) فرستادند و میرزا موسی نایب در شغل وزارت شاهزادهٔ معظم برقرار و میرزا صادق
نبیرهٔ میرزا بزرگ قایم مقام بوزارت جزئیات و معاملات مقرر گردید و شش فوج سرباز از مشهد و سبزوار و نیشابور
و ترشیز گرفتند و خانزاده‌های خراسان بصاحب‌منصبی آنها منصوب شدند و چهار هزار سوار از ایلات گرفته و ترک خراسان

بمرازمت معین کشتند و میرزا موسی خان برادر کهتر میرزا ابو القاسم قایم مقام ناظم کل معاملات سرکار فیض آثار حضرت
رضوی سلام الله علیه کردید و بدینوضع کل امور خراسان را حضرت مستطاب نایب السلطنه منظم فرمودند نیز از وقایع این
سال آنکه محمد علیخان ایلخانی ایلات فارس بواسطهٔ سعایتی که میرزا محمد علی مشیر الملک وزیر فارس از او در خدمت نواب
حسینعلی میرزای فرمانفرما نموده بود خایف گردیده در هنگامیکه نواب شاهزاده به بندر بوشهر رفته بودند ایلخانی
ایلات خود را که پنجاه هزار خانوار بودند بجانب کرمان حرکت داد و میرزا محمد حسین وکیل حاکم فسا و دارابجرد نیز با آنها
موافقت نمود نواب فرمانفرما شیخ عبد الرسول خان دریا بیگی را برداشته بشیراز آمدند که باصلاح اینکار پردازند و از
آنطرف نامرزاده سیف الملوک میرزا ابن ظل السلطان حاکم کرمان ایلات را بحوالی کرمان منزل و مرتع داد و میرزا محمد حسین
وکیل و میرزا قاسمخان خلج داماد ایلخانی عریضهٔ از ایلخانی بخراسان بحضور حضرت مستطاب نایب السلطنه بردند و نواب
فرمانفرما شیخ عبد الرسولخان را مرخص و روانهٔ بندر بوشهر کردند که خود بجهة برگردانیدن ایلات بجانب کرمان
روند و شیخ عبد الرسولخان چون سالمخان حاکم برازجان را در سنوات قبل بقتل رسانیده بود و اهالی دشتستان
کمال عداوت را با او داشتند و از خوف فرمانفرما اقدام بخلاف نمیکردند در اینموقع که نواب فرمانفرما عزیمت کرمان
کرده و مآل سفر معلوم نبود وقت بدست آورده شیخ عبد الرسولخان که بدالکی رسیده بود او را گرفته بجنگ و زد و خورد
مشغول کشتند و او را بضرب گلوله کشتند و اموال او را غارت کردند بالجمله نواب فرمانفرما با جمعیتی بطرف کرمان راندند
و در ورود بشهر بابک همشیرهٔ ایشان که زوجهٔ مرحوم ابراهیمخان عمزاده حاکم سابق کرمان بود و در شهر بابک توقف داشت
نواب فرمانفرما را بشهر دعوت کرد و اینشهر را متصرف شدند و شیخ الاسلام فارس را بطلب ایلخانی فرستادند ایلخانی بخدمت
فرمانفرما آمد ولی ایلات را سیف الملوک میرزا نگاه داشته نفرستاد و از آنجا که اهالی کرمان نیز از سوء سلوک سیف الملوک میرزا
شاکی بودند یکروز که بشکار رفته بود با تقویت باطنی نواب فرمانفرما عصر که مراجعت نمود او را بشهر کرمان راه ندادند و کار
سیف الملوک میرزا منجر برفتن یزد شد و ایلات فارس مراجعت کرده باین مملکت رفتند و نواب فرمانفرما باستخلاص قلعهٔ کرمان یعنی بفارس
رفتند علینقی خان قراگوزلو سرهنگ فوج همدانی از تصرف دادن شهر ابا نمود نواب والا قلعه را محاصره کرده بگرفتند و
ارغون میرزا ابن نواب شجاع السلطنه که شاهزادهٔ دلیر بود با مصطفی قلیخان برادر ایلخانی فارس در اینواقعه مقتول گشتند
و پس از آنکه نواب فرمانفرما قلعهٔ کرمان را مفتوح ساختند اصلا از علینقی خان مؤاخذه ننموده او را و عیال سیف الملوک میرزا
را که صبیهٔ محترمهٔ حضرت مستطاب نایب السلطنه بود باکمال احترام روانهٔ یزد فرمودند و نواب هلاکو میرزا فرزند اکبر نواب
شجاع السلطنه را با پیشکاری میرزا حسن نظام العلماء بحکمرانی کرمان گذاشته معاودت بفارس نمودند و حضرت مستطاب
نایب السلطنه سیف الملوک میرزا و سیف الدوله میرزا را از یزد و کرمان بطهران مامور نمودند و نواب قهرمان میرزا
فرزند خود را به پیشکاری محمد رضاخان فراهانی بحکومت یزد فرستادند هم درین اوان میرزا ابراهیم مسیحی برادر مهتر
منوچهر خان گرجی از جانب ژنرال بارون رازن حکمران گرجستان بدربار همایون آمد و در مراجعت او میرزا محمد مهدی
ابن محمد زکیخان سردار نوری بسفارت تفلیس مامور شد نیز کراف سیمانا ویچ وزیر مختار روس بدربار معلی آمده بعد از
تبلیغ مطالب با اعزاز تمام مراجعت کرد و میرزا الکساندر مترجم او بخراسان رفت که بحضور حضرت مستطاب نایب السلطنه
مشرف شود و هدیه و نامهٔ امپراطور را برساند هم درین اوان اسرای سرخس را که پنجهزار نفر بودند بتوسط اللهقلیخان
توره خوارزمی حضرت مستطاب نایب السلطنه مرخص فرمودند و در موقعی که موکب والا عازم هرات بود بدار الخلافه
احضار شدند هم درین سال غلاء در اغلب بلاد ایران اسباب مشقت اهالی بود اروپا دول فرانسه و انگلیس و روس

اُهُن

اُتُن پسر پادشاه باویر را بسلطنت یونان تعیین میکنند (بلژیک) مزاوجت پادشاه تازهٔ بلژیک با دختر لوی فلیپ
پادشاه فرانسه (انگلیس) عزل ولنگتن از صدارت و نصب لرد گری بجای او (اسپانیا) ناخوشی سخت پادشاه و
واگذار کردن سلطنت را بزوجهٔ خود (فرانسه) طغیان وبا در این مملکت فوت دوک دُریشتاد پسر ناپلیون اول در شونبرون
نزدیکی وینه فتح بعضی بلاد در الجزایر (پرتوغال) غلبهٔ دن پدر بر برادر خود و حمایت کردن انگلیس از دن پدرو پایتخت
در پرتوغال (روس) غلبهٔ کلی روس در ورشو و ملقب شدن بسکویچ بلقب پرنس ورشو (عثمانی) ابراهیم پاشا ابن
محمد علی پاشای مصر شام را فتح کرده عکا را میگیرد و حمص و انطاکیه را نیز متصرف میشود و بقونیه تاخته رشید پاشای صدر اعظم
را شکست داده او را اسیر میکند و بطرف اسلامبول میراند (امریکا) (اتاتونی) وبای سخت که از اروپا بامریکا رفته بود

سنهٔ ۱۲۴۹ هجری

سنهٔ ۱۸۳۳ مسیحی

آسیا (ایران) در این سال حضرت مستطاب نایب السلطنه ولیعهد عباس میرزا که بدربار همایون احضار شده بودند
نواب شاهزادهٔ اعظم محمد میرزا (محمد شاه) والی خراسان را در این مملکت گذاشته میرزا موسی نایب شقی را با پانزده هزار سوار
و پیاده بخدمات و اوامر ایشان مامور و محکوم نموده خود راه دار الخلافه پیش گرفتند میرزا ابوالقاسم قایم مقام و رضا
قلیخان کرد زعفرانلو و محمد خان قرائی و عبدالرضا خان یزدی و محمد تقیخان حاکم ترشیز و مهدیقلیخان برادر محمد خان
قرائی و جعفر قلیخان ولد نجفقلیخان شادلو ملتزم رکاب والا بودند و روز بیست و پنجم محرم بدار الخلافه ورود نمودند
و برحسب امر اعلیحضرت صاحبقران فتحعلیشاه جمیع وزرا و شاهزادگان با توپخانه و زنبورکخانه وغیره تا دو فرسخی
حضرت معظم را استقبال کردند پس از ادراک حضور خاقانی مرحمتی زیاده از حد درباره حضرت مستطاب نایب السلطنه
مبذول شد و چون اعلیحضرت همایون در باغ نگارستان اقامت داشتند برج نوش برای منزل حضرت معظم مقرر
گردید و رضا قلیخان و محمد خان را در ارک محفوظ داشتند و عبدالرضا خان یزدی را در فراشخانه خارج ارک متوقف
ساختند و چون نسبت بشاهزاده محمد ولی میرزا والی سابق یزد خلاف کرده بود بدست کسان شاهزاده بسزای خود رسید
و در این اوان باز ایالت یزد با سیف الدوله میرزا شد و نواب قهرمان میرزا و محمد رضا خان فراهانی مامور خراسان شدند
محمد تقیخان عرب میش مست مرخص و ملتزم رکاب حضرت مستطاب نایب السلطنه شد و رضا قلیخان کرد و محمد خان قرائی
را روانهٔ تبریز کردند رضا قلیخان در میانج درگذشت و محمد خان در تبریز محبوس شد نواب خسرو میرزا از تبریز آمده
و با بعضی از افواج بخراسان رفت محمد حسینخان زنگنه ایشیک آقاسی باشی حضرت مستطاب نایب السلطنه و میرزا بابای
طبیب تبریزی حکیمباشی خاصه بسفارت روس و انگلیس مامور و روانهٔ تبریز شده که در آنجا تهیهٔ خود را دیده بمحل
ماموریت خود روی نمایند هم در این اوان نواب محمد قلی میرزای ملک آرا و محمد تقی میرزای حسام السلطنه بواسطهٔ بروز طاعون و محمد حسین میرزای حشمة الدوله
از ولایات خود بدار الخلافه آمدند و میرزا محمد تقی علی آبادی صاحبدیوان از انشاء ممالک معزول و میرزا محمد تقی نوائی ابن
میرزا رضا قلی نوائی وزیر سابق منشی الممالک شد هم در این ایام حضرت مستطاب نایب السلطنه با اجازهٔ همایون عزم باز
گشت خراسان فرموده در نوزدهم ربیع الاول حرکت کردند و خاقان صاحبقران را تب نوبه عارض شده و باستعمال گنه گنه
رفع شد هم در این اوان نواب حسنعلی میرزای شجاع السلطنه بکرمان بازگشت و حضرت مستطاب نایب السلطنه ده روز
در چمن کالپوش توقف کرده تا بعضی از عساکر و ملتزمین رکاب والا باردوی معلی پیوستند آنگاه انتهاض فرمودند و در
بسطام مجدداً شاهزادهٔ اعظم محمد میرزا (محمد شاه) را مامور هرات نمودند و نواب خسرو میرزا با افواج و توپخانه
ملتزم رکاب نواب معظم گردید و نجفقلیخان شادلو و امیر علیخان عرب و امیر اسدالله خان در عرض راه هرات

باردوی شاهزادهٔ اعظم پیوستند و میرزا موسی نایب نیز با پانزده هزار قشون در خدمت نواب مستطاب شاهزاده روانه هرات شد و حضرت مستطاب نایب السلطنه بعد از حرکت فرزند اکرم بزرگوار از ارض فیض آثار در اوایل جمادی الاولی از خبوشان بمشهد مقدس آمدند و سواره و پیاده که ملتزم رکاب آنحضرت همراه بودند قایم مقام مامور شدند که از دنبال نواب شاهزادهٔ با احتشام روانه هرات کردند کوسویه غوریان که در دست گماشتگان یار محمد خان وزیر کامران افغان بود و یار محمد خان در ارض اقدس دستگیر چون اردوی شاهزادهٔ معظم بدین نواحی رسید کوسویه را بیورش گرفته و متوجه غوریان شدند کامران میرزا والی هرات با پنجهزار نفر باستقبال عساکر منصوره آمد و در پل نقره سه فرسخی هرات فیئتین تلاقی کرده در اول حمله افاغنه مقهور گردیده بهرات گریختند و اردوی والا به نیم فرسخی هرات نزول نمود و قایم مقام در چمن عبور دو هزار نفر بمحاصرهٔ غوریان گذاشته و خود بحضور نواب شاهزادهٔ اعظم آمد و کامران میرزا بار دیگر لشکری جرار بمقاتلت و مقابلت سپاه منصور فرستاده ایندفعه نیز مغلوب و منکوب شده فرار کردند مقارن این احوال قلوب اهل مملکت گرفتار فزع و اهوال گردید تبیین آنکه سابقا حضرت مستطاب نایب السلطنه را ورم کلیه عارض و رفع شده بود در هنگام حرکت و معاودت بخراسان آن ناخوشی عود کرده و اطبای مخصوص که همیشه ملتزم رکاب آنحضرت بودند در اینوقت عقب مانده بنا براین بیماری اشتداد بهم رسانید و منجر باسهال کبد شد حضرت مستطاب شاهزادهٔ مملکت ستان نایب السلطنه و لیعهد دولت علیه ایران عباس میرزا که از بزرگی عرصهٔ جهان براو تنگ بود پس از وصایا و بیانات متفرقه شب پنجشنبه دهم ماه جمادی الثانیه راه غرفات جنان پیش گرفت و در روضهٔ مقدسه حضرت رضا علیه آلاف التحیة والثناء مدفون گردید

دردل خاکش نهان کردند ومیگفت آسمان　　ازسر رشک وحسد یالیتنی کنت تراب

مدت عمر شریف حضرت شاهزادهٔ مرحوم طاب ثراه چهل و هفت سال و اولاد ذکور ایشان بیست و شش نفر و اناث بیست و یکنفر و اسامی پسران با عز و شان حضرت شاهزاده از اینقرار است

نواب شاهزادهٔ اعظم محمد میرزا (محمد شاه) نواب بهرام میرزا (معز الدوله) نواب جهانگیر میرزا نواب بهمن میرزا نواب فریدون میرزا نواب اسکندر میرزا نواب خسرو میرزا نواب قهرمان میرزا نواب اردشیر میرزا (رکن الدوله) نواب احمد میرزا نواب سلطان مراد میرزا (حاجی حسام السلطنه) نواب فرهاد میرزا (حاجی معتمد الدوله) نواب فیروز میرزا (فرمانفرما) نواب منوچهر میرزا نواب جعفرقلی میرزا نواب لطف الله میرزا نواب حمزه میرزا (حشمة الدوله) نواب مصطفی قلی میرزا نواب خانلر میرزا (احتشام الدوله) نواب عبدالله میرزا نواب مهدیقلی میرزا نواب ایلدرم بایزید میرزا نواب محمد رحیم میرزا (ضیاء الدوله) نواب بهادر میرزا نواب محمد کریم میرزا نواب جعفر خان

مآثر معظم حضرت ولیعهد رضوان جایگاه از ابنیهٔ معتبره مثل قلعهٔ عباس آباد در کنار رود ارس و خاک نخجوان و قلعهٔ اردبیل و قلعهٔ تبریز و قلعهٔ خوی و قلعهٔ کوردشت در کنار ارس و کنار قراجه داغ و غیرها و عزم و حزم و نشر عدل و انصاف و لشکر کشی و مملکت ستانی و قوانین کشورداری و بزرگی و بزرگواری و ملاطفت با رعایا و برایا و مخصوصا ترتیب نظام جدید و اشاعهٔ صنایع خاصه صنعت انطباع و غیره چندانست که فی الحقیقه کتابی جداگانه باید تا وفا بنگارش آن نماید و نعم ما قال

ماهر عطفیه بین البیض والاسل　　مثل الخلیفة عباس بن فتحعلی

بالجمله این خبر وحشت اثر را میرزا علینقی رکن ملازم اللهیارخان آصف الدوله بدار الخلافه رسانید و کسی را یارای آنکه

بعرض حضور همایون رسانند تا دو تن از شاهزادگان خورد سال لب بانیمقال محنت اشتمال کشودند وانتشار این ربت
نه تنها خاقان کشورستان وخانوادهٔ سلطنت را سوگوار کرد بلکه عموم اهل ایران قرین تحسر وملال ودوچار تأسف و
کلال گردیدند وبتعزیت وفاتحه خوانی پرداختند واز آنطرف نواب شاهزادهٔ اعظم محمد میرزا بر حسب مصلحت وقت با کامران
میرزای افغان گفتگوی صلحی کرده با قلبی محزون وخاطری اندوهگین از دور هرات حرکت نمودند ودر منزل کوسویه
دویست خانوار سکنهٔ آنجا را کوچانیده بامیر اسدالله خان عرب حاکم قاینات سپردند وخوانین عرب را مرخص فرموده
در رباط کافر قلعه نیز دویست خانه سواره رکابی را رخصت دادند ودر اواخر جمادی الثانیه وارد مشهد مقدس شدند و
بعزاداری پرداختند وپس از چندی نجفعلیخان شادلو با فرستادهٔ کامران میرزای افغان بحضور والا مشرف شده
پانزده هزار تومان وپنجاه بسته شال کشمیری پیشکشی کامران میرزا را تقدیم نمود اما اعلیحضرت صاحبقران نظر بپاس
خدمات ولیعهد جنت مهد طاب ثراه ولیاقت وبزرگواری نواب شاهزاده اعظم محمد میرزا ولایت خراسان وولایت آذربایجان
را بنواب مستطاب معظم دادند ویکصد دست خلعت مصحوب محمدخان قاجار دولو خال حضرت شاهزادهٔ اعظم بخراسان
ارسال داشتند ومیرزا محمدخان بیگلربیگی ولد آصف الدوله نیز با یکصد دست خلعت بآذربایجان رفته عزاداران و
ولایت را از لباس سیاه بیرون آوردند هم در اینسال نواب حسینعلی میرزا فرمانفرمای فارس آقا باباخان مازندرانی را
بگرفتن مرتضی خان ایلبیگی فارس مامور نموده او را در قلاع فیروزآباد گرفته وچون ایلبیگی زخم گلوله برداشته بود بعد از
رسیدن بشیراز درگذشت ومحمد علیخان ایلخانی برادر مهتر او را با میرزا علی اکبر قوام الملک در شهر شیراز محبوس داشتند
هم در این سال در ایام نوروز بیست وچهار معلم انگلیسی که یکنفر از آنها کلنل یعنی سرهنگ بود از هندوستان برای مشق
سپاه ظفر همراه بایران آمدند هم در این سال موکب همایون بزیارت حضرت معصومه سلام الله علیها رفته بتعمیر طاق ورواق
بقعهٔ مبارکه حکم فرمودند وبعد از مراجعت نواب سلطان محمد میرزای سیف الدوله حاکم اصفهان وجشن عروسی شاهزاده
فرخ سیر میرزا ونواب صاحبقران گرفته شد وحسینعلی خان معیر الممالک ابن دوستعلی خان بسطامی وسلیمانخان افشار
بشرف مصاهرت حضرت خاقان مشرف گشتند هم در این اوان نواب خسرو میرزا در آق دربند با ترکمانان بمنازعه پرداخته
وغالب آمد وغروری بهمرسانیده باغوای بعضی بی اذن نواب شاهزادهٔ اعظم والی خراسان بدار الخلافه آمد ومورد قهر
اعلیحضرت خاقان گردیده در خانهٔ عم خود نواب ظل السلطان اقامت گزید هم در این سال ادستوف نامی از جانب
دولت روس بتعزیت ولیعهد خلد مکان اسکنه الله فی روضات الجنان مامور شد ودر اوائل سال بعد بدار الخلافه آمد
اروپا (المان) ملاقات سلاطین روس وپروس واطریش (انگلیس) اکنل ارلند را برضد انگلیس میشوراند (اسپانیول)
دن کارلس برادر پادشاه خود را بسلطنت اسپانیول برقرار میسازد فردیناند هفتم پادشاه اسپانیول در حالت
مرض دختر چهار ساله خود ایزابل را بسلطنت جلوس میدهد وزوجهٔ خود را نایب السلطنه او قرار داده فرانسه وانگلیس
ملکهٔ چهار ساله را بسلطنت میشناسند جمعیت اسپانیا در اینسال بیست وچهار کرور وصد هزار نفر است (فرانسه)
پادشاه مصمم است که بجهت حفظ شهر قلعه جات نظامی مجرد دور شهر پاریس بسازد در الجزایر امیر عبدالقادر امیر
مسقرا اعراب را برضد فرانسه میشوراند وپانزده سال مدت شورش الجزایر است (یونان) ورود اتهن پادشاه
بنیان وضع سلطنت آتن پای تخت دولت بشود ایجاد نشان سور قشون فرانسه بعد از پنجسال توقف در یونان
آنجا را تخلیه میکنند (ایطالیا) مازینی نام جوانان ایطالیا را بشورش اغوا میکند (پرتوغال) منازعه میان دوبرادر
کردن پدرو ودن میگل باشد کمک انگلیس بدن پدرو دن پدرو لیزبن پای تخت پرتوغال را میگیرد ودنا ماریا دختر

چهارده سالهٔ خود را ملکهٔ پرتوغال میکند (روس و عثمانی) روس بسلطان عثمانی بر ضد ابراهیم پاشا کمک میکند
سفاین روس تا بسفر بکمک سلطان می آیند قشون زیاد روس براه اسلامبول و اگر ابراهیم پاشا با نظر فرما آید حفظ میکنند :
معاهدهٔ دوستی مابین دولتین روس و عثمانی فرانسه و انگلیس که از این مصالحه مکدر اند با محمد علی پاشا اظهار دوستی
میکنند و او را بر ضد سلطان محرک میشوند امریکا (مکزیک) بروز وباء در این مملکت

سنه ۱۲۵۰ هجری سنه ۱۸۳۴ مسیحی

آسیا ۱ (ایران) در اوایل این سال نواب شاهزادهٔ اعظم محمد میرزا (محمد شاه) از خراسان بدار الخلافه آمده روز
دوازدهم ماه صفر جشنی ملوکانه در نگارستان آراسته با خلعتها و زحمات ولیعهد فردوس مهد انار الله برهانه
و آراستگی ذات پسندیده صفات شاهزادهٔ معظم محمد میرزا ولایت عهد دولت علیه را اعلیحضرت خاقان صاحبقران
فتحعلی شاه بایشان مخصوص داشتند و با وجود اولاد کبار این رتبت و شرافت را خاص حضرت شاهزادهٔ اعظم دانستند
و مقرر شد که بسرپرستی و نظم آذربایجان روانهٔ تبریز شوند و پس از انتظام این مملکت متوجه خراسان گردند نواب
خسرو میرزا با ندامت بخدمت آمد و میرزا محمد پسر میرزا ابو القاسم قایم مقام بوزارت آذربایجان معین شد و روز
شانزدهم صفر موکب حضرت شاهزادهٔ اعظم محمد میرزا (محمد شاه) بعزم تبریز انهاض فرمود و نواب سلطانزاده میرزا
که بایالت قراجه داغ و مضافات اختصاص داشت باستقبال موکب ولی الامر اوجان آمده مورد تفقدات گردید
همچنین نواب اردشیر میرزا که مامور نظم گروس و صاین قلعه بود در قزوین باردوی حضرت معظم پیوست و بعد از التفات
زیاد از زنجان رخصت انصراف یافت و میرزا ابو القاسم قایم مقام نیز در بیست و یکم صفر از دنبال اردوی والا راه
تبریز پیش گرفت و بنا بر خلاف جهانگیر میرزا و خسرو میرزا ایشان را باردبیل روانه و مقید نمودند همدر این سال در نهم
جمادی الاولی موکب خاقان کشورستان بعزم اصفهان انهاض فرموده در چهارم جمادی الثانیه در باغ سعادت آباد
اصفهان نزول اجلال فرمودند و نواب سلطان محمد میرزا سیف الدوله با قشون نبرد ادی اللهیار خان آصف الدوله
به تنبیه بختیاری مامور شد و نواب حسینعلی میرزا فرمانفرمای فارس بحضور همایون مشرف آمد و مقرر شد نواب
محمد تقی میرزا با نواب فرمانفرما بشیراز رفته محصل مالیات چهار ساله فارس باشد و عبد الله خان امین الدوله نیز با
هفت هزار سواره و پیاده بعد از دو سه روز از قفای ایشان روانه شده حساب فارس را بطور دقت رسیدگی و تفریغ
نماید مقارن اینحال مزاج مبارک ۷ از طریق استقامت منحرف گردید و عصر پنجشنبه نوزدهم ماه جمادی الاخره این سال

اعلیحضرت خاقان صاحبقران فتحعلی شاه ۷

در عمارت هفت دست که خارج شهر اصفهان به بهشت جاودان روان شدند و از سنوح این حادثهٔ غم افزا اشک تحسر از دیده
پیر و برنا چون رود زنده رود جاری گشت شاهزادگان نعش مطهر حضرت خاقان را پس از تغسیل و تکفین در تخت
روان گذاشته بقم حمل نمودند و در بقعهٔ که یکسال قبل بامر خود خاقان مغفور ساخته شده بود دفن کردند مدت عمر
خاقان مغفور طاب ثراه بروایت اصح شصت و شش سال است چه ولادت ایشان را نواب مستطاب الحاجی معتمد الدوله
در جام جم در هزار و صد و هشتاد و پنج نوشته اند و مدت سلطنت سی و هشت سال و پنجماه و مآثر کریمه و آثار معظمه
خاقان مغفور البسه الله تعالی حلل النور از قبیل تذهیب ایوان و قبهٔ حضرت سید الشهداء علیه السلام که مبلغ پنجاه
هزار تومان خرج آن شد و نصب ضریح نقره در آن حرم محترم که به بیست هزار تومان تمام شد و بنای قبه و بارگاه حضرت
عباس علیه السلام که چهل هزار تومان صرف آن شده و پنج عدد قندیل طلا که بوزن چهارده من تبریز میباشد برای حرم
حضرت رضا علیه السلام و دو ضریح نقره که هر یک ده هزار تومان تمام شده یکی برای حضرت عبد العظیم و دیگری برای

امامزاده

امامزاده سید میر احمد ابن امام موسی کاظم علیه السلام وبنای قبه حضرت معصومه سلام الله علیها وصحن مقدسه واتمام درب
مینا وضریح آنحضرت وبنای مدرسه دار الشفا در طهران وتعمیر مسجد قم که مخارج جمله یکصد هزار تومان رسید وبنای صحن جدید
در جنب روضه حضرت علی بن موسی الرضا علیه آلاف التحیة والثناء واهدای قندیل مرصع وقندیل طلا بآن روضه منوره
که اینها نیز بچهل هزار تومان تمام شد وبنای جامع دار الخلافه وجامع سمنان وغیرها وبذل عطایای وافره که از جمله عطا سی
هزار تومان قرض میرزا عبد الوهاب معتمد الدوله وبذل ششهزار تومان صله شش قصیده است مرحوم فتحعلی خان
ملک الشعرا وغیر از اینها بسیار است واز خصایص آن پادشاه رضوان جایگاه کثرت اولاد است که ذکورا واناثا دویست و
شصت نفر از صلب آن شهریار تاجور بعرصه عالم قدم نهادند ویکصد وپنجاه ونه نفر از ایشان در زمان حیات پدر راه
عالم دیگر گرفتند

اسامی اولاد خاقان مغفور اسکنه الله فی ریاض السرور

حضرت عباس میرزا نایب السلطنه که روز چهارشنبه چهارم ذیحجه در سال یکهزار ودویست وسه هجری در محال نوای مازندران
از بطن دختر فتحعلیخان دولوی قاجار متولد شد محمد علیمیرزا که متخلص بدولت بود ودولتشاه لقب داشت شب هفتم
ربیع الثانی سال یکهزار ودویست وسه هجری در قصبه نوا متولد شد محمد قلیمیرزا که ملک آرا لقب داشت ودر
اشعار خسروی تخلص مینمود چهارشنبه بیست ودوم رمضان سال هزار ودویست وسه هجری در قصبه نوا متولد شد
محمد ولیمیرزا روز جمعه غره شهر شوال در سال یکهزار ودویست وسه هجری متولد شد حسینعلی میرزای فرمانفرما
در سال یکهزار ودویست وسه هجری روز عید اضحی در قصبه نوا متولد شد حسنعلی میرزای شجاع السلطنه برادر اعیانی
فرمانفرما جمعه غره ذیحجه سنه یکهزار ودویست وچهار هجری متولد شد ودر اشعار شکسته تخلص مینمود محمد تقی
میرزای حسام السلطنه روز شنبه ششم شهر صفر سال هزار ودویست وشش هجری متولد شد ودر اشعار شوکت
تخلص میکرد علینقی میرزای رکن الدوله پنجشنبه نوزدهم شهر شوال در سال یکهزار ودویست وهفت هجری متولد شد
شیخعلی میرزا ملقب بشیخ الملوک شب چهارشنبه دهم رجب سال یکهزار ودویست وده هجری متولد شد علیشاه
ملقب بظل السلطان سه شنبه شهر شعبان سنه یکهزار ودویست وده هجری متولد شد واو برادر اعیانی نایب
السلطنه است عبد الله میرزا که دارا تخلص مینمود جمعه بیست وچهارم جمادی الاولی سال یکهزار ودویست ویازده
هجری متولد شد امام وردی میرزا ملقب بایلخانی برادر اعیانی رکن الدوله شب چهارشنبه چهاردهم شوال
سال هزار ودویست ویازده هجری متولد شد محمد رضا میرزا در اشعار افسر تخلص کرده روز دوشنبه سیم ذیقعده سال
هزار ودویست ویازده هجری متولد شد حیدرقلیمیرزا جمعه پانزدهم صفر سال هزار ودویست وچهارده هجری
متولد شد ودر اشعار خاور تخلص نمود محمود میرزا دوشنبه دوازدهم صفر سنه هزار ودویست وچهارده متولد شد
ودر اشعار تخلص باسم مینمود همایون میرزا شب جمعه بیست وهشتم جمادی الآخره سال هزار ودویست وشانزده
هجری متولد شد ودر اشعار حشمت تخلص مینمود الله وردی میرزا شب سه شنبه بیست وسیم شهر رمضان از مادر بزاد
وسال هجرت هزار ودویست وشانزده بود ودر اشعار بیضا تخلص دارد اسمعیل میرزا شب جمعه چهاردهم شعبان
سال هزار ودویست وهفده متولد شد احمد علیمیرزا روز جمعه ششم شوال سال هزار ودویست وهیجده متولد شد واو
برادر اعیانی شاهزاده محمود است در اشعار بنام خود تخلص کند علیرضا میرزا برادر اعیانی شاهزاده محمد رضا میرزا شب
سه شنبه ششم ذیقعده هزار ودویست وهیجده متولد شد کیقباد میرزا شب جمعه نوزدهم صفر سنه هزار

ودویست و بیست و یک هجری متولد شد بهرام میرزا شب پنجشنبه پنجم ربیع الاول هزار و دویست و بیست و یک هجری
متولد شد شاپور میرزا شب چهارشنبه سیزدهم صفر هزار و دویست و بیست و دو هجری متولد شد ملک قاسم میرزا روز
چهارشنبه دویم جمادی الآخره سال یکهزار و دویست و بیست و دو هجری متولد شد منوچهر میرزا شب جمعه چهارم
جمادی الآخره متولد شد در سال هزار و دویست و بیست و دو هجری هرمز میرزا شب دوشنبه چهاردهم جمادی الاولی سنه
هزار و دویست و بیست و دو هجری متولد شد ایرج میرزا پنجشنبه غره جمادی الآخره سال هزار و دویست و بیست و دو
هجری متولد شد کیکاوس میرزا روز جمعه هجدهم شوال سنه هزار و دویست و بیست و دو متولد شد شاهقلی میرزا
چهارشنبه یازدهم محرم سال هزار و دویست و بیست و سه هجری متولد شد محمد مهدی میرزا شب یکشنبه غره شوال سنه
هزار و دویست و سی و سه هجری متولد شد کیخسرو میرزا برادر اعیانی کیکاوس میرزا است کیومرث میرزای ایلخانی ملقب به
ابوالملوک روز سه شنبه بیست و پنجم جمادی الآخره سال هزار و دویست و بیست و چهار هجری متولد شد جهانشاه میرزا
او نیز برادر اعیانی شاهزاده محمود است یکشنبه بیست و پنجم رمضان سال یکهزار و دویست و بیست و چهار هجری
متولد شد سلیمان میرزا سه شنبه چهارم محرم سال هزار و دویست و بیست و پنج هجری متولد شد فتح الله میرزا چهار
شنبه نهم رجب سال هزار و دویست و بیست و شش هجری متولد شد و ملقب بشجاع السلطنه بوده است ملک منصور میرزا برادر
اعیانی ملک قاسم میرزا است سه شنبه بیست و دویم رجب سال یکهزار و دویست و بیست و شش هجری متولد شد
همن میرزا ملقب ببهاء الدوله شب یکشنبه بیست و ستم شوال سال هزار و دویست و بیست و شش هجری متولد شد
سلطان محمد میرزا ملقب بسیف الدوله است میلادش روز پنجشنبه بیست و ششم جمادی الاولی سال هزار و دویست و
بیست و هشت هجری سلطان سلیم میرزا شب پنجشنبه بیست و ششم شوال هزار و دویست و بیست و هشت هجری متولد شد
سلطان مصطفی میرزا جمعه یازدهم ذیقعده هزار و دویست و بیست و هشت هجری متولد شد سلطان ابراهیم میرزا
شنبه نوزدهم جمادی الآخره سال هزار و دویست و بیست و هشت هجری متولد شد سیف الله میرزا برادر اعیانی بهاء الدوله
است سه شنبه چهاردهم رجب سنه یکهزار و دویست و بیست و نه متولد شد یحیی میرزا شب سه شنبه غره محرم
سنه هزار و دویست و سی و سه هجری متولد شد ذکریا میرزا شب شنبه بیست و ششم ربیع الاول سنه هزار و دویست
و سی و چهار هجری متولد شد برادر اعیانی یحیی میرزا است محمد امین میرزا روز دوشنبه دهم ربیع الثانی هزار و دویست و
سی و چهار متولد شد سلطان حمزه میرزا شب چهارشنبه بیست و یکم رمضان سال هزار و دویست و سی و چهار متولد شد
فرخ میرزا برادر اعیانی سلطان محمد میرزا و ملقب بمنیر الدوله است سلطان احمد میرزا ملقب بعضد الدوله است
جمعه نوزدهم ذیقعده هزار و دویست و سی و نه متولد شد صاحبقران میرزا طهمورث میرزا جمعه هفدهم جمادی
الاولی سنه هزار و دویست و سی و پنج متولد شد حسینعلیخان ملقب بجهانسوز شاه برادر اعیانی یحیی میرزا است محمد هادی
میرزا برادر اعیانی محمد امین میرزا است پرویز میرزا علیقلی میرزا عباسقلی میرزا او برادر اعیانی علیقلی میرزا است عمید السلطنه
کامران میرزا اورنگ زیب میرزا سلطان جلال الدین میرزا امان الله میرزا سلطان حسین میرزا

اسامی بنات خاقان مغفور البسه الله حلل النور

ملقبه بنواب مهد علیه — همایون سلطان مشهور بخانم خانمان از مادر با شاهزاده حسینعلی میرزا است و او ضجیع ظهیر الدوله ابراهیمخان قاجار
حکمران کرمان بود شاهزاده بیگم جان هم از مادر فرمانفرما است در سرای امیر محمد قاسمخان قوانلو بود ستی بیگم که مهد
سلطان لقب دارد هم از مادر فرمانفرما است بحباله نکاح محمد زکیخان نوری سردار فارس در آمد ام سلمه مشهور به تکین

خانم از مادر شاهزاده محمد علی میرزا است خط نسخ را نیکو نوشتی و چند مجلد قرآن مجید را نگار داده در عتبات عالیات ائمه دین علیهم
السلام موقوفه است ضجیع برادرزاده شهریار زین العابدین خان گشت مرصع خانم از مادر حسنا السلطنه است و زن اللهیار
خان آصف الدوله شوهر تو است فخر جهان خانم مشهور بفخر الدوله از مادر شاهزاده شعاع السلطنه است و زنی چند در سرای میرزا
محمد خان پسر حسینقلیخان برادر شهریار بود و از وی جدائی جست شاه بیگم مشهور بضیاء السلطنه بعد از پدر ضجیع میرزا مسعود وزیر
دول خارجه شد سلطان بیگم هم از مادر ضیاء السلطنه است و زنی چند با پسر مهدیقلیخان دولو همسر و هم بستر بود
و در جوانی وداع جهان گفت گوهر ملک خانم با ولیعهد دولت نایب السلطنه از یک مادر است نخست در سرای محمد امین
خان قاجار نسقچی باشی بود و از پس او ضجیع میرزا ابو القاسم قائم مقام گشت زینب خانم از مادر محمد قلی میرزای ملک آرا است
و ملقب بحاجی شاه شد ضجیع اسمعیل خان پسر اعتضاد الدوله سلیمان خان قوانلو بوده است خدیجه خانم هم از مادر ملک آرا است ضجیع
محمد باقر خان پسر حسینقلی خان برادر شهریار بوده است طغیان خانم بحباله نکاح موسی خان قوانلو در آمد عزت نسا خانم با برادر
زاده شهریار موسی خان پسر حسینقلی خان هم بستر گشت شمس بانو خانم ضجیع میرزا موسی خان برادر میرزا ابو القاسم قائم
مقام شد خدیجه سلطان مشهور بعصمة الدوله ضجیع ابراهیم خان ناظر پسر حاجی محمد حسین خان صدر اعظم اصفهانی بوده است
درخشنده گوهر خانم ضجیع میرزا اسمعیل خان پسر میرزا خانلر حلال خور مازندرانی منشی الممالک با شاهزاده اسمعیل
میرزا از یک بطن است گوهر شاه بیگم در سرای علی محمد خان قاجار دولو بوده است شاه سلطان خانم ضجیع محمد صادق خان قوانلو پسر مهر علیخان و
نوه مرتضی قلیخان عم شهریار بوده است شاه گوهر خانم ضجیع رستمخان پسر ابراهیم خان عمزاده شهریار بوده است تاجلی بیگم خانم
از مادر شعاع السلطنه و زوجه نصرالله خان پسر ظهیر الدوله ابراهیم خان قوانلو بوده است حسن جهان خانم مشهور بوالیه
وی نیز از مادر شعاع السلطنه است ضجیع خسرو خان والی کردستان شد ماه بیگم خانم بحباله نکاح غلامحسین خان سپهدار عراق
در آمد سرو جهان خانم زوجه آقا خان حاکم محلات بوده است خورشید خانم زوجه عباسقلی خان سرکرده جماعت افشار
خمسه بوده است مولود سلطان خانم زوجه رضا قلیخان پسر اسمعیل خان سردار دامغانی بود از او جدائی جست و در سرای
حاجی حسینخان پسر ذو الفقار خان پسر عم شوهر نخستین رفت عالیه سلطان خانم زوجه علیخان دامغانی میرآخور
شهریار شد زبیده خانم زوجه علیخان قراگوزلو است خورشید کلاه از مادر سیف الدوله است ضجیع میرزا
علی محمد خان نظام الدوله پسر عبدالله خان امین الدوله گشت شیرین جان خانم او نیز از مادر سیف الدوله است و در
سرای مهدیقلیخان پسر حسین خان سردار بوده است قیصر خانم از مادر یحیی میرزا است و زوجه سلیمان خان
افشار قاسملو بوده است سلطان خانم هم از مادر یحیی میرزا و زوجه جهانگیر خان افشار ارومی بوده است آغا بیگم زوجه میرزا
علی هزارجریبی ملاباشی بوده است شاه جهان خانم مشهور بجان بی بی زوجه میرزا عبد الباقی منجم باشی گیلانی بوده است فرخ
سلطان خانم از مادر شاپور میرزا و زوجه میرزا غلامشاه پیشخدمت باشی بوده است ماه نوش لب خانم زوجه امیر دیوان
میرزا نبی خان قزوینی بوده است حسن بنات خانم از مادر محمد مهدی میرزا است برادرزاده شهریار میرزا محمد خان بعد از جدائی
از فخر الدوله او را بحباله نکاح در آورد پاشا خانم هم از مادر محمد مهدی میرزا است و بنکاح سهراب خان گرجی در آمد فرزانه
بیگم هم از مادر محمد مهدی میرزا و زوجه حسینعلی خان معیر الممالک بوده است مهر جهان خانم هم از مادر محمد مهدی میرزا است
و بعد از فوت شاهنشاه زوجه زین العابدین خان پسر قاسم خان هزارجریبی قوللر آقاسی شد سلطان خانم از مادر ملک
ایرج میرزا و زوجه محمد باقر خان دولو بیگلربیگی بوده است خاور سلطان بیگم از مادر علیقلی میرزا است و بعد از فوت شهریار
بحباله نکاح میرزا نظر علی حکیمباشی قزوینی در آمد رخساره بیگم بعد از فوت پدر زوجه محمد خان ایروانی امیر تومان

از مادر شاهزاده محمود است

ملک زاده زن محمود خان رشتی است

وزن صاحبقران ۷
عروس حسنعلیخان شاهسون ۸
وزن میرزا حسینخان سپهسالار ۹ مرحوم

شد خرم بهار خانم از مادر کامران میرزا است بزم آرا خانم (احترام الدوله) او نیز از مادر کامران میرزا است ماه تابان خانم (فخر السلطنه) با زوجه
میرزا نبی خان از یک مادر است ملکزاده خانم بدر جهان خانم ملقب بماه باجی و او نیز از مادر یحیی میرزا است و زن محب
خلاصه پس از انتقال و ارتحال خاقان بیهمال نوبت سلطنت بشهریار ملکوتی خصال اعلیحضرت محمد شاه رسید نواب
مستطاب فی الاحاجی معتمد الدوله در کتاب جام جم میفرمایند خبر فوت خاقان مغفور در بیست و هشتم جمادی الاخره
بتبریز رسید اعلیحضرت همایون محمد شاه که ولایت عهد داشتند در شب یکشنبه هفتم رجب در تبریز جلوس فرمودند
و روز چهاردهم رجب از اینشهر حرکت نمودند و کلنل صاحب ایلچی دولت انکلیس و غراف سمونویچ وزیر مختار دوس نیز
در رکاب اعلی بودند و لنزی صاحب با لشکر انبوه و توپخانه مبارکه در مقدمه روان شد و در نوزدهم ماه شعبان
بدار الخلافه باهره ورود و نزول اجلال فرمودند باغ نکارستان از قدوم همایون رشک نکارستان چین شد
و در مدت چهار ماه کل شاهزادکان اطراف طوعا کرها بخاکپای همایون آمدند و نواب ظل السلطان که در ایام
فترت بر تخت جلوس کرده بود و ابنا شد هارا آکنده و کنا شد هارا پراکنده ناچار زنان را شفیع نموده بهمراهی
فخر الدوله عمه مکرمه شاهنشاه و همشیرکان سرکار اقدس که عروسان او بودند در نکارستان بحضور مشرف شد
و مشمول مراحم شاهنشاهی کردید و میرزا ابو القاسم قایم مقام بعرض رسانید آدم من راس ماله الرجا و سلاح النسا
و آنچه که بتحقیق پیوسته در ظرف چهل روز حکمرانی هفتصد هزار تومان نقد سوای جنس از خزانه عامره در آورده
بیهوده صرف شده بود و سرکار اقدس اعلی شب جمعه دویم رمضان المبارک بیمساعت بطلوع آفتاب مانده از دروازه
قزوین بدار الخلافه مهبط نزول اجلال فرمودند و بشیر مایه بحر بحر اینکار مرحوم میرزا ابو الحسنخان وزیر امور خارجه
و نواب رکن الدوله بود و الا خود شان خلاف وصیت خاقان خلد مکان نمیکردند انتهی

ظل السلطان برع

از حوادث اینسال چنانکه ذکر شد جلوس شاهزاده علیخان است که خود را عادلشاه نامید و بعضی از شاهزادکان
و امرای دربار طوعا کرها اطاعت او نمودند و او نواب علینقی میرزای رکن الدوله را برای مصالحه و امامویردی
میرزای ایلخانی را برای محاربه با پانزده هزار نفر پیاده و سواره و توپخانه (و قورخانه) ماموراذربایجان کرد نیز شاهزاده
حسینعلی میرزای فرمانفرمای فارس بتحریک برادران و اعیان مملکت در شیراز جلوس کرد و میخواست حسنعلی میرزای
شجاع السلطنه را بتسخیر عراق فرستد اما اعلیحضرت اقدس همایون محمد شاه بعد از جلوس در تبریز
جهانگیر میرزا و خسرو میرزا و احمد میرزا و مصطفی (میرزا) که آثار خلاف و جنایت حالشان پدیدار بود بقلعه اردبیل فرستاده
موقوف داشتند و محمد خان امیر نظام که در سرحد ولایت ایران و ارزنة الروم با محمد اسعد پاشا کفتکوی استرداد اموال
منهوبه تجار متعلقه بدولت علیه ایران را در میان داشت در اینوقت بامر همایون بتبریز بازکشت و با نواب فریدون
میرزا نایب الایالة آذربایجان در این شهر (ماند) و هنکام حرکت موکب اعلی از تبریز جهانگیر میرزا و خسرو میرزا از طریق
خلاف براه بی بصیری رفتند و موکب همایون با شش هزار لشکر پیاده نظام و چهار عراده توپ و سه هزار سوار جرار
از تبریز عزیمت دار الخلافه فرمودند و نواب بهمن میرزا که در اردبیل حکومت داشت با فوج بهادران در منزل میانج بتقبیل
رکاب اعلی فایز کشت و نواب رکن الدوله در ینک پی و سرچم بار دوی اعلی پیوسته اظهار داشته که اعلیحضرت پادشاه
باذربایجان قناعت کرده باقی ممالک ایران بعادلشاه تفویض شود بنابراین عرض سخیف از حضور اعلی محروم و در
مکان خود موقوف آمد نیز در عرض راه نواب شجاع السلطنه فتحعلی میرزا با سیورسات و پیشکش بحضور آمد و حکومت
خمسه یافت و در خرم دره منوچهرخان معتمد الدوله با دو هزار سوار جمعی نفنکچی و چهل هزار تومان پیشکش بکاب

اعلی پیوسته مورد الطاف ملوکانه گشت و فضلعلیخان قراباغی با دو هزار سوار و پانصد غلام خاصه و پنج عراده
توپ از زنجان بطور مقدمة الجیش گسیل روانه شد و در منزل سیاه دهن بمقدمه سپاه امامویردی میرزای
ایلخانی رسیده آنها را مقهور کرد پس از آن سران سپاه همه برکاب اعلی پیوستند و امامویردی میرزا نیز ناچار روی
نیاز بدربار همایون آورده ملتزم خدمت گردید و آصف الدوله اللهیارخان که در قم بود با میرزا محمد تقی علی آبادی
در قم بودند صاحبدیوان بحضور اقدس شرفیاب شدند و از اینطرف محمد باقرخان خال اعلیحضرت شهریار که در طهران متوقف بود
باشاره امنای دولت رؤسای عساکر مازندران را باخود متفق ساخته عادلشاه را از نزدیک شدن موکب
همایون اعلیحضرت محمد شاه آگاه کرده از جلوس ممنوع داشت و محمد جعفرخان کاشانی وزیر او را ماخوذ و اموال او را
ضبط کرده مراتب را بعرض رسانیدند سرکار اقدس اعلی بنگارستان نزول اجلال فرمودند و خسروخان گرجی جواهر
الات خاصه پادشاهی را از بازوبند و شمشیر و تمامی اثاثه سلطنت از شهر بنگارستان آورده تقدیم نمود و عادلشاه
چنانکه ذکر شد بحضور مبارک مشرف شده مشمول مراحم گردید و میرزا فضل الله علی آبادی و عباسخان قاجار باوردن
نواب محمد قلیمیرزای ملک آرا از مازندران مامور شده اینخدمت را بانجام رسانیدند روز چهاردهم رمضان ذات ملکوتی
صفات پادشاهی یعنی اعلیحضرت همایون محمد شاه در دیوانخانه بزرگ بر سریر سلطنت جلوس فرموده عموم
شاهزادگان و امرا و طبقات خدم بارحضور مبارک یافتند بعد از آن نواب فیروز میرزا و معتمد الدوله منوچهرخان
با جمعی از صاحبمنصبان بفارس و عراق مامور گشتند و نواب قهرمان میرزا را احضار فرموده با آصف الدوله
اللهیارخان و حسنخان سالار بحکومت خراسان معین شدند و غلامحسینخان سپهدار عراق باستان همایون آمد
و نواب طهماسب میرزا مؤید الدوله بحکمرانی کاشان رفت و جهانگیر میرزا برادر نواب معزی الیه حکومت بروجرد یافت
و هلاکو میرزا ابن شجاع السلطنه که در زمان فترت در یزد اظهار شوکتی میکرد بکرمان بازگشت و نواب بهرام میرزا
که از عرض راه دار الخلافه مامور کردستان و انتزاع کرمانشاهان از حشمة الدوله محمد حسین میرزا شده بود
بکرمانشاهان ورود نمود و حشمة الدوله که دم از استقلال میزد ناچار باستان مبارک آمد و محمد قلیمیرزای ملک آرا
بتوقف همدان مامور شد و چون جمعی از تراکمه و اکراد خراسان دور شاهزاده اسمعیل میرزا حاکم بسطام را
گرفته و او بخیال استقلال افتاده بود نواب اردشیر میرزا با اسکندرخان قاجار ابن فتحعلیخان حاکم مراغه و
ابراهیم خلیلخان و بعضی دیگر باستیصال او مامور شده او را مقهور کردند و باستان مبارک فرستادند
و نواب اردشیر میرزا بنظم ترکمان و دشت گرگان رفته آنجا را منظم کرده معاودت نمود و نواب فیروز میرزا با منوچهر
خان معتمد الدوله و میرزا محمدخان قاجار دولو خالوزادهٔ حضرت نایب السلطنه مغفور و مستر لنزی انگلیس
و شیل صاحب و چند نفر صاحبمنصب دیگر انگلیس و چند نفر سرتیپ و سرهنگ و بعضی از دستجات قشون
ظفرنمون و چند عراده توپ از راه اردستان قصد فارس کردند و شجاع السلطنه با پنجهزار سوار و پیاده
قصد تسخیر اصفهان نموده بمنزل شولستان رسید و شنید که عساکر پادشاهی بیزدخواست رسیده
روز دیگر فئتین تلاقی کرده بمحاربه پرداختند شجاع السلطنه با همراهانش منهزم شده بفارس بازگشت
و معتمد الدوله و همراهان او بتدبیر خود را بشیراز رسانیده بی جنگ و جدال ارک را تصرف کردند و بعد از
دو سه روز فرمانفرما و شجاع السلطنه را با فوج منصورخان فراهانی و شش عراده توپ از شیراز بطهران
آوردند و در روز ورود عساکر منصوره بشیراز رضا قلیمیرزا و نجفقلی میرزا و تیمور میرزا از شهر خارج شده

بعد

بحدود مملکت عثمانی رفتند و نواب شجاع السلطنه حسنعلی میرزا در طهران نابینا شده در برج نوش موقوف گردید
و نواب حسنعلی میرزای فرمانفرما در ماه ربیع الاول در چهل و هفت سالگی بناخوشی وبا که در طهران شیوع
بهم رسانیده بود درگذشت همدر اینسال نواب فرهاد میرزا (حاجی معتمد الدوله) بحکمرانی عربستان و لرستان منصوب
گردیدند امور اروپا لرد هلبورن بصدارت منصوب میشود (اسپانیا) دن کارلس برضد ملکه جدیده بانهایت
سختی در شورش استعداد ... اهالی اسپانیول و دن میگل پادشاه سابق پرتوغال که بدن کارلس اسپانیولی
پناه داده بود برضد و بای سختی در مادرید فوت دن پدر بعد از استقرار دادن دختر خود را بسلطنت پرتوغال
مزاوجت ملکه پرتوغال با دوک دلشتن برگ پسر اژن ربیب ناپلیون اول (فرانسه) فوت ژنرال لافایت
معروف شورش در بعضی بلاد (روس) امپراطور روس مانع است که جوانان روسی جهت تحصیل یا تجارت بفرنگ سفر
نمایند شورش شامیل در داغستان (سوئد) بروز وبا در این مملکت (عثمانی) شامات که بتصرف محمد علی پاشا بود
برو میشوریدند و از آنطرف هم بعثمانی ملیشود در اغلب نقاط دیگر عثمانی نیز شورش برپا میشود بکیفیت قشون نظامی
موسوم به ردیف منصوره در عثمانی تشکیل می یابد

سنه ۱۸۳۵ مسیحی

سنه ۱۲۵۱ هجری

آسیا (ایران) در این سال چون میرزا ابو القاسم قایم مقام باصابت رای مملکت را نظمی داده بود غرور بر طبع او
مستولی گردید و بی استیذان از اعلیحضرت همایون بعضی تصرفات در امور کرد نواب جهانگیر میرزا در تاریخی که نوشته
چنین مستور میدارد که قایم مقام چون مملکت ایران را از همه گردنکشان خالی دید و جمیع اولاد خاقان را در قبضه اختیار
و اقتدار خود یافت بانجام خیال محالی که داشته پرداخت از جمله خواست فوج خاصه را که بسرتیپی قاسمخان الان براغوشی
از نوکرهای قدیم حضرت نایب السلطنه مرحوم بود و بکشیک در بخانه و سرای سلطنتی مقرر شده بود تغییر داده کشیک
در بخانه را بر عهده سرهنگی از دست پروردگان خود موکول دارد و بعضی چیزهای دیگر نیز از او بظهور رسید لهذا
قبل از تغییر قراولخانه و اقدام ببعضی اعمال او را از باغ لالهزار که منزل او بود بنگارستان احضار کرده شش روز
در اینجا محبوس بود تا درگذشت و در بقعه حضرت عبد العظیم علیه السلام مدفون گشت و این واقعه در شب سلخ
صفر اتفاق افتاد و چون اللهیارخان آصف الدوله از ماجری آگاه شد از خراسان بی حکم احضار بخیال صدارت
بدربار معدلت مدار شاهانه آمد و این خیال پسند نیفتاده پس از تهدید او را بخراسان معاودت دادند همدر این اوان
محمدخان امیر نظام را برای انتظام افواج بدار الخلافه احضار فرمودند و او با چند فوج از آذربایجان بطهران آمد و
مردم چنین پنداشتند که او را بوزارت خواسته اند ولی گمانی خطا بود که پس از تجدید افواج محمدخان برای پیشکاری
نواب قهرمان میرزا بآذربایجان بازگشت و نواب فریدون میرزا از آذربایجان بطهران آمد و در این ایام میرزا نصر الله
اردبیلی (صدر الممالک) و محمد حسینخان ایشیک آقاسی در صدور فرامین و احکام دخالت داشتند ولی بزودی
حاجی میرزا عباس مشهور بحاجی میرزا آقاسی ابن میرزا مسلم ایروانی را که از آغاز شباب حسن ظن کاملی باو داشتند
بوزارت اختیار فرموده منصب صدارت عظمی دادند همدر این اوان وبای سختی در طهران و سایر بلاد ایران شیوع
یافت و پنجاه هزار نفر در ممالک محروسه تلف شدند و چون درجه گرمای دار الخلافه بالا رفت و اشتداد بهم رسانید
موکب همایون اعلیحضرت محمد شاه عزیمت ییلاق لواسان فرمود و میرزا مسعود آذربایجانی بوزارت امور خارجه
برقرار گشت و شاهزاده ضیاء السلطنه را با او مزاوجت حاصل آمد و میرزا حسن را مستوفی الممالک ایران فرمودند

و میرزا

ومیرزا آقاخان نوری وزارت لشکر یافت و میرزا نصرالله اردبیلی را وزارت وظایف دادند و میرزا محمد حسین عزب باشی
شد و بهمن میرزا بحکومت بروجرد و سیلاخور و نواب منوچهر میرزا بحکومت گلپایگان و خوانسار منصوب شدند و فضلعلی
خان قراباغی که بجلادت معروف بود حکمرانی مازندران یافت و عباسقلیخان جوانشیر بحکومت کاشان رفت و نواب
خانلر میرزا بحکمرانی یزد برقرار گردید و اللهیارخان آصف الدوله پس از رفتن بخراسان جعفرقلیخان کرد شادلو را بدست
آورده اطمینان داده با خوانین خراسان بدار الخلافه فرستاد و منوچهرخان معتمد الدوله به پیشکاری نواب فیروز
میرزا در فارس مستقل گردید و نواب بهرام میرزا بایالت کرمانشاهان روان شد و محمد باقرخان قاجار بیگلربیگی
دار الخلافه شد و علیخان ولد مشارالیه رتبه نیابت یافت و محمد قلیخان بن آصف الدوله ایشیک آقاسی باشی خاصه شد
و بعضی شاهزادگان را که خیال فاسد داشتند باردبیل و آذربایجان حرکت دادند همدرین سال نواب شاهزاده اعظم
ناصرالدین میرزا (اعلیحضرت همایون ناصرالدین شاه خلدالله ملکه) برحسب امر و اراده سنیه پادشاهی بولیعهدی
دولت علیه ایران اختصاص یافته منشور ولایت عهد آنحضرت مرقوم گردید بعلاوه این رتبه و مقام منیع از قبیل
افسر و خنجر مرصع و قبای کیانی مکلل بجواهر شاهوار و لآلی آبدار و بازوبند و نشان شیر و خورشید خاصه و غیرها
بایشان تفویض شد و در طهران و تبریز جشنی بزرگ در اینموقع سعید که فرخنده عید این ملت و مملکت بود در
کمال آراستگی گرفته و عموم مردم شادیها نمودند و ابواب نشاط و انبساط از هر جهة گشودند و وزرای مختار دول
متحابه این امر قدر را امضی نموده بسلاطین دول متبوعه خود مطلب را اعلام و اعلان نمودند و چون محمدخان
امیرنظام بامارت آذربایجان مأمور و مقیم شد و آصف الدوله بحکومت خراسان رفت وزارت حاجی میرزا آقاسی
استقرار و استحکام یافت همدرین سال کامل افندی و اسعد افندی از جانب سلطان محمودخان سلطان عثمانی
بدربار دولت علیه مأمور شدند که بتهنیت و تبریک جلوس اعلیحضرت پادشاهی پردازند و مشارالیهما نامه محبت ختامه
خود را با تبریکات لایقه تبلیغ نموده بعد از تجدید عهد مودت و اتحاد و استرداد مکارم ملوکانه معاودت کردند
همدرین سال میرزا رضا ولد حاجی فرج الله تبریزی منصب کلانتری تبریز و مضافات یافت و حاجی فرج الله نیز در سال
هزار و دویست و سی و نه بموجب فرمان حضرت نایب السلطنه مغفور بهمین منصب نایل شده بود همدرین سال نواب
ظل السلطان را از دار الخلافه بهمدان و از همدان بمراغه و از مراغه باردبیل بردند و سیف الملوک میرزا پسر نواب
معزی الیه را در قزوین اقامت دادند و نواب فریدون میرزا که از آذربایجان آمده بود بطرف استراباد و گرگان مأمور
شد و حسنخان ساری اصلان و جماعتی از عساکر نصرت مآثر بالتزام رکاب نواب معزی الیه مأمور شدند و این
جمله مقدمة الجیش لشکر پادشاهی بود که چون موکب همایون در سال آینده عزیمت تنبیه ترکمه گرگان خواهد نمود
و بنابراین قصد و نیت مقرر شد که در اول فصل بهار افواج پیاده و سوار برکاب اعلی حاضر و مشغول بکار باشند
همدرین سال آقاخان محلاتی رئیس اسمعیلیه بحکمرانی کرمان منصوب و روانه مقصد گردید وفات نواب جهانشاه
ابن خاقان مغفور رحلت میرزا مسلم خوئی از مشاهیر عرفا اروپا (المان) فوت فرانسوا دویم امپراطور
اطریش و جلوس فردیناند اول بسریر شهریاری او (فرانسه) ایجاد سفاین بخاری بجهة حمل و نقل مال التجاره و مسافر
مابین مارسیل و اسلامبول و اسکندریه (پرتوغال) فوت شوهر ملکه و مزاوجت ملکه با برادرزاده پادشاه
بلژیک (روس) ملاقات سلاطین روس و پروس و اطریش (عثمانی) ایجاد طرق و شوارع و پست و تماشاخانه
و تنظیمات عسکریه فرستادن سفرای مقیم باطریش و انگلیس و فرانسه بروز طاعون و وبا در مصر طلوع

ستاره ذو ذنب موسوم به هالی که هر هفتاد و شش سال طلوع میکند و اینده فقره بیست و پنجم است که طلوع نموده

سنه ١٢٥٢ هجری — سنه ١٨٣٦ مسیحی

آسیا (ایران) در این سال موکب همایون اعلیحضرت محمد شاه چنانکه در ذیل سال قبل اشاره نمودیم مصمم تنبیه ترکمه
گرگان گردید و در سه شنبه بیست و دویم ماه صفر بباغ نگارستان نقل مکان فرمودند و در این سفر نواب فرهاد میرزا
(حاجی معتمد الدوله) هم همراه بود و فوج سرباز و هزار سوار چنداول موکب همایون بودند نواب فریدون میرزا و
حسنخان ساری اصلان با پنج فوج سرباز و توپخانه و قورخانه در دهم ربیع الاول از راه سمنان قصد بسطام و کالپوش
کردند و روز نوزدهم ماه مزبور اردوی شهریاری از نگارستان بطرف فیروزکوه حرکت کرد و چهل روز در چمن
فیروزکوه اقامت فرمودند منوچهرخان معتمد الدوله که از فارس مراجعت کرده بود در این چمن برکاب اعلی پیوست
و فرامین بر بزرگان ایلات ترکمه صادر شده بمحمد صالح خان کرد محله استرابادی داده او را بگرگان فرستادند و در
ششم جمادی الاولی از فیروزکوه انهاض فرموده پس از طی منازل بشاه کوه رسیدند بزرگان ترکمه بتقبیل عتبه علیه
آمده حکم همایون شد که نواب فریدون میرزا با پنجهزار سوار جرار تا قارن قلعه (قاری قلعه) گرگان رفته ترکمانان
بیان کرده را که مصدر خلاف شده بودند گوشمالی بسزا دهد پس از آن موکب معلی بخرقان بسطام نزول اجلال نمود در روز
پنجم جمادی الثانیه چمن کالپوش مضرب خیام با احتشام مبارک گردید از آنطرف ترکمه چون دانستند نواب فریدون میرزا
نزدیک شده ده هزار سوار در قارن قلعه مستعد پیکار گشتند و بمحض وصول نواب معظم بآن محال نایره حرب اشتعال
یافت ترکمه بواسطه شلیکهای توپ متفرق گشته راه هزیمت پیش گرفتند و بطرف اوتیج و جنوب رفتند قارن قلعه را
نواب فریدون میرزا متصرف شده مراتب را بحضور همایون عرضه داشت و حکم شد آن قلعه را با خاک برابر کنند و پانزده
روز آذوقه و علوفه برگرفته بر لب رود گرگان باردوی پادشاهی پیوندند نواب معظم بر حسب فرموده حرکت کرده
واردوی همایون از فراشیخ و کنار آب گرگان بگنبد قابوس و در میان طوایف گکلان آمده و بموجب امر اقدس عباسخان
قاجار بیگلربیگی استراباد پانصد نفر از معارف ترکمه گکلان را برسم گروکان بمیر سعدالله خان فندرسکی
سپرده آنها را بدار الخلافه آوردند ناگاه موکب منصور بمراتع قتابایل یموت توجه فرمود ترکمه یموت راه جبل ابوالخان
را گرفته و گریختند لکن در عرض راه دوچار نواب فریدون میرزا که از قارن قلعه باردوی همایون میامدند شدند
و جمعی مقتول و برخی اسیر گشته بقیة السیف خود را بابوالخان رسانیدند و اردوی پادشاهی بصحرای معروف به
بی بی شروان توقف نمود پس از نظم این صفحات شهریار غازی بدولتاباد دامغان تشریف فرما گردیده در اینجا معروض
شد که میان فضلعلیخان قراباغی و اهالی مازندران وحشتی حاصل شده و کار بکارزار کشیده مازندرانیها
فضلعلیخان را در ارک ساری محصور کرده اند اعلیحضرت همایون فرخ خان کاشی غفاری را که مردی کاردان بود باصلاح
این غوغا مامور فرمودند او وقتی رسید که کار بجدال کشیده و از اصلاح گذشته لهذا فضلعلیخان را بدار الخلافه
فرستاد و اهالی مازندران را استمالت نموده حاکم دیگر برای اینولایت استدعا نمود لهذا حکم همایون صادر شد
که او خود چندی برتق و فتق امور مازندران بپردازد تا بعد از وصول موکب همایون بدار الخلافه حکم مجددی در این
باب شرف صدور یابد نیز از وقایع عرض راه آنکه جماعتی از امنای حضرت باهم همداستان شده عریضه مشتمل بر
سهو و خطای حاجی میرزا آقاسی بحضور مبارک دادند اعلیحضرت پادشاه کار آگاه برآشفته آن عریضه را بحاجی دادند
حاجی بزرگواری کرده برای آنکه با کسی دل بد نکند عریضه را نخوانده سوزانید و مطلقا چیزی از اینمقوله بروی

خود بنا ورده هم در اینسال نواب بهرام میرزا ایالت لرستان و عربستان را منظم نموده یعنی محمد تقی خان بختیاری را
که از خدمت دیوان رو گردان و در معاقل جبال متواری بود استمالت کرده اطمینان داده و او و علینقی خان برادر خود را
با جمعی برسم گروی ملتزم رکاب والا نمود و نواب معظم بنظم صفحات خوزستان رانده شیخ مذکور شیخ اعراب بنی لام را
که براه شرارت و خودسری رفته بود معزول و شیخ نعمه را بجای او منصوب نموده بکرمانشهان مراجعت کردند و در چهارم
شوال حسب الامر از کرمانشهان حرکت کرده بدار الخلافه آمدند و منوچهر خان معتمد الدوله بحکومت آن صفحات
منصوب شد و نظمی کامل در آن نواحی داده هم در اینسال اعلیحضرت همایون میرزا حسن طبیب شیخی را بتذهیب و تعمیر روضه
کاظمین علیهما السلام مامور و روانه داشتند و او بخدمت را بانجام رسانید و در اینسال نواب شاهزاده محمد قلی میرزای
ملک آرا بتوقف همدان مامور گردید و نواب اردشیر میرزا بحکومت مازندران رفت و میرزا اسدالله خان نوائی بوزارت
او برقرار گشت و عباسقلیخان جوانشیر حاکم کاشان باستان مبارک احضار شد و شاهزاده بهمن میرزای بهاء الدوله
بجای او حکومت کاشان یافت سیف الله میرزا بحکومت سمنان و فتح الله میرزا بحکومت همدان و محمد خان ایروانی امیر تومان
گردیده بحکومت عراق منصوب شد و سیف الملوک میرزا بتوقف قزوین مجبور گردید هم در اینسال میرزا جعفر خان
مشیر الدوله بسفارت اسلامبول و اقامت در دربار دولت عثمانی مامور و روانه شد هم در این سال نواب فریدون
میرزا بفرمانفرمائی فارس برقرار و میرزا محمد تقی آشتیانی ملقب بقوام الدوله بوزارت این مملکت نایل و نواب فیروز میرزا
بحکومت کرمان منصوب گشت هم در اینسال میرزا آقاخان نوری بوزارت کل عساکر منصوره نظام و غیر نظام و نشان
سرتیپی اول نایل آمد اروپا (المان) بروز و باد راطریش (فرانسه) الیبو نام قصد قتل پادشاه نموده و لکن گرفتار
شده و مقتول گردید طاق نصرت پاریس که اول بنای آن ناپلیون اول کرده باتمام رسید لوئی ناپلیون برادر زاده
ناپلیون اول در استراز بورگ فتنه برپا کرده گرفتار میشود ولی او را بدون تحقیق آزاد نموده باتانونی جلا میدهند
جمعیت فرانسه در اینسال شصت و هفت کرور است (عثمانی) برای آنکه طاعون ببلاد عثمانی سرایت نکند ایجاد
قرانتین مینمایند و این اول ایجاد قرانتین است در این مملکت

سنه ۱۲۵۳ هجری — سنه ۱۸۳۷ مسیحی

آسیا (ایران) در این سال موکب همایون اعلیحضرت محمد شاه عازم هرات شد و نواب مستطاب والا فرهاد میرزا
(حاجی معتمد الدوله) را نایب الایاله و مامور توقف دار الخلافه فرمودند نواب مستطاب معظم در کتاب جام جم
میفرمایند روز یکشنبه نوزدهم ربیع الثانی سال هزار و دویست و پنجاه و سه هجری اعلیحضرت شهریار غازی
بجانب هرات و ممالک مشرق زمین لشکر کشیده از طهران روانه شدند و در چهاردهم شعبان همین سال
غوریان فتح شد و در بیست و دویم شعبان بدور هرات وارد شدند و ده ماه محاصره طول کشید و بچند علت که عمده
اختلاف سران سپاه بود نیز سرجان مکنیل وزیر مختار دولت انگلیس بجهت مداخله وزیر مختار روس غرافسمونیچ
در امور افغانستان راضی براینکار نبود تسخیر آن شهر ممکن نشد و در نوزدهم جمادی الآخره سال هزار و دویست و پنجاه
و چهار هجری از خارج هرات حرکت کرده در نوزدهم شعبان سنه مذکوره بمقر خلافت وارد شدند و مدت
شانزده ماه سفر طول کشید انتهی

توضیح آنکه کامران میرزا حکمران هرات که پیوسته خود را بسته بدولت ایران میدانست و در اغلب موارد بامداد حکام
خراسان امور خود را منظم میساخت این اوقات برخلاف راه مخالفت پیش گرفت و قصد تسخیر سیستان کرده و حاکم

نسبتاً این فقره را بعرض آستان همایون رسانیدند سرداران افاغنه که روی دل بدین حضرت داشتند انتهاض موکب اعلی را
بجانب خراسان استدعا کردند و هر یک بتشریف و منشوری سرافراز شدند و قنبر علیخان ماکوئی شمشیری که قبضهٔ آن مکلل
بالماس بود بافتخار کهندل خان برد و موکب همایون بباغ نگارستان نقل مکان فرمود و حاجی میرزا آقاسی و تمامی امرا و
ارکان دولت نیز در خارج شهر خیام گوناگون افراشتند و عساکر ایران از اطراف روی بدار الخلافه نهادند مقارن
اینحال فتح محمد خان فرستادهٔ کامران میرزای افغان با پنجاه طاقه شال کشمیری و پانزده راس اسب تکه و عریضه بحضور
همایون آمد و اظهار متابعت نمود ولی در نیت سفر تبدیلی روی نیافت نواب امیرزاده حمزه میرزا و حسنخان سالار
اصلان و سی هزار سواره و پیاده از پیش حرکت کردند که در نیشابور باردو ملحق شوند و حبیب الله خان شامبیاتی
امیر توپخانه را حکم دادند که با شصت عراده توپ راه خوار را پیش گرفته مقدمة الجیش باشد و روز یکشنبه نوزدهم
ربیع الثانی از نگارستان انتهاض فرمود بشریف آباد نزول اجلال شد در اینجا نواب سلطان مراد میرزا با شش هزار
نفر بحکمرانی عراق مأمور فرمودند که بنظم آن صفحات پردازد و نواب بهرام میرزا بحکمرانی قزوین منصوب نمودند
و طهماسبقلیخان قزوینی وزارت نواب معزی الیه یافت روز بیست ششم ربیع الثانی موکب اعلی وارد سمنان شد
و سیف الله میرزا حاکم آن ولایت بخدمات پرداخت پس از یکهفته از سمنان حرکت کرده در دهم جمادی الاولی
بچمن بسطام رسیدند و چهل روز در اینجا توقف شد و شنیدند که امپراطور روس نیکلای بطرف تفلیس و ایچ کلیسا
عزیمت نموده و نامه بشهریار غازی نوشته که اگر مایل باشند بدانجا توجه فرموده ملاقات نمایند چون سفر هرات
مانع مرام بود حضرت شاهنشاهزادهٔ اعظم ولیعهد دولت علیه ناصر الدین میرزا (اعلیحضرت همایون شاهنشاهی
ناصر الدین شاه) را بملاقات اعلیحضرت امپراطور روس مأمور فرمودند و حضرت ولیعهد در آنوقت قریب بهفت
سال از عمر مبارک ستان گذشته بود بخط احسن محمد طاهر خان وکیل قزوینی از چمن بسطام بدار الخلافه مأمور شده
از نواب والا فرهاد میرزای نایب الایاله یکزوج شال رضائی کشمیری و پنج رشته تسبیح مروارید و چهارده راس اسب
ترکمانی بجهة هدیه امپراطور گرفته بحضرت ولیعهد گردون مهد بتبریز برده که در رکاب والا متوجه تفلیس
گردد و محمد خان زنگنه امیر نظام و حاجی ملا محمود نظام العلماء و میرزا تقیخان فراهانی وزیر نظام و عیسی خان
قاجار خال حضرت ولیعهد بیهمال و میرزا محمد حکیمباشی در رکاب حضرت مستطاب معظم بکنار رود ارس آمدند
و هفت نفر از صاحب منصبان روس با کشتی مخصوص بخدمت حضرت مستطاب ولیعهد ابد مهد آمده ایشانرا با همراهان
از رود ارس عبور دادند و بلوازم تعظیمات و مهمانداری پرداختند در ماه رجب بایروان رسیدند و یکروز بعد از
ورود حضرت معظم بایروان اعلیحضرت امپراطور با هفت نفر از خواص خود باینشهر ورود کردند و بارون روزن
را نزد حضرت ولیعهد فرستاده اظهار مودت و اتحاد و مهربانی کامل نمودند و پس از مقالات مقرر شد فردا سه
ساعت از روز گذشته بارون مشار الیه بخدمت حضرت ولیعهد آید که بحضور امپراطور معظم روند روز
دیگر کالسکهٔ مخصوصی آورده حضرت ولیعهد را در آن نشانیده خود با امیر نظام و سایر همراهان بحضور اعلیحضرت
امپراطور رفتند اعلیحضرت معظم زیاده از حد با حضرت ولیعهد مهربانی و ملاطفت نموده و انگشتری الماس
گرانبهائی که صورت امپراطور در آن نقش بود بدست خود بانگشت مبارک حضرت معظم نمودند و امیر نظام همراهان
حضرت را معرفی کرد پس از محاورات لایقه و سؤالات اعلیحضرت امپراطور و اجوبهٔ متینهٔ حضرت ولیعهد که همه
مستوجب تمجید و موجب تحسین کامل گردید مراجعت فرمودند و هدایا و نامهٔ مودت علامهٔ اعلیحضرت شهریار ایرانرا

تقدیم نمودند و از روز ورود بابروان تا روز خروج و بازگشت هشت روز طول کشید و اعاظم امرای خود
هر یک از همراهان حضرت معظم ولیعهد را بعطیهٔ شایان درجهٔ اختصاص دادند و پس از ورود بتربت حیدریه تمثال الماس
برلیان و نشان عقاب بنکه مخصوص سلاطین است برای حضرت ولیعهد ارسال داشتند و پس از وصول این اخبار موکب
همایون شهریار غازی براه هرات پیش گرفتند و الله یارخان آصف الدوله را از ارض اقدس برکاب اعلی احضار فرمودند
همدر این اوان اللهقلیخان توره جمعی از ترکمنهٔ ککلان را بوعده و وعید بخوارزم طلبید و بعضی را بکوچانیدن آنها
فرستاد نجفقلیخان شادلو با دسته از سواران جرار باسترداد ترکمنهٔ مزبوره رفته خوارزمیهارا شکست داده پانصد
خانوار از ککلان را گرفته به بجنورد برده سکنی داد و آصف الدوله برکاب مبارک پیوسته بتجهیز لشکر خراسان
مامور شده بارض اقدس بازگشت و اردوی همایون در بیستم جمادی الثانیه از چمن بسطام حرکت کرده بخیرآباد و مزینان
و سبزوار راندند و حبیب الله خان شاهسون امیر توپخانه در اینجا برکاب اعلی پیوست و نجفخان تنکابنی نیز با فوج خمسه
و قزوین و تنکابن در رسید و کلیته بتربت جام آمدند آصف الدوله با چهار عراده توپ و چهارده هزار نفر بنظم
بادغیسات مامور شد و در منزل قدمگاه حاجی میرزا آقاسی و جمعی از اعیان رخصت زیارت یافتند و پس از نیل این
شرف باردوی معلی پیوستند و موکب اعلی روز بیست و هشتم رجب بتربت شیخ جام رسید و از محمود آباد و کوسویه
و کنار هری رود بغوریان راندند و روز ورود بغوریان سواران شیر محمد خان برادر یار محمد خان که در آنجا سرحددار
بود از غوریان بیرون آمده با محمد خان امیر تومان تلاقی کرده شکست خوردند و روز هفتم شعبان حوالی غوریان معسکر
شهریار قضا توان گردید و حکم بتسخیر قلعه دادند و روز چهاردهم ماه مزبور غوریان مفتوح شده شیر محمد خان
با اکابر افاغنه بحضور مبارک آمدند و میرزا اسد الله خان قاینی بحراست این قلعه و ناحیه مامور شد و موکب اعلی
در بیست و دوم شعبان بظاهر هرات نزول فرمود و شروع بمحاصره کردند شمس الدین خان افغان برکاب مبارک آمده
در سلک ملازمان منسلک گردید و روز پانزدهم رمضان یار محمد خان افغان بر فراز برج آمده اظهار اطاعت کرد
و عزیزخان سرهنگ مکری با اهل هرات شده با کامران میرزا گفتگو نمود و عریضهٔ از او بحضور همایون آورد ولی
مبنای سخن بر دروغ و تزویر بود و این معنی معلوم شده باز نایرهٔ قتال اشتعال یافت کامران میرزا پسر خود نادر میرزا
را نزد اللهقلیخان خوارزمی فرستاده از او و خوانین میمنه و هزاره استمداد کرد اللهقلیخان هزار و پانصد سوار
بخلیفه عبد الرحمن که مردم آن صفحات با و ارادت داشتند ابواب جمع کرده و او نیز نزد مضرابخان والی میمنه رفته
ششهزار سوار از میمنه و اندخود و شبرغان فراهم کرده قصد امداد کامران میرزا نمود شیر محمد خان هزاره نیز
چهار هزار نفر نزد عبد الرحمن فرستاد و او مهیای جنگ شد آصف الدوله که بطرف بادغیسات رفته بود
در اندخود جنگها کرده در هر یک غلبه نمود و ملا عبد الحق پشتکی در هرات بمسجد رفته پس از وعظ باسم جهاد مردم را
مهیج شد و جمعی جمع شده از دروازهٔ خوش بیرون آمدند که باردوی همایون حمله نمایند قراولان محمد خان امیر تومان
با آنها برخورده بجدال پرداختند و علی محمد خان کرد بچه دراینواقعه مقتول شد و محمد صالح خان پسرش بجای او برقرار
گردید بالجمله همه روزه در خارج و داخل هرات جنگ درکار بود و ذیل قضیه طولانی گردیده و چیزیکه بیشتر عایق
نیل مرام شد این بود که باطنا امرا باهم مخالفت همی ساختند و علی رغم یکدیگر کار میکردند همدر این سال خسرو
خان گرجی حاکم اصفهان چون چند نفر شفاعت علمای شهر را قبول ننمود مردم بر او بشوریدند و او را در عمارت
هفت دست محصور کردند فرخ خان کاشی غفاری بتحقیق ماجری مامور اصفهان شد و معلوم کرد که فیمابین

اهالی و خسرو خان اصلاح نمیشود لهذا خسرو خان بدربار همایون احضار شد و فرخ خان چهار ماه با مور ولایتی رسیدگی میکرد تا فضلعلیخان قراباغی بحکومت اصفهان منصوب شد و فرخ خان حسب الامر بعضی ظروف واداوات مرصع تمام نموده روانه هرات شد و در ظاهر هرات بحضور همایون مشرف گشت و میرزا جواد که در وزارت اصفهان و مال دیوان دخلی داشته بر ضد حکومت بود فضلعلیخان او را نابود کرد و نواب مؤید الدوله طهماسب میرزا حاکم همدان احضار شده بهرات رفت هم در این سال فضان آقا باور توپخانه بسرهنگی توپخانه نایل آمد هم در اینسال شاهزادگان که در قلعه اردبیل مامور و متوقف بودند نقبی از قلعه اردبیل بخندق و خارج شهر بواسطه حفاری احداث کرده رکن الدوله علینقی میرزا و پسرش نصر الله میرزا و ظل السلطان و امام وردی میرزا از آن نقب خارج شده خود را بخاک روس رسانیدند ولی از حمایت امپراطور مایوس گشته باسلامبول رفتند و از آنجا بعتبات عالیات آمده رحل اقامت افکندند هم در اینسال حسینخان مقدم اجودانباشی مامور باسلامبول و پاریس شد و نواب اردشیر میرزای حکمران مازندران برحسب امر اعلی بتادیب قیاث نام ترکمان از طوایف جعفربای که در جزیره چرکن در دریای خزر محاذی بادکوبه بفساد و شرارت اشتغال داشت روانه شد هم در اینسال بندر محمره را بحکم علیرضا پاشا والی بغداد خراب کردند و بدینواسطه میرزا تقیخان روانه ارزنة الروم شد و شرح آن بیاید ببروز طاعون در آذربایجان اروپا (انکلیس) فوت گلیوم چهارم پادشاه انکلیس و جلوس برادرزاده اش ویکتوریای اول در سن نوزده سالگی (المان) بعد از فوت گلیوم چهارم پادشاه انکلیس که سلطنت هانور را در المان هم داشت دوک دوکومبرلاند پسر ژرژ سیم موسوم به ارنست اگوست که اول پادشاهی هانور را میکرد بسلطنت مستقله هانور شناخته شد (بلژیک) ایجاد چند شعبه راه آهن (دانمارک) شکنجه که از طرف دولت بمقصرین میشد موقوف و متروک گشت (اسپانیول) شورش دن کارلس که ادعای سلطنت داشت وقشون کشی او تا حوالی پایتخت و شکست خوردن او (فرانسه) فتح شهر قسطنطین در الجزایر مسافرت دومنت داورویل بقطب جنوب ایجاد تلکراف و قوه برقیه بوضع حالیه (ایطالیا) بروز وبای خیلی سخت در سیسیل (روس) فوت پوشکین شاعر معروف (عثمانی) سیاحت سلطان محمود خان سلطان عثمانی در ایالات داخله خود امریکا (اتائونی) مارتن وان بورن بریاست جمهوری برقرار میگردد

وهم محمد صادق خان نوایب بنشان شکال یا الماس ایده وجه او را سرهنگی نایل آمد

سنه ۱۸۳۸ مسیحی

سنه ۱۲۵۴ هجری

آسیا (ایران) در اول اینسال هرات در بند محاصره بود و مستر مکنیل وزیرمختار انکلیس که از فقود کار هراتیان خبردار شده و از دار الخلافه حرکت کرده باردوی همایون رسید و اجازت خواست که داخل هرات شد که کامران میرزا را اطمینان داده بحضور مبارک آورد ولی برعکس نمود و تعهد کرد که اردوی همایون را از ظاهر هرات حرکت دهد وزیرمختار روس عزافسمنو ویچ نیز ده روز بعد از وزیرمختار انکلیس از دار الخلافه حرکت کرده باردوی معلی پیوست و در این ایام چند توپ قلعه کوب از مس در اردو ریختند و بر بالای باستیانها بردند و کار محاصره سخت تر شد و قحط و غلا در هرات مزید بر سایر صدمات گردید و خلقی از شهر خارج شده باردو آمدند و بامر اعلی آنها را غذا و لباس دادند هم در این اوان میرزا علینقی منشی فراهانی که بنا بر اسرار چون بعضی رازهای مخفی را آشکار کرده بود سیاست شد و عریضه از کامران میرزا بحضور همایون رسید که در افتتاح آن این بیت نوشته شده بود (ای باغبان چو باغ زمرغان تهی کنی کاری به بلبلان کهن آشیان مدار) و در ضمن عریضه اطمینان

خواستند حاجی عبدالمحمد محلاتی باستمالت او بهرات رفت اما وزیر مختار انگلیس غلبه بر هرات را اسباب اختلال کار
هندوستان دانسته در معاودت موکب منصور بدار الخلافه ابرام میداشت همدر اینسال در پنجم ماه صفر فرستادگان
مودود خان و ابراهیم خان فیروزکوهی با عریضه و پیشکشی بحضور مبارک آمده اظهار عبودیت کردند و مورد مراحم
پادشاهی گردیدند همدر این اوان قنبر علیخان که بقندهار مأمور شده بود بازگشت و شاه پسند خان از طوایف
افغان اسحق زائی در قلعهٔ لاش جوین و شاه پسندخان سیستانی برادر علیخان بدو پیوستند و باردوی همایون
آمده مورد الطاف پادشاهی گردیدند و خداداد خان نیز از جانب کهندلخان با دو زنجیر فیل و عریضه بدربار معلی
آمده عریضه داشته که استدعای کهندل خان این است که بامر اعلی لشکر قندهار را کوچ داده بحضور همایون آید اعلیحضرت
اقدس محمد شاه در جواب فرمودند اکنون بلشکر قندهار حاجتی نیست اگر کهندل خان مهیای خدمت است با لشکر
برسر جلال الدین میرزا پسر کامران میرزا که در فراه و اسفزار حکومت دارد برود و او را مقهور سازد نیز در اواخر صفر
اینسال محمد عمرخان ابن کهندلخان با چهار هزار سوار برکاب اعلی آمد و بعد از مراجعت از هرات نیز بدار الخلافه آمده
سالی بیست هزار تومان مقرری یافت بالجمله محمد عمرخان حسب الامر بفراه و اسفزار رفته جلال الدین میرزا را مقهور
ساخته کار محاصرهٔ هرات سخت شد و لشکریان نیز از طول مدت بستوه آمدند و اطراف شهر را تا بیست فرسنگی
خراب کرده بودند وزیر مختار انگلیس در فراهم آوردن موجبات تعلل ساعی بود تا خاطر مبارک از او مکدر شده و بدین
واسطه راه دار الخلافه را پیش گرفت و در عرض راه حکم باو رسید که نایبی روانهٔ هرات کند و خود بلندن حاضر شود
وزیر مختار استدعت نایب اول خود را بهرات فرستاد و خود روانهٔ لندن شد و عساکر منصوره شهر را گلوله باران کردند
همدر این اوان اسکندرخان از سران سپاه زخمی برداشته بعد از دو روز درگذشت و در یورش روز هشتم جمادی
الاولی که نیمی از دیوار حصار هرات را گلوله توپ خراب کرده ولیخان تنکابنی که در این یورش پیشرو بود و علم خود را
بشیر حاجی بستم رسانیده نصب کرده بجهة رسانیدن امداد بلشکر خود بازگشت چون از خندق بگذشت گلولهٔ توپی
سر او را ببرد و بدرجهٔ شهادت یافت و بروسکی صاحب از امیرزادگان لهستان که در خدمت دولت علیه بود بزخم گلوله
هلاک شد و سرخوش خان نیز زخم گلوله یافت و اگر بعضی دسته‌جات مسامحه نمی‌نمودند در این یورش شهر مسخر
شده بود عساکر ظفر مآثر باشارهٔ علیه مهیای یورش دیگر شدند و متقبل گردیدند که در این حمله شهر را مسخر نمایند اما
ابرام امنا و کارگذاران دولت انگلیس در معاودت موکب اعلی زیاد شد بلکه سفاین جنگی آن دولت بسواحل و بنادر عمان
آمد و بالتصراحه اظهار نمودند که چون فتح شئون ایران هرات را اسباب اختلال حکومت انگلیس در هندوستان است
اگر از آن در نگذرند مودت مبدل بخصومت میگردد اعلیحضرت همایون شهریار غازی بنا بر رعایت دوستی دولت انگلیس
حکم بباز گشت اردوی معلی فرمودند و در نوزدهم جمادی الآخره از خارج هرات حرکت کرده در نوزدهم شعبان وارد
دار الخلافه شدند محمد علیخان ابن آصف الدوله و جعفر قلیخان شادلو با شش هزار نفر بضبط غوریان بماندند و
امیر اسدالله خان بقاین و تون و طبس رفت محمد عمر خان و شمس الدین خان افغان در رکاب اعلی بدار الخلافه آمدند
و نواب سلطان زاده میرزا که بتوقف عراق مأمور بود و پس از نظم آنحدود از بختیاری و عراق و عربستان بشوشتر
و کوهکیلویه و فارس آمده با برادر والاگهر خود فریدون میرزای فرمانفرما ملاقات کرده و از آنجا راه دار الخلافه را
پیش گرفته قبل از وصول موکب همایون بدار الخلافه در راه سمنان باردوی معلی پیوسته و گراف سیمونویچ ایلچی
روس مقیم دار الخلافه بمملکت روس بازگشت و خامل صاحب با هدایا بجای او آمد و موکب پادشاهی بزیارت حضرت

معصومه

معصومه سلام الله علیها انهاض فرمود و شاهزادگان از اطراف بتقبیل عتبهٔ علیه آمدند و قنبر علیخان قاجار مامور
بغداد شد که خسارت محمره را از پاشای بغداد مطالبه نماید هم درین سال چون فیمابین اهالی شیراز و تفنگچیان که در این شهر
بودند نزاع در گرفته و مادهٔ فساد غلظت یافت میرزا نبی خان بفارس و رفع آن غایله مامور شد و رضا قلیخان امیر الشعراء متخلص بهدایت از شیراز بدربار معلی آمده تربیت شاهزاده عباس میرزا بر عهدهٔ کفایت و درایت او موکول امیر دیوان
شد هم درین اوان نواب منوچهر میرزا وفات نمود و میرزا رضای میزان آقاسی مامور خوارزم شد و میرزا مسعود
وزیر امور خارجه بغوربان رفت و نواب بهمن میرزای بهاء الدوله بحکومت یزد منصوب شد و فرخ سیر میرزا بگلپایگان و خوانسار
روانه گشت هم درین سال چون عبدالله پاشای بابان احکام حکام کردستان را پیروی نمیکرد و کسان او در آن
نواحی فتنه و فساد میکردند برضا قلیخان والی کردستان حکم شد او را گوشمالی دهد و محمود پاشا را که بستگی با دولت
ابدآیت داشت تقویت نموده بجای عبدالله پاشا متمکن سازد رضا قلیخان با لشکر کردستان بجانب شهرزور حرکت
کرد اما از آنجائیکه او جوانی طرب و عیاش بود در هر چمنی انجمنی آراست و جامی خواست از طرف عبدالله پاشا
که از کار حریف خبردار بود با سپاهی جرار و هشت عراده توپ بسرعت والی را استقبال کرد و بیخبر در دره کمین نمود
شب در هنگامیکه والی سرخوش بود و سران سپاهش هریک بیخود در گوشهٔ غنوده از کمینگاه بیرون تاخت و جنگ
در انداخت و جمعی را با گلولهٔ توپ هلاک نمود والی و سپاهش راه دور را گذاشته برفتند و اموال آنها را عبدالله پاشا
تصاحب کرده بشهرزور بازگشت هم درین سال اشرار و الواط اصفهان بنای شرارت را گذاشته شبها بخانهٔ
متمولین و تجار رفته بتهدید قتل از آنها دریافت وجوه و نقود کرده بمصارف لهو و لعب خود میرسانیدند بنابر
این منوچهر خان معتمدالدوله بحکومت اصفهان منصوب شد که دفع شر اشرار نماید هم درین سال سلطان عثمانی
برای آنکه مسئلهٔ محمره اسباب نقار دولتین ایران و عثمانی نگردد از امپراطور روس خواهش نمود که باصلاح ذات البین
پردازند امپراطور معظم نامه باعلیحضرت شهریار غازی نگاشته در این باب توسطی کردند و قورت صاحب حامل خط
آن نامه را بحضور مبارک ایصال داشته مقرر شد وزرای مختار و سفرای مقیم دارالخلافه مجلسی منعقد ساخته باتمام
این مسئله پردازند هم درین اوان عریضهٔ امام مسقط با پیشکشی بدربار معلی موصول شد هم درین سال میرزا
ابوالقاسم ابن میرزا محمد تقی منشی الممالک در گذشت اروپا (المان) کلیسای شهر کلنی که در هزار و چهل و هشت
مسیحی بنا شده و ناتمام مانده در این سال مجدداً شروع بساختن آن مینمایند ایجاد چند شعبه راه آهن (انگلیس) مملکت
کانادا از متصرفات انگلیس در ینگی دنیای شمالی بشورش مینمایند تاج گذاری ملکه انگلیس در بیست و هشتم ژوئن
انگلیس در آسیا با روس رقابت و هم چشمی مینماید (اسپانیا) منازعهٔ ما بین عساکر دولت و دن کارلس برقرار است
(فرانسه) فوت تالیران دانا اعاظم رجال تولد کنت دو پاریس پسر ولیعهد منازعهٔ فرانسه با مکزیک (پرتوغال) تولد
پسری که ولیعهد دولت خواهد شد (روس) ایجاد راه آهن از پطرزبورغ بمسکو مسافرت امپراطور روس بالمان
(عثمانی) محمد علی پاشای مصری ولایت مصر را بطور وراثت نسلاً بعد نسل مسئلت میکند همچنین شامات را چون سلطان
عثمانی قبول نمیکند مصمم جنگ میشود ولی بمداخلهٔ انگلیس و فرانسه جنگ واقع نشده بتبعیت سلطان رامیکند مسافرت
رشید پاشا بلندن امریکا (ینگی دنیای جنوبی) جنگ فیمابین شیلی و پرو

سنه ۱۸۳۹ مسیحی

سنه ۱۲۵۵ هجری

آسیا (ایران) بعضی از مورخین در ذیل شرح سال قبل نوشته اند موکب همایون اعلیحضرت شهریار غازی محمد شاه

باجاه

باجماعتی از خواص و لشکریان عزیمت اصفهان فرمود تا ملازمان حضرت بتنبیه اشرار و اجامرهٔ این ولایت سه پردازند و آن نوا
را مصفی سازند و پس از وصول بکاشان الواط اینشهر را گرفته باسترآباد فرستادند و روز بیست و پنجم ذیحجه وارد
اصفهان شده نصرالله خان کشیکچی باشی را بگرفتن اشرار امر فرمودند و یکصد و پنجاه نفر از مردم شریر گرفتار شده تنبیه
شدند و بعضی از آنها را بار دیگر بردند و اهالی اصفهان آسوده شدند نگارنده گوید مسافرت اعلیحضرت شهریاری
باصفهان باینمقصد حرفی نیست ولی نه در سال قبل بلکه سفر همایون در اینسال بوده چنانکه نواب مستطاب والا
حاجی معتمدالدوله فرهاد میرزا در جام جم میفرمایند (در چهاردهم شوال هزار و دویست و پنجاه و پنج هجری باصفهان
تشریف فرما شدند و در روز جمعه هشتم رجب المرجب سنهٔ هزار و دویست و پنجاه و شش هجری مراجعت فرمودند)
بالجمله در این سفر نیز نواب مستطاب والا فرهاد میرزا حاجی معتمدالدوله نایب الایالهٔ دارالخلافهٔ طهران بمهام ملکی
اشتغال داشتند همچنین در اینسال نصرالله خان کشیکچی باشی بحکمرانی فارس منصوب و برادرش میرزا محمدخان کشیکچی
باشی شد و میرزا نبی خان را از فارس احضار فرمودند همدر اینسال الحسینیخان اجودانباشی که بسفارت پاریس رفته بود
با چند نفر از صاحبمنصبان فرانسه بحضور مبارک مشرف شد و نامهٔ پادشاه فرانسه را که مشعر بر اظهار مودت و اتحاد بود تقدیم
نمود همدر اینسال در بیست و هشتم رجب نصرالله خان حکمران فارس درگذشت و نواب والا حاجی معتمدالدوله فرهاد میرزا
بحکمرانی فارس منصوب شدند و میرزا فضل الله علی آبادی نصیرالملک لقب یافته بوزارت نواب معظم برقرار گشت نگارنده
گوید اینواقعه را مورخین در سوانح اینسال ثبت نموده اند ولی حقیقت اینست فوت نصرالله خان و حکمرانی نواب والا حاجی
معتمدالدوله بفارس از وقایع سال هزار و دویست و پنجاه و شش هجری است خلاصه بعد از آنکه نواب مستطاب معظم
بفارس رفتند آن صفحات را نظمی کامل دادند و از آنجا که میرزا قوام الدین برادر میرزا منصورخان حاکم کوهگیلویه بدرد
حاضر شدن بدربار همایون و ادای منال دیوانی تهاون داشت منصورخان سرتیپ فراهانی را با ده عراده توپ و دو
فوج سرباز نظم بهبهان فرستادند میرزا قوام الدین فرار کرده نزد منوچهرخان معتمدالدوله رفت و او را شفیع و
حامی خود ساخت همدر اینوان نواب خانلر میرزا از کرمان احضار شده و فضلعلیخان حکومت اینولایت یافت
همدر اینسال آقاخان محلاتی ابن شاه خلیل الله رئیس طایفهٔ اسمعیلیه که سابقا بیم محصن شده بود اطمینانی یافته
بدارالخلافه آمد و در حضرت عبدالعظیم اعتکاف جست و بنا بر سیادت عمامهٔ سبز بر سر نهاده حاجی میرزا آقاسی
حاجی عبدالمحمد محلاتی را نزد او بر مقدمه فرستاده که آقاخان را کاملا اطمینان داده بدارالخلافه آورد اگرچه آقا
خان بجهت اینکه حاجی عبدالمحمد سابقا از رعایا و اجزای او بوده از اینمعنی استنکاف داشت که بواسطهٔ او بدار
الخلافه آید ولی ناچار تمکین نموده با عمامهٔ سبز بحضور حاجی میرزا آقاسی آمد و بشفاعتش معفو و مرخص شده بخانهٔ
خود رفت پس از چندی از خاکپای مبارک اجازت خواست که با اهل و عیال بزیارت مکهٔ معظمه زادها الله تعالی شرفا
مشرف شود و پس از حصول اجازه اهل و عیال و احمال و اثقال خود را از راه بغداد بعتبات عالیات روانه داشت و
باتباع اسبهای عربی و غیره پرداخت و در مدت دو سه ماه تقریبا پانصد راس اسب عربی تحصیل کرد و در هر جا سوار
دلیری سراغ داشت او را ببذل وجوه فریفته دور خود جمع نمود و در اوایل رجب با ملازمان و برادران خود بجانب
کرمان روان شد چه هواخواهان و مریدهای او که از جمله عطاء اللهی بودند که داخل در طریقهٔ اسمعیلیه شده در
صفحات شهر بابک و آنحدود بودند خلاصه برای تسهیل مرام آقاخان فرمانی مجعول تمام کرده باینمضمون که ما آقاخان را
حکومت کرمان دادیم اهل کرمان باید اطاعت او کنند و نوشتجاتی بر طبق آنفرمان باهالی کرمان نوشته اظهار داشت

کرمان

که من رخصت زیارت مکه خواسته بودم در بین راه حکم حکومت کرمان بمن رسید از آنطرف چون خبر حرکت آقاخان محلاتی
بجانب کرمان با امنای دولت علیه معروض شد احکام ببهاء الدوله بهمن میرزا حکمران یزد در دفع و رد او صادر شد و چنین
تفصیل را بفضلعلیخان قراباغی حاکم کرمان مرقوم داشتند اما آقاخان چون بخارج شهر یزد رسید میرزا حبیب الله نویسنده
خود را با احکام مجعوله نزد نواب بهاء الدوله فرستاد نواب معزی الیه چون هنوز بیخبر بود فرمان داد منزلی در شهر برای آقاخان
مهیا نمایند و چند نفر را معین کرد که روز پانزدهم رجب باستقبال او روند ولی آقاخان وارد شهر نشد و معتذر شد
باینکه مشغول اخذ زکوة جماعت عطاء اللهی هستم و راه کرمان پیش گرفت و احکام دفع و منع او ببهاء الدوله رسید و
نواب معزی الیه با جماعتی آقاخان را تعاقب نمود ولی باو نرسیده بیزد بازگشت و آقاخان بنواحی کرمان رسیده نوشتجات
مجعوله خود را برهم نمود و دیگر اخبار صحیحه شیوع یافت و کارگذاران دولت بفکر اخذ و قید آقاخان افتادند چنانکه
شرح آن بیاید هم در این سال کهندلخان افغان و مهردلخان برادرش که بطهران آمده و بحکم اعلیحضرت شهریار غازی
در شهربابک متوقف بودند و حکومت آن بلده را اختیار آنها بود بنا بر نزاعی که فیما بین آنها و اهالی شهربابک در گرفته حاجی
محمدعلی کدخدای شهربابک و سه چهار هزار نفر از طایفه عطاء اللهی و مردم شهر و قری افاغنه را محصور نمودند مقارن این
حال آقاخان در رسید و اینواقعه را از نتایج اقبال خود دانسته و چنان پنداشته که بعد از تسخیر ارک شهربابک و تصرف
اموال و اثقال کهندلخان والی قندهار و کسان او فتح کرمان و جذب قلب اهالی آسانتر خواهد بود بنابراین در محاصره
افاغنه تاکیدات نمود و برادر خود محمد باقرخان را بسیرجان فرستاد و در قلعه زیدآباد جای گرفته و در این اوان اخبار
بدار الخلافه بفضلعلیخان رسید و با جماعتی قصد آقاخان کرد و ابتدا بر سر محمد باقرخان تاخت محمد باقرخان از آقاخان
استمداد نمود و او با جماعتی بزیدآباد آمد و لدی الوصول بجنگ پرداخت و شکست خورد و با جمعی بلار گریخت فضلعلی
خان بشهربابک آمده آنجا را منظم ساخت و شنید که آقاخان بطرف اسفندقه و جیرفت تاخته و در آنجا جمع آذوقه
اصراری کامل دارد بمحض استحضار فضلعلیخان سواران خود را برداشته بدانطرف شتافت و سرفوج سرباز و دو
عراده توپ نیز از کرمان بخواست و در اینوقت معلوم شد که آقاخان از اسفندقه بگرمسیر رفته فضلعلیخان مصلحت
ندید که شهر را رها و او را تعاقب کند لهذا بکرمان آمد همدر اینوقت میرزا رضای میرزا آقاسی که بخوارزم رفته بود
با فرستاده اللهقلیخان اوزبک خیوقی که اتا نیاز محرم نام داشت و چند راس اسب پیشکشی بدار الخلافه آمد و موکب شهریار
منصور غازی از راه خوانسار و گلپایگان بنهاوند تشریف فرما گشته از آنجا بهمدان نزول اجلال فرمودند و مردم
گلپایگان که از حکومت نصرت الدوله فرخ سیر میرزا شکایتی داشتند باو تهمت بستند که قصد مخالفت دارد بنابراین بخشعلی
خان باحضار او رفته و او در قزوین برکاب اعلی پیوست و معلوم شد که آنچه باو نسبت داده اند محض تهمت بوده است
پس از ثبوت مطلب نصرت الدوله مشمول الطاف پادشاهی گردید همدر این اوان فرخ خان غفاری که از منازل عرض راه اصفهان
بتحقیق حال امان الله خان افشار وزیر گیلان رفته بود معلوم نمود که مشار الیه بجهة اظهار قدس و تقوی حرکاتی
میکند که اسباب تسخیر مردم و عدم پیشرفت عمل وزارت و خدمت دیوانست مراتب را بواسطه عریضه معروض
آستان مبارک داشت اعلیحضرت همایون یحیی میرزا حاکم گیلان را با امان الله خان وزیر بحضور مبارک احضار فرمودند
و مقرر شد فرخ خان برتق و فتق امور گیلان و رسیدگی بعمل مالیات بپردازد و یحیی میرزا بوزارت محمد امین خان
نسقچی باشی بگیلان رفت و فرخ خان پیش از رسیدگی بامور آنولایت دستور العمل بمحمد امین خان داده بعد از هشت
ماه برکاب اعلی پیوست و بعد از ورود موکب همایون بدار الخلافه باهره جهانگیر میرزا و جلال الدین میرزا پسران کامران

میرزا حکمران هرات بقصد ملازمت آستان اقدس بحضور مبارک آمدند و مورد الطاف کامله گردیده منزل و رابته
و انعام لایقه درباره آنها مبذول شد و همدر این اوان سلیمانخان امیر تومان گیلانی که حکومت خمسه داشت معزول
و نواب حمزه میرزا بجای او منصوب گشت و چون سابقاً از جانب دولت عثمانی عبدالرزاق افندی با ملا عبدالعزیز
کاشانی مجتهد که در این امور سرحدات متصله خاصه قضیه محمره برکاب همایون آمده بودند در این اوان اذن
مراجعت یافته بجانب بغداد رفتند و در باب آمد و شد تجار و رفع اجحاف عساکر و مامورین عثمانی با آنها
تاکیدات شدید از وقایع اینسال آنکه دولت انگلیس شجاع الملک بن تیمور شاه را تقویت کرده با بیست هزار کس از
راه پنجاب و پیشاور بطرف جنوب قندهار فرستادند و لرد سر ولیم مکناتن را وزیر او قرار دادند و کهندلخان و
برادرانش مهردلخان و رحمدلخان چون دانستند که در قندهار محصور خواهند شد چنانکه پیش اشاره کردیم
اهل و عیال خود را با پانصد سوار برداشته بدربار شهریار غازی آمدند و در ماه رمضان اینسال وارد طهران شدند
شهریار بلوک کرمان و هرات و مروست فارس که متصل بیکدیگر میباشند بسیورغال آنها مرحمت شده سه سال در آنجا بودند
تا لشکر انگلیس در افغانستان شکست خورده برگشتند و کهندلخان مرخص شده در ماه ذیقعده هزار و دویست
و پنجاه و هشت هجری بقندهار شتافتند وفات نواب قهرمان میرزا در تبریز اروپا (انگلیس) بیهانه کمک والی
افغانستان قشون انگلیس مملکت سند را متصرف شده و بعد قندهار و کابل و غزنی را مسخر مینمایند مخاصمه با چین که
بیست هزار صندوق تریاک را بدریا میریزند تسخیر شهر عدن در عربستان ببهانه غیر موجهی بتصرف انگلیس در میاید
(دانمارک) فوت فردریک ششم پادشاه و جلوس کریستیان هشتم بجای او (فرانسه) زلزله سخت در جزایر
مارتنیک فتوحات در الجزایر مصالحه با مکزیک اختراع عکس انداختن در صفحه نقره که مخترع مسیو داگر میباشد
(روس) قشون کشی این دولت در قفقاز بر سر شورشیان اعلان جنگ بخیوه (عثمانی) منازعه عثمانی با مصر
ابراهیم پاشا در نصیبین حافظ پاشا سردار عثمانی را شکست میدهد وفات سلطان محمود خان و جلوس پسرش
سلطان عبدالمجید خان در شانزده سالگی بجای او

سنه ۱۲۵۶ هجری — سنه ۱۸۴۰ مسیحی

آسیا (ایران) در اوایل این سال فضلعلیخان حاکم کرمان عریضه بدربار معلی فرستاده لشکری برای تقویت
خود در دفع آقاخان محلاتی استدعا نمود امنای دولت علیه حبیب الله خان امیر تومان را با پیاده و سواره و توپ
خانه روانه کرمان نمودند و قبل از ورود او بکرمان آقاخان استعدادی بهم بسته قصد تسخیر کرمان کرد فضلعلی
خان عبدالله خان سرتیپ را با دو فوج ملایر و تویسرکانی و دو عراده توپ جلو آقاخان فرستاد و ولیمحمدخان سرتیپ و نیز جمعی
کرمانی نیز از عقب او حرکت کردند اسفندیارخان برادر فضلعلیخان در دشت آب با آقاخان تلاقی کرده مشغول
جنگ شدند اسفندیارخان مقتول گشته جمعیت او متفرق گردیدند و فوراً آقاخان حمله بر عبدالله خان نمود عبدالله
خان در قلعه بزنجان متحصن شد آقاخان از او در گذشته بطرف ولیمحمدخان تاخت و در حمله اول همراهان او را
شکست داده خود او را دستگیر کرد و در قلعه مشیز هفت فرسنگی کرمان فرود آمد و همه روزه کاغذ و پیغام او
با اعیان شهر میرسید و در اغوای آنها جهدی داشت و اصرار میکرد که فضلعلیخان را گرفته نزد من فرستید مقارن
اینحال امیر تومان در رسید و بر سر آقاخان رفته جنگ مابین در گرفت و بعد از کشش و کوشش لشکر آقاخان منهزم
گشته باز بقلعه مشیز آمد امیر تومان وارد شهر کرمان شده با فضلعلیخان مصمم شدند که بقلع ماده فساد آقاخان

پردازند

پردازند آقا خان داشت که از عهدهٔ آنها بر نمی آید و در قلعهٔ مشیر محصور خواهد شد از قلعه بیرون آمده راه بم و نرماشیر پیش گرفت فضلعلی خان او را تعاقب کرده در سرحد بلوچستان در منزل موسوم به ریکان باو رسید و نایرهٔ قتال باز اشتعال یافت و لشکر آقا خان هزیمت یافته خود او از راه بیابان بقندهار و از آنجا بهندوستان رفت و در آنجا متمکن شد هم در اینسال فیمابین ایلات قشقائی و قبایل الوار و ممسنی در فارس نزاع و آشوب در گرفت نواب والا فرهاد میرزا (حاجی معتمد الدوله) میرزا فضل الله نصیر الملک را در شیراز گذاشته بطرف قبایل ممسنی رفتند و معاقل و اماکن آنها را با خاک یکسان کردند و قلعهٔ طوس و قلعهٔ نوذر را خراب نمودند و از قبایل الوار کرم کان بکر فیشل و ولیعلی خان برادر خانعلیخان رستم را که در فهلیان مرتع و مسکن داشت و فرد مفسدی بود با چند نفر دیگر که آنها نیز از اشرار بودند سیاست کردند خانعلیخان رستم بزرگ طایفه خایف و یاغی شده بماهور میلاتی که متصل بجد و دکوهکیلویه جائی صعب المسلک است رفت نواب معظم شکر الله خان نوری را که در اصفهان معروف بود برای نظم آنجا و در بهبهان شهر کوهکیلویه متوقف ساخته از تمام رؤسای ایلات گروگان گرفته باو سپردند که روانه شیراز دارد و میرزا کوچک یاور توپخانه را با توپ و سرباز در ممسنی گذاشته حکومت دادند و خود با جمعیتی از راه خشت و کمارج بطرف بوشهر رفته آنصفحات را منظم فرموده در ماه ربیع الاول سنهٔ هزار و دویست و پنجاه و هفت وارد شهر شیراز گردیدند و در ازای خدماتیکه در این مملکت نموده بودند با عطای نشان تمثال اعلیحضرت همایون محمد شاه مفتخر گشتند هم در اینسال یار محمد خان برادر یار محمد خان وزیر هرات از جانب کامران میرزا با پیشکش و هدایا بدار الخلافه آمد و معلوم شد که افاغنه از سلوک انگلیس کمال کراهت بهم رسانیده و پشیمان گشته اند که چرا اطاعت شهریار ایران را ننموده لهذا سکه بنام همایون زده اند و خطبه را نیز باسم مبارک میخوانند و برخود مخیر نموده که در طریقه انقیاد راسخ و ثابت قدم باشند هم در این سال فیمابین حاجی خان شکی حاکم کرمانشاهان و ایلات آنولایت خلاف در گرفت و منشأ مخالفت امر مذهبی بود باینمعنی که حاجی خان بر طریقه اهل سنت و جماعت بود و ایلات توابع کرمانشاهان غالبا از غلاة میباشند حاجی خان میخواست رعایای ولایت محکومه خود را بر طریقه خود آرد و دارد و معلوم است غالی چگونه سنی تواند شد بدینواسطه کدورت در کار بود و کم کم ایلات بخیال یاغیگری افتادند حاجی خان شکی بکرند رفت که ایلات یاغی را مطیع کند مردم کرند از در اطاعت در آمدند و قبول خدمت کردند و مستدعی شدند که کسی را با دین و آئین آنها کاری نباشد حاجی خان تعهد کرد و کار باصلاح انجامید ولی بعد از اصلاح میان یکی از اهالی کرند و ملازمی از ملازمان حاجی خان بر سر دریافت آذوقه نزاع در گرفت و ملازم حاجی خان مقتول شد حاجی خان متغیر شده حکم کرد تمامی اهل کرند را مقید کرده بدار الخلافه برند مردم باشارهٔ حیاتعلی خان بشوریدند و حاجی خان شکی را محصور نمودند او با تیر تفنگ چند تن را بکشت که در بین آنها نیز از پائین و بالا نیز لحاکم در آمدند و او را بکشتند و بعضی جهت مقتول شدن حاجی خان شکی را چیز دیگر گفته اند در هر حال پس از سنوح این سانحه اهالی از بیم مؤاخذه و سیاست بخاک عثمانی داخل شدند و حکمی بعلی رضا پاشای والی بغداد صادر شد که آنجماعت را راه نداده و نگاهداری نکرده معاودت دهد پاشای مشار الیه اطاعت نمود و آنها باز گشتند بعد این کشتند و عبد الحسینخان نجوانشیر بحکومت آنسامان روانه شد هم در اینسال میرزا محمد تقی علی آبادی صاحبدیوان که در دانش و بینش و خلق و خوی مثل و مانندی نداشت در جمعهٔ هفدهم ماه ربیع الثانی در دار الخلافه در گذشت و شاهزاده فتحعلی میرزا پسر شهریار غازی که چهار ساله بود وفات نمود و مستر دباخ حکیم انگلیسی برای استمزاج جدید مصالحه مابین دولتین ایران و انگلیس بدار الخلافه آمده چون مانعی و اکراهی در امنای دولت علیه ندید برای اعلام

بلندن

بلند بازگشت و مکنیل صاحب مامور شده بدار الخلافه آمد و عهدنامه مابین دولتین مجدد شد امر مزاوجت ملکه با
پرنس آلبرت شاهزاده ساکس کبورگ گتا نجات یافتن ملکه از یک قتل ناگهانی فرستادن چند فروند کشتی جنگی
بدریای چین مسئله شرقیه در اینسال عنوان میشود و از آن وقت تاکنون این مسئله فیمابین اهالی مغرب و مشرق مطرح است
توضیح آنکه انگلیس و فرانسه و اطریش و پروس و روس و عثمانی مطالبی را که راجع بمملکت عثمانیست مسئله شرقیه مینامند
و دول مشار الیهم از اینسال تاکنون در مسئله مزبوره مداخله میکنند لرد پالمرستن وزیر انگلیس با دولت روس
اتفاق کرده بر ضد فرانسه در حمایت محمد علی پاشای مصری اقدامات مینمایند و انگلیس و روس و پروس و اطریش در لندن مجلس
کرده در این مجلس محمد علی پاشا را والی بالاستقلال مصر میشناسند و ایالت را برای اولاد او وارث میدانند و عثمانی چون
قبول اینمطلب را مینماید ناپیه سردار بحری انگلیس شهر بیروت را گلوله باران میکند (فرانسه) مسیو تیر بوزارت اعظم بر
قرار میگردد لوئی ناپلیون برادرزاده ناپلیون اول در بندر بولنی خروج کرده بحکم دولت گرفتار و بحبس ابدی میگردد
پادشاه از قتل نجات مییابد بسفاین جنگی فرانسه در اینسال مرکب از دویست و بیست و هشت فروند و سی و پنج هزار
عساکر بحری میباشند جسد ناپلیون اول که در سنت هلن بود ژوانویل پسر پادشاه فرانسه آنرا نقل کرده بپاریس
میآورد و در انوالید دفن میشود (هلاند) استعفای پادشاه و جلوس گیلیوم دویم بجای او (پروس) فوت فردریک
گیلیوم سیم پادشاه پروس و جلوس فردریک گیلیوم چهارم بجای او

سنه ۱۲۵۷ هجری — سنه ۱۸۴۱ مسیحی

آسیا (ایران) در اینسال حبیب الله خان امیر توپخانه که بعد از فرار آقا خان محلاتی مامور نظم بلوچستان بود
روانه قلعه بمپور شده قلعه بمپور را محاصره و مسخر نمود ولی فیمابین عساکر و اهالی بمپور لجاجی پیدا شده آشوب
درگرفت و بسیاری از اهالی آن صفحات کشته شدند و امیر توپخانه تا پنج منزلی قندهار براند و در اینجا حکم معاودت
باو رسیده بازگشت و طپانچه مرصع با قنجاق باو مرحمت شد و چون بدار الخلافه رسید فضلعلیخان قراباغی حاکم
کرمان معزول شده عباسقلیخان جوانشیر بحکومت کرمان منصوب گشت و از آنجا که حبیب الله خان اسباب خونریزی
و هلاکت نفوس و پریشانی زیاد در بمپور و آن نواحی شده بود در هنگام اراده عروسی و سور عیش او مبدل بتطیش
شده بدرود زندگانی گفت هم در اینسال فتحعلیخان مهنی که از سرکشان کرمان بود باهتمام عباسقلیخان جوانشیر
والی کرمان ربقه اطاعت و خدمت بر گردن گرفت هم در اینسال هشتصد نفر سوار ترکمان قصد تاخت مشهد مقدس
کرده محمد ولیخان برادرزاده اللهیارخان آصف الدوله را که بشکار رفته بود گرفته با خود ببردند عساکر خراسان
که ترکمان را تعاقب نموده بآنها نرسیدند امنای دولت علیه چون از ماجری خبردار شدند محمد علیخان غفور را بخوارزم
نزد اللهقلیخان اوزبک بتهدید و استرداد محمد ولیخان فرستادند هم در اینسال مخدومقلیخان ترکمان یکی از
نقشبندیه که دعوی تصوف و کرامت میکرد و بزبان ترکی ترکمانی مناجات و اشعار بنظم درمیآورد ارادت ورزیده
و اطاعت نموده و جمعی دیگر از ترکمانان ککلان و یموت باو گرویده محمدا للتفخیم او را ایشان خوانند و پیر و مرید در نواحی
استراباد بفساد پرداختند محمد ناصرخان قاجار دولو مراتب را بعرض دولت قوی شوکت رسانیده محمد حسنخان سردار ایروانی
و محمد خان امیر تومان که بشرف مصاهرت پادشاهی مفتخر بود با ده هزار سوار و پیاده و توپخانه باستراباد رفته و نواب
اردشیر میرزا حکمران مازندران و جعفرقلیخان شادلوی بوزنجردی با سواران کرد و خراسانی نیز بدانطرف راندند
مخدومقلیخان چون دید چاره جز اطاعت نیست پسر خود محمدخان را با مرشد معروف بایشان روانه گرکان نمود و سایر

ریش سفیدان تراکمه نیز پسر و برادر خود را بنوا و گروگان بار دیگر فرستادند و اظهار داشتند که اگر حکم شود تا خیوه خواهند
تاخت نواب اردشیر میرزا مطالب را بعرض آستان مبارک رسانید رؤسای تراکمه بخلعت و التفات نایل گردیده مقرر شد
که توقف کنند تا محمد علیخان مامور خیوه مراجعت کند اگر محمد ولیخان را خان خیوه فرستاد کسی را با او کاری نباشد
والا راه خوارزم پیش گیرند بمقارن ایلچی اللهقلیخان خوارزمی محمد ولیخان را با اعزاز فراوان بآستان همایون فرستادند
و از خطر لشکرکشی بخوارزم آسوده شد هم درین سال چون محمد تقیخان بختیاری ده هزار سوار از اشرار دور خود جمع کرده
و معاقل جبال پناه جسته دست اندازی بمال التجار و عابرین مینمود منوچهرخان معتمد الدوله بنظم اصفهان و اراضی سرحدات
ایران و عثمانی مامور شد و با شش فوج سرباز و جمعی سوار و ابوالحجی سلیمانخان ارمنی و شش عراده توپ
بخوزستان رفت علینقیخان برادر محمد تقیخان بختیاری که همراه معتمد الدوله بود برادر را خبردار کرد محمد تقیخان برادر
دیگر خود کریمخان را با عریضه و هدایا نزد معتمد الدوله فرستاد و خود نیز در رامهرمز با اشراف قبیله بخدمت معتمد الدوله
آمده مخلع و مورد التفات شد و شبی معتمد الدوله را در قلعه تل مهمانی نمود و درخواست کرد که با قبیله و عشیره در
قلعه مزبوره متمکن باشد و بعد از نوروز بخدمت آید اما چون زمان میعاد در رسید تخلف کرد علینقیخان و محمد حسنخان
قراگوزلو نیز او را اطمینان دادند و او تا پنج فرسنگی شوشتر بیامد و باز توهم نموده برگشت معتمد الدوله حکم کرد
از طوایف چهار لنگ و هفت لنگ سواران جنگی جمع شدند کلبعلیخان و جعفرقلیخان پسرهای اسدخان بختیاری با جمعی
حاضر گشتند و علیرضاخان که پدرش را محمد تقیخان کشته بود نیز با سواران خود مهیای کارزار گردید و معتمد الدوله
از شوشتر قصد قلعه تل کرده سلیمانخان سرتیپ برادرزاده خود را از پیش روانه نمود محمد تقیخان عیال و اموال و
بستگان خود را برداشته بشیخ سامرخان حکمران چعب و فلاحیه پناه برد شیخ مشار الیه چون باخاک سرحد عثمانی قرب
جوار داشت و همیشه پانزده هزار سوار جنگی با او بودند در جبه اطاعت همین بود که گاهی بفرمانفرمای فارس چیزی
میداد معتمد الدوله قلعه تل را بعلیرضاخان سپرده روانه فلاحیه شد و بشیخ سامر پیغام داد که محمد تقیخان را نگاهداری
نکند شیخ سامر گفت او بمن پناه آورده و در عرب ننگ است که از او حمایت نکنم شخص معتبری را باطمینان او بفرستید
تا او را بخدمت آرد معتمد الدوله سلیمانخان را فرستاده محمد تقیخان و شیخ سامر را مطمئن کرده باردو آورد و
مورد نوازش شدند و شیخ سامر مصمم مراجعت گردیده معتمد الدوله گفت علینقیخان و کسان محمد تقیخان را نیز
روانه نماید شیخ در اینکار تعلل نمود و علینقیخان در خفا بجمع کردن سواره و پیاده بختیاری مشغول شد محمد شفیعخان بختیاری
سامانی درخواست کرد که بفلاحیه رود و علینقیخان را بیاورد و چون برفت باز نیامد و علینقیخان و محمد شفیعخان با شیخ
سامر اتفاق کرده بفکر استخلاص محمد تقیخان افتادند و شب هنگامی باردوی معتمد الدوله شبیخون زدند و جنگ درگرفت در حین
هنگامه محمد تقیخان خواست فرار کند میرزا محمدخان دبوسی بر سر او زده حکم کرد او را گرفتند و بخیمه معتمد الدوله برده
مقید نمودند تا وقت صبح تقریبا هشتصد نفر از عرب و بختیاری مقتول گشتند و باقی طریق هزیمت رفتند و از لشکر معتمد الدوله
سی چهل نفر مقتول و مجروح شدند در اینحال جماعتی از مشایخ اعراب که از شیخ سامر شاکی بودند بمعتمد الدوله شکایت
نمودند و شیخ عبدالرضا از اقارب شیخ سامر که فراری و در بغداد بود احضار شد و باردو آمده قبیله باو پیوستند
شیخ عجیل و شیخ عقیل و بعضی از مشایخ دیگر مخلع شدند و منصورخان فراهانی که از جانب حکومت فارس باخذ منال
چعب رفته بود و شیخ سامر او را خالی ببغداد نیز با فوج خود نزد معتمد الدوله آمد و حکم شد بعضی از نخیلات را
قطع کرده بر نهر خزاین پل بستند شیخ سامر پشیمان شده جمعی از علما و سادات را شفیع قرار داد و قبول تکالیف

نموده

نموده گروگان معتبر داد و مهلت خواست و معتمد الدوله مراجعت کرد و محمد تقیخان را مقید با خود برد و بازای این خدمات
یکقطعه تمثال شهریاری و یکقبضه شمشیر و یک رشته حمایل سبز و سرخ از درجهٔ امیر تومانی با کل مرصع مصحوب آقا اسمعیل
پیشخدمت خاصه در عرض راه شوشتر بمعتمد الدوله رسید و محبعلیخان ماکوئی سرتیپ با شش عراده توپ و شش
فوج سرباز و جمعی سوار بروجردی و کرمانشاهانی بمعتمد الدوله پیوستند شیخ سامرخان زیاده خایف گشت و بعلینقی
خان اظهار کرد که مرا قدرت نگاهداری تو نیست علینقیخان با اهل و عیال محمد تقیخان بخانهٔ خلیل خان بهمئی که
با او منسوب بود رفت خلیل خان نیز عذر او را خواسته ناچار بکوهستان رفتند که در معقلی پنهان شوند در عرض راه
بلشکر منصورخان دوچار و تمامی گرفتار شدند مگر علینقی خان که فرار کرده بغداد رفت و بعدها بحکم نواب والا فرهاد
میرزا (معتمد الدوله) او را بگرفتند و بدار الخلافه آورده با برادرش محمد تقیخان محبوس نمودند همدر این اوان
حکومت حویزه را نیز بر عهدهٔ معتمد الدوله موکول فرمودند و چون اثری از تعهدات شیخ سامر بظهور نرسید معتمد
الدوله میرزا محسنخان را بحکومت شوشتر برقرار کرده خود روانهٔ فلاحیه شد و شیخ سامر با عیال و احمال بقلعهٔ
کوت شیخ که حصین تر از قلعهٔ فلاحیه بود رفت و شیخ عبد الرضا را حکومت فلاحیه داد و محبعلیخان را بحکومت بختیاری
فرستاد که دو فوج سرباز از آن طوایف گرفته و معاملهٔ بیحسابهٔ بختیاری را بپردازد و صد خانوار از اعاظم این طوایف بگروگان
بدار الخلافه بفرستد و کلبعلیخان و جعفرقلیخان چهار لنگ و محمد مهدیخان و علیرضاخان هفت لنگ را با محبعلیخان همراه
کرده و شیخ سامرخان تصور نمود که چون تابستان شود معتمد الدوله و عساکر او در حویزه توقف نتوانند کرد و
چون مراجعت کنند او میتواند بر فلاحیه بتازد چون بر خلاف تصور او معتمد الدوله در گرما در حویزه بماند شیخ بکویت
که از اراضی بغداد است گریخت و از غرایب آنکه شیخ عبد الرضا سالها طالب حویزه بود و باین آرزو نایل گردید بیم کرد بگریخت
و برادرش نیز از اردو فرار کرد فدعم و مربد که شیخ سامر آنهارا بگروگان داده بود نیز از شوشتر بگریختند معتمد الدوله
حکومت حویزه را نیز بمولی فرج الله والی خوزستان داد و حکم کرد محمره را آباد کنند و حاجی محمد علی حمصی را از اعاظم تجار نزد
متسلم بصره فرستاد که یا محمره را چنانکه خراب کرده اید آباد کنید یا بصره را مثل محمره خراب میکنیم و بعلی پاشا والی
بغداد نیز همین پیغام داد و در این اوان معتمد الدوله محمد تقیخان بختیاری را مغلولا روانهٔ دار الخلافه نمود و اسبهای
عربی نسبا خوب نیز بدربار معلی انفاذ داشت و حکومت دزفول را بحاجی ملا احمد کرمانشاهانی داد و احمد خان پسر
حسن خان والی فیلی را مرخص کرد که بپشتکوه رود و حکومت لرستان را بر عهدهٔ محمد حسنخان خرقانی واگذار نمود
و مولی فرج الله را بحراست فلاحیه تاکید کرد و محبعلیخان نزد معتمد الدوله آمده حساب بختیاری را پرداخت
بعد از آن معتمد الدوله محبعلیخان را بکرمانشاهان فرستاد که در نظم امور ولایت تقویتی از عبد الحسین خان خواهش
کند ولی عبد الحسین خان از راه سوء ظن مایل بورود و وصول محبعلیخان بکرمانشاهان نشده و چون حکمی نیز از
دار الخلافه بمحبعلیخان رسیده بود که قاتلان حاجی خان شکی را فوراً در کرمانشاهان گرفته بدار الخلافه فرستند و این حکم بدست
عبد الحسینخان افتاده بخوانین کرمانشاهان نمود و آنهارا بر ضد محبعلیخان تحریک کرد و میخواست باتفاق ایشان
با محبعلیخان جنگ کند لهذا عبد الحسینخان معزول و محبعلیخان بحکومت کرمانشاهان منصوب شد و قاتلین حاجی خان
شکی را گرفته بدار الخلافه فرستاد همدر این اوان عبد الله پاشای بابان فتنه در سنندج کرد و محبعلیخان با
پانزده هزار نفر روانهٔ کردستان گردید عبد الله پاشا چون خبر حرکت محبعلیخان را بشنید خایف شده بازگشت
محبعلیخان نیز بکرمانشاهان معاودت نمود و در حکومت مستقل شد و بدزفول و خرم آباد رفته آنصفحات را

منظم

منظم کرده و از بروجرد باصفهان رفت و با منوچهرخان معتمدالدوله ملاقات نمود هم در اینسال در ماه رمضان محمد خان امیر تومان در گذشت هم در اینسال میرزا جعفرخان مشیرالدوله مامور اسلامبول با جازه امنای دولت عهد با وکیل دولت بلژیک منعقد نمود که صورت آن از قرار ذیل است

صورت عهدنامهٔ دولتین ایران و بلژیک

برخردمندان تیزهوش و تیزهوشان سخن نیوش پوشیده نماناد که جناب رب العباد امور معاش و معاد عباد را بمقتضیه ارادت و اختیار سلاطین با عدل و داد نهاد تا کافه برایا در تحصیل مال و حصول آمال و انجاح مطالب و اسعاف مآرب طریق مهربانی و وداد سپرند و پیرامون تعاند و خلاف نگردند بنیان اینمقال آنکه اعلیحضرت کیوان رفعت مشتری سیرت بهرام سطوت خورشید شوکت ناهید بهجت عطارد فطنت قمر طلعت مالک ممالک محروسه ایران وارث تخت و تاج سلاطین کیان ظل الله فی الارضین کهف الاسلام والمسلمین محمدشاه قاجار خلدالله ایام سلطنته الی آخرالاوان و اعلیحضرت فلک رفعت قضا درایت قدر رتبت پادشاه تمامی بلجیک لئوپولد دام الله ایام سلطنته الی آخرالزمان هردو علی السویه چنین مناسب دیدند که بجهت تاسیس قواعد دوستی و محبت و تمهید مراسم یگانگی و مودت و ترفیه حال رعیت و گشایش ابواب منافع تجارت بر روی عامه برایا مابین دولتین علیتین معاهدهٔ دوستی و تجارت منعقد شود لهذا دولت علیه ایران عالیجاه مقرب الخاقان میرزا جعفرخان مهندسباشی عساکر منصوره ایلچی مختار دولت علیه ایران در دربار عثمانیه صاحب نشان صورت همایون و نشان اول شیر و خورشید مرصع پیکر و صاحب حمایل افتخار سبز و سرخ و نشان افتخار دولت علیه عثمانیه را از قرار دستخط اعلیحضرت همایون و امضای جناب جلالتمآب اجل افخم حاجی میرزا آقاسی در این خصوص وکیل و مختار نموده و اعلیحضرت پادشاه بلجیقا از قرار دستخط همایون و امضا نامه جلالتمآب جناب برون فرانو واجان وزیر بحر و وزیر مختار دولت بهیه بلجیقا مقیم اسلامبول صاحب منصب و نشان اعلیحضرت پادشاه تمامی مملکت بلجیق و صاحب نشان درجه اول افتخار دولت علیه عثمانیه را در این باب ماذون و مختار ساخته لهذا مامورین مذکورین بعد از تبدیل اختیارنامه طرفین قرار معاهده را در ضمن هفت ماده بنهج آتیه داده اند

ابرو و عزت دولت فخیمه فرانسه و صاحب نشان

ماده اول دوستی و معاهده مابین دولت علیه ایران و دولت بهیه بلجیقا و تبعه ایشان اساس دوستی مؤبد پایدار و برقرار شود

ماده دویم تبعهٔ دولتین علیتین آمنا و سالما بممالک یکدیگر تردد و گشت و گذار نمایند و هرکدام خواهند با کرایه امر تجارت و نشیمن خود منزل و حجره و اسباب را اجاره کنند ماذون باشند و از طرف مباشرین دیوان ممانعت نشود و در حق آحاد رعیت دولتین رعایت و حرمت ملحوظ شود از اجحاف و ستم محروس و مصون باشند و اگر یکی از دولتین ذی شوکتین با دولتی دیگر جنگ و محاربه داشته باشد اصلا به دوستی ابدی اینعهد دولت بهیچوجه خللی نخواهد رسید

ماده سیم اشخاصی که از تبعهٔ دولتین بهیتین بعنوان تجارت یا سیاحت بممالک یکدیگر میروند تا توقف نمایند در حق آنها لازمه احترام مرعی شود از عوارض و تقسیم معاف باشند و در وقت دخول و خروج تجار دولت بلجیقا از امتعه آنها در یکجا یکدفعه از صدی پنج گمرک زیاده مطالبه نشود و از امتعه تجار دولت علیه ایران مثل تبعهٔ دولتین متحابتین فرانسه و انگلیس موافق تعرفه رفتار کرده ۷

ماده چهارم از تبعهٔ دولت بهیه بلجیقا اگر بطریق سیاحت یا تجارت بممالک دولت علیه ایران وارد شوند برای امنیت و سلامتی آنها از طرف دولت علیه ایران احکام و یا دستورالعمل صادر شود که کسی مزاحم و مانع آنها نشود و حمایت از آنها نمایند

ماده پنجم دولت علیه ایران ماذون نمایند هر دو نفر رئیس تجار از دولت بلجیقا در تبریز و دارالخلافه طهران مقیم شوند که بامور تبعهٔ خود داری کنند و همچنین اگر دولت علیه ایران بخواهند که در شهرهای بروکسل و انورس مملکت بلجیقا رئیس تجار بگذارند ماذون خواهند بود

ماده ششم

مادهٔ ششم اگر مابین تبعهٔ جانبین از باب معامله نزاع و دعوائی اتفاق افتد باستحضار رئیس تجار با ترجمان آن دولت موافق
شریعت و عادت مملکت قطع و فصل آن دعوی شود و در صورتیکه یکی از تبعهٔ دولتین مفلس شود بعد از تشخیص و تحقیق
اموال و اسباب او را فیمابین ارباب طلب بطور غرما سویت و تقسیم نمایند و همچنین در وقت وفات یکی از تبعهٔ طرفین اموال
و متروکات او برئیس تجار آن دولت تسلیم شود

مادهٔ هفتم ایشان این عهدنامهٔ دوستی و تجارت تا ابد الدهر با کمال صداقت و دقت از طرفین ملحوظ و مرعی خواهد شد
و بهیچوجه خلل و نقصی باجزای آن راه نخواهد یافت این عهدنامهٔ دوستی و تجارت بسیاق واحد در دو نسخه تحریر و امضا شد
و از جانب مرخصین دولتین علیتین ممضی و ممهور گشته و مبادله گردیده انشاء الله تعالی نسخهٔ مزبوره از طرفین دولتین
علیتین تصدیق گشته در مدت چهار ماه یا کمتر این تصدیق نامه‌ها باسلامبول آمده بین المامورین از سر نو مبادله گردد
بتاریخ روز چهارشنبه بیست و پنجم جمادی الاولی مطابق سال اودئیل یکهزار و دویست و پنجاه و هفت مطابق چهارم
شهر جولای هزار و هشتصد و چهل و یک عیسوی در دار الخلافهٔ اسلامبول سمت انجام پذیرفت

هند امسال یار محمد خان وزیر هرات کامران میرزا که تقریباً یکسال بود در یکی از قلاع محبوس داشت بکشت و امارت
دودمان احمدخان ابدالی در افغانستان منقرض شد پوشیده نباشد که از سلسلهٔ مزبوره پنج نفر در افغانستان امارت
کرده اند اول احمدخان ابدالی دویم تیمور شاه بن احمدخان سیم شاه زمان بن تیمور شاه چهارم شاه محمود ابدالی پنجم
کامران میرزا و ابتدای امارت این سلسله سال هزار و صد و هفتاد هجری بوده است اروپا المان ششصد هزار
ذرع راه آهن در این مملکت ساخته شده است (مسئلهٔ شرقیه) باهتمام دول انگلیس و فرانسه و اطریش و پروس و روس
مابین محمد علی پاشای مصری و سلطان عثمانی مصالحه میشود و سلطان عثمانی والیگری مصر را برای اولاد محمد علی پاشا
نسلاً بعد نسل میشناسد و ولاة مصر از این تاریخ ببعد در دربار عثمانی باربهٔ نشان صدر اعظم میباشند (انگلیس)
تولد پرنس دوگال ولیعهد دولت انگلیس فتح کانتن بندر چین و چند قلعهٔ دیگر از قلاع این مملکت بواسطهٔ سفاین
انگلیسی هند امسال در افغانستان دوست محمد خان مغلوب انگلیس میشود اما بعد از چندی افغانها شورش نموده در قلعهٔ
کابل جمعیتی کثیر از انگلیسها را بقتل میرسانند فرار عساکر انگلیس از افاغنه و تعاقب کردن افاغنه آنها را که از
پانزده هزار نفر قشون انگلیس بجز سیصد نفر محبوس بقیه کشته میشوند جمعیت انگلیس در اینسال پنجاه و چهار
کرور است (فرانسه) قندی که از چغندر ساخته میشود امتیازش محسوس است جمعیت فرانسه در اینسال سی و شش
و هفت کرور است (عثمانی) عزل رشید پاشا وزیر امور خارجه شورش عیسویان شام و مقتل و نیز بلغارستان
که در حق آنها ظلم میشود در لبنان طوایف دروز و مارونیت با یکدیگر در نزاع میباشند امریکا (اتازونی) تیلر
نام بریاست جمهوری برقرار و منصوب میگردد

سنه ۱۲۵۸ هجری — سنه ۱۸۴۲ مسیحی

آسیا (ایران) در اینسال کهندلخان و برادران او مهردلخان و رحمدلخان افغان باجازهٔ امنای دولت از کرمان
روانهٔ قندهار شدند و عباسقلیخان جوانشیر والی کرمان آنها را بطور شایسته روانه نمود و بعضی را با آنها همراه
کرد هند امسال حسینخان اجودانباشی حکومت یزد یافت و برحسب امر شهریار غازی اعلیحضرت همایون محمد شاه
از نائین تا عقدا (اغدا) که بیست فرسنگ مسافت بی آبست دوازده رشته قنات که از هر یک یکسنگ آب جاری میگردد
احداث کرده و در منزل هر کنند قلعه ساخت و در میانه گنبد و عقدا نیز قناتی باسم خود جاری کرده و باغی

برای قوافل بنا نمود. همه در این سال میرزا جعفرخان مشیرالدوله در اسلامبول نیز عهدی با وکیل دولت اسپانیا
منعقد نمود که صورت آن از قرار ذیل است

صورت عهدنامهٔ دولتین ایران و اسپانیا

الحمد لله رب العالمین دولت علیهٔ ایران و دولت بهیهٔ اسپانیول بجهت ملاحظه صرفه و صلاح تجار و عموم رعیت مملکتین و ترقی
و وسعت دادن بصنف تجار و تشویق این امر مهم که از مصالح معظم دولتاست چنین یافتند که هیچ مقدمه مانند انعقاد
عهدنامه باین مهم جسیم معین و مفید نخواهد شد لهذا هر دو علی السویه مناسب دیدند که بعد از این مابین دولتین ذی
شوکتین و تبعهٔ ایشان اساس دوستی واحد و نقد موافق عهدنامهٔ مبارکه دوستی و تجارتی که بر بنیان حقانیت و
عدالت آراسته شده است برقرار و پایدار باشد برای انجام این مرام اعلیحضرت فلک رفعت شمس برج جلالت
نخبه سلاطین زمان وارث تخت و تاج کیان صاحب اختیار ممالک وسیع المسالک ایران ظل الله فی الارضین کهف
الاسلام والمسلمین السلطان بن السلطان بن السلطان والخاقان بن الخاقان بن الخاقان محمد شاه قاجار ابد الله ایام سلطنته
از طرف قرین الشرف خود عالیجاه مقرب الخاقان میرزا جعفرخان مهندس باشی عساکر منصوره ایلچی مخصوص دولت علیه
ایران در دربار عثمانیه صاحب نشان مهر تمثال صورت همایون و نشان اول شیر و خورشید سرتیپی و صاحب دو
حمایل افتخار سبز و سرخ و نشان درجهٔ اول افتخار دولت علیه عثمانیه در ضمن اختیارنامهٔ جداگانه در این خصوص
وکیل مطلق و مختار نموده و همچنین بدر منیر اوج و آفتاب درخشان سلطنت شکوفه نونهال بستان جلالت دونا ایزابل
ثانی که بنام نامی ایشان در ایام صغر سن امور سلطنت بلقب ولیعهد حضرت بالدومرا اسپیرتو و صاحب اختیار ممالک
دیلک تواردم بلا محول است از طرف خود موسیو آنطونی لوپیز دوکاردو با صاحب نشان سبایا مشهور و ممتاز
چارلز سیم پادشاه اسپانیول و صاحب نشان امیرقان سلطان ایزابل کاتالیک و صاحب نشان عیسوی دولت پرتگال
و صاحب نشان صور دولت یونان و صاحب نشان صین که مقدس بیت المقدس و صاحب نشان اول افتخار دولت
علیه عثمانیه اجزای مشورتخانه حضرت سلطان ایزابل کاتالیک نویسنده خاص پادشاهی و وزیر مختار دولت مشار
الیها در آستانه علیه را از قرار نوشته وکیل مطلق و مختار نام کرده مامورین مزبورین بعد از نشان دادن و ملاحظه
نمودن اختیارنامهٔ یکدیگر همه را موافق رسم و ضابطه یافته قرار عهدنامه مبارکه را در ضمن هفت ماده آتیه
بدین نهج دادند

ماده اول بعد الیوم مابین دولت علیه ایران و دولت بهیه اسپانیول و تبعه طرفین الی ماشاء الله تعالی اساس دوستی
صادق و محبت و موالات دائمه باقی و برقرار باشد

ماده دویم تبعه دولتین علیتین ماذون باشند که بآزادی و امنیت تمام بمملکت یکدیگر آمد و شد نمایند و معامله
بتجارت و سیاحت کنند خانه و دکان و حجره و انبار بقدر ضرورت مامور خود کرایه نمایند و از طرف مباشرین دیوان
هیچگونه ممانعت نشود بلکه پیوسته احوال ایشان را مراعات نموده دقت کنند که بسیاحان و تجار طرفین خوش
رفتاری شود و بقدر مقدور باستراحت و آرام آنها بیفزایند و در وقت ضرورت احکام و باشپورت عبور بآنها
مرحمت شود که کسی مانع نشده ممانعت از آنها نکند

ماده سیم در حق تبعه دولتین ذیشوکتین که بعنوان معامله و تجارت و یا بطریق سیاحت بمملکت یکدیگر تردد
مینمایند از زمان ورود تا وقت خروج لازمه احترام مرعی بشود و از آنها هیچ اسم و رسم عوارض مطالبه نکرده

مکر اینکه از امتعهٔ آنها در حین ورود و خروج در مملکت یکدیکر مثال تبعهٔ دولت متحابه کمرک کرفته شود

ماده چهارم دولتین علیتین بجهة آسایش و اطمینان تبعهٔ خود شان که بخاک یکدیکر آمد و شد خواهند کرد ماذون خواهند نمود که در دو محل مناسب وکیل تجارت اقامت کنند دولت علیه ایران ماذون خواهند ساخت که یکنفر وکیل تجارت از طرف دولت بهیهٔ اسپانیول در دار الخلافه طهران و یکنفر دیکر در دار السلطنه تبریز مقیم شود و همچنین دولت بهیهٔ اسپانیول راضی خواهند کشت که یکنفر وکیل از طرف دولت علیه ایران در مادرید پای تخت دولت مزبوره و یکنفر دیکر در بندر برصلون و یا بعوض محل ثانی در بندر دیکر که دولت علیه ایران مناسب داند وکیل تجارت نصب نمایند

ماده پنجم هر وقت که در خصوص معامله و داد و ستد و غیره مابین تبعهٔ دولتین متعاهدتین کفتکو و نزاعی اتفاق افتد آن نزاع باید که باستحضار و اطلاع وکیل تجارت و یا ترجمان آن دولت موافق عادت و شریعت مملکت قطع و فصل شود و اکر کار یکنفر تاجر از تبعهٔ دولتین ذیشوکتین علیتین معیوب شود و با آن شخص ادعای افلاس نماید باید بعد از ملاحظه دفتر و ارسال محصول و مطالبات او باطلاع وکیل تجار و یا ترجمانان آن دولت مستمع غرما شود و هر قدر که از قرض آن مفلس باقی ماند از بابت طلب او باید ذمهٔ او را بری نموده متمسکات او را رد نمایند و همچنین وقتیکه یکنفر از تبعهٔ دولتین وفات کند باید جمیع متروکات و دفتر او بوکیل تجار آن دولت تسلیم شود و قرض و طلب او را باستحضار وکیل تجار موافق شریعت مملکت جاری شود

ماده ششم اکر یکی از دولتین متعاهدتین با دولت دیکر جنک و محاربه داشته باشد باید این دوستی ابدی دولت علیه ایران و دولت بهیهٔ اسپانیول هیچ خلل و قصوری نرسد

ماده هفتم این عهدنامهٔ دوستی و تجارت که مابین دولتین بنهج کذشته در ضمن هفت ماده قرار داده شده است بیاری خداوند یکانه امنای دولتین متعاهدتین جمیع مواد آنرا دایم مرعی داشته هیچوجه ارکان آن خلل نخواهد داشت و انشاء الله در مدت پنجاه و یا کمتر عهدنامهٔ مزبوره با امضا و مهر امنای دولتین علیتین رسیده در اسلامبول مابین وکلای دولتین مبادله خواهد شد و خاتمهٔ این هفت ماده که بتصدیق وکلای طرفین در دو نسخه بطریق واحد انجام پذیر کشته بعد از مهر و امضای طرفین در دار الخلافه اسلامبول بتاریخ سیم مرج مطابق بیست و سیم محرم الحرام هزار و دویست و پنجاه و هشت هجری و سنه هزار و هشتصد و چهل و دو عیسوی عوض و مبادله کردید

هم در اینسال حاجی سید محمد باقر رشتی مجتهد ساکن اصفهان از اجلهٔ علما بغرفات جنان رفت اعلی الله مقامه و آقا سید اسد الله فرزند آن مرحوم از عتبات عالیات باصفهان آمده بر مسند پیشوائی نشست و محمود ابن شهباز خان دنبلی خوی نیسا و لباشی که در اصفهان نایب منوچهر خان معتمد الدوله بود و صاحب کمال و اخلاق و نظم و نثر درکذشت و پسرش شهباز خان منصب پدر یافت و وفات سید صدر الدین دزفولی از اکابر علما (ترکستان) فوت الله قلیخان خوارزمی که هیجده سال در خوارزم حکمرانی داشت و مدفون شدن او در مقبرهٔ پهلوان محمود قتالی و برقرار شدن رحیم قلیخان پسرش بجای او بحکمرانی (افغانستان) محمد اکبر خان پسر امیر دوست محمد خان والی کابل در کمال جلال بکابل آمده بحکمرانی میپردازد و امیر دوست محمد خان که در هندوستان محبوس بود رها شده بکابل می آید کهندلخان فتح جنک بن شجاع الملک را شکست داده در قندهار بحکمرانی مشغول میشود شجاع الملک در کنار چمن دروازهٔ لاهوری مقتول شده و اموال او را نهب مینمایند (فرنک یا المان) با نفین سخت در شهر هامبورک که چند روز امتداد

نزاع

دارد (انگلیس) بر وفور قحط و غلا و کمی پول نجات یافته ملکه در ثانی از کشته شدن بجهة انتقام کشیدن از افاغنه
ژنرال پلک با عساکر زیاد وارد کابل میشود بعد از معاهده با افاغنه سردار انگلیس بهند معاودت میکند شهر
کابل و جلال آباد را ویران میسازد قنسول انگلیس در تبریز مقیم خواهد بود (فرانسه) ولیعهد دولت از کالسکه افتاده
میمیرد و پسر چهار ساله اش کنت دپاریس ولیعهد میشود (روس) شامیل در قفقاز غلبه بر عساکر روس مینماید

سنه ۱۲۵۹ هجری
سنه ۱۸۴۳ مسیحی

آسیا (ایران) در اینسال ناخوشی نقرس که مزاج مبارک اعلیحضرت همایون شهریار غازی محمد شاه را از طریق اعتدال منحرف
داشته اشتداد نمود اگرچه شدت این مرض بعد از سفر اصفهان بود چنانکه نواب مستطاب والا حاجی معتمد الدوله فرهاد
میرزا در کتاب جام جم میفرمایند پس از سفر اصفهان ناخوشی نقرس که از قدیم نیز این ناخوشی را داشتند غلبه کرد پس از
آن بسلام عام بدیوانخانه مبارکه تا مدتی نتوانستند آمد و سلام اعیاد در عمارت باغ که نشیمن سلطانی بود
منعقد میشد خلاصه بواسطه اشتداد نقرس و تجویز اطبا موکب علیه بطرف چشمه آب گرم که در حوالی قزوین است
نهضت فرما گردیده و بعد از آنکه چندگاهی در آن متنزهات بسر بردند بچمن دریاوک تشریف فرما شدند و از
چمن دریاوک بولیان نزول اجلال فرمودند و خدام حرم سلطنت و شاهزادگان عظام را باین ییلاق احضار
نمودند و پس از انقضای فصل گرما و ییلاق بدار الخلافه باهره معاودت کردند هم باین سال حاجی سید کاظم
رشتی شاگرد شیخ احمد احسائی درگذشت و سید علی محمد شیرازی شاگرد حاجی سید کاظم رشتی دعوی بابیت نمود
و این دعوی رفته رفته اسباب فتنه عظیم گشت بتبیین آنکه سید علی محمد شیرازی پسر میرزا رضا نام بزاز در بدایت
عمر بتحصیل علوم پرداخته و هنوز بهره از آن حاصل نکرده بریاضت شاقه مشغول شد و در شدت گرما در
روزهام بندر بوشهر بالای بام سر برهنه دعوات برای تسخیر آفتاب میخواند و این خیالات باطله او را خشکی مغز که از
تابش آفتاب گرم بوشهر حاصل شده بود تکمیل نمود و بعتبات عالیات رفته سالی بود در حوزه درس حاجی سید
کاظم حاضر شد چون حاجی سید کاظم درگذشت سید علیمحمد با بعضی از شاگردان حاجی سید کاظم بمسجد کوفه رفته
چهل روز ریاضت کشید و یکمرتبه سودا بسرش زده گفت من بابم و باید از ابواب داخل بیوت شد و هر کس هم
این کند گمراه است چیزی نگذشت که بر ادعای خود افزوده دعوی مهدویت نمود و گفت سال دیگر بدعوی
خود را در مکه ظاهر و خروج خواهم کرد و خونها خواهم ریخت و شما نامه که بمن مینویسید با مرکب و مداد ننویسید
بلکه با سرخی بنویسید که این نیز علامتی خاص است و در اذان و اقامه نماز بگوئید اشهد ان علی محمدا بقیة الله و
اکنون که من پدیدار گشته ظهور حق تمام گشته چه محمد و علی دو تن بودند و اکنون هر دو منم که نام من علیمحمد است و اینهمه
با من بیعت کرده اند و کمال معجزه من اینست که روزی هزار بیت کتابت کنم و گاه باشد که هزار بیت مناجات سخن گویم و اینک
من بر تمام روی زمین خواهد بود و تمام ادیان را امت واحده خواهم نمود بالجمله خرافات بهم میبافت و اسامی انبیا و ائمه
را بر پیروان خود مینهاد و برای یکزن بیشتر از یکشوی تجویز میکرد و بمکه رفت که دعوت خود را ظاهر کند بعضی او را
تخویف نمودند لهذا ببوشهر آمد و جمعی از مریدان خود را بشیراز فرستاد که مردم را باو بخوانند و این در وقتی بود
که حسینخان اجودانباشی در حکومت فارس استقلال داشت پس از آنکه حسینخان از واقعه آگاه شد چند تن از
پیروان او را بدست آورده پی آنها را برید و کس ببوشهر فرستاده سید علیمحمد را در نوزدهم رمضان بشیراز آوردند
و بدروغی باو اظهار ارادت نمود و گفت که من توپخانه فارس را با تو حرکت دهم و با منکران تو جنگ کنم سید علیمحمد گفت

چون دینار امسخر کردم مملکت روم را نیز خواهم داد حسینخان آجودانباشی صاحب اختیار گفت بهتر آنست که حجت خود را بر
علمای عصر تمام کنی تا تابع تو گردند آنوقت کار عامه سهل است و مجلسی از علما و فقها منعقد نمود و سید یحیی پسر سید جعفر
دارابی معروف بکشفی که پیروی باب اختیار کرده بود نیز در آن مجلس حاضر شد سید علیمحمد بعلما گفت شما چگونه از متابعت من
سر پیچیدید و حال آنکه از پیغمبری که بدین او هستید جز قرآنی در میان نیست و قرآن من افصح از آنست و دین من ناسخ دین آن
پیغمبر میباشد علما بنابر مواضعه که با حسینخان داشتند ساکت شدند حسینخان گفت بهتر آنست که احکام خود را در
صفحه بنویسید تا همه بخوانند و پیروی کنند سید علیمحمد چند سطری نوشت چون علما بدیدند همه لحن و غلط بود حسینخان
صاحب اختیار گفت تو با این پایه و مایه چگونه دعوی برتری بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله نمائی پس فرمان داد تا
او را از مجلس بیرون کشیدند و چوب پا زدند و کلمات عامیانه در اظهار پشیمانی گفت و اظهار توبه نمود بعد از
آن روی او را سیاه کرده تو مسجد شیخ ابوتراب امام جمعه بردند و او پای شیخ را بوسیده خود را لعن کرد و مدت شش ماه
حبس بود تا خبر او در عراق منتشر شد و بر منوچهرخان معتمد الدوله مشتبه کردند که او از نیکان است معتمد الدوله چند
نفر را بشیراز فرستاد سید علیمحمد را باصفهان آوردند و صاحب اختیار سید یحیی را از توقف در شیراز منع کرد
و او بیزد رفت معتمد الدوله شبی علما و حکما را جمع کرد و سید علیمحمد در آن مجلس از عهده سؤال و جواب برنیامد و بطلان
اقوال او ظاهر گشت پس از آن باز معتمد الدوله وی را در منزل مخفی داشت و شهرت داد که او از اینشهر رفته است چون
در سال هزار و دویست و شصت و سه معتمد الدوله وفات کرد سید علیمحمد فتنه خود را ظاهر و منتشر ساخت و کارگذاران
دولت او را از اصفهان بچهریق آورده در قلعه متوقف ساختند و پس از چندی در تبریز مقتول شد چنانکه بعضی از
تفصیلات آن در محل خود مذکور میگردد همچنین درینسال که سال هزار و دویست و پنجاه و نه باشد فاضلخان گروسی
صاحب تذکره انجمن خاقان درگذشت و شهر خوی از زلزله خراب شد اروپا (انکلیس) شورش در ایالت لاهور
تصرف کردن انکلیس تمام پنجاب را (فرانسه) مسافرت ملکه انکلیس بپاریس مجادله امیر عبدالقادر با عساکر فرانسه
در الجزایر (یونان) شورش در اینمملکت باغوای روس

سنه ۱۸۴۴ مسیحی — سنه ۱۲ هجری

آسیا (ایران) پوشیده نباشد که در سال هزار و دویست و پنجاه و هشت عساکر بغداد بحکم نجیب پاشا کربلای معلی
را قتل و نهب کردند و در اینموقع چون اعلیحضرت شهریار غازی محمد شاه در بستر بیماری بودند امنای دولت علیه
واقعه را مستور داشته بعرض حضور مبارک نرسانیدند پس از آنکه واقعه معروض و مسموع چاکران حضرت سپهر بسطت
معلی گردید بدبختی که از کار مجرم در خاطر مهر مظاهر اقدس بود اینغایله صدبرابر بر آن افزود و چون چندی گذشت
سفرا و وزرای خارجه باصلاح ذات البین پرداختند و مقرر شد از دول اربعه روس و عثمانی و ایران و انگلیس چهار نفر
وکیل بتعیین شود و وکلای مزبوره در مجلسی جمع شده گفتگو نمایند و بموجبات استرضای خاطر امنای دولت علیه
ایران پردازند بنابراین باشاره حاجی میرزا آقاسی میرزا جعفرخان مشیرالدوله که از سفارت اسلامبول مراجعت کرده
بود باینخدمت مامور شد و قرار دادند مشارالیه باتفاق وکلای دیگر در ارزنة الروم توقف کنند و در این
امر غور نمایند و قراری دهند چون میرزا جعفرخان مشیرالدوله از طهران بتبریز رسید مریض شد و در بستر
ناتوانی افتاد حاجی میرزا آقاسی میرزا تقیخان فراهانی وزیر نظام را از تبریز بجای مشیرالدوله بتعیین نمود و او نیز
دویست نفر از معارف اهل نظام را لوازم حرکت و سفر داده با آنها بارزنة الروم رفت و در عرض راه سرحدداران

ازاو استقبال و پذیرائی شایان کردند و ازجانب دولت عثمانی انوار افندی بسر بوکالت بارزنة الروم آمد و مقرر شد
هر یکی در منزل یکی از وکلای اربعه حاضر شده گفتگو نمایند و حاصل مقالات خود را بنویسند تا مسئله بانجام
رسد چهل مجلس برای این محاوره منعقد شد و انجام آن سه سال طول کشید همدر اینسال موکب همایون پادشاهی
بشکارگاه کرج و ساوجبلاغ تشریف فرما گردید و در اوان توقف در این ناحیه روزی که از رودکرج عبور فرمودند
و آب این رودخانه بنظر مبارک گردید معلوم شد که بیشتر آن با مکنه و اودیه میرود که قابل زرع و کشت نیست و فایده
از آن حاصل نمیشود و آب زیاد عبث تلف میگردد لهذا بخاطر موهبت مظاهر اقدس خطور کرد که اگر نهری از این رود بدار
الخلافه طهران جاری کنند اسباب آبادانی و آسایش اهالی شهر خواهد شد و مکنون ضمیر منیر همایون را بحاجی میرزا
آقاسی اظهار فرمودند حاجی میرزا آقاسی چون از روی طبع و فطرت شوقی بحفر قنوات و جاری ساختن انهار و آبادان
کردن اراضی بایره و صحاری غیر مزروع داشت جمعی را بسر چشمه رودخانه فرستاد و در مقام تحقیق و تدقیق انکار
برآمدند و قرار دادند از رودکرج تا شهر طهران که هفت فرسنگ مسافت و راه است نهری ببرند و قسمتی از آب کرج را
بواسطه آن بدار الخلافه رسانند بنابراین قرارداد مشغول کار شدند و شانزده هزار تومان خرج کردند و منظور
و مقصود حاصل نشد پس از آن بخیال افتادند که از نهر قریه وسمنارد که اصل آن از رودکرج است نهری ببرند بشهر
آورند و چنین کردند اما چون این نهر چندان وسعتی نداشت آب آن کافی نبود لهذا بار دیگر بر وفق قرارداد حاجی میرزا
آقاسی معمار باشی و جمعی مامور شدند که از اصل رودخانه کرج نهری جدا کرده از خاک و سنگ و معابر تنگ گذرانیده
بشهر طهران برسانند و جمعی باجرای این مقصد پرداختند و این بار بر قصد یکمه داشتند فائز گشتند و دو سال در
کار بودند و دوازده هزار تومان خرج شد همدر اینسال زلزله با غلبه ها ت سراب و گرمرود آذربایجان خرابی وارد
آورد اروپا (عثمانی) احداث جسر جدید چوبی در اسلامبول

سنه ۱۸۴۳ مسیحی

سنه ۱۲۵۹ هجری

آسیا (ایران) در این سال بامر اعلیحضرت شهریار غازی محمد شاه بتهیه جشن سور و عروسی حضرت مستطاب ولیعهد
گردون مهد دولت قوی شوکت علیه ناصر الدین میرزا (اعلیحضرت همایون ناصر الدین شاه خلد الله ملکه و سلطانه) پرداختند
و صبیه مرضیه نواب شاهزاده احمد علی میرزا را برای ازدواج حضرت مستطاب معظم انتخاب فرمودند و میرزا نبی خان امیر
دیوان که از حکمرانی فارس معاودت نکرده و مردی کافی و کاردان بود طومار پیچی این سور و سرور گردید و برای اینکه
آتشبازی و شلیک توپ و خمپاره بقورخانه و انبار باروط ضرری نرساند مقرر شد در خارج شهر در بالای عمارت و باغ
نگارستان محلی را مسطح ساخته بنیانهای مستحکم از سنگ و آجر و چوب بسازند و آنجا را جشنگاه قرار دادند و در
موقع این جشن هوای طهران گرم و موکب همایون بییلاق شمیران بود از اتفاقات حسنه آنکه سه عرض یک هفته که
موکب همایون از شمیران با تمامی خدام حرم جلالت و ملتزمین رکاب اقدس بجهة این جشن همایون تشریف فرمای نگارستان
شدند بادهای خنک وزیدن گرفت و ذات اقدس پادشاهی و سایرین از حدت و شدت گرما محفوظ ماندند چون
بشمیران بازگشتند باز هوا کمال حرارت را بهم رسانید بالجمله روز شنبه هشتم ماه جمادی الثانیه صبیه مخدره نواب
شاهزاده احمد علی میرزا را برای حضرت شاهزاده اعظم ولیعهد گردون مهد دولت علیه عقد بستند و در شب بیست و
هفتم همین ماه شروع بلوازم جشن و سور و شادمان نمودند و شب جمعه پنجم رجب شب عروسی بود و آنچه در خور این جشن
بزرگ و سور لازم السرور بود بوجه اکمل بعمل آمد خلقی شادی کردند و بنیادی برینیان مکارم و مواهب پیشینه بهره مند

کردیدند همدراینسال درماه مبارک رمضان مزاج مبارک پادشاهی باز از طریق اعتدال الخارج کشت وضعف قوت کرفت و وجع نقرس شدت یافت امنای دولت وکارکذاران متزلزل ویکباره بخیال ذات همایون بودند لهذا فتنه جویان وقطاع الطریق موقعی بدست آوردند وراهها مخوف کردید واطبای ایرانی وروسی وفرنکی معالجه اعلیحضرت شهریاری آمدند ومزاج مبارک روی بهبودی نهاد ودرعید صیام سلام عام منعقد وقاطبه خدام آستان مبارک بزیارت جمال شهریار غازی فایز وبر بهبود کار عالمیان احامد وشاکر کردیدند همدراینسال ژنرال دراتسوف جانشین قفقاز بحکم انپراطور روس بتبریز آمد ومیرزا جعفرخان مشیرالدوله برای تهنیت ورود او بایکقطعه نشان تمثال همایون ویکرشته تسبیح مروارید روانه تفلیس شد وازجانب نواب بهمن میرزا حکمران آذربایجان محمدخان بیکلربیکی ابن فتحعلیخان بن هدایت الله خان رشتی باهدایا بهمین قصد حرکت کرد وپس از انجام مأموریت هردو فرستاده بازکشتند همدراینوان بسبب ناخوشی وضعف بنیه اعلیحضرت شهریار غازی خیالات منتشر شده بعضی هواخواهی حضرت مستطاب ولیعهد دولت علیه وبرخی بخیال همراهی نواب بهمن میرزا وجماعتی دور اللهقلی میرزا ابن موسی خان بن حسینقلی خان که دخترزاده خاقان مغفور وربیب حاجی میرزا آقاسی بود جمع شدند وهمه بطور نفاق باهم اختلاطی داشتند چون مزاج همایون رو ببهبودی نهاد اللهقلی میرزای ایلخانی را بحکومت بروجرد وکلپایکان فرستادند وشاهزاده ملک قاسم میرزا ابن خاقان مغفور البسه الله حلل النور که سابقا حکومت بروجرد داشت از دارالخلافه بآذربایجان مأمور شد که یکهزار تومان از میرزا نظرعلی حکیمباشی قزوینی مصادره کرفته ارسال دارد وحکیمباشی مشارالیه بقم رفته درآنجا اقامت کرد ومیرزا آقاخان وزیرلشکر را احضار فرموده درحضور مبارک چندچوب باساق برپای او زدند ومیرزا رحیم پیشخدمت را براو کماشته تاده هزار تومان از او بطور مصادره دریافت نماید وبرادر بزرکتر میرزا آقاخان میرزا فضل امیر دیوان را بتوقف کاشان محکوم ساختند وشعله خیالات فتنه انکیز جماعت رو بانطفا نهاد ولی مقدمه فتنه خراسان که آن نیز از نتایج خیالات منتشره بزرکان دارالخلافه بود شروع کرد همدراینسال مردم زنجان بر علی اشرفخان ماکوئی بشوریدند واحمدخان نوائی باحضار او روانه شد چون علی اشرفخان بدارالخلافه آمد معزول کشت همدراینسال محمدکاظمخان پسر امیر محمدحسینخان کاشانی شیبانی الاصل بمنصب استیفا برقرار کردید ومشارالیه پیش ازاین درکاشان وهمدان درحکومت مرحوم شجاع السلطنه وزارت وپیشکاری داشته وپدر محمدکاظمخان امیر محمدحسینخان دردولت شاه شهید سعید محمدشاه طاب ثراه خدمات لایقه نموده وبحکومت کاشان وقم ونطنز وجوشقان برقرار کشته وپسر ارشد محمدکاظمخان فتح الله خان شیبانی تخلص صاحب مراتب فضل وهنر ودارای فواید سیاحت وسفارت درنظم ونثر ماهر واستاد وازبدو دولت ومقدمه فتح هرات تاکنون مشغول خدمات دولت ابدبنیاد است همدراینسال رجبعلی بیک پسر رمضان آقا بمنصب یاوری توپخانه وخطاب خانی سرافراز شد ومقرر کردید با ابواجمعی خود ملتزم رکاب حضرت مستطاب ولیعهد ابدمهد دولت علیه ایران باشد ارو‌پا (المان) ایجاد اکسپوزیسیون دربرلن (فرانسه) مولوی عبدالرحمن سلطان مارک متصرفات فرانسه را در الجزایر تصرف مینماید منازعه فرانسه با مارک ومصالحه با آن دولت مسافرت پادشاه فرانسه بلندن ایجاد اکسپوزیسیون صنایع درپاریس (سوئد) فوت اسکار پادشاه وجلوس پسرش اسکار اول بجای او

همدراینسال میرزا محمدحسن آشتیانی مستوفی الممالک دربیست وشش وهفت سالکی دردارالخلافه درکذشت ومیرزا یوسف پسرش بمنصب پدر نایل ومستوفی الممالک کشت

سنه ۱۲۶۱ هجری سنه ۱۸۴۵ مسیحی

آسیا (ایران) از وقایع عمده اینسال فتنه خراسانست وتبیین این مقال آنکه اللهیارخان آصف الدوله خال

اعلیحضرت

اعلیحضرت شهریار غازی محمد شاه را با حاجی میرزا آقاسی صفائی نبود وجهه این کدورت آنکه اختیار کل امور دولتی
با حاجی میرزا آقاسی و زمام اختیار خراسان را آصف الدوله بدست داشت و محمد قلیخان پسر آصف الدوله که حاجب اعظم بود — در حضرت پادشاهی
و مقرب و محرم کاهی مطالب و عرایض پدر را در خفا بعرض حضور مبارک میرسانید و از آنطرف اللهقلی میرزا ابن موسی
خان بن حسینعلی خان که از طرف مادر نبیرهٔ خاقان مغفور فتحعلی شاه طاب ثراه و مادرش در حبالهٔ ازدواج حاجی میرزا
آقاسی بود و پیش از این ایلخانی ایل جلیل قاجار گردیده و در مناصب و اشغال دولتی فیمابین اعلیحضرت همایون و حاجی
میرزا آقاسی وساطتی داشت و دوستی و دشمنی او برای هر کس بغایت مؤثر بود کاهکاه از محمد قلیخان و منتسبان او در
حضرت سلطنت بدی میکفت استغفر الله انه اسباب نقار کلی فیمابین آصف الدوله و حاجی میرزا آقاسی گردید و چون
بر حاجی ظفر نیافت روی دل از آستان مبارک برتافت و اندیشه کرد که اگر نوبت سلطنت بحضرت مستطاب ولیعهد دولت
علیه رسد سلسلهٔ دولو عزتی نخواهند داشت و اگر کار بهمن میرزا بالا گیرد برای ما اولی خواهد بود لهذا با بهمن میرزا
برسایل و وسایل بنای مواضعه را گذاشت و این مطالب در عتبهٔ علیه معروض شد و در مقام تحقیق بودند و حسنخان
سالار ولد آصف الدوله که نیز نبیرهٔ خاقان خلد آشیان بود بخیالهای خام افتاد و تصور کرده که با قوت تکیه در خراسان
دارد اگر با بهمن میرزا اتفاق کند و وقتی بطهران رانند استیلا بهم رسانند و بهمن میرزا را بسریر حکمرانی نشانند و مکرر این بیت
میخواند (مرا عار آید از این زندگی که سالار باشم کنم بندگی) بنابر این خیالات فاسده این وقت در اجرای اوامر
علیه بنای تعلل را گذاشت و بعذرهای ناموجه تمسک جست و با جعفر قلیخان شادلوی ایلخانی وصلت کرد و چون
جعفر قلیخان بدار الخلافه احضار شد او رفتن مشار الیه را امضا ننمود و حاضر نشدن جعفر قلیخان مقصود را ظاهر ساخت
برای مزید استحضار سلیمانخان دنبلی را بهانهٔ حکومت بسطام بآن سرحد مامور فرمودند تا او وقایع خراسان را بواسطه
عرایض بدربار پادشاهی ایصال داشت و چون در همین نزدیکی جعفر قلیخان بر سر محمد حسینخان یزدی بیک که از خدمتگذاران
صدیق دیوان بود رفته ولایت و اموال او را تصرف نمود و اهل و عیال او را اسیر کرد و محمد حسینخان خود از میان
بدر رفته بدار الخلافه آمد و معلوم شد قصد حسنخان اینست که از اکابر ایلات کردی که رفته بکلات فرستد اسیران
ترتیب مقدمات ما فی الضمیر خود را اظهار کند هم در اینسال حاجی میرزا موسیخان برادر مرحوم قایم مقام که متولیباشی روضه — میرزا ابو القاسم
رضویه بود در چهل و دو سالگی درگذشت و آصف الدوله باجازهٔ همایون خود متقلد این منصب گشته در صورتیکه
حاجی میرزا عبد الله خوئی از منشیهای خاص دربار پادشاهی منصب تولیباشی گری یافت خلاصه در وزیر و آثار
خلاف ظاهر گردید هم در این اوان اللهقلی میرزای ایلخانی که بروجرد بحکومت رفته بود بامر حکومت و نظم ولایت چندان
اعتنائی نکرده قدری پیرو هوای نفس شد و محمود خان ملک الشعراء که مردی کامل و عاقل بود هر چه منع او نمود فایده
نکرد دختر او را اجازه بردند و خرج زیاد بگردنش ماند و بنابر تحریض او باشراه دار الخلافه پیش گرفت تا حاجی فرامرز
بیک دستخطی از شهریار غازی برای او برده در منزل حوض سلطان باو رسانید و حسب الامر اللهقلی میرزای ایلخانی
روانهٔ عتبات عالیات شد و نواب مهدیقلی میرزا بحکومت بروجرد رفت هم در این سال اهالی ارزنة الروم بمنزل
میرزا تقیخان وزیر نظام مامور دولت علیه ایران حمله نمودند و شرح آن در سال هزار و دویست و شصت نگاشته شد
که میرزا تقیخان وزیر نظام بجهت گفتگوی قتل کربلای معلی و خرابی محمره بارزنة الروم مامور شد که باتفاق
وکلای روس و انکلیس و عثمانی قراری در اینکار دهند که بعدها چنین حوادث سانح نشود و ترضیه و استرضای دولت
علیه اقدام رود و چون این امر بطول انجامید و بعد از هیجده مجلس اجلاس مسئله بانجام نرسید اهالی ارزنة الروم

قصد کردند این اجماع را از شهر خود متفرق و دور سازند و چون سفیر ایران را مایه میل استقلال جمعیت کرده بهانه و تهمتی که نسبت بیکی از ملازمان میرزا تقیخان بسته بودند منزل او را احاطه نمودند و اسعد پاشا والی ولایت نیز در باطن با عوام همراهی داشت خلاصه کار و قباحت را نموده یکدو نفر از ملازمان سفیر ایران را بکشتند و چند تن دیگر مجروح شدند و میرزا تقیخان وزیر نظام با وجود کمال الخطر بوقار میگذرانید بحری پاشا که منصب فریقی یعنی امیر تومانی داشت مضطرب شده از وخامت این عمل اندیشید و با افواج و توپخانه بدر سرای سفیر ایران آمده بزحمت مردم را متفرق کرد و از سفیر ایران عذر خواست و اسعد پاشا را از نتایج ناگوار اینکار و بدنامی دولت خبردار نمود اسعد پاشا و قاضی و وکلای دول انگلیس و روس و عثمانی بمعذرت بمنزل میرزا تقیخان آمدند و بحری پاشا سفیر ایران و همراهان او را باردوی نظامی برد و سفیر معزی الیه خواست بتبریز مراجعت کند وکلای دول مانع شدند و نوشته سپردند که تا بیست و دو روز دیگر اگر کار بخوبی نگذشت سفیر در مراجعت و غیره مختار باشد و از آنجا که بسیاری از اموال سفیر ایران را بغارت برده بودند صورت خسارت را مصحوب چاپار باسلامبول فرستادند در روز بیست و دویم بود که بلیک او رجب (اجودان سلطان) با پانزده هزار تومان غرامت باسترضای سفیر ایران آمد و اسعد پاشا معزول شد و عارف پاشای حاجب با دربار نیز بعذرخواهی در رسید و حکومت را ببحری پاشا واگذاشتند بعد از چندی یکنفر پاشا و دو فوج از افواج بگرفتن مقصرین آمد و سیصد نفر از آنها را با قاضی و کهیای وزیر بگرفتند و باسلامبول برده سیاست کردند ولی مقارن این حال بحری پاشا با تیر تفنگی مقتول شد و قاتل معلوم نگشت خلاصه عهدنامه موقتی از اسلامبول آوردند و احترامات فوق العاده بسفیر ایران کردند و سفیر از ارزنة الروم بتبریز و از تبریز بدار الخلافه آمده عهدنامه را بحضور همایون موصول داشت و صورت عهدنامه مزبوره از قرار ذیل است

صورت عهدنامه منعقده فیمابین دولتین ایران و عثمانی

غرض از ترقیم و نگارش اینکلمات خجسته دلالات آنکه از مدتی باینطرف چون فیمابین سلطنت جاوید آیت سنیه و دولت دوران مدت علیه ابدی الدوام باد دولت علیه عثمانی بعضی عوارض و مشکلات احداث و وقوع یافته بود بر مقتضای التیام اساس دوستی و الفت و ضوابط سلم و صفوت و جهة جامعه اسلامیه که میان دولتین علیتین در کار و افکار سلیمه که طرفین علیتین بدان متصف میباشند بالسویه اینگونه مواد نزاعیه را بر وجه موافق و مناسب فیمابین تمشیت داده دولتین علیتین بتجدید تاکید بنیان صلح و مسالمت و تشیید ارکان موالات و مودت از جانب دولتین علیتین اظهار رغبت و موافقت شده برای تنظیم و مذاکره مواد عارضه و تحریر و تسطیر اسناد مقتضیه بر حسب فرمان همایون اعلیحضرت قدر قدرت کیوان حشمت مملکت مدار ملک کیر آرایش تاج و سریر جمال الاسلام و المسلمین جلال الدنیا و الدین غیاث الحق و الیقین قهرمان الماء و الطین ظل الله الممدود فی الارضین حافظ حوزه مسلمانی داور جمشید جاه داراب شکوه انجم سپاه اسلام پناه زیب بخش تخت کیان افتخار ملوک جهان خدیو دریا دل کامران شاهنشاه ممالک ایران السلطان ابن السلطان و الخاقان ابن الخاقان ابن الخاقان محمد شاه ادام الله تعالی زمام سلطنته فی فلک الاجلال وزین فلک قدره بمصابیح کواکب الاقبال بنده درگاه آسمان جاه میرزا محمد تقیخان وزیر عساکر منصوره نظام که حامل نشان شیر و خورشید مرتبه اول سرتیپی و حمایل فتحنامه سبز است بوکالت مخصوص مباهی گشته و نیز از طرف اعلیحضرت کیوان منزلت شمس فلک تاجداری بدر افق شهریاری پادشاه اسلام پناه سلطان البرین و خاقان البحرین خادم الحرمین الشریفین ذو الشوکة و الشهامة السلطان ابن السلطان ابن السلطان عبد المجید خان جناب

مجدت مآب عزت نصاب انوری زاده السید محمد انوری سعدالله افندی که از اعاظم رجال دولت علیه عثمانیه و حائز صنف اول از رتبه اولی و حامل نشان مخصوص آن دولت است مرخص و تعیین شده بر وجه اصول عادیه بعد از نشان دادن و ملاحظه و مبادله وکالت نامه‌های مبارکه انعقاد معاهده مبارکه در ضمن نه فقره آتیه قرار داده شده که درین کتاب مستطاب بیان و در مجلس منعقده ارزنه الروم مبادله میشود

فقره اول دولتین اسلام قرار دهند که مطلوبات نقدیه طرفین را که تا بحال از یکدیگر ادعا میکردند کلها ترک کنند ولکن با استقرار بمقاولات تسویه مخصوصه مندرجه در فقره چهارم خللی راه نیابد

فقره دویم دولت ایران تعهد میکند که جمیع اراضی بسیطه ولایت زهاب یعنی اراضی جانب غربی آن را بدولت عثمانی ترک کند و دولت عثمانی نیز تعهد میکند که جانب شرقی ولایت زهاب یعنی جمیع اراضی جبالیه آن را مع دره کرند بدولت ایران ترک کند و دولت ایران قویاً تعهد میکند که در حق شهر و ولایت سلیمانیه از هر گونه ادعا صرف نظر کرده بحق تملکی که دولت عثمانیه در ولایت مذکوره دارد وقتاً من الاوقات یکطور دخل و تعرض ننمایند و دولت عثمانی نیز قویاً تعهد میکند که شهر و بندر محمره و جزیرة الخضر و لنگرگاه و هم اراضی ساحل شرقی یعنی جانب یسار شط العرب را که در تصرف عشایر متعلقه معروفه ایران است بملکیت در تصرف دولت ایران باشد و علاوه براین حق خواهند داشت که کشتیهای ایران بآزادی تمام از محلی که بحر منصب میشود تا موضع الحاق حدود طرفین در شهر مذکور آمد و رفت نمایند

فقره سیم طرفین متعاهدتین تعاهد میکنند که باین معاهده حاضره سایر ادعاشان را در حق اراضی ترک کرده از دو جانب بلا تأخیر و مهندسین و مامورین را تعیین نموده برای اینکه مطابق ماده سابقه حدود مابین دولتین را قطع نماید

فقره چهارم طرفین قرار داده اند که خسارتیکه بعد از قبول اخطارات دوستانه دو دولت بزرگ واسطه که در شهر جمادی الاولی سنه هزار و دویست و شصت و یک بتبلیغ و تحریر شده بطرفین واقع شده و هم رسوم مراعی از سالی که تأخیر افتاده برای اینکه مسائل آنها از روی عدالت وصول و احقاق حق شود از دو جانب بلا تأخیر مامورین را تعیین نمایند

فقره پنجم دولت عثمانی وعده میکند که شاهزادگان فراری ایران در بروسا اقامت داده غیبت آنها را از محل مذکور و مراوده مخفیه آنها را با ایران رخصت ندهد و از طرف علیتین تعهد میشود که سایر فراری بموجب معاهده سابقه ارزنه الروم عموماً رد شوند

فقره ششم تجار ایران رسم گمرک اموال تجارت خود را موافق قیمت حالیه و جاریه اموال مذکوره نقداً یا جنساً بوجهی که در عهدنامه منعقده ارزنه الروم در سنه هزار و دویست و سی و هشت در ماده ششم که در باب تجارت نوشت مسطور شده ادا کنند و از مبلغی که در عهدنامه مذکوره تعیین شده زیاده وجهی مطالبه نشود

فقره هفتم دولت عثمانی وعده میکند که بموجب عهدنامه‌های سابقه امتیازاتیکه لازم باشد در حق زوار ایرانی جاری دارد تا از هر نوع تعدیات بری بوده بتوانند بکمال امنیت محلهای مبارکه را که کائن در ممالک دولت عثمانی است زیارت کنند و همچنین تعهد میکنند که بجهت استحکام و تأکید روابط دوستی و اتحاد که لازم است فیما بین دولتین اسلام و تبعه طرفین برقرار باشد مناسبترین وسائل را استحصال نمایند تا چنانکه زوار ایرانیه در ممالک دولت عثمانیه بجمیع امتیازات نایل میباشند سایر تبعه ایرانیه نیز از امتیازات مذکوره بهره ور

بوده خواه در تجارت خواه در مواد سایره از هر نوع ظلم و تعدی و بحرمتی محفوظ باشند و علاوه بر این بالیوزهائیکه از طرف دولت ایران برای منافع تجارت و حمایت تبعه و تجار ایرانیه بجمیع محلهای ممالک عثمانیه که لازم باشد نصب و تعیین شود بغیر از مکه مکرمه و مدینه منوره دولت عثمانیه قبول مینمایند و وعده میکنند که کافه امتیازاتیکه شایسته منصب و ماموریت بالیوزهای مذکوره باشد در حق قونسولهای سایر دول متحابه جاری میشود در حق آنها نیز جاری بشود و نیز دولت ایران تعهد میکند که بالیوزهائیکه از طرف دولت عثمانیه بجمیع محلهای ممالک ایرانیه که لازم باشد نصب و تعیین شود در حق آنها و در حق تبعه و تجار دولت عثمانیه که در ممالک ایران آمد و شد میکنند معامله متقابله را کاملا اجری دارند

فقره هشتم دولتین علیتین اسلام تعهد میکنند که برای دفع و رفع و منع غارت و سرقت عشایر و قبایلی که در سرحد میباشند تدابیر لازمه اتخاذ و اجری کنند و بهمین خصوص در محلهای مناسب عسکر اقامت خواهند داد دولتین علیتین تعهد میکنند که از عهده هر نوع حرکات تجاوز نیز مثل غصب و غارت و قتل که در اراضی یکدیگر وقوع میابد بر آیند قرار دادند عشایریکه متنازع فیه باشد و صاحب آنها معلوم نیست بخصوص انتخاب و تعیین کردن محلی که بعد از این دائما اقامت خواهند کرد یکدفعه باراده اختیار خودشان حواله شود و عشایریکه تبعیت آنها معلوم است جبرا باراضی دولت متبوعه آنها داخل شوند

فقره نهم جمیع مواد و فصول معاهدات سابقه خصوصا معاهده که در سنه هزار و دویست و سی و هشت در ارزنة الروم منعقد شده که بخصوصه باین معاهده حاضره الغا و تغییر نشده مثل آنکه کلمه بکلمه در این صحیفه مندرج شده باشد کافه احکام و قوت آن ابقا شده است و فیمابین دو دولت علیه قرار داد شده است که بعد از مبادله این معاهده در ظرف دو ماه یا کمتر مدتی از جانب دولتین قبول و امضا شده تصدیق نامه های آنرا مبادله خواهند کرد و کان ذلک فی یوم سادس عشر جمادی الثانیه سنه هزار و دویست و شصت و دو

هم در اینسال ناخوشی وبا در دار الخلافه بروز کرد و اردوی همایون و خدام حرم جلالت و حاجی میرزا آقاسی و بعضی از امنای دولت به ییلاق لواسان رفتند پس از چندی در اردو نیز وبا افتاد و جمعی از معارف باین ناخوشی درگذشتند و موکب همایون بلواسان بزرگ رفته و پس از چندی توقف در اواخر ماه شعبان به نیاوران معاودت کردند الحمد لله در این اوقات خبر رسید که رحیم قلیخان بن اللهقلیخان خوارزمی بعد از پنجسال حکمرانی درگذشته است و چون رحمتقلی توره یعنی خانزاده منصب ایناقی داشته بقانون اوزبک بخانی عزیز سید محمد امین خان برادر کهتر رحیم قلیخان خان خیوه شده است بنا بر این از دربار پادشاهی میرزا رضا بتهنیت و تعزیت بخوارزم رفت هم در اینسال کنیاز دالغورکی از جانب دولت روس بوزیر مختاری بدربار دولت علیه آمده مقیم شد و وزیر مختار سابق معاودت نمود هم در اینسال آب رود کرج که پیش بدان اشاره نمودیم بخارج شهر طهران جاری شد و موکب همایون از قصر قاجار بتماشای این نهر تشریف فرما شده بعضی تشریفات بعمل آمد هم در اینسال محمد حسین میرزای حشمة الدوله که در تبریز اقامت داشت درگذشت و میرزا محمد شفیع شیرازی مشهور بمیرزا کوچک متخلص بوصال از فحول شعرا و خوشنویسها و ارباب کمال و حال در شیراز وفات کرد و نشاطی خان هزارجریبی شاعر نیز در اینسال بدرود زندگانی گفت امور اروپا (انکلیس) حرکت فرانکلن بطرف قطب شمال (فرانسه) شورش سخت در مملکت الجزایر باغوای امیر عبد القادر مخاصمه فرانسه با مکزیک معاهده با امام مسقط (عثمانی) شورش طایفه ارناوت طایفه دروز در لبنان نسبت بطایفه مارونیک که مسلمان صدمات زیاد میزنند

سنه ۱۲۶۳ هجری — سنه ۱۸۴۶ مسیحی

آسیا (ایران) درین سال حسنخان سالار ولد اللهیارخان آصف الدوله خالوزادهٔ اعلیحضرت شهریار غازی محمد شاه
عصیان و خودسری خود را آشکار کرد و آنچه آصف الدوله او را نصیحت کرد سودی نبخشید آخر الامر آصف الدوله باو
کفت من صد هزار تومان برداشته بطهران میروم اگر در امر سلطنت اختلالی است من مردم را برانگیخته بهمن میرزا را
از آذربایجان تحریض مینمایم و ترا خبر میدهم که راه دار الخلافه را پیش گیری و مقصود حاصل شود و اگر اختلالی درکار
نباشد با حاجی میرزا آقاسی دوستی کنم و این صد هزار تومان را بملازمان حضرت سلطنت پیشکش نموده حکومت قومس
واسترآباد و سمنان و دامغان را ضمیمه حکمرانی خراسان مینمایم آن وقت بهتر میتوانیم خیال خود را بانجام رسانیم خلاصه
آصف الدوله بطهران آمد و با آنکه چندان محل اعتنا نشد فرمانی صادر کرد که سالار متولی باشی باشد و میرزا محمد خان
پسر دیگر آصف الدوله بخراسان رفته بنیابت آصف الدوله حکومت کند و سلیمانخان حاکم بسطام . پانصد نفر تفنگچی و
یکصد سوار و دو عراده توپ با میرزا محمدخان تا مزینان بفرستد بدینمنوال میرزا محمدخان از بسطام گذشت و بسالار پیغام
داد که توپ و سوار بسطام را ببهانه همراه آورده ام اگر اذن میدهی تصرف کنم سالار در جواب کفت هنوز زود است میرزا
محمدخان توپ و سواره و پیاده بسطام را باز پس فرستاد و نزد سالار رفت سالار و جعفرقلیخان ایلخانی شادلو بخیال
افتادند که کلات را تصرف کنند و معقلی در دست داشته باشند و چنین کردند بعد از آن جمعیت کثیری فراهم آورده عازم
تسخیر دار الخلافه شدند چون آصف الدوله از واقعه با خبر شد اجازه سفر مکهٔ معظمه حاصل نموده روانه کردید و مخارج
کزافی در اینسفر نمود و انعامات وافره بداد و ابراهیم خلیلخان سرتیپ ابن حاجی اسمعیل خان با جمعی از پیاده و سوار از
دار الخلافه بدفع سالار روانه شد و در غرهٔ رمضان ببسطام رسید و از آنطرف سالار با لشکری جرار تا سبزوار راند و
جعفرقلیخان شادلو را با دوازده هزار نفر مقدمة الجیش ساخته از راه کلاته خیج بقریهٔ فهیج آمده اتراق کرد و فیمابین دو
لشکر کمتر از دو فرسنک بود سلیمانخان حاکم بسطام و ابراهیم خلیل خان مشورت کرده قرار بر این دادند که ابراهیم
خلیلخان با جعفرقلیخان روبرو شود اگر غلبه کرد فبها المطلوب والا ببسطام آید بنابراین قرارداد ابراهیم خلیل خان
با لشکر جعفرقلیخان دو سه دفعه مصاف داده آنها را شکست دادند بعد از آن حسنخان سالار با بیست و پنجهزار سوار
و پیاده خراسانی بمزینان رسید و محمدخان بغایری و جهانگیرخان کرجی را با هزار سوار بامداد جعفرقلیخان فرستاد
و در این اوان محمد علیخان از سرداران سپاه ظفر همراه با ده عراده توپ و چهار فوج سرباز از دار الخلافه بدامغان و از اینجا
بده ملا آمد و دوازده هزار سوار خراسانی قصد شبیخون و حمله بر اردوی محمد علیخان نموده ولی مغلوب و منهزم گشتند
و ابراهیم خلیل خان در ده ملا بمحمد علیخان پیوسته و یکروز بعد نواب حمزه میرزا (حشمة الدوله) برادر والاگهر شهریار
غازی با چهارده عراده توپ و پنجهزار نفر در رسیدند و ابراهیم خلیل خان و محمد علیخان باردوی شاهزاده
ملحق گشتند و معلوم شد که سالار با بیست و پنجهزار نفر در میامی اتراق داشته و دوازده هزار سوار منهزم نیز
بدو پیوسته مستعد قتال میباشند نواب حمزه میرزا بطرف میامی راندند و سالار با خبر شده آمادهٔ جنگ شد
و چون احتمال قوی میداد که مقهور گردد چهارده راس اسب بخواص خود سپرده آنچه میسر بود وجه نقد بر ترک
اسبها بسته که اگر بنای فرار شد دستخالی نماند پس از این تمهید نایرهٔ قتال اشتعال یافته دسته جات سواره
و عساکر خراسانی بعضی متفرق شدند و برخی برکاب والا آمده از سالار تبری نمودند سالار پسران خود را با جعفر
قلیخان و سلیمانخان درجزی و شاهرخ خان قاجار کرمانی برداشته بجوین کریخت سلیمانخان درجزی نیز

نزد

نزد نواب حمزه میرزا آمده اظهار عبودیت کرد و معروض داشت که سالار میخواهد در قلعهٔ کلات متحصن شود نواب معظم
او را مأمور دفع سالار نمودند سالار امیر اصلانخان پسر خود را با نقود و جواهر بکلات فرستاد که اگر بکلی
مغلوب گردد خود نیز بدانجا رود مردم کلات امیر اصلانخان را راه ندادند و او در خارج کلات بماند سالار نیز از جوین
به بوزنجرد آمده بوزنجردیان او را نپذیرفتند لهذا با جعفرقلیخان بطرف آخال راند و چون چهل هزار تومان وجه نقد
همراه داشت ترکمانان بطمع زر سالار و همراهان او را پذیرائی کرده قراوغلان آن بیگی آنها یورت و آلاچیق خود جای
داده و طایفهٔ توقتمش را که تابع وی بودند نزد سالار آورده و اظهار خصوصیت نمود از آنطرف نواب حمزه میرزا که سالار را
تعاقب میکردند ببوزنجرد رسیدند و چون شهر مشهد را نظمی نبود ابراهیم خلیل خان را روانهٔ ارض اقدس کردند و میرزا
محمد علیخان را بحکومت بوزنجرد و آن نواحی برقرار کرده خود نیز بمشهد مقدس رفتند محمد علیخان چون در بوزنجرد بدسلوکی
کرد مردم بسالار و جعفرقلیخان ایلخانی متوسل شدند سالار و ایلخانی با قراوغلان و دو هزار سوار ببوزنجرد آمده
اینشهر را متصرف شدند و محمد علیخان مقتول شد و قشون ابواجمعی او در ارک محصور گشته در مدافعه میکوشیدند
نواب حمزه میرزا از ماجری خبردار شده تعلیقه بیزدان ویردیخان بن رضاقلیخان زعفرانلو نوشته او را مأمور بوزنجرد
نمودند و محمد ولیخان قاجار نایب را نیز با لشکری بدانساحت فرستادند و خود نیز عازم بوزنجرد گردیدند ایلخانی و سالار
چون دانستند که مرد میدان مقاومت نیستند بعضی از طوایف شادلو را کوچ داده و تراکمه و اکراد اسیر بسیاری از سرباز
خاصه از طایفهٔ بیات برداشته روانهٔ آخال شدند و نواب حمزه میرزا ببوزنجرد آمدند و با آنکه برف بارید و مسالک را
صعب نموده قصد تعاقب سالار و ایلخانی کردند و به مانه که محل سکنای ایلخانی و طوایف شادلو بود راندند و چهار
روز در اینجا رحل اقامت انداختند هم در اینسال عبدالله خان امین الدوله اصفهانی در ماه شعبان در نجف
اشرف درگذشت و نواب شیخعلی میرزا ابن خاقان مغفور وفات نمود هم در اینسال خسروخان گرجی بکردستان
مأمور شد و بعضی ببهمن میرزا نوشتند که خسروخان بگرفتن تو می آید لهذا بهمن میرزا بطهران آمد و اطمینان یافت
و چون خسروخان بکردستان رسید متقلد امور حکومت گشته رضاقلیخان والی کردستان را که معزول شده بود
بدارالخلافه فرستاد هم در این سال میرزا جواد غلام پیشخدمت همشیره زادهٔ میرزا محمد علیخان شیرازی وزیر امور
خارجه مأمور اسلامبول شد که عهدنامه را که میرزا تقیخان وزیر نظام در ارزنة الروم بسته بود مبادله نماید
هم در اینسال بهمن میرزا مجدداً توهم کرده بسفارتخانهٔ دولت روس رفت و بموجب استدعای وزیر مختار روس معفو
و روانهٔ تفلیس شده در خاک روس سکنی گرفت هم در اینسال حاجی ملا محمد تقی برغانی که در شتم بابیه مصر بود در سن
هشتاد سالگی بتحریک برادرزادهٔ اش قرة العین که زن بود در کمال لجاج و پیرو بابیه در مسجد قزوین در محراب
کشته شد و آقا میر محمد مهدی امام جمعهٔ دارالخلافه رحلت نمود و آقا میرزا ابوالقاسم برادرزادهٔ او بامامت بجای او
برقرار گشت هم در اینسال حاجی سید اسمعیل مجتهد قمی داعی حق را لبیک اجابت گفت و حاجی میرزا مسیح طهرانی که
در عتبات عالیات ساکن بود در هشتاد سالگی بجوار رحمت ایزدی پیوست هم در اینسال هزار و چهارصد و سی و
هشت قریه ها که حاجی میرزا آقاسی خود آباد کرده بود و بقدر دو کرور قیمت داشت بشخص همایون شهریار غازی
هبه و پیشکش نمود (اروپا) (انگلیس) سربرت پل بصدارت منصوب میشود بعد از چندی جون رسل بصدارت
برقرار میگردد شورش در ایرلند فتح مملکت لاهور در هندوستان که بعد از فتح دو کرور لیره از اهالی لاهور
جریمه گرفته میشود (روس) شورش در لهستان که بزودی دفع میشود (اسپانیول) مزاوجت ملکه با ابن عم خود

فرانسوا (فرانسه) نجات یافتن پادشاه در ثانی از کشته شدن فرار لوی ناپلیون از قلعهٔ هام بروز قحط و غلا
در این مملکت طغیان آبها و خرابی شهرها انقلاب در الجزایر بواسطهٔ امیر عبدالقادر لیوردیه منجم معروف ستارهٔ
نبطون را انکشاف مینماید اختراع پنبهٔ باروطی جمعیتی فرانسه در اینسال هفتاد و یک کرور داست (ایطالیا) فوت گرگوار
شانزدهم پاپ و جلوس پی نهم بجای او (روس) بروز و بادر بطرز بورغ که سه سال امتداد میابد (عثمانی)
ایجاد مدرسهٔ دار الفنون

سنه ۱۸۴۷ مسیحی

سنه ۱۲۶۳ هجری

آسیا (ایران) در پنجم محرم اینسال جعفر قلیخان ایلخانی قصد سنبر دوشبیخون بار دوی نواب حمزه میرزا (حشمة الدوله) که در مانه بود نمود ولی کاری از پیش نبرده جز اینکه لطفعلیخان بغایری را که مامور بقلعهٔ خان بود دستگیر کرده بآخال بردند و چون در میان قبایل توقمتش و اوتمش در توقف سالار در آخال اختلاف درگرفت سالار عازم کلات گردید و پس از آنکه دانست کلات بتصرف پسرش امیر اصلانخان درنیامده بسرخس رفته مهمان ارضخان ریش سفید ترا که سرخس گردید و امیر اصلانخان پسرش با اهل و عیال بدو پیوست و پس از چندی معلوم شد جعفر قلیخان در محلی از کرکان کمین کرده نواب حمزه میرزا عبدالله خان افشار صاین قلعه را با سواران افشار و خراسانی برسر او فرستاده او را منهزم کردند و جعفر قلیخان بطرف هرات رانده بیار محمد خان پیوست و نواب والا شبی هفده فرسنک راه طی کرده بر سر ترا که تاخته جمعی را مقتول و دستگیر نموده آخرالامر بشفاعت میر سعدالله خان قندرسکی سیصد خانوار کرد و کاکان از ترکانان کرفته آنها را بسلقان یورت دادند و جمعی از سواره آنها ملتزم رکاب والا شدند پس از آن خبر رسید که سالار با هشتهزار نفر قصد شهر مشهد کرده ابراهیم خلیل خان با جمعی بمدافعهٔ او مامور شد و در کال یا قوتی جنک درگرفت عبدالله خان افشار صاین قلعه و دو برادرش مقتول کشتند ولی سالار منهزم شد و جمعی از ترا که اسیر کشتند و نواب حمزه میرزا بشهر مشهد رفته بنظم امور پرداختند و فراولجراست میرزا محمد خان بیکلربیکی برادر سالار و متعلقین ایلخانی که در روضهٔ مطهرهٔ حضرت رضا سلام الله علیه نشسته بودند کماشته مصطفی قلیخان قراکوزلو سرتیپ همدانی را بحفظ شهر مامور کرده سام خان ایلخانی ابن رضا قلیخان زعفرانلو را برکاب والا طلبیده بعزم دفع سالار بقرا بقعه حوالی سرخس راندند ریش سفیدان سرخس پیشکشی فرستاده از سالار توسط نمودند مقارن این حال نواب حمزه میرزا را مرضی شدید عارض شد و سالار و برادران او موقع را مساعد دیده مواضعه در تسخیر مشهد کردند بایمعنی که برادران سالار اشرار و اهالی شهر را بطغیان تحریک کرده و سالار را بتصرف شهر خواندند چون شهر بشورید نواب حمزه میرزا با وجود ناخوشی بطرف شهر مشهد رانده اهالی که یاغی بودند بمدافعه برخاستند و در این اوان سالار نیز با لشکر زیاد بمشهد آمد و تا ده فرسنک مسافت از اطراف شهر مشهد مردم بحمایت اهالی شهر متفق و با سالار مساعد شده کار سالار قوتی گرفت و هر روزه فیما بین عساکر نواب حمزه میرزا و اهالی شهر و سالار جنک در کار بود و جمعی از طرفین مقتول میشدند مقارن همین اوقات ناخوشی و ضعف بر مزاج مبارک اعلیحضرت شهریار غازی محمد شاه غالب آمد و آفتاب عمر این پادشاه که در جود و سخا و علم و حیا و عزم و حزم و لشکرکشی و مملکت ستانی عدیل و مانندی نداشت میل افول نمود نواب مستطاب والا حاجی معتمد الدوله فرهاد میرزا در کتاب جام جم شرحی از این واقعهٔ غم افزا نکاشته و تاریخ ارتحال شهریار مبرور ماضی محمد شاه غازی چنین نظم فرموده اند

شب سه شنبهٔ ششم هم از مه شوال بسال شصت و چهار از پی هزار و دویست

بقصر نوشه ایران زمین محمد شاه　　اجل پیاله عمرش نمود مالامال

و مقصود از قصر نو قصر جدید محمدی است که در غربی تجریش در مدت سه ماه بامر شهریار مبرور اسکنه الله فی ریاض الفردوس ساخته شد نیز نواب مستطاب معظم در کتاب مذکور گویند ولادت شهریار غازی محمد شاه در روز سه شنبه ششم ذیقعده هزار و دویست و بیست و دو بوده و مدت عمر مبارکش چهل و یکسال و یازده ماه تمام قمری و نعش مطهر ایشان را در باغ لاله زار که خارج شهر طهران است بامانت گذاشتند و بعد از ورود شاهنشاه جمجاه اعلیحضرت همایون ناصر الدین شاه خلد الله ملکه و سلطانه بدار الخلافه طهران آن جسد مبارک را بقم فرستادند و در شب عید غدیر همین سال در صحن مقدس حضرت معصومه سلام الله علیها مدفون گردیدند و این قصر جدید شباهتی کلی بقصر سبکتکین داشت که قبل از وفات خود بنا نهاده چنانکه کلپایگانی در ترجمه عتبی گوید در اواخر ایام و خواتم عمر سبکتکین سرائی بنا فرموده بود و او را سهل آباد نام کرده و مالی بسیار در عمارت آن انفاق افتاده و استادان چرب دست در تحسین و تزیین اساس و وضع قواعد آن صنعتهای بدیع و تانقهای غریب نموده بسبب حادثه کار دنیا او ناتمام بماند و فرزندان او از آن اعراض کردند و بدان فال بد زدند تا خراب شد و سعیی که در تاسیس عمارات آن رفته بود ضایع ماند خلاصه شهریار مبرور البسه الله حلل النور جامع اوصاف حمیده بودند خط نستعلیق را خوش می نوشتند در صنعت نقاشی مهارت داشتند و مدت ملکستان چهارده سال و سه ماه بوده است انتهی

نگارنده گوید بعد از آنکه دست این مصیبت پیراهن صبر و شکیب اهل مملکت خاصه خانواده سلطنت و رجال و ارکان دولت را قبا نمود اشکها جاری و دلها قرین سوگواری گردید مرهم این زخم جانسوز و در بیت غم اندوز جلوس ابد مانوس اعلیحضرت همایون شاهنشاه جمجاه ناصر الدین شاه ایده الله تعالی بود بر سریر گردون مسیر خلافت و اریکه سلطنت که این مسرت اجزاء محنت گردید و دهنهای ایران از آن همه خون جگر خوردن بخندید (اقبال را بوعده وفا کرد روزگار) جسم مملکت جانی تازه گرفت و انجمن مکرمت و جود بی اندازه بامت جمال سلک لآلی شاهان حاصل گشت و دست معدلت اوراق تطاول ایام را در نوشت و از آنجا که ما شرح سلطنت و شهریاری این شهریار عادل باذل متعنا الله تعالی ببقائه را در کتاب مآثر السلطان در ضمن دو جلد مفصلا نگاشته ایم در این کتاب محتاج ببسط نیستیم و محض اینکه ترتیب از دست نرود خلاصه آن مطالب را خواهیم نوشت بعون الله تعالی

هم در این سال چون شهریار ماضی انار الله تعالی برهانه از قصر محمدیه شمیران بریاض قدس در پیوست نوبت خسروی باعلیحضرت همایون خسرو صاحبقران شاهنشاه کل ممالک محروسه ایران شهریار عادل باذل ظل الله الممدود السلطان بن السلطان بن السلطان و الخاقان بن الخاقان بن الخاقان ناصر الدین شاه قاجار ادام الله تعالی ایام ملکه رسید ذات ملکوتی صفات مقدس که تا آنوقت بولایت عهد سلطنت در دار السلطنه تبریز تشریف فرما و در انتظام امور مملکت آذربایجان تجشم میفرمودند بعد از وقوع غائله هایله شهریار ماضی طاب الله ثراه مسرعی از طرف نواب مهد علیا طیب الله تربتها و امنای دولت اعلام را بآذربایجان شتافت (نواب مهد علیا دختر زاده خاقان مغفور فتحعلی شاه و فرزند امیر محمد قاسم خان بن سلیمان خان قاجار قوانلو و والده اعلیحضرت شاهنشاه جمجاه بودند) و نواب معظم لها بنظم شهر و توابع دار الخلافه و تمهید مقدمات جلوس پادشاهی دام ملکه رای و تدابیر صائبه فرموده شاهزاده علینقی میرزا که بزیور فضل و دانش آراسته بود بوزارت خود اختیار و طرف مشورت در امور قرار دادند خلاصه پس از ورود چپر و وصول خبر بآذربایجان و اقدام کارگذاران بانجام شرایط و لوازم کار و جمع آوری افواج و سوار شب چهاردهم شوال المکرم ولیعهد

کاسکار در تبریز بمبارکی جلوس فرمودند و علمای آن بلد و امرا حاضر شده جلوس مبارک را تهنیت گفتند و از شاهزادگان
بزرگ حسنعلی میرزای شجاع السلطنه و محمد تقی میرزای حسام السلطنه بتقبیل عتبهٔ علیه سربلند گردیدند و میرزا تقیخان
فراهانی وزیر نظام و میرزا جعفرخان مشیر الدوله بتجهیز لشکر و تهیهٔ سفر و روانگی موکب همایون بدار الخلافه پرداختند
و فرمان صادر شد که میرزا جعفرخان متوقف تبریز و مأمور امور دول خارجه باشد و موکب اعلی روز نوزدهم شوال از شهر
تبریز نهضت فرمود و چون مردم تبریز و طهران از طایفهٔ ماکوئی و حاجی میرزا آقاسی رنجیدگی داشتند علیخان ماکوئی را
که سردار آذربایجان معروف بود دخلی در اینجا نداشتند و میرزا فضل الله نصیر الملک به پیشکاری مشغول بود و میرزا
تقیخان وزیر نظام برتق و فتق امور لشکر میپرداخت و چون محمد خان زنگنه امیر نظام در اینوقت درگذشت میرزا تقیخان
منصب امیر نظامی یافت

و از اینطرف حاجی میرزا آقاسی که بزرگان ایران را از خود رنجیده خاطر میدید و از همه مأیوس بود بحضرت امامزاده
عبد العظیم علیه السلام پناه برده بستی شد و امرا و بزرگان همه منتظر مقدم فرخنده شیم مبارک بودند و احیانا اگر فسادی
در داخل و خارج میدیدند بقدر قوه در اصلاح آن میکوشیدند و قطع و فصل احکام برای صوابدید نواب مهد علیا
طابت ثراها بود منشورها مرقوم فرمودند و ملاحظات منظور شد حاجی علیخان والد مؤلف را که در اینوقت از زیارت
بیت الله الحرام مراجعت کرده بود بحکومت و تنظیم گیلان فرستادند و عباسقلیخان جوانشیر بضبط قرای خالصه پرداخت
جعفرقلیخان قراجه داغی با صد و پنجاه سوار بحفظ خزانه اصفهان مأمور شد که بسلامت بطهران برسانند بالجمله موکب همایون
کوچ بر کوچ بسلطانیه رسید نواب عبد الله میرزا عم شاهنشاه ایران بوزارت میرزا شفیع نوبیرکانی حکومت خمسه یافت
و در این ایام میرزا نصر الله اردبیلی صدر الممالک خود را صدر اعظم دولت میشمرد و چنان میپنداشت که بمجرد وصول اردوی معلی
این منصب باو تفویض خواهد شد سیف الملک میرزا ولد اکبر ظل السلطان که در قزوین متوقف بود بوسوسهٔ نفسانی بهمان
قبایل نواحی قزوین رفته بنای سرکشی گذارده بهوس پادشاهی افتاد و ارقام باطراف فرستاد ولی سلیمانخان افشار
او را در بقعهٔ امامزاده معروف بکاندسنک دریافت و دستگیر نموده بدار الخلافه آورد در همین ایام میرزا محمد علیخان
شیرازی از سفارت پاریس مراجعت کرده در دار الخلافه بود تا اردوی همایون در قریهٔ یافت آباد که قریب دار الخلافه است
قرار گرفت شاهزادگان و بزرگان بدرگاه بخاکبوس آستان مبارک سرافراز شدند در این محل پیشکاری میرزا تقیخان امیر نظام
معلوم همه کس گردید و میرزا محمد سعید انصاری (جناب وزیر دول خارجه) کاتب اسرار مکتومه و منشی رسایل خاصه شد

روز جمعه بیست و یکم شهر ذیقعدة الحرام اعلیحضرت شاهنشاه کل ممالک محروسه ایران با شکوه فراوان دار الخلافه
طهران را بقدوم سعادت لزوم مبارک مزین فرمودند و در شب شنبه بیست و دوم در سرای سلطنتی پیش روی کلاه فرنگی
هفت ساعت و بیست دقیقه از شب گذشته جلوس بزرگ روی داد و در این جلوس میرزا تقیخان بلقب اتابکی و منصب
صدارت عظمی نایل گردید و بخلعتی فاخر مخلع آمد

روز شنبه بیست و دوم سلام عام در تالار تخت مرمر انعقاد یافت و هم از آن روز میرزا تقیخان اتابک اعظم به
تدابیر امور ممالک محروسه پرداخت و با میرزا آقاخان وزیر لشکر که در امور عراق و بعضی ممالک بکر بصیرتی داشت
راه اتحاد گرفت اسکندر میرزا بوزارت میرزا موسی نفرشی مستوفی بحکومت قزوین رفت شاهرخ میرزا ولد فرمانفرمای
مرحوم حاکم کاشان شد و محمد کاظم خان کاشانی وزارت او یافت در دوازدهم ذیحجه نعش شهریار مبرور طاب ثراه را
بدار الایمان قم نقل و تحویل دادند حاجی نور محمد خان سردار و سلیمانخان افشار بامداد نواب حمزه میرزا و نظم

واصلاح امور خراسان وقلع وقمع حسنخان سالار وجعفرقلیخان روانه خراسان شدند نواب شاهزاده سلطانمراد
میرزا که بعد بلقب حسام السلطنه اختصاص یافتند نیز از جانب اعلیحضرت شاهنشاهی مامور خراسان ومصمم تسخیر بوزنجرد
وتخریب اسفراین شدند نور محمدخان وسلیمانخان هم باردوی نواب حسام السلطنه آمده وجعفرقلیخان که متفق با
سالار بود باستمالت سلیمانخان بربقه اطاعت وانقیاد دولت درآمده روانه طهران شد وپس از ورود معفو و
مورد مرحمت شاهانه گردید ونواب حسام السلطنه با لشکر راه خراسان پیش گرفته بسبزوار رسید ولشکر را بمحاصره شهر
فرمان داد ودر اینوقت بسیاری از خوانین خراسان سر اطاعت پیش آورده باردوی شاهزاده پیوستند وپیوسته نقاط
وبلاد دیگر عرض راه خراسان مسخر سپاه منصور گردید ونواب حسام السلطنه پیش میرفتند در حوالی جوین تلاقی فریقین
شده جنگی سخت مابین سپاه منصور ولشکر سالار اتفاق افتاده نوبیست نفر از قشون سالار مقتول وخود او فراری
شده پس نشست ومحمد ابراهیمخان قاجار از جانب نواب حسام السلطنه حکومت جوین یافت وشاهزاده قصد تسخیر سبزوار
کرد در اینوقت یحیی خان تبریزی از دار الخلافه با استعداد مجدد وخزانه درخور ونشانهای التفات برای سامخان و
دیگران در رسید شاهزاده حسام السلطنه اسکندرخان سرتیپ قاجار را با استعدادی وافی بر سر تربت وترشیز فرستاده
تربت وترشیز نیز مسخر سپاه منصور گردید وشهر وحصار سبزوار هم که چندی در محاصره بود مفتوح شد وشاهزاده از
آنجا عزیمت نیشابور کرد وامامویردیخان بیات که از جانب نواب احتشام الدوله حکومت نیشابور داشت در این
مدت با سالار موافقت نکرده بود در این موقع باستقبال آمده استدعا نمود که جمعی را معین فرمایند تا به نیشابور
درآمده شهر را بایشان سپارم در این ایام که عید نوروز فیروز بود نیشابور را نیز تصرف کردند
هم از وقایع اینسال ماموریت میرزا محمد صادق وقایع نگار در اوایل سال بوکالت رعایای تمامی آذربایجان ورسیدن
بمحاسبات آنمملکت وماموریت میرزا جعفرخان مشیر الدوله بسرحد بغداد بود که باتفاق وکلای دولتین روس وانگلیس
وعثمانی از آنجا بمحمره رفته سرحدات اراضی دولتین را تشخیص دهند نواب مؤید الدوله طهماسب میرزا مامور بحکومت کرمان و
فضلعلیخان از آنجا احضار شدند وشیخعلیخان حاکم یزد بدار الخلافه آمد وحاجی میرزا خان کرجی که ریش سفید عملهٔ
خلوت بود بحکومت یزد رفته بزودی نیز معزول شد نواب معز الدوله بهرام میرزا بایالت فارس ونواب رکن الدوله
اردشیر میرزا بلرستان وخوزستان وخانلرخان سلیمانخان قاجار حاکم اصفهان شد نواب خانلر میرزا از مازندران
خواسته ومازندران را ببرادرش نواب مهدیقلی میرزا سپردند ودر زمان او تشرطا یفه بابیه در مازندران موجب هلاکت جمعی کثیر
شد هم در اینسال میرزا تقیخان صدر اعظم بمصاهرت اعلیحضرت شاهنشاه سرافراز گردید بعضی افواج بخیال برخی
امراء حسود بر میرزا تقیخان شوریده دوباره آنها را آرام کردند حاجی علیخان والد مؤلف منصب فراشباشیگری یافت
فیمابین علمای تبریز اختلافی پدید آمد ونواب ملک قاسم میرزا حکمران تبریز باصلاح پرداخته میرزا احمد شاملوی
خوشنویس درگذشت حاجی میرزا آقاسی مرخص شده بعتبات عالیات رفت ومیرزا نصر الله صدر الممالک اردبیلی
را بعد از شورش افواج معترضین متهم نموده بقم رفت واز آنجا او را روانه کرمانشاه کردند وآغا بهرام قراباغی را
نیز محبوساً بکرمانشاه برده وسپردند وجمعی از امراکه مورث فتنه وشورش وبر ضد میرزا تقیخان بودند به بروجرد فرستادند
آقا سید میرزای کاشی بمنصب پیشخدمتی حضور نایل گردید حاجی رجبعلی بیک یاور توپخانه سرهنگ توپخانه شد
مادام تلسان فرانسوی زوجه حاجی عباس شیرازی که بشرف اسلام مشرف شده بشغل مترجمی خادمان حرم جلالت
برقرار گردید

بقیه شرح فتنه بابیه

همدراینسال سید یحیی پسر آقا سید جعفر معروف بکشفی اصطهباناتی که از خواص مریدان باب بود بنیریز رفت و
معتقدین او در بلاد و ممالک محروسه متفرق و بنای دعوت و عوام فریبی نهادند از جمله ملا حسین بشرویه که از
علما و با امید ریاست تابع او شده بود در مشهد مقدس در میان فتنه سالاری مشغول فریب جمعی بود او را
گرفته باردوی نواب حشمة الدوله آورده حبس کردند بعد از چندی در حرکت اردو فرار کرده بمازندران رفت
و سیصد چهارصد نفر از فریب خوردگان با او وصل شدند که بآذربایجان بیاری سید علی محمد روند و سید علی محمد
که از سال قبل در حضور حضرت اقدس ولیعهد و جمعی از علمای دار السلطنه تبریز بمعرض امتحان و اختبار درآمده و
بطلان دعاوی او مشهور خاص و عام گردیده بود بامر اقدس حضرت ولیعهد و فتوای علما تا آنزمان در چهریق محبوس
بود و تابعین او در هر جا در پرده بنای فساد و عوام فریبی گذاردند حاجی محمد علی نام بارفروشی که او نیز یکی از مشاهیر
اینطایفه گردیده بود با ملا حسین بشرویه و جمعی دیگر در خارج شهر بارفروش اقامت کرده در پرده بنای عوام فریبی
گذاشتند سعید العلما خبر شده امر باخراج آنها نمود و کار بمنازعه و مقاتله کشید و دوازده نفر از بابیه بقتل رسیدند
و بعد از چندی ملا حسین و حاجی محمد علی با اتباع خود عزم عراق کردند ولی در محوطه مقبره شیخ طبرسی که از معارف
فضلای محدثین و مشایخ طبرستان است قلعه بنا کرده متحصن جستند و دست بغارت ماکولات و محصولات رعیت گشودند
و جمعیت متابعان بدو هزار نفر رسید نواب مهدیقلی میرزا با خوانین و سرکردگان مازندران بدفع اینجماعه مامور شده
و در خارج قلعه مزبوره با بابیه محاربتی سخت کردند و ملا حسین بشرویه در مقام عصیان ثبات قدم بخرج میداد و مدتی
خونها بناحق ریخته شد تا عاقبت سلیمانخان افشار و قاسم لواز دربار معدلت مدار مامور مازندران شده قلعه را
گرفته و آنطایفه مطروده را قلع و قتل کردند نیز از فتنه های اینقوم مطروده یکی خروج ملا محمد علی زنجانی در زنجان
بود که بعد از مدتی تحصن در زنجان و گرد آمدن جمعیتی زیاد براو و محاربات سخت با قشون دولت آخر بدست
محمد خان بیگلربیگی پسر فتحعلیخان کیلانی زنجان مسخر و ملا محمد علی مقتول و سایرین نیز مقتول و متواری گردیدند و
معلوم اولیای دولت شد که اصل منشاء فساد وجود سید علی محمد است لهذا بفتوای علمای اعلام او را با دو نفر از مریدانها
از چهریق بتبریز آوردند و بیک دسته از فوج بهادران نصرانی سپرده او را تیرباران کرده بکشتند و اینواقعه در
هزار و دویست و شصت و شش روی نمود فتنه دیگر خروج سید یحیی پسر آقا سید جعفر اصطهباناتی در نیریز فارس
بود و جمعی هم از اهالی باو گرویدند دیوان بیگی محمد علیخان بن حاجی شکر الله خان نوری و مصطفی قلیخان قراگوزلو
سرتیپ بحکم نواب نصرة الدوله فیروز میرزا حکمران فارس بدفع سید یحیی و اتباع او مامور شدند و بعد از مقاتلها
غلبه کرده سید یحیی را دستگیر نموده بشیراز آورده بحکم قصاص بکشتند و زین العابدین خان حاکم نیریز که ضعفی (بواسطه طغیان سید یحیی)
در کار حکومت بهم رسانیده بود دوباره مستقل شده و بعد از چندی او را در گرمابه بکشتند اروپا (اسپانیول)
در اینسال در داخله اسپانیول اغتشاش و بی نظمی بروز کرده و در میان رجال آن دولت عداوت افتاد (اطریش)
دخل دولت اطریش در اینسال سیصد و سی و پنج کرور و دویست و سی و هشت هزار فلورن و خرج سیصد و سی و
هفت کرور و دویست و نود و هشت فلورن بود (فلورن معادل دو هزار و پانصد دینار پول ایران است) (المان)
در اینسال اشرار قسمتی از لهستان که در تصرف پروس است بواسطه شورشی که در سال قبل نموده بودند تنبیه شدند
(انگلیس) در اینسال جوبانه در انگلیس تسعیر تمبر رسانیده از یکی دینار بنیم دینار پول کم شد کتل که از معارف لندن

بود

بود وفات نمود اقتدار انگلیس در افغانستان ولاهور روبترقی نهاد میانه دولت چین وانگلیس مجادله در گرفت و این دولت چین را انصرف کانتن که بندر چین است تهدید کرد و بعضی امتیازات از دولت چین جهت دخول مال التجاره خود حاصل نمود (ایطالیا) ورود اول سفیر دولت عثمانی بدربار پاپ در این سال بود و همچنین تطبیع رسایل خرج و دخل دولت پاپ اول دفعه (پرتوغال) عجز دولت پرتوغال از نظم و دفع شورش داخله مملکت و استعانت نمودن از دولت انگلیس در اینسال بود (روس) در این سال قحط و غلا در فرنگستان نمودار شده غلات و حبوبات دولت روس در آنممالک بقیمت و مبالغ گزاف بفروش رسید و اینفقره موجب مکنت و آبادی روس شد طلای نهادی نیز از معادن تومسکها و اورال عاید روس گردید (سویس) در اینسال هفت ایالت سویس که مذهب کاتولیکی دارند در بعضی مسائل که راجع بمذهب است با وکلای تمام ایالات سویس که در برن پای تخت مجتمع شده مخالفت نمودند دول اطریش و فرانسه هم در باطن اهالی این چند ایالت کاتولیکی مذهب را محرک و تقویت میکنند لیکن دولت جمهوری سویس ژنرال دفورن را با پنجاه هزار نفر بجنگ اهالی آن هفت ایالت مأمور ساخت و در ظرف نوزده روز آن هفت ایالت را منظم نمود (فرانسه) در این سال در فرانسه قحطی حبوبات و غلات و شورش در بعضی ایالات آن روی داد اما گندم روس که از بندر ادسا حمل بکشتیها به فرانسه شد فاقه کلی بحال اهالی مملکت فرانسه نمود مارشال سولت از خدمت دولت استعفا نمود و مسیو گیزو منصب صدارت یافت پرنسس آدلائید خواهر لوئی فیلیپ پادشاه فرانسه وفات کرد امیر عبدالقادر به مارک فرار نمود دوک دومال پسر پادشاه فرانسه حاکم الجزایر گردید در مارک امیر عبدالقادر را بحکم سلطان مارک گرفته بسردار فرانسه تسلیم نمودند دخل دولت فرانسه در اینسال دویست و هفتاد و هفت کرور و بیست و پنجهزار و شصت و هشت تومان و پنجهزار رایج ایران و خرج سیصد و بیست و یک کرور و سی هزار و دویست و شصت و هشت تومان و پنجهزار بوده افتتاح راه آهن از اسپن بر بولن هم در اینسال شد (امریکا) (اتازونی) در این سال مابین اتازونی و مکزیک جنگی سخت روی داد و قشون اتازونی مکزیک پای تخت مکزیک را فتح کرد (هایتی) در اینسال رئیس رئیس جمهوری وفات یافت و سلوک که از جنس سیاهان بود بریاست برقرار گردید

سنه ۱۲۶۵ هجری
سنه ۱۸۴۸ مسیحی

آسیا (ایران) شب چهارشنبه بیست و پنجم شهر ربیع الثانی تحویل مبارکی تحویل شمس ببرج حمل شد و شرایط سلام خاص وعام وجشن نوروز در شب و روز بعمل آمد مطلب اهم اینسال باز رفع فتنه خراسان و دفع محمد حسنخان سالار است نواب حشمة الدوله با اردوی خود متوجه هرات گردیده در دو فرسخی غوریان لشکرگاهی اختیار و از نیمه محرم تا آخر ربیع الثانی در آنجا اتراق نمودند و یار محمدخان از بابت مالیات هرات نقداً جنساً خدمات نمود پس از اطلاع نواب حشمة الدوله از مأموریت نواب حسام السلطنه عزیمت نیشابور و در آنجا دو شاهزاده و برادر یکدیگر را ملاقات کرده و در آن اثنا فرمان احضار نواب حشمة الدوله و ولایت نواب حسام السلطنه شرف وصول یافت و نواب حشمة الدوله پس از ورود بدار الخلافه و شرفیابی حضور همایون بحکومت آذربایجان منصوب و میرزا محمد مستوفی ولد میرزا تقی قوام الدوله بوزارت ایشان مخصوص گردید و در این ایام چراغعلیخان زنگنه را برای کشف امور خراسان واستمالت سالار به آنسامت روانه نمودند و او پس از چند روز توقف در مشهد و چند مجلس ملاقات و مقالات با سالار و علمای مشهد آخر بی نیل مرام مراجعت کرد و بلطایف الحیل جان خود را از شر او باش و جهال مشهد بسلامت بیرون برده باردوی نواب حسام السلطنه پیوست و از آنجا روانه دار الخلافه شد بالجمله نواب حسام السلطنه

سلیمانخان درهجزی را فرمان داد تا کلات را تصرف نماید و خود از راه سر ولایت نیشابور رو بمشهد مقدس کرد
و چون بقلعه شاهان دز که در چمن کوباغ واقع و در تصرف توابع سالار بود رسید فرمان بمحاصره و تسخیر داد پس از
قدری مقاتله و لختی خونریزی از طرفین سکنه قلعه منهزم و قلعه مفتوح شد و قلعه کیان از در استیمان درآمد
و اردوی شاهزاده از آنجا بچمن قهقهه تا زچمن قهقهه بخارج مشهد مقدس ورود نمود و در زمان ده هزار نفر
از شهر بیرون آمده از طرفین جنگ درپیوست و پس از چهار ساعت محاربه قشون شهری پس نشستند و نواب شاهزاده
حکم داده محاذی هر دروازه سنگری محکم بستند و همه روزه کار محاربت بهم رفت و نایره قتال از طرفین اشتعال داشت
ولی شکست و هزیمت و ادبار همه روزه از طرف لشکر سالار بود و چندی بدین منوال گذشت سالار را دیگر تاب محاربه
و مقاتله نمانده بمحصور نشستن در داد و برای مخارج سپاه تنگدستی دامنگیر او شد و بخیال تصرف خزانه حرم محترم
رضوی علیه السلام افتاد و باجرأت و جسارت تمام هر چه در خزانه مبارکه و قبه مطهره آنحضرت از قنادیل
طلا و نقره و سایر آلات زرینه و سیمینه و اشیاء نفیسه بود بیغما برد که بیست و دو هزار تومان زر مسکوک از اشیاء
طلا و نقره بدست وی آمد و حبوبات انبار خاصه حضرت را بجای علوفه بلشکریان بخش کرد و از امام جمعه و علمای
مشهد بدل شده آنها را گرفته محبوس داشت و چند نفر از علمای محبوس تمسک با بمهر اثاث و اسباب منهوبه حضرت
را گرفته بخدام آستانه مقدسه سپردند حاصل سخن باز در این ایام از دار الخلافه طهران لشکری عمده باردوی نواب حسام
السلطنه روانه خراسان داشتند که معاون اردو و متابع صمصام خان سرتیپ باشند و آن لشکر عبارت بود از
عباسقلیخان بن ابراهیمخان بادکوبه و فوج خوی و علیخان قراگوزلو و فوج همدانی و حسنعلیخان سرتیپ که الحال
سالار لشکر است با فوج گروسی و جمعی از سواران کرد و ترک آذربایجان و عبدالعلیخان مراغه سرهنگ توپخانه با
چهار عراده توپ برخی دیگر از قشون ظفر نمون سالار هم از اموال آستانه مقدسه باز بهره و توفی گرفته دوباره از
طرفین ساز جنگ کردند و ایامی چند بدین منوال بود تا باز لشکر سالار منهزم و در حصار شهر متحصن شدند بطوریکه دیگر
قدرت بیرون آمدن از شهر و با لشکر حسام السلطنه رزم کردن برای آنها نماند ولی از بالای باره و برج بواسطه توپ
و تفنگ معارضتی میکردند و گاه گاهی اینها از رخنه نموده بر سنگرها یورش میآوردند و حاصلی جز انهزام نمییافتند
هم از دار الخلافه حاجی یوسفخان سرتیپ فوج قراداغی و توکلخان با فوج خمسه و چهار صد نفر سوار کلیایی و پانصد بار
قورخانه و سه عراده توپ باردو ملحق شد و بحکم والا بر عدد و استحکام سنگرها افزودند و از آنطرف باز سالار جری
جنگ شده همه روزه با پسرش امیراصلانخان بیرون آمده با لشکر فیروزی اثر محاربه مینمودند و زیاده از دویست
نوبت با سپاه منصور کارزار شده بود که امتداد آن از وقت صبح تا هنگام شام میبود در این ایام اسکندرخان
قاجار از اردوی خراسان بدار الخلافه احضار و محمد ناصرخان دولو ظهیرالدوله بسرداری سپاه خراسان مامور شد
بالجمله در تمام این سال سپاه نصرت پناه و غازیان دولت مشغول محاربه با سالار و محاصره شهر مشهد مقدس
بودند تا عرصه بر اهالی شهر تنگ و دلها از طول مدت محاربه و محاصره ملول گردید و عمده سبب این تراخی و طول
زمان این بود که غازیان دولت نمیخواستند بواسطه یکنفس شریر سالار و اتباع مخصوص او که از در طغیان و عصیان
درآمده و باعث این همه شر و فساد و تباهی حال عباد شده اند بیباکانه در تخریب شهر و مملکت و اتلاف نفوس
محترمه اهالی و رعیت که در هر حال باز هم مملوک پادشاه و متعلق بدولت بودند بکوشند
هم در این سال میرزا آقاخان نوری بلقب اعتماد الدوله ملقب گردید و میرزا کاظمخان ولد معزی الیه بمنصب

استیفا

استیفا نایل آمد میرزا محمد حسین ولد میرزا محمد حسین عزب باشی هم بهمین منصب نیز سرافراز شد همدر اینسال در شهر تبریز شورشی درمیان عوام سکنه و اهالی برخاست و محمد رضاخان فراهانی که در اینوقت وزارت آذربایجان داشت بدستیاری چند نفر از علمای شهر آن غوغا را فرونشاند نیز از وقایع اینسال رفتن عزیزخان آجودان باشی است بایروان برای تهنیت ورود حضرت ولیعهد دولت روس الکساندر دویم پسر مرحوم امپراطور نیکلا (امپراطور ثانی مرحوم که مقتول شدند پدر همین اعلیحضرت امپراطور الکساندر سیم) که برای نظم حدود قفقاز و مملکت گرجستان بایروان میآمدند و نامه مودت شمامه با تمثالی مهر مثال مرصع و مکلل بالماسهای قیمتی با یکرشته حمایل آسمان رنگ بهمراهی معزی الیه برای حضرت ولیعهد انفاذ فرمودند و اسمعیل خان خزانه دار نظام نایب اول سفیر دولتی شده حامل هدیه و تحف امیر نظام برای فرمانفرمای گرجستان گردید

هم از سوانح این سال طغیان بعضی از اشرار اصفهانست چون خانخانان را از حکومت اصفهان بدربار احضار و حکومت اصفهانرا بنواب محسن خان سپهدار تفویض داشتند و محمد حسینخان خلج بنیابت سپهدار از پیش باصفهان آمد روزی سربازی با یکی از بستگان مرحوم میرزا سید محمد امام جمعه نزاعی کرده حرمت امام جمعه را منظور نداشتند امام جمعه بهم برآمد اشرار فتنه جوی اصفهان که سرهنگ آنها احمد میرزا که از طرف مادر بسلاطین صفویه می پیوست و میرزا عبدالحسین مستوفی و محمد علیخان و میرزا ابوالقاسم و غیره بودند بی رضای امام جمعه فتنه را بزرگ کردند و محمد حسینخان خلج نایب الحکومه سپهدار را در مسجد جامع بکشتند مابین اشرار بلد و سرباز و بستگان حکومت جدال و قتال سخت شد جمعی از دار الخلافه مامور دفع غایله شدند آخر اشرار فراری و متواری جمعی از آنها مقتول و دستگیر شده احمد میرزا بقم فرار کرد پسرهای محمد حسینخان خلج دست یافته بخون پدر او را بکشتند و میرزا عبدالحسین مستوفی مدتی در قریه قمصر کاشان متواری بود و آخر الامر در قریه ده نو اصفهان در خانه علی نام ملازم خود بدست کسان سپهدار او را گرفته بشهر برده بقتل رسانیدند و بعد از رفع این غایله چراغعلیخان بحکومت اصفهان مامور شد

همدر اینسال نواب احتشام الدوله خانلر میرزا حکمران عربستان و لرستان و بروجرد خسروخان ملک را گرفته مغلولا بدار الخلافه فرستاد و عباسقلیخان جوانشیر بحکومت اردبیل و مشکین مامور شد و از حادثات این سال وفات شاهنشاهزاده سلطان محمود میرزا بود که بولیعهدی منصوب میبود و در صغر سن رحلت کرد و حاجی میرزا آقاسی که در عتبات عالیات اقامت داشت بعالم باقی روانه شد و محمد حسینخان سردار ایروانی حکومت یزد یافت و آقاخان ایروانی از اقربا و نایب الحکومه او شده بیزد رفت و محمد عبدالله که در اینوقت با زدم از خود سری میزد و اشرار دور او جمع آمده تمکین از نایب الحکومه نمیکردند پس از چندی آقاخان از نیابت معزول و شیخعلیخان عمزاده محمد حسینخان سردار بجای او منصوب شد و محمد عبدالله را باستمالت و احتیال بدست آورده مقتول داشت و شهر یزد آسوده و منظم شد و هم بصوابدید امیر نظام ابراهیم خلیل خانرا از دار الخلافه با همراه باردبیل کوچ دادند

اروپا (اسپانیول) در اینسال شورشی در مادرید پای تخت اسپانیول برپا نمودند اوزافا که یکی از شورشیان بود مجبور شد میان دولت اسپانیول و دولت انگلیس بجهت بعضی سفیر انگلیس قطع مراوده شد اول خط راه آهن در اسپانیول بمسافت بیست و پنجهزار ذرع که از بارسلون الی ماتارو باشد ایجاد و ابداع شد (اطریش) در اینسال بتعیین وزرای مجارستان شده و معین کردید که از وزرای مملکت اطریش مجزی باشند.

دروین پای تخت اطریش شورشی برپا و مسیو مترنیخ وزیر اعظم معزول شد امپراطور اطریش نسبت بشورش
وین و بعضی ولایات دیگر توقف نمودن در شهر اینسبروک را غیر لازم دانسته از آنجا مهاجرت کرد دست اکر اطریش که بدخا
ایطالیا بودند شهر فرارکه جزو روم و در تصرف پاپ بود بغلبه متصرف شدند امپراطور اطریش بسبب چندی وارد
شد مملکت مجارستان که یکی از ممالک اطریش است بدولت شوریده کونت لامبرک سپهسالار خود را که از طرف دولت اط
مامور بود بقتل رسانیدند و نیز در وین کونت لاتور وزیر جنگ را شورشیان کشتند امپراطور مجبورًا از وین باو
فرار کرد و سه روز بعد وزیر سپاه استمرار قشون دولتی بشهر وین گلوله توپ و نارنجک می‌انداختند تا روز سیم شهر تسلیم
امپراطور فردیناند اول از سلطنت استعفا نموده اعلیحضرت فرانسوا ژوزف برادرزادهٔ خود را که در آن وقت هج
ساله بود بجای خود منصوب نمودند (انکلیس) در این سال در بعضی از شهرهای ارلند شورشی پدیدار آمد لورد با
که از معارف رجال دولت بود درکذشت (ایطالیا) در اینسال در جزیره سیسیل همچنین در ولایت ناپل شورشی برپا
شد فیمابین دولتین اطریش و ساردین و لمباردی نزاع درکرفت اولاً لنین ساردین و لمباردی یکی شده سلطنت بشارل
البر پادشاه پیمن را اختیار کردند شهر میلان که بتصرف شارل البر درآمده بود و از تصرف اطریش خارج کردیده بواسط
نفاق جمهوری طلبان برپا شد ثانیًا از تصرف شارل البر بیرون شد و مجدداً بتصرف اطریش درآمد شهر و نیز و
توابع اعلان جمهوری نمودند پاپ بعد از قتل مسیو روسی صدر اعظم خود از اهالی روم سوءظن حاصل کرده بناپل رفت
(باویر) در اینسال لوئی پادشاه باویر از سلطنت استعفا کرده ولد خود ماکسیمیلین دویم را بجای خود نصب کرد
(پروس) در این سال در برلن پای تخت پروس مختصر شورشی بظهور رسید (دانمارک) در اینسال کریستیان هشتم
پادشاه دانمارک درکذشت و سلطنت بفردریک هفتم ولد ارشد او رسید ایالات سلشویک و هولستین شورش نمودند
قشون پروس باین ایالات وارد و رانزل سردار پروس چند شهر از این دو ایالت را تصرف کرد دول فرانسه و انکلیس و
روس در این جنک مداخله نموده حمایت از دولت دانمارک کردند (روس) در این سال در اغلب بلاد ممالک روس وبای
شدیدی ظاهر شد و در بعضی نقاط خشک سالی سبب مشقت اهالی کردید (سوئد) در اینسال سلاطین سوئد و دانمارک
بایکدیکر ملاقات کردند و پادشاه دانمارک را در نظم ایالات یاغیه سلطان سوئد امداد نمود (سوئیس) در اینسال
شهر برن پای تخت دولت و مرکز جمهوری کردید و مقرر شد موقوفات کلیسا با اطلاع رجال دولت جمهوری بمخارج مقرره
برسد (عثمانی) در این سال رشید پاشا صدر اعظم عثمانی بی مقدمه از صدارت عظمی عزل و صارم پاشا نصب
کردید مجدداً بعد از پنجاه روز رشید پاشا نصب شد در افلاق بغدان شورش نمودند و قشون روس ببهانه نظم این دو ایالت
آمده تا بوکارست پای تخت رفت (فرانسه) در این سال لوئی فیلیپ پادشاه فرانسه بواسطه شورش مردم خود را
از سلطنت خلع نموده پسرزادهٔ خود را بجای خود پادشاه نمود اهالی پاریس تمکین این مطلب نکرده بشورش افزودند
لوئی فیلیپ بغفلة فرار بمملکت انکلیس نمود اهالی شهر هم بجهة خونریزی شدیدی در حوالی عمارت سلطنتی شد و عمارت
سلطنتی که موسوم بتوئیلری بود غارت کردند آنکاه اهالی فرانسه چندی دولت موقتی وضع نمودند بعد تمام اهل
مملکت جمهوری طلب شدند لوئی ناپلیون برادرزادهٔ ناپلیون اول که در مملکت انکلیس فراری بود وارد پاریس
شده دو سه ایالات او را بسمت وکالت خود در مجلس شوری منتخب نمودند آرشوک پاریس که اعظم قسیسین
آنشهر بود با چند نفر ژنرال در یکی از جنکها که اهالی شهر باهم میکردند کشته شدند آخر الامر لوئی ناپلیون بریاست
چهار ساله جمهوری برقرار شد راه آهن از پاریس الی بندر دیپ در این سال کشیده شد ستاتو برپا ند که شاعر

سفاین جنکی پادشاهان ناپل و ساردین بر بندر طریست از بنادر اطریش وارد شدند

معروف

معروف و نویسنده مشهور فرانسه بود بسن هشتاد سالگی در اینسال درگذشت (هلاند) در این سال در مملکت هلاند
قرار آزادی ادیان شد یا بمعنی هر کس در هر مذهبی باشد در کمال آسودگی و رفاهیت میتواند در این مملکت زیست و
زندگی نماید افریقا (مصر) در اینسال مرض محمد علی پاشای مصری اشتداد یافت و ابراهیم پاشا ولد محمد علی
پاشا والی شد و چیزی نگذشت که درگذشت و عباس پاشا برادرزاده محمد علی پاشا بوالیگری رسید امریکا
(اتاتونی) در این سال هزار و دویست و شصت و پنج هجری که مطابق است با هزار و هشتصد و چهل و هشت
مسیحی مهندسی از اهالی ینکی دنیا معدن طلائی در سواحل رودخانه های سالرمانتو و سان ژواکین در ایالت کالیفرنی
انکشاف نمود ژنرال تیلور بریاست جمهوری منتخب و برقرار گردید فیمابین اتاتونی و مکزیک عهد صلح منعقد گشت
و کالیفرنی را مکزیک بمبلغ شانزده کرور و یکصد هزار تومان وجه رایج ایران واگذار کرد باتاتونی

سنه ۱۲۶۶ هجری — سنه ۱۸۴۹ مسیحی

آسیا (ایران) تحویل نیر اعظم بحمل در اینسال هشت ساعت و یک دقیقه از شب پنجشنبه ششم شهر جمادی الاولی
گذشته بود و مراسم جشن تحویل و سلام عید نوروزی شاهان بعمل آمد نظم ممالک در این سال بدرجه کمال رسید عمده
اختلالی که در کار کشور بنظر میآمد فتنه سالار و اغتشاش سرکار خراسان بود که از توجه اولیای دولت جاوید نظام مملکت
با انتظام شده صورت اختتام یافت بدین شرح که موافقان سالار در آخر الامر عجز و بیچارگی ظاهر شد و رعب غالب
آمد و قصد اطاعت و متابعت نواب حسام السلطنه کردند و در نهم جمادی الاولی اینسال شهر مشهد را بشرط ایمنی
و سلامت جان و مال خودشان بتصرف عساکر منصوره دادند سالار از این قضیه خبردار شده ناچار با برادر و پسر
بدرون صحن مقدس پناه برد و هواخواهان او متفرق شده هر یک بطرفی رفتند و چون سالار خود حرمت آن روضه
مقدسه و بقعه مبارکه را نگاه نداشته بود امروزه بنتیجه سوء اعمال و وخامت آنهمه جسارت دامنگیر خود او شده بحکم
نواب حسام السلطنه او را با دو پسرش امیر اصلان خان و یزدانبخش میرزا و محمد علیخان برادرش دستگیر کرده بلشکرگاه
بردند و پس از شورای عسکری و ثبوت جرایم و تقصیرات سالار آنها را بسیاست و قتل رسانیدند بعد از انجام این خدمت
نواب حسام السلطنه بنشان تمثال بیمثال همایون و شمشیر مرصع و همین لقب مفتخر و نایل گردیدند و محمد ناصر خان
سردار نشان الماس یافت و هر یک از چاکران خدمتگذار باندازه لیاقت و خدمت مورد مرحمت شده دارای خلعت و
نشان گردیدند و بعضی از توپها و افواج را روانه دار الخلافه نمودند و چراغعلیخان بعد از ورود قوللر آقاسی گشت و
نواب حسام السلطنه در خراسان مستقل شد نیز در اینسال فتنه سید یحیی رفع و بانتها رسید و شرح آن در ذیل وقایع
سال اول نگاشته شد نواب نصرة الدوله حکمران فارس شیخ نصر خان پسر شیخ عبد الرسولخان دریا بیگی را از حکومت
بندر بوشهر معزول و میرزا حسنعلیخان ولد حاجی قوام الملک را بجای او حکومت دادند شیخ حسینخان عم شیخ نصر خان
بترسید که این حکومت موروثی از این سلسله بیرون رود با مداد اعراب راه حاکم جدید را بست و در بندر بوشهر نشست
مصطفی قلیخان قراگوزلوی سرتیپ با افواج خود بمعاونت میرزا حسنعلیخان و مدافعت شیخ حسینخان برفت و او را
دفع داد و بازای این خدمت بمنصب میرپنجگی نایل و میرزا حسنعلیخان سالها در آن ولایت با سبکی پسندیده بماند هم از
وقایع اینسال طغیان میرزا قوام الدین اصفهانی برادر میرزا منصور خان طباطبائی است که سالها در کوهگیلویه حکومت
داشتند و وی را حکومت بهبهان بجهة بی صلاحی صافی نگشت و زکاری نزد منوچهر خان معتمد الدوله و پیش از آن
در خدمت امین الدوله عبد الله خان بسر میبرد چون حکمرانی فارس بنواب والا بهرام میرزا (معز الدوله) رسید

محمد کریمخان قاجار ایالت کوهکیلویه یافت امور آن صفحات نظمی نگرفت والوار سکنه آن بلاد خودسری گزیدند میرزا قوام
بابا بخارفته بمعاونت اعراب و بعضی دیگر دست تصرف در اموال و اثقال خلایق دراز کرده و قلعه‌ها محکم کل و کلاب را
تعمیر کرده راه خودسری پیش گرفت و بقطع طرق قوافل پرداخت و بر قرابت اعراب افزود و در دفع او کوششها رفت
تا آخر الامر در حکومت نواب فیروز میرزای نصرة الدوله بدست عباسقلیخان سردار لاریجانی گرفتار شد و او را بشیراز
و از شیراز بدار الخلافه آوردند و حسب الامر محبوس گردید و محمد باقرخان نوری سرتیپ سرباز مزبور افتاده مغلول
شد و نیز در این اوان نواب مؤید الدوله طهماسب میرزا حکمران کرمان امور و ثغور بلوچستان را منظم کرد و سامخان ایلخانی
و عباسقلیخان میرپنج و میرزا عبد الباقی متولی باشی حضرت رضوی علیه السلام از دار الخلافه رخصت یافته بمشهد
مقدس مراجعت کردند و بر حسب امر همایون شاهنشاهی در آن بلد سیاه چادر و الخانها ساختند و بتسخیر مرو حتم تصمیم
ثبت دادند سلیمانخان دنبلی بحکومت تربت رفت و محمد تقیخان جوانشیر ماکو بشاهرود و بسطام گردید و محمدرضاخان
قاجار بحکومت اردبیل و محمد حسینخان نوری بکارپردازی تفلیس نایل شد و قاسمخان قاجار چاپارچی باشی حکومت
قراجه داغ یافت و حکومت ارومی بنواب مصطفی قلیمیرزا مفوض شد و محمدعلیخان ماکوئی منصب میرپنجگی یافت
محمدعلی بیک ناظر شاهنشاهی مأمور رسیدگی املاک قزوین رفته ولی اجل او را مهلت نداد نظارت اعلیحضرت اقدس
همایون بنصر الله خان ولد امیرکبیر قاسمخان خال شاهنشاه مفوض شد فوج مصطفی قلیخان بیاتخان مکری
(مظفر الدوله) سپرده آمد موکب فیروزی کوکب اقدس اعلی عزیمت قم و بعضی از نواحی عراق فرمودند اروپا
(اطریش) در اینسال اهالی مجارستان بر دولت اطریش یاغی شدند سردار اطریش از طرف امپراطور این مملکت واندیسکراتز
مامور بنظم مجارستان و تنبیه اشرار و یاغیان شد و در وسط زمستان قشون بمجارستان کشیده وارد شهر بود
پای تخت آن مملکت گردید عساکر روس که در والاشی بودند بکمک امپراطور اطریش وارد مجارستان شدند ولی اهالی
مجارستان بیشتر شهرها را که متصرف قشون دولت بود متصرف شده کوسوت نام را رئیس جمهور قرار داده اتفاق کرده
مجارستان را خارج از مملکت اطریش اعلان نمودند و شهر پیشت که در حوالی شهر بود پای تخت میباشد متصرف یاغیان
در آمد اعلیحضرت امپراطور اطریش بشخصه سرداری عساکر خود را متقبل و اردوی خود را در شهر پرسبورک قرار داد
عساکر روس که در افلاق و بغدان بودند بملاحظه اینکه مبادا شورش اهالی مجارستان امتدادی یافته بسمت لهستان
روس سرایت نماید مجدداً مصمم حمایت امپراطور اطریش شده قشون بکمک امپراطور اطریش بمجارستان فرستادند
نیز در اینسال لشکر اطریش در ایطالیا فتح نموده و قلعه مدین را متصرف شدند سردار بزرگ اطریش رادتزکی نام
در نوار پادشاه ساردین را مغلوب کرد و پادشاه ساردین از سلطنت استعفا نموده ارشد اولاد خود را
بسلطنت انتخاب و برقرار داشت سردار مذکور اغلب شهرهای ایطالیا حتی فلورانس و غیره را متصرف شد و مملکت
لومباردی را که از ممالک ایطالیا است علاوه و نیز کلیه متصرفات اطریش در آورد یکدسته از قشون فرانسه وارد بندر
سیویتاویکیا بندر ایالت روم شد بعد از فتوحات مذکوره در ایطالیا جرات عساکر اطریش در مجارستان زیاد شده
در دفع اشرار آنجا ظفر قریب بیقین حاصل نمودند یکصد هزار قشون از روس مجدداً وارد مجارستان شده بکمک امپراطور
اطریش آمدند سردار این قشون پسکاویچ بود اعلیحضرت امپراطور روس نیکلای مرحوم بشخصه بکراکوی بکمک
امپراطور اطریش آمد یاغیهای مجارستان مستاصل شده فرار بر قرار اختیار کردند و پناه بخاک عثمانی بردند بالاخره
بعد از یکسال یاغیگری و شورش در مجارستان نظم و آرامی در آن ایالت حاصل شد (المان) هم در اینسال اجزاء

پارلمنت

پارلمنت که در شهر فرانکفورت جلوس مینمودند ریاست دول متعاهده المان را که آن زمان با دولت اطریش بود مسترد ساخته
وکلای پارلمنت متفق القول امپراطور اطریش را از ریاست دول متعاهده المان خلع نمودند این ریاست را بپادشاه پروس که
در آن وقت فردریک کیوم بود تسلیم کردند پادشاه پروس جواب صریح در رد یا قبول این شغل نداده اما از اطراف امپراطور
اطریش بمجلس وکلای پارلمنت المان اطلاع داد که ایشان از حدود معینه خود شان تجاوز نموده اند و وکلای مملکت اطریش را
که جزو سایر وکلاء در این پارلمنت بودند احضار نمودند دولتین وورتمبورک و باویر که از دول معظمه المان
میباشند تمکین و قبول نکردند که ریاست ایشان با پادشاه پروس باشد پادشاه پروس هم بالطبع مایل اینکار
نبود و قبول نفرمود بواسطه عدم قبول پادشاه پروس ریاست دول المان را که خلل باحکام مجلس فرانکفورت وارد آمده
بود در مملکت هانوور که نیز از دول المان است و در بعضی ممالک دیگر المان بنای شورش شد علی الخصوص در مملکت
ساکس از دول المان شورش سختی کردند مردم بر ضد خانواده سلطنت شدند قشون پروس تا درزد پای تخت آن
دولت حمله برده شورشیان را متفرق ساخته پادشاه ساکس را در سلطنت خود مستقل نمود در ایالت باد نیز بنای شورش
شد بعد از چندی پادشاه پروس بریاست دول المان راضی شد مشروط که بواسطه عهد نامه سلاطین ساکس و هانوور
قبول این فقره نمایند و بر عهده گرفت که داخله مملکت المان را منتظم سازد و دست دشمن خارجی را از ممالک المان کوتاه
نماید سردار پروس ژنرال پوکر با کمال رشادت و سختی در مملکت باد با شورشیان جنگ دارد در پائیز اینسال سلاطین
اطریش و پروس و ساکس با هم ملاقات کردند و مابین سلطان اطریش و پادشاه پروس چنین معاهده شد که از هر
طرف دو نفر بجهة ریاست ممالک المان تعیین شود که فی الواقع ریاست کلیه از آن بعد میان دولت اطریش و پروس
مشترک باشد (انکلیس) هم در این سال بندر عدن در عربستان که متعلق بدولت انکلیس است بجهة تجارت تمام روی
زمین باز شد ایالت گینه را که در افریقا است انکلیس از پرتوغال ابتیاع نمود نیز جنگ انکلیس با افاغنه و هندیهای
لاهور مسمی بسیک و فتح ملتان و حمله افاغنه به پنجاب و فتح پنجاب بدست عساکر انکلیس و تصرف آنجا از وقایع اینسال است
هم در اینسال بجهة عبور کالسکه راه آهن بر روی دریا در بوغاز منی پل بستند که جزیره انکلیزی وصل بکارنارون شد
جمعیت انکلیس در اینسال پنجاه و هشت کرور بوده (ایطالیا) در این سال اعلام جمهوری در شهر روم و ضبط
موقوفات کلیسا بدست جمهوریان اتفاق افتاد جلوس ویکتور امانوئل بر سریر سلطنت ساردین و شورش اهالی ژن بپادشاه تازه
از وقایع اینسال است و الی سابق در پارم باعانت اطریش مستقل گردید دول اطریش و فرانسه و اسپانیول و ناپل پاپ را
اعانت نمودند که از شر جمهوریان روم محروس باشد چهار هزار قشون اسپانیول بسرداری ژنرال کوردوا بکمک
پاپ آمدند و اهالی روم بنای مخاصمه با قشون فرانسه گذاردند روم محاصره و در اواسط تابستان مفتوح شد ریاست
جمهوریان با گاری بالدی و مازینی بود سلطنت ظاهری پاپ در مملکت روم بتوسط فرانسه استقلال یافت شارل
البرت پادشاه سابق ساردین در یکی از شهرهای پرتوغال درگذشت مابین پادشاه ساردین ویکتور امانوئل و امپراطور
اطریش در میلان انعقاد مصالحه شد پاپ از کائت که آنجا را مأمن خود قرار داده بود بروم مراجعت کرد (دانمارک)
هم در اینسال مابین دانمارک و عساکر المان که بکمک شورشیان اسلسویک هولستن آمده بودند شروع بمنازعه شد
و دو کشتی جنگی دانمارک را غرق کردند قشون دانمارک عساکر پروس را که بکمک یاغیها آمده بودند شکست دادند
و شش ماهه مابین یاغیان و دولت دانمارک متارکه اتفاق افتاد نیز در اینسال بوساطت دولت انکلیس مابین دانمارک
و پروس و سایر دول المان انعقاد مصالحه شد (روس) در اینسال دولت روس با اطریش در شورش مجارستان

کمک

کمک نمود و خرج این امداد شصت کرور منات شد اعلیحضرت امپراطور روس فرمان دادند که طایفه یهود که در ممالک
روس متوقف اند یا باید بلباس روس ملبس شوند یا ملبوس جدید فرانسه را اختیار کنند یا هرسال مبلغی مالیات بدهند
جمعیت چهل و نه ایالت مملکت وسیعه روس در اینسال یکصد و هشت کرور و نود و دو هزار و سیصد نفر بوده از
وقایع این سال اینست که جمعی که در صدد قتل اعلیحضرت امپراطور روس بودند بدست آمدند و بیست و یکنفر آنها
که از علماء الهیات حکم قتل آنها صادر شده بود امپراطور از قتل آنها درگذشته حبس مؤبد میکنند (سویس) همدر
این سال در مملکت سویس اوزان و مقادیر بطرز فرانسه قبول میشود (عثمانی) در اینسال دولت عثمانی با دولت
روس در خصوص افلاق بغدان معاهده می بندد در این معاهده قید شده که حکام افلاق بغدان را عثمانی معین
خواهد کرد مشروط که حاکم عیسوی باشد و مدت حکومت هفت سال پرنس شیکا والی افلاق بغدان گردید نیز در این
سال دولت اطریش و روس با دولت عثمانی کدورت حاصل نموده که چرا افراد بهای لهستانی و مجارستان را که پناه
بخاک او برده بودند پس نمیدهد و دولتین انگلیس و فرانسه رفع اینکدورت را توسط نمودند امیرال انگلیس پارکر
با کشتیهای جنگی انگلیس بکمک عثمانی وارد داردانل شد (فرانسه) در اوایل این سال لوی ناپلیون برادرزاده ناپلیون
بزرگ که در چهارده کرور منتخبین یازده کرور و یکصد هزار نفر او را بریاست جمهوری منتخب نمودند باین شغل
برقرار شد و عمارت الیزه را مسکن او قرار دادند همدر این سال در فرانسه مدت ده ماه وبای شدیدی بروز کرده
مارشال بوژو دار امیرض درگذشت سرداران فرانسه ژنرال اودینو و ژنرال والیان روم را مسخر نمودند فوت
مارشال مولیتو که از سرداران رشید بزرگ فرانسه بود نیز در اینسال اتفاق افتاد (هلاند) در اینسال گیلیوم
دویم پادشاه هلاند درگذشت و پسر او گیلیوم سیم در اوایل بهار بجای او جلوس نمود افریقا (مصر) در این
سال محمد علی پاشای مصر درگذشت امریکا (اتازونی) در اینسال در ممالک اتازونی گفتگو در باب آزادی سیاه
که در بعضی از ایالات این ممالک برده بودند نمودند و صیت انکشاف معادن طلا در کالیفرنی باطراف رسیده از
هر طرف جمعیت رو بکالیفرنی آوردند اول وقتیکه امتعه چین مستقیماً علی الخصوص چای بینا نما وارد شد این سال
بوده ایالات کارولین اتازونی شروع بزراعت چای نمودند (سنکی دو بنای جنوبی) در این سال ژنرال روزاد در با
جمهوری ایالات بنوزد را استقلال تام و تمام بهمرسانید و این ایالت با انگلیس همان قرار که با فرانسه عهد تجارت دوستی
بسته است معاهده نمود

سنه ۱۲۶۷ هجری — سنه ۱۸۵۰ مسیحی

آسیا (ایران) تحویل آفتاب بحمل روز جمعه هفدهم جمادی الاولی یکساعت و پنجاه دقیقه از طلوع آفتاب
گذشته بود نواب حسام السلطنه والی خراسان مسافرت بسرخس و دفع شر تراکمه آن حدود و تأمین و تصفیه
آن نواحی را نموده مراجعت بارض اقدس کردند چراغعلیخان زنگنه قوللر آقاسی که بعد لقب سراج الملکی یافت
بحکومت اصفهان نایل شد محمد امین خان والی خیوق که بعد از برادر خود را خوارزمشاه میخواند آتابای محرم
که از نزدیکان او بود با هدایای لایق بسفارت ایران و تهنیت شاهنشاه جمجاه روحنا فداه مامور کرده در ماه
ربیع الثانی وارد دار الخلافه شد و شرفیاب حضور مبارک گردید و مقرر شد که شخصی از چاکران کافی آستان
سپهر نشان همراه او بخوارزم سفارت کند و بعضی مطالب را انجام دهد برحسب امر همایون مرحوم رضاقلیخان
للهباشی را که یکی از اعیان کاردان خدام دربار معدلت مدار و مردی خبیر و بصیر و نگارنده فاضل و بی نظیر بود انتخاب

محرم باصطلاح اهل خوارزم پیشخدمت است

نمودند

نمودند و او عازم این سفر شده وقایع مسافرت خود را من البدو الی الختم نگاشته و شرح اینمسافرت در جلد دویم
مرآت البلدان موسوم بمآثر السلطان نگاشته شده است و در اینجا حاجت باعاده نیست همدر اینسال در این دولت
جاوید علت یعنی دار الخلافه باهره روزنامه دولتی حاوی اخبار داخله و خارجه و بعضی اعلانات تجارتی وغیره
ایجاد شد و اول نمره این روزنامه که از طبع خارج گردید مورخ بتاریخ   ربیع الثانی سنه هزار و دویست
و شصت و هفت بود نیز در اینسال بواسطه قراولخانه که در هر نقطه شهر دار الخلافه ساخته شده بود بنظم
شهر افزود و مقرر شد که در سایر بلاد نیز قراولخانه ها بسازند مصطفی قلیخان قراگوزلو منصب میرپنجی یافت
آقاخان ماکوئی سرتیپ سواره قزوین گردید پاشاخان مکری (حالا مظفر الدوله است) سرتیپ افواج سمنان
و دامغان شد سلیمانخان دنبلی حکومت تبریز یافت یوسفخان افشار را منصب سرهنگی فوج جدید افشار ارومی دادند
رضا قلیخان ولد سلیمانخان افشار صاین قلعه بنیابت حکومت صاین قلعه برقرار آمد همدر اینسال مقرر شد که
ماهی دو مرتبه یکی در غره و مرتبه دیگر در پانزدهم ماه چاپار باذربایجان و فارس و گیلان و مازندران و کرمان و
خراسان و استراباد و کرمانشاهان رفته مراجعت کند محمد تقیخان جوانشیر حاکم شاهرود و بسطام گردید شفیع
خان نایب اول اجودانباشی مامور مصلحت گذاری و اقامت لندن شد میرزا حسینخان (مشیر الدوله سپهسالار
اعظم مرحوم) ولد میرزا نبیخان امیر تومان مامور بکارپردازی بمبئی شد بنای کارخانه چینی سازی در دار الخلافه
طهران و کارخانه بلور سازی در قم شد مفتول دوزی در لباس اهل نظام که تا آن وقت در ایران معمول نبود زنی
طهرانیه مسماة بخورشید خانم نمونه از آن دوخته بنظر اولیای دولت رسانید و حکم شد سردست و یقه صاحب
منصبان را مفتول دوزی کنند شال چوخای مازندران طوری تکمیل شد که برای لباس سرباز دیبا بکار میخورد
حکومت اردبیل بمحمد رضاخان قاجار تفویض آمد محمد حسنخان نوری بحکومت مشکین و ایلات آنجا رفت قاسمخان
قاجار جارچی باشی حکومت قراجه داغ یافت میرزا زین العابدین تبریزی مامور تعدیل مالیات گیلان و فومن
من اعمال گیلان شد میرزا هدایت الله مستوفی (جناب وزیر دفتر) بتعدیل مالیات صاین قلعه رسید که مواجب سوار
آنجا رفت میرزا حسنخان وزیر نظام برادر جناب میرزا تقیخان اتابک اعظم حکمرانی عراق یافت محمد علیخان ماکوئی
را منصب میرپنجی دادند و حسنخان یوزباشی ولد مشار الیه سرهنگ و مامور شد که از اردبیل و مشکین یکفوج سرباز
جدید بگیرد حسنعلیخان سرهنگ (جناب سالار لشکر) از گروس یکفوج سرباز گرفته از فراهان و کزاز دو فوج
جدید و از مراغه نیز یکفوج بسرتیپی جعفر قلیخان قاجار و از خلخال یکفوج بسرهنگی محمد علیخان و از کرمان یکفوج
بسرکردگی امامعلیخان گرفته شد اصلان سلطان از طایفه افشار خرقان منصب یاوری یافت مصطفی قلی میرزا بحکومت
ارومی رفت نواب شاهزاده مؤید الدوله حکمران کرمان و بلوچستان شد حکومت یزد بمحمد حسنخان سردار
بنیابت حکومت معزی الیه بشیخعلیخان ایروانی مقرر شد کلب حسینخان اجودانباشی مامور سرپرستی قشون آذربایجان
گردید علیقلیخان شقاقی سرهنگ فوج دامغان شد و نیز مقرر شد چهار فوج از عساکر منصوره همیشه متوقف
دار الخلافه باشند سیورسات گرفتن مامورین دیوان از رعیت چنانکه رسم سابق بود متروک شد آبله کوبیدن اطفال معمول
گردید در بعضی از منازل راه خراسان مثل الهاک و زیدر بنای قلعه گذاشته تفنگچی و مستحفظ قرار دادند ایجاد
تذکره عبور و مرور در جمیع بلاد ایران گردید کاروانسرای معروف بکاروانسرای امیر در دار الخلافه بنا شد محمد
رحیمخان نسقچی باشی (علاء الدوله   امیر نظام مرحوم) بحکومت خوی مامور شد امام معدن مس قراجه داغ نظم گرفت

محمد باقر

محمد خان نوری را که از خوانین متمرد پشتکوه فارس بود و در قلعهٔ صعبه متحصن عباسقلیخان سردار لاریجانی حاکم
اصفهان او را بحیله آورده بسزای خود رسانید شال کرمانی بطوری ترقی کرده و خوب شده که مشتبه بشال کشمیر
گردید لشکرهای زندران را بطوری تصفیه نمودند که مثل لشکر هندوستان شد نواب ایلدرم میرزا برادر کوچک
نواب خانلر میرزا از جانب ایشان نایب الحکومه لرستان شد عبدالله خان صارم الدوله مامور بمیور و آنحدود در
نظم کلی داد طایفهٔ بلوچ سیستان که شرارت مینمودند یار محمد خان ظهیر الدوله بامر اولیای دولت علیه جمعیتی از
هرات بر سر آنها فرستاده آنها را تنبیه کرد آقا اسمعیل سرهنگ تحویلدار جبه و ملبوس و غیره نظام شد مطلب بیک
تفنگدار سرکرده صد نفر سوار و صد نفر پیاده شده بحراست راه خراسان مامور شد هفتاد خانه در لنگرود
آتش گرفته بسوخت قطران که بجهت مصارف توپخانه از روسیه میآوردند در رحمت آباد گیلان بقدر کفایت بجوب
ساختند یکفوج سرباز جدید از نیشابور بسرهنگی محمود خان کرکری گرفته شد دهم جمادی الاولی در تبریز زلزله
سختی شد جواد خان بادکوبه سرهنگ فوج جدید بروجرد شد نصرالله خان (نصر الملک سرتیپ اول) سرهنگ فوج
گلپایگان گردید هاشمخان قراباغی سرهنگ فوج کره شد جبرئیل خان پسر صمصام خان سرهنگی فوج جدید نصارای
ارومی و سلماس یافت حسینعلی خان سرهنگ گروسی را بدار الخلافه احضار فرموده منصب سرتیپی دادند محمد تقیخان
جوانشیر حاکم شاهرود و بسطام مرحوم و حسینعلیخان منسوب او بجای او حکومت یافت کوچه های شهر تبریز را بحکم
نواب حشمة الدوله سنگ فرش و تنظیف کردند حکومت گلپایگان و خوانسار از عربستان و لرستان مجزی و محول بنواب
احمد میرزا شد ابراهیمخان برادرزادهٔ حسینعلیخان سرتیپ سرهنگ فوج گروسی شد سیصد چهار صد خانوار مشهدی و هراتی که
که در ایام انقلاب آنشهر بهرات رفته بواسطه امنیت این بلد عود نمودند و کار زراعت خراسان نیز منتظم شد [illegible]
امامویردیخان نیشابوری که دم از خود سری میزدند بدست الله قلیخان دستگیر و قلاع آنها کوبیده شد صد نفر ریش   حاکم نیشابوری
سفیدان و کدخدایان معتبر سرخس بخراسان آمده متعهد اطاعت شدند ظهیر الدوله میرزا محمد علی برادر میرزا نجفخان را
از هرات باعریضهٔ بندگان همایون فرستاد اهالی لارستان فارس که بواسطه قلاع مستحکم و جبال شامخه راه طغیان
میسپردند بدست نواب والا نصرة الدوله حکمران فارس مقهور و مطیع و قلاع آنها کوبیده شد

هم در اینسال موکب همایون اعلی روز سه شنبه نوزدهم جمادی الثانیه بقصر قاجار نقل مکان کردند که در ماه رجب
تشریف فرمای صفحات اصفهان شوند میرزا حسنخان وزیر نظام که حاکم عراق بود با نتظام امور قشون آذربایجان
رفت و بعد از انجام این خدمت مقرر شد که در اصفهان برکاب اعلی بپیوندد قلعهٔ ارگ تازه بمعماری عبدالله خان معمار
باشی بنا کردند عمارات دیوانی اصفهان را برای ورود موکب همایون تعمیر نمودند محمد تقیخان برادر محمد حسنخان
سرتیپ فراهانی سرهنگ فوج جدید فراهان شد محمد ولیخان حاکم نهاوند معزول و مهدیقلیخان نایب اجودانباشی
بجای او حکومت یافت قلعهٔ ابرند گاه را عبدالله خان صارم الدوله از تصرف محمد علیخان بلوچ خارج کرده بمدد خان
سپرد قلعهٔ نه گنبد و حسین آباد در راه یزد چون دزدگاه و خراب بود شیخعلیخان نایب الحکومه آب آنجا را برون
آورده بیست خانوار در آنجا سکنی داد که عابرین از آنجا بسلامت بگذرند

روز شنبه غرهٔ شهر رجب موکب همایون با شوکت و شکوه تمام از مقر خلافت عظمی روانه یافت آباد شده که
تشریف فرمای قزوین و از آنجا از راه سلطان آباد و بروجرد بسمت اصفهان نهضت فرمایند جمعی از شاهزادگان
عظام و وزرای کرام و امراء و ارباب مناصب و قدر معتدی سپاه از سواره و پیاده ملتزم رکاب اعلی بودند

عزیزخان اجودانباشی مامور توقف دار الخلافه و ارک و نظم قشون شد سیم رجب در منزل سلیمانیه کرج اطراق ملوکانه
نموده روز چهاردهم بمنزل قاسم آباد نزول اجلال فرموده و از اینجا منزل بمنزل عازم قزوین شدند میرعلینقی خان ولد
میر سعد الله خان فندرسکی را منصب سرهنگی دادند هادیخان حاکم ساوجبلاغ و مکری معزول و عبدالعلیخان کروسی
بجای او حکومت یافت عبدالعلیخان بادکوبه سرتیپ فوج دهم خوی بمیرپنجه‌گی فوج مزبور و چهار فوج کرمانشاهان
نایل گردید سواره یاپرونده مامور خراسان شدند قشون معتد با جعفرقلیخان میرپنجه مامور گرگان گردید روز نهم
رجب وزیر مختار انگلیس و سفیر روم از دار الخلافه روانه اصفهان گردیدند و روز یازدهم وزیر مختار روس نیز بهمان
صوب عزم کرد فرج الله خان سرهنگ یکفوج سربازان زنجیر گرفت روز هشتم رجب موکب همایون وارد قزوین شد
کتاب نظام ناصری از مؤلفات نواب بهرام میرزا (معزالدوله) در دار الخلافه طبع و منتشر شد برج و باره دار الخلافه
تعمیر شد موکب همایون هیجدهم رجب از قزوین تشریف فرمای صفحات عراق شد حاجی علیخان فراشباشی والد مؤلف را
اداره و اختیار عمارات دیوانی کل ممالک محروسه دادند سیدی عراقی صفحه از آهن ساخته گلوله بر آن کار نمیکرد و مدعی
بود که با همین آهن زره میسازد که گلوله را در آن اثری نیست نسبت صنایع غریبه نیز باو میدادند در قزوین جهت منع
سیل سدی بامر دولت بستند سربازان فوج سوادکوهی را که نواب مهدیقلی میرزا فرستاده بود در دار الخلافه
سان دادند محمد ولیخان بیگلربیگی استراباد بقصد ترکمه با سه هزار نفر از سواره و پیاده از شهر حرکت کرد
موکب همایون دوازدهم شعبان تشریف فرمای سلطان آباد شد و در این سفر در منزل آشتیان مولودی ذکور
از صلب مبارک شاهنشاهی روشنی بخش ابصار گردید جباخانه در همه بلاد ایران خاصه در دار الخلافه طهران
دایر و انواع اسلحه ممتاز ساخته شد و همچنین مهتاب بجهت آتش بازی توپ موکب همایون روز نهم شعبان وارد
بروجرد شده باغ شاه بورود مسعود مزین گردید حاجی محمد حسین . کاشانی پارچه از پنبه و کج در کاشان
ترتیب داده و بافته بضخامت ماهوت ولی لطیفتر و بادوامتر و دو هزار توپ که نیمه از آن برای اهل نظام برسم علی الحساب
بتولی چهار هزار و پانصد بنا را ابتیاع شد افواج و سواره زیاد در این سال از غالب بلاد و ایلات گرفته
و در غالب ولایات قرار ساخلو و مشق افواج شد   وامر قشون ایران خیلی ترقی کرده و منظم شد
و قشون لایق بجهت نظم حدود گرگان و استراباد و خراسان و دفع ترکمه بهمه آنحدود فرستاده شد و تمام حدود
شرقی و غیره ایران منظم و امن و مصفا گردید از اتفاقات غریبه اینسال آنکه گاوی در رشت حامله بوده و
وضع حملش نشده صاحب گاو بتوهم اینکه مبادا بمیرد آنرا ذبح نموده شکمش را شکافته گوساله بیرون آمده که دو
سر داشته یکی بزرگتر و دیگری فی الجمله کوچکتر تا گردن که چسبیده بشانه است دو تا بوده و دست و پا و سینه و
شکم موافق قاعده یکی و دم آن یازده و تا بوده دکتر شلیمر آن گوساله را گرفته که تشریح نماید
موکب همایون روز شنبه بیست و یکم شعبان از بروجرد بعزم اصفهان انتهاض فرمود در مشهد مقدس و قوچان
و ترشیز زلزله شدید شد آقا باباخان یوزباشی حکومت ماینقلعه یافت موکب همایون اوایل رمضان را تشریف فرمای
چمن قمشه بود دوازده هزار تومان بکرمانشاه و چهار هزار تومان بملایر تخفیف مرحمت شد اشرار فوج قمشه
که چندی قبل همراهی فوج دیگر طغیانی نموده بودند و تنبیه هر یک باندازه تقصیر خود تنبیه شدند سرهنگی فوج
جدید کردستان را با امان الله خان والی کردستان مرحمت فرمودند سرکردگی سواره سنجابی و حکومت طایفه
مزبوره را بعلاوه منصب سرهنگی باسد الله خان گوران دادند

موکب همایون اعلیحضرت شاهنشاهی روز پانزدهم ماه رمضان شهر اصفهان را بقدوم مبارک مزین فرمود این سفر خیر اثر زایدالوصف متضمن صلاح حال رعیت بود زیرا که بر نظم بلاد افزود و در هر جا حسب الاستحقاق بعدل لزوم تخفیفی مرحمت فرمودند و منزل ذات همایون در عمارت سلطنتی شهر اصفهان و ارکان و اعیان حضرت در ابنیه نزدیکی دربار همایون و سایر اهل اردو از نظام و غیره در عمارت هشت بهشت و در کنار رودخانه زاینده رود چادر زده بودند میرزا محمد علیخان بمنصب وزارت دول خارجه نایل گردید سلام عام روز عید صیام در اصفهان باشکوهی تمام انعقاد یافت عمارات سلطنتی دار الخلافه را برای معاودت موکب اعلی تعمیر و بعضی ابنیه تازه بنا کردند محمد ولیخان بیگلربیگی استراباد قلعه خواجه نفس را تمام و حمزه خان انزانی را بمستحفظی آنجا گذاشت و سد گرگان را نیز ساخته و باتمام آورده و نواحی گرگان و استراباد نظمی کامل یافت میرزا احمد کارپرداز زنرال ارزروم برکاب اعلی آمده بنیابت دویم وزارت دول خارجه یافت مقرر شد سه فوج سرباز از توابع اصفهان بگیرند و جبه خانه در اصفهان بنا نمودند که در هر ماهی سیصد قبضه تفنگ و هزار دست فانسقه و اسباب سربازی در آن تمام شود و نظر برعایت حال صنعت نساج اصفهان امر شد سالی پنجاه هزار دست ملبوس نظامی در اصفهان دوخته شود میرزا احمد وکیل دیوانخانه مبارکه را بمنصب ناظم دیوانی و لقب خانی سرافراز فرمودند جا محمدخان قاجار بجای نواب مهدی قلی میرزا حاکم مازندران شد بنای توپ کاری در حدود دار الخلافه شد یار محمد خان ظهیر الدوله در سبزوار درگذشت و پسرش سید محمد خان بجای او متمکن شد سیف الدین خان بلوچ از رؤسا و حکام طایفه بلوچ با طایفه خود خدمت نواب مؤید الدوله حکمران کرمان و بلوچستان متعهد خدمتگذاری گردید موکب همایون از اصفهان بمقر خلافت عظمی معاودت فرموده روز هشتم ماه ذی حجه بدار الخلافه باهره نزول اجلال فرمودند و در همین روز در تالار تخت مرمر سلام عام منعقد گردید اهل دار الخلافه بزیارت جمال مهر مثال مفتخر شادیها نمودند باذن بندگان همایونی مرهم رخصت سواری کالسکه یافته و در دار الخلافه و دار السلطنه اصفهان کالسکه ها ساختند که بخوبی کالسکه های ممتاز فرنگ بود مصطفی قلی میرزا که سابق حاکم اردو می بود بحکومت مازندران مامور شد میرزا محمد حسین صدر دیوانخانه بایلچی گری روس رفت حاجی میرزا علیخان خوئی بمنصب سرهنگی نایل شد در انبار خانه میرزا غفار خان اجودان توپخانه که در پشت توپخانه بوده آتش گرفته و باروت خانه دیگر در جنب او تمام سوخته بغایت برای قورخانه موهم خطر بود ولی توپچیان و قورخانه چیان آتش را خاموش کرده بقورخانه آسیبی نرسید کوچه های ارک پادشاهی دار الخلافه را شروع بهموار کردن و سنگ فرش نمودن نمودند که برا کالسکه رو صاف باشد میرزا تقی وزیر سابق عراق بمنصب استیفا و مباشرت کل وظایف ممالک محروسه برقرار گردید ابراهیم آقا سرهنگ فوج نهم خوئی بمنصب سرتیپی فوج مزبور و فوج مهدیا فشار بکشلوی قزوین نایل گشت محمود خان کلانتر بستان از مرتبه اول سرهنگی و خلعت مرحمتی شد را و لغزش بقیه طوایف ترکمان دشت گرگان متفق شده با قشون دولتی بنای مجادله گذارده جعفرقلیخان میر پنجه آنها را شکستی فاحش داده متفرق نمود محض اشاعه خیر و نفع اهل مملکت امر همایون شرف نفاذ یافته که بند کنار پل شوشتر را ببندند و سدی هم در نهر مشهور بهاشم ببندند شود آن بند و سد دیوان باتمام رسید و عربستان باهتمام نواب خانلر میرزا ایلخی منظم شد هم در این سال در ارک همایون مدرسه مبارکه دار الفنون ساخته شد اگرچه شروع بساختن و اقدام به بنای این محل منیف و مکان رفیع فی الحقیقه در سال قبل شد ولی در این سال تجسم تمام ساخته آمد طرح این بنا را

میرزا

میرزا رضای مهندس باشی کرد و بمعماری محمد تقیخان معمار باشی بنا نمودند و سمت شرقی آنرا باتمام رسانیدند و معلم
از برای تعلیم علوم جدیده و انکشافات تازه و السنه مختلفه دول اروپا از فرنکستان طلبیدند لتری صاحب که خدمات
جلیله بدولت علیه کرده بود و در دولت شهریار مبرور محمد شاه طاب الله ثراه منصب امیر تومانی یافته در گذشته
او را عزت و احترام تمام برداشتند ۷ امریکا (اسپانیول) مراوده و دوستی این دولت با دولت انگلیس بعد از آنکه چندی
بود مقطوع شده مجدداً برقرار شد ژنرال لوپز نام جمعی رجاله و اوباش ینکی دنیا را با خود متفق نموده که جزیره
کوبای ینکی دنیا را که در تصرف اسپانیول است تصرف نماید ولی کوشش او بیفایده شده و منتهی بهزیمت گشت (المان)
در مملکت اطریش ایجاد قانون جدید شد پادشاه پروس مخالفت امپراطور اطریش را در بعضی مسائل راجعه بالمان
آشکارا جرأت اظهار مینمود و از آنطرف دولت اطریش از عظمت دولت پروس وحشت داشت بسبب اینکه از ایالات
نمره دویم المان با پروس متحد شدند در شهر فرانکفورد در مجلس پارلمنت تمام ممالک المان بواسطه کونت دونه مامور
اطریش مفتوح شد در شهر ورشو لهستان مجلس کنفرانس منعقد شد که امپراطور نیکلای مرحوم پادشاه ممالک روس
و پرنس شوارتسنبرک وزیر اعظم اطریش و چند نفر از شاهزادگان پروس قرار دادی در اتحاد المان و دوستی بین الدول
این مملکت بدهند دولت پروس خیال فرستادن وکیل در مجلس پارلمنت که در شهر فرانکفورد منعقد است نداشت نزاع
مابین دولتین پروس و اطریش نزدیک شد که دیگر دفعه مسیو رادوینز وزیر امور خارجه پروس برقرار شد ملاقات
امپراطور اطریش و پرنس شال پروس و کونت براندنبورک وزیر اول پروس مرحوم امپراطور نیکلای در پایتخت اینسال بود
استعفای مسیو رادوینز پولیتیک پروس را تغییر داده از صرافت مخاصمه با اطریش افتاد وزرای اعظم پروس و اطریش
بجهة انعقاد مصالحه در اولموتز ملاقات کردند بواسطه نزاع مابین دانمارک و ایالات هولستین در برلن مجلس کنفرانسی
بخواهش دولت انگلیس منعقد شد اعیان هولستین از عساکر دانمارک شکست خوردند دول انگلیس و فرانسه و اطریش
واسطه اصلاح مابین دولت دانمارک و اعیان هولستین شدند دولت پروس قبول میانجیگری و اصلاح نمیکند جمعیت
ممالک پروس در اینسال بسی و دو کرور و سیصد هزار و یکصد و هشتاد و شش نفر رسید محض قناعت در مخارج
دولت در اطریش هشتاد هزار نفر از قشون خود کسر نمودند (انگلیس) لورد پالمرستون که در این سال وزارت خارجه
این دولت را داشت در بعضی مسائل جزئیه بدولت یونان ایراد وارد آورد و یکدسته کشتی جنگی انگلیس تا پیره بندر
یونان رفت و آنجا لنگر انداخته دولت یونان را تهدید بجنگ نمود دولت فرانسه میانجی شده انگلیس قبول وساطت
او را نمود دولت فرانسه سفیر خود را از لندن احضار کرد ولی زیاده از یکماه نشد که میان فرانسه و انگلیس اصلاح شد
سیر رابرت پیل که از معارف انگلیس بود از اسب بزمین خورده هلاک شد سیم تلگراف بحری که فرانسه و انگلیس را
از کاله و دوور بهم اتصال میدهد ایجاد شد بنای عمارت بلور بجهة اکسپوزیسیون آینده در انگلیس در اینسال شد
(ایطالیا) در مجلس شورای ملتی پیمونت قرار گذاردند که در ممالک ایطالیا که متعلق بویکتور امانوئل است علمای دین
هیچ چیز نباید مداخله باجرای قانون و صدور احکام نمایند قانون همان قانون دولتی است و همه مطیع آن هستند
بنسبت معابد و کلیساها موقوف باشد کاردینال آنتونلی صدر اعظم برضد این قرارداد احکام از طرف پاپ
بکشیشان صادر نمود کشیش اعظم چون اطاعت این احکام نکرد مغلولا در قلعه اینشهر حبس شد کونت کاوور که از
روزنامه نویسها بود جزو وزرا شد شش هزار نفر از عساکر اطریش در ایالت لشکات بجهة حفظ خانواده والی
متوقف هستند پاپ که فراراً از رم مهاجرت کرده بود در اوایل بهار وارد رم شد (پرتوغال) دو کشتی جنگی

(چین) امپراطور چین طاوکوانک در حینی که در گذشت و پسر چهارم اش ایشنک که نوزده ساله بود بجای پدر بسریر سلطنت چین جلوس نمود

وارد دهنه رودخانه تامز که از وسط لندن پای تخت میکذرد شده دولت را تهدید کرد که قراری بدهد چه مسئله
که از قدیم در میان اتازونی و پرتوغال مابه النزاع بود بکذارد پادشاه سوئد و نروژ بین دولتین حکم شد دانمارک
با وجود وساطت فرانسه و انکلیس و اطریش و سوئد و نروژ و حضور سفاین جنکی روس در سواحل دانمارک بحیرهٔ بالتیک
این دولت در اثبات حقوق و در دو ایالت اسلشویک و هولستن که با او یاغی هستند باز یاغی کری بجا و اهالی ایالات
علی الخصوص پروس محرک یاغیان شدند از فرستادن قشون و آنچه لازمهٔ تقویت است برای یاغیان کوتاهی ندارد (دولت روس)
دولت روس با طایفهٔ چرکس و لکزی که رئیس ایشان شامیل است مدتها از عمر سختی نمود و اول وهله شامیل بر عساکر
روس غلبه کرد اما بعد مغلوب بکوههای داغستان فراری شد شورش رعایا با ارباب خود در بعضی ایالات (سویس)
بعضی آزادی طلبان المان و فرانسه در این مملکت پناه یافتند اول صعود بکوه بزبان که چهار هزار و پنجاه و دو ذرع از
سطح دریا ارتفاع دارد در این سال بود تمام جمعیت سوئیس در اینسال چهار کرور و سیصد و نود و سه هزار و هفتصد
و سی و یکنفر است (عثمانی) وبای شدید که در تونس و طرابلس بروز کرد (فرانسه) ایجاد قانون در تعلیم و تعلم کردند
هر ایالت باید یک مجمع العلوم باشد پرنس لوی ناپلیون رئیس جمهوری فرانسه با ایالات شرقی و لورماندی مسافرت کرد
لوی فلیپ پادشاه سابق فرانسه در سن هفتاد و هفت سالکی در قصر کلارمونت در انکلیس درکذشت با آنکه از
نویسندکان معروف بود وفات نمود ژروم بناپارت که عموی پرنس لوی ناپلیون بود بمنصب مارشالی فرانسه مامور
آمد مواجب رئیس جمهوری در سال مبلغ دویست و شانزده هزار تومان معین کردید و اول کشتی بخار مستقیما
از نیویرک ینکی دنیا به بندر هاور فرانسه در پانزده اینسال بود (افریقا) (مصر) بروز وبای شدید در این مملکت
(سونر) اول بروز وبا در این مملکت هم این سال بود (امریکا) (مکزیک) ژنرال اربیستا بریاست جمهوری تعیین و منتخب
شد وبای شدید در مکزیک بروز کرد (اتازونی) این دولت با دولت انکلیس بجهت ساختن نهر بحری در پاناما نقطه
مرکزی ینکی دنیا که دو محیط را بهم وصل مینماید معاهده نمود مسیو تیلور رئیس جمهوری در اواسط تابستان درکذشت
و مسیو فیلمور بجای او بریاست نشست یافت کلدی نام که یکی از وکلای ملت بود بمجلس اظهار داشت که نکاهداشتن سیاهان بطور
بنده و خرید و فروش آنها که در بعضی ایالات اتازونی رسم و معمول است در همان ایالات محدود باشد و این ظلم بسایر ایالات
سرایت نکند دولت مانع باشد مجلس وکلای دولت قبول این تکلیف ننمودند و لهذا پرورش نکاهداری غلام و برده بنا
در اتازونی رواج کرفت شیوع این عمل در ایالات جنوبی اتازونی مثل ایالت ویرجینی و کارولین بدرجه رسید که
تجارت بزرک از خرید و فروش سیاهان دایر کردید تقویت دولت در رواج و انتشار این عمل منتج بجائی بود که احکام
اکیده صادر نمودند که اکر از برده کان و سیاهان که بنده بودند از سوء سلوک و ظلم مالکین خود فرار کرده با ایالتی
که این رسم شنیع در آن مرسوم نیست رفته پناه بجویند حتما باید آن ایالت آنها را بصاحبان خودشان مسترد نمایند
در ایالات شمالی اشخاصیکه بر ضد این رسم و منکر خرید و فروش برده بودند بنای شورش کذاردند جمعیت اتازونی
در اینسال چهل و شش کرور و دویست و چهل و شش هزار و سی و یکنفر رسیده که در ظرف ده سال دوازده کرور
بواسطهٔ مهاجرین فرنک بر جمعیت آن مملکت افزوده و علاوه شده بود ژنرال ارلیستا در مکزیک بریاست جمهور قرار شد
بعضی از مطالعه کنندکان این کتاب چنین از خبر و بصیرت در وقایع و حوادث عالم نیستند و تفصیل را اکر ما در باب سیاهان که
در ینکی دنیا برده بودند تدقیق ننموده ایم درست ملتفت نشده شاید از روی عدم بصیرت و اطلاع بما ایراد کنند که مقصود
چه بود با اینکه جمیع طالبان علم را اطلاع از تواریخ و اتفاقات جوا هند بصیرتی حاصل نماید لهذا لازم بود که قدری از جاده

وقایع نکاری تمام عالم در ضمن اینسال که هزار و دویست و شصت و هفت هجری است قلم بیرون گذاشته تاریخ بنده کردن
و خرید و فروش آنرا که در تمام عالم چیزی قدغن و رسم شده و چه شد که در اناتولی ینکی دنیا در سنه هزار و هشتصد و شصت و
پنج مسیحی مطابق هزار و دویست و هشتاد و دو هجری بعد از خونریزی زیاد این عمل شنیع را موقوف نمودند بنگاریم اما
چون این تفصیل را موقعی بهتر از این هست در آن موقع ذکر خواهد شد

سنه ۱۲۶۸ هجری — سنه ۱۸۵۱ مسیحی

آسیا (ایران) ذات ملکوتی صفات مقدس دام ملکه از بدو این سال خیر مآل مزید آسایش رعیت ممالک محروسه
و نظم بلاد و ترتیب و ترقی عمومی را وجهه همت ملوکانه فرموده بعدل و نصفت متمسک و متقلدا عمال سلطنتی بودند
شفیع خان چیرچیباشی التزام داد که ملکوبات بلاد بنظم بصاحبان برسد و چاپاران زیاده از حق خود مطالبه نکنند
میرزا مصطفی مستوفی ملقب بامین الملک شد خبر تنبیه مخذول کردن سپاه منصور طوایف ترکمه را که یاغی در صحرای
گرکان و استراباد بدار الخلافه رسید در سمنان زنی مولودی ذکور آورد که دو دهان و دو دماغ و دو گوش و سه
چشم داشت ولی آن مولود نماند در کرمانشاه ناخوشی وبا بروز کرد و بعد از چندی باران آمده نزول رحمت رفع
ناخوشی را بکلی نمود میرزا غفار خان بنیابت دویم وزارت جلیله خارجه برقرار شد میرزا سعید خان بلقب مؤتمن
الملک نایل و بمراحم مخصوصه سربلند شد فوج زنگنه کرمانشاه که تازه گرفته شده وارد دار الخلافه شد نور الله
خان شاطر انلو نایب اجودانباشی را سرهنگ فوج خواجه وند عبد الملکی فرمودند سعید محمد خان حاکم هرات پسر ظهیر
الدوله که میرزا بزرک را با پیشکش بدربار معدلت مدار فرستاده بود محض بذل عاطفت و دلبستگی او در فوت
ظهیر الدوله میرزا احمد ناظم دیوان را روانه هرات و اسبی با ساق طلا و کاردی مکلل بالماس و خلعتی فاخر برای سعید
محمد خان عنایت و ارسال فرمودند از خراسان خبر رسید که پنج شش هزار سوار ترکمان سرخسی بنهبت به مشهد آمده
نواب حسام السلطنه جمعی را بسر آنها فرستاده جنگی عظیم در گرفته ترکمه را مقهور و بسیاری از ایشانرا مقتول و
زیاده از دویست و پنجاه نفر اسیر و سربدست قشون ظفر نمون افتاده باقی فرار کردند نواب نصرة الدوله حکمران فارس
با محمد قلیخان ایلبیکی برای نظم و سرکشی بطرف کوه گیلویه و بهبهان رفتند میرزا باقر خان امیر طبس بیزد آمد یکی از
کشیشهای ینکی دنیائی ساکن ارومی تخم پنبه ینکی دنیائی در ارومی کاشته حاصل آن بسیار خوب شد لهذا قرار دادند
که از این تخم بسیار بکارند و این زراعت را رواج دهند برای اینکه مردم بیشتر بشناسند خود را طبیب قلم ندهند و بطبابت
فوج داخل نشوند مقرر شد اطبای فوج در اداره دکتر کلوکه حکیمباشی نظام باشند و بتصدیق مشار الیه طبیب
هر فوج مشخص شود محمد خان نایب الحکومه مازندران بحکومت ارومی برقرار گردید رئیس سفید ترکمه سرخس در
خدمت نواب حسام السلطنه متقبل انقیاد و خدمتگذاری شده با عباسقلیخان بیگلربیگی مشهد که مامور حکومت سرخس
گردیده بود روانه آنمحل گردیدند شب چهارشنبه چهارم محرم دو ساعت از شب گذشته در تبریز زلزله شدید شده
نزدیک صبح نیز مجدداً زلزله میشود قبل از زلزله سه چهار روز غبار آمده و بعد باران بسیار بارید روز بیست و
پنجم ماه محرم باقتضای صوابنمای رای همایون و نظر بصالح ملکی میرزا تقیخان اتابیک اعظم از منصب امارت نظام
و وزارت عظمی و لقب اتابیکی و سایر مشاغل و مناصب بکلی خلع و معزول شد و میرزا آقاخان اعتماد الدوله
بجای او بتفویض منصب صدارت عظمی انتخاب و مفتخر گردید مساعی جمیله برای نظم راه خراسان و آسایش زوار نمودند
اینوقت بکشیت سیلی عظیم در تبریز آمد ولی خرابی بشهر وارد نیاورد و چون اکثر اوقات فیمابین جدید الاسلام

ارامنه و یهود و گبرها در باب اموال متوفی گفتگو بود حکم شد رسیدگی با امام جمعه مخصوص دار الخلافه و دیوانخانهٔ
بزرگ پادشاهی باشد و ابدا از احکام شرع و عرف و لایات مداخله در اینکار ننمایند بیست نفر از اهل اشرف و
توابع مامور مستحفظی دروازه های شهر دار الخلافه شدند اعتماد الدوله صدر اعظم نعمتهای مکلل بالماس و
یکثوب جبهٔ ترمه شمسهٔ مرصع و بندکاغذ شترابیرها را با نشان صدارت عظمی نایل گردید محمد حسن خان سردار باعطای
یکقطعه نشان تمثال همایون سرافراز گشت حاجی یحیی خان را بمنصب پیشخدمت باشیگری و ریش سفیدی علم خلوت و
تفنگدار باشیگری مفتخر فرمودند نواب خانلر میرزا ملقب باحتشام الدوله شد عزیز خان اجودان باشی در خدمات
مرجوعه مستقل و یکقبضه شمشیر باو عطا فرمودند نزولخانه که در لرستان رسم بود حسب الامر منسوخ و حکم
شد برای حاکم و نوکر عمارت دیوانی بسازند و نهر آبی از سمت بالای شهر بشهر بیاورند و جهت آسایش قوافل از
دزفول تا خانه بروجرد در هر منزل قلعه بسازند برای تنظیف شهر دار الخلافه قراری مجددا گذاردند ساختن تفنگ
و چخماق در اصفهان ترتیب کرده تا این قلعه را حسب الامر در شیراز بنا نمودند اسد الله خان امیرآخور بیکقبضه شمشیر نایل
شد میرزا فتح الله برادرزاده جناب صدر اعظم را لشکرنویس باشی فرمودند و حاجی علیخان والد مؤلف که از اول
دولت بمنصب فراشباشیگری برقرار و بعد مهام خبازخانه و تعمیر و بنای باغات و عمارات دیوانی دار الخلافه و سایر
ممالک محروسه و عزل و نصب فراشباشیان عموم ولایات و انتظام امر مهمانخانه دولتی بعهدهٔ مشار الیه محول شده
بود ملقب بحاجب الدوله شد و یکقبضه قمه مرصع باو مرحمت فرمودند بسیاری از افواج و سوارهٔ مامور خراسان
احضار بدار الخلافه شده بهمه مواجب داده و بذل مراحم نموده مرخص شدند که چندی آسوده باشند رودخانه کرخه که
قدیما بولایت حویزه میرفت و چند سال شده بود که بمجرای دیگر افتاده مقرر فرمودند آنرا بواسطهٔ سدی در مجرای اول
جاری کنند عمارت ملک محمد خان مصلحت گذار اسلامبول واقع در شهر مزبور را مشار الیه بدولت نه هزار تومان فروختند
و قرار دادند سفارتخانه برای سفرای ایران که مامور آن پایتخت میشوند باشد سرتیپی فوج جدید اصفهان را به
مصطفی قلیخان قاجار تفویض فرمودند بعضی قلاع صعبهٔ لرستان و گرمسیرات فارس که مسکن طاغیان بود باهتمام
نواب نصرة الدوله مفتوح و خراب شد شیخ حسن عرب که با میرزا حسنعلیخان حاکم بندر بوشهر از در تمرد برآمده
بجزیرهٔ خارک رفته بود میرزا حسنعلیخان جزیره را متصرف و شیخ حسن فرار بکشتیها کرد و بجزیره اسقط نمود
حسن نام تبریزی در سند و تخته نیز بسیار خوب ساخت که مثل صندوقهای بسیار خوب فرنگی بود و یکی پیشکش داد و دو تن
داشت بعد از آنکه معلمین فرنگی که از دولت اطریش خواسته بودند بدار الخلافه رسیدند و طرح تعمیر مدرسهٔ مبارکهٔ
دار الفنون نیز تمام شد روز یکشنبه پنجم ماه ربیع الاول این سال یکصد نفر از اولاد شاهزادگان عظام و امرا
و اعیان و رجال دولت که برای تحصیل در این مدرسه منتخب شده بودند بتوسط میرزا محمد علیخان وزیر دول خارجه بشرف
اندوز خاکپای مبارک شده بعد از آن بمدرسه آمده بمیمنت شروع بتحصیل کردند و در این روز دار الفنون افتتاح یافت
و حسب الرسم تشریفات معموله بعمل آمد و ابتدا علمی که شروع شد مشق پیاده نظام و مشق توپخانه و مشق سواره نظام
و هندسه و طب و جراحی و علم دواسازی و علم معدن بود و مقرر شد هر دسته لباسی علیحده بپوشند که فقط از
وضع لباس شغل هر یک معلوم شود و قرار دادند مترجمین از برای مدرسه تعیین کنند و از آن روز علوم جدیده
و اکتشافات نافعهٔ ممالک فرنگستان که در چندین مائه بزحمت بسیار و مشقت بیشمار معلوم شده بود در اینمملکت شروع
بانتشار نمود و شرح احوال و اسامی رؤسا و معلمین و شعبه های این مدرسهٔ مبارکه و شرح ترقیات و مراتب و

شئونات

شئونات وامتیازات وتحصیلات ومواجبهای هریک از شاگردان از ابتدای افتتاح مدرسه تا سنه هزار و دویست
ونود وپنج مفصلاً ومشروحاً در جلد دویم مرآت البلدان ناصری موسوم بمآثر السلطان نگارش یافته است ودر
اینجا حاجت بتکرار نیست همدر این سال میرزا احمدخان نایب دویم وزارت خارجه بلقب خانی ونشان شیر وخورشید از
مرتبه اول سرهنگی باحمایل سفید نایل گردید میرزا فضل الله برادر جناب صدراعظم بمنصب جلیل وزارت کل نظام
سرافراز وروانه آذربایجان شد دو دسته غلام چلیپانلو ابواجمعی جوادخان ومحمودخان مأمور نظم طرق شاهرود
وبسطام شدند عباسقلیخان سرتیپ افواج قزوین وسایر سرکردگان که در خراسان خدمت کرده بودند هریک باعلام
وخلعتهای بوین مفتخر گردیدند اسکندرخان قراپاپاق بنیابت اول آجودانباشی برقرار آمد عبدالحسینخان ومیرزا
محمدخان وآقا رضاخان ورحیمخان ولطفعلیخان که مدتی مشغول مشق نظام بودند هریک بمنصب نایب آجودان
باشیگری نایل شدند کاظمخان قراپاپاق بسرتیپی سواره قراپاپاق وسیصد تومان اضافه مواجب سرافراز شد
حسنخان قراپاپاق نیز بسرهنگی سواره قراپاپاق یافت بحکم نواب نصرة الدوله حکمران فارس پانزده باب چاپارخانه
در عرض راه این مملکت ساختند میرزا نصرالله لشکرنویس آذربایجان ومیرزا عبدالله برای ضبط وربط حساب
گمرک آنجا وفیضعلی بیک بنیابت آجودانباشیگری رفتند حکیم کازولانی بحکیمباشیگری کل افواج قاهره سرافراز شد
حکیم داودخان مسیحی که خدمات بدولت کرده بود در ماه ربیع الاول امسال وفات نموده باحترام او را بخاک سپردند نواب
نصرة الدوله حکمران فارس بیکثوب جبه ترمه شمسه الماس مفتخر گردید بنظم سرحد باهتمام عباسقلیخان بیگلربیگی درمجزی درجه
کمال یافته ولوک تانیج مازندران تصفیه آهن را بدرجه کمال رسانیدند که از آهن حاجی ترخان بهتر و باستعمال
نزدیکتر و مثل آهن حاجی ترخان تخته کرده بدار الخلافه آوردند وامر بتشویق وتکمیل این عمل وعاملین شد راه استرآباد
بواسطه قراولخانه‌های جدید البنا ومواظبت مستحفظین کمال امنیت یافت مصطفی قلیمیرزا حکمران مازندران باعطای یکثوب
جبه مفتخر گردید نجفقلیخان پسر محمد طاهرخان وکیل چون خطوط ربطی داشت در سلک ارباب قلم منسلک آمد مسیو جان
داود مسیحی مترجم اول دولت علیه جزو اجزای سفارت پطرزبورغ شد علیقلیخان ولد محمد طاهرخان وکیل نایب
آجودانباشی شد راه زنان ایلات لرستان وپشتکوه باهتمام نواب جانلر میرزا تنبیه شدند ومخصوصاً نصیرخان جودکی
که متعرض قوافل وعابرین دزفول وعربستان میشد بسزای خود رسید واز دزفول تا خرم آباد رباطات ساختند
یکثوب جبه ترمه شمسه مرصع مصحوب نواب شاهزاده ملک قاسم میرزا بافتخار حشمة الدوله حکمران آذربایجان انفاذ
تبریز شد حکومت سمنان ودامغان بمیرزا محمدخان کشیکچی باشی واگذار گردید وامامقلیخان از جانب معزی الیه
بنیابت یافت وعلیخان قراطرا حکومت جوین دادند ومحمد ولیخان قاجار بحکومت نهاوند برقرار شد میرزا کوچک
دماوندی یاور بلقب خانی ومنصب سرهنگی نایل آمد ابتدای وقت ماهی هزار قبضه تفنگ در جبه‌خانه دار الخلافه فرمیلیا
پنبه نیکی بنا کرده دار ومی کاشته بودند خوب بعمل آمد کلوماجیک حکیمباشی جمعی را در خانه خود درس جراحی داده و
مقدمه تکمیل این علم مهیا شد میرزا تقیخان که سابقاً امیر نظام وشخص اول دولت بود در فین کاشان وفات کرد
میرزا هاشمخان حاکم ملایر وتویسرکان بجبه ترمه مخلع گردید محمد تقیخان قاجار که سابقاً سرکرده سواره خزل بود مجدداً
باینمنصب برقرار آمد در خبوشان برق زده چند باب دکان را سوزانید بعد زلزله شدید شده خرابی زیاد کرد
جناب اعتماد الدوله صدراعظم را بیکثوب جبه ترمه قرین مفاخرت فرمودند میرزا محمدعلیخان وزیر امور خارجه نیز
باعطای یکثوب جبه ترمه کرمانی مفتخر گردید جناب صدراعظم مبادرت بعهد مدرسه مبارکه دار الفنون پنجه معلم

امیرخان

امتحان متقلبین و حصول اطمینان بترقی آنها مرهون التفات و توجه نمودند بکتوب جبه ترمه خلعت همایونی برای نواب حسام السلطنه حکمران خراسان فرستادند عزیز خان اجودانباشی بکتوب بقبای نظامی زردوز از ملابس خاصه مخلع گردید
نصرالله خان پسر میرزا اسمعیل خان بندپئی بسرهنگی فوج بندپئی سرافراز شد جواد خان ولد اسکندرخان قاجار حاکم کرمانشاهان را سرهنگ فوج سیم مراغه فرمودند چرخ منکنه که اقمشه ابریشمی را موج میدهد در یزد بنیز مثل کاشان
متداول شد من الغرائب از بلوک رفسنجان کرمان خبر رسید که جوانی است نوزده ساله که بره و شکم و سینه او
بشکل آدم طفلی مستوی الخلقه آفریده شده که دو پای آن در شکم آن جوان و سایر اعضای او بیرون و شکم جوان
میباشد در هفدهم ربیع الثانی این سال ولدی ذکور از صلب مقدس شاهنشاهی فروغ بخش ابصار گردید موسوم
بمعین الدین میرزا شد میرزا محمد خان کشیکچی باشی باعطای یکقبضه شمشیر مرصع مفتخر گردید هجدهم ربیع الثانی
میرزا محمد علیخان وزیر دول خارجه مرحوم شد محمد یوسفخان بمنصب سرتیپی تیکو بجبه ترمه اعلی سرافراز گردید
نانکلی کرمانشاهان داخل قشون ظفر نمون شدند قلیچ خان سرتیپ سواره مافی که از خراسان برگشته بود بکتوب
جبه ترمه با و مرحمت فرمودند فضلعلیخان سرکرده سواره شاهسون که نیز از خراسان معاودت کرده باعطای
یکطاقه شال سرافراز شد حسب الحکم قرار شد در معدن آهن ماسوله که آهنش بسیار خوب است کار کنند در آذربایجان
چندباب قورخانه علاوه بر قورخانه های سابق ساختند محض رعایت رعیت کرمان تقریبا شش هزار تومان نقد و
سه هزار خروار جنس بآنها تخفیف مرحمت فرمودند عبدالله خان شکی بمنصب سرتیپی سرافراز و مخلع گردید
رحمت الله خان نایب اجودانباشی سرهنگ فوج شانزدهم و مخلع مأمور آذربایجان شد که عمل فوج مزبور را صورت دهد
استاد علی اکبر تفنگساز که حسب الامر بخراسان رفته بود که تفنگ سربازی بسازد این اوقات پانصد و ششصد قبضه
تفنگ ممتاز ساخته که همه را پسند کرده و تشویق او نمودند در غره جمادی الاولی بندگان سرکار اعلیحضرت
شاهنشاهی بمدرسه مبارکه دارالفنون تشریف فرما شده متعلمین که در اندک وقتی باین درجه ترقی کرده بودند
سرکشی و تشویق فرمودند میرزا کاظم خان مستوفی ولد جناب صدراعظم بلقب جلیل نظام الملکی و خلعت خاص قرین
اختصاص فرمودند محمد ناصرخان (ظهیرالدوله) را بمنصب ایشیک آقاسی باشیگری دربار همایون و یکقبضه عصای
مرصع مفتخر فرمودند میرزا محمد سعید موتمن الملک بلقب خانی و منصب وزیری مهام خارجه که قایم مقام وزارت
دول خارجه است سرافراز و مخلع کردیده حاجی میرزا جبار رئیس تذکره بلقب ناظم المهامی ملقب و خدمت رسیدگی
باموره معادن و کارخانه ها بلورسازی دارالخلافه و غیرها را با و محول و بخلعت همایون سرافراز شد جعفرعلی بیک
یاور توپخانه بمنصب سرهنگی و لقب خانی و خلعت همایون نایل شد این اوقات ماهی یکدستگاه کالسکه با هفتام
معیرالممالک ساخته میشود که کمال امتیاز را دارد آقا مهدی ملک التجار بکتو بجبه ترمه مخلع گردید اسدالله خان
امیرقاین بیکثوب جبه ترمه مفتخر و روانه خراسان شد جعفرقلیخان میرپنجه که در استرآباد و گرگان بود طایفه
مزبوره را براه انقیاد در آورده و با جازه امنای دولت آنها را با خود بدربار همایون آورد بعطای بکتوب جبه
ترمه مفتخر شد مرتضی قلیخان حاکم شاهرود و بسطام مجددا بحکومت بسطام و شاهرود و بکتوب جبه ترمه مخلع شد هم در این
ماه جمادی الاولی محض تشویق و تقریب اشخاص مشروحه در ذیل با عریضه پیشکش بتقبیل عتبه علیه سرافراز
کردیدند (محمدحسینخان برادرزاده یارمحمدخان بیگلربیگی هزاره با عریضه که یارمحمدخان) (سید علیخواجه فرستاده
حکومتخان والی میمنه بانه والی) (محمد ولیخان پسر مرحوم ابراهیمخان بیگلربیگی سابق هزاره) (اللهیارخان

وقایع سنهٔ [illegible]

برادرزاده

برادرزادهٔ او) (عبد الحمید بهادر فرستادهٔ حسن مراد هزاره سپاکوهی با عریضهٔ او) (عبد الکریم بیگ فرستادهٔ
ابراهیمخان سردار تایمنی با عریضه) (خان میرزا بیگ فرستاده ابراهیمخان و اکرم خان فیروزکوهی با عریضه) (شادمان
بیگ فرستاده نصیرخان جمشیدی با عریضه) (رضا بهادر بربری) (ارباب خالق ریش سفید طایفه ایمکه) (علی
بهادر ریش سفید طایفه مرسبیان) (عظیم بیگ ریش سفید طایفه قهقهه) (ملا حسین ریش سفید طایفه هزاره زنگی)
حکیم کاذولانی حکیمباشی نظام وفات کرد از فوت سعید محمد خان حاکم هرات کاسته امیر افضل خان پسر کهندلخان
قندهاری با جمعی افاغنه بر سر هراة آمده اند و شهر را گرفتند و در حوالی هرات امنیتی نیست در عقیلی بلوک شوشتر
تگرگ بقدر گلوله توپ آمده چرخها که در صحرا برای تنقیه و مرمت قنوات بوده بکلی خورد کرده است نواب شاهزاده
بهرام میرزا که در اوقات سفر همایونی باصفهان از جانب سنی الجوانب در دار الخلافه نیابت داشتند بنشان تمثال بی
مثال مبارک فرق افتخار کرده بودند میرزا عبد الوهاب خان پسر مرحوم میرزا محمد علیخان وزیر دول خارجه بمنصب نیابت دویم
وزارت دول خارجه و بکثوب جبه ترمه مخلع و نایل کردید از اصفهان تا منزل معصوم بیگ در راه فارس همچنین از
اصفهان الی کاشان قراولخانه ها در راه ساخته شد بطایفه ککلان در استراباد که نفسشون ماموران آن نواحی خدمت
کرده بودند ده هزار تومان تخفیف مرحمت شد میرزا محمد ولی طبیب حکیمباشی کل افواج قاهره کردید اسمعیل میرزا
ولد نواب شاهزاده بهرام میرزا منصب سرهنگی یافت نواب والا نصرة الدوله حکمران فارس که مستر آن مملکت را
نظمی کامل دادند عبد الله خان صارم الملک بیک قبضه شمشیر مرصع سرافراز کردیده و نیز مامور شد که کسری فوج ملایر و
تویسرکان و قراگوزلو را بگیرد این اوقات مبلغی از وجوهی که در هرات باسم همایون سکه زده بودند و عریضه سید
محمد خان با جمعی از معارف هرات بدربار همایون رسید فوج جدید مراغه را با جمعی اسکندرخان سرهنگ و فوج خلج ساوه جبرئیل
علینوکه فته با هزار نفر سواره شاهسون افشار و ایلات قزوین مامور خراسان شدند و هزار و پانصد دست
قالسنه و دو هزار قبضه تفنگ طرح انگلیسی که در قورخانه و جبه خانه دار الخلافه ساخته اند بخراسان حمل دادند
نواب حسام السلطنه والی خراسان عباسقلیخان میرپنجه را باسه فوج سرباز و سواره و توپخانه روانه تربت جام
نمودند که مشغول حراست ثغور و نظم آنصفحات باشند فتحعلی بیگ نایب اجودانباشی را نواب والا حشمة الدوله
حکمران آذربایجان مامور نظم امور مراغه نمودند روز شنبه بیست و هشتم جمادی الاولی هفت ساعت و سی و شش
دقیقه از روز گذشته آفتاب از برج حوت بحمل تحویل نمود و سلام عام در تالار تخت مرمر با شکوهی وافر منعقد
کردید و قریب سیصد نفر از اعیان و ریش سفیدان هزاره و تیمنی و جمشیدی در این سلام مخلع کردیدند شب عید جناب
صدر اعظم بیک قطعه نشان تمثال بیمثال همایون مکلل بالماس برلیان مفتخر شدند و بکثوب جبه ترمه دوره
مروارید روز یکشنبه ذات عدیل الصفات همایون بعمارت جدید تشریف فرما میشدند بجناب معظم الیه مرحمت فرمودند
در این ایام نواب شاهزاده امامقلی میرزا بحکومت کرمانشاهان و خلعت سرافراز کردید خسروخان والی را خلعت
و حکومت قزوین دادند از غرایب اتفاقیه کرمان اینکه در ارزوئیه بزی چهل روز دیوانه شده و سه بچه زائیده
که یکی از آنها شباهت بسگ داشته بخصوص دست و پای او که خیلی شبیه بسگ بوده است حکومت ساوجبلاغ
آذربایجان را بکریمخان مکری محول فرمودند نواب حشمة الدوله باجازه اولیای دولت محمد قلیخان پسر مهدیخان
قراپاپاق را مامور سرپرستی ایل قراپاپاق نمودند حکم شد هرکس که معدنی در ممالک محروسه پیدا کند بواسطه حاجی
میرزا جبار ناظم المهام بعرض اولیای دولت برساند اذن کار کردن در آن معدن را باو خواهند داد و تا پنجسال

هرچه از آن منفعت حاصل نماید مال خود او است هر کس بی اذن در معدنی کار کند منافع آن ضبط دیوان میشود
چون جمعیت دار الخلافه زیاد شده حکم شد هر که بخواهد بیرون دروازه خانه بنا نماید بنا بر این دو ثلث باب خانه
تاکنون بنا نموده اند کرمی مار مانند در شکم مرغها در صفحات کرمانشهان و عربستان پیدا شده مرغ دیوانه
میشود و خوردن گوشت او مضر است خوانین و اعیان بلوچستان در خدمت نواب مؤید الدوله حکمران کرمان
مطیع منقاد و خدمتگذار شدند میرزا محمد علیخان ناظم الملک از جانب نواب نصرة الدوله حکمران فارس بگرمسیرات
رفته سه قلعه محکم بلوک اهرم را که یکی در صحرا و دو در کوه بوده گرفته و خراب کرده حاجی ابو الحسن اهرمی را نیز که تواطه
استظهار بر قلاع مزبوره شرارت مینمود بسزای خود رسانید نصر الله خان بیگلربیگی سابق لار و قباد خان شقاقی
و احمد خان بهارلو که از حکام سابق و کردان بودند استمالت شده بخدمت گرویدند حکومت خوی را بشاهزاده محمد رحیم
میرزا و حکومت خلخال را بنواب شاهرخ میرزا مرحمت فرمودند اختیار حکومت عراق بجناب مستوفی الممالک واگذار و
لطفعلیخان نایب اجودانباشی از جانب معظم الیه بنیابت حکومت عراق معین و روانه گردید عباسقلیخان سرتیپ نوری
که در خراسان خدمات کرده بود بیگلربیگی شد حمایل سرخ از مرتبه سرتیپی اول نایل گردید سکه قدیم در شوش مسکوک
بنقش کلمه طیبه لا اله الا الله و آیات شریفه قرآنی پیدا کرده بدار الخلافه آوردند شرحی میرزا جعفرخان مشیر
الدوله همراه مسکوکات نگارش و ارسال داشته که از قرار ذیل است
در شهر قدیم شوش واقع در چهار فرسخی شوشتر آثار عمارات عالیه از زیر خاک نمودار شده از جمله عمارات در شهر
دراز دست است که آن عبارت از سی و شش ستون سنگ یکپارچه و فاصله هر ستون هفت ذرع و بلندی ستونها بعلت افتادن
و شکستن معلوم نیست لکن از زیر ستون و سر ستون که اکثر صورت گوساله و غیره دارد معلوم میشود که ستونها بسیار
بلند بوده با وجود اینکه در صحرای عربستان یکپارچه سنگ پیدا نمیشود سی و شش زیر ستون هم در پیش روی همین عمارت
دو نشان آتشکده پیدا شده و دلیل است که اینجا جای سلام بوده این عمارت در طرح و وضع مثل تخت جمشید است در بعضی
از ستونها عبارات بخط سریانی و کلدانی منقور است آجرها بوزن هفت هشت من در اینجا کار کرده اند در بالای
یک عمارت قدیمی پول سفید مسکوک بخط کوفی بیرون آمده معلوم میشود بعد از غلبه عرب این پولها را دفن کرده اند
و این پولها سکه بصره و دمشق و واسط و مرو و هرات و نیشابور و دارابجرد و اصطخر بوده تاریخ سکه پول یکصد و پنج
هجری است و تعجب است که چگونه در این مدت مدید پولها با این صفا و تازگی مانده
شهر خرم آباد که آب جاری نداشت نواب احتشام الدوله دارای آب جاری کردند نواب بهادر میرزا مرحوم شد میرزا
محمد مستوفی بلقب قوام الدوله ملقب گردید از دربار دولت روس نشان سنت آنا از مرتبه دویم دوره الماس بحکیم
کلوکه حکیمباشی مرحمت شد قلعه تسکن و قلعه سرباز بلوچستان مفتوح و مسخر گردید بلهمدخان که لشکر هرات کشیده
بود منهزم شده رفته کمک از کابل و قندهار طلبیده است در حوض قهقهه سه فرسخی مشهد مقدس شش مرغ
هم بسیله که هر یکی از گوسفندی بزرگتر میباشند عمارات جدید سلطانی در دار الخلافه ساختند مزید بر عمارات قدیم
نمودند و حکم شد بعضی خانه ها بین شهر و ارک و خانه ها دروازه دولت و دروازه قزوین که جای چهار صد نفر مریض
و منزل اطبا و مطبخ و غیره داشته باشد بسازند و عده توپها چون زیاد شده انباری جدید نیز پهلوی انبار
قدیم ساخته شد و باغات و عمارات بیرون شهر را از قبیل لاله زار و نگارستان و قصر قاجار در کمال خوبی تعمیر کردند
و نیز مقرر شد که عمارت جدید شاخانی در قصبه سناوران بنا نمایند و بازاری مشتمل بر یکصد باب دکان در سناوران نیز بسازند نواب

شاهزاده

شاهزاده نصرة الدوله حکمران فارس بنشان اول میرپنجه [مرتبه] و حمایل سرخ و سفید مخصوص این رتبه مفتخر گردید
بعضی افواج که کسر نفری داشتند بسربازیان و سرهنگان آنها مقرر شد مجدداً بگیرند و تکمیل نمایند خانبابا خان پسر
عباسقلیخان سرتیپ افواج قزوین بمنصب سرهنگی فوج قدیم قزوین و خلعت همایون سرافراز شد برعایای اصفهان
یازده هزار تومان تخفیف مرحمت فرمودند. زلزله شدیدی در شاهرود شد ابراهیمخان پسر عبدالرضا خان یزدی
بحکومت کاشان و خلعت همایون سرافراز گردید خسروخان کرمانی بحکومت قراچه داغ یا قشه مخلع شد میرزا عبدالرحیم
پسر مرحوم میرزا محمد تبریزی آجودان وزارت امور خارجه شد ریش سفیدان ترکمان گوکلان و یموت مخلع و مرخص شدند و
برای سایر ریش سفیدان ترکمان خلعت مبذول و انفاذ شد و حکم همایون شد که کل صاحبمنصبان قشون کلیجه
نظامی و شلوار تنگ بپوشند که در وقت مشق چابک باشند در شیراز تگرگ غریبی بارید که دانه های آن بدرشتی نارنج بود
و یکدانه از آنها بسر یکنفر خورده چشمهایش از حدقه بیرون افتاده و مغز سرش از هم پاشیده گوسفند و مال و مواشی زیاد
در صحراها تلف کرده است و در شهر قنات در بم و نرماشیر احداث کرده اند که باغات عمل آرند بعضی آباد شده و باقی
و غیره کرمان که متفرق شده بودند باستمالت شده قرار دادند باماکن خود باز گردند و تا چهار سال از مالیات معاف
باشند یکقطعه نشان مرتبه اول سرتیپی و یک رشته حمایل سرخ مخصوص آن بافتخار میرزا فضل الله وزیر نظام انفاذ تبریز
شد هشت فوج از افواج قاهره را ابوابجمع محمد حسنخان سردار فرمودند و عبدالله خان ولد مشار الیه بمنصب میرپنجگی سر
افراز شد عباسقلیخان پسر بیگلرخان بزچلو بمنصب سرهنگی مرحمت شد جناب میرزا آقاخان صدراعظم بنشان تمثال
همایون مفتخر گردید و نشان امیرتومانی که شاه مرحوم (محمد شاه) بایشان اعطا کرده بودند اجازه استعمال آن یافتند
در بلده دزفول بسبب باران زیاد از بیوت را سیل خراب کرد بند شهر قزوین ساخته شد کارخانه بلورسازی در دارالخلافه
ترقی کرد نواب امامقلی میرزا حکمران کرمانشاهان پنجاه سوار دیگر از آن طرف و سوار دیگر آن صفحات برقرار نمود در بندر
جز استرآباد باد اغلب خانه ها را خراب کرد تخم پنبه ینگی دنیائی بزارعین دارالخلافه و تبریز داده شد که امتحان در
زراعت نمایند فضلعلیخان میرپنجه و بیگلربیگی را بمنصب امیرتومانی سرافراز فرمودند عبدالله خان جوانشیر بسرهنگی
فوج اول خاصه منصوب شد زنی در خراسان طفلی زائیده بعینه میمون ولی دم نداشت خوانین سیستان منقاد شدند
علیقلیخان میرپنجه و عسکرخان سرتیپ دو فوج افشار و هزار نفر سوار خمسه بانتظام صفحات خراسان مأمور شدند امیر
علینقی خان وکیل طبس بحکومت طبس و خلعت همایون سرافراز شد اسکندرخان زند بحکومت مرند و کرگر یافت میرزا محمد علی
سررشته دار فوج اول خاصه سررشته دار کل توپخانه ممالک محروسه شد امامقلیخان ماکوئی پسر بیوکخان برادر عسکرخان
سرتیپ بمنصب سرهنگی فوج هفتم افشار سرافراز و با فوج مزبور روانه خراسان شد هرات که چندی بود از تصرف
سلاطین ایران خارج شده بمیل خاطر منقاد و در تحت تصرف آمد هزار و دویست تومان بر مواجب نواب نصرالدوله
افزودند ریش سفیدی خلوت و منصب تفنگدارباشیگری دربار همایون را مجدداً بآقا محمد حسن مهردار مرحمت فرمودند
نواب مسعود میرزا حاکم بارفروش شد کارخانه شکرسازی ساری در میدان ارک ساری تمام شده در اوایل شعبان
قند سفیدی از شکر سرخ آنجا ریختند حکومت گلپایگان و خوانسار را باجودانباشی واگذار فرمودند دو قلعه
عنایت آباد و مبارکه در سرحد که واقعست قلعه و خندق و برج حاجی بنا کردند و در حنظل آباد از دهات تشکر بلوک
بنادکان را نیز قلعه ساختند
روز غره شوال که عید فطر بود در عمارت تخت طاقنما سلام عام منعقد و طبقات خدام بخاکپای مبارک مشرف

شدند

ولد
شدند و در این سلام بیک قبضه شمشیر مرصع و یکثوب جبه شمسه مرصع بجناب صدر اعظم مرحمت فرمودند ساسان میرزا
بهاء الدوله بلقب کی نواب شاهزاده معین الدین میرزا اختصاص یافت محمد قلیخان ولد مرحوم حسینخان سردار که غلام
پیشخدمت بود بیوزباشیگری غلامان مامور کرمان برقرار شد خان جنوقی که بعزم گرفتن زکات بمرو آمده مرو بها
تمکین نکرده کار بمبادله کشید برج آق و دربند و قراولخانه های مزدوران وغیره مرمت شد در سرجام تگرگی
بارید بوزن چهارده سیر میرزا رفیعخان قورکی نظر بحصانت قلعهٔ قورک که از قلاع محکمهٔ خراسانست دم از خود سری
میزد نواب حسام السلطنه والی خراسان قشون بدفع او فرستاده قلعهٔ مزبوره را گرفته ساخلو ولی گذاشتند
و میرزا رفیعخان بهرات رفته صید محمد خان سردار حاکم هرات را شفیع خود ساخت و در دربار همایون مقبول افتاده
معفو شد اهالی قلعهٔ کزنیک و طاقان از قلاع خراسان نیز از در اطاعت در آمدند محمد حسنخان سردار بحکومت کرمان
و بلوچستان و نیز بسرافراز و بیکثوب جبهٔ ترمه شمسه مرصع خلع گردید قاسمخان غلام پیشخدمت خاصه بجای احمدخان
نوائی بکارپردازی تفلیس رفت نواب مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران بیکقطعه نشان از مرتبهٔ اول سرهنگی و یکرشته
حمایل سفید نایل گردید بخدمات چراغعلیخان نایب الحکومه اصفهان در امور حکومتی و تمام کردن ملبوس نظام مقبول
و مورد مرحمت گردید بمیرپنجگی پنج فوج از افواج قاهره را بعبدالله خان ولد محمد حسنخان سردار مرحمت فرمودند محمد باقر
خان ولد محمد خان امیر تومان بمنصب سرهنگی فوج ششم اقبال تبریزی سرافراز شد سی نفر زن از قلعهٔ ترق از قلاع
خراسان اسیر ترکمان شد و بلافاصله سوار و لشکر از عقب آنها تاخته اسرا را مسترد و ترکمانان را دستگیر کردند صید محمد خان
حاکم هرات قشون بفراه که قلعه های متفرق نموده بودند فرستاده قلعه‌گاه را که هشت فرسخی فراه است یورش گرفتند
خان خوارزم بجد و جهد بمرو آمده و در این اوان خلیفه عبدالرحمن وفات کرده طوایف سالور و ساروق سپراو را بجای او
خلیفه ساخته با خوارزمی بمجادله پرداخته آنها را از حوالی قلعهٔ مرو عقب نشانده اند
و از وقایع معظمهٔ این سال آنکه جمعی از اتباع سید علیمحمد باب علیهم اللعنة و العذاب بریاست ملا شیخعلی نام ترشیزی که خود را
ملقب بعظیم نموده نایب باب میدانست بنای فساد نهاده جمعی در خانهٔ حاجی سلیمانخان تبریزی که خود از معتقدین فرقهٔ ضاله
بود جمع و قصد آسیب وجود مسعود مبارک شاهنشاهی را که بقای آن موجب امن و اشاعهٔ عدل و انصاف و بر انداختن
رسم ظلم و اعتساف است نمودند و دوازده نفر را طلب شدند هر یک بسلاحی مسلح گردیده بنیاوران آمده در کمین و منتظر
وقت شدند و باقی در خانهٔ سلیمانخان مهیا بودند که اگر موقع فساد شود بیرون تازند و بنهب اموال و سفک دماء
اهل الاسلام پردازند روز یکشنبه بیست و هشتم شوال هنگامی که بندگان اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی خلد
الله تعالی ملکه از قصر نیاوران بعزم شکار سوار شده بودند سه نفر از فرقهٔ مطروده که در زیر جامه خود بقمه و طپانچه مسلح
شده بودند در زی متظلمین و عارضین در محلی که هنوز ملتزمین رکاب اعلی تماما بهم نه پیوسته جلو اسب سواری همایون
در راه آمده چند طپانچه خالی کردند ولی تیرها خطا کرده مگر یکی از آنها که ساچمه داشت چند ساچمه از آن بعضی از قطعات
بدن مبارک را خراشید چاکران از قبیل اسدالله خان میرآخور و نظام الملک و کشیکچی باشی و سایر اعاظم و معارف
دو نفر از آن سه نفر را گرفته و یکی را در میان هنگامه بضرب تیغ و سنگ و چوب واصل جهنم نمودند بعد از آن سرکار
اعلیحضرت شاهنشاه روحنا فداه عزیمت شکار را موقوف داشتند و حسب الامر عزیزخان آجودانباشی و حاجب الدوله
والله مؤلف و کلانتر و کدخدایان بتفحص و جستجوی رؤسای فرقهٔ ضاله پرداختند و اول بخانهٔ حاجی سلیمانخان شتافته
دوازده نفر از اشرار را دستگیر کردند و از این دوازده نفر سایر رفقای ایشان را معلوم نمودند و آنها را نیز

بگرفتند

بکرفتند و همه را بفتوای شرع بقتل رسانیدند و از خدمات بزرگ کردراسنوف والده مؤلف نمود بدست آوردن ملا
شیخعلی بود که سر فتنه و فساد بود و مژده سلامتی وجود مسعود مبارک را عاجلاً چاپاران باصقاع بلاد ممالک محروسه
رسانیدند و همه جا بشکرانه جشنها گرفتند و شهرها آیین بسته چراغان نمودند

یریدالمشرکون لیطفؤها و یابی الله الا ان یتمه

بسیاری از سواره و افواج برای سان و رسید که اسب و اسلحه آنها حکم شد حاضر و کابلی شوند محمد ولی خان بیگلربیگی
و حکمران استرآباد بیکثوب جبه ترمه مخلع و حمزه خان انزانی باعطای یکقبضه شمشیر یراق طلا سرافراز شد مهدیخان
صاحب جمع قورخانه چند عراده کالسکه چهار اسبه خوب بجهة کرایه باتمام رسانیده ساعتی یکقران کرایه میدهند محمود
خان کلانتر بعطای یکثوب جبه سرافراز گردید بدذاتی در تبریز در محله درسر و مولودی هشت ماهه آورد که چشمهایش در
پیشانی بود و ابرو نداشت و دندان در زیر و دو شاخ در پشت گوش و زبانش مثل زبان گاو و موی سرش مثل موی سر گاو
و از کمر پایین سفید و از سر تا کمر سیاه و دهان بسیار کوچک کرده داشته یکساعت بعد از تولد مرده است میرزا احمدخان
ناظم دیوان که در امور تبت هرات خدمت کرده بود بیکثوب جبه ترمه مخلع شد میرزا محمدخان کاربرداز حاجی ترخان بیکثوب
جبه ترمه مخلع شد میرزا عبدالوهاب گیلانی باستیفای محاسبه گیلان و خلعت همایون نایل گردید هم در اینسال از
شانزدهم رمضان المبارک در مجره غباری ظاهر و روز بروز در تزاید بود و چنان غلیظ شد که اکثر روزها از صبح
تا شام آفتاب پیدا نمیشد و بعضی روزها طوری روشنی کم بود که خرده قلم آدم را ممکن نبود تشخیص بدهند تا مادو
ساعت از شب گذشته غبار برطرف و در هوا جوهر و اعتدالی نبود در مینشید بجهة اطفال ارامنه تبریز در حیاط کلیسا
حکم شد مدرسه بسازند میرزا فضل الله وزیر نظام که دو عراده توپ سه پوند بلند قد بسیار خوب در تبریز بجهة پیشکش
کرده بیکثوب جبه ترمه مخلع گردید بحسب الامر مقرر شد تومان بیگی کل افواج قاهره را بنمایند و روی بیرقها اسم و علامت
تومان و افواج نقش شود در کازرون مولودی متولد شد که سر آن بشکل گربه و بدنش تمام مثل پلنگ سفید و انگشتان
هم با فنر یکپای او بلند و پای دیگر کوتاه و قد او یکوجب و نیم دندان هم داشته گاهی گریه میکرده بعد از یکروز مرده است
انجام امور قورخانه و جبه خانه و مدرسه دارالفنون و ملبوس نظام بعهده محمدخان بیگلربیگی و میرپنجه محول و موکول فرمودند
حاجی مبارک بلقب خانی و منصب سرتیپی سواره نانکلی و هداوند و کنگرلو نایل گردید پاپ رئیس پیشوای مذهب کاتولیکی
عیسوی در جلفای اصفهان در گذشت و چون نهایت آدم خوبی بود ارامنه و مسلمانان هم متاسف شدند (اروپا)
(اسپانیول) وکلای علت عزل شدند نارواز صدر اعظم استعفا نموده موئل بجای او نصب شد ژنرال پلمز که بقصد
تسخیر جزیره کوبا از متصرفات ینکی دنیا اسپانیول بآنجا رفته بود گرفتار شده در هاوان پای تخت جزیره کوبا
مقتول شد شاهزاده خانمی از ملکه اسپانیول متولد شد (المان) مجسمه فردریک اعظم پادشاه پروس را در برلین برپا کردند
ایالات ههن زلرن بمملکت پروس الحاق شد طایفه یهود با عیسویان در باب حقوق و درجه مساوات بهم رسانیدند
و حال آنکه تا آنزمان دارای این امتیاز نبودند ارنست اکوست پادشاه هانور در هشتاد و یکسالگی در گذشت و ژرژ پسرش
با آنکه کور مادرزاد بود بسن سی و دو سالگی بجای او جلوس نمود (انکلیس) قبول کردن از طایفه یهود را بسمت
وکالت رعیت مجلس پارلمنت تصدیق کرده بود ولی مجلس لردها قبول نکرده رد نمودند اکسپوزیسیون عمومی در لندن
در عمارت بلور در هاید پارک که از باغات بزرگ عمومی شهر لندن است افتتاح یافت و مدت پنجماه این اکسپوزیسیون
برقرار بود لرد پالمرستان وزیر امور خارجه استعفا نمود در شمال دماغه امید در افریقا که از متصرفات انکلیس است جنگی

سخت فیمابین حاکم آنجا و طایفهٔ کافر اتفاق افتاد عهدنامهٔ تجارتی دوستی و با جزایر سندویچ بسته شد معدن طلا در کوهستان
شرقی استرالیا کشف گردید تلگراف بحری از انگلیس بفرانسه اندر زیر دریای مانش که بندر دوور و کاله را باهم وصل میکند امتداد
یافت از اهالی ایرلند مهاجرین زیاد بسمت ینگی دنیا رفتند چنانکه در این سال شصت و پنج هزار خانه آنجا بی سکنه بود و تمام
اهالی خانه‌ها همه بیوره به ینگی دنیا رفته بودند لنگارد مورخ فوت شد جمعیت تمام جزایر انگلیس در اینسال پنجاه و پنج کرور
و دویست و سی و هشت هزار و نهصد و چهار نفر و جمعیت شهر لندن چهار کرور و سیصد و پنجاه و نه هزار و ششصد
و چهل نفر است (پرتوغال) مارشال سالدنا که برضد وزرای پرتوغال مسلح بود و اسلحه دولت را مجبور کرد که کنت تما
صدر اعظم را معزول کند و خود بجای او بصدارت منصوب شد (دانمارک) ایجاد وکلای رعیت و بنیان قانون
جدید اورلند که متعلق بدانمارک است ارستید معلم علم طبیعی در گذشت مابین دولت دانمارک و ایالتین اسلشویک و
هلستین صلح شد (روس) دولت روس مصمم است که از ده شصت فرسخ بسمت خیوه قشون کشی کند (سوید و نروج)
در ایالت نروج طایفه یهود را قبول نمودند (عثمانی) نقاری مابین دولت عثمانی و اطریش بجهة آزاد کردن کسوت
که از اشرار مجارستان بود و پناه بخاک عثمانی برده حاصل شد امیر بشیر از رؤسای لبنان فوت شد در اینسال
کسوف آفتاب را عثمانیها بفال بد گرفتند و هرچه منجمین خواستند ثابت کنند که آنرا اثری نیست مردم اعتقاد نکردند
(فرانسه) ژنرال شانکارنیه از سرداری قشون پاریس معزول شد در پاریس و بعضی بلاد دیگر فرانسه شورشی برپا گردید دو شهر
پاریس ایجاد راه آهن نمودند برای صاحبمنصبان و سربازانی که در جنگ ناپلیون اول زخمی شده و از کار افتاده بودند ولی
در حال حیات اند مرسوم تعیین نمودند برای تنبیه طایفهٔ قبیلی که از اعراب الجزایراند قشون فرستادند مارشال
سباستیانی و مارشال سولت که از سرداران ناپلیون اول بودند فوت شدند راه آهن تور و پواتیه برقرار و دایر شد
بنای بازار فروش ماکولات در پاریس نمودند یکصد و هشتاد هزار تومان لوئی ناپلیون رئیس جمهور علاوه بر آنچه معمول
بود مطالبه کرده وکلای ملت قبول ننموده رد کردند وکلای ملت را تعزل و انتخاب وکلای تازه و تعیین وضع جدیده در دولت
بمیل عامه نمودند پانزده کرور رعیت فرانسه مدت ریاست لوئی ناپلیون رئیس جمهور را ده سال قرار دادند جمعیت فرانسه در اینسال
هفتاد و یک کرور و دویست و هشتاد و بیست و یک نفر بود (افریقا) (مصر) ایالت مصر قبول تنظیمات جدیده را نمینماید بتوسط دیگر هزار و هشتصد و
کمپانی انگلیس راه آهن از اسکندریه بقاهره ایجاد شد (امریکا) (اتازونی) ایجاد راه آهن مابین کانادا و بستن شد
کتابخانه دولتی در اینسال آتش گرفت (مکزیک) شورش و انقلاب در اکثر بلاد این مملکت پدیدار آمد دولت انگلیس
باکمال تشدد مطالبه طلب خود را مینماید (ینگی دنیای جنوبی) ژنرال اشپلیس پرو در یاست یافت عهدنامهٔ مابین منتویدیو
و برزیل برقرار گردید

سنه ۱۲۶۹ هجری — سنه ۱۸۵۲ مسیحی

آسیا (ایران) در این سال ارازخان ترکمان با شصت نفر از رؤسا و ریش سفیدان ترکمن سرخس برای تعهد
خدمتگذاری بمشهد مقدس آمدند که همیشه مقیم مشهد و غیره و نوکر دولت و مشغول خدمت باشند عمارات شهر خوی
عبدالله میرزا و دروازه های زنجان که در مقدمهٔ طایفهٔ ضاله بابیه خراب شده بود حسب الامر تعمیر شد در کارخانهٔ
بلور سازی و چینی سازی دار الخلافه خوب کار میکنند محمد کریم میرزا از جانب علیخان سیستانی عریضهٔ خدمت نواب
حسام السلطنه نوشته که او را بخدمتگذاری دولت علیه قبول و یک بیرق نشان شیر و خورشید برای سواره او
مرحمت کنند که معلوم باشد از عساکر منصوره اند و متقبل و متعهد نظم و امنیت هفتاد و دو راه که محل عبور بلوچ است

گردید

کردید همچنین کریمدادخان بیگلربیگی هزاره دو هزار خانوار هزاره و باخرزی را با سپر خلیفه مرو و کله ایلات ساروق و سالور آنجا
بطرف ارض اقدس آورد در ششم صفر جشن ولادت همایون را در تمام ممالک محروسه گرفتند نواب احمد میرزا بجوار رحمت
الهی پیوست افواجی که تازه از هر جا گرفته شده بود مشغول بمشق شدند از غرایب آنکه در مزرعه برف آباد از توابع هرون آباد
من اعمال کرمانشهان خرمنی که پنجاه خروار گندم پاک کرده داشت و صاحبان آن حاضر شده که حمل نمایند یکدفعه مانند سنگ
آسیا بچرخ افتاده بزمین فرو رفته بطوریکه روز دیگر چند ذرع زمین را کندند آثاری فی الجمله از گندم بود بعد آن آثار هم
بکلی محو و معدوم شد و اشخاصی که حاضر بودند و این واقعه را دیدند طوری وحشت و دهشت بر آنها غالب شد که یکنفر از آنها
بمرد و باقی مدهوش شدند بنای چاپارخانه در ساری و اشرف شد پنج سیر تخم پنبه ینگی دنیائی را در بلوک خوار کاشتند
و یکهزار و پنجاه من جوزق برداشتند و دانه های جوزق را که در بعضی از بته های آن شمرده بودند دویست و پنجاه و دویست و
هشتاد بلکه سیصد دانه جوزق داشت میرزا سعید خان مؤتمن الملک وزیر مهام خارجه بحمایل و نشان سرتیپی اول مکلل
بالماس سرافراز شد نواب ایلدرم میرزا بپاداش تنبیه اشرار طایفه کاکاوند و خالدوند لرستانی بعطای یکجبه ترمه خلعت
همایون سرافراز گردید امیرزاده ابراهیم میرزا در ازای خدمات انتظام امور عربستان و ساختن جسر هاشم و بستن سد
و غیره بیکثوب جبه ترمه مخلع گشت حاجی قوام الملک بعصای مرصع مفتخر گردید متعلمین دار الفنون را سالی سه مرتبه در
حضور همایون امتحان میکنند نواب امامقلی میرزا حکمران کرمانشهان را ملقب بعماد الدوله فرمودند چراغعلیخان نایب
الحکومه اصفهان بیکقطعه نشان از مرتبه اول سرتیپی با یکرشته حمایل سرخ نایل گردید محال فریدن باهتمام چراغعلیخان
انتظام یافته و قلعه علیمحمد خان که حصانت آن موجب شرارت اشرار آنجا بود کوبیده شد چند نفر از خوانین بلوچ که
انقیادی نداشتند بتوسط نواب محمد حسنخان سردار حکمران کرمان و بلوچستان متقبل خدمت و اطاعت شدند میرزا فرج
الله خان آجودان توپخانه حسب الامر برجی جدید در ارک بنا کرده و ده عراده توپ ممتاز ریخت محمد ناصرخان ایشیک
آقاسی باشی (ظهیر الدوله) بیکثوب جبه ترمه مخلع گردید میرزا تقی سررشته دار اصفهان بیکثوب جبه ترمه کرمانی نایل گردید
چهارصد نفر سرباز فوج بهادران باتفاق اصلان بیک یاور مأمور بوشهر شدند نقاره خانه سردر بارک جدید
البنای شیراز را در کمال شکوه ساختند چند نفر از ریش سفیدان طایفه آخال تکه در ارض اقدس خدمت نواب حسام
السلطنه رفته از جانب کل تکه مزبوره متعهد خدمت و مستدعی شدند که داخل در عساکر منصوره باشند میرزا سعید
خان مؤتمن الملک بمنصب جلیل وزارت امور خارجه و لقب جنابی و خلعت همایون سرافراز شد محمد خان مصلحتگذار مقیم
اسلامبول مرحوم و حاجی میرزا احمد خان نایب دوم وزارتخارجه بجای او منصوب شد میرزا بزرگ قزوینی بمنصب کار
پردازی ارزنة الروم برقرار گردید بجای محمد خان ماکوئی بخلعت همایون سربلند آمد جناب نظام الملک باعطای یکثوب
لباده ترمه بطانه خز قرین اعزاز گردید نواب احتشام الدوله باعطای یکقطعه نشان مرتبه اول میرپنجه و یکرشته
حمایل سرخ مفتخر گردید احمد خان نوائی بیکثوب جبه ترمه درجه افتخار یافت صاحبمنصبان بزرگ نظام حسب الامر روزها
بعد از فراغ از مشق بمدرسه دار الفنون آمده علم جنگ میخوانند شیرخان (اعتضاد الدوله) ولد خانخانان بمنصب
سرتیپی سواره استراباد و خلعت همایون سرافراز شد سرکردگی سواره شاهسون مشکین را بمیر ابوالحسن خان ولد قاسمخان
مرحمت فرمودند میر عزیز خان بلقب بیگلربیگی ملقب و مخلع شد چون ایل شاهسون از طهماسب قلیخان ایل بیگی شاکی شدند
او معزول و سلیمان خان بخلعت همایون نایل و بجای او منصوب شد نصر الله خان پسر مرحوم حاتمخان شهاب الملک بمنصب
سرهنگی خارج از فوج سرافراز شد بچه ای در بحر کرمان متولد شده که سه سر داشت و پاهای او کج و کف پای او با پشت پا

مثل هم و یکساعت زنده بود در کرمانشاهان کره الاغی متولد شد که یکسر و دو تن داشت و تمام اعضای دو تن از هم منفصل بوده
دارای چهار دست و پا و دو دم ولکن زنده نمانده است محمود خان قراگوزلو (جناب ناصر الملک) نایب اول سفیر مخصوص دولت
علیه مامور سنت پطرزبورغ باعطای یکقطعه نشان سرتیپی از درجه اول با حمایل سرخ سرافراز گردید محمد صادقخان نیز بار
محمد خان حاکم هرات و جمعی از خوانین افغان وغیره که بدربار همایون آمده بودند بخلاع فاخره مفتخر گردیدند سلیمانخان
سهام الدوله مسیحی مرحوم شد در گیلان ناخوشی وبا بروز نمود هفتاد نفر روسای تراکمه مرو نوکری و خدمت دولت
علیه را بمیل خود اختیار نمودند میرزا فتحعلیخان مستوفی بیک ثوب جبه ترمه مخلع گردید بارون کوملس صاحب منصب دولت
آسطریه که دو سال بخدمت این دولت آمده و قبل از انقضای مدت مستدعی مرخصی و معاودت شد لهذا پانصد تومان
انعام و شصت تومان قیمت یکطاقه شال علاوه بر سایر مراحم درحق او مبذول و دوام مرخصی فرمودند سواره بختیاری
و باجلان را ابواب جمع نور محمد خان سرتیپ نمودند یک ثوب قبای نظامی مرصع یکی و یکقطعه نشان نقره از درجه اول
این منصب با حمایل آن بنواب احتشام الدوله خانلر میرزا حکمران بروجرد و عربستان و لرستان و بختیاری مرحمت شد حاجی علی
خان حاجب الدوله والد مؤلف باعطای یک ثوب خز قرابه ترمه بطانه پوست مفتخر گردید محمد تقیخان معمار باشی بیک ثوب
جبه ترمه مباهی گشت فوج جدید قراگوزلو ابواب جمعی احمد خان ولد محمود خان (ناصر الملک) و سواره نظام دسبرکردی امان
الله خان (ضیاء الملک) برادر محمود خان را بمعزی الیه سپردند نور محمد خان قاجار بمنصب سرتیپی سرافراز و مخلع شد زین
العابدین خان براوند بسرهنگی و یکطاقه شال خلعت نایل گردید عبد الحسین خان اشرفی نایب ایشیک آقاسی باشی شده
مخلع گردید مسیو سمانو طبیب فرنگی بر پنجاه تومان اضافه مواجب و صد تومان پول و اگر قرار شد هر ساله باو مرحمت
شود و یکطاقه شال ترمه نایل و مخلع گردید یک جعبه تفنگ انگلیسی بسیار ممتاز بسام خان ایلخانی خراسان مرحمت کردند
افراسیاب خان نردینی با سواره ترکمان که بشاخت و تاز آن صفحات آمده بودند محاربه کرده بعضی را مقتول و برخی را زنده
دستگیر و بقیه را منهزم کرد ماموریت مامورین یزد و ولایات موقوف و مقرر شد ارسال و مرسول احکام بتوسط
چاپاران باشد میرزا فضل الله وزیر نظام آذربایجان بدربار همایون آمده بمراحم مخصوصه و اعطای یک ثوب جبه
ترمه اعلی سرافراز شده دوباره سریعا حسب الامر معاودت بآذربایجان کرد ملک الکتاب باعطای یک ثوب جبه ترمه نایل
و مفتخر گردید چون در ایامیکه در ارومی ناخوشی وبا بروز کرد اهالی آنجا مورد بعضی خسارات شدند چهار هزار تومان
نقد و دویست خروار جنس بتخفیف بآنها مرحمت شد ماهی هزار من شکر سفید بسیار خوب از مازندران حمل بدار الخلافه
میشود هم در اینسال حاجب الدوله والد مؤلف مامور ساختن عمارت دوشان تپه گردیده در دو تپه مزبوره عمارتی
بسیار عالی با شکوه و خوش منظر بنا نمود و روز تشریف فرمائی موکب همایون بآنجا یک ثوب کلیجه ترمه پوش بمعزی الیه مرحمت
فرمودند و از آن اوان الی الآن نیز بر عمارات دوشان تپه افزوده شده است همه روزه موکب همایون از دوشان تپه
تشریف فرمای شهر قاجار شده قشون حاضر رکاب مشق کاملی کردند یک ثوب کلیجه ترمه پوش باجودان باشی و معلمین مشق
فرنگی را نیز همه شالهای ترمه کشمیری وغیره خلعت مرحمت فرمودند این اوقات بکرات جناب صدر اعظم و جناب نظام
الملک و اجودان باشی و جمعی از امرا و صاحب منصبان بزرگ نظام مجمع الصنایع که حسب الامر حسینعلیخان معیر الممالک
دایر نموده و انواع و اصناف صنعتگران قابل مملکت را در آنجا فراهم آورده بود رفتند ارباب حرف را تشویق
زیاد نموده و خواجه احمد ساعت ساز یزدی را که از مشاهیر صاحب صنعتان است بیکصد تومان اضافه مواجب
دادند شب دوشنبه دهم جمادی الثانیه بیکساعت و بیست و پنج دقیقه از شب گذشته آفتاب از برج حوت بحمل تحویل

نمود

نمود و سلام خاص و عام در حضور همایون منعقد گردید اسکندرخان سردار را بحکومت خوی و میرزا هاشمخان را بحکومت
نهاوند منصوب فرمودند و سرکردگی سواره خزل بمیر مطلب خان پسر هاشمخان تفویض شد مرتضی خان قاجار بمنصب
قوللر آقاسی گری غلامان سرکاری نایل شد چون در سنهٔ ماضیه در آذربایجان رعایا بواسطهٔ برف زیاد ناخوشی و با مبتلا بضرر
و خسارت شده بودند محض تفضل دربارهٔ آنها ده هزار تومان نقد و هزار خروار جنس از مالیات سال گذشته و ده هزار
تومان نقد و هزار خروار جنس نیز در هذه السنه تخفیف مرحمت شد نیز یکهزار تومان باسکندرخان سردار مرحمت فرمودند
که عمارت دیوانی خوی را که قریب الانهدام بود تعمیر نماید خلیفه عبدالرحمن خلیفه مرو پسر خود را با پنجاه نفر از روسا و کدخدایان
مرو بخدمت نواب حسام السلطنه حکمران خراسان فرستاده اظهار انقیاد مینماید و مستدعی است حاکمی از برای مرو از
جانب اولیای دولت علیه تعیین شود اردوئی که با عبدالله خان میرپنجه ببلوچستان رفته بود از بمپور و قلعه سرباز و تمام
خاک بلوچستان تا او زکرده بقلعه سور میج حوالی مکران رسیده و در هر جا طایفهٔ بلوچ از دزد و سر نشین و غیره بتقدیم
خدمات پرداخته اند سردار علیخان سیستانی که همیشه اظهار انقیاد بکارگذاران ابد دولت جاوید شوکت مینماید این اوقات
که امیر علیخان قاینی و حسنخان جلیل وند بسیستان وارد شده اند بیرق دولت علیه را در سر قلعه کوهک که از قلاع معظمه
سیستان و محل توقف خود سردار علیخان است نصب کرده و پسر خود را با پسران دوستمحمدخان و ابراهیم خان سیستانی باهم
گروی بمیر علیخان سپرده خود را یکباره در ظل حمایت و ربقهٔ اطاعت ابد دولت ابد آیت کشید
چون شاهنشاهزاده اعظم معین الدین میرزا بمنصب ولیعهدی اختصاص یافته بود در این اوان رسما این معنی انتشار
یافته در تمام ولایات ممالک محروسه جشن گرفتند محمد حسن بیک پسر مرحوم محمد خان مصلحت گذار سابق دولت علیه
مقیم اسلامبول بمنصب نیابت مصلحت گذاری اسلامبول سرافراز شد حاجی محمد حسینخان را مامور سند عباسی و انتظام آن
صفحات فرمودند نواب مؤید الدوله را حکمرانی ولایت همدان دادند ولیمرادخان ترکمان که از معتبرین ریش سفیدان
طایفه ساروقاست بسبب تغیر دیگر بارض اقدس خدمت نواب حسام السلطنه آمده مستدعی است که بجرگه نوکری این
دولت علیه قبول شود میرزا احمد خان سرکشیکچی باشی با عطای کلیجه ترمه پوش مبارک مفتخر گردید نواب مصطفی قلی میرزا
حکمران مازندران بپانصد تومان اضافه مواجب نایل گردید داودخان بحکومت ارامنه و نصارای سرحدات ارومی
و سلماس و خوی سرافراز گردید سلیمانخان چون خدمات بدولت علیه کرده بود بعد از وفات او ولدان او مورد
مرحمت شده جهانگیرخان را بمنصب سرتیپی و بهمنخان را بنیابت اول اجودانباشی مفتخر فرمودند حاجی میرزا علینقی
باغمیشه بکلانتری تبریز برقرار شد صد و دوازده نفر از مرضای افواج قاهره این اوقات در مریضخانه دولتی باهتمام
میرزا محمد علی حکیمباشی نظام صحت یافتند قشون ظفر نمون که بطرف مکران رفته بود قلعه مکران که از قلاع صعبه
مستحکمه است تصرف نموده و سردار دین محمد خان که مقدم بزرگان بلوچستان است بدون اظهار مخالفت از در اطاعت
در آمده است تاکنون بضبط مکران کسی قشون نبرده بود در قلاع و نواحی مکران قریب بیست هزار اهل تمکن دارند
ذوالفقار خان خمسه بسرکردگی سواره خمسه برقرار گردید منصب سرتیپی فوج نصاری را بحسنخان پسر حاجی یحیی خان
مرحمت کردند مالیات قپان مله سبزوار را بکلی بخشیدند نواب اردشیر میرزا را حکومت دارالخلافه باهره دادند
بوزارت میرزا موسی مرض وبا در دارالخلافه بروز کرده است شب چهارشنبه بیست و پنجم رجب شهر شیراز از زلزله
منهدم شده و خرابی زیاد رسانیده و قریب یا زیاده از دوازده هزار نفر تلف شدند صاحبمنصبان و آحاد قشونی که
همراهی عبدالله خان میرپنجه در فتح قلاع کیج و مکران بلوچستان خدمت کرده بودند بنشان و انعام و خلعت همایونی

سرافراز

سرافراز شدند در تبریز بادی از سمت شمال وزیده که ابتدا زرد رنگ و بعد سرخ و بعد سیاه گشته است در خلخال
و خمسه بار بروز کرد آقا اسمعیل تحویلدار عساکر منصوره بخزانه داری کل نظام و لقب خانی سرافراز گردید چراغعلی
خان نایب الحکومه اصفهان منخلع گردید در آخر سامان دشتی که تا بندر کنگان سه فرسخ است تگرگ غریبی باریده و خرابی
زیاد نموده دانه کوچکتر آن ده سیر وزن داشت یکدانه آن بر سر زنی خورده فی الفور او را هلاک نموده است علیخان
سوادکوهی که قراولی ارک پادشاهی و خزانه و حفظ وجود مبارک با و مقرر بود مرحوم شد خدمات او را بآقا رجوع
بمیرزا کریمخان سرهنگ فوج سوادکوهی فرمودند قضا آقای سرتیپ توپخانه با توپچیان متوقف دار الخلافه و فوج
ندوی قراگوزلو ابوالمجمعی مصطفی قلیخان میرپنجه قراول شهر اند برج شهر کرمان که خرابی داشت تعمیر شد از غرایب آنکه
در کرمان جوجه مرغ خانگی از تخم در آمده که دو سر داشت در یکسر سه چشم و سه منقار و در سر دیگر نه چشم و نه منقار
و سایر اعضای آن مستوی الخلقه و چند روز زنده بوده و دانه میخورده بعد از آن مرده است در قم و کاشان و اصفهان
و مازندران نیز ناخوشی وبا بروز یافت و مخصوصا در مازندران چندان شدت کرد میرعزیزخان دریابیگی باعطای
یکقطعه نشان از مرتبه اول سرهنگی سرافراز شد آبادی و ابنیه و عمارات دولتی و غیره دار الخلافه نسبت بچند سال
قبل مضاعف شده هزار نفر سوار از ترکمه بعزم تاخت زوار بطرف شاهرود آمده محمد حسینخان خبر شده با جمعی سواره
و پیاده سر راه بر آنها گرفته چهل نفر را مقتول و پانزده نفر را زنده دستگیر و باقی را هزیمت داد مسیو بیر معلم سواره نظام تعلیمی
یکقطعه نشان نقره از مرتبه اول یاوری نایل و سه ماهه مرخص شد که باستریه وطن خود رود نواب مصطفی قلی میرزا حکمران
مازندران بخلعت همایون سرافراز گردید کالسکهٔ که بمصاحبت شعبانعلیخان بافتخار صید محمدخان ظهیرالدوله مرحمت شده
بود چون بیک فرسخی هرات رسید معزی الیه استقبال نموده شرایط تعظیمات و احترامات را نموده در کالسکه نشسته
داخل شهر هرات شد نواب نصرة الدوله حکمران فارس و بعضی اعیان فارس بخلعت همایون مفتخر شدند نواب عمادالدوله
حکمران کرمانشهان نیز بخلعت همایون سرافراز گردید تذکرهٔ اسلامبولی در دار الخلافه در کمال خوبی کار میکنند و یکقطعه
جیقهٔ فرنگی ساز حسب الامر ساختند که نهایت ممتاز و پنجاه هزار تومان تمام شده است نواب نصرة الدوله از حکمرانی
فارس استعفا نموده و نواب مؤید الدوله بحکمرانی فارس منصوب و منخلع شد اسدالله خان امیر آخور بحکومت همدان
و خلعت همایون سرافراز گردید جهانسوز خان بمنصب میرآخوری مفتخر گشت زنی در کرمانشهان با آنکه شوهر نداشته
یک شکم چهار طفل آورده از پدر اطفال از او سؤال نموده گفته بود در حمامی که مردانه بوده و بعد زنانه شده رفته ام
و در آنجا آبستن شده ام بالجمله آن چهار طفل هیچیک بیش از چهار ساعت زنده نبودند نواب احتشام الدوله
خانلر میرزا حکمران بروجرد و عربستان و لرستان و بختیاری بخلعت همایون سرافراز و امیرزاده جلال الدین میرزا نایب
الحکومه لرستان شد عزیزخان آجودانباشی را منصب سرداری کل عساکر منصوره عطا فرمودند موکب همایون اواسط
ماه ذیقعده عزیمت چمن سلطانیه فرمودند ناخوشی وبا از همه جا مرتفع شد میرزا محمدخان بیگلربیگی شیراز ولد حاجی
قوام الملک مرحوم شده میرزا علیخان ولد او را بجای او بیگلربیگی و مخلع فرمودند نیز یکثوب جبه ترمه بحاجی قوام الملک
خلعت مرحمت شد میرزا علی اکبر سرهنگ فوج تورخانه بلقب خانی نایل گردید خانخوه که بر سر مرو آمده بود شکست خورده
علاوه در اردوی او ناخوشی وبا افتاده بطرف خیوه کوچیده است اردوی همایون در چمن سلطانیه و عده ملتزمین
رکاب علیه بشصت هفتاد هزار نفر میرسید روز عید قربان سلام عام باشکوهی تمام منعقد گردید و بجناب صدر اعظم
در این سلام اظهار مراحم مخصوصه فرمودند بعزیزخان سردار کل و آجودانباشی یک راس اسب خاصه مرحمت شد

طامسن صاحب شارژدافر دولت انکلیس روانه اردوی پادشاهی کردید سنک مثانه بیرون آوردن باهتمام و تعلیم کنزبول
شایع شد و در یکسال خود او بیست و سه سنک در آورد که یکی هلاک شد و باقی بسلامت رستند
موکب همایون از چمن سلطانیه عزیمت دار الخلافه باهره فرموده روز بیست و هفتم ذی حجه تشریف فرمای طهران شد
و در تالار تخت مرمر سلام عام انعقاد یافت حاجب الدوله والد مؤلف که در این سفر خدمات شایان نموده بود بعطای یکثوب
کلیجه تن پوش مبارک مفتخر کردید ذرکر اسلامبولی آلیت کرانبهائی که حسب الامر از جواهر خزانه مبارکه ساخته بودند و عید
غدیر در چمن سلطانیه بحضور مبارک برده مورد تحسین شد و اهل خبره آنرا بیست و پنجهزار تومان قیمت کردند برحسب
استدعای نواب حشمة الدوله حکمران آذربایجان پانصد تومان بصنف شعربافان تبریز تخفیف مرحمت شد حاجی میرزا
محمدخان نایب اول وزارت خارجه بلقب دبیر مهام خارجه و خلعت همایون سرافراز و از قزوین بآذربایجان رفته بغفر علیخان
کربیکلربیکی و حاکم شهر تبریز بود احضار و احمدخان نوائی که دیوان بیکی اردوی همایون بود بجای او مامور و روانه شد کلب
حسین خان نایب اول اجودانباشی بلقب امین نظام ملقب و بخلعت همایون سرافراز کردید **اروپا** (اسپانیول) شخصی قصد
قتل ملکه اسپانیا نموده اورا مجروح ساخت کاستیس از معارف اسپانیا درکذشت غربای اسپانیا که دارای ادیان
مختلفه هستند بموجب حکم سخت دولت بحسب ظاهر بطریقه کاتولیکی میتوانند عبادت کنند وزرای تازه در اسپانیا
بصدارت دن کالی برقرار شدند در جزیره کوبا و ماینل زلزله سخت شد (المان) اعلیحضرت امپراطور اطریش بممالکی که در
ایطالیا متصرف بود سفر نمود پرنس شوارتزنبرک صدر اعظم اطریش در سن پنجاه و دو سالکی بمرض فجاة درکذشت
نیز اعلیحضرت امپراطور بمجارستان سفر نمود عهدنامه تجارتی مابین این دولت و دولت عثمانی بسته شد صد و شصت کرور
فلرن مجددا در این سال دولت قرض کرد نیز اعلیحضرت امپراطور اطریش ببرلن سفر کرده با اعلیحضرت پادشاهان پروس و
هانور وغیره ملاقات نمودند هم در این سال در لهستان متعلق بروس وبا بروز کرده و از آنجا بمملکت پروس سرایت نمود
پادشاه ایالت بادشارل لیوپلد فردریک بسن شصت و یکسالکی درکذشت و پسر بزرک اولوی چون کم مشاعر مبتلا بلقوه
صرع میباشد نیز اکتیبر دوم پادشاه مرحوم فردریک برتخت سلطنت جلوس نمود کرنل یوش و اکثر نیز از نقاشهای
معروف المان وفات نمود جمعیت پروس در این سال سی و دو کرور و پنجاه و پنجهزار و یازده نفر میباشد (انکلیس)
ژن رسل صدر اعظم دولت انکلیس تکلیف کرد که علاوه بر قشون معمول دولت پانصد و بیستهزار لشکر حربیه بنو
ذخیره داشته باشند که هنکام لزوم بآنها اسلحه لوازم جنک بدهند و آنها را بخدمت مامور کنند وزرای دسته ویک
استعفا کرده وزرای توری برقرار کردیده لرد دربی منصب صدارت یافت ولینکتن سردار و وزیر معروف انکلیس
در سن هشتاد و سه سالکی وفات کرد و عزای عام در مملکت انکلیس بجهة فوتش او کرفتند مجلس پارلمنت بر ضد دسته
وزرای جدید باشت و وزرای دسته ویک مجددا منصوب شد جنک انکلیس با ایالت کافر در افریقه جنوبی باتمام نرسیده است
دولت انکلیس به برمان لشکر فرستاده و فتوحات در آن مملکت نموده است بجهة انکشاف معدن طلا هشتاد و هفت هزار
نفر از انکلیس در مدت یکسال باسترالی مهاجرت کردند کشتیهای جنکی انکلیس که در اینوقت موجود میباشد صد و سی و
سه فروند است آنچه در کشتی سازخانه دولتی میسازند بیست و یکفروند است در این تاریخ در جزایر انکلیس یازده
هزار و صد و پنجهزار ذرع یعنی هزار و صد و پنج کیلومتر راه آهن دایر است در ظرف یازده ماه بعد از انکشاف معدن
طلا تا اینوقت معادل چهل کرور طلا وارد انکلیس شده تماس مور شاعر معروف ایرلندی در این سال فوت شد (ایطالیا) کونت
کوور بوزارت مالیه و بعد بوزارت بحریه و آخر الامر بمنصب صدارت پادشاه پیمن برقرار شد در ساردین و بعضی

[illegible]

جاهای

جاهای دیگر شورش نمودند مجلس شورای مملکتی در روم منعقد گردید کوه آتشفشان اتنا طغیان نمود (پرتوغال) با
بلژیک پانی معاهده نمودند که از لیزبن پای تخت مملکت تا سرحد اسپانیا خط راه آهنی ممتد نمایند (بلژیک) عهدنامه تجارتی
با فرانسه بست وزرای تازه بصدارت بردکر نام تعیین شدند روزنامه‌های بلژیک را سخت ممانعت نمودند که
نسبت بشخص سلاطین خارجه الفاظ مستهجن و بد ننویسند و اینفقره بخواهش دولت فرانسه بود و ابتدا قبول نمیشد
ولی آخر موقع قبول یافت (دانمارک) ایالتین سلشویک و هلستین دارای وزرای مخصوص و پارلمنت مخصوص هستند
که دخلی بوزرا و پارلمنت دانمارک ندارند (روس) اعلیحضرت امپراطور روس با اعلیحضرت امپراطور اطریش در وین
و با اعلیحضرت پادشاه پروس با زوجه خود در برلن ملاقات نمودند پرنس دلوشتان برادر داماد اعلیحضرت امپراطور
وفات نمود در اواخر پائیز در سنت پطرزبورغ و بابروز کرد راه آهن دولت روس در این سال سیصد و بیست هزار
ذرع است (عثمانی) رشید پاشا صدر اعظم عثمانی در ظرف سه ماه عزل و نصب شد در شامات دزدی و راهزنی بی
حد است علی پاشا بجای رشید پاشا صدر اعظم شد فواد افندی بمنصب وزارت خارجه رسید ابتدای خیال استقراض دولت
از خارجه و معادله کردن تومان پول ایران و اینفقره بواسطه عدم رضایت روس و اطریش و بعضی از اهالی خود عثمانی
انجام نمی یابد بپاشای مصر اجازه میدهند که مستقلاً از انگلیس قرض کند شورش طایفه دروز در شامات و شورش اهالی
منتنگرو و هرزگوین که مالیات نمیدهند مامور شد عمر پاشا بسبب و بیخبر از قشون بر تنبیه اهالی منتنگرو و هرزگوین
(فرانسه) در بیرقهای فرانسه علامت و نمو عقاب را که ناپلیون اول اختراع کرده و مدتی متروک بود برقرار نمودند سکوکات
باسم و تصویر پرنس لوی ناپلیون رئیس جمهوری منقوش خواهد بود ریاست ده ساله لوی ناپلیون را عموماً قبول نمودند
مجلس سنا که عبارت از مجلس اعیان و اشراف و نجبای مملکت باشد برقرار گردید املاک و اموال لوی فلیپ پادشاه سابق
فرانسه و اولاد او را حکم بضبط و فروش نمودند ریاست مجلس سنا بر پرنس ژرم عموی رئیس جمهوری قرار میگیرد قانون دیگر
موسوم بقانون ناپلیون میگردد در روز پانزدهم ماه اوت که روز مولود ناپلیون بوده جشن میگیرند رئیس جمهوری فرانسه
بایالات جنوب بوردو و تولون و نیز سفر نموده و مردم او را امپراطور خطاب میکنند امیر عبدالقادر والی الجزایر که
در حبس فرانسه بود رئیس جمهور در عبور از شهر امبواز او را از حبس بیرون آورده بروسا از خاک عثمانی
میفرستند ورود رئیس جمهور بپاریس با کمال شوکت و جلال در عمارت سنت کلو و فرستادن وکلای ملت جمعی را
بجهت او و تمنا کردن که قبول ریاست جمهور را مادام العمر نماید بالاخره در ماه قوس اینسال اغلب اهالی فرانسه جمع
شده پرنس لوی ناپلیون رئیس جمهوری را ناپلیون سیم امپراطور فرانسه خواندند و پرنس ژرم عموی لوی ناپلیون را
ولیعهد او قرار دادند مارشال ژرار و مارشال اکزلمان فوت شدند کشتیهای جنگی فرانسه در اینسال یکصد و
هشت فروند بود (هالاند) کشتیهای جنگی هالاند در این سال چهل فروند است (یونان) اهالی یونان تمکین
نمیکنند که متابعت کشیش بزرگی که در اسلامبول است نمایند و بواسطه تکلیفی که دولت با آنها مینماید در بعضی
ایالات شورش میشود در سواحل یونان طوفان سختی شد (افریقا) بعضی از سیاهان که در امریکا بودند مهاجرت
نموده برلیبریا که یکی از نقاط افریقا است آمده در این ناحیه یک جمهوری شبیه بجمهوری ینکی دنیا تشکیل داده اند
ناحیه لیبریا که در این سال هزار و سیصد متجاوز از هفتصد هزار سکنه دارد که اصلاً سیاه پوستند و شانزده
هزار از آن سیاهانی هستند که از ینکی دنیا مهاجرت نموده باین سامان آمده اند دول
اتازونی و انگلیس و بلژیک و پروس و برزیل و فرانسه سلیبا یالت جمهوری افریق شناختند امریکا (اتازونی)

اول کشتی که در ظرف نه روز و سه ربع ساعت از نیکورنیکی به بنابرلیورپل بندر انکلیس آمد کشتی موسوم به آمیلک بود و این سفر در ماه دلو اتفاق افتاد جمهوری اتاژونیه رصدی فرستادن جمعی از دانشمندان بجانک ژاپن میباشد و غرض از این سافرتها انکشاف مسائل جدیده میباشد زیرا که بنا در ژاپن تا آن وقت برای هیچیک از ملل باز نبود از اهالی چین چند هزار نفر بجهت کار کردن در معدن طلای کالیفرنی از مملکت خود با تاژونی میایند کلیسا از معارف اتانی در گذشت فرانسه و انکلیس هرقدر خواستند اتاژونی را با خود متحد کنند که دولت اسپانیا را در نگاه داشتن جزیره کوبا تقویت کنند قبول نکرد کشتیهای جنگی اتاژونی در اینسال سی و شش فروند بود (ینکی دنیای جنوب) ابتدای خیال مردم در حرکت بر روی شط آمازون با کشتیهای بخار در این سال بود خرید و فروش غلام و کنیز در دولت برزیل بوسا طت انکلیس موقوف شد توضیح آنکه شط آمازون از تمام شطهای روی زمین عظیم تر و بزرگتر است منبع از نیل سر چشمه این شط از جبال آند است تا بحر اطلس چهارصد هزار ذرع مسافت در محاذی خط استوا بمحیط اتلانتیک میریزد در حوالی سرچشمه در جاها اگر عرض این شط خیلی کم است سه الی پنجهزار ذرع است اما نزدیک بدریا عرض این شط دویست و هشتاد و ششهزار ذرع میباشد و عمقش سیصد و بیست و پنج ذرع زیادی آب این شط بحدیست که وقتیکه بمحیط میریزد بمسافت صد و سی و پنجهزار ذرع در دریا طعم آب هیچ تغییر نکرده شیرین است و مخلوط با آب دریا نمیشود انکشاف این شط در سنه هزار و پانصد عیسوی مطابق نهصد و شش هجری شد

سنه ۱۲۷۰ هجری

سنه ۱۸۵۳ مسیحی

آسیا[۱] (ایران) میرزا محمد خان سر کشیکچی باشی بکشوب کلیجه ترمه تن پوش مبارک سرافراز گردید و این ایام حکم همایون شرف صدور یافت که قلعه مضبوطی در مرو ساخته بقدر ضرورت ساخلو قشون در آنجا گذارده شود خلیفه مرو که عریضه مشعر بر اظهار عبودیت بدربار معدلت مدار فرستاده بود از جانب سنی الجوانب خسروانی فرمان همایون شبیه بر شمول مراحم ملوکانه خطاب بعز صادر و یکثوب جبه ترمه برسم خلعت و سیصد تومان انعام نقد بافتخار او مبذول شد و چون خوارزمیها محصول وزراعت آنها را چرانیده و بواسطه کمی غله در صفحات مرو عسرتی حاصل است امر فرمودند هزار خروار غله با تهایت هند کرا زاین رهگذر آسوده باشند این اوقات فیمابین دولت روس و عثمانی بنای جنگ است لهذا سردار کل عساکر منصوره مامور آذربایجان شد که در آن سرحدات اغتشاش و بینظمی حادث نشود جناب ایت صاحب قنسول دولت انکلیس مرخصی از آن دولت چندی بوطن خود رفته بود این اوقات مجددا بدار الخلافه معاودت نمود هادیخان ولد مرحوم عباسقلیخان میرپنجه را بسرتیپی افواج نیشابور و تربت سرافراز فرموده روانه خراسان شد که افواج مزبوره را سرکشی نماید علیخان سرهنگ فوج چهارم تبریز بمنصب سرتیپی و نایب اول اجودانباشیگری سرافراز شد میرزا زین العابدین سرهنگ شه دار مهاجر و سواره نظام بمنصب لشکرنویسی سید جبرئیل خان پسر آقا لرخان کرجی نایب دویم اجودانباشی گردید علیقلی میرزا پسر نواب عماد الدوله بمنصب سرتیپی سرافراز و از جانب نواب عماد الدوله بحکومت کلپایگان رفت نظام الملک برتبه شخص دویمی نیابت صدارت عظمی و لقب جنابی و تمثال همایون و حمایل آبی و سبز که مخصوص شخص دویمی است نایل و بوزارت شاهنشاهزاده معین الدین میرزا نیز منصوب گردید عبدالله خان میرپنجه برای حفظ ولایات بلوچستان و تسخیر قلعه بافنان بنشان میرپنجگی سرافراز گشت محمد یوسفخان سرتیپ پیشکار دیمیرزا کوچک خان سرهنگ فوج جدید کرمانی از جانب محمد حسن خان سردار بحکومت یزد رفت سرپرستی ایل شکاک اروم را بحسنعلی خان پیشخدمت خاصه واگذار فرمودند

[۱] مدظله

اسدالله خان حاکم همدان بلقب معتمدالملکی ملقب گردید بقدر پانصد ششصد نفر از طایفهٔ ضالهٔ بابیه در تبریز جمع شده
و در کوه نزدیک تبریز سنگرها بجهت خود ساخته بودند نواب مویدالدوله حکمران فارس میرزا نعیم لشکرنویس و حاکم
تبریز و لطفعلی خان سرتیپ را با فوج شقاقی و غیره و چند عراده توپ مامور دفع آنها نموده بعد از جنگی سخت سنگرهای
آنها را مسخر و صد نفر از آنها عرضهٔ شمشیر و باقی را دستگیر کرده قلع ریشهٔ فساد آنها را از آن حدود نمودند حاجی
یوسفخان سرتیپ ایل بیگی مغان شد عباسقلیخان هشترودی حکومت هشترود یافت ناخوشی وبا بالمره از جمیع بلاد
ممالک محروسه مرتفع شد میرزا ابوالقاسم نقره‌شئی سر رشته‌داری دفتر استیفا و دویست تومان اضافه مواجب نایل
گردید میرزا محمد حسین صدر سفیر مخصوص از سفارت سنت پطرزبورغ معاودت کرد قافلهٔ بخارا که عازم مرو و مشهد
مقدس بود میر احمد خان جمشیدی با هزار نفر سوار از زیک بجلو آنها رفته و قافلهٔ مزبوره در چهارجو ماند بهادرخان حسنخان
سبزواری را با سیصد نفر سوار فرستاده سواره میر احمد خان را منهزم و برخی را مقتول نمودند و قافلهٔ مزبوره بدون
آسیبی بمرو آمد بر حسب استدعای خلیفهٔ مرو و تره و بها علاوه بر قشونی که سابق مامور مرو شد این اوقات نواب حسام السلطنه
والی خراسان سه فوج سرباز و پانصد نفر سوار و پنج عراده توپ و خمپاره با قورخانه روانه مرو نمودند که آنجا را از تعرضات
ارگنجی محروس دارند نواب حسام السلطنه با عطای یکثوب کلیجهٔ تن پوش مبارک مباهی گردیدند و هزار سوار بخارائی
و غیره که در نزدیکی مرو سکنی داشتند و دست اندازی باموال و حال مردم میکردند فرار نمودند چهارشنبه چهارم ربیع
الثانی بندگان اعلیحضرت شاهنشاهی عز نصره بجهت امتحان متعلمین مدرسهٔ دارالفنون تشریف فرما شدند چون ما بین
شیرعلیخان پسر امیر دوست محمد خان حاکم کابل و سرداران کهندلخان سردار قندهار نقاری حاصل شده بود عبدالله خان
سیستانی را با فرامین و احکام مامور انصحات فرمودند که آنها را براه مودت و اتحاد دلالت کند سردار سلطانعلیخان
پسر سردار کهندلخان که بخاکپای مبارک آمده بود او را بلقب مظفرالدوله ملقب و مخلع فرمودند بمصاحبت او خلاع
فاخره و انعامات شاهانه برای سردار کهندلخان و رحمدلخان و مهردلخان و سایر خوانین مبذول داشتند خسروخان
والی حاکم قزوین بعطای یکثوب کلیجهٔ ترمهٔ تن پوش مبارک سرافراز گردید میرزا محمد حسین صدر دیوانخانه ملقب بعضدالملک
گردید کاومنت صاحب حکیمباشی آذربایجان بعطای یکقطعه نشان سرهنگی از درجهٔ اول نایل گردید برجیس صاحب
مباشر روزنامهٔ مترجم دیوان و میرزا عبدالله روزنامه نویس بخلعت همایون سرافراز گردیدند حاجی بابا پسر مرحوم
آقا حسین ملک التجار بادکوبه بعطای یکقطعه نشان درجهٔ دویم سرهنگی مفتخر گردید یکبیاتان زطی صاحب منصب مهندس
از اهل آستریه مسیو هار نوطا معلم علم معدن که در خدمت دولت ایران بودند وفات کردند قاسمخان صاحب جمع یکقطعه
نشان سرهنگی از درجهٔ اول و یکرشته حمایل سفید و یکثوب جبهٔ ترمهٔ کرمانی سرافراز شد یکثوب جبهٔ ترمهٔ بطانه
خز تن پوش مبارک بنواب والا فریدون میرزا فرمانفرما مرحمت فرمودند امیرزاده عبدالباقی میرزا ولد نواب موید
الدوله حکمران فارس بخلعت همایون سرافراز شد التجا ملا اکرم مستوفی هرات چند راس اسب برسم پیشکشی از جانب
سید محمد خان حاکم هرات بخاکپای مبارک آورده مورد تفقدات شاهانه گردید قشون مامور مرو را جمعیتی کلی از
تراکمهٔ سرخس و خوانین آنها استقبال کرده و منتهای خدمتگذاری را از آنها نموده و دویست نفر سواره سرخس تا مرو
همراه اردو رفتند ترکانان طرشی نیز بخدمت نواب حسام السلطنه والی خراسان آمده و نواب معظم همه را مستظهر
بمرحمت نموده الله‌یارخان ناظر بلقب عین الملکی و یکقطعه نشان مرصع مفتخر گردید جهانسوز خان امیرآخور بیکثوب کلیجه
ترمهٔ بطانه خز تن پوش مبارک سرافراز شد آقا محمد حسن صندوقدار بعطای یکثوب لبادهٔ ترمهٔ بطانه پوست مباهی

گردید

کردید آقا مهدی ملک التجار حسب الامر بعضی روزها مجلسی از اعیان تجار در سرای امیر تشکیل داده در ترقی امر تجارت مذاکره مینماید محمد علیخان بختیاری هفت لنگ که بدزدی و شرارت معروف و در یکی از قلاع صعبه آنجا متحصن بود باهتمام نواب احتشام الدوله حکمران عربستان و لرستان و بختیاری و بروجرد قلع و قمع کردید قشون مامور مرو و اشرار شده مرو بهایند برآمده و استقبال از آنها نمودند نواب والا مؤید الدوله حکمران فارس بیکقطعه نشان امیر تومانی و حمایل مخصوص این رتبه و یکثوب جبه ترمه از جانب سنی الجوانب مباهی کردیدند نواب فرهاد میرزا فرمانفرما بحکمرانی خراسان نایل شدند و میرزا فضل الله وزیر نظام را متولیباشی حضرت رضوی سلام الله علیه و پیشکار امور خراسان فرمودند نواب شاهنشاهزاده اعظم امیر قاسمخان از منصب امارت نظام مرحمت فرمودند نواب نصرة الدوله بنیابت نواب مستطاب ولیعهد دولت علیه مأمور بحکومت آذربایجان کردیدند میرزا صادق مستوفی بلقب قائم مقامی و پیشکاری کل امور آذربایجان سرافراز کردید سالار مهدیخان و ولد ملوک و سالار الدوله بلوچستانی نزد محمد حسنخان سردار حکمران کرمان و یزد آمده تعهد خدمتگذاری بدولت علیه مینمایند شاهزاده مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران بیکقطعه نشان سرتیپی از مرتبه اول و حمایل آن سرافراز کردید شال بافی کرمان خیلی ترقی کرده است شب سه شنبه بیست و یکم ماه جمادی الثانیه هفت ساعت و هفده دقیقه از شب گذشته آفتاب از برج حوت بحمل تحویل نموده سلام عام تحویل و سلام عام روز عید نوروز در پیشگاه حضور مهر ظهور اعلیحضرت شاهنشاهی دام ملکه منعقد کردید بندر عباس که از بنادر فارس و حکومت آن از جانب اولیای دولت علیه بعهدهٔ شیخ یوسفخان محول بود بعد از شیخ یوسفخان شیخ عبد الرحمن و بعضی از مشایخ دیگر بخیال خودسری افتاده سید ثوینی پسر امام مسقط را بر بندر آورده با او عهد و میثاق کرده و دور بندر خندق حفر و آذوقه و توپ و قورخانه و جمعیت از امام مسقط و سید ثوینی دریافت نموده بیست و هفت عراده توپ بزرگ در بروج و بدنه داشتند سوای توپهائیکه در جهازات متعدده از امام مسقط در روی دریا بود و بسنگر قشون دولت علیه گلوله می انداختند نواب مؤید الدوله امیرزاده ابو القاسمخان را با توپخانه و فوج کلپایکانی و بوانجی نصر الله خان و فوج شقاقی لطفعلیخان با مصطفی قلیخان یوزباشی و تفنگچی لاری مأمور بمحاصره بندر عباسی نموده ابتدا سنگرها و خانه های شهر را بتصرف در آوردند از آنطرف هم سید محمد خان برادرزادهٔ امام مسقط با چند جهاز و جمعیت زیاده از پنجاه عراده توپ بامداد آنها آمده تا در روز هشتم ماه جمادی الثانیه قشون ظفر نمون یورش برده بعنف و غلبه شهر را مسخر کردند و قشونیکه از مشایخ آمده بودند چنان سراسیمه شدند که اغلب از بیم جان نتوانستند خود را بغله و جهاز برسانند و بدریا افتاده غرق شدند همچنین قلعه کهیر که از قلاع صعبه کرمسیرات کرمانست و بهوای بندر عباس اهالی آن نیز دم از خودسری میزدند روز ششم همین ماه بتصرف رضا قلیخان عرب و امامعلیخان که با فوج عرب و فوج کرمانی از جانب محمد حسنخان سردار حاکم یزد و کرمان بگرفتن آن قلعه مأمور بودند درآمد

جناب صدراعظم بیکقطعه نشان امیر نویانی اعظم و یکرشته حمایل سبز که اول نشان این دولت علیه و مخصوص شخص اول است و تاکنون بهیچیک از وزرای سابق مرحمت نشده و یکرشته شرابه بند کاغذ مکلل بالماس و مروارید نایل و بلقب نبیل الشأن (اشرف امجد) سرافراز آمدند حاجی جابرخان از حکومت محمره معزول و حکومت آنجا با شیخ حاکم که محصل مالیات شط العرب است مفوض نمودند جناب مسیو ابخلوف شارژدافر دولت روس روز شانزدهم رمضان وارد دار الخلافه باهره و دو روز بعد با اجزای سفارت بحضور همایون مشرف شد روز عید فطر سلام عام در بنا و دیوان انعقاد یافت حاجی محمد تاجر تبریزی که برحسب امر اولیای دولت علیه با چند نفر از ارباب صنایع

ایران سه سال بود برای اکتساب صنعت بلورسازی و شکرریزی و ریخته‌گری و نجاری و آهنگری و چلنگری بشهر
پطرزبورغ رفته بودند این اوقات مراجعت کرده همگی مورد تفقدات امنای دولت ابد آیت شدند و مقرر شد بجائی برای دو دستگاه
چرخ دستی کاغذسازی که همراه آورده اند کارخانه ساخته و چرخ را براه بیندازند و محمودخان (جناب ناصرالملک)
مصلحت‌گذار مقیم سفارت پطرزبورغ نوشته‌اند که دو دستگاه دیگر از همان چرخ کاغذسازی از آنجا خریده ارسال
نماید و حاج مشارالیه بمازندران رفته که بنای کارخانه شکرسازی در آنجا بنماید و در این اوان شکر سفید از مازندران
آورده‌اند که بهتر از شکر خوب هندی بود عبائی در کاشان از ابریشم بعمل آورده اند که مثل عباهای خوب نجف اشرف و
کربلای معلی است و حکم شد از این عباها بیافند حاجی محمد شریفخان قاجار بحکومت ارومی و حیدرقلیخان شادلو
بحکومت اردبیل و اسدالله خان قاجار بحکومت قراجه داغ و یحیی خان ایلخانی بحکومت مراغه نایل گردیدند و وزارت وظایف
و اوقاف را تفویض بمیرزا محمدحسین عضدالملک فرمودند معلمین دارالفنون از نتیجه علوم خود کتب مفیده علمیه
تألیف میکنند سید محمدخان ظهیرالدوله حاکم هرات چند راس اسب بعنوان پیشکش باتفاق سردار صالح خان بدربار
همایون فرستاد امیردوستمحمدخان حکمران کابل نیز جعفرقلیخان کابلی را چون با عریضه بدربار معدلت مدار فرستاده
بود بعد از شمول مراحم کامله و انعامات شامله درحق جعفرقلیخان و همراهان او او را مرخص و یکطوب جبهٔ ترمه پولک
دوز شمسهٔ مرصع و یکراس اسب عربی ممتاز از اصطبل خاصه با انضمام زین و یراق تمام طلا برای امیردوستمحمدخان و دو
طوب جبهٔ ترمه زنجیره دار برای پسران امیر معزی الیه محمد افضل خان که در سمت ترکستان است و غلام حیدرخان بمصاحبت او
انفاذ فرمودند نواب احتشام الدوله حکمران عربستان و لرستان و بروجرد و بختیاری را بعطای نشان تمثال بیمثال
همایون مفتخر فرمودند این اوقات سالار مهدیخان با عریضه از جانب خوانین بلوچ نزد محمدحسنخان سردار حاکم یزد و
کرمان آمده از جانب آنها اظهار انقیاد نموده ولی از قرار مذکور امیر علیخان حاکم درزک جمازه سواری نزد ابراهیمخان
ضابط و مستحفظ بمپور فرستاده اظهار نموده که آزادخان خارانی جمعیتی جمع کرده که بسر درزک بیاید ابراهیمخان
نیز خوانین بلوچ را به بمپور خواسته که در صورت صدق مستعد دفاع باشند بعضی قوافل عرض راه خراسان را جناب
صدراعظم امر بتنبیه نمودند محمدحسنخان پسر سردار علیخان سیستانی و شاه پسندخان و میرکاظم‌خان این اوقات
از سیستان بدربار همایون آمده علی قدر مراتبهم مورد الطاف ملوکانه شدند بعضی خوانین و اشخاصیکه در قلعهٔ کهنه
فارس و قلاع بلوچستان خدمت کرده بودند این اوقات خلعت و نشان درحق ایشان علی قدر مراتبهم مرحمت شد
این اوقات حسب الامر اسلحه خانه مخصوصی برای اسلحهٔ ممتازه و آلات حربیه سلطنتی بنا کرده و تمام اسلحهٔ سلاطین ماضیه
و این عهد همایون را که همه ممتاز و مزین بطلا و مرصع بجواهر و از کارهای اساتید قدیمه و جدیده بود در آنجا
بنظم و ترتیب گذاشتند و همچنین کتابخانه مخصوصی برای کتب سلطنتی و قطعات خطوط اساتید بوضع بسیار خوش بنا
کردند مبالغی تخفیف مالیاتی بارامنه ساکن جلفا و بلوک فریدن اصفهان مرحمت فرمودند و هم این اوقات از طایفه
ترکمانیه پانصد نفر سواره بعزم تاخت و تاز بقریهٔ افزره که یکی از قرای سرحدی قوچان است آمده اهالی قلعه آنها را
دفع داده پس از یاس ترکمانان از غلبه بر آبادی بسوزانیدن و چرانیدن محصولات پرداختند یزدان و یردیخان برادر
ساعتخان ایلخانی مخبر شده قدرت‌الله آقا وغیره و سواره و شمخالچی وغیره را جمع آوری کرده بدفع آنها روانه شدند
از آنطرف هم ترکمانان تدبیری اندیشیده قریب سه هزار سوار با بیل و کلنگ و نردبان بر سر قلعهٔ جعفرآباد که از قلاع
سرحدی قوچان است آمده که آنجا را تصرف کنند سواره و شمخالچی دولتی جلو آنها را گرفته و با آنکه جمعیت قشون

ظفر

ظفر یمنی زیاده از چهار صد نفر نبود آن سه هزار نفر ترکمان را منهزم و متفرق نمودند نظر باین حسن خدمت یزدان ویردیخان یکثوب جبه ترمه و یکقطعه نشان از مرتبه اول سرهنگی با حمایل آن برای معزی الیه انفاذ و مرحمت شد میرزا حسینخان برادر مرحوم میرزا نقیخان بنیابت حکومت عراق منصوب گردید حبیب الله خان پسر خسرو خان کرمانی که دیگر سیاه اشرار بلوچ را ببلاد الخلافه آورده بود بعطای یکطاقه شال ترمه و یکثوب قبای زری مفتخر گردید یکدسته از ترکمه آتک نشین در بعضی از حدود خراسان بنای قلعه ساختن گذارده بودند محمد رحیمخان نایب الحکومه بجنورد مستحضر شده بر سر آنها رفته آنها را متفرق ساخته و قلعه که ساخته بودند بکلی خالی ماند جناب احمد وفیق افندی ایلچی کبیر دولت عثمانی از دربار همایون رخصت انصراف حاصل و بیکقطعه نشان تمثال همایون مکلل بالماس با حمایل آبی از طرف همایون شهریاری نایل شده حیدر افندی مستشار خود را در غیاب خود بمصلحت گذاری برقرار نمود راه کتل بالای امجد که معبر و راه مازندران ولی بسیار سخت و صعب المسالک بود بحکم جناب صدر اعظم بخوبی ساخته شد در اوایل ماه ذیقعده باد بسیار شدید و طوفانی تیره در صفحات گرمسیرات فارس اتفاق افتاده تقریباً صد هزار نخل از نخلستانهای قیر و کارزین و لارستان را از ریشه کنده است فتح کلات و دفع جعفر آقای کلاتی که چندی بود در ظاهر منقاد ولی در باطن مخالف دولت قوی بنیاد بود بامر و اهتمام نواب فرمانفرما حکمران خراسان و میرزا فضل الله وزیر نظام و بپاداش این خدمت خلاع فاخره برای نواب فرمانفرما و وزیر نظام مرحمت و ارسال شد دوشنبه دهم ذیحجه که روز عید قربان بود در دار و دیر جناب صدر اعظم سلام عام در حضور همایون شاهنشاهی منعقد گردید سنگ مرمری در کمال صفا و زینت با خطوط خوش بجهت مزار مزین آثار خاقان خلد آشیان (فتحعلی شاه) نور الله مضجعه تمام کرده با تشریفات کامل مصحابت میرزا اسدالله روانه قم داشتند اسمعیل خان ولد مرحوم بشیر الدوله چاپارچی باشی دربار و مخلع گردید و مواجب و جیره مرحوم بشیر الدوله نیز در حق او برقرار و مواجب خود اسمعیل خان بسایر اولاد بشیر الدوله مرحمت شد روز عید غدیر سلام عام نیز در دار و دیره منعقد و عموم چاکران بار حضور معدلت ظهور شاهانه یافتند خلیفه طاطاوس که بزرگ ملت ارامنه جلفا است بدربار همایون آمده عرض کرد بعضی از حکام و عمال ولایات نسبت بارامنه چنانکه باید برسم عدل و اعتدال حرکت نمیکنند لهذا فرامین و احکام مؤکده بحکام و ولایات صادر شد که نسبت بجمیع ملل که رعایای دولت علیه اند رعایت کمال عدل را بنمایند و خلیفه مزبور را مخلع و امیدوار اجازه انصراف دادند (چین) شورشیان از جنوب بسمت شمال حرکت کردند شهر نانکن را گرفتند و رئیس یاغیان تین نه که خود را از طایفه مغول و از اولاد قبلای قاآن میداند و سلطنت چین را حق خود فرض مینماید کانتن شهر دیگر را میگیرد شهر اموی را ضبط میکند تا حوالی پکن میراند (اروپا) (توضیح) قبل از اقدام بنگارش اخبار اظهار میدارد که بعد از این هرجا ذکری از مسئله شرقیه شد مقصود از جنگ دولت روس و دولت عثمانی است که در سنه هزار و دویست و هفتاد شروع شد و عهدنامه که در صلح منعقد شده و قراریکه دول متحابه عثمانی در حفظ حدود و ثغور و عدم مداخله دول دیگر بکار داخله عثمانی داده اند و شرطیکه دولت عثمانی نموده است که نسبت برعایای خود کلیةً علی الخصوص بعیسویان با شعه خود چه قسم رفتار کند و بعضی مسائل و مطالب دیگر که باز راجع بدولت عثمانی است اینها را مسئله شرقیه مینامند) و از اینجا که بنای نگارش اخبار ممالک برنیتیه[2] که در اسم آن

[illegible] بنابراینکه این مسئله تعلق کامل بعثمانی دارد بجای حرف عین نگاشته میشود

حروف تهجی است

(اسپانیول)

(اسپانیول) فوت دون ذکر یکی از فصحا و علما که در اینوقت سمت سفارت کبری را در پاریس داشت نارواویژ
که جلای وطن یافته بود اجازهٔ مراجعت یافت افتتاح راه آهن ازاران ژوا نبرتا نیلیک (المان) فوت ژنرال
رادووید سر اهالی شهر میلان ایطالیا که جزو اطریش است بتحریک مازینی بنای یاغیگری میگذارند یکی از اهل
مجارستان خیال قتل امپراطور را میکند بمهاجرین پیمن که در میلان بودند از طرف دولت اطریش کمال سختی میرسد
ویکتر امانوئل پادشاه ساردینی و پیمن از اینفقره بدول فرنگ شکایت میکند قطع مراوده و دوستی مابین اطریش
وسویس تاج سلطنت مجارستان و فرمن اثینن که یکی از ائمه علیسونا بسبب یاغیها مجار در سه سال قبل از این سرقت
نموده پنهان کرده بودند مکشوف میگردد و بدست دولت اطریش میافتد در مملکت ساکس عروسی پرنس آلبرت ولیعهد آن
دولت تفصیل قتل امپراطور اطریش از اینقرار است و این تفصیلی است که از روی روزنامهٔ معروف کازت دوین در
بیستم فوریه هزار و هشتصد و پنجاه و سه مسیحی نوشته شده است
اعلیحضرت امپراطور با وجود اینکه کنت اودنیل بالای دیوار شهر وین خم شده پایین میان خندق را تماشا میکردند که یکدسته
قشون در میان خندق مشغول مشق بود بعد از تماشای مشق امپراطور بالای همان دیوار دور قلعه مشغول گردش
شد شخصی از اهل مجار علی الغفله بیرون آمده با کارد ضربتی به پشت گردن امپراطور اطریش زد امپراطور شمشیر خود را کشید
که بقاتل بزند کنت اودنل اجودان خود را برده ضارب را بانداختن کارد را از دستش گرفته بر زمینش افکند جمعی رعیت که
از آنجا میگذشتند اجودان مزبور را کمک نموده قاتل را گرفتند امپراطور بدست خود دهنهٔ زخم را نگاه داشته بود
که خون زیاد از او نرود بعمارت رسید ولد آلبر که در آن حوالی بود امپراطور خود را با نجا رسانید بعد از آنکه قدری آرام
گرفت بکالسکه نشسته بقصر سلطنتی رفت و بعد از دو روز کلیةً بهبودی یافت اسم ضارب لیبنی بوده دولت اطریش
یکدسته قشون بسرحد عثمانی مامور میکند که حمایت منتنگرو و هرزکوینها را بنماید در حالتیکه عمر پاشا با منتنگرو
و هرزکوینی در جنگ است (انگلیس) کنت گرانویل بوزارت خارجه برقرار شد امتداد خط تلگرافی از
مملکت انگلیس به ایرلند و بلژیک از زیر دریا افتتاح اکسپوزیسیون بزرگی در دوبلن طایفه کافر که در سمت افریقا
با دولت انگلیس در جنگ بودند طالب صلح شدند کشتی جنگی بخاری که صد و سی توپ در آن بود باسم دوک دولنگتن
موسوم شد جنگ با برمان در کمال شدت و گرمی است افتتاح راه آهن هندوستان در بمبئی فوت گلبورن
که از طرف دولت انگلیس مامور بردن ناپلیون بجزیرهٔ سنت هلن بود و پیش فاتح سند (ایطالیا) سفر برادر
پادشاه دولت وین بپاریس و لندن جشن شورشی در تورن پای تخت و در آستا (بلژیک) دوک دوبرابان که
الحال لئوپلد دویم است بسن بلوغ عرفی که هیجده سال باشد رسیده با پدر خود پادشاه بلژیک سفری بر آلمان و
وین و ساکس نمود آرشی دوشس ماری دختر یکی از شاهزادههای بزرگ مجارستان را بحبالهٔ نکاح آورد پادشاه
بلژیک و پسر و عروسش بانگلیس سفر کردند (پرتوغال) دونا ماری ملکه پرتوغال در وضع حمل اولاد هشتم میمیرد
پسر بزرگ ملکه دون پدرو پنجم که شانزده سال دارد بجای مادر پادشاه میگردد (دانمارک) بواسطه نداشتن
اولاد ذکور پادشاه دانمارک ولایت عهد را ببرادرزادهٔ خود کریستین میدهد (روس) ضبط املاک و موقوفات
کلیساها که بر ضد دولت هستند افتتاح راه آهن از سنت پطرزبورغ الی ورشو بسط مملکت و فتوحات
در ترکستان فتح خیوه و فرار خان خیوه به بخارا فوت ارن ژد نویسندهٔ معروف (سوئد و نروج) وبای شدید
در نروج علی الخصوص در کریستیانیا پای تخت آن مملکت (سویس) جمهوری سویس رضا بقتدر در قبول

تکلیف

تکلیف بعضی دول مینماید که دونانمه روسیا تا آنمملکت را مانع شوند نسبت بسایر ملل و سلاطین خارجه بد
نویسند دونانمه را آنا دمید انتما زبرای هنگام لزوم بسبب هشتهزار قشون حاضر میکنند (عثمانی)
ابتدای مسئله شرقیه دولت روس دایالت سربستان محرک کشته اسلاو است بر ضد انکساندر والی آن
مملکت استعفا پرنس شیکا والی افلاق بغدان بواسطه بودن عساکر روس در آنمملکت اهالی قراداغ عثمانی بر
شورش انید ضد ونته دولت اطریش حمایت از آنها میکند سفیر مخصوصاً انوین باسلامبول بجهة تکلیف بعضی
مطالب که راجع بقراداغ است میرود دولت عثمانی قبول این تکالیف را مینماید دولت روس طالب آزادی [illegible]
تمام عیسویان تبعه دولت عثمانی است پرنس منچیکف دریادار روس مأمور باسلامبول و حامل نوشته مخفیست
برای سلطان عثمانی دولتین انگلیس و فرانسه بمحض اطلاع از این نوشته سخت دولت روس که تهدید بجنگ است سفاین
جنگی خود را بخلیج بزیکا که از آنجا باسلامبول سی و شش ساعت مسافت بیشتر نیست روانه میدارند پرنس گرتشاکف سردار روس
اردو و بخانه پروت که سرحد روس و عثمانی است تجاوز کرده تابستان امسال وارد خاک افلاق و بغدان میشود و در وین
پایتخت اطریش مجلس مشاوره دول که عبارت از کنفرانس باشد تشکیل مییابد سفرای کبار پروس و اطریش و فرانسه و
انگلیس در مسئله شرقیه گفتگو مینمایند لایحه بطور یادداشت از این مجلس نوشته میشود تکالیفی که در این لایحه ضبط
بود دولت روس قبول میکند اما دولت عثمانی رد مینماید کشتیهای جنگی فرانسه و انگلیس که جلب میانه عثمانی و روس را
قریب بفتح بغاز [illegible] باسلامبول میکنند قشون عثمانی بسرداری عمر پاشا از دانوب عبور کرده در حوالی
اولتنیتسا و ترکانی با قشون روس مقابل کرده آنها را شکست میدهد و در همان وقت شروع بمحاصره اناتولیا میشود
در بندر سینوپ یک قسمت عمده کشتیهای جنگی عثمانی را روسها شکسته غرق مینمایند در باب عیسویها که تبعه عثمانی بودند
و روس طالب بود و فی الواقع میخواست آنها را با این اسم در تحت حمایت خود در آورد در این وقت مملکت فرنگستان
عثمانی که سی کرور جمعیت شمرده میشدند بسبب دو کرور آنها عیسوی و باقی مسلمان یا ملل دیگر اند پرنس منچیکف دریا
بحریه روس قبل از ورود باسلامبول در سواستاپل بسبب هشت کشتی جنگی روس را ستان دید و مسئله عمده که اسباب
نفار شد و اعلان جنگ از طرفین کردند این بود که دولت عثمانی مصر بر این بود که قشون روس از افلاق بغدان
خارج شوند و دولت روس این فقره را نمیخواست قشون عثمانی در سمت اناتولیا چند شکست خوردند در سمت ازمیر
طایفه بتی قاطرچی بهای زدی و غارت گذاشتند عباس پاشا والی مصر بر ضد روس و همراهی دولت عثمانی است و غدغن
بلیغ نمود که حبوبات از مصر بخارج نبرند دول فرنگ بطلان این حکم را از عثمانی خواستند که بمحض تکلیف عباس پاشا
قبول نمود (فرانسه) مزاوجت اعلیحضرت امپراطور ناپلیون با اوژنی صبیه یکی از سرداران و بزرگان اسپانیا بواسطه
بدی حاصل امسال از اطراف بحکم اعلیحضرت ناپلیون غله زیادی بمملکت فرانسه آوردند سدی که در شربورک هفتاد
سال بود بنا کرده بودند تمام شد جزایر نوله کالدونی بتصرف فرانسه آمد فتوحات ژنرال بسکه و ژنرال
ماکماهون در الجزایر (هلاند) بنادر جزایر ملوک که از متصرفات هلاند است بتجارت جمیع دول باز میشود (یونان)
تلف بسخت دشهرت میشود امریکا (اتاژونی) رئیس تازه جمهوری ژنرال پیرس بمسند [illegible] و وسعت مملکت و
آبادی است نقار جمهوری اتازونی با دولت اطریش بجهت حبس یکنفر از تبعه اتازونی اکسپدیسیون عمومی در نیورک
(مکزیک) آرپیستا رئیس جمهوری اضطراراً استعفا نمود از مکزیک خارج میشود سانتاانا بجای او منصوب و
قوانین جدیده ایجاد میکند و قشون را منظم میسازد و تمنای این را از ملت دارد که مادام العمر رئیس بوده ولیعهد

کرباید

که باید بعد از فوتش جای او باشد خود معین کند

سنه ۱۲۷۱ هجری — سنه ۱۸۵۴ مسیحی

آسیا (ایران) چون خاطر همایون پادشاهانه همواره متوجه آسایش عموم اهالی کشور و لشکر است بعد از فتح کلات مقرر فرمودند سیورسات قشون ساخلوی آنجا را در سه نقطه برسانند که همیشه آذوقه پنج ششماهه حاضر داشته باشند و با اهالی کلات نیز کمال مرحمت مبذول افتاد درین سفر بلدان و رؤسای تراکمه سرخس از طایفه آقتمش و تقمش که هر طایفه دوازده تیره و هر تیره هزار خانوار اند بخدمت نواب فرمانفرما حکمران خراسان آمده اظهار انقیاد و استدعای خدمتگذاری نمایند و لشکر علیه را بجوده قرار و مدار دیگر باید داده راه اطاعت بپیمایند قلعهٔ دو برج زنهاوند را تعمیر کردند نواب سیف الله میرزا بحکمرانی قزوین برقرار گردید شب عید مولود همایون همه جای ممالک محروسه جشن گرفتند و سلام عام در تالار تخت مرمر انعقاد یافت نواب مصطفی قلیمیرزا حکمران مازندران مرحوم و نواب احمد میرزا بحکومت مازندران و خلعت همایون سرافراز شد و میرزا اسدالله مستوفی بوزارت مازندران برقرار و مخلع گردید مهر علیخان سرتیپ افواج فارسی را بلقب شجاع الملکی و خلعت همایون مفتخر و جمیع قشون فارسی را بابوجمع مشار الیه فرمودند میرزا عبدالرحیم اجودان وزارت خارجه بمنصب نیابت اول سفارت دولت علیه مقیم اسلامبول و لقب خانی سرافراز و مخلع و روانه محل ماموریت شد میرزا حسینخان (سپهسالار اعظم مرحوم) کارپرداز سابق بمبئی بمنصب جنرال قونسولی مامور تفلیس و باعطای جبه ترمه از ملابس خاصه سرافراز شد سیف الله خان شاهسون مرحوم شد و سرکردگی سواره شاهسون را ببرادر او لطف الله خان مرحمت فرمودند و برادر کوچکتر آن مرحوم هدایت الله خان بمنصب ایلبیگی گری طایفه مزبوره برقرار گشت جناب جلی ملا اسدالله معروف بحجة الاسلام از علمای معتبر بروجرد بمرض مطبقه بجوار رحمت الهی پیوست در حوض سلطان که آب کم بود بحکم جناب صدر اعظم اسطخرهای آب ساختند عمارات دیوانی اصفهان را تعمیر نمودند نواب فریدون میرزا فرمانفرما بعد از نظم سرحدات و جوین و خبوشان و کلات بطرف آخال رفته که آنجا را هم نظم دهد درین بین حسنخان یاور توپخانه بمنصب سرهنگی توپخانه مبارکه سرافراز گردید حیدر علیخان سرهنگ که در سفر خراسان خدمات کرده بنیابت اول اجودانباشی سرافراز و مامور آذربایجان شد شنبه چهارم ماه ربیع الاول بندگان اعلیحضرت شاهنشاهی تشریف فرمای مدرسه دار الفنون گردیده متعلمین را پس از امتحان مفصلی نفراً نفر بترتیبات اعطای خلعت و انعام بامواجب و نشان فرمودند و محمدخان میرپنجه که در تربیت شاگردان مدرسه مراقبت کرده بود بیکطوب کلیجه ترمه تن پوش مبارک سرافراز گردید و رضاقلیخان ناظم مدرسه نیز بخلعت همایون مفتخر گشت گنبد مطهر حضرت امامزاده عبدالعظیم علیه السلام را حسب الامر تعمیر و طلا کردند نواب فریدون میرزا فرمانفرمای خراسان که بطرف آخال و نظم آنحدود رفته بودند ترکانان اتک نشین با بعضی از سپاه منصور دوچار و پس از قدری محاربه منهزم و فرار کرده نواب والا جمیع اماکن و قلاع آنها را که سی و شش قلعه بود منهدم و خراب و تمام آذوقه و اسباب و تر و خشک آنها را نیز با تش قهر می سوزانند و بنا بر اهتمامات نواب معظم در نظم آن صفحات یکطوب قبای ترمه تن پوش مبارک و یکقبضه کارد دسته مرصع مکلل بالماس از جانب سنی الجوانب همایون برای نواب معظم انفاذ و ملتزمین خدمت و همراهان فرمانفرما را نیز بعواطف و خلاع فاخره و امتیازات دولتی سرافراز نمودند جناب حاجی میرزا باقر مجتهد و امام جمعه تبریز مرحوم شد در این اوقات قافله که از هرات بمشهد مقدس میآمده گرفتار محمد شیخ و اسیر شده اند و خبر بصید محمد خان ظهیر الدوله رسیده جمعیتی را باستخلاص آن قافله فرستاده سواره جامی و خواف و هزاره با امداد جمعیت هرات رفته با همراهان شیخ محمد جدال

نموده

نموده برخی را مقتول و بسیاری را منهزم و اُسرا را خلاص نموده فرار ایشان را اغتنام کردند چون اسرا و گوسفندانی که از تراکمه
پس گرفته شد متعلق برعایای دولت علیه بودند نواب فرمانفرما و وزیر نظام بسپهسالار محمدخان نوشته بودند که غنائم را با
سواره همراهان اسرا و گوسفندان را رد نمایند و چنین کردند محمد علیخان بختیاری چهارلنگ که مدتی بود مصدر شرارت
شده و در قلعه که از قلاع محکم است متحصن گردیده امیرزاده ابراهیم میرزا برای دفع او استعدادی فراهم آورده و بر سر
قلعه او رفته پس از سه چهار روز کوشش و محاربه قلعه را مسخر کرده و محمد علیخان نیمه شبی فراری و متواری شد و امیرزاده
را بپاداش این خدمت از طرف دولت بیکثوب جبه ترمه مخلع فرمودند محمد ولیخان بیگلربیگی حکمران استراباد بیک قبضه
شمشیر یراق طلا کمر مرصع سرافراز شد جعفر آقای کلاتی که بعد از فتح کلات فرار بجنوه کرده بود بقرایاب سنافه
با هزار سوار قرائی بقصد گرفتن کلات می آیند سربازان و قراولان خبر شده بنای تشلیک را میگذارند و میرابراهیمخان
سرتیپ را مطلع نموده معزی الیه سه دسته سرباز بکمک سربازان مزبور فرستاده بعد از پنج شش ساعت جنگ و نبرد با آنکه شب
بوده شکست فاحشی بسواره قرائی داده همه را مقهور و متفرق مینمایند پل خواجوی اصفهان را تعمیر کردند ایالات
مازندران و استراباد را بمیر علی اکبرخان دریابیگی و میر عبدالصمدخان سپرده و مشار الیهما را مخلع فرمودند میرزا
حسنخان نایب الحکومه عراق دکاکین شهر سلطان آباد و باغات و عمارات دیوانی را مرمت و تعمیر و غرس اشجار کرده
و از بلاد دیگر از هر قبیل ارباب صنایع باین شهر آورده سکنی داد محمد حسنخان سردار حکمران یزد و کرمان در قلع و قمع و قتل
و اسر اشرار بلوچ که بقصد تاخت و تاز و دستبرد ببعضی از حدود کرمان آمده بودند شرط خدمت بجای آورد عیسی خان
والی حکمران گیلان بیک قبضه کارد دسته مرصع و یکثوب کلیجه ترمه تن پوش مبارک مخلع و برای معزی الیه فرستاده شد
منصب تحویلداری توپخانه با یکثوب جبه ترمه کرمانی بحاجی میرزا موسی خان مرحمت شد در ازای خدمات بندر عباس
یکقطعه نشان سرتیپی اول با حمایل سرخ و یکثوب جبه ترمه بامیرزاده عبدالباقی میرزا ولد نواب مؤید الدوله و یک
قطعه نشان میرپنجی و یکثوب جبه ترمه بعبدالله خان صارم الدوله مرحمت شد همچنین بسایر صاحبمنصبان بندر مراحم
و امتیازات گردید بنظر بخدمات نمایان رضا قلیخان سرهنگ عرب فوج عرب در فتح بندر عباس او را بمنصب سرتیپی
سرافراز فرمودند محمد ابراهیمخان سرتیپ افواج اصفهان بخدمت اخذ امیر احمدخان اوزی که از جمله اشرار فارس بود
و مخرب قلعه او بیکثوب جبه ترمه خلعت همایون سرافراز گردید لطفعلیخان سرتیپ قشقائی در ازای دفع شر قبادخان
قشقائی که از سارقین و اشرار بوده نیز بیکثوب جبه ترمه مخلع گردید نواب جهانسوز میرزا بمنصب سرتیپی دو فوج ترک
و عجم و خلعت همایون نایل گردید هم در این اوقات محاربه قشون ظفر نمون با محمد امین خان خان خیوه و کشته شدن او
اتفاق افتاد این تفصیل خوانین و حکام مملکت خوارزم که شهر معتبر و مشهور حال آن خیوه است از عهد قدیم
همیشه در سلسله اطاعت و انقیاد سلاطین ایران بودند و اگر وقتی سرکشی و خودسری مینمودند از طرف سلاطین
ایران تنبیه و گوشمالی میدیدند در عهد شاهنشاه مبرور ماضی محمد شاه غازی انار الله برهانه که حکومت بمحمد امین
خان رسید بواسطه بی اعتنائی امنای دولت تمرد از خدمت نموده سهل است پس از چندی بخیال تصرف مرو که رعیت
مخصوص ایران است افتاده و هر بهار و هر سال یکمرتبه بمرو آمده باسم زکات چیزی میگرفت تا در اوایل این دولت قوی
شوکت باز برای اخذ زکات بمرو لشکر کشید نواب حسام السلطنه که در آنوقت فرمانفرمای خراسان بودند افواج
قاهره را فرستاده او را شکست فاحش و دفع دادند این اوقات محمد امین خان با چهل هزار نفر قشون اوزبکیه و یموت
و ترکمان جمع کرده برای تسخیر مرو آمد نواب فرمانفرما هم که بنیابت از این واقعه مطلع و قشون ساخلو خراسان را

مستعد دفاع او فرموده بودند بعضی از قشون ظفرنمون را از پیش بطرف سرخس حرکت داده خودشان نیز از عقب حرکت
کردند خان خیوق که مطلع شد پیش دستی کرده بر سر سرخس آمد بعد از چند روز محاربه با سرخسی و سپاه ظفر همراه
آخر عساکر دولت فایق آمده قشون محمد امین خان خان خیوه را منهزم کرده و باکمال جلادت سر بر خود او یافته
او را با سی و دو نفر از بنی اعمام و محارم و خواص بقتل آوردند و آنچه بتحقیق پیوسته دویست و هفتاد نفر از صاحب
منصبان خان خیوق کشته شده بودند شب سیزدهم رجب که شب عید مولود مسعود حضرت امیر المؤمنین علی بن ابیطالب
سلام الله علیه بود خبر قتل خان خیوه بدار الخلافه باهره رسید و شب پانزدهم رضا قلیخان با سرها وارد گردید روز شنبه
نوزدهم در سلام عام بعرض خاکپای همایون رسانیدند ذات ملکوتی صفات مقدس پاس حرمت ماتم اهل دخان خیوه را بسبل الهین
بانتمکین ایران و مرتبت زادگی او را منظور فرموده اختصاص سر او و کسان او را بحضور همایون اجازه ندادند و امر فرمودند
آنها را باکمال احترام تغسیل و تکفین نمایند و در جائی مناسب دفن کنند نواب احتشام الدوله خانلر میرزا بپاداش خدمت
بستن سدّ ناصری در خوزستان بیک ثوب جبه ترمه شمسه مرصع از جانب سنی الجوانب مفتخر گردید بنا بر عرایض آنکه بخلاف شط
العرب میر بیده شده را آورده حاجب الدوله و الیه معول کرده تغیر و تنزل آلات کردن کسنر سطهر امامزاده عبد العظیم علیه السلام
مساعی اینه نموده بود و مراحم مخصوصه گردید و بیست سر و شصت نفر اسیر و دو عراده توپ و یکعراده خمپاره
که بتفنگ فتح قشون کرمانی در بند رعباس بود بدار الخلافه آوردند در این اوان محض مزید نظم و انتظام امور قشون
و استقلال امر را دستخطی بقلم معجز رقم همایون خطاب بجناب صدر اعظم شرف صدور یافت
چهارشنبه دوم رجب یکساعت و چهار دقیقه از طلوع آفتاب گذشته تحویل آفتاب بحمل و ابتدای سال خیریت مآل توشقان
ئیل شد و سلام خاص در عمارت کلاه فرنگی و سلام عام در تخت مرمر تشکیل یافت نواب علیقلی میرزا اعتضاد السلطنه
بیک قطعه کرکر مکلل بالماس مفتخر گردیدند میرزا فضل الله وزیر نظام مستوفی باشی و پیشکار خراسان چهار زوج در
نقره که هر یک نه و نیم ذرع طول و یکذرع و سه چارک عرض داشته باطراف حرم محترم رضوی شرفها الله تعالی مزین
بنام همایون تمام و نصب نمود جناب مسیو انیچکاف شارژ دافر دولت روس مقیم دار الخلافه بیک قطعه نشان دو و
الماس مصور بتمثال بی مثال همایون سرافراز گردید در این اوقات که فوت مرحوم امپراطور روس نیکلا و جلوس
اعلیحضرت الکساندر دویم ولیعهد دولت مشار الیها اتفاق افتاد اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بتوسط میرزا
محمد حسین عضد الملک جناب مسیو انیچکاف شارژ دافر دولت روس صاحب منصبان سفارت را دعوت بحضور
مهر ظهور مبارک فرموده بعد از اظهار تأسف زیاد از وفات مرحوم اعلیحضرت امپراطور و تهنیت جلوس اعلیحضرت
امپراطور الکساندر بر سریر سلطنت ممالک روس بلفظ گوهر نثار ادا فرموده و پس از تفقدات نمایان اجزای
سفارت را اجازه انصراف دادند نظر بخدمات میرزا محمد صادق قایم مقام بیکجام آئینه بتمثال همایون که بزرگترین
اسباب مفاخرت است معزی الیه را مفتخر فرمودند محمد حسنخان سردار در سمت دروازه ارک و شهر کرمان تازه
باغی موسوم بباغ ناصریه احداث نمود میرزا شفیع نویسرکانی بوزارت کرمان رفت پل رودخانه قزل اوزن را
که از خاک کروس میگذرد چون خراب بود در کمال استحکام ساختند دکتر پولاک نمسوی که از تحویل اطبا است در
سلک چاکران دربار منسلک گردید حاجی محمد حسین جبه دار باشی مرحوم شد و میرزا نصرالله ولد مشار الیه جبه دار
باشی و مخلع گردید فوج جدید حسب الامر از شقاقی گرفته شد چهار صد دست اسباب توپ یکستی سوای اسباب توپ
کشی سابق گرد را انبار بود حسب الامر دوخته تسلیم انبار قورخانه کردند جناب چارلس الکسن مری وزیر مختار ایلچی

مخصوص دولت انکلیس که مامور باقامت در دربار دولت علیه بود وارد دار الخلافه و شرفیاب حضور مبارک شد
در اواخر ماه جمادی الثانیه شش جهاز تجارتی و چند بکاره در بندر لنکه بواسطه وزیدن باد قوی و طوفان
شدید شکسته و غرق شده و تقریبا دویست هزار تومان بتجار خسارت وارد آمد میرزا محمد صادق قایم مقام بیک
قطعه نشان تمثال همایون مکلل بالماس مفتخر و مرخص شده بآذربایجان معاودت کرد میرزا صادقخان ولد مشیر
الدوله بسرهنگی فوج جدید شقاقی و خلعت همایون سرافراز کردید سرهنگی فوج اردبیل و مشکین بحسنعلیخان
پیشخدمت خاصه مرحمت و مرخص شده بآذربایجان رفت پل آق دربند را در کمال استحکام ساختند عمارت هزارجریب
اصفهان را تعمیر نمودند باستدعای میرزا محمد صادق قایم مقام بعضی از چاکران بحکومت جزو آذربایجان و مناصب نظامی نایل
کردیدند میرزا محمدخان سرکشیکچی باشی غلامان سرکاری ابواجمعی خود را سان داده باعطای یکثوب کلیجه ترمه تن پوش
مفتخر کردید و بیست تومان بر مواجب محمد اسمعیل خان چاپارچی باشی افزودند نظر بخدمات جناب نظام الملک در انتظام
دستور العمل سال نو حکام و ولایات یکرشته شرابه مروارید مرصع آویزه زمرد بمعزی الیه مرحمت شد میرزا رحیم پیشخدمت
محصل کل محاسبات بیکقطعه نشان از مرتبه اول سرهنگی و خلعت همایون نایل شد میرزا فتح الله لشکرنویس باشی را
باعطای یکهزار تومان اضافه مواجب و کلیجه ترمه تن پوش مبارک سرافراز فرمودند کل محمدخان از اشرار و متمردین
بلوچ ستبکر قلعه ابرندجان کرمان که مأمن و حصن او بود مستخر شد نواب والا عبد الصمد میرزا (عز الدوله) بحکومت قزوین
برقرار و حاجی حسینعلیخان خوئی اجودانباشی سابق بوزارت نواب معظم منصوب شد حکومت ملایر و تویسرکان را
بنواب سیف الله میرزا مرحمت فرمودند عیسی خان والی کیلان بیکقطعه نشان تمثال همایون و یکثوب جبه ترمه مفتخر
کردید محمد علیخان جوانشیر سرتیپ فوج اول خاصه مجاورت عتبات عالیات اختیار کرده محمد قلیخان سرهنگ جوانشیر برادر
او بمنصب سرتیپی فوج مزبور سرافراز کردید خانلرخان ولد کلبعلیخان افشار بمنصب سرهنگی فوج اخلاص افشار
منصوب کردید چشمهای حبیب قلیخان سرهنگ فوج کرندی بسبب امراض مزمنه نابینا شده منصب سرهنگی او را بملک
نیازخان ولد مشار الیه مرحمت فرمودند محمودخان سرتیپ مصلحت کذار دست بطرزبورغ (جناب ناصر الملک)
بلقب جنابی مفتخر کردید قشون ظفر نمون که در اینسال حمزه آل محمد را در فتح بندر عباس خدمت کرده بودند هریک
از سرکرده و صاحبمنصب بفراخور استحقاق بمنصبی و عطائی نایل شدند چون ده دوازده هزار خانوار از اشرار ترکمه
و اویماقات تکه و صفحات در قراباب جمع شده و در آن حول و حوش بلکه کاهی در بعضی ولایات خراسان تاخت و تاز
میکردند نواب فریدون میرزا فرمانفرما بقصد تنبیه آنها بر سر قراپاپاق که اشرار مزبور در آنجا استغناقی برای خود
قرار داده بودند رفته اشرار چون در خود تاب مقاومت ندیدند از در استیمان در آمده نواب فرمانفرما آنها را از
قتل و نهب امان داده حکم بتخریب قلعه و کوچانیدن آنها بمواطن خود دادند و هشتاد خانوار با خانم و کوچ از معتبرین
مرو کرفته خانوار سلطان هزاره را در آنجا بحکومت منصوب کرده بمشهد مقدس معاودت نمودند و از
جانب سنی الجوانب همایون نواب فرمانفرما و هریک از صاحبمنصبان که در رکاب والا بودند علی قدر مراتبهم
مورد مرحمت و نشان و منصب و خلعت کردیدند سیم شعبان در دشتستان تکرک شدیدی که هر دانه بقدر تخم مرغ
بوده آمده و تقریبا بیست نفر از اهالی آنجا و بسیاری از دواب و اغنام را تلف نمود دوم شعبان در شیراز
برق بخانه صفر سلطان فوج شیرازی زده یکنفر چاروادار و راس اسب را هلاک نموده خانه را هم خراب کرد نواب
مؤید الدوله حکمران فارس یکفوج از کرمسیر فارس بسرهنگی باقرخان تنکستانی کرفته به بندر عباس فرستادند

که با فوج عرب ابو اججی رضا قلیخان سرتیپ ساخلو بندرعباس باشند جناب ژنرال بر سیلف که از جانب اعلیحضرت امپراطور دولت روس با نامه مودت ختامه اعلان جلوس اعلیحضرت امپراطور بتخت سلطنت مامور دارالخلافه بود بهمراهی بارون لیمه پولکوینک که او نیز از طرف جناب مرادیف جانشین ممالک قفقاز با مراسله مخالصت بدارالخلافه باهره و دربار همایون آمده بود باتفاق اجرای سفارت و نامه مودت ختامه بحضور باهر النور مبارک مشرف و مورد تفقدات خاصه شاهنشاهی گردیدند نواب حشمة الدوله بحکمرانی اصفهان و خلعت همایون مفتخر و میرزا نبی گیلانی بر پیشکاری اصفهان کما فی السابق برقرار و مخلع گردیدند اخذ عرایض سواری بعباسخان سرتیپ که از امنای دیوانخانه و در رکاب مبارک سوار میشود رجوع شد عباسقلیخان پسیان بحکومت شاهرود و بسطام مامور گردید محمد حسنخان بحکومت کاشان رفت شیخ فارس خان حاکم محمره مخلع و برادرش شیخ حاکم خان بیکقبضه شمشیر مرغلاف و کمر طلا نایل گردید سیف الملک عباسقلیخان بعد از عطای القاب و نشان و حمایل میرپنجی و خلعت و شمشیر و کمر مرصع و دیگر مرحمتهای شایان از جانب سنی الجوانب همایون با نامه مهر علامه برای تعزیت فوت مرحوم امپراطور نیکلاویچ و تبریک و تهنیت جلوس اعلیحضرت الکساندر سیم امپراطور کل ممالک روسیه بسمت ایلچی کبیری گردید با روسیه رفت و ناصرخان کارپرداز سابق تفلیس بمستشاری این سفارت کبری نایل گردید جناب مسیو باره وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت فرانسه که مامور سفارت دربار دولت علیه ایران بود به بندر بوشهر وارد و از آنجا باتفاق مهماندار مخصوص دولتی بدارالخلافه باهره آمده با اجرای سفارت و نامه مودت ختامه اعلیحضرت امپراطور شرفیاب حضور مهر ظهور مقدس گردید میرزا زاده عبد الباقی میرزا حاکم بندرعباس بمنصب سرتیپی و خلعت همایون سرافراز گردید علیقلیخان میرپنج در ازای خدمات سفر خراسان با عطای نشان و حمایل از درجه اول میرپنجی و خلعت همایون مفتخر گشت فوج بندپی جمعی نصر الله خان سرهنگ ساخلو اصفهان و فوج مخبر قاپوی قراجه داغی جمعی محمد علیخان سرتیپ مامور ساخلو فارس گردیدند یازده عراده توپ با قورخانه به بندر بوشهر بردند و چهار عراده توپ با قورخانه نیز بعربستان مامور گشت کلب حسینخان نایب اول اجودانباشی بسرتیپی قورخانه و خلعت همایون سرافراز گردید محمد ناصرخان که بسمت مستشاری سفارت کبری مامور سنت پطرزبورغ و نیز برتبه مصلحت گذاری مامور توقف در پطرزبورغ شده بود بیکقطعه نشان سرتیپی اول با حمایل سرخ سرافراز و عازم محل ماموریت گردید بابابیک افشار و رضا بیک یاوران توپخانه مبارکه بمنصب سرهنگی توپخانه سرافراز گردیدند میرزا ناصرخان حاکم سراب و گرمرود حکومت خلخال یافت جناب ژنرال بر وسیلوف ایلچی دولت روس معاودت بروس کرد فتحعلی بیک نایب اجودانباشی بسرهنگی فوج نیشابور و لقب خانی و کریمخان سرهنگ فوج نصاری نیز بسرهنگی فوج تبریز و خلعت همایون سرافراز گردیدند حاجی شکرالله بیک یاور توپخانه بمنصب سرهنگی توپخانه و خلعت همایون نایل گشت و [illegible] سردار کهندلخان حکمران قندهار با عریضه و پیشکش بدربار همایون رسیدند روز عید اضحی در قریه انجه که متعلق بجناب صدراعظم است سلام عام در حضور اقدس همایون شاهنشاهی دام ملکه منعقد شد میرزا علی اکبر اجودانباشی توپخانه بتحویلداری کل توپخانه و اصطبل توپخانه و صد تومان اضافه مواجب نایل گردید دیوار حصار بوشهر را که در سمت دریا است با کمال متانت ساختند و جزیره خارک فارس را مرمت کامل نموده و ساخلو معتبر و استعداد حربی کافی در آنجا گذاشتند محمد حسنخان سرتیپ حکمران یزد و کرمان در ماه ذی حجه مرحوم شد (چین) باغیها که برضد دولت بودند در صدد رسانیدن صدمه بقونسولخانه فرانسه کرده

شانکاه

شانکائی است میشوند و باین واسطه عساکر فرانسه با قشون دولتی شریک شده با عنهارا از شانکائی خارج کرده شهر را متصرف کارگذاران چینی میدهند اهالی کانتون که نیز یاغی شده بودند تسلیم دولت چین شدند اروپا (اسپانیا) تولد دختری از ملکه اسپانیا و فوت او بفاصله سه روز اخراج ملک نمودن اغلب از سرداران قشون را بی نتیجه دولت بشدت دو هزار سوار یکه متوقف پای تخت بودند شورید بیکی از سردارانیکه اخراج شده بودند میپیوندند شورش در اغلب بلاد سردارها را که اخراج کرده بودند معاودت دادند ملکه را شورشیان خلع و طرد دادند و در حرکت او از مادرید پای تخت شورش نبادی در شهر دیگر دبروز و بادر بعضی از شهرها شورش مختصری در مادرید بر ضد دولت شدت و باد رجنوب این مملکت فوت نکارلس (المان) ازدواج اعلیحضرت امپراطور اطریش با البزابت از ایجب بجای با و بروز جنگ مملکت پروس اتحاد دولت خود را با روس مصلحت ندانسته از وزارت معزول میشود فوت فردریک اگوست چهارم پادشاه ساکس بواسطه زمین خوردن از اسب سلطنت ثان برادر پادشاه بجای او افتتاح اکسپوزیسیون صنایع در منیک پای تخت باویر در آخرا بتسال اعلیحضرت امپراطور اطریش را دختری متولد شد ابتدای راه آهن از مملکت بوهم بجاب شتابتوسط کمپانی فرانسوی (انکلیس) فرستادن یکدسته کشتی جنگی معتبر بدریای بالتیک بسرداری امیرال نپیه اجزای مجلس پارلمنت قبول نمیکنند که از طایفه یهود جزو وکلای ملت بشوند مراجعت کاپیتن ماکلور که راهی بد و محیط در سمت شمال و مغرب ینکی دنیا انکشاف کرده بود فوت دکتر بارث و ادنلنتن دو مسافریکه در وسط افریقا سفر کرده و انکشاف تازه نموده بودند (ایطالیا) در ایالت پادم والی آنجا اکه موسوبه دوک دپارم بود مقتول نمودند و زوجه او که خواهر کنت شامبر د است طفل شش ساله خود را والی نموده و خود نیابت سلطنت را اختیار میکند تا کبیر شدن او بروز و باد رژن و سبن (ساردین از ایطالیا) فوت مادر و زن پادشاه بفاصله ده روز و دوک دژن برادر پادشاه بفاصله پانزده روز از سایر فوت ژنرال الکساندر مارمارا سردار در سوستاپول بمرض و با (ناپل از ایطالیا) بروز و با و قحطی و دزدی و شرارت و راه زنی بعلاوه نعکدولتی بر تعیت در روم انطونلی صدر اعظم را میخواهند هلاک سازند اگرچه پادشاه ناپل کاملا بی طرفداری در جنگ روس و سایر دول متحده منظور کرده اما چون باطنا طرفدار دولت روس است دولت فرانسه و انگلیس کمال نارضامندی را دارند (پرتوغال) پادشاه جوان این مملکت بسیاحت فرنک میرود و در مراجعت چون بسن بلوغ رسیده است خود بدون قیم باموری سلطنتی رسیدگی مینماید (بلژیک) شورش مردم در تمام مملکت بجهة گرانی ماکولات علی الخصوص گندم اهالی پای تخت هم در شورش اند مسافرت ولیعهد و زوجه او با طریش و بعد ها ولیعهد تمام فرنگستان را سیاحت میکند تا مصر میرود (دانمارک) عموی پادشاه پرنس فردیناند که هم ولیعهد دولت است مغضوب میگردد (روس) فوت اعلیحضرت امپراطور نیکلا بعد از قلیل مدتی مرض در ماه حوت این سال ولد ارشد مرحوم امپراطور الکساندر دویم که ولیعهد بودند قبل از جلوس بر سریر سلطنت وعده اجرای خیالات پطر کبیر و سلاطین عظیم الشان روس را الی زمان سلطنت والد ماجد خود میدهند امر باحضار قشون زیاد از ممالک روس میشود هزار هزار نفر از نفوس دوازده نفر مرد باید بار دوها بفرستند تمام راه آهن روس در اینسال بنیاد از هزار و چهل و پنجهزار ذرع شده بود (عثمانی) فرمان اعلیحضرت سلطان عثمانی که بایدعیسویها هم جزو قشون و سایر ادارات مشغول خدمت باشند دولت عثمانی قبول خیال مسیو لسپس فرانسوی را در حفر مجمع البحرین سوئز نموده و اجازه اینکار را میدهد احمد پاشا والی تونس فوت میشود (مسئله شرقیه) کشتیهای جنگی

فرانسه و انکلیس در اوایل زمستان وارد قرادنکز میشود در سرحد دانوب عثمانیها بقشون روس حمله میبرند نوشته
شده بود امر انکلیس و فرانسه بروس که حتما افلاق بغدان را خالی نموده بتصرف عثمانی بدهد اعلان جنگ اعلیحضرت
امپراطور روس بجمیع ممالک خود اظهار بیطرفی دولت ایران و دول سود و دانمارک در این جنگ نوشتجات مخفی که
مابین روس و انکلیس در باب تقسیم ممالک عثمانی مبادله شده بود انکلیس آن نوشتجات را بطبع رسانیده منتشر میکند
عهدنامه مابین عثمانی از یکطرف و دول فرانسه و انکلیس از یکطرف که دولت عثمانی متعهد میشود برعایای عیسوی خود
رفاهیت منظور دارد و رفع ظلم و تعدی از آنها کند و ایجاد قانونی در ممالک عثمانی شود که همه تبعه او امن و آسوده
باشند قطع مراوده عثمانی با یونان ورود یکدسته قشون فرانسه به پیره بندر یونان فرستادن ماموری از طرف
شامیل داغستانی باسلامبول قشون روس با کمال تسلط در افلاق بغدان زیست میکنند در محاصره قلعه سلیستری
شکست بقشون روس وارد میاید ژنرال پسکویج سردار روس کاری از پیش نبرده ژنرال کورچاکف در این سمت
دانوب بجای او بسرداری مامور میشود قشون فرانسه و انکلیس که در وارنا متوقف بودند وبای سختی باردوی
آنها افتاده آنها را متفرق مینماید لرد لکران سردار انکلیس و مارشال سنت آرنو سردار قشون فرانسه و انکلیس
هستند قشون روس بعد از مهاجرت از افلاق بغدان بمیل دول متحابه و انصاف دولت عثمانی یکدسته قشون دولت اطریش
موقتا در آنجا متوقف میشوند شکست عثمانی در بایزید و قارص تکلیف صلح مابین روس و عثمانی بوساطت دولت اطریش
قبول نکردن اعلیحضرت امپراطور روس تکالیف صلح را ورود پنجاه هزار قشون فرانسه و انکلیس در اواخر تابستان بقرم
فتوحات قشون فرانسه در کنار رودخانه الماکه با پنجاه هزار قشون روس جنگیده فتح کردند سردار قشون روس پرنس
منچیکف است فوت مارشال سنت آرنو سردار قشون فرانسه از مرض و با نصب ژنرال کانروبر بجای او جنگ در بالاکلاوا
قتل زیاد سواره انکلیس که با قشون عثمانی متفقا میجنگیدند دو پسر اعلیحضرت امپراطور روس کراندوک میشل و کراندوک
نیکلا با قشون تازه که منچیکف رفته آورده بود در اینکرمان با عساکر انکلیس و فرانسه در کمال سختی جنگ میکنند
فتح قشون فرانسه و انکلیس و شکست روس طوفان سختی در دریا و بیم غرق شدن سفاین جنگی فرانسه و انکلیس دولت
پروس هم باطنا با دول فرانسه و انکلیس و اطریش که برضد روس اند موافقت میکند کشتیهای جنگی انکلیس قلعه
سختی بارسوند را که متعلق بروس و در جزیره آلاند در دریای بالتیک واقع است با کمال سختی با گلوله توپ و نارنجک
ویران میسازد استحکامات سواستاپل بواسطه تعلیمات تتلوبن مهندس روس بقدری سخت است که حملههای دو پی
عساکر فرانسه و انکلیس رد شده بیفایده میگردد انعقاد مجلس کونفرانس در وین دولت روس میخواهد داخل این مجلس شود
اما دولت اطریش قبول نکرده میگوید چون عساکر خود را برضد روس با ما حاضر نکرده حق ورود را باین مجلس ندارد
دولت ساردینی پانزده هزار نفر از عساکر خود را بجنگ روس و بکمک عساکر فرانسه و انکلیس میفرستند فوت مرحوم
امپراطور نیکلا که در ماه حوت اتفاق افتاده بهیچوجه وضع جنگ را تغییر نمیدهد عمر پاشا سردار عثمانی از طرف
دولت خود بکمک عساکر متحده وارد سواستاپل میگردد در کونفرانس وین دولت اطریش که مقصود انعقاد مقدمات
صلح مابین دولتین روس و عثمانی بود بواسطه عدم قبول دولت روس که در قرادنکز سفاین جنگی نداشته باشد
کونفرانس وین هیچ ثمری نکردید دولت اطریش یکصد هزار قشون ذخیره که حاضر کرده بود مرخص میکند و وضع
خود را در انظار ابدی جلوه میدهد که در مسئله شرقیه نمیخواهد مداخله بکند ژنرال پلیسیر سپهسالار کل
عساکر فرانسه شده وارد سواستاپل میگردد دخول سفینه جنگی فرانسه و انکلیس بدریای آزوف و ورود میکنند فتوحات

نمایان

نمایان از آنها معروف میشود در اوایل تابستان کار محاصره سواستاپل بجائی رسید که بیشتر نقاطیکه در تصرف عساکر
دول متحده است خیلی نزدیک بقلعه و بجهة یورش مساعد است لورد راکلان سپهسالار انکلیس مریض و با کمال شدت در گذشت
فوت طپشو
در سواستاپل فتح قلعه معروف بمالاکوف بواسطه عساکر فرانسه بسرداری ژنرال بوسکه و ژنرال ماکماهون کرد و
فتح سواستاپل از همان شد در اوایل پائیز ژنرال کورچاکف سردار روس بعضی از سفاین جنگی دولت خود را بواسطه اینکه
مبادا بتصرف دشمن در آید غرق مینماید ژنرال پلیسیر سردار فرانسه بمنصب مارشالی میرسد قلعه جات و سنگرها
و استحکامات که در سواستاپل بود تماماً معدوم و با زمین مساوی گشت در کامشاتکا یکی از قلعه جات روس را
سفاین جنگی انکلیس و فرانسه خراب میکنند و تا دهنه رود آمور میتازند در مملکت فنلاند متعلق بروس قلعه را بضرب
نارنجک متصرف میکردند امپراطور جدید روس اعلیحضرت الکساندر دویم به نیکلایف میآید زمستان بسیار سخت
امسال بجهة عساکر دول متحده اسباب کمال زحمت است فوت امیرال فرانسه برواد در دریا از مرض وبا موراویف
سردار روس قلعه قارص را که مهندسین انکلیس محکم ساخته اند محاصره نمود مأموریت عمر پاشا بطرف باش آچق فتح قارص
در اوایل زمستان بدست سردار روس اتحاد دولت سوئد و نروژ با دول انکلیس و فرانسه (فرانسه) بجهة مصارف
جنگ دولت فرانسه معادل پنجاه کرور تومان پول ایران استقراض میکند و ملت زیاده از صد کرور تومان حاضر میکنند
مالیات دولت که عاید خزانه شده است سیصد و بیست کرور تومان پول ایران است مخارج دولت که وکلا معین کرده اند
که باید از آن قرار باشد سیصد و دوازده کرور و کسری تومان پول ایران است هشتصد هزار تومان وجه نقد دولت
بمصارف مقرره که در وصیت نامه ناپلیون اول است در جزیره سنت هلن مرسانده شده است وبا در پاریس اعلیحضرت ناپلیون
و امپراطریس بلندن بیازدید پادشاه انکلستان میروند شخص ایطالیائی که در پاریس در صدد قتل ناپلیون است بچنگ آمده
مقتول میشود پادشاه ساردین با وزیر اعظم خود کونت کاوور بپاریس آمده در عمارت طویلری ناپلیون آن پادشاه
را پذیرفتند افتتاح اکسپوزیسیون صنایع عمومی در پاریس که پنجاه امتداد دارد در پاریس کمپانی بجهة حفر نهر
مجمع البحرین سوئیز مصر تشکیل یافت (هلاند) منع خرید و فروش غلام و کنیز در جزایر سمت هندوستان که متعلق
باین دولت است عهدنامه تجارتی با دولت ژاپن (یونان) دزدی و راه زنی بشدت در این مملکت و در جنگ
که با دولت روس عداوت دارد بپادشاه خود که دوست روسهاست کلمات مستهجن میگویند افریقا (مصر)
عباس پاشا والی مصر بجهة قساوت قلب و میلی که بخونریزی داشت دو نفر از غلامهای او را خفه میکنند عموی او
سعید پاشا که بزرکترین اولاد محمد علی پاشا و در فرنکستان تربیت شده بود در آن وقت بجای او والی مصر میشود
امریکا (اتازونی) کدورت مابین این دولت و اسپانیا بجهة حبس یکی از کشتیهای اتازونی در هاوان بدست
کارگذاران دولت اسپانیا عهدنامه تجارتی با ژاپن دولت اتازونی در صدد است که میان دول متحاربه و روس واسطه
شود دولت انکلیس از اهالی اتازونی داوطلب بجهة مأموریت بجنگ مشرق زمین میخواهد در مجلس شورای گفتگو
سخت بجهة آزاد کردن غلامان میشود در ایالت ویرژینی تب زرد حالت وبائی بهمرسانیده معادل شش کرور لیره
(گینیه) سکه از اتازونی بخارج حمل شده (مکزیک) در حوالی مافاموروسان لوی فستون بدولت یاغی شده شورش
مینمایند فراهدر رئیس جمهور قرار وضع دولت موقتی (ینکی دنیای جنوبی) افتتاح راه آهن جدید در برزیل از
جزایر کوچک شنکاس که متعلق بمملکت پرو است که چندین هزار سال بود طیور دریائی آنجا سکنی داشته فضلات
خود را آنجا ریخته بودند و تا آن زمان فرنگیها این انکشاف را نکرده بودند و تمامی اراضی آنجزایر بچندین ذرع قطر از فضولات

طول بحری است از برای شوره زمین خیلی مثمر ثمر میباشد در این سال انکشاف کرده کشتی کشتی بلاد فرنگ و سایر بلاد نیکی دنیا بردند افتتاح راه آهن از شاگرس[?] پاناما بعد از پنجسال از شروع هشتاد هزار ذرع با هفتاد کرور تومان پول ایران مخارج شود شورش شدید در مونت ویدو (زنکی دنیای مرکزی) در شهرستان سال واقع که در برزیل واقع است زلزله سختی شده خرابی زیاد وارد می آورد

سنه ۱۲۷۲ هجری سنه ۱۸۵۵ مسیحی

آسیا (ایران) موکب همایون شهریاری در داودیه بمهام دولتی توجه میفرمایند جعفر قلیخان ایلخانی بحکومت استرآباد و بیکثوب جبه ترمه کشمیری و مخلع کردید و میرزا اسمعیل خان مباشر مهام خارجه استراباد به پیشکاری استراباد نیز نایل و مخلع کشت عبدالله خان میر پنجه ولد مرحوم محمد حسنخان سردار از کرمان بدربار معدلتمدار آمده بخلعت التفات مفتخر کردید چون صید محمد خان ظهیر الدوله حکمران هرات بنای سوء سلوک با اهالی هرات گذاشته اعالی و ادانی از خود رنجانیده از جمله کریمداد خان هزاره را بموجبی بقتل رسانیده بود اهالی آن ولایت هر ایرا بشهر کشیده و صید محمد خان را کرفته و در برج ویشا هزاده محمد یوسف که در خراسان مشغول خدمت بود نامه نوشته او را بحکومت خواستار شدند مشار الیه نیز بمحض وصول اینخبر فوراً بدون اینکه نواب فرمانفرما حکمران خراسان یا دیگری را مطلع سازد بهرات شتافته و اهالی او را بحکومت خود اختیار کردند رستمخان سلطان بیاوری توپخانه سرافراز کردید مامور ساخلو عربستان شد حاجی ملا محمود نظام العلماء برحمت ایزدی پیوست نادر قلیخان مافی از جانب حکومت آذربایجان بحکومت ارومی و انزاب مامور شد شب ششم که جشن عید مولود همایون بود در تمام ولایات ممالک محروسه کرفتند و روز عید در داودیه سلام عام در حضور همایون منعقد شد مهر علیخان شجاع الملک را با عطای یکقطعه نشان از مرتبه سیم میر پنجگی سرافراز فرمودند میرزا اسمعیل خان پیشکار استراباد و مباشر مهام خارجه آن ولایت بیکقطعه نشان از درجه اول سرهنگی سرافراز کردید میرزا نصر الله اردبیلی مشهور بصدر الممالک در کرمانشهان مرحوم شد نصر الله خان خالوی اعلیحضرت اقدس شهریاری بمنصب نظام العلمائی و خلعت همایون سرافراز کردید میرزا فضل الله وزیر نظام را از خراسان بدربار همایون احضار و میرزا محمد قوام الدوله را بوزارت خراسان برقرار و مخلع فرمودند آقاخان سرتیپ ایلات قزوین بمنصب میر پنجگی و خلعت همایون مفتخر کردید میرزا محمد حسین عضد الملک بمنصب متولیباشی کری حضرت رضوی سلام الله علیه نایل و مخلع کردید عباسقلیخان میر پنجه مامور کرفتن یکفوج جدید امیریه شد فرمان همایون که بسرافرازی اراض خان و سایر ترکانان سرخس شرف صدور یافته بود نهایت مایه امیدواری آنها کردیده پنج شش هزار خانوار با صداقت در خدمت و اطاعت دولت علیه میباشند حکیم کلوکه فرانسوی وفات یافت حکیم پولاک بجای او بمنصب حکیمباشیگری حضور همایون برقرار و بیک قطعه کرالماس و یکطاقه شال کشمیری سرافراز شد محمد تقی بیک پیشخدمت بلقب خانی نایل کردید روز یکشنبه چهاردهم ربیع الاول بندکان اعلیحضرت همایون بامتحان شاگردان مدرسه دار الفنون تشریف فرما مدرسه مبارکه شده تشویقاً همه بذل انعام و اظهار مرحمت فرمودند یکطاقه شال هفت رنک بقیمت صد و پنجاه تومان و طاقه دیکر سفید و آبی بقیمت صد تومان که بدستور العمل مرحوم محمد حسنخان سردار در کرمان بافته بودند بدار الخلافه آورده با شالهای خوب کشمیری که بهمین قیمت است هیچ فرقی ندارد محمود خان کلانتر بیکرشته حمایل سفید از مرتبه اول سرهنگی و بیکثوب جبه ترمه سرافراز شد محمد قلیخان نودی غلام پیشخدمت بحکومت قبیله جدیده برقرار کردید امیر قاین بازای خدمت دفع ترکمان که باتحد[?] و آمده بودند مخلع و میر علیخان پسر مشار الیه بنشان از مرتبه اول سرهنگی

مامور[2]

سرافراز شد غلامحسینخان سپهدار بحکومت کرمان و مضافات و یکثوب جبهٔ ترمهٔ دو زنجیره و یکثوب قبای ترمه از
ملابس خاصه مفتخر و میرزا محمد مستوفی سرکار را بوزارت و پیشکاری کرمان و خلعت همایون سرافراز فرمودند سواره
اسانلوی خوار ابواب جمع محمد حسینخان پسر میرزا نجفعلیخان مستوفی کرده شد عبدالکریم بیک غلام پیشخدمت پسیان برادر عباس
قلیخان حاکم شاهرود و بسطام را بسرکردگی سواره و پیاده مزبوره مفتخر فرمودند امیر دوست محمد خان سردار کابل بتحریک
همسایگان قشون بر سر قندهار کشیده آنجا را متصرف شده و ارادهٔ تصرف هرات را داشت میرزا عبدالله خان را
بمنصب استیفای خاصه و خلعت همایون سرافراز فرمودند میرزا جانی لشکرنویس مرحوم و میرزا باقر برادرزادهٔ او بمنصب
لشکرنویسی برقرار و مخلع شد شخصی در قصبهٔ نرماشیر ناخوش بود در حالت نزع وصیت کرد که بعد از مردن
شکم مرا بشکافند جانوری در آن هست بعد از فوت او شکم او را شکافتند جانوری بترکیب چلپاسه که تخمیناً چهار سیر
وزن داشت از شکم او بیرون آمد میرزا فتح الله لشکرنویس باشی در کرمانشاهان مرحوم شد میرزا محمد علی آبادهٔ وزیر کرمان
بمنصب استیفا سرافراز شد فرخ خان صندوقدار وجوه خاصه بیکقطعه گل کمر مکلل بالماس سرافراز گردید شیخ
ابوتراب امام جمعهٔ شیراز برحمت الهی پیوست بندی از بندهای بلوک کربال فارس که از بناهای عضد الدوله
دیلمی و برو خرابی بهم رسانیده و چهل پنجاه پارچه دهکده بی آب و لم یزرع مانده بود نواب مؤید الدوله حکمران فارس
در کمال استحکام ببستند نواب فریدون میرزا فرمانفرمای خراسان در مشهد مقدس داعی حق را لبیک اجابت
گفت و ایالت مملکت خراسان بنواب حسام السلطنه مفوض و یکثوب جبهٔ ترمهٔ تن پوش مبارک مخلع گردید شمس
الشعراء میرزا محمد علی متخلص بسروش بلقب خانی و خلعت همایون مفتخر گردید میرزا محمد خان دبیر مهام خارجه باعطای
یکقطعه نشان شیر و خورشید از مرتبهٔ اول سرتیپی و حمایل سرخ سرافراز گردید نواب شاهزاده لطف الله میرزا
بحکومت مازندران و یکثوب جبهٔ ترمهٔ دو زنجیره مفتخر گردید حاجی میرزا محسن از اجزای سفارت کبرای ماموره سنت پطرزبورغ
بلقب خانی و خلعت همایون سرافراز شد میرزا عباس (جناب قوام الدوله) منشی اول وزارت خارجه باعطای لقب خانی
و یکقطعه نشان شیر و خورشید از مرتبهٔ اول سرهنگی و حمایل سفید قرین مباهات گردید میرزا عبدالرحیم خان از
وزارت خارجه که بنیابت اول سفارت اسلامبول مامور شده بود بیکقطعه نشان شیر و خورشید از درجهٔ اول
یاوری سرافراز گردید محمد خان میرپنجه بمنصب امیرتومانی و ژنرال اجودانی خاصه همایون سرافراز شد امان الله خان
از اجزای سفارت کبری در مسکو مرحوم شد امیرزاده ابراهیم میرزا نایب الحکومه عربستان بیکقطعه نشان از درجهٔ اول
سرهنگی و حمایل و یکثوب جبهٔ ترمه سرافراز گردید ولیخان سرتیپ فوج سیلاخوری مرحوم و رستمخان پسر او بمنصب سرهنگی
فوج مزبور نایل گردید عباسقلیخان پسیان حاکم شاهرود و بسطام را در عرض راه شاهرود و بسطام اشرار بغفلت مقتول
نمودند لهذا چراغعلیخان نایب الحکومهٔ سابق اصفهان بحکومت شاهرود و بسطام مامور شد عمارت جدید بطرح تازه
در جنب عمارات اندرونی سلطنتی دار الخلافه مشتمل بر هشتاد و دو باب طاق تحتانی و فوقانی در کمال شکوه حسب الامر
باهتمام و مباشرت حاجب الدوله والد مؤلف ساخته شد میرزا ملکم سرهنگ مهندس اتاماژر و مترجم دولت علیه
باعطای یکقطعه نشان درجهٔ اول سرهنگی و حمایل سفید قرین مباهات آمد باروط کوبخانهٔ قزوین که سابقا خرابی
بهم رسانیده بود حاجی حسنعلی خان پیشکار قزوین آنرا مرمت کرده و یکصد خروار باروط تا کنون در آن ساخته اند
بعد از رفتن جناب مستر موره وزیر مختار دولت انگلیس از دار الخلافه بتبریز بعضی سوانح در افغانستان اتفاق افتاده
که ضرر کلی بجهت داخلهٔ خراسان دارد و بر اولیای دولت علیه لازم شد که از برای حفظ انضباط حکومت قندهار

وهرات

وهرات چنانکه موافق قرارداد خودشان بود تدابیر لازمه بکار برند که هم دفع آن فتنه‌ها بشود وهم آن دو ولایت بحالت سابق
حکومت علیحده برقرار بماند قاتلین عباسقلیخان پسیان که از اشرار نوکر کودار بودند دستگیر و سیاست شدند محمد
رضاخان سرتیپ بمنصب آجودان خاصگی و بکر بستن حمایل قرمز و یکقطعه نشان اول سرتیپی سرافراز شد عبد العلی
خان سرهنگ توپخانه بمنصب سرتیپی مفتخر گردید بشغل برات نویسی و عمل کل اصطبل توپخانه مبارکه میرزا محمد علی توپخانه
سررشته‌دار توپخانه واگذار شد اصطبل توپخانه را باصلان بیک یاور اول توپخانه واگذار نمودند امیراصلانخان
بحکومت گیلان مفتخر و بیکثوب جبه ترمه و زنجیره مخلع گردید محمد ابراهیمخان سرتیپ بنشان و حمایل سرتیپی اول
سرافراز گردید شاهزاده لطف‌الله میرزا حکمران مازندران ابنیه فرح آباد را تعمیر کرده در آنجا استحکامات ساخت
از قرار مذکور کارا و رکیجها بسیار پریشان است و برادر خان خیوه را که بجای او در اورکیج حاکم شده بود طایفه
یموت ترکمان مشغول بوده و بالفعل یموت بجا عشاور کیجی قاپق و عرصه را بآنها تنگ کرده اند از اتفاقات حسنه
امسال توافق عید نوروز و عید مولود مسعود حضرت امیرالمؤمنین است در دار الخلافه جشن گرفته چراغان و
آتشبازی نمودند و سلام عید بن سعید بن در کمال شرف و شکوه در حضور همایون شهریاری ابدالله عیشه انعقاد
یافت جناب صدر اعظم را با عطای یکقطعه قلمدان مکلل بالماس بسیار ممتاز که علامت مزید صدارت ایران بود
شرف اختصاص عنایت فرمودند میرزا حسنعلیخان دریابیگی بندر بوشهر بنشان دوم سرتیپی سرافراز گردید
نواب عماد الدوله حکمران کرمانشاهان بیکقطعه نشان تمثال همایون مکلل بالماس مفتخر گردید حکومت نهاوند را
بمحمد حسینخان ایشیک آقاسی (مرحوم امیر نظام) مرحمت و بیکثوب جبه ترمه مخلع فرمودند و سواره خزل را نیز بعبدالله خان
ولد ایشان ابواجمع داشتند نواب علیقلی میرزا ملقب باعتضاد السلطنه و مخلع بیکثوب قبای ترمه تن پوش گردیدند
حاجب الدوله والد مؤلف بیکقطعه نشان تمثال همایون مکلل بالماس سرافراز آمد محمد قلیخان یوزباشی بیادداشت
حزوات بیکطاقه شال کشمیری و بیکثوب قبای یولک دوز سرافراز آمد یحیی خان (جناب مشیر الدوله وزیر عدلیه اعظم) در بسطام
بمنصب مترجمی و زارت خارجه برقرار گردید تنبیه طایفه تکه ترکمان باهتمام جعفر قلیخان ایلخانی حکمران استراباد عبدالله
خان صارم الدوله بمنصب میر پنجگی و میثوب بکلیجه از ملابس خاصه مفتخر شد امیر اصلانخان حاکم گیلان بلقب عمید
الملکی ملقب گردید بعمادن کلو لد بزه‌ها از ندران خوب کار میکنند و اهل این ولایت نیز در کاشتن نیشکر و عمل آوردن
شکر اهتمام مینمایند محمد خان قاجار بحکومت شاهرود و بسطام سرافراز گردید رضاقلیخان ناظم مدرسه دار
الفنون که از اجله امرا و فضلا است حسب الامر همایون تاریخ روضة الصفای ناصری را که احوال بعد از هفت جلد روضة
الصفا تا این عهد همایون است در سه جلد الحق الیف و تمام ده جلد سابق و لاحق را بطبع رسانیدند میرزا ملکم خان سرهنگ
اتاماژور و مترجم مخصوص مامور شد که سفارتخانه دولت علیه را باسلامبول کرد بیژن اغلیخان از شاهرود و بسطام
احضار و بحکومت خمسه مامور و بنشان سیم میر پنجگی مفتخر شد خرابی بسیاری از خانه‌ها در ساوه از سیل
و شدت باران ظلمت در دار الخلافه تولد نموده که سه سر داشت و غرابت زیاد دیگر نیز در آن بود او خلقت آواز ش هم
مثل آواز بچه عروس بیست و چهار ساعت زنده بود و بعد فوت شد مرتضی قلیخان ولد محمد اسمعیل خان
نوری (مرحوم وکیل الملک) بمنصب سرهنگی سرافراز گردید روز عید فطر سلام عام در تالار تخت مرمر انعقاد
یافت میرزا محمد صادق قائم مقام بیکحلقه انگشتری الماس گرانبها و بیکثوب جبه ترمه از ملابس خاصه و نشان و حمایل امیر
تومانی مفتخر و مرخص شد که بعد از ورود به آذربایجان عنایت فرخ خان تصدیق ولقب جلیل امین الملکی وبلقب

قطعه

قطعه نشان تمثال همایون مکلل بالماس مفتخر گردید میرزا صادق کاشانی بلقب خانی و درجه سیم سرهنگی و منصب نیابت
اول کارپردازخانه بمبئی سرافراز گردید در قنهاب من اعمال کرمانشاهان تگرگی بارید که از قرار مذکور هر دانه بقدر
نارنجی کوچک بوده و بعضی مال و مواشی را تلف نموده سلطانعلیخان مظفرالدوله پسر سردار کهندلخان حاکم
قندهار از تعرضات و سوء سلوک امیر دوست محمد خان با اهل و عیال و جمعی بکر پناه بدولت علیه آورده بامر دولت
در خراسان ساکن و متوقف شدند   قورخانه شیراز بامر نواب مؤیدالدوله توسیع و تجدید شد محمد تقیخان
قراگوزلو (جناب ناصرالملک) بمنصب میرپنجگی و خلعت همایون سرافراز گردید آخوند ملا کاظم که از جمله فقها و مجتهدین
دارالخلافه بود برحمت حق پیوست نواب اردشیر میرزا حکمران دارالخلافه بکسب جبه ترمه محشی و میرزا موسی وزیر
دارالخلافه بعصای مرصع مفتخر گردیدند محض اتحاد و کمال مودت بین دولتین علیتین ایران و فرانسه از جانب
اعلیحضرت ناپلیون امپراطور فرانسه نشان درجه اول (لژیون دنر) مرصع بالماس که اعظم نشانهای آن دولت است
با حمایل و لوازم آن بحضور اعلیحضرت اقدس همایون شهریاری اهدا گردید روز یازدهم ذیقعده موکب همایون از ییلاق
نیاوران بسمت دماوند و فیروزکوه تشریف فرما شد جناب نظام الملک بشرابه مکلل بالماس ما بین امیرتومانی و امیر
نویانی که مخصوص درجه شخص و ثمین است مفتخر گردید جناب امین الملک فرخ خان بسمت ایلچی کبیری از دربار همایون
با نامه مهر علامه مامور دربار دولت فرانسه شده و نیز مقرر شد بعضی مکنونات خاطر همایون را شفاها در اسلامبول
بحضور اعلیحضرت سلطان تبلیغ نماید ذوالفقار خان حاکم قم و ساوه بمنصب ایشیک آقاسی سرافراز گردید مهرعلیخان
شجاع الملک بیک قطعه نشان اول میرپنجگی مفتخر شد عیسی خان بیگلربیگی قاجار بحکومت ملایر و تویسرکان نایل
گشت عمارت عالی قاپوی اصفهان را حسب الامر نواب حشمة الدوله حکمران اصفهان تعمیر کردند عبدالحسینخان برادر
مؤلف که از شاگردهای پیاده نظام دارالفنون بود بمنصب سرهنگی خارج از فوج و یکصد تومان اضافه مواجب
سرافراز گردید جناب سیف الملک سفیر کبیر دولت علیه از پطرزبورغ با تشریفات کامله مراجعت کردند ظهور   با اجزای سفا
روشنی برقی مانند در اصفهان در هوای صاف و بعد از سه روز نزول صاعقه بسیار عظیم و صدای مهیبی در
آسمان میرزا محمد زمان بمنصب امارت دیوانخانه و خلعت همایون سرافراز شد جعفرقلیخان ایلخانی بپاداش   حکمران استرآباد
شکست فاحش ترکمن و دفع شر آنها بیک قبضه شمشیر مرصع مفتخر گردید محمد شاه خان سیبی و نادرشاه خان
پسرش قلعه سب را که محکم در بلوچستان حصن حصین شمرده دم از خودسری میزد سپهدار حکمران کرمان امامعلی
خان سرتیپ افواج کرمانی را با قشون کرمانی بمحاصره قلعه فرستاد بجلادت قلعه را تسخیر و محمد شاه خان با نادر
شاه خان و اتباع آنها دستگیر کردند یا شاخان پیشخدمت بلقب امین حضرت ملقب گردید میرزا محمد تقی مستوفی
متخلص بسپهر که علاوه بر سایر خدمات دیوانی نگارنده کتاب ناسخ التواریخ و صاحب تألیفات دیگر است ملقب
بلسان الملک گردید جناب صدر اعظم را باعطای جبه شمسه دار و عصای مرصع مباهی فرمودند موکب
همایون روز دوشنبه سلخ ذیحجة الحرام از ییلاقات آنجه و لواسان تشریف فرمای نیاوران گردید (چین)
زلزله شدیدی در یوچینگ عمارت سلطنتی واقعه در پنجفر سخی پای تخت یکی از ولایات خاقان که در آنجا متوطن
بود زیر آوار رفته تلف میشود (اروپا) (اسپانیول) شورش در اغلب از نقاط مملکت علی الخصوص در
مادرید پای تخت انتشار کلمات مستهجنه نسبت بمادر ملکه ضبط املاک مادر ملکه و بعد از چندی رد کردن
بیرون شورش در مالاگا (المان) تولد دختر اعلیحضرت امپراطور اطریش در بهار مسافرت اعلیحضرت

امپرا

امپراطور و امپراطریس با یطالیا در ایالت بادن و روسی برادر والی که بواسطه عدم لیاقت برادر بزرگ ولایت
تعلق گرفته است با شاهزاده خانم لویز دختر پادشاه پروس که الحال امپراطور المان است (انگلیس) خبر
روس و عثمانی را تمام مملکت انگلیس با کمال میل و رغبت پذیرفتند دوک دکامبریج از منسوبان پادشاه انگل
که در جنگ سواستاپل حضور داشته بمنصب سپهسالاری کل عساکر انگلیس برقرار شد مسافرت شاه
فردریک پروس (همین شاهزاده حالا ولیعهد است) بانگلیس بخواستگاری دختر بزرگ پادشاه انگلست
در هندوستان پادشاه مملکت اود را دولت انگلیس از سلطنت خلع نموده آنجا را متصرف شده ژنرال اط
بحکومت آنجا مامور گردید جمعیت این ایالت هشت کرور است اعلان جنگ با دولت ایران در اول نوامبر
و این مطابق است با اوایل سنه هزار و دویست و هفتاد و سه شرح آن بیاید لونکیستن مسافر و سیاح انگل
بعد از سیاحت کامل در داخله افریقا صحیح و سالم بجزایر موریس معاودت میکند (ایطالیا) ساردین
کرور تومان دولت بجهت مخارجی که در جنگ سواستاپل نموده است استقراض میخواهد کند کاوور وزیر
دولت به مجلس کنگره پاریس از برای دولت خود بعضی امتیازات مطلب و میکرد (توضیح آنکه مقصود از کنگره که
لاتین اقتباس شده بمعنی انعقاد مجلس شوری بجهة در امورات معظم است اجزای چنین مجلسی باید شخص سلاطین یا سفرا
کبار ایشان که اقوال و اعمال ایشان همان اثر اقوال و اعمال سلاطین را داشته باشد) ایجاد اکسپوزیسیون مختصری
جمعی قصد قتل پادشاه ایطالیا نموده رئیس این اشخاص که یکی از اهالی سیسیل بود بدست آمده مقتول شد
(پرتوغال) شورش و ازدحام سخت در لیزبن پای تخت بجهة گرانی نان افتتاح راه آهن از لیزبن بکارتاد
سرحد اسپانیا (روس) فوت پرنس پسکوویچ معروف در روز مستان حکومت پرنس کرچاکف در لهستان بجا
پسکوویچ که حاکم بود کنت ارلف بمنصب صدارت برقرار میشود کنت نسلرد از وزارت خارجه استعفا نموده پرنس
الکساندر کرچاکف بجای او منصوب میشود جشن تاج گذاری اعلیحضرت امپراطور در مسکو در ماه عقرب قرار
با یک کمپانی معتبر که در چهار نقطه مملکت بنیان راه آهن نماید اول از ورشو به پطر دویم از مسکو به نیژنی نوگر
سیم از مسکو بکافا چهارم از کورسک بمشکور لاند (سوئد و نروج) افتتاح راه آهن از نروج به ...
آزادی مذهب در این مملکت (سویس) گفتگوی سخت ما بین ایالت جمهوری سویس با دولت پروس هنیته جنگ
طرفین دولت و ورتن برگ و اطریش ما بین این جنگ نیستند (عثمانی) انتشار فرمان اعلیحضرت سلطان که
مشتمل بر بیست و یک فصل است در آزادی و رفاهیت عیسویان تبعه خود مسلمانهای تبعه عثمانی از این فرمان
کمال نارضائی را دارند و در سمت آسیا خاک عثمانی اذیت زیاد عیسویها از مسلمانان می بینند اهالی ملداوی
و والاشی (مقصود افلاق بغدان است) طالبند که یک ایالت شوند در مصر راه آهن از اسکندریه بقاهره
افتتاح می یابد مهندسین که بجهة حفر مجمع البحرین سویز بمصر آمده بودند اینطور مقرر داشتند که از بندر
سویز واقعه در ساحل بحر سفید الی پلوزکه در ساحل بحر احمر است نهر مستقیمی بدون اعوجاج حفر نمایند در
جزیره قندی زلزله سخت روی نمود (مسئله شرقیه) دولت انگلیس مشغول تدارک زیاد است که از دریا به بندر
گوونشتاد روس حمله برد شورای عسکریه دول متعاهده در عمارت طویلری با حضور اعلیحضرت امپراطور ناپلیون
سیم در فقره جنگ با دولت روس بر فوز مرض تیفوس در میان عساکر دول متعاهده دولت اطریش که ابرام زیاد
در مصالحه داود دولت روس را برین داشت که مقدمات شروط مصالحه را قبول کند انعقاد مجلس کنگره در

پاریس

پاریس و صورت اجزای مجلس از اینقرار بود کنت والفسکی وزیر امور خارجه فرانسه که ریاست مجلس هم برا و قرار گرفت
از طرف دولت اطریش کنت بوئول و بارون هوبنر از طرف دولت انگلیس لرد کلاراندون و لرد کولی از طرف دولت روس
بارون برونف و کنت ارلوف از طرف دولت ساردین و ایطالیا کنت کاوور از طرف دولت عثمانی عالی پاشا مامور
دولت پروس بعد از چندی قبول شد ابتدا حضور نداشت انعقاد مصالحه مابین دول متعاهده و عثمانی از یکطرف
و دولت روس از طرف دیگر در اواسط بهار دولت عثمانی از این بعد در تحت حمایت دول معظم فرنگ خواهد بود
قرار دنگیز بجهت تجارت جمیع دول آزاد خواهد بود و کشتی جنگی هیچ دولتی در آنجا وارد نخواهد شد در تابستان قشون
متعاهده سواستاپل را تخلیه کرده متصرف کارگذاران دولت روس دادند و از آنطرف عساکر روس قارص را بتصرف
عثمانی عزل عالی پاشا و نصب رشید پاشا دول انگلیس و فرانسه پادشاه ناپل را تهدید براین میکنند که آزادی برعایا
خود ندهد سفاین جنگی اینده دولتین رو بورود بناپل خواهند نمود دولت روس در این تهدید متالم شد (فرانسه)
افتتاح مجلس پارلمنت که در بهار واقع شد و نطق اعلیحضرت امپراطور ناپلیون که امید بصلح میدهد سبب خوشحالی
عامه گردید با وجود این نطق صلح آمیز یکصد و چهل هزار قشون علاوه بر معمول حاضر رکاب شدند تولد پسری از امپراطریس
فرانسه در بهار پسر را انیکه بمنصب مارشالی برقرار شدند ژنرال کانروبر و بوسکه دادند که این آخری حاکم الجزایر بود
انعقاد مصالحه مابین دولت روس و عثمانی باطلاع و وساطت دول متعاهده در اواسط بهار کنت ارلف سفیر
کبیر روس با علیحضرت امپراطور ناپلیون رسماً جلوس اعلیحضرت الکساندر دویم را بتخت سلطنت روس اظهار میدارد
اتحاد و مراوده دوستی مابین دولت روس و فرانسه سفارت کنت مرنی در مملکت روس بجهت تهنیت جلوس
اعلیحضرت الکساندر دویم امپراطور روس نود و پنجهزار نفر از قشون فرانسه در این جنگ سواستاپل چه از زخم
و چه از امراض مختلفه هلاکت رسیدند دولت فرانسه معادل بیست کرور تومان پول ایران با شخاصی وعده میدهد
که اراضی باتلاقی که در مملکت فرانسه است و قابل زراعت نیست آنها را خشک کنند و قابل از برای هر نوع زراعت
نمایند و هر کس در اینفقره اختراعی کرده باشد که بآسانی بتوانند این قبیل اراضی را خشک نمایند علاوه حقی هم داده
خواهد شد کتابچه خرج و دخل دولت که در مجلس خوانده شد دخل تقریباً سیصد و سی و نه کرور تومان پول
ایران و خرج دولت تقریباً سیصد و چهل کرور طغیان رودخانه‌ها رن و لوار در اوایل تابستان و خرابی زیاد
ایالاتیکه در سواحل این رودخانه‌ها واقع شده اعلیحضرت امپراطور ناپلیون بشخصه سرکشی این ایالات میرود سفر
اعلیحضرت امپراطور بدریای شمال نیابت سلطنت در غیبت امپراطور ناپلیون با امپراطریس زوجه ایشانست قشون
فرانسه کلیه از خاک عثمانی مهاجرت کرده وارد اوطان خود میشوند قریب بسیصد هزار نفر قشون فرانسه در سواستاپل
و سایر نقاط خاک عثمانی در این جنگ با روس حاضر بودند مارشال پلیسیه که قلعه مالاکف سواستاپل را فتح کرد
بلقب دوک دمالاکف برقرار و ده هزار تومان همه ساله مواجب خواهد داشت در الجزایر زلزله سختی علی الخصوص
در شهر فیلیپ ویل (یونان) کوشش دولت برای دفع راه زنان و اشرار **افریقا** فوت سلطان مسقط سعید نام
که پنجاه سال تمام سلطنت کرده بود در زنگبار این شخص مملکت عمان را در عربستان از دست تطاول طایفه
وهابیه انتزاع داد و با دول انگلیس و فرانسه و اتازونی بنای معاهدات تجارتی بست **امریکا** (اتازونی)
مجادله شدیده در مجلس مابین وکلائیکه مایل بآزادی غلامها بودند و آنهائیکه نبودند انتخاب بوکانان نام بریاست
جمهوری که طالب عدم آزادی غلامان سیما اند که در بعضی ایالات اتازونی بطور وحوش و چهار پایان با آنها

رفتار مینمودند و بزخم تازیانه و زجر بسر جانب آنها را بکار های زحمت وا میداشتند و بوجه مملوک آنها را اعمالیه میفروختند
بر قرار کردید (برزیل) تعداد نفوس پانزده کرور و دویست و هفتاد و هفت هزار و هشتصد نفر رسیده

سنه ۱۸۵۶ مسیحی

سنه ۱۲۷۳ هجری

آسیا (ایران) در این سال حاجی قوام الملک بپاداش نظم بندر بوشهر بیکقطعه نشان تمثال همایون مفتخر گردید
نواب مؤید الدوله حکمران فارس بقاع متبرکه و اماکن متشرفه فارس را مرمت نمود میرزا رفیع وکیل نواب احتشام الدوله
بمنصب استیفا نایل گردید جناب سیف الملک سفیر کبیر مامور سنت پطرزبورغ وارد دار الخلافه شد محمد خان ولد
مرحوم محمد حسنخان سردار بمنصب جلیل میرپنجگی و یکهزار و پانصد تومان مواجب سرافراز آمد و یوسفخان سرتیپ
حاکم یزد ولد دیگر مرحوم مشار الیه نیز بهشتصد تومان مواجب و ابنا ابو الفتح خان و عبد الحسین خان ولدان
مرحوم سردار هر یکی بهفتصد و پنجاه تومان مواجب نایل گردیدند سردار سلطانعلیخان مظفر الدوله پسر مرحوم
سردار رحمدلخان با عیال از قندهار بعزم خدمتگذاری بارض اقدس آمد محمد اکرم خان رئیس آجکزائی دارالکتاب
مبارک فرستاده مشار الیه بخلعت همایون نایل و خلعتی هم برای مظفر الدوله و سایر ریش سفیدان آجکزائی مرحمت
و مقرر شد اخراجات آنها را نیز در ارض اقدس برسانند و مشغول خدمتگذاری باشند میرزا عنایت الله امین لشکر بیک
قطعه نشان اول میرپنجگی و حمایل مفتخر گردید سید سعید خان امام مسقط که به بندر عباس آمده بود مشمول عنایت
اولیای دولت قاهره شده و پس از معاودت ببندر مسقط بشکرانه و مباهات این مراحم امنای دولت علیه عهد کرده
و تقدیم بعضی خدمات نمود جناب سیف الملک بیکقطعه نشان تمثال همایون مکلل بالماس مفتخر گردید شکر الله خان
نوری بجای معصومخان برادرش که فوت شد بمنصب یوزباشیگری غلامان سرافراز شد شب عید مولود مسعود
همایون در دار الخلافه باهره و تمام ولایات جشن گرفتند همدر اینسال فتح هرات اتفاق افتاد بدین شرح که بعد از
خلع شدن صید محمد خان ظهیر الدوله و نصب شاهزاده محمد یوسف بحکومت و امارت هرات امیر دوست محمد خان امیر کابل بهوای
فتح هرات افتاد شاهزاده محمد یوسف بدولت علیه استعانت جست نواب حسام السلطنه قشونی از خراسان با سام
خان ایلخانی بامداد او فرستادند اما افاغنه هرات باغوای امیر دوست محمد خان امیر کابل در صدد مخالفت و منع سام
خان ایلخانی از ورود بهرات بر آمدند از اینجا معلوم اولیای دولت علیه شد که امر هرات باغوای دوست محمد خان
امیر کابل قرین بی نظمی و اختلال و شاهزاده محمد یوسف که مطیع و تابع این دولت قوی شوکت بود نیز جهلاً بر سر
خودسری است لهذا باصلاح اولیای دولت قاهره نواب حسام السلطنه فرمانفرمای خراسان عزیمت تسخیر و تصرف
هرات را تصمیم و لشکر بدان صوب کشیده پس از چندی محاصره شاهزاده محمد یوسف دستگیر و سرتیپ عیسی خان
نیز که پس از شاهزاده محمد یوسف باغوای امیر دوست محمد خان هوای حکومت هرات داشت مطیع و منقاد و شهر
هرات با جمیع ولایات و نقاط تابعه قهراً مفتوح و مسخر سپاه منصور شد و در چهارم ربیع الاول مژده این فتح بزرگ
بدار الخلافه باهره رسید و نظر بتدابیر صائبه جناب صدر اعظم که در کار این جنگ کرده بودند یکثوب کاتبی سمور ابره
رضائی چهل بند بسیار اعلی که بندهای آن مرصع بجواهر ثمینه بود از ملابس خاص همایون بجناب معظم مرحمت فرمودند
یکقبضه عصای مرصع بنواب حاجی محمد ولیمیرزا عطا شد و جمعی دیگر از عواطف و انعامات ملوکانه بهره یاب گشتند
میرزا محمد حسین دبیر الملک و احکام نویس نظام بیکثوب جبه ترمه کشمیری و یکقطعه نشان اول سرتیپی با حمایل آن
سرافراز گردید میرزا عباسخان منشی اول وزارت امور خارجه نیز بخلعت همایون مفتخر گشت و برای نواب حسام

السلطنه

حسام السلطنه والی خراسان بیکقطعه کل کمر مرصع بجواهر گرانبها و دو شمشیر با نیام زرین و قبائی زربافت و چهار هزار
تومان انعام مبذول داشتند و میرزا محمد قوام الدوله وزیر خراسان و سام خان ایلخانی خراسان را بخلاع قیمتی
مفتخر فرمودند و سام خان ملقب بشجاع الدوله گشت و هزار و سیصد و پنجاه قطعه نشان طلا و نقره بیاورها
و سلطانهای افواج و سربازانی که رشادتی نموده بودند مرحمت شد و امیر حسینخان برادر سام خان ایلخانی و حسینخان
یوزباشی را که بحضرت دار الخلافه آمده بودند رسوم و مواجب مضاعف کردید و حسینخان یوزباشی بمنصب سرتیپی مفتخر
کردید خوانین و سرداران و فضلا و قضاة هرات نیز بخلعتها و نشانها سربلند شدند و هفتاد هزار تومان وجه نقد
بجهة مخارج و انعام و مساعده مردم هرات و سپاه مأمور بهرات انفاذ شد نیز از وقایع ملالت انگیز این سال که در چهارم
ماه صفر اتفاق افتاد این بود که مرغ روح شاهنشاهزاده معظم ولیعهد دولت ابد مهد علیه معین الدین میرزا بشاخسار
جنان پرواز نمود جناب میرزا سعیدخان وزیر امور خارجه بیکقطعه نشان تمثال بیمثال همایون مکلل بالماس قرین مفاخرت کردید
حاجی میرزا محمدخان دبیر مهام خارجه نیز بخلعت همایون سرافراز شد نواب حشمة الدوله حکمران اصفهان بیکقطعه نشان
تمثال همایون مکلل بالماس مفتخر کردیدند یحیی خان مترجم وزارت امور خارجه (جناب مشیر الدوله) بمنصب اجودانی صدارت عظمی
نایل کردید میرزا داودخان ولد جناب صدر اعظم بمنصب نظارت لشکر و خلعت همایون مفتخر گشت چون تمثال شمایل مبارک
حضرت امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام که در عصر آنحضرت از روی چهره مبارک آن بزرگوار ساخته اند از خزاین ملوک سلف
بخزینه این دولت جاوید عدت انتقال یافته بر حسب امر همایون میرزا ابو الحسنخان نقاشباشی که در این صنعت
وحید اعصار است از روی آن تمثالی عدیم المثال ساخته بجواهر آبدار ترصیع کردند و نظر بحسن عقیدت
و خلوص توسل شاهانه آن تمثال مبارک را از پیکر خسروانی فرو آویختند هم درین سال نظر بکدورتی که فیمابین
دولتین ایران و انگلیس حاصل شده در اوایل ماه ربیع الثانی کشتیهای جنگی انگلیس بخلیج فارس و نزدیکی بندر بوشهر
آمد و چندگاهی قبل از ورود جهازهای جنگی مذکور سفیر و کارگذاران آن دولت از خاک ایران بیرون رفتند و علم
دولت خود را خوابانیدند و میرزا محمدخان قاجار کشیکچی باشی با استعداد حربی مأمور بوشهر شد و عساکر دولتین
مشغول محاربه کردیدند چندی نگذشت که رفع منازعه شد و جناب امین الملک سفیر کبیر دولت علیه ایران در
پاریس بخواهش اعلیحضرت ناپلیون سیم امپراطور فرانسه با دولت انگلیس عهد مصالحه جدیده بست جناب غراف گبینو
شارژ دافر دولت فرانسه وارد دار الخلافه کردید حاجی میرزا احمدخان مصلحت گذار دولت علیه مقیم اسلامبول
بمنصب وزیر مقیمی دربار دولت عثمانی برقرار کردید بندیمور را در عراق میرزا حسینخان حاکم عراق بست آقا رضاخان
نایب دویم اجودانباشی بنیابت اول اجودانباشی نایل آمد حاجی عبدالله گماشته امام مسقط با پیشکش و هدایای
لایقه بدربار همایون آمد شیخ دین محمدخان حاکم مکران وفات یافته شیخ عبدالله خان پسرش را بجای او حکومت دادند
کلنل شتد لاکر سفیر دولت آستریه از جانب اعلیحضرت امپراطور دولت آستریه با هدایای نفیسه بدار الخلافه باهره آمد
بشایستگی پذیرفته شد میرزا شفیع وزیر یزد بمنصب استیفا و خلعت همایون مفتخر کردید مرتضی قلیخان سرحددار
انزلی بمرض فالج مبتلا شده برادر رشادت الیه جعفرقلیخان بسرحدداری انزلی برقرار کردید میرزا اسمعیل خان میرزا
آقاسی شیلانات گیلان وفات یافته محمودخان پسر او بمباشری شیلانات مفتخر شد آزادخان خارانی نوکری این
دولت جاوید شوکت گزید بیکثوب جبه ترمه تمام زنجیره و یکقبضه شمشیر تمام اسباب طلا سرافراز کردید میرزا ابو
الحسنخان نقاشباشی غفاری یک جبه ترمه نقاشی طلا که در وسط آن کل الماس گرانبهای ثمین است مرحمت فرمودند

میرزا محمد رضا متولی باشی حضرت معصومه سلام الله علیها مرحوم و جناب میرزا سید حسین قمی الاصل که آنمرحوم بجای پدر منصوب شد
میرزا محمد صادق قایم مقام از آذربایجان احضار و میرزا فضل الله وزیر نظام که سابقا در آذربایجان بود مجددا مامور
آنمملکت گردید نواب محسن میرزا امیر آخور بخلعت همایون سرافراز گردید جناب امین الملک سفیر کبیر دولت علیه ایران
شب دوشنبه بیست و چهارم جمادی الاولی با ابلاغ سفارت کبری هدایای لایقه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی
بحضرت اعلیحضرت پاپ پی نهم وارد پاریس شده در کمال شان و شایستگی پذیرفته شد شب یکشنبه بیست و چهارم
رجب چهل و دو دقیقه از شب گذشته آفتاب جهانتاب از برج حوت بحمل تحویل کرده سلام خاص تحویل و سلام عام
عید در پیشگاه همایون شرف انعقاد یافت امیر اصلانخان عمید الملک بیکقطعه نشان تمثال همایون مکلل حکمران گیلان
بالماس سرافراز شد جناب کیناز بارانسکی که تازه از جانب اعلیحضرت امپراطور روس بجانشینی مملکت قفقاز منصوب
گردیده ژنرال کیناز ملیکوف را بدربار دولت علیه روانه نمود که ماموریت خود را اظهار دارد و مشار الیه
بشایستگی در دار الخلافه پذیرفته شد میرعلیخان شجاع الملک بنشان امیر تومانی و حمایل آن و یکقبضه شمشیر
مرصع مفتخر گردید محمد قلیخان ایلخانی فارس بنشان از مرتبه سیم میر پنجگی و خلعت همایون سرافراز شد علیخان
سرتیپ قراگوزلو بنشان از مرتبه سیم میر پنجگی نواب غفران مآب والده حضرت شهریار مبرور ماضی (محمد شاه) نائل آمدم
انار الله برهانه روز پنجشنبه بیست و پنجم شوال المکرم امسال بغرفات جنان انتقال نمود نواب رکن الدوله
مربی آذربایجان سرافراز و نواب والا محمد تقی میرزا بحکمرانی دار الخلافه برقرار گردیدند نواب والا عمید الدوله
بحکمرانی قزوین منصوب شدند جناب مستر موره وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت انگلیس با شرایط اعزاز روز بیست
و یکم ذیقعده با اجرای سفارت خود بدار الخلافه آمد احمدخان نوائی حاکم بندر بوشهر بلقب دریابیگی بحر فارس
و نشان و حمایل درجه اول سرتیپی سرافراز شد محمدخان امیر تومان بیکقبضه شمشیر مرصع و اسباب طلا و هزار
تومان انعام نائل گردید حکم سخت مؤکد در تأمین و آسایش ملل مختلفه که رعیت این دولت هستند شد جناب
حیدر افندی شارژدافر دولت عثمانی که مراجعت بدربار عثمانی میکرد بیکقطعه نشان تمثال همایون از درجه
دویم مکلل بالماس معزی الیه مرحمت شد و جناب توفیق افندی بجای مشار الیه مقیم گردید مستشار الملک
خراسانی بپانصد تومان اضافه مواجب باستصوابی بعلاوه استیفای خراسان و سررشته داری کل مالیات خراسان
سرافراز شد جناب مسیو لاغوفسکی شارژدافر دولت روس را بیکقطعه نشان شیر و خورشید از درجه اول
و حمایل آن اختصاص دادند فرستادگان ولایات و سرداران کابل و قندهار و غیره با عرایض ارادت آمیز خدمت
نواب حسام السلطنه آمدند عسکرخان سرتیپ ارومی مرحوم و یوسفخان برادرش بجای او بمنصب سرتیپی رسید
نریمانخان نایب اجودانباشی حامل عهدنامه مصالحه دولتین ایران و انگلیس بدرجه سرتیپی رسید کیناز ملیکوف
بیکقطعه نشان شیر و خورشید از درجه اول مفتخر و سایر صاحبمنصبان روس که همراه معزی الیه بودند هر یک
علی قدر مراتبهم نشان مرحمت شد و مراجعت کردند میرزا عباسخان منشی اول وزارت امور خارجه بمنصب نیابت
وزارت امور خارجه سرافراز گردید روضه مطهره حضرت معصومه سلام الله علیها و مناره و پلهای راه قم همه
مرمت شد اللهوردیخان یاور توپخانه بمنصب سرهنگی توپخانه سرافراز گردید آقا محمد حسن مهردار بیکقطعه نشان
تصویر مبارک مکلل بالماس مفتخر گردید محمد ابراهیمخان سرتیپ افواج ثلاثه اصفهان بلقب سهام الملک و خلعت
همایون مفتخر شد جعفرخان والی پنجم ذیحجه مرحوم شد میرزا حسن برادر میرزا حسین سررشته دار قورخانه

مبارکه

مبارکه بمنصب جبه‌دارباشیگری سرافراز شد سردار علیخان سیستانی بمصاهرت نواب بهرام میرزا معزالدوله مباشرت کرد :
همدر این سال بر آبادی شهر دارالخلافه خیلی افزوده شد (چین) کشتیهای جنگی این دولت با وجود عدم استحکام بعد از
استقامت در مقابل سفاین جنگی انگلیس و خسارت کلی بآنها رسانیدن بالاخره شکست یافتند جزیرهٔ هونان را
در محاذی کانتن مامورین فرانسه و انگلیس متصرف شدند و بشهر کانتن حملات پی در پی برده بعضی از سنگرهای
خارج شهر را متصرف شدند اروپا (اسپانیا) شورش سختی در مالاگا بهیئت آوردن جمعی از شورشیان در
پای تخت در ایالات ... ایضاً شورش عزل ناروائز و نصب امیرال ادیر تولد پسری از ملکه موسوم بالفنس دوانقانه
ابرا دولت ... رسیده است که بعرض و عمقش بیفزایند تا کشتیهای بزرگ بآسانی در آنجا سیر نمایند جمعیت
تمام اسپانیا در این سال بیست و دو کرور و سیصد و چهل هزار نفر میباشد (المان) ایجاد قانون تجارتی بجهت تمام
ممالک المان هنگام سفر اعلیحضرت امپراطور اطریش بممالک ایطالیای متصرفی خود ژنرال رادتسکی سردار پیر که فی الواقع
فتوحات این ایالات بدست او شده بود از منصب حکمرانی استعفا نمود و حکومت ایالات مذکوره منتقل
بماکسیمیلین برادر امپراطور میگردد در مملکت پروس طایفه یهود را منع میکنند که قانون دولت تحصیل نمایند افتتاح
راه آهن از میلان بورونیز اعلیحضرت پادشاه پروس که بشدت ناخوش اند اختیار سلطنت را موقتاً سه ماهه برادر
کهتر خود که سن شصت و سالی کوچکتر است و ولیعهد میباشد واگذار میکنند و این سه ماه چندین مرتبه تجدید یافت (انگلیس)
عزل وکلای ملت بواسطهٔ اختلافی که با رجال دولت داشتند تعیین وکلای جدید که اغلب با لرد پالمرستن صدراعظم
خیالشان مطابق است فرمان اعلیحضرت پادشاه انگلستان در مجلس قرائت شد که پرنس آلبرت شوهر این پادشاه
بعد از این مخاطب به پرنس شوهر خواهد بود گفتگوی مصالحه بین جناب امین الملک فرخ خان و لرد کولی سفرای
کبار دولتین ایران و انگلیس در پاریس شورش عسکر انگلیس در بنگاله بواسطهٔ دخالت دولت در طریقه ملتی و مذهبی
آنها این شورش باغلب نقاط هندوستان سرایت نموده قتل و غارت زیاد نمودند و حساب نسبت باهالی انگلیس میشود
در دهلی یاغیها یکی از اولاد سلاطین گورکانیه خودشان را بپادشاهی بر میدارند افواج انگلیس را در کلکته یراق
چینی میکنند قشون مملکت انگلیس عود و گو نمود بدولت انگلیس میشوند در ناحیه گاون پر علی الخصوص نیناصاحب
رئیس آنها کمال وحشیگری را نسبت باهالی انگلیس مینمایند جنگ سخت یاغیها در حوالی اگره در بمبئی طایفه سیک
از طوایف هند نسبت بانگلیسها ملحق میشوند شهر دهلی بعد از زحمت زیاد و خونریزی بسیار مفتوح گردید و در این
جنگ خیلی از قشون انگلیس تلف شد پادشاه دهلی که نود سال داشت در حین فرار دستگیر شده دو پسرش اسیر و مقتول
گردیده و اغلب شاهزادهها خانواده سلطنت را در دهلی هلاک ساختند تصرف دولت انگلیس جزیره پریم را در دریا
لحم مابین عدن و مخا موافق عهدنامه که با دولت دانمارک بسته شده اند دولت حق دارد بعد از این در بنادر داخله
مملکت انگلیس قونسول روانه کند کشتیهای جنگی انگلیس در این سال هشتصد و چهار فروند بوده است (ایطالیا)
قشون اطریش بعد از هشت سال توقف در ایالت پاپ بیرون رفتند در شهر لیورن مردم بنای شورش
دارند محرک جمیع شورشیان مازینی است مسافرت حضرت پاپ بفلورانس شروع بکندن دالانی از عرض کوه منسینی
بجهت راه آهن از خاک فرانسه بایطالیا در افتتاح انبار بزرگ پادشاه ساردین و کنتو را مانول و پرنس ناپلئون
برادر زاده امپراطور فرانسه حضور داشتند (پرتوغال) پادشاه پدرو پنجم شخصاً افتتاح مجلس پارلمنت میکند در
لیزبن پای تخت خطای زرد و حصبه باعث هم رسانیده جمعیت زیادی را میکشد (بلژیک) عروسی دختر پادشا

صدراعظم

شاهزاده

شاهزاده خانم شارلت با برادر امپراطور اطریش ماکسیمیلین (دانمارک) طایفه اسکاندیناویه که بیشتر اهالی سوئد
و نروج و دانمارک از اینطایفه هستند میل باتحاد دول ثلاثه تحت سلطنت یک پادشاه دارند و پادشاه سوئد را
بجهة اینکار انتخاب نمودند وحشت پادشاه دانمارک از اینفقره و نوشتجات رسمی بدربار دول فرنگ فرستادن و
اظهار وحشت نمودن اجزای مجلس شورای ایالت اسلشویک وضع قانون ایالت خود را بسبک المان طالبند و مضایقه
در دادن مالیات بدولت دانمارک مینمایند بهم زدن حاکم اسلشویک بحکم پادشاه دانمارک مجلس شورای این ایالت را
مطالبه مالیات از رعیت و دولت اطریش و پروس از این عمل ناراضی اند دولت روس با پادشاه دانمارک مساعد
همایست (روس) امپراطور روس در صدد آزاد کردن رعایای روس است که نسلب نجبا و ملاکین و اربابان
خود حالت عبودیت داشتند برادر اعلیحضرت امپراطور روس قسطنطین که سمت امارت بحری دارد بر بنادر
نظامی دول فرنگ بسیاحت رفت علی الخصوص در تولن و شربورک بنادر جنگی و نظامی فرانسه ملاقات شاهزاده
معزی الیه با اعلیحضرت پادشاه انگلستان عهدنامه تجارتی با ژاپن عروسی کراندوک میشل برادر کهتر اعلیحضرت
امپراطور با شاهزاده خانم سیسیل دختر والی باد افتتاح راه آهن از پطربورغ بورشو (سوئد) پادشاه اینمملکت بواسطه
سوء مزاج قدرت بسلطنت نداشت پسر خود را که ولیعهد بود بنیابت سلطنت مقرر داشت (سویس) جنگ با
پروس بواسطه میانجیگری فرانسه مبدل بصلح شد پادشاه پروس از داعیه سلطنت شهر نفشاتل که متعلق
بسویس است دست کشیده حتی تنخواهی را که از سویس مطالبه مینمود از آن تنخواهم صرف نظر نمود عهدنامه بامضای
طرفین و بامضای جمیع دول فرنگ در پاریس منعقد گردید (عثمانی) در مصر تغییر وضع وصول مالیات سفر والی
مصر بسمت سودان تعیین مخارج معین برای شخص والی والی باین راضی نشد که یکدسته از علمای انگلیس و فرانسه و المان
که بجهة انکشاف سرچشمه نیل بمصر آمده بودند جلالت خود را در اجرای اینعمل بانجام رسانند در تونس قتل یکنفر
یهودی که بدین اسلام بی احترامی کرده بود والی قدیم ملداوی شیکا که در اینوقت در پاریس بود خود را میکشد
عیسویان هرزگوین و بسنی و آلبانی که از طرف مسلمانها با آنها صدمه میرسد مهاجر میشوند (بقیه مسئله شرقیه)
الحاق با ایالت ملداوی بولگراد را واگذاشتن بدولت عثمانی جزیره ماران را واختیار مصب رود دانوب را
بقرار نکبز بزید دولت عثمانی تخلیه قشون اطریش ایالات افلاق بغدان را موافق عهدنامه که موسوم بعهدنامه
پاریس است حق روس و عثمانی در سمت ابو پا لیس عرب که خواهد بود سفیر بلژیک مقیم در دربار عثمانی متهم
باین شد که اهالی افلاق بغدان را محرک شده که پسر کهتر پادشاه بلژیک را بسلطنت خود اختیار نمایند عزل
رشید پاشای صدر اعظم صدارت عالی پاشا قطع مراوده ایلچیهای فرانسه و انگلیس و اطریش و روس با وزارت
خارجه عثمانی بطول یکمدت دول انگلیس و اطریش عهدنامه مخفی میبندند مسافرت ناپلیون امپراطور فرانسه
بانگلیس و ملاقات او با پادشاه انگلستان در قصر ازبرن تجدید مراوده سفرای مذکور بفاصله چهارده روز
با وزارت خارجه عثمانی ملاقات ناپلیون و امپراطور روس در اشتوتگارد پای تخت مملکت ورتمبرک در عمارت
سلطنتی پادشاه آنجا و ملاقات امپراطور روس و اطریش در ویمار (فرانسه) قتل کشیش بزرک پاریس
سیبور نام بدست یکی از کشیشها در حین پیشرفتن هنگام عبادت در کلیسای سنت اتین ایجاد قانون جلب
نظامی صدهزار نفر قشون ذخیره فرانسه هنگام صلح حاضر خواهد بود هر سیصد و بیست نفر از رعایای فرانسه حق
فرستادن یک وکیل بدار الشوری دارند در لندن ماتینی نام ایطالیائی محرک جمعی است که ناپلیون امپراطور

فرانسه را

فرانسه را تقبل رسانند دولت فرانسه مابین دول پروس و سویس میانجی شده پرنس ناپلیون بسمت میانجیگری به برلن
پای تخت پروس رفت و آمیته برادر امپراطور روس قسطنطین و پادشاه باویر بپاریس فوت ژنرال کاوینیاک فجأة
ماموریت بیست و پنجهزار قشون بسر بادی ماکماهون بجنگ طوایف صحرانشین قبطیه امتداد سیم تلگرافی بحری از
مارسیل بالجزایر جمعیت الجزایر است صد و شصت و هفتهزار و ششصد و هفتاد نفر امداد شده است در جزیره فرنگی کرده
ماداکاسکر فرانسه‌ها را از پای تخت آنجزیره اخراج میکنند عهدنامه تجارتی و دوستی با دولت سیام الساحتی
راهی از زیر دریای مانش مابین فرانسه و انگلیس فوت شاعر معروف الفرد موسین تعداد نفوس جمعیت فرانسه هفتاد
و دو کرور و سی و نه هزار و سیصد و شصت و چهار نفر رسیده **امریکا** (۲ اتازونی) قحط و غلای سخت در ایالات
مشیگان در شهر نیویورک منازعه سخت و خونریزی مابین قشون دولت و احتساب شهری کمی پول تجارتخانه‌ها بانک‌ها
و بستن از دادن پول بیرات دارمضا بقرنمودند (مکزیک) شورش سخت در این ایالت علی الخصوص در ورواکروس
(بنکی دیناژ جنوبی) شدت مرض تب زرد در منت و یدو

سنه ۱۲۷۴ هجری سنه ۱۸۵۷ مسیحی

آسیا (۱ ایران) در این سال کما فی السابق کلیه توجه خاطر خطیر همایون با نظام امور کشور و لشکر و اشاعه عدل است
میرزا محمد منشی کری مهام خارجه استراباد و با عطای یکقطعه نشان از درجه دویم سرهنگی سرافراز شد علیقلیخان
بمنصب بیگلربیگی تبریز مفتخر کردید قلعه خرم آباد و باغ علی آباد دوباره آباد شد حسنخان سرکرده سواره قراپاپاق
بیکقطعه نشان اول سرهنگی و حمایل آن سرافراز کردید حرم مطهر حضرت رضوی علیه السلام را آیینه کاری کردند
یکقطعه نشان تمثال همایون مکلل بالماس از درجه اول برای جناب کنیاز الکسندر باریاتنسکی جانشین ممالک قفقاز
اهدا و انفاذ شد در شب ششم شهر صفر المظفر جشن مولود همایونی در همه جا باشتها شکوه کرفته شد حاجی جابرخان
حاکم محمره بمنصب میرپنجگی و پانصد تومان اضافه مواجب و خلعت همایون سرافراز کردید راه خیابان مازندران را
حسب الامر تعمیر نمودند میرزا فضل الله وزیر نظام پیشکار آذربایجان بیکقطعه نشان تمثال همایون سرافراز کردید
غلامحسینخان سپهدار حکمران کرمان نیز بیکقطعه نشان تمثال بیمثال مفتخر شد علیقلیخان میرپنجه بمنصب
اجودانباشیکری کل عساکر نظام برقرار آمد محمد اسمعیل خان چاپارچی باشی ملقب به بشیر الدوله شد میرزا سید محمد
پسر میرزا صادق لشکرنویس بمنصب لشکرنویسی سرافراز شد در اوایل عشر دویم ربیع الاول نواب مستطاب
شاهنشاهزاده امجد اعظم امیر محمد قاسمخان را ولایتعهد دولت ابد مهد عنایت فرمودند میرزا حسینخان
حاکم عراق بیکقطعه نشان اول میرپنجگی با حمایل آن مفتخر کردید یکقطعه نشان اول سرتیپی با حمایل بنواب
محمد رحیم میرزا حاکم خوی و سلماس مرحمت فرمودند آقا محمد حسن مهردار در بیست و یکم ربیع الثانی مرحوم و مناصب
او باقا عبدالله رخت‌دار باشی پسر مرحوم و رخت‌دارباشیکری با آقا ابراهیم برادرزاده آنمرحوم اعطا شد
حسینقلیخان سرهنگ فوج عجم مرحوم و محمد علیخان ولد ارشد آنمرحوم بسرهنگی فوج مزبور سرافراز شد میرزا
علی پسر مرحوم میرزا ابوالقاسم قایم مقام بمنصب استیفا مفتخر کردید رواسنکل ملایم سر مبارک در دارالفنون را در
ماه جمادی الاولی بنواب اعتضاد السلطنه واکذار و نواب معظم الیه را بخلعت همایون سرافراز فرمودند علیخان سرتیپ
افواج قراکوزلو بمنصب میرپنجگی و خلعت همایون مفتخر کردید جعفرقلیخان ایلخانی بیگلربیگی استراباد بیکقبضه شمشیر
مکلل بالماس سرافراز شد یکقطعه نشان تمثال همایون با فتخار صدیق توبی امام مسقط اعطا و ارسال مسقط کردید

جناب مسیو دو بنشون وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت فرانسه مأمور باقامت در دربار دولت علیه وارد دار الخلافه تهران شد
و مسیو قنسول شارژ دافر فرانسه که مرخص و روانه بود بیکقطعه نشان از درجهٔ اول و لحاف جبه با حمایل سبز و یکطاقه
شال رضائی نایل گردید حبیب خان اصفهانی در صنعت تفنگ سازی خیلی ترقی کرده میرزا عبد الوهاب خان شیرازی
(جناب نصیر الدوله) بنیابت وزارت امور خارجه و خلعت همایونی نایل گردید میرزا سید رضی سررشته دار کرک
بنیابت کل کرکخانهای ممالک محروسه برقرار گردید رکن الدین میرزا امیر توپخانه در ماه رجب مرحوم شد
در این اوقات حسب الاشاره علیه حکمی نظامی جناب صدر اعظم جهت تعیین بعضی حدود و قوانین برای اهل نظام ترقیم
نموده صدر آن موشح بدستخط جهانمطاع همایون گردید نواب حسام السلطنه حکمران خراسان مفسدین ترکمانان
سرخس و مرو را تنبیه نمودند
شب یکشنبه پنجم شهر شعبان شش ساعت و سی دقیقه از شب گذشته آفتاب از برج حوت بحمل تحویل نموده
مراسم جشن عید از سلام وغیره با کمال شکوه بعمل آمد شب پانزدهم شعبان که مولود مسعود حضرت صاحب الامر
عجل الله تعالی فرجه میباشد بامر همایون مقرر و مرسوم شد این روز را عید و جشن دولتی بگیرند محمد رضا بیک
پسر مرحوم محمد رضا بیک یاور توپخانه بمنصب سرهنگی توپخانه سرافراز گردید عیسی خان والی بحکمرانی اصفهان
مأمور شد نواب نصرة الدوله را بحکمرانی عراق مفتخر فرمودند میرزا ذو الفقار خان حاکم قم بیکقطعه نشان اول
میرپنجی با حمایل آن سرافراز گردید و میرزا ابو القاسم خان ولد معزی الیه بانشاء دیوان اعلی برقرار شد نواب عماد
الدوله حکمران کرمانشهان باعطای یکقطعه کل کمر مکلل بالماس مفتخر گردید عمل چاپارخانهای ممالک محروسه بحسینخان
سرتیپ محول گردید نمونه از تلگراف از عمارت سلطنتی شهر الی باغ لالهزار بمراقبت مسیو کرشیش معلم توپخانه ایجاد شد
و معلم مشار الیه بیکرشته حمایل سفید سرهنگی و خلعت همایون مفتخر گردید حسینقلیخان بختیاری بیکثوب جبه
ترمه و یکقبضه شمشیر ته غلاف طلا مباهی شد حسینعلیخان معیر الممالک وفات نمود و منصب خزانه داری و معیر
الممالکی را بدوستعلیخان ولد آن مرحوم مرحمت فرمودند امیرزاده علیقلی میرزای سرتیپ حاکم سنقر و کلیائی بیکقطعه
نشان اول میرپنجی و یکرشته حمایل آن سرافراز شد جناب نظام الملک بوزارت و پیشکاری شاهنشاهزاده
اعظم امیر قاسمخان ولیعهد دولت علیه مفتخر گردید آقا عبد الله ولد مرحوم آقا محمد حسن صندوقدار را حسب الامر
باسم پدر نامیدند اشرار تراکمه سرخس که دم از خودسری میزدند نواب حسام السلطنه حکمران خراسان با عساکر
نصرت مآثر آنها را تنبیه و تهدید نموده بر سر اطاعت آوردند نواب رکن الدوله اردشیر میرزا حکمران آذربایجان
بیکقطعه نشان اول امیر تومانی با حمایل آن و یکهزار تومان اضافه مواجب سرافراز شد میرزا فضل الله
وزیر نظام و وزیر آذربایجان نیز بیکقطعه نشان اول امیر تومانی و حمایل آن و یکثوب جبه ترمه شمسه مرصع
مفتخر گردید میرزا مصطفی قلی مستوفی و پیشکار محاسبات آذربایجان بیکقطعه نشان اول سرتیپی و حمایل قرمز
و خلعت همایون نایل گردید صنعت خباز آذربایجان را از مالیات معاف فرمودند میرزا فضل الله نایب ایشیک
آقاسی باشی بمنصب بیگلربیگی تبریز و لقب خانی و خلعت همایون مفتخر گشت میرزا نصیر کدخدا باشی سابق تبریز
بمنصب مستوفی گری آذربایجان برقرار شد مسیو کرشیش معلم و سرهنگ توپخانه بمنصب سرتیپی نایل گردید
میرزا محمد علی مباشر امور خارجه گیلان بیکقطعه نشان دویم سرهنگی و خلعت همایون سرافراز شد
روز هیجدهم ذیقعدة الحرام طایر روح شاهنشاهزاده اعظم امیر قاسمخان ولیعهد دولت علیه پرواز بجنان

برین

برپا نمود و در زاویه مقدسه حضرت شاهزاده عبدالعظیم علیه السلام بقعه مخصوص بنا کرده مدفون نمودند جناب
فرخ خان امین الملک ایلچی کبیر دولت علیه مامور باقامت در پایتخت اسلامبول شد یک راس اسب عربی خاصه با یراق مکلل
بجواهر بجناب صدر اعظم مرحمت فرمودند حاجی حسینخان بروجردی بنیابت اول ایشیک آقاسی باشی سرافراز شد
(چین) حاکم ایالت کانتن یه نام و سپهسالار چین از طایفه تاتار بدست عساکر انگلیس محبوس گردید حاکم مزبور که
بکلکته بمجلس فرستاده میشود معترف باین است که در این چهار سال که از طرف دولت چین مامور بحکومت این ولایت است
شصت هزار نفر آدم از رعیتها را بقتل رسانیده است مامورین فرانسه و انگلیس بامید اینکه بلکه بتوانند با دربار پکن گفتگو
نمایند تا کیانگ سو میروند گفتگوی بی فایده در مصالحه بعد از آنکه امید از مصالحه عساکر فرانسه و انگلیس در خلیج پیش
شلی وارد میشوند در این خلیج رودخانه پیهو که یکشعبه اش از میان شهر پکن پای تخت میگذرد چینیها در ساحل این
خلیج و دهنه این رودخانه قلعه جات خیلی سخت محکم دارند بعضی از قلعه جات آنها را که صد و سی و هشت توپ بادو داشتند
عساکر متفقه گرفتند دهنه رودخانه بدست آمده بالا رفته شهر تین سین را هم متصرف شدند مامورین روس
در این مقدمه عهدنامه دوستی با دولت چین منعقد کرده جمیع بنادر چین را از برای سفاین روس باز و آزاد داشته
در سمت رود آمور تقریباً پانصد میل مسافت از سرحد سیبر ضمیمه مملکت روس شده بعد عهدنامه چینیها در تین سین
با فرانسه و انگلیس بستند سفرای انگلیس و فرانسه در پکن و سفرای چین در لندن و پاریس متوقف خواهند بود ده
کرور تومان پول ایران خسارت دولت چین بدولت انگلیس خواهد داد و سه کرور بفرانسه مسافرین و سیاحان
فرنگ در چین آزاد خواهند بود که در جمیع ممالک چین گردش کنند مذهب عیسوی در تمام ممالک چین محترم خواهد
بود تجارت تریاک حق فرنگیها خواهد بود (ژاپن) عهدنامه تجارتی با ناتوتی و انگلیس و روس و فرانسه امریکا
(اسپانیول) اختلافات را مابین وزرای پادشاه انگلستان با کمال سختی با دولت اسپانیا در خرید و فروش سیاهان
گفتگو دارد افتتاح راه آهن از مادرید به آلیکانت (المان) فوت مارشال رادیتسکی قرض دولت اطریش در این
سال معادل هزار و دویست کرور تومان پول ایرانست تولد پسری از امپراطور اطریش در میلان ایطالیا متصرفی
دولت اطریش اهالی بنای شورش گذاشته آشکارا سلطنت ویکتور امانوئل پادشاه ساردین را طالبند پسر پادشاه پروس
دختر بزرگ پادشاه انگلیس را بازدواج خود در آورد افتتاح راه آهن از کبیر برک شهر پروس الی سرحد روس پرنس
گیوم برادر پادشاه پروس مستقلاً بدون تردید بدون تعیین وقت بنیابت سلطنت بواسطه سوء مزاج پادشاه
که برادر بزرگش برقرار میشود (انگلیس) عزل وزراء ویک و نصب وزرای طایفه توری بریاست لرد دربی پادشاه
گورکانی دهلی را حبساً بجزیره آندمان میفرستند حکومت و فرمانفرمائی هندوستان که تا آنزمان متصرف کمپانی
بوده باختیار دولت لرد پالمرستن در اواخر صدارت و لرد دربی در اوایل صدارت در ظرف این سال تکلیف بدولت
میکنند که اینوضع کمپانی را موقوف داشته هندوستان را یکی از ایالات معتبره معظم انگلیس تصور نمایند و یک وزیری
بسمت وزارت هندوستان در دستگاه وزرا مقرر شود سرکامپل بامداد راجه نپال با پنجاه هزار قشون شهر لکهنوی
هندوستان را متصرف در آورد بیست و پنج هزار نفر از رعیتها بسمت نپال فرار کردند بجهت فتوحات نمایان
کامپل سپهسالاری هند و لقب لرد که لقبی است از طرف دولت انگلیس باو داده میشود لرد استنلی که تا آنوقت که از طرف کمپانی
حکومت هند داشت بسمت فرمانفرمائی و نیابت سلطنت در هندوستان برقرار شد در جزیره نول کالدونی متعلق
بانگلیس معادن طلای خیلی با مکنت منکشف شد مجلس لردها بعد از هفت سال گفتگو بالاخره قبول کردند که از طایفه

یهود

هود در مجلس پارلمنت بسمت وکالت رعیت جهود هم بساند رچیلد صراف معروف یهودی در مجلس قبول شد دُزنا
از اهالی المان ایجاد روزنامه تلگرافی عمومی نموده (ایطالیا) گاوور صدر اعظم ساردین مصر بر اینست که باید با فر
اتحادی داشت (پرتوغال) ازدواج پادشاه با یکی از شاه
خانمهای پروس (بلژیک) دولت در صدد ساختن قلعهٔ محکمی در بندر آنورس برآمد (روس) انعقاد مجلسی بحکم اعلیحضرت
امپراطور بجهة آزاد نمودن رعایا در مملکت روس آنچه بتعداد آمده صد و نه هزار را بانسبت این عده هزار و چه
نفر از هزار الی ده هزار رعیت دارند که این رعایا بمنزلهٔ مملوک هستند خرید و فروش میشوند و فی الواقع اعلیحضرت
امپراطور روس جمعیتی که مشتمل بر چهل و یک کرور و دویست و پنجاه هزار نفر بود آزاد کرد که در حقیقت رعایای مملوک بحکم
امپراطور آزاد شدند (سوئد) بواسطه یافتن سنجی قسمت عمده از پای تخت میسوزد (سوئیس) افتتاح راه آهن
ژانویه بنو آن (عثمانی) خیال اتحاد با الینی و الاشی و ملداوی (افلاق بغدان) در تحت یک حکومت چون از برای
اقتدار روس در این نواحی بیشتر مفید بود دولت عثمانی قبول ننمود با بتوسط باز مابین روس و عثمانی نزدیک
مراوده شد لهذا مجلس شورای مجددی در پاریس از مامورین جمیع دول منعقد گردید بعضی قرارهای جدید در عمل اف
افلاق بغدان و قراداغ عثمانی و بعضی جاها گذاشته شد سر هانری بلور سفارت انگلیس در دربار عثمانی بجای
لرد ربکلیف برقرار شد فوت رشید پاشا نجاة شورش سخت در اهالی هرزگوین و منتنگرو در بسیی فتوحات ع
پاشا با اعراب بدوی در حوالی بغداد باریدن باران سخت در شامات و خرابی سایبان در جزیره کاندی بجهة
مالیات اهالی شوریدند مسلمانها عیسوی زیادی در این جزیره بقتل رسانیدند در بندر جده فرنگی زیاد بقتل رس
من جمله قونسولهای انگلیس و فرانسه بودند کشتیهای جنگی دولتین فرانسه و انگلیس بضرب گلوله نار بجلب خرابی باد
بجده وارد می آورند دولت عثمانی جمعی را بجهة تحقیق این فقره مامور بجده نموده ده نفر از مقصرین با کمک مجراء مردم
در این قتل و غیره بسیاست آورده میکشند ایجاد مجلس وکلای ملت در بلگراد و سروستان و وکلای ملت نیز با لتع
قادار از آرش را طالبند که از طرف دولت عثمانی والی بوده و نصب ابن نوبیچ و لیعهد مصر احمد پاشا پسر ابراهیم پاش ژوئیه
در نیل غرق شده هلاک میشود در تونس ایجاد یک بانک ایجاد اول راه آهن در خاک عثمانی از ازمیر به آیدین (فرا
جهانی اهالی ایطالیا اگر رئیس آنها ارسینی نام بود قصد قتل ناپلیون امپراطور فرانسه کردند و شبی در مدخل
تماشاخانه نزدیک سه نار بجلب بسمت امپراطور انداخته شد صد و پنجاه و شش نفر مجروح و هشت نفر مقتول
با امپراطور نیز زخمی وارد آمد موافق فرمان امپراطور ناپلیون در زمان غیبت اعلیحضرت ایشان از فرانسه بنایب
سلطنت با امپراطریس خواهد بود ژنرال شانگارنیه و ژنرال بدو که از خاک فرانسه اخراج شده بودند اجاز
یافتند که وارد شوند سفارت کبرای دولت دالاکف با انگلیس از برای تزیین شهر پاریس در ظرف ده سال تقریباً
سی و شش کرور تومان ایران خرج شود که از این مبلغ ده کرور دولت خواهد کرد مابقی را اهل شهر فوت ماد
کنت د پاریس نوه لوئی فیلیپ پادشاه فرانسه و ولیعهد او در انگلیس وزارت الجزایر و تمام ممالکی که دولت فرانسه در
خارج از مملکت فرانسه مالک است بپرنس ناپلیون عموزاده امپراطور مقرر شد حکومت ژنرال ماکاهون بر الجزایر مملکت
سپام قبول قونسول فرانسه نمود جزئی کدورتی با دولت پرتوغال تر صنیر خواستن دولت پرتوغال و عفو دولت
بجهة جمع مجمع البحرین سوئز کمپانی ایجاد در پاریس افتتاح استقراض کرد آمدن پادشاه انگلستان نشر بورغ برسند
فرانسه و ملاقات نمودن با امپراطور فرانسه فوت ژاشل بازی که معروف (یونان) ایجاد موزه در آتن پای تخت

دولت

دولت مزبور و زلزله در آتیک خرابی شهر کورنت بواسطه زلزله جزیره کورفو را انگلیس مایل بسپردن است لیکن اهالی جزیره
زیادتر میل دارند که جزو یونان باشند **افریقا** در شمال دماغه امید چندین سال قبل از ملل مختلفه فرنگ علی
الخصوص هلاندیها در سواحل و خانه ترانسوال سکنی گرفتند و بیست و دو سال بود دولت انگلیس لاینقطع با آنها
در منازعه بود بلکه آنها را جزو رعایای خود در افریقا داردنماید ممکن نشد تا در اینسال دولت انگلیس این جمهوری مختصر را
شناخت جمهوری ترانسوال بُسهُف نام هلاندی بانتخاب عامه اهالی ترانسوال مدت هفت سال ریاست یافت **امریکا**
(اتازونی) اختراع وضع تلگراف جدید بتوسط دکتر مُرس از اهل اتازونی که باسم همان شخص این تلگراف الحال موسوم است
دولت انگلیس چهل هزار تومان انعام و حق السعی باین شخص میدهد (ینکی دنیای جنوبی) شورش سختی در جمهوری
پرو و دفع آن (بروزیل) ابتدای راه آهن جدید موسوم براه دُن پِدرُ (ینکی دنیای شمالی) بعد از دو مرتبه تلاش
بیهوده در مرتبه ثالث مابین والانسیا شهر ایرلند انگلیس و سنت ژان شهر ینکی دنیائی امتداد سیم تلگراف بحری شد
اول مخابره تلگرافی تهنیت آمیز مابین رئیس جمهوری اتازونی و پادشاه انگلستان بود و وقتیکه در ساعت شهر والانسیا
دو ساعت و چهل و پنج دقیقه از ظهر گذشته بود در شهر سنت ژان انگلیس ظهر و اختلاف فوق باینقدر اما
بزودی این سیم بحری پاره و قطع مراوده مابین اروپ و ینکی دنیا کردید

سنه ۱۲۷۵ هجری   سنه ۱۸۵۸ مسیحی

آسیا (ایران) در این سال خیر مآل ذات اقدس همایون بنفس نفیس مبارک غور و تعمق در کلیه امور دولتی و ملکی
میفرمایند ریاست دفترخانه وزارت امور خارجه را بمیرزا محمد از اجزای وزارت خارجه داده و با عطای نشان شیر و
خورشید از درجه اول سرهنگی با حمایل آن مفتخر کردید معلمین مدرسه دار الفنون ترقی کلی کرده اند جناب مسیو
انیچکوف وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت روس مامور باقامت دربار دولت علیه وارد دار الخلافه شد پذیرائی
رسمی از معزی الیه بعمل آمد میرزا زکی معلم و یاور توپخانه بمنصب سرهنگی توپخانه مفتخر کردید بیستم شهر محرم
الحرام بموجب دستخط مبارک جناب صدراعظم از صدارت عظمی و نظام الملک وزیر لشکر از مناصب خودشان
معزول شدند و بعد از عزل صدراعظم شش وزارتخانه در دربار دولت علیه ترتیب و تشکیل یافت اول وزارت
داخله دویم وزارت خارجه سیم وزارت جنگ چهارم وزارت مالیه پنجم وزارت علیه ششم وزارت وظایف و اسامی
وزرا و القاب هر یک از اینقرار است جناب میرزا محمد صادق قایم مقام بلقب امین الدوله و وزارت داخله سرافراز
شد وزارت خارجه کما کان بعهده جناب مؤتمن الملک میرزا سعید خان است جناب میرزا محمد خان کشیکچی باشی بلقب
جلیل سپهسالاری و وزارت جنگ مفتخر کردید و وزارت مالیه برعهده کفایت جناب اجل آقا میرزا یوسف مستوفی
الممالک مفوض آمد جناب عباسقلیخان والی جوانشیر ملقب بمعتمد الدوله شده و وزارت علیه بعهده ایشان محول
کشت وزارت وظایف و اوقاف بعالیجاه میرزا فضل الله نصیر الملک یافت و میرزا عنایت الله امین لشکر کما کان مشغول
ضبط و ربط دفتر لشکر خواهد بود در امور مهمه قرار بشوری افتاد و امضای کلیه امور خاص بنفس نفیس همایون کردید
و بدون استیذان و اجازه از جانب سنی الجوانب حکمی نفاذ نمی یابد حاجی محمد خان پیشخدمت خاصه بجای والد
مؤلف منصب فراشباشیکری و لقب حاجب الدولکی یافت منصب ریاست مجلس شوری را بمیرزا جعفر خان مشیر
الدوله مرحمت فرمودند میرزا باقر برادرزاده میرزا آجانی بلشکر نویسی فارس مامور شد حساب یزد و بروجرد
برعهده میرزا رفیع مستوفی مفوض کردید یحیی خان (جناب مشیر الدوله) بمنصب آجودان مخصوص و مترجمی حضور

باهر

باهر النور و خلعت همایون سرافراز کردید بجشن مولود همایونی در ششم صفر مبارک گرفته شد محمد را بیشال از
قله دماوند ذاکر رفتند و معلوم شد از سطح طهران پنجهزار و پانصد و نود ذرع و از سطح دریا ششهزار و ششصد و
ذرع است حاجی میرزا علی اکبر قوام الملک با بعضی از بستگان خود بدربار همایون آمده بعد از رخصت انصراف بحمایل و
و خلعت همایون نایل و همراهانش نیز بمناصب و خلاع همایونی سرافراز شدند سفیری بسمت شارژ دافری دولت بلجیک
بدار الخلافه باهره آمد میرزا ابراهیمخان بمنصب سرتیپی اول و حمایل و نشان آن سرافراز شد میرزا حسن الله باشی بمنصب
ریش سفیدی در بحر مخانه و خلعت همایونی سرافراز شد مصطفی قلیخان حاکم سبزوار بخلعت همایون و یکقبضه شمشیر
غلاف طلا نایل گردید بکتوب عبای ترمه جبه جناب شیخ عبد الحسین مجتهد ارسال عتبات شد برای جناب حاجی سید جواد امام
جمعه کرمان نیز یکقبضه عصای مرصع ارسال کردند جانمحمد خان سرهنگ فوج خلج ساوه بمنصب سرتیپی سیم سرافراز ش
حسینخان نظام الدوله بمنصب امیر تومانی منصوب شد جناب فرخ خان امین الملک سفارت کبری و ماموریت خود را
بپایان رسانده در ماه ربیع الاول وارد دار الخلافه شرفیاب حضور همایون شده یکقطعه کل کمر مرصع ممتاز و یکثوب
جبه ترمه کشمیری حاشیه دار از ملابس خاصه مخلع و سرافراز گردید میرزا شفیع شیرازی بمنصب استیفا سرافراز شد دیوان
عدلیه در تمام ولایات برقرار فرمودند یحیی خان اجودان مخصوص و مترجم حضور همایون بیکرشته حمایل سفید از مرتبه
سرهنگی سرافراز شد میرزا ملکم خان سرهنگ تاماژر که بمنصب مستشاری در سفارت جناب امین الملک با او پاما
شد بمنصب سرتیپی و نشان و حمایل مخصوص این رتبه مفتخر گردید نواب شاهزاده بهرام میرزا را بلقب معز الدوله مفتخر
و بصاحب اختیاری مملکت آذربایجان و یکقطعه نشان مکلل بالماس از مرتبه امیر تومانی با حمایل آن سرافراز فرمودند
و عزیزخان سردار کل را بنشان و حمایل و خطاب اتابک سابقا داشت مجددا برقرار و ریاست کلیه و نظم امور مملکت و قشو
آذربایجان را بعهده معزی الیه موکول فرمودند میرزا ابو القاسم مستوفی بلقب معین الملکی ملقب گردید میرزا عباسخان
نایب وزارت خارجه بمنصب نیابت اول و لقب معاون وزارت امور خارجه و خلعت همایون سرافراز و مامور بکارگذاری
بالاستقلال مهام خارجه آذربایجان شد علیخان والی حاکم اصفهان با عطای لقب اعتماد الدولگی سرافراز گردید
و محمدتقی خان میرپنجه بلقب نبیل ناصر الملکی مفتخر گشت و انتظام مهام سواره نظام ملتزم رکاب بمعزی الیه تفویض شد
نواب حشمة الدوله را بحکمرانی خراسان و بکتوب عبای مفتول دوز نظامی تن پوش مبارک و بکرشته حمایل سبز و آبی
مخصوص منصب سرداری است سرافراز فرمودند میرزا محمد قوام الدوله وزیر خراسان بیکرشته حمایل سبز و قرمز از
مرتبه امیر تومانی نایل گردید میرزا جعفرخان مشیر الدوله را بیکقبضه عصای مرصع قرین اعزاز فرمودند فوج خلج
را بعبد الحسینخان برادر مؤلف مرحمت فرمودند جناب میرزا فتحعلیخان صاحب دیوان بحکومت مفتخر آمد هنگام
مراجعت جناب امین الملک سفیر کبیر دولت علیه ایران بعضی هدایا و تحف لایقه از جانب ناپلیون امپراطور فرانسه و دول
متحده امریکا و ساردین و بلجیک برای حضور باهر النور مبارک اهدا نموده بودند که در این اوان عز وصول
یافت محمد ولیخان قاجار بیکلربیکی سابق استراباد بمنصب سرداری قشون خراسان مفتخر گردید میرزا احمدخان
پسر مرحوم میرزا نقیخان امیرکبیر بمنصب سرتیپی سرافراز شد جناب فرخ خان امین الملک بوزارت حضور و مهر
داری مهر مبارک و ریش سفیدی و ریاست عمله خلوت برقرار گردید میرزا علیخان ولد میرزا مصطفی خان افش
بمنصب سرهنگی سرافراز شد نظر بموالات و اتحاد دولتین ایران و روس اعلیحضرت امپراطور روس یکقبضه
شمشیر مرصع برای اعلیحضرت همایون اهدا نمودند میرزا هدایت الله پسر نصیر الملک بمنصب استیفای وظا

ممالک محروسه برقرار کردید حاجی میرزا عبدالله خان ولد مرحوم میرزا نبی خان امیر دیوان بمنصب استیفای دیوان اعلی سرافراز شد ایجاد و امتداد سیم تلگراف از دار الخلافه باهره الی عمارت سلطانیه و از آنجا تا تبریز بمباشرت نواب اعتضاد السلطنه چهل و دو نفر از جوانان قابل ایران بریاست عبدالرسولخان نواده مرحوم صدر اصفهانی انتخاب شدند که در مدارس علمیه پاریس مشغول تحصیل فنون مختلفه شوند حسنعلی خان سرتیپ نژال اجودان حضور همایون بمنصب وزیر مختاری و ایلچیگری مخصوص دولت علیه ایران مامور باقامت دربار دولتین انگلیس و فرانسه کردیده بخلعت همایونی سرافراز شد و حاجی محسنخان سرهنگ بنیابت اول و میرزا صادقخان بنیابت دویم و نظر آقا بمترجمی اول سفارت مزبوره برقرار کردیدند شاگردان نیز سپرده بجناب حسنعلیخان وزیر مختار هستند میرزا عبدالرحیم خان بمنصب کارپردازی اول دولت علیه منصوب و باقامت تفلیس مامور کردیده باعطای یکقطعه نشان سرتیپی و حمایل و خلعت همایون سرافراز شد و میرزا عبدالوهابخان بمنصب نیابت اول کارپردازخانه تفلیس برقرار کردید نصرالله خان سرتیپ بیکقطعه نشان از درجه سیم سرتیپی سرافراز شد حکومت کرمان را بنواب کیومرث میرزا و وزارت کرمان را بمحمد اسمعیل خان مفوض فرمودند جناب میرزا حسینخان (سپهسالار اعظم مرحوم) بمنصب وزیر مختاری و اقامت اسلامبول و خلعت همایون سرافراز کردید و اجزای این سفارت از اینقرار است

(نریمانخان سرتیپ مستشار سفارت) (میرزا سلیمانخان پسر جناب مؤتمن الملک وزیر امور خارجه نایب اول) (میرزا حسن نایب دویم) (میرزا زمانخان بسمت قنسول ژنرالی مامور باقامت مصر) (میرزا مهدی مامور بکارپردازی ارزنة الروم) (میرزا حسین بمنصب کارپردازی مامور باقامت طرابزن) (حاجی میرضیاء الدین بمنصب کارپردازی شام)

یحیی خان پسر جناب حسنعلیخان وزیر مختار بسرهنگی فوج اول کروس سرافراز شد نواب عماد الدوله بیکقطعه نشان امیرتومانی و حمایل آن سرافراز کردید قوام الدوله وزیر خراسان نیز بیکقطعه نشان امیرتومانی مفتخر کردید اسدالله وزیر توپخانه سرهنگ توپخانه بمنصب سرتیپی سیم توپخانه برقرار شد حسنعلی خان سرتیپ افشار بیکقطعه نشان دویم سرتیپی و حمایل آن نایل کشت محمد باقرخان سرهنگ فوج ششم بیکقطعه نشان اول سرهنگی و حمایل سفید مباهی شد علیمرادخان پسر اسدالله خان سرتیپ فوج گوران چون ایام وفات اشرار آن سامان پدرش را غفلة بقتل رسانیدند و قاتلین او را کرفتند خون او بمنصب سرهنگی فوج مزبور برقرار شد شاهزاده احمد میرزا بحکومت کلپایکان و خوانسار رفت حاجی محسنخان قاجار بوزارت قزوین منصوب کردید کاظمخان سرهنگ فوج ناصریه بمنصب سرتیپی سرافراز کشته ایل حاجی علیلوی قراچه داغ را هم بمعزی الیه واکذار فرموده مقرر شد پنجاه سوار رشید خوب هم از ایلات قراچه داغ بکیرد و ابواب جمع او باشند روز دوشنبه شانزدهم شعبان قلیلی از طلوع آفتاب کذشته مهر جهانتاب ببرج حوت بحمل تحویل نمود سلام خاص تحویل در کلاه فرنکی و سلام عام نوروزی در تالار تخت مرمر اتفاق افتاد نواب والا نصرة الدوله را بحکومت دار الخلافه سرافراز فرمودند چون موکب همایون عازم سلطانیه است رای ایام غیبت اردوی معلی ریاست شئون متوقف دار الخلافه و قورخانه و جبه خانه را بجناب ناصر الملک تفویض فرمودند میرزای آذربایجان را بمیرزا عبدالرحیم میرزای آقاسی واکذار فرمودند روز دوشنبه بیست و هفتم شعبان نواب اشرف والا شاهنشاهزاده افخم کامران میرزا (نایب السلطنه امیرکبیر وزیر جنک) بنیابت سلطنت کبری و خلافت عظمی سربلند فرمودند حکمرانی فارس را بنواب حسام السلطنه تفویض داشتند روز بیست و نهم شعبان موکب مسعود همایون از مقر خلافت عظمی بعزم زیارت حضرت معصومه سلام الله علیها و تشریف فرمائی بسلطانیه انتهاض فرموده یافت آباد محل نزول اردوی معلی کردید جمعه چهارم رمضان تبریز ادراک

مخیم

مخیم اردوی همایون شد حاجی میرزا محمد خان دبیر مهام خارجه نایب اول وزارت امور خارجه بجهة انجام خدمات مفروضه و
تسویه قراردادهائیکه فیمابین ایلچی کبیر دولت علیه و اولیای دولت عثمانی در اسلامبول سمت اتمام یافته بسمت مأموریت
مخصوصه مأمور بغداد و مخلع گردید و میرزا علیخان (جناب امین الدوله) پسر معزی الیه بمنصب منشیگری وزارت امور
خارجه و اعطای مواجب سربلند و باتفاق مشار الیه روانه عراق عرب شد میرزا محمد صادق امین الدوله وزیر داخله بعلت
علت مزاج از منصب و خدمت معاف شد نواب والا فرهاد میرزا نایب الایاله بنشان و حمایل میرپنجی نایل گردیدند
امان الله خان والی کردستان بنشان درجه دویم سرتیپی با حمایل آن سرافراز گردید شب چهارشنبه نهم رمضان منزل حوض
سلطان مقر موکب همایون بود نواب حسام السلطنه بیک قطعه نشان مکلل بالماس از درجه دویم امیرنویانی و یک
رشته حمایل سبز و آبی و خلعت همایون سرافراز گردیدند جناب فرخ خان امین الملک را بلقب امین الدوله ملقب و علاوه بر
مناصب سابقه مقرر فرمودند که عرایض و مطالب علما و شاهزادگان عظام را جناب معزی الیه معروض حضور مبارک دارد
و عزل و نصب حکام و ولایات ممالک محروسه هم بمشاورت و صوابدید ایشان باشد روز پنجشنبه دهم رمضان موکب
همایون وارد قم گردید و از راه همدان عزیمت سلطانیه فرمودند میرزا زمانخان کارپرداز مصر بنشان اول سرهنگی
سرافراز شد و محمد باقرخان ولد محمدخان امیرتومان نیز بنشان اول سرهنگی مفتخر گردید بیست و سیم رمضان محلات
محل نزول اجلال موکب معلی بود امیرزاده سلطان حمید میرزا ولد نواب نصرة الدوله بمنصب سرهنگی خارج از فوج
سرافراز گردید مدرسه نظام تبریز باهتمام محمد صادق خان سرهنگ رونق کامل یافت امیرزاده ساسان میرزا
بمنصب سرهنگی نایل و بیگلربیگی تبریز شد موکب همایون از راه همدان تشریف فرمای سنتلج شده سه روز
در آنجا توقف فرمودند و چون از عهود سالفه در اینولایت معمول ولایت بود که صاحبان املاک تصرف مالکانه
در ملک و مایملک خود چنانکه باید نداشتند حکم همایون بر منع این رسم شنیع صادر و مقرر شد عموم رعایا
نسلاً بعد نسل مالک قاهر اموال موروث و مکتسب خود باشند موکب معلی از سنتلج انتهاض فرموده بساحت
کرسی نزول اجلال فرمود و بعد از دو روز توقف عازم سلطانیه شده روز دویم ذیحجه سلطانیه مخیم اردوی
همایون شکوه گشت نواب اعتضاد السلطنه را بپاداش خدمت کشیدن سیم تلگراف تا سلطانیه بیک قطعه نشان
تمثال همایون مکلل بالماس و یکهزار تومان انعام و بمنصب و لقب وزارت علوم منصوب و ملقب و مفتخر فرمودند سلام
عید اضحی در عمارت سلطانیه شرف انعقاد یافت و در این سلام چهل هزار از عساکر نظام و غیر نظام حاضر بودند
قاسم خان وزیر مقیم دولت علیه متوقف سنت پطرزبورغ بمنصب ایلچی مخصوص و وزیر مختاری سرافراز گردید
نواب احتشام الدوله خانلر میرزا بحکومت اصفهان و نواب عضد الدوله سلطان احمد میرزا بحکومت بروجرد سرافراز شدند
حکومت لرستان را ضمیمه حکومت کرمانشهان نموده بنواب عماد الدوله مرحمت فرمودند والد مؤلف حاجی علیخان را
بلقب ضیاء الملک ملقب و بحکومت ایالت عربستان سرافراز داشتند حکومت مازندران و استراباد را بنواب حاجی
کیومرث میرزا ایلخانی ایل جلیل قاجار مرحمت فرموده نواب معزی الیه را ملقب بملک آرا نمودند و نیابت این ایالت
بامیرزاده هوشنگ میرزا پسر نواب ملک آرا تفویض شد محمد مهدیخان پسر جناب سپهسالار بمنصب کشیکچی باشیگری
مفتخر گردید امیر اصلانخان عمید الملک حکمران گیلان بلقب مجد الدوله ملقب شد پاشاخان سرتیپ اول شجاع
الملک لقب یافت نواب حشمة الدوله حکمران خراسان در سرخس باجازه علیه قلعه جدیدی محکم و بزرگ که عبارت
از شهری باشد بقاعده هندسه بنا نموده و بقدر سه چهار هزار خانوار از ایلات داخله خراسان برای سکنای آن

قلعه

قلعه معین و چهار فوج سرباز و پانصد سوار در آنجا ساخلو گذاشته محمد ولیخان سردار خراسان را بر پاست آنجا
برقرار کردند (چین) فوشحا که کانتن بیرک اسیر انگلیسها بود در کلکته خفت دادن بسفرای انگلیس و فرانسه و ینگی
دنیا در این مملکت و نپذیرفتن خاقان چین ایشان را در حضور خود (ژاپن) جزیره یوکوهوما از برای ورود
سفرای ملل فرنگ باز نشد هنوز به پایتخت ورود نکرده‌اند اروپا ۷ (اسپانیول) افتتاح راه آهن از
مادرید به ساراکس و میل عامه مردم بجنگ با دولت مراکش سردار ادنل در این جنگ جنگ سختی مابین قشون اسپانیا
و مراکش اتلاف قشون اسپانیائی بواسطه امراض و بای فتح قشون اسپانیا و شکست فاحش قشون مراکش در اوایل
زمستان هنگام منازعه اسپانیا با مراکش دولت انگلیس با اسپانیا شرط مینماید که بندر تانژیر را بعد از فتح
نگاهدارد که امضای عهدنامه صلح بشود (المان) تزلزل دولت اطریش از بروز جنگ در اوایل این سال مابین دولت
و ایطالیا و فرانسه فرستادن اطریش یکدسته قشون بسرحد خاک عثمانی ابتدای کدورت مابین دولت فرانسه
و اطریش و کلمات سخت ناپلیون امپراطور فرانسه بدولت اطریش در اول ژانویه بتوسط سفیر اطریش دولت اطریش
تهیه جنگی در ایالات متصرفی خود در ایطالیا مینماید گفتگوی سخت مابین دولت اطریش و ایطالیا دولت روس از برای
رفع غایله بدول فرنگ تکلیف انعقاد مجلس کنگره مینماید و قبول نمیشود دولت اطریش ویکتر امانوئل پادشاه ساردین
را تهدید میکند که بطور حتم تهیه جنگی که دیده متفرق نماید و عساکر خود را مرخص کند و سه روز مهلت باو میدهد
دولت فرانسه از این تهدید متاثر شده سرداران خود را بحمایت ساردین بسرحدات ایطالیا مامور میسازد شروع
منازعه مابین فرانسه و اطریش در مملکت ایطالیا کمک بعضی ایالات کوچک ایطالیا بدولت اطریش و بیطرفی بعضی
حضرت پاپ در این جنگ روس و پروس تهیه جنگ می بینند بدون مداخله در جنگ میانجیگری دولت انگلیس که بی
ثمر شد نطق ناپلیون امپراطور فرانسه که مقصود از جنگ اتحاد و آزادی ایطالیا است حرکت ناپلیون از پاریس در اواسط
بهار بسمت میدان جنگ و ورود ایشان بژن شهر ایطالیا و قبول کردن سرداری کل عساکر فرانسه و ایطالیا را ویکتر امانوئل
پادشاه ساردین بنیابت ناپلیون در این جنگ مقرر است کاریبالدی در این جنگ حالت دارد شکست قشون
اطریش در والان توپی که از فرانسه آورده بودند و گلوله او هزار و ششصد ذرع میرفت سبب فتح شد جنگ
سخت چیالدینی سردار ویکتر امانوئل در مرتوا فتح ماژانتا و شکست سخت قشون اطریش بدست قشون فرانسه
ژنرال ماکماهون در این جنگ بیست هزار مقتول و هفت هزار اسیر و چهار توپ و دو بیرق در این جنگ نصیب قشون
فرانسه شد در همین جنگ ژنرال ماکماهون بمنصب مارشالی و لقب دوک ماژانتا برقرار گردید ورود امپراطور
و ویکتر امانوئل بمیلان در اوایل تابستان شکست سردار اطریش مینلک شکست قشون اطریش از هر نقطه ورود امپراطور
اطریش باردوی خود در ورنا تهیه جنگ پروس که دویست و پنجاه هزار قشون حاضر میکند شکست یافتن قشون فرانسه
و ایطالیا بدست امپراطور اطریش جنگ سختی در سلفرین قشون امپراطور اطریش صد و هفتاد هزار و قشون
ناپلیون فرانسه و پادشاه ساردین صد و چهل و پنجهزار و در گرمای سخت تا نزده ساعت این جنگ طول
کشید و قشون فرانسه فتح کرد و سه بیرق و سه توپ و شش هزار اسیر بدست قشون فرانسه افتاد از عساکر
فرانسه در این جنگ پانزده هزار و از عساکر ساردین پنجهزار و پانصد نفر تلف شد ژنرال نیل سردار قشون فرانسه
بمنصب مارشالی برقرار شد فرستادن چند کشتی جنگی بسمت ونیز اهالی المان از این فتوحات فرانسه چندان
مشعوف نیستند شورش در مجارستان بر ضد دولت اطریش دولت پروس انگلیس و روس را بمیانجیگری میان

۷ (ماچین) قشون دولت فرانسه اسپانیا سواحل و خاک ... را متصرف شده خود را به تصرف ... کرده‌اند

فرانسه و اطریش میطلبید هنگامیکه قشون فرانسه و اطریش ملاقات امپراطور فرانسه و امپراطور اطریش دو
و گفتگوی مصالحه عمده شروط مصالحه این بوده است که دولت اطریش حق سلطنتی که در ایالت لمباردی ایطا
با امپراطور فرانسه واگذار نماید و ناپلیون نیز سلطنت لمباردی را بویکتر امانوئل پادشاه ساردین تفویض نماید جم
فرنگ خاصه اهالی فرانسه تعجب از این داشتند که باوجود فتوحات پی در پی امپراطور فرانسه راچه براین داشت
مصالحه نماید خود امپراطور باین عذر معتذر شدند که بواسطه حرارت هوا و امراض وبائی و بعضی جهات
من جمله شراکت کردن جمهوری طلبان ایطالیا با ما در این جنگ بود من نخواستم امتدادی در این جنگ بدهم علا
چون جمیع دول فرنگ در ابتدای جنگ بوجه غیر عادلانه با ما حرکت کردند و بعضی مضامین گفتند خواستم تعدا
نمودن شوکت و قدرت ملت فرانسه را بر اطریش بدون دخالت دول دیگر مصالحه نمایم اضطراب دولت انگلیس
مبادا این مصالحه فوری فرانسه با اطریش سبب هنگامه مابین فرانسه و انگلیس گردد پنجاه هزار عساکر فرانس
و ایالت سردار متوقف ایطالیا خواهند بود صلح مابین فرانسه و اطریش و ایطالیا (ساردین) در رود پلک منع
عزلکنت دبوال و منصب شبرلند بجای او بی یولی شد بلیه در مملکت اطریش استقراض سی کرور تومان پولا
فوت وزیر بزرگ مترنیخ در نا بستان بستن پیری نولد پیری در پروس از پسر نایب السلطنه فوت الکساندر هن
متبحر در برلن فوت کال دبیز جغرافی دان معروف (انگلیس) مسافرت ولیعهد دولت انگلیس در اقطاع فرنگ
مالت تعیین پنجاب بچهارم ایالت هندوستان در این ایالت چهارم هندوستان که پنجاب و دهلی درجزو
شمرده میشود چهل و چهار کرور رعیت انگلیس دارد عزل وزرای توری نصب وزرای ویک و صدارت لرد پالم
شورش عمله جات در لندن منسوخ نمودن دولت انگلیس تنبیه سربازان مقصر را باشلاق نقار جونی با اتانو
دنیا مسافرت ماکلنتن بقطب شمال و انکشاف دریای قطبی و یقین بر فوت فرانکلن سیاح قطبی که در سن
و دو بیست و شصت و پنج بقطب شمال سفر کرده و مفقود شده بود و تا کنون دولت انگلیس در جستجوی او
اینوقت که یقین بفوت او و همراهان او نمود فوت هلام مورخ و برونل مهندس اهالی جزیره کرفو باوجود اصر
دولت انگلیس در الحاق آن جزیره بمملکت خود دارد قبول ننموده تبعیت یونان را اختیار کردند (ایطالیا) قبول
اعلیحضرت ویکتر امانوئل سرداری قشون خود را در جنگ اطریش جمهوری طلبان ایطالیا گاریبالدی را بریاست
خود اختیار کردند ملکه پارم پسر خود را برداشته بسمت سویس فرار میکند و والی مدن نیز مملکت خود را گذاشته
مینماید و از جانب ویکتر امانوئل حاکم آنجا تعیین میشود ایالت تسکان نیز جزء مملکت ساردین شد فوت پادشا
ناپل فردیناند دویم در سن چهل و نه سالگی که مدت تمام مریض بود و جلوس پسر این پادشاه فرانسوای دویم که
خواهر های ملکه اطریش را در حباله نکاح دارد استعفای کنت دگاوور از صدارت و نصب کنت دارز که یکی از دو
ناپلیون امپراطور فرانسه است ورود فتح آمیز پادشاه ویکتر امانوئل بشهر میلان تظلم پسر والی تسکان در در
فرانسه و قبول نکردن امپراطور ناپلیون تظلم او را اهالی ایطالیا عموماً سلطنت حبیبی حضرت پاپ را مانع اندجم
ایالات ایطالیا سکه و بیرق ساردین ویکتر امانوئل را قبول کردند اخراج نمودن پاپ ایلچی ویکتر امانوئل را از د پادشاه
اغتشاش سخت در ایالت رم ازدواج شاهزاده خانم کلتیلد با پرنس ناپلیون عموزاده امپراطور فرانسه ده کر
تومان ایران دولت ساردین استقراض نموده برای تهیه جنگ با اطریش احضار کنت دگاوور صدر اعظ
اعلیحضرت ویکتر امانوئل را بپاریس و گفتگو و دستور العمل ناپلیون امپراطور فرانسه با او در اوایل بهار (پروس

امپراطور روس از شهر ورشو بشهر برسل آمده با نایب السلطنه پروس خالوی خود ملاقات کرده عهد مخفی بین دولتین باکمال سختی منعقد میکردد (پرتوغال) فوت ملکه در تابستان (بلژیک) تولد پسری از ولیعهد این مملکت موسوم بکنت دهین کفتکو در مجلس شوری در استحکام بندر آن ورس (روس) عهدنامه جدید دولت روس با چین جلوس شامیل با چهار صد نفر از مریدها بدست پرنس باد باسکی (سوئد) فوت اسکار پادشاه این مملکت جلوس شارل پانزدهم ولد اکبر او در سن سی و سه سالکی (عثمانی) ایالات افلاق بغدان معا پرنس کوزا را بریاست خود منتخب کردند مشار الیه وعده میدهد که از روی قانون حکومت کند دولت عثمانی حکومت پرنس کوزا را امضا نمود در سربستان میشل پسر میلش بولایت منصوب و برقرار شد فوت والی تونس سید محمد و ولایت سید صادق بجای او قانون جدید عثمانی که حکم نقبل در حق مقصرین پولیتکی نخواهد شد و بجلای وطن تنها اکتفا میشود اول شخصی که بجلای وطن رفت عمر پاشای معروف است عزل قبرسلی پاشا صدر اعظم که مداخله در مخارج حرمخانه و دربار میخواهد نماید و از وجه معینی که سلطان ماخوذ میدارد میل دارد کم و کسر کند در مجلس کنفرانس پاریس که بجهة کفتکوی افلاق بغدان منعقد شده بود ایلچی عثمانی صراحة کفت که دولت عثمانی موقتا پرنس کوزا را بوالیکری دو ایالت میشناسد (فرانسه) بعد از ازدواج پرنس ناپلیون عموزاده ناپلیون امپراطور فرانسه با دختر پادشاه ایطالیا دویست و بیست هزار تومان مواجب در حق او برقرار میشود عزل پرنس ناپلیون از وزارت الجزایر و نصب شاسلوپ لوبا دولت یکصد کرور تومان پول ایران از رعیت استقراض نمود همینکه ملت میل دولت را در استقراض دید متجاوز از پانصد کرور وجه نقد بجهة دولت حاضر شد در زمان غیبت امپراطور ناپلیون از فرانسه که مشغول جنک ایطالیا بود امپراطریس بوجه ایشان بنیابت سلطنت مقرر و پرنس ژرم عموی اعلیحضرت ناپلیون بمستشاری امپراطریس برقرار کردید جشن اهالی پاریس در مراجعت ناپلیون امپراطور از جنک ایطالیا توسیع شهر پاریس که هفت هزار و هشتصد و دو جریب است در تولد کالدونیا از متصرفات فرانسه با غوای سه نفر انکلیسی اهالی بدولت فرانسه شوریدند معاهده دوستی و تجارتی با ژاپن ماموریت پرنس مترنیخ نزد امپراطور فرانسه در آبهای معدنی پادشاه بلجیک بواسطه نسبتی که با خانواده سلطنت اطریش دارد در بندر بیارتیس با اعلیحضرت ناپلیون ملاقات نموده در استحکام مودت دولتین فرانسه و اطریش کفتکو مینماید

افریقا فوت مولوی عبد الرحمن سلطان مرغش در سن هشتاد سالکی و بعد از سی و هفت سال سلطنت پسر از این سلطان چهار نفر از کسان او داعیه سلطنت مرغش را دارند جنک داخله امریکا (اتازونی) شورش سیاهها که برده در ایالت ویرژینی که تقریبا بیست و پنج فرسخ تا پای تخت مسافت دارد اختلاف سخت مابین رجال دولت و وکلای ملت که بعضی طالب آزادی غلامها بودند و بعضی برضد شورش سیاهها در ایالت سنت لوی رئیس جمهوری مساعد طرفی است که آزادی برده ها را طالب نیستند (برزیل) مسافرت شش ماهه امپراطور بداخله مملکت برزیل (مکزیک) ژواد ژ رئیس جمهوری تمام موقوفات کلیسا را ضبط میکند جنک و اغتشاش سخت در داخله (زینکی دینای جنوبی) خرابی شهر کینت بلی بزلزله سخت شورش در وینزوئلا و در شیلی منازعه اهالی پلاتا و ارژانتین

سنه ۱۲۷۶ هجری

سنه ۱۸۵۹ مسیحی

آسیا (ایران) موکب همایون در اول محرم در سلطانیه اقامت دارد روز چهاردهم محرم بعزم تشریف فرمائی آذربایجان اشخاص فرموده روز پنجشنبه بیست و پنجم وارد چمن اوجان شدند چراغعلیخان حاکم خمسه بلقب سراج الملکی مفتخر کردید حسنعلی خان شاهسون که در سیستان خدمت کرده بود بیک قطعه نشان درجه سرتیپی و یکرشته

حمایل سرخ و یک قبضه شمشیر براق طلا مفتخر گردید محمد صالح خان کرد بچه که سرتیپ ثانی تبریز بود بمنصب سرتیپی و خلعت همایون نایل شد جناب مستوفی الممالک بیک قطعه نشان تمثال همایون مکلل بالماس سرافراز شدند موکب همایون روز سیم صفر تشریف فرمای تجریش گردید شب ششم صفر جشن ولادت همایون مفصلاً در همه جا گرفته شد رضاقلیخان ناظم مدرسه دارالفنون بنیابت وزارت علوم برقرار گردید و علیقلیخان پسر رضاقلیخان (جناب مخبرالدوله) بمنصب سرهنگی تلگراف سرافراز شد و جعفرقلیخان پسر دیگر معزی الیه بمنصب کتابداری مدرسه دارالفنون نایل گردید دوستعلیخان معیرالممالک باعطای یک قطعه نشان از مرتبه اول سرتیپی و یکرشته حمایل مخصوص این رتبه سرافراز شد ضریح طلای حسب الامر برای روضه مقدسه رضویه علیه السلام عضدالملک متولیباشی تمام نموده نصب کرد سردار کل عساکر منصوره بیک قبضه شمشیر مرصع مفتخر گردید و میرزا احمدخان سرتیپ اول توپخانه مبارکه بلقب ساعدالملکی ملقب و مخلع شد موکب اعلی از تجریش تشریف فرمای مراغه گردید میرزا عباسخان معاون وزارت امور خارجه (جناب قوام الدوله) بیک قطعه نشان از مرتبه دویم سرتیپی و یکرشته حمایل سرخ سرافراز آمد مهمانخانه بجهة زوار در مشهد مقدس حسب الامر باکمال وسعت و عظمت بنا شد میرزا نصرالله لشکرنویس بمنصب لشکرنویسباشیگری آذربایجان و خلعت همایون سرافراز شد روز دویم ربیع الاول موکب همایون از مراغه نهضت فرموده از راه هشترود تشریف فرما گردیده روز بیست و دویم دارالخلافه باهره بمقدم مبارک مزین گردید نواب والا نصرة الدوله حکمران دارالخلافه بیک قطعه نشان تمثال همایون مکلل بالماس و یک ثوب قبای ترمه نظامی دور کلابتون تکمه طلا سرافراز گردیدند مجلس شورای دولتی برقرار و اجزای مجلس از قرار ذیل است (نواب اعتضادالسلطنه وزیر علوم) (نواب والا نصرة الدوله حکمران دارالخلافه و عراق و ملایر و تویسرکان) (جناب سپهسالار) (جناب آقای مستوفی الممالک) (جناب معتمدالدوله عباسقلیخان جوانشیر وزیر عدلیه) (جناب امین الدوله) (جناب میرزا سعیدخان وزیر امور خارجه) (سپهدار) (مشیرالدوله) (جناب ناصرالملک وزیر تجارت و صنایع) (جناب دبیرالملک) یکرشته قنات معتبر برای شهر بامر همایون بجهة رفاهیت اهالی آنجا احداث و اجرا گردید حسینخان سرتیپ که چاپارخانه های ممالک محروسه سپرده باو میباشد بلقب شهاب الملکی ملقب گردید همه ساله علاوه بر دارالشورای دولتی مصلحتخانه مرکب از جمعی رجال دانشمند مجرب دولت بریاست علیه جان اعتمادالدوله برقرار شد که همه روزه در مصالح ملک و ترقی مملکت گفتگو نمایند نواب والا فرهاد میرزا نایب الایاله بیک قطعه نشان میرپنجی و یکرشته حمایل مخصوص آن سرافراز شدند محمودخان احتساب آقاسی بلقب احتساب الملکی و خلعت همایون سرافراز شد میرزا علی اکبر اجودانباشی بلقب خانی و خلعت همایون نایل گردید میرزا عنایت الله امین لشکر بیک قطعه نشان از مرتبه اول امیرتومانی و یکرشته حمایل مخصوص آن سرافراز شد جناب محمودخان ناصرالملک وزیر تجارت و صنایع بیک قطعه نشان تمثال همایون مکلل بالماس از مرتبه دویم مفتخر گردید پاشاخان پیشخدمت خاصه و امین صره بیک قطعه نشان از مرتبه اول سرتیپی و یکرشته حمایل زرد و قرمز که در عین نظام مخصوص آن مرتبه است نایل آمد میرزا عبدالرحیم منشی باشی دیوانخانه مبارکه بمنصب مستوفی گری دیوان اعلی و خلعت همایون سرافراز شد مسیو جان داود خان سرتیپ و مترجم دولت علیه که سال سابق حامل نشان تمثال همایون بجهة اعلیحضرت امپراطور نمسه شده بود و در این ایام مراجعت کرده یک قطعه نشان اول فرانسواژوزف از طرف اعلیحضرت امپراطور معظم الیه بجهة بندگان اعلیحضرت همایونی همراه آورد محمد باقرخان سرهنگ فوج ششم تبریزی بنشان سرتیپی سیم و یکرشته حمایل قرمز و سفید نایل شد محمدخان پسر قاسمخان وزیر مختار دولت علیه مقیم پطرزبورغ بنیابت سفارت مزبوره برقرار گردید بنیاد داشتن بنای

شهر

شهر جدید سرخس برای نواب حشمة الدوله حکمران خراسان قمه مرصع و جبه ترمه پولک دوز تن پوش مبارک و قوام الدوله وزیر خراسان خرقه ترمه تن پوش مبارک و محمد ولیخان سردار خراسان شمشیر کل مرصع و خلعت همایون و جعفرقلیخان سرتیپ اول امراء عظام لقب نصرة الملکی و شمشیر کل مرصع و خلعت همایون مرحمت و ارسال کردید و سایر ارباب مناصب بانواع عطایا و مواهب سرافرازی یافتند جناب سپهسالار یکقطعه نشان امیر نویانی از مرتبه اول و یکرشته حمایل سبز سرافراز شدند عبدالعلیخان پیشخدمت خاصه برادر مؤلف بلقب ادیب الملکی و خلعت همایون مفتخر کردید جناب ژنرال رُلنسن وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت انکلیس با نامه مهر علامه اعلیحضرت پادشاه انکلستان وارد دار الخلافه کردید نواب شاهزاده احمد میرزا حاکم کلپایکان ملقب بمعین الدوله کردید میرزا محمد ابراهیم بدایع نکار که مشغول نکارش وقایع این عهد همایون و مردی عالم و فاضل است بمنصب نیابت اول وزارت علوم و خلعت همایون سرافراز کردید میرزا اسدالله نوائی ولد مرحوم میرزا مهدی لشکرنویس منشی مخصوص وزارت امور خارجه بمنصب منشیکری اول وزارت امور خارجه و اعطای یکقطعه نشان از درجه اول سرهنکی سرافراز شد هم در این سال بامر همایون در نقطه بسیار خوبی از صفحه شمیران باغ و عمارتی بسیار عالی و مفصل احداث و بنا شده موسوم بسلطنت آباد کردید حاجی محمد خان سرتیپ یکرشته حمایل سرخ و نشان سرتیپی دویم سرافراز شد عزیزخان سردار کل از اجزای شورای وزرا کردید میرزا یوسف خان کارپرداز مقیم حاجی ترخان با عطای یکقطعه نشان سرتیپی سیم با حمایل آن مفتخر کردید چند تن دسته قشون معتبر با صاحب منصبان در این ایام مأمور خراسان کردیدند مستشار الملک خراسانی بریاست قشون خراسان نایل کشت اللهیارخان حاکم دره جز معزول و بهادرخان دره جزی که از همان سلسله است بجای او منصوب کردید جوهر بافی کارخانه های کاشان ترقی و رونقی دارد علیقلیخان ماکوئی که سالها ست در مدرسه دار الفنون مشغول تحصیل بوده بسرهنکی فوج قرهبن برقرار شد زین العابدین خان حاکم کروس یکقطعه نشان سرتیپی و یکرشته حمایل مخصوص این نشان سرافراز کردید حاجی محمد خان حاجب الدوله یکقطعه نشان درجه اول سرتیپی و حمایل مخصوص آن سرافراز شد میرزا محمد علیخان نایب اجودانباشی پسر مرحوم میرزا ابراهیم خان کارپرداز سابق بغداد بمنصب کارپردازی بندر بمبئی و یکقطعه نشان سرهنکی اول و یکرشته حمایل سفید مفتخر کردیدند از اوان چون ضیاء الملک والدوله بحکومت عربستان مشغول بود بنده مؤلف نیابت حکومت شوشتر را داشت عمارت دولتی که سابقاً محقر بود امسال حسب الامر عمارت عالی و جدید با کمال استحکام در این محل بنا نمودند نواب رکن الدوله اردشیر میرزا بحکومت کیلان مفتخر کردید و میرزا زکی مستوفی رشتی نیز بوزارت برقرار شد اعتماد الدوله عیسیخان والی بحکومت یزد نایل و بخلعت همایون مباهی کشت مجد الدوله امیر ملانخان از حکومت ولایت خمسه مرحمت فرمودند کارخانه برای ساختن تفنک خانه دار در طهران حسب الامر بنا شده از ماه ذیقعده مقرر است ماهی یکهزار قبضه تفنک خانه دار دنکی در کارخانه مزبوره بسازند و تفنک جمیع افواج خانه دار باشد عمل باروط سازی نیز تکمیل شده قرار شد باروطهائیکه از سابق در قورخانه است دوباره بسبک جدید بکوبند حکومت مملکت لرستان را نیز ضمیمه حکومت عربستان نموده جزو حکمرانی ضیاء الملک والدوله مؤلف نمودند نواب جهانسوز میرزا سرتیپ افواج عرب و عجم یکقطعه نشان دویم سرتیپی با حمایل مخصوص آن سرافراز کردید میرزا نبی خان بکارپردازی اول مأمور اقامت بغداد کردید یکقطعه نشان اول دولت علیه که مخصوص شخص سلطنت است از طرف بندکان اعلیحضرت همایونی بجهت اعلیحضرت سلطان عثمانی و یکقطعه نشان شیر و خورشید مکلل بالماس از درجه اول با حمایل سبز برای جناب فؤاد پاشا ناظر امور خارجه بمصاحبت یحیی خان آجودان حضور مبارک اهدا و انفاذ شد اسدالله خان معتمد الملک حاکم همدان مرحوم و محمد حسینخان پسر آن مرحوم را بحکومت همدان برقرار فرمودند

جناب

جناب مسیو بارون وزیر مقیم دولت پروس با هدایای نفیسه اعلیحضرت پادشاه پروس بجهة حضور همایون روز پا
وارد دار الخلافه شد میرزا احمد خان نایب وزارت امور خارجه بنیابت اول وزارت خارجه و نشان درجه دویم سرتیپی و حما
سرافراز کردید شاهزاده سیف الدوله سلطان محمد میرزا بمنصب جلیل سرتیپی اول و خلعت همایون مفتخر شد حکومت
بروجرد را ضمیمه حکمرانی اصفهان نموده بنواب احتشام الدوله مرحمت فرمودند و نواب عضد الدوله را بحکومت ملا
تویسرکان مأمور فرمودند میرزا محمد علیخان حاکم لاهیجان بلقب امیر دیوانی و یکقبضه قمه مرصع مفتخر کردید یکقطعه نشا
امیر تومانی مکلل بالماس با حمایل آن بافتخار عزیز خان سردار کل نفاذ آذربایجان فرمودند رستمخان و فرضی خان ای
بیکیان ایل شاهسون اردبیل و مشکین بمواجب نشان و حمایل سرتیپی سیم نایل شدند میرزا ابو القاسم معین الملک
پیشکار محاسبات آذربایجان بیکقطعه نشان و حمایل سرتیپی اول سرافراز شد محمد اسمعیل خان وزیر کرمان
وکیل الملک ملقب آمد همین امسال نواب حشمة الدوله حکمران خراسان بامر دولت برای تنبیه ترکمه مرو شاه جها
لشکر بمرو کشیده و با قوام الدوله وزیر خراسان بدانصوب رفته بعد از محاربات و فتح بعضی قلاع و فرار ترکمه مراج
کردند (چین) منازعه مابین چین و دول انکلیس و فرانسه دوازده هزار قشون انکلیس بسرداری امیرال هپ و
ژنرال گرانت و یکدسته قشون فرانسه بسرداری ژنرال منت در بهار امسال شروع بجنگ مینمایند و در همین
بین باغیهای تی پینک بعضی ایالات چین را قتل و غارت مینمودند و تا حوالی شانکهای راندند فتح قلعه پتانک بدست
قشون متفقه بود پس از آن بقلعه جات پهو و بدست آوردن توپخانه نرنیاد فتح شهر تین سین که سیصد هزار جمعیت
دارد حرکت قشون متفقه بسمت پکن پای تخت شکست دادن سردار چینی که از طایفه تاتار و موسوم بسان کولن
بود فتح پالی کاو و دریکفرسخی پکن شکست چهل هزار چینی در این نقطه فرار خاقان چین بسمت مکدن ورود قشون متفقه
بحوالی پکن مصالحه مابین دولت چین و دول فرانسه و انکلیس در پکن در این مصالحه تین سین مفتوح از برای تجارت
دول مزبوره خواهد بود و از این تاریخ ببعد دول فرانسه و انکلیس حق داشتن ایلچی در شهر پکن خواهند داشت
خسارت جنگ کزاف دول متفقه از چین ژنرال اکناتیف مأمور روس از پرنس کنک برادر خاقان که سمت صدارت
داشت بعضی امتیازات از برای دولت خود کرفت (ژاپن) قتل یکی از مترجمین سفارت انکلیس در یکروز هفده نفر نایب
السلطنه حمله برده بدن او را مجروح میسازند امریکا را اسپانیول) منازعه سخت ابین دولت با مرقش سردار قشون
اسپانیول اودنل است فتح شهر تیتوان از شهرهای مرقش بدست سردار مذکور ملاقات بغایده سردار مذکور با بر
پادشاه مرقش برای صلح حرکت قشون اسپانیا بسمت تانژر اضطراب اهالی مرقش و عجله در صلح و قبول دادن
کرور تومان ایران و قبول پذیرائی یکنفر ایلچی اسپانیائی در پای تخت مرقش فتنه و شورش اشخاصیکه طالب سلطنت
دن کارلس که یکی از بنی اعمام ملکه است میباشند حبس بعضی از معارف که باطنا با دن کارلس مراوده داشتند محبوس نمو
پنجنفر از کشیشهای پروتستانی که در صدد رواج این مذهب در اسپانیول هستند مسافرت ملکه بالات شرقی افتتاح راه
آهن از والادولید به بورغس طغیان آب در بعضی نقاط و خرابی زیاد رسانیدن (المان) نایب السلطنه پروس در افتتاح
راه آهن سار بورک حضور بهمرسانیده در مجلس جشنی که برای اینکار منعقد شده صراحتا اظهار داشت که ملت المان
متفقا و تماما راضی بر این نمیشوند که یک وجب زمین از دولت المان بتصرف خارجی در آید ناپلیون امپراطور فرا
بمملکت بادن رفته با نایب السلطنه پروس و سلاطین باویر و ورتنبرک و بادن و ساکس و هانور ملاقات مینماید و اظهار
دوستی میکند ملاقات امپراطور پروس با امپراطور روس و امپراطور اطریش با یکدیگر و ملاقات نایب السلطنه پروس

فتح قلعه جات پهو

ورود قشون فرانسه بشهر تنک چو که چهارصد هزار جمعیت دارد غارت نمودن یکی از عمارت ییلاقی سلطنتی را

بادشاه انکلستان در اکس لاشاپل ایضا ملاقات سلاطین ثلاثه روس و پروس و اطریش در ورشو اظهار علاقه نمودن
پادشاه باویر با ویکتر امانوئل و حشمت پروس از اتحاد بکر روس و فرانسه در نظر داشتند در مجلس وکلا بعضی تکالیف که راجع بقشون
است نمایند و تمام این تکالیف قبول میشود ملاقات پادشاه باویر با بعضی از سلاطین آلمان و گفتگوی اتحاد در میان
آوردن ملاقات امپراطور اطریش با نایب السلطنه پروس و حشمت اهالی آلمان از دولت فرانسه و تدارک جلد دیدن اتحاد
مابین دولت اطریش و باویر افتتاح راه آهن از وینه پای تخت اطریش بمونیک پای تخت باویر (انکلیس) اتهام ایلچی
انکلیس لرد کولی که مامور در دربار فرانسه بود بدوستی با دولت فرانسه و مکتوم داشتن بعضی اسرار دولتی را که بتکلیف
اولیا دولت میشود بر خود بوده محض دوستی با دولت فرانسه اخفا او بلندن و جواب دادن در مجلس وکلا به لرد نرماندی
که او متهم ساخته بود و مجاب نمودن لرد نرماندی و مجددا معاودت به دولت فرانسه نمودن بهمان سمت سفارت هفتاد هزار
نفر داوطلب حاضر خدمت دولت انکلیس میشود اختراع توپ جدید و وزن در مملکت انکلیس موسوم به ویت ورث سان
دیدن پادشاه انکلستان داوطلبان جدید را در یکی از باغات لندن از این حاضر شدن داوطلبان و گفتگوها در مجلس وکلا
استشمام کدورت مابین دولتین انکلیس و فرانسه میشود اهالی منچستر نقار دولت انکلیس را با فرانسه صلاح نمیدانستند
مسافرت ولیعهد انکلیس بجزیره سعید و مراجعت نمودن بانکلیس و مجددا در ظرف همین سال سفر کردن بکانادا و ینکی دنیا
و اناپولی مالیات بستن بر تنباکو و نمک در هندوستان سفر اول کشتی بزرگ معروف به نیر اعظم از ساوتهامتن
بندر انکلیس به نیویورک ینکی دنیا در تاریخ بستان (ایطالیا) مسیو کاوور صدر اعظم و وکلای ملت پیمن و لمباردی را
در یک مجلس جمع مینماید بجای رم با پاپ متفق اند و استقلال جسمانی او را طالب اهالی توسکان تبعیت پادشاه ایطالیا را
طالب اند حکومت پرنس کارینیان از اقوام پادشاه بایالت توسکان اغتشاش در مملکت ناپل لعنت نمودن حضرت پاپ اشخاصی
را که در صدد گرفتن مملکت روم از او هستند گاریبالدی از اعلیحضرت ویکتر امانوئل بواسطه واگذاشتن نیس و ساوا بفرانسه
رنجید و ورود پادشاه ساردنی به فلورانس در بهار ژنرال لامرسیر از سرداران فرانسه که در جلوس اعلیحضرت ناپلیون
بسلطنت مملکت فرانسه اخراج بلد شده بود قبول سرداری عساکر پاپ را میکند پادشاه ناپل و ویکتر امانوئل را متهم بر این
میسازد که گاریبالدی بجزیره سیسیل و بنای اغتشاش در سرحد مملکت ناپل گذاشته پادشاه ناپل از دول فرنگ طلب اعانت و
حمایت میکند ولی اضطرارا بتوسط دولت فرانسه قبول تبعیت ویکتر امانوئل را مینماید و رنگ بیرق این پادشاه را قبول نموده
بالای عمارت سلطنتی ناپل بیرق سه رنگ ویکتور امانوئل افراشته شد تهدید نمودن عساکر ایطالیا حضرت پاپ را که قشون
ملل خارجه را از رم اخراج نماید گاریبالدی اعلان میکند مادامیکه پادشاه ایطالیا در عمارت کرینال که یکی از عمارات
حضرت پاپ است در شهر رم جلوس ننماید حل و عقد مطالب و مسائلی که راجع باتحاد مملکت ایطالیا است نخواهد شد
و از این کلام چنین معلوم میشود که گاریبالدی میل تصرف رم دارد و از هیچ چیز مثل آن نیست مگر از سلطنت جسمانی پاپ
و الحاق بمملکت فرانسه فرستادن دو فوج جدید از مملکت فرانسه بجهت حفظ حضرت پاپ در رم رنجش دولت فرانسه از
نیس و ساوا
این کلمات و احضار سفیری که در ایطالیا داشت پناه جستن پادشاه ناپل در شهر گائت مغلوب شدن عساکر پاپ
بسرداری ژنرال لامرسیر سردار فرانسوی و اسیر شدن ژنرال مزبور بدست سردار ایطالیا در یکی از جنگهای با پادشاه
ناپل پادشاه شخصا با بیست هزار مرد با گاریبالدی جنگید سفرای دول خارجه که در دربار ناپل بودند پادشاه ناپل را در گائت
گذاشته در رم نزد ماه پادشاه رفتند ورود فتح آمیز ویکتر امانوئل بشهر ناپل پادشاه ناپل بجمیع سلاطین
فرنگ اظهار تظلم مینماید ولیکن این تظلم بی فایده میشود محاصره شهر گائت بتوسط چالدینی سردار ایطالیا و ورود

کاتی

کاری بالدی و قشون داوطلبی که مطیع او بودند بسیسیل حرکت کاری بالدی بسمت ناپل قشون فرستادن فرانسه در نهم
بجهة حضرت پاپ احضار دولت و دولت روس ایلچی خود را از ایطالیا (بلژیک) رضا تردم از پادشاه خود و عید جلوس او را با
کمال شکوه برپا داشتند (دانمارک) جمعیت این مملکت را بیسال سه کرور و صد و پنجهزار نفر است (روس) افتتاح
راه آهن از پطربه دونابورک هفتصد هزار نفر زرع فوت مادر امپراطور روس در سن شصت و نه سالگی دولت روس
پنجاه هزار قشون بساحل پروت سرحد عثمانی روانه میکند عمر پاشا از طرف دولت عثمانی او را استقبال مینماید دولت
فرانسه دولت عثمانی را تهدید میکند که قوانین جدیده در رفاهیت تبعه خود ایجاد سازد (سود و نروج) جلوس شارل پانزدهم
بسلطنت (عثمانی) انعقاد مجلس بریاست محمد پاشا صدر اعظم بجهة قرار داد لازم که عیسویان تبعه عثمانی در رفاهیت
و آسودگی باشند در کوه لبنان شام منازعه سخت مابین طایفه دروز و مارونیت روزها که مسلمان هستند و هایت
مارونیتها اگرچه علیسوی هستند عیسوی زانند و اهالی را قتل مینمایند و قشون دولتی نیز در این عمل شنیع با آنها شریک است
در صعید و بیروت و دمشق و دیر القمر نسبت بعیسویها قتل و غارت سختی واقع میشود نسبت بقنسولهای دول فرنک نیز
بی احترامی سخت وارد می آید در شهر دمشق مدت پنج روز متوالیا مسلمانها هر کجا عیسویان را گیر می آوردند بقتل میرسانند
حتی قنسول هلاند مقتول و قنسول نیکی دیگر مجروح گردید قشون دولت عثمانی رفع غایله نکرده بلکه کمک مینمایند امیر عبد القادر
الجزایری که در دمشق سکنی داشت جمعی از عیسویان را از قتل نجات داده در تحت حمایت خود نگاه میدارد اعلیحضرت
سلطان محض شنیدن این اخبار وزیر امور خارجه خود فواد پاشا را مامور دمشق مینماید دولت فرانسه جدًّا در صدد
تحقیق این عمل است و دول فرنک را با خود شریک میسازد ورود فواد پاشا در بیروت و حبس جمعی از اشرار و قتل بعضی
از آنها علی الخصوص خورشید پاشا والی شام که متهم باین عمل است محبوس میشود بعضی از سردارهای بزرگ معتبر که نفرشان
هشتاد نفر میشد بحکم فواد پاشا بسیاست میرسند ورود عساکر فرانسه از راه دریا به بیروت مامور بند دول فرنک
از برای تحقیق این مقدمه در تمام ایالت شام گردش میکنند بالاخره بعد از تنبیه اشرار حساب تلف شده طایفه مارونیت وارد
آمده است علی التخمین شش کرور تومان ایران مقرر میدارند که چهار کرور دولت عثمانی از خزانه و دو کرور طایفه دروز
بدهند از سی هزار نفر دروز که مرتکب این اعمال شنیعه شدند هزار و دویست نفر بیشتر سبب شرارت و قتل بودند این
مبلغ را این هزار و دویست نفر باید بدهند شورش در ایالت البانی قتل والی منتگرو دانیل نصب برادرزاده او در سن
نوزده سالگی بجای او فوت والی سرب میلش و لایت سرب میشیل بجای او ایجاد قانون در مملکت تونس افتتاح
راه آهن بفستنجه کسوف شمس بالتمام در هیجدهم ژولیه اول تابستان که عثمانیها ابتدا لیل شومی دانستند (فرانسه)
استعفا مسیو والفسکی از وزارت خارجه و نصب توونل که سابقا در اسلامبول سفیر کبیر بود بجای او ورود آخر دسته
قشون فرانسه بپاریس از ایطالیا با اتفاق مارشال وایان فوت گران دوشس استفانی از اقوام مادر ناپلیون سیم امپراطور
فرانسه که دختر خوانده ناپلیون اول بود فوت ژیرنیم برادر ناپلیون اول و عموی ناپلیون سیم در سن هفتاد و
شش سالگی مسافرت امپراطور به نیس و ساوا و به کرس و به الجزایر ملاقات والی تونس در الجزایر با امپراطور ایجاد قانون
ملیح در الجزایر که هم ملت اسلام الجزایر مطیع آن قانون هستند و هم عیسویان در سنیگال که پادشاه آنجا بدست
برادرزادگان خود مقتول میشود و پسر آن پادشاه منصوب شده قاتلین پدر را بدست آورده بقتل میرساند این قتل
و این اغتشاش از شوکت و اقتدار فرانسه در آن سمت نکاهد فوت خواهر امپراطریس دوشس دالب عهدنامه تجارتی
با بیرمان فتوحات در ماچین موفوق داشتند ذکره عبور مابین انکلیس و فرانسه ضایع و مداخل شهر پاریس

علیسویان م

بتنهائی

بنهائی در این سال بیست کرور و سیصد هزار تومان ایرانست افریقیا اغتشاش داخله در ملک حبش مابین نقوسیه
پادشاه واقعی و تادرس نام شخص اجنبی که داعیهٔ سلطنت دارد روی داد و تیل نام از صاحب منصبان بحری فرانسه با عله حبشه
و صحیح و سالم مراجعت کردن امریکا (اتازونی) ورود سفیر ژاپن بواشنگتن نصب ابراهیم لنکلن بریاست جمهوری
و عزل بوکانان که مدت ریاست او بانتها رسیده بود رئیس جمهوری تازه آزادی غلامان را طالب است بعضی ایالات که غلامان
بسیار داشتند از انتخاب رئیس تازه خوشحالی ندارند و طالب این هستند که از جرگهٔ متحدهٔ اتازونی خود را خارج کنند
از ایالاتی که ابتدا اسوا شدند و مجد بر این هستند که نگاهداشتن غلام از واجباتست کارلین جنوبیست اهالی این ایالت
بعضی از امکنه که مخصوص دولت بود از جبه خانه و چاپار خانه و قورخانه و گمرکخانه متصرف شدند و بنای شورش گذاشتند
(ینگی دنیای جنوبی) سلطنت یکی از تبعهٔ فرانسه آن توان نام در ایالت اروکانی که خود را با آن توان اول موسوم
کرده بود

سنهٔ ١٢٧٧ هجری — سنهٔ ١٨٦١ مسیحی

آسیا (ایران) امسال تعزیه خوانی دولتی در تکیهٔ مبارکه بنا و دائر شد حاجی رجبعلیخان سرهنگ توپخانه
پسر فضلعلی آقا بمنصب سرتیپی سیم توپخانه سرافراز شد حسب الامر نواب ملک آرا حکمران مازندران و استرآباد با
بعضی قشون استرآباد ترکمان داز را تنبیه سخت نمودند میرزا کاشانی سرهنگ فوج کوهپایه بجهت انتظام قلعهٔ ناصری و
حفظ و حراست سرخس مأمور آن سامان شده که در دایرهٔ محمد ولیخان سردار حاکم سرخس مشغول خدمت باشد جهت
رسیدگی کامل بعرایض ملهوفین و متظلمین روزهای یکشنبه را ذات ملکوتی صفات مقدس قرار دادند سفرا و حضرا در
جائی مخصوص دیوان مظالم بنفس نفیس همایون جلوس فرمایند و بار عام بعارضین از هر صنف و ملت دهند در موقع
جشن مولود همایون سلام عام در قصر نیاوران منعقد گردید دار الطباعهٔ دولتی و طبع روزنامجات را بمیرزا
ابو الحسن خان نقاشباشی غفاری که در این صنعت یگانهٔ زمانست تفویض فرمودند و روزنامهٔ دولتی مصور شد
صفر علیخان سرتیپ سوارهٔ ابیانلو را نیز با هفتصد نفر سوارهٔ ابواجمعی خود و یکعراده توپ و تنخواهی بجهت عساکر اردوی
مرو از دار الخلافه عبور داده مشار الیه بسرتیپی اول سواره و خلعت همایون سرافراز گردید عباسقلیخان معتمد الدوله بیک
قطعه نشان تمثال همایون مفتخر شد شاهزاده جلال الدین میرزا بمنصب آجودانی مخصوص حضور مبارک سرافراز گردید
کارخانهٔ چاشنی سازی ممتاز و طرفه برای توپ بتوسط مسیو روس در دار الخلافه ایجاد و ساخته شد نواب حشمة الدوله و تفنگ شیرخان ببیاد علی ع
و قوام الدوله را از خراسان احضار و نواب حسام السلطنه را بحکمرانی خراسان مأمور فرمودند و محمد ناصرخان ایشیک
آقاسی باشی را بلقب ظهیر الدوله ملقب و بسمت پیشکاری و سرداری خراسان مقرر فرمودند و محمد ابراهیمخان ولد جناب
ظهیر الدوله را بنیابت اول ایشیک آقاسی باشی دادند نواب مؤید الدوله بحکمرانی فارس منصوب گردید محمد ابراهیمخان سرتیپ
اول افواج خمسه بلقب مظفر الدوله سرافراز شد نواب کیومرث میرزا ایلخانی حکمران کرمان ملقب بعمید الدوله گردید بنائی و تعمیرات
کلیه از وجود دولت در اماکن مشرفهٔ کربلای معلی بتوسط جناب شیخ عبد الحسین مجتهد شد میرزا غفارخان
صدیق الملک نایب اول وزارت خارجه بمنصب وزیر مختاری و ایلچی مخصوص مأمور اقامت سنت پطرزبورغ گردید بیک قبضه
شمشیر مرصع و خلعت همایون نایل گشت و میرزا جوادخان ولد مشار الیه مأمور رسیدگی امور تجارتی که محول بصدیق الملک بود شد دولت خارجه
جناب میرزا محمد حسین دبیر الملک بیکقطعه نشان تمثال همایون مکلل بالماس مفتخر گردید یحیی خان آجودان
مخصوص که از اسلامبول مراجعت نموده از جانب اعلیحضرت سلطان عثمانی نشان از درجهٔ اول مجیدیه برای شاهزادگان

و امنای

وامنای ایند ولت علیه ابلاغ نمود نواب اعتضاد السلطنه وزیر علوم درازای خدمت کشیدن سیم تلگراف الی تبریز باعطای یکثوب
خرقه رندی ترمه پوش مبارک و یکقبضه قمه مرصع مفتخر گردید علیقلیخان رئیس کل تلگرافخانه ممالک محروسه و نایب دویم
وزیر علوم بنشان و حمایل سرهنگی از درجه اول و خلعت همایون سرافراز شد و الله مؤلف ضیاء الملک حکمران عربستان و
لرستان باعطای یکقطعه نشان و یکرشته حمایل امیرتومانی و یکثوب کلیجه ترمه تن پوش مباهی گردید روز هشتم رمضان قر(ص)
آفتاب ببرج حوت تحویل نمود حضرت اشرف امجد شاهنشاهزاده والاسلطان مسعود میرزا ملقب بیمین الدوله
ملقب و بحکمرانی ایالت مازندران استراباد منصوب فرمودند عین الملک خوانسالار بیکقطعه نشان تمثال همایون مفتخر گردید
میرزا زکی رشتی بمنصب مستوفی گری دیوان اعلی و وزارت خمسه سرافراز شد و ستعلیخان معیر الممالک بیکقطعه نشان
تمثال همایون قرین مفاخرت آمد میرزا ابوالقاسم معین الملک بمنصب لشکر نویسباشیگری برقرار گردید بمحض منع و دفع
سیل از دار الخلافه طهران مقرر شد در بالای شهر سدّی بر بندند که مانع سیل باشد میرزا مصطفی خان افشار بوزا(رت)
مازندران و استراباد برقرار گردید امان الله خان والی سابق کردستان مجددا بایالت کردستان و بیکقطعه نشان
تمثال همایون سرافراز گردید حسینخان شهاب الملک بمنصب سرتیپی اول و یکقبضه قمه دسته مرصع مفتخر آمد
حضرت اشرف امجد اعظم والا شاهنشاهزاده کامکار مظفر الدین میرزا بایالت آذربایجان منصوب و عزیزخان سردا(ر)
کل به پیشکاری حضرت معظم الیه برقرار شد حضرت اشرف امجد افخم شاهنشاهزاده والا نایب السلطنه را بحکمرانی دار
الخلافه باهره مامور فرمودند حسب الامر سیم تلگراف از شهر دار الخلافه بشمیران کشیدند وزارت تجارت و صنایع و فو(اید)
را علاوه بر وزارت علوم و سایر مشاغل تفویض بنواب اعتضاد السلطنه فرمودند موکب همایون در اینسال بطر(ف)
دماوند ییلاق میل فرمود (چین) بعد از فرار از پکن هنوز خاقان وارد پای تخت نشده است تفویض وزارت
بپرنس کنک برادر خاقان و ورود سفرای کبار فرانسه و انگلیس به پکن دو بهار انگلیسها در صدد این هستند که از تبت راهی
بهند باز کنند لیکن اینها بعقاید میشود فتوحات قشون دولتی در بعضی نقاط که یاغیها بودند بخصوص در ایالت پچلی شو(رش)
و یاغیگری در ایالت جنوبی چین زیاد است در حوالی تبت بخصوص فوت خاقان در شهر ژهل جلوس پسر هفت ساله او بتخ(ت)
سلطنت چین بجهت طفولیت خاقان هشت نفر از اعیان و معتبرین چین متفقا سلطنت چین میکنند پرنس کنک اگرچه
جزو این هشت نفر نیست ولی مادر خاقان حبیلا و اوراسمت مستشاری خود اختیار نموده باز اقوال او در امورات دو(لت)
سند است (ژاپن) قتل یکنفر از هلاندی که مترجم و واسطه انعقاد مصالحه ما بین دولت ژاپن و ینگی دنیا و انگلیس و پروس
بود بدست بعضی از اشرار در ید بعضی اشرار در صدد قتل اجزاء سفارت انگلیس بودند اروپا (اسپانیول) فوت دو
از اولاد دونکارلس در مدت کم و فوت زوجه اش بلافاصله فوت یکی از صبایای ملکه در طفولیت و ورود سفیر کبیر مرا(کش)
بمادرید پای تخت این سفیر برادر سلطان مراکش بود و ورود رئیس سابق مکزیک میرامن بمادرید افتتاح راه آهن
از مادرید باسکوریال (المان) فوت پادشاه پروس فردریک گیوم چهارم در سن شصت و پنجسالگی در زمستان جلوس
برادر او گیوم اول بعضی از وکلای ملت پروس در صدد اتحاد ممالک المان و سلطنت یک امپراطوری در المان هستند
بهمه جهت از اهل المان باشد یکی از طلاب بیلبرلیک که طالب اتحاد المان بود در مملکت باد طپانچه بپادشاه پروس خالی میکند
چون گلوله بپادشاه نمیخورد عدالتخانه حکم بر بیست سال حبس و صادر میکند تا جلوس پادشاه پروس در شهر
کنیزبرک اهالی مجارستان طالب این هستند که امپراطور اطریش تاج سلطنت مجار را بر سر گذاشته بالقاب خود پادشا(هی)
مجارستان را الحاق نماید آن تام از اهالی مجار راضی براین نیست که وکلای ملت مجارستان در پارلمنت وین جلوس

(ماچین)
جلی تخت قشون فرانسه با عنایا کرد دولت
آنام فتوحاتها بعضی از نقاط مملکت
آنام علی الخصوص سینیو هنوز
عده قشون فرانسه و اسپانیول
در این نقطه بدرجه خوب نرسیده
است که به هوه پای تخت نوش
برندم

ذیلی

نمایان شورشی در پراك افتتاح مجلس پارلمنت در وین در بهار مجلس پارلمنت المان پانصد و بیست عراده توپ بقیمت یازده کرور فلورن ابتیاع نموده که از برای حدود و ثغور مملکت المان لازم میدانند قشون المان بر روی هم چهار صد و پنجاه و دو هزار خواهد بود فرستادن ایلچی از طرف پادشاه پروس بایران مقصود از فرستادن این ایلچی علاوه بر بعضی ماموریتهای رسمی تحقیقات بعضی مسائل علمی است (انکلیس) بی تابی و پریشانی عمله جات کارخانه‌های ریسمان ریسی که بواسطه نیامدن پنبه از ینکی دنیا در تعطیل و بی اجرت مانده اند روزنامه‌های انکلیس بعضی طرفدار رئیس جمهوری و بعضی برضد او هستند هیئتی در بندر انکلیس از برای جنك بحری فوت پرنس البرت شوهر پادشاه انکلستان تعداد نفوسی که در این سال شده است تمام جمعیت جزایر انکلیس بیست و هشت کرور و سی و یکهزار و صد و شصت و چهار نفر است ایجاد نشان موسوم بستاره هند از راجه‌های هند یکسیکه این نشان داده شد نظام حیدرآباد مهاراجه کوالیر مهاراجه کشمیر نواب رامپور کفتکوی سخت لرد پالمرستن در مجلس وکلا برضد دولت اسپانیا که خرید و فروش غلام و کنیز را در کوبا منع نکرده است دولت انکلیس خطاب پادشاهی تمام مملکت ایطالیا را بویکتور امانوئل پادشاه پیمونت داده بودند می شناسد اضطراب در مملکت انکلیس که مبادا جزیره ساردین را دولت فرانسه از پادشاه ایطالیا بکیرد (ایطالیا) حکومتی برنس کاریبالدی یان از اقوام سلطنت در ناپل بوزارت بنکر اقتصاد تصرف کاریبالدی و مازنی و نیز را محاصره کائت که پادشاه ناپل در او بود بتوسط امپراطور فرانسه مدت شش روز بتعویق افتاد چون پادشاه ناپل از آنشهر خارج نشد و تسلیم نکردید مجددا بعد از شش روز ژنرال چیالدینی حکم بیورش داد سفاین جنکی فرانسه که در سمت دریا بحمایت و رعایت پادشاه ناپل آمده بود بعد از تمکین ننمودن او بنصایح دولت فرانسه شراع کشیده رفتند امیرال پرسان امیر بحری ایطالیا با کشتیهای جنکی ایطالیا از سمت دریا نیز کائت را محاصره نمودند شهر کائت بعد از نوزده روز مقاومت تسلیم شد قشونیکه در آنشهر بود و مرکب از پانزده هزار نفر تسلیم کردیدند قلعه مسین که یکی از قلاع مستحکمه بود نیز تسلیم شد و این آخر قلعه بود از قلاع پادشاه ناپل که بتصرف سرداران ایطالیا درآمد اولا دولتی که قطع مراوده با دولت ناپل کرد دولت انکلیس بود تفتیش و اغتشاش سخت در ناپل و بعضی از ایالات مفتوحه کاریبالدی که بجزیره کاپرا رفته بود و میل بمداخله کارهای دولت ندارد پادشاه ایطالیا را بعدم حقوقی نسبت بخود متهم میسازد فوت مسیو کاوور صدراعظم در تابستان بعد از فوت کاوور بارن ریکازلی که از معارف و متمولین ایطالیا بود بمنصب صدارت برقرار میشود افتتاح راه آهن از میلان به پلزانس طغیان کوه آتشفشان وزوو در اوایل پائیز (پرتوغال) فوت پادشاه در سن بیست و چهار سالکی جلوس برادرش لوئی اول بجای او (بلژیک) ملاقات پادشاه بلژیک با پادشاه هلاند در لیژ اهالی بلژیک در شناختن دولت ویکتور امانوئل را بپادشاهی ایطالیا شکایت دارند (دانمارک) دولت هیچ راضی نیست که قانون مملکت المان در اسلسویک و هلستن چنانکه اهالی المان شایق بر این هستند رواج بکیرد دول فرانسه و انکلیس و روس بدولت دانمارك تکلیف میکنند که با اهالی ایالتین مهربانی کند (روس) انقلاب و اغتشاش سختی در ورشو لهستان حکمران لهستان میشل کرچاکف عاجز از نظم مملکت است تغیر اعلیحضرت امپراطور نسبت باهالی ورشو لهستان فرستادن قشون بجهت نظم لهستان در ورشو منازعه رعیت با قشون دولتی و قتل متعددی از طرفین قشون مامور بورشو بهشتاد و پنجهزار رسید و مخارج این قشون را مدت توقف مجبورا اهالی ورشو باید متقبل بشوند مختصر شورشی در اپالت فازان فوت میشل کرچاکف حاکم ورشو و نصبت ژنرال سوخوزانت بجای او حبس هزار و ششصد و هفتاد و هشت نفر از اشخاصی که مؤسس شورش بودند در لهستان بعضی را بسیبری

و بعضی را بقلاع دیگر مجلس فرستادند افتتاح راه آهن از مسکو به ولادیمیر (عثمانی) انقلاب و اغتشاش سخت خونریز
در ایالت هرزکوین که اهالی قراداغ انها را تهدید عمر پاشا سردار عثمانی باعیان را منازعه مابین اهالی قراداغ و
عثمانی در کنار دریاچه اسکوتاری در سربستان شورش مردم بدولت بواسطه سکنی دادن طایفه تاتار قرم در بلغارستان
که نزدیک بانهاست والی تونس سید صادق پاشا قانون جدیدی که در مملکت نمود من جمله جز یکزن در حرم خود نخواهد
داشت مأمورین دول فرنگ در بیروت بندر شام اجماع کرده بودند و سعید بیک رئیس طایفه دروز را که حبس نموده بودند
در مجلس مزبور دیر القمر بعدانا بن بیک حاکم عیسوی از طرف عثمانی خواهد بود حکومت داود افندی که از عیسویان کاتولیکی
مذهب است به لبنان فوت سلطان عبدالمجید در سن سی و هشت سالگی و جلوس سلطان عبدالعزیز برادرش بجای او
وزارت خارجه فؤاد پاشا صدارت عالی پاشا و وزارت علیه کامل پاشا در مصر تنبیه سرباز با چوب موقوف که بعد طغیان آب
نیل و خراب نمودن اغلب ایالات را (فرانسه) حکم ناپلئون که یک سنه از قشون فرانسه بجهة حفظ پاپ میبایست همیشه
در شهر رم متوقف باشد نصب مسیو دمرنی بریاست مجلس پارلمنت فرانسه شناختن ناپلئون امپراطور فرانسه ویکتر امانوئل
را بسلطنت ایطالیا معاهده تجارتی با بلژیک بواسطه عمل نیامدن حاصل بقدر کفایت مملکت فرانسه ابتیاع حبوبات
از خارج مینماید ورود سفرای سیام بفرانسه و پذیرفتن امپراطور انها را در عمارت فونتن بل تقریبا دویست سال
بود که ایلچی سیام بمملکت فرانسه نیامده بود فوت مارشال بسکه در سن پنجاه سالگی فوت اسکریب شاعر معروف
تعداد نفوس در این سال شصت و چهار کرور و سیصد و هشتاد و دو هزار و دویست و بیست و پنج نفر که از این
عده ششصد و شصت و نه هزار و پنجاه و نه نفر اهالی نیس و ساوا هستند که تازه الحاق بمملکت فرانسه شده است
جمعیت پاریس پایتخت یک کرور و صد و شصت و هفت هزار و هشتصد و چهل و یک نفر است انعقاد مجلس کنفرانس در پاریس دران
مجلس مقرر شد که قشون فرانسه از برای حفظ عیسویان شامات مدتی هم باید در شام توقف کنند (یونان)
شورش بعضی از صاحب منصبان نظامی یکی از طلاب قصد قتل ملکه نمود در زمانیکه پادشاه بالمان سفر کرده بود
اهالی کرفو و جزایر یونان مایل بملحق شدن بیونان هستند و با عساکر انگلیس در جزیره زانت نزاع سخت خونخواری
نمودند **افریقا** تادرس یاغی در حبشه نفوسته پادشاه جوانرا مقتول و خود بجای او بسلطنت حبشه جلوس
کرد فوت ملکه خونخوار جزیره ماداگاسکار بعد از سی و سه سال سلطنت جلوس پسرش راکت که برادامادو تم موسوم
گردید که دوست فرانسه ها و عیسویها بود در مراکش پاشای تان ژر سید محمد الخطیب که از طرف پادشاه مراکش مامور
بمراوده با دول عیسوی مذهب بود و با فرانسه ها در سنه هزار و هشتصد و پنجاه و یک عیسوی مطابق هزار و دویست
و شصت و هشت هجری عداوت ورزیدند و در سنه هزار و هشتصد و شصت عیسوی مطابق هزار و دویست و هفتاد و
هفت هجری با اسپانیولی معزول شد **امریکا** (اتازونی) هفده ایالت از ایالات اتازونی که جمعیت ایشان بر روی هم
سی و هفت کرور میشد و از این سی و هفت کرور هشت کرور غلام و کنیز سیاه بودند بعد از اطلاع از حکم رئیس
جدید اتازونی که باید غلام و کنیزها آزاد باشند در مملکت این هفده ایالت از سایر ایالات خود را مجزی کردند و ایجاد
دولتی موقتی از برای خود بریاست یک رئیس که مدت ریاست او شش سال باشد نمودند رئیس این هفده ایالت
ژفرسن داویس است که از سردارهای با علم مجرب اتازونی میباشد رئیس تازه اتازونی که ابراهیم لنکلن باشد
بعضی از معاندین در شهر ماریلان میخواستند بقتل رسانند ایالات اتازونی دو قسمت شدند جنوبی و شمالی
جنوبی انها که میل بر بندگی غلام و کنیز دارند شمالی انها بلکه میل بازادی غلام و کنیز دارند هفتاد و پنجهزار

قشون

قشون ایالات شمال از برای منازعه ایالات جنوب بهیئه می بندند (مکزیک) فرارد رئیس سابق میرامن بسمت هاوان نصب شد واوزیس بریاستطمع ژوارس رئیس تازه در موقوفات معابد و منع نمودن که مدت دو سال اهالی مکزیک منافع تنخواه استقراضی از دول فرنک را ندهند در پای تخت مکزیک استراردصدد قتل سفیر فرانسه و بعضی از اعیان انکلیس هستند اخراج نمودن باکمال بی احترامی سفیر اسپانیول را از مکزیک چون در مملکت مکزیک جمعیت زیادی از تبعه فرانسه و اسپانیول هستند اینحرکات بی ادبانه مکزیک سبب انعقاد عهدنامه لندن مابین دول فرانسه و انکلیس و اسپانیا بر ضد دولت مکزیک کردید بقصد جنک نمودن فرانسه و انکلیس بتوسط سفرای خود به ژوارس ورود قشون اسپانیول بسرداری ژنرال پریم در وراکروز و تصرف شهر و قلعه سنت ژانت

سنه ۱۲۷۸ هجری
سنه ۱۸۶۱ مسیحی

آسیا (ایران) امسال در دهه عاشورا مختصر تعزیه داری در ییلاق شهرستانک و در عشر دویم ماه صفر در تکیه جدیدالبنای سلطنت آباد بمثل هرسال تعزیه خوانی کردند نواب والا فرهاد میرزا با عطای نشان تمثال همایون مباهی و ملقب بمعتمد الدوله کردیدند میرزا هاشمخان تحویلدار صرف جیب مبارک بلقب امین خلوت ملقب کردید روز عید مولود همایونی در قصر سلطنت آباد سلام عام منعقد کردید نواب مؤیدالدوله حکمران فارس پل بسیار معتبری محکم بر رودخانه سنوید در هشت فرسخی شهر شیراز کشیدند حاجی محمد شریفخان سرتیپ بلقب منشی لشکری سرافراز شد نواب احمد میرزای معین الدوله را بحکومت ولایت استراباد سرافراز فرمودند که در اطاعت حضرت والا امین الدوله بوده باشد نواب حسام السلطنه حکمران خراسان متمردین و اشرار ترکمن را تنبیه کردند میرزا سلطان محمدخان بهبهانی که خیال خودسری داشت نواب مؤیدالدوله حکمران فارس او را کرفتار نمودند چون بعضی عمارات دیوانی فارس در ایام زلزله خرابی بهم رسانیده بود شش هزار تومان بتوسط نواب مؤیدالدوله صرف تعمیر عمارات فارس شد چون اعلیحضرت سلطان عبدالمجیدخان سلطان عثمانی در هفدهم ذی حجه هزار و دویست و هفتاد و هفت رحلت نموده و اعلیحضرت سلطان عبدالعزیزخان بر سریر سلطنت جلوس فرمود در این ایام اعلیحضرت اقدس همایون شهریاری محمد رحیمخان نسقچی باشی دربار را برای تعزیت و تهنیت بسمت سفارت کبری مامور دربار دولت عثمانی فرموده و معزی الیه را در اینموقع بلقب علاء الدوله ملقب و باعطای یکقبضه شمشیر مرصع و یکطاقه نشان درجه اول سرتیپی باحمایل آن سرافراز فرمودند انکشاف معدن زغال سنک و کوکرد و مس و زرنیخ در قریه جوشقان شد قورخانه و توپخانه محمره را اکثر مدت آب خراب کرده بود حسب الامر ضیاء الملک حکمران عربستان والدمؤلف بخوبی مجدد ابنا کرد یکرشته قنات در صحرای دوشان تپه را الخلافه احداث وجاری شد یکنفر باغبان ماهر برای ترتیب بعضی باغچه و نباتات از پاریس احضار فرمودند انبار غله دیوانی بواجمع رحمت الله خان غلام پیشخدمت خاصه شد جناب ناصرالملک را مامور باتمام ساختن راه کیلان فرمودند ضیاء الملک والدمؤلف حکمران عربستان و لرستان بشدت مریض و سلیمانخان سرتیپ افشار را مامور این دو ایالت فرمودند که معاون ضیاء الملک باشد هم ربیع الثانی شاکردان دار الفنون را امتحان کاملی فرموده نظر برونق و ترقی کامل مدرسه نواب اعتضاد السلطنه وزیر علوم را بیکطاقه نشان از مرتبه اول امیر تومانی با یکرشته حمایل مخصوص آن از داخل نظام و اعطای یکهزار تومان انعام نایل و مفتخر فرمودند و نواب والا فرهاد میرزای معتمدالدوله که در امتحان مدرسه حاضر بودند با عطای یکطاقه نشان طلا از مرتبه اول مدرسه و یکرشته حمایل امیر تومانی خارج از نظام سرافراز داشتند رضاقلیخان رئیس مدرسه بخلعت همایون

رئیس تازه

وجعفرقلیخان ولد رضاقلیخان با عطای یکقطعه نشان سرهنگی و یکرشته حمایل خارج از نظام و خلعت همایون و پنجاه تومان
انعام سرافراز شد محمدحسینخان اصفهانی بمنصب اجودانی مدرسه و اعطای نشان طلا و هفتاد تومان اضافه مواجب
و بیست تومان انعام مفتخر گردید و سایر اجزای مدرسه از معلمین و متعلمین و غیرهم نیز هریک بقدر رتبه و استحقاق
بانعام و نشان و خلعت همایون سرافراز شدند همدر این اوقات نواب حسام السلطنه حکمران خراسان با ترکمانان تکه مروی که معادل
هزار سوار بودند جنگ صحیحی کرده تمام هزار نفر را مقتول و اسیر نمودند تفنگ بسیاری از فرانسه ابتیاع شد قلعه شهر
طهران را از داخل و خارج مرمت کامل کردند عباسقلیخان جوانشیر معتمد الدوله وزیر دیوانخانه مرحوم و برادرش محمد
ابراهیمخان بریاست دیوانخانه مبارکه و لقب امیردیوانی سرافراز گردید پاشاخان امین شوری بیکقطعه نشان تمثال
همایون مفتخر شد امان الله خان والی کردستان بیکقطعه نشان از مرتبه اول سرتیپی و حمایل آن نایل آمد حسینخان حاکم
همدان را احضار فرموده محمدحسنخان پیشخدمت خاصه بحکومت آن نواحی سرافراز شد میرزا علینقی طبیب پسر آقا اسمعیل
پیشخدمت باشی سلام که برای تکمیل علوم خود بپاریس رفته بود معاودت نمود جبه خانه و قورخانه دار الخلافه باهتمام
مسیو دوس رونفی دارد و در کارخانه چاشنی سازی طهران نیز سالی ده کرور چاشنی ساخته میشود نواب رکن الدوله
حکمران گیلان بیکقطعه نشان تمثال همایون سرافراز و نواب معین الدوله حاکم استراباد بیکقطعه نشان از درجه اول
سرتیپی با حمایل آن مفتخر گردید در عتاب جناب علاء الدوله مشاغل و خدمات مرجوعه بمعزی الیه را بغلامعلیخان
نایب ایشیک آقاسی باشی واگذار فرمودند از شهر رشت تا منجیل را که همیشه بشدت گل و لجن بود بامر دولت ساختند محمدخان سر
سپاه نصرت همراه خراسانی با تراکمه که بقصد تاخت حوالی مشهد مقدس آمده بودند و کشته شدن شیخ محمد که سرخیل
اشرار تراکمه بود با جمعی دیگر از تراکمه و انهزام باقی آنها نیز در این اوقات اتفاق افتاد و سرداران همه بپاداش این خدمت
بانعامات و مناصب و خلاع ملوکانه سربلند شدند عیسی خان اعتماد الدوله مرحوم شد و حسینقلیخان پسر آنمرحوم که نایب
الحکومه یزد بود بحکومت یزد مفتخر گردید چنانکه در سایر دول رسم است مقرر شد کلیه احکام و اسناد دولتی که بامضای
همایونی مقرون میگردد روی دفتر دولتی نوشته شود و نشان مخصوص دفتر دولتی سپرده بامین شوری شد اصطبل توپخانه را
بمیرزا علی اکبرخان اجودانباشی توپخانه سپردند کاغذ کرخانه دار الخلافه کاغذهای بسیار خوش قلم ممتاز میسازد پل
شوشتر را که از طغیان آب خراب شده بود ضیاء الملک والد مؤلف حکمران عربستان و لرستان بخوبی تعمیر نمود حسب
الامر دولتی مناره سرحد (فانوس بحری) ساخته شد معین الملک لشکرنویسباشی با عطای یکقطعه نشان تمثال
همایون از مرتبه سیم سرافراز شد میرزا محمدعلی کارگذار مهام خارجه فارس بلقب خانی سرافراز گردید میرزا مهدی همدانی
منشی مهام خارجه بلقب خانی و ناظمی مهام خارجه بندر بوشهر و سایر جزایر بحر العجم و خلعت همایون نایل گشت زین
العابدین خان حاکم کروس که با سرکردگی افواج کروس مامور ساخلو کلات بود مرحوم شد و علیرضاخان پسر او بحکومت
کروس و خلعت همایون مباهی گردید آقا محمدحسن صندوقدار بلقب اعتماد الملکی و خلعت همایون سرافراز شد میرزا مصطفی
لشکرنویس بلقب وکیل لشکری مفتخر گردید این اوقات محض مزید انتظام امور دیوانخانه عدلیه دستخطی مبارک خطاب
بمحمدابراهیمخان امیر دیوان شرف صدور یافت جناب میرزا جعفرخان مشیر الدوله که در سال قبل بسمت سفارت کبری
مامور دولت انگلیس گردید و بپاریس پای تخت فرانسه و اسلامبول و آتن پای تخت یونان و بسیاری از جاهای دیگر نیز
رفته و سیاحت کامل نموده در این اوقات مراجعت کرده بحضور همایون شهریاری مشرف و با عطای یکقطعه نشان
امیرنویانی با حمایل آن مفتخر گردید و علیخان نایب دویم سفارت کبری بمنصب نیابت اول سفارت برقرار گردید و میرزا

اسحق خان منشی بمنصب کارپردازی مهام خارجه استرآباد مأمور و بیک قطعه نشان اول سرهنگی با حمایل آن نایل گشت حسینعلی
خان سرتیپ افشار بمنصب ژنرال اجودانی حضور مبارک و خلعت همایون سرافراز شد راه بیوژن و راه شریف آباد بمشهد
مقدس که هر دو بسیار صعب و دشوار و اسباب زحمت عابرین بود بامر همایون ساخته و هموار کردند نواب والا فرهاد میرزا
معتمد الدوله بحکومت عربستان و لرستان مأمور گردیدند میر عطاء الله خان تیموری بمنصب سرتیپی سرافراز آمد جناب علاء
الدوله ایلچی کبیر که مأمور دربار دولت عثمانی بود مأموریت خود را بانجام رسانیده روز ششم رمضان المبارک وارد دار
الخلافه شد در ماه شعبان این سال موکب همایون تشریف فرمای شکارگاه جاجرود شده پلنگی بسیار بزرگ شکار شست
مبارک شد قنبر علیخان سعد الملک بمنصب سرتیپی اول و خلعت همایون سرافراز گردید میرزا سید تقی تفرشی سررشته دار شے
سابق آذربایجان بمنصب لشکرنویسی و خلعت همایون نایل آمد حاجی میر علی اصغر شیخ الاسلام تبریز برحمت ایزدی پیوسته
میرزا ابو القاسم پسر آن مرحوم بمنصب شیخ الاسلامی منصوب و مخلع گردید جناب مسیو کوبینو که بسمت وزیر مختاری از جانب
دولت فرانسه مأمور دربار دولت علیه بود بدار الخلافه باهره وارد و بحضور همایون نایل گردید میرزا علیخان پسر دبیر
مهام خارجه (جناب امین الدوله) که با حداثت سن در اکثر علوم از فرط ذکاوت با ربط شده و خط را در کمال خوشی
مینویسد بخلعت همایون سرافراز و مقرر شد سفراً حضراً در رکاب اعلی ملتزم خدمت باشد شب بیستم رمضان قریب شش
ساعت از شب گذشته آفتاب جهانتاب از برج حوت بحمل تحویل نموده سلام خاص تحویل در پیشگاه حضور مهر ظهور خسروانه
منعقد گردید حاجی میرزا محمد رضای مستوفی خراسان بمنصب استیفای دیوان همایون سرافراز شد میرزا جعفر خان مشیر
الدوله و رئیس دار الشوری را با ابقای ریاست دار الشوری بمنصب متولی باشیگری حضرت رضوی سلام الله علیه سرافراز
فرمودند نواب احتشام الدوله مرحوم گردید جناب ظهیر الدوله ایشیک آقاسی باشی بحکومت استرآباد سرافراز شد میرزا
عبد الوهاب خان نایب اول وزارت خارجه (جناب نصیر الدوله وزیر تجارت) مأمور اداره انتظام مهام خارجه آذربایجان
و بخلعت همایون و نشان و حمایل سرافراز گردید میرزا هاشم خان امین خلوت بیک قطعه نشان سرتیپی اول سرافراز شد
نواب حاجی سیف الدوله میرزا بحکومت تبریز برقرار گردید محمد قاسم خان وزیر مختار سابق سنت پطرزبورغ بحکومت گیلان
و لقب والیگری ملقب و سرافراز گردید نصر الله میرزا ولد حاجی سیف الدوله میرزا بنیابت دویم وزارت علوم و خلعت
همایون سرافراز و بهمراهی نواب حسام السلطنه حکمران خراسان مأمور آن مملکت گردید نواب والا شاهنشاهزاده اجل
امجد سلطان حسین میرزا اول بلقب جلال الدوله ملقب و بحکمرانی اصفهان منصوب فرمودند و قوام الدوله بوزارت و پیشکاری
شاهنشاهزاده معظم الیه سرافراز شد علیخان قراگوزلو سرتیپ اول بلقب نصرة الملک مفتخر گردید بیک قطعه نشان تمثال بیمثال
همایون برای حضرت شاهنشاهزاده اجل اعظم مظفر الدین میرزا حکمران آذربایجان انفاذ آن مملکت فرمودند شرحی در قواعد
نشان شیر و خورشید باشاره علیه همایونی نگاشته شد که صورت آن در جلد دویم مرآة البلدان موسوم بمآثر السلطانیه
ثبت افتاده است نواب والا عبد الصمد میرزا بلقب عز الدوله ملقب و بحکومت همدان منصوب گردیدند و حاجی میرزا
عبد الله خان بوزارت و پیشکاری آن ولایت سرافراز شد نواب حاجی کیومرث میرزای ملک آرا در سلک اجزای دار
الشوری منسلک و مخلع گردید نواب حشمة الدوله بحکمرانی یزد و خلعت همایون سرافراز شدند ضیاء الملک والد
مؤلف که از عربستان بدربار معدلت مدار آمده در سلک وزرای عظام و اجزای دار الشوری داخل و بخلعت همایون
نایل آمد و بعد از آن بوزارت عدلیه اعظم منصوب گردید و محمد ابراهیم خان امیر دیوان بلقب معتمد الملکی سرافراز
شد محمد مهدیخان کشیکچی باشی بیک قطعه نشان سرتیپی اول و خلعت همایون مفتخر گردید نواب والا نصرة الدوله

حکمران

حکمران عراق و ملایر بسرداری افواج و قشون عراق برقرار گردیدند مرتضی قلیخان وکیل الملک سرهنگ فوج ملایری
بیکقطعه نشان از درجهٔ اول سرهنگی سرافراز شد یوسفخان پسر محمدخان امیر تومان بمنصب سرهنگی فوج ششم تبریز سرافراز
و فوج مزبور ملقب بفوج اقبال گردید اواخر ماه ذیحجة الحرام حضرت مستطاب اجل اعظم شاهنشاهزادهٔ کامکار مظفر
الدین میرزا حکمران آذربایجان را بولیعهدی ابد دولت جاوید شوکت سرافراز و بیکقطعه نشان تمثال بیمثال اقدس نشانهٔ
ولایت عهد و یکثوب جبهٔ ترمهٔ کشمیری دو رمروارید مو شح بلآلی و جواهر گرانبها قرین افتخار و اختصاص فرمودند و
وزارت مخصوصهٔ حضرت مستطاب معظم الیه را بعزیزخان سردار کل تفویض و واگذار کردند و یحیی خان اجودان مخصوص
حضور همایون حامل این نشان و خلعت مبارک گردیده روانهٔ آذربایجان شد (چین) در حوالی شانگای جنگ مابین تا عیهای
تای پنگ و عساکر فرانسه و انگلیس شکست یاغیها زخمی شدن امیرال پرتز سردار فرانسه که بهمان زخم هلاک گردید و
عقب نشاندن یاغیها از نقرپیاسی فرسنج (ژاپن) تعدی نسبت بانگلیسها خروج سفرای خارجه از پای تخت و دو نشان
به یکهاما و ترضیه خواستن از دولت ژاپن (اروپا) (اسپانیا) در مجلس شورا و اهل دولت و کلا رجال دولت را متهم به
این میکنند که در فقرهٔ مکزیک باتحادیکه با دولت فرانسه داشتند بچه جهت بهم زدند (المان) عهدنامه تجارتی پروس با
با فرانسه شناختن دولت پروس ویکتر امانوئل را بسلطنت تمام ایطالیا استقراض دولت از برای تهیهٔ جنگ و کلای ملت
در اینمسئله مساعد با دولت نیستند نقار مابین پادشاه و وکلای ملت ورود مسیو بیزمارک سفیر پروس در اینوقت که مامور
فرانسه بود و قبل از این بسمت ریطرزبورغ بود در جرگه وزرای دولت وزیر مالیه و وزیر خارجه هر دو بعد از ورود بیزمارک
بجمیع وزرا استعفا از کار خود نمودند و در مدت چند وزرا مسیو بیزمارک بمنصب صدارت برقرار گردید ایجاد وزیر بحری در
مملکت اطریش تمام سفاین جنگی اطریش از شراعی و بخاری عبارت از صد و بیست و نه کشتی است که دارای هفتصد و نود و شش
توپ و هیجده هزار و صد و هشتاد و پنج عمله کشتی و قشون بحری است ایجاد پلی در روی رودخانه رن در حوالی ناتسی بجهة
عبور راه آهن (انگلیس) در این سال همه جهات پارچه های پنبه که صد و هشتاد و سه کرور لیره قیمت داشت زیاده
از مملکت انگلیس بخارج برده نشد در صورتیکه سنوات سابقه معادل سیصد و پنجاه و شش کرور لیره کارخانجات انگلیس
پارچه پنبه بخارج میفرستاد و این نبود مگر بواسطه جنگی که در ینگی دنیا واقع شده بود که بقدر لزوم حمل پنبه از ینگی دنیا
بانگلیس نمیشد مخارج زیاد دولت در اینسال بجهة ادارهٔ قشون لرد الژین بفرمانفرمائی هند منصوب شد عدد قشون
هندوستان که در [بیست و پنج] سال قبل سیصد و پنجاه هزار قشون بومی بود بصد و هفت هزار قرار دادند و عدد قشون انگلیسی
که از انگلیس فرستاده میشد و نود هزار بود بهفتاد هزار قرار دادند فوت پادشاه دهلی در رانگون مسافرت
ولیعهد انگلیس باسلامبول و یونان عروسی دختر دویم پادشاه انگلستان شاهزاده خانم الیس با شاهزاده هس
فوت سیرجن رز مسافری که در قطب شمال چندین دفعه سفر کرده بود (ایطالیا) اصلاح بیهوده دولت فرانسه
مابین پاپ و پادشاه ایطالیا فوت برنس کاریگی از اعمام پادشاه سابق ناپل ملاقات والی مصر با پادشاه
ایطالیا در ناپل ایجاد بندر تازه در ناپل با حضور پادشاه خیال راه آهن بناپل استقراض دولت مبلغی بجهة مخارج
انکار از صرافان رچیل شورش در بعضی نقاط بجهة هواخواهان گاریبالدی نقار گاریبالدی با پادشاه خطبهٔ
حضرت پاپ بر ضد پادشاه ایطالیا شناختن دولت روس ویکتر امانوئل را بسلطنت تمام ایطالیا گاریبالدی آشکارا
میگوید یا مرگ یا رم و اینکلام گاریبالدی بر ضد دولت فرانسه و بر ضد پادشاه جدید ایطالیا است که اول محاربت
رم را در عهده گرفته و ثانی عهد کرده است که در رم مداخله نماید عروسی دختر دویم پادشاه ایطالیا با پادشاه

پرتوغال افتتاح راه آهن از ناپل برم (پرتوغال) شورش در بعضی نقاط بجهت گرانی حبوبات (دانمارک)
دولت دانمارک مسلح شده تهیه جنگ می بیند و وحشتی دارد از بعضی ادعاهای پروس با ایالتین اسلسویک و هلستن
و بعد دول فرانسه و انگلیس و روس و سوئد شکایت صنما بیان از وضع و طرزی که دولت پروس پیش گرفته است (روس)
نوشته صدراعظم کنت نسلرد امتداد سیم تلگراف از لندن به سبیره در ظرف چهل و دو ساعت از پطرزبورغ به برلن
پای تخت پروس بتوسط راه آهن میشود رفت تسلیم حکومت لهستان بر گراندوک قسطنطین برادر امپراطور در ظرف یکسال
چهارده هزار و هشتصد و سی و سه نفر از متمردین لهستان محبوس شدند حکومت گراندوک میشل برادر کهتر
امپراطور بمملکت قفقاز (سوئد) ملاقات سلاطین سوئد و دانمارک (عثمانی) صدارت فؤاد پاشا و زارت خارجه عالی
پاشا شورش در حلب رئیس طایفه دروز در حران خالد بیک از اداء مالیات مضایقه دارد و دزدی و شرارت
دانابد روانه امتداد مبتدا هند افتتاح مجلس ایالتین ملداوی و والاشی بدست پرنس کوزای والی جنگ عمر پاشا با
اهالی قراداغ مجلس کنفرانس از دول در اسلامبول تشکیل میشود و اصلاح میان عثمانی و سربی میکنند معاهده
تجارتی عثمانی با روس و با اغلب دول فرنگ والی مصر سعید پاشا بسیاحت فرنگ میرود در حفر نهر مجمع البحرین
اهتمام کامل بعمل میآورند و عملجات جدا مشغول کار هستند (فرانسه) مواجب ژنرال منتبان سردار فرانسه
که در چین فتوحات کرده بود به پنجهزار تومان مقرر شد که نسلا بعد نسل باولاد ذکور او داده شود ایجاد مالیات
جدیده علاوه بر معمول بر کالسکه و اسب و نمک غدغن اکید بوزراء که علاوه بر مواجب و مرسوم که هنگام وزارت مقرر است
خرج نکنند در مجلس وکلا از قشون کشی بسمت مکزیک گفتگو شد و وکلای دولت جواب دادند که مقصود از فرستادن قشون
بقای نام و حفظ آبروی فرانسه است و قراری در نخواهی که اهالی مکزیک استقراض از اهالی فرانسه نمودند ملتفت
شدن مسیو دمرنی بلقب دوک (دوک بمنزله امیرالامراست) نصب دروان دلوئیس بوزارت خارجه (یونان) شورش
در پیلی که قورخانه دولت آنجا واقع شده است جنگ قشون دولتی با یاغیان شورش در اغلب نقاط مملکت ضد
سلطنت شورش بر ضد خانواده سلطنت اجتماع مردم بر عزل پادشاه که از شاهزاده‌های باویر بود اتحاد قشون
با شورشیان استعفای پادشاه اتهن از سلطنت ایجاد دولت موقتی خزانه دولت خالی است انقلاب و
اغتشاش در جمیع نقاط قشون بی نظم و بی سردار (افریقا) در سودان مرکزی حاجی عمر که در سنگال فرانسه‌ها او را
دوانیده بودند مالک تنبکتو کارتا و تمام سواحل رود نیژر گردید جنگ سخت مابین پادشاه دهمه و پادشاه
ابوکوتاه (امریکا) (اتازونی) جنگ مابین ایالتین شمال و جنوب در کمال شدت بود در ایالات کادلین و ورژینی
علی الخصوص بعضی از ایالتها که داشتن برده در آنها رسم بود لکن شوریده با ایالات جنوبی بر ضد ابراهیم لنکلن رئیس
نراسپتاده بودند رئیس مزبور غلامهای آنها را آزاد و بکمپلتی باسم خسارت بآنها عوض داد جنگ سختی که معروف است
بجنگ پرس بورک در حوالی شط میسیسیپی فتح شمالی در این جنگ فتوحات بعضی قلعه‌جات
شمالی بدست جنوبی شکست یافتن عساکر شمالی در نول ارلان تسبب بتبعه هلاند و انگلیس و فرانسه کمال بی
احترامی و صدمه از عساکر جنوبی وارد میآید و تا آنزمان که یکسال از ابتدای جنگ گذشته بود شمالی به تنها
سیصد و پنجاه کرور تومان ایران مخارج کرده بود ایجاد راه آهن از سان فرانسیسکو بکالیفرنی (برزیل) نفاق
با دولت انگلیس که بعد مبدل بصلح میشود (مکزیک) عساکر انگلیس و اسپانیا و فرانسه که باهم متفق بودند در مسئله
تغییر وضع دولت مکزیک بنای بی‌مابین سردارهای دول ثلاثه نفاق پیدا شد با اینکه ژوارز رئیس جمهوری مکزیک در رهان

دنکه

وقتیکه قشون اسپانیولی درخاک مکزیک آمده بودند بالنسبه برعایای اسپانیولی کمال تعدی را نموده دوکرور تومان از
آنها جریمه گرفته وباتهام جزئی جمعی از آنها را بقتل رسانیدند باوجود این سردار اسپانیولی ژنرال پریم باتفاق باسردار
فرانسه را بمصلحت ندید به تنهائی قشون فرانسه را در محمصه انداخته دچار مجادله باژوارز بتنهائی نموده سرداران اسپانیول
وانگلیس یکشبه نشسته باوطان خود مراجعت نمودند و از آن بعد دولت فرانسه مصمم بر این شد که جمهوری مکزیک را دولت
امپراطوری نموده ماکسیمیلین برادر امپراطور اطریش را بر تخت سلطنت مکزیک جلوس دهد

سنه ۱۸۶۲ مسیحی

سنه ۱۲۷۹ هجری

آسیا (ایران) در این سال تعزیه داری دولتی در تکیه مبارکه سلطنت آباد شد جناب میرزا سعیدخان
وزیر امور خارجه با عطای یکرشته حمایل مرصع بجواهر ثمینه نایل گردید خالصه جات و دامن برحمت الله خان
شاری اصلان واگذار شد یکصد باب کارخانه شال بافی در شیراز و شصت باب در یزد دایر گردید ضیاء الملک وزیر علیه
اعظم والد مؤلف بلقب جنابی سربلند گردید جناب ظهیرالدوله محمد ناصرخان ایشیک آقاسی باشی حاکم استرآباد و
شاهرود و بسطام و غیره بیکقبضه قمه مرصع مباهی آمد حکومت بندر بوشهر با احمدخان نوائی مفوض شد میرزا
حسین وزیر سابق دارالخلافه بمنصب استیفا نایل گردید میرزا محمد ولد مرحوم میرزا بابای حکیمباشی بمنصب استیفا و میرزا
علی برادر معزی الیه بمنصب لشکرنویسی برقرار گردیدند بعضی از ریش سفیدان ترکمن ساروق و سالور بارض اقدس
خدمت نواب حسام السلطنه والی خراسان آمده برحسب استدعای خود شان داخل در نوکر و سواره خراسانی شدند
موکب همایون عزیمت گجور فرموده واز گجور بسیاحت کنار دریای مازندران روانه شده از راه بلده و کلاردشت و
بقصبه نیاوران فرمودند جناب حاجی میرزا حسینخان وزیر مختار مقیم دربار عثمانی بیکقطعه نشان تمثال مبارک مکلل بالماس
مفتخر گردید ضیاء الملک والد مؤلف وزیر عدلیه عظمی بلقب نبیل اعتماد السلطنه ملقب آمد حاجی میرزا محمدخان دبیر مهام
خارجه بوزارت وظایف و اوقاف کل ممالک محروسه سرافراز شد و میرزا علیخان ولد معزی الیه (جناب امین الدوله)
بنیابت اول وزارت امور خارجه برقرار گردید خط تلگراف از دارالخلافه تا گیلان امتداد یافت روز بیست و یکم محرم
در استرآباد از سمت قبله ابری ظاهر شده بزمین می آید بعد بهوا صعود میکند و در بین صعود صدائی مهیب از آن بسمعها
میرسد و پس از یکساعت از هم پاشیده آتشی از آن نمایان میگردد و آن روز هوای استرآباد بطوری گرم میشود
که اغلب از گرما بیحال میشوند جناب مسیو جردنی وزیر مختار دولت ایطالیا با نشان درجه اول سلطنتی آن دولت
برای اهدای حضور همایون این اوقات وارد دارالخلافه شد میرزا قهرمان مستوفی نظام آذربایجان بیکقطعه
نشان از درجه سیم سرتیپی و ریاست فوج لشکر آذربایجان سرافراز شد محمد رحیمخان سرتیپ سواره ایلات قزوین
بمنصب سرتیپی اول مفتخر گردید حاجی قوام الملک شیرازی بیکقطعه نشان از درجه اول امیرتومانی با حمایل آن
سرافراز شد آقا محمد ابراهیم معمارباشی بیکقبضه کارد مرصع و لقب خانی نایل گردید محمد اسمعیل خان وکیل الملک
در معابر کرمان و شهر و بلوک رباط و حمامهای خوب و کاروانسرا و بازار بنا کرد این اوقات ایام هفته را تقسیم
کرده در هر روز ذات ملکوتی صفات مقدس عرایض یکی از وزرا رسیدگی میفرمایند میرزا هدایت پسر مرحوم
نصیرالملک بمنصب مستوفیگری سرافراز شد میرزا اسدالله از اجزای وزارت علوم بنیابت حکومت ملایر و
تویسرکان و لقب خانی سرافراز شد میرزا محمد ابراهیم پسر مرحوم میرزا احمد استرابادی بمنصب لشکرنویسی و دویست
تومان مواجب نایل آمد محمد اسمعیل خان وکیل الملک با عطای یکقطعه نشان تمثال همایون مفتخر گردید حاجی

میرزا

میرزا علی پیشخدمت بلقب مشکوة الملک ملقب شد جهانگیرخان سرتیپ ژنرال اجودان مخصوص بریاست قورخانه
مبارکه سرافراز گردید علیقلیخان نایب اول اجودانباشی بیکقطعه نشان از مرتبه سرتیپی و حمایل آن مفتخر گردید
علیقلیخان سرهنگ (جناب مخبر الدوله) که در امتداد سیم تلگراف گیلان خدمت کرده بمنصب سرتیپی سیم و دویست
تومان اضافه مواجب سرافراز شد نواب حاجی محمد ولیمیرزا بمنصب وزارت دار الشورای کبری سرافراز گردید بنده
مؤلف بمنصب ژنرال اجودانی و تشریف همایون سربلند آمد جناب ناصر الملک مشیر خاص حضور همایون برسم وزیر
مختار مأمور باقامت دربار دولت انگلیس شد امان الله خان سرتیپ مستشار سفارت مزبوره و بیکقطعه نشان
از درجه سیم سرتیپی با حمایل آن قرین افتخار آمد محمد مهدیخان سرکشیکچی باشی بیکقطعه نشان تمثال همایون سرافراز شد
عبد العلیخان ادیب الملک پیشخدمت خاصه بحکومت قم مفتخر گردید سواره مقدم مراغه سپرده بحسام الدوله شد
ابو الفتح خان پسر مرحوم عبد الحسینخان جوانشیر بمنصب سرهنگی فوج اول خاصه سرافراز گردید محمد باقرخان ولد
محمدخان امیر تومان بسرتیپی سیم دو فوج جدید و قدیم قزوین برقرار شد باقرخان که در کارخانه شماعی خدمات کرده
بود بمنصب سرهنگی مفتخر شد نواب علیقلی میرزا ولد نواب عماد الدوله ملقب بصارم الدوله گشت و باعطای یکقبضه
شمشیر کلمرصع او را مفتخر فرمودند جناب میرزا فتحعلیخان صاحبدیوان بیکقطعه نشان امیر تومانی و یکرشته
حمایل آن سرافراز شد میرزا احمدخان ساعد الملک ولد مرحوم امیر اتابک اعظم باعطای یکقطعه نشان تمثال
همایون مکلل بالماس سرافراز گردید در کارخانه شماعی دار الخلافه چند قسم شمع در کمال خوبی بسبک شمعهای فرنگی میریزند
این اوقات کتابچه دستور العملی بحکم همایون برای تعیین تکالیف و انتظامات و ترتیبات امور دیوانخانه عدلیه عظمی
نوشته و صدر آن موشح بدستخط همایون شد حاجی رجبعلیخان سرتیپ سیم توپخانه بمنصب سرتیپی دویم توپخانه
برقرار گردید حاجی آقابابای حکیمباشی بلقب ملک الاطبائی و یکقطعه نشان از درجه دویم سرتیپی با حمایل آن
سرافراز گردید میرزا ابو الحسنخان صنیع الملک باعطای یکقطعه نشان سرتیپی و حمایل آن مباهی آمد معدن فیروزجی در
نزدیک ساوه باهتمام حاجی علی اکبر امین معادن پیدا شده که فیروزه آن در کمال صفا است کلیه عمارات مبارکات
دولتی را بحاجی محمدخان حاجب الدوله سپردند مخصوص نظم و انتظام امور قشون دستخطی مبارک بافتخار جناب
سپهسالار شرف صدور یافت جناب سپهسالار را باعطای یکقطعه کمر مکلل بالماس مفتخر فرمودند صبح شنبه غره
شهر شوال المکرم بنیم ساعت بطلوع آفتاب مانده نیر اعظم از برج حوت بحمل تحویل نمود و سلام خاص و عام در
پیشگاه حضور مبارک منعقد گردید پاشاخان امین شوری بیکقطعه نشان از درجه امیر تومانی مفتخر گردید
حاجی میرزا عبد الله خان مستوفی بیکقطعه نشان سرتیپی سرافراز شده و حکومت همدان را نیز بمعزی الیه واگذار فرمودند
ترکمن متمرده استراباد تنبیه کامل شدند کلبعلیخان امین نظام بریاست قشون خراسان و سرتیپی اول سرافراز
شد محمد باقرخان سرهنگ بمنصب سرتیپی سیم نایل گردید میرزا عبد الرحیم خان کارپرداز اول مقیم تفلیس بمنصب
شارژدافری و اقامت دربار دولت روس مفتخر گردید برای مراکب بحریه تبعه دولت علیه وضع علم مخصوصی نمودند
که اسباب امتیاز و تشخیص آنها باشد حکومت استراباد و مازندران را بعهده کفایت عین الملک خوانسالار واگذار
فرمودند و محمد علیخان برادر معزی الیه بنیابت حکومت و میرزا مصطفی خان بهاء الملک بمباشرت امور مازندران
سرافراز شدند دوستعلیخان معیر الممالک را باعطای یکقطعه نشان از درجه امیر تومانی قرین مفاخرت فرمودند
میرزا رضا مستوفی خاصه پسر معین الملک بیکقطعه نشان سرتیپی با حمایل آن سربلند آمد نواب حسام السلطنه

حکمرانی خراسان که بجهة بعضی عوارض لازمه بدار الخلافه آمده بود بمحل حکمرانی خود معاودت نمود حضرت شاهنشاهزادهٔ
امجد والا یمین الدوله (ظل السلطان) دام اقباله بحکمرانی مملکت فارس منصوب و ظهیر الدوله بوزارت حضرت معظم الیه
مفتخر گردید جعفرقلیخان ایلخانی و حکمران بجنورد بیک قطعه نشان تمثال همایون مکلل بالماس سرافراز آمد امیر
حسینخان ایلخانی زعفرانلو بتحسین خدمت تنبیه و تدمیر اشرار ترکمه خراسان بیک قبضه شمشیر کل و کمر مرصع
مباهی شد محمد علیخان ایلخانی فارس بیک قطعه نشان تمثال همایون مکلل بالماس سربلند گشت حاجی قوام الملک
بمنصب متولی باشی گری آستانهٔ حضرت ثامن الائمه علیه السلام و لقب جنابی مفتخر گردید میرزا عبدالله خان مستوفی
حاکم همدان ملقب بعلاء الملک شد نواب والا معتمد الدوله حکمران عربستان و لرستان بیک قطعه نشان تمثال
همایون مباهی گردید و سلطان اویس میرزا ولد نواب معظم الیه رئیس دیوان نظامی لرستان بیک قطعه نشان از
درجهٔ اول سرهنگی نایل آمد جلال الدین میرزا پسر مرحوم احتشام الدوله ملقب باحتشام الملک شد ولایات
ملایر و تویسرکان را نواب اعتضاد السلطنه وزیر علوم واگذار و مالیات آنجا را از بابت مخارج و مصارف مدرسه
دار الفنون مقرر فرمودند چراغعلیخان سراج الملک بمنصب بیگلربیگی گری و ریاست دیوان نظامی اصفهان
برقرار گردید (افغانستان) فوت امیر دوست محمد خان در بهار نصب امیر شیرعلیخان ولیعهد مرحوم بجای پدر
نقار مابین امیر شیرعلیخان و برادر او محمد شریفخان جنگ داخله و شورش در هرات و کابل (چین) شاپیانو
سردار چینی که با اعیانها در جنگ بود متهم باین شد که شکستی که یافته است از راه خیانت بوده و با وجود خدمتهای
چندین ساله که بدولت کرده بود او را محبوس نمودند و حکمی باو صادر شد که در حبس خود را بکشد و بعد از
صدور این حکم او خود را بدست خود کشت بنیاد یک کلیسای کاتولیکی در شهر کانتن (ژاپن) تهدید نامه انگلیس
باین دولت بجهة استرضای قتل جمعی از انگلیسها در ژاپن بی فایده میماند امیرال انگلیس کیپی یکی از شهرهای ساحل
کانگ ذیما را بضرب گلوله توپ منهدم میسازد (ماچین) وبای سختی در هوئه (اروپا) (اسپانیول) ژان پیر
دنکارلس ایزابل ملکه اسپانیول را شناخته و حقوقیکه پدرش و طایفه اش در سلطنت اسپانیول داشته ژان دست سلطنت اسپانیا
از آن حقوق میکشد زلزلهٔ سختی مایلکه مورث خرابی زیاد شد نزاع مابین سیاهها و سفیدها در هایتی یاغیها پرت کالاتا
را در هایتی سوزانیدند (المان) اتفاق آراء در ایجاد مجلس پارلمنت واحده در تمام مملکت ملاقات امپراطور اطریش و
پادشاه پروس در گاستن در سرحد اطریش و تکلیف کردن امپراطور اطریش پادشاه پروس را که یک مجلس شورائی
مرکب از سلاطین و ولات المان در فرانکفرت منعقد شود که در این مجلس حل و عقد امورات کلیه المان بشود پادشاه پروس
قبول حضور آنمجلس را نمیکند لیکن مجلس مزبور در اواخر تابستان این سال منعقد شده سلاطین جزو با وزرای خارجه
که دارند حضور بهم میرسانند این مجلس آنطوریکه مقصود بود فایده نبخشید افتتاح مجلس پارلمنت پروس که در تابستان
اینسال شد و از مضمون خطبهٔ که در افتتاح این مجلس مسیو بیزمارک صدر اعظم قرائت کرد معنی صلح و سلامت مفهوم
نمیگردد در پروس بواسطهٔ تباین رأیکه مابین مسیو بیزمارک و وزرا و وکلای ملت است مجلس وکلا عزل شده
وکلای جدید منصوب میشوند افتتاح مجلس جدید را اعلیحضرت پادشاه پروس شخصاً نمود استقراض وجه معتدبه
برای تهیهٔ جنگ در مملکت پروس بر ضد دانمارک (انگلیس) از مخارج وزارت جنگ ده کرور لیره کسر میشود توپ
جدیدیکه آدم اس ترنگ نام اختراع کرده بود دولت قبول میکند جنگ در نیو زیلاند با طایفه ماوری مالیات
دولت بواسطهٔ تریاک و نمک در هندوستان زیاده از سال قبل است در هندوستان نی شکر و پنبه را آفت

ملخ

ملخ خوارکه ضرر زیاد رسانیده است این ملخها از سمت سند آمده و بیشتر از زراعتهای سواحل رودخانه کنک را خراب
کرده اند جنگ دولت با طایفه کوهستان لاهور نصب سیر ژان لاورانس بفرمانفرمائی هندوستان فوت حاکم سابق
لرد الژن ایجاد راه آهن زیر زمینی در شهر لندن (پرتوغال) ترک قتل مقصرین یعنی دولت از این بعد اشخاصی را
که واجب القتل هستند بقتل نمیرسانند بلکه بجای قتل حبس مؤبد میکند (دانمارک) در دانمارک ولیعهد آن دولت فردریک
فردیناند عموی پادشاه بدون وارث فوت میکند و بفاصله چندی پادشاه دانمارک فردریک هفتم بسن پنجاه و پنجسالگی
نیز وفات مینماید کرستیان نهم که از اقوام دور پادشاه مزبور بود بجای او جلوس میکند پادشاه تازه چهل و پنجسال
داشت یکی از صبایای ایشان زوجه ولیعهد دولت انکلیس است و پسر بزرگ ایشان ژرژ اول پادشاه یونان میشود
شورشی در ایالت هلستن که مجزی از دانمارک بشود دولتین پروس و اطریش هفت روز بدانمارک مهلت میدهند که
عساکری که بجهة تنبیه یاغیان هلستن فرستاده احضار نماید والا شروع بجنگ خواهند شد (روس) شورش در
لهستان نه تنها در ورشو بلکه در سایر شهرهای دیگر نیز قطع سیم تلگراف و خط راه آهن شورشیان ریاست خود را به
میرالفسکی واگذار میکنند دولتین پروس و روس معاهده میکنند که یاغیهای لهستانی اگر بخاک پروس پناه بجویند
عساکر روس تخطی نموده در خاک پروس آنها را تعاقب نمایند نوشتجات سختی که دولت فرانسه بدولتین روس و پروس
در این فقره مینویسد بیفایده میماند صدور فرمان امپراطور روس که هر کس در ظرف بیست روز از یاغیان اسلحه خود را
زمین گذاشته قبول خدمت کند دولت روس از جریمه و جرم او خواهد گذشت فراریهای لهستان که بایطالیا و فرانسه
رفته بودند بوطن مراجعت نموده با یاغیان شریک و همدست میشوند فی الواقع جمیع لهستان در شورش است ژنرال
برک سردار روس مامور تنبیه اشرار است و هم چنین ژنرال مراویف و جمعیت زیادی که از نجبا و کشیشها و کسبه و
غیره که در زمره یاغیان بودند و سرداران مزبور آنها را بچنگ آورده بودند یا فی المجلس کشتند یا بسیبریه بحبس فرستادند
حکم امپراطور روس با حضار قشون زیاد که تقریبا سیصد هزار باشد برای دفع یاغیان زمستان قطع جنگ نکرده
گراندوک قسطنطین برادر اعلیحضرت امپراطور روس که نیابت سلطنت لهستان او را بود خود را از این خدمت معاف
میدارد ژنرال برک مستقلا از طرف اعلیحضرت امپراطور روس فرمانفرمای لهستان میگردد در قفقاز مختصر شورشی
در میان طایفه لزکی سفاین جنگی روس در این سال صد و بیست و دو فروند است که در آن کشتیها دو هزار و دویست
و چهل و شش توپ و بیست هزار و پانصد نفر قشون بحری بودند (عثمانی) اعلیحضرت سلطان از وزرای خود در مسایلی
که راجع بسربستان و قراباغ بود نارضائی حاصل نموده تغییر و تبدیل کلی در دایره وزرا داده شد فؤاد پاشا از صدارت
عزل و رئیس مجلس شوری و وزیر مالیه گردید ولیکن بعد از دو ماه باز بصدارت منصوب شد فوت سعید پاشا
والی مصر در زمستان و نصب اسمعیل پاشا برادرش بجای او سفر سلطان بمصر در بهار اول بجز بر کتابچه جمع و خرج
دولت در این سال که مالیات دولت را غیر از فروعات شصت و نه کرور و صد هزار تومان معین کرده اند و مخارج
را شصت و هشت کرور و دویست و شصت هزار تومان (فرانسه) ورود سفرای انام ماچین بپاریس افتتاح
مجلس دار الشوری در فرانسه جنگ عساکر فرانسه در حوالی شهر فوابلا مکزیک با هواخواهان ژوارز رئیس
جمهوری مکزیک و فتح این شهر بدست ژنرال بازن ورود سردار فرانسه بمکزیکو پای تخت مکزیک و فرار
ژوارز با شش هزار قشون بسانلوئی مجلس شورای مکزیک که تازه در مکزیکو پای تخت تشکیل یافته است بالاتفاق
ارشیدوک ماکسیمیلین برادر امپراطور اطریش را بامپراطوری خود منتخب مینمایند و در این مجلس ذکر میشود که چنانکه

مشارالیه قبول سلطنت ایشان را ننماید هر که را امپراطور فرانسه انتخاب کند آنها باتفاق او را قبول خواهند نمود (یونان)
دول فرنگ در صدد تعیین پادشاهی از برای یونان هستند و بچند نفر از شاهزادگان المان که تکلیف کردند
آنها رد نمودند بالاخره ژرژ پسر ولیعهد دانمارک که در اینوقت هفده ساله بود قبول نمود و سلطنت یونان
باسم ژرژ اول برقرار شد مشروط که خود و اولادش بعد از این طریقه و مذهب یونانی را اختیار کنند با وجود
تعیین پادشاه باز در آن فرق مختلفه در شورش و باهم مشغول منازعه میباشند در این مورد دولت انگلیس
وعده میدهد که بعضی جزایر یونان را که در تصرف داشت بدولت جدید یونان رد کند پادشاه تازه یونان
بلندن و از آنجا بپاریس و از آنجا بوینه بعد باتن پای تخت یونان ورود میکند **افریقا** (ماداکاسکار) شورش
اهالی بر ضد وزرا و خواص پادشاه و بعد از چندی قتل پادشاه و نصب زوجه اش بجای او **امریکا** (اتازونی)
جنگ ایالات جنوبی با شمالی در کمال سختی است اگرچه فتح غالبا با عساکر شمالی است لکن هنوز نتیجه که فایده از آن بر
دارند حاصل نشده ژنرال گران سردار شمالی دو سه قلعه معتبر از جنوبیها بزور را سخت کرفته و متصرف شده است لنکلن
رئیس جمهوری اتازونی که حالا بواسطه این اختلاف که در میان شمالی و جنوبی است فقط ریاست ایالات شمالی را دارد
حکم باحضار صد و بیست هزار قشون علاوه بر قشون معمولی خود میکند دولت فرانسه در صدد میانجیگری است که
در میان ایالات جنوبی و شمالی اصلاح نماید لکن وساطت این دولت بی فایده میماند (برزیل) بروز وبای سخت
در اغلب ممالک برزیل

سنه ۱۲۸۰ هجری — سنه ۱۸۶۳ مسیحی

آسیا (ایران) در این سال امور ملک و مملکت بتوجهات خاطر خطیر همایون قرین انتظام کامل است حکومت
لرستان را ضمیمه حکمرانی کرمانشاهان و نهاوند نموده بنواب عماد الدوله واگذار فرمودند حکمرانی عربستان را
بنواب حشمت الدوله تفویض داشتند عبدالعلی خان ادیب الملک حاکم قم بیکقطعه نشان از درجه سیم سرتیپی با
حمایل آن سرافراز شد آقاخان پسر مرحوم عبدالصمدخان افشار بمنصب سرتیپی سیم و ریاست فوج نظام مازندران را
نایل گردید عسکرخان سرهنگ سرپرست ارامنه ارومی و سلماس بمنصب سرتیپی سیم سرافراز شد نظر باتحاد دولتین
ایران و عثمانی از جانب دولت علیه باسمعیل افندی نایب اول سفارت عثمانی نشان دویم از درجه شیر و خورشید
مرحمت شد تنبیه و تدمیر تراکمه سالور و سارو قه که بقصد دستبرد بحدود خراسان آمده بودند موکب همایون
شهریاری در ماه صفر تشریف فرمای نور و کجور شد میرزا هاشمخان امین خلوت باعطای یکقطعه نشان تمثال
همایون مکلل بالماس سرافراز و میرزا محمدخان پسر مشارالیه بمنصب نیابت ریاست خلوت برقرار آمد ریاست امور
نظامی عربستان بعهده عبدالله میرزا ژنرال اجودان واگذار شد حاجی محمد بیک قهوه چی باشی باعطای یکقطعه
نشان شیر و خورشید از درجه سرهنگی سرافراز آمد حبیب الله خان تنکابنی ساعد الدوله بمنصب سرتیپی اول
مفتخر گردید عمارات مبارکات سلطنتی دارالخلافه را حسب الامر مرمت نموده بر صفحت و نزهت آنها افزودند میرزا
احمدخان ساعد الملک سرتیپ اول برتبه امیر تومانی سرافراز گردید آقاخان سرتیپ اول بسرتیپی دو فوج مراغه
مباهی آمد محمد حسینخان صدر الدوله ایشیک آقاسی باشی حضرت اعظم والا ولیعهد دولت علیه ایران بیک
قطعه نشان و حمایل سرتیپی سرافراز شد محمد علیخان برادر عین الملک بمنصب بیگلربیگی گری استراباد قرین افتخار
گردید حضرت اکرم والا نایب السلطنه العلیه چون در قواعد نظامی درجه کمال را یافته اند در نظام دارای

منصب

منصب سرهنگی از درجهٔ اول کردیدند محمد مهدیخان کشیکچی باشی با عطای یکقطعه نشان امیر تومانی و یکرشته
حمایل آن مفتخر کردید امیرزاده انوشیروان میرزا ثریا اجودانخاصه بسرتیپی فوج سربند عراق سرافراز شد
نواب والا معتمد الدوله را درجرو اجزای محترم دار الشورای کبری منسلک فرمودند محمد قلیخان شاطر باشی یک
قطعه نشان از درجهٔ سرتیپی و حمایل مخصوص آن سرافراز آمد محمد قاسمخان والی کیلان با عطای یکقطعه نشان تمثال همایون
قرین افتخار آمد جعفرقلیخان سرتیپ اول بمنصب امیر تومانی نایل کشت در دار الخلافه باهره در خارج دروازهٔ دولت
در جنب میدان مشق جبه خانهٔ بسیار خوبی بنا نمودند میرزا طاهر سررشته دار کاشانی بمنصب استیفا فرنایل کردید
از ولایات ممالک محروسه باشاره علیه سواره ردیف اخذ و انتخاب شده و میشود جمشید خان بمنصب سرتیپی
توپخانه سرافراز کردند سیم تلکراف از سرحد استرآباد تا بندر بوشهر امتداد می یابد حاجی محسنخان سرهنگ مستشار
سفارت دولت علیه مقیم پاریس بمنصب سرتیپی سیم و نشان و حمایل این رتبه سرافراز شد و روز دهم جمادی
الثانیه اینسال باتفاق بنده مولف کردانیتوف بنیابت دویم سفارت برقرار شده روانه پاریس کردیدیم نواب
عماد الدوله بیکنتوب جبه ترمه شمسه مرصع مخلع و امیرزاده صارم الدوله ولد نواب معظم الیه بپاداش تنبیه طایفه
سکوند لرستانی بیکقبضه شمشیر براق مرصع نایل آمد آقا رضای پیشخدمت حضور همایون بلقب عکاسباشیگری
سرافراز کردید و صنعت عکاسی در این عهد همایون در ایران خیلی رواج و ترقی یافت هم در اینسال جناب حاجی میرزا
حسینخان وزیر مختار دولت علیه مقیم دربار عثمانی با میرزا حسن نایب دویم سفارت از اسلامبول بدار الخلافه
طهران آمده مورد مراحم خاصه ملوکانه کردیده در سلک اجزای دار الشورای کبری منسلک کردید و میرزا حسن نایب
دویم سفارت بیکقطعه نشان شیر و خورشید از درجهٔ سیم و لقب خانی و نیابت اول سفارت و دویست تومان
اضافه مواجب سرافراز شد و میرزا حسین کارپرداز طرابزن بلقب خانی و ژنرال قونسولی سرافراز آمد هم در اینسال
نظر بکمال وداد و اتحاد بین دولتین علیتین ایران و عثمانی از جانب اعلیحضرت همایون یکقطعه نشان شیر و خورشید
مکلل بالماس کرانبها با حمایل آبی که از علایم اولیه خاصه سلطنتی است برای اعلیحضرت سلطان عبد العزیز خان
سلطان عثمانی هدیه و انفاذ فرمودند و برای جناب فواد پاشا وزیر جنگ و صدر اعظم عثمانی و جناب عالی پاشا
وزیر امور خارجه آن دولت نیز نشان تمثال همایون مکلل بالماس ارسال داشتند و جناب حاجی میرزا حسینخان وزیر
مختار مجددا با اجزای سفارت کبری روانه اسلامبول شدند میرزا محمد علی سررشته دار توپخانه بمنصب لشکرنویسی
سرافراز کردید میرزا نصر الله مستوفی پیشکار اصفهان با عطای یکقطعه نشان اول سرتیپی و یکرشته حمایل آن
مفتخر شد میرزا مصطفی خان بهاء الملک وزیر مازندران و استرآباد بیکقطعه نشان تمثال همایون سرافراز
آمد وزارت مالیه را مستقلا بعهدهٔ جناب اجل آقای مستوفی الممالک واکذار و ایشانرا مخاطب بوزیر مالیه
فرموده در مجلس شورای دولتی قلمدانی که محبرهٔ آن مکلل بالماس بود از جانب سنی الجوانب بجناب معزی الیه مرحمت
شد عین الملک خوانسالار و حکمران مازندران و استرآباد بمنصب ایلخانی کری و ریاست ایل جلیل قاجار سر
افراز کردید از خط سرحد خانقین تا دار الخلافه نیز شروع بکشیدن سیم تلکراف شد غلام محسن خان پسر علیقلی
خان نایب اول اجودانباشی بمنصب نیابت اجودانباشی سرافراز آمد جناب فرخ خان امین الدوله با عطای
یکقطعه نشان امیر تومانی قرین مفاخرت کردید جناب میرزا زین العابدین ولد مرحوم میرزا ابو القاسم امام
جمعهٔ دار الخلافه بمنصب امام جمعگی دار الخلافه برقرار شده با عطای یکقبضه عصای مرصع قرین مباهات

آمدند

آمدند و جناب میرزا مرتضی عموی جناب معزی الیه ملقب بصدر العلماء کردیدند چون جناب محمد ناصر خان ظهیر الدوله
ایشیک آقاسی باشی اغلب ولایات ممالک محروسه مشغول انجام خدمتی بزرک میباشد ایشیک آقاسی باشی کری
با میراصلانخان مجد الدوله مرحمت و بیکقبضه عصای مرصع و خلعت همایون ایشانرا سربلند فرمودند جناب مسیو
کرهس که بسمت وزیر مختاری و ایلچیکری از جانب دولت روس مامور اقامت دربار دولت ایران شده بود روز
چهاردهم رجب وارد دار الخلافه کردید میرزا محمد علیخان کارکذار خارجه فارس با عطای یکقطعه نشان
شیر و خورشید از درجه اول سرهنکی با حمایل آن مباهی شد محمد علیخان بیکلربیکی و حاکم استراباد بپاداش تنبیه
اشرار ترکمه یموت بیکقطعه نشان از درجه اول سرهنکی سرافراز شد و بعدها جعفر قلیخان امیر تومان مامور
شدکه بوجه اکمل طوایف طاغیه را تنبیه نماید نواب حشمة الدوله حکمران عربستان و بختیاری بیکطوق کمر مکلل
بالماس بسیار ممتاز قرین مفاخرت آمد اعتماد السلطنه وزیر علیه عظمی والده مؤلف بیکقبضه عصای مرصع سربلند
شد حاجی رحیمخان پیشخدمت خاصه بمنصب جلیل صندوقداری و رختداری ملبوس مبارک برقرار و بیکقطعه کل
کمر الماس و یکثوب جبه ترمه سرافراز کشت آقا علی پیشخدمت خاصه حاکم ولایات ساوه و ایل شاهسون بغدادی بیک
طوق کمر مکلل بالماس مباهی کردید مجد الدوله به پیشکاری اصفهان و میرزا محمد قوام الدوله به پیشکاری فارس مامور
شدند میرزا صادقخان کارکذار خارجه سابق کیلان بکارکذاری خارجه استراباد مامور شد برای نظم کلیه سرحد
استراباد اردوئی لشکر کردی جناب میرزا محمد خان سپهسالار کل عساکر منصوره نظام و غیر نظام مامور آنسامان کردید
و جناب معظم الیه را با عطای یکراس اسب از اصطبل مبارک بازین و براق مرصع مفتخر فرمودند و جعفر قلیخان امیر تومان
که مامور تنبیه ترکمه طاغیه آنصفحات بود تدبیر کاملی از اشرار آن نواحی نموده رعنایت جناب سپهسالار پاشاخان
امین سوم و محمد خان امیر تومان بامور تشویق و سپکی مینمایند میرزا محمد حسین دبیر الملک با عطای یکرشته شرابه
بند کاغذ مرصع سرافراز کردید اقرب طرق از دار الخلافه تا کنار بحر خزر که از کوه البرز بکجور و از آنجا بکنار دریا
که سی و دو فرسنگ مسافت دارد چون راهش خیلی سخت و صعب بود بامر دولت مسیو کاستیکر مهندس نمساوی
در کمال خوبی شروع بساختن نمود صادقخان یوزباشی برادر شهاب الملک با عطای منصب سرتیپی از درجه
سیم سرافراز شد (چین) غلغل سختی در بنادر چین که کشتیهای اتازونی ینکی دنیا عبور نکنند چینیها بعساکر فرانسه
ملحق شده یاغیهای تای پیک را شکست دادند شهر نانکن را که مرکز یاغیها بود قشون زیاد چینی فتح کرد (ژاپن)
عهدنامه های دوستی و تجارتی این دولت با دول فرنک و ینکی دنیا با مضای میکادو که پادشاه روحانیست و حقیقت
سلطنت با او است اما رجوع نمیشود و طیقون پادشاه جسمانی که فی الواقع صدراعظم مستقل است بدون امضای
میکادو نمیتواند عهدنامه را امضا نماید منازعه سفاین جنکی انکلیس و فرانسه در جزیره نیفون که متعلق بژاپن است
و بعد از جنک و شکست دادن شاهزاده که والی آنجزیره بود دول متحده معادل سه کرور و سیصد هزار
تومان پول ایران بطور ترضیه و خسارت از دولت ژاپن مطالبه میکنند اروپا (اسپانیول) چهل و چهار
هزار ذرع راه آهن که وصل میکند راه آهن اسپانیا را براه آهن فرانسه از دره های کوه پیرنه امسال باتمام
رسید و مسافر میتواند از پاریس بمادرید پای تخت اسپانیا مستقلاً سفر نماید (المان) فوت پادشاه
باویر ماکسیمیلین دویم در سن پنجاه و دو سالکی و جلوس پسرش لوئی دویم در سن هیجده سالکی فوت
پادشاه وورتمبرک کیوم اول و جلوس پسرش شارل بجای او و ایجاد تفنک سوزنی جدید در مملکت پروس

معروف

معروف بتفنگ دریزکه بواسطهٔ اختراع این تفنگ اول امید بفتح و غلبه بر دشمن میدهد شورش و بی نظمی در مجارستان و در اغلب نقاط ممالک اطریش مسافرت امپراطور اطریش و شاهزاده‌ها خانواده سلطنت بمجار و نظم دادن آنجا را بشخصه و کلای ملت اطریش بدولت بی وفائی دولت پروس را اثبات میکنند که چون خیال دولت پروس بزرگ شدنست لهذا بدوستی او بنا باید اعتماد نمود (انکلیس) تولد پسر ولیعهد در زمستان و زود کادی بالدی بمملکت انکلیس با تشریفات کاملی که برای او فراهم آوردند بطوریکه ولیعهد انکلیس بمنزل او رفته او را ملاقات نمود ملت انکلیس ایرادهای سخت بوزرا گرفته اند که چرا در فقرهٔ دانمارک بسکوت گذرانیده اند صد و پنجاه هزار نفر از عملجات انکلیس بواسطهٔ نرسیدن پنبه از ینکی دنیا بیکار مانده اند از مهاجرین انکلیس در ظرف اینسال تنها نود و چهار هزار و صد و چهل و هفت نفر با تائوتی ینکی دنیا رفته اند انعقاد مجلس دربار در لاهور بتوسط سیر لورنس فرمانفرمای هند که ششصد نفر از سلاطین هند و راجه و نواب و ولاة هند و افغانستان حتی از خوقند حضور بهم رسانیدند افتتاح راه آهن از بمبئی بداخلهٔ هند ابتدای تلگراف بحری از خلیج فارس که سواحل هندوستان و عربستان را بهم وصل میکند چیت و پنبه کران کارخانجات انکلیس در ظرف اینسال بخارج برده اند معادل نود و یک کرور و دویست و شصت هزار لیرهٔ انکلیسی است و هر لیره معادل دو تومان و پنجهزار ایران میباشد (ایطالیا) مسافرت کاری بالدی با دو پسر خود بانکلیس خیال تغییر پای تخت و نقل آن از تورن بفلورانس نقار آشکار مابین پاپ و دولت معاهده مابین پادشاه ایطالیا و امپراطور فرانسه که دولت فرانسه عساکر خود را که بجهت حفظ سلطنت ظاهری پاپ در روم گذاشته بود از این تاریخ بعد از انقضای دو سال بردارد و پادشاه ایطالیا متعهد است که هیچ جبر در صدد تصرف روم و حدود معینه سلطنت ظاهری پاپ بر نیاید شورش و تغیر اهالی تورن که چرا باید پای تخت از آنجا عوض شود دو روز و دو شب قتل و غارت و جنگ در تورن تغیر اغلب از وکلای ملت ایطالیا بدولت فرانسه که بچه جهت مانع است که روم جزو ایطالیا بشود (بلژیک) معادل یک کرور تومان پول ایران دولت بلژیک از اهالی مملکت خود ماخوذ داشته که بندر آنورس را محکم نموده قلعه‌جات در آنجا بنا نماید (دانمارک) نامزد نمودن پرنسس داگمار دختر پادشاه دانمارک را برای گراندوک نیکلا پسر امپراطور روس و ولیعهد آن دولت (روس) شورش سخت و خونریزی زیاد در لهستان پناه ندادن دول پروس و اطریش یاغیهای لهستان را کدورت مابین دولتین روس و فرانسه که اهالی فرانسه یاغیهای لهستان را اغوا میکنند جلا دادن اغلب یاغیهای لهستان را بسیبریه و سیاست سخت با آنها نمودن پاپ در خطبه‌ها و موعظه‌ها نسبت بدولت روس نسبتهای بد میگوید بواسطه بیرحمی که بلهستانیها میشود رعایای لهستان کمال رضایت را از اعمال دولت روس دارند که دفع شر ملاکین و بیجا و بی اعتدالی که با آنها میشد شد در ایالت قازان بعضی طلاب مدارس نسبت بدولت بنای شورش را گذاشته مفصرین قتل و تنبیه شدند طایفه نیهیلیست که طبقهٔ تازه هستند و بر ضد دین و دولت و نظم عقیده دارند سبب حرق شهر سامبرسیک شدند طایفه چراکسه بواسطهٔ قحط و غلائیکه میان آنها بروز کرده و روی داده هزار هزار در سنه شده با ایل و الوس بخاک عثمانی پناه میبرند در بین راه جمعیت زیادی از آنها تلف میشود فتوحات قشون روس در خوقند و فتح شهر یخی از شهرهای خوقند نامزد نمودن دختر پادشاه دانمارک را برای ولیعهد دولت روس اعانت باطنی دولت روس بدولت دانمارک (سویس) ایجاد مجلس معظمی در ژنو و حضور مامورین اغلب دول فرنک در آنمجلس مقصود از انعقاد اینمجلس ایجاد بعضی از قوانین و قواعد لازمه است بجهة پرستاری و رعایت زخمدارا

در رضای قشون دول فرنگ که از هر طایفه و هر ملتی باشند که باهم در صدد مخاصمه و مقاتله بر میآیند (عثمانی) در
اوقات بغداد علاوه بر حق معمول که دولت عثمانی قرار داده والی آنجا قشون میگیرد شورش و انقلاب در ایالت تونس نارضائی
رعیت از والی بواسطهٔ ایجاد بعضی مالیات فوق العاده بر قرار داشتن دوازده هزار قشون همیشه زیر بیرق و بجهة
نرسیدن مواجب یاغیگری همین دوازده هزار قشون بر ضد والی شورش و انقلاب بجدی است که کشتیهای جنگی انگلیس و
فرانسه و ایطالیا بجهة حفظ تبعهٔ خود از شر اعراب در سواحل تونس لنگر انداخته اند طغیان رود نیل در مصر و خسارت
زیاد بزراعت امتداد خط تلگراف از مصر به بیروت نیز امتداد خط تلگراف از بغداد به بمبئی و از بغداد با سلامبول تغیر
اهالی بلغارستان از وزود طوایف چراکسه با ایلات آنها و سکنی دادن دولت عثمانی این طوایف را در این ایالت شورش
اعراب در بغداد و شامات قحطی پول در اسلامبول (فرانسه) حبس چهار نفر از اهالی ایطالیا که قصد قتل امپراطور
فرانسه را داشتند دو فقره فرستادن قشون بمکزیک در مجلس پارلمنت فرانسه ایرادات سختی بدولت وارد آورده اند
ملاقات ولیعهد هلاند و ولیعهد بلژیک با امپراطور فرانسه در قصر فونتن بلو و ملاقات پادشاه بلژیک در
ویشی آمدن وزیر جنگ پروس دون در اردوی شالن نزد امپراطور فرانسه حکومت مارشال ماکماهون بالجزایر
شورش و یاغیگری بعضی شهرهای الجزایر بخصوص در میان قبایل عرب قحطی و کا و میری سخت در ماچین متصرفی فرانسه
ورود سفرای ژاپن بپاریس فوت مارشال پلی سیه ملقب بدوک دمالاکف بر قرار شدن ژنرال بازن سردار فرانسه
که در مکزیک بود بمنصب مارشالی فوت میربر معلم معروف علم موسیقی و فوت هاس فیلوس جنگ مابین عساکر فرانسه
و ملت مکزیک با نهایت شدت بر قرار است (هلاند) در جزایر سوماترا و برنئو زراعت شکر و تنباکو و قهوه زاید
الوصف بدسله است برفز وبای شدید در بتاویه (یونان) شورش در اغلب شهرها علی الخصوص در پای تخت نافرمانی اغلب
افواج قشون بصاحبمنصبان که در بعضی شهرها ساخلو بودند انهدام قلعهٔ جزیرهٔ کرفو در رفتن عساکر انگلیس از آنجا و ورود
عساکر یونان و تصرف نمودن آنجزیره را دولت پروس و اطریش دولت جدید یونان را بسلطنت ژرژ اول شناختند دزدی و هرزه
و شرارت قاطعان طریق در اغلب نقاط بی پولی خزانه **افریقا** (مرقش) قتل و نهب طایفه بنی اسرائیل در اغلب شهرهای
مرقش مراوده تجارتی این دولت با تمام دول فرنگ **امریکا** (اتاتونی) رئیس جمهوری لنکلن یک کرور قشون از برای
جنگ با ایالات جنوبی حاضر مینماید جنگ سخت مابین ایالات شمالی و جنوبی جنگ بزرگ شش روزه که طرفین دویست
و بیست هزار قشون در مقابل هم داشتند سردار شمالی ژنرال گراند و سردار جنوبی ژنرال لی با یکدیگر مخاصمه نمودند
و جمعیت زیادی بکشتن دادند بدون اینکه ثمری ببخشد مگر در سواحل رودخانه جمس مختصر شکستی بعساکر جنوبی
داده شد چون موعد پنج سال ریاست لنکلن منقضی شده بود در انتخاب رئیس تازه مجدداً او را بر قرار کردند ۷

(ینگی دنیای جنوبی) در مملکت شیلی شهر کپیاپو بواسطهٔ زلزلهٔ سختی معدوم میشود برف زکوه آتشفشان جدید مابین شیلی و بولیوی منازعه مابین دولتین زیاد در کار است

سنه ۱۲۸۱ هجری — سنه ۱۸۶۴ مسیحی

آسیا (ایران) در این سال خاطر خطیر همایون متوجه کلیهٔ امور و ترقی جمهور و آبادی ولایات و تربیت
رعایا بود تعزیه داری دولتی در تکیهٔ مبارکه سلطنت آباد میشود محمد ولیخان سردار که مامور سرداری قشون
خراسان بود بحکمرانی استراباد سرافراز گردید میرزا محمد علیخان وکیل فارس پسر حاجی قوام الملک بیک قطعه
نشان از درجهٔ دویم سرتیپی با حمایل آن مباهی آمد اهالی قلعهٔ ایرافشان از قلاع بلوچستان نظر باستحکامی که
داشت دم از خودسری میزدند محمد اسمعیل خان وکیل الملک ابراهیم خان سرهنگ بلوچ را با قشون مامور کرده
قلعهٔ مزبوره را تصرف و خراب نمودند پاشاخان امین شوری ملقب بامین الملک شد شب ششم ماه صفر

عید مولود همایون را در تمام بلاد ممالک محروسه با شکوهی تمام گرفتند و طوایف ترکمان آکه گوکلان و یموت از بیم عقوبت
و بأس سپاه منصور بحسن کالپوش نزد جناب سپهسالار آمده طلب عفو و تقبل ادای مالیات سنوات افتاده خود را نمودند
صندوق صدقات حسب الامر وضع و در مبدأ ارک آنرا قرار دادند که هر کس عریضه بخصوص همایون دارد در آن صندوق بیندازد
خانعلیخان سرتیپ بحکومت درجزین و سرتیپی فوج مخبران قراگوزلو سرافراز شده تعمیر بقاع متبرکه را مرمت نمودند
میرزا احمد ابن مرحوم میرزا عبدالکریم شیخ الاسلام بشیخ الاسلامی دار الخلافه منصوب گشت محمد حسنخان پیشخدمت
خاصه بحکومت گلپایگان و خوانسار برقرار آمد جناب سپهسالار با سرداران و سپاه ظفر همراه مشغول نظم حدود استراباد
و تنبیه ترکمه هستند و فتوحات نمایان کرده اند آقا رجب بمنصب خزانه داری البسه خاصه سرافراز گردید عبدالعلیخان
ادیب الملک پیشخدمت خاصه بنیابت وزارت عدلیه عظمی مفتخر آمد راه مازندران که مسیو گاستیکر مهندس نمساوی مشغول
ساختن آن بود باتمام رسید موکب همایون در ماه ربیع الثانی تشریف فرمای صفحات لجور و سواحل بحر خزر شدند و
در مراجعت از راه کلاردشت که راه مسیو گاستیکر بآنجا انقطاع مینماید قطع منازل نموده در هشتم ماه جمادی الاولی بسلطنت
آباد نزول اجلال فرمودند در باغچه در میدان توپخانه قدیم حسب الامر ساختند که همیشه چند سنگ آب از عمارات سلطنتی
خارج و داخل در باغچه شده بسایر محلات شهر میرود و تمام فضای این میدان حسب الامر غرس اشجار و گلکاری میشود
یک حلقه انگشتری الماس بریلیان بسیار گرانبها برای جناب سپهسالار انفاذ استراباد فرمودند میرزا مصطفی خان بهاء
الملک بوزارت دیوان عدالت منصوب گردید میرزا مصطفی وکیل لشکر بیکقطعه نشان از درجه سرتیپی سرافراز گردید جناب محمود
خان ناصر الملک وزیر مختار مقیم لندن موقتا اجازه تشرفیابی بدربار همایون حاصل نموده میرزا سلیمانخان مستشار
سفارت پاریس بسمت شارژدافری مقیم پاریس و بنده مؤلف بمنصب نیابت دویم سفارتخانه دولت علیه مقیم دربار
دولت فرانسه خواهد بود سیم تلگراف از طهران باستراباد کشیده شد نواب ملک آرا بحکومت بروجرد و هوشنگ
میرزا پسر نواب معزی الیه بنیابت حکومت ... میرزا یوسفخان کارپرداز دولت علیه در حاجی ترخان بیکقطعه نشان
از درجه دویم سرتیپی و حمایل مخصوص آن سرافراز شد عزیزخان سردار کل پیشکار آذربایجان در چمن کاوکان که از بلوکات
مراغه است اردوئی مرکب از شش هزار نفر سرباز تشکیل داده که هر روزه مشغول تعلیم و مشق هستند حضرت شاهنشاهزاده
والا ولیعهد ادام الله اقباله العالی هم در اردوی مزبور تشریف فرما هستند یکثوب قبای نظامی سر دستی قهر مروارید
از ملابس تن پوش مبارک بافتخار سردار کل انفاذ شد بعد از آنکه تمام حدود استراباد مصفا گردید جناب سپهسالار
بدار الخلافه باهره معاودت نموده تشرفیاب خاکپای مبارک گشته با عطای یکقطعه نشان اقدس مکلل بالماس با
حمایل آن سربلند و مخاطب بخطاب سپهسالار اعظم گردیدند چون اغلب خطوط تلگرافی ممتد شده از بندر بوشهر الی سرحد
خانقین بمعیت استادی مهجر شامپین و سایر صاحب منصبان انگلیسی باتمام رسیده و بهم وصل شده قرارداد نامه مشتمل
بچهار فصل بتاریخ شهر جمادی الثانیه بامضاء وزارت علوم و سفارت انگلیس بین الطرفین مبادله شده که صورت آن
در ذیل جلد سیم مرآت البلدان موسوم بمآثر السلطان نگارش یافته است حضرت شاهنشاهزاده افخم والا یمین الدوله
حکمران فارس بیکقطعه کلاه مرصع بالماس بریلیان مفتخر و در نظام بمنصب نشان سرهنگی مخصوص میرزا محمد قوام
الدوله پیشکار حضرتش بسعد معظم الیه بخطاب و لقب جنابی سرافراز آمد میرزا عبدالوهاب مستوفی گیلان بمنصب
استیفای دیوان همایون برقرار آمد میرزا مسیح وزیر مازندران با عطای یکقطعه نشان سرتیپی با حمایل آن مباهی
گشت قنات سابق جهیبه‌ها که شهر را مشروب میداشت و چندی بایر و خراب شده بود بمرنخواه دولت آبرو جاری

شد

شد بتاریخ بیست و چهارم شوال رای صواب‌نمای ملوکانه بعضی تغییرات در امورات دولتی داده که حاصل آن استحکام وزارتخانهای ثلاثه عسکریه و مالیه و خارجه بعلاوه تفویض مشاغل دولتی که راجع بنفس نفیس همایون بود بعهده کفالت و کفایت جناب سپهسالار اعظم بود و دستخطی آفتاب نمط که حاوی این مطالب بود شرف صدور یافت و یکثوب جبه ترمه و دو مروارید شمسه مرصع بجناب میرزا محمد خان سپهسالار اعظم مرحمت فرمودند و جناب مستوفی الممالک و جناب وزیر امور خارجه نیز هریک باعطای یکثوب جبه ترمه شمسه مرصع و یک شمشیر آبدار مکلل بالماس اختصاص یافتند حضرت شاهنشاهزاده اجل والا جلال الدوله را از حکومت اصفهان احضار و بحکمرانی مملکت خراسان برقرار فرمودند و نواب مؤید الدوله بکارگذاری مملکت خراسان مامور گردید حاجی رحیمخان صندوقدار باعطای یکقطعه نشان تمثال همایون سرافراز گردید میرزا فتحعلی خان صاحبدیوان که از اجله چاکران آستان دولت جاوید آیت است بحکومت عربستان برقرار گردید چراغعلی خان سراج الملک بریاست احتساب دارالخلافه مأمور آمد میرزا حسن لشکرنویس بمستوفی گری نظام سرافراز شد سررشته داری کل معاملات خراسان را بعهده کفایت حاجی میرزا محمد رضای مستوفی دیوان اعلی واگذار فرمودند میرزا اسحق از اجزای وزارتخانه خارجه باعطای لقب خانی و منصب کارپردازی حاجی ترخان سرافراز شد میرزا اسدالله خان نایب الحکومه ملایر و تویسرکان بنیابت وزارت علوم و خطاب مقرب الخاقانی مخاطب گشت (چین) پرنس کنگ از اقوام سلطنت که سمت صدارت داشته و مدت ششماه مغضوب میگردید باعنکوی سمت درسمت شمال چین قلعه تاکو که عساکر انگلیس و فرانسه که خسارت کلی نگاهداشته بودند تخلیه میکنند (ژاپن) سفرای انگلیس و فرانسه و هلاند و اتاژونی بطیقون اصرار مینمایند که امضای عهدنامه که ده سال قبل از این دول مذکوره با ژاپن بسته اند از میکادو پادشاه حقیقی و روحانی مطالبه نماید و چون تهدید ثمری نبخشید سفرای مزبوره با سفاین جنگی خودشان بندر ازاکا را معسکر قرار داده بزور اسلحه امضای عهدنامه مذکوره را مطالبه نمودند طیقون جمعی از نجبای اهل بلد را که از محارم میکادو و مانع امضای عهدنامه بودند گرفته حبس نمود تا امضای عهدنامه مزبوره را گرفت و بعد از گرفتن آن سفرای دول مراجعت بسفارتخانهای خود نمودند (اسپانیول) بی‌پولی دولت در نهایت شدت است قرضهای اجباری از رعیت که سبب کدورت رعایا شده است ملکه سه قسمت از چهار قسمت املاک خالصه خود را بملت واگذار میکند که بفروش برسانند و حاصل آنرا بقرض عمومی بدهند شورش در مادرید و در ایالات والانس جلای وطن دادن ژنرال پریم و دوباره او را احضار کردن مسافرت ملکه در ایالات شمالی و خوب پذیرفتن رعیت او را وبای سخت در جزیره مادرید (المان) دولتین اطریش و پروس بواسطه تصرف ایالتین اسلسویک و هلستین که تازه از دانمارک بزور گرفته اند با یکدیگر در مقام منازعه هستند پروس خیال دارد که تماما را خود متصرف شود اطریش بواسطه بعد مسافت از مملکت خود چون نمیتواند تصرف کند باین خیال است که ایالتین مذکورتین را یکی از دول مستقله المان محسوب دارد پرنس فردریک شارل و ژنرال ملک از طرف دولت پروس برای قرار و عقد این فقره بوین پای تخت اطریش میروند کیل که یکی از بنادر ایالتین مذکورتین است بندر نظامی پروس میشود مسیو بیزمارک و ژنرال رون در مجلس شورای پروس بطور صراحت میگویند باید کیل در تصرف دولت پروس باشد و حفظ حدود و ثغور دولت پروس المان را از این سمت نماید و دولت پروس را قصد این است حاصلی که از دانمارک بالشراکه با اطریش برده بتمامه را خود متصرف شود و چون دولت اطریش تمکین باین مسئله نمیکند پروس همیشه می‌بیند که با او جنگ کند بعد از وساطت و میانجیگری دول ساکس و باویر و غیرها عهدنامه گاستن منعقد میشود و در سالس بورگ سلاطین اطریش و پروس

بایکدیگر

بایکدیگر ملاقات نموده مقرر داشتند که ایالت پُزن را باین قسم تقسیم کنند ایالت سلسویک تمام از پروس و هلستن از
اطریش باشد فی الواقع بعد از این تقسیم منافع کلیه دولت پروس برد مسیو بیزمارک ملقب بکُنت شد (کنت بمنزله خان است)
و بفرانسه سفر کرده با ناپلیون سیم ملاقات نمود (انگلیس) در مجلس پارلمنت بدولت تکلیف میکنند که مداخله در امور
فرنگ و ینگی دنیا هیچوجه نکند از بعد جنگ اسپانی انگلیس مختصر شورشی در ارلند مالی مرکه در انگلیس بطور سخت که اسمش
روسیه و مجارستان سرایت کرده است بدین واسطه را اغلب نقاط بروز طایفه فنیان در ارلند که بمنزله کمونیستها و بابیها
باشد حبس اکثری از ایشان و قتل بعضی فوت لرد پالمرستن صدر اعظم در سن هشتاد سالگی صدارت لرد روسل در سن
هفتاد و سه سالگی و وزارت امور خارجه لرد کلارندن وحشت دولت انگلیس که مبادا کانادا که از متصرفات او است در
ینگی دنیا بر او بشورند شورش سیاه پوستان در زمانیکه متصرف انگلیس حبس و قتل اغلب آن سیاهها ایجاد چراغ گاز
در کوچه‌ها بمبئی جنگ در ایالت بوتان هند شورش مردم در نول زلاند اما ملکه جزایر ساندویچ مسافرت بانگلیس
مینماید (ایطالیا) تغییر پایتخت و نقل از تورن بفلورانس خیلی سبب کدورت اهالی تورن شده است افتتاح راه
آهن که از تورن مستقیما به بندر برندیزی میرود و ندبر وزوبا در طرف شرقی و جنوبی ایطالیا (پرتوغال) ایجاد
اکسپوزیسیون عمومی در اپرت یکی از شهرها (بلژیک) مابین وزیر جنگ و یکی از وکلا بر سر مسئله اختلاف شد
کار بجنگ طپانچه رسیده دولت هر دو را بحبس و قید و جریمه تنبیه مینماید ناخوشی سخت لئوپلد پادشاه و فوت
او در سن هفتاد و پنجسالگی جلوس لئوپلد دویم پسرش در سن سی سالگی بروز ناخوشی طیفوس بطور وبائی
و شیوع در این مملکت و سرایتش از هلاند (دانمارک) ملاقات سلاطین دانمارک و سود بایکدیگر اهالی دانمارک
بپادشاه سود انطور که باید و شاید مهربانی نمیکنند وجهه کمک نکردن در جنگ اطریش و پروس است (روس) شورش
لهستان مبدل بنظم گردیده و از آن بعد جمیع امورات که راجع بلهستان است نه مالیه و غیره بجای اینکه مثل سابق در ورشو
مجلس معینی اجرای تحقیق و اجرای آن مطالب باشد در پطرزبورغ مرکز دولت روس خواهد بود مسافرت امپراطریس به
نیس بندر فرانسه و فوت گراندوک نیکلا پسر امپراطور که سمت ولیعهدی دولت را داشت در سن بیست و سه سالگی
در این بندر فتوحات عساکر روس در سمت خوقند که جزو پایتخت خان خوقند سایر ایالات او را بحیطه تصرف آورده اند
فتح تاشکند و سمرقند منازعه عساکر روس با امیر بخارا امر او ده تلگراف از تفلیس با ایران و نخجوان بروز زلزله هیئت و بائی
در سمت سیبیر بروز وبا در سمت جنوب قفقاز (عثمانی) شورای خاصی از وزرا که در هر هفته یکبار در حضور
اجزای این شوری هم
سلطان حاضر شوند بروز وبا بواسطه ورود زوار مکه در تمام ممالک عثمانی و سرایتش از راه بغداد با ایران فقط در
اسلامبول در ظرف هفتاد روز سی و پنجهزار نفر تلف میشوند و بواسطه آتش دو هزار و پانصد خانه طعمه آتش میشود
والی منتنگرو بوین سفر نموده دوستی دولت اطریش را برای خود میطلبد (فرانسه) طبع جلد اول از تاریخ ژول سزار
قیصر روم از تالیفات ناپلیون امپراطور فرانسه امیل اولیویه که یکی از وکلای دسته چپ بر ضد دولت بود مایل بطرف
داری دولت میشود گفتگوی سخت مسیو طیر در مجلس پارلمنت بر ضد دولت که چرا حمایت از ایطالیا نمود فروش قسمتی
از جنگلهای فرانسه که متعلق بدولت بود خیال دولت در ایجاد بانک اکسپوزیسیون برای دو سال بعد مسافرت امپراطور
بالجزایر و نیابت سلطنت امپراطریس زوجه او و ورود امیر عبدالقادر والی سابق الجزایر که در شامات مسکن داشت
بمملکت فرانسه مسافرت امپراطور بالجزایر چهل روز طول کشید مسافرت امپراطور و امپراطریس بنبولیس ملاقات خانواده
سلاطین فرانسه و اسپانیا در سن سباستین ملاقات پادشاه پرتوغال و اعلیحضرت امپراطور در بیاریتس (یونان)

یکی

یکی از اعمام پادشاه پرنس ژول بواسطه بدرفتاری که با ملت کرده بود دولت او را از پای تخت جلای وطن نمود
تغییر و تبدیل وزرا بجهت بعضی دول فرنگ یونان را تهدید کردند که اگر اینفقره را ترک نکند در امور داخله او مداخله خواهند
کرد ایجاد اول کلیسای کاتولیکی در پای تخت **افریقا** صدمه وارد نسبت بطایفه یهود در مملکت مراکش شورش
سخت در ماداگاسکار تادروس پادشاه حبشه کاپیتن کامرن قونسول انکلیس و جمعی از تبعه انکلیس را که در حبشه بودند
محبوس و مغلول مینماید **امریکا** (اتاژونی) برقرار بودن جنگ مابین ایالتین جنوبی و شمالی بهم نفاق و جنگ با دولت انکلیس
فتوحات ژنرال گراند سردار ایالات شمال و تسخیر اغلب ایالات و قلعه‌جات جنوبی لنکلن رئیس جمهوری در چهاردهم ماه
آوریل که تقریباً بیست و دو روز از عید نوروز گذشته باشد در یکی از تماشاخانه‌ها واشنگتن پای تخت بدست یکنفر
از بازیگرهای سابق تماشاخانه کشته شد همدستان او نیز میبایست در همین حین ژنرال گراند سردار کل را بقتل رسانند ولی
مجال نکردند تالم و افسوس جمیع مردمان آمریک و منتخبه در ینکی دنیا چه در فرنکستان از اینفقره ژنسون که در عنفوان جوانی
بصنعت خیاطت مشهور بود رئیس جمهور شد جنگ سخت بین الطرفین بدست آوردن ژفرسن دویس رئیس ایالات جنوبی که
یاغی بر ایالات شمالی شده بودند نشناختن دولت اتاژونی ماکسیمیلین برادر امپراطور اطریش را با امپراطوری مکزیک
اتمام جنگ بین ایالات جنوبی و شمالی مرخص کردن لشکر بری و بحری ایالات شمالی در این مدت جنگ چه از صدمه جنگ و چه از
امراض مختلفه سیصد و بیست و پنجهزار نفر آدم بکشتن داده بودند منازعه مابین سیاهها و سفیدها در اغلب از نقاط
باغوای بعضی اشرار حبس و قید شدید ژفرسن دویس رئیس ایالات جنوبی نفاق دولت اتاژونی با انکلیس بواسطه اعانتهائی
که با ایالات جنوبی شده است (برزیل) اتحاد دولت برزیل و جمهوری اوروگای برضد لوپز رئیس جمهوری پاراگای که این
ضدیت ابتدای جنگ پنجساله است جنگ سخت بین الطرفین امپراطور برزیل داماد خود کنت دو یو نوه لوی فلیپ پادشاه
سابق فرانسه را سردار کل مینماید شورش اهالی مملکت پرو بر رئیس خود و عزل او و جنگ اینها با اسپانیا اتحاد اغلبی از
اهالی ینکی دنیای جنوبی برضد اسپانیول (مکزیک) ایجاد نشانی موسوم بعقاب مکزیک ایجاد یکدسته قشون داوطلب
اطریشی و یکدسته قشون داوطلب بلژیکی در مکزیک جنگ هواخواهان ژوارس رئیس جمهوری سابق مکزیک با امپراطور مکزیک
در اغلب نقاط ژوارس اعلان رسمی میکند و خود را همیشه رئیس جمهوری میداند و وضع سلطنتی مکزیک را قبول ندارد تا
آنکه تمام ملت بدون استثنا تصدیق وضع سلطنتی او را بنمایند مالیات مکزیک در اینسال صد و دوازده ملیان فرانک که
معادل بیست و دو کرور و دویست هزار تومان پول ایران باشد بوده و مخارج دویست و بیست و پنج ملیان که معادل چهل
و پنج کرور تومان ایران باشد دولت اتاژونی وساطت فرانسه را بهیچوجه قبول نمیکند که وضع سلطنتی را در مکزیک بشناسد
(ینکی دنیای مرکزی) شورش سخت در سانسالوادر و هندوراس

سنه ۱۲۸۲ هجری — سنه ۱۸۶۵ مسیحی

آسیا (ایران) در اینسال تعزیه خوانی در تکیه مبارکه سلطنت آباد شد چون بازار اکسپوزیسیون در بلد
بیتی افتتاح می‌یابد دولت علیه در این باب استمداد مینمایند ولیعهد دولت روس انتقال نموده و بواسطه تلگراف
اعلیحضرت همایون اعلیحضرت امپراطور روس را تسلیت گفته و از جانب اعلیحضرت امپراطوری جوابهای مودت آمیز
اظهار شد بر نفایس طیور و وحوش که برای تعلیم و تعلم علوم طبیعی در باغ لاله زار ساخته بودند افزوده و روسی
دارند پانصد نفر سوار ترکمان مروی بعزم دستبرد حدود خراسان آمده قشون ظفر نمون سالخوی آنجا و آنها را
تار و مار و هزیمت تعاقب کرده ترکمان از بیم جان باب تجنه غرق شده آنچه غارت کرده بودند از خود بر داشتند

منصرف

بنصرت عساکر منصوره در آمده به نصرت آباد کرمان زلزلهٔ شدیدی شد قلعهٔ قدیم آنجا را منهدم ساخت ولی قلعهٔ جدید بنا
بر زلزله‌ای که دارد محفوظ مانده است موکب همایون روز بیست و پنجم محرم چون هوای این صفحات گرم شده بود بطرف لار و
فیروزکوه انتهاض فرمودند نواب عضد الدوله را بحکومت قزوین مأمور فرمودند میرزا موسی وزیر دار الخلافه در سن هشتاد
و چهار سالگی مرحوم شد این اوقات دستخطی بافتخار جناب سپهسالار اعظم میرزا محمد خان مبنی بر تفویض نظم دار الخلافه و توابع
بجناب معظم الیه شرف صدور یافت چون حاجی قوام الملک متولیباشی مشهد مقدس فوت شده در این اوقات مرحوم میرزا محمد حسین
عضد الملک که باین خدمت مسبوق بود بمنصب متولیباشیگری آن آستانهٔ متبرکه مفتخر گردید جناب میرزا حسینخان وزیر مختار
مقیم دربار عثمانی را بلقب نبیل مشیر الدوله ملقب فرمودند تحویلداری وجوه صرف جیب مبارک بیحیی خان آجودان مخصوص
مرحمت شد تفنگداری و ریش سفیدی و ریاست خلوت بعلاوه منصب مهرداری باعتماد الملک آقا محمد حسن صندوقدار سابق
اختصاص یافت اسلحه خانه و کتابخانهٔ مبارکه بحاجی رحیمخان صندوقدار حالیه سپرده شد تحویلداری ادویه و رقوم دولتی مخصوص
آقا علی (امین حضور) پیشخدمت خاصه گردید موکب همایون از فیروزکوه معاودت بنیاوران فرمود اعتضاد السلطنه وزیر
علوم بیک قبضه شمشیر مرصع مفتخر گردید حکومت خوی را با سکندر خان سردار مرحمت فرمودند نواب حسام السلطنه مأمور
حکمرانی مملکت فارس گردید و حضرت اشرف افخم شاهنشاهزاده والا امین الدوله بجههٔ عروسی و انجام امر خیر ایشان احضار
بدار الخلافه شدند حاجی محمد قلیخان قاجار بمنادمت حضور همایون مباهی گردید ریش سفیدی عملهٔ خلوت همایون بحاجی محمد
خان حاجب الدوله اختصاص یافت منصب امام جمعهٔ مشهد مقدس را بمیرزا هدایت الله ولد میرزا حاجی عسکری امام جمعه مرحمت مرحوم
فرمودند جناب سپهسالار اعظم حسب الامر قانونات جدیده در امر نظام مقرر داشت حکومت دماوند بنواب شاهزاده معین
الدوله واگذار نمودند محمد اسمعیل خان وکیل الملک وزیر کرمان بلقب جلیل سرداری ملقب گردید یحیی خان آجودان مخصوص
حضور باعطای یک قطعه نشان از درجهٔ اول سرتیپی سرافراز آمد میرزا قهرمان مستوفی نظام آذربایجان بلقب وزیر لشکری
مفتخر گردید ملخ زیادی بکرمان آمده اوراق اشجار را بکلی خوردند ولی عجب آنکه درختها عریان دوباره برگ و شکوفه آوردند
بعد از وضع میدان ارک و طرح حوض وسیع در آن و غرس درخت و باغ در دو طرف حوض و نصب ستونهای سنگی بفاصلهٔ چهار
ذرع جلو باغها و مجر چوبی در فواصل ستونها محض اینکه ساحت چنین میدانی از آمد و شد دواب که حمل اجناس میکنند
مصون باشد حکم شد در جانب شرقی ارک همایون دروازهٔ از خارج بصحرا بشهر قرار دهند و خندق شرقی ارک را انباشته
با سطح زمین برابر کنند و خیابانی عریض تا دهنهٔ بازار تشکیل دهند و این وقت این جمله صورت انجام یافته است جناب
خیر الله افندی وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت عثمانی وارد دار الخلافهٔ باهره گردید مصطفی خان سرتیپ اول که در سفر
گرگان خدمت کرده بود بمنصب امیر تومانی سرافراز شد نواب شاهزاده عضد الدوله حکمران قزوین بیک قطعه نشان
از درجهٔ دویم سرتیپی نایل گردید محمد صالح خان سرتیپ سیم بسرتیپی دویم سواره برقرار آمد علیخان پسر نظام الدوله
بمنصب سرتیپی سیم مفتخر گردید باحداث قنات و آب جاری در شهر رشت شد میرزا بزرگ خان بکارپردازی بغداد
مأمور گردید اعتماد السلطنه حاجی علیخان را بوزارت موقوفات و وظایف سرافراز و منصوب فرمودند محمد ابراهیم خان
سهام الملک بسرتیپی اول مفتخر گردید یوسفخان سرتیپ اول که در سفر گرگان خدمت کرده بود ملقب بشجاع الدوله
شده باعطای نشان و حمایل سرتیپی اول مباهی آمد محمد حسنخان سرهنگ فوج کلهر بمنصب سرتیپی سیم نایل شد
احمد میرزا پسر تیمور میرزا بمنصب نایب آجودانی مرتبهٔ دویم مفتخر گشت در طوایف اکراد در عراق زنی مولودی آورد که
دارای دو سر و چهار دست و سایر غرایب خلقتی بود جناب مسیو لکونت دماسیناک وزیر مختار دولت فرانسه مأمور

اقامت دربار ایران وارد دار الخلافه گردید مجلس تحقیق دیوان نظام برپا شد نواب معز الدوله بهرام میرزا برقرار شد
آن
عسکرخان که در لوازم مهمانداری سفرای دول پیوسته مراقبت نموده باعطای نشان سرتیپی از درجه سیم با حمایل
سرافراز شد میرزا صادقخان کارگذار خارجه استراباد بیکقطعه نشان از درجه سیم سرتیپی و حمایل آن نایل گردید
حسینخان پسر جناب سپهسالار اعظم بنیابت جناب معظم برپا شد توپخانه مبارکه مفتخر آمد حاجی میرزا یحیی خان نایب الحکومه
بلده قم و کهرود باعطای یکقطعه نشان سیم سرتیپی مباهی گردید میرزا علیخان پسر مرحوم میرزا حسنخان بمنصب سرهنگی
توپخانه مبارکه برقرار آمد در ماه شعبان از متعلمین مدرسه دار الفنون امتحانی مفصل نموده بهریک از رؤسا و معلمین
و شاگردان بقدر مناصب و امتیازات سرتیپی و سرهنگی و خلعت و نشان و اضافه مواجب فرمودند عین الملک خوانسالار
[illegible] پیشکاری قشون مازندران و استراباد و گیلان سرافراز شد حسینخان شهاب الملک بمنصب امیر تومانی قرین افتخار بمنصب
آمد میرزا اسدالله منشی اول و نایب دویم سفارت پاریس باعطای یکقطعه نشان سرهنگی از درجه دویم سرافراز شد
مصطفی قلیخان عرب عامری پیشخدمت بنیابت اردستان برقرار گشت در راه کرمان بنای رباطات جدیده و تعمیر رباطات قدیمه
را گذاشتند مساجد و مدارس و سایر ابنیه همدان و شوشتر و غیره را مرمت کامل نمودند نواب والا عبد الصمد میرزا عز
الدوله بحکومت همدان منصوب فرمودند و میرزا زکی مستوفی بوزارت این ولایت برقرار آمد جناب حسنعلی خان وزیر مختار
و ایلچی مخصوص مقیم دربار فرانسه باعطای یکقبضه قمه مرصع سرافراز شده بپاریس مراجعت کرد نصرالله خان
زنبورکچی باشی بسرتیپی سیم برقرار گشت و میرزا تقی لشکر نویس تفرشی بمنصب لشکر نویسباشیگری خراسان مامور آمد
الله وردیخان بمنصب سرتیپی اول توپخانه مبارکه نایل گردید محمدخان حاکم یزد بیکقطعه نشان از درجه سرتیپی با حمایل آن
سرافراز شد اکبرخان سرهنگ فوج نهاوندی بمنصب سرتیپی از درجه سیم مفتخر گردید میرزا علی تفرشی بمنصب لشکرنویسی
نایل گشت شب چهارشنبه سیم ذیقعدة الحرام پنج ساعت از شب گذشته آفتاب از برج حوت بحمل تحویل نموده مراسم جشن
و سلام عید در حضور همایون بعمل آمد چون حضرت اشرف افخم شاهنشاهزاده والا نایب السلطنه در تحصیل فنون
نظامی بکمال رسیدند بیکقطعه نشان از درجه سرتیپی اول و حمایل مخصوص آن اختصاص یافتند منصب جلیل کشیکچی باشی
گری را بمحمد میرزا پسر محمد مهدیخان مفوض فرمودند و مصطفی خان امیرتومان بنیابت کشیکخانه مبارکه مقرر گردید
میرزا تقی پسر میرزا مصطفی وکیل لشکر بمنصب لشکر نویسی سرافراز شد ایوان طلای ناصری که در روضه مقدسه رضویه
سلام الله علیه حسب الامر بنا کرده و باهتمام عضد الملک متولیباشی زیور اتمام یافته معزی الیه را بازای اینخدمت بزرگ
باعطای یکقبضه عصای مرصع مفتخر فرمودند محمودخان پسر میرزا فضل الله وزیر نظام بمنصب سرتیپی از درجه سیم
سرافراز شد محمد باقرخان سرتیپ سیم ولد محمدخان امیرتومان بسرتیپی دویم سرافراز گردید حسینقلیخان سرتیپ
قورت بیگلو بنشان و حمایل سرتیپی دویم نایل آمد موکب همایون در اواخر شهر ذیقعدة الحرام عزیمت سفر مازندران
نموده روز عید اضحی در شهرستانک نزول اجلال فرمود و از آنجا بساحات و نقاط مازندران تشریف فرما شده
بعد بفرح آباد و بندر میانکاله و کنار دریا تشریف برده سفاین و مامورین دولت روس که از طرف آن دولت محض احترام
و تعظیم ذات همایون پادشاهی در کنار دریا حاضر شده بودند بحضور همایونی مشرف شده درباره هر یک از آنها بذل
مرحمت و اعطای نشان علی قدر مراتبهم فرمودند و اعتماد السلطنه از طرف دولت ضیافت شاهانی از آنها نمود
بالجمله موکب همایون تا آخر اینسال تشریف فرمای ساحات مازندران بود (چین) جنگ سختی با اعیان بیان فی عزل
فرمانفرمای تانکن که با فرنگیها عداوت داشت بنای معبد کاتولیکی بتوسط فرانسه ها در پکن پای تخت (ژاپن)

باز

بازشدن بنادر اساکاوهنگ برای اهالی خارجه بموجب عهدنامهها مامورین دولت فرانسه را در پای تخت دربار احترام پذیرفتند قرارنامه ایند ولت با دول انکلیس و فرانسه و اتازونی و پیمونت درباب رنا فتن صدی پنج از قیمت اجناس وارده مآنها برآین و درباب تعیین نرخ مسکوکات دولت مزبوره وتعیین حقوق اهالی آین در دول خارجه معاهد تجارتی با ایطالیا جنک داخله نقاره مابین دایموسهاکه عبارت از اعیان و نجبای مملکت باشد جنک مابین طبقون پادشاه جنطلی وشاهزاده شواچو فوت طیقون وبرقرار شدن شاهزاده متباشی بجای او زلزلهو یانفین در یوکوهوما
اروپا (اسپانیول) شورش در اغلب افواج نظامی علی الخصوص در افواج سواره ساحلو آرآن زواز پناه بردن ژنرال پریم که محرک شورشیان است فرار او بمملکت پرتوغال شورش سخت درمادرید پای تخت ایند ولت در تابستان نخم برداشتن نار دائرازرجال دولت کرد در مقام اطفاء نایرۀ شر رشتاشرا بود شورش و انقلاب بعضی نقاط جزیره کوبا افتتاح راه آهن از شهرمادرید بشهر کردو وامتداد خط راه آهن از مادرید بلیزبن پای تخت پرتوغال حبس مارشال سرانو (المان) بنابرعهدنامه کاستین دولت پروس حکمرانی ایالت سلشویک و دولت اطریش حکمرانی ایالت هلستین را برعهده میکیرد ابتدای نقار مابین دولتین اطریش و پروس در همین فقره در شورای خاصه مملکت پروس حکم بتدارک وتهیه جنک میشود بالاخره دولت پروس بالصراحه میل خود را در تصرف ایالتین بدون شراکت اطریش آشکار امیسازد دولت اطریش هم آشکار اتهیه جنک می بیند دولتین باویر و ساکس میخواهند طرف دولت پروس را منظور دارند اتحاد مخفی دولت ایطالیا با دولت پروس بر ضد اطریش شورش و انقلاب در ونیز که آنوقت متعلق بدولت اطریش بود میل اهالی ونیز باینستکه جزو ایطالیا شوند دولت ایطالیا نیز معجلا تهیه جنک می بیند ورود ژنرال مانتوفل سردار پروس با عساکر آن دولت با یالت هلستین که متعلق با طریش بود ابتدای جنک دولت پروس با دول ساکس و هانور و دولت اطریش ورود قشون پروس بپای تخت هانور و ساکس در تابستان دولت اطریش بسرداری بنیدک سیصد و شصت هزار قشون در مقابل پروس دارد دول باویر و ونتمبرک که متعهد کمک با طریش شده بودند از جای خود حرکت نمیکنند ورود قشون پروس بسرداری ولیعهد و پرنس فردریک شارل برادرزاده پادشاه پروس بوهم خاک اطریش سرداری کل قشون را پادشاه پروس کلیوم بشخصه قبول مینماید از طرف دیکر دولت ایطالیا بسرداری خود پادشاه ایطالیا در سرحدات شمال شرقی ایطالیا اردو می زنند منازعه قشون ایطالیا با ارشدوک البرت سردار اطریش و شکست قشون ایطالیا لیکن سردار اطریش بعد از این فتح بواسطه جنکی که پروس میکند جرات ورود بخاک ایطالیا را نمینماید جنک سخت مابین عساکر پروس و اطریش در بوهم مقتول شدن جمعیت زیادی از قشون اطریش بواسطه تفنک سوزنی جدید که عساکر پروس بدان مسلح و در استعمال آن مسلط بودند فتح نمایان قشون پروس بعد از جنک سخت در سادوا در این جنک از طرفین دویست هزار نفر مقتول میشوند قشون اطریش فرار ابطرف وینه پای تخت میرود در این بین بتوسط ناپلیون سیم امپراطور فرانسه ایالت ونیز را اطریش از خود مجزی نموده جزو دولت ایطالیا میشناسد و دولت فرانسه مابین دولتین پروس و اطریش میانجی میشود (انکلیس) اشتداد مال هیری در مملکت انکلیس بدرجه که در ظرف مدت یکماه صد و بیست هزار و هفتصد و چهل راس کاو و کوسفند تلف میشود شورش و انقلاب طایفه فنیان در ارلند افتتاح مجلس پارلمنت انکلیس بعد از فوت پرنس البرت شوهر پادشاه انکلستان پادشاه معظم الیها تا افتتاح این مجلس در افتتاح مجالس بشخصه حضور بهمنرسانیده بود صدارت و وزارت طایفه تودی و ریاست لرد دربی تفویض امور خارجه به لرد استانلی پسر لرد دربی شورش و انقلاب در شهر لندن و اغلب نقاط ابتیاع صد و پنجاه هزار قبضه تفنک ته پر معروف بتفنک شنیدر پای تخت در لیورپل

دوبوهم

ودولتین

ودولندن شورش اهالی فنیان در ارلند سبب حبس چند بن هزار نفر میشود (ایطالیا و رومه) قرارداد دولت فرانسه با ایطالیا
درباب وجود دو دولت مستقله در آن مملکت که یکی سلطنت پاپ در رومیه باشد باحدود معینه و دیگری سلطنت ایطالیا معاهده
مخفی ایطالیا با پروس بجهة جنگ با اطریش جنگ در کوستزا با اطریش و شکست ایطالیا در این جنگ جنگ بحری دیگر ایضا
با دولت اطریش در لیسا که در این جنگ نیز برای عساکر ایطالیا پیشرفتی نمیباشد و بهمین جهة با وجود فتوحات پروس
در سادوا دولت اطریش مضایقه دارد که ونیز را بتصرف ایطالیا دهد عهدنامه ونیز ما بین پروس و ایطالیا و اطریش
درپایتخت اینسال منعقد شده بموجب این عهدنامه ونیز با جمیع قلاع آن واگذار با ایطالیا میشود بمال المصالحه دویست و پنجاه
ملیان فرانك که معادل پنجاه کرور تومان ایران باشد (بلژیك) اهالی بلژیك کمال وحشت را از عظمت و شوکت
پروس دارند و از این میترسند که فرانسه نیز بواسطه همچشمی با پروس در مقام توسعه مملکت خود برآید و بلژیك را ملحق
بمملکت خود نماید (دانمارك) ازدواج پرنسس داگمار شاهزاده خانم این مملکت با ولیعهد دولت روس در پایتخت اینسال
(روس) تادیب کردن دولت روس کشیشهای کاتولیکی را در لهستان و حرفهای سخت پاپ در اینموقع نسبت بوزیر مختار دولت
روس و قطع نمودن وزیر مختار مراوده را با پاپ و عزیمت او از روم یکی از نجبازادگان روسی موسوم بکاراکزوف بسبب
وبیمبالاتی در شهر سنت پطرزبورغ در بهار قصد قتل امپراطور را مینماید ولی بمقصود نمیرسد مجلسی برای تحقیق اینعمل
بریاست ژنرال موراویف منعقد و گفتگوهای طولانی میشود و حدس زده میزنند شراکت لهستانیها در این عمل اما همدستان
ورفقای بسیار از این مقصر بدست میآیند که همه کمونیستهای روسی میباشند پرنس گاگارین بریاست مجلس آخری این تحقیق
برقرار شده حکم قتل این مقصر صادر و در پانزدهم ماه سپتامبر بقتل میرسد حرکت ناگهانی چراکسه و تصرف نمودن آنها سخوم
قلعه را جنگ روس با امیر بخارا ببهانه اینکه یکی از سفرای این دولت را نگاه داشته و غلبه دولت روس (سویس) در ژنو از
جانب یکصد و شصت هزار نفر عمله مجلسی از وکلا برای بعضی مذاکرات منعقد شده و اغلب اجزای این مجلس اهالی فرانسه و
انگلیس هستند و کمتر المان و ایطالیائی این وکلا شکایت زنها از بابت کار کردن آنها در کارخانها و متعکری
آنها با مردها در این باب دارند (عثمانی) شورش طایفه مارونیت در محال اهدن در سمت جنوب شرقی تریپلی بسرداری
یوسف کارام داود پاشا حاکم عیسوی لبنان لشکر امدادی زیاد از بیروت گرفته با وجود این نمیتواند این طغیان را رفع نماید
یوسف کارام فرار مینماید ولی باز طغیان را محرك است و امداد میدهد و ابتدا پناه بحاکم شام که با داود پاشا عداوتی دارد
میبرد ولی بی ثمر است بعد ملتجی بقنسولهای اروپائی میشود آنهم مفید فایده نمیگردد آخر الامر بالجزایر میرود و مدتی در آنجا اقامت
میکند در تونس علی بن غذاهم رئیس شورش و طغیان آخری گرفتار و محبوس میشود و مالیات پس افتاده را بزور اسلحه دریافت
مینماید خدیو مصر از سلطان عثمانی اجازه حاصل میکند که بعد از او پسرش مستقیما وارث و جانشین او باشد چونکه در
دولت عثمانی و خانواده ولاة مصر سلطنت و ولایت بارشد طایفه میرسد نه مستقیما باولاد برقرار شدن مجلس وکلای ملت
در مصر بتصدیق اعلیحضرت سلطان عثمانی قرارداد آخری خدیو مصر با کمپانی نهر مجمع البحرین سوئز انعقاد مجالس متعدده در کل
ممالك یونان بجهة معاونت بهم وطنان و برادران دینی خود که تبعه عثمانی هستند تکلیف نمودن بر ژنرال کالرژیس که در کرت
متولد شده است ریاست قشون را و منع کردن پادشاه یونان او را از قبول این ریاست بچنگ آوردن یاغیان اسلحه متفرقه
از راه شامات جزایر قبرس و شیو و مملکت نیز در تزلزل و اضطراب دولت عثمانی قشون زیادی که اکثر آنها مصری میباشند
جمع آوری مینمایند نفاق سردار سهیم پاشای مصری با اسمعیل پاشا حکمران جزیره سفارت بی ثمر مصطفی پاشا حاکم قدیم کاندی
از اسلامبول بجهة دلالت یاغیان بصلح و مأمور شدن همین سفیر بسرکردگی قشون حمایت سفرای مختار فرانسه و انگلیس از

سفیر

سفیر عثمانی در آتن پای تخت یونان و وزیر مختار دولت روس مقیم آتن فی الجمله از سفیر مزبور حمایت مینماید سفیر فرانسه موسیو مارکی
دموستیه مقیم دار اسلامبول که بعدها وزیر امور خارجه شد مانع اتفاق یونانیها است از اول ماه سپتامبر همه روزه در بلاد شهرها
کاندیه جنگها و خونریزیها میشود چندین هزار خانواده های یونانی بواسطه سفاین دولتی روسی و انگلیسی از اوطان خود که ممالک عثمانی است
مهاجرت کرده بجزایر و بلاد یونان میروند و در آنجاها با کمال عسرت تحصیل معاش خود را مینمایند بسیاری نیز با انتظار کشتیها
متحمل گرسنگی و سرماهای سخت میشوند جنگ پاسامپر یونانیهای کریت با عثمانی دولتین انگلیس و فرانسه مایل بحرکات و رفتار یاغیان
نیستند بلکه برضد آنها میباشند کشتی تجار یونانی موسوم بپانهلنیون دفعه هفتم است که از میان سفاین عثمانی گذشته بجزیره
کریت گندم و آذوقه و ماکولات بیونانیها میرساند اتفاق دولت فرانسه و دولت روس در تعمیر و بنا نمودن گنبد موسوم
بقبره حضرت عیسی در اورشلیم تمجیدی از خزانه عثمانی که بدینواسطه منافع قرض شش ماهه را که باید در ماه ژوئیه ادا کنند
از عهده بر نیامدند صدارت محمد رشدی پاشا بجای فؤاد پاشا منعقد شدن مجلس حفظ الصحه در اسلامبول که اجزای
این مجلس از دول خارجه میباشند یکی از تدابیر و قرار دادهای این مجلس اینست که حاج در صورتیکه وبا در میان آنها باشد
مراجعت از راه دریا ننمایند بلکه رفع وبا در آسیای عثمانی و سرایت آن باروپا در تمام مرکز و شمال این اقلیم تا هلاند و بلژیک
و فرانسه و انگلیس و رسیدن آن باتاتونی و جزایر انتیل (فرانسه) در افتتاح مجلس شورای امپراطور وعده میدهد
که بجهة رفع مغایرت مابین فرانسه و اتاتونی عساکر خود را از مکزیک کلیه احضار نماید در مجلس وکلای دولت پروسی که
یکی از وزرا است بالصراحه تکلیف میکند از طرف امپراطور که از برای نظم و آسودگی ملت اقتدار کامل رئیس دولت لازم
است اشتهار اتحاد باطنی پروس و ایطالیا با فرانسه برضد دولت اطریش که در عوض دولت پروس سرحدات آلمان
که طرف رودخانه رن است متصرف بدهد دولت فرانسه بدهد یا اگر دولت فرانسه بلژیک را بخواهد متصرف گردد دولت پروس و
وایطالیا بیطرف بوده سکوت کنند بندتی که سفیر کبیر فرانسه است در برلن با مسیو بزمارک صدر اعظم ملاقات نموده
برای دولت فرانسه حقی مطالبه میکند و جواب یأس باو میدهند استعفای دوران دلوئیس از وزارت خارجه و نصب
مارکیز موستیه سفیر کبیر دولت فرانسه در اسلامبول بوزارت امور خارجه ناخوشی سخت امپراطور که سه ماه متوالیا بستری
بود مسلح نمودن قشون فرانسه را بتفنگ جدید یکه مسمی بتفنگ شاسپو است عدد قشون فرانسه را اسما آنچه اعلان
نموده اند دو کرور و دویست و سی و دو هزار و دویست و پنجاه نفر بوده در جنگ مکزیک غیر از توپخانه موجودی
که دولت در جبه خانه ها متعدده داشت وجه نقدیکه مصارف این قشون رسید معادل شش کرور تومان پول ایران
بود جمعیت فرانسه بموجب تعداد نفوس امسال هفتاد و شش کرور و دویست و هفت هزار و نود و چهار نفر بود
بروز وبای سخت در پاریس و در نقاط دیگر طغیان اغلب رودخانه ها در داخله مملکت و خرابی ساختمانهای آنها و ورود
سفرای مارک بپاریس شورش سیدلولو در الجزایر ملخ خوارگی سخت در الجزایر فوت ماری املی زوجه لوی فیلیپ پادشاه
سابق فرانسه در انگلیس فوت تونل از معارف رجال دولت صدور فرمان بواسطه فرانسه و انگلیس در باب علامات مخصوصه
از الوان بیرقها بجهة تکلم در دریا و قبول فوری دول آنرا سیم تلگراف بحری خط مخابره مابین ارلند و تربو را معتبر
مینماید بنابراین افتتاح سیم تلگراف بحری از دنیای عتیق بدنیای جدید که از نیورک پای تخت اتاتونی در ظرف هشت
ساعت مخابره بپاریس میرسد (هلاند) شورش اهالی شهر امستردام نسبت باجزای حکومتی در اوقات شیوع
ناخوشی وبا مالکمیری شدید در مرکز اروپا و هلاند و سویس (یونان) اجماع قشون یونان در سرحدات پرفسانی
سرحدات دولت عثمانی و پریشانی دولت عثمانی ایمظلبت امریکا را (اتاتونی) تفویض سپهسالاری کل عساکر این دولت

برژنرال

ژنرال گران بر قراری ژنرال شرمان بمنصب سرداری کل اینَد و نفر سردار در جنگ شمالی و جنوبی خدمات نمایان کرده‌اند
رئیس ایالات جنوبیه فرستند و پس که عدالتخانه حکم قتل او را صادر نموده رئیس جمهوری اتازونی از حبس و قتل او گذشته فقط بحبس
نظر و بیرون نرفتن او از شهر معین رُز اکتفا نمودند قرض دولت اتازونی دراینسال معادل دو هزار و ششصد و چهل کرور دولار است
مراوده نوه و شیء ایند دولتها انگلیس نیز با فرانسه هانیته متزلزل است برخلاف اتحاد اتازونی با دولت روس طغیان سیلها
در رودخانها (مکزیک) در دیگران که سرحد اتازونی و مکزیک است سرداران جمهوری طلب که هواخواهان ژوارس رئیس جمهوری
سابق مکزیک میباشند جماعتی کرده از عساکر اتازونی با خود شریک نموده برضد ماکسیمیلین امپراطور جدید اردوئی دارند
فذیر امور خارجه فرانسه در وین بتوسط سفیر اتازونی از دولت مشارالیها تمنا میکند که دولت اتازونی بیطرف بماند و مداخله
در امور مکزیک نکند این تمنای جوابی ماند ه دولت اتازونی تمکین نمیکند بنابراین نوشته رسمی از طرف وزارت امور خارجه
فرانسه بسفیر فرانسه متوقف در مکزیک فرستاده میشود که از این بعد وجها من الوجوه صرف خود مانرا در حمایت ظاهری
دولت مکزیک نمیدانیم و مجبوریم که عساکری را که بکمک امپراطور ماکسیمیلین فرستاده بودیم احضار کنیم بعد از انتشار این
خبر در مکزیک سردارهای جمهوری طلب قوی دل شده بیشتر از پیشتر در صدد بهم زدن دولت امپراطور ماکسیمیلین میباشند
و ایالات شمال بلکه بعضی از ایالات مرکزی را متصرف در می آورند ژنرال دو سردار فرانسه نزد رسمت شمال حمله بآنها می آورد
دولت اتازونی یادداشت رسمی بپاریس میفرستد که اگر فرانسه عساکر خود را کلیتاً از مکزیک احضار نماید او نیز بیطرف خواهد بود
و کمک ظاهری بجمهوری طلبان مکزیک نخواهد نمود قشون شخصی ماکسیمیلین که مرکب از اهالی بلژیک و اطریش بودند و عده آن چندان
زیاد نشده در اینمدت خواستند که بعد از رفتن قشون فرانسه بلکه کاری از پیش ببرند اما جنگ و حملات ایشان بی نتیجه و فایده ماند
امپراطور ماکسیمیلین از هرجهت خود را بدبخت دید چنانکه دوستان و هواخواهان او را میکشند و کمک فرانسه با امپراطور و مکزیک
از هرجهت بی ثمر بود و در تمام مکزیک یکمرتبه بنای شورش و بی نظمی شد حتی از محارم و نوکرهای شخصی امپراطور باو شوریدند
(هایتی) دولت جمهوری سنت دمینیک که سابقا جزو هایتی بود و در سنه هزار و هشتصد و بیست و چهار از هایتی جدا
شده دولت اتازونی تاکنون او را انشناخته دراینسال شناخت بقسمتی از شهر گنابو را یاغیان آتش زدند یاغیین های
شدید در پرت پرنس (برزیل) جنگ ما بین برزیل و لوپز رئیس جمهوری پاراگای باکمال شدت شد با وجود زیادی قشون برزیل
ژنرال لوپز با نهایت رشادت جنگ کرده جمعیت زیادی از آنها را هلاک میسازد در ریودژنیر و پای تخت برزیل افتتاح
اکسپوزیسیون صنایع اتحاد شیلی با پرو برضد اسپانیا و میانجی شدن دول فرانسه و انگلیس در اینفقره

سنه ۱۸۶۶ مسیحی　　سنه ۱۲۸۳ هجری

آسیا (ایران) موکب همایون پس از تفرج سرساحات مازندران از طرف کلاردشت و راه هزارجم عزیمت معاودت
فرموده روز بیست و هشتم محرم تشریف فرمای سلطنت آباد گردید بنظر ترقی و تکمیل اداره تلگراف ممالک محروسه هر
یک از صاحبمنصبانی که داخل این خدمت بودند از قرار مسطور در ذیل بذل عنایت فرمودند علیقلیخان سرتیپ تلگراف
منصب و نشان و حمایل سرتیپی اول میرزا جعفرخان منصب سرهنگی و نشان و حمایل از این درجه میرزا جوادخان نشان
و حمایل سرهنگی میرزا حیدرعلی یاور تلگراف منصب و نشان و حمایل سرهنگی میرزا فضل الله خان یاور منصب و نشان و حمایل
سرهنگی میرزا حسن حکیم سامانی ولد مرحوم حکیم قاآنی نشان و حمایل و منصب سرهنگی نصرالله خان یاور منصب و نشان
و حمایل سرهنگی محمد ابراهیمخان ناظم تلگراف منصب و نشان و حمایل سرهنگی برحسب اراده سنیه در هذه السنه پارس بل
سعادت دولتی قرار تقسیم کارها و طرز اداره مهام دولتی را بوزارتخانهای متعدده داده و کفالت هر شعبه از امور را

بملاحظه لیاقت اشخاص بعهده یکی از چاکران مجرب دربار از قرار تفصیل ذیل محول و مرجوع فرمودند

تقسیم وزارتخانها و حکومت و ولایات از این قرار است

وزارت جنگ و ریاست قشون کما فی السابق (اداره و الیکری حکومت این ولایات (خراسان) (سیستان) (استراباد) (شاهرود و بسطام) (دماوند) (فیروزکوه) (لکوه) (جاجرم) (ترشیز) (خوار) (سمنان) (دامغان) (خدمات مرقومه حکومت و ولایات مفصله بعهده سپهسالار اعظم میرزا محمدخان محول و مفوض است

وزارتخانه مالیات و رتق و فتق محاسبات و معاملات دیوانی) (اداره امور آذربایجان و کردستان و قم و ساوه و زرند) (حساب دفتر دولتی) (اداره دخلدارخانه و صندوقخانه و اصطبل خاصه و سایر بیوتات دولتی و ابنیه دیوانی بعهده جناب میرزا یوسف مستوفی الممالک مقرر است

(وزارت علوم و صنایع و تجارت) (مدرسه دارالفنون و تلگرافخانها) (معادن) (روزنامه دولتی و علمی) باسمه خانهای دارالخلافه و ولایات) (کارخانجات) (حکومت ملایر و تویسرکان) بر عهده اعتضاد السلطنه علیقلی میرزا مفوض و محول خواهد بود

وزارت امور خارجه (اداره حکومت کرمانشاهان) (لرستان) (نهاوند) (خرقان) (تذکره سرحدات) (راه سازی) (حفظ و آسایش ملل مختلفه که رعایای ایشان دولت علیه هستند) بعهده وزیر امور خارجه میرزا سعیدخان است

(وزارت حضور همایون) (اداره حکومت و ولایات مفصله (کاشان) (اصفهان) (فارس) (نطنز) اداره گمرکخانهای ولایات ممالک محروسه محول بامین الدوله فرخ خان خواهد بود

وزارت عدلیه بعهده حاجی محمد قلیخان محول و مفوض است

وزارت دربار بعلاوه ایشیک آقاسی باشیگری (شاهزادگان درباری و ولایات) (علما و سادات دارالخلافه و ولایات) (اعیان و اشراف دارالخلافه و ولایات) (غربا و مهمانان و ولایات در دربار) (انتظام امور خادمان حرم و خواجه سرایان) (عملهجات) (چاپارخانها) (مواظبت رسانیدن غله دیوانی دارالخلافه) (حکومت جوشقان) (حکومت گلپایگان و خوانسار) بعهده محمد ناصرخان ظهیرالدوله خواهد بود

(ایلخانیگری خوانین و آقایان قاجار) (دارالنظاره (حکومت و سرداری قشون مازندران) (اداره حکومت قزوین و عربستان) (حکومت محلات) بعهده اعتضاد الدوله انوشیروان خان که تازه باین لقب سرافراز و ملقب شده است خواهد بود

(طهران و توابع و خالصجات و ابنیه و اجارات و غیره) (حکومت کرمان و عراق و درجزین) (چاپارخانهای راه آذربایجان را بعلاوه وزارت دارالانشا بعهده دبیرالملک میرزا محمد حسین محول و مفوض فرمودند

(وزارت وظایف و اوقاف) (اداره حکومت همدان بر عهده اعتماد السلطنه حاجی علیخان است

(نظم خزانه و مالیات عایده خزانه) (جمع آوری وجوه مخصوص خزانه اندرون) (وصول مالیات و اقساط) (رسانیدن وجوه برات داران از قرار حواله دیوان) (ضرابخانهای ممالک محروسه) (کالسکه خانه) (زنبورکخانه) (حکومت گیلان و یزد) بعهده دوستعلیخان معیرالممالک محول است

(مهر دارشهر مبارک) (اداره حکومت بروجرد و خمسه) بعلاوه احضار وزرا و رسانیدن اخبار اجانب بسنی الجوانب همایون بعهده امین الملک پاشاخان محول است

(ریش سفید خلوت) ریاست تفنگداران سرکاری (کما فی السابق بعهده میرزا هاشم خان امین خلوت) رجوع گردید
بپاداش خدمات در راه مازندران محمد علیخان برادر اعتضاد الدوله بمنصب بیگلربیگی گری و میرزا مسیح بمنصب استیفا از درجه
چهارم و خلعت همایون نایل گردیدند حبیب الله خان سرتیپ تنکابنی بنشان و حمایل از مرتبه اول سرتیپی مفتخر آمد محمد قلیخان
شاطرباشی بنشان و حمایل از درجه دویم سرتیپی نایل شد تنبیه و تفریق طوایف ترکمن تکه و تخریب محکمه و مساکن آنها که در
حدود خراسان مایه فتنه و شر و بی نظمی بودند بمامورین شهاب الملک امیر تومان سردار قشون خراسان نواب حشمة الدوله
بحکمرانی بروجرد و عربستان منصوب شدند عزیز خان سردار کل بسرداری کل قشون ظفرنمون و وزارت جلیله برقرار گردید
منصب کشیکچی باشیگری بجناب محمد مهدیخان واگذار و مرحمت شد حکومت مملکت خراسان را بعلاوه حکمرانی خوار و سمنان
و دامغان و شاهرود و بسطام و استراباد و سیستان بعهده کفایت جناب سپهسالار موکول فرمودند و بعد از چند
روز جناب معزی الیه روانه محل ماموریت خود گردید بواسطه بروز ناخوشی وبا در تبریز حضرت مستطاب اجل اعظم مظفرالدین
میرزا ولیعهد دولت علیه باردبیل تشریف بردند دهم جمادی الثانیه موکب همایون از ییلاق تشریف فرمای دار الخلافه گردید
مراقبت کلیه امور دار الخلافه را بعهده جناب آقای مستوفی الممالک موکول فرمودند و بصوابدید جناب معظم جناب علاء الدوله را
به بیگلربیگی گری طهران و میرزا عیسی پسر مرحوم میرزا موسی بمنصب کلانتری کل محلات طهران انتخاب نمودند محض ترفیه خلق و
مراعات تجار گمرک بسیاری از اجناس را معاف کردند بعضی نشانها از جانب دولت روس بجنرال و اکابر این دولت موهبت
شد و باجازه اعلیحضرت همایون قبول و زیور پیکر خود نمودند محمد اسمعیل خان وکیل الملک سردار با عطای عصای مرصع
سرافراز و مستقلاً بحکومت کرمان و بلوچستان مفتخر آمد و مرتضی قلیخان سرهنگ فوج ملایر ولد معزی الیه بسرتیپی دوم
فوج کرمان نایل گردید حاجی رشید خان بیگدلی بمنصب استیفا از درجه سیم قرین مفاخرت گشت نظر بکثرت مخابرات تلگرافی
داخله و خارجه بنواب اعتضاد السلطنه وزیر علوم حکم فرمودند یکخط سیم دیگر از سرحد بوشهر الی سرحد جلفا بر همان تیرهای
سابق امتداد دهند فوجی مرکب از دویست و پنجاه نفر بتوسط نواب اعتضاد السلطنه از ملایر گرفته و بذوالفقار خان
سرهنگ مهندس سپرده شد که آنها را مشق دهند در این ایام سیم تلگراف ایران با سیم تلگرافی دولتین روس و انگلیس اتصال
یافت نظر باتحاد دولتین علیتین ایران و عثمانی اعلیحضرت سلطان عثمانی اینوقت نشان سلطنتی دولت خود نشان را
که مکلل بالماس میباشد برسم هدیه مصحوب حاجی عصمت افندی مین باشی برای اعلیحضرت شاهنشاهی یادگار فرستادند بنده
مؤلف بمنصب پیشخدمتی حضور همایون سرافراز شد حکومت استراباد را بنواب حاجی کیومرث میرزای ملک آرا مرحمت فرمودند
چون میرزا ابراهیمخان مظفرالدوله سرتیپ اول در سیستان خدمت کرده بود اورا بمنصب امیر تومانی مفتخر فرمودند
شب پنجشنبه چهاردهم ذیقعدة الحرام ده ساعت و پنجاه دقیقه از شب گذشته آفتاب از برج حوت بحمل تحویل کرد و سلام
خاص و عام تحویل و عید در حضور همایون منعقد شد خشتهای طلا که برای گنبد امامین همامین عسکریین علیهما السلام
حسب الامر همایون ساخته اند در ماه ذیقعده بمامورین علی رضا خان پیشخدمت خاصه (جناب عضد الملک) حمل بعراق عرب
شد نواب والا محمد تقی میرزا حکمران ولایت خمسه را ملقب برکن الدوله فرمودند میرزا زکی مستوفی بپیشکاری خمسه
سرافراز شد روز پانزدهم ذیحجة الحرام موکب همایون بعزم سفر سعادت اثر خراسان و زیارت ارض اقدس و سرکشی آن
مملکت از دار الخلافه باهره بقصر دوشان تپه نقل مکان فرموده روز بیست و سیم روانه مقصد شدند میرزا عیسی
پسر مرحوم میرزا موسی بوزارت دار الخلافه و پیشکاری حضرت اجل افخم والا نایب السلطنه مفتخر گردید وزارت گمرکخانهای
ممالک محروسه بمیرزا محمد قوام الدوله تفویض شد علیقلیخان نایب اول آجودانباشی بمنصب سرتیپی دویم مباهی گردید غلامعلی

خان

خان سرتیپ نشان وحمایل سرتیپی قرین افتخار گشت حاجی حسینخان شهاب الملک امیر تومان بیک قطعه نشان امیر تومانی
وحمایل آن سربلند گردید میرزا آقاخان نایب دویم وزارت خارجه باعطای نیابت اول و نشان وحمایل سرتیپی دویم و کفالت
مهام خارجه آذربایجان سرافراز و مأمور شد میرزا محمد علیخان کارپرداز اول دولت علیه مقیم حاجی ترخان باعطای نشان
سرتیپی سیم وحمایل آن مفتخر گشت سید سلطان محمد ملقب بشاهزاده جهانبان برادر حکمران جزیره کمرود که جزیره ایست نزدیک
بمادکاسکر واقع در جنب افریقیه بدربار همایون آمده مقارن انتهاض موکب معلی بسفر خراسان شرفیاب حضور مبارک
و مورد تفقدات گردیده از جانب دولت علیه برای مشار الیه منزل و مخارج منزل معین شد حسنعلیخان وزیر مختار و
ایلچی مخصوص مقیم پاریس و میرزا سلیمانخان شارژدافر وسایر اجزای سفارت احضار بدربار همایون شده میرزا یوسفخان سرتیپ
بسمت شارژدافری مأمور سفارت پاریس گردید و علیخان سرتیپ پسر مرحوم حسینخان نظام الدوله برتبه کارپردازی اول
مأمور اقامت تفلیس شد حاجی محسنخان سرتیپ اول بسمت شارژدافری مأمور سفارت لندن گردید (چین) باوجود ضدیت
علمای مذهبی ایجاد مدرسه بجهة تعلیم و تعلم السنه فرنگ در پکن پای تخت (ژاپن) فرستادن برادر طیقون را بسن یازده
سالگی باجمعی از معارف بسمت سفارت در دربار دول فرنگ انعقاد مجلس شوری در آنمملکت **اروپا** (اسپانیول) شورش
ایالت کاتالن و ساراکس ملاقات پادشاه پرتغال با ملکه (اطریش) ملاقات امپراطور فرانسه با امپراطور اطریش در
سالسبورگ که نتیجه ملاقات اسباب خیال وسوءظن غریبی برای دولت پروس گردید صدارت مسیو تیرس شنیدن امپراطور
در اوایل تابستان خبر فوت برادر خود ماکسیمیلین امپراطور مکزیک را که بدست جمهوریان دکترتز مکزیک بقتل رسید
ملاقات امپراطور با پادشاه باویر ملاقات امپراطور با پادشاه پروس بعد مملکت باویر و مسافرتش بپاریس و لندن (المان)
دول جنوبی خصوصا باویر مایل براینند که وضع قشون خود را بسبک عساکر پروس نمایند و اتحاد معنوی با او پیدا کنند
ساکس و ورتمبرک هم با باویر در اینمسئله متحد اند و پادشاه پروس را بسمت سردار اعظمی کل عساکر المان اعم از دول شمالی و
جنوبی منتخب نمودند ملاقات پادشاه پروس با پادشاه ساکس در درزد پای تخت پادشاه ساکس افتتاح مجلس پارلمنت کنفدراسیون
شمالی بدست پادشاه پروس بشخصه با حضور جمیع شاهزادگان و بعضی سلاطین و وزرای تمام المان قرنها بود که چنین تجلی از
برای هیچیک از سلاطین المان دست نداده بود دول المان بوحشت اینکه مبادا لوکسامبورک بدست فرانسه بیفتد بالاتفاق
با پروس سازش باطنی نمودند و این سازش و دوستی باطنی که سالها مخفی بود آشکار گردید و برای جنگ آتیه با فرانسه که
قریب الظهور میدیدند مدیر و مدبر عساکر پروس ژنرال ملک و ژنرال رون وزیر جنگ بعضی قواعد و قوانین جدیده ایجاد
میکنند عده نفوس دول شمالی که خود را در تحت سلطنت پادشاه پروس قرار داده بودند بسی و شش کرور رسیده است و در
هنگام صلح این سی و شش کرور نفس باید سیصد هزار نفر قشون مستعد آماده داشته باشند (انگلیس) بروز قحط و غلا
در اغلب شهرهای اینمملکت بیتابی و اضطراب اهالی لندن در این فقره تدارک جنگ دیدن دولت انگلیس بر ضد پادشاه
حبشه تادروس که با وجود شورش داخله اینمملکت مصمم مقاتله با عساکر انگلیس است برای تدارک این جنگ معادل ده کرور
تومان ایران استقراض میکند سر رابرت ناپیر سپهسالار این قشون است تدارکات این جنگ از هر حیثیت کمال اشکال را دارد
زیرا که حمل و نقل آذوقه و قورخانه را بتوسط چهارپایان باید بداخله حبشه نمود ورود عبد العزیز خان سلطان عثمانی
ووالی مصر بانگلیس در تابستان (ایطالیا) عروسی دوک داوست پسر دویم پادشاه در بیست و دو سالگی و
ازدواج او با یکی از نجبای اهل مملکت (روس) استعفا پرنس دادیان از والیگری ایالت منگرلی و دادن حق خود را
باعلیحضرت امپراطور روس پرنس کرچاکف بلقب صدارت عظمی ملقب گردید ازدواج دختر گراندوک قسطنطین با پادشاه

مبئی باعطای منصب سرتیپی
دویم و نشان وحمایل برتن
مباهات آمد میرزا معصوم
خان کارپرداز مخصوص دولت
علیه مقیم م

یونان بعضی فتوحات در بحار (عثمانی) بعضی جوانها که از نجبای مملکت بودند درجات آزادی افتادند که اغلب آنها را دولت
مجبور کرد و جلای وطن داد صدارت عالی پاشا و وزارت خارجه فؤاد پاشا مدت غیبت اعلیحضرت سلطان که بفرنگستان رفته
بود چهل روز شد شورش سخت اهالی قندی و حمایت آشکارای دولت یونان از آنها مسافرت عالی پاشای صدر اعظم
بقندی برای استمالت اعیان سرداری عمر پاشا بجهت تدمیر اعیان تفویض لقب خدیوی بوالی مصر عبور سفاین تجارتی از نهر
سوئز شورش اهالی بلغارستان و آرام کردن آنها برداشتن دولت عثمانی قشون خود را از قلعه بلگراد سربستان (فرانسه)
اعلیحضرت امپراطور ناپلیون از برای جذب قلوب اهالی فرانسه بواسطه خبطی که از رجال دولت در مسئله مکزیک بظهور رسیده
بود مسیو امیل الیوی را که یکی از وکلای دست چپ بود بسمت خود استمالت داده وعده وزارت باو میدهد آزادی
روزنامه‌ها در افتتاح مجلس پارلمنت امپراطور در خطبه خود استعداد قشون از وکلای ملت برای حفظ و حراست حدود و
ثغور مملکت فرانسه میطلبد باحتیاط اینکه مبادا دولت مجبور بمنازعه با پروس شود هفتاد هزار قشون علاوه بر معمول حاضر
نمودند و بعد از چندی که اطمینانی حاصل شد مرخص خانه شدند نقار و ضدیت کلی بعضی وکلای ملت با دولت در فقره مکزیک
در مدت شش سال که دولت قشون بمکزیک فرستاده سیصد و شصت میلیان فرانک که معادل هفتاد و دو کرور تومان ایران است
مخارج بیفایده برای دولت بهم رسیده مسیو تیر مخصوصا با کمال تشدد قباحت اعمال دولت را آشکارا مینماید افتتاح اکسپوزیسیون
عمومی در پاریس و ورود اغلب سلاطین اروپ حتی سلطان عثمانی بپاریس از برای تماشای اکسپوزیسیون از سلاطین که بپاریس
و تماشای این اکسپوزیسیون آمدند پادشاه انگلستان و پادشاه اسپانیا و پادشاه ایطالیا بودند هنگام بودن امپراطور
روس در پاریس در سان قشون که ناپلیون امپراطور فرانسه بجهت تشریفات سلاطین حاضر در پاریس که از جمله پادشاه پروس
بود در حوالی پاریس میداد قبل از وصول بمیدان مشق شخصی لهستانی طپانچه بطرف امپراطور روس خالی میکند و اینکه
گلوله باعلیحضرت معظم نخورد رفتن امپراطور ناپلیون بسرحد مملکت اطریش علت مزاج امپراطور ناپلیون و رفتن ایشان
بیاریتس یکی از بنادر فرانسه بمعالجه شهرت اتحاد باطنی دولت ایطالیا با پروس غلا و تسعیر نان در پاریس و سایر بلاد دیگر
و شکایت و نارضائی مردم از دولت در اغلب نقاط دولت فرانسه بواسطه عظمت پروس کمال تغیر را دارد و در صدد این است
که ایالت لوکسامبورک را که جزو ایالات المان محسوب شده ولیکن سلطنت آنجا با پادشاه هلاند است متصرف گردد و اجرای
این عمل را برضایت پادشاه هلاند طالب است پادشاه هلاند بحسب ظاهر تمکین نموده اما باطنا پادشاه پروس را از این ماجرا
اطلاع میدهد تغیر سخت پادشاه پروس از این مقدمه و اتحاد دول جنوبی و شمالی المان بیکدیگر بر ضد فرانسه تهیه جنگ
چه از طرف دولت فرانسه و چه از طرف دول المان علی الخصوص پروس (هلاند) وبای سخت در اغلب بلاد (یونان)
تحریک دولت مخفیا و آشکارا اهالی جزیره قندی را بشورش نسبت بدولت عثمانی مسافرت پادشاه بفرنگ و ازدواج
با یکی از شاهزاده خانمهای روس (امریکا) (اتازونی) ابتیاع دولت اتازونی بعضی اراضی را که در حوالی این مملکت
دولت روس متصرف بود کسر عدد قشون بری و بحری نقار و کدورت ظاهری و باطنی با انگلیس بواسطه حمایت از ایالات
جنوبی که یاغی بودند امتداد سیم تلگراف بحری از فلوریدا بجزیره کوبا.

سنه ۱۲۸۴ هجری — سنه ۱۸۶۷ مسیحی

آسیا (ایران) چنانکه در اواخر سال قبل اشارت شد موکب همایون روز بیست و سیم ذیحجه از دوشان تپه بمنزل
همایون آباد تشریف فرما شدند حضرت شاهنشاهزاده امجد والا نایب السلطنه حکمران دار الخلافه در غیاب
موکب همایون بنیابت سلطنت کبری مخصوص فرمودند جناب آقای مستوفی الممالک بوزارت مالیه و انتظام خزانه و

وصول

وصول و ایصال مالیات برقرار نمود و سایر وزارتخانهای جلیله نیز بهمین ترتیبات سابقه است از همراهان اینسفر خیریت اثر نواب مستطاب مهد علیا و جمعی از خادمان حرم جلالت و از شاهزادگان نخام ملک منصور میرزا و سلطان احمد میرزای عضد الدوله و غیرهما و از وزرا و چاکران بزرگ ملتزم رکاب اعلی جناب فرخ خان امین الدوله و انوشیروانخان اعتضاد الدوله و حاجی علیخان اعتماد السلطنه و محمد ناصر خان ظهیر الدوله و میرزا محمد حسین دبیر الملک و پاشاخان امین الملک و جمعی از مستوفیان عظام و امراء کرام و صاحب‌منصبان عسکریه و ارباب مناصب خلوت همایون مثل میرزا هاشمخان امین خلوت و یحیی خان اجودان مخصوص و غیرهم هستند دوشنبه غره ماه محرم موکب همایون تشریف فرمای لاسجرد گردید دویم محرم بشهر سمنان شرف ورود ارزانی فرمودند روز پنجم از سمنان انهاض فرموده تشریف فرمای آهوان شدند روز ششم از آهوان نهضت فرموده بقوشه نزول اجلال نمودند روز هفتم امیرآباد منزلگاه موکب همایون گردید روز هشتم شهر دامغان بمقدم مبارک مزین آمد روز دوازدهم محرم تشریف فرمای قریه مهماندوست شدند روز سیزدهم قریه ده ملا مضرب خیام سلطنتی گردید روز چهاردهم ساحت بسطام منزلگاه موکب همایون آمد در این وقت جهانسوز میرزا بحکومت شاهرود و بسطام منصوب شد میرزا سید کاظم مشرف اصطبل خاصه در بسطام بمنصب مستوفیگری سرافراز شد روز هفدهم از بسطام بخیرآباد تشریف فرما گردیدند روز هیجدهم قریه ارمیان منزلگاه موکب اعلی بود روز نوزدهم تشریف فرمای منزل میامی شدند روز بیستم منزل میاندشت مضرب خیام معلی گردید روز بیست و یکم از میاندشت بمنزل عباس آباد تشریف فرما شدند روز بیست و دویم استریه مضرب خیام اردوی همایون شد روز بیست و سیم بمنزل داورزن نزول اجلال فرمودند روز بیست و پنجم از داورزن بمنزل مهر توجه فرمودند روز بیست و ششم قریه ربید منزلگاه موکب همایون گردید روز بیست و هفتم سبزوار بیمن قدوم ملوکانه مزین آمد جناب سپهسالار حکمران مملکت خراسان از مشهد مقدس تا اینجا موکب اعلی را استقبال کرده چون ارک شهر سبزوار بمرور دهور خرابی بهم رسانیده بود بجناب سپهسالار امر فرمودند که آنرا مرمت نماید روز غره ماه صفر موکب همایون از سبزوار برباط زعفرانی تشریف فرما گردیدند دویم صفر از زعفرانی بزمان آباد توجه فرمودند روز سیم صفر نیشابور بورود موکب منصور مزین شد روز هشتم از نیشابور بقدمگاه تشریف فرما گردیدند روز یازدهم تشریف فرمای دیزباد شدند روز دوازدهم بشریف آباد نزول اجلال فرمودند روز سیزدهم بجانب طرق نهضت فرما شدند در بین راه در محل موسوم به پته سلام حضرت شاهنشاهزاده اجل والا جلال الدوله فرمانفرمای مملکت خراسان و حاجی بهاء الدوله و سایر چاکران و اعیان خراسان برسم استقبال بتقبیل رکاب اعلی نایل گردیدند روز چهاردهم موکب مسعود بمشهد مقدس ورود فرمود و لدی الورود ذات اقدس همایون بزیارت روضه مقدسه رضویه سلام الله علیه تشرف جسته جقه مبارک را که علامت خاصه سلطنتی است محض احترام پیشکش آستانه مشرفه حضرت فرمودند منزل خاص وجود مبارک در ارک مشهد بود و اردوی معلی در خارج ارک سکنی گرفت و شرح جغرافیا و ابنیه آثار ارض اقدس مفصلاً در جلد دویم مرآت البلدان موسوم بآثار السلطان نگارش یافته است روز شانزدهم خوانین و سرکردگان و صاحب‌منصبان خراسانی بتوسط جناب سپهسالار شرفیاب خاکپای فرخنده‌لقا گردیدند نیز میرزا مسیح و سایر صاحب‌منصبان و سرکردگان مازندرانی بتوسط اعتضاد الدوله شرفیابی حاصل نمودند روز هفدهم وقت نماز صبح جناب سپهسالار داعی حق را لبیک اجابت گفت و خاطر مهر مظاهر از این جهت متألم گردید از استراباد خبر رسید که مراد ملقب بایشان بسمت آق قلعه تاخته و با نواب ملک آرا جنگ در انداخته و جناب حاجی ملا رضای

بالجمله روز بیست و پنجم دیهی از خاتون آباد تشریف آباد و از آنجا با یوان کیف و از ایوان کیف بقشلاق و از قشلاق بمنزل پاده نهضت ملوکانه فرمودند در آنمنزل میرزا علینقی طبیب و پیشخدمت خاصه ملقب بحکیم الممالک گردید روز بیست و نهم بده نمک نزول اجلال فرمودند م

رئیس العلماء در این جنگ بدرجه شهادت فایز گردیده و خود ملک آرا با معدودی در خانه آدینه خان که از خدمتگذاران دولت است متحصن گردیده محمد میرزا پسر نواب معزی الیه زخم گلوله و شمشیر برداشته و چون جمعیت نواب ملک آرا کم و ترکمه چند هزار نفر اند پیش رفتن برای او نشده است دو ساعت از شب رفته چاپاری از دار الخلافه رسیده مژده داد که نواب ملک آرا غالب و ترکمه منهزم و ایشان بتیر خود نواب معظم کشته شده است امیر شاهنواز خان پسر مرحوم سلطان احمد خان حاکم هرات با عبد الله خان برادرش و چند نفر از رؤسای علی کنائی و خوزانی و دیگر طوایف افغان که از راه سیستان همراهی مظفر الدوله بجهة شرفیابی آستان همایون آمده بودند نیز بتفقدات خسروانه مباهی گردیدند و مبلغی در این روز باهل استحقاق مشهد سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی بذل و انعام فرمودند و جمعی را بوظیفه و مستمری داخل و جرگه دعاگویان آسوده نمودند سردار یعقوبخان والی هرات پسر سردار امیر شیرعلیخان که بعزم شرفیابی آستان مبارک آمده بود با تمام بزرگان و اعیان هرات و افغانستان بتوسط ظهیر الدوله بار حضور همایون یافت و عرض پیشکشها نمود حاجی میرزا رضای مستوفی خراسان بلقب مستشار الملکی و حمایل و نشان از درجه دوم سرتیپی سرافراز شد حاجی محمد باقرخان وکیل طبس عماد الملک لقب یافت و محمد حسینخان ولد مشار الیه بمنصب سرهنگی نایل گردید روز هیجدهم ربیع الثانی آستان عرش نشان حضرت رضوی علیه السلام را وداع فرموده موکب معلی تشریف فرمای چمن قهقهه گردید روز نوزدهم بمنزل کلاس نزول اجلال فرمودند نواب پرویز میرزا حاکم سبزوار ملقب به نیر الدوله شده از خاکپای مبارک اجازه انصراف بمحل حکمرانی خود یافت روز بیستم چمن کوباغ منزلگاه موکب معلی گردید روز بیست و یکم بلده رادکان تشریف فرما گردیدند روز بیست و سیم از رادکان بمنزل سوها نزول اجلال فرمودند روز بیست و چهارم بعلی آباد که از الکای قوچان است تشریف فرما گردیدند روز بیست و پنجم قوچان بورود مسعود خسروانه مزین آمد امیر حسینخان ایلخانی را شجاع الدوله لقب دادند و بابو الحسنخان پسر مشار الیه شمشیر کل مرصع مرحمت شد بیست و نهم موکب همایون تشریف فرمای چمن لیلی گردید روز غره ربیع الثانی بمنزل فیض آباد نزول اجلال فرمودند روز دویم ربیع الثانی شهر شیروان بورود مسعود شاهانه مزین گردید روز سیم منزل عبد آباد مضرب خیام شد روز چهارم بقریه نوده تشریف فرما شدند روز پنجم ربیع الثانی بلده بجنورد بمقدم مبارک مزین آمد چون تنبیه و تدمیر ترکمه طاغیه یموت و گکلان مکنون خاطر همایون بود از اینجا جعفرقلیخان سهام الدوله ایلخانی را با جمعی قشون ظفر نمون و سواره خراسانی وغیره را مامور باینخدمت فرمودند روز هشتم موکب فیروز از بجنورد تشریف فرمای فیروزه گردیدند و نهم از فیروزه بچهار بید نزول اجلال فرمودند روز دهم چهارده سنخاص مضرب خیام معلی گردید در غالب نقاط خط این راه مقرر شد قراولخانه ها و قلعه جاتها بنا نمایند روز یازدهم موکب معلی بجاجرم تشریف فرما گردید روز سیزدهم از جاجرم بقریه ابور و دره تشریف فرما شدند روز چهاردهم نردین بمقدم مبارک مزین آمد روز شانزدهم موکب همایون از نردین بکلاشیدار نهضت فرما گردید در این منزل اعتضاد الدوله را بحکومت استراباد سرافراز فرمودند و نواب جهانسوز میرزا بنیابت جناب ایشان معجلا باستراباد رفت و خود اعتضاد الدوله از منزل خوش ییلاق از حضور همایون مرخص و روانه مقر حکومت شد روز هفدهم بیلاور منزلگاه اردوی همایون گردید روز هیجدهم از بیلاور بخوش ییلاق انتهاض فرمودند امیر حسینخان شجاع الدوله بخلعت همایون سرافراز و اجازه انصراف بمحل حکمرانی خود یافت روز نوزدهم از خوش ییلاق بکلاته خیج بسطام تشریف فرما شدند حیدرقلیخان سهام الدوله بخلعت همایون و نشان امیر تومانی سرافراز و رخصت معاودت بجنورد یافت روز بیستم از کلاته خیج بکرهرود و قلعه نو نهضت فرما شدند روز بیست و سیم بقریه ابر سیج

شب هشتم وقت سحر از صحرای شوغان
بیست عشق رو روانه گردیده بعد از نماز
صبح روز چهاردهم به الاجقهای ترکمه
تاختند زیاده از هزار اسیر و دویست
هزار سر والحمد یاد بدست آوردند

بسطام نزول اجلال فرمودند روز بیست و چهارم بباش (الباش) تشریف فرما شدند روز بیست و پنجم شاهکوه مضرب خیام معلی گردید
روز بیست و ششم چهارده کلاته منزلگاه اردوی همایون بود روز بیست و هشتم بچشمه علی دامغان تشریف فرما گردیدند
غره جمادی الاولی تشریف فرمای سرخه ده شدند روز دوم فولاد محله مضرب خیام مبارک گردید روز سیم بمنزل
خوند توجه فرمودند روز چهارم تشریف فرمای ایوان شدند در اینمنزل از دارالخلافه خبر رسید که ناخوشی وبا
در ماه ربیع الاول اشتداد داشته و تا روزی هفتصد نفر تلف میکرده است و اینک تخفیف کلی یافته و اسمعیل خان
خزانه دار نظام باین مرض درگذشته بالجمله روز پنجم بچشمه کوه سفید نزول اجلال فرمودند روز ششم اردوی همایون
بسمت شورستان و جلگه فیروزکوه انتقال فرمود روز هفتم شکرباشی مقر اردوی معلی گردید یحیی خان ژنرال
اجودان مخصوص حضور همایون بکمربند نشان و حمایل درجه امیر تومانی سرافراز شد آقا علی آشتیانی پیشخدمت
خاصه بلقب امین حضور ملقب گردید علیرضا خان قاجار پیشخدمت خاصه که حامل خشتهای طلای گنبد مطهر امامین
همامین عسکریین علیهما السلام بود بعد از انجام این مأموریت بزودی مراجعت کرده در اینمحل بخاکپای مبارک مشرف
شد روز یازدهم بقریه لزهر تشریف فرما گردیدند و دوازدهم بمنزل ارجمند و در اینمنزل میرزا علیخان پیشخدمت
و منشی حضور همایون مخلع گردیده مرخص و روانه دارالخلافه شد روز سیزدهم بزرین تشریف فرما شدند روز
چهاردهم بسرچشمه انگاو و روز پانزدهم بخاک لاریجان توجه فرمودند روز شانزدهم چشمه لای دماوند بقدوم
مبارک مزین گردید روز نوزدهم بسمت مبارک آباد دماوند حرکت فرمودند از قرار عریضه محمد اسمعیل خان وکیل
الملک حکمران کرمان و میرعلیخان حشمة الملک امیر قاین و سیستان قلعه نادعلی را که آنسمت رود هیرمند و از توابع سیستان است
قشون ظفر نمون بعد از محاصره و محاربه از ابراهیم خان بلوچ انتزاع نموده و متصرف شده اند روز بیستم برستاق محال
لواسان نزول اجلال فرمودند روز بیست و یکم لتیان و کنار رود جاجرود محل اردوی همایون بود یکشنبه بیست و دوم
جمادی الاولی بالیمن والسعاده وارد سلطنت آباد گردیدند روز دهم جمادی الثانیه تشریف فرمای قصر دوشان تپه
گردیدند روز یازدهم شهر دارالخلافه بمقدم بهجت شیم مقدس مزین گردید جناب آقای مستوفی الممالک در اینروز بمرتبه
وزرا سرافراز و باعطای قلمدان مرصع و جبه شمسه الماس که از علامات این منصب جلیل است مفتخر گردیدند حضرت شاهنشاهزاده
اعظم ولیعهد دولت علیه ایران فرمانفرمای آذربایجان و حضرت شاهنشاهزاده اعظم یمین الدوله حکمران اصفهان را
بدربار همایون احضار فرمودند هم در اینسال سیلی عظیم در دارالخلافه آمده بعضی ابنیه و بیوتات را خراب کرد میرزا قهرمان
مشیر لشکر بلقب امین لشکری یافت و بنشان سرتیپی از درجه اول با حمایل آن سرافراز آمد میرزا علی اکبر خان آجودانباشی
توپخانه بنشان و حمایل سرهنگی مفتخر گردید میرزا حبیب الله لشکرنویس ملقب بمشیر لشکر شد چون در عراق عرب ناخوشی
طاعون بروز کرده حکم شد در سرحدات قرانتین بگذارند وزارت خراسان را بعهده جناب ظهیر الدوله واگذار و وکالت
آن ایالت را بپاشا خان امین الملک مفوض فرمودند حاجی میرزا محمد خان بلقب مجد الملکی ملقب و بمنصب جلیل متولی باشیگری
حضرت امام ثامن علیه السلام سرافراز گردید حکومت بلوک خوار بجناب دبیر الملک و مهام فیروزکوه و دماوند بمیرزا هاشم خان
امین خلوت واگذار شد پیشکاری حضرت شاهنشاهزاده اعظم ولیعهد دولت علیه و کارگذاری مملکت آذربایجان را بنواب
والا نصرة الدوله واگذار فرمودند امین لشکر بجهة رتق و فتق امور مالیاتی و رسیدگی بکارها و نظام مأمور آذربایجان
گردید در ماه جمادی الاخره در تبریز هفت شبانه روز بجشن عروسی حضرت شاهنشاهزاده اجل اعظم ولیعهد دولت
علیه با صبیه مرحوم میرزا تقیخان اتابک اعظم از نواب علیه عالیه عزة الدوله اشتغال نمودند میرزا عیسی وزیر دارالخلافه

[illegible]

بیکقطعه نشان تمثال همایون سرافراز آمد محاسبهٔ دار الخلافهٔ طهران و توابع را بعهدهٔ میرزا عباسخان معاون الملک
واگذار فرمودند مدرسهٔ دار الفنون ترقی کلی کرده و کتب مفیدهٔ علمیه نیز از معلمین و متعلمین ترجمه و تالیف کرده اند
محمد اسمعیل خان وکیل الملک حکمران کرمان و بلوچستان داعی حق را لبیک اجابت گفت و حسینخان شهاب الملک امیر تومان
بحکومت کرمان منصوب گردید جناب مسیو دوبون برو ژیر مختار و ایلچی مخصوص دولت فرانسه مامور باقامت دربار دولت
علیه بانشریفات وارد دار الخلافه شد نصر الله خان سرتیپ توپخانه با عطای یکقطعه نشان سرتیپی و حمایل آن سرافراز آمد
نواب حشمت الدوله را بحکومت عربستان و بروجرد منصوب فرمودند میرزا سید حسین سررشته دار چاپارخانه به پیشکاری کرمان
برقرار گردید چون جمعیت و آبادی دار الخلافه نهایت رو بازدیاد نهاده و شهر گنجایش جمعیت حالیه را ندارد مقرر فرمودند
که عرض شهر طهران را از سمت دروازهٔ شمیران یکهزار و هشتصد ذرع و از سه جانب دیگر از هر طرف یکهزار ذرع وسعت
دهند و کفالت این امر را بعهدهٔ جناب آقای مستوفی الممالک و میرزا عیسی وزیر دار الخلافه موکول فرمودند و روز یکشنبه
یازدهم شعبان شروع باین امر نموده مخصوصاً تیمناً سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی کلنگی بر زمین زده حضرت اقدس شاهنشاهزاده — از نمرهٔ بیست مبارکه
والا نایب السلطنه نیز اقتدا بوجود مسعود همایون کرده کلنگی بر زمین زدند از آن پس مامورین بحفر خندق مشغول گردیدند
دور این شهر تخمیناً سه فرسنگ و نیم خواهد شد و دوازده دروازه مقرر است که ساخته شود و از این وقت شهر طهران
موسوم بدار الخلافهٔ ناصری گردید نواب والا معتمد الدوله فرهاد میرزا بنشان امیر تومانی سرافراز شدند آقاخان محلاتی
که چندین سال است که در صفحات هندوستان متوقف میباشد سه زنجیر فیل و یک کرگدن بدربار معدلت مدار فرستاد
هم در این سال بنای عمارت مبارکهٔ شمس العماره که به پنج مرتبه ساخته شده و نظیر بناهای عالی فرنگستان است صورت
اتمام یافته دروازهٔ مبارکهٔ ناصریه در انتهای خیابان ناصریه نیز باتمام پیوست میرزا محمد صادق قایم مقام
به پیشکاری حضرت اقدس شاهنشاهزاده والا ولیعهد دولت علیه و وزارت آذربایجان برقرار گردید که حین حرکت
حضرت شاهنشاهزاده اعظم والا در ملازمت ایشان روانه آذربایجان گردد و نواب نصرة الدوله را بحکمرانی
قزوین منصوب فرمودند در این اوان ایام هفته باشارهٔ علیه بنحو مخصوصی بمشاغل دولتی تقسیم شد محمود آقای سرهنگ
و معلم پیاده نظام بسرهنگی فوج خلج قم سرافراز گردید میرزا اسحق خان بمنصب کارپردازی اول ارزنة الروم مامور شد روز
چهارم شوال موکب همایون بعزیمت شکارگاه مسیله و زیارت بقعهٔ منورهٔ حضرت معصومه فرمود حضرت شاهنشاهزاده
اجل اعظم ولیعهد دولت علیه ایران را اجازهٔ انصراف بمحل حکمرانی خود داده روانه آذربایجان شدند و قایم مقام که برای
پیشکاری آذربایجان برقرار شده بود در خدمت حضرت معظم روانه گردید نواب والا معتمد الدوله را بحکمرانی کرمانشاهان
منصوب و مامور فرمودند در بعضی این اوقات ترکمانیه که در اراضی آن سرحد یاغی بوده اعتضاد الدوله حکمران — روز بیست و دویم شوال موکب همایون از شکارگاه مسیله و قم معاودت فرمود
و سردار استرآباد بعد از نظم آنحدود و سرکشی بمازندران بخاکپای مبارک مشرف شده بنشان امیر تومانی سرافراز گردید
میرزا فتحعلیخان صاحب دیوان بوزارت حضرت اقدس شاهنشاهزاده والا امین الدوله برقرار و در خدمت حضرت
معظم روانه اصفهان شد میرزا کاظمخان للرباشی مرحوم جلال الدوله بنشان و حمایل از درجه اول سرهنگی نایل آمد
حاجی محمدخان پسر مرحوم وکیل الملک بمنصب پیشخدمتی مفتخر شد میرزا سید کاظم سررشته دار صندوقخانه بمنصب استیفا
سرافراز گشت علیقلی میرزا صارم الدوله ولد نواب عماد الدوله بنشان و حمایل امیر تومانی سرافراز گردید علیقلیخان
نایب اجودانباشی بیکقطعه نشان از درجهٔ دویم سرتیپی و حمایل آن مباهی آمد میرزا محمدحسین ولد میرزا محمدباقر لشکر
نویس بمنصب لشکرنویسی مفتخر گردید روز پنجشنبه ششم ذیقعدة الحرام چهار ساعت و دو دقیقه از طلوع آفتاب گذشته

مهر جهانتاب از برج حوت بحمل تحویل نمود و سلام خاص در تالار جدید شمس العماره در پیشگاه حضور همایون منعقد گردید
یحیی خان آجودان مخصوص بلقب نبیل معتمد الملکی ملقب گردید میرزا زمان بمنصب کلانتری شهر دار الخلافه سرافراز شد
عبد الرزاقخان سرهنگ فوج خرقانی بمنصب سرتیپی فوج مزبور نایل آمد چون میرزا ابراهیمخان مظفر الدوله مرحوم
شد منصب سرتیپی فوج خمسه را برادر آقاخان پسر آن مرحوم مرحمت فرمودند اسبان اصطبل توپخانه مبارکه را بمراقبت محمد مهدی
خان افشار واگذار نمودند روز آخر ماه ذیحجه یکثوب جبه ترمه کشمیری شمسه دار مکلل بیاقوت و الماس که مخصوص وزرای
اعظم و مخصوص اولاد است بجناب اجل آقای مستوفی الممالک مرحمت فرمودند پاشاخان شجاع الملک ملقب بمظفر الدوله گردید
دو فوج خمسه و پانصد سوار انجارا ابو الجمع حاجی مهر علیخان شجاع الملک فرمودند استرآباد و مازندران و شاهرود
و بسطام که حکمرانی اعتضاد الدوله مقرر است از قرار ذیل نواب برای آن ولایات تعیین شد
(حکومت مازندران باعتماد الدوله پسر اعتضاد الدوله به پیشکاری حاجی میرزا یحیی خان سرتیپ نوری) (نیابت حکومت استرآباد
بمحمد علیخان بیگلربیگی واگذار شد) (نیابت حکومت شاهرود و بسطام بمحمد حسینخان پسر شیرخان واگذار آمد) (افغانستان)
منازعه بخارا با امیر شیر علیخان و فتح بلخ بدست امیر شیر علیخان (چین) فرستادن یکدسته از رجال دولت بسمت
سفارت باغلب بلاد فرنگ بریاست شخصی بنکی دبنامی (ژاپن) جنگ و شورش در داخله خیال عامه اینست که میکادو که
پادشاه حقیقی است بدون مداخله طیقون مستقلاً بامور سلطنت بپردازد و دسته شدند بموسهال (یعنی بجای مملکت)
غلبه هواخواهان میکادو بر هواخواهان طیقون (اروپا) (اسپانیول) شورش در اینملک گرنادا نارضائی مردم
از دولت اخراج ایزابل ملکه همشیره خود و شوهر او را باتهام سازش با اعیان ضلتیه سردارهای قشون با ملکه بر ضد
کینه و عداوت تمام اهالی اسپانیا بدون استثنا با ملکه ایجاد و تشکیل دولت موقتی بریاست سرانها اهالی اسپانیا
در صدد این هستند که وضع دولت را جمهوری قرار بدهند عزوج دنکارلس که یکی از اقوام ملکه سابق بود جمعی از اهالی
اسپانیا در خیال این هستند که پادشاهی از خارج برای خود انتخاب بکنند و وضع جمهوری را قبول ندارند شناختن دولت
اتازونی جمهوری اسپانیول را و بعد از آن شناختن تمام دول متدرجاً این جمهوری را بروز شورش در جزیره کوبا متعلق
باسپانیا که همین شورش مقدمه یک جنگ طولانی خونریزی شد که در آتیه ذکر خواهیم نمود فرار ملکه ایزابل بمملکت فرانسه
و پناه یافتن در آن مملکت (اطریش) عدد قشون تمام ممالک اطریش در حالت صلح ششصد هزار مقرر شد (المان)
کوشش پادشاه پروس و مسیو بیزمارک صدر اعظم در اتحاد و اتفاق دول المان آنها پادشاه پروس را بریاست خود — وشناختن
افراشتن مجسمه لوتر رئیس مذهب پروتستانی المان در ورمس با حضور پادشاه پروس هیئت جنگ پروس و فرانسه
با کمال دقت و سختی در المان دیده شده است خیال میانجیگری دولت انگلیس را مابین پروس و فرانسه که بلکه احترازی از
این جنگ قریب الظهور بشود اغلب روزنامه‌های المان نمیپسندند (انگلیس) صدارت دیسرائیلی شورش و انقلاب
سخت در ارلند استعفای دیسرائیلی بعد از چند ماه و صدارت گلادستن رئیس طایفه ویگ فتوحات قشون انگلیس
بسرداری نپیه در حبشه با وجود مخاطرات و موانع طبیعی در این نقطه جنگ سخت در حوالی ماگدالا پای تخت حبشه
بیشتر عساکر انگلیس از بدی هوا و امراض مختلفه تلف شدند تا بالاخره در اواسط حمل یورش بپای تخت برده آنجارا
تصرف نمودند تادروس پادشاه در این جنگ خود را بدست خود کشت نپیه سردار بعد از این فتح بلقب لردی نامیده شد
اختراع تفنگ مارتینی هنری در مملکت انگلیس و قبول کردن دولت این اسلحه را و تقسیم نمودن آنرا بقشون خود (ایطالیا)
ازدواج ولیعهد با صبیه دوک دژن موسوم بمارگریت طغیان کوه آتشفشان اتنا (پرتوغال) ضلتیه مردم با یکدیگر — درمسئله

در مسئلهٔ اتحاد اسپانیول و پرتوغال و تفویض سلطنت اسپانیا بپادشاه پرتوغال (دانمارک) ازدواج ولیعهد انگلند و لنـ
با دختر پادشاه سوئد (روس) دوچار شدن ایالات شمال بقحط و غلا و بروز ناخوشی طیفوس در فنلاند تقسیم تفنگ
تهپر بعساکر روس فتوحات در ترکستان بخارا فتح سمرقند بدست ژنرال کفمان (سویس) طغیان رودخانه‌ها که
از کوه آلپ جریان دارد طغیان آب دریاچه‌ها خرابی اغلب آبادیها اتلاف مال و آدم زیاد و رسیدن خسارت بمردم
زیاده از سه کرور (عثمانی) قتل والی سربستان در گردشگاه خارج شهر بلگراد و نصب میلان برادرزادهٔ او بسن چهارده
سالگی شورش سخت در جزیرهٔ قندیه حرکت یونانیها بر ضد عثمانی دخالت دول فرنگ در کار یونان و عثمانی صدور فرمان
اعلیحضرت سلطان که ولایتعهد حق پسر خود باشد برخلاف قانونیکه رسم بوده که ارشد اولاد بخلافت میرسیده است
(فرانسه) شورش آشکار بعضی از شهرها بدولت بعد از پانزده سال امنیت و آسودگی اغوا نمودن شورشیان مردم را بواسطه
روزنامه و غیره نطقهای سخت و خطبه‌های خشن در مجلس وکلا از جانب مسیو طیر و ژول فاور تقسیم تفنگ موسوم بشاسپو
بقشون فرانسه با کمال عجله فوت والفسکی از معارف در گذشتن رسینی معلم معروف علم موسیقی فوت بارون میر رچیلد در
سن هفتاد و شش سالگی در عالم که اول شخص با مکنت مردم دنیا بود **افریقا** (مراکش) اقتدار سلطان سید مولی
محمد با عسکری بعضی ایلات عرب خاصه طایفهٔ ظهیر و غارت اطراف شهرها بروز وبای سخت در میان اینطایفه و پراکنده کردن
اینطایفه را **امریکا** (مکزیک) شناختن دولت ایتالیا دولت جمهوری مکزیک را بریاست ژوارز (سکنه پنمای جنوبی)
بروز وبای سخت در این مملکت منازعه سخت بدیلا با داکای بروتیمای نزد در مملکت پرو زلزلهٔ سخت در پایتخت لیما
در اغلب نقاط روی زمین و بواسطهٔ این زلزله در حوالی کالیفرنی و سیل طغیان آب دریا سبب خرابی اغلب آبادیها و
هلاکت مردم گردید

سنه ۱۲۸۵ هجری   سنه ۱۸۶۸ مسیحی

آسیا (ایران) از ابتدای اینسال ذات بیهمال همایون بتعمیم مکارم و مراحم شاهانه درباره خاص و عام متوجه
بود علیرضاخان پیشخدمت خاصه حضور همایون ملقب بعضدالملک گردید نواب مؤیدالدوله به پیشکاری و کارگذاری
مملکت آذربایجان مأمور و باعطای جبه شمسه دار مفتخر گردیدند سردار کل عزیزخان وزیر جنگ باعطای یکرشته حمایل
آبی از درجهٔ اول امیرتومانی سرافراز آمد نواب شاهزاده محمدامین میرزا برحسب استدعای نواب اعتضادالسلطنه وزیر علوم
بنیابت ملایر و تویسرکان مفتخر گردید جناب رضابیک وزیرمختار دولت عثمانی مأمور باقامت دربار دولت علیه وارد
دارالخلافه شد نواب حسام السلطنه فرمانفرمای مملکت فارس بیک راس اسب خاصه با یراق مرصع جواهرنشان مفتخر گردید
کاظمخان سرتیپ بمنصب فراشباشیگری سرافراز آمد مرتضی قلیخان قوللر آقاسی باشی بمنصب کشیکچی باشیگری مباهی شد
جعفرقلیخان پسر مرحوم محمدولیخان قاجار از اجزای توپخانه گردید و بخلعت همایون سرافراز گشت حاجی بهاءالدوله
به بیگلربیگی گری تبریز برقرار گردید موکب همایون از مقر خلافت عزیمت ییلاق لار و غیره فرمود مسیو گاستگر مهندس
نمساوی بپاداش ساختن راه هزارچم مازندران بلقب خانی سرافراز آمد هم در این قرب شاهنشاهزاده معظم
جلال الدوله حکمران خراسان داعی حق را لبیک اجابت گفتند در یازدهم جمادی الاولی موکب معلی از ییلاقات بمقر سلطنت
آباد مراجعت فرمود شب یازدهم جمادی الاولی تقریباً به پنج ساعت از شب گذشته زلزله شدیدی در طهران و کاشان
و قم و فیروزکوه شد حاجی علیخان اعتمادالسلطنه والد مؤلف در سلخ ربیع الاول داعی حق را لبیک اجابت گفت و شرح
احوال آن مرحوم مفصلاً در جلد دویم مرآت البلدان موسوم بمآثر السلطان نگارش یافته است مجدالدوله امیر

اصلانخان

اصلانخان بحکومت گیلان منصوب آمد ناصرقلیخان نایب الحکومه خمسه بلقب عمید الملکی سرافراز شد نظر بمراتب
ترضیات و مراسم قابلیت حضرت شاهنشاهزاده امجد افخم والا نایب السلطنه ایشانرا بمنصب جلیل و لقب نبیل سرداری کل
قشون سرافراز و باعطای یکثوب سرداری دو مروارید دوز شمسه مرصع و یکقبضه شمشیر مکلل بالماس و قبای [illegible] عباسی
فرمودند و نواب حشمة الدوله بنیابت اول وزارت جنگ و مراقبت در انتساق و انتظام امور لشکر مامور و بیکثوب
سرداری شمسه مرصع مفتخر گردیدند امارت و ریاست توپخانه مبارکه را مزید بر سایر مشاغل انوشیروانخان اعتضاد
الدوله فرموده بیکثوب سرداری شمسه مرصع مخصوص الیه قرین افتخار آمد و خانلرخان برادر اعتضاد الدوله بمنصب
نظارت و خوانسالاری درجه اختصاص یافت جناب میرزا محمد حسین دبیر الملک بمنصب متولیباشیگری حضرت رضوی
سلام الله علیه سرافراز آمد علیرضا خان عضد الملک بمنصب خدمت مهر مهر آثار درجه افتخار یافت عبد العلیخان ادیب — خلعت همایون
الملک پیشخدمت خاصه بمنصب جلیل وزارت وظایف و اوقاف مفتخر گردید حاجب الدوله حاجی علیخان بحکومت خرقانین و خلعت
همایون سرافراز شد مسجد ملک در بلده کرمان که از بناهای قاورد بن جغربیک بن میکائیل بن سلجوق است حسب الامر
باهتمام شهاب الملک حکمران کرمان تعمیر شد مدرسه [illegible] کرمان بجهة الامنه جناب حاجی سید جواد مجتهد
کرمانی از نو ساخته اند میرزا سید حسین وزیر کرمان بمنصب استیفا و خلعت همایون نایل شدند و در هشتم رجب شاگردان
مدرسه مبارکه دار الفنون را امتحان فرموده مراتب ترضیات شهریاری شمول و انعامات شاهانه سرافراز گردیدند [illegible]
قرار و ترتیب جدیدی در علم قشون ظهور نمود دادند که مبتنی بر انتظامات کلیه و منتج ترقیات آتیه بود میرزا کاظمخان [illegible]
مرحوم جلال الدوله بمنصب استیفا از درجه چهارم نایل گردید آقا سید ابوطالب روضه خوان ملقب بصدر الذاکرین شد
میرزا محمد رئیس دفتر وزارت خارجه بنشان شیر و خورشید از درجه سرتیپی و حمایل آن مفتخر آمد حاجی رجبعلیخان
سرتیپ توپخانه بریاست کل توپخانه آذربایجان برقرار گردید جناب میرزا حسینخان مشیر الدوله را از درجه وزیر مختاری
وایلچی کبیری مخصوص ارتقا و بتفویض رتبه سفارت کبری اعلا داده بیکثوب جبه ترمه شمسه مرصع مخلع فرمودند
جناب علاء الدوله رئیس قورخانه را باعطای نشان تمثال بی مثال همایون سرافراز داشتند حیدرقلیخان ایلخانی
سهام الدوله بر سر ترکمانان طاغیه حدود خراسان ایلغار و بعد از جنگی سخت آنها را تدمیر و تنبیه کامل نمود
نواب مؤید الدوله پیشکار آذربایجان بیکقطعه نشان امیر تومانی قرین افتخار آمدند غلامحسینخان پسر مرحوم
علیقلیخان نایب آجودانباشی بهمین منصب سرافراز گردید باین اوقات اعتضاد الدوله داعی حق را لبیک اجابت گفته حکومت
استرآباد را بعهده اعتماد الدوله پسر آن مرحوم واگذار فرمودند و محمد علیخان بیگلربیگی بنیابت حکومت استرآباد
برقرار گردید و عین الملوک پسر دیگر مرحوم اعتضاد الدوله بمنصب نظارت و خوانسالاری و لقب عین الملکی سرافراز شد
و حاجی میرزا یحیی خان کما فی السابق بنیابت حکومت مازندران مباهی میباشد نواب بهرام میرزا معز الدوله بحکمرانی
ولایت عربستان و بروجرد و اعطای یکثوب جبه شمسه مرصع سربلند آمدند و میرزا زکی مستوفی بوزارت نواب معزی
الیه و خلعت همایون نایل آمد نواب فرهاد میرزا معتمد الدوله حکمران کردستان بیکقطعه نشان امیر تومانی
مکلل بالماس قرین اختصاص گردیدند علیخان پیشخدمت خاصه بمنصب تحویلداری وجوه نظام سرافراز آمد محمد
مهدیخان که بمنصب کشیکچی باشیگری مسبوق بود مجدداً باین منصب مفتخر گشت باین اوقات مجدداً شجاع الدوله امیر
حسینخان شادلو و حیدرقلیخان سهام الدوله ایلخانی زعفرانلو در صحرای اتک آخال بر طایفه تکه مرو و آخال
نشین تاختند یکلی اینطایفه طاغیه را مقهور و منکوب و نابود نمودند احتشام الملک پسر مرحوم احتشام الدوله بحکومت

کاشان

کاشان سرافراز آمد سلیمانخان سرتیپ اول افشار بحکومت و سرداری استراباد سرافراز گردید میرزا علی اکبرخان
از اداره وزیر علوم بنیابت حکومت ملایر و تویسرکان و لقب معزز بالخاقانی مفتخر گشت نواب حشمة الدوله نایب وزیر
جنگ بلقب جلیل امیر جنگی درجه اختصاص یافتند میرزا عبدالرحیمخان وزیر مختار دولت علیه که مقیم پطرزبورغ
بود ملقب بساعد الملک شد حاجی میرزا علی مشکوة الملک بحکومت همدان منصوب گردید محمد تقیخان افشار
پیشخدمت خاصه و امیراخور اصطبل توپخانه بیکقطعه نشان دویم سرتیپی و حمایل آن سرافراز آمد روز شنبه
ششم ذیحجه ده ساعت و سی دقیقه و چهل و سه ثانیه از روز گذشته نیر اعظم از برج حوت بحمل تحویل نمود و سلام
خاص در تالار شمس العماره انعقاد یافت حضرت شاهنشاهزاده افخم اکرم والا نایب السلطنه را بمنصب جلیل و لقب
نبیل امیرکبیری درجه امتیاز عنایت و باعطای یکثوب سرداری شمسه مرصع و یکقطعه کلکمر مکلل بالماس مباهی فرمودند
نواب حشمة الدوله بحکمرانی مملکت خراسان منصوب و عزیزخان سردار کل کما فی السابق بسرداری کل نظام و غیر نظام
سرافراز گردید محمد آقای سرهنگ نایب اول سفارت دولت علیه در دربار دولت انگلیس باعطای منصب سرتیپی
از درجه سیم و حمایل مخصوص آن سرافراز آمده که بمحل ماموریت خود روانه گردید میرزا محمد علیخان اصفهانی شمس
الشعرا مرحوم شد (ژاپن) اجرای قواعد و قوانین جدیده اجازه دخول فرنگیها در اغلب بنادر قرار دادن شهر
یدو را بسمت پای تخت دولت سفرای فرانسه و انگلیس و ایطالیا و هلاند و پروس و اتازونی در این پای تخت من بعد
سفارتخانه خواهند داشت ایجاد مجلس شورای دولتی که اجزای آن تمام دیموسها (یعنی نجبا و اعیان) هستند
اروپا (اسپانیول) بنیابت سلطنت و اختیار کل دولت را رعیت بمارشال سرانو گذاشتند شورش اهالی
کوبا با کمال شدت و وبا و تب زرد نیز در این جزیره شایع است (انگلیس) مخارج جنگ حبشه که بمجلس وکلای ملت عرضه
داشتند هیجده کرور لیره که هر لیره عبارت از بیست و پنج فرانک است رسیده است فوت لرد دربی رئیس طایفه
توری بها در سن هفتاد سالگی (ایطالیا) تولد پسر ولیعهد در شهر ناپل و ملقب نمودن او را بشاهزاده
ناپل (بلژیک) فوت ولیعهد پسر واحد پادشاه در سن نه سالگی (روس) شورش طایفه قالموقی و قرقیز و
تصرف نمودن آنها شهر اولارکس را در حوالی دشت و بعد از تغافل نمودن قشون روس آنها را پناه بردن آنها بخان
خوقند فرستادن امیر بخارا سفیر و پسر خود را بطور گروی بپطرزبورغ و کاستن شوکت امیر بخارا بواسطه تصرف
روس تقریباً نصف مملکت او را و هر سال نیز مجبور است بجهت مخارج جنگ مبلغی بکارگذاران روس تسلیم
نماید و پسر بزرگش نیز یاغی است بخشش اعلیحضرت امپراطور تقصیرات شمیسل را امریکا (اتازونی)
انتخاب رعیت ژنرال گرانت را بریاست

سنه ۱۲۸۶ هجری — سنه ۱۸۶۹ مسیحی

آسیا (ایران) در این سال امور ملک و دولت از پرتو نظر عنایت سرکار اعلیحضرت اقدس همایون شهریاری
رونق کمال است حکومت اصفهان را مستقلاً بمیرزا فتحعلیخان صاحب دیوان مفوض و معزی الیه را بخطاب جنابی
و اعطای یکثوب جبه ترمه بولک دوز شمسه مرصع سرافراز فرمودند نظر بخدمات مرحوم محمد اسمعیل خان وکیل
الملک مرتضی قلیخان پسر آن مرحوم را بلقب وکیل الملکی و حکمرانی کرمان و بلوچستان مفتخر داشتند مستشار
الملک خراسانی بنشان و حمایل از درجه اول سرتیپی و پیشکاری کل خراسان سرافراز آمد میرزا خانلر منشی
وزارت امور خارجه بکارگذاری مهام خارجه گیلان و نشان و حمایل از درجه سرهنگی سرافراز شد شاهزاده

سام میرزا که از ملاحت سرایان این دولتست بلقب شمس الشعرائی سرافراز گردید نواب والا نصرة الدوله که با نظام
امور قورخانه برقرار بودند بمنصب نیابت وزارت جنگ هم افراز شدند لقب و منصب معیر الممالکی را برحسب استدعای امیر
دوستعلیخان معیر الممالک بامیر دوستمحمدخان ولد مشار الیه مرحمت فرمودند علیخان پیشخدمت خاصه ملقب بامین
حضرت گردید آقاخان سرتیپ اول ملقب بصمصام الدوله فرمودند حبیب الله خان سرتیپ اول تنکابنی بلقب ساعد الدوله
سرافراز آمد علیقلیخان سرتیپ و رئیس تلگرافخانه های ممالک محروسه ملقب بمخبر الدوله گردید میرزا حسینخان پسر
مرحوم میرزا مسعود وزیر دول خارجه سابق بنیابت امور خارجه یافت موکب همایون تشریف فرمای شهرستانک و قریه
دونا و کچیره میباشد میرزا ذکیخان سرهنگ قورخانه مبارکه بمنصب سرتیپی سرافراز شد علیخان سرتیپ کارپرداز اول
دولت علیه مقیم تفلیس بنشان و حمایل سرتیپی سرافراز گردید میرزا مهدیخان منشی وزارت امور خارجه باعطای
یکقطعه نشان شیر و خورشید از درجه سرتیپی با حمایل آن مباهی آمد موکب همایون روز هشتم جمادی الثانیه
از شهرستانک بسلطنت آباد نزول اجلال فرمود جناب مسیو بکر که سمت وزیر مختاری از جانب دولت روس
مأمور اقامت دربار دولت علیه بود وارد دار الخلافه و شرفیاب حضور مبارک شد آقا ابراهیم آبدارباشی خاصه
بلقب امین السلطانی و خلعت همایون سرافراز گردید علینقی خان پسر کاظمخان فراشباشی بسرهنگی فوج قهرمانیه
شقاقی برقرار آمد همدرا امسال فتح اورامان کردستان باهتمام نواب والا معتمد الدوله حکمران کردستان اتفاق
افتاد و طوایف طاغیه اکراد که روزگاری در سرحدهای بین دولتین علیتین ایران و عثمانی بقطع طرق و بی اطاعتی و نهب اموال
و لا تکردستان عادت کرده بودند بتنبیهی سزاوار مخذول و مندفع الشر شدند مرتضی قلیخان وکیل الملک
حکمران کرمان و بلوچستان باعطای یکقطعه نشان شیر و خورشید با حمایل از درجه اول سرتیپی قرین مفاخرت آمد
جناب جلالت مآب میرزا حسینخان مشیر الدوله سفیر کبیر دولت علیه ایران مقیم اسلامبول باعطای یکرشته حمایل آبی و یکرشته
بند کار عذر مرصع قرین اختصاص آمد نواب ضیاء الدوله باعطای یکقطعه نشان تمثال همایون سرافراز گردید حاجی
میرزا یحیی خان نایب الحکومه مازندران بیکقطعه نشان شیر و خورشید و یکرشته حمایل از درجه سرتیپی مفتخر
شد روز بیست و سیم رجب متعلمین مدرسه مبارکه دار الفنون را امتحان فرموده مراتب ترقیات آنها مشهود
افتاد نواب اعتضاد السلطنه وزیر علوم را بیکقطعه سرداری شمسه مرصع سرافراز فرمودند چون محمد ابراهیمخان
معمارباشی عمارتی جدید بحسب الامر در جاجرود بنا نموده که پسند خاطر اقدس ملوکانه افتاد مشار الیه باعطای یک
قطعه کلکر و نشان و حمایل از درجه سرتیپی سرافراز شد نصر الله خان سرتیپ فوج فراهانی بلقب نصیر الملکی مفتخر
گردید میرزا محمد علی مستوفی ولد مرحوم میرزا محمد حسین عضد الملک ملقب بصدر دیوانخانه شد حاجی بشیرخان که
مستشار لشکر حاکم ترشیز و تربت برحسب استدعای نواب حشمة الدوله حکمران خراسان بلقب مستشار الدوله
مباهی آمد حاجی محسنخان شارژدافر دولت علیه ایران مقیم لندن باعطای منصب وزیر مختاری دربار دولت
انگلیس برقرار گردید محمد آقای سرتیپ نایب اول سفارت دولت علیه مقیم لندن بود و بدار الخلافه باهره
احضار شده بمنصب مستشاری سفارت و خلعت همایون سرافراز و روانه محل مأموریت خود گردید نواب مزبوره
عماد الدوله حکمران کرمانشاهان و لرستان و نهاوند را احضار بدار الخلافه نمودند و در روز عید فطر نواب
معظم الیه را بنشان از درجه امیر نویانی سرافراز نمودند کاظمخان فراشباشی ملقب بحاجب الدوله گردید حاجی
میرزا علی مشکوة الملک بمنصب وکیل الرعایائی کل ممالک محروسه برقرار گشت دکتر طولوزان حکیمباشی مخصوص

حضور همایون بیک قطعه نشان تمثال بی مثال مبارک قرین افتخار گردید امین حضور پیشخدمت خاصه را مأمور تنظیمات
و انتظامات شهر دار الخلافه و حوالی فرمودند نواب حشمة الدوله حکمران خراسان در تدبیر طوایف ترکمه
اهتمامات نموده و فتح قلعه طرزن و قلعه موسی بقوشه که از قلاع بزرگ طایفه طاغیه است فتح نموده اند غلام
حسینخان سپهدار بوزارت علیه برقرار و منصوب گردید چون بجهة برخی مواد سرحدیه دایره مابین دولتین
علیتین ایران و عثمانی باید کمیسیونی از طرفین مأمور و وارد سرحد شود میرزا محبعلی ناظم دفترخانه وزارت خارجه
با عطای خلعت همایون سرافراز و بجهة مقصود مزبور مأمور سرحد شد نظر آقا بمنصب شارژدافری و اقامت دربار
دولت فرانسه و خلعت همایون و نشان شیر و خورشید از درجه سیم سرتیپی با حمایل آن سرافراز شد میرزا عبدالله
نایب اول سفارت بلقب خانی و مستشاری سفارت برقرار گردید میرزا احمد خان نایب دویم سفارت بنیابت اول
نایل آمد بعضی بنائیهای تازه در حدود و قلاع سرحدیه استرآباد بامر دولت کردند میرزا زکی پیشکار عربستان
و بروجرد ملقب بضیاء الملک شد نواب شجاع السلطنه فتح الله میرزا ابن خاقان مغفور داعی حق را لبیک اجابت
گفت جناب شیخ عبد الحسین مجتهد تربت در عتبات عالیات بجوار رحمت الهی پیوست موکب همایون روز یکشنبه
بیستم شهر شوال از دار الخلافه بعزم سفر خیر اثر گیلان انتهاض فرمود در عقب موکب مسعود شاهانه
حضرت شاهنشاهزاده امجد اکرم نایب السلطنه امیر کبیر و جناب اجل آقای مستوفی الممالک بمهام ملکی میپرداختند
از وزرای عظام نواب اعتضاد السلطنه وزیر علوم و وزیر امور خارجه و ظهیر الدوله ملتزم رکاب اعلی میباشند
موکب مقدس دو روز در کن و دو روز در عمارت سلطانی کرج اقامت فرمود روز بیست و پنجم شوال بسنقر آباد
مضرب خیام اجلال گردید روز بیست و هفتم بقشلاق و روز بیست و هشتم بعبدل آباد و روز بیست و نهم بساخت
هزار جریب تشریف قدوم ارزانی فرمودند سلخ شوال بقزوین و غره ذیقعده از قزوین بقریه آقابابا و دویم
بقریه بکندی و روز چهارم بده ملاعلی توجه فرمودند روز ششم پل لوشان که اول خاک گیلان است محل اردوی
همایون بود و روز هفتم برستم آباد تشریف فرما شدند پل منجیل بتوسط جناب حاجی ملا رفیع مجتهد در کمال استحکام منجیل و روز نهم
ساخته شده است روز دهم جنگل امامزاده هاشم و کنار رودخانه سفید رود بورود مسعود شاهانه زینت
یافت روز یکشنبه یازدهم شهر دار المرز رشت را بقدوم بهجت لزوم مبارک آراستند و در این روز ژنرال
قولی بکین حاکم بادکوبه و توابع که از جانب اعلیحضرت امپراطور روس با جمعی از حکام و صاحبمنصبان قفقاز
بتهنیت ورود موکب اقدس آمده بود بار حضور مبارک یافت و قونسولهای دول متحابه فرانسه و انگلیس که متوقف
رشت بودند شرفیابی حاصل نمودند و علماء و معارف گیلان و لاهیجان در روز دیگر بحضور مبارک نایل شدند
روز شانزدهم موکب همایون عزیمت انزلی فرمود مجد الدوله از حکمرانی گیلان استعفا نموده زمام حکومت این ایالت
را بکف کفایت جناب مؤتمن الملک وزیر امور خارجه واگذار فرمودند علما و اعیان انزلی و اردبیل و غیره که در
انزلی شرفیاب شده بودند بخلاع همایون سرافراز گردیدند ژنرال قولی بکین بنشان تمثال همایون مکلل بالماس
سرافراز و سایر صاحبمنصبان روسی نیز هر یک بنشان و حمایل از درجه که درخور بود مفتخر گردیده مرخص
شدند سیف الملک حاکم طوالش بنشان شیر و خورشید و خلعت همایون مباهی آمد میرزا علی اکبر خان دریابیگی
بنشان سرهنگی و خلعت همایون نایل گردید لطف الله میرزا سرهنگ توپخانه بنشان و حمایل سرهنگی سرافراز شد
نصر الله خان سرهنگ خارج از فوج بنشان و حمایل سرهنگی و شمشیر کل و نه طلا و حکومت کرکان رود مفتخر

گشت

کشت امان الله خان بحکومت ثلاث و ولایت و غیره و اعطای شمشیر و کمر طلا سربلند شد رحیمخان بحکومت شاندرمین و شمشیر
کمر طلا سرافراز آمد سایر اعیان و بزرگان و صاحب منصبان نظام و غیره نیز بعواطف شاهنشاهی مباهی گردیدند روز
بیست و ششم از راه منکوده که کنار رودخانه مبارک آباد واقع است و براه پیربازار وصل میشود موکب همایون عازم
رشت گردید و روز بیست و هفتم علما و اعیان رشت و غیرهم را بعواطف و خلاع و انعامات ملوکانه قرین اختصاص و
مباهات فرمودند و در سلخ قونسولهای خارجه را بخلاع فاخره و اشیاء نفیسه مفتخر داشتند روز غره شهر ذیحجه بالیمن
والسعاده از شهر دارالمرز انتهاض و عزیمت صوب دارالخلافه فرمودند روز یازدهم مقر سلطنت کبری و دارالخلافه ناصری
بفر قدوم بهجت لزوم شاهنشاهی دام ملکه مزین گردید شب دوشنبه هجدهم نیر اعظم از برج حوت بحمل تحویل نمود
سلام خاص در پیشگاه حضور اقدس انعقاد یافت همدر این سال حضرت اجل اکرم شاهنشاهزاده کامکار
یمین الدوله حکمران فارس بلقب جلیل ظل السلطان ملقب گردیدند میرزا رضا پسر مرحوم میرزا زین العابدین الری
بمنصب مستوفی گری و بصاحبی کشت میرزا شفیع منشی وزارت امور خارجه بلقب خانی سرافراز آمد محمد کاظمخان ولد مرتضی خان
قاجار بسرهنگی فوج قدیم خاصه برقرار گردید محمد صادقخان سرتیپ برادر شهاب الملک که بمکه معظمه مشرف
شده بود در عرض راه برحمت ایزدی پیوست آقا سید محمد باقر قزوینی مجتهد داعی حق را لبیک اجابت گفت امپراطور (اطریش)
مسافرت امپراطور اطریش بسمت مشرق زمین که از راه رسچق و وارنا باسلامبول و از آنجا بیونان و از یونان بیافا
و از آنجا به بیت المقدس و از این شهر بمصر آمده و در افتتاح نهر مجمع البحرین سوئز حضور بهم رسانید بعد مراجعت بفرنک
نمودن انعقاد معاهده تجارتیه با پادشاه سیام و خاقان چین (عثمانی) خشنودی اعلیحضرت سلطان از اینکه دول
فرنگ رفع مخاصمه او را با یونان نمودند فوت فواد پاشا وزیر امور خارجه در نیس از بلاد فرانسه تفویض وزارت
جلیله بحسین عونی پاشا که حاکم جزیره قندی بود بتوسط عالی پاشا صدر اعظم مسافرت والی منتنگرو بعد از اجازه
اعلیحضرت سلطان بتمام فرنگستان و بروسیه مراجعت نمودن بولایت خود با پرنس دالغورکی که یکی از اجودانهای
خاصه امپراطور روس بود مسافرت والی افلاق بغدان نیز بفرنگستان و مزاوجت با پرنسس الیزابت و سوء سلوک خدیو مصر
که مغرور بالطاف اعلیحضرت سلطان شده بود بدون اجازه و اذن باب عالی در قاهره افتتاح مجلس شوری نمود و بدون
رخصت بفرنگستان سفر نموده سلاطین عظیم الشان را دعوت بافتتاح نهر مجمع البحرین سوئز میکند (هشتاد کرور
و دویست هزار و هفتصد و هشتاد تومان و دو قران مخارج این بوغاز شده و طول بوغاز بیست و شش
فرسخ و یکصد ذرع عرض و هشت ذرع عمق دارد) و در اینمورد حلیم پاشا عموی خدیو و مصطفی پاشای برادر که
از خواص اعلیحضرت سلطان هستند سعایت از خدیو میکنند بنابراین صدر اعظم عثمانی بخدیو نامه مینویسد
که اولاً عدد قشون خود را کم کند ثانیاً بر عده سفاین جنگی نیفزاید ثالثاً هر ساله کتابچه خرج و دخل خود را بباب عالی
اسلامبول انفاذ دارد رابعاً بدون اجازت اعلیحضرت سلطان قرارداد تجارتیه و نیز پولیتیکی با هیچ دولتی از دول فرنگ
نداشته باشد خامساً بدون اذن اعلیحضرت سلطان استقراض ننماید بالجمله بعد از ده سال کار برپاسته فردیناند
دلسپس فرانسوی در هفدهم نوامبر اینسال افتتاح نهر مجمع البحرین سوئز گردید بحضور اغلب از سلاطین و شاهزادهای
بزرگ فرنگ در جشن افتتاح نهر مزبور بجز شاهزادهای خانواده انگلیس (فرانسه) فوت لامارتین شاعر معروف
در اواسط زمستان فوت مارشال نیل وزیر جنگ ژنرال بولو فوت چون اینسال سال صد تولد ناپلیون اول
بود برای تبرک و جشن در این خانواده ملکه و ولیعهد بجزیره کورس که موطن و مولد ناپلیون اول میباشد سفر میکند

که شب عید غدیر بود بعد از
گذشتن چهار ساعت و بیست
دقیقه و سی ثانیه هم

شرفت

شدت مرض امپراطور ناپلیون سیم و بواسطه هرج و مرج امورات خطبه‌ها شورش انگیز خواندن پرنس ناپلیون ابن
اعم اعلیحضرت ناپلیون بر ونو باد در کمال شدت منصرفاً شد فرانسه در ما بین مسافرت امپراطریس بمشرق زمین و حضور
ایشان در مصر بموقع افتتاح نهر مجمع البحرین (یونان) مخاصمه ما بین اینلولت و دولت عثمانی که بدو آن ابتدای شورش
اهالی قندی بود و تا این زمان امتداد داشت و بواسطه مجلس کنفرانس که در پاریس منعقد گردید مامورین دول فرنگ که
در آن مجلس جلوس نمودند رفع مخاصمه شد معدوم شدن شهر سنت تم بواسطه زلزله

سنه ۱۲۸۷ هجری   سنه ۱۸۷۰ مسیحی

آسیا (ایران) جناب مؤتمن الملک که حسب الامر چند روزی در گیلان اقامت داشت نظام انتظام آن ولایت را
بعهده میرزا عبد الوهابخان نایب الوزاره (جناب نصیر الدوله) واگذار نموده خود بخاکپای مبارک مشرف شد آمد
حکمرانی یزد را بنواب حسام السلطنه تفویض فرمودند و امیرزاده ابوالفتح میرزا (مؤید الدوله) ولد نواب معظم الیه بوزارت
میرزا محمد حسین مستوفی بنیابت حکومت آن ولایت رفت عزیزخان سردار کل بوزارت و پیشکاری آذربایجان سرافراز
گشت میرزا ابوالقاسم معین الملک بمنصب متولیباشی گری حضرت رضوی علیه السلام سربلند آمد محمد قلیخان شاطر
باشی ملقب بصارم الملک شد سرایدارباشی بدرجه سرتیپی سیم و نشان و حمایل آن نایل گردید نقشه اراضی شهر
جدید دار الخلافه ناصری را جعفر قلیخان رئیس مدرسه مبارکه دار الفنون و میرزا عبد الغفار معلم کل علوم ریاضی
باتفاق نفر مهندس کشیده بتوسط نواب اعتضاد السلطنه وزیر علوم بحضور مبارک برده بسه هزار تومان
انعام سرافراز شدند مجد الدوله بمنصب میراخوری اصطبل مبارک سرافراز گردید علیرضا خان عضد الملک با عطای
نشان تمثال همایون درجه اختصاص یافت حکومت همدان ضمیمه حکومت کردستان فرموده بنواب والا معتمد الدوله
واگذار فرمودند و امیرزاده سلطان اویس میرزا ولد نواب معظم الیه از جانب ایشان بحکومت همدان رفت آقا مهدی
ملک التجار مرحوم شد آقا محمد کاظم ولد آن مرحوم بمنصب ملک التجاری ایران مفتخر گشت علینقیخان سرتیپ فوج گرازی
ملقب بصمصام الملک شد محمد حسینخان قراگوزلو پسر مرحوم علیخان نصرة الملک بلقب حسام الملکی مباهی گردید
میرزا محمد حسینخان نایب الحکومه اصفهان ولد صاحبدیوان بنشان و حمایل سرتیپی سرافراز آمد حاجی محمد قلیخان آصف
الدوله وزیر فارس بیکقطعه نشان تمثال همایون مباهی گردید امیرزاده اسمعیل میرزا ولد نواب معز الدوله بنشان
و حمایل سرتیپی سرافرازی حاصل نمود میرزا ابوطالبخان نایب نایب الحکومه لرستان مرحوم شد محمد حسینخان حاکم
سمنان و دامغان بلقب اعتضاد الملکی مفتخر گردید یوسفخان شجاع الدوله حاکم خوی و سلماس و ارومی با عطای یک
قطعه نشان از درجه اول امیرتومانی با حمایل آن قرین مفاخرت آمد و فوج خوی را نیز علاوه بر سه فوج افشار
ابواجمعی مشار الیه فرمودند نواب اعتضاد السلطنه وزیر علوم بیکقطعه نشان امیرتومانی مکلل بالماس با حمایل
آن درجه اختصاص یافت میرزا سید احمد مستوفی بحکومت ولایت عراق منصوب آمد میرزا علیخان منشی حضور
و نایب اول وزارت خارجه (جناب امین الدوله) بنشان از درجه ثانیه خارجه مباهی گردیدند بنده مؤلف با عطای
یکقطعه کمر مکلل بالماس سربلند شد میرزا سید ابراهیم سررشته دار مالیات خراسان بمنصب استیفا از درجه
چهارم و میرزا محمد حسین پیشکار خمسه نیز همین منصب سرافراز شد مستشار الملک نایب الایاله خراسان در ازای راه
انداختن تلگراف مشهد و ... قلعه والتزام خدمت نواب حشمة الدوله حمزه میرزا بنشان تمثال همایون مفتخر گردید
امان الله خان سرتیپ بهاء الملک لقب یافت علیخان پسر سلیمانخان صاحب اختیار حکمران استراباد بمنصب سرهنگی

فوج اخلاص افشار اسدآبادی مباهی گردید میرزا حسینخان پسر ارشد مرحوم میرزا مسعود وزیر امور خارجه سابق
بنیابت اول وزارتخارجه نایل آمد میرزا اسدالله خان نایب اول سفارت دولت علیه مقیم پطرزبورغ بکارپردازی اول
تفلیس مامور شد میرزا عبدالله بماموریت مخصوص بندرعباس سرافراز و بنشان و حمایل اول سرهنگی نایل گشت
جناب صاحبدیوان حکمران اصفهان بیکرشته حمایل آبی سیر فرنگ امتیاز آمد از وقایع معظمه این سال مسافرت بندگان اعلیحضرت
شهریاری بسیاحت عراق عرب و زیارت عتبات عالیات است چنانکه در سفرنامه مخصوص همایونی بشرح رفته است
روز پنجشنبه ماه جمادی الثانیه از دارالخلافه الباهره حرکت فرمودند ریاست و حراست اردوی معلی با نواب حسام السلطنه
در غیاب موکب همایون حضرت اجل اعظم شاهنشاهزاده والا نایب السلطنه و جناب اجل آقای مستوفی الممالک وزیر
اول بمهام ملکی رسیدگی مینمایند اغلب اعیان رجال دولت و خواص عمله خلوت ملتزم رکاب اعلی میباشند ناظم افندی
شارژدافر عثمانی و مسیو کربل نایب اول سفارت روس نیز همراه هستند روز سیزدهم رجب که عید مولود حضرت
امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام بود شهر همدان بقدوم بهجت لزوم مبارک مزین آمد روز غره شعبان عمارت
عمادیه نصرت نکیر سنگی کرمانشهان واقع در کنار رود قراسو بقدوم مبارک مزین گردید روز بیست و یکم تشریف فرمای
خانقین شدند از طرف دولت عثمانی اردوئی مفصل با تشریفات شایان و مدحت پاشا والی بغداد و کامل پاشا وغیره
در سرحد حاضر بودند روز بیست و هشتم شعبان در حالتیکه طبقات ملتزمین رکاب اعلی با البسه رسمیه حاضر شده بودند
بدارالسلام بغداد نهضت فرما شدند تلگرام اخبار ورود همایونی و جواب تبریک ورود مسعود با کمال گرمی میانه اعلیحضرت
همایونی و اعلیحضرت سلطان عثمانی در همان ساعت کشیده شد روز بیست و نهم شعبان عزیمت زیارت کاظمین علیهما السلام فرمودند
و همه جا از طرف قرین الشرف همایونی ملوکانه بذل انعامات شایان میشد روز هفتم رمضان المبارک وارد کربلای معلی
گردیدند ولدی الورود بزیارت خامس آل عبا حضرت سید الشهدا ارواح العالمین له الفدا و بعد بزیارت حضرت عباس
و سایر شهدا علیهم السلام استسعاد فرمودند روز سیزدهم برای تلثیم درگاه عرش اشتباه حضرت امیرالمؤمنین
صلوات الله و سلامه علیه عزیمت نجف اشرف فرمودند هنگامیکه بروضه مطهره علوی فایز شدند یکقبضه الماس بریلیان
کربنارک مبارک داشتند پیشکش آستان ملایک پاسبان حضرت کردند روز بیستم معاودت بکربلای معلی نمودند
روز بیست و چهارم رمضان عزیمت معاودت بصوب ایران فرمودند و همه جا انعامات و عطایای وافره و خلاع فاخره بطبقات
خدام و دعاگویان و غیرهم مبذول داشتند روز دوم شوال بعزم سر من رای انتهاض فرموده روز ششم وارد
آنشهر میمنت بهر شده بزیارت عسکریین علیهما السلام و مقام غیبت حضرت امام عصر عجل الله تعالی فرجه فایز گردیدند
و روز هشتم شوال عزیمت معاودت فرمودند روز پانزدهم بخانقین نزول اجلال نمودند در این روز برای پاشایان
و مامورین که از طرف اعلیحضرت سلطان عثمانی آمده بودند و متصدی خدمات شده انفیه دان مرصع و انگشتری و شال
و وجه نقد بقدریکه شایسته بود ارسال داشتند روز بیست و ششم عمادیه کرمانشهان بمقدم مبارک مزین گردید.
روز بیست و سیم ذیقعده شهر قم بمقدم مبارک مزین آمد روز سه شنبه غره ذیحجه با میامن سعادت و اقبال بدارالخلافه
باهره و مقر خلافت عظمی نزول اجلال فرمودند هم در این اوقات وزارت عدلیه اعظم و وزارت اوقاف و وظایف را
بعهده کفایت و کفالت جناب مشیرالدوله میرزا حسینخان مفوض و مرحمت فرموده معظم الیه را با عطای یکثوب جبه
شمسه دار و یکحلقه انگشتری الماس سرافراز داشتند هم در این سال نواب والا معتمدالدوله حکمران کردستان را با عطای
یکقبضه شمشیر مرصع مکلل بالماس قرین اختصاص فرمودند حاجی رحیمخان صندوقدار خاصه ملقب بخازن الملک گردید.

جان محمد خان سرتیپ فوج خلجستان بلقب سیف السلطنه ملقب آمد همچنین امسال شاهنشاهزاده امجد اعظم ظل السلطان
را باری تعالی ولدی نیکو عطا فرمود بلقب جلیل جلال الدوله و اسم گرامی سلطان محمود ملقب گردید سلیمان خان صاحب اختیار میرزا موسی مرحوم
بنشان و حمایل امیرتومانی مفتخر گشت میرزا محمد حسین مستوفی وزیر امیرزاده ابوالفتح میرزا حکمران یزد بلقب ناظم الملک
مباهی آمد میرزا جعفر نایب الحکومه ملایر و میرزا ابوالقاسم نایب الحکومه تویسرکان بلقب خانی و خطاب مقرب الخاقانی سر
افراز آمدند میرزا عبدالوهاب والد مرحوم میرزا محمد علیخان وزیر امور خارجه سابق نیابت اول وزارت علوم یافت
جناب مؤتمن الملک میرزا سعید خان وزیر امور خارجه یک قطعه نشان مرصع بالماس نایل گشت میرزا عبدالوهاب خان
نایب الوزاره همراهان جناب نصیر الدوله باعطای یک قطعه نشان تمثال همایون مکلل بالماس مفتخر گردید میرزا عبد
الوهاب مستوفی گیلان بنشان سرتیپی درجه دویم و حمایل آن مباهی آمد میرزا زکی ضیاء الملک بنشان و حمایل از درجه سرتیپی
دویم سرافراز و روانه عتبات شد و میرزا زین العابدین پسر مشارالیه بمنصب لشکرنویسی قاجاریه برقرار گردید میرزا
هدایت پسر بزرگ لسان الملک بمنصب استیفا سرافراز آمد و میرزا عباسقلی پسر دیگر مشارالیه بمنصب انشای مخصوص مباهی
گشت نصرالله خان پسر امین الدوله مرحوم میرزا اسدالله مستوفی پسر مرحوم میرزا موسی نایب بمرض سکته وفات کرد
لطف الله میرزا حاکم سبزوار ملقب بشجاع الدوله گردید حکومت کره را بنواب محمد امین میرزا مرحمت فرمودند همچنین
سال قبل از حرکت موکب همایون بصوب عراق عرب راه از دار الخلافه تا خانقین بتوسط مسیو کاستیگر خان مهندس نمساوی
درکمال خوبی ساخته و مهیا کالسکه رو شد امورپا (اسپانیا) استعفای ملکه ایزابل از حقوق سلطنتی خود باسم پسرش
دن الفنس و پادشاهی شاهزاده هوهن زلرن بواسطه ضدیت فرانسه که نتیجه جنگ پروس و فرانسه شد بسلطنت
نرسیده بود هواخواهان دن کارلس که داعیه سلطنت داشت دوباره شورش و طلب شدند دوک دا وستا پسر دویم
پادشاه ایتالیا برای سلطنت اسپانیا تصدیق نمودن دولت اطریش و پروس این خیال او را و پادشاه شدن او باین
مملکت قبل از نفوذ و بپای تخت ژنرال پریم که دوک دا وستا بجای او پادشاه شده بود بدست چند نفر اجنبی مقتول
میگردد و بعد از ورود بپای تخت و گذاشتن تاج سلطنت بر سر موسوم بامیده و پنجم گردید (اطریش) تعداد نفوس تمام
ممالک اطریش در امسال هفتاد و یک کرور و چهار صد و چهل و سه هزار و پانصد و نود و دو نفر رسیده است
(آلمان و فرانسه) اضطراب دولت فرانسه از انتخاب ملت اسپانیا پرنس لاوپلد هوهن زلرن بنی عم پادشاه پروس را
بسلطنت خود و جوابی که ما بین خانواده سلطنت فرانسه و این شاهزاده برقرار است بخیال اینکه مبادا
از یکسمت هم با یکی از شاهزاده‌ها خانواده سلطنت پروس هم سرحد بشوند که بالمآل برای فرانسه مضر است دولت
فرانسه باکمال سختی و شدت بدولت پروس تکلیف میکند که شاهزاده مزبور را مانع از قبول این سلطنت از شیوه دوا ز دانیم
ابتدای گفتگو معلوم بود که کار بجنگ دولتین پروس و فرانسه منجر خواهد گشت. پوتیغ انگلیس و ایطالیا و
اطریش هم بجلوگیری میکنند ولی بی ثمر میشود با وجودیکه شاهزاده مزبور بطیب خاطر استعفا از این عمل نمایند مسیو
بندتی سفیر کبیر فرانسه مقیم دربار پروس در شهر امس که گردشگاه خاص پادشاه پروس است ملاقات نموده صریحا
بایشان تکلیف میکند که اولا بخط خودشان عذرخواهی از دولت فرانسه بکنند و ثانیا ضمانت که شاهزاده هوهن زلرن
نه حال و نه در آینده وجها من الوجوه بخیال سلطنت اسپانیا نباشد اعلیحضرت پادشاه پروس اعتنائی بسفیر فرانسه
نکرده ملکه او را عذر میکند که بخصوص پادشاه بیاید و مطالب خود را مستقیما معروض ندارد بعد از فرستادن این
خبر بپاریس چه در دربار و چه در مجالس دولتی و ملتی جز گفتگوی جنگ نیست و کلای سمت چپ خاصه مسیو طیر هر قدر

بدولت

بدولت فرانسه تکلیف میکنند که اسناد صحیحه که سبب این جنگ است بما بنمایید بعد اقدام بجنگ کنید دولت عثمانی با نیز فرمان کرد قشون بری و بحری خود را حاضر میکند و بعضی جهال پاریس بخیال رفتن بسفارتخانه پروس و غارت نمودن آنجا هستند و مسیو طیر که بر ضد این جنگ است بد میگویند ده کرور وجه مسکوک برای مخارج قشون بری و سه کرور و دویست هزار تومان بجهت مخارج عساکر بحری در ظرف سه روز برای دولت حاضر میشود و از آنطرف پادشاه پروس بسلاطین دول شمالی و جنوبی المان مقاصد و منظورات دولت فرانسه را تلقین میکند که غرض اینها و لنا بنسبت که بیچ و جهت از ما بهانه بگیرد و با ما جنگ کند و تفرقه در میان جمعیت ما بیندازد و شوکت و قدرت شما را بکاهد بنا بر این دول جنوبی از قبیل باویر و و رتنبرك و باد که تا از زمان اتحادی با پروس نداشتند متفق شده فی الواقع بلک المان تماما بر ضد فرانسه بر خاستند و تمام دول بدون استثنا سرداری قشون خود را بپادشاه پروس واگذار کردند دولت انکلیس مجددا وساطت و میانجیگری کرده ولی مثمر ثمر نشد و از آنطرف ناپلیون امپراطور فرانسه سرداری عساکر فرانسه را قبول نموده با پسر خود ولیعهد ولیف وزیر جنگ بسرحد پروس حرکت میکند ناپلیون امپراطور فرانسه چنین تصور مینماید که اگر با یکدسته قشون منتخب زبده خود را معجلا بسرحد سانده همین قدر تخطی نموده دو سه شهر کوچك از ممالك المان متصرف شود و انطرف دیگر دولت انکلیس و سایر دول معظم را میانجی قرار دهد هم شکستی بالمان علی الخصوص بپروس وارد آورده و هم اعتبار دولت فرانسه را زیاد کرده است نیز بعضی شهرها را از اینطرف بمملکت خود افزوده است ولی غافل از اینکه در مقابل سیصد و پنجاه هزار نفر قشون فرانسه یکمرتبه دولت پروس پانصد و هفتاد هزار لشکر و هزار و پانصد عراده توپ حاضر کرده است با سردارهای معتبر از قبیل فردریك شارل نبیجه عم پادشاه پروس و ولیعهد خود پروس و سایر سردارهای مجرب از قبیل اِستَن مِلِس و مُلك و غیرهم علاوه بر قشون معمول پنجاه هزار سواره او هلان جلو قشون المان بطور پیش قراولی حرکت میکردند سار برولك از شهرهای پروس در اول حمله با حضور امپراطور بتصرف قشون فرانسه در آمد و از آنطرف در ویسا بنورك یکدسته قشون عمده فرانسه بسرداری مارشال ماکاهون شکست خورده معدوم و متفرق شد سرداری قشون پروس با ولیعهد پروس بود و دو روز دیگر مارشال ماکاهون با مختصر قشونیکه داشت و زیاده از سی و پنجهزار نمیشد با یکصد هزار قشون پروس بسرداری ولیعهد پروس مقابل کرده و تفصیل جنگ و خونریزی درشت چون زیاد معروف است ما بنگارش آن نمیپردازیم مجملا بعد این شکست راه مملکت فرانسه برای قشون پروس باز شد پادشاه پروس که تا آنوقت در و بجاك فرانسه نگرده بود وارد شد و شهر استراز بورك را که از قلعه جات سرحدی معظم فرانسه است قشون با د محاصره نمود و بعد از چندی شهر متس که یکی از قلعه جات معظم است بسرداری فردریك شارل محصور شد مارشال بازن سردار فرانسه با صد و بیست هزار قشون در متس متحصن بشد و اغلب قلاع فرانسه نیز محصور گردید امپراطور ناپلیون از حوالی متس بطرف شالن بعقب نشست و عساکر پروس امپراطور را تعاقب میکنند از ابتدای جنگ تا اینوقت از قشون المان صد و پنجاه هزار مقتول شده و از کار افتاده است لیکن علی الاتصال از ممالك المان کمك میرسد تعاقب ولیعهد پروس اردوی مارشال ماکماهون و اعلیحضرت ناپلیون را از طرف دیگر مامور کردن یکدسته از قشون پروس بمحاصره پاریس مارشال ماکماهون هر قدر میخواهد بمارشال بازن وصل شده کاری از پیش ببرد نمیشود عقب نشستن یکدسته از قشون فرانسه با ناپلیون بطرف سدان در مقابل این قشون که امپراطور ناپلیون در آنست شخصا پادشاه پروس حرکت میکند جنگ سخت و خونریزی زیاد در حوالی سدان زخم منکر برداشتن مارشال ماکماهون

با اینهمه دولت

دول فرنگ تماما بدین استثنا بیطرفی اختیار میکنند

قشون

قشون فرانسه تسلیم و زیاده از پنجاه هزار نفر اسیر شدند اعلیحضرت ناپلئون نیز تسلیم گردید با قشون متوقف قلعه سدان
هشتاد و پنجهزار قشون و چهارصد عراده توپ اردوئی و صد و پنجاه توپ قلعه و ده هزار اسب بچنگ پادشاه پروس افتاد
حبس و اسیر ناپلئون سیم امپراطور فرانسه و فرستادن او را بیکی از قلعه جات در حوالی کاسل فراد و لیعهد پسر ناپلئون بجانب انگلیس
حرکت و وارد شد معبر از قشون پروس بمحاصره پاریس خلع اهالی پاریس ناپلئون و خانواده او را از سلطنت و ایجاد دولت
موقتی نمودن فرار ملکه امپراطریس از پاریس اعلان دولت جمهوری در پاریس بریاست ژنرال تروشو عزل وزرای سابق
و نصیب ندای جمهوری طلب مسافرت مسیو طیر بلندن و وینه و پطرزبورغ و ملتجی شدن بدول مذکوره بجهت مصالحه ای
میانه فرانسه و پروس و مراجعت او بی نیل مقصد بشهر ورسایل که در حوالی پاریس است معسکر مخصوص پادشاه پروس
گردید محاصره پاریس از هر سمت تغییر دادن فرانسه ها مرکز دولت را از پاریس بشهر تور آتش گرفتن عمارت سن کلود سلاطین
حوالی پاریس تسلیم شدن مارشال بازن با تمام قشون و قورخانه خود و واگذاشتن قلعه متس را بپروسها تصرف قشون
پروس اغلب قلاع و شهرهای شمالی فرانسه را کمال سختی زمستان و سخت گذشتن بمحصورین و نبودن آذوقه در پاریس
تاجگذاری پادشاه پروس در ورسایل که امپراطور تمام مملکت المان باشد و اتمام این سال در حالتیکه پاریس هنوز
دربند محاصره است دولت روس میل باطنی خود را در فتوحات پروس ظاهر میسازد و نشان سنت ژرژ که نشان
جنگی دولت روس است از برای سردارهای قشون پروس انفاذ میدارد و بارضایت و اتفاق پروس بعضی از فصول عهدنامه
هزار و هشتصد و پنجاه و شش را که در مجلس کنگره پاریس منعقد نموده بودند هم میزند دیگر فرانسه نیست که حامی و حارس
عثمانی و ضامن آن عهدنامه باشد و در نقاطیکه در سواحل قرادنگیز ممنوع بود قلعه بسازد بعد از این خواهد ساخت
و مستحکم خواهد نمود چون دولت پروس و اطریش تمکین این خیال روس را کردند دولت انگلیس هم لابد تمکین نمود مراوده
رجال دولت جمهوری که در شهر تور متوقف بودند با اهالی پاریس بواسطه بالون و کبوتر حلدکار از کمی آذوقه طوری
بمحصورین پاریس سخت شده بود که زیاده از سیر گوشت با نان در یکشبانه روز قسمت یکنفر نمیشد رفتن اجزای
دولت جمهوری موقتی از شهر تور بشهر برد و مصمم شدن اهالی فرانسه برای جنگ دیدن (انگلیس) فوت لرد کلارندن
وزیر امور خارجه پرنس هفتاد ساله که بنصب دیگر انویل بجای او دولت انگلیس جد کامل برای منع منازعه مابین فرانسه و
پروس نموده ولی مثمر ثمر نشد یکی از کشتیهای دولتی در سمت غربی اسپانیا با پانصد نفر آدم که در آن بود غرق شد (ایطالیا)
بمحض اینکه اعلان جنگ مابین فرانسه و پروس میشود با وجود اینکه پاپ در مجلس شورای بزرگ و کشیشها و قسیسین اثبات
معصومیت خود را نمود چون از تحت حفظ و حمایت سلطنت فرانسه خارج شد و این دولت بواسطه جنگ با پروس بخود مشغول گردید
و عساکر خود را از روم طلبید پادشاه ایطالیا بدو مخاصمه پادی از طرف عساکر پاپ متصرف رومرا گردید کوه معروف بمنسینی
که حد وسط مابین فرانسه و مملکت ایطالیاست و سیزده سال تمام بود که آن کوه را سوراخ میکردند در اوایل زمستان
اینسال باتمام رسیده کالسکه های راه آهن از دو مملکت از این سوراخ کوه عبور و مرور میکنند (دانمارک) تعداد نفوس
تمام این مملکت در اینسال بسه کرور و دویست و هشتاد و سه هزار و پانصد و شصت و پنج نفر رسیده است (عثمانی)
اجازه دادن اعلیحضرت سلطان که هنگام شب کشتی از هر دولتی باشد بدون ممانعت وارد دو بغاز بسفر و داردانل شود
یانقین سختی در اسلامبول در محله ارامنه و فرنگیها که دو هزار و دویست نفر تلف شدند و شصت هزار نفر بیخانه ماندند شورش
اعراب در حوالی نجد (یونان) تعداد نفوس این مملکت در این سال دو کرور و چهارصد و پنجاه و هفت هزار و هشتصد
و نود و چهار نفر میباشد

امریکا

امریکا (اتاژونی) تعداد نفوس اهالی اتاژونی هفتاد و هفت کرور و چهل و شش هزار نفر میباشد چهارده شهر
در اتاژونی هست که هر شهری علاوه بر صد هزار سکنه دارد

سنه ۱۲۸۸ هجری سنه ۱۸۷۱ مسیحی

آسیا (ایران) در اوایل این سال خیر مآل رای صواب نمای ملوکانه بر این علاقه یافت که شاهزادگان عظام و وزرای
کرام مسطوره در ذیل هفته دو روز که روز شنبه و سه شنبه باشد در دار الشورای کبری حضور بهم رسانیده در مهام ملکی
مشاوره نمایند (نواب مؤید الدوله) (نواب ملک آرا) (نواب اعتضاد السلطنه وزیر علوم) (نواب والا فخر الدوله
وزیر جنگ) (مجد الدوله) (جناب مؤتمن الملک میرزا سعید خان وزیر امور خارجه) (جناب میرزا حسینخان مشیر
الدوله وزیر عدلیه و وظایف و اوقاف) (جناب نظام الملک) (جناب قوام الدوله) (غلام حسینخان سپهدار)
(جناب دبیر الملک) (دوستعلیخان معیر الممالک) (جناب علاء الدوله) (پاشاخان امین الملک) (جناب ناصر
الملک) (جناب حسنعلیخان وزیر مختار) جناب علاء الدوله نسقچی باشی بمنصب جلیل فراشباشیگری سرافراز شد
اداره روزنامه جات دولت علیه و دار الطباعه ممالک محروسه و دار الترجمه دولتی را بر بنده مؤلف واگذار و روز
نامه دولتی را باسم ایران موسوم فرمودند حکمرانی خراسان را علاوه بر حکومت یزد بر عهده کفایت نواب حسام السلطنه
موکول داشتند امیرزاده محسن میرزا بمنصب میرآخوری سرافراز گردید غلامحسینخان سپهدار حکومت قزوین یافت
حکومت مازندران را بجناب عضد الملک مرحمت فرمودند حکومت عراق و کره بجناب معتمد الملک تفویض شد حکومت
شاهرود و بسطام و نردین را بامین خلوت میرزا هاشمخان واگذار فرمودند پاشاخان امین الملک بمنصب وزارت حضرت
شاهنشاهزاده اجل اعظم نایب السلطنه و پیشکاری دار الخلافه برقرار گردید اداره چاپارخانهای کل ممالک محروسه را
بمیرزا علیخان منشی حضور (جناب امین الدوله) سپردند فوج لشکر که مجزی از اداره وزارت جنگ بود باین اداره ملحق
گردید جناب میرزا یوسف مستوفی الممالک از وزارت اول و وزارت مالیه استعفا نمود محاسبات کل ممالک محروسه را
بعهده جناب نظام الملک میرزا کاظمخان موکول و معزی الیه را مخلع فرمودند و میرزا داودخان برادر معزی الیه بنیابت ایشان
برقرار گردید حکیم الممالک پیشخدمت خاصه ناظم دفترخانه مبارکه شد جناب دبیر الملک بوزارت رسایل مخصوصه همایونی
که مسبوق بآن بود سرافراز گردید عمل جنس ممالک محروسه را بکفالت حاجی میرزا محمدخان مجد الملک واگذار فرمودند مملکت
آذربایجان را بعد از فوت عزیزخان سردار کل بهمان حکمرانی حضرت اجل اعظم ولیعهد دولت ایران و پیشکاری امیر
لشکر میرزا فهرمان ابقا فرمودند امیرزاده عبد الحمید میرزا مامور خدمات نظامی آذربایجان شد محمد علیخان زیندار باشی
بلقب امین السلطنه سرافراز آمد جناب حاجی میرزا جواد مجتهد تبریزی که چندی در نجف اشرف متوقف بود از قرار دستخط
همایونی امام جمعه آذربایجان گردید محمد قاسمخان والی بوزارت حضرت شاهنشاهزاده اکرم افخم ظل السلطان حکمران فارس
سرافراز شد میرزا هاشمخان امین خلوت از اجزای دار الشورای کبری گردید جناب حسنعلیخان وزیر مختار سابق فرانسه
مامور بوزیر مختاری اسلامبول شد منصب خوانسالاری بعهده کفایت عضد الملک مهردار و حکمران مازندران واگذار
گردید امین السلطان بمنصب صاحب جمعی سرافراز شد میرزا علیخان سرهنگ بحمایل و نشان از درجه سیم سرتیپی نایل آمد
حکومت کاشان را علاوه مشاغل و مناصب میرزا هاشمخان امین خلوت فرمودند مجلس شورای نظامی مجددا برقرار شد
میرزا مهدیخان ولد مرحوم میرزا محمدخان سپهسالار اعظم بلقب اعتضاد الدوله ملقب و بر حسب استدعای معزی الیه منصب
کشیکچی باشیگری را بمحمد میرزا ولد معزی الیه مرحمت فرمودند امیرزاده بدیع الملک میرزا ولد نواب عماد الدوله بحکومت لرستان

ونشان وحمایل از درجهٔ دویم سرتیپی سرافراز شد میرزا محمدخان پیشخدمت خاصه ولد امین خلوت بمنصب تفنگدار باشیگری
برقرار گردید روز دوشنبه بیستم ماه صفر امیراصلانخان مجدالدوله بجوار رحمت الهی پیوست حکومت عربستان و بروجرد را
علاوه بر عراق و کره‌رود بجناب معتمدالملک مرحمت فرمودند حاجی میرزا محمدخان مجدالملک در سلک وزرای دارالشوری
منسلک گردید عبدالعلیخان ادیب الملک پیشخدمت خاصه بحکومت کلپایگان و خوانسار سرافراز شد حکومت
اصفهان را علاوه بر حکمرانی خراسان بنواب حسام السلطنه واگذار فرمودند و امیرزاده ابوالفتح میرزا (مؤیدالدوله)
با پیشکاری میرزا محمدحسین ناظم الملک روانهٔ اصفهان گردید حاجی میرزا رضای کدخدا منصب وکیل الرعایائی یافت
بعد از فوت مرحوم فرخ خان امین الدوله میرزا هاشمخان امین خلوت ملقب بامین الدوله گردید و میرزا محمدخان
تفنگدار باشی ولد میرزا هاشمخان امین خلوت لقب یافت حکومت یزد را با میرزا یوسفخان ولد معیرالممالک واگذار
فرمودند میرزا محمدعلیخان سرتیپ که مدتی کارپرداز بمبئی بود بلقب معین الوزاره و نیابت حکومت گیلان سر
افراز شد میرزا هاشمخان امین الدوله منصب وزارت حضور یافت دری آهن چودن برای دروازه خیابان باب همایون
ریخته اند که کمال امتیاز و تعریف را دارد و این اول پنجرهٔ چرخ بخار است که در کارخانه دارالخلافه دایر گردیده
میرزا اسدالله خان کارپرداز تفلیس بیک قطعه نشان شیر و خورشید از درجهٔ سرتیپی دویم و حمایل آن سرافراز
شد میرزا اسحق خان کارپرداز سابق ارزنةالروم بمنصب کارپردازی اول مأمور اقامت بغداد گردید و باعطای
یک قطعه نشان و حمایل از درجهٔ دویم سرتیپی سرافراز شد حیدرقلیخان سهام الدوله ایلخانی سردار کل خراسان
ایشان سردار ترکمان را با هفتصد نفر سواره ترکمان خیوه که بعزم دستبرد بحدود خراسان آمده بودند مقتول
نموده معدودی از آنها فرار کردند نواب صارم الدوله علیقلی میرزا که بدربار همایون احضار شده بود بحکومت نهاوند
و مضافات برقرار گردید محمدعلیخان سرتیپ جنرال آجودان بسرتیپی فوج نظمیهٔ دارالخلافه که عبارت از پلیس است سرافراز
شد نواب ملک آرا بمنصب کشیکچی باشیگری برقرار آمد جناب معتمدالملک بمنصب وزارت مخصوص مفتخر گردید در
خراسان کار وسعت غله بالا گرفته است بنده مؤلف بلقب صنیع الدوله و صدور دستخط همایون سرافراز گردید
میرزا زکی ضیاءالملک بحکومت عربستان و بختیاری سرافراز آمد رضاقلیخان للهباشی امیرالشعرا متخلص بهدایت
در اواسط ربیع الثانی برحمت ایزدی پیوست میرزا زمان مستوفی نوری بدرجهٔ اول منصب استیفا مفتخر آمد
دیوانخانهٔ عدلیهٔ عظمی بوزارت مشیرالدوله کمال نفوذ را یافته و حکمی در این اداره معطل و غیرمجری نمانده ابوالحسنخان
ولد امیرحسینخان شجاع الدوله زعفرانلو حاکم قوچان تنبیهی بسزا از ترکمه که قصد تاخت و تاز این بان و آن حدود را
داشتند نمود میرزا عبدالوهاب خان نایب الوزاره که در مأموریت خارجهٔ آذربایجان و حکومت گیلان خدمات
نمایان نموده بلقب جلیل نصیرالدوله ملقب گردید دارالترجمهٔ مرکب از مترجمین السنهٔ خارجه برقرار و بندهٔ مؤلف
بریاست این مجلس مأمور و مباهی آمد امیرخان ولد محمدصالح خان کردبچه سرتیپ سرکردگی سواره کردبچه برقرار گردید
حکومت همدان را علاوه سایر مشاغل و مناصب جناب علاءالدوله فرمودند بعد از فوت مرحوم میرزا محمدحسین ناظم الملک
حسینعلیخان مافی به پیشکاری اصفهان سرافراز شد میرزا حبیب الله ولد مرحوم میرزا شکرالله لشکرنویس بمنصب لشکر
نویسی مفتخر گردید جناب میرزا فتحعلیخان صاحبدیوان به پیشکاری آذربایجان و وزارت حضرت شاهنشاهزادهٔ
اعظم ولیعهد دولت علیه ایران مباهی شد امیرزاده ابراهیم میرزا حاکم بروجرد احتشام السلطنه لقب یافت محمد
باقرخان سرتیپ ملقب بشجاع السلطنه گردید مرتضی قلیخان وکیل الملک حکمران کرمان و بلوچستان باعطای نشان

تمثال

تمثال همایون مفتخر کردید چون اعلیحضرت امپراطور روس بسمت تفلیس تصمیم عزم داده اند اعلیحضرت شاهنشاهی دام ملکه
برای تبریک وصول اعلیحضرت امپراطوری با تحدید نواب حشمة الدوله امیر جنگ را جمعی از صاحبمنصبان بزرگ و نامی همراه
علامه روانه تفلیس فرمودند این اوان دومرتبه در تبریز سیل آمده است مبلغ چهار هزار تومان نقد و یکصد و پنجاه خروار جنس
در هذه السنه بر عشیر فقرای ثم تحقیق دادند همچنین شش هزار و هفتصد تومان بعضی زمستانهای دار الخلافه تخفیف بدول
فرمودند میرزا فتح الله خان سرهنگ از معلمین مدرسه دار الفنون بمعلمی کل افواج توپخانه قاهره برقرار گردید میرزا یوسفخان
مستشار وزارت علیه بمنصب سرتیپی اول خارج از فشون و حمایل و نشان شیر و خورشید از آن رتبه سرافراز آمد در زمرات سالیانه
تنبیه شدند میر طایفه ترکانیه باهتمام سهام الدوله ایلخانی و قتل و اسر اکثری از ترکانان روز سیزدهم رجب که عید مولود مسعود
حضرت امیر المؤمنین علی ابن ابیطالب سلام الله علیه است سلام عام منعقد و ذات ملکوتی صفات همایون در تالار تخت مرمر
بسریر خسروانی جلوس فرموده و در همین موقع سلام جناب مشیر الدوله حاجی میرزا حسینخان را ملقب بسپهسالار اعظم و بمنصب
وزارت اعظم عسکریه سرافراز فرمودند و همدرین روز مبارک معیر الممالک وزیر خزانه عامره را بلقب نظام الدوله و بمنصب وزارت
مالیه ممالک محروسه ایران مفتخر فرمودند حضرت شاهنشاهزاده اجل اعظم ظل السلطان حکمران فارس که احضار بدربار همایون
شده بودند روز پانزدهم رجب وارد دار الخلافه شدند در راه عربستان حسب الامر بعضی قلعه ها و استحکامات ساختند
مسیو بلشار ژ دافر فرانسه مامور اقامت دربار دولت علیه وارد دار الخلافه و بحضور همایون مشرف شد حاجی ظهیر الدوله
ایشیک آقاسی باشی بوزارت علیه سرافراز گردید فقرای اطراف که بواسطه خشکسالی بدار الخلافه آمده بودند همه را
در قلعه نصرت آباد جمع کرده قوت یومیه برای آنها مقرر داشتند همچنین اطفال فقرا که بی معین و پرستار بودند بجهة
هر یک لباس نظامی ترتیب داده و در مدرسه مخصوص بجهة ایشان اخراجات معین کرده بریاست و مراقبت میرزا حسینخان
کاربرداز مشغول تحصیل آداب و علوم هستند جشن عروسی حضرت اجل اعظم والا نایب السلطنه امیر کبیر که صبیه نواب حسام
السلطنه عم اعلیحضرت همایون شهریاری را بعقد ازدواج حضرت معظم درآورده اند در ماه شعبان ایت ئیل بود یکقبضه
شمشیر مکلل بالماس که ده هزار تومان قیمت داشت بجناب سپهسالار اعظم مبذول و مرحمت فرمودند حاجی سعد الدوله قنبر
علیخان بمنصب امیر تومانی سرافراز گردید روز بیست و نهم شعبان ایضا جناب حاجی میرزا حسینخان سپهسالار اعظم را
بمنصب بزرگ صدارت عظمی دولت علیه برقرار و منصوب فرموده یکثوب جبه ترمه شمسه مرصع که از لباسهای خاص همایون
بود با دستخط مبارک که حاوی شرح دستور العمل صدارت عظمی بود بتوسط جناب معتمد الملک وزیر مخصوص با افتخار جناب معظم
اعطا و ارسال نمودند محمد مهدیخان اعتضاد الدوله با ایلخانی گری ایل جلیل قاجار سرافراز شد امین حضور پیشخدمت خاصه
خان نصر فیجیب همایون گردید حکومت سمنان و دامغان را بعهده ادیب الملک پیشخدمت خاصه واگذار فرمودند جناب مسیو الیسون
وزیر مختار دولت انگلیس مسیو ابلیز را که از طرف دولت انگلیس بسمت قنسولگری مامور توقف دربار همایون است بحضور
مبارک آورده معرفی نمود عبدالحسینخان سرهنگ پسر مرحوم اعتماد السلطنه در سن سی و هفت سالگی بمرض مطبقه محرقه
برحمت ایزدی پیوست نواب حشمة الدوله امیر جنگ که بجهة تهنیت مقدم اعلیحضرت امپراطور روس در تفلیس رفته بودند سلخ ماه تغلیس
شعبان مراجعت بدار الخلافه نمود حاجی محسنخان وزیر مقیم دولت علیه مامور اقامت دربار دولت انگلیس باعطای لقب و منصب
وزیر مختاری سربلند گردید این اوقات امتحانی از متعلمین مدرسه مبارکه دار الفنون نموده هر یک از معلمین و متعلمین و مترجمین
را بعطای منصب و اضافه مواجب و انعام و خلعتی که لایق شناختند سرافراز فرمودند شخص اعتضاد السلطنه وزیر علوم را یک
قطعه کلکره الماس و جعفر قلیخان رئیس مدرسه را نشان و حمایل سرتیپی اول و مسیو ریشار معلم را لقب خانی و میرزا علی اکبر کاشی را

لقب

لقب نقابت باشیگری اعطا فرمودند حاجی محمد کریمخان کرمانی از اجلهٔ علمای شیخیه در راه عتبات عالیات برحمت الهی رفته جب
اسد نواب عالیجاه محسن میرزای میرآخور محمد حسین میرزای ولد معزی الیه بمنصب میرآخوری منصوب شد ماهی چندین هزار تومان
از دولت بفقرا و ضعفا که بواسطه قحطی از اطراف ممالک محروسه پناه بدار الخلافه آورده اند مرحمت میشود و مجلس اعانه
برقرار شده است رجال دولت نیز بقدر الامکان دستگیری و احیای نفوس فقرا را مینمایند فوج نظمیه را باللهیارخان سرتیپ
فوج و سواره خرقانی واگذار فرمودند میرزا حسینخان منشی تبریزی از اجزای سابق سفارت کبرای اسلامبول بمنصب منشی اسراری
صدارت عظمی نایل آمد حکمرانی دار الخلافه طهران را مستقلا بعهدهٔ کفایت حضرت شاهنشاهزادهٔ اعظم نایب السلطنه امیرکبیر
عوض فرمودند و پیشکاری حضرت معظم و وزارت دار الخلافه محول بمیرزا عیسی وزیر گردید حکومت سوادکوه را ضمیمه حکومت
مازندران نموده بجناب عضد الملک مرحمت فرمودند ریاست قراول وجود مسعود همایون که با فوج سوادکوهی است خاص جناب
مستطاب صدر اعظم گردید محمودخان سرتیپ فومنی باعطای یکقطعه نشان شیر و خورشید از درجهٔ ثالثه خارجه سرافراز و
بمهمانداری سفرا که از سمت گیلان بدربار معدلت مدار می آیند برقرار گردید میرزا ابو القاسم معین الملک متولیباشی حضرت رضوی
سلام الله علیه در رمضان اینسال مرحوم شد حاجی سلطان محمد میرزای سیف الدوله بتولیت آستانهٔ مقدسهٔ حضرت رضوی
علیه السلام سرافراز گردید از ابنیهٔ معتبرهٔ دولتی یکی خیابان الماسیه موسوم بباب همایون است که بتوسط جناب علاء الدوله
و دیگری آسیای بخار است که بتوسط جهانگیرخان سرتیپ اجودانباشی قورخانه تمام اسباب آن در قورخانهٔ دولتی ساخته شد
در اینسال باتمام رسیده است ادارهٔ باغات مبارکات سلطنتی را تماما بامین حضور پیشخدمت خاصه واگذار فرمودند نواب
الله قلیخان ایلخانی که سالها در خارجه سیر میکرد بر حسب احضار جناب مستطاب صدر اعظم احضار بدار الخلافه شده در ماه
ذیقعده باستان مبارک آمد عبد الرسول خان سرتیپ بحکومت ملایر و تویسرکان سرافراز شد محمد حسنخان پیشخدمت خاصه
بحکومت بلاد ثلاثه منتظم گردید جناب معتمد الملک بمنصب جلیل سرکشیکچی باشیگری مباهی آمد نواب جهانسوز میرزا سرتیپ اول بحکومت
شاهرود و بسطام مفتخر گشت پاشاخان امین الملک بوزارت جلیله عدلیه عظمی منصوب گردید حاجی میرزا علی مشکوة الملک
بحکومت همدان سرافراز شد (چین) معاهده مابین چین و ژاپن در الفت و دوستی (ژاپن) ایجاد مدرسه دار الفنون
برای تعلیمات علوم فرنگی در پایتخت **اروپا** (اطریش) تفویض وزارت خارجه بکنت اندراسی که یکی از اهالی مجارستان است
(آلمان و فرانسه) پذیرائی رسمی پادشاه پروس در قصر سلطنتی ورسایل حوالی پاریس در اول عید فرنگیان که مقارن اواسط
زمستانست محاصرهٔ پاریس و قلعه جات اطراف آن باکمال شدت بیست و یکروز تمام نارنجک توپخانه پروس بشهر پاریس میبارید
تفویض امپراطوری تمام ممالک آلمان بمیل اهالی آنمملکت بپادشاه پروس و تاجگذاری ایشان اهالی شهر پاریس یعنی جمهوری طلبان
سخت در صدد انهدام و حریق دار الحکومه شهر پاریس هستند مراوده مسیو ژول فاور با مسیو بیزمارک در ورسایل و خواهش
متارکه نمودن از مسیو بیزمارک و قبول او بشرط اینکه اهالی فرانسه وضع دولت معینی اختیار کنند انتخاب وکلای ملت در ولایات
فرانسه برای تعیین شئون در پاریس بتوسط عساکر آلمان و جریمه نمودن امپراطور آلمان اهل شهر پاریس را بچهل کرور تومان ایران
عدهٔ عساکری که در اینوقت دولت آلمان در خاک فرانسه حاضر کرده بودند نهصد و شصت هزار مرد و دویست هزار اسب
بود و از ابتدای جنگ تا کنون صد و هفده هزار و بیست و نه نفر از قشون آلمان تلف شده بودند هفتاد و دو بیرق و پنجهزار و هشتصد و
هفده توپ و صد و هفتاد و یک عراده توپ صحرائی و چهار صد هزار اسیر از قشون فرانسه بتصرف عساکر آلمان در آمده بود
تغییر وضع دولت جمهوری در مملکت فرانسه بریاست مسیو طیر بنصب مسیو ژول فاور بوزارت خارجه گفتگوی او با مسیو بیزمارک
بجهة عمل مصالحه بالاخره در بیست و ششم فوریه امضای عهد مصالحه از طرفین در ورسایل شد بشروط مفصله ذیل

اولا

اولاً واگذاشتن ایالتین الساس و لرن با امپراطور المان ثانیاً معادل هزار کرور تومان ایران خسارت جنگ دادن ثالثاً قلعه جات
متس و استراسبورگ را ملک طلق دولت المان دانستن بعد از انعقاد مصالحه جمیع سلاطین کوچک المان از خاک فرانسه معاودت
باوطان خود نمودند امپراطور المان نیز در بهار بعد از اینهمه فتوحات نمایان برلن پای تخت خود وارد گردید و ناپلئون سیم امپراطور
سابق فرانسه را از حبس خلاصی داده بسمت انگلیس روانه گردید و در قصر اسلیس هورث حوالی لندن اقامت جست افتتاح مجلس
پارلمنت المان بتوسط امپراطور بتخصیص دادن لقب شاهزادگی بمسیو بزمارک از طرف اعلیحضرت امپراطور المان واگذاشتن
دول المان اختیار عساکر بری و بحری خود را با امپراطور جدید گیلیوم پادشاه پروس جمعیت تمام ممالک المان در اینسال هشتاد
و دو کرور و صد و هفت هزار و هشتصد و چهل و نه نفر است (انگلیس) در مجلس وکلای دولت لرد گرنویل وزیر امور خارجه چندان
اهمیتی برای خیالات دولت روس در اینکه دریای سیاه برای عبور و مرور کشتیها آزاد شود قرار نداده که فی الواقع یکی از
فصول عهدنامه موسوم بپاریس که بعد از جنگ قرم منعقد شده بود دولت روس باطل میسازد ناخوشی سخت ولیعهد دولت
انگلیس در زمستان اینسال تعداد نفوس جزیره انگلیس در اینسال بشصت و سه کرور و سیصد و هفده هزار و صد و هشت
نفر رسیده است (ایطالیا) ورود ولیعهد این دولت و زوجه او بشهر رم و توطن نمودن در اینشهر تعهد نمودن پادشاه
ایطالیا که مداخله در اقتدار و حکم پاپ ننماید و در سال سیصد و بیست و دو هزار و پانصد تومان از خزانه دولت مواجب
حق پاپ برقرار کرده بلکن پاپ قبول ننمود ورود پادشاه ایطالیا بشهر رم در تابستان و این شهر را پای تخت دولت ایطالیا نمودن
و در قصر کیرینال که از پاپها بود منزل کردن بعد افتتاح راه آهن مونسنی که یکشعبه از کوه آلپ را سوراخ نموده بطور دالان و راه آهن
مملکت فرانسه را براه آهن مملکت ایطالیا اتصال دادند طول دالان مزبور دوازده هزار و دویست و بیست ذرع است و عرض
آن بقدریکه یک کالسکه میرود و یکی میآید (روس) مراوده تلگرافی بین دولت با ژاپن از ژاپن تا پطربورغ یازده هزار هزار
ذرع مسافت است و اول مخابره که از ژاپن بپطربورغ رسید در مدت ده ساعت و پنج دقیقه بود جمعیت مملکت روس در اینسال
یکصد و شصت و چهار کرور نفر رسیده است (عثمانی) فوت عمر پاشا سردار اکرم فوت عالی پاشای صدراعظم اقتدار کامل
سفیر روس جنرال اگناتیف در اسلامبول اعلیحضرت سلطان عبدالعزیز خان خیال دارد که برخلاف قانونیکه در سلسله جلیله
سلاطین عثمانیست که ولایتعهد با رشد اولاد میرسد مراد افندی ولد عبدالمجید خان مرحوم را که ولایتعهد دارد خلع نماید و
پسر سیزده ساله خود عزالدین افندی را ولیعهد سازد (فرانسه) بعد از معاودت قشون المان از اطراف پاریس ورود
وکلای ملت و رئیس جمهوری جدید بورسایل جمعی از جمهوری طلبان سخت در پاریس اسم خود را کومنیست گذاشته برضد این
دولت جمهوری برپا شده مسیو طیر که در ورسایل است مردم شهر پاریس را اغوا نموده اغلب ابنیه عالیه شهر را مثل عمارت سلطنتی
تولری دارالحکومه و عمارت وزارت مالیه و دار الشورای خاصه و عمارت وزارت عدلیه وغیرها را آتش زده و چند نفر از معارف
را که یکی از آنها کشیش بزرگ پاریس بود بقتل رسانیدند تفویض سپهسالاری کل عساکر فرانسه بمارشال ماکماهون
خراب کردن کومنیستها خانه مسیو طیر را در شهر جنگ سخت کومنیستهای شهری با قشون دولتی غلبه قشون دولتی بر یاغیان
و گرفتن سی هزار نفر اسیر از آنها وکیل نمودن جمعی از رعایا دو نفر از شاهزادهها اولاد لوئی فلیپ پادشاه سابق فرانسه را
فوت الکساندر دوما نویسنده و شاعر معروف در سن شصت و هشت سالگی زمستان سخت اینسال در پاریس که نود سال
بود زمستانی باین سختی ندیده بودند نود و دو هزار نفر از اهالی فرانسه در جنگ کشته شدند و تقریباً همینقدر
در ایام اسیری از گرسنگی و بیماری تلف شدند علاوه بر یکهزار کرور وجه نقدیکه دولت فرانسه متقبل شد که بدولت المان
تسلیم کند معادل هزار کرور تومان ایران نیز مخارج جنگ و خسارات دیگر برآورد شد سه کرور و نود و هفت هزار و دویست و بیست

هشت نفر سکنه الساس و لرن از بعیت فرانسه خارج شده جزو دولت المان شدند **امریکا** (انانوئی) شهر شیکاگو که
سیصد و ده هزار سکنه داشت در مدت پنجشبانه روز علی الاتصال مشتعل و بواسطه یانفین سیخی محترق و بیشو یا نپصد
نفر آدم تلف شده و زیاده از صد کرور تومان ایران خسارت بمردم وارد می آید (برزیل) مسافرت امپراطور و امپراطریس
بممالک فرنک و تفویض نیابت سلطنت در زمان غیبت ایشان بدختر امپراطور (پرو) در مملکت پرو یکشهری موسوم
بهوپ بواسطه طغیان آب معدوم کردید مصالحه مابین پرو و اسپانیا بوساطت دولت برزیل

سنه ۱۲۸۹ هجری سنه ۱۸۷۲ مسیحی

آسیا (ایران) از بدو این سال که خیر مآل بمیامن اقبال لایزال همایونی اسباب مزید ترقی و انتظام در کار دولت فراهم است
حکومت خمسه را بنواب والا محمد تقی میرزا رکن الدوله مرحمت فرمودند حکومت قزوین را بنواب الله قلی میرزای ایلخانی مفوض
داشتند بلخ حاجی واقع مابین استراباد و آق قلعه را با کمال استحکام ساختند اداره و رفع دولتی را باین چاکر سپرده و
باعطای یکقطعه کل کمر سرافراز فرمودند محمد کاظمخان ولد مرتضی خان قاجار منصب سرتیپی سیم یافت قاسمخان والی
حکمران فارس شب یازدهم محرم بمرض حصبه درگذشت جلال الدین میرزا ولد خاقان مغفور (فتحعلیشاه) مرحوم شد
علیقلی میرزا صارم الدوله ولد نواب عماد الدوله وفات نمود جناب آقا عبد الله مجتهد کرمانشهانی برحمت الهی پیوست
کلب حسینخان امین نظام داعی حق را لبیک اجابت گفت حکومت کرمانشهان و توابع را بعهده نواب مؤید الدوله واگذار
فرمودند حکمرانی خوزستان و لرستان را بنواب حشمة الدوله حمزه میرزا امیر جنگ مرحمت فرمودند چون جناب مستطاب
صدر اعظم جشن مولود همایون را در دو شب و یکروز از ابنا ماکان با جلوه و شکوه گرفتند و مبلغ پانزده هزار تومان
بخارج این جشن سعید رسانیدند پاس خدمات جناب معظم را یکعدد قلمدان طلا مکلل بالماس بر یلیان بجناب معظم مرحمت
فرمودند حکومت بروجرد و توابع بعهده نواب اعتضاد السلطنه وزیر علوم مرحمت شد حکومت یا لتکیلان را
بدوستعلیخان نظام الدوله وزیر مالیه تفویض فرمودند فوج سر دار ترکمان که یاد و هزار سوار ترکمه بعزم تاخت
و تاز بسرحدات خراسان آمده بود خود او و اکثری از همراهانش مقتول و اسیر سپاه منصور شدند مستر الیسون وزیر
مختار دولت انگلیس در دار الخلافه طهران وفات نمود رکیبخانه مبارکه را بعهده غلام محسینخان پیشخدمت خاصه
واگذار فرمودند امر کشیکخانه مبارکه و منصب جلیل کشیکچی باشیگری را بجناب علاء الدوله واگذار نمودند میرزا صادق
قایم مقام که چند سال بود بنا خوشی فلج و امراض دیگر مبتلا بود در این اوان برحمت الهی پیوست در ماه ربیع الاول
اینسال را بورتی جناب مستطاب صدر اعظم بجهة بعضی تغییرات و ابداع رسوم جدیده نوشته موشح و ممضی بامضای
همایونی داشتند منصب ایلخانی کری ایل جلیل قاجار را بنواب والا اعز الدوله عبد الصمد میرزا مرحمت فرمودند محمد تقیخان
افشار پیشخدمت خاصه که اصطبل توپخانه مبارکه نیز بعهده معزی الیه است بلقب حاجب الدوله و منصب فراشباشیگری
برقرار و باعطای یکقبضه عصای مرصع سرافراز گردید نواب ملک آرا ولد خاقان مغفور (فتحعلیشاه) برحمت الهی رفت
حضرت شاهنشاهزاده اجل اعظم ظل السلطان حکمران فارس با عطای یکقطعه نشان امیر نویانی از درجه اول
مباهی گردید بمراجعت بمقر حکمرانی فرمودند محمد صالح خان سرتیپ کردبچه مرحوم شد میرزا مصطفی قلیخان مستوفی نوری
درگذشت میرزا سید اسمعیل کلانتر سابق که زیاده از هفتاد سال داشت وفات نمود جناب ناصر الملک محمود خان
رئیس مجلس شورای عسکریه بمنصب امیر تومانی سرافراز شد میرزا فضل الله نوری وزیر نظام سابق که تقریباً هشتاد
سال داشت مرحوم شد میرزا رضای نجم الملک نیز برحمت ایزدی پیوست مرحومین اینسال اغلب بمرض حصبه که از ابتدای

غلا بروز کرده بود مبتلا بوده اند حکومت اردبیل را بمحمد حسینخان سرتیپ شاهسون محول فرمودند جناب اشرف پاشا
وزیر مختار دولت عثمانی مامور اقامت دربار دولت علیه در عشر آخر ربیع الثانی وارد دار الخلافه شده بحضور مبارک
تشرف جستند و غره جمادی الاولی موکب همایون عزیمت ییلاق لار فرمود جناب آخوند ملا زین العابدین مجتهد گلپایگانی
که هشتاد سال از سنین شان گذشته بود بجوار رحمت الهی پیوستند حاجی میرزا رحیم پیشخدمت و ناظم دفترخانه مبارکه مرحوم
شد امسال برخلاف سال قبل آبها زیاد زراعتها خوب محصولات وافر انواع نعمتها و ارزاق فراوان و ارزان و قاطبه
مردم مرفه و شاکر هستند قتل و اسر و تنبیه طایفه تراکمه طاغیه در حدود خراسان راه آن آمل بدار الخلافه را باسر
همایون میسازند میرزا ملکم خان ناظم الملک لقب یافت بشیرخان آغا باشی مرحوم شد و حاجی آغا جوهر بمنصب
خواجه باشیگری سرافراز شد موکب همایون از لار تشریف فرمای ساحت نور و کجور و ساحل دریای خزر شده مراجعت
بشهرستانک فرمودند محمد حسینخان ولد محمد تقیخان حاجب الدوله بمنصب پیشخدمتی حضور همایون سرافراز و محمدخان
ولد بکر حاجب الدوله بنیابت معزی الیه بریاست اصطبل توپخانه مبارکه برقرار آمد شوکتخان سرتیپ ولایت افشار بلقب اقبال
الملک ملقب شد نواب نیرالدوله مجددا بحکمرانی ترشیز برقرار گردید عبدالباقیخان افشار مجددا بحکومت جام باخرز نایل آمد
عبدالله خان ولد جناب علاء الدوله بمنصب قوللر آقاسی باشیگری مفتخر گردید محمد حسنخان ولد مهتر جناب علاء الدوله
بمنصب تفنگچی باشیگری سرافراز شد میرزا کاظم گیلانی که از فحول حکما و اطبا است بلقب ملک الاطبائی سربلند آمد حضرت
شاهنشاهزاده اجل اعظم ولیعهد دولت علیه ایران سلطان مظفرالدین میرزا دام الله اقباله العالی که احضار
بدار الخلافه شده بودند روز هشتم شعبان وارد شدند موکب همایون روز چهاردهم شعبان تشریف فرمای عمارات
سلطنتی دار الخلافه گردید و در این روز یکقوطی جعبه ترمه و مروارید شمسه مرصع بجناب مستطاب مشیرالدوله صدراعظم
مرحمت و اعطا فرمودند میرزا ملکم خان ناظم الملک مستشار صدارت عظمی بنشان تمثال همایون درجه افتخار یافت
مکتب مجانی از برای تحصیل السنه خارجه و علوم متنوعه باهتمام مولف دایر شد ناظم الملک میرزا ملکم خان بوزارت
مختار و ماموریت باقامت لندن و اعلان عزیمت موکب اعلی در سال آینده بفرنگستان در نیمه رمضان روانه فرنگستان
شد دکتر طولوزان فرانسوی حکیمباشی مخصوص اعلیحضرت همایون که موقتا رخصت مسافرت بفرانسه یافته بود
این اوقات معاودت کرده بخاکپای همایون مشرف و بیکقوطی انفیه دان مرصع بالماس سرافرازی حاصل نمود جناب
حسنعلیخان که سابقا از جانب دولت علیه در فرانسه و بعد در اسلامبول وزیر مختار بودند بوزارت فواید عامه
منصوب گردیدند حضرت شاهنشاهزاده اجل اعظم کامکار ولیعهد دولت ابد آیت را بیکقطعه نشان از درجه اول
امیر نویانی مکلل بالماس بریلیان قرین اعزاز فرموده و پس از رخصت ملوکانه معاودت بمقر حکومت آذربایجان فرمودند
جناب اشرف پاشا وزیر مختار دولت عثمانی بباب عالی احضار و جناب منیف افندی بجای او برقرار گردید و حین روانگی
اشرف پاشا جناب معزی الیه را بنشان اول شیر و خورشید و حمایل سبز و عطای یکقطعه قوطی انفیه مکلل بالماس باطغرای
ملوکانه مباهی فرمودند و قوطی مزبور صله قصیده غرائی بود که در مدح اعلیحضرت همایون انشاد کرده بود حاجی
شهاب الملک امیر توپخانه مبارکه بحکومت خراسان سرافرازی حاصل نمود در اوایل ماه ذیقعدة الحرام لایحه جناب
مستطاب مشیرالدوله صدر اعظم در باب تشکیل دربار اعظم نوشته بعرض حضور همایون رسانیدند و صورت آنکه
بدستخط مبارک موشح گردید و در آن لایحه ترتیب و تعداد وزارتخانهای دربار دولت از اینقرار بود (وزارت
داخله) (وزارت خارجه) (وزارت جنگ) (وزارت مالیات) (وزارت عدلیه) (وزارت علوم) (وزارت

فواید

فوائد) (وزارت تجارت و زراعت) (وزارت دربار) (صدارت عظمی) که مسئولیت کل وزارات و ادارات دولتی بر
عهدهٔ صدر اعظم است نواب عزالدوله بحکمرانی ولایت مازندران منصوب کردیدند ایجاد سالنامه در دولت علیه شد
ایجاد چراغهای پامپ چودن برای خیابان ناصریه و غیره نیز از مخترعات این سال است جناب کنت دوبسیکی وزیر مختار دولت
آستریه که علاوه بر ماموریت واقامت دربار همایون مامور بعوث اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی بمملکت آستریه
و تماشای بازار اکسپوزیسیون وینه بود بیستم ذیقعده وارد دار الخلافه شده شرفیاب حضور مبارک کردید و نامه
اعلیحضرت امپراطور را با بعضی هدایا تبلیغ کرد میرزا یوسفخان مستشار سابق دیوان عدالت بنیابت وزارت خارجه و
مباشرت مهام خارجه آذربایجان برقرار کردید میرزا نصرالله خان منشی خاصه وزارت خارجه بنیابت وزارت خارجه نائل
آمد میرزا محمود خان وکیل بکار پردازی حاجی ترخان مامور کردید نزدیک آخر اینسال اخیر ما کل حقوق دیوانی عموم طبقات
نوکر از جیره و مواجب و علیق الدواب باهتمام جناب صدر اعظم پرداخته شد در ماه ذیحجه اینسال امتحانی از متعلمین
مکتب مجانی که باهتمام بندهٔ مؤلف دایر است بعمل آمده بعد از تحقیقات شایسته جناب صدر اعظم مکتب مزبور را باسم
خود موسوم و مکتب مشیریه نامیدند و بسیاری از متعلمین را بمدال و نشان نقره و مس انعامات مفتخر داشتند
یکقطعه نشان اقدس که اول نشان این دولت ابد آیت است بجناب مستطاب صدر اعظم اعطا و مرحمت شد پاشا خان
امین الملک وزیر عدلیه در بین راه حضرت شاهزاده عبدالعظیم علیه السلام روز هیجدهم ذیحجه از درشکه پرت شده
و بهمان صدمه روز نوزدهم مرحوم شد نواب والا معتمد الدوله حکمران کردستان را موقتاً از محل حکمرانی خود بدار
الخلافه احضار فرمودند که در غیاب موکب همایون در اوان تشریف فرمائی بفرنکستان معاونت حضرت اجل اعظم
شاهنشاهزاده والا نایب السلطنه امیر کبیر بمهام کشوری و لشکری رسیدگی نمایند (ژاپن) یا نقیبین سخت در شهر
یدو پای تخت فوت سیصد و پنجاه نفر بهم مکن و ماو جماعت سی هزار نفر اقتدار سلطنت جسمانی و روحانی میکادو
و فرستادن جمعی از جوانان بمملکت فرنگ بجهة تحصیل (اروپا) (اسپانیا) در ایالات بیسکای و ناوار دن کارلس
نامی از شاهزادهای اسپانیا ادعای سلطنت نموده جمعی را با خود جمع مینماید در یکی از شهرها تا بستان
جمعی قصد قتل پادشاه و ملکه را مینمایند ولی صدمه و آسیبی بآنها وارد نمیآید (المان) در دویم ماه مارس که
مقارن با روز امضاء عهدنامه صلح مابین المان و فرانسه منعقده در سال قبل بود جشنی در برلن و سایر ممالک و
بلاد المان کرفته به بیست نفر از سرداران بزرک که در آن معرکه جلادت و رشادتی بروز داده بودند از طرف امپراطور
علی قدر مراتبهم انعامات بذل و اعطا شد از جمله پرنس فردریک شارل و کنت دملتک و ژنرال دون و ژنرال منتفل
معادل چهارصد هزار تومان پول ایران که هر نفری صد هزار تومان باشد انعام داده شد مسافرت امپراطور المان بممالک جنوبی
المان بجهة سرکشی قشون آن ممالک ملاقات امپراطور روس و امپراطور اطریش با امپراطور المان در برلن و مستحکم نمودن مبانی
دوستی فیمابین را (انکلیس) نزاع عساکر هندوستان با طایفه یاغی در طرف شمال شرقی آن مملکت قتل ادمایو فرمانفرمای
هند بدست شخصی از مسلمانان نصب لرد نرتبروک بفرمانفرمائی هند جشنهای اهالی انکلیس بجهة سلامتی مزاج ولیعهد
انداختن بسمت پادشاه انکلستان و محفوظ ماندن اعلیحضرت معظم الیها از آن ابتیاع نمودن دولت انکلیس بعضی از
متصرفات هلاند را در افریقا مراجعت استنلی و خبر دادن از سلامتی لونکستن مسافر معروف دولت انکلیس شش
کرور و دویست و پنجاه هزار لیره بدولت اتازونی ینکی دنیا خسارت کشتی موسوم بالاباما که در بنادر انکلیس ساخته
شده و در جنک مابین ایالتین شمال و جنوب اتازونی اهالی جنوب آن کشتی را ابتیاع نموده و بمعاونت آن خسارات

کلی بایالات شمالی رسانیدند سیدهد (ایطالیا) فوت مازینی از معارف طاغیان کوه آتش فشان وزوو (روس)
افتتاح راه آهن تفلیس به بندر پوطی انعقاد عهد الفت دولتین روس با خان کاشغر تزلزل و اندیشه خان خیوه از عساکر
روس بروز وبا در ایالات جنوبی مرکز مملکت (سوئد و نروج) فوت شارل پانزدهم پادشاه آن مملکت و نصب اسکار دوم
برادر او بجای او (عثمانی) عزل و نصب کلی در این مملکت تغییر صدارت روز و رای جنگ بنوا نزد صدارت مدحت پاشا آنگاه
محمود پاشای صدر اعظم سابق با اخذ پول زیاد از صرافان فرنگ فتح عساکر عثمانی قلعه مستحکم صنعا را در عربستان اختیار
تام دادن در جمیع امور از طرف اعلیحضرت سلطان بخدیو مصر منازعه عساکر مصریه با امپراطور حبشه (فرانسه) فوت
مارشال وایان از سرداران خیالات رئیس جمهور در انتظامات داخله و دادن وجه مقرر خسارت جنگ را بدولت المان
که نود مالک فرانسه را تخلیه نمایند امریکا (اتازونی) در ظرف مدت سیزده سال هفصد و ده هزار و چهارصد و
بیست و پنجنفر از اهالی المان و یک کرور و شصت هزار و هشتصد و سی و یکنفر از مردم ارلند و هفتصد و پنجاه و یک
هزار و هفتصد و شصت و نه نفر انکلیس بخاک اتازونی مهاجرت نموده در آنجا سکنی و جا کرفتند خشکسالی و بارندکی
نشدن در ایالات نیورک هلاک جمع کثیری از حدت حرارت آفتاب در این سال شصت هزار و هشتصد و پنجاه و دو
میل امتداد راههای آهن اتازونی است (مکزیک) فوت ژوارز رئیس جمهوری و نصب لرد تژادا بجای او

سنه ۱۲۹۰ هجری — سنه ۱۸۷۳ مسیحی

آسیا (ایران) کلیه امور دولتی در اینسال بخیر مآل بتوجهات خاطر خطیر همایون منظم است حاجی محمد قلیخان آصف الدوله
بوزارت علیه عظمی منصوب کردید میرزا محمد قوام الدوله وزیر محاسبات مرحوم شد و جناب میرزا هدایت الله وزیر لشکر
سابق بوزارت دفتر برقرار آمد جناب میرزا محمد حسین دبیر الملک علاوه بر وزارت رسایل بوزارت اخلر مباهی و نایل کشت
امور چاپارخانهای ممالک محروسه را بامیرزاده مهدیقلی میرزا ولد مرحوم حاجی محمد ولی میرزا واکذار فرمودند جناب مسیو طامسن
وزیر مختار دولت انکلیس مامور اقامت دربار دولت علیه وارد دار الخلافه کردید جشن عید مولود مسعود اعلیحضرت شاهنشاهی
جناب مستطاب صدر اعظم باکمال شکوه مانند سال قبل کرفتند بنده مولف با عطای یکقطعه نشان از درجه ثانیه شیر و خورشید
سرافراز شد جناب نظام الملک بحکومت یزد منصوب کردید دوستعلیخان نظام الدوله در سن پنجاه و چهار سالکی بمرض محرقه
مرحوم شد محمد قاسمخان پسر مرحوم فتحعلیخان ملک الشعرا برحمت ایزدی پیوست این اوقات که عزیمت سفر فرنکستان نزدیک
شده قشون ظفر نمون حاضر رکاب اعلی تماما یکروز بامر همایون در بیرون دروازه دولت حاضر شده سان دادند و مورد الطفات
و تفقدات و عنایات ملوکانه کردیدند حاجی شهاب الملک والی خراسان بعضی از اشرار ترکمن را تنبیه نموده است میرزا رضاخان
اجودان صدارت بمنصب سرتیپی سیم مفتخر کردید محمد آقای سرتیپ شارژدافر سابق دولت علیه مقیم لندن بنیابت اول وزارت فواید
برقرار کردیدند از وقایع معظمه اینسال سفر خیریت اثر اعلیحضرت همایونست بفرنکستان که سابقا نیز بدان اشاره نموده ایم
و شرح اینسفر سعادت اثر نیز چون سایر اسفار ملوکانه بقلم معجز رقم خسروانه مرقوم شده است ولی ما با ختصار اینسفر عظیم را
مسطور میداریم

روز بیست و یکم صفر المظفر اینسال از دار الخلافه باهره اشهاض فرموده نیاوران سرپرست فرمای فرمای کردیدند شنبه دوازدهم
ربیع الاول شهرستنک بوده مسعود همایون مزین کردید امروز پرنس تخیکوف و کلنل هرالک که از جانب دولت روس
مامور مهمانداری موکب معلی هستند و از پطرزبورغ با میرزا عبد الرحیمخان ساعد الملک سفیر دولت علیه مقیم پطرزبورغ
قبل از ورود برشت باردوی همایون پیوستند روز یکشنبه سیزدهم بعزم انزلی اشهاض فرموده دوشنبه چهاردهم

میرزا کاظم

بکشتی مخصوص دولت روس نشسته بطرف حاجی ترخان و روسیه حرکت فرمودند ملتزمین رکاب اعلی در سفر خیر اثر فرنگستان از اینقرار هستند

در کشتی مخصوص همایونی

(جناب مستطاب صدر اعظم حاجی میرزا حسینخان) (جناب معتمد الملک) (جناب عضد الملک) (منشی حضور) (امین السلطان) (امین السلطنه) (مهدیقلیخان پیشخدمت خاصه) (دکتر طولوزان حکیمباشی مخصوص) (عکاسباشی) (غلامحسینخان زین دار باشی) (محمد حسینخان محقق) (امین خلوت) (فرخ خان) (امیرزاده وجیه الله میرزا) (جعفر قلیخان) (حاجی محمد خان قهوه چی باشی) (آقا رضا دهباشی) (میرزا عبدالله فراش خلوت) (میرزا عبد الرحیمخان ساعد الملک) (سلطان حسین میرزا) (آقا محمد علی) (آقا حسینعلی آبدار) (آقا باقر) (جبار قهوه چی) (بنده مؤلف)

در کشتی دیگر

(نواب والا عز الدوله عبد الصمد میرزا) (نواب اعتضاد السلطنه وزیر علوم) (نواب حسام السلطنه) (نواب والا نصرة الدوله) (نواب عماد الدوله) (جناب علاء الدوله) (جناب حسنعلیخان وزیر فواید) (جناب الله قلیخان ایلخانی) (میرزا قهرمان امین لشکر) (امیرزاده احتشام الدوله سلطان اویس میرزا) (حکیم الممالک) (نصر الملک سرتیپ اول) (جناب مخبر الدوله) (محمد باقرخان شجاع السلطنه) (حسینعلیخان ژنرال اجودان) (میرزا رضاخان سرتیپ اجودان صدارت) (ابراهیمخان نایب) (میرزا احمد خان ولد جناب علاء الدوله)

از فرنگیها که در کشتی ثانی بودند

(جناب مسیو دبیکی وزیر مختار عثمه) (جناب مسیو طومسن نایب سفارت انگلیس) (مسیو دیکسن حکیم انگلیسی)

روز چهارشنبه شانزدهم ربیع الاول بحاجی ترخان بورود مسعود حضرت مزین آمد و شرایط تشریفات قدوم همایونی را کاملا فراهم آورده بودند پرنس منچیکوف و کلنل بزاک باتفاق جناب صدر اعظم از حاجی ترخان باجازه همایونی از جلو بمسکو رفتند روز پنجشنبه هفدهم پس از تماشای اماکن متنزهه و آثار قدیمه حاجی ترخان از رود ولکا بواسطه کشتی عزیمت سارتیسین فرموده عصر روز هیجدهم بشهر سارتیسین نزول اجلال فرمودند در اینجا نیز تشریفات مقرره قدوم سلطنت بعمل آمده بود از اینجا بکالسکه بخار نشسته روانه مسکو شدند پرنس دالغوروکی حاکم شهر مسکو باستقبال موکب همایون آمد و با تشریفات تمام بشهر مسکو ورود فرمودند منزل اعلیحضرت همایون و ملتزمین رکاب در عمارت کرملین بود که مزین بانواع اسباب گرانبهای نفیس و از ابنیه عالیه سلطنتی و مقر سلاطین قدیم روسیه است یکشنبه هم در خانه پرنس دالغوروکی بیال تشریف فرما شدند و روز بیست و سیم عزیمت پطرزبورغ فرموده روز بیست و چهارم بشهر پطرزبورغ نزول فرمودند اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روس الکساندر دویم با نواب ولیعهد و سایر شاهزادگان خانواده سلطنت در گار باستقبال حاضر بودند و اعلیحضرت شاهنشاه ایران را با کمال گرمی پذیرفته با تشریفات تمام بعمارت سلطنتی ورود دادند و نشان سنت آندره که اعظم نشانهای دولت روس و مکلل بالماس است با حمایل آبی از جانب اعلیحضرت امپراطور آورده باعلیحضرت شاهنشاه ایران اهدا و تقدیم نمودند و از پذیرائی قدوم مبارک دقیقه فروگذار نکردند بعد از آن همایون یکروز بمیدان مشق و یکروز بتماشای موزه ارمیتاج و یکروز بتماشای مشق سواره نظام و یکروز بتماشای ضرابخانه دولتی و یکروز بتماشای ضرابخانه
پطرهوف و کرنشتاد و یکشب در شهر سارسکوسلو بدعوت بشام تشریف فرما شده و در این شب اعلیحضرت امپراطور بجمیع ملتزمین رکاب اعلیحضرت شاهنشاهی عطای نشان و انگشتری و ساعت و غیره فرموده روز دوم ربیع الثانی

اعلیحضرت

اعلیحضرت همایونی بعد از وداع با اعلیحضرت امپراطور از راه ویلنا که شهر روس و کونیکسبورغ که شهر پروس است عزیمت المان
و پروس فرموده و روز چهارم عازم برلن گردیدند عصر وارد کار برلن شده اعلیحضرت امپراطور گلیوم و نواب ولیعهد
پسر ایشان و سایر شاهزادگان خانواده سلطنت و وزرا و ارکان دولت همه سر راه حاضر بودند اعلیحضرت همایون با
اعلیحضرت امپراطور در کالسکه سربازی نشسته بقصر سلطنتی تشریف فرما گردیدند روز پنجم بسیاحت شهر پتسدام که خارج
برلن است تشریف فرما گردیده و روز ششم بسیاحت باغ وحش برلن و بعضی اماکن دیگر شهر و روز هفتم بسیر اکواریوم
یعنی جائیکه حیوانات و نباتات دریائی را بجهة تماشا نگاه میدارند و روز هشتم بتماشای میدان مشق و افواج سواره
و پیاده بجبه خانه تشریف فرما شده و روز نهم نشان اکلیل نوار مکلل بالماس با حمایل زرد از جانب اعلیحضرت امپراطور باعلیحضرت
شاهنشاهی تقدیم شد آنگاه با کالسکه بخار تشریف فرمای شهر پتسدام شدند روز دهم بپارلمنت تشریف برده و بعد از آن
با اعلیحضرت امپراطور وداع فرموده روز یازدهم عازم شهر کلون و ویسبادن شدند یکساعت بغروب مانده بکارخانه کروپ
رسیدند مسیو کروپ صاحب کارخانه یکعراده توپ پیشکش نمودند بسیار اعلی پیشکش قدم مبارك نمود شب شهر کلون منزل موکب
همایون بود روز دوازدهم بعد از تماشای باغ نباتات و باغ وحش کلون حرکت فرموده تا بشهر بن رسیدند از آن گذشته بشهر
کوبلنس و از آنجا عبور کرده بعد از طی مسافت زیاد بشهر ویسبادن ورود فرمودند روز سیزدهم قصبه ارس تین و قصبه ابرنش
بمقدم همایون مزین آمد روز چهاردهم عزیمت شهر فرانکفرت فرمودند و بعد از سیاحت و بازدید آن شهر بویزباد مراجعت نموده
شب را در آن شهر بسر بردند روز پانزدهم بعزم بادن باد انتهاض فرمودند و از شهرهای ماینس و فرانکفرت و دارمستاد عبور نموده
بشهر هیدلبرغ که اولخاك گراندوك بادن است رسیدند پس از آن بشهر کارلسروه که پایتخت گراندوك بادن است ورود فرمودند
گراندوك با جمیع بزرگان مملکت در کار حاضر بودند در اینجا صرف غذا و قدری گردش فرموده آنگاه با راه آهن ببادن باد
تشریف بردند روز شانزدهم گراندوك ولیعهد ببادن باد آمده و در اینجا منزلها بسیار خوبی بود و از آنجا بویزباد معاودت فرمودند
روز هفدهم با کشتی بخار از رودخانه رن عزیمت مملکت بلژیك فرموده اول بشهر کوبلانز و بعد بشهر بون رسیده از کشتی
بیرون آمده تا بشهر کولن راندند و از آنجا قصد سرحد بلژیك نموده از شهر دورن و بعد از شهر اکس‌لاشاپل که تا اینجا از
شهرهای المان است گذشته رسیدند برودخانه کوچکی که سرحد بلژیك و المان است از آنجا نیز تجاوز نموده وارد شهر
اسپا که اولخاك بلژیك است گردیده بعد از دو روز توقف روز سیم عزیمت بروکسل پایتخت بلژیك فرمودند بعد از ساعتی
بشهر لیژ که کارخانهای تفنگ سازی و کالسکه بخار سازی معتبر دارد رسیدند از آنجا گذشته بعد از دو سه ساعت بشهر بروکسل
ورود فرمودند اعلیحضرت پادشاه و برادر ایشان کنت دو فلاند و غیرهما حاضر بودند اعلیحضرت همایون با اعلیحضرت لئوپلد در
کالسکه نشسته بعمارت سلطنتی رفته بعد از ساعتی اعلیحضرت همایون نشان صورت خیر و انرا برای پادشاه بلژیك فرستادند
کمال تشریف از مقدم همایون بعمل آمد لارنس صاحب و کامبل صاحب و طمسون صاحب و چند نفر دیگر از اعیان انگلیس که برای
مهمانداری آمده بودند در بروکسل بحضور همایون مشرف شدند بعد از دو سه روز توقف و تماشای همه جا و اهدای نشان
آفتاب با حمایل بملکه بلژیك روز بیست و سیم با اعلیحضرت پادشاه وداع فرموده از راه بندر استاند عازم انگلیس شدند
و در بندر مملکت فلاند از کالسکه پیاده و بکشتی اعلیحضرت پادشاه انگلستان داخل شده راندند از بندر استاند تا دوور
که اولخاك انگلیس است پنج ساعت راه بود پسرهای اعلیحضرت پادشاه انگلستان با وزرای دولت و اشراف لندن و کشتیهای
دولتی زیاد تا بندر دوور باستقبال آمده بودند پسر وسطی اعلیحضرت پادشاه دوك دادیمبورغ و پسر سیم پرنس آرتور نام
دارد بعد از ورود باسکله بکالسکه بخار نشسته عزیمت لندن نمودند در حوالی شهر لندن نواب ولیعهد دولت انگلیس

پرنس دوگال با جمعیتی زیاده از حد از اهل نظام وغیره حاضر شده بودند اعلیحضرت همایون پیاده شده با نواب ولیعهد در کالسکه روبازی نشسته روانه عمارت بوکنکام که عمارت مخصوص پادشاهی است شدند اعلیحضرت پادشاه انگلستان در قصر ویندزور که در شش فرسخی شهر است بودند روز بیست و چهارم که سیم روز ورود بود با جمیع ملتزمین رکاب اعلی بقصر ویندزور بدیدن اعلیحضرت پادشاه انگلستان تشریف بردند اعلیحضرت پادشاه تا پای پله قصر اعلیحضرت همایون را استقبال کردند و جمیع شرایط مودت و اعزاز ملحوظ شد بعد هالردن امیرالاند وزیر دربار پادشاهی نشان ژارتیر مکلل بالماس را که بژارتیر معروف و سوای اعلیحضرت پادشاه انگلستان که رئیس اداره این نشان اند و شاهزادگان انگلیس و سلاطین خارجه کسی دارای آن نیست بپای اعلیحضرت شاهنشاهی آورده اعلیحضرت پادشاه انگلستان و امپراطریس هندوستان برخاسته بدست خود شان نشان را به پیکر انور ملوکانه زدند و حمایلش را انداختند اعلیحضرت همایون هم نشان و حمایل آفتاب مکلل بالماس را با نشان تصویر بی نظیر مقدس همایون با اعلیحضرت پادشاه انگلستان دادند بعد از صرف نهار و تفرج مراجعت بشهر شد روز بیست و پنجم بتماشای کارخانجات ولویچ که جبه خانه و توپخانه و آهنگرخانه دولت انگلیس است و بتماشای مشق توپخانه تشریف فرما شدند بکتوریه پوینت پیشکش حضور مبارک کردند روز بیست و ششم بسیاحت باغ وحش گذشت روز بیست و هفتم برای سان کشتیهای جنگی عزیمت بندر پرتسموث فرمودند و شب را بمجلس کنسیر یعنی ساز و آواز که در عمارت آلبرت هال است تشریف بردند روز بیست و هشتم بجهت سان قشون که اعلیحضرت پادشاه انگلستان خواسته بودند عازم قصر ویندزور شدند روز بیست و نهم بگرینویچ بجهت تماشای مدرسه بحریه انگلیس تشریف برده روز سلخ ربیع الثانی بسیاحت شهر لیورپول و قصر ترنتام و روز غره جمادی الاولی عازم شهر منچستر که کارخانجات پارچه بافی وغیره است شدند روز دویم تشریف فرمای لندن شده باز هر روز و شبی بتماشای محلی و دعوت مخصوصی اوقات همایونی گذشته روز ششم برای وداع با اعلیحضرت پادشاه انگلستان به ویندزور تشریف بردند روز هفتم بعمارت بلور و روز هشتم بتماشای مریضخانه و تشریف فرما شده روز نهم جمادی الاولی عزیمت بندر شربورغ فرانسه نموده در گار ویکتوریا با نواب ولیعهد و — غیره ،
وداع کرده با کالسکه بخار حرکت فرمودند و بعد از سه ساعت وارد بندر پورتسموث شده و از اینجا با کشتی فرانسه ببندر شربورغ تشریف بردند روز دهم بکالسکه بخار نشسته از مملکت نورماندی عبور و بیست ساعت در شهر کان پای تخت نورماندی توقف کرده یکساعت بغروب مانده بپاریس رسیدند در گار با مارشال ماکماهون رئیس دولت جمهوری و دوک دوبروگلی که تازه وزیر امورخارجه شده تعارف فرمودند عمارت کرلژیسلاتیف منزلگاه اعلیحضرت همایون شد تا روز بیست و سیم موکب معلی در پاریس اقامت داشت روزی بتماشای عمارت و باغ ورسایل و روزی به برانوالید که مقبره ناپلیون اول وغیره است و روزی بلونشان برای سان قشون و روزی نیز برای اسب دوانی بلونشان و شبی بتماشای سیرک رفتند و هکذا هر شب و روز بتماشای محلی و دعوت گاهی تشریف فرما شده روز بیست و سیم جمادی الاولی از پاریس عازم دیژن که یکی از شهرهای فرانسه است شده با کالسکه بخار باینجا تشریف بردند روز بیست و چهارم از دیژن حرکت فرموده عزیمت بشهر ژنو که از شهرهای سویس است رسیدند روز بیست و پنجم و بیست و ششم بسیر دور دریاچه ژنو گذشت روز بیست و هفتم در مهمانخانه هوتل دلاپه بنهار موعود دولت سویس بودند روز بیست و هشتم از ژنو بشهر تورن پای تخت قدیم مملکت ساردن و پیه مونت تشریف فرما گردیدند اعلیحضرت ویکتور امانول ثانی پادشاه ایطالیا و نواب پرنس هومبر ولیعهد دولت و سایر شاهزادگان و رجال دولت ایطالیا در گار موکب معلی را پذیره شدند و اعلیحضرت همایون با اعلیحضرت پادشاه ایطالیا در کالسکه روباز نشسته بعمارت دولتی که برای منزلگاه اعلیحضرت

همایون است و اعلیحضرت پادشاه ایطالیا در همین عمارت منزل دارند تشریف بردند روز بیست و نهم و سلخ جمادی الاولی
در تورن اقامت شد و بتماشای ابنیه و اماکن و نزهتگاهها گذشت روز غره جمادی الثانیه از تورن بعد از وداع اعلیحضرت
پادشاه ایطالیا عازم شهر میلان شدند روز دوم از میلان عزیمت شهر سالتسبورغ که جزو مملکت اطریش است فرمودند
در استاسیون الا که سرحد ولایت ایطالیا و اطریش است مهمانداران آستریه حاضر بودند از آنجا رانده روز سیم نزدیک
غروب آفتاب باستاسیون پازنک که در دو فرسخی شهر وینه بود رسیده کالسکه ایستاد اعلیحضرت امپراطور ممسه فرانسوا ژوزف
با نواب ولیعهد و شاهزادگان آن مملکت تا آنجا باستقبال منتظر بودند پایین آمده اعلیحضرت امپراطور شرایط مودت
بجا آورده با کالسکه بخار روانه منزل که قصر لاکسانبورغ است شدند روز چهارم بقصر شونبرون ببازدید اعلیحضرت
امپراطور تشریف برده مراجعت فرمودند روز هفتم بتماشای شهر وینه و بازار اکسپوزیسیون پرداختند و تا روز دوازدهم
خاطر مبارک بتفرج و تماشای محلی مشغول بود و کمال پذیرائی تشریفات از قدوم همایون منظور داشتند روز سیزدهم
بعد از وداع با اعلیحضرت امپراطور بشهر سالسبوغ تشریف فرما گردیدند روز چهاردهم شهر انسبروک بود و مسعود
همایون شاهانه مزین شد روز پانزدهم عزیمت شهر بولون ایطالیا فرمودند روز شانزدهم در بولون توقف شد و
بگردش این شهر و نواحی پرداختند روز هفدهم عازم برندیزی که آخر بندر ایطالیاست شده روز هیجدهم به بندر مزبور
ورود فرمودند و کشتی از دولت عثمانی با اشرف پاشا مهماندار حاضر بودند روز نوزدهم عازم اسلامبول گردیده روز
بیست و دوم ببغاز داردانل رسیدند محمد رشدی پاشای صدر اعظم با رجال و صاحبمنصبان بزرگ دولت عثمانی
از اسلامبول از جانب اعلیحضرت سلطان بچناق قلعه باستقبال موکب همایون آمده بودند روز بیست و سیم کشتی آمد
تا محاذی عمارت مشهور به بیکلربیکی که برای منزل اعلیحضرت همایون تعیین شده بود اعلیحضرت سلطان که در عمارت
بیکلربیکی بودند سوار قایق مخصوص که برای اعلیحضرت همایون حاضر کرده بودند شده بکشتی سلطانیه آمده از اعلیحضرت
شاهنشاهی پذیرائی شایان نموده و متفقا در قایق نشسته باسکله تشریف فرما شده بعمارت صعود فرمودند و مراسم
تشریفات مقدم مبارک کاملا بعمل آمد و تا روز بیست و نهم اعلیحضرت همایون شهریاری در شهر اسلامبول اقامت و هر
روز و شبی بتماشای محلی تشریف فرما شده و در هر موقعی از ذات همایون پذیرائی شایان نموده روز غره رجب بعد از
وداع اعلیحضرت سلطان در کشتی سلطانیه نشسته عزیمت پوطی نمودند روز چهاردم به بندر پوطی رسیده پرنس
منچیکوف و کلنل بزاک مهمانداران سابق دولت روس باز اینجا آمده مشغول پذیرائی مقدم مبارک شدند و از
کشتی سلطانیه بکشتی بخار کوچکی که از طرف پوطی آمده نقل مکان کردند نواب گراندوک میشل برادر اعلیحضرت
امپراطور روس که جانشین و فرمانفرمای قفقاز است با صاحبمنصبان در اسکله حاضر بودند بعد از تعارفات با کالسکه
بخار براه افتادند و فردا صبح بتفلیس رسیدند در اینجا نیز تشریفات کامله بعمل آمد روز هفتم از تفلیس عزیمت بادکوبه
فرمودند روز هشتم تشریف فرمای گنجه و روز نهم بطرف توپانچای و روز یازدهم دو ساعت از شب گذشته بشهر بادکوبه
ورود فرموده و بکشتی نشسته بطرف انزلی حرکت فرمودند روز چهاردهم رجب بانزلی شرف ورود ارزانی فرموده عموم
اهالی ممالک محروسه از سلامت و معاودت اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی قرین تشکر کامل گردیدند و روز سلخ رجب
المرجب دار الخلافه باهره طهران بمقدم مبارک مزین و مشرف شد

هم از وقایع حزن انگیز اینسال رحلت نواب علیه عالیه مهد علیا والده معظمه اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی است که روز
ششم ربیع الثانی در دار الخلافه طهران بجوار رحمت الهی پیوستند عباسقلیخان سردار لاریجانی بیست و هفتم ربیع

الاول مرحوم شد نواب فخر الدوله عمه محترمه اعلیحضرت همایون شب بیستم شهر جمادی الاولی برحمت ایزدی پیوست
جناب حاجی سید اسدالله مجتهد اصفهانی ولد مرحوم حاجی سید محمد باقر از اجله علمای اصفهان داعی حق را لبیک اجابت گفت جناب
حاجی میرزا حسینخان مشیر الدوله صدراعظم بعد از ورود موکب مسعود بممالک ایران از این منصب استعفا کرده در رشت
متوقف گردید وزارت جنگ و امارت توپخانه مبارکه و قورخانه کما فی السابق بعهده کفایت نواب والا نصرة الدوله موکول
آمد مجلس دربار با اجزای مسطوره در ذیل تشکیل یافت (جناب اجل میرزا یوسف مستوفی الممالک وزیر داخله و رئیس
کل دفاتر و محاسبات و خزانه و غیره و رئیس دار الشوری و ناظم دار الخلافه و خالصجات) (نواب والا نصرة الدوله وزیر جنگ)
(نواب اعتضاد السلطنه وزیر علوم) (نواب عماد الدوله وزیر عدلیه اعظم که تازه باین منصب نبیل نایل شده) (جناب میرزا
سعیدخان مؤتمن الملک وزیر امور خارجه) (جناب نصیر الدوله وزیر تجارت) (جناب مجد الملک وزیر وظایف) (جناب
میرزا علیخان منشی حضور و وزیر رسایل) جناب اجل آقای مستوفی الممالک باعطای قلمدانی مرصع بجواهر مباهی گردیدند
جناب علاء الدوله که علاوه بر منصب کشیکچی باشیگری در سفر فرنگستان موقتا بسمت ایشیک آقاسی باشیگری معزز شدند
در این اوان اداره فراشخانه مبارکه و باغات و عمارات دولتی را مزید بسایر مشاغل جناب معزی الیه نموده باعطای یکقبضه
عصای مکلل بالماس بریلیان مباهی آمدند آقا رضای عکاسباشی و پیشخدمت مخصوص خازن صرف جیب و اجودان مخصوص
حضور همایون گردید بنده مؤلف بمنصب معاونت دیوانخانه عدلیه اعظم مفتخر و سرافراز آمد برای هر یک از ولایات
ممالک محروسه نیز مقرر شد عدلیه خانه موضوع و برقرار شود و رئیس آن از طرف وزارت عدلیه دار الخلافه معین گردد
روز هیجدهم شعبان موکب معلی تشریف فرمای مدرسه مبارکه دار الفنون و مریضخانه دولتی شده وضع انتظام این دو دایره
جلیله پسند خاطر مبارک افتاد نواب اعتضاد السلطنه وزیر علوم را بکتوب سرداری ملبوس مبارک مفتخر فرمودند حکمرانی
عراق را بجناب دبیر الملک واگذار فرمودند جناب میرزا علیخان وزیر رسایل بلقب جلیل امین الملک ملقب گردید حسنعلیخان ژنرال
آجودان را بحکومت ولایات اردبیل و مشکین و ایلات شاهسون آنجا منصوب فرمودند جناب عضد الملک را علاوه بر منصب
جلیل خوانسالاری و خازنی مهر مهرآثار بمنصب ایلخانی گری ایل جلیل قاجار سرافراز فرمودند جناب کنت د پسکی وزیر مختار
دولت نمسه بدربار دولت علیه عود کرده روز پنجم رمضان وارد دار الخلافه گردید بمحض مرحمت مخصوص از جانب سنی
الجوانب همایون درباره حضرت مستطاب اجل شاهنشاهزاده معظم ولیعهد دولت علیه ادام الله اقباله العالی یکقبضه شمشیر
مکلل بالماس گرانبها بافتخار حضرت معظم مرحمت فرمودند جناب صاحبدیوان بمنصب و لقب جلیل وزیر نظامی و بکتوب جبه
شمسه مرصع خلعت سرافراز گردیده معاودت باذربایجان کرد ابلاغ اوامر علیه بمجلس شورای کبری و عرض عرایض وزرای فخام
بخاکپای مبارک بر عهده امین السلطنه پیشخدمت خاصه مقرر آمد جناب مسیو ملینه که از جانب دولت فرانسه بسمت وزیر مختاری
مامور دربار دولت علیه بود وارد دار الخلافه گردید نواب شعاع الدوله بحکومت همدان سرافراز آمد نواب محمد امین میرزا
بحکومت گلپایگان و خوانسار مباهی گردید انجام خدمات مسطوره در ذیل بعهده میرزا قهرمان امین لشکر موکول گشت
(وصول وجوه نظام از ولایات ممالک محروسه) (تصدیق امر ملبوس کل قشون) (رسیدگی بامور جبه خانه نظام و رسیدگی بامور
محاسبه قورخانه ممالک محروسه) حاجی میرزا یحیی خان نایب نور بود یکی از نوکرهای او بزخم چهارپاره از پا درآورد امیر علیخان
حشمة الملک امیر تومان که در سیستان خدمت کرده بود بیکقبضه شمشیر مرصع مکلل بالماس مفتخر گردید فوج بهادران
تبریز را علاوه بر فوج ششم اقبال جمعی محمد باقرخان شجاع السلطنه معزی الیه ابواب جمع فرمودند وزارت عسکریه باهتمام
حضرت نبیل اعظم شاهنشاهزاده والا نایب السلطنه امیر کبیر ادام الله اقباله العالی و نواب حسام السلطنه و نواب

معین الدوله وجناب ناصر الملك و میرزا موسی پیشکش فتر لشکر نهایت منظم است و وزارت امور خارجه را بر عهده کفایت جناب
حاجی میرزا حسینخان مشیر الدوله مفوض فرمودند امیرزاده هوشنك میرزا ولد مرحوم ملك آرا را بایلخانی کری یکهزار سوار
افشار رودوبرن وغیره ولقب ایلخانی سرافراز فرمودند نصر الله خان حاکم کرکان رود بمنصب سرتیپی سیم اللهیار خان حاکم
اسالم بمنصب سرهنگی مباهی آمد خدمت تولیت آستان ملایك پاسبان حضرت رضوی سلام الله علیه را بجناب میرزا سعید خان
مؤتمن الملك رجوع فرمودند میرزا عبد الغفار معلم کل علوم ریاضی بمنصب منجم باشیکری و لقب نجم الملکی و خلعت همایون
سرافراز شد عبد الحسین خان ولد مرحوم خانبابا خان سردار بلقب و منصب ژنرال اجودانی واعطای یکقطعه نشان و
حمایل از درجه دویم سرتیپی مباهی کردید بنده مؤلف بلقب و منصب مقدم السفرائی سرافراز آمد اداره عمارات وباغات
مبارکات را با علم احتساب بنزیجا کرواکذار فرمودند حاجی میرزا محسنخان وزیر مختار اسلامبول بلقب نبیل معین الملکی سر
افراز آمد (چین) خاقان چین که طفل بود وبسن بلوغ رسیده خود کفیل امور سلطنت میشود (ژاپن) مسافرت نواب
کراندوك الکسیس پسر اعلیحضرت امپراطور روس بمملکت میکادو عید نود وزفرنگیها را حشیت کرفته سفرائی را که در دربار
او هستند پذیرائی میکند اروپا (اسپانیا) شورش هواخواهان دن کارلس فوت وامدادی که بهرسانیده ودولت
هسپانیادی جهت دفع یاغیان می بیند همچنین شورش اهالی جزیره کوبا استعفا آمیه دویم پادشاه حدید از سلطنت
ورفتن پادشاه باخانواده خود بپرتوغال تجدید وضع جمهوری نمودن فتوحات دن کارلس دراغلب نقاط (اطریش)
فوت امپراطریس کارولین اگوستا از اقوام امپراطور مقرر داشتن قشون دولت اطریش را هشتصد هزار افتتاح اکسپوزیسیون
صنایع در اول ماه مه در وین ورود اعلیحضرت امپراطور روس ولیعهد ایندولت بتماشای اکسپوزیسیون در اول ماه ژون ورود
امپراطریس المان در اواخر همین ماه ورود اعلیحضرت شاهنشاه ایران بوین در سی ویکم ژولیه ملاقات امپراطور ایطالیا
وامپراطور اطریش در وین اختتام اکسپوزیسیون در دویم نوامبر جشن سال بیست وپنجم جلوس اعلیحضرت امپراطور در اغلب
نقاط کرفتند (المان) ورود سفرای ژاپن در برلن شورش در فرانکفر که استعمال حربیه برای دفع شورشیان لازم شد
مسافرت اعلیحضرت امپراطور بپطرزبورغ ازدواج شاهزاده لاپلد باویر با پرنسس ژیزل دختر امپراطور اطریش ورود
اعلیحضرت پادشاه ایران در برلن در سلخ ماه مه خون قسط آخر... جنك فرانسه داده شد قلعه بلفر را که آخر نقاط
متصرفی بود وبطور کرو کان نکاهداشته بودند عساکر پروس خالی کرده رفتند ملاقات پادشاه ایطالیا وامپراطور المان
در برلن وملاقات امپراطور المان با امپراطور اطریش در وین فوت ژان پادشاه ساکس (انکلیس) بعضی از رجال دولت
از ترقیات وپیشرفت قشون روس وفتوحات آنها در سمت خیوق متغیر بنابراین دولت روس ژنرال شوالف اجودان
مخصوص امپراطور را بجهت اطمینان دولت انکلیس بلندن میفرستد فوت ناپلیون سیم امپراطور سابق فرانسه در قصر
اسلیشهورست من توابع لندن در نهم ژانویه یکساعت ونیم قبل از ظهر در افتتاح مجلس پارلمنت لرد کرانویل وزیر امور
خارجه وکلای ملت را اطمینان میدهد که دولت روس بهیچوجه در خیال نکاهداشتن خیوق نیست اعلیحضرت پادشاه
انکلستان بتعزیت وتسلیت بقصر اسلیشهورست به دیدن امپراطریس اوژنی رفتند ابتدای عناد عمرمابین پادشاه آشانتی که
یکی از سلاطین افریقا است با دولت انکلیس ژنرال ولسلی مامور عناد عبر پادشاه آشانتی است فتوحات سردار مذکور دران
مملکت (ایطالیا) طغیان رودخانه پو وخرابی ساختن باغلب نقاط تا استعفا غلب در اول فوت ناپلیون سیم توجیه کردن
مردم درمیلان خود تنخواهی برای ساختن مجسمه ناپلیون سیم ورود اعلیحضرت شهریار ایران در بیست وپنجم ژولیه بایطالیا
(روس) فوت عمه امپراطور کران دوشس هلن ورود جمعی از عمارف فرنگی بپطرزبورغ وتنظیم نمودن از تعدیات خان خیوق

بنابراین ژنرال کفمان با دوازده هزار قشون بر تنبیه خان خیوق مامور شد و ورود اعلیحضرت شاهنشاه ایران در شانزدهم
ماه مبارک حاجی ترخان بتزوود ورود اعلیحضرت شاهنشاه معظم در بیست و یکم همین ماه به پطربورغ عساکر روس در اول تابستان
از دو نقطه وارد خیوق شده شهر خیوه را متصرف شدند بعد از تصرف شهر خیوق در بیست و پنجم ذیقعده انعقاد مصالحه مابین
سردار روس و خان خیوه شد مشروط براینکه یک قسمت از مملکت خود را بتصرف سردار روس و یک قسمت را بتصرف سردار بخارا دهد
و خود را مثل سایر خوانین ترکستان در تحت سلطنت روس بشناسد بعد از انعقاد این صلح طایفه یموت خیوقی بخان خیوق
شوریدند و خان مجبور شد که از سرداران روس استعانت جوید با نعقاد عهدنامه مابین دولت روس و امیر بخارا کشتی رانی در
رود آمو آزاد خواهد بود کاروان تجار روس با کمال آزادی در تمام ممالک بخارا میتوانند تجارت کنند غربا بدون اینکه دارای
پاسپورت روس باشند حق توقف در بخارا ندارند خرید و فروش برده و بنده ممنوع است (سویس) فوت دوک دبرونزویک
در شهر ژنو و بخشیدن معادل چهار کرور ایران املاک خود را باهالی شهر (عثمانی) نصب اسعد پاشا بصدارت و عزل
محمد رشدی پاشا و ورود اعلیحضرت شاهنشاه ایران در هجدهم ماه او باسلامبول (فرانسه) ایجاد مجلس وکلای دولت که در زمان
سلطنت سیم بوده موسوم بمجلس سنا استعفا مسیو طیراز ریاست جمهوری و وزرا اینکه تبعه او بودند در اواخر اوریل و نصب
مارشال ماکماهون بر یاست و ورود اعلیحضرت پادشاه ایران در دهم ماه ذیقعده بپاریس مدت ریاست مارشال ماکماهون هفت
سال مقرر شد مارشال بازن که در قلعه متس محصور بود و آنقلعه را بتصرف عساکر پروس داده بود حکم عزل او از سرداری با حکم
قتل او از شورای عسکریه صادر شد مارشال ماکماهون بواسطه حق عفو یکه دارد از قتل او درگذشت لکن مقرر شد مدت
بیست سال تمام در جزیره سنت مارگریت که نزدیک بسواحل فرانسه است محبوس باشد (هلاند) ابتدای منازعه مابین دولت
و سلطان اچین که در یک قسمت از جزایر سوماترا سلطنت دارد اهالی مذهب اسلام دارند شکست قشون هلاندی از قشون
اچین بواسطه زخم خوردن ژنرال کلهر سردار عساکر هلاندی (امریکا) (مکزیک) لردوتادا رئیس جمهوری در افتتاح
مجلس در صدد اینست که بلکه بتواند رشته الفت و دوستی که سابقا با فرانسه داشتند محکم کند اهالی ملت روز فوت
ژوارز رئیس سابق را روز عزا و روز تولد او را مقرر داشتند روز عیش برای تمام ملت باشد و برای اولاد و اقربای
او وظیفه قرار دادند

سنه ۱۲۹۱ هجری — سنه ۱۸۷۴ مسیحی

آسیا (ایران) کلیه امور و مهام دولتی از توجهات خاصه همایون در اینسال قرین انتظام کامل است میرزا ابراهیم خان
سهام الملک ملقب بسهام الدوله کردید میرزا سعید رضی برادر مرحوم میرزا سید عبدالله ناظم میزان بمنصب استیفا از درجه سیم
نایل آمد حکمرانی دار العباده یزد را بجناب معتمد الملک وزیر مخصوص مرحمت فرمودند و حسینقلیخان مافی از جانب جناب معظم
بنیابت حکومت رفت حاجی حسینخان شهاب الملک ملقب بلقب جلیل نظام الدوله و خطاب جنابی سرافراز آمد میرزا جواد خان سرهنگ
و رئیس تلگرافخانه آذربایجان بمنصب سرتیپی مفتخر گشت والی کری ایالت کردستان را ضمیمه حکمرانی کرمانشهان فرموده نواب
مؤید الدوله مرحمت کردند حکمرانی عراق و بروجرد را بعهده کفالت نواب والا ناصرة الدوله واگذار فرمودند مستشار
الملک خراسانی بمنصب استیفای اول دیوان اعلی و عصای مرصع سرافراز شد مهام و امور دولتی کلیتا راجع بوزرای ستة
ذیل کردید و معظم الیهم را وزرای مختار دربار اعظم لقب دادند (جناب آقای مستوفی الممالک) (جناب مشیر الدوله)
(نواب اعتضاد السلطنه وزیر علوم) (نواب عماد الدوله وزیر عدلیه) (جناب علاء الدوله وزیر جنگ) (جناب عضد
الملک ایلخانی و خازن مهر مبارک) رسم تنظیمات حسنه در ولایات محروسه معمول و اجرای آن بعهده نواب اعتضاد السلطنه

موکول آمد جناب علاء الدوله محمد رحیمخان چنانکه اشارت شد بوزارت جلیله سرافراز آمد میرزا ابوالقاسمخان سرهنگ
پسر میر محمد صادقخان دریابیکی بنیابت دریابیکی یافت نواب تیمور میرزا حسام الدوله که زیاده از هشتاد سال زندگانی کرده
بود برحمت الهی پیوست تولکمه مرو وغیره که عزیمت تاخت وتاز خراسان داشتند شجاع الدوله امیر حسینخان حاکم قوچان
وغیره آنها را تنبیهی سزا نمودند آقا رضا اجودان مخصوص بیکقطعه نشان شیر وخورشید از درجهٔ دویم وپانصد تومان
اضافه مواجب سرافراز آمد اعلیحضرت پادشاه انکلستان یکقطعه عکس شمایل خود را برسم یادکاری برای اعلیحضرت شاهنشاهی
دام ملکه فرستادند مرتضی خان قاجار ملقب بشهاب الدوله شد میرزا موسیخان سرهنگ فوج سواد کوهی بیکقطعه نشان
شیر وخورشید با حمایل سرهنگی نایل آمد از جانب دولت برمان سفارت با نامه وهدایا بدربار معدلت مدار آمد حکمرانی
کرمانشهان وکردستان را بنواب عماد الدوله مرحمت فرمودند جناب میرزا کاظمخان نظام الملک بوزارت علیه اعظم منفتخر
ومباهی شد حاجی جعفرقلیخان سرتیپ دویم بمنصب سرتیپی اول توپخانه سرافراز آمد جناب میرزا علیخان امین الملک وزیر رسایل
خاصه باعطای نشان تمثال همایون مکلل بالماس سرافراز شد میرزا موسی رئیس دفتر لشکر بمنصب جلیل وزیر لشکری مفتخر آمد
حسینقلیخان سرتیپ سواره شاهسون قورت بیکلو بمنصب سرتیپی اول مباهی کشت نواب بدیع الملک میرزا ولد نواب عماد الدوله
بلقب جلیل حشمة السلطنه ملقب و از جانب نواب معظم الیه بحکومت کردستان منصوب شد جناب آقا میر سید محمد امام جمعهٔ اصفهان
ملقب بسلطان العلما مرحوم شد اداره تلکرافخانه را بلاواسطه بمخبر الدوله واکذار فرمودند عبد الرسولخان نایب الحکومه کیلان
بمنصب سرتیپی اول سرافراز آمد حسینقلیخان مافی وزیر یزد بلقب سعد الملک مباهی کردید آقا رضای دهباشی بلقب ناظم خلوت
واعطای یکقطعه نشان شیر وخورشید از درجه سیم سرافراز آمد میرزا علی اکبر پسر میرزا محمد حسن عزب باشی دفترخانه مبارکه
بمنصب عزب باشی یافت حاجی میرزا صفا از اجله عرفا در دار الخلافه مرحوم ونزدیکی چشمه علی طهران مدفون شد پنجاه هزار
قبضه تفنک بتیاعی المان از دولت بمرو دیار الخلافه میرسید درماه شوال ایندسال امور مالیه ومهام کشوری مستقلا بجناب آقای مستوفی
الممالک و امور عسکری ووزارت جنک بالقب سپهسالار اعظم بجناب مشیر الدوله واکذار ومرحمت شد روز بیست وهشتم
شوال ایمسال چون طرح باغ عشرت آباد ریخته شده ودیوار ودر ساختن بنای مشجر نمودن آن اشتغال داشتند کان اعلیحضرت همایون شاهنشاهی
دام ملکه تشریف فرمای این باغ که درمیان قصر قاجار ونکارستان واقع است شدند وچهار اصله درخت بدست مبارک خسروانه
غرس فرمودند میرزا محمد حسین ادیب اصفهانی که منشی روزنامه دولتی   ودر صحبت مؤلف است قطعه در تاریخ این درختکاری عرض کرده با نعامات ومراحم ملوکانه سرافراز شد وسواد آن قطعه که عینا در ذیل ثبت میشود بامر همایون کتیبه شده
بدیوار قصر عشرت آباد نصب کردند

بادست خویش خسرو در قصر عشرت آباد   فرمود از عنایت رای درختکاری   ای باغبان فردوس   نام خوش تو رضوان
کوثر بیار کاینک   شد وقت آبیاری   اصلش بود عدالت فرعش بود کرامت   شاخی که شه نشاند   بادست شهریاری
تا بر فلک کشد سر اینشاخ عدل امثال   پیچید نود تر باشد ابر نوبهاری   شاخ ملک نشان را   صد بار به تو از کفت
از دوحهٔ بهشتی از سرو جوی باری   از این شجر ثمرها بینند اهل عالم   بر تر ز نخل باری   بهتر ز کام صد کاری
زود اکر عشرت آباد همچون سپهر کردد   هم مشرق کواکب هم مطلع دراری   بر جای میوه خورشید آرند این درختان
از فر شهریاری   از فرط بختیاری   تا اصله کرامت بار آورد فتوت   دست ملک نشاند شاخ بزرکواری
اصلست ذات اقدس فرعی ان جمله عالم   از اصل فرع را باد پیوسته استواری   درباغ عشرت آباد از یمن دست خسرو
بادا شکفته دایم کلهای تاجداری   شعر ادیب باشد در مدح شاه شاهان   چون آفتاب روشن مانند آب جاری

شاخ نشاط کی کشت تاریخ عمر سر خسرو کی خسرو انشاندی شاخ امید و داد
سعی صنیع دولت نام خدیو اعظم بخشید این بنا را آئین استواری

میرزا محمد حسین ادیب اصفهانی ملقب بفروغی فرمودند حضرت اجل اعظم والا ظل السلطان حکمران اصفهان و مضافات بعزم تقبیل آستان معلی بدار الخلافه آمدند اداره صندوق عدالت و لایات را بجناب عضد الملک تفویض فرمودند و دستخط همایون مبنی بر دستور العمل و تعیین تکالیف این اداره خطیره شرف صدور یافت (چین) نقار و کدورت سخت مابین دولت و ژاپن بجهة فرستادن ژاپنی ها چند فروند کشتی جنگی بتسخیر جزیره فرموز بواسطه طوفانهای سخت که در دریا واقع شده بود در اوایل پائیز امسال در سواحل جنوبی چین و سواحل ژاپن اغلب بسیاری کشتی زیادی حتی کشتیهای آتشی زره دار غرق شد در مسئله جزیره فرموز بین دولتین چین و ژاپن کار بمصالحه انجامید و عساکر ژاپنی جزیره را تخلیه کرده رفتند (ژاپن) پذیرائی امپراطریس و جات سفرای کبار را که در این دولت بودند فرستادن یک دسته قشون بسر بادی سائیگو و تصرف جزیره فرموز که جزء مملکت چین است (روپا) (اسپانیا) تفویض ریاست دولت جمهوری اسپانیول را بمارشال سرانو فتوحات کارلس دربیلبائو قتل مارشال کنشا یکی از سرداران معتبر که بدفع دنکارلس رفته بود بضرب گلوله قبول نمودن مارشال سرانو رئیس جمهوری سرداری قشون را بجهة دفع دنکارلس جمعی از معارف و بزرگان مملکت طالب سلطنت دن الفنس پسر ایزابل ملکه سابق میباشند تغییر وضع جمهوری و مسافرت مارشال سرانو بفرانسه تمام قشون بدون استثنا دن الفنس را بپادشاهی میخواهند (اطریش) مسافرت اعلیحضرت امپراطور اطریش بپطرزبورغ و ملاقات ایشان با اعلیحضرت امپراطور روس (المان) آمدن ولیعهد دولت انگلیس و زوجه ایشان ببرلن خطبه پرنس بزمارک در افتتاح مجلس پرلمنت جمعی از وکلای ملت حرف زدن و ختم کردن نطق خود را باین مطلب یکی از شرافت من اینست که اول شخصیکه طرف نفرت تمام اهالی اروپ هستم بواسطه حب وطن و خدمتگذاری بدولت خود منم مسافرت امپراطریس اطریش بپای تخت باویر مسافرت امپراطور اطریش نیز بباویر بملاقات صبیه خود عده قشون المان در روی خط فتح از صاحب منصب و تابین چهار صد و یکهزار و ششصد و پنجاه نه نفر مقرر کردید مارشال ملک در مجلس اظهار میکند که فتوحات ما در مملکت فرانسه اسباب جذب قلوب سایر دول نسبت بما نشد بلکه کینه و عداوت آنها زیاد تر کردید اقلا پنجاه سال دیگر آنچه را حالا بزور اسلحه تحصیل کردیم باید باعانت اسلحه حفظ کنیم امپراطور روس که بمملکت انگلیس سفر میکردند در برلن با امپراطور المان ملاقات نمودند ایضا ملاقات دو امپراطور در شهر امس شخصی موسوم بکولمان بسمت مسیو بزمارک طپانچه خالی کرد که جزئی تالمی یافت و وارد آمد ملاقات امپراطور اطریش و امپراطور المان در ایشل جلس کنت دارنیم سفیر سابق دولت المان در پاریس باتهام اینکه بعضی نوشتجات دولتی رسمی که در سفارتخانه پاریس بوده مخفی داشته است استعفای موقتی پرنس بزمارک و قبول نشدن آن (انگلیس) حرکت عساکر انگلیس بسمت کوماسی پای تخت طایفه آشانتی که پادشاه آنجا اعلان جنگ با انگلیس کرده بود در افریقا ازدواج نواب دوک ادینبورگ پسر دویم پادشاه انگلستان با گراند دوشس ماری صبیه امپراطور روس قحط و غلای سخت در بنگاله هندوستان چندین کرور نفس سردار قشون انگلیس شهر کوماسی را که پای تخت آشانتی بود فتح نموده قسمتی از آن شهر را آتش زده کار بمصالحه انجامید عزل وزرای قبل و نصب وزرای توری بریاست دیسرائلی ورود امپراطور روس بلندن ندایات بنگاله سی کرور نفس که دو چار قحط بودند باعانت دولت انگلیس از هلاکت خلاص شدند یادداشت فرستادن دولت عثمانی بدول المان و اطریش و روس که وجها من الوجوه حق انعقاد عهد تجارتی با ایالاتی که در تصرف عثمانی است از قبیل افلاق بغدان و سربی و مونتنگرو ندارند فتح دار فور از ممالک افریقیه بدست قشون مصری جمعیت دار فور که بتصرف

مصری

مقرر آمده که گردد رفتن است (ایطالیا) جشن بزرگ گرفتن مردم بجهت سال بیست و پنجم جلوس پادشاه (بلژیک) پذیرائی
نمودن پادشاه بلژیک از امپراطور روس با تشریفات لازمه و قتیکه امپراطور معظم از انگلیس مراجعت میکردند (دانمارک)
استعفای تمام وزرای این دولت مسافرت پادشاه بجزیره ایزلند که جشن سال هزارم الحاق این جزیره بمملکت دانمارک
گرفته شد (روس) ایجاد قانون نظامی ممالک اروپا در وضع گرفتن آحاد قشون و اجبار خدمت نظامی بتمام رعیت
بدون استثنا در این مملکت ورود ولیعهد انگلیس و زوجه ایشان بپطرزبورغ مسافرت اعلیحضرت امپراطور بالمان و
بعد بانگلیس یکی از برادرهای خان خوقند در جزو قشون روس قبول خدمت میکند (عثمانی) عزل رشدی پاشای صدر اعظم
و نصب حسین عونی پاشا وزیر جنگ بجای او ورود پرنس میلان والی سربیا باسلامبول (فرانسه) مدت ریاست مارشال
ماکماهون بدون تردید بهفت سال مقرر شد فرار مارشال بازن از جزیره سن مارگریت (هلاند) فتح کردن یکی از قلعجات
اچین بدست سردار هلاندی جشن اهالی هلاند در موقع سال بیست و پنجم جلوس پادشاه **امریکا** (اتانوتی) عدد قشون
دولت را همه جهته به بیست هزار نفر مقرر داشتند (برزیل) صلح حقیقی دائمی مابین این دولت و پاراگای

سنه ۱۲۹۲ هجری — سنه ۱۸۷۵ مسیحی

آسیا (ایران) جناب ظهیر الدوله محمد ناصر خان مامور حکمرانی و والیگری خراسان و سیستان گردید حاجی سلیمانخان
نایب ایشیک آقاسی باشی مامور حکومت قراجه داغ شد بعضی ولایات که سیم تلگراف نداشت مقرر شد تلگراف کشیده شود
احتشام الملک بمنصب سرتیپی سیم سرافراز شد حیدر قلیخان ولد حاجی آصف الدوله بمنصب سرتیپی سیم نایل آمد ریاست
مدرسه جدید نظامی و صاحبمنصبان اتامار بعهده میرزا عباسخان سرتیپ و مهندس واگذار گردید میرزا موسی وزیر
لشکر باعطای نشان تمثال همایون از درجه دویم سرافراز شد حاجی حسینخان نظام الدوله روز بیست و سیم محرم مرحوم
شد حضرت اجل اعظم شاهنشاهزاده والا ظل السلطان حکمران اصفهان و توابع ادام الله اقباله العالی بیکقطعه
نشان اقدس مکلل بالماس درجه اختصاص یافته از آستان همایون بمحل حکمرانی خود معاودت فرمودند وزارت دربار
اعظم را بعهده جناب علاء الدوله مفوض داشتند وزارت علیه اعظم را بجناب عضد الملک موکول فرمودند حکمرانی
عربستان و لرستان را بنواب معز الدوله بهرام میرزا واگذار نمودند حکمرانی فارس را بعهده کفایت جناب معتمد الملک
موکول داشتند حکمرانی گیلان بر عهده جناب ناصر الملک مقرر آمد والیگری یزد را بمحمد خان والی سرتیپ اول مرحمت
فرمودند نواب عماد الدوله در بنیه رجب داعی حق را لبیک اجابت گفت و نواب حشمة السلطنه بدیع الملک میرزا ولد
آنمرحوم بحکومت کرمانشهان و کردستان سرافراز شد وزارت کرکخانه ممالک محروسه بمیرزا قهرمان امین لشکر
مفوض فرمودند روز هفتم شهر شعبان بجهت امتحان قشون ظفر نمون و ترقیات اداره جنگ در صحرای دوشان تپه
در حضور همایون مشق بزرگ عمده شد و یکقبضه شمشیر مرصع بجناب سپهسالار اعظم مرحمت فرمودند میرزا قهرمان
امین لشکر باعطای نشان تمثال همایون و لقب جلیل جنابی سرافراز آمد موکب فرخنده کوکب مبارک عزیمت سفر خیریت
اثر مازندران فرموده روز بیست و چهارم شعبان از اقدسیه بقریه اوشان تشریف فرما شدند و از آنجا بشهرستانک
و از شهرستانک بطرف قلعه کجور و دشت نظیر و اماکن منتزهه و نقاط و اماکن ییلاقی مازندران الی فرح آباد و اواخر
رمضان المبارک و اوایل شوال المکرم را در مشهدسر و فرح آباد و سواحل بحر خزر تشریف فرما بودند روز نوزدهم
بشهر بارفروش نزول اجلال فرموده و تا بیست و دویم در آنجا اقامت شد روز بیست و سیم بآمل و از آمل بطرف بلوک
لاریجان و از آنجا نهضت فرمای دماوند شده چهارشنبه دویم ذیقعدة الحرام از چشمه لار دماوند بصوب دار الخلافه

روز سیزدهم شوال الشهر ساری عزیمت ارزانی فرموده تا هجدهم در آنجا متوقف بودند

حرکت

حرکت فرمودند شنبه پنجم مقر خلافت عظمی را بمقدم مبارک آراستند جناب عضدالملک حکمران مازندران را بپاداش خدمات لایقه در بلوک لاریجان بکمیتوی سرداری ترمه شمسه مرصع مفتخر فرمودند دارالشورای کبری و مجلس وزرا مجددا افتتاح شده و بنفس نفیس همایون در مجلس افتتاح تشریف فرما گردیده و نطقی مفصل فرمودند و نیز دستخطی مبارک مشعر بر حدود وحقوق این مجلس خطاب بجناب امین الملک وزیر رسایل خاصه شرف صدور یافت میرزا عبدالوهابخان پسر جناب نظام الملک بمنصب استیفا از درجه دویم نایل آمد پستخانه ممالک محروسه ایران در این سال بوضع پستخانه های فرنگستان گردید خوجه قه سردار تراکمه که با جمعیت بتاخت سرحدات خراسان آمده بود خود با جمعی از همراهان و بدست سپاه منصور مقتول و بقیة السیف متفرق شدند جناب بالله قلیچخان ایلخانی را بحکومت همدان سربلند فرمودند (چین) فوت خاقان چین در دوازدهم ژانویه اروپا (اسپانیا) در جزیره کوبا ژنرال کوزامه دم را دعوت به تبعیت پادشاه جدید الفنس مینماید و ورود پادشاه جدید در نهم ژانویه به بندر بارسلن از بنادر اسپانیا منازعه سخت هواخواهان دنکارلس با عساکر پادشاه نفاق مابین کارلیستها و نفرت میان آنها فتوحات عساکر پادشاه در ممالکی که کارلیستها متصرف بودند (اطریش) مسافرت امپراطور بمملکت دالماسی ملاقات اعلیحضرت امپراطور با پادشاه ایطالیا در شهر ونیز ملاقات والی منتنگرو با اعلیحضرت امپراطور در کاتارو افتتاح کشتی رانی در شعبه از دانوب که بحکم امپراطور تازه حفر نموده از وسط شهر وینه عبور داده اند ملاقات امپراطور اطریش و اعلیحضرت امپراطور روس در ایزد فوت امپراطور فردیناند عموی امپراطور حالیه که از سلطنت استعفا نموده و سلطنت را باین امپراطور تسلیم کرده در بیست و نهم ژون در شهر پراک پناه جستن یاغیان مملکت عثمانی بخاک اطریش (المان) مخالفت آشکار پاپ بر ضد این دولت صدور احکام از رم بکشیشهای کاتولیکی مذهب که تمکین و اطاعت قوانین جدیده که دولت میخواهد در مذهب ایجاد نماید ننمایند غدغن دولت در بیرون نمودن اسقف از مملکت پروس نطق مبارک بالصراحه در مجلس شورای میگوید که در مسئله مذهب ظاهر این است که شخص بخالق معتقد باشد نه بمخلوق و مقصود از این حرف کنایه بپاپ است ملاقات ولیعهد المان و پادشاه ایطالیا در شهر ناپل در هفتم ماه مه کشتی موسوم به سیلر که از هامبورک عادة به ینکی دنیا میرفته و مراجعت میکرده است و سیصد و پنجاه نفر را حامل بوده غرق میشود و از این جمعیت سیصد و دوازده نفر هلاک میشوند ملاقات امپراطور المان و امپراطور روس در برلن ملاقات پادشاه سوید و ملکه این مملکت با امپراطور المان در برلن ملاقات ارشیدوک البرت سپهسالار عساکر اطریش با امپراطور المان در امس مسافرت ولیعهد دولت المان بمملکت اطریش ملاقات امپراطور المان با امپراطور اطریش در ایشل کشیش شهر کلن که بر خلاف حکم دولت رفتار نموده بود اخراج بلد میشود ملاقات امپراطور المان با پادشاه ایطالیا در میلان (انکلیس) صد و بیست هزار نفر عمله جات که در معدن زغال سنک کار میکردند بیکمرتبه شورش نموده تعطیل از کار میکنند الحاق جزایر فیجی بمملکت انکلیس وزیر امور خارجه در مجلس بوکلا اطلاع میدهد که دول روس و المان و اطریش با هم متحد شده اند که با ایالات سربی و افلاق بغدان که جزو مملکت عثمانی هستند بدون استیذان و اطلاع دولت عثمانی معاهده تجارتی به بندند ماموریت یکدسته از علما بریاست کلنل برون برای تحقیق و انکشاف علمی بمملکت چین مغربی و بمقصود نرسیدن و در اوایل ورود بخاک چین صدمه کلی دیدن و کشته شدن جمعی از آنها و مراجعت نمودن بخاک برهمان نقار مابین دولت انکلیس و دولت برهمان عزل والی بارودا از ایالات هند بحکم دولت انکلیس بریاست ولیعهد انکلیس بجمع فراموشخانهای آن دولت مسافرت جمعی از علما و دانشمندان بقطب شمالی در هیجدهم ماه او کشتی موسوم به البرتا که پادشاه انکلستان در آن کشتی بود و از ازبرن به پرتسموث میآمد در عرض راه علی الغفله بکشتی میتیس لتو بر خورده قسمتی از آن کشتی را شکسته سه نفر را غرق میکند کاپیتن ویب از بندر دوور انکلیس به بندر کاله فرانسه

باشنا

پاشا از دریا عبور کرده بیست و چهار ساعت تمام در روی آب میماند دوازدهم اکتبر ولیعهد انگلیس بقصد مسافرت هندوستان
از بندر دوور حرکت کرده در هشتم نوامبر وارد بندر بمبئی میشود ابتیاع دولت انگلیس سهامی را که خدیو مصر در نهر مجمع
البحرین سوئز داشت هشت کرور لیره انگلیسی در اول دسامبر ولیعهد انگلیس بسیلان میرسد دوازدهم همین ماه ببندر مدرس
و در بیست و سیم بکلکته (ایطالیا) گاری بالدی در مجلس وکلا بدولت تکلیف میکند که رودخانه تیبر را که از وسط شهر رم
گذشته مصبش در دریاست قابل کشتی رانی نمایند بر ضد طبقه از فراموشخانه ها در رم (روس) نقار دولت با خان خوقند
ورود عساکر روس بسرداری ژنرال کفمان بخوقند ناصرالدین خان والی خوقند مطیع میگردد لیکن عبدالرحمن نامی بر ضد
روسها برخاسته حکم بجهاد میکند ژنرال اسکبلف مأمور بدفع عبدالرحمن شده تمام خوقند را متصرف میشود اگر چه در نامها
طرف صلح را دارند و از جنگ حرف میزنند ولیکن دولت روس شورش بعضی ایالات عثمانی را بدیده حقارت نمی‌نگرد و سهل
نگرفته بتهیه و تدارک جنگ میپردازد و آشکارا اعانت و رعایت یاغیان عثمانی مینماید (عثمانی) یاغیهای هرزکوین
جدا با قشون دولت در مجادله هستند اهالی ایالات منتنگرو و سربی بآنها اعانت میکنند یاغیان شهر نیز را محاصره کرده اند
استعفای اسعد پاشا از صدارت و نصب محمود پاشا مأموریت کمیسیونی از طرف دولت عثمانی با معیت قونسولهای دول فرنگ
نزد یاغیان هرزکوین برای تحقیق شکایات آنها از دولت مأمورین بعد از ورود بشهر موستار هر قدر رؤسای یاغیان را می‌طلبند
که حاضر شده گفتگو نمایند آنها قبول نمیکنند و مأمورین بی نیل مقصود مراجعت مینمایند در سربی وکلای ملت بوالی تکلیف میکنند که
باید رعایت و اعانت یاغیهای سربی را نموده بآنها حمایت کرد دولت عثمانی اعلان بطلبکاران خود مینماید که نصف طلبی که از
دولت عثمانی دارند از بابت فرع تنخواه دولت نخواهد داد ازدواج والی سرب با پرنسس ناتالی کوشک ورود عساکر مصری
بحبشه و شکست یافتن از حبشه و مراجعت کردن آنها بمصر شورش اهالی هرزکوین و بسنی بنهایت است و روز بروز در تزاید
میباشد عزل حسین عونی پاشای صدر اعظم و نصب اسعد پاشا بجای او زلزله سخت در ازمیر و حوالی آنجا در دوازدهم ما
مه که بیشتر از دو هزار نفر بهلاکت میرسند (فرانسه) فوت کنت دو نوفا از وزرا و از رجال معتبر فرانسه طغیان
آب رودخانه‌های جنوب فرانسه و خرابی رسانیدن باغلب اماکن دویست هزار تومان دولت از خزانه باشخاصی که اموال
و املاکشان تلف شده است مجانا بخشش میکند (هلاند) فتوحات قشون این دولت در اچین امریکا (اتازونی)
فوت ژنسن رئیس سابق (ینکی دنیای جنوبی) شهر الپانه بواسطه زلزله کلیه خراب میشود

سنه ۱۲۹۳ هجری

سنه ۱۸۷۶ مسیحی

آسیا ۱ (ایران) در این سال امور مملکت خراسان را از هر جهت بجناب مشیر الدوله سپهسالار اعظم واگذار فرمودند
جناب حاجی ظهیر الدوله بامر اعلی عمارتی بسیار عالی بجهت محل سکنای ولاة و حکمرانان خراسان در شهر مشهد مقدس بنا
نموده اند جشن میلاد سعادت بنیاد همایون را جناب سپهسالار اعظم باعلی درجه کمال گرفتند در تمام بلاد ممالک محروسه
نیز جشن مفصل گرفته شد جناب اگوستینی محترم آرشیوک هراکلا از طرف حضرت پاپ با هدایا و نامه بحضور مبارک تشرف
جسته جواب آن نامه از جانب اعلیحضرت شاهنشاهی مبنی بر کمال مودت ترقیم و تبلیغ شد حضرت اجل اعظم شاهنشاهزاده
والا ولیعهد گردون مهد دولت علیه ایران ادام الله اقباله العالی احضار بدار الخلافه شده روز بیست و دویم صفر
وارد دار الخلافه گردیده در باغ دولتی موسوم بباغ ایلخانی منزل برای حضرت اجل معظم معین گردید علیقلیخان مخبر
الدوله رئیس اداره تلگرافخانه بوزارت تلگراف و اعطای لقب جنابی سرافراز شد روز دوشنبه بیست و سیم شهر
صفر سه ساعت و سی و هشت دقیقه و چهل ثانیه از روز گذشته آفتاب عالمتاب از برج حوت بحمل تحویل نمود حکیم

الممالک پیشخدمت باشی سلام بحکومت بروجرد منصوب گردید نواب والا رکن الدوله بحکمرانی ایالات خراسان وسیستان
مفتخر گردیدند ادیب الملک پیشخدمت خاصه بحکومت قم وساوه سرافراز شد حاجی میرزا تقی وکیل الرعایا بمنصب کلانتری دار الخلافه
برقرار گردید و میرزا محمد حسین پسر معزی الیه بکدخدائی محله عودلاجان مباهی آمد محض ظهور عواطف خاصه خسروانه درباره حضرت
اجل اعظم شاهنشاهزاده امجد اکرم ولیعهد دولت علیه ایران ادام الله اقباله العالی یکقبضه شمشیر مرصع بجواهر ثمینه و
فیروزه از شمشیرهای خاصه سلطنتی بدست مبارک همایونی بحضرت مستطاب معظم مرحمت فرموده و پس از رخصت ملوکانه
معاودت بآذربایجان فرمودند حکمرانی ایالت عربستان و لرستان را بنواب حشمة الدوله مفوض داشتند امین حضور
پیشخدمت خاصه بحکومت کاشان سرافراز شد میرزا اسد الله مستوفی اول بر پیشکاری مازندران مفتخر آمد نواب والا معتمد
الدوله فرهاد میرزا که بمکه معظمه مشرف شده بودند غره ربیع الثانی بدار الخلافه ورود نموده بخاکپای مبارک شرفیاب و مورد مرحمت
مخصوص گردیدند حاجی میرزا محمد رضای مستشار الملک پیشکار خراسان بیک قلمدان دوات مرصع و خلعت همایون سرافراز آمد
حاجی میرزا عبد الله خان علاء الملک بیکقطعه نشان تمثال مبارک مفتخر گردید جمعیتی از ترکمه باعاشور لنک که یکی از سرداران
ترکمه است وادنه نفس که او نیز از رؤسای ترکمانان میباشد بتاخت و تاز سرحدات خراسان آمده مصطفی قلیخان میر پنج رئیس
اردوی خراسان با قشون ظفرنمون سر راه بر آنها گرفته جمعی را مقتول و عاشور لنک را کشته وادنه نفس را با ده نفر سوار
دستگیر کرده باقی متفرق گردیدند حکمرانی و فرمانفرمائی مملکت فارس را مزید بر سایر مشاغل جناب سپهسالار اعظم فرمودند
وزارت معادن ممالک محروسه را مجدداً بر عهده نواب اعتضاد السلطنه وزیر علوم موکول داشتند ریاست اصطبل
توپخانه مبارکه را بنواب جهانسوز میرزا مرحمت فرمودند یار محمد خان ایلخانی شادلو تنبیهی در سرحدات بجنورد از ترکمه
نموده است محمد خان والی حکمران یزد بخطاب جنابی سرافراز آمد لشکرنویسی افواج اصفهان بمیرزا محمد حسین لشکرنویس ولد
میرزا باقر لشکرنویس راجع شد میرزا حسینعلی طبیب از اطبای حضور همایون بلقب شیخ الاطبائی ملقب گردید موکب همایون
در ماه جمادی الثانیه عزیمت ییلاق لار فرمود حکومت و فرمانفرمائی فارس را بنواب والا معتمد الدوله واگذار فرمودند
محمد حسنخان ولد جناب علاء الدوله وزیر دربار اعظم بمنصب فراشباشیگری سرافراز شد سیم تلگراف خراسان بمشهد مقدس
وصل آمد اداره ملبوس و خیام خانه نظام را بعهده مراقبت حاجی میرزا عبد الله خان علاء الملک موکول داشتند جناب
سپهسالار اعظم را بیکثوب سرداری مفتول دوز نظامی شمسه مرصع از ملابس خاصه سرافراز فرمودند مجلس تحقیق علاوه
بر مجلس شورای کبری و مجلس خاص وزرا برقرار و دایر گردیده و اجزای این مجلس از قرار ذیل است

(نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم) (نواب حسام السلطنه) (نواب والا نصرة الدوله) (جناب حاجی ظهیر الدوله)
(جناب ناصر الملک) (جناب حاجی دبیر الملک) (جناب حسنعلی خان) (جناب بصیر الدوله) (جناب امین لشکر) (جناب مخبر الدوله)
(جناب امین الملک وزیر رسائل خاصه مدیر مجلس) (میرزا محمود خان منشی اسرار و کاتب مجلس)

بعضی بناهای بدیع رفیع بر ابنیه سلطنتی دار الخلافه افزوده شد نواب والا نصرة الدوله بحکومت ایالت مرکزی که عبارت از عراق
و همدان و ملایر و تویسرکان و گلپایگان و خوانسار و نهاوند و بروجرد باشد منصوب و بلقب فرمانفرمائی ملقب گردیدند
حکمرانی ایالتین کرمانشاهان و کردستان را بعهده نواب حسام السلطنه مفوض داشتند روز نوزدهم ماه شوال جناب
منیف افندی وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت عثمانی که حامل اعلان نامه رسمی جلوس اعلیحضرت سلطان عبد الحمید خان بر
تخت سلطنت عثمانی بود بحضور مهر ظهور مبارک مشرف شد ایالات قم و کاشان و ساوه و زرند ضمیمه و مزید مشاغل
و حکمرانی حضرت اجل اعظم شاهنشاهزاده والا امیر کبیر نایب السلطنه دولت علیه حکمران دار الخلافه ادام الله اقباله العالی

فرمودند

فرمودند وزارت عدلیه اعظم را بجناب میرزا کاظمخان نظام الملک که مسبوق باین امر بود تفویض فرمودند بنده مؤلف بیکرشته حمایل
سرخ و نشان سرتیپی سرافراز آمد چون اوایل عشر سیم ذیقعدة الحرام اینسال اول سال سی ام سلطنت اعلیحضرت شاهنشاه
جمجاه بود و اینقرن سعید باقرن صد ساله سلطنت سلسله ابد پیوند قاجاریه اقتران داشت جناب سپهسالار اعظم جشن این
قرن همایون را در چند روز و چند شب بوجه اکمل گرفتند جناب مسیو بنوبف وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت روس مامور
باقامت دربار دولت علیه با تشریفات معموله در شانزدهم ذیحجه وارد دار الخلافه گردید (چین) فتوحات عساکر چینی
در کاشغر گرفتن شهر اقسو را از یعقوب بیک امیر کاشغر (ژاپن) مسافرت میکادو پادشاه اینمملکت باسفاین جنگی
باطراف جزیره خود موقوف داشتن شکنجه را نسبت بمقصرین در اینمملکت شورش ایالات مغربی قتل باغیان (اروپا)
(اسپانیول) تمام نقاطیکه عساکر یاغی دنکارلس گرفته بودند قشون دولتی بحیطه تصرف در آورد شانزده هزار از قشون
یاغی کارلیست اسلحه خود را زمین گذاشته مطیع پادشاه اسپانیا شدند فرار دنکارلس بمملکت فرانسه ورود پادشاه
اسپانیا با فتح و نصرت بمادرید (اطریش) مسافرت امپراطریس بانگلیس ملاقات پادشاه یونان و ملکه این مملکت با امپراطور
اطریش در وینه ملاقات امپراطور روس با امپراطور اطریش در درشتاد در حالتیکه صدر اعظم دولت روس و صدر اعظم
دولت اطریش حضور داشتند ملاقات امپراطور اطریش در وینه با پادشاه ساکس ورود پادشاه یونان بوینه (المان)
منع دولت فروش اسبرا بکسانیکه میخواهند آنها را بخارج ببرند فوت ژنرال یوکر از معارف در برلن طغیان اغلب رودخانه ها
علی الخصوص در شهر فرانکفورت ورود زوجه مسافرت پادشاه انگلستان بشهر بادن ملاقات پادشاه انگلستان و امپراطور المان
در شهر کوبورک ملاقات امپراطور روس و امپراطور المان در برلن ملاقات وزرای دول ثلاثه روس و المان و اطریش پرنس
گرچاکف (پرنس بیزمارک) (کنت اندراسی) ملاقات ارشیدوک البرت سپهسالار اعظم دولت اطریش با امپراطور المان و امپراطور
اطریش در شهر امیس مسافرت ولیعهد دولت ایطالیا با زوجه خود ببرلن ملاقات امپراطور اطریش و امپراطور المان در سالزبورگ
ورود امپراطور برزیل و امپراطریس برزیل بالمان (انگلیس) لرد دربی وزیر امور خارجه مذمت از وضع سلطنت و حکمرانی دولت
عثمانی میکند ملقب شدن دیسرائیلی صدر اعظم بلقب کنت دبوکونسفیلد تعدی و ظلم عثمانیها نسبت باهالی بلغارستان با
کمال نفرت در انگلیس بروز میشود مسیو گلادستون کتابچه در مذمت دولت عثمانی انشا میکند سان دادن قشون هندی در
دهلی با حضور ولیعهد افتتاح پارلمنت با حضور شخص پادشاه انگلستان تکلیف دیسرائیلی صدر اعظم بوکلا که بالقاب اعلیحضرت
پادشاه انگلستان امپراطریس هندوستان افزوده شود ابتیاع بقیه سهام خدیو مصر از شراکت حفر مجمع البحرین سوئز
بواسطه دولت انگلیس مسافرت پادشاه انگلستان بالمان و مراجعت بانگلیس معاودت کامرون سیاح معروف از افریقا بانگلیس
مراجعت ولیعهد از هندوستان بانگلیس فرستادن کشتیهای جنگی انگلیسی باسلامبول بجهة رعایت دولت عثمانی (ایطالیا)
مسافرت ولیعهد با زوجه خود بپطرزبورغ ورود سفرای مرغش بتورین و بحضور پادشاه رفتن اهالی ایطالیا از صدمات تکرار از
طرف دولت عثمانی باهالی بلغارستان بسیار متألم میباشند فوت کاردینال آنتونلی معروف و صدر اعظم پاپ و برفرادی کاردینال
سیموئیچیای و زوجه دوک دا وست پسر دویم پادشاه ایطالیا فوت مینماید مسافرت اوژنی امپراطریس سابق فرانسه بشهر رم
(بلژیک) ورود پادشاه یونان و ملکه باین مملکت نیز ورود امپراطور برزیل و امپراطریس به بلژیک ملاقات پادشاه بلژیک
و ملکه در شهر ویسبا شورش مردم در شهر بروکسیل پای تخت ورود آنورس (دانمارک) مسافرت پادشاه با زوجه
خود بپطرزبورغ (روس) در دهم نوامبر اینسال که مطابق است با جمعه بیست و دویم شوال الخطبه اعلیحضرت امپراطور در مسکو
باحضور رجال دولت و اعیان و اشراف مملکت قرائت کرده آشکارا بیان مینماید که اگر اجماع دول فرنگ نتوانستند قراری در

رفاهیت عیسویان رعیت عثمانی بدهند مسلماً من بشخصه حاضر هستم که کمال رعایت را بآنها بنمایم و سه روز بعد عساکر اردوهای جنوبی مأمور توقف در ایالت ادسا گردیدند نواب گراندوک نیکلا برادر امپراطور سردار این اردو گردید اردوی مذکور عبارتست از دویست و شانزده هزار پیاده و چهل و نه هزار و دویست نفر سواره و ششصد و چهل و هشت عراده توپ و دویست کرور منات مخارج لازم برای تدارک جنگ دولت از داخله مملکت استقراض نمودند و مقرر شد که از آن بعد وجه گمرک در مسکو باشد به پول طلا بگیرند تمام اهالی روس از هر مملکت و هر نقطه عریضه‌ها بامپراطور روس نوشته دعای خیر باعلیحضرت معظم مینمایند که بخیال آزادی عیسویهای عثمانی است روز اول دسامبر که مطابق با جمعه چهارم ذیقعده است نواب گراندوک نیکلای سپهسالار برادر اعلیحضرت امپراطور که سردار عساکر جنوبی بود بسمت کیشنیف که معسکر اردوی روس بود حرکت کرد فوت امیرال کراب وزیر بحریه در زمستان فوت گراندوک دوشس ماری خواهر اعلیحضرت امپراطور الحاق مملکت خوقند بمتصرفات روس در ترکستان و موسوم نمودن این ایالت را بایالت فرغانه فتوحات و غلبه ژنرال اسکبلف سردار بر طایفه قراقرقیز (سوئد و نروج) فوت مادر پادشاه دولتابستان (سویس) دخل این مملکت در این سال هشت کرور و دویست و چهل و یکهزار و پانصد و پنجاه و دو تومان و ششهزار دینار است خرج هشت کرور و چهار صد و بیست و هفت هزار و ششصد تومان (عثمانی) جنگ سخت دولت با یاغیان هرزگوین و بسنی کنت اندراسی صدر اعظم اطریش دستور العمل و یادداشتی برای استمالت یاغیان هرزگوین و بسنی که با امضای دول روس و المان و انگلیس رسیده است باسلامبول روانه میسازد و اصول این دستور العمل و یادداشت مبنی بر این بود (آزادی تام و تمام اهالی در مذهبی که پیروی میکنند) (قانون در وضع اخذ مالیات که تعدی بآنها نشود) (تشویق زارعین و ملاحان) (یکقسمتی از مالیات معینه که این دو ایالت باغیه بدولت عثمانی میدهند همه ساله خرج خود آن ایالت شود یعنی بمصرف ساختن مدارس و راهها و مریضخانها و غیره برسد) (ایجاد مجلسی در این دو ایالت مرکب از عیسوی و مسلمانان که معتمدان آن مجلس نشسته قرارهای لازم برای رفاهیت رعیت بدهند) دولت عثمانی قبول این تکالیف را مینماید و چهار هفته بیاغیان مهلت میدهد که اگر در ظرف این مدت اسلحه بزمین گذاشتند راه تبعیت اختیار کنند آنها را عفو کرده نیز سلطان برای خرابی که باهالی رسیده مقرر میدارد که در ظرف دو سال تخفیف کلی در مالیات آنها داده شود ملاقات ژنرال ابریج حاکم دالماسی من ایالات اطریش با عالی پاشا و مختار پاشا سرداران عثمانی در شهر راگوز یاغیهای بسنی با نهایت شدت بر ضد دولت هستند مختار پاشا با هفده هزار قشون با یاغیهای هرزگوین و بسنی در جنگ است ابتدای شورش در بلغارستان استعفای محمود پاشای صدر اعظم و نصب محمد رشدی پاشا بجای او بدست آوردن قاتلین قونسولهای فرانسه و المان که در سالونیک بدست عثمانی مقتول شده بودند و بقتل رسانیدن آنها را در اسلامبول خلع سلطان عبد العزیز خان از سلطنت در سی ام مه که سه شنبه ششم جمادی الاولی باشد و نصب سلطان مراد پنجم بجای او در چهارم ماه ژون که شنبه[2] بیست و چهارم جمادی الاولی باشد حسین عونی پاشای وزیر جنگ و رشید پاشای وزیر امور خارجه را حسن نام چرکس در خانه مدحت پاشای صدر اعظم بقتل میرساند رنجی که در بلغارستان و هرزگوین و بسنی قشون دولتی باطفا نایره شرارت یاغیان مشغول بودند و آن ایالات را منظم کرده ایالت سربی ببهانه اینکه میخواهند حدود و ثغور خود را محفوظ از دستبرد و تخطی یاغیان یا قشون منظم دولت عثمانی نمایند عساکر زیادی حاضر میکنند و پرنس میلان والی سربی سرداری این قشون را شخصاً قبول میکند در اول ژوییه که شنبه هشتم جمادی الاخری باشد مونتنگرو و سربی بعثمانی اعلان جنگ میکنند سردار عساکر سربی ژنرال چرنایف میباشد فتوحات مختار پاشا در مونتنگرو و از طرف دیگر شکست دادن قشون مونتنگرو عساکر عثمانی را و حبس کردن عثمان پاشا عساکر عثمانی را بسرداری سردار اکرم

[2] بیست و دوم جمادی الاولی سلطان عبدالعزیز خان شریان خود را با مقراض بریده خود را هلاک میسازد در شانزدهم ژون که[illegible]

عمیل

عبدالکریم پاشا و دو تجاوز سرحد سربستان مینمایند فتوحات عبدالکریم پاشا در سربستان میانجی گری دولت انگلیس که اسباب اصلاح
میان سربی و عثمانی را فراهم آورد در بیست و یکم ماه اوکرد دوشنبه نهم ربیع باشد بفتوای شیخ الاسلام که سلطان مرادخان پنجم
مریض و مجنون است و قابل سلطنت نیست از سلطنت خلع شده برادر کهتر او عبدالحمید خان بجای او منصوب گردید در هفتم
سپتامبر که پنجشنبه هیجدهم شعبان باشد سلطان عبدالحمید خان رسماً جلوس بتخت سلطنت میکند تکلیف صلح نمودن دولت
انگلیس دولت عثمانی را با سربی و مونتنگرو باشراکت سایر دول فرنگ و جواب مبهم دادن دولت عثمانی ورود امپراطور
برزیل باسلامبول ایجاد پارلمنت عثمانی مرکب از صد و بیست نفر فتوحات عبدالکریم پاشا در سربی و استمداد نمودن سربی
از دولت روس قدوم بمصاحبت سرباز زیادی باسم داوطلب بمملکت سربی بطرز اختیار کردن اتفاق بغدادی قبول
کردن دولت عثمانی یک مجلس کنفرانسی که اجزای این مجلس سفرای کبار دول فرنگ باشند بجهة قراردادهای جدید
در داخله عثمانی استعفای ژنرال چرنایف از سرداری عساکر سربی دولت روس تنها مطالبه یک ضمانتی از طرف
دولت عثمانی میکند که بوعده تنها اکتفا ننموده با بیضامن شود که قرارهای جدید یکه مأمورین دول فرنگ خواهند کذاشت از
عهده بر آید و مأمور با وجود اینکه این مجلس برای و متعهد است حق حضور در این مجلس را نداشته باشد دولت عثمانی جداً
مدحت پاشا و ادهم پاشا را از طرف خود مأمور نموده با این مجلس میفرستد افتتاح مجلس کنفرانس در دوازدهم دسامبر که سه شنبه بیست
و پنجم ذیقعده باشد بدون قبول حضور مأمورین عثمانی بریاست ژنرال اکناتیف سفیر کبیر روس عزل رشدی پاشای
صدراعظم و نصب مدحت پاشا بجای او دولت عثمانی پنج تکلیف از تکالیف مجلس کنفرانس را قبول نمیکند (فرانسه)
ریاست صیوگروی مجلس پارلمنت ورود پادشاه انگلستان به بندر پتر بورغ و ورود بپاریس و ملاقات با مارشال ماکماهون ورود
سفرای مراکش بپاریس (هلاند) آزاد کردن غلام و کنیز را دولت هلاندی در جزیره سوماترا (یونان) ورود امپراطور برزیل
در این مملکت مراجعت پادشاه یونان بعد از گردش و سیاحت تمام فرنگستان بمملکت خود استقراض دولت برای تدارک قشون
فرستادن چند کشتی جنگی به بندر سالونیک امریکا (اتاتونی) در چهارم ژویه که سه شنبه دوازدهم جمادی الثانیه باشد
جشن صد ساله آزادی اتاتونی را تمام آن مملکت گرفتند (مخفی نماناد که قبل از صد سال ممالک فسیح المسالک اتاتونی
جزو مملکت انگلیس بوده و از آن تاریخ بعد آزاد شده دولت مستقل بزرگی گردیده است) ورود امپراطور برزیل در
بهار این سال به نیویک پای تخت مخارجی که بتخصیص رئیس اتاتونی میدادند از طرف وکلا آن مخارج را ژنرال گران رئیس تنصیف
نمود افتتاح اکسپوزیسیون صنایع عمومی برای جمیع دول و ملل روی زمین در شهر فیلادلفی در اواخر بهار (برزیل) مسافرت
امپراطور به ینگی دنیای شمالی (شیلی) بنسوان حق داده شده که مثل رجال آنها در مجلس پارلمنت حق تعیین وکیل دارند
(مکزیک) شورش اهالی پورگراند بتحریک ژنرال دیاز و شکست یافتن یاغیان از قشون دولت (ینگی دنیای جنوبی)
ژنرال پرادو بریاست جمهوری منتخب گردید

سنه ۱۲۹۴ هجری — سنه ۱۸۷۷ مسیحی

آسیا (ایران) ابتدای این سال خبرهای مختصر بنظم و انتظام امور دولت و رفاه و آسایش حال رعیت جناب سپهسالار اعظم
با شارهٔ علیه ملوکانه قانونی برای تعیین حدود و تکالیف حکام و دیوانیان و قشون که در ولایات ممالک محروسه هستند نوشته
با امضای ملوکانه منتشر داشتند میرزا اسکندر که تقریباً یکصد و ده سال عمر کرده شب جمعه هفدهم صفر در تبریز داعی حق را
لبیک اجابت گفت عید مولود مسعود شاهنشاهی دام ملکه را جناب سپهسالار اعظم با شکوهی و زینتی تمام گرفتند در تمام ممالک
محروسه جشن کامل گرفته شد بعضی استخوانهای مأموث را در اصفهان میرزا تقی خان حکیمباشی حضرت اجل اعظم شاهنشاهزاده

والاظل السلطان حکمران اصفهان و مضافات انکشاف کرده است (ماموث حیوانیست که قبل از طوفان آخری در کرهٔ ارض وجود داشته شبیه بفیل ولی بزرگتر بعد از طوفان دیگر این جنس حیوان وجود نیافته است) روز سه شنبه چهارم ربیع الاول بعد از ساعت و سی و هفت دقیقه و سی و شش ثانیه از روز گذشته نیر اعظم از برج حوت بحمل تحویل کرد سلام خاص در عمارت عالی در پیشگاه حضور همایون منعقد گردید و سلام عام در تالار تخت مرمر انعقاد یافت حکمرانی مازندران را بعهدهٔ جناب معتمد الملک وزیر مخصوص موکول داشتند میرزا علی دکتر بعد از مراجعت از سفر فرنگستان که برای تحصیل رفته بود از اطبای حضور همایون و بمنصب معلمی علم طب در مدرسهٔ مبارکهٔ دار الفنون سرافراز آمد رسید که با موقع بیستان و لرستان را بعهدهٔ کفایت جناب علاء الدوله وزیر مالیه و دربار اعظم موکول داشتند اداره گیلان را مزید سایر مشاغل جناب معظم فرمودند و ضیاء الملک بحکومت گیلان منصوب شد حکمرانی خمسه با نواب والا عز الدوله عبد الصمد میرزا واگذار فرمودند میرزا محمد حسین پسر میرزا جعفر وقایع نگار بمنصب استیفا سرافراز آمد موکب همایون پانزدهم جمادی الاولی تشریف فرمای ییلاق لار و نمارستاق گردید پنجرخ سکه و ضرابخانهٔ دولتی در محلی که مشهور بکارخانهٔ دیسمان ریسی است بریاست جناب میرزا علیخان امین الملک وزیر رسایل خاصه و مباشرت مسیو بخن نمساوی تکمیل و دایر شد آقا محمد ابراهیم امین السلطان بلقب جنابی ملقب و از اجزای دار الشورای کبری گردید مهام و امور دولتی را در تخت دوره زارتخانه قرار داده جناب اجل آقای مستوفی الممالک وزیر امور کشور و جناب سپهسالار اعظم را وزیر امور لشکر خواندند میرزا زکی رشتی وزیر دربار حرم جلالت بخطاب جنابی مفتخر آمد در سلخ رجب مهر ستاره مصریجام معلی گردید بعد از معاودت سفرای بیرمان از دار الخلافه فرمان مملکت میرزا فضل الله خان کارپرداز بمبئی را مامور ساپلچی کری و سفیر بیرمان قرار دادند مشار الیه این ماموریت را از روی کفایت بانجام رسانیده معاودت کرده این اوقات عریضهٔ از مسافرت و شرح سفارت خود بخاکپای همایون ارسال داشت میرزا هاشمخان امین الدوله مرحوم شد میرزا محمدخان امین خلوت فرزند مرحوم میرزا هاشمخان علاوه بر ریاست نفنگداران خاصه بریاست خلوت همایون سرافراز گردید مسیو نیکلا اسبنو از جانب مسیو رید رز رئیس کل پستخانجات بنیابت کلیه یافت میرزا اسحق خان بکار پردازی مهام خارجه استراباد برقرار گردید در ماه رمضان امسال تکیهٔ دولتی محل و جایگاه تعزیه داری و استماع مواعظت در غرفات آن جواهر فروشان دار الخلافه و تجار و ارباب صناعت و محترفه منزل نموده بکسب و حرفه خود مشغول بودند نصر الله خان نصر الملک سرتیپ اول بیکقطعه نشان تمثال همایون سرافراز گردید میرزا شیخعلی جناب منصب نیابت نظام العلماء یافت نواب والا جهانسوز میرزای امیر تومان حکمران استراباد باعطای نشان تمثال همایون مفتخر آمد حسینعلیخان ولد جناب علاء الدوله بمنصب غلام پیشخدمتی مباشیکری مباهی گردید میرزا جوادخان که مامور حمل امتعه و اجناس ایران باکسپوزیسیون پاریس میباشد بمنصب سرتیپی دویم مباهی آمد میرزا محمد علی ناظم پستخانه بعطای یکرشته حمایل و نشان از درجهٔ سرهنگی نایل گشت بعضی از ترکمه ساروق که بخاک خراسان بتاخت و تاز آمده بودند مصطفی قلیخان میرپنج رئیس نظام خراسان آنها را تنبیه و گوشمال بسزا نموده آن محمد علیخان امین السلطنه جامه دار خاص بعطای یکقطعه نشان و حمایل سرخ از درجهٔ دویم سرتیپی سرافراز آمد میرزا اسد الله خان ژنرال قنسول دولت علیه مقیم تفلیس باعطای نشان و حمایل سرتیپی اول مباهی گشت (چین) فوتسو ولیعهد در سن بیست و هشت سالگی (ژاپن) ایجاد راه آهن جدید و افتتاح آن با حضور پادشاه از ازاکا به کیث (اروپا) (اسپانیا) هواخواهان دنکارلس که بخارجه فرار کرده بودند بحکم پادشاه باوطان خود بر میگردند تمام یاغیهای جزیرهٔ کوبا مطیع و منقاد دولت شدند (اطریش) ملاقات پرنس بیزمارک صدر اعظم المان و کنت اندراسی صدر اعظم اطریش در شهر سالسبورگ (المان) کوفتن امپراطور جشنی در موقع سال هفتادم داخلشدن ایشان بخدمت قشونی و سال هشتاد عمر اعلیحضرت معظم

پرنس بیزمارک بواسطهٔ علت مزاج موقتاً چندی از کار کناره میجوید ملاقات امپراطور آلمان با امپراطور اطریش در شهر ایشل (انگلیس) ورود سفرای چین بلندن گفتگوی سخت در مجلس پارلمنت در مسائلی که راجع بعثمانی است الحاق جمهوری ترانس وال افریق قریب بمدار اس امید بمتصرفات انگلیس در آن ناحیه سفاین جنگی انگلیس ورود ببغاز بحر یکا نزدیکی اسلامبول میکند (ایطالیا) پی هم پاپ جشن سال پنجاهم سلطنت روحانی و جسمانی خود را میگیرد (پرتوغال) بیطرفی این دولت در جنگ روس و عثمانی (روس) صدراعظم این دولت پرنس گرچاکف بدول آلمان و اطریش و فرانسه و ایطالیا یادداشتی میفرستد که دولت عثمانی هیچوجه تکالیف دولت روس را در مسائلی که راجع برفاهیت عیسویان آن مملکت است قبول ننموده و باین جهت دولت روس در تهیهٔ قشون است آمدن اعلیحضرت امپراطور به کشینو باتفاق ولیعهد و سان دیدن قشون و در آنجا اعلان جنگ کردن بعثمانی شارژ دافر عثمانی با تمام اجزای سفارت خود از پطرزبورغ بسمت مملکت خود حرکت میکند امپراطور با ولیعهد بتحصیه عساکر روس که بخاک عثمانی ورود میکنند حاضر هستند (عثمانی) سرداری سلیمان پاشا بجای مختار پاشا در هرزگوین صفوت پاشا در مجلس وکلا از طرف سلطان اظهار میدارد که تکالیف مجلس کنفرانس دول را که در اسلامبول منعقد شده بود چون بشأن و شوکت عثمانی خللی وارد می آورد سلطان قبول نکرده و رد نموده اند مجلس وکلای دولت عثمانی تماماً تکالیف مجلس کنفرانس دول فرانک را رد کردند رفتن ماسوربین دول که در مجلس کنفرانس حاضر شده بودند از اسلامبول عزل مدحت پاشا از صدارت و نصب ادهم پاشا بجای او انعقاد مصالحه مابین سربستان و عثمانی سرداری کل سفاین جنگی عثمانی به هوبارت پاشا نام که اصلاً انگلیسی است تفویض شد شارژ دافر روس با اتباع سفارت خود را خوابانیده از اسلامبول خارج شدند در بیست و چهارم آوریل مطابق سه شنبه دهم ربیع الثانی عساکر روس رو بسرحد عثمانی نمودند پاشای افلاق و بغدان بقشون روس اجازه میدهد که از مملکت او عبور نموده بخاک عثمانی بروند و والی افلاق و بغدان پرنس شارل سرداری عساکر خود را قبول کرده بر ضد عثمانی بر میخیزد تصرف عساکر عثمانی سخم قلعه را از بنادر روس در هفدهم مطابق پنجشنبه سیم جمادی الاولی شهر اردهان را روس متصرف شد شیخ الاسلام فتوای جهاد میدهد در چهارم ژوئن مطابق دوشنبه بیست و یکم جمادی الاولی عساکر روس شهر قارص را محاصره میکنند در بیست و دوم همان ماه عساکر روس از رود دانوب عبور مینمایند و روی عساکر روس در سمت اروپ به نواحی خاک عثمانی پیش قراول قشون روس بسرداری ژنرال گورکو از کوه بالکان عبور میکند شهر نیکیلی بتصرف عساکر روس در می آید شکست اردوی نظم روس بدست عثمان پاشا سردار عثمانی محمدعلی پاشا بجای عبدالکریم پاشا سپهسالار کل عساکر عثمانی در سمت اروپ میشود عثمان پاشا در پلونا محصور شده در حملهٔ اول عساکر روس بآن نقطه ده هزار نفر قشون روس کشته میشود شکست ژنرال گورکو در حوالی قزانلق و میدهد سلیمان پاشا در یک حمله با روسها بجهت بچنگ آوردن دره شیپکا دو هزار نفر بکشتن میدهد عساکر افلاق بغدان با عساکر روس متفق شده در محاصره پلونا جداً مشغولند و سرداری این دسته قشون با پرنس شارل حاکم افلاق بغدان است لفچا بتصرف روس در آمد در حملهٔ سوم عساکر روس و افلاق بغدان به پلونا بیست هزار نفر از عساکر روس کشته میشود شکست مختار پاشا در الشکرد و خود را بقلعهٔ قارص انداختن در هیجدهم نوامبر مطابق یکشنبه یازدهم ذیقعدة الحرام قلعه قارص بتصرف قشون روس در آمد و عساکر روس بسمت ارزنة الروم حرکت کردند در دهم دسامبر مطابق دوشنبه چهارم ذیحجه عثمان پاشا با قشون ابواجمعی خود در پلونا تسلیم عساکر روس میشود و در همان وقت ایالت سرب با وجود عقد مصالحه با دولت عثمانی نقض عهد نموده با قشون روس متفق میشود با وجود سرمای سخت و برف زیاد عساکر روس از چند نقطه کوه بالکان عبور میکند (فرانسه) ریاست مسیو گروی بمجلس وکلای ملت فوت ژنرال شانگارنیه از سردارهای معروف در سیم سپتامبر که دوشنبه بیست و چهارم شعبان باشد مسیو طیرس رئیس سابق دولت جمهوری فرانسه وفات میکند (هلاند) فتوحات عساکر دولت در اینجین قوت ملکه

این مملکت در تابستان (یونان) با کمال تعجیل دولت در تهیه حاضر کردن قشون است و کارخانه‌جات اسلحه‌سازی ایجاد میشود بیست هزار قشون علاوه بر قشون معمول حاضر میکنند ورود نواب ولیعهد دولت انگلیس به آتن پای تخت یونان (امریکا) (اتازونی) در بهار این سال ریاست جمهوری بر قرار و ژنرال گران از این عمل خلع گردید سالی پنجاه هزار دلار بر رئیس جدید مواجب مرسوم داده میشود (هر یک دلار معادل است با پنج قران پول ایران) پیغمبر طایفه مرمن که مذهبی است جدید الاحداث و شهرت نام پیغمبر مزبور است بحکم دولت مقتول گردید تمام قشون اتازونی بری و بحری بیست و پنج هزار است مسافرت رئیس سابق ژنرال گران بسمت فرنک و دیدن او به لیورپول بندر انگلیس شکست عساکر دولتی از طایفه سیوکس که از وحشیهای قدیم ینکی دنیا میباشند (برزیل) بواسطه خشکسالی و نیامدن باران در ایالات شمال مردم ببلیه قحطی مبتلا میشوند (مکزیک) ریاست دیاز نام در مکزیک

سنه ۱۲۹۵ هجری — سنه ۱۸۷۸ مسیحی

آسیا (ایران) کلیه امور دولتی در اینسال فرخنده فال از توجهات کامله بندگان اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی دام ملکه ذا ابدا ماکان قرین انتظام است جشن میلاد همایون را جناب سپهسالار اعظم بوجه اکمل گرفتند کتاب مستطاب منتخب مثنوی که بقلم معجز رقم مبارک انتخاب شده باهتمام محمد حسینخان محقق بطبع رسیده است حکومت کرمان و بلوچستان را بحاجی غلامرضا خان شهاب الملک مفوض فرمودند میرزا محمد مستوفی ولد مرحوم حاجی میرزا بابای حکیمباشی بمنصب استیفای نظام سرافراز شد شب پنجشنبه شانزدهم ربیع الاول بعد از گذشتن سه ساعت و پانزده دقیقه و دو ثانیه از شب آفتاب از برج حوت بحمل تحویل نموده سلام خاص در عمارت عاج و سلام عام در تالار تخت مرمر منعقد گردید اداره امور بنائی دار الخلافه باهره و سایر ممالک محروسه را بعهده نواب اعتضاد السلطنه وزیر علوم موکول فرمودند حکمرانی گلپایگان و خوانسار و بروجرد را ضمیمه حکمرانی اصفهان نموده بحضرت اعظم اجل شاهنشاهزاده والا ظل السلطان واگذار فرمودند نواب والا عباس میرزا که چندین سال در عتبات عالیات و عراق عرب بسر میبرد عواطف و مراحم ملوکانه ایشان را بدربار همایون احضار فرموده مبلغ شش هزار تومان وجه نقد از خزانه عامره برسم سیورغال و مواجب در حق نواب معظم و یکهزار و پانصد تومان در حق نواب محمد میرزا ولد ایشان برقرار و نواب معظم را بلقب جلیل ملک آرا و حکومت خمسه مباهی فرمودند نواب عز الدوله بهرام میرزا را بوزارت عدلیه عظمی مفتخر فرمودند حکمرانی ملایر و نهاوند و تویسرکان را بعهده کفالت نواب مؤید الدوله موکول داشتند جناب الله قلیخان ایلخانی بحکومت همدان مباهی گشت حاجی محمد رحیم خان قاجار شامبیاتی بریاست مجلس مظالم عامه برقرار آمد امیر دیوان محمد خان معیر الممالک باعطای نشان تمثال همایون سرافراز گردید میرزا حسن نوری ولد میرزا ابراهیم بمنصب استیفا از درجه سیم نایل آمد حاجی میرزا علینقی منشی باشی نظام بلقب مشیر لشکری سرافراز گردید حاجی آغا جوهر خواجه باشی بلقب معتمد الحرم مفتخر گردید کل قراولخانه‌های دار الخلافه را بعهده کفایت امیرزاده وجیه الله میرزا پیشخدمت خاصه و خزانه‌دار کل وجوه نظام واگذار فرمودند آقا رضای آجودان مخصوص حضور همایون و خازن وجوه صرف جیب مبارک باعطای یکقطعه نشان از درجه اول شیر و خورشید با حمایل سبز مفتخر آمد اسفندیار خان سرتیپ یکقطعه نشان شیر و خورشید و یکرشته حمایل مخصوص آن مباهی شد از وقایع عمده اینسال خیر مآل مسافرت اعلیحضرت همایون بفرنگستان است که شرح آن در سفرنامه مبارکه بقلم معجز رقم مبارک مرقوم است و در اینجا نیز بر سبیل اجمال نگارش مییابد و مقدمة اظهار میدارم که چون مقصود و خیال حقایق تمثال خسروانه از اینسفر خیر اثر استدراک دقایق و نکات عمده علوم و فنون و صنایع و بدایع اقلیم اروپا میبود اینسفر مبارک را بدو سمت قرار دادند تا تشریفات سلاطین و وزرا و بزرگان دول و رؤسای ملل مانع

بنل

بنیل مقصد اعلی و مطلب منظور اهم نگردد
هنگام عزیمت اینسفر خیر اثر نیابت مخصوص وجود مسعود شاهانه را در مدت غیبت ذات ملکوتی صفات اقدس بحضرت
اجل اعظم شاهنشاهزاده افخم والا نایب السلطنه امیر کبیر ادام الله اقباله العالی مفوض و جناب اجل آقای مستوفی الممالک را
در کلیه کارهای کشوری مشارکت رای و خیالات حضرت اشرف معظم قرار دادند و جناب معتمد الملک وزیر مخصوص نیز از
جانب سپهسالار اعظم مشغول رسیدگی بکار لشکری و نظامی و امور دایره وزارت خارجه گردید و بعد از وضع این ترتیبات
روز پنجشنبه سلخ ربیع الاول که پانزده روز از عید نوروز گذشته بود موکب همایون از دار الخلافه باهره اشخاص
فرموده دوشنبه چهارم ربیع الثانی بظاهر قزوین نزول اجلال فرمودند و پس از سه روز توقف عزیمت آذربایجان
نموده ضیاء الملک حکمران گیلان در عرض راه بنشان تمثال همایون مفتخر آمد روز یازدهم بسلطانیه نزول اجلال فرمودند
دوازدهم ظاهر شهر زنجان مضرب خیام معلی گردید
روز چهاردهم نهضت فرموده هیجدهم میانج مضرب بارگاه کیوان شکوه گردید بین راه حضرت اجل اعظم شاهنشاهزاده
والا ولیعهد دولت علیه ایران صاحب اختیار و حکمران مملکت آذربایجان و جناب صاحب دیوان وزیر نظام و پیشکار آذربایجان
بخاکپای مبارک مشرف شدند دوشنبه بیست و پنجم شهر تبریز بورود مسعود خسروانه مزین گردیده و باغ شمال نزول
اجلال فرمودند و پس از ورود مسعود سلام عام منعقد گردید نواب والا حسینعلی میرزا ولد ارجمند حضرت مستطاب
ولیعهد دولت علیه که تا این روز بحضور مهر ظهور مبارک مشرف نشده از تقبیل آستان اعلی مستسعد و مباهی آمد بیست
و ششم جناب فخری بیک سفیر کبیر عثمانی که از راه حلب و دیار بکر و وان بتبریز آمده و سه روز پیشتر باینشهر رسیده
بحضور باهر النور مقدس مشرف گردید روز بیست و نهم از شهر تبریز اشخاص فرموده روز سیم جمادی الاولی بکنار رود
ارس تشریف فرما گردیدند روز سه شنبه چهارم از رود ارس عبور فرموده عازم قفقاز شدند پرنس میخیکوف که از
جانب دولت روس مهماندار بود با صاحبمنصبان زیادی لب رودخانه حاضر و بشرف حضور همایون نایل شدند

اسامی ملتزمین رکاب اعلی در اینسفر فرنگستان از قرار ذیل است

(جناب سپهسالار اعظم) (جناب عضد الملک) (جناب ناصر الملک) (جناب امین السلطان) (دکتر طولوزان حکیمباشی مخصوص
اعلیحضرت همایون) (حکیم الممالک) (مهدیقلیخان پیشخدمت خاصه) (آقا رضا اجودان مخصوص و خازن صرف جیب همایون)
(محمد علیخان امین السلطنه) (امیرزاده سلطان حسین میرزا) (غلامحسینخان زنبدارباشی) (محمد حسینخان محقق) (فرج خان
پیشخدمت) (جعفر قلیخان غلام بچه باشی) (آقا رضای ناظر خلوت) (آقا محمد علی آبدارباشی) (آقا میرزا محمد) (حاجی حسن بابا)
(حاجی حیدر) (بندهٔ مؤلف نیز بشرف التزام رکاب مبارک سرافراز بود)

جمعه هفتم تشریف فرمای ایروان شدند روز نهم بعد از آنکه بجمیع صاحبمنصبان نظامی و قلمی و حاکم شهر ایروان علی قدر
مراتبهم نشان و انعام مرحمت فرموده بودند و همگی مشمول عواطف ملوکانه گردیده بودند از اینشهر عزیمت تفلیس فرمودند سه شنبه یازدهم
شهر تفلیس را بقدوم مبارک مشرف ساختند در بین راه جناب امین الملک که چند ماه قبل مامور فرنگستان شده بود
با ژنرال قنسول ایران میرزا محمود خان مقیم تفلیس باستقبال رکاب اعلی فایز گردیدند تشریفات زیاد در ورود مسعود شاهانه
بشهر تفلیس بعمل آوردند پرنس میرسکی نایب جانشین جمیع صاحبمنصبان نظامی و قلمی تفلیس را در حضور باهر النور اقدس
معرفی کرد نواب گراند دوک میشل جانشین قفقاز اینجا نبودند ولیعهد و پسر ایشان که در اینشهر توقف داشتند بحضور مهر
ظهور مقدس تشرف جستند روز سیزدهم بعد از آنکه بشاهزادگان پسرهای جانشین نشان و حمایل ایران عطا فرمودند
و سایر اعیان و صاحبمنصبان را نیز بقدر مرتبه مشمول مکارم ملوکانه داشتند از تفلیس اشخاص فرموده بمنزل ملیت

تشریف

تشریف فرما گردیدند روز چهاردهم تشریف فرمای شهر ولادیقفقاز شدند از وسط شهر عبور فرموده دم گار پیاده
شده بکالسکه بخار نشستند نظر آقا وزیر مختار ایران مقیم پاریس هم از پاریس آمده بحضور مبارک مشرف شد تا سه
شبانه روز از کالسکه بیرون نیامده متصل در حرکت بودند عصر روز هفدهم جمادی الاولی بشهر مسکو ورود فرمودند
در این روز قاما زوف مترجم خاص اعلیحضرت امپراطور که از پطرز بورغ مامور شده بود و میرزا ملکم خان ناظم الملک ایلچی مقیم لندن
بحضور همایون مشرف شدند در ورود بگار پرنس دالغوروکی حاکم مسکو با همه صاحبمنصبان و ژنرالها باستقبال آمده بودند
منزلگاه همایون در مسکو قصر کرملین است تا غروب روز چهارشنبه نوزدهم در مسکو توقف فرموده بعد از صرف شام
براه آهن تشریف فرما شده عازم پطرز بورغ گردیدند روز دیگر چون بگار پطرز بورغ ورود فرمودند اعلیحضرت
امپراطور و همه شاهزادگان خانوادهٔ سلطنت و جمیع صاحبمنصبان تا گار باستقبال آمده بودند در اینمحل بعد از ادای
مراسم مودت اعلیحضرت امپراطور اولا تمام شاهزادگان خانواده خودشانرا معرفی کردند آنگاه با اعلیحضرت شاهنشاهی
در یک درشکه سربازی نشسته بعمارت زمستانی ارمیتاج که منزل اعلیحضرت همایون است ورود فرمودند و زیاده از
آنچه تصور بشاید اعلیحضرت امپراطور اسباب احترام و پذیرائی موکب همایون را فراهم آورده اند جمعه بیست و یکم در پطرز
اقامت شد در این روز با اعلیحضرت امپراطور و نوابان برادران اعلیحضرت معظم بازدید نمودند شام را امشب خصوصا
در منزل اعلیحضرت امپراطور موعود بودند شنبه بیست و دویم در میدان اشان دومارس سان بسیار خوبی از قشون متوقف
در پطرز بورغ داده شد و در این سان جمیع فرمانها را خود اعلیحضرت امپراطور میدادند امشب را نیز در منزل مخصوص
اعلیحضرت امپراطور بشام رسمی دعوت شدند یکشنبه بیست و سیم یکروج کلدان چینی بسیار ممتاز اعلیحضرت امپراطور
برای اعلیحضرت همایون فرستادند شب این روز در خانه نواب ولیعهد دولت روس بشام رسمی مهمان بودند و در این شب
نشان تمثال همایون مکلل بالماس را برای نواب گراندوک الکسی اهدا فرمودند دوشنبه بیست و چهارم تشریف فرمای پطرهوف
که ییلاق بسیار باصفائی است شدند روز بیست و پنجم بعد از وداع با اعلیحضرت امپراطور و جمیع خانواده امپراطوری
باکالسکه بخار عزیمت ورشاو فرمودند روز بیست و ششم یکساعت و نیم بغروب مانده وارد شهر شدند منزل اعلیحضرت
همایون در اینشهر قصر لازنیکی است حاکم و صاحبمنصبان متوقفین بلد و اعیان در پذیرائی موکب اعلی کمال اهتمام را
بعمل آوردند شب چهارشنبه بیست و ششم و پنجشنبه بیست و هفتم در ورشاو اقامت شد و موزه و سیرک و بعضی مواضع
دیگر این شهر را تماشا فرمودند جمعه بیست و هشتم عازم برلن شدند و شب یکشنبه سلخ جمادی الاولی وارد برلن گردیدند
و تشریفات کامله از مقدم مبارک بعمل آمد روز سلخ اعلیحضرت امپراطور گلیوم بدیدن اعلیحضرت همایون آمدند و اظهار
مخالصت و وداد کامل از جانبین شد منزل اعلیحضرت همایون همان عمارت دولتی است که در سفر سابق فرنگستان در آنمنزل
داشتند بعد از نیمساعت اعلیحضرت همایون بازدید اعلیحضرت امپراطور تشریف بردند عصر این روز در حالتیکه اعلیحضرت
امپراطور در کالسکه روبازی نشسته گردش میکردند شخصی دکتر شارل نبلینک نام از خاندان معروفی از طبقه موسوم
به سوسیالیست دمکرات با تفنگی که با چهار پاره زیادی پر کرده بود دو تیر بطرف اعلیحضرت معظم خالی نموده چون
کلاه خود بسر داشتند سر ایشان محفوظ مانده ولی حوالی شانه و گردن ایشان مجروح گردید و این سانحه زیاده مایه
تالم اعلیحضرت همایون و جمیع ناس شد سه هفته پیش از این هم یکنفر از طبقه مذکوره طپانچه شش لوله با اعلیحضرت
امپراطور انداخته اما آسیبی بایشان نرسانده شنبه غره جمادی الثانیه دو ساعت بغروب مانده بعزم بادن باد
انتهاض فرمودند روز دویم باینشهر وارد گردیدند و پس از پنج روز توقف در آنجا و سیر و تفرج و شکار تماشای

اماکن

اماکن متنزهه دو روز یکشنبه هفتم یکساعت بظهر مانده با کالسکه بخار عازم پاریس شده و در بین راه شهر
استراز بورغ را تماشا فرمودند و شنبه هشتم صبح بیساعت زود وارد دار الملک پاریس گردیدند در گراند هوتل یعنی
مهمانخانه بزرگ منازل و اطاقهای خوب برای اعلیحضرت همایون و ملتزمین رکاب اعلی اجاره و معین شده بود همه
پادشاهان که بپاریس میآیند در همین مهمانخانه منزل میکنند جناب مارشال ماکماهون رئیس جمهوریه بدیدن اعلیحضرت
همایون آمد بعد از آن ببازدید اکسپوزیسیون تشریف فرما شدند روز دیگر ورود مسعود ببازدید جناب مارشال بعمارت النزه
ماکماهون رفتند بعد رسما باکسپوزیسیون تشریف ورود بخشیدند و همه جا را گردش و بازدید فرمودند از جمله بنائیکه
بحکم همایون بسبک ایران در نهایت خوبی ساخته اند با امتعه ممتازه ایران که در این عمارت گذاشته بودند
ملحوظ نظر انور گردید بالخلاصه یکروز به بوادبولن یکروز باکسپوزیسیون روزی به بوت دشومون که تفرجگاه بسیار
خوبیست روزی به آتکن [?] که قصبه بزرگیست تشریف فرما گردیدند از سوانح این ایام آنکه پادشاه سابق هانور
که مملکت آنرا دولت المان تصرف کرده و عموی ملکه اعلیحضرت پادشاه انکلستان است و مدتی در پاریس بوده
غفلة وفات نمود یکشنبه سیزدهم نواب ولیعهد دولت انکلیس از اعلیحضرت همایون دیدن نمود روز چهاردهم
در لنشان اسب دوانی بود و اعلیحضرت همایون با جناب مارشال ماکماهون بتماشای اسب دوانی تشریف فرما گردیدند
شب شانزدهم را برای شام مهمان مارشال ماکماهون بودند بالجمله بیست و دو روز موکب همایون در دار الملک پاریس
اقامت داشت و ذات همایون هر روزی بتماشا و تفرج و بازدید محلی اهتزاز خاطر فرموده روز دوشنبه بیست و نهم
جمادی الثانیه تشریف فرمای الیزه شده جناب مارشال ماکماهون را وداع فرمودند بعد از آن باکسپوزیسیون توجه نموده
قدری گردش کردند روز سه شنبه غره رجب بالیمن و السعاده عازم ایران شدند مارشال ماکماهون و اعاظم
آن مملکت موکب اعلی را بدرقه کردند وقت شب از استراز بورغ عبور شد فردا عصر بشهر سالسبورغ ورود فرمودند نواب آرشیدوک
ویکتور برادر اعلیحضرت امپراطور اطریش که از جانب اعلیحضرت امپراطور باستقبال آمده بود در اینجا بحضور مبارک تشرف
جسته تشریفات کامله از قدوم همجنت لزوم مقدس بعمل آمد روز سیم در اینجا توقف شد امشب در عمارت ییلاقی خارج از
شهر مهمان نواب آرشیدوک ویکتور بودند روز جمعه چهارم عزیمت وینه فرمودند و چون بگار وینه رسیدند اعلیحضرت
امپراطور و همه صاحب منصبان و غیره دم گار با لباس رسمی حاضر بودند اعلیحضرت همایون با اعلیحضرت امپراطور با کمال
خصوصیت و مهربانی و مودت دست دادند و بعد از تقدیم رسوم و تشریفات با اعلیحضرت امپراطور در کالسکه رو
بازی نشسته بعمارت دولتی موسوم بپالد بورغ تشریف فرما شدند منزل اعلیحضرت امپراطور هم در همین عمارت است
بعد از دقیقه اعلیحضرت همایون ببازدید اعلیحضرت امپراطور تشریف بردند روز پنجم بتماشای همین عمارت از خزانه
و موزه و غیره گذشت شام را مهمان اعلیحضرت امپراطور بودند روز ششم بتماشای بعضی ابنیه و عکس و پرده های نقاشی
و غیره مشغول گردیدند روز هفتم بعضی از وزرای مختار و بزرگان وینه بحضور مهر ظهور مشرف شدند بالجمله تا روز
دوازدهم رجب که آن اعلیحضرت همایون متوقف در وینه و مشغول ملاقاتهای دوستانه با اعلیحضرت امپراطور و تفرج
و تماشای اماکن متنزهه بودند روز مزبور را اعلیحضرت امپراطور را وداع فرموده بعد بقصر شونبرون تشریف فرما
گردیدند و پس از تماشای باغ وحش آنجا روز سیزدهم که عید مولود مسعود حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
است از وینه بطرف ایران حرکت فرمودند و اعلیحضرت امپراطور بمنزل اعلیحضرت همایون آمده بعد از قدری صحبت
باتفاق در کالسکه نشسته بطرف گار مشرق راندند و در گار مجددا اعلیحضرت امپراطور را وداع کرده روانه شدند

وفردا قبل از ظهر وارد سرحد روس گردیده در استاسیون روس مهمانداران و صاحبمنصبان روس حاضر بودند و
از آنجا بکالسکه های مخصوص اعلیحضرت امپراطور روس داخل و روانه راه گردیده روز پنجشنبه هفدهم رجب بولادیقفقاز
شرف ورود ارزانی داشتند دو شب در ولادیقفقاز توقف شد و تشریفات کامله از چراغانی وغیره بعمل آمد شنبه نوزدهم
از ولادیقفقاز حرکت فرمودند بیستم بگروزنوای و بیست و یکم از اینجا انتهاض فرموده با کالسکه تا بندر پطروفسکی طی راه
شد از اینجا در کشتی موسوم بالکسندر وسنراپویچ ورود فرموده روز چهارشنبه بیست و پنجم رجب انزلی بمقدم فرخنده
شیم مبارک مزین آمد و این سفر خیر اثر بیمامن اقبال خسروانه بسعادت اختتام یافت روز نهم شهر شعبان المعظم بدار
الخلافه باهره و مقر خلافت عظمی نزول اجلال فرمودند و عموم اهالی بزیارت جمال مهرمثال مقدس سربلند آمدند
و سه شب دارالخلافه چراغانی و جشن بود
هم در اینسال میرزا عباسخان سرهنگ و رئیس تلگرافخانه آذربایجان بمنصب سرتیپی سرافراز شد حاجی آقا جوهر معتمد الحرم بمنصب
سرتیپی دویم و نشان و حمایل مخصوص آن مباهی گردید توپچیان همدانی و نهاوندی و شرای و کرمانشاهانی با میرزا علی اکبرخان
اجودانباشی توپخانه مبارکه ابواب جمع نمودند چون خط تلگراف عربستان کشیده شد جناب مخبرالدوله وزیر تلگراف را باعطای یکقطعه
نشان شیر و خورشید از درجه اول با حمایل سبز که مخصوص آنست مفتخر فرمودند و حسینقلیخان سرهنگ و رئیس تلگرافخانه
ولد جناب معزی الیه بمنصب سرتیپی سیم و نشان و حمایل آن مباهی گردید روز پنجشنبه چهاردم جمادی الثانیه جناب فخری
بیک سفیر کبیر عثمانی مامور اقامت دربار دولت علیه با شرایط معموله وارد دارالخلافه گردید امیرزاده وجیه الله میرزا تشریفات
سرتیپ اول باعطای نشان تمثال همایون سرافراز گردید الله وردیخان سرتیپ اول توپخانه باعطای نشان همایون مفتخر آمد
موسیخان سرهنگ فوج سوادکوهی بمنصب سرتیپی سیم مباهی گشت با فرخان سرهنگ افشار قراول مخصوص بمنصب سرتیپی
سیم نایل شد اسمعیل خان سرهنگ فوج فیروزکوهی را بمنصب سرتیپی سیم سربلند فرمودند هنگام اقامت موکب همایون در
پطرزبورغ یکقطعه نشان سنت اسطانیسلاس از درجه دویم با ستاره و یلاک از جانب دولت روس به بنده مؤلف اعطا شد
دو قطعه نشان طغرای غرای نام نامی مبارک مکلل بالماس که از بزرگترین نشانهای ابد دولت جاوید شوکتست بجناب
سپهسالار اعظم مرحمت فرمودند مهدیقلیخان پیشخدمت خاصه بنشان تمثال همایون سرافراز شد عمید الملک ولد مرحوم
مجد الدوله بحکومت خمسه سرافراز آمد یکقطعه نشان قدس مکلل بالماس که از برترین نشانهای دولت علیه است بجناب
اجل آقای مستوفی الممالک مرحمت فرمودند عمارت سلطنتی که در ییلاق شهرستانک نهایت عالی و مزین بامر همایون جناب
امین السلطان بنا نموده بود باتمام یافت حضرت اجل اعظم شاهنشاهزاده والا نایب السلطنه امیر کبیر ادام الله اقباله
العالی بیکقبضه شمشیر مکلل بالماس از شمشیرهای خاصه سلطنتی مباهی گردیدند میرزا محمود مستوفی و وزیر دارالخلافه
بلقب جنابی سرافراز شد محمد حسینخان رئیس علمجات حکومت دارالخلافه بنشان سرتیپی از درجه سیم نایل آمد این اوقات
اراده علیه همایونی اقتضا فرمود که ترتیبات سابقه ادارات دولتی را تکمیل فرمایند و تکالیف هر دایره مستقلا محدود
باشد و در این حسن ترتیب نتایج و فواید یکه همیشه مقصود خاطر خطیر همایونست بسهلترین وجه حاصل شود نواب
اشرف والا نایب السلطنه امیرکبیر ادام الله اقباله العالی و جناب اجل آقای مستوفی الممالک و جناب اشرف سپهسالار اعظم را
بحضور مهر ظهور مبارک احضار و بدینگونه خطاب فرمودند که انتظام مهام مملکت اگرچه بمراقبت و دولتخواهی وزرا
و کارگذاران دولت قصوری ندارد لیکن هنوز خاطر ما راضی و قانع نیست که معاذیر و بطئی اقدامات شما اصلاحات فوریه
امور را تاخیر کرده و منظورات بلند ما را بمقام انجام نیاورده است

چون

چون نایب السلطنه را در مبادی عمر و شوق و شور جوانی برجوع خدمات امتحان کرده‌ایم و می‌بینیم بغیرت و دانش فطری چه قدر بخدمت دولت مایل است در رتبهٔ شاهزادگی پایهٔ وزارتش هم داده و در این خطاب با شما شریک میکنیم و ادارهٔ امور مملکت چنانکه بود با چندین مراتب استیلا و استقلال بشما تفویض میشود بشرایط و حدود دیگر خواهیم نوشت و شما سه نفر را باجرای این تکالیف مامور و مسئول قرار میدهیم باید وزرای ما متفق و متحد باشند باید در کارها بطرز و اسلوب کهنه قانع نشوند باید از دستگاه وزرا اسباب تفرقهٔ حواس و مفسده و وسواس منسوخ شود کذلک در حضور ما وسایل و وسایط مختلف انتظام احکام و عرایض را مختل نکند تمام نوشتجات از هر قبیل و هر قسم با مین الملک برسد و او بحضور آورده عرض کند و جواب هر اداره را او بفرستد دستورالعمل و تکالیف شماها را می‌نویسیم باید خودتان تمام آنچه معین و مقرر کرده‌ایم مکلف باشید پس از رخصت وزرای فخام جناب امین الملک را بحضور همایون خواسته و از روی یادداشتی که مشروحاً بدستخط همایون مرقوم شده بود حدود و تکالیف ادارات مستقله را تقریر فرمودند جناب معزی الیه منصوصاً و امر علیه را ثبت و با مضا ملوکانه توشیح داد و خطاب بهر یک از وزرای مسئول سه‌گانه دستخط مخصوص در این شرح اداره و توضیح تکالیف معظم الیهم صادر نموده مقرر گردید که روز دیگر تمام چاکران و رجال دولت و شاهزادگان و اعاظم در تالار تخت مرمر حاضر شده دستورالعمل و تکالیف وزرای مسئول در مجمع عام قرائت و دستخطهای مطاعه که بافتخار هر یک شرف صدور یافته در همان مجلس ابلاغ شود روز سه‌شنبه هفدهم شوال حسب الامر الاعلی مجلسی مشحون بتمام شاهزادگان و وزرا و رجال و اعاظم ترتیب شده دستورالعمل ادارات مستقله را لسان الملک قرائت نمود چون بعضی از تالیفات بندهٔ مولف در پاریس بمطالعهٔ جناب مسیو شفر مترجم باشی دولت جمهوری فرانسه و رئیس مدرسهٔ السنهٔ شرقیه و سایر علما و دانشمندان خبیر و بصیر آن مملکت که وقوفی کامل و مهارتی تام بزبان فارسی و عربی دارند رسیده زایدالوصف تحسین نمودند و جناب امیرال لارونسیر نوری رئیس مجلس جغرافیای فرانسه این بنده را جزو اجزاء آن مجلس محترم شمرد جناب مسیو باردو وزیر علوم و صنایع و مذاهب آن دولت فخیمه پس از اظهار برجال دولت جمهوری فرانسه نشانی از مرتبهٔ اول مجمع العلوم که بالاترین علایم و نشان فضل و دانش است با فرمان مخصوص آن از طرف وزارت علوم دولت جمهوری فرانسه برای این بنده ایصال داشتند و از خاکپای همایون اجازه استعمال آن یافت میرزا محمد رئیس دفتر وزارت خارجه ملقب بصدیق الملک گردید محمدعلیخان امین السلطنه جامه‌دار خاصهٔ شریفه و خازن مخزن تدارکات عسکریه بمنصب صندوقداری صندوقخانهٔ مبارکه سرافراز شد (افغانستان) قبول نکردن امیر شیرعلی خان امیر افغانستان مامورین انگلیس را در ماه رمضان و قبول نمودن مامورین روس را در کابل انتشار یافته در لندن سبب اضطراب گردید بعد فرار امیر شیرعلیخان از کابل بسمت ترکستان و زمام اختیار سلطنت را به پسر خود سردار یعقوبخان دادن در دوازدهم ذیحجه
اروپا (اسپانیا) عروسی پادشاه با پرنسس مرسده دختر دوک دمونت پانسیه که خاله زاده اعلیحضرت معظم بود شورش اهالی کوبا بر ضد این دولت رفع شده آن جزیره بکلی مطیع میشود فوت ملکه جدیده و جبر پادشاه در بیست و سیم ژون این ملکه که پنج ماه و اندی بود عروسی کرده در هزار و هشتصد و شصت مسیحی متولد شده بود جمعه بیست و هفتم شوال شخص چلیک سازی طپانچه بطرف پادشاه خالی کرد ولی با ایشان نخورد (اطریش) کنت اندراسی وزیر اعظم اطریش بدول المان و انگلیس و فرانسه و ایطالیا اعلان رسمی میفرستد که مامورین در مجلس کنگره که از برای قرار مسائل شرقیه منعقد خواهد شد بوینه پای‌تخت اطریش روانه دارند و دولت المان تکلیف میکند که محل انعقاد این مجلس در برلن باشد فصول عهدنامهٔ سان استفانو مابین روس و عثمانی را کنت اندراسی قبول نمیکند و ورود عساکر اطریش بهرزکوین و بسینی ایالات عثمانی بجهت تصرف نمودن این دولت و راضی نبودن اهالی در هشتم رمضان ایسال عساکر اطریش شهر تربین را

در هرزکوین و بسنی تصرف نمود و بواسطه دولت اطریش از تصرف کردن این دو ایالت و جنگ با اهالی آسوده گردید
سفارت نکبرای مسیو نسبت بانی طرفه ولت اطریش بفرانسه آتش گرفتن کشتی موسوم باسفنکس در محیط و تلف شدن پانصد
نفر استقراض دولت عادله دوازده کرور ایران بجهة مخارج لازمه قشون منصرف شدن عساکر اطریش شهر سراجوو را
که شهر پایتخت هرزکوین و بسنی در آنجا جمع بودند (المان) در افتتاح مجلس پارلمنت امپراطور بشخصه خطبه خوانده و کوشش خود را — هرزکوین
در انعقاد مصالحه بین روس و عثمانی و حفظ صلح در تمام دول فرنک اظهار میدارند در یکی از کوچه‌های برلن معروف به
نبل امپراطور با صبیه خود والبیه باد در کالسکه روباز از گردش مراجعت میکرده هدل نام دو تیر طپانچه بسمت اعلیحضرت معظم — در هشتم جمادی الاولی
خالی میکند ولی هیچکدام با ایشان نمیخورد کشتی جنگی زره دار بزرک المان موسوم بگروس کورفورست در حوالی انگلیس بکشتی
جنگی موسوم به کینگ ویلهلم برخورده با سیصد نفر عمله که در آن کشتی بود غرق میشود نیز در کوچه تیل برلن هنکام رفتن — در سلخ جمادی الاولی
امپراطور بگردش دو تیر تفنگ بسمت اعلیحضرت معظم خالی میشود و خیلی چارپاره بباز و وشانهای امپراطور میخورد ضارب که
موسوم به نبلینگ است با طپانچه قصد هلاکت خود را کرده لیکن زخم شدیدی باو نرسیده و نمیرد بواسطه جراحات سختی که بر
بدن امپراطور رسیده زمام اختیار سلطنت را موقتا بولیعهد میدهند مجلس کنکره دول در برلن افتتاح شده و مامور
دول المان و اطریش و فرانسه و انگلیس و روس و عثمانی و ایطالیا در مجلس جلوس کرده و ریاست مجلس به پرنس بزمارک داده
میشود مامورین دول عهدنامه برلن را امضا مینمایند اختتام مجلس کنکره دهم ذیحجه امپراطور سالما از ییلاقات شهرهای
آب معدنی که چندی در آنجاها سفر کرده بودند ببرلن مراجعت و ورود نموده بشخصه مشغول رسیدگی بامور سلطنت شدند فوت
ژرژ پادشاه هانوور در پاریس (انگلیس) مابین ایندولت و دولت روس آثار کدورت پیدا است در اغلب بلاد انگلیس
اهالی با دولت موافق در جنگ با روس نیستند ورود عساکر روس در حوالی اسلامبول اسباب کمال وحشت رجال دولت انگلیس
و باین جهة کشتیهای جنگی انگلیس از سمت دریا بحوالی اسلامبول میآید استعفای لرد دربی از وزارت خارجه که بتهیه قشون انگلیس
راضی نبود از خطبه که پادشاه انگلستان در افتتاح مجلس پارلمنت میخواندند و نوشتجاتی که لرد سالیسبوری که تازه بوزارت امور
خارجه انگلیس منصوب شده چنین معلوم میشود که دولت انگلیس هیچوجه راضی بفصول عهدنامه منعقده سان استفانو
مابین دولت روس و عثمانی نیست و با کمال شدت دولت انگلیس تهیه جنگ می بیند استقراض دولت دوازده کرور لیره برای حاضر
کردن عساکر بری و بحری وزرای عثمانی اظهار کمال امتنان را از عنایت و حمایت انگلیس دارند نامزد نمودن پرنس آرتور پسر
پادشاه انگلستان پرنسس مارگریت صبیه فردریک شارل بنی عم امپراطور المان را در مجلس کنکره برلن کنت بوکنسفیلد صدر اعظم
اظهار میدارد که بنا بر این عهدنامه مخفی مخصوصی که مابین دولت انگلیس و دولت عثمانی منعقد شده عساکر انگلیس جزیره
قبرس من جزایر عثمانی را متصرف میکردند لرد سالسبوری بعد از مراجعت از مجلس کنکره برلن تمجیدات زیاد از نتایج اینمجلس میکند
بجهة اینکه عهدنامه سان استفانو را برهم زد مرخص نمودن دولت انگلیس عساکر یکه تازه جمع کرده بود کشتی موسوم به پرنس البس
در چهارم رمضان با کشتی دیگر بهم خورده در رود طمس که از وسط شهر لندن میگذرد برخورده کشتی پرنس البس در آن واحد غرق شده
ششصد نفر مسافر هلاک میشوند فرستادن تهدیدنامه از طرف فرمانفرمای هند بامیر شیرعلیخان امیر کابل در ماه ذیقعده
پنجشنبه بیست و پنجم ذیقعده عساکر انگلیس از چند نقطه وارد بخاک افغانستان شد و فردای آنروز قلعه علی مسجد را
که در دهنه تنکه خیبر است متصرف شدند فتح قلعه دره پیوار افغانستان بدست ژنرال ربرتس سردار انگلیس فوت کنت دوسل
از معارف (ایطالیا) فوت ویکتور امانوئل دویم پادشاه اینمملکت و جلوس هومبرت اول ولد ارشد آن پادشاه بتخت سلطنت ایطالیا
فوت پی نهم پاپ اعظم انعقاد مجلس کنکلاو یعنی شورای بزرک کشیشان بجهة انتخاب نمودن پاپ تازه و انتخاب نمودن کشیشان

کاردینال

کاردینال پچی را بپاپی و ریاست کاتولیکی و او را ملقب بلئون سیزدهم نمودن صدارت مسیو کیسولی در ایطالیا در شهر ناپل شخصی پاساناتی نام با کارد حمله بپادشاه کرده ولی پادشاه نمیمیرد اما کیسولی صدر اعظم که در صندلی جلو کالسکه نشسته بود را نیش از آن ضرب مجروح میکرد بعد از این مقدمه در چند شهر از بلاد ایطالیا مردم شورش میکنند (بلژیک) اهالی بلژیک جشن سال بیست و پنجم عروسی پادشاه و ملکه را گرفتند (روس) دولت روس اعلان میکند که اگر کشتیهای جنگی انگلیس در حوالی اسلامبول بماند او نیز شهر اسلامبول را متصرف میکرد لهذا قسمتی از سفاین جنگی انگلیس بحوالی گالی پولی رفتند شهر صوفیا از ممالک اروپائی عثمانی بتصرف عساکر روس در آمد سرمای شدید را که بلا نهایت بود قشون روس متحمل شده از تنگه شیپکای کوه بالکان که قسمت عمده قشون عثمانی بواسطه برودت هوا تخلیه کرده بودند گذشتند مراجعت امپراطور بعد از فتوحات نمایان در خاک عثمانی بپطرزبورغ ورود عساکر روس بشهر ادرنه نواب گراند دوک نیکلا سردار عساکر روس در قریه سان استیفانو نیم فرسخی اسلامبول وارد و زد نواب گراند دوک نیکلا بشهر اسلامبول رفته و با اعلیحضرت سلطان ملاقات نماید ژنرال اکناتیف که از طرف دولت روس مامور ببعضی گفتگوها مابین دولت روس و اطریش بود بوینه رفته بی نیل مقصود مراجعت میکند معاودت گراند دوک نیکلا از خاک عثمانی و تعیین نمودن ژنرال توتلبین را بجای خود تصرف نمودن عساکر روس بندر و شهر باطوم را تصرف قشون روس شهر عثمان بازار و رود شیخی و ارزنة الروم را رفتن قشون روس از سان استفانو بحوالی اسلامبول مجروح ساختن ژنرال تریپوف حاکم شهر پطرزبورغ را شخصی از طایفه نیهلیست ژنرال مزنتسوف رئیس احتساب مخفی روس را در یکی از کوچهای پطرزبورغ در روز روشن بقتل رسانیدند و قاتل مخفی گردید سان دادن قشون در پطرزبورغ با حضور اعلیحضرت شاهنشاه ایران (عثمانی) اضطراب اهالی اسلامبول و عریضه دادن با اعلیحضرت سلطان و قرار دادن بعضی از اصول مصالحه را در شهر ادرنه فتوحات منتگرو و عساکر سربی در رفتن فتح شهر فلیپ پولی قشون افلاق بغدادین ویدین را متصرف میکردد انعقاد مصالحه بین عثمانی و روس در سان استفانو و این عهدنامه مبنی بر بیست و نه فصل است موقوف داشتن منصب صدارت در مملکت عثمانی سفرای عثمانی در لندن و وینه بدول انگلیس و اطریش رسما اطلاع میدهند که اصول عهدنامه صلح بین عثمانی و روس ممضی شد سفاین جنگی عثمانی در محاذی پیره بندر یونان لنگر انداخته دولت یونان را تهدید میکنند که اگر عساکر خود را که در خاک عثمانی تخطی نموده اند نطلبد آن بندر را بضرب گلوله معدوم سازند جمیع دول انعقاد مجلس کنگره را بجهة حل مسائل شرقیه در وینه قبول مینمایند مگر دولت روس و المان که در محل انعقاد این مجلس گفتگو دارند و راضی نیستند که این مجلس در وینه منعقد شود تعیین خسارت جنگی که دولت عثمانی بر عهده گرفته که موافق عهدنامه سان استفانو بدولت روس بدهد دو هزار و هشتصد و بیست کرور و هشتاد است و ایالات بلغارستان و دبرجای را از مملکت اروپ خود مجزی دانسته و در سمت آسیا قارص و باطوم و اردهان را املاک طلق دولت روس میدانند جمعی از معارف اسلامبول در خیال این هستند که سلطان مراد را مجددا بر تخت سلطنت جلوس داده سلطان عبد الحمید خان را خلع نمایند حتی جرأت نموده خواستند این قصد را بموقع اجرا رسانند مقصرین گرفتار شده مورد تنبیهات سخت گردیدند مسلمانهای یاغی رومیلی در ظرف دو ماه و نیم چهارده جنگ سخت با عساکر روس نموده اغلب فتح و ظفر با یاغیان بود دو ثلث بلغارستان که بموجب عهدنامه سان استفانو از خاک عثمانی مجزی شده بود بایستی بدولت برگشت و قرار دادند از برای عبور و مرور سفاین جمیع دول آزاد شد و بایزید بدولت عثمانی مسترد گردید و باید بجهة راه تجارت با ایران آزاد و باز شد یانقین سختی در باب عالی (فرانسه) افتتاح اکسپوزیسیون عمومی صنایع با تشریفات زیاد در اول ماه مه در تمام ممالک فرانسه علی الخصوص در پاریس در سی ام ماه ژوئن باسم عید و جشن جمهوری جشن بزرگی گرفتند قیمت مخارج این کار آ

در فرانسه کلیه پنج سانتیم مقرر شد (یک فرانک صد سانتیم است) ادارات تلگراف و چاپارخانه را دولت فرانسه یکی نموده در تحت وزارت مالیه قرار دادند شورش اهالی نوول کالدونی استرالی بر ضد دولت فرانسه و کشتن جمعی از اهالی فرانسه را در آنجا بروز سفارت کبرای مسیو فوردینه از طرف دولت فرانسه باقامت اسلامبول انتخاب وکلای ملت در دولت فرانسه مساعد وضع جمهوری بود اغلب وکلای ملت جمهوری طلبند نه سلطنت (هلاند) مزاوجت ولیعهد این دولت با یکی از شاهزاده خانمهای پروس (یونان) با عیسویهای ایالات مقدونیه که بر ضد عثمانی هستند میل به تبعیت یونان دارند دولت یونان بدولت عثمانی اطلاع میدهد که الجاء عساکر خود را بایالات اپیروس و تسالی و مقدونیه من ایالات عثمانی خواهد فرستاد

صورت ترجمه عهدنامه مفصله منعقده در مجلس کنگره برلین که در اینسال سمت اختتام یافته بود و در اینجا موقع درج آنست چون در جلد سیم کتاب مستطاب مرآت البلدان مسمی بمآثر السلطان بعینها مندرج شده است لهذا در اینجا اعاده و تکرار ننمود امریکا (اتاتونی) بروز تب زرد با نهایت شدت در بعضی ایالات اتاتونی

سنه ۱۲۹۶ هجری — سنه ۱۸۷۹ مسیحی

آسیا (ایران) امور دولت در اینسال بیمن توجهات اعلیحضرت همایون شهریاری قرین انتظام و آراستگی تمام است در ماه محرم اینسال بامر همایون و از وجوه خاصه دولت و بمباشرت جناب امین السلطان شروع بساختن راه شوسه (کالسکه رو) و منازل و اقامتگاهها از دار الخلافه طهران الی آذربایجان و سرحد ارس شد که بعد ها نیز در دیگر جانبهای راههای ایران الی سرحدات بهمین طور ساخته شود دسته از قشون سواره ایران را بوضع سواره قزاق روس بریاست و معلمی کلنل دمنت و پنج صاحب منصب روسی ترتیب و برقرار کردند و نیز هفت فوج از قشون عراقی را با ششصد نفر توپچی عبالتر بطور نمونه انتخاب و بسبک و وضع قشون اطریش مرتب کرده یکدسته صاحب منصب بریاست کلنل شنوسکی و شیونو و تیس برای تعلیم و ریاست افواج مزبوره از دولت اطریش استخدام نمودند جشن ولادت همایون را در ششم صفر المظفر برسم معمول همه ساله جناب سپهسالار اعظم با شکوهی تمام گرفته با عطای یکحلقه انگشتری الماس بریلیان از طرف اعلیحضرت همایون مفتخر شدند تولیت دربار نور و نوشتجات و اسناد و نامهای عظیم الشان دولتی بعهده جناب حاجی محمد رحیمخان خازن الملک که از خدمت صندوقداری استعفا نموده بود مفوض شد مهدیقلیخان پیشخدمت خاصه بمنصب میرآخوری اصطبل مبارکه سرافراز گردید حکومت عراق و مضافات بعهده حکیم الممالک پیشخدمت باشی سلام موکول آمد در صفحه خراسان بکنج سردار ترکمان با جمعی سواره و پیاده از او بر خود کثیر تعرض تاخت و دستبرد در حدود خراسان آمده سپاه منصوره ساخلو سرحد آنها را تنبیه و کیفری بسزا دادند رحمت الله خان سارئ اصلان با عطای یکقطعه نشان تمثال همایون مفتخر آمد جناب میرزا عباسخان معاون الملک بیکحلقه انگشتری الماس سرافراز گردید جناب امین لشکر و نیز کرک با عطای یکثوب جبه ترمه از ملابس مخصوصه مباهی شد ساعد الدوله حبیب الله خان سرتیپ اول با عطای یکقطعه نشان تمثال همایون مفتخر گردید سهام الدوله سرتیپ اول نیز بیکقطعه نشان تمثال مبارک و شجاع الملک عبد القادر خان بمنصب سرتیپی اول سرافراز شدند حاجی ملا محمد جعفر چاله‌میدانی از اجله علمای دار الخلافه شب بیستم صفر برحمت ایزدی پیوست حاجی محمد قلیخان صارم الملک شاطرباشی در سلخ همین ماه نیز داعی حق را اجابت گفت اسواق و خانات و مدارس و بقاع دار الخلافه طهران را عموماً مرمت و تعمیر کردند در روز بیست و هفتم صفر در نتیجه جناب امین الملک شصت صندوق و سی پوت خالی از نفت نغته اکثر در آنها

افتاده میسوزد و نیز در شب بیست و هشتم دکان نفت فروشی ستار نام در چهارسوق بزرگ دارالخلافه آتش گرفته قریب پانزده شانزده دکان دیگر نیز آتش گرفته تمام متاعش میسوزد و بچهارسوق نیز خرابی وارد می آورد عید مولود مسعود حضرت خاتم النبیین صلی الله علیه و آله و سلم را در هفدهم ربیع الثانی جشن کامل گرفتند نواب اشرف والا شاهنشاهزاده اعظم ولیعهد جاوید مهد دولت علیه ادام الله اقباله العالی از محل حکومت آذربایجان موقتا احضار بدربار همایون و وارد دارالخلافه شده شرفیاب حضور مبارک گردیدند یازده ساعت و سی و نه دقیقه از شب جمعه بیست و هفتم ربیع الاول گذشته آفتاب جهانتاب از برج حوت بحمل تحویل کرده مراسم جشن عید و سلام در پیشگاه همایون کاملا بعمل آمد نواب اشرف والا امیرکبیر نایب السلطنه دولت علیه ادام الله اقباله العالی بیکقطعه نشان تمثال اقدس که از اختراعات جدیده ذات همایون است معزز و مخصوص گردیدند امین خلوت در موقع سان تفنگداران خاصه باعطای یکثوب سرداری خلعت همایون مباهی شد ضرابخانه جدید البنای دولتی بامر دولت و بتوسط جناب امین السلطان دایر شده مسکوکات ایران عیار صحیحی هم رسانید مصون از خلل و غش گردید و عیار قران نقره در بیست و چهار نخود که یکمثقال تمام باشد و تومانی طلا بهمین نسبت در پانزده نخود قرار گرفت بر حسب استدعای نواب اشرف والا امیرکبیر نایب السلطنه دولت علیه ایران حکومت ملایر و تویسرکان و نهاوند مستقلا بنواب والا عزالدوله و حکومت مازندران بامیرزاده نورالله میرزا مرحمت شد محمدباقرخان شجاع السلطنه بنشان و حمایل سرتیپی اول سرافراز گردید فضل الله خان پسر مرحوم حاجی صارم الملک بمنصب شاطرباشی گری که بدان مسبوق بود سرافراز گردید فتح الله خان پسر دیگر آن مرحوم بمنصب ناظمی دیوان عدالت مباهی آمد بر حسب اراده علیه همایونی اداره پلیس بجهت امنیت شهر بتوسط نواب اشرف والا امیرکبیر نایب السلطنه ادام الله اقباله العالی و بریاست مسیو کنت دمنت فرت در دارالخلافه طهران برقرار گردید در اردبیل و بعضی بلاد دیگر آذربایجان چند روز متوالی زلزله شد نواب اشرف والا شاهنشاهزاده اعظم ولیعهد دولت علیه ایران ادام الله اقباله العالی باعطای یکقطعه نشان ذی شان اقدس مکلل بالماس قرین اعزاز آمده پس از رخصت ملوکانه رجعت بآذربایجان فرمودند بنده مؤلف پس از تقدیم جلد ثانی مآثر السلطان بخاکپای همایون و نایل شدن آن بشرف قبول باعطای یکقطعه نشان از درجه اول این دولت با یکرشته حمایل سبز سرافراز گردید محمد رحیمخان از جانب نواب اشرف والا ظل السلطان دولت علیه ایران ادام اقباله العالی بحکومت بروجرد منصوب شد علیخان از جانب جناب اعتضاد الدوله حکمران قم و کاشان بنیابت حکومت کاشان برقرار گردید نواب والا نصرة الدوله فرمانفرما بحکومت ایالتین کرمان و بلوچستان و اعطای یکثوب سرداری ترمه شمسه مرصع منصوب و مخلع گردیدند انتظام دفترخانه مبارکه استیفا علاوه بر خدمت محصلی بقایا بعهده آقا علی امین حضور محول شد ایام شنبه و سه شنبه حسب المقرر جمیع وزرای عظام در مجلس شورای کبری که در عمارت دولتی موسوم بخلوت کریمخانی است حاضر شده در امور دولتی مشاوره نموده پس از انقضای مجلس دو ساعت بعد از ظهر بحضور همایون شرفیاب میشوند در آذربایجان چون بواسطه اختلاف رواج امپریال و خمس منات اختلالی در امر معاملات بهم رسیده بود مقرر شد در دارالخلافه امپریال از قرار دو تومان و دو هزار و خمس منات روسی پانزده عدد یکتومان رواج خزانه و غیره باشد و اهالی آذربایجان هم از همین قرار داد و ستد نمایند از طرف اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه دو قطعه نشان سنت آندره مکلل بالماس یکی بجهت نواب اشرف والا ظل السلطان دولت علیه و دیگری برای نواب اشرف والا نایب السلطنه امیرکبیر دولت علیه ادام الله اقبالهما العالی انفاذ گردید نواب پرویز میرزا نیرالدوله علاوه حکومت سبزوار بحکومت نیشابور و یکقطعه نشان سرتیپی اول با حمایل آن نایل شد

متعلمین دار الفنون را امتحان نمودند جناب میرزا قهرمان امین لشکر بوزارت و پیشکاری آذربایجان و مصطفی قلیخان اعتماد السلطنه بریاست قشون آذربایجان و جناب میرزا عبدالرحیمخان ساعدالملک باداره مهام خارجه آذربایجان وحاجی علیقلیخان پازکی بنجوبلداری و تحصیل باری و جو نظام آنمملکت مامور شدند نواب والا احمد میرزا معین الدوله بحکومت ارومیه و نواب حاجی سیف الله میرزا بحکومت اردبیل و مشکین و حاجی محمودخان بحکومت ساوجبلاغ و علیخان پسر مرحوم والی پیشخدمت حضور همایون بحکومت مراغه و مهدیقلیخان سرتیپ بنلی بحکومت مرند و آقاخان سرتیپ افشار بسرحدداری و حکومت قراجه داغ منصوب گردیدند نواب والا عضدالدوله حکمران قزوین باعطای یکقطعه نشان و یکرشته حمایل امیرتومانی مباهی آمد حکیم الممالک پیشخدمت باشی سلام حکمران عراق بیکقطعه نشان و یکرشته حمایل سرتیپی اول سربلند گردید جناب آقا شیخعلی نایب نظام العلماء بلقب ناظم العلمائی ملقب شد محاسبه انبار دارالخلافه و غله دیوانی کل ممالک محروسه و برات نویسی اداره نظمیه و احتساب و حساب گرمسار و خوار و برات نویسی و محاسبه عمله راه سازی از هر جهت بمیرزا عبدالله خان مستوفی نوری محول گردید میرزا محمد علی لشکرنویس توپخانه باعطای نشان و حمایل سرتیپی سیم سرافراز شد مهدیخان با فوج هفتم افشار ارومی از ماموریت فارس مراجعت کرده بنشان و منصب سرهنگی خارج از فوج سرافراز و محمد علیخان ولد مشارالیه بمنصب سلطانی نایل گردید برات نویسی کل اتباع وزارت خارجه بعهده میرزا محمد حسین مستوفی آشتیانی محول شد ریاست کل قشون خراسان بسلیمانخان صاحب اختیار مفوض آمد کارخانه بوشهر از طرف دولت تعمیر کامل شد یکقطعه تمثال همایون باعزاز نواب والا جهانسوز میرزا امیرتومان حکمران استرآباد مرحمت گردید امان الله خان بهاء الملک قراگوزلو برحمت ایزدی پیوست مرتضی قلیخان وکیل الملک سرتیپ و داعی حق را اجابت گفت از غره شهر رجب بموجب اعلان دولتی اعطای نشان تصویر همایون عموماً متروک شد موکب همایون عزیمت ییلاق لار و فیروزکوه فرمود میرزا حسین پسر جناب وزیر دفتر بنیابت وزارت دفتر و خلعت همایون نایل و مخلع گردید کنت دمنت فرت رئیس اداره نظمیه و احتسابیه شهر دارالخلافه بیکقطعه نشان و یکرشته حمایل سرتیپی اول سرافراز شد حاجی میرزا علینقی مشیر لشکر باعطای نشان و حمایل از رتبه سرتیپی اول مفتخر گردید نواب اشرف والا شاهنشاهزاده اعظم ولیعهد ادام الله اقباله العالی حکومت شهر تبریز را بنواب شعاع الدوله مفوض داشتند عمارات دیوانی ساری مرمت شد نوغان گیلان ترقی و امتیاز یافت روز بیست و هشتم رجب کسوف اتفاق افتاده ثلث قطر آفتاب منکسف شد محمد تقیخان حاجب الدوله بمیرآخوری اصطبل توپخانه برقرار گردید

جناب میرزا موسی وزیر لشکر بنشان و حمایل امیرتومانی سرافراز آمد اللهیارخان آجودانباشی بیکهزار تومان اضافه مواجب نایل شد اعطای لقب جنابی برحسب اعلان دولتی موقوف و متروک گردید مگر در حق کسیکه رتبه وزارت داشته باشد آقا زین العابدین اشرف الکتاب نسخ نویس اصفهانی در سن یکصد سالگی برحمت ایزدی پیوست نواب اشرف والا ظل السلطان ادام الله اقباله العالی محمد حسینخان را از حکومت بروجرد معزول و محمد علیخان را بجای او منصوب نمودند موکب همایون ملوکانه شنبه هشتم رمضان از ییلاق شهرستانک تشریف فرمای قصر نیاوران شد جناب مستر رانلد طامسن بوزارت مختار و ایلچی مخصوص دولت بهیه انگلیس مامور باقامت در دربار دولت ایران شد و شنبه یازدهم رمضان در سلطنت آباد بحضور همایون شهریاری نایل و مورد مرحمت گردید مدرسه قدیم که چندان عالی و وسیع نبود با سایر عماراتی که در دور آن و مابین دو حیاط باغ همایونی واقع بود خراب و بجای آن دو دریاچه بسیار طویل عریض ساخته و موزه بسیار وسیع عالی مثل موزه های معتبره دول اروپ

در یک ضلع سمت شمالی عمارت باغ مبارک بنا کردند سبزه میدان و امامزاده زید و مسجد جامع سلطانی و بازارهای
دار الخلافه را مرمت کامل کردند ایجاد و افتتاح کارخانه چراغ الکتریسیته در مجمع الصنایع جنب خیابان باب همایون بتوسط مسیو
فابوسن معلم در هفدهم رمضان همین سال شد کارخانه چراغ گاز که اسباب آنرا جناب سپهسالار اعظم از فرنکستان
خواسته و آورده اند بتوسط همین مسیو فابوسن دایر میشود از غرایب اینکه سکی در شیراز بیک شکم پانزده بچه آورده
است و نیز بچه گوبه ایست که دو دست ندارد و جای دستها صاف و حرکتا و شبیه بجست و خیز است
سلام عید فطر در باغ لاله زار منعقد شد نواب اشرف والا امیر کبیر نایب السلطنه دولت علیه ایران با عطای یک
حلقه انگشتری الماس بریلیان اختصاص یافتند سیم تلگراف تبریز و کرمان اتصال یافت نواب الله قلی میرزا ایلخانی
در سلک وزرای شورای کبری منسلک گردید ضرابخانه دولتی که سپرده بجناب امین السلطان است در ظرف مدت
هفت ماه و بیست روز یک کرور و هفتاد و دو هزار و صد تومان پول طلا و نقره و مس با چرخ بخار بسکه جدید
مسکوک شد قوام الملک در سه فرسنگی شیراز قناتی بجهة شرب اهالی شهر احداث کرد که در سنگ تمام آب دارد
محال قطور که از نقاط سرحد ایران و از محالات مخصوصه خوی است و در زمان فتنه سالار در حد خراسان سرحد داران
دولت عثمانی فرصت غنیمت شمرده آنجا را غصبا تصرف کرده بودند و تا بحال در رد و استرداد آن از طرفین دولتین علیتین
ایران و عثمانی مسامحه شده بود در این اوقات که مجلس کنگره برلن منعقد شد موافق فصل شصتم عهدنامه کنگره برلن
بدولت ایران مسترد و واگذار شد و محمد صادق خان امین نظام از طرف دولت علیه ایران برای قبض و تصرف محال
قطور مامور آنجا شده نوزده قریه را تصرف کرد یکحلقه انگشتری الماس بریلیان بسیار ممتاز درباره نواب اشرف والا
ظل السلطان دولت علیه ایران ادام الله اقباله العالی مرحمت شد میرزا محمد علیخان معین الوزاره کارپرداز اول دولت
علیه مقیم بغداد با عطای نشان و حمایل سرتیپی اول نایل گردید روزنامه اصفهان موسوم بفرهنگ بتوجه نواب اشرف
والا ظل السلطان ایجاد شد عمارتی عالی بجهة دفترخانه مبارکه دولتی در جنب باغ ارک قدیم ساخته و تمام گردید
در حوالی قریه کاوند از قرای خمسه دو سه سال قبل یازی نام قطعه سنگ طلائی پیدا کرده بود معدنچیان مشغول کاوش
و کاوش هستند و باز خاک طلائی از حوالی کوه آنجا بدست آورده اند علاوه بر این معدن نیز کوه دیگری منکشف شده است
که دارای معدن طلا است اعلیحضرت ملکه اسپانیول یکقبضه شمشیر مکلل بالماس گرانبها برای اعلیحضرت همایون صاحبقرانی
اهدا و ارسال داشتند موکب همایون یکباره از ییلاق تشریف فرمای شهر شد این بنده مؤلف با عطای یکقبضه
قمه مرصع گردید مباهی شجاع السلطنه محمد باقرخان سرتیپ اول با عطای یکثوب سرداری ترمه سرافراز گردید میرزا تقیخان
پیشخدمت خاصه ولد جناب مجد الملک بمنصب منشی حضوری و نیابت جناب امین الملک سرافراز شد در دهم ذیحجه الحرام
مراسم تبریک عید اضحی و انعقاد سلام در حضور مبارک بعمل آمد هفدهم اینماه بندگان اعلیحضرت همایون بجهة امتحان
متعلمین مدرسه دار الفنون تشریف فرمای مدرسه مزبور شدند و روز هیجدهم مراسم جشن و تبریک عید غدیر بعمل
آمد روزنامه تبریز موسوم بتبریز بتوجه و امر نواب اشرف والا ولیعهد دولت علیه ایران حکمران مملکت آذربایجان
ادام الله اقباله العالی دایر و طبع شد (چین) شورش عام و انقلاب عظیمی در شهر پکن و شهرستان کانی حادث شده
(اروپا) (اسپانیول) ملاقات پادشاه اسپانیول با پادشاه پرتگال در شهر الباسن مجمع وزرا استعفای از
عمل کرده و در نزد پادشاه قبول افتاد مجلس شورای کورتس (وکلای ملتی) استعفا از عمل کردند پرنس رودلف
ولیعهد دولت نمسه داماد بلژیک گشت کنتس دومنتیژو مادر امپراطریس قدیم فرانسه وفات کرد عروسی اعلیحضرت

الفونسو

(الفونس با شاهزاده خانم مسماة ماری کریستین (اطریش) قرارداد مستحفظین و قراسُتین بجهة حفظ مملکت نمسه از طاعون که
در روسیه بروز کرده است پرنس اوُرِ سپرک رئیس وزرا و وزرای مجلستان از عمل استعفا نمود تداستری مایر
بجای او رئیس وزرا گشت کنت تاآف بوزارت داخله نایل آمد اعلیحضرت امپراطور بشهر شردم که از سیل بالمره خراب شده
بود رفتند جشنهای باشکوه در اینموقع سال بیست و پنجم از مزاوجت امپراطور و امپراطریس که عید بزرگی شمرده اند برپا
گشت عقد معاهده و قرارداد اتحاد مابین اینه دولت و دولت المان پارلمنت اطریش و مجار بر استعداد حربی افزوده
عده قشون را بهشتصد هزار نفر قرارداد (المان) مزاوجت پادشاه هلاند با والی زاده والدک پرنس اما از شاهزاده
خانمهای المان افتتاح مجلس پارلمنت در برلن با حضور امپراطور گلیوم که خطبه افتتاح را امپراطور بشخصه قرائت نمودند
پسر ولیعهد المان پرنس هانری که جزو عساکر بحریست در کشتی آدالبر مشغول تعلیم و تعلم است به بندر یوکاهاما خاک ژاپن
رسیده و از طرف میکادو پادشاه ژاپن نهایت احترام درباره او مرعی شد جشن مفصل باشکوه در برلن و اغلب مملکت
المان بجهة تبریک و تهنیت امپراطور و امپراطریس که سال پنجاهم مزاوجت ایشان بوده است ملاقات امپراطور نمسه و امپراطور
المان را در شهر کاستین بروز خصومت و مشاجره سخت در میان روزنامه‌های روسیه و المان پرنس گرچاکف وزیر اعظم
روس وارد برلن شد (انگلیس) رفتن قشون انگلیس در قندهار و ورود ژنرال روبرس ماش و روز بعد از ورود
شکست دادن و متفرق ساختن طایفه مالیک را که بردور او احاطه کرده بودند خان کنار برای اظهار عقیدت و تمکین
با انگلیس وارد جلال آباد گشته دولت انگلیس در کار جنگ با پادشاه زولوس (سیتواتو) است یک اردوی انگلیس را که
مرکب از نهصد و پنجاه نفر تابین و هفتاد و دو نفر صاحبمنصب بوده در اهاندولا زولوسها بالمره معدوم و مقتول کردند
از دولت انگلیس کمک بحمایت قشون کاپ فرستادند در مجلس ملتی در مسئله پولتیک افغانستان مشاوره دارند لرد
ناپیه ماگدالا رایش اینست که جلال آباد و قندهار را از افغانستان منتزع و جزو ولایات مختصه انگلیس کردند قرار
مصالحه با امیر یعقوب خان امیر افغانستان داده شد و قشون انگلیس مامور بتخلیه کابل گردید پادشاه انگلستان از سفر ایتالیا
که من غیر رسم رفته بودند مراجعت نمودند دوک دارژیل جداً مذمت پلتیک دولت انگلیس را میکند معاهده صلح افغانستان
بمهر و امضا رسید و نقاطی که در تصرف قشون انگلیس بود بامیر مسترد داشتند باستثنای معابر تنگه خیبر و خرم و
پیشین و سیبی که در تصرف قشون انگلیس ماند سالی یکصد و بیست هزار لیره انگلیسی از دولت انگلیس برای امیر استمرار مقرر
شد و یک سفارتخانه انگلیس هم در کابل مقیم و برقرار گردید پرنس ناپلیون پسر ناپلیون سیم امپراطور سابق فرانسه
که بعد از مهاجرت بانگلستان جزو عساکر انگلستان شده بود با قشون انگلیس بجنگ زولوسها رفته و در مقدمة الجیش
بوده مقتول شد و کفن و دفن و عزای او بعمل آمد غلبه ژنرال نودکا از نقاط عدیده بر زولوسها و بتصرف قلعه
شلمفر را ماژور کاوانیاری سفیر انگلیس در دربار امیر افغانستان باریافته و مجللاً پذیرائی شد سیتواتو پادشاه
زولوس چند نفر واسطه باردوی انگلیس فرستاده که در صورت امکان صلح کند و اگر نشد تسلیم شود ماژور مارتن
سیتواتو پادشاه زولوس را اسیر و دستگیر کرد ایلچی انگلیس را با همه اجزاء سفارت در کابل افغانستانیان بقتل رسانیدند
ژنرال روبرس را انگلیس که هنوز از سرحد افغانستان نرفته بود بعد از مقدمه قتل سفیر از طرف دولت حکم باو
صادر شد که معجلاً بجهت تدمیر امیر افغانستان وارد کابل شود قشون انگلیس مجدداً قندهار را مسخر کرده جلال آباد را
نیز بحیطه تصرف در آوردند قشون انگلیس فاتحانه وارد کابل شد ژنرال روبرس در ملاء عام با اهل کابل و دیگران این
فقرات را اعلان کرده بود (قلعه بالاحصار که ارگ کابل بود خراب خواهد شد و علاوه بر قصاص قتله سفارت سایر سکنه

کابل

کابل بابالاز عهده خسارت قشون کشی انگلیس برآیند امیر یعقوب خان از والیگری افغانستان استعفا نمود انبار باروط
زیادی در بالاحصار کابل آتش گرفته است یک قشون پشت بندی برای مواقع اهم داخله و خارجه در دولت انگلیس در کانادا
بتجهیز و ترتیب داده است جنگهای سخت عظیم مابین قشون انگلیس و افغان درکار است (ایطالیا) معاهده تجارتی
با دولت نمسه را امضا نموده مبادله کردند پادشاه و ملکه ایطالیا بدیدن پادشاه انگلستان که در یکی از شهرهای
ایطالیا آمده بودند رفتند مجمع وزرای دولت استعفا نموده وزرای جدید بهر کدام مقرر گشت (بلغاری) مجلس شورای
ملتی متروک و بکلی موقوف شد (هالاند) عروسی پادشاه با شاهزاده خانم اما دو والدک کلنل ترستر حصن حصین
آنچین را که موسوم به گلنگ است بحیطه تصرف در آورد پادشاه استعفای وزارتخانه و دار الشوری را قبول
نکرده از اینفقره تحاشی دارد (دانمارک) وزارت جنگ و بحریه که بدست یکنفر بود از یکدیگر مجزی کرده دو وزارت
خاصه شد (روس) در قریه وتلیانکا من اعمال حاجی طرخان رسما خبر دادند که یکصد و چهل و شش نفر از طاعون
تلف شده اند اهالی روس از امپراطور مستدعی شده اند که آنچه از شرایط حفظ و منع است از قرانتین و غیره
معمول فرموده نگذارند مرض طاعون در تمام مملکت نشر کند مصالحه نامه و عهدنامه ختم عمل با عثمانی که ملتجی بود نوشته
و تمام شده بود از جانبین بامضا و مهر هر دو پادشاه رسیده و مبادله کردید طایفه نهیلیست مرتیب سوار
پطرز بورغ و تدران تلن را مصمم قتل شدند بموجب دستخط اعلیحضرت امپراطور حکام مقتدر موقتی چندی بجهة
پطرز بورغ و خرکف و ادسا و مسکو و کیف و وارشو معین شده است که با کمال تسلط و اختیار طایفه باغیه
نهیلیست را دفع دهند اعلیحضرت امپراطور و امپراطریس از پطر بلیوادی رفتند یکقسمت بزرک شهر اربنبورغ
بواسطه آتشی که طایفه نهیلیست بآنجا زده بودند سوخت خبر رسمی دولتی از حاجی ترخان رسید که مرض طاعون
در آنجا تمام شده است آتش زدن طایفه نهیلیست در شهر اورالسک آتش زدن طایفه نهیلیست شهر ایربیت
را بطور دیگر تمام آن شهر خراب و ویرانه شد آتش زدن طایفه مزبوره در دفعه ثانیه شهر اربنبورغ را
شهر نیج نوو السکی را نیز آتش عظیمی زدند شهر پطر پا فلوفسکی را آتش بزرک در انداختند که خرابی و خسران
زیادی با را آورد در چندین نقطه و موضع از شهر بارم بفاصله آتش زدند ژنرال کفمان بمحل ماموریت خود
که حکومت ترکستان باشد مجددا معاودت نمود اخبار چندی انتشار یافته است که بین دولتین انگلیس و
روس در مسئله آسیای مرکزی مخاصمت و مخالفتی بروز کرده است دولت روسیه استعمال خود را در ترکستان
زیاد کرده است روزنامه گولوس تا مدت پنجاه ممنوع از طبع و انتشار شد طایفه نهیلیست نقبی بزیر خط
راه آهن نزدیک مسکو در سر راه عبور امپراطور زده و آن حفره را بدینامیت که یکقسم باروط بسیار تندیست انباشته
بودند که هنگام عبور محترق شده بوجود آن اعلیحضرت آسیبی نرسانند از قضا بجهت عبور ایشان ترکیده و همینکه
اندکی از آن دام بلا بسلامت دور شده بودند احتراق دست داده بود (سویس) انقلاب و اغتشاش زیادی
در هر نقطه از این مملکت روی داد (عثمانی) باب عالی قرانتین در سرحد طرف روس گذاشته است که طاعون سرایت
بداخله خاک عثمانی نکند میانه باب عالی و نمسه و روس و یونان خیلی گفتگوهای دولتی مربوط باصلاح امور و ولایات
سرحدیه و نظم و قرار آنها و تعیین حدود و غیره رد و بدل شده است مهر و امضای عهدنامه قبرس رد و بدل آن با
دولت روس باب عالی بجهت مامورین خود که در خارجه میباشند اعلان نمود که ولایاتی که میبایستی واگذار به منتنگرو شود
از ما تخلیه و بآنها تسلیم شد اجتماع عمال و اعیان بلغار در حضور شاهزاده دندو کفت که از کفت مامور روس برای

تعیین والی بجهة بلغارستان اعلیحضرت سلطان بدولت انگلیس قول صریح دادند که برای عزل خدیو مصر که رفتارش
مرضی خاطر فرانسه و انگلیس نبوده و عمل مالیات را نیز خوب اداره [illegible] ننموده است آماده و حاضرند و حلیم پاشا را بجای او
خدیو خواهند نمود عمال و رجال بلغاری پرنس الکساندر باتمبرغ را بولایت خود انتخاب و قبول نمودند اسمعیل پاشا
خدیو مصر بنا بخواهش دول معظمه فرنگستان و خصوصاً بحکم المان از خدیوی استعفا نموده و توفیق پاشای پسرش در
عوض بخدیوی مصر منصوب شد خیرالدین پاشا از صدارت استعفا و معزول و عارفی پاشا بجای او منصوب شد انقلاب و
اغتشاش زیادی در بلغاری و روملی شرقی فراهم آمده است روسها روملی را بالمره تخلیه کرده اند کشتی جنگی انگلیس
محض اظهار مخالفت و نقار با عثمانی در خلیج وورلا نمایش و ورود کرده روزنامه های روس اظهار کرده اند که هرگاه
کشتی جنگی انگلیس در خلیج وورلا لنگر انداخته توقف نماید کشتیهای روس نیز داخل دریای مارمارا خواهند شد
روزنامه های انگلیس اظهار کرده اند که کشتی جنگی انگلیس را حکم و امری بدخول و عبور در خلیج مزبور نشده است
اعلیحضرت سلطان بکر پاشا را برای آبادی و قرار دادن جبل اناطولی مأموریت داده اند قسمتی و اکراد [illegible]
واگذار نموده اند تمکین به تبعیت و [illegible] منتنگرو ندارند والی منتنگرو مکرر بسر [illegible] سرکش طاغی قشون فرستاده
و آنها را مجبور بتمکین میدارد (فرانسه) دو هزار و دویست و پنجنفر از مقصرین فرانسه را که بطرف نولکالدونی
جلای وطن داده بودند و مدتها در آنجا اقامت داشتند مرخص کردند که باوطان خویشان مراجعت نمایند مارشال
ماکماهون رئیس جمهوری فرانسه از ریاست استعفا نمود وجهت استعفا بعضی تغییرات در اداره قشونی بوده که [illegible]
و شان قشونی خلل وارد آورده است و وکلا برخلاف رأی و میل مارشال اصرار در اجرای آنها داشته اند مارشال
ماکماهون از ریاست استعفا نمود که [illegible] این شکست بافتخار قشون وارد نیاید و ژول گروی بریاست جمهوری
فرانسه و گامبتا بریاست مجلس شورای منتخب و برقرار شدند بواسطه طوفان شدید کشتی جنگی دولتی آورگانت در دریای
سفید غرق شد ملاقات رئیس جمهوری فرانسه با پادشاه انگلستان در سفارتخانه انگلیس در پاریس هنگام
عبور پادشاه معظم الیها از پاریس بقصد مسافرت بایطالیا سیصد هزار تومان وکلای مجلس سنا بجهة مخارج مراجعت
مقصرین از نولکالدونی بدولت [illegible] چنانکه در طی وقایع انگلیس نیز ذکر شد پرنس ناپلیون ولد ناپلیون سیم
پادشاه سابق فرانسه که قبل از اعلان جمهوری ولیعهد آن دولت بود و بعد بمملکت انگلیس رفته در آنجا سکنی و اقامت
جسته در اوقات جنگ انگلیس با طایفه زولوس با عساکر انگلیس بدماغه امید رفته در مأموریت پیش قراولی
اردوی انگلیسها بدست طایفه زولوس مقتول گردید مقدمه شورش میان مسلمین الجزایر کرده دولت مجبور بتدارک
حروب و اسلحه گردید الجزایر شورش و بلوای عامی کرده اند در شهر نانسی مجسمه [illegible] رئیس سابق فرانسه را
برپا نمودند جمعی از معفوین کمونها و مقصرین از کالدونی جدید که محبس آنها بود مراجعت کرده به بندر وارد شدند
افتتاح مجلس وکلا را گامبتا رئیس دار الشوری نمود شدت و کثرت سرما و برف و یخ در فرانسه بحدیست که در هیچ قرنی
بدین درجه برف و سرما کسی در آن مملکت خاطر نداشته است (مجارستان) در کنکاش و مشاوره جدیدیکه برای قرار
داد مجلس وکلا کرده اند طرف آزادی طلب بیشتر استنباط ظفرمندی نموده و بعبارة اخری طرف قوی واقع شده اند.
بواسطه طغیان آب خرابی عمده و خسارت کلی در این مملکت روی داده است (یونان) مأمورین که برای تعیین حدود
سرحدی یونان و عثمانی انتخاب شده بودند حرکت کرده بشهر پاتینه که میعادگاه همه اجزاء کمیسیون است وارد شدند
پادشاه یونان در جواب عریضه اهل اپیر نگاشته بود که امیدوارم دول معظمه حمایتی از ما فرموده در اجرای قرار داد

معاهدهٔ ایستادکی و بوعدهٔ واگذار نمودن اپیر بیونان وفا نمایند و همچنین تسالی و ژانینا را انگلانی شورشیان و طاغیان
گرلک با بکفوج در فانار ی **افریقا** (مصر) مخالفت و مناقضت بین مصر و حبشه مبدل بسلم و صفا شد قشون مصر فشون عثمانی
شهر ماسئورا مسخر کردند **امریکا** (اتاتونی) دولت اتاتونی در صدد تجدید عهدنامه با چین است در مجلس شوری
عدد قشون حاضر رکاب پریزیدنت اتاتونی به بیست و پنجهزار نفر مقرر شد (پرو) اعلان جنگ ما بین دولتین پرو و شیلی
(شیلی) استعداد نظامی و بحری جمهوری شیلی با استعدادات دولتین متفقین پرو و بولیوی غلبه نموده آنها را در یکیک
شکست داد و کشتی جنگی پرو هوا رکه موسوم به پیلکوما بود اسیر نموده و قشون شیلی فاتحانه داخل یکیک شد
(هائیتی) بلوای عام و شورش تمامی در شهرهائیتی برخاسته در مجلس وکلا و امنای دولت یکی از اهل شورش و طغیان
طپانچه شش لوله از بغل کشیده و دو برادر رئیس جمهوری خالی کرده بود

سنه ۱۲۹۷ هجری سنه ۱۸۸۰ مسیحی

آسیا (ایران) در اینسال کلیه امور دولت قوی شوکت از توجهات نظر انور همایون شهریاری قرین کمال نظم و آراستگی
استنا بنادی بجهه غله در بوانی بتوسط جناب امین السلطان نزدیک دروازه شاهزاده عبدالعظیم بنا شد که گنجایش صد
هزار خروار غله دارد میرزا علی ولد جناب میرزا هدایت الله وزیر دفتر بمنصب لشکرنویسی و خلعت همایون مفتخر شد
نواب اشرف والا شاهنشاهزاده اعظم ولیعهد دولت علیه ایران صاحب اختیار مملکت آذربایجان ادام الله اقباله العالی
را باعطای تحلیقه انگشتری الماس بریلیان بسیار ممتاز معزز فرمودند جناب مسیو ترکو از جانب دولت فخیمه فرانسه سمت
وزیر مختاری مامور با قامت دربار دولت علیه شد توپچیان جدید که بمعلمی کاپیتن واکزاطریشی مشق میکنند با توپهای
ترپچ جدید الاختراع در حضور همایون امتحان دادند نواب اشرف والا ظل السلطان دولت علیه ایران حکمران ولایات
اصفهان و یزد و غیرها ادام الله اقباله العالی موقتا بدربار همایون احضار و روز بیست و هشتم محرم وارد دارالخلافه شدند
جناب اجل آقای مستوفی الممالک میرزا یوسف وزیر اعظم داخله را باعطای یکثوب جرقه ترمه شمسه مرصع بطانه خز مباهی کردید
حاجی میرزا محمد حسین دبیر الملک فراهانی در سن هفتاد و دو سالگی برحمت الهی پیوست حاجی ملا محمد مجتهد نراقی پسر
مرحوم فاضل نراقی اعلی الله مقامه در ولایت کاشان بجوار رحمت حق شتافت جشن مولود مسعود همایون در ششم ماه
صفر در تمام ممالک محروسه خاصه در دارالخلافه باهره بتوسط جناب سپهسالار اعظم گرفته شد حکومت ایالات عربستان
و لرستان و عراق علاوه بر حکومت ولایات اصفهان و یزد و بروجرد و گلپایگان و خوانسار بر عهدهٔ کفایت نواب اشرف
والا ظل السلطان دولت علیه ادام الله اقباله العالی مفوض شد موکب همایون تشریف فرمای شکارگاه جاجرود شده در
عرض راه ییلاقات شکار رشته مبارک اعلیحضرت همایون صاحبقرانی کردید هفدهم ربیع الاول مراسم جشن و تبریک عید
مولود مسعود حضرت خاتم النبیین صلی الله علیه و آله کاملاً بعمل آمد نواب اشرف والا ظل السلطان را بیکقبضه شمشیر
مرصع بسیار ممتاز و نواب جلال الدوله ولد ارشد نواب اشرف معظم دام اجلاله را بیکقطعه کل کمر گرانبها معزز
فرمودند فضل الله خان شاطرباشی بنشان و حمایل از درجه سیم سرتیپی نایل آمد بر حسب استدعای نواب اشرف والا
امیرکبیر نایب السلطنه دولت علیه ادام الله اقباله العالی عباسقلیخان نایب کل ادارهٔ جلیله نظمیه بنشان و حمایل سرتیپی
سیم و عبدالحسینخان مستشار ادارهٔ مزبوره بنشان و حمایل سرهنگی مفتخر شدند جناب حاجی رحیمخان خازن الملک
در سلک اجزای محترم دارالشورای دولتی منسلک کردید حسینقلیخان سرتیپ قورت بیکلو پسر مرحوم امیرخان سرتیپ را
برادرهای غیربطنی او مرتضی قلیخان و مصطفی قلیخان بنخیره خدمتی که در سرا رشته باو داشتند زخم زده بقتل رسانیدند.

رسانیدند مرتضی قلیخان که در حقیقت قاتل بود گرفتار و با مرد ولت قصاص شد و اسم منصب و مواجب مرحوم را درحق پاشاخان پسرش مرحمت فرمودند روز هشتم ربیع الثانی دو ساعت و نیم کسری از طلوع شمس گذشته آفتاب از برج حوت بحمل تحویل کرده و مراسم جشن عید و سلام در پیشگاه حضور همایون بعمل آمد نواب اشرف والا ظل السلطان حکمران اصفهان و یزد و بروجرد و عراق عربستان و لرستان ادام الله اقباله العالی را پس از اعطای یکقطعه نشان دنیشان اقدس که برترین نشان باید دولت ابد مدت است مرخص فرموده نواب اشرف معظم از قصبه طیبه حضرت عبدالعظیم علیه السلام روز غره جمادی الاولی عزیمت اصفهان و مقر حکومت فرمودند جناب میرزا قهرمان امین لشکر از آذربایجان مراجعت کرده کما فی السابق بمنصب وزارت لشکر کخانه های ممالک محروسه برقرار گردید میرعلیخان حشمة الملک با عطای یکقبضه شمشیر مرصع سرافراز شده و وزارت بنائی دیوانی کل ممالک محروسه را بجناب معتمد الملک وزیر مخصوص اعطا فرمودند نواب حشمة السلطنه بدیع الملک میرزا را بحکمرانی کرمانشاهان منصوب فرمودند امیرزاده وجیه الله میرزا سرتیپ اول قورخانه دار وجوه نظام با عطای یکقبضه شمشیر مرصع مفتخر گردید میرزا رضای مهندسباشی را یکهزار تومان انعام و یکحلقه انگشتری الماس مباهی فرمودند و میرزا حسینخان ولد معزی الیه را بدرجه سیم اسیفا سرافراز ساختند نواب اشرف والا ولیعهد دولت علیه ایران حکمران آذربایجان ادام الله اقباله العالی را با عطای یکقبضه شمشیر مرصع مکلل بالماس از شمشیرهای خاصه قرین مباهات فرمودند پس از فراغ از امتحان متعلمین مدرسه مبارکه دارالفنون روز چهاردهم جمادی الاولی سلام عام در دارالفنون منعقد و صورت مساعی معلمین و ترقیات متعلمین ملحوظ نظر اقدس گردید نواب والا اعتضاد السلطنه را با عطای یکثوب سرداری ترمه شمسه مرصع و یکهزار تومان انعام مباهی فرمودند و محمدحسن میرزا ولد نواب وزیر علوم بمنصب سرتیپی سیم و نشان طلا و سی تومان انعام نایل شد سایرین نیز از اینقرار مورد مراحم و امتیازات گردیدند

جناب میرزا موسی وزیر لشکر که کتابچه درجات تحصیل و اندازه استحقاق اهالی مدرسه را بعرض حضور مبارک میرسانید خرقه ترمه ایرانی بطانه سنجاب دکتر طولوزان حکیمباشی مخصوص حضور همایون که در مجالس امتحان حاضر بود یکطاقه شال بیبا ممتاز جعفر قلیخان رئیس مدرسه نشان شیر و خورشید از درجه اول با حمایل آن و دویست تومان انعام محمد حسینخان ناظم منصب سرتیپی دوم و حمایل و نشان مخصوص آن و دویست تومان اضافه مواجب و پنجاه تومان انعام محمد تقی میرزای اجودان نشان و حمایل سرتیپی سیم و شصت و پنج تومان اضافه مواجب و بیست تومان انعام حاجی میرزا عبدالغفار نجم الملک معلم کل علوم ریاضی نشان و حمایل سرتیپی دوم و پنجاه تومان اضافه مواجب و چهل تومان انعام میرزا ابوالقاسم معلم طب ایرانی جبه ترمه حاشیه دار ثوب انعام سی تومان میرزا علی دکتر معلم طب فرنگی جبه ترمه حاشیه دار ثوب انعام میرزا کاظم معلم شیمی و فیزیک نشان شیر و خورشید از درجه سیم و شصت تومان اضافه مواجب و بیست و پنج تومان انعام — سی تومان — میرزا علی اکبرخان نقاشباشی نشان شیر و خورشید از درجه سیم و شصت تومان اضافه مواجب میرزا علیخان معلم طب مجانی نشان و حمایل سرهنگی میرزا ابوالحسن معلم طب سرهنگ دوم لقب خانی و سی تومان اضافه مواجب و بیست تومان انعام علیخان معلم توپخانه منصب سرهنگی خارج از فوج و صد تومان اضافه مواجب مسیو ریشار خان معلم زبان فرانسه و انگلیسی نشان و حمایل سرتیپی دوم و سی تومان انعام مستر طلر نشان شیر و خورشید از درجه سیم شال ترمه ایرانی طاقه مسیو بر وسکی سرتیپ معلم زبان فرانسه و علم جغرافی شال ترمه ایرانی دولتخانی مسیو دوبله شال ترمه کشمیری و نشان طلای علمی مسیو لمر شال ترمه ایرانی و نشان طلای علمی و صد تومان اضافه مواجب تادروزنجانی معلم زبان روسی مترجم زبان روسی و فرانسه نشان شیر و خورشید از درجه چهارم و شال ترمه ایرانی

میرزا

میرزا اسحق مستوفی مدرسه منصب استیفا از درجه دویم و دویست تومان اضافه مواجب و جبه ترمه ایرانی حاشیه دار میرزا محمد
ابراهیم‌خان سرهنگ معلم مدرسه نشان و حمایل سرتیپی سیم انعام چهل تومان اضافه مواجب هشتاد تومان میرزا محمدعلی
خان منشی باشی وزارت علوم یکصد تومان اضافه مواجب و خطاب مقرب الخاقانی و جبه ترمه ایرانی حاشیه دار و معلمین
نیز هر یک بقدر رتبه خود باضافه مواجب و انعام نایل شدند

میرزا جعفر وقایع نگار پسر مرحوم میرزا صادق وقایع نگار در بیست و پنجم جمادی الاولی مرحوم شد میرزا عباسخان
رئیس مدرسه دولتی تبریز باعطای یکقطعه نشان با حمایل از درجه سرتیپی سیم سرافراز شد وصول خبر تدمیر قلع شیخ
مذکور خان حاکم کلرداروکاونبکی با اتباع او از فارس که متمرد و منشاء شرارت و فساد در حدود فارس شده بود باهتمام
نواب والا معتمد الدوله فرمانفرما و حکمران فارس نزول تگرگ درشت در قرای نطنز که بنیم ذرع تگرگ در روی بامها نشسته و
هر دانه تگرگی بدرشتی فندق بود میرزا محمد علیخان پسر میرزا مصطفی وکیل لشکر بمنصب استیفا از درجه سیم نایل
گردید نواب اشرف والا امیرکبیر نایب السلطنه حکمران دار الخلافه و غیرها ادام الله اقباله العالی را باعطای یکقبضه
شمشیر مرصع از شمشیرهای خاصه سلطنتی قرین مفاخرت فرمودند بموجب دستخط همایون خطاب بنواب اعتضاد السلطنه وزیر
علوم در باب آبله کوبی اطفال بتمام ممالک محروسه قدغن و تاکید شد اداره تنظیفیه و احتسابیه دار الخلافه را بموجب
دستخط همایون بعهده مؤلف واگذار فرمودند محض اشاعه و تعمیم عدل و انصاف ملوکانه دستخطی مبارک بنواب معز الدوله
وزیر عدلیه اعظم مبنی بر تاکید نظم دیوانخانه و رسیدگی بعرایض متظلمین و ملهوفین و اجرای احکام حقه شرف صدور یافت
حاجی محمد حسینخان ولد مرحوم احمدخان عمید الملک بمنصب نیابت اول دیوانخانه عدلیه عظمی برقرار گردید روز یکشنبه هیجدهم
رجب موکب مسعود همایونی از سلطنت آباد انتهاض فرموده بسمت کلاردشت و ساحات ییلاقیه مازندران تشریف فرما
گردیدند نواب حاجی بهاء الدوله سرتیپ اول بیکقبضه شمشیر مکلل بجواهر از درجه دویم سرافراز شد چندی قبل مابین
اشتهارد و بوئین در نزدیکی قشلاق شاهسون بغدادی سنگی بزمین افتاده که تقریبا پانزده من تبریز وزن آن میباشد
این اوقات سنگ مزبور را امتحان کردند و معلوم شد چهار عشر آهن در صورت خالص بودن داشته و علاوه بر آهن فلز
موسوم به نیکل در آن یافت میشده و از این جهت سنگ روشن و باذرات نقره نما بنظر می آمد دانه های آهن خالص آن مخلوط
با سنگ سیاهی بوده که از آلومینیوم و سیلیکات میباشد کریستالهای سبز نیز در آن مشاهده نموده اند که نظیر آن در
اغلب سنگهای آسمانی دیده میشود سرکردگان و صاحبمنصبان و یوزباشیان کشیکخانه خاصه سپرده بجناب علاء الدوله
وزیر دربار اعظم بعد از سان دادن در حضور مبارک و ثبوت استحقاق آنها علی قدر مراتبهم بعواطف و مراحم و خلاع
و امتیازات ملوکانه مباهی گردیدند موکب همایون شاهنشاهی عز نصره از کلاردشت معاودت فرموده روز بیست و پنجم
شعبان بر ییلاق شهرستانک شرف نزول ارزانی داشت نواب والا عضد الدوله حکمران قزوین باعطای یکحلقه
انگشتری الماس بریلیان سرافراز گردید موکب همایونی سه شنبه هفدهم رمضان المبارک بقصر سلطنت آباد نزول اجلال
فرمودند نواب اشرف والا ظل السلطان حکمران اصفهان و یزد و عراق و بروجرد و عربستان و لرستان و غیرها ادام الله
اقباله العالی این اوقات از اصفهان بقصد سرکشی عربستان و لرستان حرکت فرمودند مورد مراحم ملوکانه گردیده یکثوب
سرداری ترمه شمسه مرصع از ملابس خاصه بافتخار ایشان ارسال فرمودند جناب حاجی میرزا حسینخان سپهسالار اعظم
را در اوایل شوال از اداره امور عسکریه و وزارت امور خارجه معاف داشته بحکمرانی قزوین برقرار نمودند زلزله شدیدی
در کردستان اتفاق افتاد ترتیب مهام مملکت آذربایجان را علاوه مشاغل جناب اجل آقای مستوفی الممالک وزیر اعظم داخله فرمودند

همه این اوقات دولت ژاپن که از دول مشرق زمین و در قسمتی از اقلیم آسیا واقع است محض فتح باب مراوده و دوستی واستحکام روابط مودت با دولت علیه ایران مامور مخصوصی موسوم به (یوشیدا مسخرو) همراهی (یوکویاما کونیجی دو) مترجم و (فوکا روا نولونیش) سلطان مهندس و چهار نفر تاجر ژاپنی بدربار دولت علیه فرستاده در ماه شوال وارد دار الخلافه شدند و بحضور همایون شهریاری نائل کردیده تقدیم نامه و تبلیغ پیام مودت آمیز اعلیحضرت امپراطور ژاپن نموده استدعا جواب نامه را فرمودند و عرض این مطلب که اداره جلیله عسکریه و قشون ظفر نمون را که عبارت از وزارت جنگ باشد بعهده کفایت و کفالت نواب اشرف والا امیر کبیر نایب السلطنه ادام الله اقباله العالی تفویض فرمودند وزارت انطباعات بوزارت آن جناب شکری الملک وزیر امور خارجه سابق که چندی در آستانه مقدسه حضرت رضا سلام الله علیه بمنصب متولی باشی مستسعد بودند بار دیگر احضار شده مجددا بمنصب جلیل وزارت امور خارجه برقرار کردیدند و بلقب جنت مرتبت مصحح محلع و مفتخر شدند جناب مشیر الدوله سپهسالار اعظم را که حکمرانی قزوین داشتند بپیشکاری تمام مملکت آذربایجان برقرار فرمودند جناب کنت زالوسکی وزیر مختار دولت اطریش مامور باقامت در بار دولت علیه که موقتا بوطن خود رفته بود در این اوقات بدار الخلافه معاودت نمود میرزا رضای صدیق الدوله بوزارت دار الخلافه برقرار کردید مشیر کشیک خانه رئیس پلیس شهر دار الخلافه بمنصب سرتیپی دوم سرافراز شد جناب حاجی میرزا محمد خان مجد الملک وزیر وظایف و اوقاف مرحوم شد و وزارت وظایف و اوقاف بموجب دستخط جهانمطاع مبارک بر عهده جناب میرزا علیخان امین الملک موکول آمد همه در اینسال فتنه شیخ عبید الله کرد روی داد و دفع شر او کردید تبیین آنکه شیخ عبید الله که از قدیم در سلک تصوف بشیوه عوام فریبی بسر میبرد و در ناحیه هکاری میان اکراد تبعه دولت عثمانی مطاعیتی داشت در اوقات جنگ دولتین روس و عثمانی بعضی تفنگ و اسلحه جنگ بدست آورد و بخیال واهی افتاده که اکراد سرحد نشین دولتین ایران و عثمانی را در تحت ریاست خود در آورد در اواخر اینسال حمزه آقای منگور از حکومت ساوجبلاغ کریزان شده بشیخ عبید الله پیوست و خیالات او را تائید و تحریک نمود لهذا در حدود کردستان دولت علیه بنای قتل و نهب و حرکات وحشیانه که ناشی از فطرت ناپاک میباشد گذاشت اولیای دولت علیه که از غایله باخبر شدند در عرض بیست و پنجهزار نفر از عساکر موجوده را بریاست نواب حشمة الدوله حمزه میرزا برای دفع این شر در نقاط مهمه حاضر ساختند و قبل از وصول اردوی بزرگ دولت ساوجبلاغ و ارومی و آن صفحات اعتماد السلطنه مصطفی قلیخان که ریاست قشون آذربایجان داشت با سایر سرکردگان و عساکر منصوره در حدود مراغه و میاندوآب و هزار نفر از یاغیان طعمه توپ و تفنگ نموده شکستهای فاحش بآنها دادند و ششصد هفتصد نفر را که جسارت استیلا بشهر ارومی کرده بودند بقتل رسانیدند و در سه فرسنگی ارومی نیز جمعی از اکراد که با شیخ صدیق پسر شیخ عبید الله بودند براه عدم فرستاده و باقیماندگان را هزیمت داده تا دو فرسنگ تعاقب نمودند و علیخان بیشخدمت حضور پسر مرحوم محمد قاسمخان والی که در اینوقت بحکومت مراغه منصوب بود نیز از روی کمال غیرت و همت و شجاعت در دفع اکراد کوششها کرده حدود و حوزه حکومت خود را از تطاول و شورش اشرار بخوبی حفظ نمود در این اثنا نواب حشمة الدوله رئیس اردوی بزرگ در حوالی صاینقلعه بمرض طبیعی مبتلا شده مرحوم شد و نعش مرحوم شاهزاده را معاودت دادند و مقرر شد که موقتا محمد تقیخان حسام الدوله رئیس اردو باشد تا جناب سپهسالار اعظم باردو ملحق شوند و عبد القادر خان شجاع الملک برای ابلاغ احکام لازمه نیز بسرکردگان اردو روانه شد خلاصه از آنطرف شیخ قادر و حمزه آقا با بعضی اعوان خود که فرارا

بطرف ساوجبلاغ میرفتند باز بهر قریه که میرسیدند آنرا با آتش بی رحمی میسوختند تا جناب حسنعلیخان وزیر فواید با توپخانه و فوج گروس
وسوار شاهسون و برخی از اردوی اعتماد السلطنه پیوسته بابکیکه بطرف ساوجبلاغ حرکت کردند و بدینواسطه شیخ
قادر و حمزه آقا مجال زیست ندیده بسمت اشنویه گریختند شیخ عبیدالله نیز در حدود داروَمی از عساکر منصوره شکست
خورده با اعوان خود بقلعه اسمعیل آقا در دو فرسخی شهر ارومی که جای محکمی است گریخت روز شانزدهم ذیحجه جناب
سپهسالار اعظم وارد ساوجبلاغ شدند و مستوحشین اکراد را تامین کرده عساکر و توپخانه برای گرفتن شیخ عبیدالله
وتبعه او در بیست و یکم ذیحجه بطرف سرحد و محال مرگور فرستادند بموجب خبر تلگرافی که در سلخ ذی حجه بسپهسالار اعظم رسید
ساوجبلاغ وارومی بکلی از وجود اشرار پاک و امنیت و آسایش دایر شد و فیها آقا رئیس طایفه بیغماستی بلباس نزد کار
کرده با صطبل توپخانه پناه برده معفو گردید و شیخ قادر پسر شیخ عبیدالله با معدودی از تبعه خود بنوچیه که مسکن
شیخ عبیدالله و در خاک دولت عثمانیست گریخت (اروپا) (المان) اعلیحضرت امپراطور در وقت انعقاد پارلمنت
المان در یکی از نطقهای سلطنتی ازدیاد استعداد قشونی خود را بملاحظه استعدادات حربیه همجوار لازم و اهم شمرده
و در اینمسئله اصرار و مبالغه فرموده اند اختتام مجلس پارلمنت ملاقات امپراطور المان و امپراطور اطریش در شهر ایشل
وزارت تجارت علاوه بر سایر مشاغل بپرنس بسمارك کردید (انکلیس) لرد والسیلی پس از اهن کردن زولوسها و فراغ از
کار آنها بانکلیس مراجعت نمود انکلیسها همینکه افاغنه را خیره دیده و در کار خصومت و خلاف و دشمنی و نفاق ثابت
یافتند مجدداً در مقام تنبیه و هدایت آنها برآمده تا شهر کابل و بالاحصار را تصرف کردند ژنرال بریغ فتح آباد افغانستان
را که واقع در جلگه لقمان است فتح نمود قشون انکلیس در افغانستان هستند و افغانها با کمال سختی خود سری میکنند
مابین دولتین انکلیس و المان در باب منع آوردن برده و عدم بیع و شرای غلام و کنیز در طرف مشرق زمین معاهده منعقد
شده است چندین مجلس عامه برای اصلاح امور ایرلند دایر نموده اند لرد دربی آخرین عقیده و نیت مکنون ضمیر خود را
که میل و علاقه بطرف آزادی طلبان باشد بتصریح ابروز داده و توضیحاً اعلان نموده است معادل مبلغ پنجاه هزار لیره
انکلیسی الماس از پیشخانه کاپ هبرنت برده اند ژنرال رابرتس که در افغانستان بود کاغذی از موسی خان و سایر امرای
افغان که در غزنین جمع شده بودند باو رسیده در این کاغذ خواهش مشارالیهم تعیین خود شان است دولت انکلیس ظاهراً
میکنند بسته شدن مجلس پارلمنت انکلیس با نطقی از پادشاه انکلستان و امپراطریس هندوستان مسافرت اعلیحضرت
معظم لها بسمت المان جنگهای سخت متوالی افاغنه با قشون انکلیس در افغانستان مقاتلات شدیده و یورشهای
بسیار سخت مابین شهر کابل و کندهك ورود عبدالرحمن خان از ترکستان بافغانستان انتخاب وکلای تازه برای
مجلس پارلمنت مساعد پلیتیك وزرای ویك و کلادستون میباشد اجزای مجلس پارلمنت مرکبند از سیصد و چهل
و نه نفر هواخواهان وزرای ویك و دویست و سی و پنج نفر هواخواه وزرای توری و شصت و سه نفر ارلندی تغییر
وزرای انکلیس و صدارت کلادستون قشون ابوابجمعی ژنرال استوارد در حوالی غزنین بسه هزار نفر سوار افغان
برخورده و جنگ سختی فیمابین فئتین واقع میشود دولت و مجلس پارلمنت اظهار میکند که احکام سخت برای فرمانفرمای
هندوستان صادر شده است که عساکر انکلیس را از افغانستان احضار کند تخلیه قشون انکلیس کابل را و شناختن
دولت انکلیس عبدالرحمن خان را بسمت امیر افغانستان عبور کردن ایوبخان از رود هیرمند و حرکت کردن او بطرف
قندهار قشون انکلیس بسرداری ژنرال بورو که در قندهار بود اغلب مقتول شدند و بقیة السیف آنها بارك قندهار
پناه بردند قشون ایوبخان که این شکست سخت را بعساکر انکلیس مقیم در قندهار داد مرکب بود از دوازده هزار مرد

(افغانستان) شورش مابین
عساکر عبدالرحمن خان شورش
سخت در هرات قتل حاکم هرات
ایوبخان که در غزنین داد و بود
خود را بعجله بهرات رسانید
(چین) مراوده پلیتیکی این و
دولت روس نزدیك
بانقطاع است

وبیست و شش عزاده توپ زلزله سخت در منیل که جمع کثیری را هلاک و مجروح کرد و بیوت بسیاری منهدم نمود ابتدای
شورش در باسوتولاند در افریقای جنوبی بر ضد دولت انگلیس ژنرال رابرتس بار دیگر قشون انگلیس در افغانستان
باده هزار نفر زبده بکمک قشون انگلیس که در قندهار محصور بودند حرکت نمود مسلمانهای هندوستان در صدد
شورش بر ضد دولت انگلیس میباشند اهالی ارلند نیز بر ضد دولت مشار الیها علم شورش افراختند فوت لرد
ردکلیف از معارف محاصره نمودن ایوبخان قندهار را ورود ژنرال رابرتس بقندهار عقب نشستن ایوبخان
از حوالی قندهار و اغتنام و شکست یافتن او از ژنرال رابرتس جنگ باستس با عساکر انگلیس و شکست باستسها
اما اخبار دیگر از راس امید میرسد دلیل بر ضعف قشون انگلیس است تمام طوایف بابورها بر ضد دولت انگلیس اتفاق
نمودند شورش ارلند بهار و زیر قند در زراید است (ایطالیا) یکی از توپهای صد پوندکشتی زره پوش موسوم به
دوبلاد ربند رسیر یا ترکیده است محاجره و نقار بین پاپ و المان تمام شد عزل وکلای ملت بحکم پادشاه ایطالیا
و نصب وکلای جدید کوه آتش فشان و زو و با نهایت شدت آتش فشانی میکند (اطریش) طغیان آب رود خانه
در ایالت مراوی که ضرر کلی بزراعت رسانید جشن سال پنجاهم تولد اعلیحضرت امپراطور زلزله سخت ... آگرام
و رسیدن خسارت زیادی بمردم (اسپانیول) یکی از بلمهاییکه بر رودخانه ... بود در موقع حرکت شکستن از ...
شکسته و صد نفر غرق میشود تولد دختری از پادشاه که مسماة به مرسدس میگردد و ولایت عهد او راست دهلاکا
طغیان آبها خسارت و خرابی زیاد وارد می آورد (بلژیک) افتتاح اکسپوسیسیون عمومی در شهر بروکسل بواسطه
کدورتی که مابین دولت بلژیک و پاپ روداد دولت بلژیک ایلچی خود را از دربار پاپ احضار نمود (روس)
کارگذاران نظامی روس اسلحه و آلات حربیه بسیاری خریداری مینمایند و در سرحد المان و اطریش قشون جمع آوری میکنند
یک زد و خورد و غایله عظیمه مابین طلاب و طایفه نهیلیست و پلیس در پطرزبورغ روی داد طایفه نهیلیست ملحد
نداعات و جنگلها را در مسکو آتش زدند ژنرال ملیکف بجای ژنرال گورکو بریاست اداره امنیت برقرار گشت
برای قلع و قمع طایفه نهیلیست اسباب نظم و نسق فراهم آورده و اهتمامی تمام دارند روسها کمال احتیاط و تشویش را
دارند که مبادا در روز سیم ماه مارس که سال بیست و پنجم تاجگذاری اعلیحضرت امپراطور و روز عید و جشن و
تبریک است طایفه نهیلیست فرصتی یافته غفلة مرتکب فتنه و شرارتی شوند و عیش را بر مردم منغص کنند طایفه نهیلیست
تیری برای ژنرال ملیکف خالی کرده ولی خطا شده بود اعلان آشکارائی از طایفه مزبوره در تمام ولایات
روسیه منتشر شده و یک مجلس عامه و اجتماع ملتی در شهر و رشو طایفه مزبوره منعقد کرده اند پرنس ارلف
ایلچی روس مقیم فرانسه بواسطه اینکه فرانسه هاردمان نام که نقب در راه آهن مسکو زده و از نهیلیستها
بود تسلیم نکرده بودند از دولت فرانسه رنجش دارد کاغذیکه از طرف امپراطور المان با امپراطور روس نوشته
و مضامین آن مشعر بر دوستی و مودت مابین دولتین المان و روس بود در تمام مملکت روس انتشار میابد
ژنرال لوریس ملیکف از اعاظم وزرای اینمملکت که زندگانی او بدست طایفه نهیلیست در معرض خطر بود بدون صدمه
نجات یافت فوت امپراطریس این مملکت عساکر چینی خوقند را فتح نموده اند پیشرفت ژنرال اسکبلف بسمت
کوک تپه شروع بساختن راه آهن از تفلیس بباد کوبه ژنرال لوریس ملیکف وزیر داخله میشود پادشاه و ملکه
یونان وارد پطرزبورغ میگردند رسیدگی باعمال طایفه نهیلیست که در زیر عمارت مخصوص اعلیحضرت امپراطور
نقب کنده و آتش زده بودند و جمعی مقتول و مجروح شده جدا میشود نیز نقبی در راه آهن که محل عبور کالسکه

اعلیحضرت امپراطور بوده منکشف میشود اعلیحضرت امپراطور پرنس دلغورکی را منع مینماید منازعه سخت فیما بین اهالی پلیس و طلاب مدارس در مسکو (فرانسه) مجلس امناء و وکلاء قرار داده است که هر مطلب و مسئله که راجع و متعلق بامور معقوله باشد هیچ جه مسموع ندارند و معتنا به نشمارند مجلس وکلاء قانون جدیدی از برای قشون ایجاد کرده وجرکرانا ماژر را منظم میکنند انتشار حکم رئیس جمهوری در اخراج نمودن سلسله ژزوئیت که یکی از شعب مذهب کاتولیکی میباشند از مملکت فرانسه و شروع کردن باستعمال بخشیدن تقصیرات هشتاد و سه نفر از اهالی کمون را که محبوس بودند ملحق شدن جزایر تائیتی بمملکت فرانسه نصیحت مسیو بارتلمی سنت هیلر بوزرا نجارجه (سود و نروژ) پارلمنت این مملکت خلعت نظامی را برای تمام افراد و آحاد رعیت این دولت تا سن چهل سالگی حتم و واجب میدانند استعفای وزرای این مملکت نرنسکولد از علماء راه وصول بحوالی قطب شمالی را از نقطه غربی مفتوح میسازد (عثمانی) شدت و شیوع قحط و غلاء در بلاد عثمانی خصوصاً در ارمینیه که از همه جا اشتداد و امتدادش بیشتر است دول معظمه فرنکستان هر یک رسماً مأموری از جانب خود برای تعیین حدود یونان و عثمانی مشخص کرده خواهند فرستاد شریف اعظم مکه را در جده بقتل میرسانند دولت مضایقه دارد که بندر دولسینیو را به منتنگرو واگذار کند حسین حسنی پاشا بجای عثمان پاشای غازی وزیر جنگ میشود مصلحت نکذار منتنگرو مقیم اسلامبول بطور قهر از این شهر خارج میشود زلزله سخت در ازمیر از طرف اعلیحضرت سلطان حکم ماموریتی بوزیر جنگ صادر شد که معجلاً بدولسینیو رفته و آنشهر را تسلیم منتنگرو نماید دول فرنگ دولت عثمانی را تهدید میکنند که اگر دولسینیو را معجلاً بمنتنگرو واگذار نکند با سفاین جنگی با او منازعه خواهند کرد سفیر کبیر دولت آلمان که اقدم بر سایر سفراء است از طرف تمام دول فرنگ یادداشتی بباب عالی اظهار داشته وعده را که در کنگره برلن در خصوص یونان داده بود بخاطر دولت مشار الیها می آورد اهالی البانی با دولت عثمانی در منازعه هستند که چرا دولسینیو را بمنتنگرو واگذار مینماید تغییر وزراء صدارت سعید پاشا و وزارت خارجه عاصم پاشا سفاین جنگی دول فرنگ برای تهدید عثمانی در بندر راکوز جمع میشود تسلیم نمودن دولت عثمانی دولسینیو را بوالی منتنگرو (افلاق بغدان) مسافرت والی افلاق بغدان و زوجه ایشان باطریش بشهر وینه و ملاقات با اعلیحضرت امپراطور و امپراطریس اطریش پرنس شارل آنتوان پسر لئوپولد هوهن زلورن که برادرزاده والی حالیه است بواسطه نداشتن اولاد از طرف عم خود بولایتعهدی افلاق بغدان منصوب میشود (بلغارستان) افتتاح مجلس پارلمنت این ایالت (هلاند) تولد یک دختر از پادشاه مسماة بویلهلمینا (یونان) دولت یونان در صدد است که مراوده پلیتیکیه را با دولت عثمانی در باب تعیین حدود بهم بزند و روابط مسالمت را قطع کند و این عزم را گوشزد همه دول معظمه کرده است پادشاه سفری بفرنگ مینماید امریکا (ینکی دنیای جنوبی) سفاین جنگی شیلی بندر گالائو را بضرب توپ منهدم مینماید جنگ ناگا فتح قشون شیلی و غلبه ایشان بر عساکر متفقه پرو و بلیوی قشون شیلی شهر آریکا را فتح نمودند بروز شورش در برزیل گفتگوی مصالحه مابین پرو و شیلی شیلی و پرو قبول میانجیگری اتازونی را میکنند در حوالی لیما جنگ سختی مابین شیلی و پرو رو میدهد و قریب پنجاه هزار نفر در این جنگ از طرفین مشغول مقاتله میباشند افتتاح مجلس پارلمنت دولت برزیل با خطبه مفصل امپراطور و ایجاد قانون و آزادی انتخاب وکلاء دکتر تانر نام که شرط کرده و نذر بسته بود مدت چهل روز غذا نخورد در هفتم ماه وعده او منقضی شده و وجهی که نذر بسته بود برد اوسیانی افتتاح اکسپوزیسیون عمومی در شهر ملبورن استرالی

سنه مسیحی ۱۸۸۱ — سنه هجری ۱۲۹۸

آسیا (ایران) از میامن اقبال بیزوال اعلیحضرت همایون شهریاری خلد الله ملکه کلیه امور دولتی نظم و انتظام

کامل

وصایت قلعه

کامل دارد جناب ... خان وزیر فوائد بسمت حکمرانی ساوجبلاغ برقرار گردید بملاحظه اینکه از آن نواحی و غیره نزد طغاة اکراد
بود کلیه مستخلص شد نیارد و مامور شد بتنبیه عشیره سنگور سیر داری میرزا الله خان سرتیپ محل خود اصابت کرده بصحاری
منگور رسیده حمزه آقا منگور را آماده جنگ نموده سنگر خود را استحکام داده با طایفه خود که بر شادت معروفند رفقا با
عساکر منصوره خیلی ایستادگی مینماید و زیاده از شش ساعت جنگ طول میکشد و خونریزی زیاد میشود و هزار نفر از
اشرار مقتول شده حمزه آقا دیگر مجال زیستن ندیده بطرف حدود دولت عثمانی که بیش از دو فرسخ فاصله نیست گریخت حسینعلی بیک یاور
فوج پنجم و دسته جمعی او قلعه تغلین و عمارت جدید البنای حمزه آقا را که مامن و بنگاه فساد آن حدود بود با خاک یکسان کردند شب غره
محرم زائره کرمانیه مسماة نبات خانم که زیاده از پانزده سال زمین گیر و افلیج بود در روضه مقدسه حضرت علی بن موسی
الرضا علیه آلاف التحیة والثناء بحسن توسل شفا یافت تعزیه داری دهه عاشورا در تکیه دولتی با کمال شکوه بعمل آمد جناب عضد
الملک خوانسالار و خازن مهر مهر آثار مبارک بیکثوب جبه ترمه از ملابس خاص درجه اختصاص یافتند و محمد قلیخان
نایب النظاره باعطای یکقبضه قمه مرصع مفتخر آمد نواب اعتضاد السلطنه وزیر علوم شب عاشورا برحمت الهی پیوست و
ریاست مدرسه مبارکه دار الفنون دولتی مریضخانه را بجناب مخبر الدوله علیقلیخان وزیر کل تلگرافخانه‌های ممالک محروسه
واگذار فرمودند مجلس تالیف کتاب نامه دانشوران ناصری را بمراقبت مؤلف مفوض داشتند جناب میرزا قهرمان امین لشکر
بموجب دستخط همایون مقرر شد همه روزه در مجلس وزرا حضور یافته معلومات و تجارب خود را در شعب امور دولت
اظهار دارد در جشن عید مولود اعلیحضرت همایون خلد الله ملکه را نواب اشرف والا امیر کبیر نایب السلطنه وزیر جنگ
ادام الله اقباله العالی در کمال شکوه باعلی درجه خوبی گرفتند در موقع این عید سعید اشخاصی که بنشان و حمایل سر
افراز شدند از اینقرار است (رحیمخان سرتیپ فوج دویم نصرت نشان و حمایل از درجه دویم سرتیپی) (میرزا زکیخان
سرتیپ اول دبیل و مشکین نشان و حمایل از درجه دویم سرتیپی) (کلنل شمیل اطریشی رئیس معلمین اطریش نشان و حمایل
از درجه اول سرتیپی) (بارون نرمان مترجم دار الترجمه همایونی نشان و حمایل سرهنگی) (میرزا عباسعلیخان پیشخدمت باشی
نواب اشرف والا امیر کبیر نایب السلطنه وزیر جنگ دامت شوکته نشان و حمایل سرهنگی) (میرزا علی دکتر طبیب حضور همایون
حکیمباشی نواب اشرف والا نایب السلطنه امیر کبیر وزیر جنگ ادام الله اقباله العالی نشان و حمایل از درجه سیم
سرتیپی) همدر این اوقات دستخطی مبارک مبنی بر حسن ترتیب و تکمیل امور دولت از قرار شرح ذیل شرف صدور و دریافت

سواد دستخط همایون

چون اعظم و مهم امور دولت نظم مملکت و سرحد و آسودگی رعایا و رفع ظلم و ستم شریکی در میان آنها و انتظام مهام قشون و
قورخانه و مهمات عسکریه و سایر شعب ادارات دولت و ایجاد و انتظام این مهام در خارج و تشکیل قوانین و تدبیرات لازمه
آن منوط باجرای سریعه نافذه احکام مفیده و تشبثات صحیحه دولت است و آن اجرای احکام و استحکام مبانی افکار صائبه هم
منوط بوجود وزرا و نوکرهای صاحب تجربه دولتخواه عاقل کامل باغیرت است لهذا بموجب این دستخط که خودمان مینویسیم
اختیار و اقتدار کامل مینمائیم بوزرای منتخبین حالیه دولت که در مجلس دربار اعظم حکم بجلوس فرموده ایم که از این تاریخ بعد
در هر قسم از امور دولت از جزئی و کلی مختار و مجاز و نافذ ... همینطور بود که قرارهائیکه متضمن خیر و صلاح دولت و ملت
باشد بگذارند و آنچه را که آنها صلاح دانسته و بعرض برسانند قبول فرموده ورد نخواهیم کرد و نفاذ امر و قدرت سلطنت
را بهیئت این مجلس اعطا میفرمائیم که انشاء الله تعالی آنچه منظورات و مقصودات دولت در ترقی امور ملک و ملت مقصود راست
در اجرای احکام بعرصه ظهور برسانند و هم باید وزرا ... خاطر ما را از حسن خدمات و خیر اندیشیهای خودشان خرسند و مسرور نمایند

وحسن

وحسن ظن والتفات‌ها را نسبت بخود شان روز بروز زیاد تر کرده اعمال نیک خود را بر همه ظاهر نمایند ۹۸
اداره معادن ممالک محروسه را بمیرزا علینقی حکیم الممالک واکذار فرمودند نواب اشرف والا ولیعهد ابد مهد دولت علیه ایران
حکمران آذربایجان و مضافات ادام الله اقباله العالی که در تنبیه و امور عسکریه اردوی آذربایجان مساعی جمیله مبذول
داشته بودند باعطای یکثوب سرداری مفتول دوز شمسه مرصع تن پوش مبارک قرین اختصاص و اعزاز فرمودند در شکارگاه
جاجرود پلنگی شکار شست مبارک کردید محمد تقیخان حاجب الدوله مرحوم شد محمد حسنخان فراشباشی ولد جناب علاء
الدوله بلقب جلیل حاجب الدوله ملقب کردید آقا محمد علی آبدارباشی ولد جناب امین السلطان بلقب امین حضرت مفتخر آمد
امیرزاده محمد حسن میرزا ولد مرحوم اعتضاد السلطنه بمنصب جلیل پیشخدمتی حضور مبارک برقرار شد عبد الله خان حکمران
کیلان بموجب استدعای نواب اشرف والا امیر کبیر نایب السلطنه وزیر جنگ دام الله اقباله العالی سرافراز آمد نصر الله خان بلقب والی ارومی
سرتیپ حاکم کرکان در سیر تیپ دویم مباهی کردید همه دارای اوقات رای جهان آرای صواب نمای بندکان اعلیحضرت همایون صاحب
قرانی خلد الله سلطانه براین علاقه کرفت که احدی از اشخاصی که در سلک هر طبقه از طبقات نوکر منسلک هستند در صورت
صحت بدن و سلامت مزاج بیکار نباشند و عاری از خدمت و شغل نکردند و سوای طبقه دعاکویان و اهل شریعت و ارباب علم که
محض توقیر شریعت باید دعاکوی دولت باشند وظیفه و مستمری مرحمت میشود دیگر هر کس زیاده از پنجاه تومان مواجب و رسوم
داشته باشد بشغل و خدمتی مناسب حالت مامور و مشغول و متقلد شود و رسیدکی باین امر و ریاست این اشخاص را هم بعهده
مراقبت جناب عضد الملک خوانسالار و خازن مهر مهر آثار و ایلخانی ایل جلیل قاجار موکول فرمودند جناب نریمانخان
وزیر مختار دولت علیه مقیم وینه که موقتا بدربار معدلت مدار همایون احضار شده بود بدار الخلافه باهره وارد کردید نواب
اشرف والا ظل السلطان حکمران اصفهان و یزد و عراق و بروجرد و عربستان و لرستان و غیرها ادام الله اقباله العالی
که موقتا بحضور مبارک احضار شده بودند روز دهم ربیع الاول وارد دار الخلافه کردیدند جناب علاء الدوله وزیر دربار
اعظم و سرکشیکچی باشی را بلقب امیر نظامی و اختیارات تامه با اجزای کلیه مرکبه از نوکرهای کارد دیده کافی مامور آذربایجان
فرمودند که مجملا باین مملکت رفته مشغول انتظام امور کردد نواب والا عباس میرزا ملک آرا بحکومت قزوین و مضافات
منصوب کردیدند و امیرزاده محمد میرزا ولد نواب معظم له باعطای منصب سرتیپی سیم سرافراز شد نواب اللهقلی میرزای
ایلخانی بحکومت ولایات خمسه برقرار کردید چون میرزا رضا صدیق الدوله وزیر دار الخلافه همراهی امیر نظام مامور آذربایجان
شد خالصجات طهران که اعظم املاک دولتی است بمیرزا محمد باقر پسر صدیق الدوله سپرده شد که بنیابت صدیق الدوله
متصدی امر خالصجات مزبوره باشد و دادوستد مالیاتی و اربابی و سایر مستغلات طهران و بلوکات متعلقه آن بر عهده محمد
ابراهیمخان که از مجربین و پیر مردان دیوانخانه نواب اشرف والا نایب السلطنه امیر کبیر وزیر جنگ حکمران دار الخلافه و غیرها
ادام الله اقباله العالی میباشد موکول شد روز دهم ربیع الثانی تلکرافی از جناب معین الملک سفیر کبیر دولت علیه مقیم
اسلامبول رسید باین مضمون که اعلیحضرت سلطان عبد الحمید خان اطمینان داده بودند که دیکر شیخ عبید الله و اکراد
طاغی جسارتی نخواهند نمود و اسباب امنیت حدود را دولت عثمانی باتفاق دولتین فراهم خواهند آورد نواب اشرف
والا شاهنشاهزاده معظم ولیعهد دولت علیه حکمران مملکت آذربایجان و مضافات که بدربار معدلت مدار همایون احضار
شده بودند بدار الخلافه باهره ورود فرمودند روز یکشنبه نوزدهم ماه ربیع الثانی بعد از گذشتن هشت ساعت و هفده
دقیقه و کسری از طلوع آفتاب آفتاب جهانتاب بنقطه اعتدال ربیعی رسیده از برج حوت بحمل تحویل کرد و مراسم جشن
عید و سال نو در پیشکاه حضور همایون معمول افتاد بقدر ده هزار نوکر سواره جدید از عراقی و آذربایجانی بامر همایونی

جناب علاء الدوله امیر نظام گرفته و مرتب داشته باسم غلام منصور موسوم و در این ایام بتوسط میرزا احمد خان پیشخدمت
خاصه و سرتیپ اول ولد جناب امیر نظام از سان حضور همایون گذشته و مقرر گشت تا ده هزار نفر بهمین اسم و وضع و هیئت
نوکر سواره گرفته شود عبدالحسین خان ولد مرحوم خانبابا خان سردار بنشان و حمایل سرتیپی اول نایل گردید در قریه سمنان طفلی متولد
شد که چهار چشم در دو صورت و دو شاخ داشته و باقی اعضایش درست بود و پس از تولد بمرد بموجب تلگراف جناب معین الملک
سفیر کبیر دولت علیه مقیم اسلامبول اعلیحضرت سلطان وعده صریح بتبعید شیخ عبیدالله و پسرش را از سرحد کردستان و احضار
باسلامبول فرمودند اردوی نظامی مرکب از پنج فوج و یکهزار سواره و دوازده عراده توپ که ده عراده از آن از توپهای جدید
اختراعی است نواب اشرف والا نایب السلطنه امیر کبیر وزیر جنگ ادام الله اقباله العالی بریاست امیرزاده ناصر الدوله
سرتیپ اول تجهیز نموده علاوه بر اردوهای سابق روانه آذربایجان داشتند حکومت و فرمانفرمائی مملکت فارس از ابتدای
این سال علاوه بر حکومت ایالات و ولایات اصفهان و یزد و عراق و بروجرد و عربستان و لرستان و خوانسار و گلپایگان
بکف کفایت نواب اشرف والا شاهنشاهزاده ظل السلطان ادام الله اقباله العالی تفویض گردید و بر حسب استدعای خود
نواب اشرف معظم له نیابت ایالت بنواب والا جلال الدوله فرزند ارشد ایشان و کارگذاری امور آنمملکت بجناب میرزا
فتحعلیخان صاحبدیوان مرجوع شد و نواب والا جلال الدوله بیکثوب سرداری ترمه شمسه مرصع از ملابس خاصه و جناب
صاحبدیوان بیکثوب جبه ترمه دور مفتول و شمسه مرصع از ملابس خاصه مخلع شدند میرزا محمد خان امین خلوت و
تفنگدار باشی ولد مرحوم میرزا هاشمخان امین الدوله بخطاب جنابی مخاطب آمد جناب سپهسالار اعظم از طرف شخص همایون
سلطنت برای تعزیت قتل امپراطور الکساندر دویم و تهنیت جلوس اعلیحضرت امپراطور الکساندر سیم بر تخت سلطنت
روسیه بسفارت دربار آن دولت مامور و با هدایای لایقه برای اعلیحضرت امپراطور و امپراطریس روانه گردید
و خود سپهسالار اعظم بیکثوب سرداری مفتول دوز شمسه مرصع ممتاز مخلع گردید و اجزای ملتزم سفارت (امیرزاده
وجیه الله میرزا سرتیپ اول) (عزیز الله خان صارم الملک سرتیپ اول) (میرزا رضا خان مترجم سرتیپ دویم) (میرزا
حسنخان سرتیپ و منشی اسرار) بودند وزارت علوم بجناب علیقلیخان مخبر الدوله مرحمت شد صنیع الدوله بخطاب
نبیل جنابی مخاطب و سرافراز آمد میرزا محمد حسین ولد وزیر لشکر بمنصب استیفای دیوان اعلی برقرار گردید یحیی میرزا
نایب الایاله در خدمات دیوانی گیلان و ریاست تجارت آنسامان مراقبت نموده بنشان و حمایل سرهنگی سرافراز شد و در
همین سال تمغای نشان شیر و خورشید از درجه سیم باو مرحمت فرمودند میرزا کاظمخان قللر باشی مرحوم جلال الدوله بر پیشکاری
شاهرود و بسطام برقرار گردید نواب ابوالفتح میرزا مؤید الدوله حکمران کردستان بنشان و حمایل سرتیپی اول نایل آمد
و در همین سال چون در فتنه شیخ عبیدالله ولایت کردستان را خوب نگاهداری نموده بود بلقب مؤید الدوله ملقب گردید
میرزا هدایت الله مستوفی ولد مرحوم میرزا محمد تقی لسان الملک بعد از فوت پدر بلقب لسان الملکی نایل شد محمد حسنخان پیشخدمت
حضور بحکومت ولایت کاشان مامور و بخلعت همایونی مخلع گردید عمل تذکره وارد و صادر ممالک محروسه که از قدیم مقرر
و معمول بود بتوسط وزارت جلیله خارجه مستحکم و منضبط شد نواب اشرف والا ظل السلطان ادام الله اقباله العالی با
تشریف خاصه سلطنت از حضور همایون مرخص شده باصفهان که مقر حکومت و فرمانفرمائی ایشانست معاودت فرمودند فرار
اشرار جانفشار سهدوند چلبی از حدود خاک کرمانشاهان بحدود خاک عثمانی و عراق عرب بواسطه حرکت اردوی نظامی
حاجی شهاب الملک حکمران کرمانشاهان بطرف سرحد یک قبضه عصای مرصع از درجه اول محض مزید تکریم و اعزاز جناب مستطاب
حجة الاسلام آقای حاجی ملا علی سلمه الله تعالی از طرف همایون ملوکانه اهدا شد جناب میرزا کاظمخان نظام الملک بعد از

فوج میرزا موسی وزیر لشکر بر حسب انتخاب نواب اشرف والا امیر کبیر نایب السلطنه وزیر جنگ دام الله اقباله العالی بوزارت
لشکر که از مشاغل موروثی اجدادی جناب معزی الیه بود سرافراز و بیکثوب جبه ترمه شمسه مرصع مخلع گردید نامه مودت ختامه
اعلیحضرت امپراطور اعظم کل ممالک روسیه الکساندر سیم مبنی بر اعلام حادثه حزن انگیز اعلیحضرت امپراطور مرحوم و جلوس خود
بتخت امپراطوری باعلیحضرت همایون شاهنشاهی کل ممالک محروسه بتوسط جناب مسیو زنیاویوف وزیر مختار دولت روس مقیم دربار دولت علیه
بحضور همایون موصول گشت مهدیقلیخان امیرآخور بیکقبضه شمشیر مرصع از درجه سیم مفتخر گردید یکقطعه انفیه دان مکلل
بالماس که روی آن مزین بتمثال همایون بود در حق کنت دمنت فرت رئیس اداره پلیس دار الخلافه اعطا شد فضل الله خان شاطر
باشی بلقب بشیر الملک ملقب و سرافراز گشت روز بیست و چهارم جمادی الاخری در دربار اعظم که نواب اشرف والا ولیعهد جاوید
مهد دولت علیه و نواب اشرف والا امیر کبیر نایب السلطنه وزیر جنگ دام الله اقبالهما العالی و جمیع وزراء و وکلای عظام
دولتعلیه احضار و حاضر شده بودند دستخط همایون اعلیحضرت اقدس شهریاری دام سلطانه در ترتیب جدید و انتظام ادارۀ
دولت قرائت و گوشزد اولیای دولت شد جناب کیناز ترونبسکوی که از طرف دولت بهیه روس بسمت برای انهای امر
سلطنت بالوراثه اعلیحضرت امپراطور الکساندر سیم بسمت سفارت با نامه مودت علامه مامور بدربار دولت علیه بود روز
بیست و سیم جمادی الاخری با کمال احترام و تشریفات معموله دولتی وارد و شرفیاب حضور همایون شد و هنگام معاودت
درباره جناب معزی الیه و همراهان او از طرف دولت علیه نشان و حمایل شد (بجناب کیناز ترونبسکوی یکقطعه نشان تمثال
همایون مکلل بالماس) و نسبت بهمراهان علی قدر مراتبهم از نشان درجه دویم شیر و خورشید تا درجه پنجم و بعضی که رتبه
نازلتر بودند مدال طلا و نقره بذل و مرحمت گردید جناب سلیمان پاشا مامور مخصوص دولت علیه عثمانی هم که از طرف
اعلیحضرت سلطان با نامه مودت ختامه برای ازدیاد مراسم دوستی و انهای بعضی مقاصد دولتی باتفاق نواب حاجی حسام
السلطنه روانه دربار دولت علیه ایران بود روز بیست و چهارم همین ماه با تشریفات شایسته دولتی وارد و بحضور همایون
ملوکانه نایل و ششم رجب رخصت معاودت معزی الیه را حاصل شد و خود جناب معزی الیه بنشان شیر و خورشید از درجه اول
خارجه با حمایل مخصوص سبز آن و همراهان معزی الیه نیز بنشانهای امتیاز از طرف دولت علیه اختصاص یافتند ساعد الدوله
مرتبه اول بحکومت استراباد مامور و بسرداری ترمه خلعت ملوکانه مخلع و مباهی گردید میرزا اسدالله خان شارژدافر
دولت علیه مقیم پطرزبورغ بوزیر مختاری و اقامت همان دربار اختصاص یافت امیرزاده سلطان محمد میرزا ولد نواب
عضد الدوله بنشان و حمایل سرتیپی درجه دویم و منصب ثغر الاجودانی خاصه حضور مبارک نایل گردید میرزا محمد نقی لشکر
نویس پسر مرحوم میرزا مصطفی وکیل لشکر بلقب وکیل لشکری و تقلد مشاغل پدر و خلعت همایون امتیاز یافت جناب
سپهسالار اعظم بعد از مراجعت از سفارت روس بفرمانفرمائی مملکت خراسان و سمت بعلاوه امر تولیت آستانه مقدسه
حضرت رضا علیه السلام منصوب و بیکقبضه شمشیر مرصع از درجه اول مباهی و روانه خراسان شدند نواب عضد الدوله
و جناب حاجی خازن الملک و امیرزاده وجیه الله میرزا سیف الملک و صارم الملک عزیز الله خان سرتیپ شاهسون و محمد صادق خان
امین نظام و حاجی میرزا علینقی مستوفی لشکر و میرزا نصرالله خان نایب الوزاره هم در معیت جناب سپهسالار اعظم مامور و روانه شدند بیکثوب سرداری ترمه بنواب عضد الدوله
و یکقبضه شمشیر مرصع بجناب حاجی خازن الملک نیز اعطا شد معاودت نواب والا حاجی معتمد الدوله از فارس که
بحسب استقلال بفرمانفرمائی آن مملکت منصوب بود تدمنع اعطای القاب و مناصب و نشان و حمایل و امتیازات نظامی
مگر بتصویب لیاقت کامل و بتصدیق شخص نواب اشرف والا نایب السلطنه امیر کبیر وزیر جنگ و جناب وزیر لشکر و بیست نفر
از امرای عسکریه فوت آقا میر محمد حسین در اصفهان که از اجله علما و آقایان محترم سلسله امام جمعه خود نیز چندی منصب

بذل امتیازات

ع

نظر بوفور کفایت نواب اشرف
ظل السلطان حکمرانی اصفهان و
و یزد و عراق و لرستان و عربستان
غیرها حکومت با اتکرمانشاهان
سرحدداری عراقین نیز بنواب اش
معظم له تفویض شد شخص
و احترام جناب حجة الاسلام آقا
سبلصاد تعالی تحلیفانه کشته
الماس بر پلیان الطرف ملوکانه
ایشان اهدا شد منع اعطای القاب
دولتی در حق عموم چاکران مگر
و تصدیق جناب اجل آقا و جمیع و
دربار

امام

اعلام همچنان منصوب بودند جناب آقا سید آقای پیشنماز و هم بتوسط جناب امیر نظام علاء الدوله بشیخ الاسلامی ارومیه
منصوب شدند در سنه موجود رسم همایونی که در اصفهان بامر نواب اشرف والا ظل السلطان باعمار و تکرار افتاده بود
شده در این سال باتمام رسیده و امر کردند باتمام عمارت اندرونی سلطنتی شهرستانک و اعطای یک ثوب سرداری ترمه
کشمیری از ملابس خاصه بجناب معتمد الملک وزیر مخصوص و وزیر بنائی و بقراری یکصد تومان مواجب اضافه رحمعلی
ابوالحسن بیک معماران و قتل حمزه آقای یلپاسرتنگی و مصطفی آقا و خضر آقا و علی آقا که از معتبرین اقوام حمزه آقا و همه سرحلقه
اشرار کرد بودند خاتمه دولت بودند بدست هشیار و اهتمام جناب حسینعلیخان وزیر فواید میرزا اسمعیل ولد
جناب امین السلطان که از جانب جناب معزی الیه بریاست خزانه عامره داده و بمنصب پیشخدمتی حضور مبارک و یک ثوب سرداری
خلعت همایون سرافراز شد نواب عبدالله میرزا که از جانب نواب اشرف والا ظل السلطان ادام الله اقباله العالی بحکومت
کرمانشاهان منصوب است بتصدیق شاهنشاهزاده معظم بلقب جلیل حشمة الدوله ملقب و سرافراز شد نواب

رجوع شود [illegible] در صفحه [illegible] کرمانشاهان [illegible]

اردشیر میرزا امیر تومان پسر بزرگ شهریار تبریز ملقب بلقب ضیاء الدوله شد فوج مخبران و فوج پنجم شقاقی علاوه بر فوج بهادران و
فوج ششم افشار اورومی بخصوص سپرده بمحمد باقر خان شجاع السلطنه سرتیپ اول و خلعت همایونی نیز در حق معزی الیه
اعطا گردید نایب فراش باشی ملوکانه در اخذ و استیفا و ادای حقوق و مواجب اهل نظام و قشون ظفرنمون بموجب دستخط
مبارک خطاب بنواب اشرف والا نایب السلطنه امیر کبیر وزیر جنگ دام الله اقباله العالی مشرف شد و یافت استحکام و استقرار
وزارت وظایف و اوقاف بجناب امین الملک بموجب دستخط همایون فوت مصطفی قلیخان قراگوزلو ملقب باعتماد السلطنه
امیر تومان که مصدر خدمات عمده شده و مدتها بامر حکومت اردو منصوب بود بمرض حصبه افتتاح روشنی چراغ گاز در
شهر دار الخلافه طهران که مدتی بتهیه لوازمات آن مشغول بودند با جشن و لیکن جناب صنیع الدوله یک ثوب سرداری ترمه
کشمیری از ملابس خاصه مخلع گردید بنصر الله خان نصر الملک سرتیپ اول باعطای نشان و حمایل امیر تومانی سرافرازی آمد عصام
الملک بنشان و حمایل امیر تومانی مفتخر گردید میرزا احمد خان پیشخدمت مخصوص ولد جناب امیر نظام علاء الدوله چون ورود
کرفتن و نگاهداری سواره غلامان منصوبه های حسن خدمتی بجای آورده بود در موقع سان دادن غلامان مزبور بنشان
و حمایل سرتیپی اول نایل گردید بتزئین تقسیم ایام هفته برای رسیدگی ذات همایون ملوکانه بمشاغل و مهام ادا داده و لیکن بقبض
شمشیر مرصع مکلل بجواهر که این ها از شمشیرهای خاصه سلطنتی بجهت نواب اشرف والا ظل السلطان حکمران اصفهان و
فارس و یزد و عراق و بروجرد و بختیاری و لرستان و کرمانشاهان و کردستان و غیرها دام الله اقباله العالی اعطا و ارسال
اصفهان شد یک ثوب سرداری و شمشیر نظامی که علامت نشان مرصع در سر دوشهای آن داشت و از خلاع خاصه ملوکانه بود
بافتخار جناب امیر نظام علاء الدوله مرحمت و بعهده اذربایجان فرمودند حاجی میرزا حسینخان مشیر الدوله سپهسالار
اعظم و الی مملکت خراسان روز بیست یکم ماه ذیحجه در مشهد مقدس در سن پنجاه و هفت سالگی دعوت حق را اجابت کرد
(افغانستان) جنگ سخت مابین امیر عبد الرحمن خان و سردار ایوبخان در حوالی قندهار در میگیرد سردار ایوبخان غلبه
بر قشون عبد الرحمن خان کرده سی عراده توپ از امیر عبد الرحمن خان گرفته شهر قندهار را متصرف میشود عساکر سردار
ایوبخان از او روگردان شده بطرف امیر عبد الرحمن خان میروند عبد الرحمن خان بطرف قندهار حرکت کرده سردار
ایوبخان از قندهار بجلو او بیرون می آید در بیست و هشتم شوال سردار ایوبخان از امیر عبد الرحمن خان شکست
سختی خورده بطرف هرات میرود و توپها و آغرق او بدست امیر عبد الرحمن خان می افتد امر و پا (آستریه)
مسافرت نواب ولیعهد اطریش بمشرق زمین مراجعت نواب معزی الیه بوینه از سفر مشرق زمین آمدن والی

بلغارستان

بلغارستان بوسنه فوت ژنرال بندیک عهد تجارتی با سربستان پادشاه و ملکه بلژیک با پرنسس استفانی صبیه خود
که نامزد نواب ولیعهد اطریش است وارد وینه میشوند در دهم ماه مه عروسی و زفاف نواب ولیعهد و شاهزاده خانم بلژیک
اتفاق می افتد پادشاه جزایر سندویچ بوینه میرود فوت بارن هیمرلی وزیر امور خارجه اطریش مجاه اعلیحضرت پادشاه
ایطالیا و ملکه بجهة ملاقات اعلیحضرت امپراطور اطریش بوینه می آیند کنت کالنکی بوزارت امور خارجه منصوب میشود
(اسپانیا) افتتاح مجلس شوری ملاقات سلاطین اسپانیول و پرتوغال (افلاق بغدان) اهالی این مملکت والی خود را پادشاه
و مملکت خود را دولت و سلطنت اعلان داشتند در بیست و دویم ماه مه پادشاه و زوجه اش تاج سلطنت افلاق و بغدان را
بسر میگذارند (المان) مزاوجت پسر نواب ولیعهد المان با یکی از شاهزاده خانمهای اسلشویک هلیستن اعلیحضرت امپراطور المان
و اعلیحضرت امپراطور اطریش در شهر گستین ملاقات مینمایند ملاقات اعلیحضرت امپراطور المان و اعلیحضرت امپراطور روس
در دانزیک (انکلیس) شکست عساکر انکلیس در باستس از طایفه بور که در جنوب افریق سکنی دارند فرستادن کمک
از انکلیس بجهة منقاد نمودن بورها و کلای ارلندی از مجلس پارلمنت اخراج میشوند ایضا شکست عساکر انکلیس در حوالی
امیدا از طایفه بور و قتل ژنرال کولی سردار انکلیس بدست طایفه بور مامور شدن ژنرال دبرت از انکلیس براس امید با قشون
زیاد بجهة تدمیر طایفه بور انعقاد مصالحه مابین انکلیس و طایفه بور و در این عهد نامه انکلیس آزادی تام و تمام جمهوری
ترانسوال را میشناسد لرد بیکنسفیلد صدر اعظم سابق انکلیس در پانزدهم اوریل وفات میکند عساکر انکلیس قندهار را
تخلیه میکنند سی هزار نفر از عساکر انکلیس بجهة دفع اغتشاش و تامین ارلند بآنجا میروند کالاکو پادشاه جزایر
سندویچ وارد ارلند میشود شورش و انقلاب سخت در ارلند (ایطالیا) اعلیحضرت پادشاه ایطالیا و ملکه بجزایر
سیسیل سفر مینمایند در سیسیل از طرف بیک تونس جمعی از اعیان تونس بجهة تبریک ورود اعلیحضرت پادشاه ایطالیا
می آیند زلزله شدید در شهر ناپل و خرابی و خسارت زیاد در مجلس پارلمنت گفتگوهای بسیار سخت بر ضد دولت مینمایند
که چرا در مسئله تونس دولت ایطالیا سکوت کرده اقدام بجنکی بر ضد فرانسه نمیکند (دانمارک) فوت ملکه مادر
اعلیحضرت پادشاه فوت پرنس کالین زوجه ولیعهد سابق (روس) انکشاف نقبی در راه آهن بجهة قتل اعلیحضرت امپراطور
روس انعقاد مصالحه مابین روس و چین فتح کوک تپه بدست ژنرال اسکبلف در بیست و چهارم ژانویه کشته شدن
اعلیحضرت امپراطور روس الکساندر دویم بدست نهیلیستها در پطرزبورغ در سیزدهم مارس و جلوس اعلیحضرت
الکساندر سیم ولیعهد بامپراطوری تمام مملکت روس تحقیق در اعمال قاتلین امپراطور مرحوم روساکف و چهار نفر از
همدستان او که قتل امپراطور مرحوم را سبب بودند بدار آویخته شدند در شهر کیو طایفه یهود را قتل میرسانند فوت
پرنس الدنبورگ استعفای ژنرال ملوتین از وزارت جنگ با نقین بسیار سخت در مسکو نواب گراندوک قسطنطین
از ریاست شورای دولتی و از وزارت بحریه معزول میشود اعلیحضرتین امپراطور و امپراطریس بسمت مسکاره سفر میکنند
پادشاه و ملکه دانمارک بجهة ملاقات صبیه خود که امپراطریس روس است به پطرزبورغ می آیند اعلیحضرت امپراطور قصر
گچینای را برای سکنای خودشان انتخاب میکنند جمعی که قصد قتل اعلیحضرت امپراطور را داشتند و بواسطه دینامیت
میخواستند عمارت سلطنتی را خراب کنند گرفتار شدند و عجب اینست که بعد از استنطاق از مقصرین معلوم شد که رئیس
پلیس پطرزبورغ با مقصرین همدست و شریک بوده است (سویس) کوه سن گتار که سالها مشغول سوراخ کردن آن
بودند سوراخ شده و راه آهن از این سوراخ عبور میکند (عثمانی) دولت عثمانی قبول حکمیت دول فرنگ را در مسئله خود
یونان مینماید عثمان پاشا غازی بوزارت جنگ برقرار میشود بروز طاعون یا مرضی شبیه بطاعون در عراق عرب ایضا

سفرای کبار در اسلامبول برای رفع منازعه مابین عثمانی و یونان جزیره شیو اکیو (سقز) بواسطه زلزله تماماً زیر و زبر شد
دول مابین دولت عثمانی و یونان میانجی شده تعیین حدود طرفین را میکنند و دولت عثمانی را در اینمسئله مجبور مینمایند
درویش پاشا سردار عثمانی با باغیهای البانی تصادف کرده چهار هزار نفر از آنها را مقتول مینماید استنطاق مدحت
پاشا و سایر اعاظم که متهم بقتل مرحوم سلطان عبدالعزیز خان بودند و مدحت پاشا و هشت نفر از همدستهای او را
حکم بقتل و دو نفر را بحبس مؤبد دادند تمام سفرائیکه در عثمانی هستند شکایت خود شانرا بباب عالی در باب حکم
قتل مدحت پاشا اظهار میکنند و بتوسط سفرا اعلیحضرت سلطان از قتل او و سایرین گذشته حکم بحبس ابدی او مینماید
اصطبل سلطانی تماماً آتش میگیرد شورش طوایف اعراب در حجاز زلزله سخت در سانچی که بسیاری از مردم تلف شدند
برف و باد در مکه معظمه و جده (فرانسه) فوت زوجه مسیو طیر فوت بلانکی جمهوری طلب مشهور فوت درون ولوئیس
طایفه کرومیر از طوایف اعراب تونس در سرحد الجزایر با قشون فرانسه در جنگ اند دولت فرانسه تهیه قشونی دیده
عساکر زیادی بسرحدات تونس مامور میکند و از آنطرف والی تونس را دولت فرانسه متهم مینماید که با طایفه کرومیر
همدست است عساکر فرانسه جزیره تاباکار را از تونس متصرف میشود دولت عثمانی حق سلطنت خود را در تونس اظهار
میکند و یادداشتی در این باب بوزرای خارجه فرانسه میفرستد وزیر جنگ فرانسه سه کرور تومان دیگر از برای امداد
قشون کشی در تونس میطلبد زلزله در شهر لیون فوت رجال صحرای معروف فتح قیروان از شهرهای تونس
بدست عساکر فرانسه هانری بریسون بریاست مجلس وکلای پارلمنت برقرار میشود وزرای فرانسه معزول و مسیو گامبتا
بصدارت منصوب و مامور تشکیل وزارتخانه است (یونان) منازعه مابین یونان و عثمانی قریب بانطفاست سفرای
دول خارجه که در یونان هستند این دولت را مانع از جنگ با عثمانی میباشند عساکر یونان بقصد تصرف نقاطی که
از دولت عثمانی بآنها واگذار شده بسرحد تصرف میروند و تمام نقاطی که عثمانی میبایست موافق عهدنامه بیونان واگذارد
تفویض نمود برف مطیفه و بائی در اینمملکت با نهایت شدت افریقا (تونس) عساکر فرانسه شهر صفاقس را
گلوله باران میکنند جنگ سخت در حامه مابین دوازده هزار عرب و قشون فرانسه و فتوحات قشون فرانسه در
تونس (مارك) برف طاعون در این مملکت (مصر) برف اغتشاش در اینمملکت و شورش قشون مصر بر ضد
خدیو و محاصره نمودن آنها قصر خدیو را امریکا طغیان رودخانه ها در این اقلیم که موجب خرابی ابنیه و هلاك خدیو در صدد تشکیل مجلس وکلا است
بسیاری از نفوس میگردد (اتازونی) انعقاد عهد تجارتی و دوستی فیمابین اتازونی و چین در دویم ماه ژوئیه
گیتوئام طپانچه بطرف مسیو گارفیلد رئیس جمهوری اتازونی خالی میکند و زخم مهلکی باو وارد آمده اطباء از معالجه
مایوس میشوند و پس از چندی وفات مینماید آرتور نایب جمهوری برقرار میگردد در ششم اکتبر جشن بزرگی در
اتازونی در موقع سال صدم آزادی حتمی اینمملکت از تبعیت و تصرف انگلیس میگیرند با نفیر بسیار سخت در شهر نیویرك
(پرو) رئیس جمهوری اینمملکت و وزیر امور خارجه او را عساکر شیلی مجبور کرده بمملکت خود میفرستند (مکسیك)
طوفان سختی که در اینمملکت شده باعث خرابی چندین هزار خانه و هلاکت چندین هزار نفس میشود

سنه ۱۸۸۲ مسیحی الی بیست و یکم مارس ۱۸۸۳ مسیحی
سنه ۱۲۹۹ هجری الی نهم جمادی الاولی سنه ۱۳۰۰ هجری

آسیا (ایران) امور دولت در اینسال میمون بمیامن اقبال همایون شهریاری نظم و ترتیب و شکوه و شوکتی تمام دارد
نواب والا شاهزاده رکن الدوله که مشغول بولایت مملکت خراسان و سیستان بودند بعد از فوت مرحوم سپهسالار اعظم
دوباره بحکومت خراسان و سیستان علاوه اختیار امر تولیت منصوب و بخلعت تن پوش مبارك مخلع شده

امیرآخور را با عطای یکثوب سرداری ترمه از ملابس خاصهٔ سلطنتی مفتخر فرمودند عبدالله خان قوللر آقاسی [illegible] جناب امیر
نظام علاءالدوله را بمنصب کشیکچی باشی گری و خلعت مهر طلعت مباهی داشتند مامور شد حاجی میرزا عبدالغفار نجم الملک معلم
کل علوم ریاضی و دیگر مهندسین برای برآورد مخارج بستن سد اهواز بامر دولت اعطای یکقبضه شمشیر مرصع بسیار ممتاز از
شمشیرهای خاصهٔ سلطنتی دربارهٔ نواب اشرف والا نایب السلطنه امیرکبیر وزیر جنگ دام الله اقباله العالی محض کمال انتظام
وزارت جنگ گردید طولوزان حکیمباشی حضور همایون بخطاب خانی مخاطب و سرافراز شد نشان مجیدیه از طرف دولت علیهٔ
عثمانی برای اشخاص مفصلهٔ ذیل اعطا و ارسال گردید (کنت دو منت فرت رئیس پلیس دارالخلافه نشان درجهٔ سیم مجیدیه)
(عباسقلیخان سرتیپ و مترجم درجهٔ چهارم) (میرزا علی محمد خان سرهنگ منشی و ناظم دارالطباعهٔ دولتی و محمد حسینخان
سرهنگ مستشار ادارهٔ پلیس نشان درجهٔ پنجم مجیدیه) اعطای یکحلقه انگشتری الماس بریلیان بسیار ممتاز در موقع جشن
مولود همایونی و عرض قشون در حق نواب اشرف والا امیرکبیر نایب السلطنه وزیر جنگ دام الله اقباله العالی محمد ابراهیمخان وزیر
دارالخلافه بخطاب جنابی مخاطب و مباهی گردید میرزا کاظم ملک الاطبا حکیمباشی حضور همایون با عطای یکقطعه نشان تمثال
همایون مکلل بالماس مفتخر شد وزارت گمرک باقتضای حسن ادارهٔ جناب امین السلطان باز بوجود ایشان استقرار و اختصاص یافت
امین حضور بتحصیل محاسبات و نظم و ترتیب امور دفترخانهٔ استیفا که مسبوق بآن بود منصوب گردید به یکثوب سرداری ترمه
تن پوش مخلع گردید جناب صنیع الدوله برحسب ارادهٔ علیه و دستخط همایونی جزو ذوات اعضای مجلس شورای کبرای دولتی
شد باغ و عمارت وشان تپه و باغ وحش آنجا مستقلاً بامیرزاده سلطان محسن میرزا پیشخدمت حضور واگذار و یکثوب
سرداری ترمه دربارهٔ معزی الیه مرحمت گردید شاهزاده سام میرزا شمس الشعراء بیکثوب جبهٔ ترمه خلعت همایون مخلع شد
میرزا عباسخان سرتیپ مهندس مخصوص حضور همایون بیکقطعه نشان شیر و خورشید از درجهٔ دویم خارجه امتیاز یافت
میرزا رضا قلیخان پروانی کماشتهٔ نواب اشرف والا ظل السلطان بلقب سراج الملک و منصب استیفا از درجهٔ سیم سرافراز
شد میرزا علیرضای مستوفی بیکثوب جبهٔ ترمهٔ حاشیه دار مخلع گردید میرزا حسنخان ولد مرحوم میرزا مصطفی وکیل لشکر
بمنصب لشکرنویسی نایل آمد حاجی میرزا حسین منجم بیکثوب جبهٔ ترمهٔ ایرانی سربلند شد میرزا محمد حسین ادیب ملقب بفروغی
منشی روزنامه در صلهٔ مدیحهٔ مولود همایون بیکطاقه شال ترمه مخلع گردید بندگان اعلیحضرت اقدس همایون شهریاری
خلد الله ملکه یکهزار تومان از وجوه صرف جیب مبارک برسم اعانت برای بازماندگان و ایتام محترقین تماشاخانهٔ وینه موسوم
برینک اعطا فرمودند بامیرزاده وجیه الله میرزا سیف الملک مقرر گردید هزار نفر سوار جدید از ایلات زادها و خانه زادهای
معتبر گرفته با سلاح و لباس ممتاز از سان حضور مبارک گذرانده و بواجب خود معزی الیه موسوم بسواران ناصری باشند حاجی
مصطفی قلیخان میرشکار بیکثوب کلیجهٔ بطانهٔ سنجاب مخلع گردید جناب میرزا حسن ثانی فرزند جناب اجل آقا وزیر اعظم داخله
و مالیه بمنصب جلیل و شغل نبیل مستوفی الممالکی که منصب و شغل موروثی ایشان بود با جمیع مواجب و مرسومات این منصب
نایل و بیکثوب جبهٔ ترمهٔ دورهٔ مفتول دوز شمسهٔ مرصع مخلع گردیدند نواب اشرف والا ظل السلطان حکمران ممالک و ولایات
فارس و اصفهان و یزد و عراق و بروجرد و لرستان و عربستان و کرمانشهان و کردستان و غیرها دام الله اقباله العالی
برسم همه ساله برای شرفیابی حضور همایون از مقر حکومت موقتاً اصفهان بدربار همایون و هشتم ربیع الاول وارد دارالخلافه
و فوراً شرفیاب حضور همایون شدند اعلان دولتی در باب صحت عیار مسکوکات جدیده و ترقی ضرابخانهٔ دولتی که الحال پنج
دستگاه چرخ سکه دایر است و روزی یکصد هزار عدد پول طلا و نقره بسهولت میتوانند سکه نماید و حکم صریح جمیع ولایات
ممالک محروسه که جمیع سکه های قدیم را از اشرفی و قران بضرابخانهٔ دولتی فرستاده بفاصلهٔ ده روز پول جدید [illegible]

ابیات و نقوش نوالخانه
عالیه عظمی نوبه [illegible]
[illegible] همایون

وهر کس از تاریخ ماه ربیع الاول اینسال الی غایت ششماه دیگر پول کهنه از طلا و نقره داشته باشد مبدل بپول جدید دار الضرب نکرده
باشد خزانه عامره دیگر آنرا در عوض پول رواج قبول نخواهد کرد و بقیمت جنس گرفته خواهد شد ملک الکتاب دولتی از طلا و نقره
و مسکوکات بصنایع و فنامیدارات دولتی میرسد تمام در ضرابخانه مبارکه ضرب و اخراج میشود بندگان اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاه صاحبقرانی
خلد الله ملکه یکروز بجهة تشویق اهالی مدرسه دار الفنون تشریف فرمای مدرسه شده جناب مخبر الدوله وزیر علوم بعضی کتب
و نقشه جاتیکه در این اوقات در مدرسه مزبوره بترجمه و بعضی از آنها هم منطبع شده بود از لحاظ نظر همایون گذرانیدند و روز
مسیو بالوا وزیر مختار دولت فخیمه جمهوری فرانسه مأمور باقامت دربار دولت علیه ایران در دار الخلافه باهره با تشریفات لازمه دولتی و
شرفیاب شدن بحضور مبارک میرزا محمد صدیق الملک رئیس دفتر وزارت جلیله خارجه بیکثوب جبه ترمه حاشیه دار مخلع گردید امیرزاده
سلطان ابراهیم میرزا ولد مرحوم عماد الدوله بمنصب نیابت الاجودان باشی حضور مبارک سرافراز آمد از طرف دولت جمهوری فرانسه بجهة
اشخاص مفصله ذیل نشان علی حسب درجاتهم داده شد (صدیق الملک میرزا محمد رئیس دفتر وزارت خارجه نشان کوماندور درجه
سیم لژیون دونور) (میرزا مصطفی خان نایب الوزاره او فیسیه از درجه چهارم) (میرزا عبد الله خان سرتیپ مستشار الوزاره
او فیسیه از درجه چهارم) (میرزا مهدیخان حامل پیغامات وزارت خارجه بسفارتخانه ها او فیسیه از درجه پنجم) (میرزا نصر الله خان
منشی و میرزا شکر الله نامه نگار او فیسیه از درجه پنجم) فوت آقا محمد ابراهیم نواب بدایع نگار دولت علیه در نهم ماه ربیع الاول بمرض سکته
نواب اشرف والا ظل السلطان فرمانفرما و حکمران اصفهان و فارس و یزد و عراق و بروجرد و لرستان و عربستان و کرمانشاهان و کردستان
و غیرها دام الله اقباله العالی لباس زمستانی و تابستانی از برای سرباز تحت ریاست خودشان تعبیه فرمودند از اقمشه و منسوجات
خود ایران در کمال نفاست و خوبی و دوام و مرغوبی که از نظر مبارک نیز گذشته و مطبوع افتاده مقرر فرمودند مقرر گردد برای کلیه قشون
ظفر نمون دولت علیه از همین جنس و نوع لباس ترتیب داده شود حکومت ایالت کردستان ایران و کلیه افواج و قشون ولایات
محکومه نواب اشرف والا ظل السلطان دام الله اقباله العالی را با تمام مهمات عسکریه و لوازم حرکت آن باداره خود و ریاست نواب اشرف معظم له
واگذار و ضمیمه حکومت سایر ولایات و ممالک محکومه ایشان فرمودند نظر بکمال توجه بندگان اعلیحضرت اقدس همایون صاحبقرانی دام
ملکه باداره قشون و انتظام این وزارت معظمه دستخط مبارک برای مزید اقتدار و اختیار نواب اشرف والا امیر کبیر نایب السلطنه
وزیر جنگ دام الله اقباله العالی و اختصاص جمیع شعبات این وزارت جلیله باداره شخص خود نواب معظم له صادر و مرحمت فرمودند
نواب امیرزاده مؤید الدوله و نواب حاجی حسام السلطنه از ولایت کردستان بحکومت ولایت خمسه منصوب و روانه شد محمد حسنخان
پیشخدمت حاکم کاشان بیکثوب سرداری ترمه ایرانی خلعت همایونی که از سال کاشان فرمودند مفتخر گردید نواب اشرف والا
ظل السلطان دام الله اقباله العالی جناب ناصر الملک محمودخان را که از وزرا و چاکران بزرگ دولت است برای حکومت ایالتین کرمانشاهان
و کردستان انتخاب و پس از تحصیل اجازت از خاکپای همایون بصوب ایالتین مزبورتین روانه فرمودند فتح مسعود طهران برحسب استدعای
نواب اشرف والا نایب السلطنه امیر کبیر وزیر جنگ دام الله اقباله العالی کما فی السابق با امیرزاده سیف الملک وجیه الله میرزا
سرتیپ ابواجمع شد محمد حسینخان پیشخدمت خاصه و امیر آخور اصطبل توپخانه مبارکه بیکثوب سرداری ترمه ایرانی مخلع گردید
شب سه شنبه غره جمادی الاولی بعد از گذشتن دو ساعت و چهار دقیقه و کسری از غروب آفتاب آفتاب بنقطه اعتدال ربیعی
رسیده از برج حوت بحمل تحویل کرد سلام تحویل در عمارت جدید البنای رفیع البنیان موزه شرف تشکیل یافته مراسم سلام
و جشن عید نوروز نیز کاملا بعمل آمد نواب اشرف والا ولیعهد ابد مهد دولت علیه ایران دام الله اقباله العالی حکمران
و صاحب اختیار مملکت آذربایجان که سال قبل بجهة اصغای بعضی فرمایشات شفاهی ملوکانه در باب اعمال و مهام حکمرانی
آذربایجان احضار بدربار همایون شده بودند در این اوقات القای آن مقاصد و فرمایشات بانجام رسیده معززاً و مکرماً

از حضور

از حضور همایون رخصت انصراف حاصل و رجعت بمقر حکومت آذربایجان فرمودند و هنگام روانگی از دار الخلافه محض تکمیل
ظهور الطاف خفیه ملوکانه و مزید توقیر و اعزاز جانب شاهنشاهزاده اعظم یکقبضه شمشیر مرصع مکلل بالماس برلیان از
شمشیرهای اکابر ابنها و یکثوب سرداری عقدی لوز شمسه مرصع از ملابس خاصه ملوکانه درباره نواب اشرف معظم له مرحمت فرمودند
و نواب والا محمد علی میرزا ولد نواب اشرف معظم له را بلقب نبیل اعتضاد السلطنه ملقب و بعطای نشان تمثال همایون مباهی و مشتهر
و محض تکمیل و تتمیم مراحم ملوکانه درباره نواب اشرف والا شاهنشاهزاده معظم له که در قریه طرشت نقل مکان کرده بودند
ذات همایون بقدوم مبارک منزل ایشان را مشرف فرمودند جناب امیر نظام علاء الدوله نیز از مقر ریاست کماکان در آذربایجان بر نوع
فنون مهام و اشغال شاغله خود مشغول باشند علیخان ایشیک آقاسی باشی باعطای نشان تمثال مهر مثال همایون مکلل بالماس
اختصاص یافت نواب والا جلال الدوله ولد نواب اشرف والا ظل السلطان ادام الله اقباله العالی هم مشمول مرحمت خاص فرموده
بیک قطعه نشان تمثال بی مثال اقدس مکلل بالماس سرافراز فرمودند میرزا علی قائم مقام و حاجی میرزا عباسقلی واجب اللیافه در سلک اجزای
مجلس محترم دار الشورای دولتی منسلک شدند جناب میرزا محمد خان امین خلوت باعطای نشان تمثال مبارک مکلل بالماس مفتخر
گردید حکیم الممالک پیشخدمتباشی سلام مخصوص سلطنت ابلاغ احکام همایونی بدیوانخانه عدلیه عظمی و مراقبت نظم اعمال دیوانخانه مبارکه
مأمور شد حاجی غلامرضا خان شهاب الملک از جانب نواب اشرف والا نایب السلطنه امیرکبیر وزیر جنگ ادام الله اقباله العالی بحکومت
مازندران و اعطای یکقطعه نشان تمثال خورشید مثال همایون نایل گردید عبد الله خان والی گیلان بامضای نواب والا
امیرکبیر نایب السلطنه وزیر جنگ باعطای یکقطعه نشان از درجه اول امیر تومانی با حمایل سبز مفتخر شد ذوالفقار خان
سرهنگ فوج مهندس بمنصب سرتیپی سیم مباهی گشت جناب حاجی شیخ علی مجتهد عرندیه بمرض سکته مرحوم شد برای جمع
و خرج هذه السنه دولت علیه شده بعد از وضع جمیع مخارج مبلغ هشتصد و شصت و سه هزار و هشتصد و نود و یک تومان
نقدا و جنسا فاضل دخل بر خرج آمده بعد از آنکه جناب اجل آقا وزیر اعظم داخله و مالیه کتابچه جمع و خرج را بلحاظ نظر انور
همایون رسانیدند امر و مقرر شد این فاضل صرف ابتیاع اسلحه و انتظامات فوق العاده قورخانه و قشون برسد روز پنجشنبه
پانزدهم جمادی الاولی برسم معمول اسب دوانی شد جناب نظام الملک وزیر لشکر که اسامی اسبهای سوغاتی را معروض حضور مبارک
میداشتند بیکثوب جبه ترمه حاشیه دار مخلع گردیدند مهدیقلیخان میرآخور اصطبل خاصه را بیکثوب سرداری ترمه خلعت همایونی
مخلع فرمودند از طرف اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه یکقطعه نشان سنت استانیسلاس با حمایل آن برای جناب
منیع الدوله اعطا و ارسال گردید میرزا علی دکتر طبیب حضور همایون و حکیمباشی نواب اشرف والا امیرکبیر نایب السلطنه
وزیر جنگ و معلم علم طب و تشریح فرنگی مدرسه مبارکه دار الفنون با انضمام مراتب علم و حذاقت بلقب معین الاطباء ملقب
شد جمیع کوچه های شهر تبریز با اهتمام جناب امیر نظام سنگفرش میشود نواب والا رکن الدوله حکمران مملکت خراسان و
سیستان از مشهد مقدس بجهت نظم سرحدیه عزیمت سفر سرخس و کلات نمودند نواب اشرف والا ظل السلطان حکمران
اصفهان و فارس و یزد و عراق و بروجرد و لرستان و عربستان و کرمانشاهان و کردستان و غیرها ادام الله اقباله العالی از
حضور همایون شهریاری با استدراک مراحم مخصوصه رخصت انصراف بمقر حکومت حاصل نموده روز دوشنبه بیست و هشتم
جمادی الاولی از دار الخلافه باهره عزیمت اصفهان و بحضرت عبد العظیم علیه السلام نقل مکان فرمودند و محض مزید اعزاز و تکریم
جانب نواب اشرف معظم له بندگان اعلیحضرت همایون یکروز در حضرت عبد العظیم تشریف فرمای منزل شاهنشاهزاده معظم
له شدند روز چهارم جمادی الثانیه از زاویه مقدسه روانه مقر حکومت گردیدند جناب اعتضاد الدوله حکمران قم
و شاهسون بغدادی باستدعای خود شان شرفیاب خاکپای مبارک شده باقتضای کفایت جناب معزی الیه و استدعای

نواب

نواب اشرف والا نایب السلطنه امیر کبیر وزیر جنگ دام الله اقباله العالی حکومت ساوه را ضمیمه حکومت جناب اعتضاد الدوله فرمودند و معزی الیه را باعطای یک ثوب سرداری ترمه شمسه مرصع مخلع و مباهی داشتند میرزا محمد علیخان مستوفی ولد جناب معاون الملک بمنصب استیفای خاصه از درجه اول نایل شد از طرف دولت روس چند قطعه نشان بجهة اشخاص مفصله اعطا گردید (میرزا جواد خان سرتیپ نشان سنت آنا از درجه دویم) (میرزا نصرالله خان صاحب منصب مخصوص وزارت خارجه و میرزا شکرالله نامه نگار نشان سنت آنا از درجه سیم) کوچه های شهر شیراز را عموماً باهتمام جناب صاحب دیوان شروع بساختن و سنگ فرش کردند از جانب نواب رکن الدوله حکمران خراسان و سیستان حکومت تربت بحاجی میرزا محمود خان منشی و بحاجی محمد میرزا واگذار و حکومت جوین و اسفراین از نواب نیر الدوله موضوع شد جوین بموسی خان و اسفراین بحسینعلی خان تحویلدار سابق تفویض گردید و حکومت پشتکوه را نیز از ابراهیمخان قاجار گرفته بسهام الملک دادند باران کافی زیاد در جمیع ولایات خاصه در فارس شب سه شنبه چهاردهم جمادی الثانیه خداوند تعالی میمنت و مبارکی فرزندی به بندگان اعلیحضرت اقدس همایون شهریاری از بطن نواب علیه زینت السلطنه کرامت فرمود و بنام نامی نصرة الدین میرزا موسوم داشتند و بشکرانه این موهبت عظمی جشنی بزرگ گرفتند و علی الرسم نامه ها بسلاطین دول معظمه متحابه بنوید تولد شاهنشاهزاده نصرة الدین میرزا را اعلام نمودند جناب معتمد الملک بلقب نبیل مشیر الدوله و وزارت عدلیه اعظم که از مهام خطیره است ملقب و منصوب و بیک ثوب سرداری شمسه مرصع از ملابس خاصه مخلع گردیدند و میرزا حسینخان ولد جناب معزی الیه را بلقب معتمد الملکی و بیک ثوب سرداری ترمه خلعت همایونی مفتخر فرمودند نواب والا عزالدوله بحکومت ولایت همدان منصوب و باعطای یک ثوب سرداری ترمه از ملابس خاصه مخلع شدند میرزا احمد خان پیشخدمت خاصه و سرتیپ اول و ... جناب امیر نظام علاء الدوله غلامان مهدیه و منصوریه ابوابجمعی خود را که بسبک سواره قزاق مشق میکنند با کمال آراستگی در حضور همایون سان داده بیک ثوب سرداری ترمه خلعت همایونی سرافراز شده در قریه بیدگل کاشان زنی بیک شکم سه دختر آورد محمد علیخان پسر خانلرخان از جانب احتشام الملک حکمران ملایر و تویسرکان و نهاوند بنیابت حکومت نهاوند برقرار شد روز بیستم جمادی الثانیه که عید ولادت حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا سلام الله علیها است نواب علیه عالیه مهد السلطنه والده نواب اشرف والا نایب السلطنه امیر کبیر وزیر جنگ دام الله اقباله العالی برسم معمول جشنی بزرگ گرفته و ضیافت عام از نسوان محترمه و غیرها کردند و عصر این روز ذات همایون شهریاری ابدالله عیشه نیز تشریف فرمای منزل نواب اشرف والا نایب السلطنه امیر کبیر وزیر جنگ شدند مدرسه مجمع الصنایع واقعه در جنب خیابان باب همایون را نواب اشرف والا امیر کبیر نایب السلطنه وزیر جنگ و حکمران دارالخلافه و غیرها دام الله اقباله العالی حسب الامر همایون بارباب حرف و صنایع متنوعه دایر فرموده و هر صنعتگر از ابتدا محض تشویق از خود شان دستمایه دادند و پس از ترتیب و تکمیل مجمع الصنایع یکروز بندگان اعلیحضرت همایونی محض افتخار و تشویق اهل صنعت تشریف فرما آنجا شده هر را بتحسینات و انعامات و تشویقات ملوکانه نایل و سربلند فرمودند امیر ابوبکخان پسر مرحوم امیر شیر علیخان امیر افغانستان باهمراهان از خراسان بدار الخلافه آمده بحضور همایون مشرف و باعطای یک ثوب سرداری کلابتون دوز از ملابس خاصه سرافراز شد جناب میرزا محمد خان امین خلوت در موقع سان دادن تفنگداران سرکاری بیک ثوب سرداری ترمه از ملابس خاصه سلطنتی مخلع و حاجی میرزا شفیع مستوفی نیز در این موقع بیک ثوب جبه ترمه خلعت همایونی مباهی آمد محمد حسنخان پیشخدمت حضور نیز از مراجعت از حکومت همدان بحکومت کاشان سرافراز و بخلعت مهر طلعت مخلع گردید میرزا یوسفخان مستشار وزارت خارجه بانتخاب و استدعای جناب مشیر الدوله وزیر عدلیه اعظم

بمستشاری

بمستشاری وزارت علیه برقرار شد میرزا علیرضا مستوفی ستم بمنصب استیفا از درجه دویم و بیکثوب جبه ترمه ایرانی حمایل دار
منصوب و مخلع گشت میرزا احمد سر دفتر دار کل وزارت دربار اعظم بمنصب استیفا از درجه سیم و اعطای یکثوب جبه ترمه
ایرانی نایل گردید روز چهارشنبه بیست و نهم ماه جمادی الثانیه تمام جرم آفتاب در عقده ذنب منکسف شد نواب اشرف والا
ولیعهد جاوید مهد دولت علیه ایران ادام الله اقباله العالی روز نهم جمادی الثانیه با تشریفات تمام وارد شهر تبریز
مقر حکومت آذربایجان شده و روز دیگر در سلام زمام کلیه امور و مهام ولایتی را بجناب امیر نظام علاء الدوله واگذار و
شمشیر تمام فیروزه مکلل بجواهر محض تکمیل التفات از کمر خود شان باز کرده بجناب امیر نظام مرحمت فرمودند نوزدهم
رجب که عید مولود مسعود حضرت امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام بود در تالار عمارت باد گیر تشکیل سلام در حضور
همایون شد و مراسم جشن عید کما ینبغی بعمل آمد دختر اصفهانیه که هم کر و هم لال بود در قم متوسل بحضرت معصومه سلام
الله علیها شده شفا یافت رساله علیه فارسی از جناب حجة الاسلام حاجی ملا محمد حسین مجتهد کاشانی بطبع رسیده
مجانا منتشر گردید موکب همایون صاحبقرانی روز هیجدهم رجب تشریف فرما بییلاقات صاحبقرانیه شمیرانات گردید بنیابت
ایالت خراسان و نظم امور شهر مشهد مقدس در غیاب نواب الارکان الدوله حکمران مملکت خراسان و سیستان اکبر کشیکچی
و ترتیب امور سرحدات خراسان رفته اند با نواب معین الدوله احمد میرزا شد جناب میرزا ملکم خان ناظم الملک وزیر مختار
و سفیر دولت علیه مقیم دربار انگلیس که بجهة بعضی مشاغل و مهام شخصیه خود استدعای تشرف بخاکپای مبارک را
کرده و این اوقات بدار الخلافه و دربار همایون آمد علاوه بر سفارت دربار دولت انگلیس بسفارت دربار دولتین
المان و هلاند را نیز بعهده کفایت جناب معزی الیه موکول و معزی الیه را بلقب نبیل ناظم الدولگی ملقب فرمودند و هنگام مرخصی
و حرکت از دار الخلافه نیز معزی الیه را بیکثوب سرداری ترمه از ملابس خاصه مخلع و مباهی فرمودند میرزا یوسفخان مستشار
الوزاره بلقب مستشار الدولگی نایل و ملقب گردید جناب امین السلطان چون در زمان رجوع وزارت گمرک بمعزی الیه دو
خدمت نمایان کرده یکی آنکه مبالغی بحسن کفایت بر وجوه مالیات گمرک افزوده و دیگر بتعیین امتعه وارده از خارجه بداخله
ایران و مال التجاره داخله ایران بممالک خارجه که در ظرف یکسال چند و چه قدر است از روی دقت و صحت نموده و صورت
آنرا بعرض خاکپای همایون رسانید بیکثوب سرداری ترمه شمسه مرصع از ملابس خاصه مخلع و مباهی گردید نجفقلیخان قاجار
رئیس طایفه حاجی مهدیقلیخانی بنشان و حمایل از درجه سیم سرتیپی سرافراز شد محمود خان ولد محمد ابراهیمخان قاجار
که در سال هزار و دویست و هشتاد و پنج بریاست طایفه شاه بوداغلو برقرار گردیده بود در این سال بنشان و حمایل
سرهنگی نایل آمد میرزا ولیقلی سر رشته دار دفترخانه مبارکه بمنصب لشکر نویسی قورخانه مفتخر شد از طرف نواب اشرف والا
شاهنشاهزاده معظم ظل السلطان حکومت بوشهر هم جزو اصفهان و بحاجی نصیر الملک تفویض گردید در کازرون فارس
زلزله شد یک انبار نفت در شهر رشت طرف بازار آتش گرفت در استرآباد زلزله شد موکب همایون شهریاری
از صاحبقرانیه شمیران روز سه شنبه دهم شعبان عزیمت ییلاق لار فرمود جناب میرزا علیخان امین الملک وزیر وظایف
و اوقاف و پیشخدمتخانه های ممالک محروسه مدیر دار الشورای دولتی بلقب جلیل امین الدوله ملقب و مباهی شدند جناب
جلالتمآب عضد الملک خوانسالار و ایلخانی ایل جلیل قاجار و خازن مهر مهر آثار مبارک جمیع طوایف خوانین و امیر
زادگان ایل جلیل قاجار را با کمال نظم در حضور مبارک سان داده مورد مرحمت گردیدند غلامان کشیکخانه مبارکه را
عبدالله خان سرکشیکچی باشی و غلامان مهدیه و منصوره را میرزا احمد خان پیشخدمت خاصه سرتیپ اول نیز یکروز با
کمال آراستگی با یراقهای طلا و نقره و لباسهای ماهوت تازه ممتاز سان داده مورد تحسینات و الطاف ملوکانه

آمدند

آمدند نواب والا عضد الدوله بریاست دیوانخانه نواب اشرف والا ولیعهد گردون مهد ادام الله اقباله العالی منصوب
و میرزا فضل الله خان منشی بمنشی باشیگری حضرت والا ولیعهد مباهی گردیدند میرزا ابو القاسمخان مستوفی نوری حاکم
سابق طالقان بحکومت مراغه و خانبابا خان پیشخدمت خاصه حضرت ولایتعهد بحکومت محوارقان از طرف نواب اشرف
اعظم لارانتخاب شدند در خوی زلزله شدیدی شد حسینقلیخان ایلخانی بختیاری در اصفهان بدرود جهان کرد در چهار
باغ اصفهان بحکم نواب اشرف والا ظل السلطان ادام الله اقباله العالی سربازخانه بسیار بزرگی بنا کردند در نیمه شعبان
که عید مولود مسعود حضرت صاحب الامر و امام عصر عجل الله تعالی فرجه است در اردوی همایون در ساحت لار جشنی
بزرگ گرفتند میرزا ابو سعیدخان مستشار الدوله مستشار وزارت عدلیه عظمی بیکطوب سرداری ترمه ایرانی خلعت
همایونی مخلع گردید حاجی میرزا مرتضی طبیب بلقب شریف الاطبائی ملقب شد تمام بازارهای شهر شیراز را مثل بازار وکیل
باسقف آجری باشکوه میسازند نواب والا رکن الدوله حکمران مملکت خراسان و سیستان دار السیاده حضرت رضوی
علیه الصلوة والسلام را آیینه کاری میکنند و سه هزار تومان مخارج آنرا معین و از منافع موقوفات حضرت دادند
در کرمان بامر دولت و دستور العمل نواب ناصر الدوله حکمران کرمان و بلوچستان اقمشه خوب مناسب برای لباس تمام
افواج میبافند و از جنس مذکوره پالتوهای نظامی بسیار نفیس خوب مثل ماهوت درست میکنند در بقعه امامزاده جعفر
بروجرد حرز فالجی شفا یافت موکب اعلای شهریاری از لار بساحت شمارستاق مازندران و حدود بلده و نور تشریف فرما
گردید جناب حاجی سید حسین ترک از اجله علماء در عتبات عالیات بجوار رحمت حق ارتحال نمود خداوند واهب العطایا
روز جمعه دوازدهم رمضان مولودی مسعود باعلیحضرت اقدس همایون شهریاری کرامت فرمود موسوم بمنصور الدین میرزا
گردید جناب امین السلطان با پانصد نفر سواره خواجه وند که اکثر ساکن کجور هستند در حدود نور باراستگی از سان حضور
مبارک گذرانیدند جناب جهانگیرخان اجودانباشی سرتیپ اول و رئیس قورخانه مبارکه در سلک وزرای دولت منسلک و
بوزارت صنایع منصوب گردید میرزا محمدخان نوری حاکم بلوک ازرود بیکطوب جبه ترمه ایرانی حاشیه دار مخلع شد
میرزا عبد الله خان پیشخدمت خاصه بیکطوب سرداری از جامه خانه خاصه خلعت یافت حاجی شهاب الملک حکمران مازندران که
در ارض ویلاک بشرف پابوس خاکپای مبارک شده بیکطوب سرداری ترمه خلعت مهر طلعت مخلع گردید موکب همایون روز سه
شنبه سلخ رمضان بشهرستانک نزول اجلال فرمود جناب امین السلطان را باعطای یکحلقه انگشتری الماس برلیان ممتاز
مباهی فرمودند آقا علی اصغرخان صاحب جمع ولد جناب امین السلطان بلقب امین الملکی و آقا محمد قاسم ولد دیگر جناب معزی الیه
بلقب خانی نایل و سرافراز شدند محمد حسینخان حاجب الدوله فراشباشی و نسقچی باشی باعطای یکقطعه نشان تمثال بی
مثال همایون مفتخر گردید حاجی مصطفی قلیخان میرشکار را بیکطوب کلیجه ترمه بطانه سنجاب مخلع فرمودند جناب
مونسینیور دکلوزل که از علما و قسیسین بزرگ مذهب کاتولیکی مسیحی و اصلا فرانسوی و سالها ساکن در خسرواباد ارومی بود
بود شد اعلان دولتی در منع نگارش القاب در روزنامه دولتی مگر از برای شاهنشاهزادگان عظام نواب والا و نوادهها
واخوان و اعمام بزرگ سلطنت نواب بتنهائی نوشته نخواهد شد اللهقلی میرزای ایلخانی باعطای یکطوب سرداری از جامه خانه
خاصه مخلع گردید یکطوب سرداری ترمه شمسه مرصع از ملابس خاصه بافتخار اعتضاد الملک حکمران سمنان و دامغان اعطا
در ارسال سمنان فرمودند و شنبه بیستم شوال موکب همایون از شهرستانک تشریف فرمای قصر صاحبقرانیه شد
وفات نایبسلطان را برسم هرساله اردوی نظامی مرکب از تمام قشون ساخلو دار الخلافه طهران در بالای قصر قاجار
نواب والا نایب السلطنه امیرکبیر وزیر جنگ با کمال نظم و آراستگی ترتیب داده بودند بندگان اعلیحضرت اقدس تشکیل ده

شهریاری ابدالله جیشه بعد از مراجعت از سفر ییلاق بکرون بار دیگر مرور تشریف فرما شده باقتضای کمال خرسندی از
نظم اردو و ترقی مشق افواج و سواره یکقبضه قداره مکلل بالماس از دست مبارک بنواب اشرف معظم امیر مرحمت فرمودند
میرزا یوسف خود وی لشکرنویس ولد مرحوم میرزا محمدحسین که در اوایل دولت خاقان مغفور تا اواسط دولت شاهنشاه مبرور منصب
بوزارت و حکومت ولایات مامور و منصوب بود و در اواخر عمر شصت سال هم جزو مستوفیان دیوان اعلی منسلک بود بعد از
فوت او منصب استیفا موافق فرمان شاهنشاه ماضی محمد شاه غازی طاب الله ثراه بمیرزا یوسف مرحمت شد تا در اوایل
ایام دولت روزافزون که مدرسه مبارکه دارالفنون ایجاد گردید بمرحوم میرزا آقاخان صدراعظم خواستند یکی از ارباب
قلم که از اهل کمال باشد ترقی و فنون عمل مدرسه دارالفنون را تکمیل شود میرزا یوسف را انتخاب کرده امور مدرسه را
باو رجوع نمود و چون مدرسه دارالفنون مدرسه نظامی بود موافق فرمان مبارک منصب لشکرنویسی دیوان اعلی باو مرحمت شد
و تا بیست سال با صدق و راستی قلمی بامور مدرسه رسیدگی مینمود تا در سال هزار و دویست و هشتاد و پنج از عمل مدرسه
استعفا کرده در عوض عمل چند فوج و چند سته سوار باو رجوع شد بعلاوه مقرر گردید که در مجلس شورای عسکریه حاضر
شده بامور آنجا رسیدگی کند و دو سال قبل مقرر شد که نیز از اجزای مجلس ترتیبات قشونی باشد و در هذه السنه بعلاوه
آنها جزء اجزاء امتیازات قشونی گردید تنبیه کردن ساعد الدوله حکمران استراباد کسان قلیچ خان ترکمان را که دست
بشرارت و هرزگی دراز کرده بودند در حوالی آق قلعه استراباد فرار شیخ عبیدالله کرد از اسلامبول و آمدن بخانه خود
برای تجدید فتنه و اغتشاش در سرحدات آذربایجان و دوباره مامور شدن مامورین دولت عثمانی برای اخذ و تبعید او
از سرحد و فرستادن باقصی بلاد عثمانی شیوع و شدت درد گلو و مرض نوبه در بنادر آذربایجان و رفع آن میرزا احمد خان
سرتیپ اول ولد امیرنظام حامل یکزوج سردوشی مرصع از طرف قرین الشرف همایون باافتخار نواب اشرف والا ولیعهد گردون
مهد دولت علیه و نشان مرصع امیرتومانی اعظم با حمایل آن بجهت امیرنظام وزیر دربار اعظم شده روانه آذربایجان
گردید سلیمان پاشا مامور مخصوص دولت علیه عثمانی که حامل هدیه گرانبهائی و نامه مخصوصی از قبل اعلیحضرت سلطان
عبدالحمید خان بود در ماه ذیقعده وارد دارالخلافه شده و شرفیاب حضور مبارک گردید منزل معزی الیه مثل سفر سابق
در باغ لاله زار و مهماندار او نیز بنده مؤلف بود مسجد رفیع البنای حاجی میرزا حسینخان سپهسالار اعظم مرحوم را که معروف
بمسجد سلطانی و در جنب باغ آنمرحوم بنا شده است بامر همایون ملوکانه مشیرالدوله وزیر عدلیه اعظم از وجوه خود آن
مرحوم سریعاً مشغول اتمام است متین و وسیع وسط میدان اسب دوانی که بطول زیاده بر نیم فرسنگ تمام محیط آن است
و سابقاً از اراضی خشک لم یزرع بود بامر دولت مراقبت امین السلطان وزیر خزانه و گمرک وغیره قناتی که متجاوز از
چهار سنگ آب دارد برای شرب آنجا جاری و احداث و در ظرف شش ماه آنجا را مشجر و آباد و باغی در کمال خضرت و صفا
نموده موسوم بباغ شاه کردند و عمارتی عالی در طرف شمالی این باغ واقع است که منظر بباغ دارد موکب همایون از صاحبقرانیه
تشریف فرمای سلطنت آباد شد شب پنجشنبه سلخ ذیحجه علاء الدوله امیرنظام در ارومی بمرض سکته مرحوم شد
میرزا احمد خان ولد آنمرحوم را بلقب علاء الدوله ملقب فرمودند حسنعلی خان وزیر فواید بریاست قشون آذربایجان و میرزا
رضای صدیق الدوله برسیدگی امور مالیاتی و داخله آن مملکت منصوب و مامور شده و خود نواب والا ولیعهد گردون مهد
من بعد جمیع امور آن مملکت را مستقلا اداره مینمایند همدر اینسال بمباشرت امین السلطان وزیر خزانه و گمرک وغیره
عمارات و بیوتات متعدده اندرونی سلطنتی را که کهنه و قدیم شده بود در ظرف شش هفت ماه تماما از بنیاد خراب کرده
بجای آنها عمارت و حیاطهای بسیار عالی و وسیع و باشکوه که حیاط آن یکصد و بیست ذرع طول و یکصد و دو ذرع

کرانمرحوم

عرض

عرض و چهار سمت آنرا و مرتبه عمارت و مشتمل بر حوضها و جداول متعدده است و زوایای آن نیز خلوتها و حیاطهای
کوچک خوش وضع متعدده دارد تماما با آجر و ساروج و گچ و سنگ بنا کرده و باتمام رسانیدند تلگرافخانه عالی خوبی نیز در جنب
خیابان ناصریه در جوار مدرسه مبارکه دار الفنون که مشتمل بر منازل متعدده فوقانی و تحتانی است از وجود والا و اهتمام جناب اشرف
مخبر الدوله وزیر علوم و تلگراف ممالک محروسه بنا شد خیابانی وسیع عالی نیز از طرف شرقی باب همایون بخیابان ناصریه
ساخته و مفتوح گردید حکومت دهخوارقان از طرف نواب والا ولیعهد دولت علیه حکمران مملکت آذربایجان بحاجی حسام الدوله
مفوض شد صاحب منصبان جدید که بریاست کلنل چارکوسکوی که مشق سواره سبک قزاق از دولت بهیه روس خواسته
بودند وارد دار الخلافه شده بتوسط نواب والا نایب السلطنه امیر کبیر وزیر جنگ بحضور همایون مشرف و معرفی شدند
سلیمان پاشا مأمور مخصوص دولت علیه عثمانی هنگام مرخصی و مراجعت باسلامبول بیکقطعه نشان شیر و خورشید از
درجه اول مکلل بالماس و همراهان معزی الیه نیز بنشانهای امتیاز سرافراز شدند حسنعلیخان وزیر فواید بلقب سالار
عسکری و یکقبضه شمشیر مرصع و ریاست قشون مملکت آذربایجان منصوب و مفتخر گردید میرزا رضای صدیق الدوله
بیکثوب جبه شمسه مرصع و خطاب جنابی و وزارت مالیه داخله آذربایجان سرافراز شد امین لشکر بمنصب وزارت فواید عامه
مفتخر گردید عز الدوله بهرام میرزا از اعمام عظام سلطنت شب یکشنبه هشتم ذیحجه الحرام بمرض فجاءة برحمت الهی پیوست بر حسب
امر و اراده علیه همایونی مجلس امتیازی بجهت ترقیات و ترفیع مناصب و اعطای امتیازات بافراد عساکر منصوره نواب والا
نایب السلطنه امیر کبیر وزیر جنگ مرکب از وزیر لشکر و امرای تومان و صاحب منصبان بزرگ عسکریه و غیرهم ترتیب و تشکیل
دادند نمره روزنامه موسوم بایران که از ابتدای تأسیس بنده مؤلف تا این سال در زیر سایه سلطنت سنیه همایونی بنمره
پانصد رسیده بود بر حسب حکم همایون اولی پانصد نمره را در یک مجلد جلد کرده تقدیم خاکپای مبارک داشتم دستخطی مبنی
بر اظهار کمال مرحمت و رضایت بافتخار این بنده شرف صدور یافت ابنیه دیوانی و دولتی شهر کرمانشاهان از نا مر الملک حکمران
کرمانشهان و کردستان بامر دولت و اجازت مخصوص نواب والا ظل السلطان حکمران اصفهان و فارس و یزد و عراق و
بروجرد و لرستان و عربستان و کرمانشهان و کردستان و غیرها مرمت و تعمیر کامل کرد موکب همایون در این اوان مقیم
و تشریف فرمای عشرت آباد داشت از ترتیبات جدیده که با تأکید اکید ملوکانه در امور دولت مرتب و مؤکد شده این است که وزرا
مشغول را از قرار تفصیل ذیل در مشاغل و اعمال خود شان مسئولیت کلیه داده و حدود تکالیف آنها را معین فرموده
ایشان را وزرای مسئول خواندند (نواب والا نایب السلطنه امیر کبیر وزیر جنگ) (جناب آقا رئیس وزرا و وزیر داخله
و مالیه) (مؤتمن الملک میرزا سعید خان وزیر امور خارجه) (مشیر الدوله وزیر عدلیه عظمی) (امین السلطان وزیر
دربار اعظم و خزانه و گمرک) (امین الدوله مدیر مجلس وزراء و وزیر وظایف و اوقاف و پست) (نظام الملک وزیر دفتر
لشکر) (نصیر الدوله وزیر فلاحت و تجارت) (مخبر الدوله وزیر علوم و تلگراف و معادن) (میرزا قهرمان امین لشکر
وزیر فواید عامه) (امین حضور وزیر بقایا) (جهانگیرخان وزیر صنایع) (صنیع الدوله (بنده مؤلف) وزیر انطباعات
و دار الترجمه خاصه) بجهت تربیت و ترویج کارخانه‌های شال ترمه بافی ایران از غره محرم سنه هزار و سیصد قدغن دولتی
شد که تمام خلاعی که از صندوقخانه مبارکه مرحمت میشود بلا استثنا شال کرمانی باشد موکب همایون صاحبقرانی یکباره
از عشرت آباد تشریف فرمای عمارت زمستانی سلطنتی شهر شد تکیه دولت را با کمال شکوه بستند در دهه عاشورا که
شب و روز مشغول روضه و تعزیه حضرت خامس آل عبا صلوات الله علیه هستند ایام هفته بترتیب ذیل برای رسیدگی
ذات همایون ملوکانه بمشاغل امور دولتی تقسیم شد شنبه مطالب وزارت عدلیه و علوم و معادن و تلگراف و تجارت

وفلاحت یکشنبه مطالب وزارت جنگ و دفتر لشکر و وزارت صنایع دوشنبه تعطیل سه شنبه مطالب وزارت داخله و مالیه و دفتر استیفا و وزارت بقایا و وزارت خزانه و دربار و گمرک و غیره چهارشنبه وزارت تجارت و وزارت وظایف و اوقاف و غیره و وزارت انطباعات و وزارت فواید پنجشنبه مخصوص باحضار وزراء و شاهزادگان است جمعه تعطیل نواب والا ظل السلطان حکمران اصفهان و فارس و یزد و عراق و بروجرد و لرستان و عربستان و کرمانشاهان و کردستان و غیرها برسم معمول همه ساله برای شرفاندوزی حضور همایون از مقر حکومت عزیمت دارالخلافه فرموده در ماه محرم وارد و شرفیاب حضور مبارک شدند و جمعی از اعیان حوزه حکومت و فرمانفرمائی خودشان را نیز شرفیاب خاکپای مبارک نموده معرفی کردند اجزای جمیع وزارتخانه‌های جلیله نیز حسب الامر هر روزی دسته بتوسط مدیر و وزیر آن اداره و وزارتخانه بحضور همایون شاهنشاهی مشرف و معرفی شدند غدغن و منع رواج و داد و ستد سکناس در تمام ممالک محروسه از طرف وزارت تجارت و نیز منع طرح نقش و رنگ فرنگی در قالی ایران که موجب ناروائی آن شده است از جانب وزارت مزبوره ایجاد روزنامه مصور موسوم بشرف از اول محرم سنه هزار و سیصد بتوسط بنده مؤلف جشن عید مولود مسعود همایونی را در شب و روز ششم صفر المظفر نواب والا نایب السلطنه امیر کبیر وزیر جنگ کاملا گرفتند و در پیشگاه حضور مبارک انعقاد سلام خاص و عام شد جمیع سلاطین دول معظمه متحابه تلگرامهای تبریک و تهنیت گفتند و از طرف همایون ملوکانه جوابهای مقتضی داده شد در تمام بلاد ممالک محروسه نیز جشن کامل گرفتند بندگان همایون شکارگاه جاجرود تشریف فرما شده پس از ده شبانروز اقامت رجعت بمقر سلطنت فرمودند پلنگی قوی نیز در این سفر صید شست مبارک شد شدت و شیوع مرض درد گلو و آبله در کرمان و بلوچستان حاجی ابوالحسن رئیس معماران بتوسط و استدعای امین السلطان وزیر دربار اعظم بمنصب معمارباشیگری سرافراز گردید شنبه هفدهم ربیع الاول که عید ولادت با سعادت حضرت سید المرسلین و خاتم النبیین صلی الله علیه و آله اجمعین است مراسم انعقاد سلام در تالار بلور و جشن و تبریک کاملا مرعی شد از طرف اعلیحضرت سلطان عثمانی یکقطعه نشان درجه اول عثمانیه مکلل بالماس با حمایل مخصوص آن محض مزید اعزاز نواب والا ظل السلطان حکمران اصفهان و فارس و یزد و عراق و بروجرد و لرستان و عربستان و کرمانشاهان و کردستان و غیرها واصل دربار همایون گردید اللهقلیخان ایلخانی باعطای یکقبضه عصای مرصع مفتخر شد میرزا یوسفخان مستشار الدوله بکیفیت بسرداری ترمه ایرانی مخلع گشت دکتر میرزا حسینخان ولد میرزا یوسفخان مستشار الدوله که فارغ التحصیل از لندن مراجعت کرده بود در سلک اطبای حضور مبارک منسلک گردید میرزا ابراهیمخان سهام الدوله سرتیپ اول بر حسب استدعای نواب والا نایب السلطنه امیر کبیر وزیر جنگ بحکومت ایالت مازندران منصوب شد

و نیز بر حسب استدعای نواب والا شاهنشاهزاده معظم له عبدالله خان والی حکمران ایالت گیلان و طوالش بخطاب جنابی نایل گردید

در ترتیب اطاق موزه همایونی شمشیری از عبدالله بن زبیر ملاحظه شد که چند کتیبه داشت کتیبه اول (امیر عبدالله بن زبیر) کتیبه دویم (عمل بهادر) کتیبه سیم (مختار بن ابی عبیده ثقفی) کتیبه چهارم (امیر تیمور گورکانی) کتیبه پنجم (بنده شاه ولایت صفی) کتیبه ششم (هلال یکشنبه مهر ذو الفقار علی بیست شاه سلیمان چو ذو الفقار علی) و این شمشیر از نفایس عالم است مرحوم طهماسب میرزای مؤید الدوله در زمانی تقدیم حضور مبارک شهریاری داشته است نواب حاجی حسام السلطنه سلطان مراد میرزا بحکومت ایالتین خراسان و سیستان منصوب گردید میرزا محمد علیخان ولد قوام الدوله ارتقیه معاون الملکی ملقب شد عبدالحسینخان سرتیپ اول پسر مرحوم خانباباخان سردار ملقب بفخر الملک گردید شنبه شانزدهم ربیع الثانی آقا سید صادق مجتهد از اجله علمای اثنی عشریه داعی حق را لبیک اجابت گفته بجوار رحمت حق شتافت روز یکشنبه بیست و سیم ربیع الثانی بندگان اعلیحضرت همایون صاحبقرانی تشریف فرمای منزل نواب والا

مستوفی

ظل

عزل السلطان شدند روز دویم جمادی الاولی شاهزاده حاجی حسام السلطنه برحمت الهی پیوست حکومت و فرمانفرمائی
ایالتین خراسان و سیستان دوباره بنواب رکن الدوله تفویض شد کتابی مشتمل بر لغت همنیم فرانسه یعنی الفاظ متشابهه
ترجمه فارسی این بنده نگارنده جمع و تالیف نموده بطبع رسانید (چین) شورش سختی در مملکت کره روی داده ملکه
و اولاد او کشته میشوند پادشاه فرار میکند و جمعی مقتول میگردند دولت ژاپن سفاین جنگی و قشون باینمملکت میفرستد
امپراطوریه (آستریه) مابین اطریش و افلاق بغدان و سربیا کدورتی است دولت انگلیس میان اطریش و افلاق بغدان
میانجی است در هشتم شهر دسامبر حریق در تماشاخانه رینگ در وینه زیاده از هزار نفر را تلف نمود بروز شورش در
ایالات هرسک و بسنی و شکست دادن یاغیان عساکر اطریش را سخت شدن شورش ایالتین مزبورتین عساکر اطریش از
یاغیان شکستهای سخت میخورند یاغیهای هرسک مایل باصلاح هستند برای دفع شورش اهالی کرسوسی دولت بیست و
چهار ملیون فلرن استقراض مینماید دولت اطریش در هرزگوین و بسنی قشون میگیرد در شهر اشل اعلیحضرت امپراطور
اطریش و اعلیحضرت امپراطور المان ملاقات مینمایند از طرف اعلیحضرت سلطان عثمانی نشان امتیاز از برای اعلیحضرت
امپراطور اطریش ارسال میشود مسافرت اعلیحضرت امپراطوریه بترییست برای تماشای اکسپوزیسیون نواب ولیعهد اطریش
بملاقات اعلیحضرت امپراطور المان ببرلن میرود وزیر خارجه روس در ماه ژانویه وارد اینمملکت میشود (اسپانیا) مطبعهای
این مملکت چند روز بسته شد بعقیده بعضی در این چند روز در تمام مملکت اسپانیول نشر روزنامه نشد انعقاد عهد تجارت
مابین اینه دولت و دولت فرانسه تولد دختری از ملکه اسپانیا (المان) بجهت دوستی اینه دولت با دولت عثمانی ژنرال
رادوویتز حامل نشان از طرف اعلیحضرت امپراطور المان برای اعلیحضرت سلطان عثمانی شد سفیری از جانب دولت
المان برم پایتخت ایطالیا رفته مراوداتی که سابقا با پاپ درکار بود و چندگاهی مقطوع گردیده مجددا برقرار مینماید و البتا
بنابر حاصل میشود افتتاح مجلس پارلمنت المان مجادله وکلای ملت با وزرا در مجلس پارلمنت بر ضد دولت که میخواهد
بیع و شرای دخانیات را خاصه دولت کند با وجود خطبه پرنس بزمارک در مسئله دخانیات وکلای ملت قبول نمیکنند
که بیع و شرای آن مخصوص دولت باشد مسافرت اعلیحضرت امپراطور به امس رفتن آن اعلیحضرت به برسلو جمعیت
المان در این سال از این قرار است پنجاه و شش کرور و سیصد و چهل هزار پروتستان و سی و دو کرور و دویست و
سی و چهار هزار کاتولیک و یک کرور و شصت هزار یهود و سی هزار نفر از ادیان مختلفه و هفتاد و سه هزار نفر بی
مذهب پرنس شارل برادر اعلیحضرت امپراطور فوت میشود (انگلیس) شورش سخت در ارلند و سوزانیدن یاغیها
اکثر ابنیه دولتی را موافق توجیهی که اعیان پیش خود نمودند معادل شش کرور تومان وجه نقد حاضر کرده برسم
اعانت برای یهودیهائیکه در مملکت روس از طرف صدمه شده بودند میفرستند در ارلند شورش بر ضد دولت رو
بتزاید است و هر روز چند قتل نفس اتفاق می افتد دیوانه بطرف اعلیحضرت پادشاه انگلستان و امپراطریس هندوستان
طپانچه خالی میکند بدون اینکه گلوله باعلیحضرت معظم لها بخورد مسافرت اعلیحضرت معظم لها بفرنگ و مراجعت بانگلیس
منصوب شدن لرد اسپنسر بفرمانفرمائی ارلند لرد کوندیش فرمانفرمای ارلند و بورك وزیر در شهر دوبلن
پایتخت ارلند بدست یاغیان مقتول میگردد سفاین جنگی انگلیس همراهی کشتیهای جنگی فرانسه بطرف مصر حرکت
میکنند که خدیو را از شر عرابی پاشا حفظ نمایند امیرال سیمور سردار سفاین جنگی انگلیس مصریها را تهدید میکند
که اگر دست از ساختن استحکامات نکشند شهر اسکندریه را گلوله باران خواهد کرد سیتوایو پادشاه سابق زولو
وارد انگلیس میشود و با تشریفات زیاد او را می پذیرند انقلابات ارلند و شورش اشرار برقرار است شورش مردم

برحسل

برضد نجبا و ملاکین پلیس که مامور بحفظ مردم و گرفتن مقصرین بوده بیشتر مردم را بجنایت جسور مینماید مجلس کنفرانس
دول معظم راجع بکشتی رانی در رود خانه دانوب در لندن منعقد میشود امیرال سیمور از مصر بانگلیس معاودت مینماید یکی
از ابنیه سلطنتی را معماران دولت آتش میزنند (ایطالیا) فوت گاری بالدی معروف جمعیت ایطالیا در این سال پنجاه و
هفت کرور و چهارصد و پنجاه و نه هزار نفر و کسری است طغیان آب و خرابی زیاد و خسارت کلی مردم در ورن و ایالات
وینز (افلاق بغدان) پادشاه افلاق بغدان از اعلیحضرت امپراطور اطریش ترتیب میخواهد (بلژیک) افتتاح مجلس
پارلمنت (پرتوغال) جمعی از خدمه عمارت سلطنتی بتهمت اینکه در صدد مسموم کردن پادشاه هستند محبوس میشوند
اعلیحضرت پادشاه اسپانیول و ملکه وارد لیزبون پای تخت پرتوغال میشوند (روس) پانزده نفر از نهیلیستها خود را
بلباس قشونی ملبس کرده خواستند بعمارت سلطنتی ورود نموده اعلیحضرت امپراطور را بقتل برسانند آنها را گرفته
حبس نمودند یکنفر ژنرال و چند نفر صاحب منصب که متهم به نهیلیستی هستند محبوس شدند شهر کرنشتاد بندر نظامی
روس را نهیلیستها آتش میزنند ژنرال اسکبلف سردار روس که در پاریس است خطبه برضد دولت المان میخواند و این
خطبه بالمان خیلی موثر میشود و اسباب تغییر زیاد در المان و اطریش برضد روس میشود انکشاف حال جمعی از نهیلیستها
که مصمم قتل اعلیحضرت امپراطور هستند حکم بقتل پانزده نفر از نهیلیستها صادر میشود هشتصد نفر از اشخاصیکه سوء
ظن در حق آنها داشتند از مسکو اخراج شدند تماشاخانه لیواد باد را آتش خراب میکند مسیو دگیرس بجای پرنس گرچاکف
که از وزارت خارجه استعفا کرده بود برقرار و وزیر امور خارجه میشود اذیت کردن اهالی روس بعموم طایفه یهود که
در این مملکت سکنی داشتند فوت ژنرال کفمان حکمران ترکستان افتتاح اکسپوزیسیون صنایع در مسکو کنت تلستوا
بجای کنت اگناتیف بوزارت داخله منصوب میگردد جمعیت زیادی از نهیلیست محبوس میشوند فوت ژنرال اسکبلف
سردار معروف اعلیحضرت امپراطور روس لقب پادشاهی ترکستانرا بالقاب سلطنتی خود الحاق میکند وزیر امور خارجه
روس سفری بالمان مینماید و مقصود از این مسافرت اتحاد بین دولتین است پرنس گرچاکف صدراعظم اسبق دولت در شهر
بادن باد وفات نمود (سربی) این ایالت خود را سلطنتی و والی خود را پادشاه میخوانند اعلیحضرت پادشاه سربی بتوسط
مبرود زوجه یکی از مقصرین که شوهرش را بحکم دولت مقتول نموده اند در کلیسا طپانچه باعلیحضرت پادشاه خالی
میکند ولی با ایشان نمیخورد پرنس میلان پادشاه سربستان افتتاح مجلس پارلمنت مینماید (سوید و نروژ) دختر اعلیحضرت
پادشاه که ولیعهد است پسری میزاید که موسوم براسکار میشود (سویس) افتتاح رسمی معبر سن گتارد شد (عثمانی) شورش
سخت در سودان بروز زلزله شدید در آناطولی شورش اعراب در یمن برضد دولت عثمانی ابتیاع کردن دولت عثمانی اسلحه
زیادی از آمریک عبدالرحمن پاشا بجای سعید پاشا صدراعظم میشود سعید پاشا بوزارت خارجه برقرار میگردد
انقلابات سخت در شامات خاصه در بیروت اعلیحضرت سلطان پاغیکری عرابی پاشا را اعلان میکنند انگلیس بهانه
اینکه این اعلان دیر شده است قبول فرستادن قشون عثمانی را بمصر نمینماید روز سیزدهم ماه نوامبر که مقارن غره
محرم است یکروز اول سال اول مائه چهاردهم هجری است با تشریفات زیاد گرفته میشود صدارت سعید پاشا و
وزارت خارجه عارفی پاشا (فرانسه) مسیو گامبتا صدراعظم و وزرای باره او معزول و فریسینه بصدارت منصوب شد
فریسینه از وزارت امور خارجه معزول میشود وزرای تازه بر پا سته میشود دوکلرک تعیین میشوند قطع مراوده
سفرای ماداگاسکر فوت گامبتا از رجال معروف دولت فرانسه کنت دو لغان سفیر کبیر اطریش مقیم فرانسه خود را میکشد
ژنرال شانزی از سردارهای معروف فرانسه فوت میشود پرنس ناپلیون اعلانی در حقوق سلطنت خود طبع و منتشر

در نزدیکی پارلمنت

نموده لهذا بحکم دولت محبوس میگردد ژول فری صدر اعظم میشود رنگی از میدانها شهر پاریس شورش طلبی نظامی و
شورشیان مصمم میشوند که بعمارت رئیس جمهور روانه شوند ولی پوره اسلحه متفرق میکردند (منتگرو) والی منتنگرو
به پطرزبورغ و وینه میرود (هلاند) طغیان آب که اسباب خرابی میشود و وزراء استعفا میکنند (یونان) تسلیم
عساکر عثمانی و یونان در سرحد تسالی معاهده سرحدی امید دولت با دولت عثمانی راه آهن یونان وصل براه آهن عثمانی
میشود عساکر یونان عبارتست از بیست و یکهزار و سیصد و هشتاد و نه نفر پیاده و هشت هزار و شصت و هشت نفر
توپچی و سه هزار و سیصد و نود و نه نفر مهندسان و چهار هزار و صد و پنجاه و چهار نفر اسب سوار و هزار و ششصد و شصت و
و پنج نفر صاحبمنصب است مسوکاندو رس صدر اعظم یونان وفات مینماید **افریقا** (تونس) شهر قفسه بتصرف
عساکر فرانسه در می آید طیب بیک برادر محمد صادق بیک والی تونس بحکم والی محبوس میشود فوت محمد صادق بیک
والی تونس در بیست و هشتم اکتبر و جلوس برادرش علی بیک بجای او (زولولاند) سیتوایو که در لندن سیاحت میکرد
مستقلا بسلطنت زولوس معاودت میکند (مصر) بروز و باد در مصر تجدید شورش اهالی قشون بر ضد خدیو شورای
نظامی مرکب از سیزده نفر از صاحبمنصبان قشون که اکثر بر ضد احمد عرابی پاشا بودند اخراج بلد میکنند وزرا وکلای ملت بدون استحصال
خدیو احضار مینمایند و بفرنگیها اعلان میکنند که جان و مال آنها در امانست و اگر از دول خارجه دولتی بخواهد در امور داخله مصر
مداخله کند اهالی مصر بر ضد آن دولت اقدامات خواهد نمود سفاین جنگی فرانسه و انگلیس بمحاذی اسکندریه ورود کرده
و عرابی پاشا حکم بساختن استحکامات در ساحل میدهد قونسولهای فرانسه و انگلیس جلای وطن عرابی پاشا را از مصر
میطلبند درویش پاشا از جانب اعلیحضرت سلطان بقاهره برای استمزاج وضع مصر میآید اظهار خدیو بدرویش پاشا
که سازش مابین او و عرابی پاشا غیر ممکن است شورش مردم در اسکندریه و قتل جمعی از فرنگیها اجماع سفرا در مجلس مخصوص
در اسلامبول برای قرارداد امور مصر درویش پاشا صاحبمنصبان یاغی مصر را جمع کرده بآنها تبعیت سلطان را تکلیف میکند
قونسولهای فرنگ مصمم بیرون رفتن از مصر میباشند دهم ژوییه سفاین جنگی انگلیس بنای گلوله ریزی را بشهر اسکندریه
میگذارند و بعد از دوازده ساعت تمام قلعه جات اسکندریه بتصرف عساکر انگلیس در آمده در اغلب نقاط شهر آتش
بروز میکند خدیو مصر بقصر رأس التین پناه برده برای حفظ خود از عساکر انگلیس کمک میطلبد عرابی پاشا در حوالی
اسکندریه اردوی خود را متحصن میسازد و پس از چندی با قشون زیاد به تل الکبیر رفته متحصن میگردد دولت عثمانی بجهت
تنظیمات مصر طالب فرستادن قشون بمصر میباشد اما انگلیس جداً این مطلب را رد کرده میگوید مادامیکه عثمانی عرابی پاشا را
یاغی نشناسد قشون عثمانی بمصر راه نخواهد داشت انگلیسها ابوقیر را گلوله باران کرده متصرف میشوند شریف پاشا بصدارت
منصوب میشود سفاین جنگی انگلیس بغاز سوئز را متصرف مینمایند جنگ عساکر انگلیس در کاساسن و فتوحات انگلیس ژنرال
ولسلی با قشون زیاد بطرف تل الکبیر حرکت میکند و روز سیزدهم سپتامبر با عساکر عرابی پاشا تلاقی مینماید و شکست
باو میدهد عرابی پاشا بقاهره فرار میکند روز چهاردهم و پانزدهم عساکر انگلیس بی زحمت و مانعی وارد قاهره میشوند
عرابی پاشا که فرار کرده بود محبوس میشود بیست و سیم خدیو وارد قاهره میگردد و عساکر انگلیس باوطان خود معاودت
مینمایند در جنگ انگلیسها با عرابی پاشا استعداد عساکر عرابی پاشا چهل و چهار هزار پیاده و هیجده هزار سواره و چهل
هزار عرب بدوی و صد و چهل و سه عراده توپ بوده و قشون انگلیس تقریباً چهل هزار نفر میشدند ژنرال ولسلی با
صاحبمنصبان دایره خود از مصر بانگلیس میرود شکست عساکر مصر از متهمک و روولر دو فرزند ایلچی کبیر انگلیس عصی
حکم قتل عرابی پاشا از مجلس استنطاق صادر میشود و بتوسط انگلیس خدیو از قتل او گذشته او را بجزیره

سیلان

سیلان مهیب در امریکا (اناتونی) از اتاتونی سفری با بران ماموم مبشوی طغیان آب در شهر سنسناتی جمعیتی کثیر را غرق و شهر را خراب میکند (برزیل) افتتاح مجلس پارلمنت (پرو) متارکه مابین جمهوری پرو و جمهوری شیلی مجدداً شروع (مبشوی شیلی) عهد مصالحه مابین شیلی و بلیوی (کستاریکا) دو ناحیه کستاریکا زلزله هشت شهر را خراب کرده چندین هزار نفس تلف شدند

اعلان بعموم مطالعه کنندگان این کتاب

از ابتدای نگارش و تالیف این کتاب که تقریباً از هفده هیجده ماه قبل باشد بواسطه روزنامه جات بعموم چاکران آستان همایون و رجال و ارکان دولت قوی شوکت روز افزون اعلام و اعلان نمودیم که شرح مناصب و امتیازات و القاب و نشانها که از دربار مقدس بآنها اعطا شده صورت آنرا بدار الطباعه مبارکه ایصال دارند تا در کتاب درج و اسباب نشر مفاخر آنها گردد نیز امتیازاتیکه آبا و اجداد آنها از سلاطین تاجدار سلسله علیه قاجار بواسطه خدمات صادقانه دریافت نموده و باعطای آن مباهی گردیده اند و نشر و انتشار آن وسیله افتخار اعقاب است شرح و صورت آنرا داده تا در کتاب منطبع و اسباب مزید اعتبار ایشان شود بعضی صورت دادند و ثبت شد پس اگر برخی اهمال یا استنکاف نموده باشند و امتیازی از امتیازات آنها ترک و حذف و مسکوت عنه مانده باشد حق شکایت و گله نخواهند داشت با آنکه نگارنده از فرط تصفح کتب و روزنامه جات و اسناد و اوراق تاریخی و حکایات و روایات دقیقه فروگذار ننمود و جهد وافی مبذول داشت تا کتاب حاوی و جامع تمامی سیر و کاشف کلیه اخبار ایام دولت جاوید آثار ادام الله تعالی بقائها باشد و در هر صورت هر گونه لغزشی که از خطا و سهو و غیره رفته باشد از مطالعه کنندگان طلب عفو و اغماض مینماید چه انسان از سهو و نسیان مصون نیست و ستر زلات از مکارم اخلاق و اوصاف و شیوه مرضیه صاحبان دولت انصاف است

والسلام علی من اتبع الهدی

جلد سوم کتاب مستطاب منتظم ناصری بتاریخ سلطنت جهانبانان سلسله علیه

قاجاریه ابقی الله ملکهم و دولتهم تعاقب الدهر از بیت ظهور این سلسله جلیله

است در زمان کشور... جلوس این سلسله علیه بر سریر سلطنت بالاستحقاق که ...

صد و نود و چهار از هجرت مقدسه بوده با خلاصه منتخب وقایع و حوادث عظیمه

... اقطار عالم که در سال اتفاق افتاده است الی یومنا هذا ...

بحمد الله تعالی

و حسن توفیقه تمام شد جلد سیم

کتاب مستطاب منتظم ناصری در شهر غره شوال المکرم

سنه هزار و سیصد هجری از قلم شکسته غریق بحر گناه و معاصی

و آرزومند بخشش و الطاف سبحانی ابن مرحوم میرزا سید محمد رضا

احمد الطباطبائی الاردستانی تحریر

یافت فی سنه ۱۳۰۰

تقویم هذه السنة میمونة قوی ئیل

که مطابق هزار و سیصد

هجری سنه ۱۳۰۰

الایام	العربیة	الجلالیة	الفرانسة	جمادی الاولی	نصف النهار	بین الطلوعین
چهارشنبه	۱۱	۱	مارس ۲۱	ماه جلالی فروردین	[illegible]	۳۲
پنجشنبه	۱۲	۲	۲۲		۲	
جمعه	۱۳	۳	۲۳	ولادت الامام سجاد	۳	
شنبه	۱۴	۴	۲۴		۴	
یکشنبه	۱۵	۵	۲۵		۵	۳۰
دوشنبه	۱۶	۶	۲۶	عطارد الی هبوط	۶	
سه شنبه	۱۷	۷	۲۷		۸	
چهارشنبه	۱۸	۸	۲۸	الاربعین [illegible]	۹	۳۱
پنجشنبه	۱۹	۹	۲۹		۱۰	۳۰
جمعه	۲۰	۱۰	۳۰		۱۱	
شنبه	۲۱	۱۱	۳۱		۱۲	
یکشنبه	۲۲	۱۲	۱	قران [illegible]	۱۳	۳۱
دوشنبه	۲۳	۱۳	۲		۱۴	
سه شنبه	۲۴	۱۴	۳	[illegible]	۱۵	
چهارشنبه	۲۵	۱۵	۴		۱۶	۲۹
پنجشنبه	۲۶	۱۶	۵		۱۸	
جمعه	۲۷	۱۷	۶		۱۹	۲۹
شنبه	۲۸	۱۸	۷		۲۰	۳۰
یکشنبه	۲۹	۱۹	۸	نوروز خوارزمشاهی	۲۱	۳۰

الایام	العربیة	الجلالیة	الفرانسة	جمادی الثانیة	نصف النهار	بین الطلوعین
دوشنبه	۲۹	۲۰	۹		[illegible]	[illegible]
سه شنبه	۲	۲۱	۱۰		۳۳	۲۰
چهارشنبه	۳	۲۲	۱۱	فاطمهٔ زهرا [illegible]	۳۴	۳۱
پنجشنبه	۴	۲۳	۱۲		۲۵	
جمعه	۵	۲۴	۱۳	نیسان ماه رومی [illegible]	۲۶	
شنبه	۶	۲۵	۱۴		۲۷	
یکشنبه	۷	۲۶	۱۵		۲۸	۳۱
دوشنبه	۸	۲۷	۱۶		۲۹	۳۲
سه شنبه	۹	۲۸	۱۷	خمسین [illegible]	۳۱	
چهارشنبه	۱۰	۲۹	۱۸		۳۲	
پنجشنبه	۱۱	۳۰	۱۹		۳۳	۳۲
جمعه	۱۲	۱	۲۰	اردی بهشت ماه جلالی	۳۴	۳۳
شنبه	۱۳	۲	۲۱	اول ثور	۳۵	
یکشنبه	۱۴	۳	۲۲	[illegible]	۳۳	
دوشنبه	۱۵	۴	۲۳		۳۶	۳۳
سه شنبه	۱۶	۵	۲۴		۳۱	۳۴
چهارشنبه	۱۷	۶	۲۵	[illegible]	۳۹	
پنجشنبه	۱۸	۷	۲۶		۴۰	
جمعه	۱۹	۸	۲۷		۴۱	۳۵
شنبه	۲۰	۹	۲۸	[illegible]	۴۳	
یکشنبه	۲۱	۱۰	۲۹		۴۴	
دوشنبه	۲۲	۱۱	۳۰		۴۲	۳۵
سه شنبه	۲۳	۱۲	۱	ماه فرانسه [illegible]	۴۵	۳۵
چهارشنبه	۲۴	۱۳	۲		۴۵	
پنجشنبه	۲۵	۱۴	۳		۴۶	
جمعه	۲۶	۱۵	۴		۴۷	۴۷
شنبه	۲۷	۱۶	۵	وفات [illegible]	۴۸	۴۲
یکشنبه	۲۸	۱۷	۶		۴۹	
دوشنبه	۲۹	۱۸	۷		۴۹	۴۷

الایام	العربیة	الجلالیة	الفرانسة	رجب المرجب	نصف النهار	بین الطلوعین
سه شنبه	غره	۱۹	۷	وفات امام محمد باقر	[illegible]	[illegible]
چهارشنبه	۲	۲۰	۸		۵۱	
پنجشنبه	۳	۲۱	۱۰	لیلة الرغائب	۵۲	
جمعه	۴	۲۲	۱۱		۵۳	۳۰
شنبه	۵	۲۳	۱۲		۵۴	
یکشنبه	۶	۲۴	۱۳	ایار ماه رومی [illegible]	۵۵	۳۰
دوشنبه	۷	۲۵	۱۴		۵۵	
سه شنبه	۸	۲۶	۱۵		۵۶	۳۱
چهارشنبه	۹	۲۷	۱۶		۵۷	۳۲
پنجشنبه	۱۰	۲۸	۱۷	ولادت امام محمد تقی	۵۸	
جمعه	۱۱	۲۹	۱۸		۵۸	
شنبه	۱۲	۳۰	۱۹		۵۹	۳۲
یکشنبه	۱۳	۱	۲۰	خرداد ماه جلالی مولود حضرت امیر	[illegible]	۳۳
دوشنبه	۱۴	۲	۲۱		[illegible]	
سه شنبه	۱۵	۳	۲۲	اول جوزا دی ماه قدیم	۲	۳۳
چهارشنبه	۱۶	۴	۲۳		۲	۳۴
پنجشنبه	۱۷	۵	۲۴		۳	
جمعه	۱۸	۶	۲۵		۴	
شنبه	۱۹	۷	۲۶	آغاز کرما	۵	۳۵
یکشنبه	۲۰	۸	۲۷		۵	
دوشنبه	۲۱	۹	۲۸		۶	۳۵
سه شنبه	۲۲	۱۰	۲۹	خفای عطارد [illegible]	۶	۳۶
چهارشنبه	۲۳	۱۱	۳۰		۶	۳۷
پنجشنبه	۲۴	۱۲	۳۱		۷	
جمعه	۲۵	۱۳	۱	ژوئن ماه فرانسه [illegible]	۷	۳۷
شنبه	۲۶	۱۴	۲		۸	
یکشنبه	۲۷	۱۵	۳	یوم المبعث	۸	
دوشنبه	۲۸	۱۶	۴		۸	
سه شنبه	۲۹	۱۷	۵	اقتران الفضلین	۹	۳۸
چهارشنبه	۳۰	۱۸	۶		۹	۳۸

الایام	العربیه	الجلالیه	الفرانسه	شعبان المعظم	نصف النهار	بین الطلوعین
پنجشنبه	غره	۱۹	۷		۹	[illegible]
جمعه	۲	۲۰	۸		۱۰	
شنبه	۳	۲۱	۹		۱۰	
یکشنبه	۴	۲۲	۱۰	ولادت امام حسین	۱۰	۴۹
دوشنبه	۵	۲۳	۱۱		۱۱	
سه‌شنبه	۶	۲۴	۱۲			
چهارشنبه	۷	۲۵	۱۳		۱۱	۴۹
پنجشنبه	۸	۲۶	۱۴	حزیران ماه رومی یونیو ماه قیصری		۵۰
جمعه	۹	۲۷	۱۵		۱۱	
شنبه	۱۰	۲۸	۱۶		۱۲	۵۰
یکشنبه	۱۱	۲۹	۱۷			۵۱
دوشنبه	۱۲	۳۰	۱۸		۱۲	
سه‌شنبه	۱۳	۱	۱۹	تیرماه جلالی		۵۲
چهارشنبه	۱۴	۲	۲۰		۱۲	
پنجشنبه	۱۵	۳	۲۱	بهمن ماه قدیم	۱۳	۵۲
جمعه	۱۶	۴	۲۲	اول سرطان و حلول تابستان		
شنبه	۱۷	۵	۲۳		۱۳	۵۲
یکشنبه	۱۸	۶	۲۴	سن ژان دنیز	۱۴	
دوشنبه	۱۹	۷	۲۵			
سه‌شنبه	۲۰	۸	۲۶		۱۱	
چهارشنبه	۲۱	۹	۲۷			
پنجشنبه	۲۲	۱۰	۲۸		۱۱	۵۳
جمعه	۲۳	۱۱	۲۹			۵۱
شنبه	۲۴	۱۲	۳۰			
یکشنبه	۲۵	۱۳	۱	ژوئیه ماه فرانسه		
دوشنبه	۲۶	۱۴	۲		۱۱	
سه‌شنبه	۲۷	۱۵	۳		۱۰	
چهارشنبه	۲۸	۱۶	۴			۵۱
پنجشنبه	۲۹	۱۷	۵	احتراق مشتری	۱۰	۵۰
جمعه	۳۰	۱۸	۶		[illegible]	۵۰

الایام	العربیه	الجلالیه	الفرانسه	رمضان المبارک	نصف النهار	بین الطلوعین	ساعات اذان صبح بافق طهران
شنبه	غره	۱۹	۷		۹	۵	[illegible]
یکشنبه	۲	۲۰	۸		۸		۵۰
دوشنبه	۳	۲۱	۹		۸	۵۰	۵۱
سه‌شنبه	۴	۲۲	۱۰		۸	۴۹	۵۲
چهارشنبه	۵	۲۳	۱۱	اول شرف مشتری	۷	۴۸	۵۴
پنجشنبه	۶	۲۴	۱۲		۷	۴۸	۵۴
جمعه	۷	۲۵	۱۳		۶		۵۵
شنبه	۸	۲۶	۱۴		۶	۴۷	۵۷
یکشنبه	۹	۲۷	۱۵	تموز ماه رومی یولیو ماه قیصری	۵		۵۹
دوشنبه	۱۰	۲۸	۱۶		۴	۴۶	[illegible]
سه‌شنبه	۱۱	۲۹	۱۷		۴		۲
چهارشنبه	۱۲	۳۰	۱۸		۴	۴۴	۳
پنجشنبه	۱۳	۱	۱۹	مرداد ماه جلالی	۳	۴۵	۶
جمعه	۱۴	۲	۲۰				۶
شنبه	۱۵	۳	۲۱	اسفندار ماه قدیم	۲	۴۴	۹
یکشنبه	۱۶	۴	۲۲		۱		۱۰
دوشنبه	۱۷	۵	۲۳	اول اسد	۱		۱۱
سه‌شنبه	۱۸	۶	۲۴		[illegible]		۱۲
چهارشنبه	۱۹	۷	۲۵	شب قدر	[illegible] ۵۹		۱۴
پنجشنبه	۲۰	۸	۲۶	اول بازار عکاظ و شب قدر بادخلف بوزد	۵۸		۱۶
جمعه	۲۱	۹	۲۷		۵۸		۱۸
شنبه	۲۲	۱۰	۲۸		۵۷		۲۰
یکشنبه	۲۳	۱۱	۲۹		۵۶		۲۲
دوشنبه	۲۴	۱۲	۳۰		۵۶		۲۳
سه‌شنبه	۲۵	۱۳	۳۱	اول کاه دوم اول ایام العجوز			۲۵
چهارشنبه	۲۶	۱۴	۱	اوت ماه فرانسه اول چله کوچک تابستان	۵۴		۲۷
پنجشنبه	۲۷	۱۵	۲		۵۳		۲۸
جمعه	۲۸	۱۶	۳		۵۲		۳۱
شنبه	۲۹	۱۷	۴		۵۱		۳۳

الایام	العربیه	الجلالیه	الفرانسه	شوال المکرم	نصف النهار	بین الطلوعین
یکشنبه	غره	۱۸	۵		۵۱	[illegible]
دوشنبه	۲	۱۹	۶		۵۰	
سه‌شنبه	۳	۲۰	۷	بادخلف آشکار	۴۹	
چهارشنبه	۴	۲۱	۸		۴۸	۴۸
پنجشنبه	۵	۲۲	۹		۴۷	۴۷
جمعه	۶	۲۳	۱۰		۴۶	
شنبه	۷	۲۴	۱۱	تحویل عطارد بسنبله	۴۵	۴۶
یکشنبه	۸	۲۵	۱۲		۴۴	
دوشنبه	۹	۲۶	۱۳	آب ماه رومی اوگوست ماه قیصری	۴۳	
سه‌شنبه	۱۰	۲۷	۱۴		۴۲	۴۵
چهارشنبه	۱۱	۲۸	۱۵		۴۱	
پنجشنبه	۱۲	۲۹	۱۶		۴۱	
جمعه	۱۳	۳۰	۱۷		۴۰	۴۴
شنبه	۱۴	۱	۱۸	شهریور ماه جلالی	۳۹	
یکشنبه	۱۵	۲	۱۹		۳۸	۴۴
دوشنبه	۱۶	۳	۲۰	فروردین ماه جلالی	۳۷	۴۴
سه‌شنبه	۱۷	۴	۲۱		۳۶	
چهارشنبه	۱۸	۵	۲۲		۳۵	
پنجشنبه	۱۹	۶	۲۳		۳۴	۴۳
جمعه	۲۰	۷	۲۴	اول سنبله	۳۳	
شنبه	۲۱	۸	۲۵		۳۲	
یکشنبه	۲۲	۹	۲۶		۳۱	۴۲
دوشنبه	۲۳	۱۰	۲۷		۳۰	
سه‌شنبه	۲۴	۱۱	۲۸		۲۹	
چهارشنبه	۲۵	۱۲	۲۹	تحویل عطارد بمیزان	۲۸	
پنجشنبه	۲۶	۱۳	۳۰		۲۷	۴۲
جمعه	۲۷	۱۴	۳۱		۲۶	۴۱
شنبه	۲۸	۱۵	۱	سپتامبر ماه فرانسه	۲۴	
یکشنبه	۲۹	۱۶	۲		۲۳	
دوشنبه	۳۰	۱۷	۳		۲۲	۴۱

ذیقعدة الحرام							ذیحجة الحرام							محرم الحرام						
الایام	العربیه	الجلالیه	الفرانسه	ذیقعدة الحرام	نصف النهار	بین الطلوعین	الایام	العربیه	الجلالیه	الفرانسه	ذیحجة الحرام	نصف النهار	بین الطلوعین	الایام	العربیه	الجلالیه	الفرانسه	محرم الحرام	نصف النهار	بین الطلوعین
سه‌شنبه	غره	۱۸	۴		۲۱	[illegible]	پنجشنبه	غره	۱۸	۴	اول ایام معلومات	[illegible]	[illegible]	جمعه	غره	۱۷	۲		۱۷	۲۹
چهارشنبه	۲	۱۹	۵		۲۰		جمعه	۲	۱۹	۵		۳۹		شنبه	۲	۱۸	۳		۱۶	۳۰
پنجشنبه	۳	۲۰	۶	آخر بازار مکاره	۱۹		شنبه	۳	۲۰	۶		۳۸	۲۷	یکشنبه	۳	۱۹	۴		۱۶	
جمعه	۴	۲۱	۷		۱۸	۳۰	یکشنبه	۴	۲۱	۷		۳۸		دوشنبه	۴	۲۰	۵	تحویل عطارد بعقرب	۱۶	۳۰
شنبه	۵	۲۲	۸	قتل عیسی ع	۱۷		دوشنبه	۵	۲۲	۸	[illegible]	۳۷	۲۷	سه‌شنبه	۵	۲۱	۶		۱۵	
یکشنبه	۶	۲۳	۹		۱۶	۳۰	سه‌شنبه	۶	۲۳	۹		۳۷		چهارشنبه	۶	۲۲	۷		۱۴	
دوشنبه	۷	۲۴	۱۰		۱۵	۲۹	چهارشنبه	۷	۲۴	۱۰	[illegible]	۳۶	۲۷	پنجشنبه	۷	۲۳	۸		۱۳	
سه‌شنبه	۸	۲۵	۱۱		۱۴		پنجشنبه	۸	۲۵	۱۱	یوم الترویه	۳۶		جمعه	۸	۲۴	۹		۱۲	۳۰
چهارشنبه	۹	۲۶	۱۲		۱۳		جمعه	۹	۲۶	۱۲	یوم العرفه	۳۵		شنبه	۹	۲۵	۱۰	تحویل زهره بقوس	۱۱	
پنجشنبه	۱۰	۲۷	۱۳	ایلول ماه رومی ستنبار ماه قیصری	۱۲		شنبه	۱۰	۲۷	۱۳	تشرین الاول رومی اکتابر ماه قیصری ع	۳۵		یکشنبه	۱۰	۲۶	۱۱	عاشورا	۱۰	
جمعه	۱۱	۲۸	۱۴	ولادت حضرت رضا ع	۱۱	۲۹	یکشنبه	۱۱	۲۸	۱۴	آخر ایام معلومات	۳۴		دوشنبه	۱۱	۲۷	۱۲		۹	
شنبه	۱۲	۲۹	۱۵		۹		دوشنبه	۱۲	۲۹	۱۵		۳۴		سه‌شنبه	۱۲	۲۸	۱۳	تشرین الآخر رومی نوبار ماه قیصری	۸	
یکشنبه	۱۳	۳۰	۱۶		۸		سه‌شنبه	۱۳	۳۰	۱۶		۳۳	۲۷	چهارشنبه	۱۳	۲۹	۱۴		۷	
دوشنبه	۱۴	۱	۱۷	مهرماه جلالی	۷	۲۸	چهارشنبه	۱۴	۱	۱۷	آبانماه جلالی	۳۳		پنجشنبه	۱۴	۳۰	۱۵		۷	
سه‌شنبه	۱۵	۲	۱۸		۶	۲۹	پنجشنبه	۱۵	۲	۱۸		۳۲	۲۸	جمعه	۱۵	۱	۱۶	آذرماه جلالی	۶	۳۱
چهارشنبه	۱۶	۳	۱۹	اردیبهشت ماه قدیم	۵	۲۷	جمعه	۱۶	۳	۱۹	خردادماه قدیم	۳۲		شنبه	۱۶	۲	۱۷		۵	
پنجشنبه	۱۷	۴	۲۰		۴		شنبه	۱۷	۴	۲۰		۳۱		یکشنبه	۱۷	۳	۱۸	تیرماه قدیم	۴	
جمعه	۱۸	۵	۲۱		۳		یکشنبه	۱۸	۵	۲۱		۳۰		دوشنبه	۱۸	۴	۱۹		۳	
شنبه	۱۹	۶	۲۲	ولادت حضرت [illegible]	۲	۲۸	دوشنبه	۱۹	۶	۲۲		۲۹	۲۸	سه‌شنبه	۱۹	۵	۲۰		۲	۳۱
یکشنبه	۲۰	۷	۲۳		۱		سه‌شنبه	۲۰	۷	۲۳		۲۸		چهارشنبه	۲۰	۶	۲۱		۲	۳۲
دوشنبه	۲۱	۸	۲۴	اول المیزان	[illegible]		چهارشنبه	۲۱	۸	۲۴		۲۷		پنجشنبه	۲۱	۷	۲۲		۱	
سه‌شنبه	۲۲	۹	۲۵		[illegible]		پنجشنبه	۲۲	۹	۲۵	اول عقرب	۲۶	۲۸	جمعه	۲۲	۸	۲۳	اول قوس	۱	
چهارشنبه	۲۳	۱۰	۲۶		۵۸		جمعه	۲۳	۱۰	۲۶		۲۵		شنبه	۲۳	۹	۲۴		[illegible]	
پنجشنبه	۲۴	۱۱	۲۷	تحویل مشتری [illegible]	۵۷	۲۸	شنبه	۲۴	۱۱	۲۷		۲۴		یکشنبه	۲۴	۱۰	۲۵		[illegible]	
جمعه	۲۵	۱۲	۲۸		۵۶	۲۷	یکشنبه	۲۵	۱۲	۲۸	یوم المباهله	۲۳		دوشنبه	۲۵	۱۱	۲۶	نزول ماء اشجار	[illegible]	۳۲
شنبه	۲۶	۱۳	۲۹		۵۵		دوشنبه	۲۶	۱۳	۲۹		۲۲		سه‌شنبه	۲۶	۱۲	۲۷		۵۹	
یکشنبه	۲۷	۱۴	۳۰		۵۴		سه‌شنبه	۲۷	۱۴	۳۰		۲۱		چهارشنبه	۲۷	۱۳	۲۸		۵۸	
دوشنبه	۲۸	۱۵	۱	اکتبرماه فرانسه	۵۳	۲۷	چهارشنبه	۲۸	۱۵	۳۱		۲۰		پنجشنبه	۲۸	۱۴	۲۹		۵۸	
سه‌شنبه	۲۹	۱۶	۲		۵۱		پنجشنبه	۲۹	۱۶	۱	نوامبرماه فرانسه	۱۹	۲۹	جمعه	۲۹	۱۵	۳۰		۵۷	
چهارشنبه	۳۰	۱۷	۳		۵۰	۲۷								شنبه	۳۰	۱۶	۱	دسمبرماه فرانسه	۵۶	۳۳

ایام هفته	ایام عربی	ایام رومی	ایام فرس	صفر المظفر	نصف النهار	بین الطلوعین
یکشنبه	غره	[illegible]	[illegible]		[illegible]	[illegible]
دوشنبه	٢	[illegible]	[illegible]		[illegible]	[illegible]
سه شنبه	٣	[illegible]	[illegible]	ولادت امام محمد باقر	[illegible]	
چهارشنبه	٤	[illegible]	[illegible]		[illegible]	
پنجشنبه	٥	[illegible]	[illegible]		[illegible]	
جمعه	٦	[illegible]	[illegible]	اخراج تفضلی	[illegible]	[illegible]
شنبه	٧	[illegible]	[illegible]	ولادت امام حسن	[illegible]	[illegible]
یکشنبه	٨	[illegible]	[illegible]		[illegible]	
دوشنبه	٩	[illegible]	[illegible]		[illegible]	
سه شنبه	١٠	[illegible]	[illegible]		[illegible]	
چهارشنبه	١١	[illegible]	[illegible]		[illegible]	[illegible]
پنجشنبه	١٢	[illegible]	[illegible]	کانون الاول رکاب [illegible]	[illegible]	
جمعه	١٣	[illegible]	[illegible]			
شنبه	١٤	[illegible]	[illegible]			
یکشنبه	١٥	[illegible]	[illegible]	دی ماه جلالی	[illegible]	[illegible]
دوشنبه	١٦	[illegible]	[illegible]		[illegible]	
سه شنبه	١٧	[illegible]	[illegible]	مرداد ماه قدیم		
چهارشنبه	١٨	[illegible]	[illegible]			[illegible]
پنجشنبه	١٩	[illegible]	[illegible]	شب یلدا	[illegible]	
جمعه	٢٠	[illegible]	[illegible]	اول جدی		
شنبه	٢١	[illegible]	[illegible]			[illegible]
یکشنبه	٢٢	[illegible]	[illegible]			[illegible]
دوشنبه	٢٣	[illegible]	[illegible]			
سه شنبه	٢٤	[illegible]	[illegible]	چهارشنبه سوری	[illegible]	
چهارشنبه	٢٥	[illegible]	[illegible]			
پنجشنبه	٢٦	[illegible]	[illegible]	تحویل برج دلو		
جمعه	٢٧	[illegible]	[illegible]			
شنبه	٢٨	[illegible]	[illegible]		[illegible]	[illegible]
یکشنبه	٢٩	[illegible]	[illegible]			

ایام هفته	ایام عربی	ایام رومی	ایام فرس	ربیع الاول	نصف النهار	بین الطلوعین
دوشنبه	غره	[illegible]	[illegible]		[illegible]	[illegible]
سه شنبه	٢	[illegible]	[illegible]	ژانویه ماه فرانسه ١٨٧٤	[illegible]	
چهارشنبه	٣	[illegible]	[illegible]			
پنجشنبه	٤	[illegible]	[illegible]			[illegible]
جمعه	٥	[illegible]	[illegible]	١٢٩٢ کشف [illegible]	[illegible]	
شنبه	٦	[illegible]	[illegible]		[illegible]	[illegible]
یکشنبه	٧	[illegible]	[illegible]		[illegible]	[illegible]
دوشنبه	٨	[illegible]	[illegible]	وفات امام حسن عسکری	[illegible]	
سه شنبه	٩	[illegible]	[illegible]		[illegible]	
چهارشنبه	١٠	[illegible]	[illegible]		[illegible]	
پنجشنبه	١١	[illegible]	[illegible]		[illegible]	[illegible]
جمعه	١٢	[illegible]	[illegible]	عطارد رجعت	[illegible]	
شنبه	١٣	[illegible]	[illegible]		[illegible]	
یکشنبه	١٤	[illegible]	[illegible]	کانون الآخر [illegible]	[illegible]	
دوشنبه	١٥	[illegible]	[illegible]		[illegible]	[illegible]
سه شنبه	١٦	[illegible]	[illegible]	بهمن ماه جلالی	[illegible]	[illegible]
چهارشنبه	١٧	[illegible]	[illegible]	ولادت حضرت رسول	[illegible]	
پنجشنبه	١٨	[illegible]	[illegible]	شهریور ماه قدیم	[illegible]	
جمعه	١٩	[illegible]	[illegible]		[illegible]	
شنبه	٢٠	[illegible]	[illegible]		[illegible]	
یکشنبه	٢١	[illegible]	[illegible]		[illegible]	[illegible]
دوشنبه	٢٢	[illegible]	[illegible]	اول دلو	[illegible]	[illegible]
سه شنبه	٢٣	[illegible]	[illegible]		[illegible]	
چهارشنبه	٢٤	[illegible]	[illegible]		[illegible]	
پنجشنبه	٢٥	[illegible]	[illegible]	خلق آدم صفی	[illegible]	[illegible]
جمعه	٢٦	[illegible]	[illegible]	نحس زده	[illegible]	[illegible]
شنبه	٢٧	[illegible]	[illegible]		[illegible]	
یکشنبه	٢٨	[illegible]	[illegible]		[illegible]	
دوشنبه	٢٩	[illegible]	[illegible]		[illegible]	
سه شنبه	٣٠	[illegible]	[illegible]		[illegible]	[illegible]

ایام هفته	ایام عربی	ایام رومی	ایام فرس	ربیع الثانی	نصف النهار	بین الطلوعین
چهارشنبه	غره	[illegible]	[illegible]		ساعت ٥ ٩	[illegible]
پنجشنبه	٢	[illegible]	[illegible]	اول چله کوچک زمستان	١٠	
جمعه	٣	[illegible]	[illegible]	فوریه ماه فرانسه	١١	
شنبه	٤	[illegible]	[illegible]		١٢	[illegible]
یکشنبه	٥	[illegible]	[illegible]		١٣	[illegible]
دوشنبه	٦	[illegible]	[illegible]	نفس آتشکار	١٤	
سه شنبه	٧	[illegible]	[illegible]		١٥	
چهارشنبه	٨	[illegible]	[illegible]	اول غرس اشجار	١٦	
پنجشنبه	٩	[illegible]	[illegible]		١٧	
جمعه	١٠	[illegible]	[illegible]		١٨	[illegible]
شنبه	١١	[illegible]	[illegible]		١٩	[illegible]
یکشنبه	١٢	[illegible]	[illegible]		[illegible]	
دوشنبه	١٣	[illegible]	[illegible]		[illegible]	
سه شنبه	١٤	[illegible]	[illegible]	[illegible] فرض نماز	[illegible]	
چهارشنبه	١٥	[illegible]	[illegible]	شباط ماه رومی [illegible]	[illegible]	[illegible]
پنجشنبه	١٦	[illegible]	[illegible]	اسفند ماه جلالی	[illegible]	[illegible]
جمعه	١٧	[illegible]	[illegible]		[illegible]	
شنبه	١٨	[illegible]	[illegible]	مهر ماه قدیم	[illegible]	
یکشنبه	١٩	[illegible]	[illegible]		[illegible]	
دوشنبه	٢٠	[illegible]	[illegible]		[illegible]	[illegible]
سه شنبه	٢١	[illegible]	[illegible]	اول حوت	[illegible]	
چهارشنبه	٢٢	[illegible]	[illegible]		[illegible]	
پنجشنبه	٢٣	[illegible]	[illegible]		[illegible]	
جمعه	٢٤	[illegible]	[illegible]		[illegible]	
شنبه	٢٥	[illegible]	[illegible]		[illegible]	[illegible]
یکشنبه	٢٦	[illegible]	[illegible]		[illegible]	[illegible]
دوشنبه	٢٧	[illegible]	[illegible]		[illegible]	
سه شنبه	٢٨	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	
چهارشنبه	٢٩	[illegible]	[illegible]		[illegible]	[illegible]

ایام هفته	ایام عربی	ایام رومی	ایام فرس	جمادی الاولی	نصف النهار	بین الطلوعین
پنجشنبه	غره	١٥	٢٨		ساعت ٥ ٢٨	ساعت ١ ٢٨
جمعه	٢	١٦	٢٩		٢٩	
شنبه	٣	١٧	١	مارس ماه فرانسه	٣٠	
یکشنبه	٤	١٨	٢		٣١	
دوشنبه	٥	١٩	٣		٣٢	
سه شنبه	٦	٢٠	٤		٣٣	٢٨
چهارشنبه	٧	٢١	٥	جریان آب اشجار	٣٤	٢٧
پنجشنبه	٨	٢٢	٦		٣٥	
جمعه	٩	٢٣	٧		٣٦	
شنبه	١٠	٢٤	٨		٣٧	
یکشنبه	١١	٢٥	٩	اول برد العجوز	٣٨	٢٦
دوشنبه	١٢	٢٦	١٠		٣٩	
سه شنبه	١٣	٢٧	١١		٥٠	
چهارشنبه	١٤	٢٨	١٢		٥١	
پنجشنبه	١٥	٢٩	١٣	آذر ماه رومی مارت ماه قیصری	٥٢	٢٥
جمعه	١٦	[illegible]	١٤		٥٣	
شنبه	١٧	[illegible]	١٥	خمسه جلالی آخر برد العجوز	٥٤	
یکشنبه	١٨	[illegible]	١٦		٥٥	٢٤
دوشنبه	١٩	[illegible]	١٧	ابان ماه قدیم	٥٦	
سه شنبه	٢٠	[illegible]	١٨		٥٧	
چهارشنبه	٢١	[illegible]	١٩		ساعت ٥ ٥٨	٢٣

فهرست اسامی سلاطین قاجاریه انار الله تعالی برهانهم

السلطان فتحعلی خان	ولادت سنه ۱۰۹۷	جلوس سنه ۱۱۳۳	مدت سلطنت شش سال	رحلت سنه ۱۱۳۹	عمر چهل و دو سال	مدفن در خواجه ربیع
محمد حسن شاه	ولادت سنه ۱۱۲۷	جلوس سنه ۱۱۶۴	مدت سلطنت هشت سال	رحلت سنه ۱۱۷۲	عمر چهل و پنجسال	مدفن حضرت عبدالعظیم
حسینعلی شاه ملقب بجهانسوز شاه	ولادت سنه ۱۱۶۴	جلوس سنه ۱۱۸۴	مدت سلطنت هفت سال	رحلت سنه ۱۱۹۱	عمر بیست و هفت سال	مدفن استراباد
آقا محمد شاه مرحوم	ولادت سنه ۱۱۵۵	جلوس سنه ۱۱۹۳	مدت سلطنت هیجده سال	رحلت سنه ۱۲۱۱	عمر پنجاه و شش سال	مدفن نجف اشرف
فتحعلی شاه مبرور	ولادت سنه ۱۱۸۵	جلوس در طهران سنه ۱۲۱۲	مدت سلطنت سی و هشت سال و پنج ماه	رحلت سنه ۱۲۵۰	عمر شصت و چهار سال و چهار ماه	مدفن در قم
نایب السلطنه عباس میرزا مرحوم	ولادت سنه ۱۲۰۳			رحلت در خراسان سنه ۱۲۴۹	عمر چهل و پنجسال و شش ماه	مدفن مشهد مقدس
محمد شاه طاب ثراه	ولادت سنه ۱۲۲۲	جلوس سنه ۱۲۵۰	مدت سلطنت چهارده سال و سه ماه	رحلت سنه ۱۲۶۴	عمر چهل و یکسال و یازده ماه	مدفن در قم

سلطنت عظمی

السلطان بن السلطان بن السلطان والخاقان بن الخاقان بن الخاقان ناصر الدین شاه صاحبقران بن محمد شاه بن ولیعهد عباس میرزا بن خاقان فتحعلی شاه بن حسینقلی شاه بن سلطان محمد حسن شاه بن سلطان فتحعلیخان بن امیر شاه قلیخان بن محمد ولیخان بن مهدیخان بن محمد قلیخان قاجار خلد الله ملکه و دولته

تولد همایون

شب سه شنبه ششم صفر المظفر سنه یکهزار و دویست و چهل و هفت من الهجره المقدسه النبویه

جلوس همایون بر تخت سلطنت

روز یکشنبه هیجدهم شهر شوال المکرم سنه یکهزار و دویست و شصت و چهار در دار السلطنه تبریز

جلوس مبارک بر تختگاه سلطنت در دار الخلافه ناصری

در شب شنبه بیست و دویم شهر ذیقعده الحرام سنه هزار و دویست و شصت و چهار که الحال سی و شش سال تمام است بالاستقلال مع الشوکه والعظمه والاجلال سلطنت و جهانبانی میفرمایند

ابناء سلطنت

نواب اشرف والا شاهنشاهزاده اعظم ولیعهد جاوید دولت مهد مظفر الدین میرزا ادام الله اقباله العالی

تولد روز جمعه چهاردهم شهر جمادی الثانیه سنه یکهزار و دویست و شصت و نه من الهجره المقدسه

نواب اشرف والا ظل السلطان دولت علیه سلطان مسعود میرزا ادام الله اقباله العالی

تولد یوم سه شنبه شهر صفر المظفر سنه یکهزار و دویست و شصت و شش من الهجره

نواب اشرف والا نایب السلطنه امیر کبیر وزیر جنگ دولت علیه کامران میرزا ادام الله اقباله العالی

تولد روز نوزدهم شهر ذیقعده الحرام سنه یکهزار و دویست و هفتاد و دو من الهجره

نواب اشرف والا نصره الدین میرزا تولد روز شنبه سیزدهم جمادی الثانیه سنه ۱۲۹۹

نواده های سلطنت

اولاد نواب اشرف والا ولیعهد

نواب والا اعتضاد السلطنه محمد علی میرزا

تولد یوم چهاردهم ربیع الثانی سنه ۱۲۸۹

نواب والا املک منصور میرزا

نواب والا ابو الفتح میرزا

اولاد نواب اشرف والا ظل السلطان

نواب والا اجلال الدوله سلطان حسین میرزا تولد در سنه ۱۲۹۵

نواب والا اسلطان محمود میرزا تولد در سنه ۱۲۹۹

اولاد جلال الدوله مرحوم

نواب والا امهد یقلی میرزا

بنات سلطنت

نواب علیه عالیه فخر الملوک تولد در سنه ۱۲۶۳

نواب علیه عالیه عصمه الدوله تولد در سنه ۱۲۷۲

نواب علیه عالیه افسر الدوله تولد در سنه ۱۲۷۵

نواب علیه عالیه والیه تولد در سنه ۱۲۷۵

نواب علیه عالیه ضیاء السلطنه تولد در سنه ۱۲۷۲

نواب علیه عالیه افتخار الدوله تولد در سنه ۱۲۷۳

نواب علیه عالیه فخر الدوله تولد در سنه ۱۲۷۸

نواب علیه عالیه فروغ الدوله تولد در سنه ۱۲۷۹

نواب علیه عالیه ایران الملوک تولد در سنه ۱۲۹۸

نواب علیه عالیه اختر الدوله تولد در سنه ۱۲۹۸

اخوان سلطنت

نواب والا عباس میرزا ملک آرا   نواب والا اعز الدوله عبد الصمد میرزا   نواب والا رکن الدوله محمد تقی میرزا

اخوات سلطنت

نواب علیه عالیه عزه الدوله   نواب علیه عزیز الدوله

نواب علیه عفت الدوله

اعمام سلطنت

نواب والاجمن میرزا نواب والا حاجی معتمد الدوله فرهاد میرزا نواب والا معین الدوله احمد میرزا نواب والا فرمانفرما فیروز میرزا

اولاد خاقان مغفور

نواب محمد امین میرزا نواب عضد الدوله سلطان احمد میرزا نواب محمد هادی میرزا نواب امان الله میرزا نواب جهانسوز میرزا امیر تومان نواب نیر الدوله پرویز میرزا

سایر میرزادکان کرام

نواب حاجی سیف الدوله میرزا ولد مرحوم ظل السلطان نواب احتشام الدوله سلطان اویس میرزا نواب حشمة السلطنه بدیع الملک میرزا نواب مؤید الدوله ابوالفتح میرزا نواب ناصر الدوله سلطان عبدالمجید میرزا نواب حشمة الدوله عبدالله میرزا نواب حاجی بهاء الدوله ساسان میرزا نواب عمید الدوله کیومرث میرزا نواب احتشام السلطنه ابراهیم میرزا نواب معز الدوله اسمعیل میرزا نواب شعاع السلطنه ذبیح الله میرزا نواب حاجی حسام السلطنه ابوالنصر میرزا ضیاء الدوله انوشیروان میرزا سهام الملک مهدیقلی میرزا شعاع الدوله حاجی سلیمان میرزا سیف الدوله سلطان محمد میرزا ژنرال اجودان مخصوص حضور مبارک سیف الملک وجیه الله میرزا احتشام الملک عبدالعلی میرزا نصرة الدوله عبدالحسین میرزا سلطانحسین میرزا ولد نیر الدوله ابراهیم میرزا ولد مرحوم معز الدوله اسحق میرزا ولد مرحوم معز الدوله محمد حسین میرزا ولد مرحوم محسن میرزا امیرآخور مرتضی قلی میرزا ولد مرحوم عماد الدوله سلطان محمد میرزا ولد مرحوم ایضا سلطان ابراهیم میرزا ولد مرحوم ایضا باقر میرزا ولد مرحوم معز الدوله فضل الله میرزا ولد مرحوم ایضا محمد کاظم میرزا ولد ایضا محمد جعفر میرزا ولد ایضا قربانعلی میرزا ولد ایضا محمد صادق میرزا ولد ایضا حاجی محمد عبدالحسین طاهر میرزا اکبر میرزا حاجی فریدون میرزا محمد حسن میرزا پیشخدمت ولد مرحوم اعتضاد السلطنه محمد حسن میرزا ولد مرحوم اسدالله میرزا حاجی محمد حسین میرزا ولد مرحوم جهانگیر میرزا حاجی مسعود میرزا ولد مرحوم ایضا محمد علی میرزا ولد مرحوم خسرو میرزا نور الدهر میرزا سام میرزا شمس الشعرا کامران میرزا لطفعلیخان پسر مرحوم مؤید الدوله حاجی محمد مهدی میرزا ولد مرحوم ایضا محمد کریم میرزا ولد مرحوم ایضا محمد باقر میرزا داراب میرزا ولد مرحوم ضیاء الدوله احمد میرزا عالمشاه میرزا سلطان محمود میرزا ولد نواب بهمن میرزا محمد علی میرزا ولد ایضا نصرالله میرزا پسر حاجی سیف الدوله میرزا اسدالله میرزا محمد صادق میرزا حاجی نصرالله میرزا امیرآخور حضرت نایب السلطنه جمشید میرزا ولد مرحوم بهاء الدوله بشا مراد میرزا ولد مرحوم حاجی عباسقلی میرزا حاجی محمد میرزا

خوانین والاشان قاجار و غیرهم با لجانی کریم

جناب جلالتمآب عضد الملک وزیر حضور همایون خوانسالار وخازن مهر مهر آثار عمدة الامراء العظام میرزا محمد خان ولد جناب عضد الملک میرزا حبیب الله خان مجد الاشراف لشکر نویس قاجار

امرا و رؤسا

طایفه قوانلو

امیرزادکان وغیره که در جزو طایفه و خوانین قاجار منظور و اند

ادریس میرزا محمد شریف میرزا سرتیپ محمد علی میرزا ولد مرحوم مؤید الدوله محمد صادق میرزا حبیب الله میرزا احمد میرزا شاهرخ میرزا اکبر میرزا محمد حسین میرزا عبدالرحیم میرزا حاجی سیف الله میرزا محمد یوسف میرزا محمد رضی خان حیدر خان محمد تقیخان حسنخان اکبرخان محمود خان محمد ابراهیمخان عباسخان علیخان

بنی اعمام

محمد رحیمخان رئیس و سرتیپ غلامحسینخان حاجی شکرالله
خان میرزا اسمعیلخان محمد ابراهیمخان

حاجی مهدیقلیخانی

حسینقلیخان سرتیپ نجفقلیخان رئیس و سرتیپ نجف
قلیخان ولد مرحوم حاجی مهرعلیخان حیدرقلیخان قاضی
علیخان سرهنگ محمدقلیخان محمد ناصرخان

قزل اباغ

محمدحسینخان رئیس و سرتیپ نورالله خان نصرالله خان
رفیعخان غلامحسینخان احمدخان محمدصادقخان احمدخان

طایفهٔ دولو

حاجی محمدحسینخان رئیس و سرتیپ حاجی محمدتقیخان سرتیپ
حاجی قلیخان حاجی حسینعلیخان محمدعلیخان محمدصادقخان

طایفهٔ عزالدینلو

آقاخان رئیس و سرتیپ محمدجعفرخان محمدولیخان محمد
قاسمخان حبیب الله خان محمدتقیخان محمدرضاخان

طایفهٔ شامبیاتی

حاجی محمدرحیمخان رئیس و سرتیپ محمدحسینخان محمدقاسمخان
اللهویردیخان امامقلیخان محمدحسنخان محسنخان
محمودخان

طایفهٔ سپانلو

حاجی مشهدی

محمدتقیخان رئیس و سرهنگ محمدرحیمخان اسدالله خان
حسینقلیخان محمدطاهرخان میرزا باقرخان علیخان

شاه بوداغلو

محمودخان سرهنگ و رئیس حاجی محمدزمانخان
علیمحمدخان احمدخان اسمعیلخان

طایفهٔ قیاخلو و غیره

محمدصادقخان سرهنگ و رئیس محمدرضاخان
محمدقلیخان سرهنگ و رئیس خربندهلو بهرامخان سرهنگ
و رئیس خربندهلو محمدخان سرهنگ و رئیس کرهلو

سایر

بیاولان و غیره

میرزا سید یوسف سررشته دار فرج الله خان یاور
و محمد تحویلدار امیرخان بیاولباشی و یاور سایر
بیاولان پنجنفر

سایر خوانین

دویست و پنجاه و شش نفر

ادارهٔ دولت

ارکان و اعضاء فخام مجلس دربار اعظم و دار الشورای کبرای دولتی از شاهنشاهزادگان عظام و شاهزادگان و وزرای کرام و غیرهم

نواب اشرف والا ظل السلطان فرمانفرمای ممالک و ایالات فارس و اصفهان و یزد و عربستان و لرستان و عراق و کرمانشاهان و کردستان و غیرها ادام الله اقباله العالی	نواب اشرف والا امیر کبیر نایب السلطنه وزیر جنگ و حکمران دار الخلافه طهران و گیلان و مازندران و استرآباد و غیرها ادام الله اقباله العالی	جناب اجل آقا وزیر اعظم داخله و مالیه	نواب والا حاجی معتمد الدوله	نواب والا فرمانفرما
جناب جلالتمآب وزیر امور خارجه مؤتمن الملک	جناب مشیر الدوله وزیر عدلیه اعظم	جناب عضد الملک وزیر حضور همایون و خوانسالار و خازن مهر آثار و ایلخانی ایل جلیل قاجار	جناب نظام الملک وزیر لشکر	جناب امین الدوله مدیر دار الشورای کبری و وزیر وظایف اوقاف و غیره
جناب امین السلطان وزیر دربار اعظم و خزانه عامره و گمرک	جناب نصیر الدوله وزیر تجارت و فلاحت	جناب وزیر دفتر میرزا هدایت الله	جناب مخبر الدوله وزیر علوم معادن و غیره	نواب امامقلی میرزا ایلخانی
جناب صاحبدیوان مامور مملکت فارس	جناب ناصر الملک مامور حکومت کرمانشاهان	جناب قوام الدوله وزیر رسایل	جناب امین لشکر وزیر فواید	جناب صنیع الدوله وزیر انطباعات و دار الترجمه دولتی
جناب میرزا علی قایم مقام	جناب حاجی میرزا عباسقلی	میرزا ابو الحسنخان وزیر مرحوم قایم مقام		

میرزا هاشمخان مستوفی اسرار نگار مجلس دربار اعظم

وزارت جلیلهٔ جنگ

نواب اشرف والا امیرکبیر نایب السلطنه وزیر جنگ و رئیس کل قشون ظفر نمون از توپخانه و قورخانه و زنبورکخانه و افواج قاهره و سواره و پیاده نظام و خارج نظام

جناب جلالت مآب نظام الملک وزیر لشکر و رئیس دفتر لشکر

امیر الامرا العظام اللهیار خان امیر تومان آجودانباشی کل

ارباب قلم دفتر لشکر ملتزمین رکاب مبارک و غیره

لشکر نویسان

معتمد السلطان میرزا عبدالوهابخان لشکرنویس باشی و نایب وزارت جلیلهٔ لشکر حاجی میرزا شفیع میرزا یوسف میرزا محمدتقی وکیل لشکر میرزا سید محمد مستوفی نظام میرزا علی ولد مرحوم حکیمباشی میرزا زین العابدین میرزا علی داماد معین الملک میرزا حبیب الله میرزا علی ولد جناب وزیر دفتر میرزا علی ولد مرحوم میرزا موسی وزیر لشکر میرزا ذبیل میرزا محمدعلی توپخانه میرزا محمدعلی میرزا رفیعخان میرزا محسن لشکرنویس حاجی میرزا اشرف حسینم میرزا عبدالحمید میرزا مهدی نوری میرزا ابوالقاسم میرزا عبدالله خان میرزا حبیب الله خان مجدالاشراف میرزا حسینعلی میرزا اشرف میرزا تقیخان لشکرنویس میرزا حسینعلی کروسی میرزا رضا میرزا محمدقلی میرزا حسنخان ولد مرحوم وکیل لشکر میرزا نصرالله ولد میرزا اسمعیل لشکرنویس میرزا مقیم میرزا علی اصغر میرزا عبدالحسین میرزا حبیب الله نوری میرزا ابوالقاسم تفرشی میرزا اسدالله میرزا مهدی میرزا محمدحسین مازندرانی میرزا سید تقی تفرشی میرزا علینقی کردستانی

سررشته داران دفتر لشکر و غیره

دفتر لشکر از نایب سررشته داران و محررین

میرزا ابوالقاسم میرزا نبی میرزا حسین میرزا سید محمدعلی میرزا امامقلی میرزا آقا مامور خمسه میرزا احمد میرزا احمد ایضا میرزا سید ابراهیم میرزا شفیع [میرزا هادی میرزا اسمعیل کتابچه نویس میرزا محمدعلی نوری] میرزا ابوتراب میرزا عبدالکریم میرزا علینقی میرزا بزرگ میرزا عنایت میرزا اسحق میرزا صادق

میرزا ابوالقاسم میرزا حسنخان میرزا هدایت طهرانی میرزا هدایت روزنامه نویس میرزا سید حسین میرزا زمان کردستانی میرزا اسمعیل میرزا جعفر نوری میرزا حسن تفرشی میرزا حسنخان ولد میرزا ذبیل لشکرنویس میرزا عبدالحسین میرزا سید احمد میرزا محمد میرزا سید محمدعلی میرزا شفیع محرر میرزا اسمعیل علی آبادی میرزا رجب ایضا حاجی میرزا محمد میرزا سید یوسف حاجی میرزا کاظم میرزا ابراهیم محرر میرزا عبدالحسین

سررشته داران توپخانه و قورخانه

توپخانه و اصطبل

میرزا محمدعلی علوی میرزا اسدالله میرزا علی اکبر سررشته دار اصطبل میرزا نصرالله میرزا اسمعیل میرزا عباس سررشته دار

قورخانه

میرزا ولیقلی لشکرنویس میرزا رضاقلی میرزا اسدالله میرزا آقا میرزا نصرالله پسر مرحوم میرزا شکرالله لشکرنویس میرزا حسن میرزا آقاجان میرزا اشرف

زنبورکخانه

میرزا هادی سررشته دار

مهاجر

میرزا لطفعلی سررشته دار

مخزن

میرزا سید حسن سررشته دار

منشیان

میرزا محمدخان منشی باشی مخصوص میرزا کلبعلی میرزا عبدالکریم میرزا ابوالحسن میرزا عبدالرحیم میرزا داود میرزا عبدالحسین میرزا محمدعلی نزد جناب

صاحب دیوان میرزا علیخان میرزا احمد میرزا محمود
میرزا علیرضا

عزب باشی و عزبان دفتر لشکر

میرزا محمد علی عزب باشی میرزا علی اکبر میرزا اسمعیل
میرزا اسمعیل ایضا میرزا جعفر میرزا حسن ایضا
میرزا جعفر میرزا حسین

مامورین ولایات

آذربایجان

لشکرنویسان

میرزا محمودخان میرزا محمد تقی لشکرنویس باشی آذربایجان
میرزا غلامعلی ناظم لشکر میرزا سید مرتضی میرزا علی
آشتیانی حاجی میرزا کاظمخان میرزا علی رضا میرزا
علی اشرف حاجی میرزا محسن میرزا احمد میرزا محمد
میرزا احمد آشتیانی حاجی میرزا ابوالحسن لشکرنویس

سررشته داران

میرزا رحیم میرزا عبدالعلی میرزا علی میرزا قربانعلی
میرزا محمد میرزا ابراهیم لشکر حاجی میرزا یوسف میرزا حسین
میرزا تقی میرزا اسکندر

میشان

میرزا محمدخان میرزا سید رضا میرزا احمد میرزا اسمعیل

خراسان

ارض اقدس

میرزا اسمعیل لشکرنویس باشی خراسان

سررشته داران

میرزا یوسف میرزا رضا

فارس

میرزا لطفعلیخان لشکرنویس باشی فارس میرزا مصطفی
لشکرنویس

اصفهان

میرزا محمد علی لشکرنویس میرزا محمد سررشته دار

سمنان و دامغان

میرزا طاهر سررشته دار دفتر لشکر

عراق

میرزا سید باقر سررشته دار دفتر لشکر

مازندران

میرزا فرج الله خان لشکرنویس

استرآباد

میرزا غلامحسین لشکرنویس

کرمان

میرزا محمد علی لشکرنویس میرزا عبدالله سررشته دار

کرمانشاهان

میرزا سید علی لشکرنویس

همدان

میرزا محمد لشکرنویس

اطبا و جراحان نظام

عالیجناب میرزا سید رضی حکیمباشی عالیجناب میرزا سید محمد
حکیمباشی توپخانه عالیجناب میرزا سید علی نایب حکیمباشی
میرزا رضاقلی جراح باشی اطبا و جراحان حاضر رکاب و
مامورین ولایات شصت و پنج نفر

صاحبمنصبان

امراء تومان

نواب جهانسوز میرزا نواب ناصرالدوله جناب ناصر
الملک جناب حسنعلیخان سالار لشکر جناب حاجی
محسنخان معین الملک سفیر کبیر و وزیر مختار مقیم اسلامبول
امیرالامراء العظام مصطفی خان امیرالامراء العظام سلیمان
خان صاحب اختیار امیرالامراء العظام صارم الدوله
امیرالامراء العظام ساعدالدوله عمدة الامراء العظام
میرعلیخان حشمة الملک

سرتیپان اول

سوای آنهائیکه جزو افواج و سواره نوشته شده اند
احتشام الدوله انوشیروان میرزا ضیاء الدوله

نصر الله خان نصیر الملک
حاجی محمد... الملک

وجیه الله میرزا سیف الملک حاجی بهاء الدوله حشمة السلطنه
حشمة الدوله سلطان محمد میرزا سیف الدوله ژنرال الحضور
همایون شهاب الدوله جناب اعتضاد الملک سهام الدوله
عبد الحسینخان فخر الملک ساری اصلان جناب محمد خان
والی مصطفی قلیخان نجهان بیکلو علیخان مشیر الوزاره
شجاع السلطنه میرزا علیخان ولد مرحوم صدر اعظم
شجاع الملک میرزا یوسفخان مستشار الدوله حسینعلی
خان افشار برادر ساری اصلان جناب نریمانخان وزیر
مختار مقیم وینه حاجی عطاء الله خان محمد حسینخان
فراشباشی نواب اشرف والا نایب السلطنه جمشیدخان

سرتیپان دویم

سوای آنهائیکه جزو افواج و سواره نوشته شده اند
عبد العلی میرزا نایب الایاله حشمة الملک عالمشاه میرزا سلطان محمود میرزا
ولد نواب والا بهمن میرزا میرزا عبد الله خان مستشار الوزاره
خارجه محمد علی میرزا حسینقلیخان والی پشتکوه حاجی
آغا جوهر معتمد الحرم عبد الله خان ولد مرحوم اعتماد السلطنه

سرتیپان سیم

سوای آنهائیکه در جزو افواج سواره نوشته شده اند
داراب میرزا سلیمان میرزا کامران میرزا مرتضی قلی میرزا ژنرال اجودان
حضور همایون محمد علیخان اردلباشی نواب اشرف والا نایب السلطنه
حسینقلیخان سرتیپ سابق خواجه وند مهدیقلیخان دنبلی حاجی
هادیخان جهان بیکلو عباسقلیخان سرتیپ و مترجم محمد علیخان
نظمیه محمد علیخان ژنرال اجودان مخصوص عزیز الله میرزا
ابوطالبخان علینقی خان سرتیپ خارج از فوج ابلات خانبابا
خان پسر صاحب اختیار میرزا اکبرخان فیروزکوهی محمد صادق
خان قراباغی میرزا علیخان افشار علیخان کروه حیدرقلیخان
هراتی عباسقلیخان ایضا عباسقلیخان پشتکوهی محمد کاظم
خان پسر شهاب الدوله قاسمخان مراغه مهدی خان قاجار
حاجی اسمعیل پاشاخان ماکوئی باقرخان افشار سیف الله
خان لاریجانی میرزا نصر الله خان مهندس محمودخان کیلانی
محمد میرزا علیرضاخان ژنرال اجودان

شعاع الدوله

سرهنگان خارج از فوج

۷
حاجی محمد علیخان زند آقا سید میرزای کاشانی
ابوتراب میرزا موسی خان نواده مستشار الدوله
محمد تقیخان محمودخان سرهنگ سابق فوج حشمة
جمشیدخان پسر حاجی اردشیرخان نجفقلیخان قزوینی
محمد حسینخان ولد امیر تومان باباخان کرجی میرزا
آقای کاشانی حسینخان پسر اجودانباشی میرزا محمد خان
پسر مرحوم صدر اعظم حاجی علیخان ولد مرحوم اکبرخان سرتیپ
حیدرخان پسر حاجی سعد الدوله میرزا یزدکخان پسر
میرزا علی قایم مقام میرزا غلامعلیخان پسر میرزا محمود وزیر
محمد حسینخان ولد محمد خان امیر تومان علیخان ولد مرحوم
نظام الدوله کلبعلیخان نواده مرحوم نظام الدوله
محمد آقا ولد مرحوم حاجی بیژن خان کریمخان خدابنده لوئی
حاجی محمد حسینخان زند آغا حسن خواجه آقا محمد خان
غلامرضاخان ولد مرحوم زین العابدین خان رحمة الله
خان شقاقی محمودخان کرکری علیقلیخان جوانشیر
علیقلیخان شقاقی حسنخان ولد شیخعلیخان آقاخان
ماکوئی حاجی فضلعلیخان عبد الله خان شیروانی
کاظمخان شقاقی اسد الله خان ماکوئی علینقیخان
علی اکبرخان برادر مشار الیه زین العابدین خان
احمدخان جعفرخان سرهنگ سابق فوج تختهٔ قاپو
ابوالحسنخان محمدخان یزدی امان الله خان ولد ابراهیم آقای
ماکوئی فرج الله خان ایضا حسینقلیخان سرهنگ سابق
فوج پنجم شقاقی مهدیخان افشار عبد العلیخان
حسنعلیخان هراتی حسینعلیخان ولد مرحوم فضلعلیخان
ابراهیمخان لاریجانی خانباباخان لاریجانی حسنخان
افشار اسدآبادی رضاخان کودرزی پاشاخان خمسه
محمد حسنخان دوبرن علیقلیخان کروه آقاجانخان
علینقیخان کروسی غلامرضاخان مافی علیقلیخان
ولد مرحوم حاجی بهاء الملک حسینقلیخان ولد ایضا
مرتضی قلیخان ولد ایضا جعفرقلیخان سلیمانخان

سرهنگان خارج از فوج
۷
کلبعلی رضاخان ولد مرحوم امیر نظام
عبد العلیخان ولد مرحوم ایضا
علی اکبرخان تنکابنی مرتضی قلیخان
سمنانی نصر الله خان دماوندی
آقاخان خلف مرحوم سلیمانخان
امیر تومان میرزا سید علی اصغر
حسینعلی میرزا

اسدالله خان پسر مرحوم حاجی سعد الدوله بیوکخان ولد مرحوم
محمدخان امیر تومان فتح الله خان قراگوزلو حسنخان
نوادهٔ جناب صاحبدیوان

نایبان اجودانباشی

جلال الدین میرزا مصطفی خان قاجار علیرضا میرزا
قزل ارسلان میرزا احمد میرزا خلف مرحوم تیمور میرزا احمد میرزا
خلف مرحوم کیقباد میرزا ارسلان میرزا امیراصلان میرزا
سلطانمجید میرزا میرزا بزرگخان اسدالله خان مصطفی
قلیخان خلف مرحوم منوچهرخان نصیرخان قزوینی میرزا علی
اسدالله خان دنبلی حسینقلیخان افشار ناصرقلیخان
حسنخان افشار میرزا یوسفخان میرزا مسعودخان قره‌گزلو
حسینخان نوری میرزا فضل الله خان مجیدخان کردستانی
یوسفخان شقاقی میرزا اسدالله خان غلامحسینخان
رحمت الله خان نوادهٔ مرحوم سیف الملک رستمخان گرجی
سلطان احمد میرزا علی اکبرخان نوادهٔ مرحوم فضلعلیخان
حاجی شکرالله خان شقاقی محمدحسینخان پسر جمشیدخان
تیمورخان هادیخان زرندی حسینخان خلف مرحوم
جارچی‌باشی میرزا عبدالله خان نایینی کیان میرزا
یوسفخان محمدآقا مصطفی قلیخان ولد مرحوم مصباح الدوله
باقرخان نواده حاجی محمدعلیخان محمدعلیخان نوادهٔ مرحوم
رضاقلیخان ایشیک‌آقاسی‌باشی حسنخان ولد نصرالله
خان سرتیپ بیوکخان محمدعلیخان ولد امیرالامراء
غلامرضاخان یزدی قهرمانخان سیدحسنخان
فیروزکوهی سیدحسینخان ایضا حسنخان ولد مرحوم
علیقلیخان میرزا عیسی خان ولد مرحوم عبدالرسولخان
خانبابا خان خلف مرحوم حاجی سعدالدوله محمدصادق
خان قراباغی بیوکخان افشار مهدیخان ایضا
محمدعلیخان ولد هاشمخان سیف الله خان ولد ایضا
میرزا احمدخان ولد مرحوم حاجی شجاع الملک نجفقلیخان
عبدالعلیخان افشار جلال الدین میرزا ولد مرحوم عماد
الدوله میرزا حسنخان امیرخان محمدخان قاجار

آقالرخان پسر جبرئیلخان مسیحی علی اکبرخان ولد مرحوم
حاجی محمدعلیخان سرهنگ اسکندرخان رحمت الله خان
حسینخان ولد شکرالله خان علی بیک افشار محمدعلیخان
ولد عین نورخان پسر آبوالفتح خان ولد حیدر علیخان
محمودآقای مامور خراسان اسمعیلخان بسطامی مرتضی
قلیخان کرد رحمت الله خان برادر مرحوم دبیرالملک
مصطفی قلیخان قاجار محمدعلیخان کرندی غلام
حسینخان ولد محمد علیخان سقزی قاسمخان ملایری
محمدحسینخان علیخان یارمحمدخان میرزا حسینخان
ولد مرحوم میرزا زکی غلامحسین میرزا اسدالله خان
تفرشی صادقخان منسوب مرحوم وکیل الملک تقی خان
کرمانی حاجی حبیب الله خان کرمانشاهانی عباسقلیخان
حسین آقا مامور آذربایجان حسن آقا ولد
علی بیک افشار

یاوران خارج از فوج

مرتضی قلیخان یوسفخان حسن رضاخان کرمانی اسکندر
خان پسر جبرئیلخان قهرمان بیک احمدخان ولد علیرضا
خان حسین بیک ولد ایضا علی اکبرخان یاور سابق فوج
طهران رضاقلیخان باعیشه حسین بیک قراباغی
حسینخان مرندی محسن بیک کرکری اسمعیلخان بادکوبه
علیخان مرندی عباس آقا ولد مرحوم بهاءالدین آقا جعفر
بیک مرندی محمد یوسفخان هراتی عزیز محمدخان ایضا
جعفرقلیخان هراتی محمدخان نصرالله خان قومی
رجبخان کودری حسینقلیخان خمسه شکرالله خان
ایضا عبدالغفارخان قزوینی اسمعیلخان ولد
مرحوم محمدخان امیرتومان عباسعلی بیک خلف مرحوم جعفرقلی
بیک لطفعلیخان اسمعیلخان

معلمین

معلمین ایرانی

عبدالحسین میرزا محمدآقای جدیدالاسلام کریمخان
میرزا عبدالوهاب علیخان قاجار محمدعلیخان مصطفی بیک

عبد

میرزا شکرالله میرزا محمد علی

معلمین فرنگی

معلمین قدیم

مسیو ژیلبر سرتیپ اول اندریخ صاحب مسیو لمرمونیکا پنجباشی

مسیو اسٹے مسیو انجیلطا الباشی

معلمین که تازه آمده اند

صاحب منصب

مسیو اسمیلاتز سلطان سواره نظام مسیو بروشنیک سلطان توپخانه مسیو کارنیبار سلطان پیاده نظام مسیو دود ل نایب اول شاسر

سوز افیسیه

دکومیکی سواره کرلر توپچی پریبی شاسر پارتنسیز شاسر منت پیاده نظام

مهندسین و مترجمین

مهندسین

احمدخان قاجار محمد حسن میرزا حاجی محمد میرزا

مترجمین

عباسقلیخان سرتیپ مترجم میرزا محمد علی

توپخانهٔ مبارکه

سرتیپان

اللهویردیخان سرتیپ اول آقا رضاخان ژنرال اجودان مخصوص حضور همایون مدیر ادارهٔ کل توپها و قنبهها و خمپارهها و لوازم آن حاجی غلامرضاخان شهاب الملک حاجی غلام حسینخان سرتیپ اول میرزا اسمعیل خان اجودانباشی توپخانه صفرعلیخان سرتیپ بهارلو حاجی شکورخان سرتیپ فوج دوم تبریزی اردبیلی جلیل خان سرتیپ فوج هفتم شقاقی میرزا فتح الله خان سرتیپ فوج هشتم خلخالی محمد صادقخان امین نظام سرتیپ فوج مخبران مقدم حاجی عبدالحسینخان سرتیپ اصلانخان سرتیپ علیرضاخان سرتیپ فوج سیم کروسی ذوالفقارخان سرتیپ عسکرخان شقاقی

سرهنگان

محمد تقیخان سرهنگ فوج بهادران بهارلو حاجی محمد تقیخان سرهنگ فوج بهادران بهارلو صادقخان سرهنگ فوج بهادران افشار عبدالرحیمخان سرهنگ فوج اول افشار محمدرضاخان سرهنگ فوج چهارم مرندی محمودخان سرهنگ فوج پنجم خوئی بیوکخان سرهنگ فوج مخبران مقدم میرزا زین العابدینخان اردبیلی حاجی باقرخان سرهنگ افشار بکشلو میرزا محمدخان سرهنگ کرمانشاهانی حسینقلیخان سرهنگ ایضا میرزا ابراهیمخان ولد مرحوم اجودانباشی مصطفی قلیخان رستمخان سرهنگ سیلاخوری میرزا محمدخان پسر ملک الاطباء میرزا رحیمخان سرهنگ تبریزی میرزا صالح خان سرهنگ محمد علیخان سرهنگ حسینخان سرهنگ نهاوندی فتح الله خان طالش

نایبان اجودانباشی

احمدخان میرزا نجاب الله ایضا بیوکخان نایب دویم اجودانباشی حسنعلیخان نایب سیم اجودانباشی میرزا حسینخان

یاوران اول

محمد صادقخان جزو قراولان انبار حبیب الله خان ایضا اسدالله میرزا یاور فوج اورونقی حیدرقلیخان اورونقی حاجی خضرقلیخان ملک فرج الله خان طالش سلیمانخان مقدم صادقخان قزوینی غلامحسینخان قزوینی عبدالباقیخان ایضا مظفرخان کروسی فرج الله خان کرمانشاهانی ابوالقاسمخان تبریزی جزو قراولان انبار محمد علیمیرزا رضاخان فرج الله خان شیرازی حسینخان بهارلو هاشمخان بهارلو محمدعلیخان افشار سید ولی بیک مرندی

یاوران دویم

حسینخان اورونقی حسین بیک خوئی بیوکخان شقاقی صادقخان مقدم عبدالله خان کروسی غلامحسینخان بهارلو عبدالله خان شقاقی شریفخان خمسه عباس

میرزای

میرزای بسطامی جهانشاه میرزای سیلاخوری ابوالفتح خان ایضا حاجی فرج بیک خرقانی محمد آقا ایضا میرزا رضاقلی جزو قراولان انبار حاجی میرزا فرج تبریزی جزو قراولان انبار نادر میرزا جزو قراولان انبار محمد طاهر میرزا ایضا آقا غلامحسین جزو قراولان انبار آقا بیک اردونقی جزو قراولان انبار میرزا حسینخان جهانگیرخان فیجلی خان خوئی علی عسکر آقا بیک ایلک میرزا حسینخان قزوینی ذوالفقارخان همدانی برزوخان همدانی حسن رضاخان کرمانی میرزا مهدیخان

اداره اصطبل توپخانه

بریاست محمد حسینخان پیشخدمت مخصوص حضور همایون

حاضر رکاب

محمد حسینخان رئیس اصطبل میرزا علی اکبر سر رشته دار کل و برات نویس میرزا محمود مشرف حاجی قربانعلی نایب اول نایب دویم دو نفر اخته چی دو نفر نعلبند باشی و نعلبند شش نفر

ولایات

خمسه

نایب اول سه نفر نایب دویم چهارده نفر

ملایر وغیره

میراخور و نایب اول دو نفر نایب دویم چهار نفر

نهاوند

نایب اول دو نفر نایب دویم سه نفر

عراق

افراسیابخان میراخور نایب دویم چهار نفر

ساوه

نایب اول نفر نایب دویم دو نفر

آذربایجان

محمد حسینخان میراخور نایب اول نفر نایب دویم سه نفر

خراسان و فارس و سیستان

علیسی خان میراخور نایب دویم سه نفر

اصفهان

نایب اول نفر نایب دویم نفر

استراباد

نایب دویم نفر

بسطام

نایب اول نفر

خرم آباد

نایب دویم نفر

عربستان

نایب دویم نفر

کرمانشاهان

عبدالعظیم بیک نایب اول

کرمان

نایب دویم نفر

یزد

نایب دویم نفر

فارس

مشرف نفر نایب دو نفر

کردستان

نایب دویم نفر

اداره کل توپها و قورخانه و قپچاقخانه ها و لوازم آن

بریاست آقا رضاخان ژنرال اجودان مخصوص حضور همایون سیصد و بیست و چهار نفر

حاضر رکاب

از صاحبمنصبان و توپچیان و تحویلداران و قراولان و اصناف توپخانه و غیره

حاجی باقرخان سرهنگ با فوج افشار بکشلو محمد علیخان سرهنگ محمد علیمیرزا یاور اول سیف الدین میرزا سلطان میرزا محمد علی علوی سررشته دار میرزا سید نقی ایضا میرزا علیخان نایب نایب نفر بیکزاده نفر

وکیل و سرجوقه سه نفر مباشر نفر

سایر

اجزاء کارخانجات توپخانه

آقا غلامحسین رئیس کارخانجات میرزا عبدالله نویسنده

میرزا عوض بیلدار نجارباشی حدادباشی و غیره پنج نفر توپچی

افشار بکشلو و سرایداران انبارها و اصناف و غیرهم دویست

و هیجده نفر

مامورین

بجهة عوض بیلدار توپخانه های سرحدات و ولایات هشتاد و شش

نفر

آذربایجان هفت نفر

شهر تبریز

حسینخان یاور

خوی و ارومی

واردبیل و ساوجبلاغ و لاهیجان و نطنز شش نفر

سایر ولایات هفتاد و دو نفر

اصفهان

میرزا مهدیخان یاور

شیراز

بندر بوشهر

عربستان

عباسقلی سلطان

کرمان

عبدالعلیخان سلطان

خراسان سرحدات

میرزا هاشم سررشته دار

قاین و سیستان

فریدون بیک نایب اول

کرمانشاهان

میرزا آقا سررشته دار

کردستان

لطف الله سلطان

استراباد

میرزا محمد علی اجودان سلطان

بسطام

علی کرم بیک وکیل

میان کاله

عباس میرزا یاور

بروجرد

هادیخان نایب

لرستان

محمود بیک وکیل

یزد

محمد بیک وکیل

انزلی و رشت

زنجان

اسمعیل بیک سرجوقه

سایر

از توپچیان و غیرهم که همراه صاحبمنصبان و مخصوص توپخانهای

توپها هستند بیست نفر

قورخانه مبارکه

جناب جهانگیرخان وزیر صنایع و رئیس قورخانه مبارکه

سرهنگان

زین العابدین خان سرهنگ غلامحسینخان سرهنگ

باقرخان سرهنگ میرزا محسن سرهنگ عبدالله خان

سرهنگ عباسقلیخان سرهنگ پسر میرزا علی اکبرخان

حسینخان سرهنگ حکیم بیگ حکیمباشی توپخانه و

قورخانه

یاوران

بیست و پنجنفر

زنبورکخانه

نصرالله خان سرتیپ عبدالحسینخان سرهنگ علیمحمد بیک

یاور اول اسمعیلخان یاور دوم رستمخان یاور موزیکانچی زنبورکخانه

موزیکانچیان

صاحبمنصبان

شکرالله خان سرهنگ موزیکانچی باشی محمد حسنخان سرهنگ

نواده مرحوم خانباباخان سردار کل صفرعلیخان یاور

غلامحسین بیک یاور

دستجات موزیکانچی

دسته

موزیکانچیان توپخانه

دسته

ارنکه و رودباری

دسته

لورانی و شهرستانکی

دسته

مخصوص نواب اشرف والا نایب السلطنه

دسته

موزیکانچیان زنبورکخانه

دسته

ساوه

دسته

سیلاخوری

افواج قاهره

تومان اول

فوج بهادران

شجاع السلطنه سرتیپ اول سید محمد خان سرهنگ

فوج اول خاصه

حاجی حسام الدوله سرتیپ اول حاجی لطفعلیخان سرهنگ

فوج دویم خاصه

ابواجمعی حاجی حسام الدوله سرهنگ حاجی میرزا علیخان

فوج دویم نصرت

رحیمخان سرتیپ احمد خان سرهنگ

فوج مظفر مراغه

عبدالحسینخان سرتیپ فرج خان سرهنگ

فوج چهارم تبریز

آقاخان سرتیپ جعفرخان سرهنگ

فوج پنجم ایلات

ابواجمعی حاجی حسام الدوله سرهنگ رحیمخان

فوج ششم اقبال

ابواجمعی شجاع السلطنه سرهنگ یوسفخان

فوج هفتم افشار

ابواجمعی خسروخان سرتیپ

فوج هشتم افشار

ابواجمعی لطفعلیخان سرتیپ

فوج مخبران

ابواجمعی شجاع السلطنه سرهنگ میرزا مسعودخان

تومان دویم

فوج بهادران خوئی

شیخعلیخان سرتیپ ابوالحسنخان سرهنگ افشار

فوج اول ایضا

ابواجمعی آقاخان سرتیپ سرهنگ علیخان

فوج سیم مراغه

ابواجمعی فتح الله خان سرتیپ

فوج نخست قاپو

سرهنگ قلیخان

فوج پنجم شقاقی

ابواجمعی شجاع السلطنه سرهنگ مرتضی قلی آقا

فوج ششم شقاقی

ابواجمعی

ابواجمعی شجاع السلطنه   محمد باقرخان سرتیپ

فوج هفتم خلخالی

میرزا علیخان سرتیپ

فوج مخبران ماکوئی

هلول پاشاخان سرتیپ   محمد پاشاخان سرهنگ

توممان سیم

فوج قهرمانیه

حسنعلیخان ژنرال اجودان   علیخان سرهنگ

فوج امیریه

احمدخان سرتیپ   لطفعلیخان سرهنگ

فوج اردبیل و مشکین

ابواجمعی میرزا علیخان مشیرالوزاره

فوج هفتم شقاقی

ابواجمعی حسنعلیخان ژنرال   بسرهنگی خلیلخان

فوج کروس

ابواجمعی جناب سالار لشکر   بسرهنگی خسروخان

فوج جدید افشار

ابواجمعی میرزا علیخان سرتیپ افشار

فوج چهارم جدید مراغه

ابواجمعی فضلعلیخان سرتیپ

فوج ششم قراگوزلو

ابواجمعی حاجی حسام الملک سرتیپ اول   بسرهنگی فضل الله خان

فوج منصور قراگوزلی

حسام الملک سرتیپ اول   علی اکبرخان سرهنگ

فوج مخبران

ابواجمعی جناب ناصرالملک   بسرهنگی مهدیخان

توممان چهارم

فوج بهادران فراهان

محمد طاهرخان سرهنگ

فوج اول طهران

ابواجمعی وجیه الله میرزا سیف الملک

فوج دویم خلج ساوه

سیف السلطنه سرتیپ اول

فوج برچلو

جمعی محمدخان سرتیپ

فوج سیلاخوری

بسرهنگی رضاخان

فوج هفتم سوادکوه

ابواجمعی جناب امین السلطان   بسرتیپی امین الملک

فوج ششم سربندی

جمعی حاجی صمصام الملک

فوج مخبران کرازی

صمصام الملک سرتیپ اول   حاجی ذوالفقارخان سرهنگ

توممان پنجم

فوج بهادران حشمت

ابواجمعی حاجی اسحق خان سرتیپ

فوج دویم ملایری

ابواجمعی عسکرخان سرتیپ

فوج سیم لاریجانی

ابواجمعی ظابناباخان سرتیپ   بسرهنگی ابراهیمخان

فوج چهارم کرم

بسرهنگی رحمة الله خان

فوج پنجم کلیایکان

بسرهنگی محمد باقرخان

فوج ششم قدیم خمسه

ابواجمعی مظفرالدوله

فوج هفتم جدید خمسه

ابواجمعی علینقیخان سرتیپ

فوج مخبران زرندی

جمعی محمد حسنخان سرهنگ

توممان ششم

فوج اول قدیم قزوین

نصر الملک سرتیپ اول   هدایت الله خان سرهنگ

فوج دویم جدید ایضا

جمعی نصر الملک سرتیپ اول   بسرهنگی مصطفی خان

فوج سیم افشار بکشلو

ابو الجمعی اللهیار خان آجودانباشی   بسرهنگی حاجی اسد الله خان

فوج چهارم فریدنی

بسرهنگی حاجی مصطفی قلیخان

فوج ششم چهار محالی

بسرهنگی میرزا عبد الحسینخان

فوج هفتم عرب و عجم

ابو الجمعی حاجی بهاء الدوله   عباسقلیخان سرهنگ

فوج مخبران فیروزکوهی

ابو الجمعی اسمعیل خان سرتیپ

تومان هفتم

فوج بهادران دماوندی

علینقیخان سرتیپ   محمد حسینخان سرهنگ

فوج دویم خلج قم

بسرهنگی علی اکبر خان

فوج سیم بندپی

بسرهنگی مصطفی خان

فوج ششم خرقانی

ابو الجمعی آجودانباشی   بسرهنگی علیمحمد خان

فوج هفتم قدیم کرمانی

ابو الجمعی میرزا فتحعلیخان سرتیپ   بسرهنگی نقیخان

فوج هشتم شوکت کرمانی

ابو الجمعی سلیمانخان سرتیپ عرب بسطام

فوج نهم جدید گرمسیر کرمان

ابو الجمعی ابراهیمخان سرتیپ و سعد الدوله

فوج مخبران لار جزینی

ابو الجمعی سیف السلطنه بسرتیپی احمد خان بسرهنگی فضل الله خان

تومان هشتم

فوج بهادران قلعه زنجیری

بسرهنگی حسینخان

فوج اول کرندی

علیمراد خان سرتیپ   نصر الله خان سرهنگ

فوج سیم کلهر

مهدیخان یاور اول

فوج چهارم زنگنه

ظهیر الملک سرتیپ دویم   بسرهنگی حسینخان

فوج مخبران کردستان

جمعی محمد علیخان سرتیپ

تومان نهم

فوج بهادران افدری

ابو الجمعی عبد الله خان سرتیپ

فوج پشتکوهی لرستان

ابو الجمعی باقر خان سرهنگ

فوج ششم سه دهی

نواب جلال الدوله سرتیپ

فوج مخبران تبریزی

بسرتیپی محمد جعفر خان قاجار

تومان دهم

فوج بهادران قرائی

ابو الجمعی عباسعلیخان سرتیپ

فوج اول قائینی

ابو الجمعی حشمة الملک   بسرهنگی حاجی پرویز خان

فوج جدید ایضا

جمعی حشمة الملک   بسرهنگی میرزا اسمعیل خان

فوج سیم تنکابنی

ساعد الدوله امیر تومان   ولیخان سرتیپ سیم

فوج مخصوص نواب اشرف والا نایب السلطنه

بسرتیپی میرزا عبد الکریمخان   و سرهنگی نقیخان و میرزا محمد علیخان

سواره

آذربایجان

دسته

افشار رضائیه قلعه بسرکردگی عباسقلیخان

دسته

افشار اروم ابوالجمعی عبدالحسینخان سرتیپ اول بسرتیپی باقرخان

دسته

اردبیل و مشکین جمعی باقرخان سرکرده علیقلیخان سرکرده

دسته

چهاردولی نوروزخان سرتیپ حسینقلیخان سرهنگ

دسته

چلبیانلو محمودخان سرکرده رحیمخان سرکرده

دسته

خوئی عباسعلی بیک امین بیک

دسته

شقاقی جمعی محمدخان

دسته

شاطرانلو جمعی علی خان سرکرده

دسته

اینانلو جمعی حسینعلیخان یوزباشی

دسته

قراپاپاق جمعی نجفقلیخان سرتیپ

دسته

حاجی علیلو بسرکردگی رستمخان

دسته

قراسوران قراجه داغ راه جمعی عباسعلی بیک

دسته

قراسوران جمعی غفارخان سرکرده

دسته

قراسوران درشق و اسنادار جمعی امین الوزراه

دسته

قراسوران راه مرند جمعی لطفاللهخان

دسته

بکانی جمعی اسفندیارخان

دسته

کلیجائی بسرکردگی محمد باقرخان

دسته

ماکوئی بسرکردگی نصراللهخان

دسته

مقدم جمعی محمدصادقخان سرهنگ

دسته

مکری بسرهنگی حاجی آقا بیک

دسته

قوجه بیکلو ابوالجمعی حسینقلیخان سرکرده

سواره مهاجر

ابوالجمعی عبدالقادرخان شجاع الملک

شجاع الملک سرتیپ اول حسنخان سرتیپ دوم اسکندرخان
سرهنگ کریمخان سرهنگ علیمحمدخان سرهنگ ایروانی فرج الله
خان نجفقلیخان علیخان ولد عبداللهخان خلیلخان
ایرانلو نعمةالله بیک صمد آقا محمدخان یاور ایرانلو
حاجی خان یاور ایرانلو شیخعلیخان تکه محمدخان ولد
لطفعلیخان غلامحسینخان علی اکبرآقا عباس آقا ولد غفارخان

سرکردگان غلام نصرت

میرهاشمخان میرزازین العابدینخان علیقلیخان
حسینخان ابراهیم آقای سرهنگ اسکندرخان سلیمانخان

خراسانی

ارض اقدس

جماعت هزاره

یوسفخان سرتیپ اسمعیلخان سرهنگ

جماعت تیموری

جمعی علیمردانخان سرتیپ

جماعت مروی

جمعی

جمع عطاء الله خان

جماعت دره جزی

جمعی نور علیخان و محمد ناصر خان سرکرده

جماعت جمشیدی

جمعی ذوالفقار خان و حاجی محمد امین خان

جماعت جامی

جمعی نصر الله خان جامی

جماعت باخرزی

جمعی یوسفخان سرتیپ هزاره

جماعت باخرزی و جامی

علیرضا خان قراولباشی حسنخان سرکرده محمدرضا خان سرکرده گلزار خان سرکرده

جماعت همت آبادی

جمعی نادر قلی بیک

جماعت قرائی

جمعی محمد خان سرکرده

جماعت سبزواری

دسته محمدرضا خان دسته محمد خان دسته سعادتقلیخان دسته عباسقلیخان

جماعت نیشابوری و جزایرچی

ابوالجمعی باقر خان

غلامان مشهدی

جمعی ابوالفتح خان افشار

غلامان سبزواری

جمعی میرزا فضل الله خان

جماعت افشار

جمعی مرتضی قلیخان

ساکنین سرخس

دسته باباخان دسته محمد امیر خان

جماعت یزد بکیر

دسته حسنخان نیشابوری دسته رمضان بیک دسته غلامرضا خان هراتی

جماعت بجنوردی

جمعی یار محمد خان ایلخانی

جماعت قوچانی

جمعی امیر حسینخان شجاع الدوله

جماعت مردوزانی

جمعی علیمردانخان سرتیپ تیموری

جماعت دزدابی

جمعی محمد عظیم خان هزاره

جماعت سرجامی

جمعی حسینخان و حسنخان

جماعت چولایی و ماروشک

جمعی سلیمان آقا

جماعت عنایت آبادی

جمعی صید محمد خان

جماعت سیستانی

جمعی گل محمد خان

جماعت خوافی

جمعی لطفعلیخان

جماعت برزکی

جمعی فتح الله خان سرکرده

جماعت میامی

جمعی صید محمد خان

جماعت پشتکوهی

جمعی سعادتقلیخان

جماعت خورده ایماق

دسته یار محمد خان دسته حیدر خان

جماعت اردلان

جمعی اتاخان و حسینقلیخان سرکرده

جماعت زشیری

جمعی محمد حسینخان

جماعت قاینی

جمعی علی اکبر خان سرکرده

جماعت جاجرمی

جمعی یار محمد خان ایلخانی و سهام الدوله

استرابادی و غیره

استرابادی

دسته

غلامان استرابادی جمعی علیخان آقای قاجار

دسته

کلبعلی خان ریش سفید طایفه جعفر بای

دسته

ایلکلدی نظر ریش سفید آتابای

دسته

قلیخان آتابای

دسته

قوشبه خان آتابای

دسته

امیرخان آقا آتابای

دسته

ایضا نظر ریش طایفه آتابای

دسته

قلیچ خان سرهنگ جعفر بای

یزدینی

جمعی افراسیاب خان سرکرده

گودرزی و بسطامی

ابوالجمعی علی محمد خان سرهنگ محمد علیخان نایب سرکرده

کرمانی

افشار کرمانی

میرزا محمود سرکرده

شیخالیخان بمی

ابوالجمعی سعد الدوله

سواره و جمازه سوار بمی و نرماشیری

اسدالله خان سرکرده عرب بسطام

سواره و جمازه سوار نرماشیری و ریکانی

زین العابدین خان سرکرده

سواره سیستانی

اسدالله خان سرکرده

سواره و جمازه سوار خبیصی

صادقخان سرکرده

مازندرانی

میرزا ابوالحسن مشرف

سرکردگان

عبدالله خان مدانلو فتح الله خان ایضا صفی خان ایضا

موسی خان بهان بیگلو اسدالله خان ایضا محمد خان ایضا

حسینخان کرایلی ذوالفقار ایضا حسنخان اوسانلو

محمد خان افغان

جماعت خواجه وند

ابوالجمعی جناب امین السلطان علی اکبر خان سرهنگ

یزدان قلیخان سرکرده نعمة الله خان حسن خان

فتح الله خان

سواره عبد الملکی

ابوالجمعی فضل الله خان - بسرکردگی جعفر خان

عراقی

جماعت قزلر

ابوالجمعی نایب السلطنه اصلان علیقلیخان یوزباشی مهدیخان نایب اول

جماعت شاهسون افشار

ابوالجمعی جناب امین السلطان جهانشاه خان

جماعت بختیاری

جمعی اسفندیار خان سرتیپ

جماعت عرب لرستان

مصطفی قلیخان سرتیپ ۲ میرزا حسینخان سرکرده میرزا حسنخان ایضا

جماعت افشار اسدآبادی

جمعی صاحب اختیار بسرکردگی محمد کریمخان

جماعت خمسه

جمعی ذوالفقارخان سرتیپ

جماعت شاهسون اینانلو

عزیزالله خان صارم الملک سرتیپ دویم حاجی لطف الله خان سرتیپ سیم

جماعت شاهسون بغدادی

جمعی شیخعلیخان سرهنگ امیرعلیخان سرکرده اکبرخان سرکرده

جماعت شاهسون دودیران

ابواجمعی جناب امین السلطان غلامعلیخان سرهنگ محمد حسنخان

ایضا غلامرضا خان سرکرده ولیمحمد خان ایضا

جماعت شاهسون قوشه بکلو

ابواجمعی حسینعلیخان سرتیپ ولد مرحوم حسینقلیخان

جماعت باجلان

ابواجمعی احمدخان سرهنگ

جماعت خرقانی

ابواجمعی الهیارخان اجودانباشی کل

جماعت براوند

جمعی حسنخان سرکرده

جماعت اصانلو

ابواجمعی جناب امین السلطان بسرهنگی حاجی جعفرقلیخان

جماعت قراچورلوی خوار

ابواجمعی جناب امین السلطان بسرکردگی صفرعلیخان

جماعت افشار ساوجبلاغ

جمعی حسنخان سرهنگ

جماعت کرد بچه

جمعی نصرالله خان سرتیپ بسرکردگی خانباباخان

جماعت هداوند

ابواجمعی جناب امین السلطان بسرکردگی رحیمخان

جماعت شاهسون اری

جمعی نصرالله خان سرتیپ بنوکخانه

جماعت ایلات قزوین

ابواجمعی نصرالملک

جماعت افشار بکشلو

ابواجمعی اجودانباشی بسرهنگی کاظمخان

جماعت چکنی

جمعی نصرالملک امیرتومان بسرهنگی صادقخان

جماعت احمدوند و بهتوئی

بسرهنگی کریمخان

جماعت کلیائی

بسرکردگی جلال الدین میرزا

جماعت نانکلی کرمانشاهان

بسرکردگی سید خسروخان

جماعت یاراحمدی

بسرهنگی حاجی احمدخان

جماعت سنجابی

جمعی فرج الله خان سرکرده

جماعت فیلی

جمعی کریمخان سرکرده

جماعت بختیاری

داراب خان سرکرده

جماعت عرب و باصری

جمعی محمدحسنخان سرهنگ

پیاده

خراسانی

شمخالچیان

ابواجمعی حیدرقلیخان سرتیپ

جزایرچیان سرخسی

غلام محمدخان سرکرده عزیز محمدخان پسر عباسخان سرتیپ

یوسف بیک

استرابادی

دسته فندرسکی

جمعی میرزا علینقیخان سرتیپ

دسته کتول

جمعی علیمحمدخان سرکرده

دسته بقصوی لو
جمعی عبدالله خان سرکرده
دسته استراباد رستاقی
جمعی فتحعلیخان ایضا
دسته بالا شاهکوئی
جمعی آقا عبدالرحمن سرکرده
دسته پائین شاهکوئی
جمعی محمد علیخان سرکرده
دسته سدن رستاقی
جمعی محمد قلیخان سرکرده
دسته انزانی
جمعی محمد علیخان سرکرده
دسته مشکنی
جمعی محمد قاسمخان سرکرده
دسته ساوری
دسته جمعی جعفر قلیخان دسته جمعی حاجی آقا رضا
دسته لیوانی و سبیل سپر
جمعی اسدالله خان سرکرده
دسته بلوچ
علی اکبر بیک
دسته جات گیلانی
دسته سالیانی
جمعی میر یوسفخان سرکرده
سوار گرگان رودی
ابوابجمعی نصرة الله خان سرتیپ اول
سوار اسالمی
ابوابجمعی نصرة الله خان سرتیپ برهنگی اللهیار خان
دسته انزانی
جمعی جبار قلیخان سرکرده
دسته شفتی
جمعی نعمت الله خان ایضا

مازندرانی
جماعت کلبادی و غیره
جمعی میرزا محمد خان سرتیپ لطفعلیخان سرکرده
محمد مهدیخان سرکرده طایفه عمرانلو جماعت طالش بسرکردگی
علی اکبرخان بجکشی بسرکردگی علی اکبر خان
جماعت اشرفی
بسرکردگی عباسقلیخان
کرمانی
تفنگچیان اناری
حسینقلیخان سرکرده
تفنگچیان نخعی و راوری
اسمعیل بیک سرکرده
تفنگچیان عرب بسطام
ابوابجمعی سلیمانخان سرتیپ بسرکردگی کریمخان
تفنگچیان ربعاری
دُرّان خان سرکرده
تفنگچیان کوهک و چاه بهار و اسفنده
ملک بهادر سرکرده
عراقی از بابت پیاده بلوچ
جمعی شیخ محمد خان سرهنگ
ادارهٔ افواج طرح اطریش و سوارهٔ طرح
قزاق
افواج طرح اطریشی
از بابت صاحبمنصبان که برقرار هستند
رژیمان اول
از بابت پیاده نظام
رژیمان دویم
از بابت پیاده نظام
شاهسوی
که عبارت از فوج مخبران باشد
رژی

که عبارت

که عبارت از فوج مهندسین باشد

توپچیان توپخانه مبارکه طهران

توپچیان توپخانه مبارکه طهران
فوج

موزیکانچیان

اداره مزبوره

اداره قزاقیه

فوج اول

سرتیپ حسنخان سرتیپ

فوج دویم

سرتیپ کوچکخان سرتیپ

موزیکانچیان

اداره مزبوره

قشون حاضر رکاب

از پیاده نظام و سواره و توپخانه وغیره یکصد و پنجاه هزار نفر

ذخیره

پنجاه هزار نفر

دار الخلافه طهران

نواب اشرف والا نایب السلطنه امیر کبیر وزیر جنگ حکمران دار الخلافه باهره وغیرها ادام الله اقباله العالی

اجزای حکومت جلیله دار الخلافه

جناب محمد ابراهیمخان وزیر نظام و وزیر دار الخلافه

اجزای مجلس حکومت

زکیخان شیر محمد خان میرزا حسن

منشی و سررشته دار

میرزا جعفر تفرشی منشی میرزا حسن قزوینی ایضا
میرزا شفیع تفرشی سررشته دار

نواب و مباشرین محال دار الخلافه

میرزا ابو القاسم نایب و رامین میرزا علیمحمد نایب سا وجبلاغ
میرزا مهدی نایب شهریار حاجی ابو طالب نایب غار و
فشافویه و امین وظایف

علماء اعلام دار الخلافه

جناب میرزا زین العابدین امام جمعه جناب صدر العلماء
جناب حاجی ملا علی جناب آقا میرزا صالح عرب جناب
آقا میرزا حسن آشتیانی جناب حاجی آقا محمد جناب آقا
جمال الدین مجتهد بروجردی جناب آقا میرزا عبد الرحیم نهاوندی
جناب ملا محمد تقی مجتهد کاشانی جناب آقا سید محمد رضا
پسر مرحوم آقا سید صادق جناب آقا سید عبد الله
جناب شیخ الاسلام دار الخلافه جناب آقا شیخ جعفر پسر
مرحوم حاجی شیخ محمد جناب آقا سید مصطفی پسر مرحوم
حاجی سید حسین جناب حاجی ملا آقا بزرگ جناب حاجی
سید جعفر جناب شیخ محمد حسن استرابادی جناب آقا شیخ
موسی

اعیان و امرا و خوانین و معارف دار الخلافه

از ارباب مناصب دولتی وغیرهم سوای آنها یکه در دوائر دولتی هستند
میرزا محمد خان نظام العلماء اعتماد الدوله حیدرقلیخان
ولد مرحوم آصف الدوله آقا سردار ولد مرحوم سپهدار
عین الملوک میرزا حسینخان معتمد الملک ولد جناب مشیر
الدوله امیرزاده محمد میرزا ولد جناب اعتضاد الدوله
عباس میرزا ولد ایضا فتحعلیخان ولد ایضا خانخانان
پسر ظهیر الدوله محمود خان ملک الشعرا حکیم الهی ولد
مرحوم حکیم الهی سلیمانخان ولد مرحوم حاجب الدوله
اسمعیل خان بشیر الدوله میرزا محمد خان غلامحسینخان
قولیخان پیشخدمت ولد سهرابخان حاجی محمد حسینخان

محمودخان محمدخان ولد مرحوم احمدخان نوائی محمدحسینخان ولد ایضا حاجی محمدحسینخان ولد ایضا حاجی محمدولیخان عباسقلیخان ولد مرحوم بیگلربیگی هادیخان ولد ایضا محمدخان محمدجعفرخان حسینخان هدایت الله خان علی اکبرخان نجفقلیخان محمدباقرخان امان الله خان دولتمرادخان حاکم سابق درگز

اداره جلیلهٔ پلیس دار الخلافه و احتساب

کنت دومنت فرت سرتیپ و رئیس کل ادارات پلیس و احتساب عباسقلیخان سرتیپ نایب کل اداره میرزا ابوترابخان سرهنگ نایب اول و مترجم و منشی اجودان و تحویلدار کل اداره پلیس و احتساب میرزا سید یوسف سرهنگ مستشار اول رئیس محله سنگلج حسنخان مستشار داروغه بازار میرزا محمدحسین مستشار رئیس محله دولت عباسقلیخان رئیس محله عودلاجان میرزا سید احمد رئیس محله بازار میرزا عبدالرحیمخان مستشار محاکمات کلانتر اداره نظمیه میرزا حسنخان منشی مستشار مدیر استنطاق و خازن ملبوس اجزای پولیس آقا رضاخان سرهنگ متصدی امور متوفات شهر سلطانعلیخان صفوی مستشار عمل متوفات میرزا آقا یاور نظام جدید طرح اطریشی مامور بمشاقی کل اداره مترجم و خازن استنطاقهای اداره میرزا سید محمد رئیس محبس میرزا بابا نایب رئیس محبس و رئیس محبس زنانه احمد میرزا نایب سرهنگ مامور خدمت حضرت والا نایب السلطنه قهرمان میرزا صاحب منصب مخصوص اداره یحیی میرزا صاحب منصب مخصوص اداره ذوالفقار میرزا رئیس پیشخدمتهای اداره میرزا محمدعلیخان ناظم رئیس روزنامجات و حافظ راپورتهای شهر میرزا تقی صاحب منصب مامور خدمت حضرت والا امیر کبیر نایب السلطنه وزیر جنگ میرزا ربیع مستنطق کل اداره پولیس و سررشته دار محبس میرزا مهدی منشی اطاق دعاوی میرزا ابراهیم منشی اطاق دعاوی میرزا امرالله منشی اطاق جنایات میرزا علیقلی منشی اطاق محاکمات عده کل اجزای پولیس چهارصد و شصت نفر

اجزای احتسابیه

نایب قاسم نایب کل خیابانهای دولتی نایب قلی نایب کل محلات نایب رحیم رئیس دوم احتسابیه عده کل اجزای احتسابیه دویست و شصت نفر نواب محلات پنج نفر

اسامی کارگذاران و عملجات مخصوص سرکار نجابه

نواب اشرف والا امیر کبیر نایب السلطنه وزیر جنگ دام الله اقباله العالی

جناب حاجی ملاباشی محمدحسینخان سرتیپ پیشخدمت حضور همایون فراشباشی حضرت والا میرزا علی دکتر معتمد الاطباء طبیب حضور همایون و حکیمباشی نواب اشرف والا امیرزاده حاجی نصرالله میرزا میرآخور امیرزاده جمشید میرزا صاحبجمع عبدالله خان تفنگدارباشی اسمعیل خان کشیکچی باشی میرزا عباسقلیخان سرتیپ رئیس خلوت عباسقلیخان سرتیپ مترجم میرزا علی مستوفی اکبرخان ناظر میرزا محمد منشی باشی کاتب السلطان میرزا ابوالقاسمخان منشی مخصوص میرزا هادی مستوفی میرزا محمدخان پیشخدمت هدایتخان شاطرباشی

وزارت اعظم داخله و مالیه

جناب مستطاب اجل آقا میرزا یوسف وزیر اعظم داخله و مالیه

وزارت دفتر استیفا

جناب میرزا حسن مستوفی الممالک

مستوفیان عظام که حساب ایالات و غیرها مرجوع بانها میشد

جناب حاجی میرزا نصرالله نایب مستوفی الممالک و مستوفی حساب
اصفهان و کردستان و عراق و ساوه و خرقان و محلات
و درجزین و سایر البلوک و حساب خزانه عامره جناب آقا
میرزا علی قایم مقام مستوفی خراسان جناب میرزا اسدالله
مستوفی کاشان حاجی میرزا شفیع مستوفی فارس و برات
نویس ارباب قلم و نقدکاران سرکاری علاء الملک مستوفی ثانی
میرزا محمد علیخان معاون الملک مستوفی حساب طهران و یزد
و رختدارخانه و صرف جیب مبارک و فراشخانه و گمرک و باغات
و چاپارخانه و حمامخانه میرزا محمد تقی مستوفی مازندران
و دار النظاره و برات نویس تکیه دولت و حمامات سرکاری
میرزا حسین مستوفی گیلان و آبدارخانه و قهوه خانه و صندوق
خانه و خوار میرزا ابراهیم مستوفی آذربایجان میرزا حسن
نایب وزیر دربار حرم مستوفی حساب کرمان و گلپایگان
میرزا محمود مستوفی ولد مرحوم صاحبدیوان مستوفی همدان و
دماوند میرزا سید کاظم مستوفی اصطبل خاصه و کلیه دواب
دیوانی و زینخانه و قاطرخانه و ایلخیچیان میرزا حسن
ولد مرحوم میرزا موسی وزیر لشکر مستوفی قزوین میرزا علی اکبر
مستوفی اطاق موزه و زرگرخانه مبارکه میرزا محمد حسین
مستوفی حساب خزانه نظام و نطنز و جوشقان و کنکاور و استرآباد
میرزا سید کاظم مستوفی گروس میرزا سید محمد مستوفی لرستان
و طالقان میرزا عبدالله مستوفی حساب خمسه و برات نویس
عمله خلوت میرزا بدیع مستوفی برات نویس شاهزادگان و
خادمان حرم جلالت و آغایان سرکاری میرزا زکی نوری
برات نویس کشیکخانه و عمله حضور میرزا باقر مستوفی شاهرود
و بسطام میرزا علی نوری مستوفی بروجرد میرزا مسیح مستوفی
عربستان میرزا طاهر کاشی مستوفی سمنان و دامغان
میرزا محمد مستوفی قم و فیروزکوه میرزا علی ولد مرحوم قوام
الدوله مستوفی حساب جبه‌خانه و انبار میرزا محمد رضا مستوفی
ملایر و تویسرکان میرزا حسینعلی مستوفی نهاوند میرزا
زکیخان مستوفی ولد مرحوم میرزا عبدالله‌خان نوری برات
نویس اداره نظمیه و احتساب میرزا رفیع مستوفی کره
میرزا اسحق مستوفی برات نویس تلگرافخانه مبارکه و معلمخانه
و مریضخانه میرزا عبدالرحیم خلخالی مستوفی که بعضی برات
نویسها با او است

مستوفیانیکه حساب ندارند و غیره هم

جناب ضیاء الملک جناب میرزا محمود وزیر میرزا حبیب
وزیر سابق دار الخلافه میرزا رضا ولد مرحوم معین الملک
میرزا هدایت الله لسان الملک منشی الممالک میرزا
رضا قلیخان سراج الملک میرزا سید احمد مستوفی وزیر
حاجی میرزا محمد ولد حاجی میرزا نصرالله حاجی میرزا
حسینقلیخان مستوفی میرزا محمد علیخان ولد مرحوم وکیل
لشکر میرزا محمود خان نواده مرحوم قایم مقام میرزا
محمد ولد مرحوم وزیر لشکر میرزا محمد پسر حاجی میرزا عباسعلی
میرزا رضا قلی مستوفی میرزا رضای البرز میرزا فضل الله
خان میرزا سید ابراهیم حاجی میرزا سید حسین
میرزا محمد حسین داروغه دفتر ولد مرحوم وقایع نگار
میرزا علی محمد خان ولد آقا میرزا علی قایم مقام میرزا علیرضا
میرزا نصرالله برادر مرحوم دبیر الملک میرزا کاظمخان
میرزا مهدی مستوفی رشتی منشی مخصوص رسایل دولتی
میرزا سید رضی میرزا حسن میرزا سید محسن میرزا
شکرالله ولد مرحوم نصیر الملک میرزا عبد العلی میرزا
احمد میرزا آقا پیشکار نواب فرمانفرما میرزا حسینعلیخان
ولد مرحوم حکیمباشی میرزا عبد الحسین ولد میرزا عبد
الرحیم خلخالی میرزا علی ولد مرحوم وکیل لشکر میرزا.

محمد

محمد ولد مرحوم میرزا محمد حسین خزانه میرزا جعفر میرزا
حسینخان ولد مرحوم مهندس باشی میرزا زین العابدین خان
میرزا محسن پیشکار حسام السلطنه میرزا علی اکبر غریب باشی

مستوفیانیکه مامور ولایات هستند

جناب حاجی مشیر الملک مستوفی اول و پیشکار مملکت خراسان
میرزا نبی پیشکار نواب رکن الدوله میرزا احمد خان مامور
فارس میرزا حسنخان ولد جناب صاحبدیوان در فارس
میرزا حبیب الله خان مستوفی حضرت والا ظل السلطان مامور
اصفهان میرزا شفیعخان گرگانی در خدمت حضرت والا
ولیعهد دولت علیه در آذربایجان که الآن حاضر دار الخلافه است
میرزا ابو القاسمخان نوری در آذربایجان میرزا داود قایم
مقام در آذربایجان میرزا سید حسنخان نایب دفتر در نائین

وزارت رسایل خاصه

جناب جلالتمآب قوام الدوله وزیر رسائل خاصه

منشیان دولتی

میرزا مهدی کیلانی مستوفی و منشی مخصوص
رسایل دولتی حاجی میرزا عبد الله منشی میرزا علیخان
نائینی ایضا حاجی میرزا یوسفخان ایضا میرزا شفیع پسر زاده
مرحوم میرزا شفیع صاحبدیوان میرزا حسن کیلانی
میرزا رضا ی تویسرکانی میرزا تقیخان فراهانی میرزا
ابراهیم کیلانی میرزا علی میرزا قاسم

منشیانیکه در خدمت جناب اجل اعظم آقا هستند

حاجی میرزا رضا میرزا حسن مستوفی

اجزای مجلس وزارت بقایا

جناب امین حضور وزیر بقایا

نصر الله خان پسر امین حضور رئیس مجلس میرزا حسن
سررشته دار میرزا ابو القاسم خان منشی میرزا زین
العابدین که کتابچه راپورت عرایض وزارت بقایا را
می‌نویسد و بحضور همایون فرستاده میشود

وزارت عدلیه اعظم

جناب جلالتمآب مشیر الدوله وزیر عدلیه اعظم

مجلس مخصوص وزیر عدلیه عظمی و اجزای آن

میرزا حسینخان منشی حاجی عباسقلیخان قاجار که مامور
بحکومت کاشانست حاجی حسینخان پسر مرحوم عمید الملک
میرزا اسمعیل منشی باشی برادر مرحوم ملک الکتاب شریفخان
میرزا باقر منشی میرزا یوسف منشی

مجلس صدر دیوانخانه که اغلب امور ملکی و شرعیه با آنجا رجوع میشود

میرزا شفیع پسر صدر دیوانخانه فتح الله خان ناظم اداره عدلیه
عظمی که عرایض سواری بعهده او مرجوع است میرزا ابو القاسم
منشی میرزا ابراهیمخان منشی میرزا محمد علی منشی میرزا
سید حسین محرر میرزا سید مهدی ایضا میرزا عبد الغنی
ثبات دفتر میرزا اسد الله ایضا

مجلس تحقیق و دعاوی نفوس

حاجی میرزا حسینخان کرانمایه میرزا محمد حسین منشی تفرشی
میرزا حسن منشی کیلانی میرزا حسن شیرازی غریب فرش

مجلس تحقیقات که بعضی دعاوی نقد و متفرقه هم با آنجا رجوع میشود

اعتماد الملک حاجی علیقلیخان پازکی میرزا محمد حسین نوائی

مجلس جنایات و تجارت

حاجی میرزا علی رئیس محمد حسن میرزا پسر مرحوم سیف الملک
میرزا میرزا منصورخان میرزا رضا منشی آهی میرزا
محمد علی منشی تبریزی میرزا شفیع منشی پسر مرحوم میرزا
زین العابدین منشی تفرشی میرزا عبد الحسین ثبات

مجلس تحقیق که بعضی امورات با آنجا رجوع میشود

حاجی محمد حسینخان قاجار میرزا محمد علی منشی

مجلس اجراء

محمد حسین

محمد رحیمخان برادر مرحوم محمد تقیخان حاجب الدوله میرزا اسمعیل خان منشی باشی
حاجی محمد رضا خان برای مهری نور محمد خان
هدایت الله خان

حاجی میرزا زین العابدین داروغه میرزا عبدالکریم عریضه نگار میرزا علی مستوفی هفته یکروز حاضر میشود میرزا عبدالحسین مستوفی در دفترخانه است هر وقت لازم شود حاضر است

متفرقه

وزارت جلیله خارجه

جناب جلالتمآب مؤتمن الملک وزیر امور خارجه

اسامی اجزای مرکزیه وزارت جلیله خارجه بر طبق ترتیبات جدیده

ادارات خمسه

دایرهٔ مخصوص وزارت که در تحت ریاست شخص جلیل وزیر امور خارجه میباشد

جناب صنیع الدوله وزیر انطباعات و دار الترجمه دولتی مقدم السفراء صدیق الملک میرزا نصر الله خان نایب اول وزارت خارجه میرزا مهدیخان نایب اول حاجی حسینقلیخان نایب اول وزارت خارجه میرزا شکر الله نامه نگار نایب دویم میرزا علیخان منشی اول میرزا عبدالرحیم خوشنویس عنوان نگار حاجی میرزا محمد علی منشی اول میرزا عباسقلیخان منشی اول میرزا سید امین منشی دویم اسمعیل خان فراشباشی محمد حسینخان اجودان اول فیروزخان اجودان اول محمد رحیم بیک غلام باشی غلامحسینخان نویسنده و آتشه محرر و آتشه سه نفر

ادارهٔ انگلیس

میرزا علی اکبرخان نایب دویم و مدیر میرزا حسینخان پسر مرحوم وزیر لشکر منشی اول میرزا عبدالمطلب منشی دویم میرزا حسینخان پسر میرزا شفیعخان منشی سیم میرزا حسین ابجدانی نویسنده و آتشه نویسنده و آتشه ایضا نفر

ادارهٔ روس

میرزا نصرالله خان نایب دویم و مدیر میرزا حسنخان منشی دویم میرزا حسینخان پسر مرحوم میرزا اسمعیل

خان منشی سیم میرزا ابوالقاسم نویسنده و آتشه میرزا اسمعیل نویسنده و آتشه

ادارهٔ عثمانی

میرزا محمد علیخان ناظم الملک نایب اول و مدیر میرزا کاظم پسر مرحوم میرزا زین العابدین مستوفی منشی اول میرزا اسدالله منشی دویم میرزا آقاخان نویسنده و آتشه نویسنده و آتشه ایضا نفر

ادارهٔ دول غیر همجوار

میرزا عبدالله خان مدیر حاجی میرزا رضاخان مترجم و منشی دویم میرزا سید رضا منشی دویم محرر و آتشه دو نفر

دفاتر خمسه

دفتر ثبت و ضبط

میرزا مصطفی خان نایب اول و رئیس میرزا رضی خان منشی اول میرزا محمد حسینخان دفتردار میرزا علینقی منشی سیم میرزا محسن منشی سیم مترجم نفر محرر و آتشه سه نفر

دفتر تجارت

میرزا جوادخان نایب اول و رئیس میرزا مهدی منشی اول میرزا عبدالرحیم منشی سیم محرر و آتشه دو نفر

دفتر رسوم و تشریفات

محمد تقیخان نایب اول و رئیس میرزا ابوالقاسمخان پسر میرزا رضی خان منشی سیم منشی ایضا نفر میرزا اسمعیل لاریجانی نویسنده و آتشه محرر و آتشه ایضا نفر جواد بیک اجودان دویم

دفتر

دفتر ترجمه و خطوط رمز

میرزا محمود خان مفتاح الملک نایب دویم و رئیس بارون ترمان
مترجم اول میرزا علیخان مترجم اول منشی دو نفر حاجی
میرزا مهدیخان مترجم ترکی غلام محسنخان نویسنده و آتشه
میرزا مسعودخان نویسنده و آتشه

دفتر محاسبه

میرزا عبدالوهابخان نایب دویم و رئیس میرزا محمد حسین
سررشته دار [illegible] و منشی دویم
علی پاشا خان خزانه دار اجودان میرزا صادق نویسنده و
آتشه میرزا علی اکبر عزب دفتر محرر سیاق دان و آتشه دو نفر
صاحبمنصبانی که بالفعل در دایرهٔ مرکزیهٔ وزارت
خارجه مشغله ندارند و در معرض مأموریتهای مستقبله
میرزا جوادخان سرتیپ نایب اول میرزا خانلرخان میرزا
ابوالقاسمخان نایب دویم میرزا موسیخان منشی اول
میرزا عیسیخان میرزا علی اشرفخان سرهنگ مهندس
اسدالله خان مهندس مترجم دویم محمد حسنخان غلام
پیشخدمت

اسامی مأمورین کارگذاریهای داخله

کارگذاری اول در آذربایجان و سایر

کارگذاری اول

جناب ساعدالملک کارگذار اول حاجی میرزا صادقخان سرتیپ
نایب اول قلیخان سرتیپ مستشار مهماندار حاجی
میرزا معصومخان نایب و منشی اول میرزا مهدیخان
سرهنگ نایب اول میرزا حسنخان سرهنگ و نایب و
مهماندار میرزا حسینخان سرهنگ و نایب میرزا محمد
خان ناظر دفتر و سرهنگ ساطورخان سرهنگ و مترجم
اول میرزا رحیم یاور کارگذاری میرزا هاشم منشی
میرزا محمد اجودان علیخان اجودان و مهماندار میرزا
هاشمخان کارگذار اورومی

ادارهٔ تذکرهٔ آذربایجان

عبدالعلیخان امین الوزاره رئیس تذکرهٔ آنجا حاجی میرزا
حسین نایب و منشی اول

کارگذاریهای ولایات دیگر

ارض اقدس کارگذاری دویم

میرزا معصومخان سرتیپ کارگذار میرزا فتح الله خان منشی

استراباد کارگذاری دویم

میرزا جوادخان کارگذار میرزا اسدالله منشی میرزا
علی اکبرخان وقایع نگار رجز

فارس

بوشهر و بندر عباس حاجی میرزا عبدالله خان کارگذار
شیراز

گیلان

نجفقلیخان کارگذار میرزا عبدالرسول نایب میرزا
حبیب الله خان امین تذکرهٔ گیلان

سایر ولایات

میرزا محمد قلیخان کارگذار قوچان و بجنورد میرزا مهدی
خان کارگذار مازندران میرزا حسینخان کارگذار کاشان
محمد جعفرخان کارگذار خارجهٔ اصفهان میرزا آقاخان
کارگذار خارجه کرمانشاهان سلیمانخان کارگذار
خارجه کردستان

اسامی سفرا و کارپردازان دولت علیه در ممالک خارجه

ولایات دولت عثمانی

اسلامبول

جناب معین الملک امیر تومان سفیر کبیر میرزا احمدخان
مستشار میرزا جوادخان نایب میرزا رضا خان
ترجمان اول حاجی محمدخان ژنرال قونسول حاجی میرزا
نجفعلیخان نایب میرزا آقا منشی اول دکتر باپادوکا
حکیم سفارت حاجی آقاخان ترجمان ضبطیه جورج
ترجمان تجارت یوسف بیک ترجمان سفارت پسر مرحوم آسل
مسیو بارونسی قانون دان سفارت

ارزنة الروم

میرزا حسینخان کارپرداز

طرابزن

حاجی میرزا حسینخان کارپرداز

مصر

حاجی محمد صادقخان کارپرداز

شام

میرزا حسنخان کارپرداز

وان

میرزا موسی خان کارپرداز

حلب

میرزا شکرالله کارپرداز

عراق عرب وغیره

بغداد

میرزا محمود خان کارپرداز اول میرزا طهماسبقلی نایب حسن افندی کاتب ترکی حاجی میرزا ابوالقاسم ترجمان ترکی

بصره

حاجی میرزا صادقخان کارپرداز میرزا محمد خان نایب

کربلای معلی محمد حسنخان

نجف اشرف میرزا عبدالوهابخان

خانقین محمد اسمعیل بیک

سلیمانیه میرزا علیخان کارپرداز

سایر خاک عثمانی

کرکوک عباس بیک کاظمین کریم بیک مندلیج میرزا ابوطالب دیاربکر میرزا حسین مسیب نصرالله بیک عماره علی بیک سماوات حسین بیک بیت المقدس میرزا هادی جده حاجی میرزا علی قونسول ازمیر محمد خان یعقوبیه یوسفخان حله حاجی عباسقلی قزلرباط و شهروان شیرخان بیک انطاکیه موسی بیک

دولت انکلستان وغیره

سفارتخانه لندن و پریس و هلاند

جناب ناظم الدوله میرزا ملکم خان سفیر کبیر اجزای سفارت نیز ذا صورت نداده اند

هندوستان وغیره

بمبئی و هندوستان میرزا سلیمان خان کارپرداز

کلکته رستمجی قونسول

برهان حاجی احمد قونسول

دولت روسیه

سفارتخانه پطرزبورغ وغیره

جناب میرزا اسدالله خان وزیر مختار و ایلچی مخصوص میرزا محمود خان مستشار میرزا علینقی نایب و منشی مترجم نفر آقا میرزا جعفر قونسول مسکو

تفلیس و سایر خاک قفقازیه

میرزا محمد علیخان معین الوزاره کارپرداز مقیم تفلیس میرزا رضاخان دانشی نایب اول

میرزا معصومخان ویس قونسول بادکوبه

میرزا هرام ویس قونسول لنکران و سالیان میرزا محمد قرهداغ

میرزا جبارخان ویس قونسول ایروان

حاجی ترخان

میرزا عباسخان کارپرداز منشی نفر مترجم نفر

سفارتخانه پاریس وغیره

جناب نظرآقا وزیر مختار و ایلچی مخصوص میرزا احمد خان مستشار و نایب مسیو موزلیه حکیم سفارت مسیو منیه ژنرال قونسول مسیو هرمان ویس قونسول مسیو شیاد قونسول مارسیل مسیو کرولو قونسول بردو مسیو ادوینه قونسول هاور

سفارتخانه وینه

جناب نریمانخان وزیر مختار و ایلچی مخصوص میرزا حسنخان نایب اول

سفرای دول متحابه و صاحب منصبان مقیم دربار همایون و سایر ولایات

سفارت دولت عثمانی

در طهران

جناب فخری بیک افندی سفیر کبیر رفیقی بیک نایب اول سرکز افندی نایب دویم میرزا حسنخان منشی اول

سایر ولایات

تبریز

علی بهجت بیک باش شهبندر افندی میرزا حاجی آقا منشی
مضور آقا وکیل شهبندر ارومیه عبد الاحد آقا وکیل
شهبندر ساوجبلاغ

کرمانشاهان

محمد رفیق بیک شهبندر حاجی ملا احمد منشی

کردستان

آقا سید جابر عرب وکیل شهبندر میرزا بشیر منشی

شیراز

حاجی سید ابراهیم وکیل شهبندر میرزا سید محمد منشی

همدان

حاجی محمد سعید وکیل شهبندر آقا محمد حسین منشی

سفارت دولت روس

در طهران

جناب مسیو ملنیکوف وزیر مختار و ایلچی مخصوص
مسیو ارغیروپولو نایب اول مسیو غریغوریچ مترجم
اول مسیو فیلپیف مترجم دویم مسیو اغنانیف
آتشه مسیو چرپنین حکیمباشی میرزا مهدیخان
منشی اول میرزا ابو القاسمخان منشی دویم

قونسولگری تبریز

مسیو بطرف ژنرال قونسول مسیو اشچلکونف مترجم
کبیاز داپزا آتشه مسیو پاقیدین نایب میرزا
علی اشرفخان منشی

قونسولگری رشت

مسیو دلاصوف قونسول مسیو پاخیطونف نایب
و مترجم مسیو والری آتشه میرزا عبد الله منشی اول

قونسولگری استراباد

مسیو کالخانوفسکی قونسول موسیو لوبنسکی آتشه

سفارت دولت اطریش و مجارستان

جناب مسیو کوسیک وزیر مختار و ایلچی مخصوص

مسیو شفر نایب اول

سفارت دولت انگلیس

در طهران

جناب انلد طامسن وزیر مختار و ایلچی مخصوص و قونسول
ژنرال دالیزربنک مستشار اول ولیم هکر دی مستشار
دویم دیکیسن صاحب السنه شرقی ارثر لار کوم صاحب
اسکندرفین ویس قونسول هنری جرجیل فرزداد
سرجوسف دیکسن طبیب میرزا زین العابدین منشی اول
میرزا شیخعلی منشی دویم میرزا حسن منشی چهارم

سایر ولایات

تبریز

دبلیم جارج آبث قونسول ژنرال

گیلان و مازندران و استراباد

کلنل لوث

بوشهر

کلنل راس بالیوز و قونسول ژنرال کپیتان مکود
نایب اول منشی دو نفر کاتب دو نفر

مشهد مقدس

میرزا عباسخان

اصفهان

مستر آقانور

شیراز

حیدر علیخان وکیل موقتی

همدان

آقا سید حسین

کرمانشاهان

حاجی آقا حسن

سفارت دولت فرانسه

در طهران

جناب مسیو بالوا وزیر مختار و ایلچی مخصوص مسیو
سوهار نایب اول مسیو لرمترجم اول مسیو کلمب

مترجم و دفتردار سفارت میرزا ابراهیم منشی

تبریز

مسیو امیل برنزونزال قونسول مسیو اودی برشا نسیلیه

میرزا حسن منشی

دولتین هلاند و رومانی

شوالیه لشار شارل کیوت ژنرال قونسول دولتین هلاند و رومانی

ادارات جناب جلالتمآب امین السلطان وزیر دربار اعظم و خزانه عامره و گمرک و غیره

نایب کل ادارات میرزا علی اصغرخان امین الملک ولد جناب معزی الیه

کار دربار و امتیازات مخصوص

وزارت دربار اعظم ریاست خزانه مبارکه اندرون ریاست فراولان مخصوص وجود همایون ریاست اردوی همایون

خلوت همایون

ارباب مناصب

جناب اقبال الدوله رئیس خلوت همایونی حکیم الممالک پیشخدمت باشی سلام غلامحسینخان خازن رکیب خانه مجد الملک میرزا تقیخان منشی حضور و رئیس اداره وزارت وظایف غلامحسینخان امین خلوت و تفنگدارباشی

سایر

ادیب الملک محمد حسینخان محقق جعفرقلیخان ولد مرحوم اعتماد الدوله امیرزاده سلطان حسین میرزا محمد حسینخان پیشخدمت و فراشباشی حضرت والا نایب السلطنه امیر کبیر وزیر جنگ محمد ابراهیمخان ولد مرحوم امین الدوله نور محمد خان امین دیوان آقارضا ناظم خلوت میرزا عبدالله خان جبارخان آقا میرزا محمد کروسی حاجی حبیب الله خان محمد حسنخان میرزا سید عبدالکریمخان حسینخان محلاتی امیرزاده سلطان ابراهیم میرزا ژنرال آجودان حضور امیرزاده آقا مسیح علی اکبرخان پسر محمدخان امیرزاده تیمور میرزا

صندوقخانه و رختدارخانه

امین السلطنه صندوقدار و جامه دار خاصه خازن مخزن نقدی عسکریه دولت علیه

اطبای خاصه

ایرانی

ملک الاطباء میرزا کاظم میرزا سید رضی حکیمباشی نظام شیخ الاطباء میرزا حسینعلی معتمد الاطباء میرزا علی دکتر حکیمباشی حضرت والا نایب السلطنه امیر کبیر وزیر جنگ میرزا نصرالله تنکابنی میرزا لقمان ولد ملک الاطباء میرزا سید علی حاجی میرزا حبیب الله تنکابنی میرزا اسدالله کاشانی

فرنگی

جناب دکتر طولوزان حکیمباشی میرزا زین العابدین خان کاشانی نایب حکیمباشی طولوزان مسیو هینه دندان ساز

فراشخلوتان خلوت همایونی و غیره

میرزا کریم تحویلدار عمله خلوت همایونی میرزا محمد خان نقاشباشی حضور محمد صادقخان فراشخلوت آقا سید ابوالقاسم آقا سلیمان ده باشی خلوت میرزا هدایت آقا سید محمد آقا صادق وغیره

قهوه خانه مبارکه

غلامعلیخان قهوه چی باشی آقا جبار قهوه چی

تفنگداران خاصه

در اداره جناب اقبال الدوله

غلامحسینخان امین خلوت رئیس تفنگداران خاصه رضا قلیخان محمدامانخان رستمخان مصطفی قلیخان آقا خان فرج خان میرزا باقرخان علی اکبرخان میرزا محمدخان قهرمانخان جلیلخان محمد کریمخان حسنخان پسیان اسدالله خان اسمعیلخان محمدخان کرجی نصرالله خان نوری رضاخان نادربیک میرزا ابوالفتح خان حاجی تقیخان حاجی عیسی خان باقی تفنگداران خاصه هشتاد نفر

خواجه سرایان

منیمه الحرم حاجی آغا جوهر خواجه باشی و سر نایب آغا محراب
حاجی آغا سرور خان حاجی آغا فیروز آغا حسن حاجی آغا
غلامعلی آغا سید اسمعیل آغا ابراهیم آغا فتح الله
آغا میرزا احمد اردستانی آغا نوری آغا فرج

اطاق موزهٔ مبارکه

آقا میرزا علی اکبر مستوفی میرزا علی نایب ایضا آقا باقر آقا محمد نایب
آقا مهدی ساعت ساز

ادارهٔ خزانهٔ مبارکهٔ عالیه

بریاست میرزا اسمعیل خان ولد جناب امین السلطان
میرزا فضل الله خان مستوفی میرزا احمد منشی میرزا جعفر ایضا
شیخ مرتضی تحصیلدار میرزا سید جعفر دفتردار میرزا محمود مشرف
وجوهات خزانهٔ مبارکهٔ اندرون آقا محمد علی تحویلدار کل خزانه
آقا هدایت تحویلدار وجوه کمرک و غلات میرزا هادیخان سررشته دار
میرزا محمود سررشته دار میرزا عباس فهرست نویس میرزا
لطیف سررشته دار خزانه آقا قلی صراف آقا زین العابدین صراف
فراش ده نفر

ادارهٔ آبدارخانه و سقاخانه

بریاست آقا محمد علی امین الحضره ولد جناب امین السلطان
آقا یوسف سقاباشی آقا حسینعلی آقا باقر آقا دائی میرزا
ابوالقاسم نایب میرزا غلامحسین سررشته دار آقا فتحعلی
عملهٔ آبدارخانه پانزده نفر سقاسی و هفت نفر

ادارهٔ صرف جیب مبارک

آقا حسینعلی تحویلدار میرزا رضا قلی سررشته دار کل

ادارهٔ ضرابخانه

حاجی محمد حسن امین دار الضرب آقا باقر رئیس میرزا سید
عبدالله سررشته دار حاجی محمد تحویلدار سایر اجزا هفتاد نفر

فوج سواد کوه قراول مخصوص

امین الملک سرتیپ اول نصر الله خان سرهنگ میرزا سید یوسف
سررشته دار

ادارهٔ چراغ گاز و الکتریسیته

میرزا نظام مهندس الممالک رئیس میرزا حسین پسر میرزا علی اکبر
مستوفی سررشته دار استاد یوسف استاد کارخانه
عملجات شصت نفر

ادارهٔ کمرکخانه های ممالک محروسه

مسیو کستانچی قانون نویس میرزا علی سررشته دار
میرزا علی اصغر مترجم محمد تقیخان ناظم میزان آذربایجان
آقا باقر مدیر کمرک گیلان و مازندران و بنادر دریای خزر
غلامرضا خان ناظم میزان یزد و کرمان و کاشان
محمد حسین میرزا مدیر کمرک قزوین و خمسه و همدان
سنجر میرزا مدیر کمرک کرمانشاهان عباسعلی بیک مدیر
کمرک طهران محمد حسن میرزا مدیر کمرک خراسان
میرزا نصر الله مدیر کمرک اصفهان محمد حسینخان مدیر
کمرک فارس و بنادر حیدرخان مدیر کمرک نهاوند و
ملایر و تویسرکان محمود بیک مدیر کمرک کروس و کردستان

ادارهٔ غلات ممالک محروسه

بریاست میرزا اسمعیل خان ولد جناب امین السلطان
میرزا رضا قلیخان سررشته دار میرزا ولی محمد خان
مامور نقد و جنس دارات حضرت والا ظل السلطان
محمد تقیخان مامور غلات آذربایجان آقا رضا خان مامور
خمسه و کروس آقا باقر مامور غلات قزوین
یوسفخان مامور ملایر و تویسرکان و همدان و نهاوند
ابراهیمخان مامور سمنان و دامغان و شاهرود و
بسطام محمود بیک مامور قم و ساوه

ادارهٔ حکومت و تولیت آستانهٔ مقدسه

حضرت عبد العظیم علیه السلام
جناب آقا میرزا هدایت الله ناظم التولیه حسینقلیخان
ناظم التولیه و نایب الحکومه حاجی سید عزیز ایشیک آقاسی
میرزا اسمعیل مهردار حاجی میرزا عبد الکریم صدر الحفاظ
میرزا یحیی ناظر میرزا حبیب الله کلیددار آقا شیخ احمد
واعظ میرزا عبد الحسین سرکشیک آقا میرزا باقر
سرکشیک میرزا بزرگ فراش ضریح مطهر میرزا کاظم
مستوفی میرزا ولی منشی باشی حاجی آقا محمد تحویلدار

نقد و جنس میرزا حسین سررشته‌دار ختام بیست و پنج نفر
قراء بیست نفر کلابدار پانزده نفر مؤذن و چراغچی
پانزده نفر

اداره حکومتهای مخصوصه

سمنان و دامغان و چهارده کلاته بحکومت ضیاء الدوله
طارم بحکومت آقا باقر سوادکوه بحکومت حاجی ولیخان
نایب الحکومه لشته نشا و املاک مجد الدوله در گیلان
بحکومت اکبرخان بیگلربیگی بحر نیش نمیران محمد اسمعیل
بیک نایب الحکومه خوار محمد جعفرخان نایب الحکومه

اداره شترخانه و قاطرخانه و شتر کجاوئی و تخت‌خانه

بریاست محمد قاسمخان صاحب جمع ولد جناب امین السلطان
میرزا علی محمد مشرف شترخانه حاجی میرزا محمد علی مشرف تخت‌خانه
میرزا علینقی مشرف قاطرخانه جواد بیک نایب اول شتربانی
نصیربیک نایب دویم شتربانی موسی خان نایب تخت‌خانه
حاجی حسن نایب قاطرخانه باباحاجی نایب دویم باباکبر
تحویلدار جنسی عمله‌جات از پانزده باشی و داروغه و قاطرچی
و ساربان یکهزار و پانصد نفر

اداره سواره دیوانی

دو هزار و یکصد و بیست نفر

سواره شیرین

آقاجان خان سرهنگ کریمخان ایلبیگی میرزا رحمت الله
مشرف صاحبمنصب و سوار پانصد نفر

سواره افشار

جهانشاه خان سرتیپ و رئیس کل میرزا محمد علی سررشته‌دار
میرزا موسی مشرف صاحبمنصب و سوار پانصد نفر

خواجه وند

علی اکبرخان سرتیپ حسنخان ایلبیگی میرزا شکرالله
مشرف صاحبمنصب و سوار پانصد نفر

اوصانلو

سیف الله خان سرکرده میرزا حسن مشرف صاحبمنصب
و سوار دویست نفر

سواره هداوند

رحیمخان سرکرده میرزا ابوالقاسم مشرف صاحبمنصب
و سوار صد و پنجاه نفر

قراچورلو

صفرعلیخان سرکرده میرزا اسحق مشرف صاحبمنصب و
سوار یکصد نفر

سواره قراسوران زاقزوین

جمعی آقا باقر بیوکخان سرکرده میرزا علی اصغر مشرف
صاحبمنصب و سوار یکصد و هفتاد نفر

اداره انبار غله دار الخلافه

بریاست آقا یوسف سقاباشی میرزا علی سررشته‌دار
میرزا حسن سررشته‌دار فرخ آقا تحویلدار میرزا حسینعلی
روزنامه‌نویس میرزا ربیع مشرف مباشر و عمله‌جات از
قپاندار و فراش وغیره ده نفر

اداره ایلات دار الخلافه

ابو الحجمی امین الملک ولد جناب امین السلطان
عرب ورامین عرب میش مست عرب سهانی ایل
هداوند ایل اوصانلو ایل قراچورلو ایل المیکائی
ایل کاوند ایل بختیاری ایل قشقائی ایل اورپات
ایلات متفرقه عرب و کلکو

اداره بنائخانه و نجارخانه

علاء الملک مستوفی بنائی حاجی ابو الحسن معمارباشی
میرزا حسین سررشته‌دار میرزا مصطفی قلی سررشته‌دار
میرزا غلامحسین سررشته‌دار حاجی میرزا سید ابوطالب
سررشته‌دار میرزا مصطفی مدیر نجارخانه حاجی حسینعلی
معمار باغات دیوانی استاد حسنعلی معمار عمارات همایونی
استاد حسین معمار بنائیهای نظام حاجی محمد حسن کدخدای
نجارخانه نایب و فراش بیست نفر

اداره راههای شوسه

راه شوسه قزوین سپرده به آقا باقر عمله‌جات یکصد و هشتاد نفر

راه شوسه قم سپرده بمیرزا نظام مهندس الممالک عمله راه دائمی پنجاه نفر

راه انجیرو نور و فیروزکوه و آمل سپرده بمیرزا تقی و میرزا نظام مهندس الممالک

اداره دار النظاره مبارکه و اداره مقدسه

مُهر مِهر آثار همایون بسرپرستی جناب جلالتمآب عضد الملک وزیر حضور همایون و خوانسالار و خازن مهر مهر آثار وایلخانی ایل جلیل قاجار

اجزای دار النظاره

محمدقلیخان پیشخدمت حضور نایب النظاره میرزا علینقی منشی باشی میرزا صادق سررشته دار میرزا علی اکبر شربتدار باشی حاجی میرزا محمد رضای شربت دار میرزا محمد نایب شربتخانه مبارکه آقا محمد حسن چوبکچی باشی استاد زین العابدین آشپزباشی حاجی نصرالله طباخ خاصه دویم آقا محمد باقر تحویلدار جنس استاد میرزای خاصه پز کربلائی ربیع ابابغچی باشی

اجزای اداره مُهر مِهر آثار همایون

میرزا زین العابدین حافظ مهر مهر آثار مبارک محمد کریم بیک حامل مهر همایون سفراً و حضراً قراول و مستحفظ شش نفر

ایشیک خانه مبارکه

امیر الامراء العظام ظهیر الدوله ایشیک آقاسی باشی

نایب ایشیک آقاسی باشی و یساولان

محمد امین خان محمد خان قور یساول باشی امیرزاده حسینقلی خان تقیخان جعفرقلیخان اسدالله خان ابوالفتح خان حسینخان محمد علیخان برادر شهریارخان ابوالفتح خان عباسقلیخان اکبرخان عیسی خان موسی خان علی آقا قاجار حاجی حسینخان غلام حسینخان سلیمانخان علیخان مصطفی قلیخان امان الله خان آقاخان محمد علیخان نوائی محمد خان نوائی مهدیقلیخان مرتضی قلیخان میرزا سید هاشم میرزا حسینقلی سلیمان آقا محمد علیخان کروسی میرزا مهدیخان حسین بیک میرزا عبد الحسین عباسقلیخان حاجی علی محمد خان آقا محمد رحیم خان دائی غلامعلیخان اشرفی امامقلیخان نوائی کریمخان زنگنه محمود خان نوری غلامحسینخان نایب دوانی میرزا محمد تقی نوری میرزا محمد حسین محمد حسینخان زنگنه عباسقلیخان حاجی عبدالله سلیمانخان عبد الرزاق بیک فرج الله خان میرزا عبد الکریم عباسقلی بیک حاجی محمد تقیخان محمد آقای بروانی یساولان پنجاه نفر

کشیکخانه مبارکه

امیر الامراء العظام عبدالله خان کشیکچی باشی میرزا محمد تقی وکیل لشکر مباشر کل محاسبات کشیکخانه مبارکه محمود خان قوللر آقاسی باشی

غلام پیشخدمتان

درجه اول چهارده نفر درجه دویم بیست و چهار نفر درجه سیم بیست و هشت نفر درجه چهارم هشتاد و هفت نفر

یوزباشیان

رستمخان قاجار سرتیپ عباسقلیخان کرجی سرتیپ حیدرقلیخان مافی سرتیپ محمد قلیخان بهائی سرتیپ عزت الله خان مافی سرتیپ کلبعلیخان قبه سرتیپ طهماسبقلیخان یوزباشی مامور انزلی باباجان سعدالله خان ایضاً یوزباشی علی اصغرخان یوزباشی موسی خان قبه یوزباشی عبدالله خان یوزباشی باباخان ایضا محمد حسنخان ایضا محمد اسمعیل خان ایضا

فراشخانه و سرایدارخانه و نسقچی خانه مبارکه

محمد حسنخان حاجب الدوله فراشباشی و نسقچی باشی

فراشخانه

حسینقلیخان نایب کل میرزا آقا سررشته دار

نایبان

درجه اول یازده نفر

آقاشیر محمد قزوینی تحویلدار انبار آقا محمد جعفر تبریزی
ابوالقاسمخان میرزا سید جعفر جعفرخان بیک تهرانی
محمد تقی بیک تبریزی میرزا ابراهیم مازندرانی محمد تقی بیک
شمیرانی آقا علی اکبر هرسینی محمد ابراهیمخان کاشانی
رحیمخان

درجه دویم هیجده نفر

میرزا محمد تقی میرزا عبدالعلی آقا رضا نائلی میرزا حبیب الله
میرزا عبدالحمید میرزا اسدالله میرزا احمد آقا رجب
آقا مهدی میرزا عباس مهدیخان احمد آقا کربلائی
کاظم محمد مهدی بیک میرزا آقا ولد ابوالقاسمخان میرزا
جبار آقا سید رضای حمام باشی محمد حسین بیک
چراغچی باشی

درجه سیم چهارده نفر

میرزا فتح اللهخان آقا محمد علی علی آقا بیک غلامحسینخان
رضاخان کاشی میرزا احمد محمد حسین بیک ابوالقاسم
خان ولد مهدیخان ابراهیمخان ولد ابوالقاسمخان
نصرالله بیک حاجی میرزا محمد آقا بیک حسین آقا
حبیب الله بیک قراجه داغی

قاپوچی باشی و قاپوچیان

محمد آقای قاپوچی باشی احمدخان نایب ولد قاپوچی باشی
کربلائی رمضان پهلوان ابراهیم یزدی

سرایدارخانه

محمد ابراهیمخان سرایدارباشی حسینقلیخان نایب
ولد سرایدارباشی رضاخان نایب ولد ایضا آقا یوسف
نایب آقا نجف نایب آقا محمد نایب علی محمدخان نایب
میرزا ابراهیم نایب

نسقچیخانه مبارکه

محمد حسینخان نسقچی باشی ولد حاجب الدوله

نایبان

عبدالله خان قاجار هادیخان قاجار محمد زمانخان
ابوالقاسمخان قاجار خانباباخان سرهندی

میرزا حسین مشرف یوسفخان قاجار میرزا محمود نوری
محمد رضاخان قزوینی یحیی بیک طهرانی

غلامان مهدیه و منصور

ابوالجمع علاء الدوله میرزا احمدخان سرتیپ اول و شیچک
مخصوص حضور همایون

سواره مهدیه

سیصد و هشتاد و چهار نفر

ارباب مناصب

بیست و دو نفر

محمود خان سرتیپ ولد مرحوم سپهدار حاجی حسینخان سرتیپ
نواده مرحوم رفیعخان قاجار میرزا نعیخان سرهنگ
فتح اللهخان سرهنگ رحمة اللهخان یوزباشی غلامان
نوزده نفر نایب پنج نفر پنجاه باشی ده نفر

سایر

سیصد و شصت و دو نفر

سواره منصور

هزار و دویست و پنجاه و هشت نفر

ارباب مناصب

پنجاه و دو نفر

عباسقلیخان سرتیپ ولد حاجی صمصام الملک زین العابدین
خان سرتیپ ولد حسام الملک امیرزاده فریدون میرزا
ولد مرحوم سالار مجعیلخان یوزباشی غلامان خلج
خیرالله خان یوزباشی غلامان مافی لطفعلیخان یوزباشی
غلامان کروسی حاجی محمد قلیخان یوزباشی غلامان سنگ سر
علیمرادخان سرکرده غلامان تکلو اسمعیل خان سرکرده
ولد قاسمخان سرتیپ آقاسیخان سرکرده ولد ایضا
میرزا رضا قلیخان سرکرده اسکندرخان سرکرده غلامان
خلج میرزا موسی نایب نوزده نفر پنجاه باشی
بیست نفر

سایر

یکهزار و دویست و شش نفر

ادارات خاصهٔ جناب جلالتمآب امین الدوله ملیر وزیر مرتب دار الشورای کبری و واسطهٔ عرایض و صدور احکام

وزارت وظایف کل ممالک محروسه

جناب جلالتمآب امین الدوله وزیر وظایف

دفتر خاصهٔ وزارت

رئیس کل مجد الملک منشی حضور همایون منشی مخصوص میرزا مصطفی خان میرزا محمد علی منشی میرزا محمد حسین محرر و ثبات

دفتر ثبت و حساب

رئیس میرزا سید مصطفی مستوفی و نایب الوزاره وظایف میرزا نصرالله سررشته دار میرزا سید حسین سررشته دار میرزا محمد سررشته دار میرزا علی اصغر سررشته دار

دفتر انشاء

رئیس میرزا مهدی منشی باشی نایب الوزاره نویسنده میرزا محمد ثبات دو نفر

دفتر تحقیق و تصحیح بریاست رئیس کل راجع است

اعضا

میرزا سید مصطفی مستوفی و نایب الوزاره میرزا مهدی منشی باشی میرزا نصرالله سررشته دار

دفتر اسناد

رئیس میرزا سید حسین محرر و ضابط میرزا سید یوسف

اجزای مجلس وزارت اوقاف

آقا میرزا حسن مستوفی رئیس آقا سید محمد باقر جار ازانی ناظم مجلس میرزا محمد منشی مجلس اوقاف میرزا حسن کتابچه نویس میرزا سید حسین سررشته دار میرزا یوسف ثبات

ادارهٔ پستخانهٔ مبارکه

بوزارت جناب جلالتمآب امین الدوله

اجزاء پستخانهٔ دار الخلافهٔ طهران

میرزا محمد علیخان مستشار نایب اول و رئیس اطاق مرکزیه مسیو نیکلا نایب اول و دفتردار و منشی مکاتبات خارجه میرزا اسمعیل منشی باشی نایب اول وزارت پست میرزا ابراهیم سررشته دار و محاسبه نویس کل پستخانها میرزا مطلب تفتیش باشی و تحویلدار کل پستخانها میرزا هادی تحویلدار امانات میرزا اسدالله منشی اول میرزا علی منشی دویم میرزا ابوتراب دفتردار ایستاسیونها میرزا علیخان کبرنده نوشتجات میرزا اسدالله تحویلدار امانات خارجه میرزا علی معین ایضا آقا علی و اسمعیل خان مجزا کننده نوشتجات داخله و خارجه میرزا ابراهیم ممیز نوشتجات و بارنامها میرزا ابراهیم معین میرزا هادی تحویلدار امانات میرزا علی دفتردار ملتمسه میرزا اوانس بزرگ و میرزا اوانس کوچک دفتردار ملتمسه و نوشتجات سفارشی و مترجم میرزا نیکلا رئیس پستخانه خیابان و مترجم زبان روسی نادعلیخان غلامباشی محمدخان نایب اول مامور خط مازندران حسینقلی بیک ایباول اول طهماسب بیک ایباول دویم غلامان کل ولایات هشتاد نفر فراشان پستخانه مرکزیه طهران ده نفر

خط آذربایجان

پستخانهٔ مرکزیهٔ تبریز

میرزا حسنخان سرهنگ و رئیس پستخانهای آذربایجان میرزا حاجی آقا تحویلدار امانات و نوشتجات میرزا رضا سررشته دار و تحویلدار ورود و خروج میرزا محمود تحویلدار و دفتردار ایستاسیونها و ملتمسه‌ها میرزا مهدی تحویلدار نوشتجات سفارشی و سفر به داخله حسن آقا کنترل نویس غلامان خط طهران پنج نفر غلامان خط جلفا دو نفر غلامان خط خوی دو نفر فراش پستخانهٔ تبریز شش نفر

پستخانهای ولایات جزو آذربایجان

میانج

میرزا مهدی مباشر فراش نفر

ساوجبلاغ

میرزا تقی مباشر نویسنده نفر غلام نفر فراش نفر

ارومیه

میرزا نیکلا مباشر غلام نفر فراش نفر

خلخال

میرزا اسمعیل مباشر نویسنده نفر غلام نفر

خوی

میرزا ملکم مباشر نویسنده نفر فراش نفر

مراغه

میرزا آقا بالا نویسنده نفر فراش نفر غلام نفر

اردبیل

میرزا علینقی مباشر نویسنده نفر غلام دو نفر فراش نفر

سلماس میرزا غلام مباشر غلام نفر فراش نفر

جلفا امیرخان رئیس نویسنده نفر فراش نفر

قزوین

میرزا زین العابدین رئیس میرزا حاجی آقا نویسنده فراش سه نفر

زنجان

میرزا محمد علی رئیس نویسنده نفر فراش سه نفر

رشت

میرزا سرکیس خان رئیس میرزا تقی نویسنده تحویلدار نفر فراش سه نفر

انزلی

میرزا جبار فراش نفر

خط فارس

قم

میرزا فضل الله رئیس نویسنده نفر فراش دو نفر

سلطان آباد

میرزا نصرالله رئیس نویسنده نفر فراش دو نفر

کاشان

میرزا هاشم خان رئیس میرزا ابراهیم خان نویسنده فراش سه نفر

اصفهان

میرزا آکرکین رئیس میرزا نصرالله نویسنده فراش سه نفر

جلفا

یوسف خان رئیس نویسنده نفر فراش نفر

آباده

میرزا جعفر رئیس فراش نفر

شیراز

نظر علیخان رئیس میرزا باقر نویسنده فراش سه نفر قاصد شش نفر

کازرون

میرزا آقا رئیس فراش نفر

بندر ابوشهر

مسیو ژنون رئیس میرزا محمود نویسنده میرزا محمد علی گیرنده نوشتجات فراش دو نفر قاصد شش نفر

خط یزد و کرمان

نائین

میرزا محمد رئیس فراش نفر

یزد

میرزا ابوالقاسم رئیس نویسنده نفر فراش سه نفر قاصد شش نفر

کرمان

میرزا علیرضا خان رئیس میرزا جواد نویسنده فراش سه نفر

سیرجان

مرتضی قلیخان رئیس فراش نفر

رفسنجان

میرزا آقا رئیس فراش نفر

بندر عباس

میرزا عبدالوهاب رئیس فراش نفر قاصد هشت نفر

لار

رئیس نفر فراش نفر

خط خانقین

نوبران

میرزا علینقی مباشر فراش نفر

همدان

میرزا یحیی رئیس میرزا محمد نویسنده فراش سه نفر

تویسرکان

میرزا احمد مباشر فراش نفر

کنکاور

میرزا محمد مباشر فراش نفر

کرمانشاهان

حاجی میرزا ابراهیم رئیس میرزا تقی نویسنده فراش سه نفر

خانقین

میرزا محمود رئیس فراش دو نفر

خط خراسان

سمنان

میرزا علی رئیس فراش دو نفر

شاهرود

میرزا اسد الله رئیس نویسنده نفر فراش دو نفر

سبزوار

میرزا اسمعیل رئیس نویسنده نفر فراش دو نفر

نیشابور

میرزا محمد حسین رئیس فراش دو نفر

ارض اقدس

حاجی میرزا ابو القاسم رئیس میرزا محمد حسین نویسنده فراش چهار نفر

خط مازندران

آمل

میرزا الله یار رئیس فراش نفر

بارفروش

حیدر خان رئیس فراش نفر

ساری

حسنخان رئیس نویسنده نفر فراش دو نفر

استراباد

میرزا اوانس رئیس نویسنده نفر فراش دو نفر

خط کردستان

دولتاباد

اسد الله خان رئیس نویسنده نفر فراش دو نفر

نهاوند

میرزا فتح الله رئیس فراش نفر

بروجرد

میرزا عبد الغنی رئیس فراش نفر

کروس

میرزا فرج الله رئیس غلام راه ساوجبلاغ دو نفر
غلام راه کروس از ده کلان الی بیجار دو نفر فراش نفر

سنندج

ابو القاسمخان رئیس نویسنده نفر
فراش دو نفر

اداره وزارت تجارت و فلاحت بوزارت جناب جلالتمآب نصیر الدوله وزیر تجارت و فلاحت

صاحب منصبان مجلس محاکمات

مشیر لشکر رئیس مجلس و نایب وزارت تجارت حاجی میرزا یوسفخان نایب مشیر لشکر میرزا ابوترابخان مستشار وزارت تجارت میرزا حسنخان منشی حاتم خان آجودان

سایر اجزای مجلس محاکمات

حاجی میرزا تقی آقا حاجی علی اکبر شیرازی حاجی احمد آقای اردبیلی آقا محمد ابراهیم ارباب طهرانی آقا محمد امین ارباب طهرانی حاجی ملا حسن تاجر طهرانی آقا سید عبد الرحیم

معین التجار

مجلس محترم خراسان

شاهزاده نصرالله میرزا رئیس مجلس نایب التجاره حاجی میرزا نقی آقا آقا سید آقای تاجر کاشانی آقا میرزا ابراهیم شیرازی حاجی محمد ابراهیم ارباب طهرانی حاجی محمد حسین تاجر کاشانی میرزا یعقوب محاسب حبیب الله خان اجودان

مجلس محترم ترویج

شاهزاده حاجی محمد طاهر میرزا رئیس مجلس میرزا ابوتراب خان مستشار وزارت تجارت آقا میرزا محمد صادق منشی باشی میرزا مهدی منشی آقا عبد الباقی ارباب طهرانی حاجی محمد حسن امین دار الضرب حاجی علی اکبر تاجر ده دشتی آقا میرزا کاظم منشی آقا میرزا محمود منشی حاجی شیخ ابو الفتح رضا خان اجودان

تجار معروف متوقف طهران

حاجی محمد کاظم ملک التجار ممالک محروسه حاجی آقا موسی اصفهانی حاجی میرزا عبد الرحیم شیرازی صراف خزانه نظام حاجی علینقی تاجر کاشانی حاجی ابوطالب تاجر طهرانی حاجی محمد حسین تاجر تبریزی آقا شیخ محمود تاجر تبریزی حاجی میر محمد آقا تاجر تبریزی حاجی عبد اللطیف تاجر ده دشتی آقا سید کاظم معین التجار گیلانی حاجی عبد الحسین تاجر شیرازی آقا عیسی پسر حاجی علی اصفهانی حاجی علی اصغر امین معادن حاجی محمد صادق تاجر کاشانی حاجی علی تاجر یزدی حاجی میرزا محمد علی تاجر شیرازی حاجی محمد حسین تاجر کاشانی حاجی غفار تاجر تبریزی آقا علی محمد تاجر تبریزی حاجی حسن تاجر نخجوانی حاجی محمد تقی تاجر کاشانی حاجی محمد مهدی تاجر کاشانی حاجی محمد حسین ملک التجار کاشانی آقا میرزا حبیب الله تاجر کاشانی آقا علی محمد تاجر کاشانی آقا میرزا احمد تاجر کاشانی حاجی شکر الله تاجر طهرانی میرزا ابو القاسم تاجر اصفهانی حاجی علی احمد تاجر طهرانی آقا محمد اسمعیل تاجر جهرمی حاجی محمد آقای تاجر همدانی مشهدی محمود تاجر تبریزی حاجی میرزا احمد تاجر شیرازی حاجی ابراهیم تاجر اسکوئی حاجی آقا کوچک تاجر قزوینی حاجی عبد الرزاق تاجر اسکوئی آقا محمد حسین تاجر تبریزی حاجی ابو القاسم تاجر جهرمی آقا محمد حسین تاجر ماازندرانی حاجی عباس تاجر قزوینی آقا علی مقدم تاجر قزوینی حاجی محمد رضا تاجر شیرازی حاجی محمد جعفر تاجر خراسانی

مجالس تشکیلات سایر ولایات ممالک محروسه

که از جانب وزارت تجارت معین شده است

تبریز

حسینقلیخان بیگلربیگی مملکت آذربایجان رئیس

اجزا

حاجی سید تقی آقا ناظم التجار حاجی شیخ جعفر حاجی محمد حسین ملک التجار حاجی محمد صادق مشیر التجار حاجی آقا هاشم معتمد التجار حاجی عبد الحمید حاجی سید حسین تاجر اصفهانی حاجی سید مرتضی

زنجان

رئیس حاجی میرزا محمد حسین وزیر

اجزا

حاجی میر بهاء الدین آقا هدایت ملک التجار حاجی یوسف

قزوین

شاهزاده یعقوب میرزا رئیس

اجزا

حاجی محمد رضا ارباب حاجی میرزا مهدی ارباب حاجی محمد صادق ارباب

گیلان

رئیس محمد خان سرهنگ

اجزا

حاجی محمد معین التجار حاجی محمد آقای ملک التجار حاجی حبیب الله حاجی سید رضی مشیر التجار حاجی کاظم قزوینی

اصفهان

رئیس جعفر قلیخان قاجار

اجزا

حاجی آقا محمد ملک التجار حاجی محمد کاظم قزوینی حاجی عبد الباقی
حاجی سید ابراهیم حاجی عبد الغفار آقا محمد مهدی ارباب

شیراز

رئیس محمد رضا خان بیگلربیگی

اجزا

حاجی شیخ زین العابدین حاجی محمد صادق حاجی سید ابراهیم
تاجر اصفهانی حاجی میرزا ابو القاسم حاجی محمد مهدی آقا
حاجی میرزا جواد کشمیری حاجی محمد حسین تاجر کازرونی
آقا میرزا بزرگ تاجر شیرازی

یزد

رئیس ابراهیم خلیل خان حاکم

اجزا

آقا کوچک ملک التجار حاجی محمد صادق ناظم التجار
آقا علی آقا تاجر شیرازی حاجی محمد تقی شیرازی حاجی
محمد تقی عرب آقا محمد جواد ولد حاجی ملا محمد تقی معین التجار

بوشهر

رئیس حاجی مهدی ملک التجار

اجزا

حاجی علی اکبر تاجر کازرونی حاجی ابو القاسم تاجر کازرونی
آقا محمد تاجر دهدشتی حاجی محمد حسین تاجر کازرونی حاجی
غلام حسین حاجی محمد حسن تاجر بوشهری حاجی محمد ابراهیم
تاجر نیل فروش

کردستان

رئیس میرزا علینقی

اجزا

حاجی میر ابراهیم امین التجار آقا سید فرج الله حاجی
سید محمد آقا باباجان آقا حبیب الله آقا فتحعلی همدانی

کاشان

رئیس حاجی عباسقلیخان حاکم

اجزا

حاجی محمد حسن امین التجار حاجی سید ابراهیم حاجی
سید جعفر حاجی میر عبد الرحیم حاجی علینقی حاجی لطفعلی

همدان

رئیس میرزا احمد پیشکار

اجزا

حاجی محمد سعید عرب حاجی میرعباس دزفولی حاجی
ابو القاسم مشهور برشتی حاجی محمد رضا نراقی حاجی
درویش همدانی

مازندران

رئیس سهام الدوله سرتیپ اول حکمران

اجزا

میرزا علینقی ملک التجار حاجی محمد اسمعیل آقا سید حسن
حاجی سید حسین آقا خلیل حاجی ملا آقا جان

مشهد مقدس

رئیس حاجی ابو القاسم ملک التجار

اجزا

حاجی محمود تاجر کابلی حاجی محمد تقی تاجر میلانی حاجی محمد جعفر
تاجر کاشانی حاجی ابو القاسم تاجر کابلی حاجی مهدی تاجر
اصفهانی حاجی محمد حسین تاجر مشهدی مشهور بقاضی

کرمان

رئیس آقا محمد علی امین الرعایا

اجزا

آقا سید مهدی تاجر اصفهانی حاجی محمد جعفر تاجر هرندی
حاجی غلامرضا تاجر خراسانی حاجی اسد الله تاجر یزدی
شیخ محسن تاجر کرمانی

عراق

بریاست میرزا علی اکبر خان نایب الحکومه

کرمانشاهان

بریاست حاجی آقا حسن وکیل التجاره دولت انگلیس

سمنان و دامغان

بریاست آقا محمد باقر تاجر یزدی

شاهرود و بسطام

بر ایست محمدخان قوربباولباشی حاکم

اجزا

حاجی ابوالقاسم تاجر بسطامی آقا محمد هاشم تاجر اصفهانی

میرزا بابا تاجر شیرازی حاجی محمد علی تاجر اصفهانی

حاجی میر حسین تاجر شاهرودی

کروس

بر ایست آقا اسدالله تاجر همدانی

سبزوار

بر ایست میرزا اسمعیل رئیس تلگرافخانه

ملایر

بر ایست حاجی محمد جعفر امین التجار ملایر

وزارت علوم و غیره

جناب جلالتمآب مخبرالدوله وزیر علوم و تلگراف و معادن ممالک محروسه

وزارت علوم

مدرسه مبارکه دارالفنون

رؤسا و صاحبمنصبان

جناب جعفرقلیخان سرتیپ اول و رئیس مدرسه محمد حسین خان سرتیپ دویم و ناظم مدرسه میرزا اسدالله خان نایب اول وزارت علوم محمد تقی میرزا سرتیپ سیم و اجودان مدرسه میرزا محمد حسین رئیس الکتاب احکام نویس مدرسه میرزا محمد تقی سررشته دار مدرسه اسدالله خان کتابدار محمد حسین میرزا دوزنامه نویس

معلمین

ایرانی

حاجی نجم الملک سرتیپ دویم و معلم کل علوم ریاضی و منجم باشی میرزا ابوالقاسم حکیمباشی معلم طب ایرانی میرزا کاظم معلم حکمت طبیعی میرزا علی دکتر معتمد الاطبا طبیب حضور همایون و حکیمباشی حضرت والا نایب السلطنه امیرکبیر وزیر جنگ معلم طب فرنگی میرزا محمد دکتر رئیس مریضخانه مبارکه معلم طب فرنگی میرزا علی اکبرخان نقاشباشی سرهنگ معلم زبان فرانسه و نقاشی میرزا علیخان قاجار معلم طب مجانی ملا محمد صادق معلم فارسی و عربی

فرنگی

مسیو ریشارد خان معلم زبان فرانسه دارای درجه دویم سرتیپی مسیو پرسکی خان معلم زبان فرانسه دارای درجه دویم سرتیپی مسیو لمر معلم موزیک دارای نشان درجه سیم شیر و خورشید و نشان طلای علمی مستر طلر معلم زبان انگلیسی دارای نشان درجه سیم شیر و خورشید مادروسخان سرهنگ معلم زبان روسی و دارای نشان درجه چهارم شیر و خورشید دکتر البو معلم طب مسیو بلر معلم توپخانه مسیو مونت معلم پیاده نظام مستر هاوکستر معلم معدن

مترجمین

محمد باقرخان سرهنگ مهدیقلیخان پسر جناب وزیر علوم

خلفاء و غیره

خلفاء

از ریاضی و غیره نه نفر

شاگردان فارغ التحصیل دوازده نفر

اطباء شش نفر مهندسین شش نفر

شاگردان

دویست و شصت و نه نفر

سایر معارف مدرسه

میرزا جعفرخان ناظر مدرسه میرزا نصیر مدیر دواخانه دولتی میرزا آقا بزرگ مدیر عکاسخانه میرزا عباس نقاش و مدیر باسمه خانه مدرسه غلامحسین بیک نایب ... آبدار

اجزای مجلس حافظ الصحه

جناب جلالتمآب مخبرالدوله وزیر علوم جناب جعفرقلیخان رئیس مدرسه

اطبای ایرانی

ملک الاطباء حکیمباشی حضور همایون آقا میرزا سید رضی حکیمباشی نظام شیخ الاطباء طبیب مخصوص حضور میرزا ابو القاسم حکیمباشی و معلم مدرسه میرزا کاظم معلم حکمت طبیعی میرزا علی دکتر معتمد الاطباء طبیب حضور مبارک و حکیمباشی حضرت والا نایب السلطنه امیر کبیر وزیر جنگ میرزا محمد دکتر و رئیس مریضخانه مبارکه حاجی میرزا حبیب الله حکیم حضور میرزا نصر الله طبیب حضور میرزا عبد الکریم میرزا عبد الله میرزا علی اکبر خان حسنخان میرزا محمد تقی سررشته دار میرزا نصرت طبیب مخصوص مدرسه و طبیب مریضخانه و رئیس آبله کوبی طهران محمد حسین میرزا ناظم نوبت یقامه نویس

فرنگی وغیره

جناب دکتر طولوزان حکیمباشی مخصوص حضور همایون میرزا زین العابدین خان حکیم حضور نایب دکتر طولوزان دیکسن صاحب حکیمباشی سفارت انگلیس دکتر چرچ پین طبیب سفارت روس دکتر بکمز

اجزاء مریضخانه مبارکه دولتی

رئیس و اطباء

میرزا محمد دکتر رئیس مریضخانه مبارکه حسنخان طبیب و دواساز میرزا نصرت طبیب مخصوص مدرسه دار الفنون و طبیب حافظ الصحه و رئیس آبله کوبی طهران آقا سید ابو تراب مقیم شب و روز مریضخانه میرزا قوام الدین طبیب میرزا ابراهیم ایضا میرزا فرهاد شاگرد دواساز

سایر اجزاء

میرزا سید علی نفرشی مشرف مریضخانه مشهدی حسین تحویلدار شیخ محمد مؤذن ناظر و طباخ و ایاغچی سه نفر سایر عمله جات نوزده نفر

اجزاء مدرسه دولتی تبریز

از قرار سنه ماضیه است

اداره تلگرافیه ممالک محروسه

بوزارت جناب جلالتمآب مخبر الدوله وزیر علوم

چهارصد و هشتاد و پنج نفر

دار الخلافه باهره و حضرت عبد العظیم ع

ارباب مناصب داخله

حسینقلیخان سرتیپ رئیس کل نصر الله خان سرتیپ قاپوچی تلگرافچی عمارت مبارکه محمد رضا خان سرهنگ تحویلدار محمد رضا میرزا سرهنگ محمود خان سرهنگ رشتی جلیل میرزا تلگرافچی سی و دو نفر

ارباب قلم

میرزا سلیمان سررشته دار کل میرزا عبد الوهاب منشی باشی منشیان دوازده نفر محررین دوازده نفر

اجزای خارجه

مسیو شارل سرتیپ فرد خارجه مسیو ناطا میکانیکچی مسیو لاپین ناظم خلیل میرزا سرهنگ آقا نرسس تلگرافچی

سایر عمله جات

از غلام سواره و پیاده و فراش وغیره بیست و نه نفر

سایر ولایات

خط فارس و کرمان

قم

محمد میرزا رئیس تلگرافچی سه نفر نویسنده نفر فراش دو نفر

کاشان

عیسی خان سرهنگ رئیس تلگرافچی دو نفر نویسنده نفر فراش دو نفر

اصفهان و توابع و کوپا و نائین

میرزا ابو القاسمخان سرتیپ رئیس تلگرافچی هفت نفر نویسنده سه نفر غلامان چهار نفر فراشان چهار نفر

شیراز و ابوشهر و آباده و کازرون

علی اصغر خان سرهنگ و رئیس تلگرافچی هشت نفر نویسنده نفر فراش هشت نفر

یزد و توابع و عقدا و کرمانشاه

محمد جعفر میرزا سرهنگ و رئیس تلگرافچی چهار نفر غلامان

شش نفر

ششنفر فراشان دو نفر

کرمان و توابع و بهرام آباد و انار

عباسعلیخان سرهنگ و رئیس تلگرافچی سه نفر نویسنده نفر
غلام شش نفر فراش سه نفر

خط آذربایجان و گیلان

قزوین

محمد مهدی میرزا رئیس تلگرافچی سه نفر نویسنده نفر
فراش سه نفر

زنجان

جعفرخان رئیس تلگرافچی نفر فراش دو نفر

آذربایجان

شهر تبریز

میرزا جلیلخان سرتیپ و رئیس تلگرافچی یازده نفر نویسنده
چهار نفر غلام دو نفر فراش پنج نفر

ولایات جزء

میانج

تلگرافچی نفر فراش نفر

خوی

تلگرافچی نفر فراش نفر غلام دو نفر

سلماس

حسین آقا یاور و رئیس تلگرافچی دو نفر غلام پنج نفر
فراش نفر

مرند

تلگرافچی نفر غلام نفر

جلفا

تلگرافچی نفر فراش نفر

میاندوآب

تلگرافچی نفر غلام دو نفر فراش نفر

کوکان

تلگرافچی نفر غلام دو نفر

مراغه

تلگرافچی نفر غلام دو نفر فراش نفر

ساوجبلاغ

تلگرافچی نفر غلام نفر فراش نفر

ارومی

تلگرافچی نفر نویسنده نفر غلام دو نفر فراش دو نفر

گیلان

رشت

شاهزاده میرزا رئیس تلگرافچی سه نفر نویسنده نفر
غلام چهار نفر فراش دو نفر

نقاط تابعه

منجیل

تلگرافچی نفر غلام شش نفر فراش نفر

انزلی

تلگرافچی نفر غلام نفر

خط خانقین و عربستان

خان آباد

تلگرافچی نفر غلام دو نفر

نوبران

تلگرافچی نفر غلام دو نفر

زره

تلگرافچی نفر غلام دو نفر

همدان

نصرالله خان سرهنگ رئیس میرزا طاهرخان سرهنگ
تلگرافچی پنج نفر نویسنده نفر ناظالصاحب تلگرافچی
خارجه غلام چهار نفر فراش چهار نفر

کنکاور

تلگرافچی نفر غلام دو نفر

کرمانشاهان و سرحدات

کرمانشاهان

محمد صفی میرزا سرتیپ و رئیس میرزا حسین سرهنگ
تلگرافچی شش نفر (داخله سه نفر) (خارجه سه نفر)

غلام سه نفر فراش سه نفر

سرحدات

قصر شیرین

تلگرافچی نفر غلام دو نفر

کرند

تلگرافچی نفر غلام دو نفر

سرپل

تلگرافچی نفر غلام نفر

کردستان

میرزا اسمعیل خان سرهنگ و رئیس تلگرافچی نفر نویسنده نفر غلام و فراش چهار نفر

سقز

تلگرافچی نفر غلام سه نفر فراش نفر

بیجار

تلگرافچی نفر غلام نفر فراش نفر

ملایر

میرزا محمد یاور و رئیس تلگرافچی نفر نویسنده نفر غلام دو نفر فراش نفر

عراق

سیف الملوک میرزا رئیس تلگرافچی نفر نویسنده نفر غلام دو نفر فراش نفر

نهاوند

میرزا حسین یاور و رئیس تلگرافچی نفر غلام دو نفر فراش دو نفر

بروجرد و دالان

میرزا حسین سرهنگ و رئیس تلگرافچی چهار نفر نویسنده نفر غلام پنج نفر فراش سه نفر

خرم اباد

میرزا موسی خان سرهنگ و رئیس تلگرافچی نفر غلام دو نفر فراش دو نفر

عربستان

میرزا جواد رئیس تلگرافچی نفر غلام دو نفر فراش دو نفر

خط خراسان و مازندران

ایوانکیف

تلگرافچی نفر غلام دو نفر

خوار

تلگرافچی نفر غلام دو نفر

سمنان

حاجی باباخان رئیس تلگرافچی دو نفر نویسنده نفر فراش و غلام چهار نفر

فیروزکوه

تلگرافچی نفر غلام سواره و پیاده دو نفر

دامغان

حاجی آقا رئیس تلگرافچی نفر نویسنده نفر غلام سه نفر

شاهرود و نقاط تابعه

آقاخان سرهنگ و رئیس تلگرافچی چهار نفر نویسنده نفر غلام ده نفر فراش یکنفر

سبزوار و نقاط تابعه

حبیب الله میرزا سرهنگ و رئیس تلگرافچی سه نفر غلام هفت نفر فراش سه نفر

نیشابور

محمد حسین میرزا رئیس شینلر صاحب نایب تلگرافچی نفر فراش و غلام پنجنفر

مشهد مقدس

میرزا فضل الله خان سرتیپ و رئیس تلگرافچی نفر نویسنده نفر غلام دو نفر فراش پنجنفر

استراباد

سید حسین خان سرهنگ و رئیس تلگرافچی دو نفر غلام چهار نفر فراش دو نفر

مازندران

ساری

میرزا هدایت الله خان رئیس مازندران تلگرافچی نفر

نویسنده

نویسنده نفر غلام چهار نفر فراش دو نفر

بارفروش

تلگرافچی نفر غلام دو نفر فراش دو نفر

بندرجز

تلگرافچی نفر غلام سه نفر فراش نفر

مشهدسر

تلگرافچی نفر غلام نفر فراش نفر

اشرف

تلگرافچی نفر غلام سه نفر فراش نفر

وزارت معادن

جناب جلالتمآب مخبرالدوله وزیر علوم و معادن
مسیو شنیدلر سرتیپ مهندس مرتضی قلیخان سرهنگ ولد
جناب وزیر علوم عباسقلیخان سرهنگ مهندس میرزا
عبدالکریم منشی حاجی علی اصغر امین معادن
میرزا طاهر سرهنگ معلم معدن پروسی وغیره دو نفر
سایر اجزاء
دو نفر

وزارت فواید عامه

جناب جلالتمآب امین لشکر وزیر فواید عامه
اجزای وزارت فواید عامه هنوز معین نشده است

سایر ادارات

اصطبل خاصه مبارک

امیرالامراء العظام مجدالدوله مهدیقلیخان امیرآخور اصطبل
مبارک میرزا سید کاظم مستوفی اصطبل خاصه و سایر دواب
دیوانی میرزا رضاقلی سررشته‌دار حاجی میرزا رضا
مشرف حاجی میرزا مهدی ایضا میرزا نصیر ایضا

نایبان اصطبل بیست و چهار نفر

رشیدخان میرزا ابراهیمخان ولیخان حاجی نایب
محمدبیک سایر نایبان نوزده نفر سایر عمله اصطبل
ازجلودار وغیره دویست و پنجاه نفر

کالسکه خانه مبارکه

بریاست امیرالامراء العظام امیر دوستمحمدخان معیرالممالک

صاحبمنصبان و نایبان پنج نفر

حاجی حسینعلی باشی که کلیه امورات کالسکه خانه با مشار
الیه است ابوطالب بیک نایب میرزا یعقوب
مشرف میرزا علیرضا جعفرقلی بیک
سایر عمله نود و
شش نفر

شاطران

بریاست بشیرالملک فضل‌الله‌خان شاطرباشی

جارچیان

محمدهاشمخان جارچی باشی حسنخان نایب
یحیی‌خان ایضا ابراهیمخان ایضا غلامحسینخان
ایضا

قوشخانه مبارکه

ابراهیمخان قوشچی باشی میرزا علیخان قورچی
باشی

میرشکار و اتباع

حاجی مصطفی قلیخان میرشکار علیخان ولد میرشکار
نایب غلامحسینخان ولد ایضا حبیب‌الله‌خان
سایر اتباع معروف
نه نفر

وزارت انطباعات و دار الترجمه خاصه دولتی

جناب صنیع الدوله وزیر انطباعات دولت علیه و رئیس دار الترجمه خاصه همایونی و مدیر کل باغات و قنوات دولتی

دار الترجمه مبارکه دولتی

مترجمین ایرانی از زبانهای فرانسه و انگلیسی و غیره

میرزا رحیم پیشخدمت پسر حکیم الممالک مترجم زبان انگلیسی میرزا عیسی خان سرهنگ مترجم زبان فرانسه و غیره میرزا علیخان مترجم زبان انگلیسی و فرانسه

ایضاً مترجمین ایرانی از زبانهای عربی و غیره

میرزا محمد حسین ادیب ملقب بفروغی رئیس دار الطباعه دولتی مترجم زبان فرانسه و عربی میرزا علی محمد خان سرهنگ نایب اول وزارت انطباعات مترجم زبان عربی میرزا سید مرتضی مترجم میرزا سید ولی مترجم علم جغرافیا

مترجمین فرنگی و غیره

مسیو بشاردخان سرتیپ معلم و مترجم زبان فرانسه و انگلیسی و غیره مسیو ریسکی خان سرتیپ دویم معلم و مترجم زبان فرانسه و جغرافی و اجودان مخصوص وزارت جنگ بارون نرمان مترجم زبان فرانسه و المان مادروسخان مترجم زبان فرانسه و روسی مامور بجلد نشر جانی اداره سواره قزاق روسی عارف بیک مترجم ترکی عثمانی و غیره

اجزای وزارت انطباعات و اداره روزنامجات

میرزا سید حسن مستوفی روزنامجات و دار الطباعه دولتی میرزا محمد حسین ادیب ملقب بفروغی رئیس دار الطباعه دولتی میرزا علی محمد خان سرهنگ نایب اول وزارت انطباعات میرزا ابوتراب نقاش مخصوص و نقاشباشی وزارت انطباعات میرزا سید احمد کاتب روزنامه ایران و سالنامه و غیره میرزا سید ولی مرتب حروف روزنامه اطلاع و غیره و مترجم علم جغرافی آقا میر محمد علی کاتب میرزا عباس نقاش و استاد طبع مامور بجد منطبع منطبعات مدرسه دار الفنون میرزا عباس کاتب و محرر دار الطباعه دولتی میرزا یوسف مباشر چاپخانهای دار الخلافه طهران استاد حبیب الله استاد مخصوص طبع دار الطباعه دولتی استاد محمد ابراهیم استاد طبع دستگاه سفری

ملا غلام حسین مذهب دار الطباعه دولتی استاد محمد اسمعیل صحاف دار الطباعه سایر عمله جات بیست و پنج نفر

امیرزاده عبدالغنی میرزا پیشخدمت مخصوص حضرت والا ولیعهد رئیس عمل روزنامه و باسمه خانهای آذربایجان مباشرین روزنامه سایر ولایات معتبره هشت نفر

اداره روزنامه فرهنگ منطبعه اصفهان

میرزا تقی خان سرتیپ دویم حکیمباشی حضرت والا ظل السلطان رئیس و نگارنده روزنامه فرهنگ میرزا عبدالرحیم خوشنویس متخلص بافسر محرر روزنامه

مؤلفین و اجزاء مجلس تألیف نامه دانشوران ناصری

حاجی میرزا ابوالفضل ساوجی آقا شیخ [illegible] معلم [illegible] مترجم مخصوص [illegible]

آخوند ملا آقای قزوینی مترجم میرزا سید مرتضی مترجم میرزا طاهر خوشنویس کاتب کتاب میرزا عبدالحسین مسوده نویس کتابدار نفر

اداره باغات و عمارات و قنوات مبارکه دولتی

رؤساء

حاجی میرزا حسین معتمد محمد باقر بیک باغبان باشی استاد اسمعیل مقنی باشی حاجی حسینعلی معمار مخصوص میرزا عبدالمجید خان نایب سرایدار ان سلطنت آباد و نایب کل دوشان تپه

سررشته دار و غیره

میرزا مهدی سررشته دار کل قنوات و باغات دولتی میرزا محمد علی مشرف دوشان تپه

باغبان و سرایدار کل باغات مبارکه دولتی

پانصد نفر

ولایات ممالک محروسه سوای دار الخلافه طهران که شرح ولایات در باره نوشته شده است

مملکت آذربایجان وغیره

نواب اشرف والا شاهنشاهزاده اعظم ولیعهد جاوید مهد دولت علیه فرمانفرما وحکمران مملکت آذربایجان ادام الله اقباله العالی

نواب الاعتضاد السلطنه

جناب حسنعلیخان سالار لشکر نواب حاجی سیف الدوله رئیس دیوانخانه عدلیه نواب حاجی بهاء الدوله رئیس قشون آذربایجان جناب صدیق الدوله کارگذاری وزیر مالیه دارالسلطنه آذربایجان خلف الملک
عمید الدوله حکمران مراغه امیرزاده اکبر میرزا حکمران اردبیل ومشکین سایر حکام وکارگذاران جزء آذربایجان هر یک در طبقه خود نوشته شده اند در اینجا حاجت بتکرار نیست

کارگذاران وعملجات مخصوص

در بخانه نواب اشرف والا ولیعهد

امیرزادگان وارباب مناصب وباشیان

نواب شجاع السلطنه ناظر ومهردار نواب اسحق میرزا امیرآخور نواب لطفعلیخان کشیکچی باشی حاجی محمد حسین خان صندوقدار الدوله ایشیک آقاسی باشی میرزا محمد فخر الاطبا میرزا ابو الحسن حکیمباشی میرزا شفیع مستوفی خاصه محمد اسمعیل خان صندوقدار حاجی احمدخان شاطرباشی محمد صادقخان اجودان باشی محمد حسینخان بختیاری قولرآقاسی باشی پاشاخان یوزباشی محمدخان سرهنگ یزدی حبیب الله خان صاحبجمع ولد مرحوم فتح الله خان کلبعلیخان میرشکار

منشیان ومستوفیان

میرزا فضل الله خان منشی باشی میرزا سلیمانعلی مستوفی میرزا محمد مستوفی سواد کوهی میرزا صادقخان سررشته دار مخصوص میرزا محمد علی منشی ولد جناب میرزا علیمحمد ملاباشی میرزا آقا منشی گرمرودی

عمله خلوت

خانباباخان نایب پیشخدمتباشی امیرزاده علی بخش میرزا پیشخدمت امیرزاده عبدالعلی میرزا پیشخدمت وعمله پیشخدمت ورئیس دیوانخانه آذربایجان میرزا عیسی خان پیشخدمت وکتابدار مرتضی خان ولد جناب مخبر الدوله میرزا علی اکبرخان ولد فخر الاطباء میرزا محمد علیخان کاشی حاجی میرسبحان ولد حاجی میرزا علی وکیل الرعایا حاجی محمد تقی خان ولد قلعه بیکی تبریز میرزا جواد نواده جناب وزیر دفتر امیرزاده محمد قلی میرزا احمدخان برادر حاجی خازن الملک میرزا حسینعلی ولد مرحوم حاجی میرزا رحیم حسینخان نواده جناب صاحبدیوان سلطانعلیخان فراشخلوتان چهار نفر

حاجی رضاقلیخان

عمله صندوقخانه

میرزا مهدی سررشته دار عزیز الله خان کرک یراق وغیره پنجنفر

قهوه خانه وآبدارخانه

کربلائی حسین سقاباشی اسد الله خان قهوچی باشی سایر اجزاء پنجنفر

عمله اصطبل

عبد المجید میرزا نایب سایر سی نفر

عمله فراشخانه

حسینخان نایب فراشان وغیره سی نفر

عمله کارخانه

امیرزاده مغرور میرزا نایب ناظر میرزا تقیخان نایب ناظر سایر عملجات بیست نفر

تفنگداران

اسد الله خان نایب تفنگدارباشی سایر تفنگداران ده نفر

نایب اجودانها

مهدیقلیخان اجودان حضور والا حمزه خان پسیان میرزا محمدخان

ممالک و ولایات مفصلهٔ ذیل بحکومت و فرمانفرمائی و صاحب اختیاری نواب اشرف والا شاهزاده معظم ظل السلطان ادام الله اقباله العالی بعلاوه ریاست قشون و افواج ولایات مفصلهٔ ذیل

ولایت اصفهان مملکت فارس ایالت کرمانشهان ایالت کردستان ایالت عربستان ایالت لرستان ولایت بروجرد وبختیاری ولایت یزد ایالت عراق کلپایگان خوانسار کمره محلات

اصفهان

نواب اشرف والا ظل السلطان حکمران و فرمانفرما ادام الله اقباله العالی

اجزای حکومت

امیر الامرا العظام صارم الدوله امیر تومان رئیس کل جناب مولوی ملاباشی میرزا سلیمانخان منشی باشی نایب الحکومه اصفهان مظفر الملک حاجی میرزا محسنخان سرتیپ محمد اسمعیل خان میرآخور سراج الملک میرزا رضا قلیخان مستوفی پیشکار میرزا نقیخان سرتیپ و پیر حکیمباشی علیخان رئیس مدرسهٔ همایون میرزا موسی خان ناظم الاطباء

ارباب قلم
مستوفیان و اهل دفترخانه

میرزا حبیب الله خان مستوفی بنان الملک میرزا حسینخان سررشته دار میرزا محمد حسن مستوفی میرزا علی مستوفی میرزا زین العابدین میرزا رضا صاحب جمع خزانه میرزا جعفر مستوفی مخصوص

ارباب قلم مخصوص دربخانه حضرت والا

میرزا نصرالله خان مستوفی میرزا رضا حکیم منشی مخصوص حاجی میرزا ابراهیم مستوفی میرزا حسنعلیخان منشی میرزا نقیخان منشی

مملکت فارس

نواب اشرف والا ظل السلطان فرمانفرمای مملکت فارس ادام الله اقباله العالی نواب احتشام الدوله نایب الایاله مملکت فارس جناب صاحب دیوان اتابک کل مملکت فارس جناب قوام الملک حاجی نصیر الملک مؤید الملک

میرزا حسینخان محمد رضا خان بیگلربیگی حاجی میرزا آقا خان وکیل بنان الملک جناب میرزا علی محمد ملاباشی میرزا محمد حسین لله باشی میرزا علی محمد خان منشی باشی حاجی میرزا جعفر حکیمباشی

کرمانشهان و کردستان

نواب اشرف والا ظل السلطان فرمانفرما ادام الله اقباله العالی جناب ناصر الملک حکمران کرمانشهان و کردستان جناب میرزا محمد اقبال الملک نایب الایاله کردستان مصطفی قلیخان نایب الحکومه کرمانشاهان

عربستان

نواب اشرف والا ظل السلطان حکمران ادام الله اقباله العالی شاهزاده احتشام السلطنه نایب الایاله عربستان شیخ مزعل خان نایب الحکومه محمره آقا رضای مستوفی و سررشته دار

لرستان و بروجرد

نواب اشرف والا ظل السلطان ادام الله اقباله العالی حکمران

لرستان

شاهزاده حشمة الدوله نایب الایاله لرستان شاهرخ میرزا نایب الحکومه خرم آباد میرزا عبدالله منشی میرزا جعفر قلی میرزا سید رضا مستوفی و سررشته دار

بروجرد

شاهزاده حشمة الدوله نایب الایاله بروجرد میرزا سید ابراهیم سررشته دار

یزد

نواب اشرف والا ظل السلطان حکمران ادام الله اقباله العالی ابراهیم خلیل خان نایب الحکومه محمود آقا میرزا محمد مستوفی میرزا ابوالقاسم منشی

عراق وغیره

نواب اشرف والا ظل السلطان حکمران ادام الله اقباله العالی میرزا علی اکبر خان نایب الحکومه میرزا سید رضا سررشته دار محمد صادق خان

کلپایگان و خوانسار و کمره

نواب اشرف والا ظل السلطان حکمران ادام الله اقباله العالی

نایب

نایب الحکومه گلپایگان نایب الحکومه خوانسار نایب الحکومه کمره

قشون و افواج جمعی نواب اشرف والا ظل السلطان

ادام الله اقباله العالی

افواج

افواج ثلثه اصفهان افواج خمسه عراق افواج اربعه کرمانشاهان
فوج کمره فوج سیلاخور فوج گلپایگان فوج امرائی
فوج پشتکوهی

سواره دو هزار و پانصد نفر

سواره بختیاری اصفهان پانصد نفر سواره ایلات فارسی پانصد نفر
سواره ایلات بروجرد پانصد نفر سواره ایلات کرمانشاهان
پانصد نفر سواره لرستانی وغیره پانصد نفر

صاحبمنصبان افواج

افواج ثلثه اصفهان

فوج جلالی

حاجی میرزا عبدالوهاب خان سرتیپ نواب والا جلال الدوله
سرهنگ حاجی میرزا محمد علی مشرف

فوج فریدن

حاجی مصطفی قلیخان سرتیپ میرزا احمد خان سرهنگ
میرزا سلیمان مشرف

فوج چهار محالی

میرزا عبدالحسین خان سرهنگ
میرزا محسن مشرف

افواج خمسه عراق

فوج برچلو

محمد خان سرتیپ میرزا محمد علی مشرف

فوج خلج قم

میرزا محمد حسین مشرف

فوج کزازی

حاجی صمصام الملک سرتیپ ذوالفقار خان سرهنگ
میرزا تقی مشرف

فوج سربندی

مصطفی خان سرهنگ میرزا فتح الله
مشرف

فوج فراهان

نواب ناصر الدوله سرتیپ محمد طاهر خان سرهنگ
میرزا اسمعیل مشرف

افواج اربعه کرمانشاهان

جزء آن معین نشده است

افواج کمره وغیره

فوج کمره

جزء ندارد

فوج گلپایگان

با[...] سرهنگ میرزا آقا[...] مشرف

فوج سیلاخوری

رضا خان سرهنگ میرزا افضل الله مشرف

افواج لرستانی

فوج امرائی فوج پشتکوهی

ولایات و ایالاتیکه حکومت آنها در اداره

نواب اشرف والا نایب السلطنه امیر کبیر وزیر جنگ ادام
الله اقباله العالی است

ایالت گیلان

جناب عبدالله خان والی حکمران گیلان و طوالش
میرزا سید تقی لشکر نویس پیشکار گیلان

ایالت دار المرز مازندران

امیر الامراء العظام محمد ابراهیم خان سهام الدوله سرتیپ
اول حکمران مازندران

استراباد و گرگان و ترکمان

امیر الامراء العظام ساعد الدوله امیر تومان حکمران
استراباد و گرگان وغیره

قم و ساوه و شاهسون بغدادی

جناب معتضد الدوله حکمران قم و ساوه و شاهسون بغدادی

اجزای حکومت و معارف قم

امیرزاده عباس میرزا نایب الایاله نصرالله خان پیشکار
جناب متولیباشی جناب حاجی سید جواد مجتهد

اداره ساوه

علیخان نایب الحکومه حاجی میرزا احمد مجتهد

اداره شاهسون بغدادی

میرزا محمد حسین نایب الحکومه

ملایر و تویسرکان و نهاوند

نواب وجیه الاعتضاد الدوله حکمران ملایر و تویسرکان و نهاوند

اسدالله خان نایب الحکومه نهاوند

دماوند

حاجی میرزا یحیی خان حکمران دماوند

فیروزکوه

میرزا فضل الله خان حاکم فیروزکوه

سایر ممالک و ولایات محروسه ایران

مملکت خراسان و سیستان

نواب وجیه الارکن الدوله فرمانفرمای مملکت خراسان و سیستان

نواب معین الدوله نایب التولیه نواب نیرالدوله پروین میرزا امیرزاده علینقی میرزا نایب الحکومه جناب حاجی مستشارالملک مستوفی اول و پیشکار مملکت خراسان

مملکت کرمان و بلوچستان

نواب ناصرالدوله حکمران کرمان و بلوچستان میرزا سید کاظم مستوفی و پیشکار مالیات

قزوین

نواب وجیه الاملک آرا حکمران قزوین و توابع

ولایات خمسه

نواب مؤیدالدوله حکمران ولایات خمسه میرزا محمد حسین مستوفی و پیشکار

همدان

نواب وجیه الاعزالدوله حکمران همدان امیرزاده حسینقلی میرزا نایب الحکومه میرزا احمد پیشکار همدان

کاشان

حاجی عباسقلیخان قاجار حکمران ولایت کاشان میرزا سید حسن پیشکار کاشان میرزا حسن سررشته دار

سمنان و دامغان

امیرزاده انوشیروان میرزا ضیاء الدوله حکمران سمنان و دامغان

شاهرود و بسطام

محمدخان نایب ایشیک آقاسی باشی حکمران شاهرود و بسطام

کردستان

جناب حسنعلیخان سالار لشکر حاکم ارومی و سلماس و کردستان و غیره

لطفعلیخان نایب الحکومه کردستان

خرقانین

بحکومت امیرالامراء العظام اللهیارخان ناجو دانباشی امیر تومان

کنگاور

بحکومت رحمت الله خان ساری اصلان

اسدآباد

بحکومت باباخان سرتیپ امیرالامراء العظام سلیمانخان صاحب اختیار

نطنز

حکومت نواب مؤیدالدوله و حاجی حسام السلطنه در جزو میرزا محمد تقی حکمران نطنز

جوشقان

بحکومت کاشتکان امیرزاده معزالدوله

طارم

آقا باقر نایب الحکومه طارم از جانب جناب امین السلطان

سوادکوه

حاجی ولیخان نایب الحکومه سوادکوه از جانب جناب امین السلطان

ممالک خارجه

اروپ

دولت آستریه و مجارستان

امپراطور فرانسوا شارل ژزف در سنه ۱۲۴۴ هجری متولد شده
ولیعهد آرشی دوک رودلف فرانسوا شارل ژزف پای تخت وینه
صدر اعظم و وزیر دول خارجه کنت کالنکی مذهب دولتی کاتولیک
و پروتستان هم دارد جمعیت هفتاد کرور

دولت اسپانیا

پادشاه الفونس دوازدهم سنش بیست و شش سال وزیر اعظم
گانواس دل کاستیلو مذهب دولتی کاتولیک جمعیت سی و
سه کرور و سیصد و سی و پنجهزار نفر پای تخت مادرید

دول معتبره المان

جمعیت کلیه هشتاد و چهار کرور مذهب دولتی پروتستان
و بعضی کاتولیک هستند

اولاً باد

فرمانفرما فردریک گیلیوم لوی سنش پنجاه و هفت سال
ولیعهد فردریک گیلیوم لوی پلا گوست سنش بیست و شش سال
پای تخت کارلسرو مذهب پروتستان

باویر

شاه لوی دوییم اتن فردریک گیلیوم سنش سی و هشت سال
پای تخت مونیک مذهب کاتولیک

پروس

امپراطور المان و پادشاه پروس فردریک گیلیوم اول در سنه ۱۲۱۲
هجری متولد شده و در سنه ۱۲۸۸ با امپراطوری المان برقرار گردید
و سنش هشتاد و شش سال است ولیعهد فردریک گیلیوم
نیکلا شارل سنش پنجاه و دو سال وزیر اعظم پرنس بیزمارک
مذهب دولتی پروتستان و بعضی هم کاتولیک هستند
پای تخت برلن

دولت ساکس

شاه البر فردریک اگوست آنتوان فردینان ژزف شارل ماری
باتیست سوموس گیلیوم کزاویه ژورز فیدل سنش پنجاه و پنج
سال پای تخت درزد مذهب دولتی پروتستان و
قدری کاتولیک

وریمبرغ

شاه شارل اول فردریک الکساندر سنش شصت سال پای تخت
اشتوتکارت مذهب دولتی پروتستان و قدری کاتولیک

دولت انگلستان و ارلند و اسکاتلند

پادشاه ملکه ویکتوریا الکساندرین سنش شصت و سه سال ولیعهد
پرنس البرت ملقب به پرنس دوگال سنش چهل و دو سال وزیر
اعظم مسیو گلادستون پای تخت لندن جمعیت تمام این مملکت از
انگلیس و ارلند و اسکاتلند از قرار سنه ماضیه شصت و هفت کرور
و سیصد هزار نفر و جمعیت تمام ممالک منضمه انگلیس از هندوستان
وغیره چهارصد و هفتاد و شش کرور مذهب دولتی پروتستان
و مذهب مملکت ارلند کاتولیک فرمانفرمای هندوستان
لرد اسپنسر

دولت ایطالیا

پادشاه هومبر اول سنش سی و هشت سال ولیعهد ویکتور
امانوئل پرنس ناپل سنش چهارده سال وزیر اعظم مسیو دپرتیس
مذهب کاتولیک جمعیت پنجاه و چهار کرور و چهارصد و هشتاد
و دو هزار نفر پای تخت رم

دولت بلژیک

پادشاه لئوپلد دوییم سنش چهل و هشت سال پای تخت بروکسل
جمعیت ده کرور و سیصد و سی و شش هزار نفر مذهب دولتی کاتولیک

دولت پرتوغال

پادشاه لوی فیلیپ ماری فردیناند پدر سنش چهل و پنج سال ولیعهد
شارل فردیناند لوی ماری وزیر اعظم رودریکس سامپایو پای تخت
لیزبن جمعیت در اروپ نه کرور و یکصد و هفتاد و دو هزار نفر
خارج از اروپ شش کرور و دویست و هشتاد و یکهزار نفر

دولت پی با

که هلاند نیز نامند

پادشاه گیلیوم سیم الکساندر پل فردریک لوی سنش شصت

سنش سال و ولیعهد گیلیوم الکساندر شارل فردریک سنش سی و
پنجسال پای تخت لاهه جمعیت هفت کرور و سیصد و نه هزار نفر
مذهب دولتی پروتستان

دولت دانمارک

پادشاه کریستیان نهم سنش شصت و پنجسال ولیعهد کریستیان فردریک
گیلیوم شارل سنش سی و هشت سال وزیر اعظم یعنی رئیس
وزرا استروپ پای تخت کپنهاگ مذهب دولتی پروتستان
جمعیت سه کرور و دو چهار صد و سه هزار نفر

دولت روس

امپراطور روس الکساندر سیم سنش سی و هشت سال ولیعهد
گراندوک نیکلا الکساندرویچ سنش پانزده سال
مسیو دوگیرس وزیر خارجه
جمعیت صد و هفتاد و هفت کرور و
دویست هزار نفر مذهب ارتودکس یونانی و مذاهب متفرقه هم
دارد پای تخت سنت پطرزبورغ

دولت رومانی

پادشاه شارل اول سنش چهل و چهار سال پای تخت بخارست
وزیر اعظم ایسپانیسک جمعیت ده کرور و سیصد و هفتاد و
شش هزار نفر مذهب ارتودکس یونانی

دولت سربی

پادشاه میلان اول پای تخت بلگراد ولیعهد که سنش هشت سال است
پرنس الکساندر وزیر اعظم پیرشانان جمعیت سه کرور و
یکصد و هشتاد و دو هزار و پانصد نفر مذهب کاتولیک
و یونانی

دولت سویس

رئیس جمهوری مسیو کاپلر وزیر اول شیس پای تخت برن
مذهب نصفه پروتستان و نصفه کاتولیک جمعیت پنج
کرور و سیصد هزار نفر

دولت عثمانی

سلطان عبدالحمید خان سنش چهل سال ولیعهد
وزیر اول سعید پاشا پای تخت
اسلامبول مذهب دولتی مسلمان سنی علیسوی و غیره نیز دارد
جمعیت این قرار سنه ماضیه تحقیقاً معلوم نیست

دولت فرانسه

رئیس جمهوری ژول گروی وزیر اعظم و وزیر امور خارجه مسیو
فرسینه پای تخت پاریس مذهب دولتی کاتولیک جمعیت هفتاد
و دو کرور و صد و دو هزار نفر

ایالات مونتنگرو

پرنس نیکلای اول سنش چهل و دو سال ولیعهد پرنس دانیلو
سنش نوزده سال وزیر اول پتروویچ پای تخت ستینیه جمعیت
یک کرور و سی و شش هزار نفر مذهب ارتودکس یونانی
کمی هم کاتولیک و مسلمان هم دارد

دولت یونان

پادشاه ژرژ اول سنش سی و هشت سال ولیعهد قسطنطین
پای تخت آتن جمعیت نفر تقریباً سه کرور و چهار صد و شصت
هزار نفر مذهب علیسوی
یونانیست

آسیا

دولت چین

امپراطور گوانگ سو سنش دوازده سال وزیر اعظم شاهزاده
کنگ پای تخت پکن مذهب دولتی بودا مذهب هستند مسلمان و
غیره هم دارد جمعیت کلیه هشتصد و شصت و هفت کرور و
جمعیت تبعیت هشتصد و نه کرور و چهار صد و چهل و شش
هزار و صد و چهار نفر جمعیتی که زیر حمایت هستند پنجاه و
هفت کرور

دولت ژاپن

امپراطور (میکادو) موتسهیتو سنش سی و یک سال ولیعهد
چکاشی نوشیمی نما وزیر اعظم ساجو پای تخت توکیو مذهب
بودا مذهب جمعیت سی و شش کرور و صد و دو هزار نفر

دولت سیام

پادشاه

پادشاه ینان

وزیر اول ینا یوفرا با سوریونگ سی

پای تخت بان گک مذهب بودا مذهب

جمعیت دوازده کرور و سیصد هزار نفر

افریقیه

ایالت تونس

والی سیدی علی بیك پای تخت تونس جمعیت چهار کرور

دولت حبشستان

امپراطور که نکوس یوحنا اسمش ژان پای تخت گندار جمعیت دویا سه کرور مذهب دولتی کاتولیك مسلمان وغیره هم دارد

دولت زنگبار

سلطان سید برکش بن سعید پای تخت بندر زنگبار جمعیت جزیرهٔ زنگبار صد هزار نفر اما تمام جمعیت آن مملکت مشخص نیست مذهب مسلمان

جزیرهٔ ماداکاسکار

پادشاه ملکه رانا والهٔ دویم پای تخت تاناناف جمعیت پنج کرور

دولت مارق

سلطان مولا حسن پای تخت طانجه جمعیت دوازده کرور مذهب مسلمان

ایالت مصر که جزو سلطنت عثمانی است

خدیو توفیق پاشا پای تخت قاهره مذهب اسلام سنی جمعیت تمام مصر سی و شش کرور

امریکا

ینگی دنیای شمالی

جمهوری اتازونی

رئیس جمهوری ارتور پای تخت واشینگتون مذهب اغلب پروتستان وغیره جمعیت هفتاد و هفت کرور و سیصد هزار نفر

جمهوری مکسیك

رئیس جمهوری اسمش پودیو دیاس پای تخت مکزیك مذهب کاتولیك جمعیت هیجده کرور و دویست و هفتاد و شش هزار نفر

ینگی دنیای مرکزی

جمعیت کل پنج کرور و صد هزار نفر

جمهوری سان سالوادر

رئیس جمهوری پای تخت سان سالوادر جمعیت چهل هزار نفر

جمهوری کاستاریکا

رئیس جمهوری گواردیا پای تخت سان ژوزه جمعیت بیست و پنج هزار نفر

جمهوری گواتمالا

رئیس جمهوری ژزه روفینو باریس پای تخت گواتمالا جمعیت سه کرور و صد هزار نفر مذهب کاتولیك

جمهوری نیکاراگوا

رئیس جمهوری دن پدرو شامرو پای تخت ماناگا

جمهوری اوندورا

رئیس جمهوری مرکو اورلیو سوتو پای تخت کومایاگا

ینگی دنیای جنوبی

جمهوری آرژانتین

رئیس جمهوری نیکلا اولاندا پای تخت بنوز جمعیت دو کرور و سیصد هزار نفر

جمهوری اکواتر

رئیس جمهوری ابن سونتیلا پای تخت کی تو جمعیت دو کرور و چهل هزار و سیصد و هفتاد و یک نفر

جمهوری اوروگی

رئیس جمهوری دن لونزولاژ پای تخت منت ویدئو جمعیت چهارصد هزار نفر

برزیل

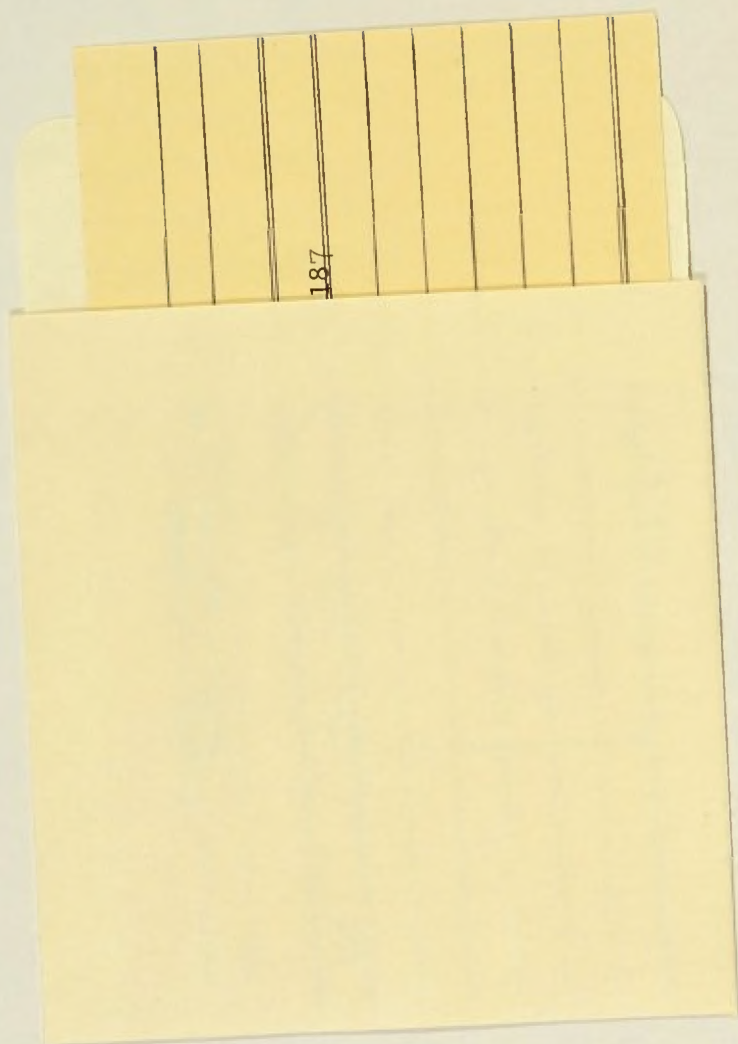
امپراطور پدرو دویم پای تخت ریو ژانرو جمعیت بیست

کرور

بسمه تبارک و تعالی

جلد سیم کتاب منتظم
ناصری تاریخ قاجاریه از مؤلفات
جناب صنیع الدوله محمد حسنخان وزیر
انطباعات و دار الترجمه همایونی از سال هزار
و صد و نود و چهار الی سال هزار
و سیصد هجری

قیمت دوازده هزار
سنه ۱۳۰۰


187

